استفتائات

آیت الله بهجت (ره)




بسم الله الرحمن الرحيم

استفتائات آیت الله شیخ محمدتقی بهجت

نویسنده:

محمد تقی بهجت

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله محمدتقی بهجت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات آیت الله بهجت

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ – ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدیدآور: استفتائات از محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت مُدَّ ظِلُّهُ العَالِی.

مشخصات نشر: قم : دفتر حضرت آیه الله العظمی محمدتقی بهجت ، – ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری: ۴ج.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ریال (دوره) ؛ ج. ۱ : ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۹۶۹۴۲ –

۲ – ۱ ؛ ج.

۲ چاپ اول : ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۹۶۹ – ۴۲۳ – ۸ ؛ ج. ۳ : ۹۷۸ – ۹۶۴ — ۹۶۹ – ۹۴۲ –

۴ – ۵ ؛ ج. ۴: ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۹۶۹۴۲ –

۵ – ۲

یادداشت: ج.

۲ ۳ و ۴ (چاپ اول:

تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فقه جعفری – رساله عملیه

موضوع: فتوا های شیعه – قرن ۱۴

شناسه افزوده:

دفتر حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت

رده بندی کنگره: ۹ / BP۱۸۳ /ب۸۷الف۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۳۹۰۰

تقریظ

باسمه تعالی

مجموعه استفتائات حاضر بخشی انبوه استفتائات واصله به دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت مُدَّ ظِلِّهُ العَالِیست که از میان استفتائاتی که توسط معظم له پاسخ داده شده انتخاب و تبویب گردیده است.

بنا بر این پاسخهای ارایه شده در این مجموعه مطابق با نظر شریف حضرت آیت الله العظمی بهجت مُدَّ ظِلِّهُ العَالِی می باشد

بخش استفتاء دفتر حضرت آیت الله بهجت مُدَّ ظِلِّهُ العَالِی.

احکام بلوغ و تکلیف

سن بلوغ پسران و دختران

۱. به نظر حضرت عالی سن بلوغ پسران و دختران داخل شدن در پانزده سال و نه سال قمریست یا تمام کردن پانزده سال و نه سال قمری؟

ج. تمام کردن آن سال ها، میزان بلوغ دختر و پسر است.

رابطه بلوغ و رشد

۲. آیا کسی که بالغ شد، رشید هم هست؟

ج. غالباً بلوغ و رشد با هم ملازمت دارند، مگر در بچّه هایی که به نوعی عقب افتادگی داشته باشند.

جهل به تاریخ تولد

۳. برخی از افراد به علت آن که تاریخ موجود در شناسنامه، تاریخ واقعی تولد آنها نیست؛ تاریخ تولد و در نتیجه تاریخ بلوغ خود را نمی دانند، وظیفه چنین کسانی در محاسبه ی سن بلوغ چیست؟

ج. تا یقین ندارند، تکلیف ندارند؛ اگر چه احتیاط خوب است.

اختلاف زمان تکلیف به اصول و فروع

۴. آیا به نظر حضرت عالی زمان مکلف شدن به اصول دین همان زمان مکلف شدن به احکام شرعی است؟

یا تفاوتی بین این دو وجود دارد؟

ج. تفاوتی وجود ندارد.

تفصیل بین احکام نسبت به دختران

۵. آیا برای دختر از حیث بلوغ می توان بین عبادات و عقود و ایقاعات تفاوتی قایل شد؟ برای اجرای حدود و قصاص چه طور؟

ج. خیر، تفاوتی نیست؛ مگر در موردی خاص که بنا بر یک جهتی تفاوت وجود داشته باشد.

خون دیدن قبل از نه سالگی در دختران

۶. آیا دیدن خونی که دارای صفات حیض است، قبل از نه سالگی علامت بلوغ دختر است؟

ج. اگر علم به تاریخ تولّد خود دارد، خیر علامت بلوغ او نیست و اگر علم ندارد، پس اماره بودن صفات حیض بر حیضیّت و بلوغ محل تأمّل است، بلی اگر علم به حیض بودن پیدا کرد، این اماره است بر بلوغ مجهول که محتمل است.

تغییر جنسیّت

۷. آیا تغییر جنسیّت، که موجب تغییر در تکالیف شرعی می شود جایز است؟

ج. خیر، حرام است.

غسل های واجب شده قبل از بلوغ

۸. چه غسل هایی ممکن است قبل از بلوغ بر انسان واجب شده باشد؟

ج. غسل مس میّت، در صورتی که به بدن سرد شده میتی قبل از تمام شدن سه غسل دست زده باشد و نیز غسل جنابت، در صورتی که پیش از بلوغ، تجاوز جنسی به او شده و یا تجاوز جنسی نموده باشد و همچنین غسل استحاضه ی متوسطه و کثیره، اگر قبل از بلوغ دیده است.

غسل های قبل از بلوغ

۹. اگر یکی از اسباب وجوب غسل برای انسان نابالغ رخ داده و او در همان زمان غسل کرده باشد، آیا همان غسل کفایت می کند یا پس از بلوغ باید مجدداً غسل نماید؟

ج. اگر غسل صحیح انجام داده کافی است.

اتّصاف اطفال بر صفت کفر و اسلام

۱۰. آیا اطفال پیش از بلوغ، متصف به صفت اسلام و کفر می شوند؟

ج. متصف نمی شوند، لکن بر اطفال کفار احکام کفار و بر اطفال مسلمین احکام مسلمین به تبعیت جاری می باشد.

وجوب یادگیری عقاید

۱۱. وجوب یادگیری اصول عقاید، وجوب شرعیست یا وجوب عقلی؟ و ترک این واجب چه عواقب و پی آمدهایی به دنبال خواهد داشت؟

ج. وجوب عقلی و شرعی است؛ البته یادگیری اجمالی هم کافی است، ولی اگر آموزش، تفصیلی و برهانی باشد؛ انسان از اضلالات و گمراهی ها مصون است.

قدرت انجام تکالیف

۱۲. معنای قدرت در انجام تکالیف چیست؟

ج. قدرت عادی و عرفی ملاک است.

اصول اسلام و اصول ایمان

۱۳. آیا اصول اسلام و اصول ایمان با هم فرق می کند؟

ج. اصول اسلام سه امر: توحید، نبوت و معاد است و اصول ایمان عدل و امامت می باشد.

آثار انکار اصول اسلام

۱۴. انکار اصول اسلام چه آثار شرعی به دنبال دارد؟

ج. اگر انکار کننده محکوم به اسلام و پس از بلوغ ابایی از وصف اسلام داشته باشد، اجرای احکام مرتد بنا بر احتیاط واجب باید پس از اقامه ی براهین محکم و ادلّه ی روشنگر باشد به گونه ای که معلوم شود ابای او بعد از آنها، از روی عناد و لجاج دشمنی و برای اغراض فاسد دنیوی بوده است.

تفصیل احکام راجع به کافر و مرتد در رساله ی توضیح المسائل «۱» آمده است که اجمال آن عبارت است از: ۱) نجاست؛

۲) صحیح نبودن عقد او برای مسلمان؛

۳) ارث نبردن او از مسلمان، اگر چه پدر او باشد؛

۴) مالک نشدن کنیز و غلامی که مسلمان باشند؛

۵) حلال نبودن حیواناتی که ذبح می کند؛

۶) واجب نبودن غسل، کفن و نماز بر جسد او؛

۷) میته بودن پوست، کفش، دنبه و هر چیزی از اجزای حیوانات که در دست او است؛

۸) عدم جواز دادن قرآن به دست او؛

۹) عدم جواز دخول در مسجد و مشاهد مشرفه.

(۱). به مسائل ۹۹، ۱۱۰، ۱۴۰، ۴۶۰، ۷۴۳، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۹۱۶، ۱۹۴۶، ۱۹۴۹، ۲۰۸۳، ۲۰۸۸، ۲۰۹۶ و ۲۲۵۹ رجوع شود.

آثار بی اعتقادی به اصول ایمان

۱۵. آثار بی اعتقادی به اصول ایمان چیست؟

ج. ۱) عدم صحت عبادات؛

۲) جایز نبودن دادن زکات و خمس و فطریّه به او.

تحقیقی بودن اصول دین

۱۶. مراد از تحقیقی بودن اصول دین چیست؟

ج. مراد اینست که هر کسی باید با دلیل و برهان آنها را تحصیل کند و مجرّد تقلید از دیگران نباشد، البته دلیل اجمالی و ارتکازی هم کافی است.

اعتبار یقین در اصول دین

۱۷. یقین در اصول دین به چه معنا است؟

و آیا این یقین هر چند از گفته ی علما و مبلّغین و پدر و مادر به دست آمده باشد، کفایت می کند یا باید به پشتوانه دلیل های کلامی به دست آمده باشد؟

ج. مقصود از یقین، در اینجا، یقین به معنای عرفیست که از هر طریق حاصل شود کفایت می نماید.

شک و ظن در اصول دین

۱۸. اگر کسی اصول دین خود را بنا بر اعتقادات پدری و مادری خود فراگرفته و به آن یقین دارد، آیا همین مقدار کافیست یا لازم است آنها را با دلیل های برهانی و طرق یقینی فراگیرد؟

ج. همان یقین که سبب عقد و پیوند قلبی شود کافی است؛ ولی به دست آوردن دلیل و برهان تفصیلی برای عدم انحراف و گمراهی انسان با شبهات گمراه کنندگان، مطلوب است.

ایام تحقیق در اصول دین

۱۹. حکم کسی که مدتی در صدد تحقیق و بررسی از اصول دین بوده است، به لحاظ نجاست و طهارت و ... چیست؟

و اگر در چنین ایامی بمیرد، آیا در پیشگاه خداوند مؤاخذه می شود؟

ج. اگر تقصیر و کوتاهی در تحقیق نکرده، مؤاخذه ندارد؛ ولی اگر عقد قلبی نداشته و به شهادتین اقرار نکند، حکم کافر را دارد.

وجوب نماز در ایام تحقیق

۲۰. کسی که در پی تحقیق از اصول دین است و هنوز اعتقادی به دین اسلام پیدا نکرده است، آیا نماز بر او واجب است؟

ج. نماز بر همگان واجب است و تحقیق در اصول پنج گانه دین سهل الوصول و هم چون امور ضروری و بدیهیست و نیاز به زمان طولانی ندارد، به خلاف جزئیات و فروعات اعتقادی که زمان زیادی نیاز دارد.

عدم توانایی تقریر عقاید

۲۱. اگر همه ی عقاید حقّه در ذهن فردی ثابت باشند و آنها را بداند؛ اما اگر از او بپرسند نتواند تقریر کند، آیا همین مقدار دانستن کفایت می کند؟

ج. بله کفایت می کند.

اقرار به شهادتین و شک قلبی به اصول دین

۲۲. اگر کسی به شهادتین اقرار زبانی نماید؛ امّا در دل خود نسبت به یک یا چند رکن از اصول دین مثل توحید، تردید و شک داشته باشد، عقد نمودن زن مسلمان برای او چه حکمی خواهد داشت، حکم طهارت بدن و ذبیحه او چه می باشد؟

ج. محکوم به اسلام است.

برخی عبارت های رایج کفرآمیز

۲۳. در میان مردم عبارت هایی رایج است که بوی کفر می دهد، مثل این که فرد می گوید:

اگر قیامتی باشد، به هم می رسیم، اگر خدایی بود، نمی گذاشت او این عمل را انجام دهد، کی از آن دنیا برگشته که بگوید خبری هست؟!

چه خدایی، چه پیغمبری؟ و ... آیا با به زبان آوردن چنین کلماتی حکم بر کفر این شخص می شود؟

ج. موارد آن مختلف است و بعضی از این عبارت ها با مسلمان بودن سازش ندارد.

ظن به مضمون شهادتین

۲۴. اگر کسی به مضمون شهادتین ظن داشته باشد، ولی در عین تمکن از تحصیل یقین، به دنبال به دست آوردن یقین نباشد، آیا حکم شاك و مردد را دارد؟

و آیا در قیامت نجاتی برای او متصور است و در دنیا آیا حکم مسلمین بر او جاری می گردد؟

ج. اگر اقرار زبانی و عقد قلبی دارد، مسلمان است.

وسوسه های اعتقادی

۲۵. اگر کسی به عقاید صحیح معتقد باشد، ولی برخی خیالات و وسوسه ها در قلب او رسوخ کرده است و یا بعضی کلمات کفرآمیز در ذهن او می آید - که از وجود آنها کراهت دارد و از آنها اذیت می شود، راه خلاصی از چنین وسوسه هایی چه می باشد؟

ج. ذکر تهلیل (لا ـ اله الا ـ اللّه) و معوذتین (سوره های قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس) را زیاد بخواند و اختیاراً آن فکرها را نکند.

دیوانگی پس از بلوغ

۲۶. اگر کسی پس از بلوغ درصدد تحصیل یقین نسبت به اعتقادات صحیح برنیاید و پس از آن دیوانه شود، آیا حکم به مسلمان بودن او می توان کرد؟

ج. اگر اقرار به شهادتین می کرده است مسلمان است.

مستضعف اعتقادی

۲۷. در این عصر مستضعف اعتقادی (در اصول اسلام و در اصول ایمان) به چه کسی اطلاق می شود؟

ج. کسی که زمینه فهم و یا زمینه دست یابی به اصول اسلام برایش فراهم نباشد.

مستضعفین شیعی

۲۸. مستضعفین از شیعه که اعتقاد به خدا و پیامبر داشته و وصایت حضرت علی علیه السّلام را نیز قبول دارند، لکن ائمه علیهم السّلام را به ترتیب نمی شناسد یا معنی امام را نمی فهمند، آیا احکام ایمان بر آنان جاری می شود؟ و دادن زکات و فطره و رد مظالم به ایشان صحیح است؟

ج. در مسأله ی ۱۵۸۳ رساله حکم مصارف نسبت به مطلق استضعاف بیان شده است، امّا نسبت به شیعه میزان، معرفت به رکن اخیر ایمان – که حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند – می باشد.

عدم اعتقاد به غیبت و حیات امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف

۲۹. کسی که به غیبت و حیات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد نداشته باشد، آیا احکام مؤمن بر او جاری می شود؟

ج. خیر، مؤمن نیست.

شک نسبت به انگیزه امام حسین علیه السّلام در جنگ

۳۰. فردی نسبت به انگیزه امام حسین علیه السّلام در جنگ با یزید تردید کرده و می گوید:

حضرت – نعوذ باللّه – برای کسب قدرت و مقام جنگیدند، چنین شخصی چه حکمی دارد؟

ج. عقاید او ناقص است.

تردید پس از ایمان

۳۱. اگر کسی سال ها بر اساس اعتقاداتی که از طریق تقلید به دست آورده بود زندگی کرده و در آنها راسخ نبوده و سپس به شک و تردید افتاده است و درصدد تحقیق برآمده و پس از یک یا دو سال به عقاید صحیح یقینی دست یافته است، آیا در ایام تردید حکم به ارتداد او می شود؟

ج. خیر.

مخالفت عملی و قولی و موافقت قلبی

۳۲. اگر کسی در گفتار و یا عمل منکر خدا و پیامبر و یا یکی از ضروریات دین شود؛ امّا قلباً به آن معتقد باشد، چه حکمی دارد؟

ج. اعتقـاد قلبی فقـط کـافی نیست؛ مگر در موارد اکراه بـا عـدم تمکّن از توریه بـا التفات و توجه و بـدون عسـر و فشار، جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۰ رساله رجوع شود.

شرایط سب و دشنام برای ارتداد

۳۳. سب و دشنام به خداوند و پیامبر و اولیای الهی در چه صورتی باعث ارتداد می شود؟

ج. در صورتی که شرایط زیر در فرد موجود باشد:

۱) بلوغ؛

۲) عقل؛

۳) اختیار؛

۴) گفتن بدون سهو و غفلت، بلکه با قصد و آگاهی؛

۵) دانستن معنی لفظ سب و آن چه می گوید و قصد آن.

استخفاف و سبک شمردن مستحبات

۳۴. آیا استخفاف و سبک شمردن مستحبات - مثل این که انسان بگوید، نماز شب چیست؟!

- یا التزام به عدم انجام یک عمل مستحبی، حرام است؟

و آیا چنین عملی موجب ارتداد می گردد؟

ج. این اعمال، مذموم؛ بلکه در بعضی موارد حرام است، ولی تا وقتی که به انکار رسالت برنگردد، سبب ارتداد نمی شود.

یاد نگرفتن نماز در اوایل بلوغ

۳۵. اگر کسی در اوایل بلوغ نتواند نماز را به درستی یاد بگیرد و بخواند، آیا می تواند مثلاً عوض گفتن تکبیره الاحرام ترجمه آن به فارسی یعنی «خدا بزرگتر است» را بگوید؟ عوض از حمد که از یادگیری آن عاجز است چه باید بکند؟

ج.

گفتن تکبیر که سهل و آسان است و در غیر آن به مسأله ی ۸۲۱ و ۸۲۲ رساله رجوع شود.

یادگیری بخش هایی از حمد پس از بلوغ

۳۶. فردی فقط بخشی از حمد را پس از بلوغ یاد گرفته است و نسبت به یادگیری بقیه آن مشکل دارد، تکلیف او نسبت به نمازهایی که تا وقت یادگیری کامل می خواند چیست؟

ج. در این رابطه به مسأله ی ۸۲۱ و ۸۲۲ رساله رجوع شود.

حکم گناهان قبل از سن تکلیف

۳۷. اگر قبل از سن تکلیف گناهانی داشته باشیم که گفتن آنها موجب رسوایی است، حکم آن چیست؟

ج. لازم نیست آنها را بگویید.

قضای نمازهای اشتباه

۳۸. بعد از سن تکلیف بعضی از واجبات را درست انجام نداده ام، الآن چگونه باید آنها را قضا نمایم؟

ج. هر مقداری که باطل بوده را باید قضا کنید.

احکام اجتهاد و تقلید

راه های سهگانه: تقلید، اجتهاد و احتیاط

فرق تقلید ممدوح و مذموم

۳۹. تفاوت تقلید و انجام کورکورانه اعمال که مورد مذمت است چیست؟

ج. عمل از راه تقلید صحیح، عمل با حجّت و آگاهانه است.

تقلید، عقلیست یا شرعی؟

۴۰. آیا تقلید علاوه بر آن که یک مسأله ی عقلی است، ادلّه ی شرعی نیز برای اثبات آن وجود دارد؟

ج. مسأله ی تقلید امری عقلیست و آیات و روایات به آن ارشاد دارند.

عمل به حکم عقل به جای تقلید

۴۱. آیا در مواردی می توان به حکم عقل عمل کرد و در مسائل احکام به مجتهد رجوع نکرد؟

ج. خیر، چون عقل انسان از ادراک مسائل شرعیه قاصر است.

تفاوت تقلید عقلی با تقلید شرعی

۴۲. ثمره ی عملی عقلی بودن تقلید یا شرعی بودن آن برای مقلّدین چیست؟

ج. در بعضی موارد شرایط و صفات مرجع تقلید، تأثیرگذار است.

تقلید بهتر است یا احتیاط؟

۴۳. به نظر حضرت عالی عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟ و کدام یک انسان را به واقع نزدیک تر می سازد؟

ج. از آنجا که شرط عمل به احتیاط در احکام شرعی، آگاهی کامل به موارد احتیاط است که فقط عده ی اندکی از آن اطلاع دارند، تقلید برای عموم مردم بهتر است.

عقلی یا تقلیدی بودن احتیاط

۴۴. آیا احتیاط امری عقلیست یا شرعی و در خصوص مسأله ی عمل به احتیاط، تقلید از غیر اعلم جایز است؟

ج. احتیاط نیز مانند تقلید امری عقلیست و عمل به آن مستلزم تقلید از اعلم نمی باشد.

محدوده ی جستجوی فتاوا در احتیاط

۴۵. در احتیاط آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است؟

ج. اگر غرض احتیاط کننده احراز حجّت فعلیّه باشد، رعایت آرای فقیهان گذشته لازم نیست، به خلاف این که غرض احراز واقع باشد.

احتیاط در محدوده ی مراجع فعلی

۴۶. آیا کسی که در اعلمیّت دو یا چند نفر از مراجع زنده شک دارد، می تواند در نظر این چند مرجع احتیاط کند؟ و آیا عمل او موضوع تقلید قرار می گیرد یا احتیاط؟

ج. در محدوده ی نظر همین چند نفر می تواند احتیاط کند و عمل او، عمل به احتیاط در تقلید است.

جواز احتیاط با استلزام تکرار

۴۷. آیا احتیاط در اعمال را - در صورت توانایی به دست آوردن فتوا - اگر چه مستلزم تکرار باشد، جایز می دانید؟

ج. احتیاط جایز است و لو مستلزم تکرار باشد.

حکم خمس با فرض احتیاط بین مراجع

۴۸. کسی که در بین فتاوای چند مرجع احتیاط می نماید، وظیفه ی او در پرداخت خمس چیست؟

ج. در پرداخت خمس نیز همانند دیگر مسائل احتیاط کرده و خمس را در مواردی مصرف می نماید که تمام آن مراجع جایز می دانند.

افراد بدون تقلید

۴۹. وظیفه افرادی که تقلید نمی کنند چیست؟

ج. اعمالشان باطل است، به توضیح مذکور در مسأله ی ۲۰ رساله.

اصطلاحات، شروط و حدود تقلید

تفاوت عبارات در رساله

۵۰. فرق بین «جایز نیست» و «حرام است» در رساله ی عملیّه چیست؟

ج. بین این دو واژه تفاوتی وجود ندارد و مقلد باید در هر دو مورد عمل را ترک نماید.

فرق احتیاط مستحب و واجب

۵۱. احوط قبل از فتوا و احوط بعد از فتوا یعنی چه؟

ج. فرقی ندارد، اگر فتوی و احتیاط در موضوع واحد است.

(به مسأله ی ۱۰ رساله رجوع شود).

جاهل قاصر کیست؟

۵۲. در این زمان (عصر ارتباطات) جاهل قاصر به چه کسی اطلاق می گردد؟

ج. در هر عصر و زمانی تفسیر و تبیین مصادیق، به عرف همان عصر مربوط می شود.

حد گمان و یقین در مسائل

۵۳. حد گمان و یقین را در مسائل بفرمایید که آیا منظور اطمینان است یا مراد علمیست که احتمال خلاف در آن راه نداشته باشد؟

ج. امر عرفیِ معروف مراد است.

تفاوت اعدل با اورَع

۵۴. فرق مجتهد اعدل با اورع چیست؟

ج. عدالت عبارت است از ملکه ای که به واسطه آن شخص از گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره اجتناب نماید و مراد از اورعیّت آن است که شخص به واسطه ی زیادی قوّت ایمان، در جستجوی لازم برای استنباط احکام، مسامحه کمتری داشته باشد و در مقام استنباط از دیگران محافظهکارتر باشد.

امور حسبیّه

۵۵. مراد از امور حسبیّه چیست؟

ج. به اقدامات ضروریّه ای که حاکم شرع یا وکیل او در حفظ جان، ناموس، مال و حقوقی که در معرض خطر است انجام می دهد، امور حسبیّه گفته می شود.

مراد از ضروریات دین

۵۶. مراد از اعمال و دستوراتی که ضروری دین است و تقلید در آن لازم نیست، چیست؟

ج. ضروریات دین به مسائلی - هم چون وجوب نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر و ... - گفته می شود که مسلمانان شک و تردید در آن ندارند.

فرق حکم و فتوا

۵۷. فرق دقیق میان حکم و فتوا را توضیح دهید؟

ج. فتوا در احکام کلیه است و حکم در موضوعات است و حکم حاکم شرع لازم الاتّباع برای همه است.

تقلید از مجتهد متجزّی

۵۸. آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه - مثل نماز و روزه - به درجه ی اجتهاد رسیده، جایز است؟

ج. در صورت اعلمیّت از دیگر مجتهدین در آن باب، تقلید از وی در همان باب جایز است؛ در غیر این صورت، جایز نیست.

اطلاع مجتهد از اوضاع زمان و مکان

۵۹. آیا اطلاع مجتهد از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟

ج. اطلاع از زمان و مکان صدور آیه یا روایت، فی الجمله در استظهار و استفاده از آنها دخالت دارد و اطلاع از زمان و مکان خود، در تطبیق حکم بر موضوع نافع است.

آگاهی سیاسی مرجع

۶۰. آیا آگاهی سیاسی جزو شرایط مرجع تقلید مانند:

شیعه دوازده امامی و ...

محسوب می شود یا نه؟

ج. در حکم او می تواند دخالت داشته باشد.

رابطه رساله ی عملیه با مرجعیت

۶۱. آیا تقلید از مجتهدی که متصدّی مقام مرجعیت نبوده و رساله ی عملیه هم ندارد، جایز است؟

ج. تصدّی مقام مرجعیت و یا داشتن رساله، شرط جواز تقلید نیست؛ ولی مقلد باید بتواند به یکی از راه های ذکر شده در رساله به آرا و فتاوای مرجع خود دسترسی پیدا کند.

عدم امکان دسترسی به مرجع

۶۲. آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد، جایز است؟

ج. در صورت وجود شرایط - از جمله اعلمیّت - جایز است؛ لیکن اگر دسترسی به آرا و فتاوای او به طور کلی امکان ندارد، باید با رعایت موازین ذکر شده و با رعایت اعلمیّت و اورعیت، به مجتهد دیگر مراجعه نماید.

مرجعیت زنان

۶۳. آیا زن می تواند فقط برای زنان مرجع شود؟ و یا فقط در مسائل اختصاصی بانوان مرجع تقلید آنان باشد؟

ج. جایز نیست.

اختلاف مراتب عدالت مجتهد با منصب های دیگر

۶۴. آیا بین عدالت لازم در تقلید، با عدالت قاضی و یا امام جماعت تفاوت مرتبه وجود دارد؟

ج. عدالت که ملکه ی ترک گناهان کبیره است، دارای مراتب مختلفیست که هر یک از منصب های ذکر شده متناسب با حساسیت آن منصب نیازمند مرتبه ای از مراتب آن ملکه است، هر چند همگی در این که باید جمیع کبائر را - که از جمله ی آنها اصرار بر صغائر است - ترک کند، اشتراک دارند.

اجتهاد در فقه و اخلاق

۶۵. اگر کسی در مسائل فقهی مجتهد باشد، آیا در علم اخلاق و مسائل اخلاقی نیز مجتهد است و می توان در امور اخلاقی از او تقلید نمود؟

ج. ملازمهای بین اجتهاد در فقه و اجتهاد در سایر علوم وجود ندارد.

محدوده ی تقلید

۶۶. آیا تقلید در واجبات و محرّمات و مستحبّات و مباحات و مکروهات واجب است؟

ج. اگر بخواهد قصد ورود از شارع داشته باشد، در غیر ضروریات، تقلید یا عمل به احتیاط واجب است.

۶۷. آیا سفارش ها و دستورهای اخلاقی دین مبین اسلام در قلمرو تقلید قرار می گیرد، یا این که چون برخی از آنها تکلیف الزامی ندارد و از قلمرو تقلید خارج می شود؟

ج. الزامی نبودن تکلیف، ملازمهای با خروج از قلمرو تقلید ندارد.

۶۸. تقلید از مجتهد شامل مسائل حکومتی و سیاسی نیز می شود، یا منحصر به مسائل فقهی است؟

ج. تقلید در تمام مسائل غیر اعتقادی و غیر ضروری جاری است.

تفاوت موضوعات با احکام

۶۹. در عمل به تکالیف شرعی، تفاوت موضوع با حکم چیست و تشخیص و بیان کدام یک بر عهده مکلف و تشخیص کدام بر عهده مجتهد است؟

ج. حکم؛ قانونی است که شارع گذاشته است و موضوع چیزیست که این حکم در آن پیاده می شود و استنباط حکم، وظیفه مجتهد و تشخیص موضوع، وظیفه مکلّف است.

اقسام موضوعات فقهی و تشخیص آنها

۷۰. لطفاً اقسام موضوعات فقهی را بفرمایید و این که تشخیص کدام یک بر عهده مجتهد و تشخیص کدام یک بر عهده مقلّد است؟

ج. تشخیص موضوعات مستنبطه بر عهده مجتهد و تشخیص موضوعات صرفه، شأنِ مقلّد است.

فرض تعارض عقل با نقل

۷۱. اگر از راه عقل به چیزی رسیده ایم که آیات و روایات یا رساله ی توضیح المسائل آن را رد می کند، وظیفه ما چیست؟

: آیا به قطع خود عمل کنیم، یا ظنّی که به روایات یا آیات یا رساله داریم؟

ج. در غیر ضروریات در فروع دین بایـد به یکی از سه طریق (اجتهـاد، احتیـاط و تقلیـد) عمـل کرد و جـایی که بـا عقل قطعی مخالف باشد، وجود ندارد.

تقلیدی یا اعتقادی بودن ولایت فقیه

۷۲. آیا ولایت فقیه یک مسأله ی تقلیدیست یا اعتقادی؟

ج. مسأله ی تقلیدی و از فروع است.

محدوده ی وجوب تعلیم احکام

۷۳. این که فرموده اند:

«مسائلی که انسان غالباً احتیاج دارد باید یاد بگیرد» مراد احتیاج فعلی است، یا مراد کلیّه ی مسائلیست که ممکن است در آینده نیز به آن احتیاج پیدا کند؟

ج. وجوب یـادگیری در خصوص مسائلیست که فرد همواره با آنها در ارتباط است، ولی در آن دسـته از مسائلی که به نـدرت ممکن است به آن مبتلاـ شود، تهیه و در دسترس داشـتن رساله برای رجوع در هنگام نیاز کافیست تا مبتلا به مخالفت به سـبب جهل در احکام مورد نیاز نگردد.

مراد از اعلمیّت

۷۴. آیا اعلمیّت و کمتر بودن خطای مجتهد در استنباط فرع از اصل و ... فقط مربوط به مسائل فقهیست یا مسائل سیاسی را نیز شامل می شود؟

ج. تمام مواردی که به استنباط حکم الهی از اصول و منابع مربوط می گردد را شامل می شود.

تقلید از اعلم

۷۵. تقلید از مفضول – یعنی غیر اعلم و غیر اورع – اگر فتوایش مطابق با اعلم یا احتمالاً مطابق باشد، درست است؟

ج. جـایز است در صورت موافقت و امّـا بـا احتمال مخالفت در صورت امکان دسترسـی به فتاوای اعلم، احوط لزومی تقلیـد از اعلم است.

اعلمیّت در غیر فقه

۷۶. اگر فقیهی در علومی – ماننـد رجال، هیأت، فلسـفه و اصول و ... – از دیگر مجتهدین مقدم باشد، آیا این تسـلط می تواند

وجه ترجیح او بر مجتهدین دیگر باشد؟

ج. اگر آن علوم از مبادی فقه نیست و در استنباط احکام الهی دخالت ندارد، وجه ترجیح به شمار نمی آید، مخصوصاً در صورت اعلمیّت مجتهد دیگر در علم فقه.

تقدّم اعلمیت یا اورعیت

۷۷. اگر مجتهدی اعلم باشد و مجتهد دیگر اورع، آیا تقلید از مجتهد اورع جایز است؟

ج. خیر جایز نیست و باید از اعلم تقلید کند.

شک در مرجعیّت مرجع تقلید

۷۸. اگر شخصی نسبت به شرایط لازم در مرجع تقلید خود دچار شک شود، چه باید بکند؟

ج. همان کاری باید بکند که پیش از انتخاب آن مرجع باید می کرد؛ یعنی اگر گمان به اعلم بودن مرجعی دارد، در صورتی که گمانش به حد اطمینان برسد باید از او تقلید کند؛ بلکه اگر برای او اطمینان حاصل نشد بعید نیست ترجیح مرجعی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد ولی بهتر اینست که در این صورت به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد؛ اما اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کند و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنها تقلید کند.

راه های اثبات اجتهاد، اعلمیّت و به دست آوردن، عمل کردن و پاسخگویی به فتاوا

تعارض گواهی بر اعلمیّت

۷۹. اگر عده ای از علما - که توانایی تشخیص مجتهد اعلم را دارند - فردی را معرفی نمایند، امّا خود انسان به اعلمیّت فرد دیگری یقین داشته باشد و یا ببیند جمع دیگری از علما، مجتهد دیگری را معرفی نموده اند، تکلیف چیست؟

ج. در صورتی که یقین انسان به اعلم بودن فرد دیگر، بر اساس موازین ذکر شده باشد، عمل به یقین مقدم است و در صورت تعارض نظرات علما، اگر مرجحات دیگر، هم چون اورعیت در یکی از آنان بود، باید از وی تقلید کرد و در صورت یأس از ترجیح یکی از آن دو بر دیگری، فرد اختیار دارد که از هر یک از آن دو مجتهد تقلید نماید.

تحقیق کردن از یک مرجع

۸۰. آیا می توان بدون تحقیق مرجع تقلید را انتخاب کرد؟

ج. باید از مرجع اعلم تقلید کرد.

رابطه شلوغی درس خارج با اعلمیّت

۸۱. آیا شلوغی درس خارج یک مجتهد، دلیل اعلمیّت او در استنباط احکام فقهی می تواند باشد؟

ج. از آنجا که ملاک اعلم بودن، فهم بهتر حکم الهیست و این مطلب با نحوه بیان و چگونگی تدریس ملازمهای ندارد، پس شلوغی درس خارج نمی تواند ملاک اعلم بودن مجتهد محسوب گردد.

راه شناخت اورع بودن مجتهد

۸۲. طریق شناخت مجتهد اورع چیست؟

ج. طریق شناخت مجتهد اورع، همان طریق شناخت اعلم است.

پیروی از دیگران در انتخاب مرجع تقلید

۸۳. اگر بزرگ یک قوم، عشیره و خانواده از فردی تقلید کند، آیا افراد دیگر می توانند به تبعیت از او از همان مجتهد تقلید نمایند؟

ج. خیر؛ مگر آن که او توانایی تشخیص مجتهد و اعلم را داشته باشد و به واسطه گفتار وی، برای دیگران علم یا اطمینان به اجتهاد و اعلمیّت آن فرد پیدا شود.

تقلید بدون تحقیق

۸۴. اگر فردی بی سواد با راهنمایی یک عالم بدون تحقیق از کسی تقلید کند، جایز است؟

ج. اگر فهمید از مرجع اعلم تقلید کرده مشکلی ندارد وگرنه در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است، یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده، یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد و عباداتی را که قبلاً انجام داده با قصد قربت انجام داده باشد.

عدم تشخیص فالأعلم در رجوع مرجع در احتیاطهای واجب

۸۵. اگر مجتهد اعلم بعدی را نتوانستیم بشناسیم، احتیاطهای واجب را به چه کسی رجوع کنیم؟

ج. در صورت تساوی مراجع از نظر علم و یا عدم امکان تشخیص اعلم، مخیّر هستید به هر کدام رجوع کنید؛ مگر این که یکی از آنها اورع باشد که بر دیگران مُقَدَّم است.

اختیار زن در انتخاب مرجع

۸۶. آیا زن در انتخاب مرجع تقلید مستقل است، یا باید تابع شوهرش باشد؟

ج. خیر، زن در انتخاب مرجع تقلید مستقل است.

وظیفه ی کسی که به سن بلوغ می رسد

۸۷. اگر بچّه ای به سن بلوغ برسد ولی هنوز از جهت نداشتن رشد کافی نتواند مرجع تقلیدش را بشناسد، والدین او در قبال وی چه وظیفه ای دارند؟

ج. سیره ی مؤمنین بر ارشاد این دسته افراد و تحقیق برای آنها است.

۸۸. اگر شک نمودم که آیا در زمان تقلید از مرجع قبلی، واجد شرط تقلید [تکلیف یا تمییز] بوده ام یا نه، وظیفه ام چیست؟

ج. اگر در تمییز شک دارید، باید به مجتهد زنده ای که شرایط تقلید را داراست، رجوع کنید.

نیّت کردن هنگام تقلید از مرجع

۸۹. آیا برای تقلید از مرجع تقلید نیّت زبانی لازم است؟

ج. خیر بلکه عمل بر طبق فتاوای او لازم است.

احراز صلاحیّت مرجع بعد از مدّتی تقلید

۹۰. اگر کسی پس از مدّتی که از مجتهدی تقلید کرد، صلاحیّت مجتهد را برای تقلید احراز کرد، آیا حکم کسی را دارد که می خواهد از آغاز از او تقلید نماید، مثلاً در صورتی که صلاحیّت وی، بعد از فوت او احراز شد، می تواند بر تقلید وی باقی باشد؟

ج. اعمال او در این مدت محکوم به صحّت است، ولی در فرض سؤال، بقای بر تقلید مشکل است.

تقلید از غیر اعلم

۹۱. در مسأله ای مرجع تقلید فتوا داشته و مقلّد نمی دانسته که رجوع در فتوی جایز نیست، به همین جهت رجوع به غیر اعلم کرده است، آیا اعمالش صحیح است؟

ج. عملی را که انجام داده است، اگر مخالف با فتوای اعلم بوده، به شرحی که در مسأله ی ۲۰ رساله آمده است جبران نماید.

اعمال بر خلاف تقلید

۹۲. شخصی مدتی اعمالی را انجام داده و بعد متوجه شده که بر خلاف فتوای مجتهد است، حکم اعمال گذشته اش چیست؟

ج. اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه ی واقعی

خود رفتار کرده است، یا عمل او با فتوای مجتهـدی که وظیفه اش تقلید از او بوده یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد و عباداتی را که قبلاً انجام داده با قصد قربت انجام داده باشد.

عدم شناخت مرجع اعلم

۹۳. من مقلـد امام بودم و بعـد از رحلت ایشان بنا به فتوای آقای اراکی بر تقلیـد از ایشان باقی ماندم، اکنون مرجع اعلم را نمی شناسم آیا الآن هم می توانم بر امام باقی باشم؟

ج. اگر احراز و یا احتمال اعلمیّت میّت در بین نباشد، رجوع به مجتهد زنده جایز است و در صورتی که مجتهد زنده اعلم باشد یا احتمال اعلمیّت او در بین باشد رجوع به او واجب است (جهت اطلاع بیشتر به مسأله های ۱۲ و ۱۳ رساله رجوع شود.)

مطابقت اجمالی عمل با فتاوی

۹۴. چنان چه انسان یقین نمایـد که عملش با فتاوای یکی از مراجع محترم - که تقلیـد از آنها جایز است - منطبق می باشد، آیا همین مقدار کفایت می کند؟

ج. مطابقت عمل با نظرات مجتهدِ اعلم، شرط است.

مطالعه ی رساله و یادگیری احکام

۹۵. آیا لازم است برای تقلید از یک نفر، تمام رساله وی را بخوانیم؟

ج. نه، فقط مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

در دست نبودن فتوای مرجع

۹۶. اگر در شرایطی دسترسی به مرجع تقلید یا رساله ایشان نباشد، آیا می توان از رساله ی سایر مراجع در مسأله ی مورد ابتلاء استفاده کرد؟

ج. اگر صبر ممکن است، وظیفه، به دست آوردن فتوای مرجع است و در غیر این صورت، اگر احتیـاط ممکن است، به احتیاط عمل نمایـد و اگر احتیاط ممکن نباشـد، چنان چه از انجام عمل محـذوری پیش نیایـد، می توانـد عمل را به جا آورد و بعـد از دسترسی به فتوای مرجع، در صورت مخالفت، اعاده کند و اینها در صورتیست که عدم دسترسی در تمام مسائل نباشد، در غیر این صورت، می تواند به مجتهد اعلم پس از او مراجعه کند.

رجوع به اعلم بعدی در احتیاطها

۹۷. اگر مجتهـد اعلم در مسأله ای احتیاط واجب کرد و مجتهـد اعلم بعدی نیز احتیاط واجب کرد، آیا می توان به مجتهد سوم با مراعات اعلم بودن نسبت به دیگر مجتهدین رجوع کرد؟

ج. بله، می توان به مجتهد سوم رجوع کرد.

۹۸. اگر مجتهد اعلم بعدی پس از فتوا دادن بر خلاف احتیاط مجتهد اعلم، احتیاط مستحبّی کرده باشد، چه باید کرد؟

ج. عمل به این احتیاط خوب است.

کفایت مطابقت عمل با فتوای مجتهد اعلم

۹۹. مقلّدی به احتیاط واجب مرجع تقلیدش در مسأله ای اعتنا نمی کند (نه به احتیاط عمل می کند و نه به مجتهد اعلم بعدی رجوع می کند)، اما پس از مدّتی به مجتهد اعلم بعدی رجوع می کند که وی آن مسأله را واجب نمی داند، آیا عملش صحیح بوده است؟

ج. با فرض عدم اختلال شرطی - مثل قصد قربت - مطابقت عمل با فتوای او در صحیح بودن عمل کافی است.

تقلید از غیر اعلم

۱۰۰. آیا اعمال کسی که به جهت عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلم، از مجتهد غیر اعلم تقلید نموده، باطل است؟

ج. اگر مراد از شرایط، فقدان شرایط ذکر شده در رساله است، با رعایت اعلم بودن مجتهد بعدی اعمالش محکوم به صحت است.

شرایط حاکم شرع

۱۰۱. آیا در عمل به دستورات حاکم شرع، شرایط تقلید از مجتهد نیز معتبر است؟

ج. بله، حاکم شرع همان مجتهد جامع الشرائط است.

متابعت از مجتهد در موضوعات

۱۰۲. در صورت اختلاف نظر مجتهد و مقلد در تشخیص موضوع، نظر کدام مقدم است و آیا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نیز واجب است.

ج. در موضوعات، مقلد به نظر خودش عمل می کند.

تعارض قوانین با فتوا

۱۰۳. در تعارض قوانین تصویب شده در مجلس و شورای نگهبان با فتوای مرجع تقلید، وظیفه مکلف و یا قاضی مقلِّد چیست؟

ج. وظیفه ی مقلّد رجوع به فتوای مرجع تقلید خود است.

تعارض بین حکم و فتوا

۱۰۴. در موارد تعارض بین حکم قاضی و فتوای مرجع به کدام یک باید عمل نمود؟

ج. فتوا در کلیات است و حکم در قضایای شخصیه، بنا بر این تعارض بین این دو وجود ندارد.

۱۰۵. آیا عمل به حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان برای غیر مقلدین او واجب است و در صورت تعارض با رأی مجتهد اعلم، کدام یک مقدم است؟

ج. مقلد باید به فتوای مرجع تقلید خودش رجوع کند و موارد خاصّه را سؤال کند.

اختلاف زن و شوهر در مرجع تقلید

۱۰۶. اگر زن و شوهر هر کدام مرجع تقلید متفاوتی داشته باشند، در موارد مشترک و اختلافی که به هر دو نفر آنان مربوط می گردد - مثل جواز و یا عدم جواز دخول بعد از پاک شدن و قبل از غسل حیض - وظیفه ی آنان چیست؟

ج. باید به احتیاط عمل نمایند.

علت اختلاف فتوای مراجع

۱۰۷. در حالی که کلیه احکام و مسائل از قرآن استخراج می شود، چرا مراجع نظرات گوناگونی دارند؟

ج. احکام از ادله ی اربعه (قرآن، روایت، عقل و اجماع) استخراج می شود و این اختلاف در غیر مسلّمات و قطعیات در مقام استنباط است.

اختلاف بین طرق به دست آوردن نظر مجتهد

۱۰۸. اگر برخی از طریق های چهارگانه ارایه شده برای به دست آوردن نظر مجتهد با یکدیگر منافات پیدا کرد، وظیفه چیست؟

ج. شنیدن از خود مجتهد و یا دو نفر عادل، مقدم بر دیدن از رساله و یا شنیدن از فرد مورد اطمینان است و در صورت تعارض بین دو راه اخیر باید تا کسب نظر مجتهد در آن مسأله به احتیاط عمل نماید.

عدم مطابقت نظر مجتهد با واقع

۱۰۹. اگر مکلف طبق موازین شرعی اعلم بودن مجتهدی را احراز نمود و به دستورات او عمل کرد ولی نظرات او مطابق واقع و دستورات واقعی شارع نبود؛

۱) آیا اعمال او باعث رشد و کمال وی می شود و مستوجب ثواب برای او می گردد؟

۲) آیا در قیامت مورد مؤاخذه قرار می گیرد؟

ج. در فرض مزبور عمل به حجّت کرده و مأجور است.

وظیفه ی نایب در تقلید

۱۱۰. کسی که برای انجام عباداتی چون نماز و روزه و حج نایب می شود، آیا باید به فتوای مرجع خودش عمل کند یا به فتوای مرجع تقلید کسی که از جانب وی نایب گردیده است؟

ج. نایب باید به فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند و در نیابت از حی در حج، فی الجمله احتیاط کند.

اختلاف وصی یا ورثه با متوفّی در تقلید

۱۱۱. اگر وصی یا ورثه با متوفّی در مرجع تقلید متفاوت باشند، در محاسبه باید طبق فتوای مرجع خود عمل کنند یا مرجع تقلید میّت؟

ج. در مقدار محاسبه دیون بر میّت، میزان و معیار تکلیفِ میّت در زمان حیاتش می باشد، امّا در کیفیّت پرداخت، اگر مورد اختلاف باشد، میزان، تقلید وصی و ورثه است.

پاسخگویی به مسائل

۱۱۲. پاسخگویی به مسائل و فتاوا برای عالمی که از آنها اطلاع دارد واجب است؟

ج. از باب ارشاد جاهل بدون عسر و محذور، لازم است.

وظیفه مسأله گویان

۱۱۳. کسی که در مقام بیان مسائل شرعی است، آیا باید به نظریات مجتهد یقین داشته باشد یا اطمینان و گمان کافیست و در صورت کشف خلاف تکلیف او چیست؟

ج. اطمینان هم کافیست و اگر فهمید اشتباه کرده تا جایی که ممکن است باید اشتباه را برطرف کند.

وظیفه مسؤول عنه در پاسخ به مسائل اختلافی

۱۱۴. اگر از کسی مسأله شرعی – که مورد اختلاف مراجع معظم تقلید می باشد – پرسیده شود، آیا وی موظّف است نظر خود (در صورتی که مجتهد باشد) یا مرجع تقلید خود (در صورتی که مقلّد باشد) را در پاسخ بگوید، یا نظر مرجع تقلید سؤال کننده را؟

ج. اگر از کسی مسأله ی مورد اختلافی را سؤال کنند، او نمی تواند، نظر و فتوای خودش را اجتهاداً یا تقلیداً بگوید، بلکه باید

بر طبق فتوای مرجع سؤال کننده جواب بگوید، چون فرد سؤال کننده از وظیفه ی فعلیه خودش سؤال کرده، که همان فتوای مرجع خودش است.

وجوب ارشاد جاهل

۱۱۵. اگر تقلید کسی اشکال داشته باشد، آیا وظیفه داریم به او گوشزد کنیم؟

ج. اگر جاهل به مسأله است، ارشاد نمایید.

نحوه ی تحقق تقلید

۱۱۶. تقلید به چه چیز محقّق می شود؟ به عمل یا به التزام یا به أخذ رساله و یا ...؟

ج. تقلید به وسیله ی عمل بر وِفق فتوای مجتهد جامع الشّرایط محقّق می شود و التزام و ... از مُقَدَّمات تقلید به شمار می روند.

ظهور و اطلاق کلام مجتهد

۱۱۷. آیا می شود به اطلاق کلام مجتهد عمل نمود و یا به ظهور آن اکتفا کرد؟

ج. در مواردی که عقلا به ظهور و اطلاق تمسک می کنند مانع ندارد، به شرطی که جستجوی کامل از مظان آن شده باشد.

تقلید از میّت

بقا بر میّت

۱۱۸. نظر شما در رابطه با بقای بر تقلید میّت چیست؟

ج. در صورت تساوی میّت و حی در آنچه تقلید در آنها محقق شده است، بنا بر اقوی، بقا جایز است و در صورت اعلمیّت از حی، اظهر وجوب بقاء است.

شک در اعلمیّت حی و میّت

۱۱۹. اگر ندانیم مجتهد زنده اعلم است یا مجتهد میّت و نتوانیم اعلم را تشخیص دهیم وظیفه چیست؟

ج. در این فرض، بقای بر تقلید میّت در مسائل عمل شده جایز است.

شک در اعلمیّت میّت

۱۲۰. مقلدی که نسبت به اعلم بودن مجتهد فوت شده شک دارد، آیا در تمام مسائل عمل شده و عمل نشده می تواند به شما [مجتهد حی] رجوع نماید؟

ج. به مسأله ی ۱۶ رساله رجوع شود.

عمل بدون تقلید و شک در اعلمیّت مرجع

۱۲۱. شخصی در ابتدای بلوغ، احکام و اعمال شرعی را بدون تقلید انجام داده است و پس از مدّتی از مرجعی تقلید نموده که اکنون از دنیا رفته است.

حال شک دارد که آیا ابتدای تقلید، در زمان آن مرجع بوده یا نه و با توجّه به این که آن مرجع نسبت به تمام مراجع فعلی اعلم بوده، آیا این شخص به اعلم زنده رجوع کند یا بر همان میّت باقی بماند؟

ج. در فرض سؤال نمی تواند از میّت تقلید کند و باید از مجتهد حی تقلید کند، مگر در مسائلی که یقین دارد در زمان حیات مجتهد میّت به فتوای او عمل کرده است، که در این مسائل در صورت اعلمیّت میّت، باید بر فتوای او باقی باشد.

حکم تقلید از مرجع مرده

۱۲۲. اگر مرجع تقلید کسی فوت کند و از مرجع زنده تقلید نکند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در مسأله ی بقاء هم به کسی رجوع نکرده در حکم کسیست که اعمالش را بدون تقلید انجام داده است.

مراد از مسائل عمل شده

۱۲۳. مراد از مسائلی که عمل شده - در باب تقلید میّت - چیست؟

آیا خصوص هر مسأله را باید عمل کرده باشد یا اگر از هر بابی به چند مسأله عمل کرده است، می تواند در تمام آن باب - مثلاً باب نماز و باب روزه و ... - به فتوای میّت باقی بماند؟

ج. فقط در خصوص مسأله ای که عمل کرده، می تواند باقی بماند.

رابطه بلوغ و تقلید از میّت

۱۲۴. آیا در اصل تقلید کردن و هم چنین برای باقی ماندن بر تقلید از میّت، بلوغ شرط است؟

ج. شرط نیست.

میزان برای عمل کردن در بقا بر میّت

۱۲۵. در بقای بر فتوای میّت آیا یک بار عمل کردن کافی است؟

یعنی با یک بار عمل به فتوای مجتهد زنده، آیا بعد از فوت وی می توان بر تقلید او باقی بود؟

ج. تقلید با یک بار عمل کردن تحقق پیدا می کند و فقط در مسائلی که عمل کرده می تواند بر تقلید میّت باقی باشد.

اگر میّت اعلم از احیاء باشد.

۱۲۶. اگر در زمان مجتهد زنده، ملتزم به عمل به فتوای او بوده امّا موردی پیش نیامده که عمل کند، بعد از وفات او می تواند بر تقلید او باقی بماند؟

ج. میزان عمل است نه التزام و در فرض مسأله نمی تواند باقی بماند مگر در خصوص مسائلی که عمل کرده است.

تقلید ابتدایی از میّت

۱۲۷. آیا تقلید ابتدایی از مجتهد میّت - در صورتی که مجتهد میّت اعلم از مجتهدین زنده باشد - جایز است؟

ج. جایز نیست.

کفایت تقلید پیش از بلوغ برای بقای بر تقلید میّت

۱۲۸. اگر نابالغی از مجتهدی تقلید کند و به فتوایش عمل نماید، آیا پس از بلوغ می تواند در صورت فوت آن مرجع بر تقلید وی باقی باشد؟

ج. تقلید و عمل به فتوا پیش از بلوغ، برای بقا کافی است.

۱۲۹. در زمان حیات آیت اللّه اراکی از ایشان سؤال کردم که آیا کسانی که در زمان حیات امام به سن تکلیف نرسیده بودند ولی اعمال خود را مطابق فتوای ایشان انجام داده اند، اینک که مکلّف شده اند آیا می توانند از ایشان تقلید کنند؟ جواب مثبت داده بودند. حال بعد از فوت آیت اللّه اراکی، از شما تقلید می کنم. آیا می توانیم به امام - رحمه اللّه - باقی بمانم؟

ج. در مسائلی که از مرجع میّت تقلید کرده و عمل نموده اید و از ایشان به دیگری عدول نکرده اید، اگر ایشان را اعلم یا مساوی با حی می دانید، واجب یا جایز است باقی بمانید، به شرحی که در رساله آمده است.

عمل بدون توجّه به تقلید

۱۳۰. شخصی متوجّه عنوان تقلید نبوده ولی اگر مسأله ای برایش پیش می آمده به رساله ی مجتهد وقت رجوع کرده و عمل نموده، آیا این مقدار برای تحقّق تقلید و بقای بر او در صورت فوت، کافی است؟

ج. وی همانند فرد بدون تقلید بوده و بقاء مشکل است، اگر چه عملش صحیح است.

اجازه در بقای بر میّت

۱۳۱. آیا در بقای بر تقلید میّت، اعلمیّت مجتهدی که اجازه ی بر بقا می دهد شرط است، یا اجازه هر مجتهدی کفایت می

کند؟

ج. اعلمیّت مجتهد زنده، در اجازه بر بقا شرط است.

اجازه از اعلم در بقای بر میّت

۱۳۲. اگر کسی با اجازه مجتهد غیر اعلم بر تقلید میّت باقی مانده بود، آیا اکنون عدول به اعلم و اجازه از او برای بقا واجب است؟

ج. عدول به اعلم و دریافت نظر او در چگونگی بقای بر میّت لازم است.

چگونگی انطباق اعمال با نظر مجتهد

۱۳۳. اگر اعمال کسی منطبق بر نظر مجتهد میّت نبوده، ولی با نظر مجتهد زنده منطبق باشد، تکلیف اعمال او چیست؟

ج. اگر اعلم بودن مجتهد زنده را احراز کرده باشد، اعمال او قضا و اعاده ندارد.

اشتباه در فهم فتوی

۱۳۴. شخصی مقلّد مجتهدی بوده و در مسأله ای به خیال این که فتوای او چنین است، عمل کرده و بعد از فوت وی معلوم شده که فتوای او را اشتباهی فهمیده است و عملش طبق فتوای او نبوده، آیا در صورت اعلم بودن مجتهد میّت، در این مسأله هم باید بر تقلید او باقی بماند؟

ج. در فرض مزبور، به فتوای مجتهد میّت عمل نکرده و باید از مجتهد زنده تقلید کند.

عدم جواز بازگشت دوباره به میّت

۱۳۵. شخصی ابتدا مقلّد مجتهدی بوده و به فتوای وی عمل کرده است، پس از فوت وی، به مجتهد زنده ای رجوع می کند که تقلید را فقط التزام می داند که پس از چندی وی نیز فوت می کند، آیا می تواند به مجتهد اوّل رجوع نماید؟ آیا فرقی بین مسائلی که در زمان حیات مجتهد اوّل مورد عمل وی قرار گرفته با دیگر مسائل وجود دارد؟

ج. دیگر به اوّلی نمی تواند باقی بماند، هر چند در مسائلی باشد که به فتوای اولی عمل کرده است.

فرض جواز رجوع به حی

۱۳۶. کسی که مقلّد مرجعی بوده که از دنیا رفته آیا در وجوب بقا در مسائلِ عمل کرده، احراز یا احتمال اعلمیّت میّت به طور اجمال شرط است، یا این که اگر در مسأله ای احتمال اعلمیّت هر دو وجود دارد، در خصوص همان یک مسأله ی می تواند رجوع به حی کند؟

ج. در خصوص همان یک مسأله ی ذکر شده، رجوع به حی جایز است.

حکم پرداخت وجوهات با بقای بر تقلید

۱۳۷. کسی که از مجتهدی تقلید کرده و پس از فوت او با اجازه ی مجتهد زنده به تقلید او باقی مانده است، وجوهات شرعی خود را به چه کسی باید پرداخت نماید؟

ج. باید به مجتهد اعلم زنده بپردازد.

تقلید از همه ی مراجع در مسأله جواز بقای در تقلید

۱۳۸. آیا انسان می تواند در مسأله بقای بر میّت، از همه ی مراجع فعلی تقلید نماید، یعنی چون همه مراجع بقای بر تقلید را جایز می دانند، همه ی آنها را در این مسأله، مرجع تقلید خود بداند؟

ج. مانع ندارد، ولی در مقداری که همه قبول دارند، نه بیشتر.

تقلید از میّت با لزوم تقلید از حی

۱۳۹. فردی در مسأله ای که می بایست از مجتهد زنده تقلید نماید، مطابق با فتوای مجتهد میّت عمل کرده است، تکلیفش چیست؟

ج. اگر اعمالی که انجام داده، مطابق با فتوای مجتهد اعلم زنده باشد، صحیح است و در غیر این صورت اگر احتیاج به اعاده دارد، باید آنها را اعاده نماید.

بازگشت مجدّد به میّت

۱۴۰. در زمان حیات حضرت آیت اللّه خویی – رحمه اللّه – از ایشان تقلید می کردم و بعد از فوت ایشان در جمیع مسائل به مجتهد زنده رجوع کردم آیا، در صورتی که ایشان را اعلم بدانم می توانم دوباره به ایشان برگردم؟

ج. بعد از رحلت ایشان اگر به نحو جایز به مجتهد دیگری رجوع کرده اید، دیگر نمی توانید به ایشان برگردید.

بقا بر میّت اوّل یا دوّم؟

۱۴۱. بعد از میّت اعلم، در تمام مسائل به مجتهد زنده رجوع کردم و به مسائل ایشان عمل نمودم. مجتهد دوّم هم از دنیا رفت و اکنون به مجتهدی رجوع کرده ام که بقای بر اعلم را واجب می داند. اکنون باید بر اعلم اولی باقی بمانم یا اعلم دوّمی؟

ج. اگر مجتهد دوم اعلم از حی باشد در محدوده ی مسائلی که به فتوای او عمل کرده اید، باید به مجتهد دوّم باقی بمانید و میزان آخرین مجتهدیست که به فتوای او عمل شده و از او عدول به دیگری نشده باشد.

بقای بر تقلید در مورد احتیاط بین دو نفر

۱۴۲. فردی بین دو فتوا از دو مجتهد احتیاط می کرده است، - البته از آن دو مجتهد به صورت تفصیلی تقلید نمی کرده است، آیا پس از فوت یکی از مجتهدین می تواند به فتوای وی باقی بماند؟

ج. همین مقدار محقّق کننده عمل است و برای بقای پس از موت، در مسأله ی عمل شده کافی است.

۱۴۳. آیا در بقا بر فتوای میّت لازم است که در حال حیات، مشخّصاً از او تقلید شده باشد، یا اگر بین فتوای او و مجتهد دیگری احتیاط شود و به هیچ کدام تفصیلاً اسناد داده نشود، برای بقا کافی است؟

ج. اگر به قول هر دو تقلید کرده بعد از فوت هر کدام در مسأله ای که از او تقلید کرده جایز و یا واجب است که بر تقلید او باقی بماند.

تبعیّت از مجتهد زنده در مسأله ی قضا

۱۴۴. نماز و روزه هایی از این جانب به جهت جهل به بعضی احکام غسل جنابت، محکوم به قضا می باشد و در زمان فوت ادایی آن، مقلّد مرجع متوفّی بودم، آیا وظیفه ی قضای آنها، طبق فتوای مرجع متوفّی باید باشد یا بر طبق فتوای مجتهد زنده؟

ج. وجوب و عدم وجوب قضا، وظیفه ی الآن است نه گذشته؛ بنا بر این باید طبق نظر مجتهد زنده عمل نمایید.

تقلید از دو مجتهد در دو مسأله اختلافی

۱۴۵. نمازگزاری از دو مجتهد تقلید می کند، در حالی که یکی از آن دو سوره را در نماز مستحب می داند و جلسه استراحت را واجب، امّا مجتهد دیگر بر عکس، سوره را در نماز واجب و جلسه استراحت را مستحب می داند. آیا در یک نماز می تواند از هر دو تقلید کند؛ به گونه ای که هم سوره و هم جلسه استراحت را ترک کند؟

ج. نمی تواند، زیرا با هر دو مخالفت کرده و به نظر هر دو نماز او از جهتی باطل است.

تقلید موقت

۱۴۶. آیا در مسأله ی بقای بر تقلید میّت اگر انسان تا محرز شدن اعلم، به صورت موقّت از مرجعی تقلید نماید و اکنون بخواهد عدول کند، اشکال دارد؟

ج. با رعایت موازین ذکر شده در رساله، مانعی ندارد.

عدم جواز رجوع به میّت

۱۴۷. اگر انسان از میّت به زنده رجوع کرد و بعد از احراز اعلمیّت مجتهد زنده دیگری در تمام مسائل به وی رجوع نمود،

حال اگر فتوای این مجتهـد سوم، وجوب بقای بر تقلیـد اعلم میّت باشد و فرض کنیم مجتهد میّت اعلم بوده، آیا باید به مجتهد میّت اعلم برگردد یا نه؟

ج. بعـد از آن که از مجتهـد میّت به زنـده رجـوع کرد، دیگر نمی تـوان به مجتهـد میّت برگشت، مگر اینکه کشـف شـود طبق فتوایی که حین رجوع حجّیت داشته است، اصل رجوع او جایز نبوده است.

۱۴۸. اگر انسان از مجتهـدی تقلیـد کند و در مسائل مورد ابتلا به فتوای او عمل نماید، سـپس بعد از وفات وی، در تمام مسائل به مجتهـد زنـده رجوع کنـد، امـا برخی از مسائـل را که قبلًا از مجتهـد میّت تقلیـد و عمل کرده، اینک مورد ابتلا نیست، یعنی موردی برای عمل بر طبق فتوای مجتهـد دوم در این مسائل پیش نیامـده، آیا در این بخش از مسائل می تواند بر تقلید میّت اوّل باقی بماند؟ با توجّه به این که مجتهد دوم تقلید را التزام بداند.

ج. با این فرض عدول کرده و نمی تواند باقی بر اولی باشد.

بقا بر میّت در مورد احتیاط واجب

۱۴۹. اگر مجتهـد میّت در مسأله ای احتیـاط واجب داشـته باشـد، آیـا جواز یـا وجوب بقـای بر تقلیـد شامل آن هم می شود یا اختصاص به فتوی دارد؟

ج. اگر به احتیاط عمل کرده، می تواند باقی باشد، گرچه در احتیاط، با رعایت اعلمیّت، می تواند به مجتهد زنده رجوع کند.

رجوع کردن از مرجعی به مرجع دیگر

۱۵۰. آیـا می توانیم مرتبـاً از مرجعی به مرجع دیگر رجوع کنیم و هر حکمی که بیشتر به نفع دنیـا یـا آخرتمـان می باشـد را از میان نظرات مراجع انتخاب کنیم؟

ج. خیر نمی توانید و تقلید از مرجع اعلم در تمام مسائل واجب است.

استفاده از رساله چند مرجع

۱۵۱. آیا می توان در یک مسأله به رساله چندین مجتهد رجوع و بهترین را انتخاب کرد؟

ج. اگر از باب عمل به احتیاط باشد - چنان چه در اوّل رساله آمده است - جایز است.

تبعیض و عدول در تقلید

تبعیض در تقلید «۱»

۱۵۲. اگر چنـد مجتهد وجود داشـته باشـند که، هر کدام در یکی از ابواب یا مسائل فقه از دیگران اعلم هسـتند، وظیفه ی مقلّد

چیست؟

ج. در فرض مذکور باید از مجتهد اعلم در آن باب یا آن مسأله، تقلید کرد.

|

(۱). اگر مقلد در یک یا چند مسأله از دو یا چند مجتهد تقلید نماید، به آن تبعیض در تقلید گفته می شود و در صورتی که در تمام مسائل مجتهد خود را عوض کند به آن «عدول» اطلاق می گردد.

چگونگی داشتن مرجع مشخص

۱۵۳. آیا حتماً باید یک مرجع مشخصی داشته باشیم؟ در صورت تساوی مراجع آیا تبعیض در تقلید جایز است؟

ج. در صورت مساوی بودن دو مجتهد، جایز است انسان در مسائلی که ارتباطی با هم ندارند، بعضی مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از مجتهد دیگر تقلید نماید.

۱۵۴. در مسائلی به فتوای مجتهد میّت عمل شده است، آیا در بعض همان مسائل می توان از مجتهد میّت و در بعض دیگر آن از مجتهد زنده تقلید کرد؟

ج. اگر مجتهد میّت با مجتهد حی در علم و ورع مساوی باشند، می توان در برخی از مسائلی که از میّت تقلید شده به زنده رجوع نمود، به شرط این که مسائل به هم مرتبط نباشند.

۱۵۵. آیا می توان در مسأله نماز از کسی که «من شغله فی السفر» را همانند «من شغله السفر» نمی داند تقلید نمود و در مسأله روزه به فتوای حضرت عالی که آن دو را همانند می دانید عمل کرد و در نتیجه نماز را شکسته خواند ولی روزه ها را در سفر گرفت؟

ج. در هر دو مسأله باید به یک نحو عمل نمود و تبعیض جایز نیست.

۱۵۶. پس از رجوع

به مجتهـد حی آیا می توان در برخی مسائل که مجتهـد میّت آسان گرفته به وی رجوع نمود و در برخی که مجتهد زنده آسان گرفته از او تقلید کرد؟

ج. اگر مجتهد زنده اعلم باشد، رجوع به میّت جایز نیست.

عدول به مرجع اعلم

۱۵۷. به فتوای مرجع شماره ۲ باقی بر مرجع شماره ۱ هسـتم، اکنون فکر می کنم مرجع شماره ۳ اعلم است از مرجع شماره ۱، آیا می توانم عدول کنم؟

ج. واجب است در تمامی مسائل به مجتهد اعلم عدول نمایند.

عدول از مجتهد به مجتهد دیگر

۱۵۸. عدول از یک مجتهد به مجتهد دیگر به چه چیز محقّق می شود؟

ج. در موارد جواز یا وجوب عدول، عدول به عمل محقّق می شود.

۱۵۹. اگر فردی بعد از تحقیق و عدم احراز اعلمیّت، از کسی تقلید کرد، آیا می شود به غیر او که مانند اوست رجوع کند؟

ج. عـدول به غیر اعلم یـا کسـی که احتمال اعلم بودن یا با ورع تر بودن او می رود، بعـد از تحقّق تقلیـد، خلاف احتیاط است، اگر چه اظهر جواز عدول به مساوی در علم و ورع است در جمیع مسائل یا در بعض مسائل که ارتباطی با هم ندارند.

میزان تحقّق عدول

۱۶۰. شخصـی از مجتهدی تقلید می کرده، سـپس مدّتی بدون تقلید صحیح عمل کرده [خواه با احتیاط یا بدون احتیاط] آیا به صرف ترک تقلید، عدول محقّق شده و این شـخص اگر بخواهد دوباره از همان مجتهد تقلید کند، حکم تقلید ابتدایی را دارد یا نه؟

ج. حکم عدول را ندارد و می تواند باقی بماند و در مسائلی که بدون احتیاط عمل کرده، به مسأله ی ۲۰ رساله رجوع شود.

شرایط عدول از مجتهد اعلم

۱۶۱. در صورت عـدم دسترسـی به مرجع اعلم و یـا نماینـده وی، عـدول به مرجع دیگر در مسائل و یا پرداخت حقوق شـرعی، جایز است؟

ج. با رعایت اعلمیّت و اوثقیّت مجتهد، عدول جایز است.

عوض کردن مرجع در صورت نداشتن رساله

۱۶۲. آیا می شود از یک مرجع تقلید به علت نداشتن رساله فارسی به دیگری عدول کرد؟

ج. در تمام مسائل، تقلید از اعلم واجب است.

احکام طهارت

احکام آب ها

حکم آب چاه

۱۶۳. کشیدن آب چاه با پمپ و جاری کردن آن در جوی آب، در حکم آب چاه است یا جاری؟

ج. تا وقتی که متّصل به مادّه و آب چاه است، در حکم فرقی ندارد.

۱۶۴. چاهی، کنار چاه فاضلاب به منظور نظافت و آبیاری مزارع حفر شده است، آیا از آب این چاه برای تطهیر می توان استفاده نمود؟

ج. در صورتی که یکی از ویژگی های سهگانه آب چاه به واسطه ی آب فاضلاب تغییر نکند، آب چاه پاک است.

نجاست جوی آب

۱۶۵. اوصاف آب نهری که از کنار یک مردار عبور می کند تغییر کرده است، آیا اگر نجاستی در آن بیفتد آب نجس می شود؟

ج. هر مقداری از آن که یکی از اوصاف سهگانه اش با ملاقات با مردار تغییر کرده، نجس است، نه این که فقط از نزدیک آن مردار عبور کرده باشد.

شک در مضاف شدن آب

۱۶۶. لا‌یروبی قنات و چشمه و جویبارهای داخل شهر و ... به گونه ایست که آب گل آلود خارج شده، همراه جلبک ها و علف ها و ... است، در این صورت اگر با نجاستی ملاقات کند و شک کنیم که مضاف است یا مطلق، حکم چیست؟

ج. در صورت شک، حکم آب مطلق را دارد و تا وقتی که یکی از اوصاف سهگانه آب به واسطه نجاست موجود در آن تغییر نکرده، پاک است.

آب استخر

۱۶۷. آب استخرها گاهی به علت استعمال مواد شیمیایی (نظیر کلر) تغییر رنگ می دهند، آیا می توان با آنها غسل کرد؟ آیا لباس نجس را می توان با آن تطهیر کرد؟

ج. در صورتی که عرف آن را آب مطلق بداند اشکال ندارد.

آب دریا و دریاچه های شور

۱۶۸. آب دریاها و دریاچه هایی که درصد بالایی از نمک دارند، به طوری که نوشیدنی نیست، حکم آب مضاف را دارند یا مطلق؟

ج. در صورتی که عرف آن را آب مطلق بداند، حکم آب مطلق دارد.

احراز کر بودن آب

۱۶۹. اگر همسر انسان (یک زن) بگوید که فلان آب کر است و انسان از گفته او اطمینان پیدا کند کافی است؟

ج. کفایت می کند.

چگونگی نجس شدن آب

۱۷۰. آیا تغییر اوصاف و ویژگی های سهگانه آب به هر مقدار که باشد، نجس کننده است؟

هر چند عرف آن را آب مطلق تلقی کند؟

ج. اگر به واسطه ی نجاست تغییر کرده باشد، نجس است.

نحوه تطهیر آب نجس

۱۷۱. چنان چه رنگ یا بو یا طعم آب نجس را با مواد شیمیایی برطرف کنیم (به صورتی که اگر کسی نداند، تصور کند آب آشامیدنی است) پاک است؟

ج. نجس است و فقط با اتصال به آب کر پاک می شود.

۱۷۲. هنگامی که آب نجس (کر یا قلیل) را متصل به آب کر یا جاری نمودیم، آیا کمی یا زیادی آب پاک، در پاک کردن آب نجس دخالت دارد یا نه؟

ج. خیر دخالت ندارد. فقط اگر آب نجس با نجاست تغییر کرده باشد، باید با اتصال، تغیّر آن زایل شود.

شیوه پاک شدن آب فاضلاب شهری تصفیه شده

۱۷۳. اگر آب فاضلاب شهری را تصفیه کنند در چه صورت پاک می شود؟

ج. پاک نمی شود؛ مگر با اتّصال به کر.

باران

۱۷۴. آیا با باران می توان نجاسات را برطرف کرد و متنجّس را تطهیر نمود؟

ج. تا وقتی که بارش از آسمان ادامه دارد، اشکالی ندارد.

۱۷۵. آیا با باران می توان غسل کرد یا وضو گرفت؟

ج. بله، فقط در صورتی که مواضع مسح در وضو خشک باشند، اشکالی ندارد.

۱۷۶. اگر باران شدیدی ببارد که در جوی ها و کف زمین جاری گردد، پس از قطع باران آب های باقی مانده که مجموعاً از مقدار کر بسیار بیشتر است آیا حکم آب قلیل، جاری یا کر را پیدا می نماید؟

ج. بله، در جایی که جمع شده حکم آب کر یا جاری را دارد.

۱۷۷. اگر انسان علم به وجود نجاست بر پشت بام داشته باشد، آیا پس از قطع باران آب ناودان نجس است؟

ج. اگر یقین ندارد که آب ناودان با آن نجاست ملاقات پیدا کرده یا یقین به اتّصال آب باران با نجاست بعد از قطع باران نداشته، پاک است.

نحوه تطهیر آب قلیل

۱۷۸. برای پاک کردن آب قلیل آیا باید حتماً آب کر را با آب قلیل ممزوج کرد؟

ج. صرف اتّصال کافی است.

۱۷۹. آیا نحوه پاک کردن ظروف غذا با حوض و استخر در آب قلیل متفاوت است؟

ج. فرقی ندارد، جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۵۷ رساله رجوع شود.

۱۸۰. اگر کسی پس از تخلّی، آب قلیلی داشته باشد که لازم است با دست آن را بریزد، در صورت نجس بودن دستانش تکلیف چیست؟

ج. اگر ممکن است ظرف آب را با دهان خود بردارد و به دستهایش بریزد و یا حیله های دیگر - مثل ایجاد منفذ و سوراخ در ظرف - به کار بندد که آب جریان پیدا کند.

پاک کردن محل بول با آب قلیل

۱۸۱. اگر چیز نجس را که با آب قلیل باید چند مرتبه شست - مثل محل بول - یک مرتبه به نحوی که بیشتر از مقداری که در چند مرتبه آب می کشیم، آب بریزیم، آیا پاک می شود؟

ج. پاک نمی شود و باید قطع و وصل شود.

عدم طهارت با دست کشیدن

۱۸۲. اگر چیز نجس به گونه ای باشد که به علل گوناگون آب کشیدن آن مشکل باشد، آیا برای پاک کردن آن می توان سه بار با دست یا شیء خیس، روی آن چیز نجس کشید؟

ج. پاک نمی شود، مگر با جاری شدن آب از جزیی دیگر، به هر نحو باشد.

سرایت نجاست

۱۸۳. اگر تمام دست یا پای شخص نجس باشد و بخواهد قسمتی از آن را تطهیر کند - مثلاً تا مچ را - آیا آن قسمت به جهت اتّصال با قسمت بالا نجس باقی می ماند؟ و آیا فرقی بین آب قلیل با کُر در فرض مزبور می باشد؟

ج. اگر در بالا رطوبت سرایت کننده نباشد، قسمت پایین پاک می شود و در این جهت فرقی بین آب قلیل و کر نیست.

حکم ظرف نجس

۱۸۴. آیا یک بار شستن ظرف نجس با آب کر، کفایت می کند؟

ج. بله، کافی است.

خوراکی ها

شیره یا سکنجبین نجس شده

۱۸۵. شیره یا سکنجبین نجس شده را چگونه باید تطهیر نمود تا قابل مصرف شود؟

ج. قابل تطهیر نیست، بله شیره ی نجس شده، اگر خیلی غلیظ و سفت بوده که نجاست به جاهای دیگرش نرسیده باشد، همان قسمت نجس را جدا می کنند و جاهای دیگر آن پاک است.

پاک شدن گوشت چرب

۱۸۶. گوشتی که مقداری چرب است، آیا قابل تطهیر است؟

ج. بله قابل تطهیر است و نحوه ی تطهیر آن مثل بقیّه ی اشیا است.

خمیر نجس

۱۸۷. آیا خمیر نجس قابل تطهیر است؟

ج. اگر قسمتی از ظاهر آن نجس شده است، آب کشیدن آن مثل بقیه ی چیزهاست و امّا اگر با آب نجس خمیر کرده اند، تطهیر آن محل اشکال است، مگر به فراگیری آب مطلق بر جمیع اجزای آن علم حاصل شود.

آب کشیدن مواد خوراکی

۱۸۸. آب کشیدن حبوبات و مواد خوراکی که باطن آنها نجس شده است، چگونه است؟

ج. پس از خشک شدن باید آنها را در آب کر یا جاری قرار داد تا آب به باطن آنها نفوذ کند.

۱۸۹. اگر مواد غذایی خیس خورده - مثل برنج - نجس شود، آیا با ملاقات با آب کر پاک می شود، یا نفوذ آب به داخل برنج لازم است؟

ج. اگر ظاهر آنها نجس شود، به وسیله آب قلیل یا فرو بردن در آب کر و جاری پاک می شود و اگر باطن آنها نجس شود ظاهر آن با آب قلیل پاک می گردد، ولی باطن آنها پاک نمی شود، مگر این که در کر یا جاری به قدری بمانند که آب به باطن آنها نفوذ کند.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۶۶ رساله رجوع شود.)

پنیر با شیر نجس

۱۹۰. پنیری که با شیر نجس تهیه شده، آیا با نفوذ آب کر به تمام اجزای آن قابل تطهیر است؟

ج. در فرض سؤال اگر آب مطلق به باطن آن برسد نه آب مضاف، پاک می شود.

پاک کردن گوشت پخته شده

۱۹۱. مقداری گوشت با حبوبات نجس که از نجاست آنها اطلاعی نداشته ام پخته شده است، آیا گوشت قابل تطهیر است؟

ج. بله، با شستن با آب به نحوی که ذکر شد پاک می شود.

پاک کردن روغن

۱۹۲. نحوه پاک کردن روغن نجس شده ی جامد یا مایع چگونه است؟

ج. اگر بتوان به نحوی آب کثیر مطلق را به تمام اجزای آن عرفاً رسانید پاک می شود، هر چند پس از آن با حرارت و ...

بتوان آب را از روغن جدا نمود. ولی در مورد روغن جامد می توان همان موضع نجس را برداشت و بقیه اجزای آن پاك می باشد.

نجاست هندوانه و خربزه

۱۹۳. گوشه ای از یک هندوانه یا خربزه نجس شده است، آیا تمامی آن نجس می شود یا خیر؟

ج. همه ی آنها به یک نحو و به یک حالت نیست و غالباً موجب سرایت نجاست نمی شود، بلکه اگر همان گوشه نجس را ببرند یا آب بکشند کافیست و اگر باطن آن هم نجس شده، با نفوذ آب کثیر به باطن آن پاك می شود.

نیم خورده حیوانات

۱۹۴. نیم خورده ی حیوانات حرام گوشت مثل گربه و ... چه حکمی دارد؟

ج. اگر - مثل سگ و خوك - نجس العین نباشند، پاك است.

داروهای نجس

۱۹۵. اگر دارویی را از مواد نجس تهیه کنند، نجس است؟

داروهای شیمیایی که بر اثر فعل و انفعالات مواد به دست می آید چه طور؟

ج. اگر در جریان ساخت دارو، شیء نجس کاملاً استحاله شود، پاك و در غیر این صورت نجس است.

داروهای وارداتی

۱۹۶. آیا داروهایی که در بازار مسلمانان خرید و فروش می شود و ساخت کفار است، پاك می باشد؟

ج. تا علم به نجاست نباشد، پاك است.

پنیرهای وارداتی

۱۹۷. اخیراً پنیرهایی ساخت بعضی از کشورهای غیر اسلامی، در بازار برخی از کشورهای اسلامی به فروش می رسند که بنا به اظهار بعضی افراد مطّلع، مایه ی اولیه آن از معده ی گوساله ی تازه به دنیا آمده، تهیه می گردد؛ چون ذبح آن گوساله به طریق شرعی نمی باشد، استفاده از آن پنیر چگونه است؟

ج. هر چند حیوان ذبح شرعی نشده باشد، پنیرمایه پاك است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب ظاهر آن را باید آب کشید. بنا بر این با شك در طهارت و نجاست، محکوم به حلال بودن و پاکی است؛ پس استفاده از پنیر مزبور مانعی ندارد.

۱۹۸. برخی از پنیرهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی با دست برش داده شده و قطعه های آن داخل حلب ها گذاشته می شود و بعد آب مورد نیاز به داخل آن ریخته می شود، استفاده از آنها چه حکمی دارد؟

ج. چون برش به وسیله ی کارد و امثال آن است، در صورت یقین به ملاقات آن با دست غیر مسلمان در حین برش یا بعد آن، محکوم به نجاست است و با تطهیر قابل استفاده است.

گوشت های وارداتی

۱۹۹. حکم گوشت های وارداتی از کشورهای غیر اسلامی چیست؟

ج. محکوم به نجاست هستند.

سوسیس های کشورهای غیر اسلامی

۲۰۰. آیا سوسیس هایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود، پاک است؟

ج. اگر مشتمل بر گوشت است، پاک نیست.

غذای کفار

۲۰۱. آیا خوردن غذایی که شخص کافر آن را پخته است، جایز است؟

ج. در صورت علم به تماس بدن او با غذا، جایز نیست.

نجاست دندان پر شده

۲۰۲. دندانم را پر کرده ام و دهانم به خون لثه نجس شده است، آیا پس از زایل شدن خون، دندان مذکور پاک است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، باید آن قسمت پُر شده را تطهیر کرد.

نجس شدن غذا در دهان

۲۰۳. اگر دندان مصنوعی یا غذا در دهان، با خون لثه تماس پیدا کند، آیا حتماً باید آنها را آب کشید؟

ج. لازم است آب کشیده شود.

نجاست دهان به واسطه خوردن چیز نجس

۲۰۴. آیا پس از خوردن یا آشامیدن چیزی که نجس است، آب کشیدن دهان واجب است؟

ج. آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.

نحوه تطهیر دندان مصنوعی

۲۰۵. آیا چنان چه دندان مصنوعی در دهان متحرّك باشد و بتوان آن را از دهان خارج نمود، باید در صورت نجس شدن آن را بیرون آورد و آب کشید یا در فضای دهان پاك می شود؟

ج. در فضای دهان نیز قابل تطهیر است.

گرفتن گلاب از گُل نجس شده

۲۰۶. اگر از گل نجس شده گلاب بگیرند، پاك است یا نجس؟

ج. نجس است.

ریختن مواد غذایی به فاضلاب

۲۰۷. معمولاً وقت شستن ظروف مقداری مواد غذایی به فاضلاب می رود، با این وضع تکلیف بنده چیست؟

ج. بهتر است این کار را نکنند.

لباس و فرش

عدم لزوم فشار دادن در آب کر

۲۰۸. لباس نجس را بعد زایل ساختن نجاست در ظرف آبی که مقدار کمی آب دارد می گذارند ولی از طریق شیرِ آب، متّصل به کُر است، آیا برای تطهیر کافی است، یا فشار دادن لازم است؟

ج. فشار دادن لازم نیست.

فشار برای خارج کردن غساله

۲۰۹. در تطهیر با آب قلیل که خارج نمودن غساله لازم است، اگر فشار دادن را در مورد لزوم آن ترك کند تا غساله در مدّتی به خودی خود خارج شود - مثل لباسی که روی بند آویزان می شود - آیا کفایت می کند؟

ج. کافی نیست.

مقدار لازم برای خارج کردن غساله

۲۱۰. در آب کشی با آب قلیل که خارج کردن غساله لازم است، چه مقدار از آن باید خارج شود؟

ج. به مقدار معمول خارج شود، کافی است.

شستن لباس با پودر نجس

۲۱۱. لباس را با پودر نجسی شسته اند، پس از آب کشیدن کف یا دانه های پودر لابلای لباس مشاهده شده، آیا لباس هنوز نجس است؟

ج. در صورت شستن با آب کر یا جاری، پودرهای نجس پاک می شوند و کف و دانه های باقی مانده از آن پاک است.

تغییر رنگ آب

۲۱۲. اگر لباس نجس هنگام تطهیر، رنگ پس دهد، آیا پاک می شود؟ چنان چه رنگ نجاست باشد چه طور؟

ج. اگر رنگ، مربوط به نجاست نباشد و به مقداری نیز نباشد که آب را قبل از تطهیر مضاف کند، پاک می شود.

نحوه آب کشی لباس و فرش

۲۱۳. اگر لباس را از درون آب فشار دهیم تا غساله اش خارج شود کفایت می کند، یا حتماً باید خارج از آب فشار دهیم.

ج. اگر آب قلیل است، باید خارج از آب فشار داده شود.

۲۱۴. آیا پایمال کردن فرش برای این که غساله اش خارج شود باعث تطهیر فرش می شود؟

ج. در صورت برطرف کردن عین نجس و آبکشی با آب کر، فشار و پایمال کردن لازم نیست و در آب قلیل، فشار لازم نیست با دست باشد.

۲۱۵. آبی که در لباس پس از فشار دادن باقی می ماند چه حکمی دارد؟

ج. اگر با چیزی غیر از بول نجس شده و با آب قلیل یا کر آب کشیده شده، پاک است و در صورت نجاست با بول و شستن با آب قلیل، باید یک مرتبه ی دیگر بر روی آن آب بریزند و غساله اش را خارج کنند.

نحوه تطهیر لباس

۲۱۶. آیا همین اندازه که لباس را زیر شیر متصل به لوله ی شهری آب کشی کنیم (زیر شیر بگیریم) لباس پاک می شود، یا باید غساله آن را خارج کرد؟ آیا باید آب به همه ی جاهای لباس برسد؟ اگر هنگام شست و شوی، آب ترشح کند و به لباس یا بدن برسد، تکلیف چیست؟

ج. در صورت برطرف شدن عین نجس با فراگیر شدن آب، لباس پاک است و ترشحات آن نیز پاک می باشد.

۲۱۷. اگر غیر مسلمان لباسی را شسته باشد و آن را در آفتاب پهن کند، پاک می شود یا خیر؟

ج. خیر، پاک نمی شود.

باقی ماندن اثر منی

۲۱۸. لباس آلوده به منی در بعضی موارد، پس از تطهیر، رنگ و اثر آن باقی می ماند. آیا این مقدار شستن کافی است؟

ج. اگر جرمیت دارد نجس است و اگر محرز شد که فقط رنگ است، پاک است.

اشیای وارداتی

۲۱۹. آیا لباس هایی که از خارج می آید را می شود پوشید؟ و هم چنین وسایل دیگر وارداتی را می توان استفاده نمود؟

ج. اگر سؤال از جهت طهارت و نجاست است، با شک در نجاست، محکوم به طهارت است؛ مگر آن اشیا و لباس ها از پوست حیوان باشد.

پاک شدن دست و لباس غسّال

۲۲۰. آیا بدن و لباس غسل دهنده ی میّت پس از غسل به تبعیت پاک می شود؟

ج. فقط دست غسل دهنده پاک می شود.

ماشین های لباسشویی

۲۲۱. ماشین های لباسشویی برقی که لباس را خشک می کند و تحویل می دهد با توجه به قطع و وصل با آب کُر، آیا لباس را پاک می کند یا خیر؟

ج. اگر بعد از زوال عین نجاست یک مرتبه با آب متّصل به کر یا دو مرتبه با آب قلیل می شوید، پاک می کند، البته لزوم دو مرتبه در آب قلیل نسبت به لباس نجس شده ی به بول است و هم چنین در شستن به آب قلیل، ملاحظه ی سایر احکام آب کشی با آب قلیل بشود.

۲۲۲. ماشین های لباسشویی موجود آیا تطهیر می کنند یا پس از شستن باید دوباره لباس را آب کشید؟ (با فرض این که برخی لباسشویی ها پس از پر شدن مخزن تا زمان تخلیه کامل، دیگر متصل به آب لوله کشی نیست و برخی دیگر تا پایان چرخش به منظور خارج کردن غساله لباس هر چند به مقدار کم ولی متصل به آب لوله کشی است)

ج. در مورد اوّل اگر آب متّصل به کر و لو برای یک لحظه هم فراگیر لباس ها نمی شود باید احتیاط رعایت شود و در فرض دوم پس از فراگیر شدن لباس های نجس به واسطه ی آب کر - در صورتی که عین نجس برطرف شده باشد - لباس ها پاک

می شود و تعدّد و تکرار آب کشی و یا خارج کردن غساله نیازی نیست.

۲۲۳. پیراهن نجسی که به آن غذا ریخته شده و در ماشین لباسشویی شسته شده ولی بعد از آب کشی بازهم غذا در آن باشد، حکمش چیست؟

ج. با وجود شرایط

تطهیر، پاک است.

لباسشویی های عمومی

۲۲۴. متصدّیان لباسشویی های عمومی که با افراد بی مبالات و حتی بی دین سر و کار دارند، آیا لازم است که در مورد طهارت و نجاست لباس های مشتریان سؤال کنند؟

ج. لازم نیست سؤال کنند.

عدم پاک کنندگی آفتاب برای لباس و فرش

۲۲۵. آیا آفتاب، لباس یا فرشی را که بر روی دیوار پهن شده است، پاک می کند؟

ج. خیر.

فرش نجس

۲۲۶. آیا غساله لباس و فرش و ... را باید با فشار دادن خارج کرد یا همین مقدار که خود به خود خارج شود یا خشک کنیم کفایت می کند؟ معمولاً قالی شویی ها پس از شست و شو، قالی را در دستگاهی که با چرخش سریع، غساله فرش را خارج می کند خشک می کنند، آیا کفایت می کند؟

ج. در صورت شستشو با آب کر، فشار دادن و خروج غساله لازم نیست و در آب قلیل باید غساله خارج شود، هر چند با چرخش سریع باشد.

برطرف کردن نجاست از روی فرش

۲۲۷. اگر چیز نجسی روی فرش بریزد و قبل از این که جذب فرش بشود از فرش برطرف شود، آیا فرش پاک است؟

ج. اگر رطوبت سرایت کننده نداشته، فرش پاک است.

تطهیر پوست گوسفند نجس شده

۲۲۸. پوست گوسفندی در آب نمک بوده است و موشی در آن مرده است، کیفیت تطهیر آن چگونه است؟

ج. بعد از خشکاندن پوست - بنا بر احوط - آن را در آب کر یا جاری بگذارند، به مدّتی که آب در آن نفوذ کند.

سرایت نجاست از زمین به موکت

۲۲۹. بر روی زمین نجسی که مرطوب بوده است، موکتی پهن کرده ایم اما نَم کشیده و سنگین شده است، آیا موکت نجس

است؟

ج. در صورتی که رطوبت زمین به اندازه ای بوده که به موکت سرایت نموده، نجس است و در غیر این صورت نم و رطوبت اندک، موجب نجاست موکت نمی شود.

نحوه ی آب کشی موکتِ نجسِ به زمین چسبیده

۲۳۰. کیفیّت آب کشی موکت نجسی که به زمین چسبیده است را بیان فرمایید؟

ج. بعد از برطرف کردن عین نجاست، با آب شلنگ - که به شیر آب وصل است - آنجا را بشویند، به طوری که آب به تمام جاهای نجس برسد.

محیط و فضاهای اطراف (زمین، دیوار و ...)

نحوه ی آب کشی زمین با شلنگ

۲۳۱. آب کشی زمینی که موزاییک و یا آسفالت شده است با آب شلنگ چگونه است؟

ج. اگر آب شلنگ به تمام جاهای نجس برسد، پاک می شود.

۲۳۲. اگر زمین سنگ فرش نجس شده باشد و با شلنگ متصل به آب لوله ی شهری آب بکشیم، پاک می شود؟ آیا باید غساله آن را جمع و خارج کنیم؟

ج. بلی، پاک می شود و خارج کردن غساله لازم نیست.

تطهیر زمین

۲۳۳. زمین سختی که منفذی ندارد و پس از نجس شدن، امکان گود کردن آن نیست، در این صورت با آب قلیل چگونه قابل آب کشی است؟

ج. بنا بر احوط در غیر موارد عسر و حرج در خارج کردن غساله جایی که آب ها جمع می شود، نجس می ماند. بله، اگر ظرف و یا چیز سفتی گذاشته شود تا آب ها در آنها جمع و خارج شود تمام آن پاک می شود.

۲۳۴. آیا سنگ فرش خیابان مثل آجر، موزاییک، آسفالت و ... پاک کننده ی کف کفش می باشد؟

ج. آسفالت پاک کننده نیست، به مسأله ی ۱۸۵ رجوع شود.

۲۳۵. اگر کف پا یا کفش با بول یا آب نجس آلوده شود و سپس خشک گردد با راه رفتن بر روی زمین و یا مالش آن بر زمین پاک می شود؟

ج. اگر به واسطه ی راه رفتن نجس شده باشد، پاک می شود، به مسأله ی ۱۸۴ رجوع شود.

قابلیّت تطهیر درب های نجس بعد از رنگ شدن

۲۳۶. رنگ هایی که به درب ها می زنند در صورتی که بعد از نجس شدن، آنها را بر درب ها بزنند، آیا ظاهر آنها قابل تطهیر است؟

با توجّه به این که به روغن مخصوصی آغشته هستند.

ج. ظاهر آن قابل تطهیر است.

مصالح ساختمانی نجس

۲۳۷. اگر مصالح ساختمانی ضمن کار نجس شود، نحوه پاک کردن ساختمانی که با چنین مصالحی ساخته شده چگونه است؟

ج. ظاهر آن با آب کشیدن با آب کر پاک می گردد.

دامنه پاک کنندگی زمین

۲۳۸. آیا زمین، کف چرخ های وسایل نقلیه مانند ویلچر را پاک می کند؟ نوک عصا را چه طور؟

ج. پاک می کند، به مسأله ی ۱۸۹ رجوع شود.

تابیدن آفتاب از پشت شیشه

۲۳۹. آیا تابیدن آفتاب از پشت شیشه بر جسم نجس پاک کننده است؟

و اگر پشت خود شیشه نجس باشد چه طور؟

ج. اگر خشک شدن مستند به آفتاب باشد، پاک می شود.

نحوه ی پاک کردن محیط با آفتاب

۲۴۰. اگر جایی از زمین، درب، دیوار و ... نجس شده و خشک شده باشند، آیا پس از ازاله ی عین نجس می توان آن را اندکی خیس کرد تا با تابش آفتاب پاک شود؟

ج. بله، می توان.

۲۴۱. اگر تمام کف توالت خیس باشد با نجس شدن گوشه ای از آن، آیا موجب نجاست تمام آن و حتی کف کفشی که خیس است می شود؟

ج. اگر خیسی به قدری نباشد که موجب سرایت نجاست شود، موجب نجاست نمی شود.

۲۴۲. دیوار حمام یا دستشویی که نَم دارند و در مجاورت فاضلابِ نجس هستند، نجس محسوب می شوند؟

ج. خیر، حتی اگر خیس باشد به نحوی که آب از بالا جریان پیدا می کند، آب واحد متصل، ساکن حساب نمی شود.

فاضلاب در کوچه ها

۲۴۳. در برخی مناطق که رعایت مسائل بهداشتی نمی شود، آبی که معمولاً ـ از فاضلاب منازل در جوی خیابان و کوچه ها جاریست چه حکمی دارد؟

اگر بدانیم که فاضلاب فلان منزل یا محلّه نجس است، آیا همه ی جوی نجس است؟

ج. در صورت عدم علم به نجاست، پاک است و در صورت علم به نجاست، اگر به آب جاری ریخته شود در غیر مقداری که متغیّر به نجاست است حکمِ آب جاری را پیدا می کند.

نجس شدن غذا در مهمانی

۲۴۴. اگر در یک مهمانی یکی از مهمانان متوجه شود که غذا نجس است، آیا باید به بقیه اعلام نماید؟

ج. اعلام لازم نیست و فقط خود باید اجتناب نماید و در صورت معاشرت با آن عدّه، پس از غذا به آنان اطلاع دهد تا آنچه نجس شده، پاک کنند.

(به مسأله ی ۱۴۶ رساله رجوع شود.)

۲۴۵. در صورتی که صاحب خانه پس از پخت غذا متوجه نجاست آن شود، آیا لازم است که به مهمانان اطلاع دهد؟

ج. باید آنان را مطلع ساخته و از خوراندن غذای نجس به آنان اجتناب نماید.

(به مسأله ی ۱۴۶ رجوع شود.)

خوراندن غذای نجس

۲۴۶. آیا می توان به کافر و یا کودک نابالغ غذایی که نجس شده داد؟

ج. به مسأله ی ۱۴۲ رساله رجوع شود.

نجس کردن وسایل دیگران

۲۴۷. در صورت نجس کردن وسایل دیگران آیا باید به آنها گفته شود؟ اگر وسایلشان مانند لباس و ... نجس شد وظیفه چیست؟

ج. اگر با آن وسایل و لباس ها، کاری که در آن طهارت شرط است انجام می دهند، لازم است گفته شود و اگر عالم به نجس شدن آنها شد لازم نیست بگوید؛ مگر در آنچه مربوط به او هم هست.

عاریه لباس نجس

۲۴۸. شخصی با دست نجس مرطوب با دیگران مصافحه می کند، آیا اطلاع دادن به آنها لازم است؟

و آیا شخصی لباس نجسی را که به کسی عاریه می دهد، آیا باید او را از نجاست لباس مطلع نماید؟

ج. در صورتی که فرد مقابل درصدد انجام اعمالیست که طهارت در آنها شرط است، اطلاع او لازم است.

تجسّس برای نجاست و پاکی اشیا

۲۴۹. اگر با مختصر پرسش و پاسخی به نجس یا پاك بودن اشیا بتوان پی برد، آیا تجسّس لازم است؟

ج. تجسس لازم نیست.

نجس کردن وسایل دیگران

۲۵۰. اگر انسان به مهمانی رفت و بچّه اش فرش صاحب خانه را نجس نمود، آیا واجب است به صاحب خانه بگوید؟

ج. اگر از فرش در اعمالی که در آن طهارت شرط است استفاده نمی شود، اعلام لازم نیست.

تذکّر نجاست

۲۵۱. اگر چیز نجس را در جایی بشوییم و آنجا نجس شود، مثل این که آب لباس نجس جایی بریزد و محل رفت و آمد دیگران باشد، آیا لازم است به آنها بگوییم؟

ج. اگر دیگران از آنجا استفاده ای می کنند که مرتبط با اعمالیست که آن اعمال مشروط به طهارت است به آنها بگویند.

طهارت طفل و اشیای وی

۲۵۲. آیا کودك و وسایل او جزو چیزهایی محسوب می شوند که در اختیار والدین هستند که اگر ایشان آن وسایل را پاك بدانند می توان آن وسایل را پاك دانست – مثلاًـ دست بچه ای زخم می شود و آن بچه غایب می شود و آنگاه که بر می

گردد عین نجاست در دست او نیست و والدین بچه دست بچه را پاک می دانند، آیا می توان آن را پاک دانست و معلوم نیست که خودش آن را شسته یا والدین او آب کشیده اند؟

ج. محکوم به طهارت است، مگر علم بر خلاف باشد.

غایب شدن مسلمان

۲۵۳. اگر بدن، لباس، ظرف و یا وسیله فردی نجس شود، امّا خود او متوجه نگردد پس از خروج او از اتاق و ورود مجدد او به داخل، آیا باید حکم به طهارت آن نمود؟

ج. علم او به نجاست در حکم به طهارت لازم نیست بنا بر اظهر پس می توان حکم به طهارت آن نمود.

اسمای متبرّکه

آب کشیدن قرآن

۲۵۴. آب کشیدن قرآن نجس، در صورت از بین رفتن آن پس از آب کشی چه حکمی دارد؟

ج. آب کشیدن قرآن نجس لازم است، هر چند قرآن غیر قابل استفاده شود.

حرمت نوشتن قرآن با خون یا نجس دیگر یا متنجّس

۲۵۵. نوشتن قرآن با خون یا نجس یا متنجّس دیگر چه حکمی دارد؟

ج. حرام است و حرمت آن از نجس کردن قرآن شدیدتر است و محو آن لازم است.

دست زدن به قسمتی از اسامی متبرّکه

۲۵۶. آیه و یا کلمه ای از قرآن مانند «اللّٰه» قیچی شده است، دست زدن بدون وضو به آن آیه یا کلمه اشکال دارد؟

ج. جایز نیست.

۲۵۷. آیا دست زدن به کلماتی مانند «بسمه تَعالی» یا «هو» یا کلمات فارسی مانند «خدا» و غیره بدون وضو اشکال دارد؟

ج. جایز نیست.

اسامی متبرّکه به زبان های دیگر

۲۵۸. آیا کلماتی مانند «بسمه تعالی»

و «اللّه» که به زبان های خارجی نوشته شوند، جزو اسمای متبرّکه محسوب می شوند.

ج. بله، جزو اسمای متبرکه محسوب می شوند.

سایه اسامی و عبارات متبرّکه

۲۵۹. آیا دست زدن به سایه ی آیه ی قرآن که مثلاً روی در حیاط، آهن بری شده، بدون وضو اشکال دارد؟

ج. ظاهراً اشکالی ندارد.

دست زدن به آب با وجود کاغذ قرآن

۲۶۰. دست زدن بدون وضو به آبی که چند ورق از قرآن یا کلمه «اللّه» در آن افتاده است، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

دفن و سوزاندن قرآن

۲۶۱. دفن کردن یا سوزاندن قرآنی که قابل استفاده نیست چه حکمی دارد؟

ج. باید در جایی که موجب هتک و یا نجاست نشود دفن نمود و از سوزاندن اجتناب کرد.

نشستن روی روزنامه

۲۶۲. آیا اگر شخصی بر روی روزنامه ای بنشیند که ممکن است آیه یا حدیثی روی آن نوشته شده باشد، اشکال دارد؟

ج. در صورت یقین یا اطمینان به چنین نوشتاری از کارهایی که موجب هتک است، باید اجتناب نمود.

دور ریختن روزنامه با اسامی متبرکه

۲۶۳. دور ریختن روزنامه یا کاغذهای باطله که دارای اسمای متبرکه است، چه حکمی دارد؟

ج. از کارهایی که موجب هتک است باید اجتناب نمود.

استفاده از روزنامه برای بسته بندی

۲۶۴. آیا استفاده کردن از روزنامه و مجلات باطله که دارای اسامی متبرکه و ائمه علیهم السّلام هستند، برای بسته بندی کردن سبزی جات یا پاک کردن شیشه و ...

اشکال دارد؟

ج. در صورت عدم علم به وجود چنین اسمایی در آنها، اشکال ندارد.

چاپ الفاظ متبرکه بر اشیا

۲۶۵. چاپ کردن الفاظ جلاله و ائمه علیهم السّلام بر روی جاکلیدی یا وسایل دیگر، چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که موارد استفاده آن، هتک محسوب نشود، بی اشکال است.

محو اسمای متبرّکه

۲۶۶. از چه طریقی می شود اسمای متبرکه را از بین برد؟ آیا خط کشیدن روی آنها کافی است؟

ج. باید به نحوی که موجب هتک نشود به طور کامل آن را محو کند و یا در رودخانه یا چاه تمیز بیندازد.

پاره کردن اسمای متبرکه

۲۶۷. قطعه قطعه کردن اسمای متبرکه که غیر قابل خواندن شوند چه حکمی دارد؟

و آیا محو کردن اسمای مبارکه و آیات قرآن و ساقط شدن حکم آنها با حذف و اضافه کردن حروف کافی است؟

ج. پاره کردن آنها جایز نیست، ولی محو کردن آنها جایز است.

اسمای متبرکه افتاده در معابر عمومی

۲۶۸. در مورد اسامی متبرّکه که در خیابان ها بر روی زمین افتاده، آیا مسؤولیتی بر عهده کسی که آن را ببیند هست یا خیر؟ و نیز برای رفع این مشکل چه باید بکنیم؟

ج. کسی که آنها را ببیند باید آنها را بردارد و احترام کند.

اسمای حک شده بر محصولات آستان قدس رضوی

۲۶۹. آستان قدس رضوی دارای کارخانه ها و محصولات فراوانی است که از جمله آنها کیک، ماست و ... بر تمام بسته ها، کارتن ها و ظروف این محصولات آرم «آستان قدس رضوی» حک شده است، آیا چاپ عنوان «رضوی» بر بسته هایی که قطعاً در زباله و زیر دست و پا ریخته می شود جایز است؟

و آیا عابرین موظف به جمع آوری چنین نوشته هایی از سطح خیابان ها و معابر هستند؟ در صورت عسر و حرج در این باب تکلیف چیست؟

ج. اسم منسوب به امامان - مانند رضوی - هم مورد احتیاط است.

اطمینان از عدم اسمای جلاله در اوراق

۲۷۰. آیا هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا سوزاندن آنها، باید اطمینان حاصل شود که اسمای متبرکه در آنها نباشد؟

ج. خیر، عدم اطمینان به بودن، رفع کننده تکلیف است.

انداختن اسمای متبرکه در جوی آب

۲۷۱. انداختن اسمای متبرکه در نهرها و جوی ها چه حکمی دارد؟

ج. اگر آب جاری دارد، مانعی ندارد.

افتادن سکه منقوش به اسم ائمه در دستشویی

۲۷۲. اگر سکه ی ۱۰ تومانی که نام مبارک حضرت رضا علیه السّلام روی آن است در دستشویی بیفتد و نتوان آن را بیرون آورد وظیفه ما چیست؟

ج. بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد، بر کسی که آن را انداخته واجب است و اگر او این کار را نکرد یا نتوانست انجام دهد، بر دیگران واجب می شود و خرج آن از بیت المال داده می شود و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، کسانی که مطلع هستند نباید به آن مستراح بروند ولی وجوب اعلام، محل تأمل است.

بلعیدن صفحه قرآن توسط حیوانِ حلال گوشت

۲۷۳. اگر حیوان حلال گوشتی صفحه ای از قرآن را ببلعد وظیفه صاحب حیوان چیست؟

ج. ظاهراً وظیفه ای ندارد.

خمیر کردن قرآنهای کهنه

۲۷۴. آیا شرعاً قرار دادن قرآنهای قدیمی و بدون استفاده در دستگاه هایی برای خمیر کردن آنها جایز است؟

ج. جایز نیست.

حک آیه ی قرآن بر قبرها

۲۷۵. حک کردن آیات قرآن روی قبرها چه حکمی دارد؟

ج. اگر محل عبور و مرور است، جایز نیست.

۲۷۶. آیا مسؤولان گورستان می توانند از حک کردن آیات قرآن روی قبرها جلوگیری کنند؟

ج. بله می توانند بلکه اگر در مورد هتک است واجب است جلوگیری نمایند.

۲۷۷. محو کردن لفظ جلاله «اللّه» یا آیه ی قرآن روی سنگ های قبر بدون اجازه ی صاحب آنها، در صورت دسترسی نداشتن به آنها، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در معرض هتک است، جایز است.

آب کردن قطعه طلایی دارای اسم جلاله یا قرآن

۲۷۸. گاهی روی قطعه یا شمش طلا، قرآن یا اسم جلاله حک شده است.

آب کردن چنین طلاهایی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج. اگر موجب هتک آن نباشد اشکال ندارد، مانند محو کردن آنها.

نجس شدن نوار قرآن

۲۷۹. اگر نوارهایی که آیات قرآن در آنها ضبط شده است در فاضلاب بیفتد یا بسوزد، وظیفه ی ما چیست؟

ج. حفظ حرمت آنها خوب است.

قرار دادن قرآن در اختیار کافر

۲۸۰. آیا جایز است که معلّمین، قرآن را در اختیار دانش آموزان بهایی، یا اهل کتاب قرار دهند؟

ج. اشکال دارد.

خال کوبی

۲۸۱. آیا خال کوبی روی بدن و همچنین خال کوبی اسم های ائمه علیهم السّلام روی بدن اشکال دارد؟

آیا نجس نمودن و یا دست کشیدن بدون طهارت بر آنها حرام است؟

ج. خال کوبی اگر مشتمل بر ضرر رساندن قابل توجه به نفس نیست، اشکال ندارد و اما خال کوبی اسامی ائمه علیهم السّلام و نجس نمودن یا دست کشیدن بدون طهارت بر آنها، اشکال دارد.

استفاده از ظرف های دارای آیه های قرآن

۲۸۲. حکم استفاده از ظروفی که آیه های قرآن در آنها حک شده است، چیست؟

ج. اگر موجب نجس شدن نباشد مانعی ندارد، بلکه گاهی به آنها تبرّک هم می شود.

متفرقه

واسطه در نجاست

۲۸۳. چیز نجس تا چند واسطه نجس کننده است؟

ج. به هر مقدار که واسطه پیدا کند، نجس کننده است.

نجس کننده بودن شیء نجس شده

۲۸۴. فتوای معظم له اینست که متنجّس مانند خود نجس، نجس کننده است حتّی با تعدّد واسطه به هر اندازه که باشد، ولی وضعیت زندگی حقیر به نحوی بوده و هست که بدون حکم به پاک بودن واسطه سوم به بعد نمی توانم زندگی کنم، وظیفه ی من چیست؟

ج. در نجاست شیء که با چیز نجس شده ملاقات کرده، فرقی بین کم و زیادی واسطه نیست، ولی لازم است از وسوسه اجتناب شود و تکلیف به هر مقدار که به عُسر و حرج برسد، منتفی است.

وسواس در نجاست و طهارت

۲۸۵. شخص وسواسی در طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟

آیا راهی برای نجات وی از وسوسه هست؟

ج. وسواسی که غالباً پاک ها را نجس می انگارد، باید بنا بر تکلیف شرعی از این رویّه دست بردارد.

ملاک رطوبت سرایت کننده

۲۸۶. ملاک رطوبت سرایت کننده که برای نجس کردن اشیا ذکر شده چیست؟

مثلاً ـ اگر کف زمین کاملاً خیس باشد و در گوشه ای از آن نجاستی قرار گرفته باشد تا چه میزان اطراف آن محل نجس می شود؟

ج. تا جایی که خیسی آن به قدریست که آب واحد متصل صدق می کند.

حکم ترشح در موقع برطرف کردن نجاست

۲۸۷. ترشحاتی که در هنگام برطرف کردن نجاست پخش می شود، چه حکمی دارند؟

ج. اگر با آب کر یا جاری می شویند، پاک است.

پاک کنندگی مواد شیمیایی

۲۸۸. آیا تینر و سایر حلّال ها پاک کننده اند؟

ج. خیر، پاک کنندگی در اصطلاح فقه با پاک کنندگی در اصطلاحات علوم دیگر هم چون شیمی و ... متفاوت است.

دود و سوخته ی اشیای نجس

۲۸۹. دود بنزین، گازوییل، نفت، چوب و سایر اشیای نجس پاک است یا نجس؟ آیا دوده، چربی و مواد باقی مانده از آنها پس از سوختن چه حکمی دارد؟

ج. بخار و دود و شعله ای که از چیز نجس یا متنجس بر می خیزد پاک است ولی اگر بخار به صورت عرق و مایع درآید چه از نجس باشد و چه از چیز نجس شده، نجس است و بنا بر احتیاط واجب باید از چربی و رو غنی که از دود نجس و متنجس حاصل می شود و بر سطوح مجاور آن می نشیند اجتناب نمود.

گازوییل متنجّس

۲۹۰. گازوییل متنجس بعد از سوخته شدن به صورت دوده در می آید آیا استحاله شده و پاک است؟

ج. احتیاط واجب اجتناب است.

(به نحو مذکور در مسأله ی ۱۹۸ رساله.)

تطهیر ظروف و دستکش های پلاستیکی

۲۹۱. ظروف و دستکش های پلاستیکی اگر نجس شود، آیا با آب کشیدن آنها بعد از برطرف شدن نجاست تطهیر می شود؟

ج. بله.

عدم سرایت نجاست با بخار حمام

۲۹۲. آیا بخار حمام موجب سرایت نجاست می شود؟

ج. خیر.

آب کشیدن مهر نجس

۲۹۳. آیا مُهری را که نجس شده است می شود آب کشید و با آن نماز خواند؟

ج. بله.

تماس بدن با چیزهای نجس

۲۹۴. اگر چوب نجس شود چگونه باید آن را تطهیر کرد؟ اگر جایی از بدن با آن تماسی پیدا کند، آیا نجس می شود؟

ج. اگر ظاهر آن نجس شده باشد، به وسیله ی آب قلیل یا فرو بردن در آب کر و جاری پاك می شود، ولی باطن آن پاك نمی شود، مگر این که در کر یا جاری به قدری بماند که آب به باطن آن نفوذ کند، یعنی آب به هر جایی از باطن که یقین دارد نجاست به آنجا رسیده بود، برسد و بنا بر احوط باید آب مطلق به باطن آن برود نه آب مضاف و قبلاً آن را برای تطهیر باطن خشک کنند.

احکام نجاسات

۱ و ۲. بول و غائط

رطوبت مشکوک

۲۹۵. رطوبتی غلیظ و سفید رنگ که گاهی اوقات همراه با باد شکم و روده و یا در مواقعی به تنهایی از مخرج غائط خارج می شود و شباهت بسیاری نیز به اخلاطی دارد که از گلوی انسان خارج می شود، آیا پاك است یا نجس؟

ج. اگر همراه ذرّات باشد نجس است و در غیر این صورت اگر صدق عذره و غائط بر آن نکند، وجهی برای نجاست ندارد.

خروج عفونت

۲۹۶. به علت ابتلا به کیست عفونی، از من عفونت خارج می شود، آیا این عفونت نجس است و موجب غسل می شود؟

ج. اگر آن عفونت مخلوط به بول یا غائط باشد نجس است ولی موجب غسل نیست، مگر این که عفونت مخلوط با خون حیض و نفاس و استحاضه باشد.

۲۹۷. اگر دکتر در ادرار کسی تشخیص اسپرم بدهد و خود او هم بعد از ادرار، آبی با لزوجت و چسبندگی ببیند و احتمال قوی دهد که منی است آیا آن آب حکم منی را دارد؟

ج. اگر خصوصیات مذکوره در مسأله ی ۳۵۰ رساله را ندارد، حکم منی را ندارد؛ مگر علم یا اطمینان حاصل شود.

بول شیرخوار

۲۹۸. آیا بول بچه شیرخوار پسر، نجس است یا نه؟ و فرقی با بول دختر دارد یا خیر؟

ج. بلی نجس است، لکن نحوه ی تطهیر آن آسان تر است که در مسأله ی ۱۶۳ رساله بیان شده است و بول دختر مثل بول پسر نیست بنا بر احوط.

۲۹۹. اگر در مدفوع کودک اجزایی مثل تخم هندوانه و یا خاکشی و ... وجود داشته باشد و پس از شستن کهنه ی کودک هنوز آن اجزا برطرف نشده باشد، آیا ظاهر آن اجزا به تبعیت از کهنه پاک می شود؟

ج. به شستن پاک می شود.

بخار بول

۳۰۰. آیا بخار بول یا آب نجس شده نجس است؟

و اگر به صورت آب درآمد چه طور؟

ج. خود بخار پاک است ولی اگر به صورت عرق و مایع درآمد نجس است.

فضله جانوران حرام گوشت

۳۰۱. در محل مسکونی ما پرندگان حرام گوشت از جمله کلاغ های بسیاری زندگی می کنند، آیا اجتناب از فضله هایی که در محل زندگی آنها می باشد لازم است؟

در صورت لزوم با توجه به رفت و آمد بسیار و نیز فصل بارندگی، رعایت این مسأله موجب عسر و حرج شده است.

چون تقریباً با گذشت زمان جای کمی وجود دارد که در آنها فضله نباشد و از طرفی اشخاصی هم که با آنها معاشرت می شود یا مسأله را نمی دانند و یا بی توجّه اند، وظیفه چیست؟

ج. در فضله پرندگان حرام گوشت، اقوی نجاست است و وظیفه از جهت عسر و حرج - که در شریعت نفی شده - در اینجا با جاهای دیگر تفاوتی ندارد.

فضولات لاک پشت

۳۰۲. فضولات لاک پشت چه حکمی دارد؟

ج. اگر خون جهنده دارد نجس است و در غیر این صورت، در حیواناتی که خوردن گوشت آنان حرام است و در اجتناب و دوری از فضولات آنان عسر و حرج پیش نمی آید، بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب نمود.

فضله موش در خمیر یا نان

۳۰۳. اگر فضله موش در خمیر یا نان دیده شود تکلیف چیست؟

ج. تا وقتی که به نجاست آبی که با آن خمیر کرده اند علم حاصل نشده باشد از مقداری از اطراف آن اجتناب شود و بقیّه پاک است.

جستجو برای پیدا کردن فضله

۳۰۴. هرگاه در گندم فضله موش دیده شود، آیا جستجو در آن که شاید بازهم باشد لازم است و اگر آن را آرد کنند محکوم به طهارت است؟

ج. جستجو لازم نیست و محکوم به طهارت است.

۳. مردار

سوسمار خانگی

۳۰۵. آیا میته ی سوسمار خانگی نجس است؟

ج. اگر خون جهنده ندارد، پاک است.

مخلوط شدن پوست دست با مواد غذایی

۳۰۶. گاهی هنگام خرد کردن یا رنده کردن مواد غذایی، تکه های کوچکی از پوست انگشتان دست، بدون این که متوجه شویم و یا دردی حس کنیم و یا خون بیاید با چاقو یا رنده بریده می شود، آیا این تکّه های کوچک نجس هستند؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، نجس است و بعد از جدا کردن تکه ی پوست، مواد غذایی مزبور، تطهیر شود؛ البته اگر عرفاً پوست کنده شده بر آن صادق است، نه مثل مالیدن کشک در کشک مال.

پوست مار

۳۰۷. اشیایی که با پوست مار درست می شود آیا محکوم به نجاست اند؟

ج. پوست مار اگر خون جهنده نداشته باشد، هیچ نوع آن، نجس نیست.

مایع کیسه ی جنین

۳۰۸. آیا مایعی که از کیسه آب جنین خارج می شود، حکم نجاست را دارد؟

با توجه به این که ممکن است قبل از زایمان کیسه پاره شود و از طریق مجرای تناسلی زن خارج شود؟

ج. اگر خون نداشته باشد، پاک است.

چرم در بازار غیر مسلمین

۳۰۹. آیا وسایل چرمی که از بازار غیر مسلمانان خریداری می شود، حکم به نجاست آن می شود؟ و اگر اصل چرم بودن مشکوک باشد، وظیفه چگونه است؟

ج. با شک در چرم بودن، محکوم به طهارت است، مگر در صورت علم به نجاست و اگر چرم بودن آن محرز است، محکوم به عدم تذکیه و نجاست است؛ مگر در صورت احراز ذبح شرعی حیوان یا احراز این که قبلاً در درست مسلمانی بوده و یا در بازار مسلمین بوده است.

توپ های چرمی

۳۱۰. آیا توپ های ورزشی چرمی که در بازار مسلمین فروخته می شود یا توسط دولت اسلامی از خارج وارد می شود و معمولاًـ واردات آنها از کشورهایی (هم چون چین، ژاپن، تایوان، آلمان و سایر کشورهای) غیر مسلمان است که ذبح در آن جاها غیر شرعی است، از حیث طهارت و نجاست چه حکمی دارند؟ بازی کردن با آنها که احتمال آلودگی به نجاست زیاد است چه حکمی دارد؟

ج. اگر از چرم حیوان است، بدون احراز ذبح شرعی محکوم به نجاست است.

بلی اگر در بازار مسلمین تهیه شود و احتمال داشته باشد که احراز تذکیه حیوان را کرده اند، محکوم به طهارت است و بازی کردن با توپ نجس مانع ندارد و در صورتی که یقین به ملاقات چرم نجس با بدن یا لباس - با رطوبت سرایت کننده پیدا شود - باید برای عملی که مشروط به طهارت است آن را تطهیر کرد.

صابون با مواد وارداتی

۳۱۱. اگر پیه را از کشورهای غیر اسلامی وارد کنند و با آن صابون بسازند چه حکمی دارد؟

ج. اگر تزکیه آن احراز نشود، محکوم به نجاست است.

نجاست بدن میّت

۳۱۲. آیا بدن میّت مسلمان قبل از غسل دادن نجس است؟

و بدن در تماس با بدن او آیا نجس می شود؟

ج. نجس است و در صورت وجود رطوبت سرایت کننده نجس می شود و در صورت خشک بودن نیز احتیاط مستحب آن است که محل ملاقات شسته شود.

تماس با بدن میّت

۳۱۳. آیا تماس اشیای مرطوب با بدن میّت، بعد و قبل از سرد شدن بدن باعث نجاست اشیا می شود؟

ج. اگر تماس قبل از تمام شدن سه غُسل میّت، باشد باعث نجاست است.

تیمّم میّت

۳۱۴. جنازه ای را به خاطر تعذّر، تیمّم بدل از غسل داده اند، آیا چنان چه چیز تَر به آن برسد نجس می شود؟

ج. بنا بر اظهر نجس نمی شود.

غساله میّت

۳۱۵. غساله ای که مستقیماً از بدن میّت ترشح می کند در زمان غسل پاک است یا نه؟

ج. در صورت اتصال به کر و تغییر نکردن غساله به واسطه تماس با میّت پاک است و در غیر این صورت قبل از اتمام غسل میّت نجس می باشد.

استفاده از نخ بخیه نجس

۳۱۶. گاهی پزشکان در عمل جراحی، از نخ بخیه ای استفاده می کنند که نجس می باشد (مانند روده میته). حکم آن را بیان فرمایید.

ج. اگر جزء بدن انسان شود - مثل پیوند کلیه - مانعی ندارد.

موی موش

۳۱۷. آیا موی موش پاک است؟

و اگر در هنگام نماز با ما باشد چه حکمی دارد؟

ج. پاک است، ولی مانع نماز است.

پاک بودن پیاز مو

۳۱۸. اگر انسان موی سر و یا ریش خود را بکند، آیا لازم است جای آن را آب بکشد؟ آیا پیاز مو نجس است؟

ج. خیر، پاک است.

۴. خون

جوش های بدن

۳۱۹. جوش هـای غـدّهماننـدی که در جاهـای مختلف بـدن هست، که گاهی از آنها مایع قرمزرنگ خارج می شود که مرتّب غدّه هایش می ترکد و حوله و صورت را آلوده می کند و موجب عسر و حرج است، آیا حکم خون را دارد؟

ج. تشـخیص این که خون هست یـا نه بـا خود مکلف است و با علم به خون بودن، از حیث نجاست، اجتناب لازم است و برای نماز به مسأله ی ۷۱۳ رساله رجوع شود.

تطهیر زخم ها

۳۲۰. زخمی را پس از خشک شـدن محل زخم تطهیر کرده و یقین به طهارت آن پیـدا نموده ام؛ اما پس از مـدتی متوجه شدم که هنوز محل زخم خونی بوده است، تکلیف عبادات و لباس ها و وسایلی که در این مدت با آن در ارتباط بوده ام چیست؟

ج. شایـد خون موجود بعـداً دوبـاره آمـده که در همـان حـالی که می بینـد آن را تطهیر می کنـد و عبادات قبلی صـحیح و آن وسایل هم پاک است.

۳۲۱. اگر جایی از بـدن خونی باشد و بعد فراموش کند و در حال بی توجّهی آنجا را زیر شـیر آب بشوید و سـپس یادش بیاید ولی می بیند اصلاً خونی نمانده، آیا همین مقدار کافیست تا بنا بگذارد که همه ی خون همان موقع برطرف شده است؟

ج. اگر یقین دارد که بعد از زوال عین نجاست هم، آب بر جای نجس جاری بوده، پاک است.

خون تخم مرغ

۳۲۲. در رساله آمده:

از خونی که در تخم مرغ می باشـد بنـا بر احتیـاط بایـد اجتناب کرد ولی اگر خون در زرده باشـد سـفیده پاک است و اگر در سفیده باشد زرده پاک است، کمی توضیح فرمایید؟

ج. منظور اینست که چون پوست رقیقی زرده را احاطه کرده، نجاست از درون به بیرون و بالعکس سرایت نمی کند.

نجس بودن فرآورده های خونی

۳۲۳. آیا فرآورده های خونی مثل پلاسما و سرم، نجس است؟

و اگر پاک است آیا ظرف آن به تبع، پاک می شود؟

ج. نجس است.

افتادن خون خشک روی کف شیر

۳۲۴. موقع دوشیدن شیر روی آن کف جمع می شود حال اگر ذرّه ی خون خشکی روی آن کف بیفتد شیر نجس می شود؟

ج. طهارت آن مشکل است.

خون در خلط دهان و بینی

۳۲۵. اگر خلطی که از دهان و یا بینی خارج می شود خونی باشد تمام محل تماس با آن خلط نجس است؟

ج. اگر قسمت خونیِ خلط نجس با ظاهر دهان و بینی تماس پیدا کند، فقط محل تماس نجس می شود و تماس قسمت های دیگر یا قسمت خونی با باطن دهان و بینی، نجس کننده نیست.

نحوه ی آب کشیدن دهان و بینی پس از خون ریزی

۳۲۶. موقعی که بینی و دهان انسان خون می افتد، آیا لازم است که داخل بینی و دهان را آب بکشیم یا فقط بیرون آن کافی است؟

ج. شستن بیرون کافی است.

خون پشه

۳۲۷. اگر انسان پشه را در حین مکیدن خون بکشد، آیا خون مذکور پاک است؟

اگر پس از مکیدن و پرواز باشد چه طور؟

ج. از خونی که در حال مکیدن خارج می شود و هنوز جزو پشه محسوب نمی شود، باید اجتناب نمود. (توضیح کامل در مسأله ی ۲۰۹ رساله آمده است.)

خون بر لباس

۳۲۸. خون کمی در لباس مشاهده کردم اما نمی دانم چه خونی است، آیا محکوم به نجاست است؟

ج. تا وقتی علم به نجاست خون پیدا نشود که آیا خون حیوان جهنده است یا خون پشه و امثال آن، محکوم به طهارت است.

خون مردگی زیر پوست

۳۲۹. خونی که زیر پوست کوبیده شده و خون مردگی پیدا کرده، چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که پوست روی آن سوراخ شده باشد اگر مقدار زمان زیادی از آن گذشته باشد، به گونه ای که عرفاً آن را خون نگویند، پاک است و در غیر این صورت نجس محسوب می شود و توضیح بیشتر در مسأله ی ۱۰۵ و ۱۰۶ رساله آمده

است.

خون پس از ذبح حیوان

۳۳۰. اگر انسان شك كند كه خون موجود در گوشت از خون هاییست كه بعد از ذبح شرعی در بدن حیوان مانده و در نتیجه پاك است یا از خون های هنگام تزكیه است، تكلیف چیست؟

ج. احوط اجتناب است.

خون باقی مانده در بدن حیوان

۳۳۱. طهارت خون باقی مانده در بدن حیوان ذبح شده ویژه حلال گوشت است یا حرام گوشت را هم شامل می شود؟

ج. بنا بر اظهر در این حكم فرقی بین آن دو وجود ندارد.

خون باقی مانده در اجزای حرام حیوان

۳۳۲. آیا خون باقیمانده در اجزای حرام حیوان ذبح شده پاك است؟

ج. طهارت آن خالی از وجه نیست.

خون لثه

۳۳۳. هنگام مسواك از لثه هایم خون جاری می شود، آیا مسواكی كه در تماس با لثه ی خونی است، اما پس از بیرون آوردن خونی نیست پاك است؟

آب مضمضه، كه در آن خون مشاهده نمی شود چه طور؟

ج. در هر دو مورد احتیاط در اجتناب است.

۵. سگ

سگ شكاری

۳۳۴. آیا سگ شكاری و یا سگ چوپان پاك است؟

ج. در حكم نجاست با سگ معمولی فرق نمی كند.

تغذیه گوسفند از شیر سگ

۳۳۵. اگر گوسفند از شیر سگ بخورد، آیا گوشت آن نجس و حرام است؟

ج. خیر، حلال است.

محل دندان سگ شکاری

۳۳۶. آیا محل دندان های سگ شکاری بر بدن شکار را باید شست؟

ج. تطهیر لازم است.

خاک مالی ظروف که سگ از آن خورده

۳۳۷. چرا ظرفی که با آب دهان سگ تماس پیدا کرده، بدون خاک مالی پاک نمی شود ولی گوشت شکار و غیر آن که با آب دهان سگ تماس پیدا کرده با آب قابل تطهیر است؟

ج. چون حکم @تعفیر (خاک مالی) مختص به ظرف است.

۳۳۸. ظرفی را که سگ لیسیده، با مواد شوینده قوی هم چون صابون، پودر لباس، مایع ظرفشویی و ... می توان پاک کرد و ضد عفونی نمود؟ آیا این مواد می توانند جایگزین خاک مال کردن ظروف شوند؟

ج. مواد شوینده نمی تواند جایگزین خاک مال کردن ظرف شود و برای تطهیر آن کافی نیست؛ مگر در مواردی که خاک مال کردن به واسطه ی ویژگی ظرف مشکل یا غیر ممکن باشد.

عبور سگ از زمین خیس

۳۳۹. اگر سگی بر زمین گل آلود یا برف راه رود، آیا زمین را نجس می کند؟ و آیا پس از خشک شدن برف به واسطه ی آفتاب، زمین پاک می گردد؟

ج. فقط همان محل عبور سگ نجس می شود مگر آن که زمین به مقداری خیس باشد که نجاست آن به دیگر محل ها سرایت نماید و در هر صورت اگر محل به واسطه آفتاب خشک شود پاک است.

۳۴۰. آیا هنگامی که باران بند می آید چنان چه سگی عبور کند، زمین نجس می شود؟

ج. اگر زمین خیس باشد محل عبور سگ و جاهایی که با رطوبت سرایت کننده به آنجا متصل است، نجس می شود.

آب دهان سگ

۳۴۱. در رساله درباره ی آب دهان سگ که در ظرف ریخته، خاک مالی بنا بر احتیاط، لازم دانسته شده است، آیا این حکم فقط مربوط به ظرف است، یا چوب و گوشت و میوه و سفره و ... را هم شامل می شود؟

ج. این احتیاط فقط مربوط به ظروف است.

۳۴۲. اگر سگ، استخوانی را که لیسیده در ظرفی که مایعی - مثل شیر - دارد بیندازد آیا باید ظرف را خاک مال کنیم؟

ج. احتیاطاً ظرف خاک مال شود.

پاک شدن حیوانات

۳۴۳. اگر ظاهر حیوان حرام گوشت یا حلال گوشت نجس شوند چگونه تطهیر می شوند، آیا همین مقدار که عین نجاست برطرف شود پاک می گردند؟

ج. با بر طرف شدن عین نجس پاک می شود.

مایه ی پنیر از خوک

.۳۴۴

گفته شده است مایه پنیرهای وارداتی به برخی از کشورهای اسلامی از پودر خوک گرفته می شود. حکم آن را اعلام فرمایید؟

ج. محکوم به طهارت است، تا اطمینان به نجاست حاصل شود.

ژلاتین استخوان خوک یا گاو

۳۴۵. حکم ژلاتین که از استخوان خوک یا گاو گرفته می شود چیست؟

ج. آن چه از استخوان خوک باشد، نجس است و آن چه از استخوان گاو است، نیز اگر از کشور غیر اسلامی آمده نجس است.

قلم مو با موی حیوان نجس

۳۴۶. قلم موهای نقاشی که از خارج می آید و از موی سگ و خوک - که نجس العین هستند - می باشد، حکم فقهی اینها چگونه است؟

و خرید و فروش اینها چه حکمی دارد؟

ج. نجس است و خرید و فروش آن هم فی الجمله جایز نیست.

۶. مست کننده ها

حکم الکل

۳۴۷. آیا الکل سفید به فرمول ۲

۵ – که از چغندر یا کشمش یا انجیر یا خرما گرفته می شود – نجس است؟

[البته این الکل مست کننده هم هست] و در صورت نجاست، در اکثر آزمایشگاه های دانشگاهی، برای آموزش درسی از آن استفاده می شود که محصول واکنش شیمیایی آن، یک مادّه ی دیگری نظیر اسید و ... می شود، آیا محصول واکنش نجس است؟

و هم چنین در صنایع داروسازی از آن به عنوان یک حلّال استفاده می شود، آیا دارو نجس است؟

ج. الکلی که مست کننده باشد نجس است و با هر چه مخلوط شود آن هم نجس است و اگر در ترکیبات، استحاله ی فراگیر، صورت گیرد به این که تمام ترکیبات مایع آن استحاله شود، نه فقط الکل، پاک می شود.

الکل نجس

۳۴۸. آیا الکل سفید و زرد نجس است؟

ج. الکل مطلقاً مورد احتیاط در نجاست است، مگر به گونه ای به دست بیاید که از ابتدا مسموم کننده باشد نه مست کننده.

شامپوی مخلوط به الکل

۳۴۹. آیا شامپو که بعضی می گویند الکل داخل آن است نجس است یا خیر؟ و در صورت اطمینان وظیفه چیست؟

ج. اگر علم یا اطمینان به وجود الکل دارد، مقتضای احتیاط، اجتناب است.

آغشته شدن خون با الکل در تزریق

۳۵۰. پرستار بعد از تزریق آمپول، پنبه ی الکلی که تمام آن آغشته به الکل است روی موضع تزریق قرار می دهد، چنان چه از محل تزریق خون خارج شود، آیا از طریق پنبه ی آغشته به الکل دست پرستار نجس می شود؟

ج. اگر پنبه با خون نجس شده و الکل به دست سرایت کرده، دست نجس می شود علی الاظهر و اگر پنبه با خون نجس نشود و فقط الکل به دست سرایت کند، دست نجس می شود علی الاحوط.

خوردن الکل دارویی

۳۵۱. در مواردی الکل حکم دارو دارد و خوردن آن ضرورت پیدا می کند، در این موارد خوردن الکل چه حکمی دارد؟

ج. فقط در مواردی که معالجه منحصر به خوردن آن است، اکتفا به حد ضرورت جایز است.

باد کردن دانه های انگور

۳۵۲. مقداری انگور در مقابل آفتاب گذاشته شده تا پس از خشک شدن مویز شود. اکنون دانه های آن باد کرده آیا دانه های انگور نجس می باشند است؟

ج. ملاک، علم به جوش آمدن مغز آن با آفتاب است، که در این صورت بنا بر اظهر نجس است.

شیره ی انگور

۳۵۳. حکم شیره ی انگور که از جوشاندن آب انگور (با ذهاب ثلثین) به همراه خاک مخصوص به دست می آید و رنگ آن تقریباً قهوه ای و غلیظ است چیست؟

آیا خاک که همراه آن است پاک می باشد؟

ج. از حیث طهارت و نجاست اشکالی ندارد و هم چنین اگر خاک در شیره مستهلک شود - که نوعاً هم این چنین است، خوردن آن هم بی اشکال است.

انگور و آب انگور

۳۵۴. در توضیح المسائل فرموده اید که اگر انگور و آب انگور به واسطه ی پختن یا غیر آن جوش آید بنا بر اقوی و احوط نجس و خوردن آن حرام است.

سؤال اینست که بعضی از انگورها را تدریجاً برای سرکه شدن می ریزند و ممکن است وقت ریختن انگور بعدی، انگور اوّلی جوش آمده و نجس شده باشد و انگور دوّمی یا سومی را نجس کند، آیا به واسطه سرکه شدن، مجموع انگورها پاک خواهد شد؟

ج. با سرکه شدن، مجموع پاک می شود.

خرما و کشمش پخته شده

۳۵۵. خوردن کشمش و خرما در میان شیرینی هایی که با پخت مستقیم و یا غیر مستقیم هم چون فر و ... تهیه می شود اشکال دارد؟

و در صورت نجاست، آیا تمام شیرینی نجس است یا همان قسمتی که خرما و کشمش وجود دارد؟

ج. اگر موقع پختن جوش بیایند احتیاطاً نجس است و هر مقدار از اطراف خود را که پس از جوش آمدن، علم حاصل است

رطوبت نجس آنها سرایت کرده است نجس می کند.

۳۵۶. کشمش و خرما را اگر در آب بجوشانند یا سرخ کنند آیا نجس می شود؟ اگر سوخته شده باشد چه طور؟

ج. بنا بر احتیاط واجب نجس می شود.

شیء خارجی در ظرف سرکه

۳۵۷. شخصی مقداری کشمش جهت سرکه ریخته و در ضمن آن چند دانه نخود یا عدس و ... در آن بوده است، آیا پاک است؟

و در صورت نجس بودن آیا سرکه ای به دست آمده نجس است؟

ج. پاک است.

چربی در ظرف سرکه

۳۵۸. گاهی در ظرف چربی، انگور می ریزند که سرکه گردد. پس از سرکه شدن، چربی های روی آن بالاـ می آید. آیا چربی ها نیز به تبعیّت، پاک می شود؟

ج. احتیاط در اینست که اوّل ظرف را از آن چربی ها پاک کنند.

تهیه سرکه با مواد شیمیایی

۳۵۹. در صورتی که آب انگور به واسطه مواد افزودنی شیمیایی یا ... تبدیل به سرکه شود، پاک است؟

ج. بله، پاک است.

ملاک در تثلیث

۳۶۰. می دانیم در تثلیث شیره ی خرما به غلیان، باید آن را با آب جوشاند، آیا ملاک در تثلیث شیره ی خرما به غلیان (کم شدن دو سوّم) خرما با همان آب خارجیست یا خود خرما به تنهایی؟

ج. ملاک در تثلیث، همان شیره ی خرمای به جوش آمده نزد عرف است، نه خود خرما به تنهایی.

حکم مشروبات

۳۶۱. عرق و شراب چه فرقی دارند و حکم آنها چیست؟

ج. هر چه مُسکر (مست کننده)، باشد حرام است.

۷. کافر

حکم تماس با کافر اهل کتاب

۳۶۲. کافر چه کسی است؟

حکم تماس با اهل کتاب چیست؟

ج. تعریف کافر در مسأله ی ۱۱۰ رساله آمده است و اهل کتاب هم، کافر و نجسند.

۳۶۳. مراد از اهل کتاب چه کسانی هستند؟

ج. منظور یهود و نصاری و مجوس هستند.

نظر اسلام در مورد اهل کتاب

۳۶۴. نظر اسلام را دربارهی ارمنی، مسیحی، کلیمی، یهودی و زرتشتی بفرمایید.

ج. همه کافر بوده و نجس هستند.

۳۶۵. اَرامنه ای که در ایران زندگی می کنند، چه حکمی دارند؟

ج. در حکم با سایر کافران یکسان می باشند.

ارتباط با مسیحیان

۳۶۶. حکم دست دادن با مسیحیان چیست؟

ج. مثل سایر کفّار هستند.

معاشرت با اهل کتاب

۳۶۷. آیا می توان با اهل کتاب معاشرت داشت و از طعام آنها استفاده کرد؟

ج. آنها کافر و نجس هستند.

فرقه بهاییت

۳۶۸. معاشرت، غذا خوردن و رفت و آمد با فرقه بهاییّت چه حکمی دارد؟

ج. آنها کافر و نجس هستند.

نجاست ذاتی و ظاهری

۳۶۹. چرا کسانی که از دین اسلام خارج اند، نجس هستند؛ با اینکه می بینیم بهداشت و نظافت را رعایت می کنند؟

ج. نجاست کفّار ذاتیست و با رعایت بهداشت و نظافت ظاهری متفاوت است.

اهل حق

۳۷۰. اهل حق یا علی الهی ها پاکند یا نجس؟

ج. نجسند.

عدم جواز ورود افراد غیر مسلمان به حرم ها

۳۷۱. از آیا ورود افراد غیر مسلمان در اماکن مقدسه مانند حرم امامان و حرم حضرت معصومه علیها السّلام جایز است؟

ج. چون آنها نجس اند، نباید به آن اماکن وارد شوند.

فرقه های صوفیّه و دراویش

۳۷۲. فرقه هایی از قبیل صوفیه و دراویش حتی شیخیه با وجود افکار خاص و اعمال خاص، نجس اند یا پاک؟

ج. انواع مختلف دارند و در حکم مختلفند، تا وقتی که مسلمان بر آنها اطلاق شود پاک اند.

مسلمانان غیر شیعه

۳۷۳. کسانی که شش امامی یا هفت امامی اند، یا فرقه های صوفیه و ... آیا پاک هستند؟

ج. از آنجا که فرقه های مختلفی وجود دارد، هر یک ممکن است حکم مستقلی داشته باشد؛ ولی به صورت کلّی هر کسی که بر وی مسلمان اطلاق شود، پاک است.

توهین به مقدسات

۳۷۴. آیا توهین و فحاشی به مقدسات مانند قرآن و معصومین «العیاذ باللّه» باعث ارتداد می شود؟ تکلیف کسانی که می بینند مکرّر شخصی توهین می کند چیست؟

ج. اگر کسی اعم از مسلمان یا غیر مسلمان به یکی از دوازده امام علیهم السّلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی نماید نجس است.

(به مسأله ی ۱۱۴ رساله رجوع شود.)

۳۷۵. ممکن است برخی افراد هنگام عصبانیت و یا در فشار مشکلات زبان به کفرگویی باز کنند، آیا این افراد حکم مرتد را دارند و آیا سلب اختیار نسبت به این افراد صادق است یا نه؟ و چنان چه بعد از رفع عصبانیت توبه کند مقبول است یا نه؟

ج. واجب است توبه کند و از این کلمات به زبان نیاورد و اگر از حال اختیار خارج شده و چنین کلامی گفته باشد، مرتد نیست و بین کفرگویی و سب تفاوت است.

پیوند زدن بدن کافر به مسلمان

۳۷۶. اگر جزیی از بدن کافر را به بدن مسلمانی پیوند بزنند چه حکمی دارد؟

پاک است یا نجس؟

ج. بعد از آن که جزو بدن مسلمان شد، پاک است.

مخفی نمودن کفر و نجس شدن اشیای خانه

۳۷۷. شخصی قبلاً کافر بوده و این کفر خویش را از خانواده اش که مسلمان هستند مخفی نگه می داشته و بدین ترتیب باعث نجاست بسیاری از اشیا و اماکن مورد ابتلا شده حالا که به اسلام برگشته تکلیف چیست؟

با توجّه به این که تطهیر آن همه ی اشیا عسر و حرج دارد و دلیل آن را برای اطرافیان نمی شود توضیح داد.

ج. تطهیر موارد مشکوکه لازم نیست و تطهیر موارد معلومه تا به حد عسر و حرج نرسید، برای استفاده ی مشروط به طهارت، لازم است.

مرتد کیست؟

۳۷۸. مرتد به چه کسی می گویند و آیا اگر فرد مسلمانی بخواهد به یکی از ادیان پیامبران اولو العزم بپیوندد، مرتد محسوب می شود؟

ج. بله مرتد می شود، در این رابطه به مسأله ۱۹۴۶ رساله رجوع شود.

انتخاب دینی دیگر

۳۷۹. مسلمانی که به دین دیگر بپیوندد، حکم دین در مورد او چیست و از لحاظ اخروی چه سرنوشتی دارد؟

ج. حکم او مرتد فطریست که وجوب قتل و جدا شدن زوجه اش و تقسیم مالش بین ورثه از جمله احکام مرتد فطریست و در آخرت نیز اهل عذاب است.

۸. عرق جنب از حرام

۳۸۰. شخصی که جنب از حرام بوده و غسل کرده و بعد از مدّتی مثلاً دو ساعت بعد در بدن خود مانعی ببیند که قبل از غسل هم وجود داشته، آیا با فرض بطلان غسل باید از عرق جنب از حرام، هم چنان اجتناب کند؟

ج. گرچه نجس نیست ولی با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده تا خشک نشده است، نماز نخوانند.

۳۸۱. آیا در عرق جنب از حرام فقط در نماز، اجتناب لازم است، یا در هر جایی که طهارت بدن و لباس لازم است مثل طواف نیز اجتناب لازم است؟

ج. فرقی نمی کند، هر مورد که در موانع با نماز مشترك است، هر چند به احتیاط لزومی، اجتناب از آن لازم است.

۳۸۲. اگر انسان از حرام جنب شود و پس از غسل لباسی که قبلاً ـ به عرق جنابت از حرام آلوده بوده و خشك گردیده را بپوشد، اگر در این حالت دوباره عرق کند و لباس مرطوب به عرق جدید گردد، نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

۹. حیوان نجاست خوار

۳۸۳. آیا گوشت حیوان حلال گوشت که ذبح شرعی شده ولی نجاست خوار بوده، پاك است یا نجس؟

ج. حیوان نجاست خوار ذبح شرعی می شود و پاك می گردد بنا بر طهارت آن که اظهر است، لکن خوردن آن جایز نیست، مگر این که قبل از ذبح استبرا شده باشد.

۳۸۴. حیوان با خوردن چه نجاستی «جلال و نجاست خوار» محسوب می شود؟ آیا فقط با عذره انسان است یا هر نجاست دیگری هم چون خون نیز وی را نجاست خوار می نماید؟

ج. فقط با عذره انسان بدون اختلاط و به نحو عادت کردن به خوردن آن است

و گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک روییده باشد بنا بر احوط ملحق به نجاست خوار است.

۳۸۵. اگر به حیوان غذای نجس شده بدهند، نجاست خوار محسوب می شود؟

ج. خیر.

احکام تخلّی

دستشویی های رو به قبله مدرسه و ...

۳۸۶. ساختمان های دولتی [مثل مـدرسه] که تعدادی از دسـتشویی های آن رو به قبله ساخته شده است، آیا دانش آموزان می توانند از آن استفاده کنند؟

ج. فرد غیر بالغ تکلیف ندارد و بالغین باید مراعات کنند و در این گونه موارد برای تغییر بنا اقدام کنند.

افتادن اشیای محترم در دستشویی

۳۸۷. اگر سـکّه ای - که اسـمای محترمه دارد - در دسـتشویی بیفتـد، با توجّه به هزینه ی آن که برای بعضـی افراد صـرف آن مقدور نیست و با توجّه به انحصار دستشویی، آیا می توان از آن برای تخلّی استفاده کرد؟

ج. آنچه ذکر شد، مجوّز هتک نیست و تطهیر آن ممکن است به اجرای آب زیاد متصل به کر، به گونه ای سکه را احاطه کند و اگر مسیر آن متصل به فاضلاب شهری است، از محل ابتلای او پس از تطهیر مذکور خارج می شود.

شک در سرایت بول و غایط

۳۸۸. اگر فردی شک کند که آیا بول یا غائط از مخرج تجاوز کرده یا نه، آیا می تواند بنا بر عدم تجاوز بگذارد؟

ج. بلی و میزان صدق عرفی استنجا است.

آب کشیدن عورت با آب قلیل

۳۸۹. آیا اگر عورت را در هنگام آب کشی با آب قلیل یک مرتبه به صورت مستمر آب بریزند، پاک می شود یا حتماً باید دو یا سه مرتبه آب قطع و وصل شود؟

ج. یک مرتبه به صورت مسـتمر کفایت می کنـد، به صورتی که بعـد از زوال عین نجاست، آب بر آن جریان پیـدا کنـد؛ بنا بر کفایت یک مرتبه آب ریختن در تطهیر خصوص مخرج بول با آب قلیل، که در مسأله ی ۷۱ رساله توضیح داده شده است.

توالت رو به قبله

۳۹۰. اگر انسـان در منزل دیگران متـوجه شـود که توالت رو به قبله سـاخته شـده است، آیـا وظیفه دارد صـاحب خـانه را مطلع سازد؟

ج. در موردی که مستند به ابتلاء او است، تذکر بدهد.

توالت فرنگی

۳۹۱. در کشورهای غیر مسلمان که در ساخت توالت ها سمت قبله رعایت نمی شود، تکلیف چیست؟

ج. شخص مسلمان باید وظیفه اش را در رعایت سمت قبله، هنگام نشستن، رعایت کند.

پوشش بدن از ممیّز

۳۹۲. اگر شک داشته باشیم که بچه ای ممیّز شده یا نه، آیا واجب است که خود را از وی بپوشانیم؟

ج. خیر، واجب نیست، اگر چه احتیاط خوب است.

همراه داشتن دعا، تربت و انگشتر

۳۹۳. حکم همراه داشتن دعا، تربت و انگشتر با اسمای متبرکه، در هنگام تخلی چیست؟

آیا گذاشتن در جیب پایین یا بالا کفایت می کند؟ یا باید کلًا از بردن آنها به تخلی اجتناب کرد؟

ج. میزان صدق عرفی هتک است، که باید اجتناب شود.

سکه با اسم امام رضا در جیب

۳۹۴. سـکه های ده تومانی رایج منقش به اسم امام رضا علیه السّـلام است، اگر هنگام تخلی این سکه ها در جیب باشد اشکال دارد؟

و در صورتی که هنگام نشستن، سکه در جیب و زیر پا قرار گیرد، آیا موجب بی احترامی می شود؟

ج. چنان چه ذکر شد، میزان صدق عرفی هتک است، که باید اجتناب شود.

تخلّی عشایر و چادرنشین ها

۳۹۵. عشـایر و چادرنشـین هـا – به خصوص در هنگـام کوچ، آب کافی برای تطهیر ندارنـد، آیا چوب و سـنگریزه برای تطهیر مخرج بول آنها کفایت می کند؟ و آیا آنها با این حال می توانند نماز بخوانند؟

ج. خیر، کـافی نیست و بایـد برای نمـاز، خود را بـا آب تطهیر کننـد - چنان چه در مسأله ی ۷۱ رساله بیان شـده است - و در صورت ناچاری، حکم نماز خواندن با بدن و لباس نجس در حال اضطرار جاری است.

کشف عورت جهت است خدام

۳۹۶. است خدام در بعضـی از شـرکت ها و مؤسـسات و ... مسـتلزم معاینات پزشـکیست - که گاهی مشتمل بر کشف عورت است، آیا این عمل در صورت نیاز جایز است؟

ج. جـایز نیست و اضـطراری که به واسـطه آن کشف عورت، اجـازه داده شـده است، فقـط در ضـرورت هاییست که انجام آن منحصر بر کشف عورت است.

یکی بودن چاه توالت و آشپزخانه

۳۹۷. آیـا اگر چـاهی که آب توالت به آن می ریزد، با چاه آشپزخانه - که اضافه آب و مواد غـذایی هم چون برنـج، نان و ... در آن ریخته می شود - یکی باشد، آیا اشکال دارد؟

ج. بهتر است متعدد باشند.

پاک کردن محل غایط با سنگ

۳۹۸. اگر محل غایط را با سـنگ یا دستمال پاک کنند، آیا برطرف شدن لزجی غایط از محل لازم است یا نه؟ و آیا اگر انسان عرق کنـد و یا محل غایط خیس شود، موجب نجاست بدن یا لباس می شود؟ و آیا در این صورت می توان با این بدن و لباس نماز خواند؟

ج. هرگـاه بـا سـنگ و کلوخ وماننـد اینها غایط را با شـرایطی که در مسأله ی ۷۴ رساله ذکر شـده، برطرف کننـد، بنا بر اظهر مخرج پـاک می شود و نمـاز خوانـدن مانعی نـدارد و چنان چه چیزی هم به آن برسـد، نجس نمی شود و ذره های کوچک و لزوجت محل، اشکال ندارد، مگر این که آن مقداری که معمولاً به وسیله سنگ و کهنه از بین می رود، باقی بماند.

بول در آب فراوان

۳۹۹. اگر کسـی در زیر دوش، درون رودخانه یا ... بول کند، جهت تطهیر لازم است لباس های خود را فشار دهد و محل بول را دست بکشد؟

ج. فشار دادن در تطهیر با آب کثیر، لازم نیست؛ اما دست کشیدن محل بول نقشی جز ازاله ی عین نجاست ندارد.

منظور از عورت چه قسمتی از بدن است

۴۰۰. در بحث تخلی - که پوشانـدن عورت لازم است - مراد از عورت چه قسـمتی از بـدن می باشـد و آیـا ران و بـاسن، زیر

شکم و بالای آلت و نیز ما بین دبر و بیضتین جزو آلت شمرده می شود؟

ج. مراد از عورت – در باب تخلی – در زن قُبُل و دبر او به تنهاییست و در مرد قُبُل و دُبُر و بیضتین اوست و قسمت های دیگر عورت محسوب نمی شود، هر چند موهای روییده شده ی اطراف آلت، بهتر است پوشانده شود، همان گونه که مستحب است از ناف تا ساق پوشیده شود؛ بلکه بهتر است هنگام تخلی در مکانی قرار گیرد که اصلاً کسی او را نبیند.

تخلی رو به قبله یا بدون پوشاندن خود

۴۰۱. اگر کسی در مکانی قرار گیرد که یا باید رو به قبله تخلی کند تا در منظر دیگران نباشد، یا در منظر دیگران رو از قبله بگرداند، کدام یک را باید برگزیند؟

ج. اگر برای آن که نامحرم او را نبیند، ناچار شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، باید رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند.

مراد از ازاله عین نجس در بول

۴۰۲. در نجاساتی هم چون بول – که عین ندارد، گفته می شود پس از برطرف شدن عین نجس یک یا دو بار آب ریخته شود، منظور چیست؟

و اگر بول که در یک محل ریخته شده، خشک شده باشد، آیا به آن زوال عین اطلاق می شود؟

ج. چون عین بول با آب ریختن زایل می شود، ذکر مطلب فوق برای تذکر اینست که شستنی که زایل کننده عین بول است با شستنی که پاک کننده محل است و این دو از نظر حکم متفاوت هستند، اشتباه نشود و بول پس از خشک شدن، اگر جرمی از آن نماند، زوال عین آن می شود.

برجستگی عورت از پشت شورت

۴۰۳. برخی از شورت ها به قدری چسبان و کوتاه است که فقط عورت را می پوشاند و تمام حجم عورت از آن نمایان است، آیا پوشیدن و یا نظر به افرادی با این پوشش، اشکال دارد؟

ج. اگر معرضیّت برای مفسده دارد، اشکال دارد.

آداب رفتن به توالت

۴۰۴. لطفاً آداب تخلی را بیان فرمایید؟

ج. از جمله آدابی که بهتر است رعایت شود آن است که در وقت داخل شدن، پای چپ را پیش گذارند و در هنگام خروج پای راست را اوّل بیرون نهند و نیز گفتن «بسم اللّٰه» و دعاهای وارد شده نیز مستحب است.

همچنین خوب است هنگام تخلی سر پوشیده باشد

و مستحب است در پایان تخلی، مردان استبراء نمایند. (جهت توضیح بیشتر در این رابطه به مسأله ی ۸۳ تا ۸۵ رساله مراجعه شود.)

ذکر گفتن

۴۰۵. آیا در هنگام تخلی ذکر گفتن اشکال دارد؟

ج. خیر، اشکال ندارد.

مکروهات رفتن به توالت (تخلی)

۴۰۶. لطفاً اموری که هنگام رفتن توالت بهتر است ترک شود را بیان فرمایید؟

ج. نشستن فرد در کنار راه، کنار نهر و چشمه و محل افتادن میوه و درب خانه ها و نیز رو به آفتاب و ماه و رو به باد، بول نمودن و نیز در زمین سخت بول کردن و در سوراخ حیوانات و داخل آب راکد یا جاری و نیز در جایی که موجب لعن انسان بشود و همچنین خوردن و آشامیدن در حال نشستن و مسواک کردن در حال تخلی و شستن خود با دست راست و یا تطهیر خود با دست چپی که انگشتر با نقش اسمای خداوند در آن باشد (البته اگر موجب آلودگی نشود مکروه است و در غیر این صورت حرام است) و سخن گفتن - به غیر ذکر خداوند و خواندن «آیه الکرسی» یا حکایت اذان و یا گفتن «یرحمک اللّٰه» به کسی که عطسه می کند، اگر چه مورد روایت، تحمید خود عطسه کننده است - و سر بالا بول نمودن مرد و همچنین از بلندی بول کردن و تخلی میان قبر کردن و زیاد نشستن در توالت، از جمله چیزهاییست که ترک آن در هنگام تخلّی مطلوب می باشد.

مشقت در یافتن قبله

۴۰۷. اگر انسان به واسطه فشار غایط و بول توانایی تفحص از جهت قبله را نداشته باشد، وظیفه او چیست؟

ج. می تواند به گمان خود عمل کند، در غیر این صورت وظیفه ای ندارد.

آب پس از بول

۴۰۸. گاهی پس از بول آبی خارج می شود که چسبندگی زیادی داشته و به آسانی از آلت و دست پاک نمی شود، اگر پس از تطهیر هنوز چسبندگی آن وجود داشت، تکلیف چیست؟

ج. اگر چسبندگی تنها حالت پوست باشد و عرفاً جرمی از آن نمانده باشد، پاک شده است.

استبراء

بقای بول یا بیرون آمدن آن پس از استبرا

۴۰۹. پس از استبرا احساس می شود که چند قطره بول در مجرا مانده یا بیرون می آید.

وظیفه مکلّف برای نماز و وضو چیست؟

ج. نجس و مبطل وضو نیست، مگر با یقین به بول بودن آن یا خروج بول با آن.

رطوبت مشتبه پس از استبرا

۴۱۰. یکی از مشکلات من اینست که پس از هر مورد تخلّی، بعد از مدتی چند قطره آب خارج می شود که تا به حال با عمل استبرا، بنا بر پاک بودن آن می گذارم. سپس سعی کردم برای خواندن نماز مواقعی را انتخاب کنم که از وقت تخلی دور باشد.

آیا لازم است برای نماز لباس و بدن را پاک کنم یا با وجود سختی، لازم است لباس را عوض کنم؟ اگر تا به حال نمازهای من فاقد طهارت بوده است، مرا برای جبران نمازهای گذشته راهنمایی فرمایید و آیا با وجود اخلاص در این نمازها و کثرت آنها، لازم است همه را قضا کنم؟

ج. اگر پس از استبرا رطوبت مشتبه خارج شود، محکوم به طهارت است و اللّٰه العالم.

احساس رطوبت بعد از بول

۴۱۱. رطوبتی را که بعد از بول در خود احساس می کنم، پاک است یا نجس؟

ج. اگر اصل خروج آن مشکوک است، اثری ندارد و اگر رطوبت خارج شده و مشکوک بعد از استبراء باشد پاک است.

شک زیاد در تطهیر و استبراء

۴۱۲. کسی که عادت او شستن مخرج بول یا غایط و استبرا است، اگر زیاد شک می کند که آیا مخرج بول و غائط را شسته یا استبراء کرده چه کند؟

ج. اگر در صحّت آنها زیاد شک می کند اعتنا نکند، ولی اگر در اصل تحقّق آنها شک می کند، اگر چند مرتبه اعاده کند، سبب می شود که از این به بعد غفلت و فراموشی نیاید و این مورد از موارد وسواس نیست.

پاک بودن مذی

۴۱۳. آیا در صورتی که مذی با شهوت تنها هم خارج شود، بازهم پاک است؟

ج. بله اگر استبراء از بول کرده باشد، پاک است.

است برای خانم ها

۴۱۴. آیا زنان همانند مردان است برای از بول باید انجام دهند؟

و در صورت استحباب، نحوه ی آن چگونه است؟

ج. استبراء درباره ی زنان نیست و سزاوار است که بعد از بول اندکی آرام گیرند و تنحنح نمایند و فرج خود را به طرف عرض، فشار دهند و تمام رطوبت های مشتبهی که از آنان خارج می شود، پاك است و نقض کننده طهارت نمی باشد.

احکام وضو

نیّت وضو

نیّت برای وضوی نماز مستحبی

۴۱۵. آیا برای خواندن نماز مستحبی، هنگام وضو، نیّت ضرورت دارد؟

ج. هر وضویی نیّت لازم دارد.

نیّت با وضو بودن

۴۱۶. در هنگام وضو آیا صرف نیّت با وضو بودن کفایت می کند و آیا با این وضو می توان نماز خواند؟

ج. کفایت می کند و می توان با آن نماز خواند.

نیّت در وضو گرفتن

۴۱۷. برای وضو گرفتن، چه نیتی باید کرد؟

ج. یکی از اعمال واجب یا مستحب را باید نیّت کند یا همان با وضو بودن را نیت نماید. (توضیح بیشتر در مسأله ی ۳۲۶ رساله آمده است.)

وضو به قصد دائم الوضوء بودن

۴۱۸. وضو گرفتن به قصد این که دائم الوضوء باشد، آیا برای نماز خواندن کفایت می کند؟

به نیّت با وضو بودن چه طور؟

ج. کفایت می کند.

قصد رفع حدث برای وضو

۴۱۹. آیا قصد رفع حدث برای وضو کافی است؟

ج. بازگشت آن به همان طهارت داشتن است که کفایت می کند.

وضو برای خنک شدن

۴۲۰. آیا کسی که برای خنک شدن وضو می گیرد وضویش صحیح است؟

ج. خیر صحیح نیست، به ذیل مسأله ی ۲۸۴ رساله (شرط

هشتم)

مراجعه شود.

نیّت بطلان وضو در حین یا بعد وضو

۴۲۱. لطفاً حکم نیّت و قصد باطل نمودن وضو در اثنای وضو و بعد از وضو را بیان فرمایید؟

ج. نیّت باطل کردن وضو، باطل کننده آن نیست، مگر آن که یکی از مبطلات از انسان صادر شود.

وضو به نیّت نماز واجب قبل از وقت

۴۲۲. آیا وضو به نیّت نماز واجب قبل از وقت نماز صحیح است یا خیر؟

ج. اگر بخواهد وضوی واجب را نیّت کند، خیر. برای توضیح بیشتر به مسأله ۳۲۴ و ۳۲۵ رساله مراجعه شود.

شستن صورت

مراد از مرتبه در وضو

۴۲۳. در رساله فرموده اید که در وضو، شستن صورت و دستها در مرتبه ی اوّل واجب، مرتبه ی دوّم مستحب و مرتبه ی سوّم حرام است، آیا مراد از مرتبه، ریختن آب است؟

یا منظور دست کشیدن است؟

ج. میزان ریختن آب یا دست کشیدن نیست، بلکه شستن تمام عضوست که گاهی با چند بار ریختن آب، یک بار شستن حاصل می شود.

سه مرتبه شستن در وضو

۴۲۴. اگر صورت و دست راست را سه مرتبه بشوینـد ولی دست چپ را دو دفعه بشویند تا برای مسح مشکلی ایجاد نشود، آیا وضو صحیح است؟

ج. در صورتی که به قصد قربت خلل بزند و یا مسح به آب زاید شود، وضو باطل است.

مخلوط شدن آب دهان با آب صورت

۴۲۵. در موقع وضو که صورت شسته می شود اگر مقداری از آب دهان با آب صورت مخلوط شود، وضو چه حکمی دارد؟

ج. اگر مستهلک شود یا بعد از مقدار واجب از غَسْل باشد، مانعی ندارد.

ملاک بار اوّل و دوم در شستن اعضا

۴۲۶. شروع بار دوم قبل از اتمام بار اوّل در شستن اعضای وضو چه حکمی دارد و آیا اصلاً بار دوم حساب می شود؟

ج. تا بار اوّل کاملاً تمام نشده، بار دوم معنا ندارد.

شستن سه بار در وضو

۴۲۷. شستن بار سوم که در وضو حرام است، آیا باطل کننده وضو و نماز نیز هست؟

ج. فقط حرام است و باطل کننده نیست؛ مگر در دست چپ که آب خارج محسوب شده و مسح را دچار اشکال می نماید.

شک در رسیدن آب به همه جای عضو

۴۲۸. اگر هنگام وضو در رسیدن آب به همه جای عضو شک کند، چه کاری لازم است؟

ج. اگر بعـد از وضو باشـد آن شـك اعتبـار نـدارد و اگر در اثنای وضو باشـد موضع مشـكوک را بشویـد، البته اگر شک او از وسوسه نیست.

چند بار دست کشیدن اعضا جهت اطمینان

۴۲۹. هنگام وضو اگر چند مرتبه دست بکشیم تا اطمینان پیدا کنیم که آب رسیده است، آیا اشکالی دارد؟

ج. خیر اشکال ندارد تا وقتی که منجر به وسواس نشود.

شستن لب در وضو و غسل

۴۳۰. آیا شستن لب هم جزو اجزای واجب غسل و وضو حساب می شود یا خیر؟

ج. آن مقداری از لب ها که از ظاهر صورت به شمار می رود، لازم است شسته شود.

رساندن آب به زیر ابرو

۴۳۱. آیا باید در وضو آب را به زیر موهای ابرو هم رسانید، یا اگر به ظاهر اکتفا شود، وضو صحیح است؟

ج. اگر پوست زیر ابرو پیدا نیست، شستن ظاهر آن کافیست و اگر پیداست و یا مشکوک است، بنا بر احتیاط واجب باید آب را به زیر ابرو هم برساند.

شستن صورت با دو دست

۴۳۲. معمولاً در وضو صورت را با یک دست می شویند آیا تفاوتی بین شستن با یک دست و شستن با دو دست هست؟

ج. خیر

محل ریختن آب روی صورت در وضو

۴۳۳. آیا هنگام شستن صورت در وضو حتماً باید آب را از محل رویش مو بریزیم یا این که می شود از پایین تر - مثلاً بالای ابروها - ریخت و بعد دست کشید؟

ج. در جهت شستن به نیّت وضو، رعایت ترتیب عرفی از بالا به پایین لازم است ولی ریختن آب به پایین تر اشکال ندارد.

اندازه صورت برای شستن آن

۴۳۴. آیا در وضو لازم است آب به همه صورت برسد، یا فقط به همان مقدار که پهنای دست آن را فرا می گیرد کافی است؟

ج. مقدار فاصله بین انگشت شست و انگشت میانی به اضافه ی مقدار کمی برای یقین، لازم است شسته شود و غیر از آن ضرورتی ندارد که شسته شود. (توضیح بیشتر در مسأله ی ۲۳۸ رساله آمده است.)

حد و محدوده شستن صورت در وضو

۴۳۵. در وضو حد شستن صورت تا کجاست؟

آیا مقداری از بینی و لب ها را باید شست؟

ج. مقداری از بینی و دهان که ظاهر است، باید شسته شود.

خونی بودن جوش صورت

۴۳۶. اگر جوش صورت خونی شده باشد و وضو بگیریم، آیا صورت و حوله نجس و وضو باطل است؟

ج. اگر قبل از وضو و یا در هنگام وضو برطرف شده و سپس یک مرتبه آب بر آن جریان یافته صورت و حوله پاک است و اما صحت وضو مبنی بر اینست که پس از پاک شدن محل، جریان آب بر آن به نیّت وضو ادامه یابد و یا دوباره جاری شود و اگر شک در برطرف شدن آن دارد، وضو صحیح است ولی حوله و صورتش را تطهیر کند.

حکم عارض و عذار در شستن صورت

۴۳۷. آیا در وضو مقداری از عذار (قسمت بالای فک) و عارض (گونه) جزو صورت است و باید شسته شود؟

ج. مقداری از صورت که بین انگشت شست و میانی قرار می گیرد در وضو باید شسته شود. (به توضیح مذکور در مسأله ی ۲۳۸ رساله مراجعه شود.)

پرپشت بودن ریش

۴۳۸. اگر ریش انسان پرپشت و بلند باشد، آیا رساندن آب به پوست صورت لازم است؟

ج. خیر لازم نیست و شستن ظاهر مو کافی است.

دست کشیدن سهوی از پایین به بالا

۴۳۹. اگر شخصی هنگام وضو سهواً دستش را از پایین به بالا کشید، وضویش چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

شستن صورت با هر دو دست در یک وضو

۴۴۰. آیا می توان در یک وضو صورت را با هر دو دست شست؟

و آیا می توان در یک وضو با دست راست و در وضویی با دست چپ صورت را شست؟

ج. اشکال ندارد.

شستن مژه های چشم برای وضو

۴۴۱. آیا مژه های چشم در هنگام وضو لازم است شسته شود؟

ج. باید شسته شود.

پیدا بودن پوست از لای مو

۴۴۲. در رساله آمده اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد در وضو بنا بر احوط باید آب را به پوست رساند، حال اگر شک شود که آب به پوست می رسد یا نه، وظیفه چیست؟

ج. اگر شک او از روی وسوسه است، اعتناء نکند و در غیر این صورت نمی تواند اکتفا کند.

شک در رسیدن آب به لای مو بعد از وضو

۴۴۳. مدتی بود که در هنگام وضو یقین می کردم که به همه جای صورت و دستم آب وضو را رسانده ام ولی بعداً ملتفت شدم که پوست صورتم از لای موهایم پیداست و باید آب را به زیر موها می رساندم و شک دارم که آب رسیده بوده یا نه، نمازهای گذشته ام چه حکمی دارد؟

ج. شکّ بعد از عمل اثر ندارد، لذا نمازهایتان صحیح است.

معنای جاری شدن آب

۴۴۴. اگر آب در بعضی از عضو وضو جاری نشود بلکه بقیه ای عضو را به وسیله ی قطرات موجود در همان عضو بشوید کافی است؟

ج. اگر با دست هم جاری شود کافیست و معنای جاری شدن این نیست که آب خیلی زیاد باشد، بلکه همین که آب از نقطه ای به نقطه ی دیگر منتقل شود، جاری شده است.

شستن دست ها

تقسیم دست به دو قسمت در شستن

۴۴۵. آیا می توان ابتدا مچ دست را از بالا به پایین شست، بعد قسمت های بالاتر را به همین صورت (از بالا به پایین) شست؟

به صورت بر عکس چه طور (یعنی اوّل قسمتی از اعضای بالا و از بالا به پایین بعد مچ دست را) و در کل تقسیم کردن دست به دو قسمت چگونه است.

ج. اگر به صورت دوم باشد، اشکال ندارد.

سرا زیر شدن آب وضو به طرف آرنج

۴۴۶. هنگام وضو گرفتن، اگر احیاناً دست طوری قرار گرفت که آب وضو به طرف آرنج سرا زیر شود، آیا اشکالی در وضو ایجاد می شود؟

ج. چون به قصد وضو نیست، اشکال ندارد.

برگشت آب از پایین به بالای دست بعد از شستن آن

۴۴۷. آیا بعد از یک بار شستن دست اگر آب از پایین به طرف آرنج برگردد، وضو باطل می شود؟

ج. خیر.

در دست بودن انگشتری در هنگام وضو

۴۴۸. اگر انگشتری در انگشت باشد، در موقع وضو برای رساندن آب به زیر آن، حرکت دادن آن به بالاـ و پایین کفایت می کند؟

ج. اگر آب از بالا به پایین در زیر آن جریان پیدا می کند، اشکال ندارد.

افقی شستن دست در وضو

۴۴۹. آیا شستن دست به صورت افقی هنگام وضو، اشکال دارد؟

ج. اگر ترتیب عرفی از بالا به پایین صادق باشد، اشکال ندارد.

اندازه شستن دستها در وضو

۴۵۰. آیا در وضو – چون قبلاً دستها را تا مچ شسته ایم – شستن دستها از آرنج تا مچ کافی است؟

ج. خیر، باید تا آخر انگشت ها شسته شود.

ریختن آب از شیر هنگام وضو

۴۵۱. اگر آبی – که در هنگام وضو از شیر می چکد – روی دستی که در حال شستن آن جهت وضو هستیم بریزد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر نسبت به آب وضو مستهلک است، مانعی ندارد و در اینجا نیّت وضو هم می تواند با آن بنماید.

تماس با رطوبت خارج از وضو

۴۵۲. اگر در وضو هنگام شستن دست چپ، دستمان با رطوبت دیگری تماس پیدا کند، آیا وضو باطل می شود؟

ج. خیر، به نحوی که در سؤال قبلی گذشت.

بستن شیر در هنگام وضو

۴۵۳. آیا بستن شیر آب هنگام وضو، هنگام شستن دست چپ، موجب اشکال در صحت وضو می گردد؟

ج. خیر اشکال ندارد.

استحباب ریختن آب از پشت آرنج ها برای مردان

۴۵۴. آیا ریختن آب از پشت آرنج برای مردها، استحباب دارد؟

ج. بله، مستحب است.

ممکن نبودن تطهیر دست

۴۵۵. اگر محل وضو - مثلاً دست - نجس شود و امکان شستن و تطهیر آن نباشد، وظیفه چیست؟

ج. اگر نجاست، تمام عضو وضو را فرا نگرفته باشد، وظیفه جبیره است و در غیر این صورت احوط جمع بین وضوی جبیره و تیمّم است.

(توضیح بیشتر در مسأله ی ۳۳۴ و ۳۳۵ آمده است.)

شستن زیرِ پوست کنده شده

۴۵۶. آیا برای وضو لازم است زیر پوست دست که کنده شده ولی هنوز از دست جدا نشده شسته شود یا خیر؟

ج. اگر آن پوست به بدن نچسبد، در صورت عدم عسر و حرج لازم است آب به زیر آن برسد و در غیر این صورت لازم نیست و صورت های مختلف آن در مسأله ی ۲۹۶ رساله بیان شده است.

مسح

فرا نگرفتن تری در هنگام مسح

۴۵۷. اگر محل مسح را، مسح کشیدیم ولی تری دست به قدر واجب مسح، محل مسح را فرا نگرفت، وظیفه چیست؟

ج. بعد از خشک کردن، دوباره همان محل را مسح کند یا در موضع دیگر از همان عضو به قدر واجب مسح نماید.

وظیفه کسی که با کف انگشتان نمی تواند مسح کند

۴۵۸. به علت سوختگی، انگشتانم جمع شده است، به طوری که با کف انگشتانم نمی توانم مسح سر و پا نمایم، آیا باید با دست دیگر مسح کنم یا با پشت انگشتان همان دست یا با مقدار باقی از کف همان دست؟

ج. اگر با مقدار باقی از کف همان دست می توانید، پس با همان کف دست مسح کنید. هم چنین می توانید با کف دست

دیگر سه موضع مسح را مسح نمایید.

شک در کافی بودن تری در مسح

۴۵۹. اگر بعد از مسح شک کردیم که تری دست به قدر واجب مسح، محل مسح را فرا گرفته یا نه؟ آیا می توان به آن اکتفا کرد؟

ج. اگر او وسواسی نیست، وظیفه ی او اعاده ی مسح بعد از خشک کردن محل یا در موضع دیگر از همان عضو است.

نجس شدن دست قبل از مسح

۴۶۰. اگر کف یک دست یا هر دو دست پیش از مسح نجس شود، وظیفه چیست؟

ج. نجس شدن دست از مبطلات وضو نیست، مگر این که از جهت مسح مشکل ایجاد شود. پس اگر یک دست نجس شده است با دست دیگر، مسح ها را انجام دهد و اگر هر دو دست نجس شده و به قدر واجب مسح، در کف دست رطوبت پاک دارد، مسح را با همان قسمت پاک انجام می دهد و وضو صحیح است و بعد موضع نجس را تطهیر می کند و در غیر این صورت بعد از تطهیر دوباره وضو بگیرد.

مسح نمودن پا قبل از سر سهواً

۴۶۱. اگر در حال وضو سهواً کسی قبل از مسح سر، مسح پا را کشید، آیا وضو باطل می شود؟

ج. باید بعد از مسح سر دوباره پا را مسح کند.

بستن شیر قبل از مسح

۴۶۲. کسی که قبل از مسح شیر آب - که مقداری آب روی آن باشد - را ببندد و بعد مسح کند، چه صورت دارد؟

ج. اگر با آب وضو، مسح به مقدار مُسَمّای مسح واقع شده، صحیح است.

کشیدن دست چپ بر راست قبل از مسح

۴۶۳. آیا می توان قبل از مسح کشیدن سر و پا، با تری دست چپ دوباره روی دست راست دست کشید؟

ج. در این صورت مسح ها را با کف دست چپ انجام ندهد، علی الاحوط.

وصل شدن مسح سر به آب صورت

۴۶۴. مسح سر اگر وصل به آب صورت شود، وضو را باطل می کند؟

ج. با قسمت دیگر کف دست که ملاقات با آب صورت نکرده، پا را مسح کند.

استفاده ی سهوی از آب صورت قبل از مسح

۴۶۵. اگر شخصی مدّت ها بدون توجّه [جاهل قاصر] در هنگام مسح سر و پاها از آب وضوی صورت یا اعضای دیگر استفاده می کرده و با آن مسح می کرده است، تکلیف نمازهای گذشته ی او چیست؟

ج. اگر احتمال بدهد که به قدر مسح واجب، رطوبت کف دست با آب اعضای دیگر مخلوط نشده، محکوم به صحّت است و در غیر این صورت باید آنها را قضا کند.

پاک بودن محل مسح

۴۶۶. آیا برای مسح سر لازم است، تمام سر پاک باشد؟

ج. فقط پاک بودن محل مسح، شرط است و بقیه سر لازم نیست پاک باشد.

شک در کشیدن مسح بعد از وضو

۴۶۷. اگر بعد از وضو شک کنیم که مسح را انجام داده ایم یا نه، چه کنیم؟

ج. اعتنا نکنید.

شک در مسح کشیدن بعد از تمام شدن نماز

۴۶۸. اگر بعد از نماز شک کنیم، آیا در وضو مسح پا یا سر را کشیده ایم یا نه، نماز چه حکمی خواهد داشت؟

ج. اشکالی ندارد.

مسح سر و پا با دست چپ در هنگام اختیار و اضطرار

۴۶۹. مسح کردن سر و پا با دست چپ، چه حکمی دارد؟

آیا در غیر ضرورت می توان پشت سر را به جای جلوی سر مسح کرد؟

ج. مورد اوّل جایز است و مورد دوم جایز و صحیح نیست.

تکرار چند بار مسح جهت احتیاط

۴۷۰. تکرار چند باره مسح برای احتیاط چگونه است؟

ج. اگر به حد وسواس نرسد اشکالی ندارد. (به مسأله ی ۲۶۲ رساله رجوع شود.)

کیفیت مسح

۴۷۱. آیا برای مسح می توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و آیا مسح سر حتماً باید از بالا به پایین باشد؟

ج. در حالت اختیار نمی توان با آب غیر وضوی کف دست مسح کشید و بنا بر احتیاط واجب باید از بالا به پایین مسح کرد.

فرق مسح زن و مرد

۴۷۲. آیا حد مسح زن و مرد فرق دارد؟

ج. خیر

خشک شدن دست قبل از مسح

۴۷۳. اگر به جهت حرارت شدید قبل از مسح سر و پا، دست خشک شود، وظیفه چیست؟

ج. بایـد از آب ریش و ابروهـا دست را مرطوب کرده و مسـح نمایـد. (توضـیح بیشتر در مسائل ۲۵۷ الی ۲۵۹ رساله بیان شده است.) مسح با انگشت

۴۷۴. آیا مسح با یک انگشت کفایت می کند؟

ج. بله، کفایت می کند.

نگه داشتن دست بر روی عضو مسح

۴۷۵. اگر شخصی قبل از مسح چند لحظه دست را روی عضو مسح شده نگه دارد و یا این که بردارد و دوباره بکشد، آیا مسح او صحیح است؟

ج. صحیح است با مراعات خشک بودن محل، البته اگر می خواهد دوباره بکشد.

مسح بر موهای اطراف که جلوی سر جمع شده

۴۷۶. آیا مسح بر موهایی که از اطراف بر جلو سر جمع شده کافی است؟

و کلاً در مورد موی بلند، چگونه باید مسح شود.

ج. اگر موی جلوی سـر به اندازه ای بلند است که اگر شانه کند به صورتش می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ

موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نماید. (به مسأله ی ۲۵۱ رساله رجوع شود.)

جهات مسح سر

۴۷۷. آیا مسح سر در عقب سر و طرف راست و چپ صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست.

استفاده از آب صورت برای مسح

۴۷۸. آیا شخص وضوگیرنده، قبل از آن که آب دستها خشک شود و قبل از مسح کشیدن، می تواند به ریش یا صورت خود دست بکشد؟

ج. خیر.

توجه به عدم مسح سر بعد از نماز

۴۷۹. اگر در بعد از نماز متوجه شود که مسح سر را انجام نداده تکلیف چیست؟

در صورتی که نداند برای چه نمازی در طول روز بوده چه باید بکند؟

ج. باید دوباره وضو بگیرد و نمازی را که یقین دارد با آن وضو خوانده، اعاده یا قضا کند و اگر آن را نمی داند، توضیح حکم آن در مسأله ی ۱۱۲۶ رساله بیان شده است.

راه رفتن قبل از مسح سر

۴۸۰. اگر قبل از مسح سر چند قدم راه برویم، وضویمان صحیح است یا خیر؟

ج. در صورتی که موالات بین افعال وضو از بین نرود، اشکالی ندارد. (به توضیح بیشتر در مسأله ی ۲۸۷ و ۲۸۹ رساله رجوع شود.)

مسح موی بلند سر

۴۸۱. اگر موی جلوی سر بلند باشد، چگونه می توان بر آن مسح کرد و آیا باید روی یک مسیر مستقیم باشد؟

ج. باید موهای اضافی را کنار بزند و بر بن موهای مربوط به جلوی سر مسح نماید و همین که عرفاً از بالا به پایین باشد، کافی است.

تر شدن محل مسح

۴۸۲. شخصی برای این که بیخ موهای سر را مسح کند، موها را کنار می زند و در نتیجه موهایش تر می شود، آیا این تری برای مسح ضرر دارد؟

ج. خیر ضرر ندارد، زیرا میزان، جای مسح است که باید خشک باشد.

جریان آب مسح

۴۸۳. اگر هنگام مسح سر، آب کف دست زیاد باشد به گونه ای که موجب جریان آب شود، آیا لازم است آب کف دست را کم کنند؟

ج. خیر، لازم نیست.

انتخاب دست برای کشیدن مسح

۴۸۴. آیا می شود با دست راست، پای چپ را مسح نمود و با دست چپ پای راست را مسح کشید؟

ج. اشکال ندارد.

کشیده شدن دست به صورت هنگام مسح

۴۸۵. اگر در هنگام مسح سر، دست به صورت کشیده شود چه حکمی دارد؟

ج. با آن رطوبت نباید مسح پاها را انجام داد.

مسح سر به صورتی که نوک انگشتان به سمت راست یا چپ باشد

۴۸۶. اگر هنگام مسح سر یا مسح پا دست را به صورتی قرار دهد که نوک انگشتان به طرف راست یا چپ باشد، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

سربازی که از بیرون آوردن پوتین منع شده

۴۸۷. سربازِ در حال دیده بانی یا پست نگهبانی قانوناً نباید پوتین خود را بیرون آورد. وی برای وضو (مسح) چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر از درآوردن چکمه در تمام وقت نماز قانوناً ممنوع است، برای وضو باید آن را بیرون آورده و معلوم نیست این منع، عقلایی باشد و واجب الاطاعه نیست.

بله اگر در معرض خطر باشد و بر خود بیمناک باشد، از باب ضرورت، بر کفش مسح کند.

کیفیت مسح پا

۴۸۸. آیا تمام قسمت روی پا از سر انگشت بزرگ تا برآمدگی روی پا، باید مسح شود و آب به آن برسد یا کشیدن دست - هر چند بعضی از قسمت ها خشك بماند - کافی است؟

ج. لازم است منقطع نشود، ولی پهنای آن به هر اندازه باشد کافی است.

(مسأله ی ۲۵۳ رساله)

ملاک استهلاک رطوبت قبلی

۴۸۹. اگر هنگام شستن اعضا مقداری آب از دستها بر روی پا بریزد آیا باید خشك شود و آیا ملاك مستهلك بودن چیست؟

و نیز آبی که قبل از وضو بر روی پا می ریزد، چه حکمی دارد؟

ج. جای مسح باید خشك باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت دست به آن اثر نکند، مسح باطل است و مراد از مستهلك بودن آن است که تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود، بگویند فقط از تری کف دست است.

محدوده ی مسح پا

۴۹۰. برای مسح پا چه مقداری از پا باید مسح شود؟

ج. از نوك انگشتان پا تا برآمدگی روی پا و احتیاط مستحب تا مفصل پا است.

مسح هم زمان دو پا با هم

۴۹۱. مسح کردن هر دو پا همزمان یا این که ابتدا پای چپ بعد پای راست چه حکمی دارد؟

ج. اولی (یعنی مسح کردن هر دو هم زمان) جایز و دومی (یعنی ابتدا مسح پای چپ و بعد پای راست) خلاف احتیاط واجب است.

مسح زیر انگشتان پا

۴۹۲. آیا مسح قسمت پایین پا که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند استحباب دارد؟

ج. استحبابی ندارد.

تکرار مسح پا

۴۹۳. دو مرتبه کشیدن مسح پا چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که به حد وسواس نرسد، اشکالی ندارد.

مسح پا بر عکس

۴۹۴. آیا می شود مسح پا را از برآمدگی پا تا نوک انگشتان (به صورت عکس) کشید؟

ج. جایز است.

مسح پا با قسمتی از دست که با آب صورت مخلوط نشده

۴۹۵. اگر در حال مسح سر، قسمتی از دست به آب صورت رسیده آیا می تواند با قسمت باقی دست که متصل به آب صورت نشده پاها را مسح کند؟

ج. بله می تواند.

وجود چند قطره آب در محل مسح

۴۹۶. آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح اشکال دارد؟

ج. به طوری که آب مسح غالب باشد اشکال ندارد و همچنین اگر پا به مقدار واجب مسح، خشک باشد.

مسح نشدن کل پا

۴۹۷. چنان چه هنگام مسح، تمام روی پا مسح نشود و مقداری از وسط پا از مسح قطع شود، آیا باید دوباره مسح کند یا کافی است؟

ج. باید دوباره مسح نماید.

مسح پا فقط روی پا

۴۹۸. آیا کسی که مسح پا را از سر انگشتان نمی کشیده و فقط روی پا را مسح می کرده، وضویش اشکال دارد؟

و تکلیف نمازهایش چیست؟

ج. آن وضو و نمازها باطل بوده است.

مسح پایی که رطوبت دارد

۴۹۹. وظیفه ما در مسح، موقعی که پا رطوبت دارد چیست؟

ج. ابتدا باید پا را خشک کرد و سپس مسح نمود، البته اگر رطوبت پا به قدری کم است که آب مسح بر آن غالب است، اشکالی ندارد.

مسح پای نجس

۵۰۰. در صورتی که روی پا نجس باشد و نشود آن را آب کشید، وظیفه ما برای مسح چیست؟

ج. اگر جبیره ممکن نباشد، باید تیمم نماید و اگر جبیره ممکن بود، بنا بر احتیاط واجب باید هم تیمم کند و هم وضو بگیرد.

احکام دیگر وضو

وضوی کودک غیر بالغ

۵۰۱. آیا وضوی بچه غیر بالغ صحیح است که قرآن به دست او بدهیم؟

ج. اگر به نحو صحیح وضو بگیرد، صحیح است.

مبتلا شدن کودک به حدث اکبر

۵۰۲. آیا کودک نابالغ، مُحْدِثْ به حدث اکبر می شود؟

ج. فرق نمی کند، نسبت به هر سببی که برای او ممکن است.

استحباب نفسی وضو

۵۰۳. لطفاً معنای استحباب نفسی را بفرمایید که آیا وضو استحباب نفسی دارد؟

ج. بله و معنای استحباب نفسی آن است که وضو به قصد قربت صحیح است، هر چند نیّت هیچ یک از غایات آن را هم نکند، حتی نیّت بودن بر طهارت را.

وضو زیر باران

۵۰۴. زیر باران به چه نحوه ای وضو گرفته شود که وضو صحیح باشد، با توجّه به این که آب باران با آب وضو مخلوط می شود؟

ج. عضو را در باران می گیرد با رعایت ترتیب از بالا به پایین - به حسب قصد - و در تمام زمان بارش قصد وضو داشته باشد؛

لکن در وضو بایـد مسـح سـر و پاها به آب جدید از باران واقع نشود و آب وضو با آب باران جدید ممزوج هم نشود، که اگر مخلوط گردد، چنان چه به حـدّیست که مانع از تحقّق مقـدار واجب از مسـح با آب وضو است، وضو باطل می گردد و اگر به مقدار مستهلک باشد، ضرر ندارد.

خون آمدن بعد از وضو از اعضای وضو

۵۰۵. آیا اگر پس از وضو از بعضی اعضای وضو خون بیرون بیاید، وضو باطل است؟

ج. اشکالی ندارد.

وضو گرفتن بدون توجه

۵۰۶. غرق شدن در افکار عمیق، به گونه ای که صدای خبری را متوجه نشود، آیا وضو را باطل می کند؟

ج. اگر در ابتدا نیّت وضو داشته، اشکالی ندارد.

میزان خروج باد معده

۵۰۷. آیا خروج باد معده از انسان، میزان خاصی در باطل شدن وضو دارد؟

ج. خارج شدن باد معده به هر مقدار که باشد، باطل کننده وضو است.

وضو قبل از غسل واجب یا مستحب

۵۰۸. آیا قبل از انجام غسل واجب یا مستحب، گرفتن وضو لازم است؟

ج. غیر از غسل جنابت برای نماز و غیره، وضو هم لازم است، چه وضو قبل از غسل باشد یا بعد از آن.

خوردن در حین وضو

۵۰۹. اگر در حین وضو چیزی بخوریم، وضوی ما درست است؟

ج. اشکالی ندارد.

اشتباه انجام دادن وضو

۵۱۰. من قبلاً وضویم را اشتباه انجام می دادم، آیا نمازم اشکال دارد؟

ج. اگر به نحو باطل بوده، نماز با آن هم باطل بوده است.

وضو گرفتن قبل از وقت نماز

۵۱۱. آیا وضو گرفتن به نیّت خواندن نماز واجب، قبل از وقت نماز و با علم به این که وقت نماز نشده است، اشکال دارد؟

ج. باید به قصد طهارت و وظیفه ی فعلیّه گرفته شود. هر چند داعی بر این، با طهارت بودن در وقت نماز باشد.

۵۱۲. حد اکثر چه زمانی قبل از اذان نماز می توان به نیّت آن نماز واجب وضو ساخت؟

ج. اصلاً قبل از وقت نمی توان وضو گرفت مگر به نیّت استحباب یا غایت واجب دیگری غیر از نماز مورد نظر.

۵۱۳. در صورتی که انسان می داند بعد از داخل شدن وقت نماز اگر وضو را تأخیر بیندازد، ناچار به مسح بر حایل می شود، آیا تقدیم وضو واجب است؟

در صورتی که تأخیر وضو منجر به وضوی ضرورت یا تقیّه گردد، آیا باز همین حکم را دارد؟

ج. احوط لزوم تقدیم است.

تجدید وضو

۵۱۴. تجدید وضو جایز است یا نه؟ و اگر شخص تجدید وضو کرد و نماز خواند، بعد یادش آمد که وضوی قبلی اش باطل شده، آیا نمازی که با این وضوی جدید خوانده صحیح است؟

ج. تجدید وضو جایز است و در فرض مذکور نماز او صحیح است.

فلسفه استحباب تجدید وضو

۵۱۵. فلسفه استحباب تجدید وضو برای نماز چیست؟

ج. ائمه علیهم السّلام در روایت فرموده اند:

«الوضوء علی الوضوء نورٌ علی نورٍ»؛ (وضو گرفتن در حال وضو، نوریست که بر نور اضافه می شود.)

اعتقاد به شستن دو بار دست

۵۱۶. کسی که اعتقاد داشته دست راست دو بار باید شسته شود، آیا وضویی که می گرفته صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

وضو با کفش غصبی

۵۱۷. وضو گرفتن با کفش غصبی چه حکمی دارد؟

ج. اظهر عدم بطلان وضو است، اگر چه با غصب کردن کفش، مرتکب گناه شده است.

وضو با کفشی که عوض شده

۵۱۸. کفش من در مکانی عوض شده است، آیا می توانم با پوشیدن آن وضو بگیرم؟

ج. اگر شاهد حال بر رضایت صاحب آن باشد، اشکال ندارد.

وضو در مکان غصبی

۵۱۹. آیا وضو گرفتن در مکان غصبی اشکال دارد؟

ج. وضو صحیح است، هر چند مرتکب حرام شده است.

وضو گرفتن با کفش مجهول المالک

۵۲۰. وضو گرفتن با کفش هایی که مالك آن مشخص نیست، چه حکمی دارد؟

ج. وضو صحیح است، هر چند مرتکب حرام شده است.

حدود فاصله زمانی در شستن اعضای وضو

۵۲۱. هنگام وضو و غسل، چه مدت فاصله زمانی در شستن اعضا اشکال ندارد؟

ج. در وضو، فاصله زمانی باید به اندازه ای باشد که در زمان شروع عضو بعدی، مجموع اعضای سابق در هوای معتدل نخشکیده باشد؛ ولی در غسل، موالات لازم نیست. (جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۲۸۷ رساله رجوع شود.)

تفاوت وضوی مرد با وضوی زن

۵۲۲. لطف کنید تفاوت وضوی زن با مرد را بفرمایید؟

ج. در واجباتِ وضو فرقی ندارند.

وضوی احتیاطی بعد از غسل جنابت

۵۲۳. شخصی بعد از سه الی چهار ساعت بعد از غسل جنابت می خواهد نماز بخواند و نمی داند محدث شده یا نه، آیا می تواند احتیاطاً وضو بگیرد؟

ج. اشكال ندارد.

حكم جاهل به بطلان وضو

۵۲۴. اگر شخصی كه جاهل به بطلان وضوی خويش است، نماز بخواند، نماز او چه حكمی دارد؟

ج. آن نماز را دوباره بايد بخواند.

خشک كردن يا خشک نكردن اعضای وضو

۵۲۵. آيا خشك كردن رطوبت بعد از وضو مكروه است و يا خشك نكردن مستحب است؟

ج. افضل، خشك نكردن است.

نماز مستحبی بدون وضو

۵۲۶. آيا خواندن نماز مستحبی بدون وضو به قصد ورود يا رجا جايز است؟

ج. جايز نيست.

عمل بر خلاف وظيفه تيمم

۵۲۷. كسی كه به خاطر تنگی وقت بايد تيمم كند، چنان چه بر خلاف وظيفه خود عمل كرد و وضو گرفت، آيا وضويش صحيح است؟

ج. اگر به قصد آن نماز وضو نگرفته، وضويش صحيح است.

وضو گرفتن در توالت

۵۲۸. اگر به واسطه ی عذری داخل توالت وضو سازد، آيا اشكال دارد؟

ج. با رعايت طهارت محل شستن دست و صورت و مسح مانعی ندارد.

نماز با وضوی گرفته شده برای غير نماز

۵۲۹. آيا می شود با وضويی كه برای غير نماز گرفته شده، نماز يوميّه را انجام داد؟

ج. اشكالی ندارد.

قصد باطل كردن وضو

۵۳۰. آیا وضو هم مانند روزه با قصد باطل نمودن باطل می شود؟

ج. باطل نمی شود.

وضو گرفتن در ایام عادت زنانه

۵۳۱. آیا وضو گرفتن در ایام عادت صحیح است و همان ارزش وضوی زمان عادی را دارد؟

ج. استحباب وضو در ایام عادت باقی است، هر چند با آن نمی توان اعمالی را که باید با وضو انجام داد، به جای آورد.

نماز خواندن با وضوی یک نماز معین

۵۳۲. شخصی که صرفاً به نیّت نماز ظهر و عصر وضو گرفته، آیا می تواند با همان وضو نماز مغرب و عشا را بخواند؟

ج. اشکالی ندارد.

خشک کردن دست و صورت قبل از وضو

۵۳۳. شخصی قبل از وضو دستها و صورتش را شسته، آیا باید آنها را برای وضو خشک کند؟

ج. لازم نیست.

ادای نماز واجب با وضوی مستحبی

۵۳۴. آیا با وضوی مستحبی می توان نماز واجب خواند؟

ج. اشکالی ندارد.

زمان اعتبار یک وضو

۵۳۵. با یک وضو تا چه زمانی می توان نماز خواند؟

ج. تا وقتی که یکی از مبطلات وضو حادث نشود.

ضرر داشتن آب برای بدن

۵۳۶. کسی که به علت سرماخوردگی آب برای او ضرر دارد، هنگام وضو چه باید بکند؟

ج. اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، در صورت دسترسی باید با آب گرم وضو بگیرد و در غیر این صورت وظیفه او تیمم است.

خوابی که باطل کننده وضوست

۵۳۷. خواب در چه حدّی وضو را باطل می کند؟

ج. خوابی که به واسطه ی آن چشم نبیند و گوش نشنود؛ ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی شود و همچنین است اگر گوش هم نشنود ولی نخوابیده باشد، مثل این که به فکر مشغول باشد.

نماز با وضوی نماز قضا

۵۳۸. با وضویی که برای نماز قضا گرفته شده، می توان نماز دیگری مثل نماز واجب بخوانیم؟

ج. اشکالی ندارد و می شود با آن هر عملی که نیاز به وضو دارد انجام داد.

ریخته شدن آب وضو به چاه توالت

۵۳۹. آیا وضو گرفتن در دستشویی هایی که فاضلاب آن به چاه توالت می ریزد، اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد.

وضو گرفتن در حضور نامحرم

۵۴۰. آیا مرد می تواند در جایی که یقین دارد نگاه زن نامحرم با ریبه به دست و بازوی او می افتد، وضو بگیرد، در صورت ناچاری چه کند؟

ج. هر چند کار حرام کرده، ولی وضوی او صحیح است و با پشت کردن به او و حفاظ قرار دادن دستها به بدن وضو بگیرد.

۵۴۱. اگر وضو گرفتن زن منحصر به حضور نامحرم باشد، وظیفه چیست؟

ج. در زیر چادر وضو بگیرد و به مقدار واجب و به مثل مرتبه ای از تدهین «۱» اکتفا نکند.

۵۴۲. وضو گرفتن مرد در جایی که زن نامحرم او را می بیند چگونه است؟

ج. اگر می داند که زن، نگاه حرام می کند، در جای دیگر وضو بگیرد.

---

(۱). ریختن آب کم و مالیدن آن بر اعضا.

از پایین به بالا شستن

۵۴۳. در رساله عملیّه حضرت عالی، مسأله ۲۴۳ آمده است:

در وضو اگر از پایین به بالا بشوید و به همان شستن اکتفا کند، بلکه مطلقاً در بعضی موارد وضو باطل است، مراد از «بعض موارد» چیست؟

ج. مراد اینست که به مجموع از پایین به بالا و از بالا به پایین قصد وضو کند یا بدون قصد باشد، به خلاف اینکه آب را از پایین به بالا بریزد، ولی هنگامی که آب به پایین بر می گردد قصد وضو کند که صحیح است.

چنان که در وسیله ی النجاه آمده است.

خروج آب بعد از وضو از انسان

۵۴۴. اگر آبی بعد از وضو و غسل (پس از استبراء) از انسان خارج شود و نداند این آب چه آبی است، چه حکمی دارد؟

ج. پاک است و ناقض وضو یا غسل نیست.

شک بعد از وضو در انجام برخی از اجزای وضو

۵۴۵. اگر بعد از وضو شک کند که برخی اجزای وضو را انجام داده یا خیر، حکم وضویش چیست؟

ج. لازم نیست اعتنا کند.

بیرون آمدن خون از لثه در حین وضو

۵۴۶. آیا بیرون آمدن خون از لثه در موقع وضو گرفتن، وضو را باطل می کند؟

ج. اگر عضو وضو را در حین شستن نجس نکند؛ یعنی به خارج از دهان و صورت سرایت نکند، وضو باطل نمی شود.

خروج رطوبت مشکوک بعد از وضو

۵۴۷. اگر انسان بعد از است برای از بول وضو گرفت و بعد از وضو رطوبتی مردّد بین بول و منی از او خارج شد، چه کند؟

ج. احتیاطاً غسل کند و وضو هم بگیرد.

خون دیدن بعد از اتمام وضو

۵۴۸. شخصی بعد از وضو خونی در صورت می بیند و نمی داند قبل یا بعد از وضو بوده، آیا وضویش اعاده دارد؟

ج. خیر، وضویش صحیح است.

ضرر داشتن آب برای وضو

۵۴۹. اگر شخصی یقین به ضرر آب نداشته و وضو بگیرد و سپس معلوم شود که آب برایش ضرر داشته، آیا وضویش صحیح است؟

ج. اشکالی ندارد.

شست و شوی اعضای وضو قبل از وضو

۵۵۰. شستن دستها و صورت و نیز مواضع مسح قبل از وضو چه حکمی دارد؟

ج. مانعی ندارد، فقط باید مواضع مسح را خشک کند.

قصد طهارت برای وضو

۵۵۱. منظور از قصد طهارت، برای وضو چیست؟

آیا در نیّت وضو، مشخص کردن واجب یا مستحب بودن وضو لازم است؟

و آیا با وضوی مستحب می توان کار واجب انجام داد؟

ج. منظور از قصد طهارت با وضو بودن است و نیّت وجوب یا استحباب در وضو لازم نیست و با وضوی مستحبی هم می توان کار واجب را انجام داد.

خروج باد از فَرج زن

۵۵۲. گاهی از مهبل (فرج) خانم ها باد می آید، آیا این مبطل وضو می شود؟

ج. وضو باطل نمی شود.

یاری رسانی غیر مستقیم در وضو

۵۵۳. شخص می خواهد وضو بگیرد، ولی شخص دیگری شیر را باز می کند یا شلنگ را می گیرد تا او وضو بگیرد، آیا اشکال دارد؟

ج. خیر اشکال ندارد.

وضوی ارتماسی

جمع شدن حباب در وضوی ارتماسی

۵۵۴. در وضـوی ارتماسـی بعـد از این که دست را در آب فرو می بریم، حبـاب هـایی روی دسـتها درست می شود، خصوصـاً کسانی که تارهای موی دست آنها زیادتر است، آیا وضو به نحو ارتماسی صحیح است؟

ج. اگر حباب تشکیل می شود، قبل از فرو بردن دست آن را خیس کند.

وضوی ارتماسی

۵۵۵. در وضوی ارتماسی اگر دست راست را در آب فرو کنیم و دست چپ را نیز در آب فرو نمـاییم و ارتماساً وضو بگیریم در صورتی که دست راست را به دست چپ نکشد، آیا برای مسح سر و پای راست اشکالی پیش می آید؟

ج. در صورت رسیدن آب به تمام اجزای دست، اشکالی ندارد.

دست کشیدن در وضوی ارتماسی

۵۵۶. آیا در وضوی ارتماسی نیز، دست کشیدن استحباب دارد؟

و آیا دست کشیدن برای مسح اشکال ایجاد نمی کند؟

ج. استحباب ندارد و اطلاق آن مشکل است، مگر از اوّل قصد داشته باشد با دست کشیدن، غَسل را انجام دهد.

تعداد فرو بردن دستها در آب

۵۵۷. در وضوی ارتماسی چند بار می توانیم دستها را داخل آب فرو کنیم؟

ج. باید دست را داخل آب نمود و در حال بیرون آوردن از آب، قصد شستن دست را نمود و اگر به قصد وضو چند بار دست را داخل آب کند، وضوی او اشکال دارد.

وضو به صورت ترتیبی و ارتماسی

۵۵۸. حکم انجام بعضی از اعضای وضو به صورت ترتیبی و بعضی به صورت ارتماسی چیست؟

ج. جایز است.

شک در وضو

شک در هنگام خروج حدث

۵۵۹. شخصی که می داند یک وضو و یک حدث از او سر زده وظیفه اش چیست؟

ج. اگر نداند کدام جلوتر بوده است، چنان چه پیش از نماز است باید وضو بگیرد و اگر بین نماز است، باید نماز را رها کند و

وضو بگیرد و اگر بعد از نماز است، نمازی که خوانده صحیح است و برای نماز بعد وضو بگیرد.

شک در باطل شدن وضو

۵۶۰. شخصی با وضو بوده و یک نماز خوانده، حالا شک دارد قبل از نماز حدث سر زده یا بعد از نماز، آیا نمازش صحیح است؟

ج. نمازش صحیح است.

تجدید وضو و شک در هنگام حدث

۵۶۱. اگر شخصی وضو گرفت و سپس آن را تجدید کرد و بعد از نماز متوجه شد که یکی از این دو وضو قبل از نماز باطل شده، حکم نمازی که خوانده و نماز بعدی را بیان فرمایید.

ج. نمازی که خوانده صحیح است و برای نماز بعدی باید وضو بگیرد.

شک در خروج باد شکم

۵۶۲. شک در خروج باد از شکم چه حکمی دارد؟

ج. اعتباری ندارد.

شک بعد از وضو

۵۶۳. اگر بعد از وضو گرفتن، در وضو شک کنیم، حکم آن چیست؟

ج. اعتنا نکنید.

شک در وضو هنگام نماز

۵۶۴. وظیفه کسی که در بین نماز شک کند، وضو گرفته یا نه، چیست؟

ج. بنا بر احوط اگر ممکن است بدون انجام اعمالی که با نماز منافات دارد - مثل پشت کردن به قبله - وضو بگیرد و نماز را تمام کند و سپس اعاده نماید و اگر ممکن نیست به امید مطلوبیّت نماز را تمام کند و سپس وضو بگیرد و نماز را اعاده نماید.

شک در رسیدن آب به لای انگشتان

۵۶۵. شخص جاهل مقصّری در موقع وضو گرفتن تا مچِ دست، آب می ریخته و دست را بر آن می کشیده است و یقین ندارد که آب به لای انگشتان می رسیده یا نه و دست به لای انگشتان و بالای آنها هم نمی کشیده است، چون فکر می کرده با

شستن دست قبل از صورت نیاز، به شستن مجدّد نمی باشد، آیا نمازهایی که خوانده قضا دارد؟

ج. در صورتی که با همان آب ریختن به قصد وظیفه، تمام عضو شسته می شده نیاز به دست کشیدن ندارد، در غیر این صورت در مواردی که می داند شسته نشده، باید نمازهایش را قضا کند.

ملاک وسواس

۵۶۶. حکم شرعی کثیر الشک در اصل وضو و ملاک وسواس عمومی و خصوصی را بیان فرمایید.

ج. کسی که در اصل وضو کثیر الشک است، اگر به حد وسواس برسد باید به آن اعتنا نکند و شک در اصل فعل، مثل شک در اعضای وضو و اجزا است.

شک در یک چیز، سه مرتبه پیاپی، اوّلین حد وسواس خصوصیست که این وسواس از مُقَدَّمات وسواس عمومی می باشد.

وسواس در وضو

۵۶۷. شخصی هستم که نسبت به متعارف مردم وقت بیشتری صرف وضو گرفتن می کنم، راهنمایی ام کنید که برای یقین پیدا کردن به شستن اعضای وضو چه کنم؟

ج. با دقت، هر محلی از عضو وضو را یک مرتبه بشویید، ولی به هیچ وجه تکرار نکنید.

چگونگی عمل به ظن شخص وسواسی

۵۶۸. آیا افراد وسواسی باید به ظن خود مانند شک عمل کنند یا خیر؟ اگر ظن قوی باشد چه طور؟

ج. اگر ظن واقعی باشد باید بر طبق آن عمل کنند، به خلاف آن که ظن صوریِ ناشی از وسوسه باشد.

باطل شدن وضوی کثیرالشک

۵۶۹. شخصی بعد از این که وضو می گیرد، احساس می کند بادی از او خارج شده و مرتب وضو می گیرد تا جایی که برای هر نماز چند مرتبه وضو می گیرد، آیا این گونه مسائل و تلقین ها باعث بطلان وضو نمی شود؟

ج. خیر، به این احساس و خیالات توجه نکند.

شک در شستن عضو یا صحّت آن

۵۷۰. شک در این که آیا عضوی از وضو را شسته یا نه و یا صحیح شسته یا نه، چه حکمی دارد و اگر زیاد شک کند تکلیفش چیست؟

ج. به مسأله ی ۳۰۴ و ۳۰۷ رساله رجوع شود.

زیارت و قرائت قرآن شخص کثیرالشک

۵۷۱. کسی که در وضو کثیرالشک است، آیا می تواند به مسجد یا زیارت معصومین برود و یا قرآن بخواند؟

ج. اشکالی ندارد، هر چند تکلیفاً باید از شک پرهیز کند.

آب وضو

زیاده روی در مصرف آب هنگام وضو

۵۷۲. آیا بازگذاشتن شیر آب، هنگام وضو، از مصادیق اسراف و گناه است؟

ج. اگر وجه شرعی دارد - هر چند احتیاطی باشد - به قدر ضرورت و نیاز مانع ندارد و در غیر این صورت اجتناب شود.

۵۷۳. دربارهی حکم شرعی زیاده روی در مصرف آب هنگام وضو، راهنمایی فرمایید.

ج. وضویش صحیح است، موارد اسراف مختلف است و اگر سبب ضرر رساندن مالی شود، حرام است.

آبی که توسط خورشید گرم شده و سپس سرده شده

۵۷۴. وضو با آبی که با نور خورشید گرم شده مکروه است.

آیا این کراهت دربارهی آبی که پس از گرم شدن با خورشید، سرد شود نیز باقی است؟

ج. کراهت وضو با آب گرم شده با خورشید، پس از خنکی آن بنا بر احوط باقی است.

وضو در مکان های عمومی

۵۷۵. در پارک های عمومی یا میدان ها حوض های آب است، وضو گرفتن با آنها چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

استفاده ی مهمان از آب اداره برای وضو

۵۷۶. شخصی سرایدار یکی از اماکن دولتی - مثل اداره ی بهزیستی - است.

اگر شخصی از اطرافیان این شخص به عنوان مهمان به منزلشان برود و از آب آن اداره برای وضو استفاده کند، آیا وضوی او صحیح است؟

ج. در صورت نبودن شرطی از طرف اداره جهت آوردن مهمان، وضوی او صحیح است.

طهارت در مجتمع های مسکونی

۵۷۷. اشخاصی در مجتمع های مسکونی زندگی می کنند که هزینه خدماتی آن از قبیل آب سرد و گرم، تهویه، نگهبانی و ... را بر دوش دیگران می اندازند، حکم این اشخاص در مورد استفاده از آب در وضو و غسل چگونه است؟

ج. اگر قصد دارد اصل پول آب را ندهد، حکم آب غصبی دارد و اما در غیر آن از امتیازهای مشترک مورد توافق، هر چند ذمّه ی او مشغول است و باید بپردازد، اما وضو و غسلش صحیح است.

وضو گرفتن از نهر عمومی

۵۷۸. حکم وضو گرفتن از نهری که محل تقسیم آب روستا (به وسیله ی لوله ها) می باشد را بیان فرمایید.

ج. اشکال ندارد، مگر این که صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند که در این صورت اگر سیره و روش مسلمین استفاده از آنها باشد، وضو صحیح و گرنه باطل است.

(رجوع شود به مسأله ی ۲۷۵ رساله.)

وضو از شیرهای آب عمومی

۵۷۹. وضو از شیرهای عمومی کوچه و خیابان که برای استفاده عموم نصب شده جایز است یا خیر؟

ج. اشکالی ندارد.

وضو از آب هایی که مالک مشخصی دارند

۵۸۰. وضو گرفتن از چاه ها یا جوی هایی که در مزارع مردم وجود دارد، با عدم علم به رضایت صاحبان آن، چه حکمی دارد؟

ج. تا وقتی که احراز کراهت و عدم رضایت صاحبان آن نشده باشد، اگر معمولاً متدینین از آن آب وضو می گیرند، وضو گرفتن از آنها اشکالی ندارد.

وضو از وضوخانه مسجد

۵۸۱. وضوخانه ای وجود دارد که تابع مسجد است ولی پول آب آن از غیر بودجه مسجد پرداخت می شود، آیا استفاده از آن آب برای وضو اشکال دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

لوله ای که از زمین دیگران عبور داده شده است

۵۸۲. چشـمه ای در منطقه ای وجـود دارد و اگر بخـواهیم آب را برای منطقه ای که مقـداری از آنجا فاصـله دارد لـوله کشـی کنیم، مسـتلزم عبور از زمین هـای ملکی دیگران است، در صورتی که صاحبان ملک اجازه ندهنـد، حکـم اسـتفاده از آب برای وضو و غسل چیست؟

ج. جایز نیست لوله را بدون اجازه عبور دهند، اما وضو و غسل باطل نیست.

وضو از چاه ها و جوی های مزارع

۵۸۳. اشخاصـی که به مسافرت می روند، در بین راه به مزارعی می رسـند که آب جاری و حصاری هم در اطراف آب نیسـت آیا برای وضو گرفتن احراز رضایت مالک، شرط است یا گمان نداشتن به عدم رضایت کافی است؟

ج. تا وقتی کراهت صاحبان آن احراز نشود، وضو گرفتن اشکالی ندارد.

مقدار جواز استفاده از آب مسجد

۵۸۴. تمیز کردن بعضی از اعضای بدن قبل از وضو با آب مسجد چه حکمی دارد؟

ج. در حد متعارف اشکال ندارد.

وضو گرفتن در مسجد و نماز نخواندن در آنجا

۵۸۵. وضو گرفتن در مسجد و نماز خواندن در مسجد دیگری یا در مکان دیگر چه حکمی پیدا می کند؟

ج. اگر مزاحمت با وضو گرفتن کسانی که می خواهند در آنجا نماز بخوانند نداشـته باشد، اشـکال ندارد. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۲۷۳ رجوع شود.)

آب با کلر

۵۸۶. اگر آب وضو که از شیر آب می باشد به علت کلر به رنگ سفید درآید، آیا آن آب مضاف است یا خیر؟

ج. اگر عرفاً به آن آب اطلاق شود، مضاف نیست و تطهیر و وضو با آن جایز است.

وضو با آب قلیل

۵۸۷. اگر دست نجس بود و انسان یادش رفت آن را بشوید و با آب قلیل وضو گرفت و نماز خواند آیا نماز صحیح است؟

ج. اگر احتمال ندهد که دستش را و لو با آب قلیل شسته، باید وضو و نماز را دوباره به جا آورد.

پاک کردن دست با آبی که کر بودن آن مشکوک است

۵۸۸. در صورتی که دست نجس بود و آن را با آبی که کر بودن آن مشکوك است شسته و وضو گرفته، آیا دست پاك شده و وضو صحیح است؟

ج. دست را اگر قبل از شستن داخل آن آب کرده، باید دست را آب بکشد ولی وضویش صحیح است.

تصفیه بودن آب وضو

۵۸۹. آیا آب وضو باید تصفیه شده باشد؟

ج. ضرورت ندارد، مگر آن که مواد محلول، آب را مضاف کرده باشد.

وضو با آب غصبی در صورت جهل و نسیان

۵۹۰. اگر کسی سهواً یا از روی جهل با آب غصبی وضو بگیرد، وضویش صحیح است؟

ج. صحیح است ولی قیمت آب را ضامن است.

استفاده از آب میوه برای وضو

۵۹۱. اگر آب میوه تصفیه و صاف شود می توان برای وضو استفاده کرد؟

ج. جایز نیست.

وضو گرفتن از آب های معدنی یا گل آلود

۵۹۲. وضو گرفتن از آب های معدنی مثل آبگرم مغان و سبلان و سرعین و در کل آب هایی که آهکی و گوگردی هستند، چه حکمی دارد؟

همچنین از آب هایی که گل آلود است - مثل رود ارس - می شود وضو ساخت یا خیر؟

ج. تا صدق آب مطلق بر آنها بکند، اشکال ندارد.

وضو با آب آلوده

۵۹۳. اگر وضو گرفتن فقط با آب آلوده و کثیف امکان داشته باشد آیا وضوی با این آب صحیح است یا باید تیمم بگیرد؟

ج. در صورت مضاف شدن یا نجاست و یا ترس از ضرر رساندن آب آلوده، وضو با چنین آبی صحیح نیست؛ مگر در بعض موارد صورت اخیر.

وضو گرفتن از دریاچه ارومیه

۵۹۴. با توجه به غلظت و شوری دریاچه ارومیه، آیا وضو گرفتن از آن صحیح می باشد؟

ج. بله صحیح است.

اجازه از میزبان برای طهارت

۵۹۵. آیا مهمان برای وضو و غسل باید از میزبان اجازه بگیرد؟

ج. لازم نیست.

غصبی بودن آب

۵۹۶. اگر در بین وضو بفهمیم که آب غصبی است، ادامه وضو بنا بر این قصد که قیمت آب را بپردازیم، چگونه است؟

ج. نمی توان وضو را ادامه داد، مگر این که در همان بین بتوان صاحبش را راضی نمود یا اطمینان به رضایت او داشت؛ هر چند به پرداخت قیمت آب به او.

انشعاب آب بدون مجوّز

۵۹۷. شخصی بدون اطّلاع سازمان آب و فاضلاب انشعاب آب کشیده، وضوی او چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

۵۹۸. شخصی از منزل همسایه و بدون اطلاع سازمان آب لوله فرعی کشیده و پول آب را به همسایه می دهد وضو و غسلش با آن آب چه حکمی دارد؟

ج. با اجازه از سازمان آب اشکال ندارد و بدون اجازه حکم آن گذشت.

موانع رسیدن آب به پوست

لاک و لوازم آرایش

۵۹۹. آیا لاک و لوازم دیگر آرایشی که زنان استفاده می کنند برای وضو گرفتن اشکالی ایجاد می کند؟

ج. لاک و امثال آن که جرمیّت دارد، مانع از رسیدن آب به پوست است، لذا باید قبل از وضو آنها را برطرف کند.

خط لب و خط ابرو

۶۰۰. کاشتن خط لب و ابرو آیا مانع از رسیدن آب می شود؟ وضو در این صورت صحیح است؟

ج. وضو صحیح است.

حنا بستن دست و ناخن

۶۰۱. خضاب کردن دست و ناخن با حنا چه حکمی دارد؟

ج. برای وضو و غسل مانعی ندارد.

بلند گذاشتن ناخن

۶۰۲. آیا بلند گذاشتن ناخن در وضو اشکال ایجاد می کند؟

ج. اشکال ندارد، فقط باید به زیر آن قسمت های بلند از ناخن، آب برسد.

زود گرفتن وضو برای آرایش بعدی

۶۰۳. اگر زنی برای این که بعداً می خواهد آرایش کند زودتر وضو بگیرد آیا در نیّت او خللی وارد می شود یا وضوی او صحیح است؟

ج. اگر قبل از وقت نماز باشد باید به نیّت استحباب، وضو بگیرد، نه برای خواندن نماز واجب.

سرمه در وضو

۶۰۴. ابروهای من ریخته و در دانشگاه مجبورم از سرمه استفاده کنم، وظیفه من در مورد وضو و نماز چیست؟

ج. اگر سرمه مانع رسیدن آب به پوست است، لازم است برطرف شود.

داروی تقویت مو

۶۰۵. داروهایی که برای جلوگیری از ریزش موی سر با تجویز پزشک استفاده می شود، آیا برای وضو اشکال ایجاد می کند.

؟

ج. اگر مانع رسیدن آب به پوست است، باید برطرف شود و اگر ضرورت دارد، وظیفه ی او جبیره است و احتیاطاً تیمم هم ضمیمه کند خوب است.

موی مصنوعی و رسیدن آب به پوست

۶۰۶. آیا موی مصنوعی در وضو و غسل، مانع از رسیدن آب به پوست می شود؟

ج. اگر به پوست چسبیده است، مانع است.

نبودن مانع از رسیدن آب به پوست

۶۰۷. پوست بدن این جانب بسیار چرب است.

آیا چربی آن در وضو و غسل، مانع از رسیدن آب به پوست است؟

ج. اگر جرم ندارد که مانع از رسیدن آب به پوست باشد، اشکال ندارد. اما اگر احراز کند که صورت یا دستها به قدری چرب است که آب به پوست نمی رسد، اوّل محل وضو را از چربی خشک کند و بعد وضو بگیرد.

عدم مانعیّت رنگ ساعت مچی

۶۰۸. بر روی مچ دستم آثار رنگی که از ساعت مچی نشأت گرفته باقی مانده است، آیا برای وضو گرفتن اشکال دارد؟

با توجّه به این که اثر باقی مانده پاک نمی شود.

ج. رنگ بدون جرم، مانع حساب نمی شود.

رنگ مو

۶۰۹. رنگی که خانم ها برای موی سر استفاده می کنند، آیا مانع از صحّت مسح در وضو می شود؟

ج. بعد از برطرف کردن جرم، رنگ تنها مانع از مسح نمی شود.

کاشتن ناخن مصنوعی

۶۱۰. اخیراً افرادی که فاقد ناخن هستند، به وسیله پیشرفت علم پزشکی می توانند ناخن مصنوعی بکارند.

۱) حکم شرعی کاشتن ناخن مصنوعی را بیان فرمایید.

ج. شخصی که اصلاً ناخن ندارد و می خواهد ناخن مصنوعی بکارد، آن ناخن جزو بدن او نمی شود، چون رشد و نمو ندارد و از اوّل این کاشتن جایز نیست، چون اضطرار ندارد.

۲) در هر حال اگر کسی ناخن مصنوعی بکارد، وظیفه اش در وضو و غسل چیست؟

ج. در وضو و غسل اشکال پیدا می شود و در داخل وقت نماز، ضایع نمودن امر واجب محسوب می شود و قبل از وقت نماز

هم خلاف احتیاط است؛ ولی اگر این کار را کرد و هنگام وضو یا غسل امکان بیرون آوردنِ آن نبود، باید در مسح و غسل عمل به جبیره کند.

احتمال به وجود آمدن مانع بعد از وضو

۶۱۱. پس از نماز و گذشتن حدود یک ساعت از وضو گرفتن، متوجّه قی چشم شدم. اگر احتمال بدهم که پس از وضو حاصل شده، آیا وضو صحیح است؟

ج. در فرض مذکور وضو صحیح است.

انواع کرم در وضو

۶۱۲. آیا کرم، مانع از رسیدن آب است؟

ج. اگر چربی آن به حدّیست که عرفاً آب به پوست می رسد مانع نیست.

چربی مو و پوست سر

۶۱۳. آیا روغن زیتون یا نارگیل یا هر روغن دیگر، مانع مسح سر است؟

ج. اگر چربی به گونه ایست که عرفاً آب به پوست می رسد، مانع نیست.

مواد آرایشی روی پوست

۶۱۴. بعد از استفاده از مواد آرایشی و پاک کردن آنها رنگی بر بدن باقی می ماند، آیا این رنگ مانع از رسیدن آب به پوست می شود؟

ج. در صورت داشتن جِرم، مانع محسوب می شود؛ ولی اگر فقط رنگ باشد (مثل رنگ حنا) مانع نیست.

لاکی بودن انگشت بزرگ پا هنگام وضو

۶۱۵. اگر انگشت بزرگ پا هنگام وضو لاک داشته باشد، آیا اشکالی دارد؟

ج. اگر انگشتان دیگر پا، لاک ندارد می توان از سر انگشتان دیگر مسح نمود اما اگر بخواهد از سر انگشت بزرگ مسح کند، برطرف کردن لاک به اندازه ی مُسَمّای مسح لازم است.

مسح کردن روی غیر لاک ناخن

۶۱۶. آیا در مسح می توان تمام انگشتان را به جز انگشت کوچک لاک زد و روی آن مسح کشید؟

ج. بله، می توان.

لاک زدن انگشتان کوچک پا

۶۱۷. اگر چهار انگشت کوچک پا را لاک بزنیم و برای وضو انگشت بزرگ را لاک نزنیم، آیا وضو صحیح است؟

ج. بله، با مسح بر انگشت بزرگ، وضو صحیح است.

پماد چشمی

۶۱۸. دچار بیماری ای شدم که باید پلک هایم را هر شب با پمادی مخصوص چرب کنم و حق استفاده از صابون را نیز ندارم تکلیف چیست؟

ج. هر مقدار که وقت بستن پلک ها باطن حساب می شود اشکال ندارد و در غیر آن اگر چربی آن تا وقت نماز باقی بماند و برای وضو مانع باشد، باید آن را کم کند به حدی که عرفاً آب به پوست برسد و اگر از این مقدار هم معذور است، وظیفه اش جبیره است.

وضوی افراد رنگ کار

۶۱۹. شغل افرادی، به گونه ایست که همیشه با رنگ یا گریس و چیزهای دیگر سر و کار دارند و هر چه وقت صرف کنند، بعد از وضو بازهم رنگ یا گریس دیده می شود، وظیفه این افراد چیست؟

ج. رنگ و چربی که عرفاً جرم ندارد، مانع نیست و اگر مشکوک است باید برطرف کند.

(مسأله ی ۲۹۷ رساله) ماندن اثر اشیا بر دست

۶۲۰. آیا اثر شستن دست آلوده به نفت و نیز رنگ خوراکی ها - مثل گردو و اثر گچ و سیمان و نیز خودکار و خودنویس و چیزی که در مدت طولانی از دست پاک می شود - مانع رسیدن آب به اعضا می باشند یا خیر؟

ج. در صورت داشتن جرم مانع محسوب می شوند اما اگر فقط رنگ آن به اعضای وضو باقی مانده باشد، مثل رنگ گردو اشکالی ندارد.

مواد آرایشی سر

۶۲۱. آیا موادی مانند ژل، کتیرا و روغن مو که برای موی سر استفاده می شود، مانع از وضو می شوند؟

ج. اگر دارای جرم است که مانع از رسیدن آب است باید برطرف شود.

سرمه ی چشم در هنگام وضو

۶۲۲. آیا سرمه چشم برای زنان در هنگام وضو ضرری به صحت وضو می زند یا خیر؟

ج. اگر داخل چشم کشیده شده باشد، اشکالی ندارد و در صورتی که بیرون از چشم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست باشد، لازم است برطرف شود.

وجود مانع پس از وضو

۶۲۳. اگر کسی بعد از وضو متوجه شده چیز خیلی کمی به اعضای وضویش بوده چه کند؟

ج. اگر در وقت وضو بوده و مانع بوده باید دوباره وضو بگیرد.

دیدن مانع بلافاصله بعد از مسح

۶۲۴. اگر وضوگیرنده در مسح پا، مانعی را بعد از مسح دید آیا می تواند مانع را برطرف کند و دوباره مسح کند؟

ج. اگر موالات به هم نخورد، اشکال ندارد.

دیدن مانع در هنگام نماز و بعد از آن با بررسی قبل از وضو

۶۲۵. اگر قبل از وضو، از نظر مانع رسیدن آب وارسی شود و در اثنای نماز یا بعد از نماز متوجه مانعی شود حکم چیست؟

و نیز اگر قبل از نماز وارسی نکرده باشد و بعد یا در اثنای نماز متوجه مانع شود.

ج. در صورت اوّل نماز و وضویش صحیح است و در صورت دوم وضویش را احتیاطاً دوباره بگیرد؛ ولی اگر بعد از نماز متوجه شود نمازش صحیح است.

چرک زیر ناخن

۶۲۶. آیا پاک نمودن چرک های زیر ناخن در هنگام وضو لازم است؟

ج. اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو چرک آن را برطرف کنند و نیز اگر ناخن بیشتر از حد معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

رفع مانع در اثنای وضو

۶۲۷. آیا در اثنای وضو یا غسل می شود مانع را برطرف کرد یا حتماً باید قبل از شروع وضو باشد؟

ج. اگر موالات و شرایط وضو مثل شستن از بالا به پایین رعایت شود، اشکالی ندارد.

عدم دست رسی به مواد شوینده جهت از بین بردن جرم اعضا

۶۲۸. اگر مواد رو غنی به صورتی بود که بدون پاک کننده از روی اعضای وضو پاک نمی شد و مواد شیمیایی و پاک کننده در مدت نماز در اختیار نباشد، در چنین مواقعی تکلیف وضو و غسل چیست؟

ج. باید وضو و غسل جبیره به جا آورد و احتیاطاً تیمم هم بنماید.

شک در جرم بودن

۶۲۹. اگر شک کنیم، چیزی که بر اعضای وضوست جرم دارد یا خیر تکلیف چیست؟

ج. باید احراز کند که آب به پوست می رسد و اگر شک زیاد ناشی از وسوسه است اعتنا نکند.

(توضیح بیشتر در مسأله ی ۲۹۷ و ۳۷۵ رساله آمده است.)

مسح از روی جوراب نازک

۶۳۰. آیا می شود از روی جوراب نازک مسح کشید؟

ج. جایز نیست.

بیماری های مربوط به وضو

خارج شدن بول یا مدفوع بدون اختیار

۶۳۱. این جانب بر اثر بیماری، بول و مدفوعم بدون اختیار خارج می گردد و با توجّه به این که هیچ گونه احساسی ندارم تا بفهمم چه موقع خارج می شود، آیا می توانم با یک وضو دو نماز بخوانم یا باید قبل از نماز دوّم تفحّص کنم؟

ج. قبل از نماز باید تفحّص کنید.

وضوی شخص مبتلا به سینوزیت

۶۳۲. شخصی که سینوزیت دارد و استعمال آب سرد برایش ضرر دارد با توجه به این که بعضی ها معتقدند وضو با آب گرم ضرری ندارد، آیا باید تیمم کند یا وضو بگیرد؟

ج. در صورتی که آب گرم برای او ضرری ندارد باید با آب گرم وضو بگیرد.

به همراه داشتن کیسه ادرار و مدفوع در نماز

۶۳۳. همراه داشتن کیسه ادرار - که معمولاً نجس است - در هنگام نماز چه حکمی دارد؟

و اگر در بین نماز مدفوع یا ادرار بی اختیار خارج شود و کیسه پاک را نجس کند، نماز چه حکمی پیدا می کند؟

ج. احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول و کیسه ای که نجس شده را آب بکشد یا عوض کند.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۳۱۸ رساله رجوع شود.)

وضوی شخصی که مدفوعش را در کیسه می ریزد

۶۳۴. وضو و غسل و نماز شخصی که مدفوعش به کیسه می ریزد چگونه است؟

ج. به مسأله ی ۳۱۲ الی ۳۲۰ و نیز مسأله ی ۳۷۸ رساله رجوع شود.

عدم توانایی در برطرف کردن نجاست

۶۳۵. شخصی نمی تواند نجاست را از خود برطرف کند (به علت معلولیت در بیمارستان و پرستارها هم همکاری ندارند) حال با توجه به این که نجاست هم زیاد است، در مورد وضو و نماز چه باید بکند؟

ج. هر مقداری که می تواند نجاست را از بدن کم کند و اعضای وضو را تطهیر کند و وضو بگیرد و نمازش را بخواند.

قادر نبودن بر تطهیر خود

۶۳۶. به دلیل ساییدگی مفاصل قادر نیستم خود را تطهیر نمایم، وظیفه من برای نماز چیست؟

ج. هر مقداری که می توانید نجاست را از بدن کم کنید و اعضای وضو را تطهیر کنید و وضو بگیرید و نماز را بخوانید.

افرادی که فاقد کنترل بول یا غائط یا باد معده اند

۶۳۷. کسانی که پی در پی از آنها بول یا غائط یا باد معده خارج می شود، چگونه وضو بگیرند و نماز بخوانند؟

ج. به مسائل ۳۱۲ الی ۳۲۰ رساله رجوع کنید.

حساسیت به وضو و تیمم

۶۳۸. وضو گرفتن برایم سخت و مضر است و نسبت به تیمم حساس هستم، وظیفه ام چیست؟

ج. باید بر چیزی که حسّاس نیست، مثل قطعه سنگ پاک، تیمم کنید.

عدم کنترل باد معده

۶۳۹. جوانی هستم که از کنترل باد معده عاجزم و برای گرفتن وضو و نماز دچار مشکل می شوم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

ج. به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن بول و غائط خود داری کنند، عمل نمایید. (مسائل ۳۱۲ تا ۳۲۰ رساله رجوع

شود.)

تکلیف نماز مبتلا به بیماری نفخ شکم

۶۴۰. کسی که مبتلا به مرض نفخ شکم است، گاهی برای یک نماز باید بیش از ده دفعه وضو بگیرد، تکلیفش چیست؟

ج. در این باره به مسأله ی ۳۱۶ رساله و قبل از آن مراجعه شود.

مسدود شدن راه خروج مدفوع

۶۴۱. اگر شخصی به واسطه بیماری (مسدود شدن مقعد) به جای روده، کیسه ای در خارج بدن او وصل کنند برای نماز چه کند؟

ج. ظاهراً همان حکم مبطون را دارد، که در رساله مذکور است.

(به مسائل ۳۱۲ تا ۳۲۰ رساله رجوع شود.)

خال کوبی

۶۴۲. عمل خال کوبی در مواضع وضو چه حکمی دارد؟

ج. مانع وضو نیست.

زخم و شکستگی اعضای وضو

وضو بر پوسته ی زخم

۶۴۳. اگر بر جراحت پوسته ای بگیرد و به نظر برسد که در زیر آن لکه ی خونی ایجاد شده، آیا می شود بر روی آن وضو گرفت یا باید پوسته ی روی زخم کنده شود و خون زیر آن را پاک کرد و سپس وضو گرفت؟

ج. اگر آن پوسته ظاهر بدن محسوب شود، کندن آن لازم نیست.

بخیه بر عضو وضو

۶۴۴. اگر روی زخم صورت و دست بخیه زده شده و یا سرم به دست باشد، با فرض پاک بودن دست و صورت و بخیه و سرم، وظیفه ی انسان وضوی جبیره است یا وضوی معمولی؟ و آیا علاوه بر وضو تیمّم هم لازم است؟

ج. اگر دست بر بخیّه بکشد و آب به گرداگرد سرم برساند، کافی است.

پیوند عضو شخص کافر به مسلمان

۶۴۵. اگر عضو کافر را به دست مسلمان پیوند کنند - مثلاً از مچ تا انگشتان - و هنوز جزو بدن او نشده است، تکلیف او از نظر وضو چیست؟

ج. احتیاطاً آن را جبیره کند و اگر @مستوعب نباشد، تیمّم لازم نیست.

ساختن وضوی جبیره ای در خارج از وقت نماز

۶۴۶. شخصی که وظیفه اش وضوی جبیره است اگر در غیر وقت نماز به نیّت طهارت وضو بگیرد، وضویش چه حکمی دارد؟

آیا با این وضو می تواند نماز واجب بخواند؟

ج. اگر وظیفه او جبیره بوده و در وقت نماز عذر او برطرف نمی شود، وضویش صحیح است و می تواند با آن نماز بخواند.

شستن دستی که در گچ است

۶۴۷. وضوی شخصی که تمام دست راستش در گچ است، چگونه است؟

ج. با دست چپ صورت خود را بشوید و دست راست را هم جبیره کند و دست چپ را از بالا به پایین زیر شیر بگیرد که شسته شود و مسح ها را هم با دست چپ انجام دهد و احتیاطاً تیمم هم بنماید.

زخم های باز

۶۴۸. بیمارانی که زخم بازدارند - مثل زخم های شکم که مرتب ترشح دارد - تکلیف آنها برای وضو و غسل چیست؟

ج. به مسأله ی ۳۳۰ رساله و نیز ۳۳۳ و قبل و بعد آنها رجوع شود.

۶۴۹. شخصی به عنوان جبیره دستش را در کیسه ی پلاستیکی کرده و به جای دست کشیدن آن را شسته است، آیا نمازش صحیح است؟

ج. باید نمازش را بنا بر احوط دوباره بخواند.

سفت شدن خون یکی از اعضای وضو

۶۵۰. اگر یکی از اعضای وضو زخم شده باشد و خون آن سفت شده باشد، برای وضو چه باید کرد؟

ج. در صورتی که عسر و حرج پیش نیاید باید آن را اوّل پاک کرد و سپس وضو گرفت و در صورت ضرر داشتن آب و یا عسر و حرج، باید به وظیفه جبیره عمل نماید.

عضوی که خون ریزی دارد

۶۵۱. اگر در جای وضو زخمی باشد که خونش بند نمی آید و آب هم برایش ضرری ندارد، چه باید کرد؟

ج. باید به دستور جبیره عمل کرده و احتیاطاً تیمم هم بنماید.

وضو روی باندِ پا

۶۵۲. مدتی شست پایم به علت ضربدیدگی باندپیچی بود، آیا وضو از روی باند درست بوده است؟

ج. باید بر انگشت های دیگر پا که باز است مسح کند و اگر چنین نکرده، وضو صحیح نبوده است.

۶۵۳. هرگاه یک انگشت شکسته و تمام دست تا مچ را بسته باشند، وظیفه انسان برای وضو چیست؟

ج. اگر برای بهبود انگشت، بستن تمام دست لازم است و یا باز کردن آن موجب عسر و حرج است، تمام آن حکم جبیره پیدا می کند.

محل مسح زخمی

۶۵۴. اگر محل مسح کسی زخم باشد، وظیفه اش چیست؟

ج. در صورت عدم امکان برای تطهیر محل، باید به وظیفه ی جبیره عمل نماید.

(مسأله ی ۳۳۰ رساله)

خون زیر ناخن

۶۵۵. خونی که زیر ناخن می باشد و به صورت جامد درآمده است، آیا نجس است؟

برای وضو چه باید کرد؟

ج. در صورتی که روی آن باز نشده است، برای وضو اشکالی ندارد و اگر باز شده باشد، در صورتی که مدت زیادی از آن گذشته و دیگر به آن خون گفته نمی شود، اشکالی ندارد و در غیر این صورت باید اوّل آن را ازاله و تطهیر نمود و سپس وضو گرفت و در صورت عسر و حرج باید به حکم جبیره عمل کرد و احتیاطاً تیمم هم ضمیمه نمود.

ابریشمی بودن جبیره

۶۵۶. آیا از پارچه ی ابریشمی برای جبیره می توان استفاده کرد؟

ج. در وضو و غسل و تیمم مانعی ندارد.

جبیره ی پلاستیکی

۶۵۷. آیا می شود به عنوان جبیره، پلاستیک گذاشت؟

ج. مانعی ندارد.

استفاده از کیسه ی پلاستیکی یا چسب زخم در جبیره

۶۵۸. آیا می توان برای وضوی جبیره ای از کیسه ی پلاستیکی و یا چسب زخم استفاده کرد؟

ج. بله، می توان با آن جبیره نمود، به شرط این که پاک باشد و زیادتر از حد را نپوشاند.

کمک کردن به وضوی فردی که دستش شکسته

۶۵۹. اگر شخصی برای کسی که دست او شکسته و گچ گرفته آب بریزد، وضوی او چه حکمی دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

وضو گرفتن فردی که دو دستش در گچ است

۶۶۰. اگر هر دو دست انسان (تا مچ)، در گچ باشد چگونه باید وضو بگیرد؟ و اگر نتواند مسح را انجام دهد، چه باید بکند؟

ج. اگر هر دو دست است، باید با کمک دیگران وضوی جبیره بگیرد و مسح او را هم فرد دیگری انجام دهد، به این صورت که از دست او آب بگیرد و به جای مسح او بکشد و احتیاطاً او با کمک دیگران تیمم هم بنماید (مسأله ی ۲۹۰ رساله).

قطع و یا معلولیّت اعضای وضو

مسح کسی که پایش قطع شده

۶۶۱. اگر شخصی پایش قطع شده باشد و فقط پاشنه ی پای او مانده باشد - یعنی قسمتی را که باید مسح بکشد از بین رفته باشد، وظیفه او در مسح چیست؟

ج. احتیاط آن است که در نزدیک ترین محل پا به محل مسح، پا را مسح نماید و پس از آن تیمم نیز بکند.

۶۶۲. شخصی که هر دو پای او از زانو قطع شده است، وظیفه ی وی درباره ی مسح چیست؟

آیا ضمیمه کردن تیمّم لازم است؟

ج. احتیاط آن است که در نزدیک ترین محل پا به محل مسح، پا را مسح نماید و پس از آن تیمم نیز بکند.

وضوی فرد فاقد اعضای وضو

۶۶۳. وضوی شخصی که اصلاً دست و پا ندارد، یا یک دست و یک پا ندارد، چگونه است؟

ج. اکتفا به شستن و مسح سایر اعضا می کند.

وضوی فردی که قادر به حرکت اعضای وضو نیست

۶۶۴. اگر کسی حرکت دادن اعضای وضویش مشکل باشد یا اصلاً قادر به حرکت دادن آنها نیست، وظیفه او جهت طهارت های سهگانه و چگونگی آنها را در دو مورد زیر بیان فرمایید:

۱) حرکت نداشتن دست چپ.

ج. با یک دست انجام می دهد.

۲) حرکت نداشتن دو دست.

ج. باید از دیگران کمک بگیرد.

کسی که یک دست خود را از دست داده

۶۶۵. کسی که یک دست خود را تا مچ یا تا آرنج از دست داده است، تکلیف او از نظر وضو چگونه است؟

ج. در شستن دست به آن چه که از دست باقی مانده اکتفا می نماید با حفظ ترتیب از مرفق به طرف مچ بنا بر احتیاط و با کف دست سالم همه ی مسح ها را انجام می دهد.

۶۶۶. کسی که هر دو دست خود را تا مچ از دست داده است، تکلیف او از نظر وضو چگونه است؟

ج. هر چه مانده را می شوید و بنا بر احتیاط مسح ها را با نزدیک ترین عضو باقی مانده به کف دست انجام می دهد.

تکلیف کسی که دو دستش قطع است

۶۶۷. کسی که دو دست خود را تا آرنج از دست داده است، تکلیف او از نظر وضو چگونه است؟

ج. طرف بازو را که در حال اتصال از مرفق بوده می شوید و با همان آب وضو مسح می کند و در صورت عدم توانایی از این مقدار جهت وضو نایب می گیرد.

اشتباه در وضوی نیابتی

۶۶۸. کسی وظیفه اش وضو به کمک نایب بوده، امّا چگونگی وضوی نیابتی را نمی دانسته و وضوی نیابتی را اشتباهی انجام داده است، آیا نمازهایی را که خوانده است صحیح است یا باید قضا نماید؟

ج. در فرض بطلان وضو و عدم عمل به وظیفه باید قضا کند.

اگر نایب گرفتن مستلزم رو زدن باشد

۶۶۹. کسی که وظیفه اش وضو به کمک نایب است؛ امّا گرفتن نایب موجب رو انداختن و منّت می شود، چه باید بکند؟

ج. آن چه ذکر شده تا به حد حرج نرسیده عذر نیست و اگر از لحاظ مالی متمکّن است، پول بدهد و نایب اجیر کند.

معیار شک در وضو توسط نایب

۶۷۰. افرادی که توسط نایب، وضو می گیرند آیا یقین و شک خودشان ملاک است یا یقین و شک نایب ملاک عمل است؟

(مثلاً ـ نایب پس از وضو یقین دارد مانع یا نجاستی در اعضای وضو نبوده است؛ ولی خودش معتقد است هنگام وضو مانع یا نجاست در اعضا بوده است.)

ج. یقین و شک خود آن شخص معیار است.

اگر یقین دارد که در هنگام وضو مانع بوده، وضو باطل است و اگر شک دارد که هنگام وضو بوده، صحیح است.

اشتباه انجام دادن وضوی نیابتی

۶۷۱. شخصی وضوی نیابتی را اشتباه انجام داده تکلیف نمازهای خوانده شده ی او چیست؟

آیا نایب ضامن است؟

ج. خود مکلف ضامن نمازهای خودش است.

وضو دادن دیگری در موارد غیر ضرورت

۶۷۲. در غیر ضرورت اگر شخص دیگری انسان را وضو یا غسل دهد، آیا صحیح است؟

ج. خیر، باطل است.

(مسأله ی ۲۹۰ رساله و قبل آن)

نیابت وضو از روی کراهت

۶۷۳. اگر نایب از روی کراهت و یا خجالت انسان را وضو دهد آیا طهارت حاصل شده یا خیر؟

ج. بله، ظاهراً طهارت حاصل شده است.

مسح پای مصنوعی

۶۷۴. آیا می توان روی پای مصنوعی مسح کرد؟

ج. مسح روی پای مصنوعی فایده ندارد.

وضوی شخص فلج

۶۷۵. شخصی که فلج است و از کفش طبی و عصای چوبی استفاده می کند و درآوردن کفش برای او امکان ندارد، وظیفه ی مسحش چیست؟

ج. باید بر روی آن مسح نماید.

مسح فردی که دستش قطع شده

۶۷۶. دست راست شخصی از مچ قطع شده، آیا مسح سر و پای راست را با دست چپ بکشد؟

ج. بله، باید با دست چپ بکشد.

وضوی فرد دارای دست و پای زاید

۶۷۷. شخصی که دست و پای اضافی دارد، چگونه باید وضو بگیرد؟

ج. دست زاید را باید بشوید و لو مستقل هم باشد بنا بر احتیاط؛ ولی پای اضافی را ظاهراً لازم نیست مسح کند.

وضو و تیمم جانبازان قطع نخاعی

۶۷۸. جانبازان قطع نخاعی که قدرت بر وضو و تیمم ندارد چگونه باید وضو بگیرند.

ج. به مسأله ی ۲۹۰ و ۲۹۱ رساله رجوع شود.

مسح افراد فاقد پا

۶۷۹. کسی که یک پا و یا هر دو پا را از دست داده است، برای مسح چه کند؟

ج. ظاهراً برای مسح پا تکلیف ندارد.

فردی که انگشت یک دست را ندارد

۶۸۰. انگشتان دست راست من قطع شده است، آیا می توانم با دست چپ به جای دست راست وضو بگیرم؟

ج. با دست چپ صورت و دست راست را می شوییـد و مسح ها را انجام می دهید و خود دست چپ را هم با گرفتن زیر شـیر آب و یا با باقی مانده از کف دست راست، می شویید.

شستن دستِ مصنوعی در وضو

۶۸۱. آیا دست مصنوعی باید هنگام وضو شسته شود؟ و آیا برای سجده، کف دست مصنوعی باید روی زمین قرار گیرد؟

ج. ظاهراً لازم نیست.

مسح معلولین

۶۸۲. شخصی که دو انگشت شست و سبابه و قسمتی از پای راست او قطع شده است، چگونه مسح را انجام دهد؟

ج. بر مقدار باقیمانده مسح کند.

عدم توانایی مسح پا

۶۸۳. شخصی که قدرت مسح پا را ندارد ولی پایش سالم است، آیا باید نایب بگیرد یا تیمم کند؟

ج. به مسأله ی ۲۹۰ رساله رجوع شود.

لمس اسمای متبرکه

لمس اسم پیامبران و ائمّه علیهم السّلام بدون وضو

۶۸۴. آیا اسم امامان و پیامبران را اگر به زبانی دیگر نوشته شده باشد، بدون وضو می شود لمس کرد؟

ج. اگر به نحو ترجمه وصفی نباشد فرق نمی کند و احوط عدم مس بدون طهارت است.

۶۸۵. آیا دست کشیدن به اسامی انبیاء علیهم السّلام نیز حکم اسامی ائمّه ای اطهار علیهم السّلام را دارد؟

ج. بله.

۶۸۶. آیا آرم جمهوری اسلامی ایران - که نمادی از کلمه ی «لا اله الّا اللّه» است - را می توان بدون وضو دست زد؟

ج. جایز نیست.

۶۸۷. آرم جمهوری اسـلامی که در بعض میـادین نصب می شود، اگر سـایه ی آن روی زمین افتاده باشـد آیا می توان از روی آن رد شد؟

ج. لمس بدون طهارت مانعی ندارد. بله؛ اگر راه رفتن بر روی سایه، هتک به حساب می آید، اجتناب شود.

لمس سه نقطه ای که به جای لفظ جلاله ی اللّه نوشته می شود

۶۸۸. مس سه نقطه [...] و یا [ا ...] که جایگزین نام اللّه شده اند، چه صورتی دارد؟

ج. اشکال ندارد، ولی اگر حرف الف به نیّت جزو اسم جلاله نوشته شده باشد، جایز نیست.

عدم جواز مس «بسمه تعالی»

۶۸۹. آیا کلمه «بسمه تعالی»

را بدون وضو می توان مس نمود؟

ج. نمی توان بدون وضو مس کرد، به خاطر وجود ضمیر در آن.

مس اسمای الهی

۶۹۰. مس اسماء اللّه تعالی که مضاف الیه واقع می شود بدون طهارت، احتیاط در ترک آن است.

آیا اسمایی که منسوب واقع می شود، چه حکمی دارند؟

ج. همین احتیاط جاری است.

لمس کردن القاب معصومین علیهم السّلام

۶۹۱. لمس کردن القاب معصومین مثل رضا، صادق، کاظم و ... علیه السّلام برای شخصی که وضو ندارد، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست، بنا بر احتیاط.

پول های منقّش به نام های معصومین علیهم السّلام

۶۹۲. لمس کردن پول منقّش به نام های معصومین علیهم السّلام و یا اسامی جلاله برای شخص بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست، بنا بر احتیاط.

استفاده از گردن بند یا اسم خداوند متعال یا معصومین علیهم السّلام

۶۹۳. انداختن گردن بند به گردن که به نام های خداوند و یا معصومین منقّش است، چه حکمی دارد؟

ج. تماس بدن غیر متطهّر به آن اسامی، جایز نیست.

عدد ۱۱۰

۶۹۴. گاهی عدد ۱۱۰ را به نشان نام مبارک حضرت امیر المؤمنین می نویسند. آیا احترام این عدد لازم است؟

یعنی بدون وضو لمس آن جایز نیست؟

و اگر این عدد به زبان ها و سبک های غیر متعارف نوشته شده باشد چه طور؟

ج. مانعی ندارد.

خال کوبی اسامی ائمه

۶۹۵. خالکوبی اسامی حضرات معصومین علیهم السّلام اگر برای ارادت قلبی باشد، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست، به اعتبار لوازمش.

تمثال پیامبر در گردن بند

۶۹۶. آیا انداختن گردن بند به نقش پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم توسط زنان اشکال دارد؟

ج. در صورتی که تمثال حک شده آن حضرت باشد، از حیث مس اشکال ندارد، ولی اگر اسم آن حضرت حک گردیده است، باید از تماس بدن بدون طهارت با آن پرهیز نمایند.

تایپ اسمای متبرکه

۶۹۷. آیا کسانی که اسمای جلاله خداوند متعال یا آیات قرآنی یا نام های معصومین علیهم السّلام را تایپ می کنند، باید وضو داشته باشد؟

ج. در صورت عدم تماس مستقیم دست با اسماء، طهارت لازم نیست.

دست کشیدن به ترجمه قرآن

۶۹۸. آیا دست کشیدن به قرآن انگلیسی طهارت می خواهد؟

ج. خیر.

مس قرآن توسط افرادی که وضوی کامل ندارند

۶۹۹. مس قرآن توسط دانش آموزانی که وضویشان کامل و صحیح نیست، چه حکمی دارد؟

وظیفه مربّی آنها چیست؟

ج. اگر مکلف و بالغ باشند، باید با وضوی صحیح مس کنند.

مس بی وضوی «عبد اللّه» و «حبیب اللّه»

۷۰۰. مس کلمه عبد الله و حبیب اللّه بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج. مس کلمه ی «اللّه» در چنین اسم ها و کلماتی بدون طهارت جایز نیست، بنا بر احتیاط.

نگارش لفظ جلاله و مسح آن به وسیله حروف بریل

۷۰۱. آیا نابینایان می توانند الفاظ جلاله ای را که با خط بریل نوشته شده بدون طهارت مس کنند؟

ج. اگر آن لفظ مشخص و خوانا باشد، مس آن بدون طهارت، حرام است.

فرش هایی که لفظ جلاله روی آنها بافته شده است

۷۰۲. اگر روی فرشی لفظ جلاله بافته شده باشد، آیا پا گذاشتن روی آن اشکال دارد؟

آیا شخص جنب و حایض می تواند روی آن را لمس کند؟

ج. جایز نیست.

بی احترامی به امامان

۷۰۳. روی بعضی از سکه ها اسم مبارک امام رضا علیه السّلام ثبت شده است، آیا لمس آنها بدون طهارت جایز است؟

ج. جایز نیست، بنا بر احوط. (مسأله ی ۳۲۳ رساله).

فامیل های منسوب به ائمه علیهم السّلام

۷۰۴. برخی از فامیلی ها منسوب به ائمه علیهم السّلام است مثل حسینی، فاطمی، کاظمی و یا ترکیباتی از اسماء اللّه در آن به کار رفته، همچون عبدالهی امر الهی و ... آیا نوشتن، دست کشیدن بدون وضو و زیر دست و پا انداختن چنین فامیلی هایی اشکال دارد؟

ج. در آن چه اسم خدا دارد، واجب الاحترام است و در منسوب به ائمه علیهم السّلام اگر مقصود از منسوب الیه همان ائمه

باشند، احترام آنها هم لازم است.

احکام غسل جنابت

راه اثبات منی

۷۰۵. آیا اثبات منی از راه بوییدن و استشمام امکان دارد؟

ج. تا یقین به منی بودن نکند، حکم منی را ندارد؛ مگر در صورت صدق علایم منی که در مسأله ی ۳۵۰ رساله آمده است.

ندانستن حکم غسل جنابت

۷۰۶. کسی که نمی داند غسل جنابت واجب است، نمازهایی که با حال جنابت خوانده، چه حکمی دارد؟

ج. باطل است.

تیمم به جای غسل جنابت و ورود به مسجد

۷۰۷. با تیمم بدل از غسل جنابت، آیا می توان وارد مسجد شد؟

ج. اگر وظیفه اش تیمم بوده است تا تیمم و عذر او باقیست می تواند وارد مسجد شود ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده، یا با داشتن آب، برای نماز یا خوابیدن تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می تواند انجام دهد و نمی تواند با آن وارد مسجد شود.

اثبات منی از روی رنگ

۷۰۸. آیا می توان منی را با اثر آن، مثلاً این که این مایع سفید است اثبات کرد؟

ج. خیر، نمی توان اثبات نمود، بلکه باید علایم منی را دارا باشد.

راه های اثبات منی

۷۰۹. اگر دکتر در ادرار کسی تشخیص اسپرم بدهد و خود او هم بعد از ادرار آبی با لزوجت و چسبندگی ببیند و احتمال قوی دهد که منی است، آیا آن آب حکم منی را دارد؟

ج. اگر با شهوت و جستن بیرون نیامده و بدن پس از آن سست نشده، حکم منی را ندارد، مگر علم یا اطمینان حاصل شود.

خروج رطوبت بدون اثر سهگانه

۷۱۰. اگر فردی از خواب بیدار شود و ببیند رطوبتی از او خارج شده است و هیچ یک از سه نشانه ای که در توضیح المسائل

آمده، درک نکرده باشد آیا غسل برای او واجب است؟

ج. واجب نیست.

خواب دیدنِ خروج منی

۷۱۱. اگر در خواب ببیند که از او منی خارج می شود، آیا باید غسل کند؟

ج. اگر پس از بیدار شدن از خواب منی از او خارج نشده باشد، لازم نیست غسل کند.

آب خارج شده بعد از تحریکات جنسی

۷۱۲. آبی که بعد از تحریکات جنسی از مردان خارج می شود و بدون بو و رنگ و کمی چسبنده است، پاک است یا نجس؟

ج. اگر علایم سهگانه یعنی خروج با شهوت و جستن و سستی بدن را نداشته باشد، پاک است.

سستی پس از خواب

۷۱۳. اگر انسان از خواب بیدار شود و در خود احساس سستی بکند، آیا غسل بر او واجب است؟

ج. در فرض مذکور غسل واجب نیست.

جلوگیری از خروج منی

۷۱۴. اگر انسان از خروج منی جلوگیری کرد و پس از مدتی بول کند، غسل جنابت بر او واجب می شود؟

ج. اگر همراه بول منی خارج نشود، غسل بر او واجب نمی شود.

خود ارضایی بدون خروج منی

۷۱۵. آیا بر کسی که خود ارضایی می کند ولی نمی گذارد منی خارج شود، غسل واجب است؟

ج. غسل واجب نیست، ولی کار حرام کرده است.

احساس احتلام در خواب

۷۱۶. اگر انسان در خواب احساس کند که جنب شده است، آیا این مورد از انواع جنابت حرام است؟

و آیا نیاز به غسل جنابت دارد؟

ج. هر نوع جنابت اعم از حرام و حلال نیاز به غسل دارد، لکن جنابت تا وقتی که همراه علایم سه‌گانه خروج منی نباشد، اثبات نمی شود، چه در خواب باشد یا بیداری و احتلام در خواب حرام نیست.

حکم مایع بعد از مشاهده ی فیلم های محرک

۷۱۷. آیا خواندن و دیدن کتاب یا فیلم هایی که موجب تحریک می شود، جایز است؟

اگر آبی بعد از این بیرون بیاید، آیا حکم منی را دارد؟

ج. حرام است، ولی برای اثبات منی باید علایم منی را دارا باشد.

خواندن آیات سجده دار بر جنب

۷۱۸. آیا خواندن آیات سجده دار بر جنب حرام است؟

ج. خواندن سوره هایی که آیه سجده واجب در آنهاست برای جنب حرام است، هر چند همان آیه سجده نباشد.

روزه با غسلی که به ترتیب نبوده

۷۱۹. اگر شخصی در غسلی واجب ترتیب را رعایت نکرد و بعد از غسل روزه گرفت، حکم روزه ی او چگونه است؟

ج. چون تعمّد بر صبح کردن با جنابت نداشته روزه اش صحیح است، مگر عمدی بوده و می دانسته که غسلش باطل است.

رعایت نکردن ترتیب در غسل

۷۲۰. اگر شخصی غسلی انجام داد و بعد از اتمام غسل احتمال داد که ترتیب را رعایت نکرده است و فکر می کرده که فقط نیّت ترتیب کافی است، نمازهای او چه حکمی دارد؟

ج. شک بعد از غسل اثر ندارد و غسل او صحیح است.

شک در خارج شدن بول یا باد معده در غسل ترتیبی

۷۲۱. شخصی هنگام غسل ترتیبی شک می کند که بول یا بادی از او خارج شده یا نه، وظیفه او چیست؟

ج. اعتنا نکند.

غسل با دست خیس

۷۲۲. آیا خیس کردن دست در ظرف آب و کشیدن به اعضای غسل کفایت از شستن می کند؟

ج. بله، کفایت می کند.

خشک شدن اعضای غسل

۷۲۳. اگر کسی با مقدار کمی آب غسل کند و تا طرف چپ را مشغول می شود، آب طرف راست به واسطه گرمی هوا یا باد و یا کمی آب خشک می شود و یا وقتی مشغول شستن قسمت های پایینی طرف راست است، قسمت بالای آن خشک می گردد، آیا غسل او صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

مباشرت در غسل

۷۲۴. آیا در انجام غسل مباشرت شرط است و اگر کسی آب را برای انسان باز کند و یا برای رسیدن آب به برخی از مواضع به شستن بدن کمک نماید، اشکال دارد؟

ج. مباشرت در حال اختیار شرط است ولی آب باز کردن دیگری، منافی با مباشرت نیست.

نماز با لباس نجس

۷۲۵. آیا شخصی که جنب شده است می تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن نماز بخواند؟

ج. باید با تیمم نماز بخواند و نجاست را تا جایی که ممکن است، بشوید یا کم کند.

غسل کردن با غُساله

۷۲۶. آیا غسل کردن با غساله لباس، با توجه به قلیل بودن آب صحیح است؟

ج. اگر آب قلیل طاهر باشد، صحیح است و غساله غسله ی مزیله نجس است و هم چنین غسله ی مطهره بنا بر احوط.

نیّت جداگانه برای هر وضو

۷۲۷. آیا در غسل جنابت برای هر قسمتی که می شوییم، باید نیّت جداگانه داشته باشیم؟

ج. خیر نیاز ندارد.

غسل در پادگان نظامی

۷۲۸. شخصی - مثلاً در پادگان - فقط هفته ای یک بار امکان رفتن به حمام دارد، اگر در میان هفته غسل بر او واجب شد، چه باید کند؟

ج. بایـد به هر طوری که باشـد به وظیفه ی فعلیه خود از اقـل واجب - غسـل و یـا تیمم - عمل کنـد و اگر تیمم کرد، در اوّلین فرصت ممکن غسل واجب خود را به جا آورد.

زمان تیمم بدل از غسل

۷۲۹. آیا پس از برطرف شدن عذری که موجب تیمم بدل از غسل شده است، باید غسل نمود؟

ج. بله.

رعایت ترتیب در هر وضو

۷۳۰. آیا در غسل ترتیبی، رعایت ترتیب در هر عضو نیز لازم است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب رعایت ترتیب در هر عضو لازم است، به این صورت که از بالا شـروع کند و به قسمت های پایین عضو ختم کند و چنین نباشد که مثلاً اوّل قسمت پایین سمت چپ را بشوید و سپس قسمت بالای سمت چپ را بشوید.

غسل با بدن خیس

۷۳۱. اگر تمام بدن انسان قبل از غسل خیس باشد، آیا با اتصال آب جدید به خیسی سابق می توان نیّت غسل کرد؟ یا رساندن و جریان یافتن آب جدید بر اعضای غسل لازم است؟

ج. با اتصال آب جدید هم، اگر جریان و شستن صدق کند کفایت می کند.

غسل با اسم اشتباهی

۷۳۲. غسل با یک اسم اشتباهی دیگر چه حکمی دارد؟

ج. چون قصد وظیفه دارد، اشکال ندارد.

مقدار انجام نماز با غسل جنابت

۷۳۳. بعد از غسل جنابت چند نماز را می توان بدون وضو خواند و فاصله زمانی بعد از غسل تا ادای نماز چه قدر است؟

ج. تا وقتی که حدث اصغر از او صادر نشده می تواند با آن نماز بخواند و این زمان به هر مقدار که باشد مانعی ندارد.

سستی بدن همراه با خروج ادرار

۷۳۴. شخصـی که هنگـام ادرار بـدنش سـست می شود گاهی هم ادرارش با شـهوت بیرون می آیـد، آیا بایـد پس از هر ادرار غسل کند و آیا می شود به نحوی با یک غسل ۱۷ رکعت نماز خواند؟

ج. خروج ادرار با شهوت، موجب غسل نمی شود و جواب از قسمت دوم سؤال، در جواب سؤال قبلی گذشت.

غسل جمعه به جای غسل جنابت

۷۳۵. به مدت دو سال احکام جنابت را نمی دانستم و غسل جمعه انجام می دادم، نماز من چگونه است؟

ج. غسل جمعه چون به نیّت وظیفه بوده، کفایت از غسل جنابت می کند ولی نمازهایی را که بدون هیچ غسلی به جا آورده اید باطل بوده است.

حکم عمره در صورت غسل احتیاطی نمودن

۷۳۶. در اثنای حج عمره رطوبتی از من خارج شد که شک داشتم منی است یا نه، ولی احتیاطاً غسل کردم، عمره من چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد اما با غسل احتیاطی، اکتفا از وضو نمی توانید بکنید.

نداشتن وقت کافی برای غسل

۷۳۷. اگر انسان محتلم شود و وقت برای غسل و شستن بدن نباشد، اگر لباس را عوض کند و با بدن نجس نماز بخواند، چه حکمی دارد؟

ج. باید تا جایی که ممکن است نجاست را کم کند.

زمان غسل جنابت

۷۳۸. آیا باید غسل جنابت حتماً در وقت نماز انجام گیرد؟

ج. در وقت نماز غسل بر انسان واجب می شود و پیش از آن مستحب است که غسل کند.

زمان غسل جمعه

۷۳۹. زمان غسل جمعه چه وقتی می باشد؟

ج. از اذان صبح تا ظهر اداست ولی بعد از ظهر علی الاحوط نیّت ادا و قضا نکند.

ترشح آب از بدن جنب

۷۴۰. اگر قبل از غسل جنابت آبی از روی بدن شخص جنب به جای دیگر ترشح کند، آیا این آب پاک است یا نجس؟

ج. اگر آن قسمت از بدن او پاك بوده، آن آب پاك است.

مقدار خروج منی برای لزوم غسل

۷۴۱. اگر منی خیلی کم خارج شود و یا از خروج منی جلوگیری شود، غسل واجب می شود؟

ج. اگر منی از انسان خارج شود، غسل واجب است و کم و زیاد آن فرقی نمی کند، اما اگر منی از جای خود حرکت کند و انسان از خروج آن جلوگیری نماید، تا وقتی که خارج نشده است غسل بر او واجب نمی شود.

غسل جنابت قبل از جنب شدن

۷۴۲. آیا قبل از جنابت، انجام دادن غسل جنابت صحیح است؟

ج. خیر.

منی همراه ادرار

۷۴۳. آیا آمدن منی همراه ادرار نیاز به غسل جنابت دارد؟

ج. اگر به منی بودن آن علم دارد، فرقی نمی کند لذا اگر پس از غسل باشد، باید دوباره غسل نماید.

غسل پس از احتلام

۷۴۴. اگر کسی در خواب محتلم شد، چه غسلی باید انجام دهد و آیا با غسل می شود بدون وضو نماز خواند؟

ج. این غسل همان غسل جنابت است و تمام احکام آن را دارد، از جمله این که می شود با آن نماز خواند.

سر زدن حدث اصغر قبل از غسل جنابت

۷۴۵. در صورتی که قبل از غسل جنابت یکی از مبطلات وضو از انسان سر زند، آیا باید وضو نیز بگیرد؟

ج. اگر قبل از انجام غسل باشد پس از غسل نباید وضو بگیرد.

شستن سر و گردن با طرف راست و چپ بدن

۷۴۶. هنگام شستن طرف راست و چپ، سر و گردنم را نیز می شستم، آیا این کار صحیح بوده است؟

ج. گرچه لازم نبوده ولی غسل باطل نشده است.

ترتیب و موالات در غسل

۷۴۷. ترتیب و موالات یعنی چه؟ و آیا در غسل شرط است؟

ج. ترتیب آن است که اعمال غسل به ترتیبی که در رساله ذکر شده انجام شود، یعنی اوّل سر و گردن شسته شود و سپس طرف راست و پس از آن طرف چپ و موالات یعنی پشت سر هم انجام دادن کارها که در غسل ترتیب لازم است، امّا موالات در آن شرط نیست.

نگاه به عورت دیگری در وقت غسل

۷۴۸. آیا نگاه به عورت دیگری هنگام غسل، غسل را باطل می کند؟

ج. نگاه به عورت دیگری، غیر از همسر، حرام است اما موجب باطل شدن غسل نمی شود.

مقدار آب غسل

۷۴۹. آب غسل تا چه اندازه اسراف نیست؟

ج. موارد آن مختلف است ولی مستحب است بیش از یک صاع (تقریباً برابر با ۳ کیلوگرم) مصرف نشود.

انجام چند نماز با تیمم بدل از غسل

۷۵۰. اگر کسی شب جنب شود، آیا نماز صبح، ظهر و عصر را می تواند با تیمم بدل از غسل بخواند؟

ج. تا وقتی عذر او برای غسل کردن باقی است، با تیمم نمازهایش را می خواند.

موارد تیمم بدل از غسل در ماه رمضان

۷۵۱. در چه صورتی می توان در ماه رمضان، به جای غسل تیمم کرد؟

ج. با نبودن آب یا تنگی وقت یا مجوزهای دیگر تیمم در غیر ماه رمضان، می توان به جای غسل تیمم نمود.

غسل جنابت قبل از اذان

۷۵۲. اگر چند ساعت قبل از اذان غسل جنابت کنیم، برای نماز باید وضو بگیریم؟

ج. اگر حدث اصغر صادر نشده باشد می توانید بلکه باید با همان غسل نماز بخوانید و نیازی به وضو نیست.

انجام چند غسل با یک نیت

۷۵۳. آیا کسی که چند غسل بر او واجب بوده و فراموش کرده، می تواند به نیّت تمام غسل ها یک غسل انجام بدهد؟

ج. بله، می تواند.

یک غسل برای چند غسل

۷۵۴. آیا می توان به نیّت غسل های متعدد، یک غسل به جا آورد؟

ج. بله، مانعی ندارد.

مهیا نبودن آب و مکان برای غسل کردن

۷۵۵. اگر غسلی بر انسان واجب باشد، ولی آب گرم و مکان مناسب نباشد، حکم چیست؟

ج. تا ممکن است باید آب را گرم کند و غسل کند.

تفاوت غسل با دوش گرفتن

۷۵۶. آیا برای غسل جنابت، دوش گرفتن کافیست یا باید به ترتیب عمل کرد؟

ج. باید به ترتیبی که در رساله ذکر شده عمل نمود و دوش گرفتن به تنهایی از غسل کفایت نمی کند.

غسل جنابت، بدون جنب شدن

۷۵۷. اگر کسی بدون جنب شدن، غسل جنابت انجام دهد، می تواند با آن غسل نماز بخواند؟

ج. نمی تواند با آن نماز بخواند و لازم است جهت نماز وضو بگیرد.

شستن کف پا در غسل

۷۵۸. کسی که نمی دانسته شستن کف پا در غسل لازم است مدتی به این ترتیب غسل نموده نسبت به نماز و روزه های گذشته چه تکلیفی دارد؟

ج. چون به صورت طبیعی در هنگام غسل طرف چپ و راست آب به کف پا نیز می رسد، در صورت احتمال رسیدن آب به کف پاها، غسل های گذشته او محکوم به صحت است.

عدم امکان غسل نمودن

۷۵۹. اگر بر انسان غسل واجب شود و در منزل حمام وجود نداشته باشد و هوا چنان سرد باشد که نشود برای غسل بیرون رفت چه باید کرد؟

ج. باید در همان اتاق یا دستشویی تا جایی که ممکن است غسل را به جا آورد.

جهتِ قبله هنگام غسل کردن

۷۶۰. آیا در حال غسل، باید رو به قبله باشیم؟

ج. لازم نیست.

غسل جنابت احتیاطی

۷۶۱. کسی که از روی احتیاط غسل جنابت انجام می دهد، آیا برای نماز باید وضو بگیرد؟

ج. بله.

عدم یقین به جنابت

۷۶۲. آیا کسی که یقین ندارد جنب شده، باید غسل کند؟

ج. غسل لازم نیست.

جهل به حکم غسل

۷۶۳. چندین سال روزه گرفتم و نماز خواندم در حالی که نمی دانستم جنب باید غسل کند، اکنون تکلیف نمازها و روزه های من چیست؟

ج. هر غسلی کرده باشید، هر چند غسل مستحبی، چون قصد وظیفه هم داشته اید، ممکن است کفایت از غسل جنابت نموده باشد؛ ولی نماز و روزه هایی را که یقین دارید بدون هیچ غسلی در حال جنابت به جا آورده اید، باید قضا کنید و کفاره ی روزه ها را نیز اگر جاهل قاصر غیر ملتفت به سؤال نبودید ادا کنید وگرنه کفاره واجب نیست، هر چند احوط است.

منظور از غسل ما فی الذمه

۷۶۴. منظور از غسل ما فی الذمه چیست؟

ج. مراد غسل هاییست که قبلاً بر عهده انسان بوده و او به واسطه ی فراموشی و یا علت های دیگر، آنها را به جا نیاورده است.

نیّت در غسل

۷۶۵. آیا در هنگام غسل و وضو به جز گفتن نیّت چیز دیگری هم باید گفت؟

ج. لازم نیست نیّت غسل را به زبان آورد و همین مقدار که به نیّت غسل شروع به شستن سر و گردن و طرف راست و چپ بدن بنماید کافی است.

غسل نکردن به خاطر خجالت

۷۶۶. در سحر ماه مبارک رمضان، محتلم بودم و به خاطر خجالت و تنگی وقت، غسل نکردم، وظیفه من چیست؟

ج. اگر تیمم هم نکردید، باید قضای روزه را با ادای کفاره ی آن به جا آورید.

برهنگی بدن در هنگام غسل

۷۶۷. آیا در هنگام غسل بدن باید برهنه باشد؟

ج. اگر بدون برهنه کردن بدن، آب به تمام اعضای غسل برسد، اشکالی ندارد و می تواند با لباس غسل کند.

اندازه ظرف آب غسل

۷۶۸. اگر برای غسل بخواهیم از ظرف آب استفاده کنیم، اندازه ظرف باید چه قدر باشد و چند بار باید آب بریزیم؟

ج. باید به مقداری آب بریزید که تمام اعضای بدن را غسل دهید.

غسل های واجب

۷۶۹. تعداد غسل های واجب برای مرد و زن چند تا هست؟

ج. در این رابطه به ما قبل مسأله ی ۳۴۹ رساله مراجعه نمایید.

قضای غسل جمعه

۷۷۰. آیا می شود غسل جمعه را در روز دیگر به نیّت قضا انجام داد؟

ج. روز شنبه می توان آن را قضا کرد. (توضیح بیشتر در قبل از مسأله ی ۵۵۱ رساله، بند یک ذکر گردیده است.)

حرکت در هنگام غسل

۷۷۱. آیا حرکت کردن در هنگام غسل، آن را باطل می کند؟

ج. اشکالی ندارد.

شرم و حیا برای غسل

۷۷۲. آیا شرم و حیا می تواند موجب به تأخیر انداختن غسل جنابت شود؟

ج. جایز نیست به علت شرم و حیا غسل جنابت را به تأخیر انداخت به گونه ای که نماز انسان قضا شده و یا مرتکب اعمالی که نیاز به طهارت دارد، شود.

انجام غسل جنابت قبل از وقت نماز

۷۷۳. آیا می شود غسل جنابت را قبل از وقت نماز انجام داد؟

ج. غسل جنابت قبل از وقت نماز و به خودی خود مستحب است و می توان پیش از وقت نماز، انجام داد.

نماز با غسل جنابت احتیاطی

۷۷۴. آیا با غسل جنابت احتیاطی می شود نماز خواند؟

ج. خیر، نمی توان.

حدث اصغر در بین غسل

۷۷۵. اگر در بین غسل، حدث اصغر مثل ادرار یا باد معده رخ دهد، غسل چه حکمی دارد؟

ج. احتیاط اینست که غسل را دو مرتبه به طور کامل انجام دهد و برای نماز و کاری که وضو برای آن لازم است، وضو بگیرد.

فراموشی در شستن یک قسمت

۷۷۶. در صورتی که شستن یک قسمت از بدن در غسل فراموش شود تکلیف چیست؟

ج. به مسأله ی ۳۶۷ رساله رجوع شود.

غسل بعد از تیمم بدل از غسل

۷۷۷. اگر با تیمم بدل از غسل نماز خواندیم آیا برای نمازهای بعدی باید غسل کنیم؟

ج. بلی اگر عذر برطرف شده است.

(به مسأله ی شماره ی ۶۰۹ رساله مراجعه شود.)

خروج منی بدون شرایط سهگانه

۷۷۸. عادت خود ارضایی را ترک کرده ام اما با یک مختصر شهوت بدون داشتن شرایط سهگانه، منی از من خارج می شود.

آیا در این شرایط غسل بر من واجب است؟

ج. اگر یقین به خروج منی باشد، غسل واجب می شود.

غسل های مختلف با یک نیت

۷۷۹. اگر غسل های دیگری غیر از جنابت بر عهده کسی باشد، آیا می تواند همه را با یک نیّت انجام دهد؟

ج. بله، می تواند.

غسل نکردن به خاطر سحری خوردن

۷۸۰. اگر کسی در سحرگاه ماه رمضان جنب باشد و حمام نرود، آیا می تواند مشغول خوردن سحری شود و بعد از اذان غسل نماید؟

ج. نمی تواند و باید قبل از اذان غسل کند.

دست کشیدن در هنگام غسل

۷۸۱. آیا در غسل دست کشیدن به بدن واجب است، یا فقط جاری کردن آب بر بدن کافی است؟

ج. جاری کردن آب کافی است.

عدم امکان غسل در شب زفاف

۷۸۲. اگر کسی در شب زفاف نتوانست غسل کند، آیا می تواند نماز صبح را با تیمم بخواند؟

ج. حتی الامکان باید غسل کند.

فوری بودن وجوب غسل جنابت

۷۸۳. آیا غسل جنابت فوراً بر انسان واجب می شود؟ و آیا برای چند مرتبه آمیزش یک غسل کافی است؟

ج. غسل جنابت به خودی خود مستحب است و پس از وارد شدن به وقت نماز و یا برای انجام کارهایی که طهارت در آن شرط است واجب می شود و برای چند آمیزش، یک غسل کافی است.

عدم جواز ورود جنب در مسجد

۷۸۴. آیا شخص جنب می تواند به جهت امور واجب عرفی - مثل این که لازم است در مجلس ترحیم نزدیکان در تمام وقت

شرکت داشته باشد - وارد مسجد شود، در حالی که تا پایان مراسم دسترسی به آب برای انجام غسل ندارد؟

ج. نمی تواند.

وارد شدن جنب به امامزاده ها

۷۸۵. شخص جنب می تواند به عنوان زیارت در حرم امامزاده ها وارد شود یا نه؟

ج. می تواند.

نماز با غسل زیارت

۷۸۶. آیا نماز زیارت قبور ائمّه - صلوات اللّه علیهم اجمعین - را، می شود با غسل زیارت خواند؟

ج. باید وضو هم بگیرد.

غسل در تنگی وقت

۷۸۷. اگر فردی به گمان وسعتِ وقت به قصد طهارت از جنابت، غسل نمود، آن گاه فهمید که وقت تنگ بوده، آیا غسل صحیح است؟

ج. صحیح است.

غسل با شک در بقای وقت

۷۸۸. اگر کسی در صورت شک در بقای وقت، با جریان استصحاب باقی بودن وقت، غسل کند؟ آیا و در صورت غسل و معلوم شدن خلاف آن، غسل او صحیح است؟

ج. بله، غسل صحیح است.

نیّت جنابت

۷۸۹. اگر شخصی با همسر خود - که در حال حیض است - جماع کند، آیا باید در موقع غسل، نیّت جنابت از حرام نماید؟

ج. لازم نیست.

نیّت غسل واجب قبل از وقت

۷۹۰. اگر یقین کند وقت نماز شده و نیّت غسل واجب کند و بعد معلوم شود که پیش از وقت، غسل کرده، آیا غسل او

صحیح است؟

ج. اگر در واقع به قصد وظیفه ای که بر عهده اش بوده غسل نموده و اشتباه در تطبیق داشته، به گونه ای که اگر یقین به وقت نداشت، نیّت استحباب می کرد، غسل صحیح است.

غسل با شک در طهارت

۷۹۱. کسی که صبح از خواب بیدار می شود و شک می کند که جنب هست یا نه، آیا می تواند غسل کند؟

ج. مانعی ندارد به امید عمل به وظیفه غسل کند، ولی باید برای عملی که مشروط به طهارت است - مثل نماز - وضو بگیرد.

غسل با بدن نجس

۷۹۲. اگر در غسل با بدن نجس زیر دوش برود که هم غسل کند و هم بدنش پاک شود، آیا غسلش صحیح است؟

ج. اگر قبل از غسل دادن هر قسمتی آب کشیده شود، هر چند به ادامه ی جریان آب، کافی است.

شک در تطهیر بدن قبل یا حین غسل

۷۹۳. اگر یقین داشته که قبل از غسل، بدن نجس بوده است و شک دارد که زیر دوش قبل از غسل دادن، هر قسمتی را آب کشیده، یا غسل و تطهیر در یک لحظه بوده، وظیفه چیست؟

نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟

ج. اگر غسل و تطهیر آنی نبوده، یعنی با آغاز شستن نجاست تطهیر شده است و به ادامه ی آن از حدث تطهیر گردیده - که نوعاً هم همین طور است - غسل و نمازهایش صحیح بوده. بله، اگر جریان آب در حین غسل بر موضع نجس فقط یک لحظه بوده، پس اعاده غسل موافق احتیاط است، اگر احتمال توجه به پاک کردن محل نجس در حین غسل را نمی دهد.

حمّام در قبرستان

۷۹۴. در قسمتی از یک قبرستان حمّامی احداث شده است، غسل و نظافت در این حمّام چه حکمی دارد؟

ج. اگر انسان نداند که آن زمین فقط وقف قبرستان بوده اشکال ندارد؛ مگر در صورتی که ایجاد حمام موجب بی حرمتی به بدن مسلمان بشود، مثلاً آب به بدن او برسد که در این صورت اشکال دارد.

غسل در دستشویی های غصبی مسجد

۷۹۵. اگر دستشویی های مسجدی غصب شود، غسل در آن صحیح است؟

ج. ظاهراً اگر غسل کننده خود غاصب نباشد، اشکال ندارد.

غسل در مکان های عمومی

۷۹۶. آیا در حسینیّه و راه های عمومی و پارک ها - با خود نگهداری از نامحرم - می شود، غسل کرد؟

ج. اشکال ندارد. فقط در حسینیه، باید خلاف جهت وقفِ آن نباشد.

شستن ناف و عورت در غسل

۷۹۷. سال ها در انجام غسل ترتیبی تمام ناف و تمام عورت را فقط با یک طرف بدن می شستم، وظیفه چیست؟

ج. اگر احتمال می دهید که نصف آنها با طرف دیگر هم شسته می شده است، اعمال شما محکوم به صحّت است.

غسل ترتیبی در و إن

۷۹۸. کسی که غسل واجب دارد می تواند در و إن حمام به نیّت غسل ترتیبی ابتدا سر و گردن را زیر آب ببرد و تکان دهد و سپس همان طور که در و إن دراز کشیده نیمه طرف راست بدن را به نیّت طرف راست زیر آب ببرد و تکان دهد و سپس به همین نحو نیمه ی طرف چپ را غسل دهد؟

ج. می تواند، ولی در همان حال هم بنا بر احوط باید رعایت شستن جاهای بالاتر و سپس پایین تر را بنماید.

نحوه ی غسل ترتیبی

۷۹۹. در موقع غسل پس از شستن سر و گردن یا طرف راست، آیا لازم است از زیر دوش کنار برود و بعد طرف راست یا چپ را بشوید؟

ج. لازم نیست.

فرق منی و مذی در زن

۸۰۰. جهش و سستی بدن را در جنابت زن شرط نمی دانید و فقط حصول شهوت را در خروج رطوبت منی شرط جنابت فرموده اید؛ پس چنین رطوبتی با رطوبتی که به نام مذی که آن هم در موقع شهوت از مرد و زن خارج می شود چه تفاوتی دارد؟

ج. مذی قبل از منی خارج می شود و منی فقط در اوج شهوت خارج می شود نه هر شهوتی، که مجرّد خروج با شهوت خاصّه (اوج شهوت) در زن - بدون سستی بدن - موجب احتیاط است، گرچه جریان حکم مرد سالم در زن سالم و حکم مرد مریض در زن مریض خالی از وجه نیست؛ به مسأله ی ۳۵۰ رساله مراجعه شود.

شستن موی زنان در غسل

۸۰۱. در غسل آیا بر زن واجب است تمام موهایش را بشوید؟ با توجه به این که آب به تمام پوست رسیده است؟

ج. شستن تمام اطراف موهای بلند لازم نیست و شستن پوست کافی است.

غسل با آب های کشاورزی که دارو به آن اضافه می کنند

۸۰۲. آیا در آب کشاورزی که برخی از کشاورزان به آنها دارو اضافه کرده اند، می شود غسل کرد؟

ج. تا از صدق آب مطلق خارج نشده، مانعی ندارد.

تلقیح نطفه ی مرد دیگر

۸۰۳. آیا تلقیح کردن نطفه ی مرد در رحم زن برای بچه دار شدن، موجب غسل جنابت برای زن می شود؟

ج. خیر، موجب غسل نمی شود.

انجام غسل های زنانه با نیّت غسل جنابت

۸۰۴. آیا غسل هایی که مخصوص زن ها می باشد، می توانند با نیّت جنابت انجام شوند؟

ج. اگر غسل جنابت هم بر عهده آنها هست می توانند.

خروج منی شوهر از زن

۸۰۵. آیا زن پس از نزدیکی شوهر با او باید مدتی قبل از غسل صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود یا خیر؟ و اگر فوراً غسل کند و آبی یا رطوبتی مشکوک از او خارج شود، تکلیفش چیست؟

ج. لازم نیست صبر کند و خارج شدن منی مرد از زن موجب جنابت زن نیست و اگر خارج شد، فقط همان موضع تطهیر شود.

خارج شدن رطوبتی مانند منی از رحم

۸۰۶. اگر در طی ماه رطوبتی از رحم خارج شود که بعضی از خصوصیات منی را داشته باشد، آیا حکم منی دارد؟

نماز و روزه هایی که گرفته چه حکمی دارد؟

ج. منی دارای علایمیست که در مسأله ی ۳۵۰ رساله ذکر گردیده است و اگر احراز کرد که آن رطوبت منی بوده و نمازهایش را بدون غسل خوانده است، لازم است آنها را قضا کند.

تکرار دو غسل در صورت بطلان یکی از آن دو

۸۰۷. اگر بر کسی دو غسل واجب باشد (حیض و جنابت) سپس غسل کند و پس از آن بفهمد که از حیض پاک نشده است، آیا باید برای آن یکی هم غسل کند؟

ج. احتیاطاً می تواند در هنگام غسل حیض پس از طهارت از حیض هر دو را نیّت کند.

غسل پس از استفاده از وسایل ضد بارداری

۸۰۸. برای جلوگیری از حاملگی از کاندوم استفاده می کنیم، بر شوهرم به جهت انزال غسل واجب می شود با توجه به این که منی داخل رحم ریخته نمی شود، آیا من هم باید غسل کنم؟

ج. یکی از عوامل جنابت داخل شدن آلت تناسلی مرد در آلت تناسلی زن است که در این صورت فرقی بین استفاده از کاندوم و یا انزال شدن و نشدن منی نیست.

غسل جنابت دیوانه بعد از عاقل شدن

۸۰۹. کسی که دیوانگی اش برطرف شده، آیا جنب شدن های او در زمان دیوانگی سبب غسل جنابت در زمان عاقل شدنش می شود؟

ج. بله، باید غسل کند.

زنی که جنب بوده و حیض شده

۸۱۰. زنی جنب بوده و حیض شده است، آیا می تواند در حال حیض غسل جنابت نماید و چنان چه در حال حیض غسل نماید، از جنابت کفایت می کند، یا بعد از پاک شدن باید دوباره غسل کند؟

ج. بعد از پاکی از حیض یک غسل به نیّت هر دو انجام دهد و همچنین صحیح است قبل از پاک شدن از حیض غسل کند به جهت کمتر شدن پلیدی باطنی و همچنین غسل های دیگر هم از او صحیح است.

غسل جنابت همراه با غسل دیگر

۸۱۱. اگر شخصی غسل جنابت را همراه غسل دیگر با هم انجام دهد و به عبارتی یک غسل کند برای هر دو، آیا در این صورت باز نیازی به وضو نیست؟

ج. خیر، نباید وضو بگیرد.

احکام خانم ها

۸۱۲. آیا دوشیزگان و بانوان هم در خواب محتلم می شوند؟ و تکلیف بانوانی که به مسأله ی احتلام جاهل بوده و بدون غسل مدّت ها اعمال عبادی خود را انجام داده اند چیست؟

ج. بلی، ممکن است مثل مردان باشند، اگر چه بعید است و بر فرض انزال، در احتلام و وجوب غسل همانند مردان هستند و اگر محتلم شده به طوری که منی خارج شده است، نمازهای بدون غسل را باید قضا کند؛ ولی روزه هایی که جاهل به جنابت خود بوده، قضا ندارد.

غسل مریض

۸۱۳. مریضی که نمی تواند غسل کند، چه وظیفه ای دارد؟

ج. لازم است تیمم بدل از غسل نماید.

وسواس در نجاست، طهارت، وضو و به خصوص غسل

۸۱۴. کسی که در طهارت، نجاست، وضو، به خصوص غسل زیاد شک می کند و آب خیلی مصرف می کند، وظیفه ی او چیست؟

ج. باید به شک هایش عمل نکند و مثل افراد متعارف عمل کند.

حکم غسل برای زخم های بازمانند زخم های شکم

۸۱۵. بیمارانی که زخم آنان باز است، مانند زخم های شکم که به خارج ترشح می کند، چگونه باید غسل کنند؟

ج. تا ممکن است باید غسل کنند هر چند غسل جبیره ای و در بعض موارد با تیمم احتیاطی و با عدم امکان، فقط تیمم می کند.

خون زخم هنگام غسل

۸۱۶. اگر جایی از بدن زخم باشد و هنگام غسل خون بیاید، چگونه باید غسل کند؟

ج. در موقع غسل دادن آنجا باید آن خون را تطهیر کند و سریع غسلش را انجام دهد.

جنابت فرد بیمار

۸۱۷. این جانب در مواقعی در خود احساس شهوت می کنم ولی چون بدنم حس ندارد تشخیص نمی دهم که جنب شده ام یا نه، آیا حکم شخص جنب را دارم یا خیر؟

ج. اگر یقین ندارید که چیزی از شما خارج شده، حکم به جنابت نمی شود. بله، در شخص مریض، شهوت خاصّه (اوج

شهوت) در حال خروج کافیست که حکم به جنابت شود.

غسل کسی که تمام پای او گچ گرفته شده

۸۱۸. اگر کسی که تمام پای او گچ گرفته شده جنب شود، غسل بر او واجب است یا تیمّم و یا هر دو؟

ج. در فرض مذکور که جبیره، بعضی از اعضای سهگانه غسل را گرفته، غسل جبیره ای کافی است.

(به مسأله ی ۳۴۳ رساله رجوع شود.)

خارج شدن منی به صورت پی در پی

۸۱۹. وظیفه ی شخصی که پی در پی منی از او خارج می شود چیست؟

ج. در تحصیل طهارت اختیاریه و اضطراریه و شرایط لزوم آن فی الجمله با @سلس البول شریک است که در رساله مذکور است.

غسل جبیره ای

۸۲۰. اگر شخصی غسل جبیره ای بگیرد بعد از چند روزی که جبیره برطرف می شود، آیا لازم است دوباره غسل کند؟

ج. خیر، لازم نیست.

ضرر داشتن آب برای گوش

۸۲۱. شخصی که آب برای گوشش ضرر دارد، برای غسل چگونه عمل کند؟

ج. اگر گذاشتن چیزی در باطن گوش ممکن نیست، غسل جبیره ای به جای آورد.

نایب گرفتن در غسل

۸۲۲. این جانب خود قادر به شستشو و انجام غسل نیستم، آیا می توانم برای آب ریختن و شستن نایب بگیرم و خود نیّت غسل کنم؟ آیا غسل به این نحو صحیح است؟

ج. بله، در آن مقداری که توانایی ندارید صحیح است.

خروج ماده ای از انسان که یقین به منی بودن آن ندارد

۸۲۳. بعضی از اوقات پس از بیدار شدن از خواب در کیسه ی مخصوص ادرار خود مادّه ای می بینم که نمی دانم منی است یا

چیز دیگر و چون بـدنم حس نـدارد و با قراین ذکر شـده در مسأله ی ۳۵۰ رساله برای من قابل تشـخیص نیست، آیا باید غسل کنم؟

ج. حکم منی ندارد، مگر از روی شـهوت خاصّی خارج شده باشد و اگر نمی دانید، حکم به جنابت نمی شود؛ مگر این که بر تقدیر متعارف بودن، احراز جنابت بشود و این معنا بر شما قابل احراز می باشد.

خروج منی بدون اراده

۸۲۴. بر اثر مرضـی که به آن مبتلا هسـتم، گاه بدون اراده از من منی خارج می شود، آیا موجب جنابت می گردد و با توجّه به این که در یک روز چند بار اتّفاق می افتد، تکلیف شرعی من چیست؟

ج. اگر یقین به منی بودن آن دارید، موجب جنابت است و برای نماز باید غسل کنید و اگر نمی توانید تیمّم نمایید.

فرج مصنوعی

۸۲۵. دسـتگاه تناسـلی خانمی اشـکال داشته و بنا بر آزمایشات و اظهار چندین دکتر متخصّص لوله ی واژن و رحم ندارد [البته قابـل ذکر است که رحم در ابعـاد بسـیار کوچـک وجود دارد ولی به هیـچ وجه به جـایی وصل نیست و تنها با ماهیچه هایی به شکم وصل می باشـد و راه خروجی نـدارد و به عبارت دیگر کالعـدم می باشـد] بعد از مدّتی از ازدواج، به علّت نبودن راهی برای جماع با یک عمل جرّاحی [واژن] گوشت را بریـده و راهی لوله ماننـد را که مسـدود است باز کردند و بنا بر اظهار خود خانم و دکتر متخصّص، هیچ لذّتی در موقع جماع برای خود خانم نیست. لطفاً بیان بفرمایید:

۱) آیا صرف ادخال و جماع با چنین زنی باعث وجوب غسل جنابت برای خانم می شود؟

ج. غسـل واجب می شود و معیـار همـان جمـاع بر موضع مخصوص است؛ هر چنـد بـدون شـهوت باشـد؛ مگر آن که مـدخل، مصنوعی باشد به نحوی که صدق فرج نکند.

۲) برای مرد چه طور؟ در صورتی که منی بیرون نیاید.

ج. اگر دخول کند هر چند منی بیرون نیاید، غسل واجب می شود با فرض این که صدق کند دخول در فرج زن کرده است.

اثر خودکار در غسل

۸۲۶. اگر هنگام غسل در جایی از بدن، اثر خودکار وجود داشته باشد، مانع رسیدن آب محسوب می شود؟

ج. با فرض این که جرمیّت نداشته باشد، مانع نیست.

اثر گچ یا صابون در اطراف ناخن بعد از غسل

۸۲۷. حکم اثر گچ یا صابونی که بعد از غسل در اطراف ناخن ها مشاهده می شود چیست؟

اگر این اثر در حمام هنگام غسل مشاهده نمی شود، امّا بعد از غسل دیده می شود تکلیف چیست؟

ج. اگر صرفاً رنگ سفید مربوط به گچ یا صابون است، اشکالی ندارد اما اگر جرمیست که عرفاً مانع رسیدن آب به پوست و ناخن می شود، باید برطرف گردد.

توجه به وجود مانع بعد از غسل

۸۲۸. اگر بعد از غسل، انسان متوجه شود لایه ای از رسوبات نوره روی ناخن اوست چه حکمی دارد؟

ج. اگر دارای جرم بوده و عرفاً مانع رسیدن آب به ناخن بوده باید مجدداً غسل را تکمیل نماید؛ اما مجرد رنگ باقی مانده بدون جرم اشکالی ندارد.

غسل با موهای ژل زده

۸۲۹. در هنگام وضو و غسل اگر موهای سر ژل زده شده باشند، وضو و غسل چه حکمی دارد؟

ج. موهایی که تابع پوست به حساب نیاید، در غسل لازم نیست شسته شود و آب به پوست برسد کافیست و توضیح بیشتر در مسأله ی ۳۷۶ رساله داده شده است.

چرک در ناف

۸۳۰. اگر داخل ناف کمی چرک باشد و برطرف کردن آن مشکل باشد، آیا غسل صحیح است؟

ج. به مسأله ی ۳۷۲ و ۳۴۲ رساله رجوع شود.

دیدن سرمه در چشم بعد از غسل

۸۳۱. اگر بعد از غسل متوجه شویم که مقداری سرمه لای مژه های ما وجود داشته است، آیا غسل باطل است؟

ج. اگر سرمه چرب باشد به گونه ای که عرفاً مانع حساب شود و خارج از چشم کشیده شده باشد نه داخل آن و نیز یقین داشته باشد که قبل از غسل وجود داشته، باید غسل را اعاده نماید.

تمیزی بدن در غسل و وضو

۸۳۲. مقصود از تمیز بودن بدن در غسل و وضو چیست؟

ج. مقصود آن است که اولاً بدن پیش از غسل از نجاسات پاک باشد و ثانیاً مانعی از رسیدن آب به بدن نباشد.

لایه ی رو غنی در گوش هنگام غسل

۸۳۳. در هنگام غسل احساس می شود یک لایه ی رو غنی داخل گوش است، حکم آن چیست؟

ج. شستن داخل سوراخ گوش لازم نیست.

خال کوبی

۸۳۴. آیا خال کوبی در اعضا، مانع غسل است؟

ج. مانع نیست.

استعمال مواد مصنوعی

۸۳۵. آیا استعمال مواد مصنوعی برای حالت دادن به مژه ها، در وضو و غسل اشکال ایجاد می کند؟

ج. اگر آن مواد دارای جرم باشد و مانع رسیدن آب به پوست و موی مژه باشد، باید آن را برطرف کرد و شستن مویی که تابع پوست نیست در وضو لازم است به خلاف غسل.

لاک ناخن

۸۳۶. آیا لاک ناخن مانع از انجام غسل است؟

ج. مانع است و لازم است پیش از غسل برطرف شود.

حنا کردن

۸۳۷. آیا حنا مانع از وضو و غسل می شود؟

ج. اگر پس از شستن خود حنا، رنگ آن باقی مانده است، مانع از غسل و وضو نیست.

چرک لای موهای بدن

۸۳۸. گاهی در موهای بدن مثل زیر بغل مشاهده می شود یک لایه ی چرک مانند آن را فرا گرفته است.

آیا در غسل، مانع به حساب می آید؟

ج. مانع باید عرفیت داشته باشد و شستن موهای بلند لازم نیست و شستن پوست کافی است.

چروک های پوستی در کهولت

۸۳۹. در اثر کهولت سن یا بعضی از عوارض جسمی، قسمتی از ظواهر بدن به وسیله ی قسمتی دیگر پوشیده می شود، آن قسمت ها باید چگونه غسل شود؟

ج. ظاهراً باید به تمام آن قسمت ها آب برساند، مادامی که باطن حساب نشود.

چربی بدن

۸۴۰. در غسل کردن چربی ای که از خود طبیعت پوست سر است، آیا مانع حساب می شود؟

ج. مانع محسوب نمی شود.

گمان به بودن مانع هنگام غسل

۸۴۱. اگر مدّتی غسل می کرده، سپس گمان پیدا کرده که در هنگام غسل مانعی وجود داشته است - چون نمی دانسته که باید ناف را از چرک های آن تمیز کند - و نوعاً گمان به وجود چرک در ناف هست، آیا غسل هایی که در مدّتی طولانی اینچنین انجام داده باطل بوده است؟

ج. در غسل، ظاهر ناف باید شسته شود و آن هم شسته شده و داخل آن واجب نیست شسته شود. بلی هر مقدار که شک دارد جزو ظاهر حساب می شود یا باطن احتیاط اینست که بشوید تا جایی که سابقاً باطن یقینی نبوده است و در فرض سؤال تا وقتی که اطمینان به وجود مانع نباشد، به حکم فراغ، غسل محکوم به صحّت است.

دیدن مانع بعد از غسل

۸۴۲. اگر مدّتی بعد از غسل دیدیم که مانعی روی بدن وجود دارد وظیفه ی ما چیست؟

آیا می توانیم بگوییم انشاء اللّه بعد از غسل ظاهر شده است؟

ج. اگر احتمال بدهد که بعداً پیدا شده، محکوم به صحّت است.

مهلت برداشتن مانع و تکمیل غسل

۸۴۳. شخصی که غسل کرده اگر مانع دید تا چه وقت می تواند مانع را بردارد و همان غسل را تکمیل کند؟

ج. تا زمانی که حدث اصغر از او سر نزده، می تواند و پس از آن محل، احتیاط کردن است به این نحو که غسل را دو مرتبه به صورت کامل انجام دهد و برای نماز و کاری که برای آن وضو لازم است، وضو بگیرد.

استمناء جهت درمان

۸۴۴. اگر به جهت امراض تناسلی، پزشک برای درمان و تشخیص نوع مرض برای آزمایش تجویز استمنا کند، آیا ارتکاب آن

جایز است؟

ج. اگر ضرورت باشد و راه حلال میسّر نباشد، جایز است.

گرفتن منی برای تشخیص بچه دار شدن

۸۴۵. در بعضی از بیمارستان ها برای این که بفهمند انسان بچه دار می شود، از مرد می خواهند که با عمل استمنا، منی خودش را در اختیار آزمایشگاه قرار دهد. آیا جایز است؟

ج. جایز نیست.

خروج رطوبت مشکوک بعد از غسل

۸۴۶. بعد از غسل آب مشکوکی از من خارج شده است، آیا نجس است و غسل لازم دارد؟

ج. اگر پس از جنابت و قبل از غسل بول کرده و سپس غسل نمودید و یا اگر نمی توانستید بول کنید استبراء کرده و سپس غسل کرده اید و پس از آن رطوبت مشکوکی که انسان نمی داند بول است یا منی خارج شده، حکم بول دارد و در غیر این صورت حکم منی داشته و باید مجدداً غسل نمایید. (به مسأله ی ۳۵۱ رساله رجوع فرمایید.)

شک در صحت غسل

۸۴۷. اگر بعد از اتمام غسل، در صحت غسل شک کنم، تکلیف چیست؟

ج. آن شک اعتبار ندارد.

شک در رسیدن آب به پوست

۸۴۸. فردی در غسل خیال می کرده صرف رسیدن آب به مو کافیست و لازم نیست آب به پوست برسد و همین طور غسل می کرده تا اکنون که ملتفت مسأله شده است.

اکنون در غسل ها شک دارد که آیا آب به پوست می رسیده یا نه ولی احتمال رسیدن را می دهد، آیا غسل های او صحیح بوده است؟

ج. اعمال گذشته او محکوم به صحت است، زیرا شک پس از فراغ است.

اشتباه در غسل ارتماسی

۸۴۹. من تا چندی پیش نمی دانستم که زیر دوش حمام رفتن غسل ارتماسی نیست و مدّتی غسل جنابت را به این نحو انجام می دادم. تکلیف نمازهایی که تاکنون خوانده ام چیست؟

ج. باید قضا شود، مگر این که با قصد وظیفه، خود به خود غسل ترتیبی حاصل می شده است.

شک در شستن مقداری از بدن

۸۵۰. اگر بعد از غسل در شستن قسمتی از بدن شک کند، حکم آن چیست؟

در بین غسل چه طور؟

ج. بعد از غسل اعتنا نکند و در بین غسل، احوط تدارک است - تا وقتی که با تدارک محذوری لازم نیاید - و در غیر این صورت، بنا بر احتیاط غسل را تمام می کند و تیمّم می نماید.

خروج مجدّد منی پس از غسل

۸۵۱. اگر شخصی غسل جنابت کرده و چون استبراء به بول نکرده بوده بعد از ساعتی مقداری از منی که در مجری باقی مانده بیرون می آید؛ آیا جنابت جدید است تا نمازهایی که با آن غسل خوانده صحیح باشد یا جنابت سابق است و نمازهای خوانده شده باید اعاده شود؟

ج. پس از غسل اوّل، طهارت حاصل است و خروج منی موجب جنابت جدید است.

آب خارج شده پس از غسل

۸۵۲. آیا آبی که گاهی از انسان بعد از انجام غسل یا حین آن بیرون می آید، حکم منی را دارد؟

با توجّه به این که به صورت طبیعی و بدون جستن و شهوت خارج می شود.

ج. اگر قبل از غسل بول و یا استبرا کرده، در صورت شک، حکم منی را ندارد.

توضیح بیشتر در مسأله ی ۳۵۱ رساله آمده است.

شک در غسل بعد از خروج از حمّام

۸۵۳. اگر کسی به قصد غسل واجب وارد حمّام شود و سپس شک کند که آیا غسل کرده یا خیر، حکمش چیست؟

ج. باید غسل کند.

وضو بعد از غسل جنابت

۸۵۴. اگر کسی بعد از غسل جنابت وضو بگیرد، کار خلافی انجام داده است؟

ج. جایز نیست؛ هر چند نماز او صحیح است.

غسل جنابت نیاز به وضو ندارد

۸۵۵. اگر انسان غسل جنابت را پیش از وقت نماز انجام دهد، آیا برای نماز احتیاج به وضو دارد؟

ج. اگر مبطلات وضو پیش نیامده است، احتیاج ندارد.

۸۵۶. در رساله آمده شخصی که غسل جنابت کرده، برای نماز نباید وضو بگیرد.

وظیفه ی او در مس کتاب قرآن و موارد دیگری که مشروط به وضوست چه می باشد؟

ج. فرقی نمی کند.

عدم احتیاج غسل جنابت به وضو

۸۵۷. این که فرموده اند غسل جنابت وضو لازم ندارد، آیا شامل فردی که جنب از حرام شده هم می شود؟

ج. بله، شامل می شود.

وسواس در غسل

۸۵۸. اگر کسی در شستن وسواس پیدا کرد، حکمش چیست؟

ج. باید به وسوسه اش اعتنا نکند.

دقت در غسل جنابت

۸۵۹. آیا در غسل جنابت باید وسواس به خرج داد که آب به همه جای بدن رسیده است؟

ج. وسواس لازم نیست و ملاک در رسیدن آب، عرف متدیّنین است.

غسل فرد وسواسی

۸۶۰. آیا غسل انسان های وسواسی، که گاهی مدت ها طول می کشد، باطل است؟

ج. اگر غسل را صحیح به جا آورد، باطل نیست؛ ولی نباید طول دهد.

خون های زنانه (استحاضه، حیض و نفاس)

۱. استحاضه

چه خونی استحاضه است؟

۸۶۱. استحاضه چیست؟

ج. هر خونی که خانم ها قبل از بلوغ یا بعد از یائسگی می بینند یا خونی که از ۳ روز کمتر دیده می شود یا خونی که از ۱۰ روز بیشتر می شود (که در این حالت می تواند مقداری حیض باشد که در احکام حیض گفته شده)، استحاضه است؛ در صورتی که خون زخم و خون نفاس نباشد.

استحاضه و انواع آن

۸۶۲. استحاضه چند نوع است؟

ج. خون استحاضه یکی از خون هاییست که از زن خارج می شود، این خون اگر زیاد باشد استحاضه کثیره و اگر کم باشد استحاضه قلیله و در صورت بینابین [متوسط] استحاضه متوسطه نامیده می شود.

استحاضه قلیله

۸۶۳. استحاضه قلیله چه ویژگی دارد؟

ج. استحاضه قلیله آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می نماید نفوذ نکند و فقط روی آن آلوده شود.

استحاضه متوسطه

۸۶۴. استحاضه متوسطه چه ویژگی دارد؟

ج. استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه ای که زن داخل مهبل می نماید، نفوذ می کند، اما از پنبه به دستمال جاری نمی شود.

استحاضه کثیره

۸۶۵. استحاضه کثیره چه ویژگی دارد؟

ج. استحاضه کثیره آن است که خون علاوه بر نفوذ در پنبه ای که زن داخل مهبل می نماید از آن بگذرد و به دستمال هم برسد.

استحاضه و حدث اصغر و اکبر

۸۶۶. استحاضه چه نوع حدثی به شمار می آید؟

ج. استحاضه قلیله مانند حدث اصغریست که استمرار دارد مانند کسیست که@ سلس بول دارد. اما استحاضه متوسطه و کثیره علاوه بر این که مانند حدث اصغر عمل می کند و باعث وجوب وضو می شود، مانند حدث اکبر باعث وجوب غسل هم می شود.

ویژگی خون استحاضه

۸۶۷. خون استحاضه چه ویژگی هایی دارد؟

ج. خون استحاضه غالباً زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید.

همانندی خون استحاضه با حیض

۸۶۸. آیا ممکن است خون استحاضه همانند خون حیض سرخ و سیاه باشد؟

ج. ممکن است گاهی خون استحاضه شبیه خون حیض غلیظ و سرخ و سیاه باشد و با فشار و سوزش بیرون بیاید.

استحاضه در ایام حیض

۸۶۹. آیا خانم ها در ایام عادت ماهانه ممکن است خون استحاضه ببینند؟

ج. در ایام حیض ممکن است خون های کم رنگ شبیه استحاضه دیده شود یا گاهی تمام مدت عادت ماهانه خون کم رنگ دیده شود؛ اما هیچ گاه به آن استحاضه نمی گویند. البته گاهی واقعاً نمی دانیم خونی که می بینیم حیض است یا استحاضه.

خون کمتر از ۳ روز استحاضه است

۸۷۰. خانمی در یک ماه به این صورت خون دیده است.

۳ روز خون دیده که ۳ ساعت قبل از تمام شدن کامل ۳ روز پاک شده است و مجدداً ۲ روز خون دیده است.

حکم این خون ها با توجه به این که ۳ روز اوّل کامل نشده است چیست؟

حیض است یا استحاضه؟

ج. اگر در ۳ ساعت باقی مانده از ۳ روز در باطن هم خون نداشته استحاضه است.

شک در اتصال در ۳ روز احتیاط به احکام استحاضه

۸۷۱. خانمی چون نمی دانسته باید خود را وارسی کند، شک دارد که در ۳ روز خون اتصال داشته یا خیر یا این که در روز سوم شک کند که ۲ روز قبل، خون اتصال داشته یا خیر، وظیفه اش چیست؟

ج. مورد احتیاط است (وظیفه مستحاضه را انجام دهد و کارهایی که بر حائض حرام است را ترک کند).

استحاضه پس از ایام حیض

۸۷۲. خانمی ۷ روز پس از پاک شدن خون حیض مجدداً خونی با علایم حیض می بیند که حد اقل تا ۷ روز ادامه می یابد. وظیفه وی چیست؟

ج. دومی محکوم به استحاضه است.

۸۷۳. اگر خانمی که عادت ۶ روزه دارد، یک ماه تا روز نهم خون ببیند و روز دهم پاک شود و روز پانزدهم مجدداً خون ببیند وظیفه او چیست و چه روزهایی را حیض و چه روزهایی را استحاضه قرار دهد؟

ج. شش روز آن حیض است و بقیه استحاضه.

استحاضه و خانم مضطربه

۸۷۴. اگر خانمی که مضطربه است یک ماه تا روز نهم خون ببیند و روز دهم پاک شود و روز پانزدهم مجدداً خون ببیند، وظیفه او چیست؟

و چه روزهایی را حیض و چه روزهایی را استحاضه قرار دهد؟

ج. ۱) اگر مضطربه بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد، چنان چه عادت خویشان او مشخص است، آن مقدار را برای خون حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد.

۲) مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه دارد، چنان چه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد، باید بنا بر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد.

استحاضه در دوران حاملگی و پس از زایمان

خون جفت حیض است یا استحاضه؟

۸۷۵. زنی هستم که مدت سه ماه است پشت سر هم خون می بینم دکترها خون را از جفت می دانند. آیا باید به وظیفه حائض عمل کنم یا مستحاضه؟

ج. حیض در حال حاملگی امکان دارد. پس اگر خون از ده روز گذشت، ایام عادت را حیض قرار می دهد و بقیه را استحاضه قرار می دهد (با تفصیل مذکور در رساله) ولی اگر بداند که خون از زخم و جراحت داخل است، جز تطهیر ظاهر حکمی ندارد.

استحاضه در زمان حاملگی و زمان شیردهی

۸۷۶. خانم حامله ای خونریزی دارد آیا حیض حساب می شود یا استحاضه؟ هم چنین خانمی که بچه شیر می دهد و خونریزی دارد آیا حیض حساب می شود یا استحاضه؟

ج. زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد ممکن است حیض ببیند بنا بر اقوی، ولی اگر بیست روز از ایام عادت دیرتر بود، بنا بر احتیاط هم وظیفه حائض و هم مستحاضه را انجام دهد.

خون قبل از زایمان استحاضه است

۸۷۷. خونی که قبل از ولادت بچه خارج می شود چیست؟

ج. قبل از ولادت بچه هر خونی که دیده می شود، در صورتی که احتمال غیر استحاضه داده نشود - مانند زخم و امثال آن - استحاضه است.

حیض پس از زایمان و پس از نفاس به مقدار عادت

۸۷۸. خون زائو در صورت ادامه می تواند حیض باشد؟

ج. تمام خونی که زائو بعد از گذشتن ایام عادتش و یا اگر عادت ندارد بعد از ده روز می بیند استحاضه است؛ ولی اگر بعد از گذشت حد اقل ده روز مصادف با ایام عادتش شده حیض محسوب می شود.

خون پس از زایمان و پس از مقدار عادت

۸۷۹. اگر خونریزی زائو تا یک ماه یا بیشتر و کمتر ادامه پیدا کند چه مقدار ش استحاضه است؟

ج. برای کسی که عادت معینی دارد تا ایام عادت و برای کسی که عادت ندارد تا ده روز نفاس و بعد از آن استحاضه است.

احتیاط نفاس از دهم تا هجدهم زایمان

۸۸۰.

گفته می شود بعد از گذشت ایام نفاس و انجام غسل روز هجدهم هم می بایست یک غسل انجام شود آیا صحت دارد؟

اگر دارد کاملاً وجه آن را شرح دهید.

ج. یعنی اگر به طور متصل خون ببیند یا مثلاً ۷ روز خون ببیند و پاک شود و دوباره مثلاً ۳ روز خون ببیند، در این هشت روز - از روز دهم تا روز هیجدهم - بنا بر احتیاط مستحبی اکید، هم وظیفه استحاضه را انجام دهد و هم کارهایی که در حال نفاس حرام است را ترک کند یعنی بین وظیفه استحاضه و نفاس جمع کند و در روز هیجدهم غسل نفاس را به قصد وظیفه و رجای مطلوبیت به جا آورد که در متوسطه و کثیره با غسل استحاضه در عمل متحد است.

لک بینی هایی که استحاضه است

لک قبل از شروع خونریزی

۸۸۱. برخی خانم ها قبل از شروع عادت، خونی که علایم حیض دارد می بیند - مثلاً یک روز قبل از شروع خون حیض، لکه های خونی می بیند - آیا حیض است یا استحاضه؟

ج. اگر لکه های خونی متصل نباشد استحاضه است؛ ولی اگر لکه ها اتصال دارد یا این که به ظاهر متصل نباشد و خارج نیاید ولی در باطن خون باشد حیض است.

خلاصه این که: اگر لکّه ها متصل نباشد و لو در باطن، استحاضه است.

لکه های زرد رنگ ادامه عادت

۸۸۲. حکم لکه های زرد رنگی که خانم ها در ادامه عادت (چه قبل از ۱۰ روز و چه بعد از آن) می بینند چیست؟

حکم این لکه ها اگر در ایام پاکی دیده شوند چیست؟

ج. اگر آن لکه ها خون باشد ادامه عادت است قبل از ده روز و بعد از ده روز استحاضه است.

لک بعد از عادت تا دوازدهم

۸۸۳. اگر شخصی که عادت شش روزه دارد روز هفتم پاک شود ولی از همان روز هفتم تا روز دوازدهم در بین روز چند لحظه لک ببیند و بقیه روز پاک باشد وظیفه او چیست و آیا این حالت، گذشتن خون از ده روز محسوب می شود؟

ج. بله تجاوز از ده روز است.

وظایف مستحاضه

زنی که نمی داند استحاضه او از چه قسم است

۸۸۴. اگر زن نداند استحاضه او از چه قسم است؟

ج. در صورت امکان بایـد مقـداری پنبه داخل فرج نمایـد و کمی صبر کنـد و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید اسـتحاضه او کدام یک از آن سه قسم است، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد.

نماز قبل از وارسی

۸۸۵. زن مسـتحاضه با این که می توانسـته خود را وارسـی کند اگر پیش از آن که خود را وارسـی کند، مشـغول نماز شود آیا نمازش باطل است؟

ج. چنان چه قصد قربت داشـته و به وظیفه خود عمل کرده، مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نمـاز او صـحیح است و اگر قصـد قربت نداشـته یـا عمـل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که اسـتحاضه او متوسـطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

ناتوانی از وارسی

۸۸۶. زن مستحاضه اگر نتواند خود را وارسی نماید چه وظیفه ای دارد؟

ج. ۱) اگر بداند قبلاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم عمل کند.

۲) اگر حالت قبلی خود را نمی دانـد بنا بر احتیاط واجب باید به آنچه مشـکل تر است عمل کند، مثلاً اگر نمی داند استحاضـه او قلیله است یا متوسـطه، باید کارهای اسـتحاضه متوسطه را بنا بر احوط انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه کثیره را بنا بر احوط انجام دهد.

۸۸۷. اگر زن مسـتحاضه نتوانـد خود را آزمایش کنـد (مثل دوشـیزگان یا کسـی که در موقعیتی قرار دارد که نمی تواند اختبار کند و یا شب است و هوا تاریک است) چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر حالت قبل خود را می داند به همان عمل کند و اگر حالت قبل را ندارد یا نمی داند، به سخت ترین حالت عمل کند.

تعویض پنبه

۸۸۸. تعویض پنبه چه حکمی دارد؟

آیـا حتی اگر بـا تحفـظ خونی خارج نشود بازهم وظیفه هست که پنبه را از داخل خارج کنـد که در حین خارج کردن اطراف هم آلوده می شود؟

ج؛ بلکه تعویض پنبه لازم است حتی اگر بـا تحفـظ خونی خارج نشـده باشـد وظیفه هست که پنبه را از داخل خارج کنـد؛ هر

چند در حین خارج کردن اطراف هم آلوده شود.

ملاک وجود خون در داخل

۸۸۹. در استحاضه ملاک، خروج خون به خارج است یا ملاک، وجود خون در داخل است؟

ج. برای شروع استحاضه ملاک خروج خون است.

اما وجود خون در داخل برای ادامه استحاضه کافی است.

مواظبت از خروج خون

۸۹۰. مواظبت از خروج خون چگونه است؟

ج. زن مستحاضه باید موقع غسل و وضو و بعد از آن تا آخر نماز، خود را از بیرون آمدن خون (در صورتی که برای او ضرر نداشته باشد) حفظ کند.

ضرر جلوگیری از خروج خون برای دوشیزه

۸۹۱. آیا اگر خانم مستحاضه دوشیزه باشد یا برای او داخل کردن پنبه ضرر داشته باشد چه حکمی دارد؟

ج. حفظ کردن در صورتی واجب است که ضرر نداشته باشد.

وضو، تعویض پنبه، آب کشیدن برای قلیله

۸۹۲. مستحاضه قلیله برای نماز چه وظایفی را دارد؟

ج. باید مستحاضه قلیله برای هر نماز یک وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده، آب بکشد.

قطع خون متوسطه و دوباره آمدن

۸۹۳. ۱) اگر مستحاضه متوسطه برای نماز صبح غسل کند و بعد از نماز خونش قطع شود، ولی دوباره قبل از نماز ظهر متوسطه گردد، آیا برای نماز ظهر و عصر باید غسل نماید؟

۲) اگر برای نماز ظهر و عصر غسل کند و بعد از نماز ظهرین خون قطع شود ولی دوباره قبل از مغرب متوسطه شود، وظیفه او برای نماز مغرب و عشا چیست؟

ج. در هر دو مورد باید دوباره غسل کند.

پیدایش خون متوسطه پیش از نماز صبح

۸۹۴. در صورتی که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود بنا بر احتیاط واجب پنبه را اگر خونی شده عوض کند یا آب بکشد، هم چنین ظاهر فرج را اگر نجس شده است، آب بکشد و وجوب وضو برای هر نماز در این صورت خالی از وجه نیست.

پیدایش خون متوسطه پیش از نماز ظهر

۸۹۵. اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن متوسطه شود چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین ترتیب پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شده باید برای آن غسل کند.

اگر مستحاضه متوسطه برای نماز صبح غسل نکند

۸۹۶. اگر مستحاضه متوسطه عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند چه حکمی دارد؟

ج. باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نماید چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

آمدن خون قبل از نماز

۸۹۷. اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز آمده باشد و زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد بازهم باید وضو و غسل را برای نماز انجام دهد؟

ج. اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد باید در موقع نماز، وضو و غسل را به جا آورد.

قلیله بعد از نماز صبح متوسطه شود

۸۹۸. اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود آیا غسل واجب است؟

ج. بله باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل

نماید.

کثیره شدن قلیله یا متوسطه بعد از نماز صبح

۸۹۹. اگر استحاضه ی قلیله یا متوسطه ی زن بعد از نماز صبح به استحاضه کثیره تبدیل شود، وظیفه ی او چیست؟

ج. اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

۹۰۰. آیا مستحاضه متوسطه و کثیره علاوه بر غسل وظایف دیگری هم دارند؟

ج. بله، علاوه بر غسل وظیفه تعویض پنبه و آب کشیدن ظاهر فرج و وضو برای هر نماز را هم دارند.

وظیفه مستحاضه پس از قطع شدن خون

۹۰۱. خانم مستحاضه پس از قطع شدن خون چه وظیفه ای دارد؟

ج. زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

۱) مستحاضه قلیله پس از قطع شدن خون برای اوّلین نماز فقط وضو می گیرد.

۲) مستحاضه متوسطه و کثیره پس از قطع شدن خون برای نماز بعد باید غسل انجام دهند، هر نمازی باشد.

نیامدن خون از نماز قبل

۹۰۲. می دانیم مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی کاملاً از خون پاک شدند باید غسل کنند، ولی اگر بدانند از وقتی که برای نماز قبلی مشغول غسل شده اند دیگر خون نیامده، آیا باز هم باید غسل نمایند؟

ج. خیر، لازم نیست دوباره غسل کنند.

اگر مستحاضه بعد از غسل یا وضو و قبل از نماز به کلی پاک شود یا به اندازه ای پاک شود که بتواند در پاکی نماز بخواند، باید غسل و یا وضوی خود را دوباره انجام دهد.

شک در داشتن وقت برای اعاده ی غسل بعد از پاک شدن

۹۰۳. می دانیم که اگر بعد از غسل و وضو و قبل از نماز پاک شویم باید غسل و وضو را دوباره انجام دهیم اما اگر شک کنیم

که وقت کافی خواهیم داشت یا نه بازهم اعاده غسل و وضو لازم است؟

ج. نه در صورت شک واجب نیست

تأخیر نماز در صورت خارج نشدن خون

۹۰۴. زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد؟

ج. بلی می تواند.

مکث در مسجد در زمان استحاضه

۹۰۵. آیا زن در حال استحاضه می تواند در مساجد مکث کند و داخل مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بشود؟

ج. بنا بر اقوی جایز است اما احتیاط مستحب است که بدون غسل برای نماز یا غسل جداگانه وارد نشود.

دست زدن به خط قرآن برای مستحاضه

۹۰۶. آیا مستحاضه می تواند به خط قرآن دست بزند؟

ج. دست زدن و رساندن بدن به خط قرآن برای قلیله با وضوی جداگانه و برای متوسطه و کثیره با غسل و وضوی جداگانه جایز است.

صحت طلاق زن مستحاضه

۹۰۷. طلاق زن مستحاضه چگونه است؟

ج. صحت طلاق زن مستحاضه مشروط به غسل نیست.

نزدیکی در حال استحاضه

۹۰۸. آیا غسل جداگانه ای با مستحاضه برای نزدیکی لازم است؟

ج. ۱) در مستحاضه کثیره و متوسطه، اگر اقوی نباشد، بنا بر احتیاط واجب، غسل جداگانه لازم است؛ بلکه بنا بر احتیاط وضو هم ضمیمه شود.

۲) غسلی که برای نماز به جا آورده در صورتی کافیست که نزدیکی بعد از نماز و در وقت نماز باشد و الا کافی نیست.

نوار بهداشت های جدید داخل مهبل

۹۰۹. با وجود نوارهای جدیدی که داخل مهبل قرار می گیرد و از خروج خون کاملاً جلوگیری می کند تا بدین وسیله وجوب تحفظ رعایت شود؛ با توجه به این مسأله، حکم موارد ذیل را بیان فرمایید:

۱) ملاك در اختبار، وارسی ظاهر و خارج فضای فرج است یا باید نوار را خارج نمود؟

۲) در صورت حکم به خروج نوار، آیا طهارت به هم خورده و غسل تکرار می شود؟

ج. در موقع نماز باید نوار را خارج کند و نوار و خود را وارسی نماید و طبق انواع استحاضه عمل کند و نوارهای جدید، حکم همان پنبه را دارد که در رساله آمده است.

وارسی طواف و نماز طواف

۹۱۰. آیا واجب است خانم مستحاضه بین طواف و نماز طواف خود را وارسی نماید؟

ج. بله، واجب است.

طواف و نماز طواف غسل صلاتی

۹۱۱. مستحاضه کثیره و متوسطه با غسل صلاتی می تواند طواف و نماز طواف به جا آورد؟

ج. خیر، باید برای طواف و نماز آن دوباره غسل کند.

غسل در نزدیکی مسجد الحرام یا در هتل

۹۱۲. آیا با وجود امکان غسل در نزدیکی مسجد الحرام می تواند غسل را در هتلی که با حرم فاصله دارد انجام دهد؟

ج. اگر از زمان غسل در هتل تا وقت طواف باز خونی و لو در باطن می آید، باید در نزدیکی مسجد غسل کند.

طواف مستحب

۹۱۳. زن مستحاضه در چه صورتی می تواند طواف مستحب به جا آورد؟

ج. ظاهراً صحت طواف مستحب هم برای قلیله با وضوی مستقل است و برای متوسطه و کثیره با غسل و وضوی جداگانه مخصوصاً اگر طواف در غیر وقت نماز باشد.

وظیفه مستحاضه قلیله برای طواف و نماز طواف

۹۱۴. وظیفه زن مستحاضه قلیله برای طواف و نماز طواف چیست؟

ج. ۱) زن مستحاضه قلیله برای طواف وضو می گیرد، اگر در بین طواف و نماز خون نبیند با آن وضو می تواند نماز طواف و مستحبات دیگر را به جا آورد؛

۲) ولی اگر خون مستمر باشد، باید برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد.

خلاصه در حکم، مانند دو نماز واجب است.

غسل استحاضه

وجوب غسل استحاضه

۹۱۵. آیا غسل استحاضه واجب است؟

ج. یکی از هفت غسل واجب، غسل استحاضه است.

نیّت غسل استحاضه

۹۱۶. آیا هنگام غسل استحاضه باید نوع استحاضه (قلیله، متوسطه و کثیره) را نیز در نیت مشخص کرد یا تنها نیّت استحاضه کافی است؟

ج. نیّت غسل استحاضه کافی است.

وضو بعد از غسل استحاضه

۹۱۷. آیا باید پس از غسل استحاضه وضو هم بگیرد یا همانند جنابت می تواند بدون وضو نماز بخواند؟

ج. در هر یک از موارد استحاضه کثیره و متوسطه و حیض و نفاس، اگر چه غسل لازم است لکن با غسل تنهایی، نمی تواند نماز بخواند، بلکه واجب است وضو نیز برای نماز بگیرد.

راه های شناخت خون استحاضه

۹۱۸. راه تشخیص خون استحاضه از سایر خون ها چیست؟

ج. هر خونی که شرایط حیض را نداشته باشد و بکارت و زخم هم نباشد، استحاضه است.

لباس و حوله حائض

۹۱۹. لباس و حوله ای که در حال حیض یا استحاضه یا نفاس استفاده کرده ایم چه حکمی دارد؟

ج. اگر آلوده به خون نشده باشد پاک است.

لکه بینی پس از مصرف دارو

۹۲۰. لکه هایی که زنان بعد از مصرف داروهای ضد بارداری، در ایام عادت یا غیر عادت می بیند، چه حکمی دارد؟

ج. ۱) اگر در ۳ روز به طور مستمر نباشد، هر چند در ایام عادت، استحاضه است.

۲) در بیشتر از ۳ روز اگر سایر شرایط حیض را دارد حیض است و اگر ندارد استحاضه است

باطل شدن وضو

۹۲۱. آیا خون استحاضه وضو را باطل می کند؟

ج. یکی از هفت چیزی که وضو را باطل می کند، استحاضه زنان است.

تحفظ از خون در روزه

۹۲۲. مستحاضه ای که برای صحت روزه تحفظ نماید، اگر آن را ترک کند آیا باید روزه هایش را قضا نماید؟

ج. تحفظ از خروج خون برای نماز است نه روزه، شرط صحت روزه همان غسل به نحو مذکور در رساله است.

آزمایش قبل از وقت نماز

۹۲۳. آیا آزمایش قبل از وقت نماز کفایت می کند؟

ج. آزمایش قبل از وقت نماز کافی نیست؛ مگر این که بداند حالتش تغییر نمی کند.

چگونگی آزمایش مستحاضه

۹۲۴. آزمایش چگونه صورت می گیرد؟

ج. باید مقداری پنبه یا چیزی شبیه آن را داخل کند و مقداری صبر کند و خارج کند تا بداند استحاضه اش از کدام نوع است.

فاصله انداختن بین وضو و نماز

۹۲۵. در چه صورتی زن مستحاضه می تواند بین وضو و نماز فاصله بیندازد؟

ج. اگر بعد از غسل و وضو خون قطع نشود یا احتمال آمدنش قبل از نماز باشد، زن مستحاضه بعد از غسل و وضو واجب است بلافاصله نماز را بخواند. ولی اگر مدتی پاک شود و بداند تا آخر وقت پاک می ماند، می تواند بین غسل و وضو و نماز فاصله بیندازد.

اگر مستحاضه متوسطه و کثیره برای نافله صبح غسل صحیح انجام داده، خواندن نافله را به تأخیر می اندازد تا به نماز صبح متصل شود.

وجوب جلوگیری از خروج خون

۹۲۶. آیا جلوگیری از خروج خون واجب است؟

ج. بر زن مستحاضه، بعد از غسل و وضو واجب است با داخل کردن پنبه یا نوار بهداشتی به داخل مهبل از خروج خون جلوگیری کند؛ مگر در صورتی که مثلاً به خاطر دوشیزگی یا آلوده بودن پنبه برای او ضرر داشته باشد.

مستحاضه از خروج خون جلوگیری نکند

۹۲۷. اگر زن مستحاضه از خروج خون جلوگیری نکند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر خون به خاطر بی توجهی در داخل کردن پنبه و مواظبت خارج شود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را با مقدمات آن از غسل و وضو دوباره به جا آورد. ولی اگر مواظبت کافی برای خارج شدن خون انجام داده ولی خون فراوان بوده لازم نیست نماز را تکرار کند.

اگر کثیره متوسطه یا قلیله شود

۹۲۸. اگر استحاضه کثیره متوسطه یا قلیله شود وظیفه چیست؟

ج. برای اوّلین نماز بعدی وظیفه کثیره را انجام می دهد و برای نمازهای دیگر وظیفه متوسطه یا قلیله را انجام می دهد.

متوسطه قلیله شود

۹۲۹. اگر استحاضه متوسطه قلیله شود وظیفه چیست؟

ج. برای اوّلین نماز بعدی غسل متوسطه به جا می آورد و برای نمازهای دیگر فقط وضو می گیرد و سایر وظایف قلیله را به جا

می آورد.

۲. دوره ماهانه (حیض)

قاعدگی چیست؟

۹۳۰. قاعدگی چیست و به چه کسی حائض گفته می شود؟

ج. خونی که به طور غالب در هر ماه چند روز از رحم زن دفع می شود، خون حیض (قاعدگی) است و زن را به هنگام خون دیدن «حائض» می نامند.

تحقق عادت

۹۳۱. معیار پیدایی (تحقق) عادت چیست؟

ج. اگر زن دو بار به یک صورت خون حیض ببیند، عادتش محقق می شود. منتها در وقتیه و عددیه مورد اتفاق است، ولی در وقتیه یا عددیه فقط حضرت امام فرموده اند:

تحقق عادت با دو بار مشکل است و شایسته است احتیاط را ترک ننماید، یعنی هنوز حکم به تحقق عادت نکند.

معیار به هم خوردن عادت حائض

۹۳۲. چگونه عادت حائض به هم می خورد؟

۱) یک بار بر خلاف عادت قبلی دیده است، عادت قبلی زایل نمی شود.

۲) دو بار دیده:

الف)

هر دو بار یک شکل بوده است:

عادت قبلی زایل می شود.

ب)

مختلف بوده است:

روشن نیست، مگر بیش از دو بار باشد که عرفا صدق کند که این زن عادت معینی ندارد که در آن صورت، مضطربه خواهد

شد.

علامات و صفات حیض

۹۳۳. خون حیض به چه شناخته می شود و علامات و صفات آن چیست؟

ج. خون حیض، در اغلب اوقات و اغلب زنان، به تیرگی رنگ و غلظت و جهیدن و گرمی و سوزاندن فرج هنگام بیرون آمدن شناخته می شود.

شک در خروج خون

۹۳۴. خانم احتمال می دهد چیزی از او خارج شده چه حکم دارد؟

ج. باید بنا را بگذارد که چیزی خارج نشده و وارسی هم واجب نیست.

شک در چیزی که خارج شده

۹۳۵. خانم می داند چیزی خارج شده اما نمی داند چیزی که خارج شده خون است یا چرک و یا ترشحات معمول و یا چیز دیگر؟

ج. حکم به پاکی و طهارت آن بکند و در نتیجه نه نیاز به شستن دارد و نه غسل و وضو می خواهد و احتیاج به وارسی هم نیست.

شک در خروج خون از مهبل

۹۳۶. خانم می داند چیزی که خارج شده خون است؛ اما نمی داند از جای دیگر خارج شده یا از مهبلش، در این صورت چه حکمی دارد؟

ج. فقط نیاز به شستشو دارد ولی غسل و وضوی او باطل نشده است و احتیاج به وارسی هم نیست.

اختلاف خون ها با یکدیگر

۹۳۷. زنی می داند خون از فرج خارج شده اما نمی داند کدام یک از خون های پنج گانه (حیض، نفاس، استحاضه، زخم و بکارت) است؟

ج. هر کدام حالت جداگانه ای دارد و از جواب مسائل گذشته و آینده روشن می شود.

شناخت خون بکارت از حیض

۹۳۸. هرگاه خون حیض، اشتباه به خون بکارت شود، شناختن آن به چه طریق است؟

ج. در تشخیص و شناختن آن، باید قدری پنبه، داخل مهبل کند و قدری صبر نماید و بهتر آن است که وقتی می خواهد این عمل را انجام دهد به پشت بخواهد و پاها را بلند کند و بعد از گذشت مدتی پنبه را آهسته بیرون آورد، پس اگر خون در دور آن واقع شده باشد، خون بکارت است و اگر خون تمام پنبه را گرفته باشد، خون حیض است.

در این آزمایش شرط است که زخمی اطراف فرج مثل بکارت نداشته باشد و هم چنین خون بسیار نباشد که نتوان تشخیص داد.

وارسی در اشتباه بکارت و حیض

۹۳۹. اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، ولی احتمال خون دیگری مثل خون جراحت و زخم را هم ندهد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید خود را وارسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند، بعد بیرون آورد؛ پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض می باشد.

البته باید خون زیاد نباشد تا به وسیله فوق بتواند بین خون حیض و بکارت فرق بگذارد.

عدم تشخیص خون بکارت

۹۴۰. اگر خانم خونریزی داشته باشد و نداند این خون بکارت است یا خون های دیگر و در صورت آزمایش نتواند تشخیص دهد یا اصلاً نتواند خود را آزمایش کند، وظیفه اش چیست؟

ج. در صورت عدم امکان تشخیص و عدم حصول یقین، اگر در ایام عادت است، حکم به حیض بودن می کند وگرنه به حالت قبلی خود عمل می نماید.

نماز خواندن بدون وارسی هنگام شک در حیض

۹۴۱. زن که نمی داند خونش حیض است یا بکارت و می توانسته خود را وارسی کند اگر بدون وارسی نماز بخواند چه حکمی دارد؟

ج. اگر بدون امتحان مذکور با ممکن بودن آن نماز به جا آورد، نماز باطل است هر چند بعد، ظاهر شود که خون بکارت بوده است مگر آن که به امید مطابقت با واقع نماز به جا بیاورد و در واقع هم همان باشد که امید داشته است.

حکم خون بکارت

۹۴۲. بعد از نزدیکی و پاره شدن بکارت، به غیر از غسل جنابت برای نماز، برای چیزهایی که نیاز به طهارت دارد خانم ها چه

وظیفه ای دارند؟

ج. به غیر از تطهیر موضع حکمی ندارد.

اشتباه بین خون زخم و حیض

۹۴۳. خون حیض اگر مشتبه به خون قرحه (زخم) شود، طریق شناختن آن، به چه نوع است؟

ج. طریق شناختن ندارد و احتیاط واجب جمع بین تروک حائض و اعمال طاهر است؛ ولی اظهر، اعتبار خروج از طرف چپ است برای حیض بودن و خروج از راست است برای قرحه (زخم) و برای تشخیص به پشت بخوابد و انگشت وسطی را داخل کند تا بفهمد که جریان خون از راست یا چپ است، البته در صورتی که این آزمایش امکان داشته باشد و وگرنه به حکم کسی که طریق شناخت ندارد عمل می کند یعنی به حالت سابق خودش رجوع می کند؛ یعنی اگر قبلاً حیض بوده، یعنی خون حیض دیده و ممکن است این خون دنباله آن باشد حیض است و اگر سابقاً پاک بوده، وظیفه ای نسبت به حیض ندارد.

اشتباه خون حیض با نفاس

۹۴۴. خانمی خونی دیده و نمی داند خون حیض است یا نفاس، مثل آن که احتمال سقط و ولادت را بدهد ولی مطمئن نباشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر در ایام عادتِ زن باشد آن را خون حیض قرار می دهد وگرنه باید به وظیفه ای که مشترک بین حیض و نفاس است عمل کند، یعنی لازم نیست آنچه بر حائض واجب است ولی بر نفساء واجب نیست و آن چه بر نفساء واجب است و بر حائض واجب نیست به جا آورد. گرچه انجام دادن مجموع وظایف حائض و نفساء، مطابق احتیاط است؛ بلکه این احتیاط در صورت امکان ترک نشود و در صورت عدم امکان احتیاط، مخالفت قطعیه ننماید.

شباهت حیض با خون استحاضه

۹۴۵. آیا خون حیض می تواند شبیه خون استحاضه کم رنگ باشد؟

ج. بله.

استحاضه در وقت حیض

۹۴۶. آیا کسی که استحاضه است می شود حیض هم باشد؟

ج. خون که از ۱۰ روز می گذرد در حقیقت در بیشتر اوقات حیض با استحاضه آمیخته می شود ولی نمی شود زن حائض مستحاضه باشد و بر عکس

اگر خون خارج نشود حیض است یا نه

۹۴۷. خانم به خاطر دل درد یا علامت دیگر می داند خون از رحم به مهبل آمده ولی به خاطر بسته بودن مجرا و یا وجود نوار مخصوص داخل هنوز خون بیرون نیامده آیا حائض حساب می شود؟

ج. در این حالت احتیاط ترک نشود به جمع بین تروک حائض و افعال طاهر و احتمال دارد احتیاط به ترک عبادت باشد یعنی مراعات احتمال حائض باشد.

ولی به محض خروج خون و لو به وسیله چیزی، احکام حیض جاری می شود و خروج خون حیض و لو به اندازه سر سوزن، باعث جاری شدن احکام می شود.

۹۴۸. برای شروع و ادامه آیا خارج شدن خون ملاک است یا وجود خون در داخل کافی است؟

ج. برای شروع خروج مهم است و لو به وسیله چیزی، اما برای ادامه حیض وجود خون در داخل مهبل کافی است.

هفت روز پاکی بین دو خون دیدن

۹۴۹. خانم که عادت معین دارد ۷ روز خون ببیند و ۷ روز پاک شود دو باره ۳ روز خون ببیند چه حکم دارد؟

ج. خون دوم استحاضه است چون: هر خونی که بعد از قطع شدن – خون که از جهت عادت یا غیر آن حکم به حیض بودن آن شده – دیده شود، اگر بین دو تا خون ۱۰ روز پاکی فاصله نشده و چون دو تا خون از ۱۰ روز بیشتر هستند نمی توان هر دو را حیض حساب کرد پس خون دوم استحاضه است.

منظور از روز در احکام حیض

۹۵۰. منظور از روز ۲۴ ساعت است یا از صبح تا غروب؟

ج. منظور از روز از طلوع فجر (اذان صبح) تا غروب است پس شب ها خارج است.

ملاک احتساب ماه در صاحب عادت وقتیّه

۹۵۱. ملاک احتساب ماه برای صاحب عادت وقتیّه چیست؟

آیا ملاک، ۳۰ روز تمام است یا ماه قمری؟

ج. باید همان شرطیت حیض، به این که کمتر از ۳ روز و بیشتر از ۱۰ روز نباشد را در نزدیک وقت عادت رعایت کند و کار با همین تمام می شود و نیازی به احتساب ماه نیست.

ترک عبادت با دیدن خون با وجود وقت معین

۹۵۲. به محض دیدن خون می توانیم عبادت را ترک کنیم؟

ج. کسی که در وقت معین عادت می شود، چه عدد روزهای حیضش هم معین باشد یا نه، به مجرد دیدن خون در ایام عادت، هر چند صفات حیض را نداشته باشد، خود را حائض حساب می کند و عبادت را ترک می کند.

همچنین اگر عادتش را جلو و عقب بیندازد و چند روز قبل و بعد از عادتش خون ببیند.

دیدن خون با نبود وقت معین

۹۵۳. کسی که در وقت معین عادت نمی شود و فقط عدد معین دارد چه موقع با دیدن خون عبادتش را باید ترک کند؟

ج. بنا بر اقوی به محض دیدن خون عبادتش را ترک نکند مگر ویژگی حیض را داشته باشد یا بداند حیض است یا بداند در ۳ روز ادامه خواهد یافت در غیر این صورت تا ۳ روز اعمال مستحاضه را انجام دهد و کارهایی که بر حائض حرام است را ترک کند.

بعد از ۳ روز تا ۱۰ روز خود را حائض قرار دهد و دیگر اعمال مستحاضه را انجام ندهد.

قضای عبادت در جایی که حیض نبوده

۹۵۴. کسی که در وقت معین حیض می شده اگر عبادتش را ترک کند بعد بفهمد حیض نبوده، مثلاً چون قبل از ۳ روز پاک شده چه وظیفه ای دارد؟

ج. عبادات خود را قضا نماید.

ترک عبادت با دیدن خون

۹۵۵. کسی که وقت عادت معین ندارد اما از حالات دیگر مثلاً دل درد یا این که هر ماه فقط حیض می شود به محض دیدن خون می داند حیض است آیا می تواند خود را حائض قرار دهد و عبادت را ترک کند؟

ج. بنا بر اقوی به محض دیدن خون عبادتش را ترک نکند مگر ویژگی حیض را داشته باشد یا بداند حیض است یا بداند در ۳ روز ادامه خواهد یافت و اگر عبادت را ترک کرد و معلوم شد حیض نبوده قضا کند.

پاک وسط ایام عادت

۹۵۶. خانمی حد اقل ۳ روز متوالی خون دیده و بعد پاک شده دوباره چند روز خون دیده و کل روزهایی که خونریزی داشته با پاکی وسط از ۱۰ روز بیشتر نشده آیا روزهای پاک را باید غسل کند؟

ج. هر دو خون با پاکی وسط همه حیض حساب می شود چه هر دو خون در ایام عادت باشند یا هر دو خارج ایام عادت یا یکی در ایام عادت و چه هر دو ویژگی های حیض را داشته باشند یا نه.

پاک وسط دو خون بیشتر از ۱۰ روز

۹۵۷. خانمی حد اقل ۳ روز متوالی خون دیده و بعد پاک شده دوباره چند روز خون دیده و کل روزهایی که خونریزی داشته با پاکی وسط از ۱۰ روز بیشتر شده است آیا روزهای پاک را باید غسل کند؟

ج. کسی که عادت معین دارد و یکی از دو خون یا مقداری از آن در ایام عادت باشد، همان حیض است.

کمترین زمان حیض

۹۵۸. آیا می شود خون حیض از ۳ روز کمتر باشد؟

ج. مدت حیض کمتر از سه روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست.

۹۵۹. اگر کمتر از سه روز خون ببیند و سپس پاک شود و بعد سه روز خون ببیند کدام حیض است؟

ج. خون دوم حیض است و خون اوّل اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست.

حد اکثر ایام حیض

۹۶۰. حد اکثر ایام حیض چند روز است؟

ج. مدت حیض بیشتر از ده روز نمی شود.

۹۶۱. اگر ۳ روز اوّل پشت سر هم باشد ولی چند روز پاک شود و دو باره خون ببیند چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که روزهایی که خون دیـده و روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، تمام این مدت را حیض قرار می دهد.

سه روز غیر متوالی

۹۶۲. اگر دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود، دو باره یک روز خون ببیند حیض حساب می شود؟

ج. حیض نیست؛ زیرا باید سه روز اوّل حیض پشت سر هم باشد، پس ۳ روز غیر متوالی در ۱۰ روز کافی نیست.

۹۶۳. خانمی در یک ماه به این صورت خون دیده است.

۳ روز خون دیده (البته ۳ ساعت قبل از تمام شدن کامل ۳ روز پاک شده است) و مجدداً ۲ روز خون دیده است.

حکم این خون ها با توجه به این که ۳ روز اوّل کامل نشده است چیست؟

حیض است یا استحاضه؟

ج. اگر در باطن خون ندارد استحاضه است.

شک در استمرار ۳ روز اوّل

۹۶۴. خانمی چون نمی دانسته باید خود را اختبار (وارسی) کند، شک دارد که در ۳ روز خون اتصال داشته یا خیر یا این که در روز سوم شک کند که ۲ روز قبل، خون اتصال داشته یا خیر، وظیفه اش چیست؟

ج. مورد احتیاط است.

شک بین زخم و حیض

۹۶۵. اگر زنی بیش از سه روز خون دید و ده روز یا کمتر از آن پاک شد، چنان چه نمی داند خون زخم و جراحت است یا نه آیا حیض است؟

ج. اگر در ایام عادت زن باشد یا این که شرایط حیض را داشته باشد آن را خون حیض قرار می دهد.

دو بار حیض در یک ماه با حد اقل فاصله ده روز

۹۶۶. اگر حائض پاک شد و بعد از گذشتن ده روز یا بیشتر، دوباره خون دید خون دوم حیض است؟

ج. اگر از سه روز بیشتر طول بکشد ولی از ده روز بیشتر نباشد و سایر شرایط حیض را داشته باشد، خون دوم نیز حیض است.

خون دیدن در غیر ایام عادت

۹۶۷. خانمی همیشه ماهی یک بار حیض می شده، اگر در یک ماه دو بار خون ببیند که یکی در ایام عادت و یکی خارج از ایام عادت کدام حیض است؟

ج. اگر بین دو خون حد اقل ۱۰ روز فاصله شده هر کدام که در ایام عادت است حیض و خون دیگر اگر ویژگی های حیض را دارد حیض حساب می شود اما اگر ویژگی حیض را ندارد و شبیه استحاضه است باید کارهایی که بر حائض حرام است ترک کند و عبادت ها را هم انجام دهد.

دو خون هر دو خارج از عادت

۹۶۸. خانمی همیشه ماهی یک بار حیض می شده اگر در یک ماه دو بار خون ببیند که هر دو خارج از ایام عادت او باشد کدام حیض است؟

ج. هر دو تا حیض است چه هر دو ویژگی حیض را داشته باشند یا هر دو ویژگی حیض را نداشته باشند یا یکی ویژگی حیض

را داشته باشد و یکی نداشته باشد، اگر چه بهتر است در خون دوم که ویژگی حیض ندارد، احتیاط کند.

اقسام زنان حائض

۹۶۹. زنان حائض چند قسم می باشند؟

ج. زن های حائض بر شش قسمند:

۱) صاحب عادت وقتیه و عددیه و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سر هم از اوّل ماه تا هفتم آن خون ببیند.

۲) صاحب عادت وقتیه و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

۳) صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آن که ماه اوّل از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

۴) مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده، یا

قبلاً عادت داشته ولی عادتش به هم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است.

۵) مبتدئه و آن زنی است که دفعه اوّل خون دیدن او است.

۶) ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.

ترک عبادت به دیدن خون

۹۷۰. خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد (در وقت معین حیض می شود و تعداد روزهای عادتش هم معین است)، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته آیا می تواند به محض دیدن خون نماز و روزه را ترک کند؟

ج. اگر چه آن خون، نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند و چنان چه بعد بفهمد حیض نبوده، مثل این که پیش از سه روز پاك شود، باید عبادت هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

خون دیدن قبل و بعد عادت کمتر از ۱۰ روز

۹۷۱. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر چند روز پیش از عادت و همه ی روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود چند روز حیض است؟

ج. اگر روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است.

خون دیدن قبل و بعد عادت بیشتر از ۱۰ روز

۹۷۲. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر چند روز پیش از عادت و همه ی روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر شود چند روز حیض است؟

ج. اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از عادت و بعد از آن دیده استحاضه می باشد و باید عبادت هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جا نیاورده قضا نماید.

خون دیدن وقتیه و عددیه قبلِ عادت کمتر از ۱۰ روز

۹۷۳. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود؟

ج. اگر روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است.

خون دیدن وقتیه و عددیه در عادت و بعد عادت بیشتر از ۱۰ روز

۹۷۴. زنی که عادت وقتیه و عـددیه دارد اگر همه روزهای عادت را با چنـد روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر شود چه حکمی دارد؟

ج. فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

خون دیدن وقتیه و عددیه مقداری از عادت و قبل عادت بیشتر از ۱۰ روز

۹۷۵. زنی که عادت وقتیه و عـددیه دارد اگر مقـداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر شود، چه حکمی دارد؟

ج. روزهـایی که در عادت خون دیـده با چنـد روز پیش از آن، که روی هم به مقـدار عادت او شود، حیض و روزهای اوّل را استحاضه قرار دهد.

در وقتیه و عددیه مقداری از عادت و بعد عادت بیشتر از ۱۰ روز

۹۷۶. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر شود؟

ج. بایـد روزهـایی کـه در عـادت، خـون دیـده بـا چنـد روز بعـد از آن که روی هم به مقـدار عـادت او شـود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

عادت اوّل تا هفتم خون از اوّل تا دوازدهم

۹۷۷. زنی که عادت حیض او از اوّل ماه تا هفتم است، اگر از اوّل تا دوازدهم خون ببیند چه روزهایی حیض است؟

ج. هفت روز اوّل آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد.

چون زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض است و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضـه است.

دخترانی که برای اوّلین بار عادت می شوند

۹۷۸. مبتدئه (دختری که برای اوّلین بار عادت می شود) اگر بیشتر از ده روز خون ببیند چه حکم دارد؟

ج. اگر خون دیـده شده، چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه اسـتحاضه داشـته باشد، چنان چه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد همه حیض است و الّا، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مضطربه (نداشتن عادت معین)

۹۷۹. خانمی که مضطربه است اگر چند ماه (بیش از دو ماه) پشت سرهم بیشتر از ده روز خون ببیند چه مقدار از این خون ها حیض و چه مقدار از آن استحاضه است؟

ج. با نبودن تمیز و عدم امکان رجوع به اقارب احوط اختیار هفت روز در هر ماه است و این احتیاط مربوط به مبتدئه و ناسیه نیست.

فراموشی عادت

۹۸۰. ناسیه، یعنی زنی که وقت و عدد عادت خود را فراموش کرده است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند چه حکم دارد؟

ج. ۱) در مرحله اوّل باید روزهایی را که خون او نشانه حیض دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۲) اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنا بر احتیاط واجب باید هفت روز اوّل را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، مگر این که بداند به طور مسلم در روزهای اوّل، حیض نمی شده است که در آن صورت بعد از آن روزها را باید حیض قرار دهد.

۳) اگر گمان اطمینانی پیدا کرد که ایام عادتش مثل خویشان خود است عادت آنها را برای خود انتخاب می کند

فراموشی وقت عادت

۹۸۱. خانمی همیشه عادتش در وقت معین و عدد معین بوده اما وقت خودش را فراموش کرده و قدر متیقن وقت ندارد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. محتمل، تخییر اوست در تحیض به عدد معتاد او در هر طرف از اطراف احتمال عادت سابقه، لکن احتیاط در تحیض در ابتدای رؤیت خون در اوّل اطراف احتمال در صورت عدم تمییز مخالف، ترک نشود و به همین ترتیب در ماه های دیگر در صورت استمرار.

فراموشی عدد عادت با دانستن اوّل وقت

۹۸۲. خانمی همیشه عادتش در وقت معین با عدد معین بوده اما اکنون وقت خود را داند ولی عدد خودش را فراموش کرده، او چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر اوّل وقت را می داند، آن را به سه روز تکمیل می نماید، بلکه تا مقداری که احتمال نمی دهد عادتش از آن قدر کمتر بوده است و در بقیه تا ده روز، حکم حیضیت می نماید و با گذشت از ده روز، در آن مقدار که احتمال ایام عادت نمی دهد، ظاهراً باید به وظیفه مستحاضه عمل کند.

فراموشی عدد عادت با دانستن آخر وقت

۹۸۳. خـانمی همیشه عادتش در وقت معین با عـدد معین بوده و آخر وقت خود را می دانـد اما عـدد خودش را فراموش کرده، وظیفه او چیست؟

ج. اگر آخر حیضـش را می دانـد، تکمیل می نمایـد روز آخر را با سابق بر آن تا سه روز و در بقیه سابق، احتیاط می نماید در هر روز احتمال دخول در عادت تا آن که مجموع، ده روز شود و با عـدم احتمال دخول در عادت، حکم به عمل مسـتحاضه با عـدم تمییز، در صورت تجـاوز مجموع، از ده روز، اظهر است وگرنه مورد احتیـاط است و بعـد از آخر حیض، غسـل حیض را مقـدم بر غسل اسـتحاضه می نمایـد با عدم تداخل و با اسـتمرار خون و با این که خون متأخّر از خون حیض - در آن مورد که فرض شود - از قلیله نباشد.

فراموشی عدد عادت با دانستن وسط وقت

۹۸۴. خانمی همیشه عادتش در وقت معین با عدد معین بوده اما عدد خودش را فراموش کرده است، وظیفه او چیست؟

ج. اگر وسـط حیض را می دانـد کـه دو طرف مسـاوی اسـت، پس وسـط و طرفیـن حیض یقینی اسـت و در بقیـه تـا ده روز از طرفین، احتیـاط می نمایـد، لکن در صورت تجـاوز مجموع از ده روز، در مقـدار زایـد که احتمال دخول در عادت نمی دهـد، عمل اسـتحاضه با عدم صـفات حیض، اظهر است و در احتیاط، غسل حیض را ضـمیمه می نماید در موارد احتمال انقطاع خون حیض و هم چنین اگر ندانـد غیر از حیض بودن یـک روز را مثلاًـ در تکمیل و در احتیاط تا ده روز، مگر در صورت تجاوز از ده روز که زاید بر احتمال عادت، استحاضه است بنا بر اظهر

و در ضمیمه کردن غسل حیض در وقت احتمال انقطاع حیض واقعی.

استقرار عادت جدید

۹۸۵. خانمی که صاحب عادت عددیه یا وقتیه و عددیه می باشد، اگر چند ماه (بیشتر از دو ماه) پشت سرهم بیش از ده روز خون ببیند، آیا عادت او به هم خورده و عادت جدیدی برایش مستقر شده است؟

در این صورت حکم خون هایی که می بیند چیست؟

ج. به دست آمدن عادت جدید تنها در صورتیست که دو مرتبه پشت سرهم به یک شکل بر خلاف عادت قبل ببیند، پس در مورد سؤال عادت جدید به وجود نیامده است.

زوال عادت قبل

۹۸۶. برطرف شدن عادت به چه صورت است؟

ج. زوال عادت قبل در صورتیست که به دفعات خلاف آن دیده شود به طوری که عرفاً بگویند این خانم عادت معین ندارد.

زوال عادت قبل به دو بار خلاف دیدن

۹۸۷. آیا دو بار عدد غیر مماثل در عادت عددیه، موجب به هم خوردن عادت می شود؟

ج. بله.

به هم خوردن عادت عددیه

۹۸۸. عادت عددیه فردی ۷ روز است.

یک ماه ۸ روز و ماه دیگر ۹ روز خون می بیند و بعد از آن همیشه از ۱۰ روز تجاوز می کند.

لطفاً بفرمایید آیا می توان ۷ روز حیض و بقیه را استحاضه قرار داد؟

ج. این خانم مضطربه است (زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی ندارد یا عادتش به هم خورده) اگر همه خون هایی که دیده یک جور باشد، چنان چه عادت خویشان او مشخص است آن مقدار را برای خود حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد. اما اگر چند روز آن نشانه ی حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه دارد، چنان چه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه ی حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید بنا بر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد.

۹۸۹. عادت عددیه خانمی ۷ روز است.

دو ماه پی در پیست که ایشان ۱۲ روز خون می بیند آیا عادت عددیه سابق ایشان به هم خورده است؟

وظیفه ایشان چیست؟

ج. در دو ماه اخیر عادت او ۷ روز است و عادت عددیه او به هم نخورده است.

خون دیدن بدون فاصله ۱۰ روز

۹۹۰. خانمی ۷ روز پس از پاک شـدن خون حیض مجـدداً خونی با علایم حیض می بینـد که حد اقل تا ۷ روز ادامه می یابد. وظیفه وی چیست؟

ج. دومی محکوم به استحاضه است.

صاحب عادت ۶ روزه ای که ۹ روز خون دیده

۹۹۱. اگر خـانمی که عادت ۶ روزه دارد یـک مـاه تـا روز نهم خون ببینـد و روز دهم پـاک شود و روز پانزدهم مجـدداً خون ببیند، وظیفه او چیست و چه روزهایی را حیض و چه روزهایی را استحاضه قرار دهد؟

ج. شش روز آن حیض و بقیه استحاضه است.

لکه بینی پس از ایام عادت

۹۹۲. اگر شخصـی که عادت شش روزه دارد روز هفتم پاک شود ولی از همان روز هفتم تا روز دوازدهم چند لحظه در وسط روز لک ببیند و بقیه روز پاک باشد وظیفه او چیست و آیا این حالت، گذشتن خون از ده روز محسوب می شود؟

ج. بله تجاوز از ده روز است.

به هم خوردن عادت پس از زایمان

۹۹۳. وقتی دختر بودم عـادت معینی داشـتم و بعـد از ازدواج، عـادتم به هم خورد و قبل از این که به صورت معین بشود باردار شدم و اکنون خون نفاس از ده روز گذشته است آیا باید عادت معین قبل از ازدواج را بگیرم یا حکم مضطربه را دارم؟

ج. اگر یـک مرتبه بر خلاف عادت سابق حیض دیـده ایـد، عادت زایل نشـده است؛ ولی اگر چنـد مرتبه باشد به نحوی که نزد عرف صدق کند عادت زایل شده است مضطربه هستید.

لک بینی پس از عادت

۹۹۴. خانمی بعـد از پنـج روز ایام عادتش پاک شـده و غسل کرده، روز هشـتم یـک قطره خون می بینـد، این خون چه حکمی دارد؟

و اگر عادتش به این نحو است، وظیفه او از روز پنجم تا روز هشتم چیست؟

ج. در فرض سؤال که تا روز هشتم است، حکم حیض را دارد، حتی روزهایی که در بین پاک بوده است.

۹۹۵. خانمی بعد از روز پنجم یا ششم لک زرد رنگی می بیند، نمی داند خون است یا نه، وظیفه او چیست؟

ج. اگر عرفا صدق خون بر آن نکند و بداند که در باطن هم خون نیست، پاک شده است و الا محکوم به حیض است تا وقتی که از ده روز تجاوز نکند.

لک بینی پس از پاکی از حیض

۹۹۶. اگر زنی پس از پاکی از حیض و پیش از ده روز، لکه زرد رنگی بیند که خون بودن آن مشکوک است، وظیفه اش چیست؟

آیا پاک است یا ادامه حیض قبلی محسوب می شود؟

ج. اگر خون باشد هر چند به مرتبه ضعیفه از خون یا یک نقطه ای از خون هم باشد و یا معلوم شود که در باطن به صورت خون است، محکوم به ادامه حیض است.

ترشحات زرد رنگ که ترکیبات خونی ندارد

۹۹۷. پزشکان می گویند:

ترشحات زرد رنگ دو روز آخر حیض قطعا خون نیست و به هیچ وجه ترکیبات خونی ندارد بلکه سلول های مرده جدار داخلی رحم است که به تدریج خارج می شود.

لطفاً حکم این ترشحات را از جهت حیض بودن یا نبودن و طهارت و نجاست آن بفرمایید؟

ج. اگر زن احراز کرده که ترشحات مزبور خون نیست حکم خون ندارد و همین طور اگر شک دارد و با تفحص علم به خون بودن پیدا نشد حکم خون را ندارد.

حد اکثر ایام حیض

زیاد شدن زمان خون ریزی در اثر دستگاه

۹۹۸. زنی که مدت خون حیض او هفت روز بوده بعد از استفاده از دستگاه جلوگیری از حمل، روزهای حیضش بیشتر از هفت روز و کمتر از ده روز شده است، چه حکمی دارد؟

ج. همه محکوم به حیض است.

خون ریزی در اثر نصب ابزار

۹۹۹. یکی از راه های جلوگیری از انعقاد نطفه اینست که ابزاری در دهانه رحم نصب می کننـد که این عمل موجب خونریزی می شود و ممکن است این خونریزی مدت طولانی ادامه داشـته باشد، با توجه به این که این خونریزی عمدی است، آیا حیض محسوب می شود؟

ج. عمدی بودن، مانع از حیض بودن آن نمی شود. پس اگر شرایط مذکور در رساله را دارد حیض است.

(به مسأله ی ۴۰۸ رساله مراجعه شود.)

خوردن قرص برای جلوگیری از خونریزی

زن برای این که حیض نشـود هر شب قرص می خـورد یـک شب فراموش کرد قرص بخورد و روزش خونریزی کرد شب بعد که قرص خورد خون قطع شد و خلاصه از ایام عادت، همان یک روز را خون دید تکلیف او چیست؟

ج. یک روز، حیض نیست.

۱۰۰۰. هرگاه زن در ایام عادت ماهانه، به وسیله خوردن قرص، از آمدن خون حیض جلوگیری نماید حکمش چیست؟

ج. تا موقعی که خون خارج نشده به حکم طاهر عمل کند.

حیض و بلوغ دختر

شک در بلوغ

۱۰۰۱. دختری که نمی داند بالغ شده یا نه چه حکمی دارد؟

ج. حکم به عـدم بـالغ شـدن او می شـود؛ مگر خون ببینـد و یقین کنـد حیض است که نشـانه است بر بلوغ او. امـا اگر خون به صفات حیض ببیند ولی به حیض بودن آن اطمینان پیدا نکند در این که بگوییم صفات حیض نشانه بر حیضیت و نشانه بر بلوغ باشد، محل تأمل است.

خون قبل از ۹ سالگی با نشانه حیض

۱۰۰۲. دختریست که هنوز ۹ سالش تمام نشـده و می دانیم هنوز بالغ نشـده اگر خون ببیند که نشانه های حیض را دارد حیض حساب می شود؟

ج. چنین خونی استحاضه است، اگر احتمال خون های دیگر مثل بکارت و زخم داده نشود.

خون قبل از ۹ سالگی حیض یا استحاضه

۱۰۰۳. در صورتی که دختر قبل از ۹ سالگی خون ببیند و بداند یا حیض است یا استحاضه متوسطه و کثیره در این صورت آیا غسل بر او واجب است؟

ج. در این صورت پس از بلوغ بنا بر احتیاط واجب به قصد وظیفه فعلیه خود غسل می کند.

اما اگر احتمال خون جراحت و مانند آن بدهد چیزی بر او واجب نیست.

کسی که تاریخ ولادتش را نمی داند و خون دیده

۱۰۰۴. دختری که تاریخ ولادتش را نمی داند و در بلوغ خود شک دارد اگر خونی ببیند که نشانه حیض دارد آیا می توان گفت بالغ شده؟

ج. بله، نشانه بلوغ است.

خون قبل از ۹ سالگی بدون علامت بلوغ

۱۰۰۵. دختری می داند ۹ سالش تمام نشده آیا خونی که دیده حیض است؟

ج. در صورتی که علامت دیگر غیر از سن مانند درشت شدن موها، بر بلوغ او نباشد، حیض نیست.

یقین به حیض با شک در بلوغ

۱۰۰۶. اگر دختری نمی داند که نه سالش تمام شده یا نه خونی دید که یقین کرد خون حیض است وظیفه اش چیست؟

ج. باید آن را خون حیض قرار دهد.

یائسگی

یائسگی در سیده و غیر سیده

۱۰۰۷. زنان در چه سنی یائسه می شوند؟

ج. زن های سیده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند، یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند.

تطبیق ۵۰ و ۶۰ سال شمسی با قمری

۱۰۰۸. شصت سال و پنجاه سال قمری برابر چند سال شمسی می شود؟

ج. شـصت سال قمری معادل ۵۸ سال و ۷۷ روز و ۱۲ سـاعت شمسـی می شود و پنجاه سال قمری معادل ۴۸ سال و ۱۷۹ روز شمسی می باشد.

عدول به مراجع دیگر در مسأله یائسگی

ب)

در صورتی که سن یائسگی در زنان غیر سیده پنجاه سالگی باشد آیا می توانند در این مسأله به نظر مراجع دیگر عدول کنند؟

ج. خیر، نمی توانند.

خون دیدن بعد از پنجاه سال قمری

۱۰۰۹. خانمی هستم ۵۰ سال قمری من تمام شد ولی مثل جوانی که سر ماه رگل شدم، خون می بینم. وظیفه ام چیست؟

آیا یائسه هستم؟

ج. اگر زن غیر سیده باشد، یائسه و استحاضه است.

حیض پس از یائسگی با قرص هورمون

۱۰۱۰. بعد از ۳ سال که از سن یائسـگی من گذشـته به جهت مصرف قرص های هورمونی مجدداً @رگل می شوم با این که اطبا متفق اند دیگر قابلیت حمل در من نیست ولی آن خون را عادت ماهانه می دانند وظیفه من چیست؟

ج. وظیفه شما عمل به حکم استحاضه است.

شک در یائسگی

۱۰۱۱. اگر شک کنیم که یائسه شده ایم یا نه چه باید کرد؟

ج. زنی که شک دارد یائسه است یا نه خود را یائسه به حساب نیاورد.

حیض و شک در یائسگی

۱۰۱۲. زن نمی داند یائسه شده یا نه و خونریزی هم دارد آیا حیض است یا استحاضه؟

ج. زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

خون یائسگی چیست؟

۱۰۱۳. خونی که خانم یائسه می بیند چه حکمی دارد؟

ج. این خون استحاضه حساب می شود اگر احتمال بدهیم استحاضه باشد و احتمال دیگر و نیز اماره معتبره ای دال بر این که استحاضه است، در میان نباشد.

زنان قرشی و هاشمی

۱۰۱۴. چه زنانی تا شصت سالگی خو نشان حیض محسوب می شود؟

ج. حد یأس در «قرشیه»، از هنگام ولادت تا تمام شدن شصت سال قمری شرعیست و قرشی کسیست که نسبت او به «نضر بن کنانه» برسد و از طرف پدر و مادر یا از طرف پدر به تنهایی باشد و اما از طرف مادر به تنهایی، کفایت نمی کند و از قرشیه در این زمان غیر از زنان هاشمیه کسی معروف نیست، بلی قبیله ای که منسوب به قریش باشند اگر معلوم شود انتساب ایشان به «نضر بن کنانه»، در وجه تسمیه، نیز همین حال را دارند.

شک در سیده بودن

۱۰۱۵. خانم نمی داند سیده است یا نه سیده حساب می شود یا غیر آن؟

ج. سیده حساب نمی شود.

حیض پس از زایمان

۱۰۱۶. آیا زائو می تواند حیض بشود؟

ج. پس از زایمان حد اقل باید ۱۰ روز فاصله شود تا خون بعد حیض حساب شود.

تقارن عادت با نفاس

س. زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه دارد اگر وقت عادت او با روز تولد بچه یکی باشد، خونی که می بیند حیض است یا نفاس؟

ج. پس از خروج اوّلین جزء بچه، نفاس است.

حکم حیض با بیرون آوردن رحم

۱۰۱۷. زنی حیض شده روز دوم حیض رحمش را با عمل جراحی درآوردند، آیا غسل حیض واجب است یا غسل استحاضه؟

ج. به قصد وظیفه ی فعلیّه غسل کند، کافی است.

خون دیدن زن هایی که رحم خود را خارج کرده اند

۱۰۱۸. زن هایی با عمل جراحی رحم خود را بیرون می آورند و پس از آن خون هایی می بینند. آیا خون حیض است؟

ج. اگر شرایط را نداشته باشد خون حیض نیست و محکوم به خون زخم است، خصوصاً اگر علامت آن را دارا باشد که خروج از طرف راست باشد همین طور اگر دو روز خون حیض دید و روز سوم به جهت اخراج رحم دیگر خون ندید، غسل حیض بر او واجب نیست.

حیض حامله و زن شیر ده

۱۰۱۹. خونی که زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد می بیند چه حکمی دارد؟

ج. زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد ممکن است حیض ببیند بنا بر اقوی، ولی اگر بیست روز از ایام عادت دیرتر بود، احتیاطاً هم وظیفه حائض وهم مستحاضه را انجام دهد.

خون قبل از سقط

۱۰۲۰. اگر زن حامل بر اثر ترسیدن یا ضربه ای که به او اصابت کرده چند روز خون ببیند و بعد سقط کند.

خون قبل از سقط چه حکمی دارد؟

ج. به مسأله ی ۴۰۷ و ۴۰۱ رساله و به جواب سؤال قبلی مراجعه شود.

پزشک باید احکام زنان را بداند

۱۰۲۱. پزشک زنان (اعم از متخصص زنان و ماما و ...) که بانوان دچار خونریزی نامنظم رحمی را تحت درمان قرار می دهند آیا لازم است احکام مربوطه را بیاموزند تا بیماران خود را راهنمایی کنند؟

ج. در حد ابتلا باید مسائل را بیاموزد.

نظر متخصص زن و ماما در حکم خون های زنانه

۱۰۲۲. آیـا نظر پزشـک زنان (اعم از متخصـص زنان و ماما و ...) که بانوان دچار خونریزی نامنظم رحمی را تحت درمان قرار می دهند، در تشخیص موضوعات مربوطه برای زنان می تواند حجّیّت داشته باشد؟

ج. اگر قولشان موجب اطمینان باشد، حجت است.

روش های به یاد خدا بودن در زمان حیض

۱۰۲۳. در ایام عادت که خانم ها از عبادت محرومند، چه اعمالی می توانند انجام دهند تا از خدا غافل نمانند؟

ج. مستحب است حائض در اوقات نماز پنبه را تعویض کند، وضو بگیرد و به مقدار نماز خود رو به قبله مشغول ذکر خداوند شود.

حرمت عبادات بر حائض

۱۰۲۴. چه عباداتی بر حائض جایز نیست؟

ج. نماز، روزه، طواف، اعتکاف و نماز احتیاط بر حائض جایز نیست و اگر انجام دهد، باطل است.

نماز میّت توسط زن حائض

۱۰۲۵. زن حائض می تواند نماز میّت بخواند؟

ج. زن حائض اگر نماز میّت را به جماعت می خواند، در صفی تنها بایستد.

نماز احتیاط و سجده سهو

۱۰۲۶. خـانمی پس از اتمام نمازش حیض شـده در حالی که بایـد نماز احتیاط و سـجده سـهو به جا آورد، در این صورت می تواند حال نماز احتیاط و سجده سهو را انجام دهد؟

ج. نماز احتیاط را در حال حیض نمی توانـد بخوانـد اما بنا بر احتیاط واجب هم سـجده سـهو را بلافاصـله در حال حیض به جا آورد و هم پس از پاک شدن دوباره تکرار کند.

وجوب قضای روزه

۱۰۲۷. آیا قضای روزه بر حائض واجب است؟

ج. بله، بنا بر اقوی قضای روزه های واجب چه رمضان یا روزه های واجب دیگر مانند:

روزه ی نذر بر حائض؛ پس از پاک شدن واجب است.

عدم وجوب قضای نماز بر حائض

۱۰۲۸. آیا قضای نماز بر حائض واجب است؟

ج. قضای نمازهای واجب یومیّه واجب نیست اما قضای نمازهای واجب غیر یومیّه مانند:

نماز آیات و نماز نذر و نماز طواف - اگر اقوی نباشد بنا بر احتیاط واجب - لازم است.

حیض شدن پس از وقت نماز

۱۰۲۹. خانمی پس از گذشتن مقداری از اذان حیض شده آیا باید نمازش را قضا کند؟

ج. اگر مقداری از وقت نماز گذشته که می توانسته بر حسب حال خودش که مسافر بوده یا نبوده وضو و غسل (مثلاً جنابت) یا تیمم کند و نماز بخواند باید آن نماز را قضا کند.

اگر چه احتیاط مستحب است که اگر وقت کافی برای سایر شرایط را نداشته اما می توانسته با طهارت نماز بخواند آن نماز را قضا کند.

فکر می کرد وقت نداشته

۱۰۳۰. خانمی که حیض بوده و در اواخر وقت پاک شده و فکر می کرده وقت کافی برای غسل و نماز ندارد، ولی بعد متوجه شده وقت داشته؛ آیا نماز را باید قضا کند؟

ج. بله، قضای آن نماز بر او واجب است.

کسی که فکر می کرد برای دو نماز وقت دارد

۱۰۳۱. اگر پس از پاکی فکر می کرد برای هر دو نماز وقت داشته اما بعد متوجه شد فقط برای نماز دوم وقت داشته قضای هر دو بر او واجب است؟

ج. قضای نماز دوم واجب است.

کسی که فکر می کرد برای دو نماز وقت ندارد

۱۰۳۲. خانمی پس از پاکی فکر می کرد برای هر دو نماز وقت ندارد و نماز دوم را به جا آورد آیا نماز دوم صحیح است؟

ج. بله نماز دوم صحیح است و نماز اوّل را هم باید به جا آورد و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

رساندن دست و بدن به خط قرآن و دعا و قرآن خواندن حایض

کراهت همراه داشتن قرآن

۱۰۳۳. همراه داشتن قرآن داخل غلاف برای حائض چه حکمی دارد؟

ج. مکروه است.

کراهت رساندن بدن به حاشیه قرآن

۱۰۳۴. دست زدن حائض به حاشیه قرآن و بین سطرها چه حکمی دارد؟

ج. مکروه است.

لمس قرآن برجسته توسط حائض نابینا

۱۰۳۵. آیا خانم های نابینا به هنگام عادت ماهانه می توانند قرآن بخوانند؟ با توجه به این که قرآن برای آنها به صورت برجسته نوشته شده و بایستی آن را برای خواندن لمس کنند.

ج. لمس مزبور جایز نیست و می توانند حایلی قرار دهند و یا دستکش به دست کنند و یا به همراه گوش دادن به مثل ضبط صوت به تلاوت بپردازند، البته در غیر سوره هایی که آیه سجده دارد و خواندن بیش از هفت آیه برای آنان مکروه است.

مراد از هفت آیه

۱۰۳۶. این که زن حائض می تواند هفت آیه از غیر سوره های سجده دار بخواند، آیا مراد از هفت آیه در مجلس واحد یعنی به نحو مستمر است یا به صورت منفصل مراد است؟

ج. ظاهراً به نحو مستمر مراد است.

منظور از کراهت قرآن خواندن

۱۰۳۷. برای خانم ها کراهت قرائت سوره هایی که آیه سجده ندارند را از جهت کم بودن ثواب آن دانستید. آیا تحصیل ثواب کم بهتر است یا اصلاً قرائت را ترک کنند؟

ج. کراهت خوانـدن قرآن، کراهت عبـادتیست نه حقیقی. پس ترک خوانـدن نه احـوط است و نه بهـتر. پس خوانـدن بـا ثواب کمتر اولویت دارد.

شرکت حایض در مجالس ختم قرآن

۱۰۳۸. آیا زن حائض می توانـد در مجالس ختم قرآن که معمولاً در ماه مبارک رمضان تشکیل می شود شـرکت کند و قرآن را گوش بدهد با توجه به این که سوره های سجده دار را هم می خوانند و اگر آیه سجده را استماع کرده اند وظیفه چیست؟

ج. استماع قرآن اشکال ندارد و با شنیدن آیه سجده باید سجده کند و طهارت در آن شرط نیست.

تلاوت سهوی آیه سوره ی سجده دار

۱۰۳۹. آیه سوره ی سـجده دار که در دعـای کمیـل یا ادعیه دیگر وارد شـده، اگر زن حائض ندانسـته یا از روی غفلت تلاوت کند، آیا اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد.

سوره سجده در دعاها

۱۰۴۰. خانمی می داند که اگر دعای کمیل یا دعاهای دیگر را شـروع کند وقتی به آیه سوره سـجده دار رسید، از روی غفلت آن را قرائت خواهد کرد. آیا جایز است اصل دعا را بخواند؟

ج. آن موضع را علامت بگذارد که آن را نخواند.

تفحص از آیه های سوره سجده دار

۱۰۴۱. آیا بر خانم ها لازم است که قبل از خوانـدن دعاهای وارده از و جود آیه یا آیات سوره های سـجده دار تفحص کنند و یا آیا لازم است اطلاع کامل از متن سوره مذکور داشته باشند تا به جهل تقصیری به تلاوت آنها نپردازند؟

ج. با ندرت وجود آن در ادعیه، ظاهراً فحص لازم نیست.

قرائت زیارت عاشورا در زمان عادت

۱۰۴۲. آیا زنان در عادت ماهیانه می توانند زیارت عاشورا بخوانند؟

ج. بله می توانند.

رفتن حائض به حرم مطهر ائمه علیهم السّلام

۱۰۴۳. آیا رفتن زن حائض به رواق های اطراف ضریح مطهر امام رضا علیه السّلام اشکال دارد؟

گرچه قبر را ببیند و به ضریح خیلی نزدیک باشد؟

ج. عبور، حتی از خود حرم مطهر اشکال ندارد و نشستن در حرم شریف جایز نیست و در رواق خلاف احتیاط است.

غسل حیض

نماز خواندن با غسل حیض

۱۰۴۴. آیا می توان با غسل حیض نماز خواند؟

ج. لازم است پس از آن وضو نیز بگیرد.

وجوب غسل حیض

۱۰۴۵. خانم حائض پس از پاکی، برای چه اعمالی باید غسل انجام دهد؟

ج. حائض برای هر کاری که طهارت در آن شرط است باید غسل نماید.

در غسل حیض وضو هم باید گرفت

۱۰۴۶. آیا با غسل حیض همانند غسل جنابت می توان بدون وضو نماز خواند؟

ج. غسل حیض در احکام و کیفیت همانند غسل جنابت است اما برای نماز از وضو کفایت نمی کند.

وقت وضو در غسل حیض

۱۰۴۷. زن حائض که می خواهد غسل حیض کند چه وقت باید وضو بگیرد؟

ج. بهتر است وضو بگیرد، خواه قبل از غسل باشد یا بعد از غسل.

غسل حیض در روز فرد یا روز زوج

۱۰۴۸. غسل حیض بین روزهای

۳ – ۱۰ باید در روزهای زوج باشد یا فرد؟

ج. فرقی نـدارد بسـتگی به پاکی و ایام عادت دارد پس کسـی که ۳ روزه یا ۵ روزه پـاک می شود، روز فرد غسل می کنـد و کسی که ۴ روزه یا ۶ روزه پاک می شود روز زوج غسل می کند.

ناتوانی از انجام وضو

۱۰۴۹. اگر حائض بعد از غسل حیض نتواند وضو بگیرد؟

ج. بدل از وضو تیمم نماید.

ناتوانی از انجام وضو و غسل حیض

۱۰۵۰. اگر حائض از غسل حیض و وضو هر دو عاجز شود چه تکلیفی دارد؟

ج. دو تیمم یکی بدل از غسل حیض و دیگری بدل از وضو به جا آورد.

آب فقط به اندازه غسل دارد

۱۰۵۱. خانم حائض فقط به اندازه وضو یا غسل آب دارد کدام را انجام دهد؟

ج. آب را برای غسل مصرف کند.

باطل شدن تیمم بدل از غسل حیض

۱۰۵۲. خانمی که به جای غسل حیض تیمم کرده آیا پس از کاری که وضو را باطل می کنـد دو باره بایـد تیمم بـدل از غسـل کند؟

ج. تیمم بدل از غسل تا زمانی که بتواند غسل کند باطل نمی شود؛ هر چند احتیاط مستحب تجدید تیمم بدل از غسل است.

پاکی از حیض و عدم دسترسی به آب

۱۰۵۳. حائضی که در حال سفر پاک می شود و دسترسی به آب برای غسل ندارد وظیفه اش برای نماز چیست؟

ج. باید تیمم بدل از غسل حیض کند و تا دسترسی به آب با تیمم نماز بخواند.

فراموشی غسل حیض

۱۰۵۴. زنی حـائض بوده و غسـل حیض را فراموش کرده و مـدتی نماز خوانـده و فقط وضو می گرفته و در این بین غسل های

واجب و مستحب دیگری انجام داده وظیفه او چیست؟

ج. اگر آن غسل های واجب را به قصد وظیفه انجام می داده - که همین طور هم هست، نمازهای بعد از غسل قضا ندارد.

غسل حیض پس از مرگ

۱۰۵۵. کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، آیا لازم است غسل حیض یا غسل جنابت بدهند؟

ج. همان غسل میّت برای او کافی است، ولی بنا بر احتیاط موقع غسل دادن نیت غسل جنابت و یا حیض را نیز بنمایند.

قصد اقامت زن حائض مسافر

۱۰۵۶. زن مسافر در مقصد، با این که ایام عادت او است، می تواند قصد ده روز کند و یا باید صبر نماید تا پاک شود و در ابتدای ورودش به مقصد، اگر مثلاً پنج روز عادت او است، این پنج روز جزو عشره، محسوب است یا نه؟

ج. مجرد قصد ده روز، کافی است؛ اگر چه در تمام آن، حائض باشد که بعداً اگر یک روز هم بماند باید نماز را تمام بخواند به شرط آن که قبل از خواندن نماز، از قصد اقامه ده روز، برنگشته باشد.

روزه

۱۰۵۷. پس از پاک شدن از حیض اگر تا اذان صبح غسل نکنیم روزه صحیح است؟

ج. یکی از شرایط درست بودن روزه باقی نماندن بر حیض و نفاس تا اذان صبح (در صورتی که پاک شده است) و دیگر آن که در تمام روز حیض و نفاس نشود، اگر چه مقدار کمی از روز باشد.

حناگذاری در زمان عادت زنانه

۱۰۵۸. آیا حنا گذاشتن به خاطر مریضی در ایام عادت مکروه است؟

ج. به طور کلی خضاب کردن با حنا یا چیز دیگر برای حائض کراهت دارد.

نزدیکی در ایام حیض

۱۰۵۹. در زمان حیض، نزدیکی نمودن در مهبل حائض، چه صورت دارد؟

ج. در زمان حیض نزدیکی نمودن در مهبل حائض با علم به آن حرام است و دربارهی هر یک از مرد وزن، موجب فسق می شود علی المعروف، اگر چه معلوم نیست از گناهان کبیره باشد، بلی حلال شمردن آن، با علم به حرمت آن موجب کفر است.

نزدیکی مرد با همسر حایض

۱۰۶۰. هرگاه شوهر با همسر خود در زمان حیض نزدیکی نمود، آیا کفاره بر زن واجب است یا نه؟

ج. واجب نیست، هر چند زن راضی به همبستری باشد؛ بلکه وجوب آن بر شوهر هم، معلوم نیست و اظهر استحباب است و احتیاطاً ترک کفاره نشود.

مقدار کفاره

۱۰۶۱. کفاره نزدیکی، چه قدر است؟

ج. کفاره عبارت است از یک دینار، (یعنی اشرفی هجده نخودی) که یک مثقال شرعیست و این مقدار کفاره، در اوّل حیض است و در وسط آن، نصف اشرفیست و در آخر آن، ربع آن.

اوّل، وسط و آخر حیض

۱۰۶۲. اوّل، وسط و آخر حیض را بیان فرمایید.

ج. زنی که مدتش مثلاً ـ شش روز است، روز اوّل و دوم آن، اوّل حیض است و روز سوم و چهارم، وسط حیض است و روز پنجم و ششم، آخر حیض است.

کفاره نزدیکی با کنیز در زمان حیض

۱۰۶۳. کفاره نزدیکی با کنیز در زمان حیض چه قدر است؟

ج. سه مد گندم یا جو که به مسکین بدهد، هر چند آخر آن باشد، ولی تفریق بر سه مسکین، دلیلی ندارد؛ بلکه احوط جمع است در کنیز بین دینار و امداد مذکوره، به سه مسکین، یا ده مسکین، اگر چه به بیش از سه مد باشد و شاید به دادن یک دینار، مثلاً به ده مسکین، در کنیز احتیاط حاصل شود.

نزدیکی با زنی که با استفاده از قرص حیض نمی بیند

۱۰۶۴. نزدیکی با زنی که با قرص از حیض جلوگیری می کند چه حکمی دارد؟

ج. اگر خون خارج نشود، حکم حیض را ندارد و نزدیکی اشکال ندارد.

قول زن در حیض و پاکی

۱۰۶۵. قول زن در حائض بودن و پاک شدنش، مسموع است یا نه؟

ج. بلی مسموع است، اگر چه مظنون باشد که خبرش دروغ است.

پس اگر بگوید حائضم، نزدیکی با او حرام است و اگر بگوید پاکم نزدیکی با او حلال است و هرگاه خبر دهد که در یک ماه، سه حیض دیده، جمیع احکام حیض نسبت به هر زمانی که می گوید زمان حیض است، جاریست و اگر احتمال ضعیف برود که راست می گوید، احوط است.

در حال نزدیکی متوجه حیض شود

۱۰۶۶. به گفته همسرم مبنی بر پاک شدن، اطمینان پیدا کردم و اقدام به مجامعت کردم و متوجه شدم که پاک نشده و من سریعا خود را کنار کشیدم، آیا عمل من کفاره دارد؟

ج. در فرض سؤال کفاره ندارد.

نزدیکی قبل از غسل حیض

۱۰۶۷. آیا نزدیکی کردن با زن پس از قطع شدن خون حیض و قبل از غسل جایز است یا خیر؟

ج. در جایز بودن نزدیکی غسل شرط نیست، هر چند قبل از غسل مکروه است و نیز بهتر است در نزدیکی قبل از غسل، ظاهر مهبل را شستشو نماید.

جنابت زن حائض به غیر نزدیکی

۱۰۶۸. در زمان عادت ماهانه اگر زن به طریقی غیر از جماع – مثلاً با استمتاع زوج – جنب شود، آیا اشکال دارد؟

ج. در مورد مزبور اشکال ندارد.

جماع با حایض از پشت

۱۰۶۹. نزدیکی کردن در دبر (پشت) زن در ایام عادت ماهانه آیا جایز است و بر فرض عدم اطلاع آیا کفاره دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و بر فرض جهل کفاره ندارد.

در حال آمیزش حیض شدن

۱۰۷۰. اگر نداند همسرش عادت ماهانه است و بعد در حال آمیزش متوجه شود یا این که در ابتدای آمیزش حیض نبوده و

بعداً شده چه وظیفه ای دارد؟

ج. واجب است فوراً خود را کنار بکشد.

حکم سایر لذت ها غیر نزدیکی

۱۰۷۱. حکم مادون الجماع چیست؟

ج. نزدیکی در حال حیض هم بر زن هم بر مرد حرام است ولی بوسیدن و لذت های دیگر جایز است و لذّت بردن از مابین ناف تا زانو مکروه است.

حرمت، به زن دائم اختصاص ندارد

۱۰۷۲. آیا حرمت نزدیکی به همسر دائم اختصاص دارد؟

ج. نزدیکی در حال حیض حرام است، چه زن دائم باشد یا غیر دائم یا زن آزاد باشد یا کنیز.

حرمت نزدیکی با حائض

۱۰۷۳. نزدیکی با زن حائض به چه مقدار حرام است؟

ج. نزدیکی کردن در مهبل، هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

نزدیکی در ایامی که حیض قطعی نیست

۱۰۷۴. آیا نزدیکی با زنی که حیضش قطعی نیست جایز است؟

ج. نزدیکی کردن در روزهایی که حیض زن قطعی نیست، ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است؛ پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که قبلاً ذکر شده روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

حکم فرزندی که نطفه اش در زمان حیض به وجود می آید

۱۰۷۵. اگر در حال حیض کسی با زن خودش جماع کند و فرزندی متولد شود حکمش چیست؟

ج. هرگاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض با زن نزدیکی کند معصیت کرده، ولی اگر بچه ای از آنان به دنیا بیاید،

حلال زاده است.

عرق کسی که با حائض نزدیکی کرده

۱۰۷۶. آیا نزدیکی در حال حیض حکم جنب از حرام را دارد که اجتناب از عرق واجب شود؟

ج. اگر در زمانی که نزدیکی با زن حرام است (مثلاً ـ در روزه ماه رمضان یا در حال حیض) با زن خود نزدیکی کند، در صورتی که عرق او خشک نشده و اگر وظیفه اش تیمم باشد تیمم نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود، در حال نماز، اجتناب نماید و اگر تیمم کرده، بنا بر اظهر اجتناب از عرقی که بعد از تیمم فوق حاصل شده، حتی اگر خشک نشده باشد، لازم نیست.

بطلان طلاق حائض

۱۰۷۷. حکم طلاق زن در حال حیض و نفاس چیست؟

ج. طلاق دادن زن در حال حیض و نفاس باطل است و زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی یا در حال نفاس و حیضی که قبل از این پاکی بود، با او نزدیکی نکرده باشد.

صحت طلاق قبل از غسل حیض

۱۰۷۸. آیا طلاق دادن زن پس از قطع شدن خون حیض و قبل از غسل صحیح است یا خیر؟

ج. در صحت طلاق، غسل شرط نیست.

موارد صحت طلاق زن در حال حیض

۱۰۷۹. در چه حالاتی می توان زن حائض را طلاق داد؟

ج. طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

۱) آن که شوهرش بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

۲) آبستن باشد و اگر معلوم نباشد که آبستن است و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد، بعد بفهمد آبستن بوده، اشکال ندارد.

۳) مرد به واسطه غایب بودن، نتواند یا برایش مشکل باشد که پاک بودن زن را بفهمد، ولی احتیاط مستحب در اینست که در این صورت یک ماه صبر کند و بعد طلاق بدهد.

روزه نذری مصادف با حیض

۱۰۸۰. اگر خـانمی نـذر کنـد که در هر هفته، مثلاًـ روز جمعه را روزه بگیرد، چنـان چه در یکی از جمعه هـا حـائض شـد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید آن روز را روزه نگیرد، بلکه قضای آن را به جا آورد.

قطع خون سر ۳ روز، دو باره دیدن در ۱۰ روز

۱۰۸۱. هرگاه خون سر سه روز قطع شود و در بین ده روز بازدیده، شود و قطع شود، حکمش چیست؟

ج. تمامی خون و پاکی وسط، حیض است.

حائض شدن در نماز

۱۰۸۲. حائض شدن در نماز چه حکمی دارد؟

ج. اگر بین نماز، حائض شود، حتی اگر حرفی از تشـهد مانـده باشـد نماز باطل است، بلکه هم چنین است پیش از تمام نمودن سلام واجب و اگر در نماز باشد و گمان نماید که حائض شده، دست خود را داخل کند و به موضـعی که خون بیرون می آید بمالـد، پس اگر خون بیرون آمـده باشـد، از حـالت نمـاز بیرون رود وگرنه نماز را تمام نمایـد، لکن ظاهر اینست که اگر چنین نکنـد و نماز را تمام کنـد عیبی نـدارد و اگر بعـد از نماز، حائض شـدن، ظاهر نشود یا معلوم نشود پیش تر بودن حیض بر تمام بودن نماز، نماز او صحیح است.

عدم جواز اعتکاف کسی که می داند در ۳ روز حیض می شود

۱۰۸۳. خانمی می خواهد معتکف شود ولی می داند قبل از ۳ روز حیض می شود اعتکافش چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست، اعتکاف برای کسی که می داند به عید فطر و قربان برخورد می کند و نمی تواند روزه بگیرد.

ترس از نرسیدن به وقوفین برای حائض

۱۰۸۴. هرگـاه خـانمی به جهت عارض شـدن حیض بترسـد که اگر منتظر بمانـد تا پاك شود و طواف عمره را به جای آورد و وقت وقوف به عرفات بگذرد چه کند؟

ج. در این صورت اگر برای عمره تمتع محرم شده عدول می کند از نیّت احرام به احرام حج افراد و اگر محرم نشده احتیاطاً به وظیفه حج افراد در احرام از میقات یا منزل (هر کدام نزدیك تر به مکه باشد) عمل می کند وگرنه از مکه محرم می شود.

صحت احرام حائض و زائو

۱۰۸۵. آیا خانم های حائض و زائو می توانند محرم شوند؟

ج. در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست و کسی که محدث به حدث اصغر یا حدث اکبر باشد، احرام وی صحیح است.

به عبارت واضح تر احرام شخص بی وضو یا جنب یا زن حائض و نفساء اشکالی ندارد.

بنا بر این جنب و حائض و نفساء می توانند احرام ببندند.

جواز تلبیه حائض

۱۰۸۶. آیا در حال حیض و نفاس می توان تلبیه ها را گفت؟

ج.

گفتن تلبیه ها و تکرار آن هنگام بر خواستن از خواب، بعد از هر نماز واجب و مستحب، وقت رسیدن به سواره، هنگام بالا رفتن از تل یا سرا زیر شدن از آن، وقت سوار شدن یا پیاده شدن و اوقات سحر حتی در حال حیض و نفاس مستحب است.

حائض قبل از احرام وارد حرم شده

۱۰۸۷. هرگاه زن حائض از روی جهل به حکم و ندانستن مسأله از میقات احرام نبسته و داخل حرم شد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. بر او لازم است مانند دیگران در صورتی که نتواند به میقات برگردد، به خارج حرم رفته و از آنجا احرام ببندد؛ بلکه احتیاط اینست که تا آنجا که ممکن است از حرم دور شود و احرام ببندد به شرطی که این عمل مستلزم فوت حج نباشد و در صورتی که انجام این عمل برایش ممکن نباشد، با دیگران یکسان خواهد بود، یعنی مانند دیگران از حرم محرم شود.

غسل حیض و نفاس برای طواف

۱۰۸۸. پس از پاکی از حیض و نفاس آیا برای طواف، غسل واجب است و اگر نتواند غسل نماید چه وظیفه ای دارد؟

ج. بر زن حائض و نفساء (زائو) بعد از گذشتن ایام حیض و نفاس واجب است که برای طواف غسل کنند و در صورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کنند و در صورت معذور بودن از تیمم، تا آخر زمان تمکن از مباشرت نایب گرفتن متعین است و احوط آن است که خود نیز طواف کند.

حیض پس از احرام با گنجایش وقت عمره

۱۰۸۹. هرگاه زن هنگام بستن احرام برای عمره تمتع یا پس از بستن احرام، خون حیض ببیند و وقت به جا آوردن اعمال عمره را داشته باشد چه وظیفه ای دارد؟

ج. بایستی صبر کند تا پاک شود و غسل نموده و اعمال عمره را به جا آورد.

حیض پیش از احرام با نداشتن وقت عمره

۱۰۹۰. هرگاه زن پیش از بستن احرام برای عمره تمتع یا پس از بستن احرام، خون حیض ببیند و وقت به جا آوردن اعمال عمره را نداشته باشد چه وظیفه ای دارد؟

ج. در این صورت، حج تمتّعش بدل به حج افراد شده و بر او واجب است در صورت تمکن بعد از فراغت از حج، عمره مفرده به جا آورد.

حیض پس از احرام با نداشتن وقت عمره

۱۰۹۱. هرگاه زن بعد از بستن احرام برای عمره تمتع خون حیض ببیند و وقت به جا آوردن اعمال عمره را نداشته باشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. در این صورت می تواند حج افراد را به جا آورد و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد مانند صورت اوّل و این کفایت می کند از آنچه بر او واجب بوده است از حج تمتع.

حیض در اثنای طواف

۱۰۹۲. اگر زن در اثنای طواف حائض شود چه حکمی دارد؟

ج. مشهور بین فقها اینست که اگر حائض شدن پیش از تمام شدن چهار شوط باشد، طوافش باطل می شود و چنان چه بعد از آن باشد، آنچه به جا آورده صحیح است و واجب است بعد از پاکی و غسل نمودن، باقیمانده را به جا آورد.

و احوط در هر دو صورت اینست که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد، به این معنی که چنین نیّت کند که اگر یک طواف کامل بر من واجب است، که این طواف است و اگر به جا آوردن کمبود طواف سابق بر من واجب است، هر مقدار از این طواف کمبود او را تکمیل کند بکند و باقیمانده، زیادی باشد و این در صورتیست که وقت این کار را داشته باشد و در غیر این صورت سعی و تقصیر نموده و برای حج محرم شود و لازم است پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، قضای طواف عمره را به نحوی که گفته شد به جا آورد.

حیض بین طواف و نماز طواف

۱۰۹۳. هرگاه زن پس از طواف و پیش از نماز آن، یعنی بین طواف و نمازش، حیض شود چه حکمی دارد؟

ج. طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و غسل به جا آورد و چنان چه وقت نداشت، سعی و تقصیر را به جا آورده و نماز طواف را پیش از طواف حج قضا نماید.

پس از طواف و نماز نمی داند حیض بوده یا نه

۱۰۹۴. هرگاه زنی پس از طواف و نمازش احساس نمود که حیض شده، ولی نمی داند که پیش از طواف حیض شده یا پیش از نماز یا در اثنای نماز یا بعد از نماز، در این صورت چه وظیفه ای دارد؟

ج. در این صورت، بنا بر صحت طواف و نماز بگذارد.

پس از طواف و نماز متوجه حیض شده

۱۰۹۵. هرگاه زنی پس از طواف و نمازش احساس نمود که حیض شده و بداند که حیض قبل از نماز حادث شده و وقتش هم تنگ است، در این صورت چه وظیفه ای دارد؟

ج. سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاکی تأخیر بیندازد و عمره اش صحیح است.

به جا نیاوردن عمدی عمره تا حیض شدن

۱۰۹۶. هرگاه زنی به مکه رسید و می توانست اعمال عمره را به جا آورد ولی با علم و عمد به جا نیاورد تا حیض شد و وقت هم تنگ شد چه وظیفه ای دارد؟

ج. ظاهراً عمره اش فاسد است و احتیاط اینست که عدول به حج افراد نموده و حج خود را در سال بعد اعاده نماید.

تقدیم طواف بر وقوفین

۱۰۹۷. خانمی به حج تمتع رفته و می ترسد حیض شود آیا می تواند طواف و نماز طواف حج را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد؟

ج. تقدیم طواف چه طواف حج باشد چه طواف نساء - علی المشهور الاظهر - و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست؛ مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورند و احوط نیز در صورت امکان، اعاده آنهاست در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی الحجه و اگر ممکن نشد، استنابه نماید علی الاحوط و اگر می داند که اعاده آن تا آخر ماه ممکن نمی شود، پس احوط، جمع بین تقدیم و استنابه است.

نیابت طواف حائض

۱۰۹۸. خانمی که حیض ببیند یا زائو شود و نتواند تا پاک شدن خود در مکه بماند که طواف کند چه وظیفه ای دارد؟

ج. لازم است برای طواف و نماز نایب بگیرد و پس از طواف نایب، شخصا سعی کند.

ترک طواف نساء حائض

۱۰۹۹. خانمی که حائض شود و قافله تا وقت پاکی او منتظرش نشود، آیا می توانـد طواف نساء را ترک نموده و با قافله خود همراه شود؟

ج. بلی می توانـد طواف نساء را ترک کنـد و در این صورت احتیاط اینست که برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد و چنان چه مشغول طواف بوده و پس از به جا آوردن نصف آن حیض شود، می توانـد باقی را ترک و با قافله برود و احتیاط در این صورت، آن است که برای باقی مانده طواف و نمازش نایب بگیرد.

۳. نفاس

نفاس

۱۱۰۰. نفاس چیست؟

ج. خون ولادت است؛ همراه با ولادت یا بعد از ولادت، از حین ولادت تا ۱۰ روز.

خون سزارین

۱۱۰۱. زنی که سزارین می شود، خونی که می بیند آیا خون نفاس است یا خیر؟

ج. خون نفاس است.

تقارن عادت با نفاس

۱۱۰۲. زنی که عـادت ماهـانه وقتیه و عـددیه دارد، اگر وقت عـادت او با روز تولـد بچه یکی باشـد، خونی که می بینـد حیض است یا نفاس؟

ج. پس از خروج اوّلین جزء بچه، نفاس است.

غسل نفاس

.۱۱۰۳

گفته می شود بعد از گذشت ایام نفاس و انجام غسل، روز هجدهم هم می بایست یک غسل انجام شود، آیا این صحت دارد؟

ج. یعنی در هشت روز بعد از ده روز ایام نفاس اگر خون دید، احتیاط مستحبی مؤکّد، جمع بین وظیفه استحاضه و نفاس است و در آخر به قصد وظیفه و امید مطلوبیت غسل نفاس به جا می آورد که با غسل استحاضه در عمل متحد است.

حکم نفاس در کورتاژ

۱۱۰۴. از زنی، بچه ای سقط شد و تا یک ماه از آلودگی پاک نشد.

سپس او را کورتاژ کرده اند و بقیه ای از بچه را در آوردند. چون بچه در حقیقت الآن به تمامه منفصل شده، آیا آلودگی این مدت تماما نفاس است یا خیر؟ اعمال عبادی که انجام داده چه می باشد؟

ج. بلی نفاس است و اگر روزه گرفته قضا کند و محاسبه روزهای نفاس را از وقت انفصال کامل ولد شروع کند نه از ابتدا.

شک در خون سزارین

۱۱۰۵. زنی که با سزارین زایمان کرده بعد از این که ایام عادت او گذشت، شک می کند که خون موجود خون نفاس است یا خون زخم، وظیفه اش چیست؟

ج. به مسأله ی ۴۴۵ و ۴۴۶ رساله رجوع شود.

بیرون آمدن خون از غیر مجرای عادی

۱۱۰۶. زنی که غیر طبیعی زایمان می کند (سزارین) و بچه را از پهلوی مادر خارج می کنند خونی که از رحم خارج می شود استحاضه است یا نفاس؟

ج. اگر خون از مجرای عادی خارج می شود، در صورتی که هنگام ولادت یا پس از آن بوده نفاس است و هم چنین از مجرای غیر عادی اگر معلوم شود همان خون است و اگر غیر این باشد استحاضه است، در صورتی که احتمال غیر استحاضه داده نشود مانند زخم و امثال آن.

وجوب وارسی بر زائو

۱۱۰۷. آیا وارسی بر زائو پس از پاک شدن واجب است؟

ج. پس از پاک شدن از نفاس بنا بر احتیاط واجب باید استبرا نماید یعنی داخل رحم را وارسی کند که اگر از داخل هم پاک شده است، غسل نفاس کند.

خون قبل از سقط

۱۱۰۸. اگر زن حامل بر اثر ترسیدن یا ضربه ای که به او اصابت کرده چند روز خون ببیند و بعد سقط کند خون قبل از سقط چه حکمی دارد؟

ج. به مسأله ی ۴۰۷ و ۴۰۱، رساله و به جواب سؤال قبلی مراجعه شود.

احکام تیمّم

میزان اثبات ضرر داشتن با نظر پزشک

۱۱۰۹. آیا نظریّه ی پزشک مبنی بر ضرر داشتن استعمال آب برای وضو و نماز از نظر شرعی، مجوّز برای تیمّم می شود یا نه؟

ج. اگر انسان مکلّف از گفته ی پزشک، احتمال ضرر بدهد، باید تیمّم کند.

ترس از رفتن به حمام

۱۱۱۰. آیا شخص جنب می تواند به بهانه ی این که در صبح از حمام می ترسد، تیمّم بدل از غسل نماید؟

ج. اگر غسل کردن در غیر حمام ممکن نباشد و یا کسی که او را همراهی کند ندارد، در صورتی که خوف عقلایی باشد وظیفه او تیمّم است.

تیمّم با خجالت از غسل

۱۱۱۱. آیا شخص جنب می تواند به بهانه ی این که از نزدیکان خود یا همسرش خجالت می کشد، تیمّم بدل از غسل نماید؟

ج. نمی تواند، ولی اگر غسل را تا آخر وقت تأخیر انداخت و تیمّم کرد، اعمالش صحیح است و قضا ندارد.

تیمم بر آجر و کوزه و آسفالت و ...

۱۱۱۲. آیا تیمم بر روی آجر، کوزه، آسفالت، گچ، دیوار کاهگل و کاشی صحیح است؟

ج. تیمم بر آسفالت صحیح نیست و تیمم بر آجر و کوزه و نیز سنگ گچ و سنگ آهک قبل از پخته شدن صحیح است، ولی اگر پخته شده باشد و چیز دیگری برای تیمم ندارد، احتیاطاً هم به اینها و هم به مانند گِل یا غبار تیمم نماید و کاه گل نیز اگر خشک شده باشد و کاه مخلوط بدان نیز به قدری کم باشد که در خاک از بین رفته حساب شود، تیمم بر آن صحیح است.

تیمم بر موزاییک و سنگ فرش

۱۱۱۳. آیا تیمّم بر موزاییک و سنگ فرش صحیح است؟

ج. صحیح است.

تیمّم کسی که یک دستش قطع شده است

۱۱۱۴. کسی که یک دست او به گونه ای قطع شده است که حتّی ذراع آن هم باقی نمانده و دست دیگرش سالم می باشد، چگونه تیمّم کند؟

ج. با دست سالم به زمین بزند و بر پیشانی مسح کند و سپس ظاهر آن دست را به زمین بکشد و احوط اینست که در صورت امکان از دیگری هم کمک بگیرد به این صورت که دیگری دست به زمین بزند و بر پشت دست قطع شده مسح کند که در صورت امکان، هر دو کار را بکند.

تیمم کسی که هر دو دستش قطع شده است

۱۱۱۵. وظیفه ی کسی که هر دو دستش قطع گردیده و فقط ذراع هر دو دست باقی است، در تیمّم چیست؟

ج. پیشانیش را به زمین بکشد و احوط اینست که دیگری هم دو دست خود را به زمین بزند و پیشانی آن فرد را مسح کند.

تیمّم کسی که دستش شکسته است

۱۱۱۶. فردی به علّت شکستگی یک دست، نمی تواند هر دو دست را در موقع تیمّم به پیشانی بکشد، چگونه تیمّم کند؟

ج. باید در آن چه نمی تواند، کسی دیگر او را تیمّم بدهد.

۱۱۱۷. اگر تمامی دست شخصی گچ گرفته شده و نصف انگشتان بیرون باشد و به علّت شکستگی، دست را نتواند حرکت دهد، چگونه تیمّم نماید؟

ج. آن مقدار که گچ گرفته شده باید دست را روی آن کشید و در آن چه که خود نمی تواند، باید از دیگران کمک بگیرد.

کیفیّت تیمّم دادن به وسیله ی نایب

۱۱۱۸. کیفیّت تیمّم دادن نایب را، بیان فرمایید؟

ج. خود مکلّف نیّت می کند و احوط لزوم نیّت مباشر و نایب هم هست و نایب دست عاجز را به زمین می زند و با آن او را مسح می دهد. لکن احوط اینست که اگر دست زدن به زمین برای مکلّف ممکن است و مسح ممکن نیست، هم خودش به زمین دست بزند و هم به وسیله ی نایب و اگر زدن دست به زمین برای او ممکن نیست اما مسح ممکن است، هم خودش مسح کند و هم به وسیله نایب مسح نماید.

تیمّم بدل از چند غسل

۱۱۱۹. کسی که نمی تواند غسل کند، اگر چند غسل واجب با عناوین مختلف بر او واجب شد، آیا می تواند به نیّت همه ی

آنها، یک تیمّم نماید؟

ج. اگر غسل جنابت هم بین آنها است، یک تیمّم کافیست و اگر غسل جنابت نبود یک تیمّم به نیّت همه می کند و اگر از وضو هم عاجز است یک تیمّم هم بدل از وضو می کند.

تیمّم بدل از غسل های مستحب

۱۱۲۰. کسی که نمی تواند غسل کند، آیا برای غسل های مستحب - مثل غسل جمعه و غسل زیارت و دیگر غسل هایی که روایتی بر آن وارد شده - می تواند به نیّت غسل مورد نظر، تیمّم کند؟

ج. مورد تأمّل و اشکال است و احوط به جا آوردن به امّید مطلوبیت است، البته با آن تیمّم نباید کارهایی که مشروط به طهارت است انجام داد، علی الاحوط.

وضو بعد از تیمّم بدل از غسل

۱۱۲۱. اگر کسی بدل از غسل تیمّم کند، آیا برای نماز و ... وضو بگیرد؟

ج. اگر تیمّم بدل از غسل جنابت باشد، وضو لازم ندارد و در غیر این صورت لازم دارد.

۱۱۲۲. اگر بدل از غسل، تیمّم کند و بعد کاری که وضو را باطل کند پیش آید، در صورتی که نتواند برای نمازهای بعدی هم غسل کند وظیفه او چیست؟

آیا وضو بگیرد یا تیمّم نماید؟

ج. اگر تمکّن از وضو دارد، باید علی الاحوط وضو بگیرد و تیمّم بدل از غسل هم بکند و اگر متمکّن از وضو نیست، یک تیمّم بکند به قصد ما فی الذمّه، مردد بین این که بدل از غسل باشد یا بدل از وضو، این در صورتیست که غسل واجب او برای جنابت بوده و اگر برای غیر جنابت بوده، دو تیمّم می کند؛ یکی بدل از وضو و یکی بدل از غسل، احتیاطاً.

موارد باطل شدن تیمّم بدل از وضو

۱۱۲۳. مواردی که سبب باطل شدن تیمّم بدل از وضو می شوند کدام است؟

آیا همانند موارد ابطال وضو هستند؟

ج. چیزهایی که وضو را باطل می کند، تیمّم را هم باطل می کند و هم چنین بعد از زایل شدن عذری که موجب تیمّم شده است، تیمّم باطل می شود.

شخصی که آب سرد برای او ضرر دارد

۱۱۲۴. شخصی که به علّت بیماری، برای وضو و غسل نمی تواند از آب سرد استفاده کند و آب گرم در دسترس نداشته باشد، چنان چه تیمّم نماید و نماز بخواند، تکلیف او بعد از امکان استفاده از آب گرم چیست؟

ج. در فرض سؤال اگر تیمّم او مشروع بوده نمازی که با آن خوانده صحیح است ولی با دست یابی بر آب گرم تیمّم باطل شده و برای نمازهای بعد، باید تحصیل طهارت کند (وضو یا غسل کند).

ورود به مسجد با تیمّم

۱۱۲۵. شخص جنب که نمی تواند غسل کند، آیا می تواند با تیمّم وارد مسجد شود و نمازش را به جماعت یا فرادا بخواند؟

ج. اگر برای تنگی وقت تیمّم کرده یا با داشتن آب برای نماز میّت یا خوابیدن تیمّم کرده، نمی تواند وارد مسجد شود و در غیر این موارد تا وقتی که تیمّم و عذر او باقیست می تواند و در صورت اخیر با باطل شدن تیمّم باید فوراً از مسجد خارج شود.

تیمّم برای رفع کراهت خواب

۱۱۲۶. شخص جنب که به جهت رفع کراهتِ خواب تیمّم می کند، آیا باید بدل از غسل نیّت کند؟ یا هنگام تیمم عنوان دیگری را نیّت نماید؟

ج. نیّت تیمّم بدل از غسل برای رفع کراهت خوابیدن می کند.

تمکین از همسر در صورت معذور بودن از غسل

۱۱۲۷. زنی در زمستان نمی تواند غسل نماید، آیا تمکین بر او واجب است؟

تکلیفش چیست؟

ج. تمکین از زوج او واجب است و تکلیف او تیمّم است.

حد جستجو برای یافتن آب

۱۱۲۸. اگر چنان چه مهندسی اعلام کند در دو متری این مکان آب در زیر زمین است و باید چاه بکنید، آیا برای وضو لازم است به این قول عمل کنیم یا این که به اندازه کندن دو متر جستجو را ادامه دهیم و در صورت عدم وجود آب، تیمم کنیم؟

ج. اگر قول او اطمینان آور باشد و کندن چاه هم مشقت نداشته باشد، باید چاه بکند.

نماز کسی که نمی تواند وضو بگیرد و تیمم کند

۱۱۲۹. کسی که نه می تواند وضو بگیرد و نه می تواند تیمم کند، چگونه باید نماز بخواند؟

ج. نماز ادا از چنین فردی که در تمام وقت نماز از وضو و تیمم معذور است ساقط است؛ اگر چه احتیاط در اینست که بدون وضو و تیمم نماز را بخواند؛ ولی قضای آن نمازها را باید انجام دهد.

موارد صحت تیمم بدل از غسل

۱۱۳۰. تیمم بدل از غسل، در چه مواردی صحیح است؟

ج. در تمام مواردی که تیمم بدل از وضو صحیح است، تیمم بدل از غسل نیز صحیح است.

خواندن نماز با تیمم بدل از غسل

۱۱۳۱. در صورت جنابت و عدم دسترسی به آب، چند روز با تیمم بدل از غسل می توان نماز خواند؟

ج. حد و مرز و مقدار شرعی ندارد و میزان وجود عذر است هر چند – به تعبیر روایت – ده سال طول بکشد.

وجوب غسل پس از تیمم

۱۱۳۲. کسی که به جای غسل واجب، تیمم بدل از غسل انجام می دهد و فکر می کند با تیمم، وجوب غسل ساقط شده است، نمازی که خوانده چه حکمی دارد؟

ج. تنها تا وقتی که عذر او باقی بوده، آن تیمم کافی بوده است و آن فکر اثری در مسأله ندارد.

تیمم با لباس نجس

۱۱۳۳. آیا تیمم با لباس نجس، باعث بطلان تیمم می شود؟

ج. خیر.

تماس مستقیم بین خاک و دست

۱۱۳۴. آیا در تیمم حتماً باید تماس مستقیم بین دستها و خاک ایجاد شود یا اگر خاک در پلاستیک باشد، می شود تیمم کرد؟

ج. باید مانعی برای تماس با خاک نباشد.

نماز خواندن با لباس نجس

۱۱۳۵. در صورتی که آب در دسترس نبوده و تیمم بکنیم، آیا با لباس و بدن نجس، می شود نماز خواند؟

ج. بـدون اضـطرار با لباس نجس نمی شود نماز خوانـد و باید آن را بیرون آورد و با ساتر و پوشـش پاک نماز خواند، ولی در صورت وجود نجاست بدن تا ممکن است باید نجاست را کم نمود و با همان بدن نجس نماز خواند.

رطوبت و خیسی اعضای تیمم

۱۱۳۶. آیا در وقت تیمم، رطوبت و خیسی اعضای تیمم اشکال دارد؟

ج. خیر.

غسل یا وضو اگر وظیفه تیمم باشد

۱۱۳۷. در صورتی که وظیفه انسان تیمم باشد و او بر خلاف وظیفه وضو یا غسل کند، آیا غسل و وضوی او اشکال دارد؟

ج. موارد، مختلف است، مثلاً اگر عذر او تنگی وقت باشد و وضو یا غسل به نیت نماز بگیرد، غسل و وضوی او باطل نیست یا در بعض مـوارد دیگر مثـل این که جـواز تیمم از بـاب رخصت باشـد نه عزیمت (رخصت یعنی جواز، عزیمت یعنی وجوب) و توضیح آن در جامع المسائل آمده است.

زدن یا گذاشتن دست بر سنگ

۱۱۳۸. آیا در وقت تیمم زدن دستها بر سنگ لازم است یا می توان با صرف تماس دست بر سنگ تیمم نمود؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، زدن دست لازم است.

طهارت اعضای تیمم و خاک

۱۱۳۹. آیا در صحت تیمم، طهارت اعضای تیمم و یا طهارت خاک شرط است؟

ج. بله، شرط است.

انگشتان دست در تیمم

۱۱۴۰. آیا انگشـتان دست در تیمم حکم کف دست را دارنـد و می توان قسـمتی از کف و قسـمتی از انگشـتان را روی دسـت دیگر کشید یا حکم کف دست را ندارند و اگر انگشتان روی پشت دست دیگر کشیده شد، تیمم باطل است؟

و آیا انگشت شصت نیز حکم کف دست را دارد؟

ج. تمام انگشتان حکم کف دست را دارند.

موارد اشتراک و تفاوت چیزهایی که بر آن می توان سجده و تیمم کرد

۱۱۴۱. لطفاً موارد اشتراک و تفاوت چیزهایی را که می توان بر آن سجده یا تیمم نمود، بیان فرمایید.

ج. تیمم فقط بر مصادیق زمین جایز است، ولی سجده بر گیاهانی که خوردنی و پوشیدنی نیست هم جایز است.

معلولیّت انگشتان

۱۱۴۲. اگر انگشتان کسی معلولیت داشته باشد، به گونه ای که هنگام ضربه زدن جهت تیمم تمام انگشتان با سطح خاک و سنگ تماس پیدا نکند، وظیفه او چیست؟

ج. به هر طوری که می تواند کف دست را به زمین بزند یا بگذارد و علاوه بر آن پشت دست را هم به قصد وظیفه واقعیّه به زمین بزند.

تیمم برای انجام امور مستحب

۱۱۴۳. برای انجام امور مستحب، آیا تمام عذرهایی که مجوز تیمم است باید وجود داشته باشد یا بدون آن عذرها نیز می توان تیمم کرد و مثلاً با تیمم نماز شب خواند یا شب با تیمم خوابید و ...؟

ج. بدون آن عذرها جایز نیست، مگر در مورد نماز میّت و خوابیدن.

امام جماعت شدن با تیمم

۱۱۴۴. آیا فردی که به واسطه عذری با تیمم نماز می خواند می تواند امام جماعت شود؟

ج. بله، می تواند.

اشتراک و اختلاف موانع وضو و تیمم

۱۱۴۵. آیا تمام موانعی که برای وضو مطرح است مثل کرم، چربی، رنگ خودکار یا ... که مانع رسیدن آب به پوست می شود، برای تیمم نیز مطرح است و باید آنها را قبل از تیمم برطرف نمود؟

ج. برای انجام تیمم اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دست مانعی باشد، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.

اگر محل تیمم به اندازه دو دست نباشد

۱۱۴۶. اگر محل تیمم به اندازه ای کوچک باشد که نتوان دو دست را بر روی آن زد و غیر از آن نیز چیز دیگری در دست نباشد، چه باید کرد؟

ج. احتیاطاً ضربه را با تعاقب (دو مرتبه و هر @ مرتبه یک دست و پی در پی) انجام دهد و بعداً نمازش را اعاده کند.

مقدار کشیده شدن دست به پیشانی

۱۱۴۷. در کشیدن دو دست به پیشانی، آیا کشیده شدن کف دست کافیست یا انگشتان نیز تا آخر باید به پیشانی کشیده شود؟

ج. انگشتان نیز باید کشیده شود.

تیمم جبیره ای

۱۱۴۸. آیا تیمم جبیره ای صحیح است؟

و در صورت صحّت، نحوه آن چگونه است؟

ج. اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند، باید دست روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد و اگر کف دست به سبب شکستگی یا عارضه دیگری به طوری در میان گچ باشد که قابل برداشتن نیست، برای تیمم از دیگران کمک بگیرد.

خواندن نماز با تیمم داخل وقت یا با وضو خارج از وقت

۱۱۴۹. اگر انسان مردد شد بین این که تمام نماز را با تیمم داخل وقت بخواند یا یک رکعت از آن را با وضو، خارج از وقت بخواند، کدام یک را انتخاب کند؟

ج. می تواند بنا بر اظهر هر کدام را خواست انجام دهد، ولی احتیاط مستحب در تیمم و خواندن تمام نماز در وقت است و اگر با تیمم هم تمام نماز را نمی تواند در وقت بخواند، باید بنا بر احوط بلکه اقرب وضو بگیرد و یک رکعت نماز را در وقت با وضو بخواند.

یقین به نبودن آب و کشف خلاف

۱۱۵۰. اگر کسی یقین کند که آب در دسترس ندارد و نمازش را با تیمم به جا آورد، اما بعد از آن معلوم شود که آب در دسترس داشته است وظیفه او چیست؟

ج. چنان چه بدون آن که به دنبال آب برود تیمم کرده و بعد از نماز متوجه شده که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد، باید بنا بر احتیاط واجب نماز را اعاده نماید، اما اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، نماز را احتیاطاً اعاده کند، گرچه واجب نبودن اعاده خالی از وجه نیست.

مقدار کارآیی تیمم

۱۱۵۱. کسی که به واسطه عذری تیمم نموده است، تا وقتی که عذر او باقی است؛ چه اعمال دیگری که نیاز به طهارت دارد

را می تواند با تیمم انجام دهد؟

ج. با تیمم مشروع برای هر غایتی که انجام شده است، تا وقتی که عذر او باقیست در غایات دیگر می تواند داخل شود و احتیاج به تجدید تیمم ندارد و توضیح بیشتر در مسأله ی ۶۰۹ رساله ذکر شده است.

احکام اموات

آمادگی برای سفر آخرت

یاد مرگ

۱۱۵۲. چه مقدار لازم است که انسان در طول زندگی به یاد مرگ باشد؟ و آیا یاد مرگ موجب افسردگی و رکود در کارهای زندگی نمی شود؟

ج. آن چه لازم است، اجتناب از محرمات است هر چند با کمک یاد مرگ باشد و سر افسردگی ناصحیح، دنیازدگی است.

آرزوی مرگ و شهادت

۱۱۵۳. آیا جایز است انسان آرزوی مرگ یا شهادت بنماید؟

ج. با انگیزه ی ایمانی، آرزوی شهادت جایز است.

کراهت از مرگ

۱۱۵۴. آیا اگر کسی مرگ را کراهت داشته و از آن خوشش نیاید، اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد، ولی خواه ناخواه مرگ او را در می یابد و وقتی احساس رفتن کرد، مکروه است لقای الهی را خوش نداشته باشد.

نفرین بر خود

۱۱۵۵. اگر کسی بر خود نفرین کرده و مثلاً بگوید:

«خدایا من را از این دنیا خلاص کن!»، چه حکمی دارد؟

ج. در روایت دارد چنین نگویید؛ زیرا که هول و هراس مطَّلع، عظیم است.

محروم کردن از ارث

۱۱۵۶. آیا فرد می تواند بر اثر اختلاف با فرزند خود، او را از ارث محروم سازد؟

ج. خیر نمی تواند از سهم شرعی او از ترکه اش جلوگیری کند و این منافاتی با جواز وصیت در ثلث و یا تقلیل ترکه ندارد.

انتقال اموال به غیر ورثه

۱۱۵۷. آیا جایز است انسان اموال خود را در مرضی که منتهی به مرگ می شود یا غیر آن به دیگران (غیر از ورثه) منتقل کند؟

ج. بله، جایز است.

آگاه کردن ورثه به اموال

۱۱۵۸. اگر انسان مالی داشته باشد و آن را جایی پنهان کرده و یا به کسی سپرده باشد و وارثان از آن اطلاع نداشته باشند، آیا لازم است آنان را از این امر مطلع سازد؟

ج. بله.

گماشتن قیّم

۱۱۵۹. آیا فردی که در آستانه مرگ است، لازم است برای فرزندان کوچک خود قیّم تعیین نماید؟

ج. اگر انسان فرزند یا فرزندان صغیر و نابالغ داشته باشد و نگماردن قیّم و سرپرست به آنان موجب تضییع حقوق فرزندان و یا از رفتن بردن اموال و حقوق ایشان می گردد، واجب است کسی را به عنوان قیّم و سرپرست بر آنان بگمارد و اگر چنین نباشد گماردن قیم، واجب نیست.

تعیین قَیِّم از طرف دیگران

۱۱۶۰. آیا افراد دیگر – اعم از اطرافیان محتضر و یا حاکم شرع – می توانند بر فرزندان صغیر و نابالغ او قَیِّم تعیین کنند؟

ج. جد پدری طفل و بعد از او حاکم شرع می توانند این کار را بکنند.

عدالت قَیِّم

۱۱۶۱. شرایط قَیِّم چیست؟

و آیا لازم است که فرد قیّم عادل نیز باشد؟

ج. خیر، همین که امین باشد کافی است.

پرداخت بدهی

۱۱۶۲. فردی که علائم مرگ را در خود می بیند و قرض مدت داری نیز دارد، لازم است که در همان وقت آن را ادا کند؟

ج. زود پرداخت کردن آن لازم نیست؛ ولی باید وصیت کند که بازماندگانش در زمان سررسید بدهی، آن را پرداخت نمایند.

پرداخت حقوق توسط اطرافیان

۱۱۶۳. اگر هنگام ظهور نشانه های مرگ انسان یقین داشته باشد که اطرافیان پس از او حقوقی که بر گردن اوست را به نحو شایسته پرداخت می کنند، آیا لازم است که خود به این امر مبادرت ورزد؟

ج. با تمکن در آن چه فوریت دارد لازم است و در غیر آن، با اطمینان به انجازِ آنها با وصیت او، می تواند به همان وصیت اکتفا کند.

نشانه های مرگ

۱۱۶۴. کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، چه باید بکند؟

ج. اوّل لازم است توبه کرده و سپس به انجام واجبات و به پرداخت اموال و حقوقی که بر عهده دارد بپردازد و یا به انجام و پرداخت آنها وصیت نماید، اگر اطمینان به انجام آن دارد.

وظایف اطرافیان محتضر

۱۱۶۵. اطرافیان و نزدیکان فردی که در بستر مرگ افتاده است، نسبت به او چه وظایفی بر عهده دارند؟

ج. بر همه مکلفین واجب کفاییست علی الاحوط که مسلمانی را که در حال جان کندن و احتضار است (اعم از مرد و زن و بچه و بزرگ) رو به قبله نمایند، به این صورت که وی را به پشت خوابانده و کف پاهایش را رو به قبله قرار دهند، به گونه ای که اگر نشست، رویش به سمت قبله باشد و نیز مستحب است نزدیکان محتضر او را تلقین نموده و ذکر لا اله الا اللّٰه و محمد رسول اللّٰه و اقرار به امامان و سایر اعتقادات حق را در آن حالت سخت به او تلقین نمایند و به گونه ای به او تلقین کنند که محتضر بفهمد

و مستحب است که تا وقت مرگ محتضر، مکرّر به وی تلقین نمایند. خواندن دعای عدیله در نزد محتضر نیز مناسب است.

سخت شدن جان کندن

۱۱۶۶. اگر جان کندن فردی دشوار شد، چه راه هایی برای آسان شدن جان کندن او وجود دارد؟

ج. مستحب است اگر جان کندن او سخت شد، محتضر را به محل مخصوصی که معمولاً در آنجا نماز می خوانده انتقال دهند، البته این در صورتیست که این کار موجب اذیت او نشود، نیز مستحب است سوره یس و صافات، برای زودتر راحت شدن محتضر قرائت شود.

آن چه نزد محتضر باید پرهیز کرد

۱۱۶۷. از چه اموری باید نزد محتضر پرهیز کرد؟

ج. ۱) گذاشتن چیز سنگین مانند آهن بر شکم محتضر؛

۲) تنها گذاشتن محتضر؛

۳) حضور شخص جنب و حائض در کنار محتضر؛

۴) زیاد سخن گفتن نزد محتضر؛

۵) حضور مرده شورها نزد محتضر؛

۶) حضور زن ها به تنهایی در نزد محتضر، از جمله اموریست که مکروه است نزد محتضر انجام شود.

جراحی، تشریح و پیوند

جراحی زن حامله

۱۱۶۸. اگر زن حامله ای بر اثر حادثه تصادف و مانند آن بمیرد و فرزند او در شکمش زنده باشد، وظیفه چیست؟

ج. بیرون آوردن بچه واجب است؛ اگر چه به شکافتن شکم زن بینجامد. (به توضیح مذکور در مسأله ی ۵۴۶ رساله مراجعه شود.)

بچه مرده در رحم مادر

۱۱۶۹. اگر بچه در رحم مادر بمیرد و باقی ماندن او در شکم مادر خطرآفرین باشد چه باید کرد؟

ج. در صورت امکان باید با راهی که برای مادر راحت تر است بچه را از شکم او بیرون آورند و اگر در آخر کار راه بیرون آوردن بچه در قطعه قطعه شدن او منحصر گردد، باید چنین کنند.

(و توضیح بیشتر در مسأله ی ۵۴۵ رساله ذکر شده است.)

دیه تشریح مسلمان

۱۱۷۰. آیا تشریح بدن مسلمان موجب دیه است؟

در صورت اثبات دیه اگر یکی از ارگان های دولتی و یا آموزشی بدن مجهول الهویه ای را تشریح کرد، دیه آن را به چه

کسی باید بپردازد؟

ج. بله، موجب دیه است و دیه ی او را باید کسی بدهد که بالمباشره این تشریح را انجام داده است - هر کسی که باشد - و این دیه ربطی به ورثه ندارد و برای خود میّت در امور خیر مصرف می شود.

فروختن اعضای میّت

۱۱۷۱. آیا اولیای میّت، می توانند اعضای میّت را به بیماران نیازمند بفروشند؟

ج. جایز نیست، مگر این که بدنِ میّت کافر باشد یا نجات مسلمانی منحصر در آن باشد و با اجازه ی ورثه خرج خود میّت کردن موافق احتیاط است؛ هر چند در صورت جواز عمل و مصالحه ی بر عوض، حکم دیه ندارد.

تشریح بدن مسلمان

۱۱۷۲. آیا تشریح بدن میّت مسلمان جایز است؟

و اگر پیشبرد علم پزشکی مبتنی بر آن باشد، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

استفاده از اعضای کسی که فوت مغزی نموده

۱۱۷۳. آیا می توان اعضای شخصی را که دچار مرگ مغزی شده است (و از لحاظ پزشکی امیدی به زنده ماندن وی نیست، ولی برخی اعضا مثل قلب وی برای مدتی کار می کنند) به بیماری که محتاج است پیوند زد؟ (با توجه به اینکه در صورت صبر، ممکن است دیگر، قابل پیوند نباشند).

ج. چون در همان مدّتی که قلب کار می کند و مغز مرده است، امکان دارد دارویی اختراع یا کشف شود که مغز را به کار اندازد (این مطلب هر چند در خیلی از نفوس موجب یقین به عدم باشد، ولی در بعض نفوس و افراد، یقین به عدم نیست؛ زیرا پیدا شدن بعضی داروها که برای بعض امراض اختراع یا کشف می شود، آنی است) لذا با این احتمال، جایز نیست.

تشریح کسی که وصیت به تشریح نموده

۱۱۷۴. آیا تشریح مسلمانی که وصیت کرده بعد از وفاتش، وی را تشریح کنند، جایز است؟

ج. در صورت توقّف حیات مریض هایی بر این کار و عدم تمکّن از بدن کافر، با احتیاط در اجازه گرفتن از ورثه و اجازه گرفتن از حاکم شرع، بعید نیست جایز باشد.

تشریح جسد مجهول الاسلام

۱۱۷۵. اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست جسد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح نماییم؟

ج. اگر اماره ای (نشانه ی معتبر) بر اسلام یا ذمّه ی اسلام بعد از فحص و تحقیق، نباشد و توقّف امور هم بر تشریح آن باشد و اجازه گرفتن از حاکم شرع که بصیر در موضوعات و احکام است بشود، در موارد خاصّه اش، دور نیست جایز باشد.

حرمت تشریح جسد مسلمان

۱۱۷۶. آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیّع در عدم جواز تشریح جسد، وجود دارد؟

ج. در صورت حرمت، تفاوت بین آن دو در اقوی بودن موجبات تحریم در مورد اهل تشیّع است، مثل دوران امر بین دو حرام و اضطرار به یکی از دو حرام.

تشریح جسد اعدام شدگان

۱۱۷۷. آیا می توان جسد افراد به ظاهر مسلمان (مسلمان شناسنامه ای) را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق مواد مخدر، مسائل سیاسی و ... اعدام شده اند، تشریح نمود؟

ج. در ارتدادی که موجب کفر باشد و توبه اش قبول نشود مانعی ندارد، اما در بقیه نه.

استفاده از اعضای میّت برای پیوند با اجازه ی ولی

۱۱۷۸. اگر شخصی در طول زندگی اش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشت، آیا پس از مرگش می توان با اجازه ی ولی وی چنین کاری را انجام داد؟

ج. در صورت ضرورت و توقّف حیات دیگران بر این اعمال و عدم امکان استفاده از بدن کافر، ظاهراً مانعی ندارد.

اجازه ی ولی برای استفاده از اعضای میّت با عدم رضایت قبلی میّت

۱۱۷۹. اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد، ولی پس از وفاتش ولی وی مایل به این کار باشد، آیا می توان چنین کاری را انجام داد؟

ج. به حسب ظاهر مانعی ندارد، با شرایط ذکر شده در جواب سؤال قبلی.

پیوند اعضا

۱۱۸۰. اگر میّت در زمان حیات اجازه دهد که اعضای بدن او را پس از مرگ جدا کرده و به بیماران نیازمند پیوند بزنند، این عمل جایز است؟

ج. در صورتی که راه نجات فردی مسلمان متوقف و منحصر به دادن عضو به او باشد و تهیه آن از غیر مسلمان هم ممکن

نباشد، اشکالی ندارد.

وصیت میّت برای پیوند اعضا و عدم رضایت ولی

۱۱۸۱. اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند زنند، اما ولی وی پس از مرگش از این کار ناراضی باشد، آیا این کار را بدون اجازه ی ولی می توان انجام داد؟

ج. اگر مورد دیگری برای این کار نیست، احتیاطاً با اذن حاکم شرع این کار را انجام بدهند.

وصیت میّت برای پیوند اعضا بعد از موت

۱۱۸۲. اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند، آیا مجاز به این کار هستیم؟

ج. در صورت توقّف حیات بیمار بر این پیوند و عدم امکان استفاده از بدن کافر، احتیاطاً از ولی متوفّی هم اجازه بگیرد.

استفاده از جسد مجهول الهویّه برای نجات جان مسلمان

۱۱۸۳. ۱) در مواردی که نجات جان بیمار مسلمانی، وابسته به پیوند یک یا چند عضو از شخص دیگری باشد، اگر جسد مجهول الهویه ای که اعضای قابل پیوندی داشت، در دسترس باشد آیا می توان این اعضا را به بیماری که محتاج است، پیوند زد؟

ج. اگر حفظ حیات بیمار متوقّف بر این پیوند باشد و آن جسد هم احترامی نداشته باشد که مانع باشد (مثل اینکه محکوم به اسلام باشد چون نمی توان جسد میّت مسلمان را تقطیع نمود مگر با شروطی)، مانعی ندارد.

۲) در فرض فوق، اگر بعداً ولی متوفّی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد، چه باید کرد؟

ج. ظاهراً به دیه یا ضمان قیمت تنزل پیدا می کند و اگر آن پیوند با اذن مریض یا ولی مریض بوده، ظاهراً خود مریض ضامن است.

پیوند اعضای حیوانات

۱۱۸۴. اگر عضوی از اعضای حیوانات را به انسان پیوند بزنند، آیا اشکال دارد و حکم نجاست و طهارت آن عضو چگونه است؟

ج. در موقع ضرورت جایز است و اگر عرفاً جزو بدن انسان محسوب شود، پاک است.

امور پس از مرگ

وظایف پس از مرگ

۱۱۸۵. بعد از وفات چه اموری را باید در رابطه با میّت رعایت نمود؟

ج. ۱) بستن پلک چشم ها، لب و دهان او؛

۲) با پارچه و چیزی مانند آن آرواره و دو فک و چانه او را به هم ببندند؛

۳) دسته ای او را به دو پهلوی وی دراز کنند؛

۴) پاهای او را دراز کنند؛

۵) پارچه ای بر روی او بکشد و بدن او را بپوشانند؛

۶) در محلی که میّت جان داده در شب چراغ روشن کنند؛

۷) مرگ وی را به اطلاع مؤمنین برسانند تا در مراسم او حضور به هم رسانند؛

۸) در انجام مراسم خاک سپاری او عجله کنند؛ مگر با اشتباه حال او که باید تا حصول یقین به موت او صبر کنند.

دست زدن به میّت

۱۱۸۶. آیا دست زدن به بدن میّت قبل و بعد از سرد شدن بدن او، موجب نجاست دست می شود؟

ج. اگر قبل از غسل دادن میّت باشد و با رطوبت مس شود، مطلقاً موجب نجاست می شود؛ بلکه بدون رطوبت هم احتیاط خوب است.

رها شدن کارهای میّت

۱۱۸۷. شخصی مشغول کارهای میّت است آیا بر دیگران کارهای میّت واجب است یا نه و اگر شخصی مشغول کارهای میّت شود و عمل را نیمه کاره رها کند، دیگران چه وظیفه ای دارند؟

ج. اگر کسی مشغول کارهای میّت شود، بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند؛ ولی اگر او عمل را نیمه کاره بگذارد، باید دیگران تمام کنند.

اطمینان به تجهیز میّت

۱۱۸۸. وظیفه شخصی که اطمینان به این پیدا نکرده است که آیا دیگران مشغول کارهای میت شده اند یا نه، چیست؟

ج. باید اقدام کند.

مفهوم اذن ولی میّت

۱۱۸۹. معنای اذن ولی میّت در انجام امور میّت، آیا اذن زبانی و لفظیست یا اذن فحوی و شاهد حال نیز کفایت می کند؟

ج. اذن فحوی و شاهد حال نیز کفایت می نماید.

اجازه از ولی میّت

۱۱۹۰. شخصی که میّت او را برای انجام کارهایش انتخاب و معیّن کرده است، آیا برای انجام کارهای میّت باید از ولی هم اجازه بگیرد، یا اجازه لازم نیست؟

ج. بنا بر اظهر لازم است آن شخص از ولی میّت برای این کارها اجازه بگیرد.

مراتب اولیای میّت

۱۱۹۱. اولیای میّت به ترتیب اولویت چه کسانی هستند؟

ج. به ترتیب طبقات ارث است و ولی زن، شوهر اوست و در مرتبه بعد از او مردهایی هستند که از او ارث می برند، به ترتیب اولویّت در ارث.

قصد قربت در تجهیز میّت

۱۱۹۲. در کدام یک از اعمالی که مربوط به تجهیز میّت است قصد قربت شرط است و در کدام یک قصد قربت شرط نیست؟

ج. در غسل و نماز میّت قصد قربت لازم است و در کفن نمودن و دفن کردن، لازم نیست.

مرگ مغزی

۱۱۹۳. آیا کسانی که بر اثر سکته مغزی و یا ضربه مغزی و ... دچار مرگ مغزی می شود و به گفته پزشکان مرده تلقی می شوند، آیا به لحاظ فقهی نیز میّت هستند؟ و جدا کردن دستگاه های پزشکی و عدم رسیدگی درمانی به آنان چه حکمی دارد؟

ج. تا از تمام جهات نمرده اند، میّت نیستند و باید به آنها رسیدگی شود.

رابطه زوجیّت پس از وفات

۱۱۹۴. آیا احکام مربوط به زوجیت بین زن و شوهر، پس از وفات و حتی پس از اتمام عده ی وفات زن باقی است؟

و اگر پس از آن به دلایلی قبر شوهر شکافته شود، آیا زن می تواند بدن او را ببیند؟

ج. فی الجمله رابطه محرمیت باقی است، ولی استمتاع (بهره جنسی) از او جایز نیست.

تمتّع مرد از همسر مرده

۱۱۹۵. آیا تمتع (بهره جنسی) مرد از جسد همسر مرده خود جایز است؟

ج. خیر.

غسل میّت

نحوه غسل میّت

۱۱۹۶. غسل میّت چگونه است؟

ج. واجب است میّت را سه غسل بدهند:

اوّل غسل با آبی که به سدر مخلوط باشد.

دوم غسل با آبی که به کافور مخلوط باشد.

سوم غسل با آب خالص و مراعات این ترتیب لازم است و در صورت به هم خوردن ترتیب، از همان جا که به هم خورده اعاده کنند.

عدم امکان غسل میّت

۱۱۹۷. در صورتی که غسل دادن میّت ممکن نباشد وظیفه چیست؟

ج. باید بنا بر احتیاط واجب میّت را سه تیمم بدهند و تیمم اوّل را به قصد ما فی الذمه انجام دهند و کسی که میّت را تیمم می دهد بنا بر اظهر باید دست خود را به زمین زده و به صورت و پشت دسته ای میّت بکشد؛ ولی احتیاط در اینست که با دست خود میّت نیز او را تیمم بدهند. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله های ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ رساله مراجعه شود.)

ترتیب در غسل میّت

۱۱۹۸. در غسل میّت، ترتیب راست و چپ بدن معتبر است یا فقط احوط است؟

ج. این ترتیب در غسل میّت مسلّم است که شستن سر مُقَدَّم و شستن طرف راست مُقَدَّم بر طرف چپ است؛ اگر چه در غسل جنابت، این نحو یقینی نیست.

غسل میّت برای کودک

۱۱۹۹. غسل میّت برای کودک، در چه سنی واجب است؟

ج. بچه سقط شده را، اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید بنا بر احتیاط واجب غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

غسل کسی که خون بدنش بند نمی آید

۱۲۰۰. شخصی در اثر حادثه ی رانندگی فوت شده و خون بدنش به هیچ وجه قطع نمی شود. وظیفه ی اطرافیان دربارهی او از نظر غسل و تکفین چگونه است؟

ج. بعد از برطرف شدن عین خون و پاک کردن محل، یک لحظه – و لو به نحو استدامه – آب به قصد غسل جریان پیدا کند کافیست و با چیزهایی مثل پنبه از نجس شدن کفن محافظت می شود.

میّتی که بدن او پانسمان است

۱۲۰۱. اگر برای جلوگیری از خونریزی، زخم متوفّی را بسته اند، وظیفه در غسل چیست؟

آیا وظیفه جبیره است یا باید جبیره را بردارند؟ و اگر برداشتن جبیره ممکن نبود وظیفه چیست؟

ج. تا ممکن است به صورتی که در سؤال قبل ذکر شد غسل دهند یا صبر نمایند که خونریزی متوقف شود و در صورت عدم تمکّن و یأس باید غسل جبیره بدهند.

کسی که سر و سینه و شکم او از بین رفته

۱۲۰۲. شخصی در اثر تصادف به کلّی سر و سینه و شکم او از بین رفته است.

وظیفه از نظر غسل و نماز و کفن چیست؟

ج. هر مقداری که از او باقیمانده است، همان را غسل و حنوط و کفن می کنند و احتیاطاً نماز می خوانند؛ مگر آن که سینه یا بعضی از سینه که محل قلب است موجود باشد هر چند له شده باشد، که در این صورت باید نماز بر او خوانده شود.

کسی که سر و تمام بدنش له شده است

۱۲۰۳. شخصی در یک حادثه ی رانندگی کشته شده و سر او از بین رفته و تمام بدنش له شده است و او را در کیسه ای گذاشته اند، وظیفه نسبت به غسل و کفن او چگونه است؟

ج. هر چه مانده را غسل و کفن کنند و اگر هیچ محلّی برای ازار و قمیص (پارچه های مخصوص کفن) نمانده است، فقط لفّافه واجب است و اگر امکان غسل نیست و تمایز اعضا به گونه ای از بین رفته که تیمّم هم ممکن نیست، ظاهراً ساقط است و

وظیفه ای نیست.

جنینی که با قطعه قطعه شدن بیرون آورده شده

۱۲۰۴. جنینی که بیش از چهار ماه داشته را به ناچار قطعه قطعه کرده و از رحم خارج نموده اند، وظیفه از جهت غسل و کفن چه می باشد؟

ج. همان را با جمع کردن اعضا، به نحو معهود، غسل و حنوط و کفن و دفن کنند.

کسی که مقداری از شکم او دوخته شده

۱۲۰۵. شکم شخصی در اثر تصادف پاره شده و بعد از فوت شکم او را دوخته اند، به صورت طبیعی، مقداری از ظاهر بدن بر اثر دوختن مخفی شده است.

آیا وظیفه فقط غسل است یا تیمّم هم باید ضمیمه شود و یا این که لازم است دوخته شده را بشکافند و به نحو صحیح دوخته شود؟

ج. ظاهر اینست که اگر ظاهر بدن شسته شود، غسل کافی است، مثل انسان زنده.

فوت بچّه و مادر و مسأله ی غسل

۱۲۰۶. بچّه در شکم مادر بوده و هر دو فوت کرده اند.

آیا لازم است بچّه را بیرون آورند و جدا غسل دهند؟

آیا فرقی بین مسلمان و کافر می باشد؟

ج. خیر، لازم نیست.

فوت مادر و خروج نصف طفل و فوت وی

۱۲۰۷. خانمی در حین وضع حمل، در حالی که قسمتی از طفل از رحم خارج شده فوت کرده و بچّه هم در همان حال مرده است، وظیفه از جهت غسل و کفن و دفن چه می باشد؟

ج. بعد از اخراج نصف دیگر، هر یک جداگانه غسل و کفن می شوند.

نبودن ولی شخص متوفّی هنگام غسل

۱۲۰۸. اگر ولی شخص متوفّی حاضر نیست و شاید حضور او تا نصف روز یا یکی دو روز طول بکشد، آیا می توان با اذن

حاکم شرع و در صورت نبودن حاکم با اذن عدول مؤمنین او را غسل داد؟

ج. اگر خوفی بر میّت نیست صبر کنند؛ اگر چه حرمت مسلّم از اولویت زمانی است که مزاحمت با ولی داشته باشد و وجوب اذن و اجازه گرفتن - که عمل بدون آن باطل است - مبنی بر احتیاط است.

ظاهر شدن مدفوع بعد از غسل

۱۲۰۹. اگر غسل میّتی انجام شده باشد و از هر سه غسل فارغ شده باشند، ولی مدفوع از آن ظاهر شود، آیا به غسل میّت لطمه ای وارد می شود یا نه؟ وظیفه چیست؟

ج. فقط باید او را برای تکفین تطهیر و پاک کنند.

خارج شدن خون، مدفوع یا ... در حین غسل

۱۲۱۰. اگر در حین غسل دادن میّتی بول یا خون حیض یا مدفوع و ... از او خارج شود، آیا باید غسل را از سر گرفت؟

ج. انجام دوباره ی غسل لازم نیست و فقط پاک کردن و تطهیر موضع لازم است.

خارج شدن منی در حین یا بعد از غسل

۱۲۱۱. اگر در حین غسل یا بعد از غسل منی از میّت خارج شود، وظیفه چیست؟

ج. فقط تطهیر او لازم است ظاهراً.

بارداری که جنین مرده در شکم اوست

۱۲۱۲. زن بارداری که در شکم خود جنین مرده ای دارد، جهت انجام فریضه نماز آیا لازم است غسل مس میّت نماید و در صورت لزوم آیا باید برای هر نماز غسل به جا آورد یا یک غسل تا خارج شدن جنین کافی است؟

ج. تا جنین مرده خارج نشود و بدن او با ظاهر بدن مادر تماس نگیرد و یا سن او بیش از چهار ماه نباشد، غسل لازم ندارد.

غسل و کفن اشراری که در درگیری های مسلّحانه کشته می شوند

۱۲۱۳. اشراری که در درگیری های مسلّحانه کشته می شوند، مانند قاچاق فروش، منافق، ضد انقلاب و غیره - که به عنوان محارب کشته می شوند، احکام اسلام از قبیل:

تغسیل، تکفین و ...، شامل آنها می شود؟

ج. تا محکوم به کفر نباشند، این احکام ثابت است.

لزوم غسل محکومین به اعدام پیش از اجرای حکم

۱۲۱۴. آیا محکوم به مجازات اعدام یا قصاص نفس، پیش از اجرای مجازات نیاز به غسل میّت دارد؟

ج. بله، نیاز به اغسال سهگانه دارد.

غسل ارتماسی

۱۲۱۵. آیا غسل میّت را هم مانند غسل های دیگر - مثل جنابت - می توانیم به صورت ارتماسی انجام دهیم؟

ج. غسل میّت مثل غسل جنابت است و احتیاط مستحب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند و در صورت غسل ارتماسی، باید آب قلیل نباشد.

غسل حیض یا جنابت برای میّت

۱۲۱۶. شخصی که در حال جنابت یا در حال حیض بمیرد، غسل حیض یا جنابت بر او واجب است؟

ج. کسی که در حال حیض یا جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است، ولی بنا بر احتیاط موقع غسل دادن میّت، نیّت غسل جنابت و یا حیض را نیز بنمایند.

نگاه به عورت میّت

۱۲۱۷. نگاه کردن به عورت میّت چه حکمی دارد و در صورت حرمت، آیا غسل باطل است؟

ج. حرام است و کسی که او را غسل می دهد، اگر نگاه کند معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی شود.

غسل میّت دیوانه

۱۲۱۸. آیا غسل شخصی که از کودکی دیوانه بوده و با همین حالت هم بالغ شده واجب است یا خیر؟

ج. چنان چه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام از آنها مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست.

نیّت در غسل

۱۲۱۹. آیا در غسل میّت، نیّت هم لازم است و در صورت لزوم، آیا برای هر غسل باید تجدید نیّت نمود؟

ج. کسی که غسل میّت را انجام می دهد باید قصد قربت داشته باشد - یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد - و اگر به همین نیّت تا آخر غسل سوم باقی باشد، کافیست و تجدید نیّت لازم نیست، اگر چه احوط است.

فقدان سدر و کافور

۱۲۲۰. اگر در هنگـام غسل میّت سـدر یا کافور و یا هر دوی آنها پیـدا نشـده، یا حق اسـتفاده از آنها به دلایل مختلف از جمله غصب وجود نداشته باشد، تکلیف چیست؟

ج. باید به جای هر کدام از آنها که ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب میّت را با آب خالص غسل بدهند.

مقدار سدر و کافور

۱۲۲۱. مقدار استفاده از سدر و کافور در غسل میّت چه قدر باید باشد؟

ج. نبایـد به قـدری زیاد باشـد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که عرفاً نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

ترتیب در غسل میّت

۱۲۲۲. ترتیب در غسل دادن با سدر و کافور و آب خالص کدام است و در صورت به هم خوردن این ترتیب، وظیفه چیست؟

ج. غسل اوّل لازم است با آبی که به سـدر مخلوط است باشد و غسل دوم با آبی که مخلوط با کافور است انجام شود و غسـل سوم با آب خالص باشد و در صورت به هم خوردن ترتیب، از همان جا که ترتیب به هم خورده اعاده کنند.

قسمت جدا شده

۱۲۲۳. قسـمتی از بـدن شخصـی در اثر تصادف از بـدن وی جـدا شـده است، آیا آن قسـمت جدا شده در غسل، حکم میّت را دارد؟

ج. اگر آن قسمت دارای استخوان باشد، غسل آن واجب است.

لمس عورت میّت هنگام غسل

۱۲۲۴. اگر کسی هنگام غسل عورت میّت را لمس نماید، عمل حرامی مرتکب شده است؟

ج. بله.

چسبیدن مانع به بدن میّت

۱۲۲۵. اگر به جاهایی از بـدن میّت چیزی هم چون اثر چسب زخم و ... مانـده باشـد و بر طرف کردن آن دشوار باشد، وظیفه چیست؟

ج. باید غسل جبیره ای بدهند.

پوشش جسد

۱۲۲۶. در هنگام غسل دادن میّت، آیا پوشاندن تمام بدن یا بعضی از بدن میّت لازم است؟

اگر مماثل باشند چه طور؟

ج. در مماثل پوشاندن غیر عورت لازم نیست و توضیح بیشتر در مسائل ۴۶۳ و ۴۶۶ رساله ذکر شده است.

رعایت موالات در غسل

۱۲۲۷. آیا در غسل میّت موالات بین اعضا و موالات بین غسل های سهگانه شرط است؟

ج. ظاهراً شرط نیست.

غسل جبیره ای میّت

۱۲۲۸. آیا می توان در صورت عذر یا جراحت، میّت را به صورت جبیره ای غسل داد؟

ج. بله و احتیاطاً او را تیمم هم بدهند.

غسل و کفن فرد سنگسار شده

۱۲۲۹. نحوه غسل و کفن فردی که سنگسار می شود و یا محکوم به قصاص نفس است، چگونه می باشد؟

ج. در صورتی که قبل از اجرای حکم به فرمان حاکم یا بدون آن، با غسل های سهگانه میّت، غسل نموده باشد، پس از اجرای حکم، غسل دادنش واجب نیست و بعد از آن می توانند او را تکفین و حنوط کنند.

غسل غیر شیعه

۱۲۳۰. آیا غسل دادن مسلمان غیر شیعه اثنی عشری واجب است؟

ج. بله، واجب است.

برخورد ظرف با بدن میّت

۱۲۳۱. در ضمن غسل اگر ظرفی که با آن مشغول غسل دادن میّت هستند با بدن میّت برخورد نماید، آیا ظرف نجس می شود؟

ج. بله، نجس می شود.

پاک شدن وسایل غسل

۱۲۳۲. میزان پـاک شـدن وسایـل و لبـاس هـا بر اثر تبعیّت پس از غسل میّت چه مقـدار است و آیا کفش و لباس های غسّال و دست و بدن او را نیز شامل می شود؟

ج. تخته یا سنگی که روی آن میّت را غسل می دهند و پارچه ای که با آن عورت میت را می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد، بعد از تمام شدن غسل پاک می شود.

خروج خون حیض در هنگام غسل

۱۲۳۳. چنان چه در هنگام غسل از میّت خون حیض خارج شود، چه باید کرد؟

ج. صبر کنند تا خون حیض تمام شود و بعد از تطهیر موضع نجس غسل را ادامه دهند و از سرگرفتن لازم نیست.

اجساد یافت شده شهدا

۱۲۳۴. باقی مانده اجساد مطهر برخی از شـهدای جنگ تحمیلی، پس از سال ها توسط گروه های تفحص پیدا می شوند و فقط مقداری اسـتخوان از آنان به دست می آید، کیفیت غسل و کفن و نماز میّت آنان را بیان فرمایید؟ و آیا با مس آنها غسل مس میت واجب می شود؟

ج. استخوان آنان غسل و کفن و نماز دارد و مس آن هم موجب غسل مس میّت می شود، بنا بر احوط.

غسل و تیمم میّت با بیماری مسری

۱۲۳۵. برخی از بیماری ها بسیار مهلک و مسری است، غسل و کفن کسانی که بر اثر چنین بیماری هایی مرده انـد، با احتمال سرایت و ضرر جانی برای غسل دهنده، چه حکمی دارد؟

ج. طوری بـا حائـل و پوشـش هـای حفـاظتی غسـل دهنـد که ضـررآور نباشـد و فرو بردن اعضای سـهگانه غسل، در آب کثیر کافیست و هم چنین غسل ارتماسی بنا بر اظهر کفایت می کند، هر چند مخصوص غسل ارتماسی خلاف احتیاط است.

غسال

۱۲۳۶. کسی که می خواهد میّت را غسل دهد، چه شرایطی باید داشته باشد؟

ج. باید مسلمان، دوازده امامی و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند.

غسل دادن توسّط کسی که غسل بر عهده اوست

۱۲۳۷. کسی که غسل مس میّت و یا غسل دیگری بر او واجب شده می تواند میّت را غسل دهد؟

ج. بله می تواند.

غسّال جنب

۱۲۳۸. آیا شخص جنب می تواند مرده ها را غسل دهد؟

ج. بله می تواند.

غسل زن و شوهر

۱۲۳۹. آیا هر یک از زن و شوهر می توانند دیگری را برهنه غسل دهد؟

ج. خلاف احتیاط مستحب است.

(مسأله ی ۴۶۳ رساله).

عدم تشخیص جنسیّت میّت

۱۲۴۰. اگر جسد میّت به گونه ای باشد که نتوان جنسیت وی را تشخیص داد، آیا زن باید متکفل غسل او شود یا مرد؟

ج. محارم او از زیر لباس با عدم نظر و لمس، علی الاحوط او را غسل دهند و اگر محارم ندارد شرط مماثلت ساقط است و احتیاط آن است که هر یک از مرد و زن او را از روی لباس غسل دهند بر هر تقدیر.

لباس ها و وسایل غسّال

۱۲۴۱. اگر لباس و وسایل غسّال حین انجام غسل به واسطه غساله میّت پیش از غسل نجس شود، آیا پس از اتمام غسل به واسطه تبعیت آنها پاک می شوند؟

ج. به مسأله ی ۲۱۵ رساله رجوع کنید.

اجرت گرفتن برای امور میّت

۱۲۴۲. اجرت گرفتن برای انجام امر واجب کفایی - مثل غسل میّت و نماز و دفن آن - شرعاً چه حکمی دارد و اگر برای انجام این فرایض مطالبه ی وجهی شود، آیا به صحّت نماز و غسل و دفن مُضر می باشد؟

ج. اگر کس دیگری برای غسل میّت نباشد، گرفتن اجرت جایز نیست، مگر آن که برای امور غیر واجب مثل انجام مستحبّات، اجرت بگیرد.

البتّه اگر برای خود غسل هم اجرت بگیرد، غسل صحیح است و اگر کس دیگری باشد، بنا بر احوط گرفتن اجرت جایز نیست.

امکان اشتراک چند نفر در غسل میّت

۱۲۴۳. در غسل میّت آیا لازم است هر سه غسل را یک نفر انجام دهد و یا این که هر سه عضو در غسل را یک نفر انجام دهد؟

ج. لازم نیست و در این فرض هر کدام در اوّلِ عملِ خود نیّت می نماید که بعضی از مجموع غسل را به جا می آورد، برای امر خدا.

کمک دیگری به غسّال

۱۲۴۴. شخص غسّالی نیّت غسل میّت کرده و مشغول شستشوی جسد می باشد.

شخص دیگری به عنوان کمک - که نیّت غسل میّت نکرده - در آبکشی جسد به غسّال کمک می کند، یعنی آب بر روی جسد می ریزد. آیا این غسل صحیح است یا خیر؟

ج. اگر غاسل بر او صدق نمی کند، مانعی ندارد و نیّت مقلِّب (کسی که جسد را جهت غسل حرکت می دهد) مستحب است و نیّت دو نفر مشترک بر هر دو واجب است.

غسل زن به وسیله مرد و بالعکس

۱۲۴۵. آیا در غیر حال ضرورت زن می تواند مرد را و همچنین مرد می تواند زن را غسل دهد؟

ج. خیر نمی تواند و غسل باطل است.

(به مسأله ی ۴۶۳ رساله و بعد آن مراجعه شود.)

نبودن مماثل

۱۲۴۶. زنی فوت کرده و مماثل یا محارم نیست که او را غسل دهد. اگر برای اجنبی تحصیل محرمیّت ممکن باشد، آیا لازم است، مثل این که نوه ی او را عقد کند، یا لازم نیست؟

اگر ولی دختر حضور نداشته باشد چه طور؟

ج. ظاهراً تحصیل محرمیّت لازم نیست.

غسل دادن یکی از محارم با وجود مماثل

۱۲۴۷. اگر به جهت جهل، با وجود مماثل یکی از محارم متوفّی را غسل دهد، وظیفه چیست؟

و اگر میّت را دفن کرده باشند چه طور؟

ج. اگر دفن نشده، احتیاطاً تجدید کنند و بعد از دفن ظاهراً لازم نیست.

بودن @مماثلی که غسل صحیح نمی داند

۱۲۴۸. اگر مماثل هست ولی غسل صحیح را نمی داند یا نمی تواند انجام دهد و یا اطمینان به صحّت غسل او نیست، وظیفه چیست؟

چه زمانی در فرض سؤال نوبت به غیر مماثل می رسد؟

ج. در فرض اوّل، غسل می تواند به امر نمودن محرم انجام شود، مثل غاسل غسل دهنده ی کتابی (اهل کتاب).

در فرض دوّم نوبت به غیر مماثل محرم می رسد و در فرض سوّم عمل غسل دهنده حمل بر صحّت می شود.

مماثلی که فقط می تواند تیمّم دهد

۱۲۴۹. اگر مماثل هست ولی قدرت بر غسل دادن ندارد، اما قدرت بر تیمّم دارد، آیا وظیفه، غسل توسّط غیر مماثل است یا وظیفه، تیمّم دادن میّت است؟

ج. در این فرض محرم غسل می دهد و احتیاط به ضم تیمّم هم می نمایند.

(ص ۱۷۰ جامع المسائل.)

نبودن محارم نسبی

۱۲۵۰. آیا با نبودن محارم نسبی، محارم سببی غیر از شوهر - مثل پدر شوهر و داماد و ... -

مقدم بر اجنبیست یا در یک ردیف محسوب می شوند؟

ج. آری، آنها مُقَدَّم اند.

معلوم نبودن مرد یا زن بودن متوفّی

۱۲۵۱. شخصی در آتش سوزی فوت کرده و مشخّص نیست که مرد است یا زن، تکلیف غسل یا تیمّم او چیست؟

ج. با فرض امکان، محارم او را از روی جامه بدون نظر و لمس غسل می دهند علی الاحوط و اگر ممکن نیست، شرط مماثلت

ساقط است و احوط غسل دادن هر یک از مرد و زن است او را از روی لباس.

غسل بعد از تیمم

۱۲۵۲. اگر به علت نبودن آب، میّت را تیمم دادیم و بعد از آن آب پیدا شد، آیا غسل لازم است و اگر بعد از تیمم مراحل بعدی را نیز انجام داده و او را کفن کردیم، در صورت پیدا شدن آب وظیفه چیست؟

ج. در صورتی که خوفی بر میّت، در تأخیر دفن نیست، باید آن را غسل دهند و حنوط و کفن کنند و اگر نماز بر او خوانده اند، بنا بر احوط دوباره بخوانند.

نبودن آب جهت غسل

۱۲۵۳. اگر جهت غسل میّت آب نداشته باشیم یا آب کمتر از غسل داشته باشیم، وظیفه چیست؟

ج. در این رابطه به مسأله ی ۴۷۱ رساله رجوع شود.

اگر جسم میّت قابل تیمم نباشد

۱۲۵۴. چنان چه بر اثر حادثه ای جسد میّت قابلیت غسل و تیمم نداشته باشد، چه باید کرد؟

ج. باید او را غسل یا تیمم جبیره ای بدهند.

غسل مس میّت

۱۲۵۵. غس مس میّت یعنی چه؟ و در چه صورتی بر انسان واجب می شود و به چه گونه ای باید انجام شود؟

ج. اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که غسلش نداده اند و بدنش سرد شده برساند باید غسل مس میّت نماید، چه آن میّت مسلمان باشد یا کافر و چه در خواب یا بیداری بدن او را مس نماید و چه در حال اختیار مس کند یا بدون اختیار مس نماید و کیفیت غسل مس میّت با غسل های دیگر فرقی ندارد و کسی که غسل مس میّت نموده باید برای نماز وضو بگیرد بنا بر احوط.

شک در انجام غسل مس میّت

۱۲۵۶. اگر بر کسی غسل مس میّت واجب شود و پس از مدتی در انجام آن شک داشته باشد، تکلیف چیست؟

ج. برای نمازهای بعدی باید غسل کند.

مس شهید

۱۲۵۷. آیا با مس شهید، غسل مس میّت واجب می گردد و شهیدی که با مس او غسل واجب نمی گردد، کدام شهید است؟

ج. شهیدی که در معرکه جهاد و قبل از انقضای جنگ و در جنگ همراه با امام علیه السّلام یا نایب خاص او کشته شده است، مس او موجب غسل واجب نمی گردد.

معلوم نبودن سردی و گرمی میّت

۱۲۵۸. میتی را مس کرده ایم ولی معلوم نشده است که بدنش سرد است یا گرم، آیا غسل مس میّت واجب است یا خیر؟

ج. خیر.

غسل مس میّت در صورت عدم سرایت نجاست

۱۲۵۹. شخصی میّت را لمس کرده است، بدون این که رطوبتی از میّت به بدن او منتقل شود، در این صورت آیا غسل واجب است؟

ج. اگر قبل از غسل میّت و بعد از سرد شدن بدن او باشد، غسل مس میّت واجب می شود و سرایت کردن یا نکردن نجاست، ملاک وجوب غسل مس میت نیست.

مس میّت و وضو

۱۲۶۰. آیا مس میّت باعث باطل شدن وضو می شود؟

ج. بله، ناقض وضو است.

غسل جنابت بدل از غسل مس میّت

۱۲۶۱. بر عهده شخصی غسل مس میّت است، اما با غافل ماندن از این تکلیف، اقدام به غسل جنابت کرده است، آیا باید غسل مس میّت را نیز به جا آورد یا همان غسل جنابت کفایت از غسل دوم می کند؟

ج. همان غسل جنابت چون به قصد وظیفه بوده کافی است.

توقف در مسجد و خواندن سوره های سجده دار

۱۲۶۲. کسی که بر عهده وی غسل مس میّت است، آیا می تواند در مسجد توقف کند و آیات سجده دار بخواند؟

ج. جواز توقف او در مسجد و جواز خواندن آیات سجده دار برای او خالی از وجه نیست، اگر چه احتیاط در اجتناب است.

مس چند میّت

۱۲۶۳. شخصیست که چند میّت را مس کرده است، آیا یک غسل بر گردن اوست یا چند غسل باید انجام دهد، همچنین کسی که چند بار یک میّت را مس کرده است، چند غسل بر عهده او می باشد؟

ج. یک غسل کافی است.

نماز با غسل مس میّت

۱۲۶۴. آیا با غسل مس میّت می توان نماز خواند یا وضو هم باید گرفت؟

ج. باید پس از آن وضو هم گرفت، علی الاحوط.

مس دندان میّت

۱۲۶۵. دندان یا استخوان هایی که از بدن انسان – خواه زنده باشد و خواه مرده – جدا می شود، آیا با مس کردن آنها غسل مس میّت بر انسان واجب می شود یا خیر؟

ج. برای مس استخوان و دندانی که از مرده جدا شده باشد و آن را غسل نداده اند، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کرد و هم چنین برای مس استخوانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، بنا بر احوط غسل واجب است.

مس قسمت جدا شده بدن

۱۲۶۶. قسمتی از بدن انسانی زنده یا مرده جدا شده است، آیا با لمس کردن آن، غسل مس میّت واجب می شود یا خیر؟

ج. اگر آن قسمت جدا شده دارای استخوان است، چنان چه پیش از آن که آن قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مس نماید، باید غسل مس میّت نماید.

مس بعد از اتمام سه غسل

۱۲۶۷. اگر شخصی میّت را بعد از غسل سوم مس نماید. ۱) آیا غسل مس میّت بر او واجب می شود یا خیر؟

ج. غسل بر او واجب نمی شود.

۲) اگر قبل از اتمام غسل سوم مس نماید چه حکمی دارد؟

ج. غسل بر او واجب می گردد.

موارد وجوب غسل مس میّت

۱۲۶۸. غسل مس میّت در چه صورتی واجب است؟

ج. از حیث غایات، مثل موارد وجوب غسل جنابت است و از حیث موجبات، به مسائل ۴۷۴ الی ۴۸۰ رساله مراجعه شود.

مس میّت حیوان

۱۲۶۹. اگر انسان یک حیوان مرده ای را مس کند، آیا غسل مس میّت بر او واجب می شود؟

ج. خیر، (مسأله ی ۴۷۴ رساله).

مس در خواب و یا اجبار

۱۲۷۰. اگر کسی در خواب یا مجبوراً میّت را لمس کند، آیا غسل بر او واجب می شود؟

ج. بله، واجب می شود. (مسأله ی ۴۷۴ رساله).

تیمم میّت

۱۲۷۱. بعد از تیمم دادن میّت (به دلیل نبودن آب یا ...) اگر کسی به میّت دست بزند، آیا باید غسل کند؟

ج. خیر، بنا بر اظهر غسل کردن بر او واجب نمی شود، اگر چه احتیاط مستحب در غسل کردن است.

(مسأله ی ۴۷۴ رساله).

سرد شدن بدن میّت

۱۲۷۲. اگر بدن میتی تماماً سرد نشده است، آیا مس این میّت غسل دارد؟

ج. غسل واجب نیست، اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.

مو و ناخن میّت

۱۲۷۳. اگر کسی مو و ناخن میّت را لمس کند، باید غسل کند؟

ج. خیر، غسل واجب نیست.

بچه متولد شده بعد از مردن مادر

۱۲۷۴. اگر در هنگام تولد بچه ای، مادرش مرده است یعنی بعد از مردن مادر به دنیا آمده آیا بعد از بالغ شدن باید غسل مس میّت کند؟

ج. با فرض این که معلوم نیست تماس بدن طفل با بدن مادر بعد از سرد شدن بدن او هم بوده یا خیر (مسأله ۴۸۹ رساله)

تکلیفی ندارد، به خلاف این که برای او ثابت شود بعد از سرد شدن بدن مادر دنیا آمده که باید پس از بلوغ غسل کند (مسأله ۴۷۷ رساله) و در صورت شک در این مطلب که آیا بعد از سرد شدن بوده یا قبل از آن، غسل واجب نیست.

نماز بدون غسل مس میّت

۱۲۷۵. کسی که غسل مس میّت بر عهده اش است، آیا می تواند بدون غسل نمازهای یومیّه را بخواند؟

ج. خیر، نمی تواند.

تماس به میّت از روی کفن

۱۲۷۶. آیا دست زدن به بدن میّت از روی کفن احتیاج به غسل دارد؟

ج. خیر.

تماس با جسد هنگام تشریح

۱۲۷۷. در هنگام تشریح اگر دست ما به مرده ای که نمی دانیم مسلمان است یا کافر بخورد، آیا غسل مس میّت لازم است؟

ج. در وجوب غسل فرقی بین میّت مسلمان و کافر نیست. (مسأله ی ۴۷۴ رساله).

پاشیدن آب از بدن مرده

۱۲۷۸. آیا پاشیدن آب از بدن مرده موجب غسل مس میّت می شود؟

ج. خیر.

آناتومی جسد

۱۲۷۹. با توجه به رشته تحصیلی مجبوریم برای آناتومی جسد به آن دست بزنیم، آیا غسل مس میّت بر ما واجب می شود؟

ج. اگر تماس قبل از غسل دادن او باشد، بله غسل واجب می شود هر چند مجبور باشد.

ماساژ دادن محتضر

۱۲۸۰. آیا با ماساژ بدنی شخصی که در حال مرگ است، غسل مس میّت بر انسان واجب می شود؟

ج. تا کاملاً نمرده و پس از مردن تمام بدن او سرد نشده است، غسل واجب نمی شود. (مسأله ی ۴۷۵ رساله)

لمس میّت با دستکش

۱۲۸۱. اگر کسی با دستکش، بدن یا عضو میّت را لمس کند، آیا غسل مس میّت دارد؟

ج. خیر.

تماس بدن با بیماران مرگ مغزی

۱۲۸۲. برخی از بیماران بر اثر مرگ مغزی مرده تلقی می شوند، اما ممکن است قلب آنها تا مدتی تپش داشته باشد، آیا تماس با چنین افرادی مس میّت تلقی می شود؟

ج. تا کاملاً نمرده و پس از مردن تمام بدن او سرد نشده است، غسل واجب نمی شود. (مسأله ی ۴۷۵ رساله).

بطلان وضو به واسطه مس میّت

۱۲۸۳. آیا مس میّت علاوه بر وجوب غسل موجب باطل شدن وضو نیز می شود؟

ج. بله، بنا بر احتیاط.

حدث اصغر یا اکبر بودن مس میّت

۱۲۸۴. آیا مس میّت حدث اصغر محسوب می شود، یا حدث اکبر به شمار می رود؟

ج. چنـان چه حـدث اکبر باشـد موافق احتیـاط است؛ لکن عـدم آن خـالی از وجه نیست (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۴۸۳ رساله رجوع شود.)

بند ناف بچه

۱۲۸۵. آیا تماس انسان با بند ناف بچه - پس از جدا شدن - موجب نجاست و غسل مس میت می شود؟

ج. خیر.

حنوط

۱۲۸۶. حنوط چیست و آیا واجب است یا خیر؟

ج. حنوط یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای میّت کافور بمالند؛ حنوط میّت واجب می باشد.

عدم حنوط بعضی از قسمت های واجب

۱۲۸۷. فردی به علت ندانستن مسأله، بعضی از واجبات حنوط را انجام نداده و دسته ای میّت را حنوط نکرده است، وظیفه

چیست؟

ج. باید دستهایش را هم حنوط کند.

ترتیب در حنوط

۱۲۸۸. آیا ترتیبی در حنوط کردن میّت وجود دارد؟

و اگر ترتیب رعایت نشود، حنوط اشکال پیدا می کند یا خیر؟

ج. احتیاط مستحب آن است که اوّل کافور را به پیشانی میّت بمالند و در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست و عدم رعایت ترتیب، اشکالی به آن وارد نمی کند.

زمان حنوط کردن

۱۲۸۹. شخصی میّت را بعد از کفن کردن حنوط کرده است آیا حنوط باطل است؟

ج. بهتر آن است که میّت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایند؛ اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد.

حنوط میتی که در حال احرام مرده

۱۲۹۰. شخصی که در حال احرام بستن حج قبل از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد، آیا باید حنوط شود؟

ج. حنوط کردن او جایز نیست.

حنوط میتی که در حال احرام عمره مرده

۱۲۹۱. شخصی در حال احرام عمره قبل از این که تقصیر کند مرده است آیا حنوط کردنش واجب است؟

ج. نباید او را حنوط کنند.

حنوط زنی که در عدّه است

۱۲۹۲. در احکام هست زنی که در عدّه است و شوهرش مرده، نباید تا زمانی که در عده است خود را خوشبو کند؛ اگر زنی در این حال بمیرد آیا حنوط او واجب است؟

ج. حنوط او واجب است.

خوشبو کردن میّت با مشک و عنبر

۱۲۹۳. فردی میّت را با مشک و عنبر خوشبو کرده است - یعنی به کافور، مشک و عنبر را مخلوط کرده است - آیا حنوط این میّت صحیح بوده است؟

ج. این عمل مکروه است، ولی حنوط میّت صحیح می باشد.

تربت سیدالشهدا علیه السّلام در حنوط

۱۲۹۴. اگر مقداری از تربت امام حسین علیه السّلام را به کافور مخلوط کرده و میّت را حنوط کنند، صحیح است یا خیر؟

ج. عمل مذکور مستحب است، ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی احترامی می شود نرسانند و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد که وقتی با کافور مخلوط شد، آن را کافور نگویند.

کم بودن کافور

۱۲۹۵. اگر کافور به اندازه غسل و حنوط نباشد، کدام را باید مقدم کرد؟

ج. در این صورت بنا بر احتیاط واجب غسل را مقدم دارند و اگر برای هفت عضو نرسد، پیشانی را مقدم دارند.

کفن

دفن میّت با لباسی که آیات قرآن و ... بر آن نوشته شده

۱۲۹۶. آیا جایز است میّت را با کفنی که سر تا پای آن قرآن و دعا و اسماء و کلمات مقدّسه نوشته شده کفن کنند؟ با توجّه به این که پس از متلاشی شدن بدن میّت، کفن با خوناب و سایر رطوبت های میّت آلوده می شود.

ج. جایز است و اولی بلکه احوط مراعات امن از نجاست و قذارت است.

تعیین کفن به منزله ی وصیّت

۱۲۹۷. شخصی بدون وصیّت و با داشتن صغیر، فوت کرده است ولی برای خود کفنی که مشتمل بر قطعات اضافی و مستحبّ ست مهیّا کرده و یا قبری با ارزش بالا تهیّه نموده است، آیا تعیین کردن قبر یا کفن به منزله ی وصیّت است و داخل در ثلث می باشد یا خیر؟

ج. مازاد بر واجب با التفات ظاهر اینست که وصیّت است و از ثلث محسوب می شود.

کفن، قبل از غسل مس میّت

۱۲۹۸. کسی که میّت را غسل داده اگر قبل از غسل مس میّت بخواهد میّت را کفن کند، چه حکمی دارد؟

ج. مستحب است غسل کند و وضو هم بگیرد.

جواز کفن توسّط جنب و حایض

۱۲۹۹. کسی که غسل جنابت یا حیض یا ... به او واجب شده است، آیا می تواند میّت را کفن کند؟

ج. می تواند، ولی مستحب است با طهارت از حدث اکبر و اصغر باشد.

کفن روی جبیره

۱۳۰۰. آیا روی جبیره ای که بیشتر اعضا را گرفته، می شود کفن کرد یا این که لازم است تفحّص شود که خون قطع شده یا نه؟ و اگر خون قطع شده آیا باید محل را تطهیر نموده و جبیره را برداشت؟

ج. اگر غسل صحیح واقع شده و تفحّص محذوری ندارد، احتیاطاً تفحّص شود و جبیره زاید را بردارند.

تکفین میّت مسلمان با کفن نجس

۱۳۰۱. میّت مسلمانی را با کفن نجس، کفن کرده اند.

وظیفه دیگران دربارهی تطهیر آن پیش از دفن، پس از قرار دادن در لحد و پیش از پوشاندن قبر و نیز پس از پوشیدن کامل قبر را بیان نمایید.

ج. اگر پیش از دفن بفهمند، باید آن را تطهیر کنند.

اگر پس از قرار دادن در لحد باشد، باید آن مقدار نجس را بِبُرند. اگر پس از دفن کامل و پوشاندن قبر باشد، اگر ممکن باشد قبر را سوراخ کنند و آن قسمت را قیچی کرده و جدا کنند به طوری که نبش قبر نشود و اگر آن هم ممکن نشد، به گونه ای نبش کنند که هتک حرمت میّت نشود. مانند این که پرده یا خیمه ای قرار دهند و از پشت آن، قسمت نجس را ببرند. زیرا کفن کردن با پارچه ی ممنوع، مانند کفن نمودن با حریر است که باید ملاحظه ی مرتبه ی هتک را بکنند که آیا نبش قبر هتک کمتری دارد یا باقی گزاردن کفن بر آن حالت.

کفن میّت از مال وارث صغیر

۱۳۰۲. آیا برای کفن کردن میّت به مقدار لازم و حتی به مقدار بیشتر می توان از ارث نابالغ استفاده کرد، با این که وارثین بالغ دیگر اجازه چنین کاری را داده اند؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۴۹۴ مراجعه شود.)

نبودن کفن در زلزله

۱۳۰۳. در اثر زلزله تعداد زیادی کشته شده اند و کفن هم به اندازه کافی وجود ندارد، تکلیف چیست؟

ج. اگر سه پارچه (لنگ، پیراهن، سرتاسری) برای کفن میسّر نشود، به هر کدام که میسر باشد اکتفا می شود، اگر چه اسم هیچ یک از این سه پارچه بر او صدق نکند؛ بلکه اگر هیچ پارچه ای مقدور نشود و فقط مقداری جهت پوشاندن عورتین موجود باشد، واجب است با آن، عورتین را بپوشانند.

اندازه پیراهن، لنگ و سرتاسری

۱۳۰۴. بلندی پیراهن میّت و همچنین بلندی لنگ و سرتاسری میّت باید چه قدر باشد؟

ج. بنا بر احتیاط لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

شهادت مرزبانان

۱۳۰۵. مرزبانان و پاسدارانی که در جریان مبارزه با مواد مخدر و در راه پاسداری از دین و کشور کشته می شوند، آیا حکم شهید دارند و نیازی به غسل و کفن ندارند؟

ج. نیاز به غسل و کفن دارند، حتی در موردی که برای حفظ اهل اسلام بوده است، بنا بر احوط.

نوشتن ادعیه و ... بر کفن

۱۳۰۶. نوشتن چه چیزهایی بر کفن مستحب است؟

ج. ۱) نوشتن کل قرآن؛

۲) نوشتن دعای جوشن کبیر و صغیر؛

۳) نوشتن دو بیت شعری که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام بر کفن سلمان نوشتند:

وفدت علی الکریم به غیر زاد

من الحسنات و القلب السلیم

و حمل الزاد اقبح کل شی ءٍ

اذا کان الوفود علی الکریم

«بی آن که توشه ای از حسـنات و کارهای نیک و قلب سالم انـدوخته باشم بر خداوند بزرگوار و کریم وارد شدم؛ زیرا هرگاه انسان بر شخصی بزرگوار وارد می شود، زشت ترین چیزها آن است که زاد و توشه با خود ببرد.»

۴) نوشتن سند روایت معروف به سلسله الذهب نیز مستحب است؛

۵) نوشـتن اقرار و شـهادت بـه خداونـد و پیـامبر گرامی اسـلام و ائمـه علیهـم السّـلام و نیز اقرار به اعتقـادات حـق بر روی کفن مستحب است.

خونی شدن کفن

۱۳۰۷. پس از اتمام غسل و کفن اگر کفن نجس شود و غسّال نسبت به این مطلب بی توجهی کنـد، اطرافیان و یا شاهـدان چه وظیفه ای بر عهده دارند؟

ج. در این صورت شسـتن، بریدن و یا عوض کردن کفن، - بنا بر تفصـیلی که در مسأله ی ۵۰۳ رساله ذکر شده است - وظیفه همه است.

گذاشتن چوب تر

۱۳۰۸. گذاشتن چوب تر با میّت چه حکمی دارد و نحوه آن چگونه است؟

ج. از مسـتحبات مورد تأکیـد نزد شـیعیان، گذاشـتن دو چوب تر به همراه میّت است که به آن «@جریـدتین» اطلاـق می شود، میّت مرد باشد یا زن، نیکوکار باشد یا گناهکار و چه احتمال عذاب قبر او برود یا خیر و بهتر است یکی از آنها را بالای دست راست، به سـمت بالای اسـتخوان میان گلو و شانه گذاشت، به گونه ای که به بدن و پوست میّت چسبیده باشد و دیگری را در سمت چپ از روی پیراهن و زیر سرتاسری از استخوان میان گلو و شانه ها هر جا که برسد، قرار داد.

اشتباه قرار دادن چوب تر

۱۳۰۹. میتی را بعـد از این که در قبر گذاشـتند به جای این که چوب در دو طرف میّت بگذارنـد یکی گذاشـتند، آیا باید نبش قبر کرد و چوب دیگر را در طرف دیگر گذاشت؟

ج. خیر، جایز نیست و اصل آن مستحب ست.

عدم جواز چوب خشک به جای چوب تر

۱۳۱۰. آیا به جای دو چوب تازه می شود دو چوب خشک همراه میّت گذاشت؟

ج. خیر.

نماز میّت

نماز بر افرادی که خودکشی نموده اند

۱۳۱۱. نماز خواندن بر جنازه ی اشخاصی که به وسیله ی سم یا با وسایل دیگر خودکشی می کنند، چه صورت دارد؟

ج. اگر مسلمان بوده اند، واجب است.

نماز بر کسی که خاکستر شده

۱۳۱۲. شخصی در آتش سوزی کاملاًـ سوخته و خاکستر شده و خاکستر او با خاکستر بقیه ای اشیا قابل تفکیک نیست. آیا نماز خواندن بر او واجب است و به چه نحوه؟

ج. اگر واجب باشد، اختلاط اثری ندارد.

قصد برای اللهم اغفر للمؤمنین

۱۳۱۳. اگر در نماز میّت وقت گفتن «اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات» @ماعدای دشمنان خود را قصد کند اشکال در نماز ایجاد می کند؟

ج. انسان مؤمن با مؤمنین در جهت ایمان آنها دشمنی ندارد.

شک امام در صحت نماز میّت

۱۳۱۴. شخصی در یکی از روستاهای شهرستانی به عنوان این که مُلّاست نماز میّت می خواند. ولی به تازگی برایش شبهه ای پیش آمده است، زیرا پای او یک وجب کوتاه است.

آیا می تواند نماز میّت بخواند؟ حدود ۲۰ سال با جماعت، نماز میّت خوانده است.

نمازهایی که خوانده، چه حکمی دارد؟

ج. جماعت و فرادا در نماز میّت وظیفه شان تقریباً یکیست و لذا ممکن است که خیلی از آنها واجد شرایط نماز بر میّت بوده اند و لو فرض شود که شرایط نماز جماعت را نداشته اند، با این که ممکن است بگوییم شرط جماعت را هم این گونه عذرها دارند و خصوص این عذر شاید احتیاط هم نداشته باشد.

غلط خواندن نماز میّت

۱۳۱۵. فردی که نماز میّت برخی اموات را می خوانده است، متوجه می شود نماز میّت را گاهی اشتباه می خوانده است؛ مثلاً به جای «اشْهَدُ انَّ محمداً»، «محمدٍ» می خوانده است؛ چه سهواً، چه عمداً. وی احتمال می دهد که چنین اشتباهی را کرده

باشد.

تکلیف چیست؟

ج. اگر به طوریست که اشتباهش را می فهمد و اعاده می کند که مانعی ندارد و نمازهایی را که احتمال می دهد این گونه بوده است، حکم به صحت آنها می کند و اگر طوریست که نمی تواند بر آنها محافظه کاری بکند، با وجود افرادی که توانایی خواندن نماز میّت صحیح را دارند، احتیاط در ترک است.

شرایط نمازگزار

۱۳۱۶. شخصی شیعه است و به بلوغ هم رسیده، آیا می تواند نماز میّت را بخواند؟

ج. بله، می تواند بخواند و به مسأله ی ۵۱۸ و مسائل بعد آن در رساله رجوع شود.

نماز خواندن با کفش

۱۳۱۷. شخصی پا برهنه نمی شود و نماز میّت را می خواند، آیا نماز صحیح است؟

ج. بله.

بلند کردن دستها در هنگام نماز

۱۳۱۸. نمازگزار میتی بدون این که دستها را بالا ببرد نماز میّت را می خواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج. بله.

فاصله کم با میّت

۱۳۱۹. اگر شخصی آن قدر به میّت نزدیک شود که لباسش به میّت بخورد، حکمش چیست؟

ج. اشکال ندارد.

دعا به مؤمنین

۱۳۲۰. امام جماعت در نماز به مؤمنین هم دعا می کند این دعا کردن چه تأثیری برای میت دارد؟

ج. تأثیر دارد، زیرا او سبب شده است که به مؤمنین دعا شود و در غیر جماعت هم دعا برای مؤمنین هست.

گفتن «الصَّلاه»

۱۳۲۱. من به جای ۳ مرتبه «الصلاه» گفتن، ۱ مرتبه گفتم و ۲ مرتبه تکبیر گفتم، صحت و سقم نماز را برایم توضیح بفرمایید؟

ج. اگر سهواً بوده، مانعی ندارد و اگر دو مرتبه تکبیر را به جای دو مرتبه ی «الصلاه» و تکبیر واجب را جداگانه گفته اید، مطلقاً مانعی ندارد.

مکان نماز میّت

۱۳۲۲. به دلیل استحباب نماز خواندن در جایی که بیشتر مردم می آیند، به میتی در وسط خیابان نماز خواندند، آیا این نماز به دلیل سد معبر کردن صحیح است؟

ج. اگر چه سد معبر هم جایز نباشد، ولی نماز صحیح است.

نماز میّت در حال حیض یا جنابت

۱۳۲۳. آیا در حال حیض یا جنابت، می توان نماز میّت خواند؟

ج. بله، می توان.

قصد قربت

۱۳۲۴. اگر کسی نماز میّت را بدون قصد قربت بخواند، صحیح است یا نه؟

ج. قصد قربت شرط است.

نشسته نماز خواندن بر میّت

۱۳۲۵. شخصی به دلیل پا درد، به صورت نشسته بر میتی نماز خوانده است، آیا صحیح است؟

و اگر کسی به دلیل عدم توانایی به صورت نشسته بر میّت نماز خوانده و کسی هم نبوده که ایستاده نماز بخواند و در وسط نماز یک شخص دیگری که می توانست ایستاده نماز بخواند رسیده است آیا باید او نماز را اعاده کند یا همین نماز کافی است؟

ج. اگر کسی نباشد که ایستاده نماز بخواند، می شود نشسته بر او نماز خواند و چنان چه بعد از خواندن نماز و یا بعد از خواندن قسمتی از آن، فردی که قادر به خواندن نماز به صورت ایستاده است پیدا شود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز اعاده شود.

طریقه خواندن نماز بر چندین میّت

۱۳۲۶. شخصی می خواهد چندین میّت نماز بخواند، آیا باید برای هر کدام جدا نماز بخواند یا می شود برای همه یک نماز

خواند؟

ج. می توان برای همه یک نماز خواند، ولی در دعاهایی که بعد از تکبیر چهارم خوانده می شود، باید ضمایر به صورت جمع گفته شود.

تکرار نماز بر یک میّت

۱۳۲۷. شخصی می خواهد برای یک میّت چند بار نماز بخواند تا ثواب بیشتری عاید او گردد، آیا جایز است؟

ج. اگر هر دو نماز از هر جهت مثل هم باشند، مکروه است چند نماز بر میّت خوانده شود. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۵۳۰ رساله رجوع شود.)

نماز نخواندن بر میّت

۱۳۲۸. میتی را بدون این که بر او نماز بخوانند دفن کرده اند، آیا برای نماز خواندن بر او باید نبش قبر کرد؟

ج. اگر خارج کردن میّت از قبر ممکن نیست یا موجب بی احترامی به او می شود، واجب است به قبر او نماز بخوانند وگرنه احتمال دارد مثل غسل دادن و کفن کردن میّت، بیرون آوردن میّت و خواندن نماز بر او واجب باشد.

باطل بودن نماز میّت بعد از دفن

۱۳۲۹. میتی را دفن کردند، بعد از انجام نماز و غسل و کفن مشخص شد که نماز نمازگزار، باطل بوده است وظیفه چیست؟

ج. به پاسخ سؤال قبلی و نیز به مسأله ۵۳۱ رساله رجوع شود.

خواندن نماز بر قبر

۱۳۳۰. میتی را بدون خواندن نماز دفن کرده اند و فردی آمده و بر قبر میّت نماز را خوانده، آیا صحیح است؟

و اگر بعد از مدتی به دلیل آمدن سیل، بدن او از قبر بیرون بیاید، آن نماز میّت را باید اعاده کرد؟

ج. صحیح است، ولی اگر بدن او به سببی مثل سیل و نظیر آن خارج شد، بنا بر احتیاط واجب این نماز اعاده شود.

تزاحم نماز فریضه و میّت

۱۳۳۱. اگر در زمانی که نماز فریضه شخصی می خواهد قضا شود و در تأخیر دفن میّت هم خوف بر میّت وجود دارد، باید نماز میّت را بخواند یا فریضه را؟

ج. اظهر تقدیم فریضه و نماز خواندن بر قبر میّت، بعد از دفن او است.

خواندن نماز میّت

۱۳۳۲. آیا می شود تکبیرات را به صورت فارسی گفت؟

ج. خیر، باید عربی گفت.

نماز میّت به فارسی

۱۳۳۳. اگر کسی پیدا نشود که نماز میّت را به عربی بخواند، آیا می توان نماز را به فارسی یا زبان دیگری به جای آورد؟ و آیا در چنین مواردی پنج تکبیر کفایت می کند؟

ج. کسی که نتواند کمتر از مقدار واجب نماز میّت را که در رساله مذکور است بخواند، نادر است و در چنین مواردی می تواند همین مقدار کم را از روی نوشته بخواند.

درست نخواندن نماز میّت

۱۳۳۴. اگر شخصی عبارات عربی را نمی تواند درست تلفظ کند، آیا می تواند نماز میّت بخواند یا خیر؟

ج. دیگران نباید به نماز او اکتفا کنند.

خواندن تکبیرات نماز میّت

۱۳۳۵. شخصی تکبیرات نماز میّت را به صورت مرتب نخوانده است - یعنی تکبیر اوّل و سوم و دوم و پنجم را جا به جا خوانده، آیا نمازش صحیح است؟

ج. احتیاطاً باید اعاده کند.

اشتباه خواندن نماز میّت

۱۳۳۶. شخصی در موقع خواندن تکبیرات در میّت زن، به جای «هذه» گفته «هذا» آیا اشکال دارد؟

ج. خیر، اشکال ندارد.

آهسته خواندن نماز میّت

۱۳۳۷. شخصی به اندازه ای آهسته تکبیرها و دعاها را می گوید که ممکن است نماز از صورت خود خارج شود، آیا اشکالی دارد؟

ج. آهسته خواندن، سبب خروج از صورت نماز نمی شود.

تیمم در نماز میّت

۱۳۳۸. فردی وضو نداشته است و آب هم در اختیار او بوده امّا تیمم کرده، آیا نماز میّت را می تواند بخواند؟

ج. بله، می تواند.

۱۳۳۹. فردی در حال جنابت بوده است و آب هم موجود بوده ولی تیمم کرده است، آیا می تواند نماز میّت بخواند و استحباب آن در این صورت جاری است؟

ج. می تواند نماز را بخواند، هر چند مستحب است غسل کند.

چگونگی قرار گرفتن نمازگزار در مقابل میّت

۱۳۴۰. شخصی که می خواهد بر میّت زن یا مرد نماز اقامه کند، بهتر است رو به روی میت بایستد یا بالای سر میّت؟

ج. اگر میّت مرد است امام جماعت یا کسی که فرادی بر او نماز می خواند، مقابل وسط قامت یا سینه او بایستد و اگر میّت زن است، مقابل سینه یا سر او بایستد.

لباس غصبی در نماز میّت

۱۳۴۱. فردی لباسی را دزدیده است و در راه از او می خواهند که نماز میتی را بخواند، آیا این نماز صحیح بوده است؟

ج. بله، صحیح است با تمشّی قصد قربت.

نماز میّت توسط زن

۱۳۴۲. آیا زن می تواند بر میّت نماز بخواند؟

ج. بله می تواند.

مقدار پستی و بلندی میّت و نمازگزار

۱۳۴۳. شخصی روی یک تالار دو متری (پله) و میّت روی زمین بوده و نماز را بر میّت خوانده، آیا باید نماز اعاده شود یا صحیح است؟

ج. مکان نمازگزار نباید از جای میّت به قدری پست تر یا بلندتر باشد که عرفاً نماز بر این میّت صدق نکند، ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

مقدار فاصله نمازگزار از میّت

۱۳۴۴. شخصی در فاصله ۵ الی ۶ متری میّت، نماز میّت را خوانده است، آیا نماز صحیح بوده است؟

و فاصله بین نمازگزار و میّت چه مقدار باید باشد؟

ج. نمازگزار نباید به قدری دور باشد که عرفاً نماز بر این میّت صدق نکند؛ ولی در نماز جماعت اگر صف ها به یکدیگر پیوسته باشند، اشکال ندارد.

حایل یا پرده بین نمازگزار و میّت

۱۳۴۵. میّت در جایی گذاشته شده بوده که یک پرده آویزان بوده و به دلیل حرکت پرده به وسیله باد، پرده دائم بین نمازگزار و میّت حایل می شد، آیا نماز میّت صحیح است یا باید اعاده شود؟

ج. اگر عرفاً نماز بر آن میّت صدق می کرده است، نماز صحیح بوده است.

تابوت

۱۳۴۶. آیا تابوت میّت و نمازگزار حایل محسوب می شود؟

ج. خیر.

مقدار پوشش هنگام نماز برای میّت

۱۳۴۷. میتی به دلیل این که نمی شد او را کفن کرد کفن نشده و عورتش هم مشخص است، در چنین مواردی وظیفه چیست، آیا همین گونه می شود بر او نماز خواند؟

ج. در چنین مواردی لازم است عورت میّت را با تخته و آجر و مانند اینها بپوشانند.

معیّن کردن میّت در حال نماز به وسیله نمازگزار

۱۳۴۸. شخصی بر میتی نماز خوانده ولی مشخص نکرده که بر این میّت «قربه الی اللّٰه» نماز می خواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج. هنگام نماز لازم است قصد قربت کرده و میّت را معیّن کند و مقصود از نیّت و تعیین همان قصد است و مرور قصد و نیّت در ذهن یا تلفظ لازم نیست.

نماز میّت بر بی نمازها

۱۳۴۹. بر چه کسانی واجب است نماز میّت خوانده شود و کسی که نماز نمی خوانده، می شود بر او نماز خواند؟

ج. اگر مسلمان بوده، نماز بر او واجب است.

نماز میّت بر گوینده شهادتین

۱۳۵۰. فردی که گوینده شـهادتین باشد و چیزی که منافات با شهادتین باشد از او سر نزده، ولی احکام الهی را عمل نمی کند، آیا بر او نماز میّت واجب است؟

ج. بله، واجب است (جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۵۱۴ رساله رجوع شود.)

محکومین به کفر

۱۳۵۱. آیا افرادی مانند غلات، خوارج، نواصب و کسانی که محکوم به کفر هستند، جایز است بر آنها نماز خواند یا خیر؟

ج. جایز نیست. (مسأله ی ۵۱۴ رساله)

نماز میّت بر کودک

۱۳۵۲. بچه ای کمتر از ۵ سال داشته فوت کرده، آیا نماز میّت بر او واجب است؟

ج. اگر عارف به نماز بوده، احتیاطاً واجب است که بر او نماز خوانده شود.

(مسأله ی ۵۱۴ رساله)

پیدا شدن میّت در شهرهای اسلامی

۱۳۵۳. مرده ای در شهرهای اسلامی پیدا شده، آیا باید بر او نماز خواند؟

ج. بله، (مسأله ی ۵۱۵ رساله).

پیدا شدن مرده در بلاد کفر

۱۳۵۴. مرده ای در بلاد کفر پیدا شده است که در آنجا مسلمانان هم زندگی می کنند، آیا باید بر او نماز میّت خواند؟

ج. در صورتی که احتمال برود این میّت مسلمان است و یا از مسلمانی متولد شده، واجب است بر او نماز خوانده شود.

شک به خوانده شدن نماز میّت

۱۳۵۵. یک فردی مرده است و ما یقین نداریم که کسی نمازش را خوانده یا نه وظیفه چیست؟

ج. باید نماز بر او خواند.

زمان نماز میّت

۱۳۵۶. شخصی قبل از حنوط میّت نماز میّت را خوانده، آیا صحیح است؟

ج. خیر. (مسأله ی ۵۱۶ رساله).

۱۳۵۷. شخصی تصادف کرده و مرده است و یک نفر در محل حادثه حاضر شده و نمازش را قبل از غسل و کفن خوانده است، آیا لازم است بعد از غسل و کفن هم نماز خوانده شود؟

ج. بله، لازم است.

(مسأله ی ۵۱۷ رساله).

عدم شرطیّت طهارت از حدث اصغر و اکبر در نماز میّت

۱۳۵۸. فردی قبل از این که وضو بگیرد و یا غسل کند نماز میّتی را خوانده، آیا نماز صحیح بوده است؟

ج. بله.

وصیت میّت بر نماز خواندن فردی خاص

۱۳۵۹. اگر میّت وصیت کرده باشد که فرد خاصی بر وی نماز بخواند، آیا او باید از ولی میت اجازه بگیرد؟

ج. بله، بنا بر احوط لازم است.

دسترس نبودن ولی میّت

۱۳۶۰. اگر هنگام نماز بر میّت، ولی میّت در دسترس نبود، آیا باید تا دسترسی به وی و اجازه گرفتن از او صبر کرد یا می توان نماز بر میّت را اقامه نمود؟

ج. اگر در صبر کردن محذوری است، با اجازه ی حاکم شرع می توان نماز را اقامه کرد.

نماز بر زنازاده

۱۳۶۱. نماز خواندن بر زنازاده چه حکمی دارد؟

ج. اگر محکوم به اسلام بوده و از مسلمین بوده است، واجب است.

نماز بر غیر شیعه

۱۳۶۲. آیا نماز خواندن بر مسلمانان غیر شیعه اثنی عشری واجب است؟

ج. بله، واجب است.

نماز به بچه ای که مرده به دنیا آمده

۱۳۶۳. آیا نماز خواندن بر بچه ای که مرده به دنیا آمده است، مستحب است؟

ج. خیر.

نماز بر مرده تکه تکه شده

۱۳۶۴. اگر در اثر حادثه ای بدن میّت قطعه قطعه شود و برخی از قسمت های آن یافت شود، نماز خواندن بر آن قسمت ها واجب است؟

ج. اگر آن قسمت سینه ی میّت باشد - کلّاً یا بعض از سینه که محل قلب است - نماز بر آن واجب است.

نماز بر میتی که نمی شناسیم

۱۳۶۵. گاهی برای نماز خواندن بر میتی که نمی شناسیم دعوت می شویم، خواندن عبارت «اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً» در مورد او آیا دروغ محسوب می شود؟

ج. ممکن است از خیر، اصل ایمان را قصد کنید.

نماز بر افراد شرور و فاسق

۱۳۶۶. اگر فرد شرور و فاسقی از دنیا برود، آیا می توان عبارت «اللهم انا لا نعلم منه الّا خیراً» را در مورد او به کار بریم؟

ج. اگر مراد از خیر، ایمان به خدا و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اهل بیت علیهم السّلام باشد، مانعی ندارد.

گفتن جمله ی «اللهم انا لا نعلم منه الّا خیراً»

۱۳۶۷. در نماز میّت آمده:

«اللّهم انّا لا نعلم منه الّا خیراً»، آیا می شود بر غیر عادل این جمله را خواند و با چه قصدی؟

ج. معلوم شد که علم به خیر، علم به ایمان او می تواند باشد.

جماعت خواندن نماز میّت

۱۳۶۸. آیا به جماعت خواندن نماز میّت واجب است؟

ج. مستحب است.

۱۳۶۹. بیش از دو نفر برای نماز خواندن برای میّت حاضر نیستند، آیا می شود به جماعت خواند؟

ج. بله، می شود.

خواندن تکبیرات در نماز میّت

۱۳۷۰. کسی به امام جماعت اقتدا کرده است، ولی تکبیرها و دعاها را نگفته است، آیا نمازش صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست.

جلو افتادن مأموم از امام

۱۳۷۱. شخصی در تکبیر اوّل از امام جلو افتاده است، آیا نمازش را می تواند ادامه دهد یا باید تکبیر را اعاده کند؟ هم چنین فردی در حال خواندن نماز میّت، در تکبیر ۲ و ۳ از امام جلو افتاده، ولی صبر کرده تا تکبیر ۴ و ۵ را با امام بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج. نماز او صحیح است، اما مستحب است همان تکبیر را با امام اعاده نماید.

فردی که دیر به نماز جماعت میّت رسیده

۱۳۷۲. شخصی وقتی به جماعت می رسد که بعضی از تکبیرات نماز میّت گفته شده است، وظیفه اش چیست؟

ج. می تواند اقتدا کند، ولی باید در هر تکبیر به وظیفه خود عمل کند، یعنی دعای مربوط به همان تکبیر را خودش بخواند و بعد از فراغ امام بقیه تکبیرات را تمام کند.

شرایط امام جماعت در نماز میّت

۱۳۷۳. آیا تمام شرایط امام جماعت، در نماز میتی که به جماعت خوانده می شود شرط است؟

ج. احوط، اعتبار جمیع شرایط امام جماعت است.

امام جماعت زن

۱۳۷۴. آیا در نماز میّت، زن می تواند امام جماعت شود؟

ج. اگر واجد تمام شرایط بوده و عادل باشد، فقط برای زن ها می تواند امامت کند.

تشییع و دفن

مستحبات تشییع جنازه

۱۳۷۵. مستحباتی که در هنگام تشییع جنازه بهتر است رعایت شود چیست؟

ج. ۱) پیاده تشییع کردن جنازه؛

۲) حمل جنازه بر دوش، مگر در مواردی هم چون دوری مسافت؛

۳) تفکّر تشییع کننده در مرگ خود؛

۴) حرکت از پشت جنازه؛

۵) حمل جنازه از چهار طرف؛

۶) حرکت صاحب مصیبت با حالت عزاداری و ...

مکروهات تشییع جنازه

۱۳۷۶. آنچه در تشییع جنازه بهتر است ترک شود چیست؟

ج. ۱) خندیدن و شوخی و لهو در هنگام تشییع؛

۲) سخن گفتن و مشغول شدن به غیر یاد خدا و دعا و ذکر و استغفار در هنگام تشییع جنازه مکروه است، به حدّی که در روایت از سلام کردن بر تشییع کننده نهی شده است؛

۳) راه رفتن از جلوی جنازه؛

۴) تند بردن جنازه؛

۵) دست بر دست دیگر زدن و نیز دست بر ران زدن.

دفن شخص خاکستر شده

۱۳۷۷. کسی که با حریق از بین رفته و فقط مقداری خاکستر از او باقی مانده، آیا دفن او واجب است؟

ج. به هر حال احترام مؤمن لازم است.

تماثل در دفن

۱۳۷۸. آن چه که در غسل میّت فرموده اند:

غسّال بایـد @مماثل باشد و در نبود مماثل محارم و ...، آیا در باب دفن میّت هم باید مراعات شود یا وظیفه ی خاصّی وجود دارد؟

ج. مستحب است مباشر دفن زن، شوهر او یا محارم او باشد و با عدم آنها، اقرب ارحام از مردان و پس از آن زنان و پس از آن اجانب و بیگانگان باشد.

اجازه ی ورثه برای دفن در قبر میّت دیگر

۱۳۷۹. شخصی فوت نموده و او را در قبری دفن کرده اند که ورثه خریده اند و بعد از علم یا اطمینان به خاک شدن میّت و باقی نماندن جنازه ی او، می خواهند فرزند یا همسر او را دفن کنند.

آیا اجازه ی همه ی ورثه لازم است؟

ج. در فرض موقوفه نبودن زمین، چون ملک ورثه بوده، نیاز به اجازه ی همه ی آنها دارد، مگر این که یکی از ورثه خریده باشد که اجازه شخص او کافی است.

مالک قبر بعد از دفن میّت

۱۳۸۰. شخصی وصیّت نموده که از ثلث مال او قبری بخرند و او را در آن دفن کنند و بعد از علم یا اطمینان به باقی نماندن جنازه ی او، آیا قبر مذکور، ملک ورثه او است، یا برای او باید خیرات شود؟ و اگر بخواهند شخصی را در آن دفن کنند، چه کسی باید اجازه دهد؟

ج. در این صورت که موضوع باقی نمانده است، مربوط به ورثه می باشد؛ مگر آن که وصیّت به نحو کلّی داشته باشد که باید در آن صرف گردد.

وصیّت دفن در قبر پدر یا مادر بعد از چهل سال

۱۳۸۱. شخصی وصیّت کرده که بعد از فوتم مرا در قبر پدرم یا مادرم بگذارید. در صورتی که ایشان هم چهل سال پیش فوت کرده اند.

آیا این وصیّت صحیح است؟

ج. در فرض مذکور - یعنی بعد از چهل سال - مانعی ندارد.

سالم بودن میّت یا بخشی از بدن او

۱۳۸۲. اگر فردی احتمال دهد قبور قدیمی در اثر زمان خالی شده و میّت خاك شده است، اما بعد از شکافتن ببیند که میّت به همان حال باقیست و یا استخوان های او باقی است، تکلیف چیست آیا بایـد قبر را بپوشانـد و یا می توانـد استخوان ها را کنار زده و میّت را در آن دفن کند؟

ج. اگر اندراس صادق نیست یا مشکوك است، باید آن را بپوشانند و حرام است میّت دیگری را دفن کنند.

آماده نمودن قبر و مثل آن در ایجاد حق دفن

۱۳۸۳. اگر در قبرستان عمومی شخصی قبری را برای خود حفر و آمـاده نمایـد یا مقبره ای بسازد، آیا برای او حقّی ایجاد می نماید یا خیر؟ و آیا دیگران می توانند بدون اجازه ی او، میّتی را در آن دفن کنند؟

ج. اگر برای او جـایز بوده، احتیاط آن است که دیگری را دفن نکننـد؛ مگر با اجازه او، یا آن که مصرف و استفاده از آن قبر توسط سازنده ی آن منتفی شود.

عدم جواز نبش قبر کافر کتابی در زمان هُدنه

۱۳۸۴. نبش قبر غیر مسلمان برای تشریح بدن وی چه حکمی دارد؟

ج. اگر کـافر غیر کتـابی باشـد که احترامی نـدارد و جایز است و اگر کافر کافر کتابی و در زمان هُـدنه (غیر حالت جنگ و یا مصالحه به پرداخت جزیه) باشد، در حکم مسلمان است و جایز نیست. البته در قبرستان مسلمین نباید دفن شود.

دفن در غیر محل وصیت شده

۱۳۸۵. میّتی را در غیر محل دفنی که وصیّت کرده بود، دفن کرده اند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر هتك حرمت میّت نباشد، باید او را نبش قبر کنند و در مکان مورد وصیت دفن کنند.

گذاشتن قرآن و دعا با میّت

۱۳۸۶. آیا گذاشـتن قرآن و ادعیّه و تربت به همراه میّت در قبر خواه میّت وصـیّت کرده باشد و خواه وصـیّت نکرده باشد جایز است یا نه؟ اگر جایز است، چه شرایطی باید مراعات شود؟

ج. در صورتی که هتك نباشد و جایی نگذارند که نجس شود اشکال ندارد.

تلقین

۱۳۸۷. در بعضـی از مناطق رسم است تلقین میّت را بعـد از سـنگ چینی و پوشانـدن لحـد می خواننـد؛ به این ترتیب که اوّل با

سنگ های ضخیم قبر پوشانده می شود و تنها بالای سر یا قسمتی از قبر باز می ماند، به حدّی که ارتفاع به وجود می آید به نحوی که در وقت گفتن کلمات افتتاحیه تلقین، امکان این که دست بر کتف میّت زده و دهان نزدیک گوش او ببرند وجود ندارد، لذا بعضی اوقات با چوب شانه ی میّت را فشار می دهند.

ج. خود تلقین واجب نیست چه رسد به تکان دادن. پس در فرض سؤال به نحوی نباشد که هتک میّت به حساب آید.

باطل بودن نماز یا غسل یا کفن میّت

۱۳۸۸. حکم میتی که یقین به باطل بودن غسل یا کفن یا نماز یا دفن او پیدا شده است چیست؟

ج. به مسأله ی ۵۳۱ و مورد سوّم از مسأله ی ۵۵۰ رساله رجوع شود.

اندازه مخفی کردن میّت در خاک

۱۳۸۹. میت تا چه اندازه باید زیر خاک دفن شود؟

ج. واجب است به مقداری در زمین دفن شود که بوی او بیرون نیاید و درندگان نیز نتوانند بدنش را بیرون آورند.

دفن ناخن و دندان فرد زنده

۱۳۹۰. ناخن و دندانی که از انسان های زنده جدا می شود، آیا لازم است دفن بشود؟

ج. خیر، دفن و اعمال قبل از آن اگر چه متصل به مقداری از گوشت باشد لازم نیست، هر چند احتیاط خوب است.

دفن افراد اعدامی

۱۳۹۱. افرادی که به هر دلیل اعدام شده اند، آیا می توان در قبرستان مسلمانان دفن کرد؟

ج. اگر مسلمان بوده اند، جایز است.

مرگ کارگر در معدن، چاه و ...

۱۳۹۲. اگر کارگران در هنگام کار در معدن، چاه یا قنات بمیرند و بیرون آوردن جسد آنها دشوار باشد، چه باید کرد؟

ج. باید همان مقدار را که بدن میّت در آن قرار گرفته مسدود نمایند و اگر ممکن نیست باید درب چاه یا ... را ببندند و همان محل را قبر او قرار دهند و در صورتی که آن محل مال غیر باشد باید به نحوی او را راضی کنند، اگر چه با پرداخت قیمت آن محل باشد.

مشخص نبودن قبله جهت دفن

۱۳۹۳. اگر در هنگام دفن جهت قبله مشخص نشود و تأخیر در دفن نیز ممکن نباشد وظیفه چیست؟

ج. به هر طرفی که شد دفن کنند و اگر به یک طرف ظن وجود دارد که قبله است همان را اختیار کنند.

دفن اموات در قبرهای چند طبقه

۱۳۹۴. آیا دفن اموات در قبرهایی که بر روی هم و به صورت چند طبقه ساخته می شود، جایز است؟

ج. بله، جایز است.

دفن در مسجد

۱۳۹۵. آیا دفن میّت در مسجد جایز است؟

ج. با ضرر نرساندن به مسلمین و عدم مزاحمت با نمازگزاران و عدم آلوده شدن باطن مسجد، جایز است اگر چه احتیاط در ترک آن است.

امور پس از دفن مجالس عزا، ترحیم و خیرات جهت میّت

مجالس ترحیم

۱۳۹۶. آیا مراسم هفتم، چهلم و سال اموات داخل عنوان احسان، خیرات و مبرّات برای اموات می باشد؟

ج. بلی.

غذا خوردن در منزل صاحب عزا

۱۳۹۷. رسم است که پس از دفن و ... شرکت کنندگان در مراسم، در منزل یا تالار، از طرف صاحب عزا پذیرایی می شوند؛ غذا خوردن در چنین مراسم چه حکمی دارد؟

و اگر غذا نخوردن، ناراحتی و گلایه ی صاحب عزا را به دنبال داشته باشد چه حکمی دارد؟

ج. غذا خوردن اشکال ندارد.

پذیرایی از مال میّت قبل از تقسیم

۱۳۹۸. پذیرایی از شرکت کنندگان در مراسم عزا از اموال میّت که هنوز تقسیم نشده، چه حکمی دارد؟

و در صورت وجود افراد صغیر در ورّاث، اصل عمل و شرکت در آن مراسم چه حکمی دارد؟

ج. تقسیم شدن میزان نیست، بلکه شاهد حال بر رضایت صاحبان حق کافیست و با وجود وارث صغیر، باید با اذن ولی یا قیّم شرعی آنها باشد.

وصیت ثلث دارایی

۱۳۹۹. اگر میتی ثلث دارایی اش، از جمله منزل مسکونی خود را وصیت کرده باشد، اجرای مراسم ترحیم و تصرّف در آن منزل، قبل از اجرای وصیت چه حکمی دارد؟

ج. در حد متعارف که مورد نظر وصیت کننده هم بوده است، اشکال ندارد و اگر غیر متعارف است، در تصرفات باید اجرت و مال الاجاره ی ثلث را برای مصرف در وصیت کنار بگذارند.

زمان عزاداری

۱۴۰۰. چند روز جایز است که عزاداری ادامه یابد؟ و ادامه آن تا شب هفت یا چهلم جایز است؟

ج. اولی اینست که اهل میّت بیش از سه روز برای تعزیه و عزاداری ننشینند.

روش های مطلوب جهت عرض تسلیت

۱۴۰۱. اسلام چه روش هایی را جهت عرض تسلیت به بازماندگان ارایه کرده است؟

ج. آنها را با ذکر هر چه سبب تخفیف حزن آنها شود تسلی بدهد و روایات وارده در اجر مصیبت دیده را برای آنها نقل کند و مجرّد حضور نزد صاحبان مصیبت که او را ببینند در تعزیه ی او کافی است.

آیا هدیه دسته ی گل به صاحب عزا

۱۴۰۲. هدیه دسته های گل به صاحب عزا – که گاهی قیمت آنها بسیار زیاد است – جهت عرض تسلیت، جایز است؟

ج. اینها تسلیت دادن های شرعی نیست؛ ولی منع شرعی هم ندارد و می تواند در بعض موارد مصداق بعض عناوین راجحه باشد.

پارچه نوشته جهت عرض تسلیت

۱۴۰۳. در برخی مناطق پارچه نوشته هایی جهت عرض تسلیت از طرف اطرافیان به مصیبت زدگان هدیه می شود که اطراف منزل صاحب عزا نصب می شود، آیا چنین عملی مشروع است؟

و آیا این عمل مصداق اسراف در پارچه و ... نیست؟

ج. اینها عمل خلاف شرع نیست و اسراف هم نیست.

شرکت در مجالس ترحیم تشریفاتی

۱۴۰۴. آیا شرکت در مجالس ترحیمی که همراه با تشریفات و اسراف و تبذیر بسیار است، جایز است؟

ج. حرام نیست.

پاره کردن لباس

۱۴۰۵. آیا پاره کردن لباس در سوگ عزیزان از دست رفته، جایز است و در صورت عدم جواز آیا باید کفاره پرداخت؟

ج. جایز نیست بدون فرق بین پدر و برادر و بین غیر آن دو بنا بر احوط و در مرگ همسر یا اولاد، کفاره اش اطعام ده مسکین یا لباس پوشاندن به آنها یا بنده آزاد کردن است و اگر نداشت، سه روز روزه بگیرد.

نوحه سرایی با وسایل موسیقی

۱۴۰۶. در برخی از مناطق برای تجلیل از میّت همراه با ساز و ادوات مشترک یا مختص موسیقی نوحه سرایی انجام می شود، استعمال و شرکت و نیز شنیدن چنین نوحه هایی، با توجه به عدم طرب در آن چه حکمی دارد؟

ج. در نوحه سرایی اگر غنا یعنی مطرب باشد، حرام است و در موسیقی حزن آور هم طرب است و استعمال آلات مختصّه ی به لهو در غیر لهو هم جایز نیست بنا بر احوط و شنیدن آن هم به حکم استعمال آن است و بنا بر احتیاط جایز نیست.

سیلی و خراش صورت در مصیبت

۱۴۰۷. در برخی از مناطق رسم است که پس از مرگ یکی از عزیزان، صورت خود را با دست خراشیده یا سیلی می زنند و یا موهای خود را می کَنند، آیا این گونه اعمال شرعاً جایز است؟

ج. جایز نیست.

آیه الکرسی در نماز وحشت

۱۴۰۸. خواندن آیه الکرسی در نماز وحشت و بر سر قبر میّت تا کجا خوانده شود؟ تا «هم فیها خالِدُون» یا تا: «و هو العلی العظیم»؟

ج. احتیاطاً تا «هم فیها خالِدُون» است.

زمان ترتّب احکام میّت

۱۴۰۹. از چه زمانی احکام میّت هم چون (ارث، وصیت، عدّه وفات، برداشتن عضو و ...)

بر میّت مترتب می گردد؟ آیا زمان مرگ مغزی که به لحاظ پزشکی میّت تلقی می شود یا زمان توقف ضربان قلب ملاک است؟

ج. از زمانی که مرگ از جمیع جهات حاصل شود، باید محاسبه گردد.

بهترین اعمال جهت میّت

۱۴۱۰. بافضیلت ترین عملی که می توان برای میّت انجام داد چیست؟

ج. کاری در ترویج مذهب حق، از قبیل نشر کتب و ... انجام دهد و ثواب آن را به او هدیه کند.

اهدای ثواب برای اموات

۱۴۱۱. اگر کسی عمل مستحب خود را به تمام اموات هدیه کند، آیا ثواب این عمل خیر به تمام آنها می رسد یا بین آنها تقسیم می شود؟ و آیا خود او نیز از این عمل بهره ای می برد؟

ج. همه از آن بهره می برند.

صدقه برای میّت

۱۴۱۲. اگر کسی برای میّت صدقه می دهد، بهتر است به نیّت صدقه مستحبی بدهد یا به نیت رد مظالم، که احیاناً بر عهده میّت بوده است؟

ج. دومی بهتر است.

احکام قبر و قبرستان

لزوم رضایت مالک زمین برای تبدیل به قبرستان

۱۴۱۳. در بین قبرستان زمینی است که راه عبور عدّه ایست و به آنها اختصاص دارد.

می خواهند آن زمین را جزو قبرستان کنند و راه عبور آنها را از جای دیگر قرار دهند، امّا یکی از آنها راضی نمی شود؛ حکم شرعی را بیان نمایید.

ج. حق او باقیست و تا او را راضی نکنند، نمی توانند آن را جزو قبرستان کنند.

تزیین قبور

۱۴۱۴. در سال های اخیر تزیین قبور در گورستان ها به یک امر تشریفاتی تبدیل شده و قبرها با سنگ ها و مدل های

گوناگون منقّش می گردند، این عمل از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. مانعی ندارد ولی مکروه است.

دفن در قبرهای قدیمی

۱۴۱۵. معمولاً در قبرستان های قدیمی مرده ها در قبرهایی دفن می شوند که قبلاً قبر دیگری بوده و مقداری استخوان در آنجا یافت می شود، با توجه به این که ممکن است قبر قدیمی توسط اولیای میّت خریده شده باشد، آیا دفن در آن صحیح است؟

ج. قبرهایی را که خریده اند، ملک خریدارهاست و در قبور دیگر هم نبش قبر قبل از پوسیدگی کامل جایز نیست.

حک کردن آیات قرآن روی قبور

۱۴۱۶. حک کردن آیات قرآن و اسمای متبرکه بر روی قبرها چه حکمی دارد؟

و در صورت علم به راه رفتن عابرین از روی آنها، آیا مسؤولین قبرستان می توانند بدون اجازه از اولیای میّت، آن اسماء را محو نمایند؟

ج. اگر در محلیست که معرضیّت نوعیه برای هتک دارد، جایز نیست و مسؤول قبرستان با اجازه، رفع هتک می نماید و اگر دسترسی ندارد مسیر عبور را تغییر می دهد و مادامی که در معرض هتک بالفعل مستمر نیست، تصرّف در آن نمی کند.

قبرستان های قدیمی

۱۴۱۷. قبرستان های قدیمی که امروزه کسی در آن دفن نمی شود و موجب جمع زباله یا تجمع افراد لا ابالی گردیده است، آیا می شود تبدیل به فضای سبز و یا بازار و ... شود؟

آیا موقوفه بودن یا نبودن زمین برای قبرستان در حکم فوق تأثیر دارد؟

ج. در جاهایی که موقوفه باشد، تبدیل آن به غیر قبرستان جایز نیست و در غیر موقوفه هم اگر مالك دارد، هر گونه تصرف در آن مربوط به مالك آن است و در غیر مملوکه هم امر آن راجع به حاکم شرع جامع شرایط است.

زیارتگاه های غیر مستند

۱۴۱۸. زیارت، نذر و پول ریختن برای امام زادگانی که شجره نامه مشخص و سند معتبری از آنان در دست نیست، چه حکمی دارد؟

و آیا لازم است مردم را از رفتن و زیارت به چنین مکان هایی نهی کرد؟

ج. نهی مردم در این امور جا ندارد و زیارت و نذورات هم به قصد رجا مانعی ندارد.

بازارچه احداث شده در قبرستان

۱۴۱۹. قبرستان قدیمی - که به گفته مطّلعین محل، دفن بسیاری از علما و بزرگان بوده است - تخریب و تبدیل به بازار و پاساژ گردیده است، آیا خرید و فروش جنس و سایر تصرّفات در آن و نیز اجاره و خرید مغازه های چنین بازاری جایز است؟

ج. اگر به حاکم شرع مراجعه و اجاره پرداخت کنند؛ با فرض خروج از حیّز انتفاع در خصوص دفن و عدم امکان عود و بازگرداندن به قبرستان مانعی ندارد.

خاک بقیع

۱۴۲۰. کسانی که به قبور ائمه بقیع مشرف می شوند مقداری از خاک آنجا را برای تبرّک آورده و گاهی بر آن نماز می گذراند، با توجه به وقف بودن بقیع جهت قبرستان، آنها نسبت به این مقدار خاک ضامن هستند و آیا نمازهای آنان که بر این خاک خوانده اند باطل است؟

ج. ظاهراً گرفتن و برداشتن تربت از قبور سایر معصومین علیهم السّلام با تربت امام حسین علیه السّلام تفاوتی ندارد که اشاره به آن در مسأله ۲۱۱۲ رساله آمده است.

خرید و فروش قبر

۱۴۲۱. زمین های قبرستان موقوفه ای که سازمان اوقاف آن را به صاحبانش می فروشد، آیا ملک آنان محسوب می شود؟ و در صورت دفن فرد دیگر در آن قبر، بدون اجازه اولیای میّت اوّل قبر غصبی به شمار می رود؟

ج. زمین موقوفه قابل معامله و خرید و فروش نیست و در بعضی موارد اختصاص دادن حق از طرف متولّی شرعی ممکن است، مثل این که دارای نوعی بناست که احکام شرعی هم بر آن مترتب است.

حک و راه رفتن روی اسمای متبرکه قبور

۱۴۲۲. حک و یا راه رفتن بر قبرهایی که نام صاحبان آن عبد الله، عبد الرضا، عبد الرحمن و غلام رضا، غلام حسین و ... است اشکال دارد؟

ج. بلی، مضاف الیه (اللّه، الرضا، الرحمن، رضا و ...) نباید هتک شود.

زیارت اهل قبور در شب

۱۴۲۳. رفتن به قبرستان در شب چه حکمی دارد؟

ج. ظاهراً کراهت دارد.

نبش قبر

۱۴۲۴. آیا اگر میتی را بدون غسل دفن کرده باشند، نبش قبر او جایز است؟

ج. جایز است، ولی احوط اینست که اگر موجب هتك و بی احترامی میّت شود نبش قبر نشود.

ملاک نبش قبر

۱۴۲۵. ملاک در حرمت نبش قبر چیست؟

ج. ملاك آن هتك حرمت و بی احترامی میّت است که در این صورت اگر چه طفل یا دیوانه باشد، نبش قبر حرام است.

نبش قبر برای تعیین قاتل و نجات متّهم

۱۴۲۶. آیا نبش قبر مسلمان برای تشریح بدن وی، جهت تعیین کیفیّت قتل و نجات فرد متّهم به قتل، چه حکمی دارد؟

ج. در مورد ضرورت جایز است.

نبش قبر برای استفاده از جسد و استخوان در آموزش

۱۴۲۷. ۱) آیا می توان برای تشریح، جهت آموزش، به علت کمبود جسد و استخوان (که بدون آنها آموزش امکان پذیر نیست) اقدام به نبش قبر غیر مسلمان نمود؟

ج. جایی که نبش قبر مسلمان حرام است، نبش قبر غیر مسلمانی که در ذمّه اسلام است نیز حرام است.

در غیر آنها با توقّف آموزش بر نبش قبر و عدم محذور دیگر، جواز بعید نیست.

۲) در فرض فوق اگر دانسته نشود این قبر متعلق به مسلمان یا غیر مسلمان است، نبش قبر مجاز است؟

ج. با امارات (نشانه های معتبر) که تفحص از آنها می شود، تعیین می شود که اینها محکوم به حکم مسلمانند یا نه (امارات مثل شهر اسلام و محلّه ی مسلمین و امثال آن). در صورت عدم اماره با شروط ذکر شده جوازش دور نیست.

استفاده از استخوان های پیدا شده برای آموزش

۱۴۲۸. در صورت کمبود جسد و استخوان، آیا می توان استخوان هایی را که در بیابان ها و قبرستان ها می یابیم و یا به وسیله ی عملیات حفاری شهرداری ها در سطح خاك ظاهر می شوند، (چه متعلق به مسلمانان و چه غیر مسلمانان) مدتی جهت آموزش استفاده کرده و بعد از اتمام کار، به یک مرکز آموزشی هدیه یا دفن کرد؟

ج. در صورتی که اماره ای بر اسلام پیدا شود، در حکم مسلمان ها هستند، چه اسلام حقیقی چه اسلام حکمی، در غیر این

صورت با شروط ذکر شده اشکالی ندارد.

نبش قبر با آب گرفتگی قبر

۱۴۲۹. فردی پدر خود را در ملک شخصی خود دفن نموده است.

اکنون با گذشت ده سال از این قضیه متوجه شده اند که قبر را آب فرا گرفته است.

آیا می توانند نبش قبر کنند و در قبرستان دفن نمایند؟

ج. اگر سد آب و منع ورود آن به قبر ممکن است، همان را انجام دهند و اگر ممکن نیست و هتك میّت نباشد، نبش قبر و انتقال آن به مکان مناسب تر، مانعی ندارد.

کیفیّت نبش قبر در قبرهای چند طبقه

۱۴۳۰. قبرهایی که سه طبقه است، اگر جنازه پایینی با کفن مغصوب دفن شده باشد یا به جهتی ضرورت نبش قبر جنازه پایینی پدید آید، شرعاً چه باید کرد؟

ج. اگر ممکن باشد با صاحب کفن مصالحه کنند و قبرها را نبش نکنند و اگر ممکن نشد یا برای جهات دیگر بخواهند نبش کنند، باید به گونه ای از کنار بشکافند که قبرهای رویی نبش نشود.

ساخت پایه های حسینیّه در قبرستان

۱۴۳۱. حسینیه ای را در کنار قبرستان موقوفه ای ساخته اند؛ پایه های حسینیه در قبرستان بر بدنه قبرها ساخته شده است، حکم شرعی چیست؟

ج. باید آن پایه ها را درآورند، این گونه تصرف در قبرستان جایز نیست؛ ولی تصرف در فضا اشکال ندارد، زیرا مزاحمت با دفن ندارد و لذا جایز است پایه ها را در خارج از آن زمین قرار دهند هر چند قسمتی از بنای حسینیه در فضای آن واقع شود.

عدم جواز فروش زمین قبرستان موقوفه

۱۴۳۲. زمینی وقف قبرستان بوده و در آن، میّت دفن کرده اند ولی فعلاً اهل محل به دفن اموات در آن رغبت ندارند و در محل دیگری دفن می کنند، آیا می توان آن را به فروش رساند و در مسجد مصرف نمود؟

ج. با ثبوت وقفیّت، فروش آن جایز نیست، مگر اینکه بهره وری از آن مقدور نباشد.

تبدیل قبرستان عمومی خریداری شده به ملک بهتر

۱۴۳۳. ملکی برای قبرستان عمومی خریداری شده و دو نفر در آنجا دفن شده اند، چون این ملك در زمین شیب قرار گرفته،

اهـالی حاضـر نشـده انـد اموات خود را در آنجـا دفن کننـد، آیا اجازه می فرماییـد هیأت امنا، این زمین را بفروشـند و در کنار قبرستان قدیمی، زمینی را خریداری نمایند؟

ج. در صورتی که از حیّز انتفاع خارج شـده باشد و قابل اسـتفاده نباشـد و هتک به آن دو میّت نباشد، با محافظت از آن، بعید نیست جایز باشد.

دفن اموات در زمین موقوفه امام حسین علیه السّلام

۱۴۳۴. قبرسـتان قدیمی وقف امام حسـین علیه السّـلام بوده و اهالی آن منطقه، به خاطر عدم آگاهی از حکم شرع، اموات خود را در زمین وقف امام حسین علیه السّلام دفن نموده اند، حال متوجّه شده اند که در طول صد سال کار اشتباهی انجام داده اند، آیا می توانند از متولّی، زمین را پنجاه سال اجاره کنند و اجاره زمین را برای امام حسین علیه السّلام مصرف نمایند؟

ج. در صورتی که مصـرف خاصّی برای زمین تعیین نشده باشد، می توانند به بالاترین قیمت اجاره نمایند و اجاره را به مصرف امام حسین علیه السّلام برسانند.

پس گرفتن زمینی که وقف قبرستان شده

۱۴۳۵. اشخاصـی زمینی را جهت قبرسـتان هبه کرده انـد به شـرط این که در این زمین میّت دفن شود؛ حـال بـا توجه به این که اهالی آن محل راضـی نمی شوند اموات خود را در آنجا دفن کنند، آیا واهب (فرد بخشنده زمین) می تواند زمین خود را پس بگیرد؟

ج. در صورتی که وقف شـده باشد و تحویل گرفتن متناسب با وقف صورت گرفته باشد، حق رجوع ندارند امّا در صورتی که مورد استفاده برای اموات قرار نگرفته باشد و واگذاری ابتدایی بوده، مانعی ندارد.

فرض جواز دفن مسلمان در کنار قبور کفار

۱۴۳۶. عـده ای از مسـلمانان در یکی از کشورهـای بیگـانه، یـک قسـمت از قبرسـتان کفّار را خریـده انـد که آنجا را قبرسـتان مسلمین قرار دهند، با اینکه در آنجا چند قبر از کافران هم هست.

آیا این کار اشکال دارد؟

آیا این زمین قابل فروش می باشد؟

ج. اشـکالی نـدارد، زیرا دیگر مقبره ی کفّار بر آن صادق نیست و اگر آنجا را وقف قبرسـتان کردند، دیگر قابل فروش نیست؛ مگر بناهای آن را بفروشند.

حکم زمین قبرستانی که تبدیل به بازار شده است

۱۴۳۷. زمینی سابقاً وقف قبرستان بوده ولی فعلاً از عنوان قبرستان خارج شده و بخشی از آن تبدیل به بازار و غیره شده است.

تکلیف چیست؟

ج. اگر تبدیل آن به قبرستان ممکن نیست، باید متصرّفین در آن اجره المثل زمین را بپردازند تا صرف در خیرات شود، در غیر این صورت غاصب زمین هستند و هنگامی که دفن میّت در آن ممکن شد، باید برای دفن اموات از آن استفاده شود.

تخریب آرامگاه خانوادگی بدون اذن مالکان

۱۴۳۸. عدّه ای آرامگاه و مقبره ی خانوادگی خریده اند.

آیا می توان آن را تخریب کرد؟

ج. بدون اذن آنها نمی توان تخریب کرد، چه اینکه آن قبور ملک آنها باشد یا وقف باشد، زیرا تخریب وقف هم مجوّز می خواهد.

خراب کردن دیوار قبرستان

۱۴۳۹. قبرستانی در مرکز شهر و کنار پارک واقع شده و متأسفانه محل تجمّع اراذل و اوباش و سلب آسایش همسایگان گردیده است.

آیا جایز است دیوارهای اطراف و اتاقک های متروکه حاشیه قبرستان را به گونه ای که آسیبی به قبرستان وارد نشود، تخریب نمود تا از حالت امن بودن برای افراد خاطی، خارج شود؟

ج. تا ممکن است تصرّفات غیر مرضیّه واقف یا مالک نشود و اللّٰه العالم.

خرید قبر از قبرستان وقفی

۱۴۴۰. قبرهایی در قبرستانی وجود دارد که به وسیله اداره اوقاف و امور خیریه به فروش می رسد. اداره مذکور اظهار می دارد این قبرها حد اقل ۵۰ و حد اکثر ۱۰۰ سال از آخرین دفن آن می گذرد و در زمان دفن هم چون قبرستان وقف بوده، پولی بابت قبر دریافت نمی شده است و در حال حاضر مدّعی و صاحبی ندارد؛ آیا خرید آن قبرها اشکال دارد؟

ج. با فرض آن که زمین وقف برای دفن است، خرید و فروش آن جایز نیست. بلی اگر نبش قبر صدق نکنند و بخواهید برای رفع منع از دفن مبلغی با رضایت بدهید، مانع ندارد.

ساخت و ساز در موقوفه برای دفن

۱۴۴۱. قطعه زمینی - که هم اکنون در مقابل صحن مطهر حضرت معصومه علیها السّلام به عنوان میدان آستانه مشهور است -

طبق اسناد تاریخی از حدود ۱۲۰۰ سال قبل به دفن اموات مسلمین اختصاص داشته است که به تدریج در زمان طاغوت به پارک، پاساژ، ساختمان شهرداری و آتش نشانی و فرمانداری تبدیل شده است و غیر از قطعه کوچکی که به قبرستان شیخان مشهور است، کلاً از عنوان قبرستان بودن خارج شده است و در دو سال اخیر جهت طرح بهسازی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السّلام توسط شهرداری، بخش عمده ای از آن تبدیل به بازار سه طبقه شده و مبالغی سنگین هزینه گردیده است.

طبق احکام دادگاه های صالحه جمهوری اسلامی ایران حکم به وقفیّت کل زمین و ابطال اسناد مالکیت صادر شده است.

از سوی دیگر قانون گورستان ها و مقررات بهداشتی حکومتی، مانع دفن اموات در مرکز شهر بوده و هست.

نظر به تبدیل و تبدّل عنوان از زمان غصب و عدم امکان اعاده آن به

صورت قبرستان و اینکه از آن زمان تاکنون محل مورد نظر به صورت پاساژ و واحدهای تجاری درآمده و مورد استفاده قرار می گیرد، متصرّفین تحت چه عنوان فقهی از دِیْن خارج و بریء الذمّه می گردند؟

آیا اداره اوقاف می تواند مبنای اخذ وجه را به قیمت زمان تصرف (زمان سابق)، با قیمت کارشناسی قرار داده و احقاق حق موقوفه نماید.

ج. اجره المثل زمین را تا وقتی که قابل دفن نیست، باید بپردازند.

عدم جواز تصرف در وقف برای قبرستان زرتشتیان

۱۴۴۲. این جانبان شاغل در یکی از نهادها و ساکن در منازل سازمانی آن نهاد می باشیم. اخیراً مطلع شده ایم زمین هایی که این نهاد در آن، منازل سازمانی ساخته است، قبل از انقلاب متَعَلِّق به زرتشتیان بوده و این زمین ها جهت قبرستان به انجمن زرتشتیان ایران وقف شده است، لیکن نهاد، آنها را تصاحب نموده است.

پس از شکایت انجمن زرتشتیان، قرار شد آنها را راضی و اجاره آنها را پرداخت نماید. ولی چندیست اجاره ای پرداخت نمی شود و دو تن از اعضای انجمن در صحبتی که با کارگران خود (که مسلمان و ساکنان منطقه هستند) داشته اند اکیداً عدم رضایت خود را از این عمل نهاد مذکور اعلام کرده اند.

اینک با عنایت به مسائل فوق حکم موارد ذیل را بفرمایید.

۱) سکونت در آن منطقه چه حکمی دارد؟

۲) ادامه کار، تردد و انجام فرایض دینی در آن منطقه جایز است؟

۳) حکم نمازهایی که تاکنون در آن منطقه خوانده ایم چیست؟

ج. سکونت در آن منطقه جایز نیست و تصرّفاتی که تاکنون کرده اند به آنها اعلام کنند که مربوط به ما نبوده و نمازهایی که سابقاً خوانده اند صحیح بوده و قضا ندارد و اللّٰه العالم.

زمین مجهول الهویّه

۱۴۴۳. زمینی است که سال ها در آن آجرپزی می شده و به همین نام معروف است.

در همین زمین اطفال میّت نیز دفن می شده اند، بدون اینکه نام قبرستان بر آن گذاشته باشند. این زمین هم جوار قبرستان است و الآن مدّتیست – شاید نزدیک به ۱۰ تا ۱۵ سال یا بیشتر – که دیگر در آن، طفل میّتی دفن نشده است، با اینکه افرادی داعیه ی ملکیّت آن را دارند، قسمتی از آن برای شرکت نفت روستا زیربنا رفته و قسمتی

هم برای نانوایی و قسمتی هم به عنوان مغازه در نظر گرفته شده و قسمت قابل توجهی هم باقی مانده است، آیا می توانیم آن قسمت اخیر را که باقی مانده، برای مصارف عام المنفعه چون خانه روحانی یا سایر مصارف تصرّف کنیم، یا اگر شخصی حاضر شود آن را بخرد و پولش را اهالی روستا صرف امور عام المنفعه بنمایند، این کار را انجام دهیم؟ البته در صورتی که مدّعیان ملکیت هم راضی باشند یا نتواند مدّعای خود را ثابت کنند.

ج. وقفیّت به صِرف دفن ثابت نمی شود، پس هزینه نمودن آن - بعد از فراغ از آن چه مربوط به مدّعی مالکیت است - برای امور مذکور اشکال ندارد.

تبدیل زمین وقف برای قبرستان

۱۴۴۴. شخصی زمین بایری که در اطراف قبرستان قدیمی بوده خریداری کرده و وقف قبرستان نموده است و پس از مدتی، واقف فوت کرده است چند نفر از اهالی تصمیم گرفته اند آن زمین را تبدیل به زمین زراعی نمایند تا مقداری از سود حاصله را صرف مسجد کنند.

حکم شرعی را مرقوم فرمایید.

ج. در صورتی که وقف برای قبرستان شده است، جایز نیست.

وقف برای قبرستان و عدم احتیاج به آن

۱۴۴۵. شخصی مدّت بیست سال است یک جریب زمین توتون کاری واقع در روستای ...

را وقف مؤبّد و حبس مخلّد نموده است که قبرستان شود. ولی تاکنون برای قبرستان از آن زمین مذکور استفاده نکرده اند چون فعلاً نیازی به قبرستان ندارند حال می شود با تعهّد، زمین نامبرده را با شرایطی اجاره داد که از آن استفاده شود و هر وقت نیاز شد، خلع ید شود یا خیر؟

ج. مادامی که مورد نیاز دفن اموات نباشد با نظر متولّی اشکال ندارد و درآمد باید صرف قبرستان شود.

حصار کشیدن در قبرستان

۱۴۴۶. آیا می توان دور قبرستان عمومی را حصار کشید به نحوی که حصار در زمین قبرستان واقع می شود؟

ج. اگر قبرستان وقف باشد و حصار مانع دفن اموات - و لو در مقداری که حصار دارد - جایز نیست.

احکام قرآن

گرفتن اجرت در برابر تعلیم قرآن

۱۴۴۷. گرفتن اجرت در برابر تعلیم قرآن، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

تلاوت قرآن در صورت ضرر برای چشم

۱۴۴۸. اگر تلاوت قرآن برای چشم کسی ضرر داشته باشد، آیا جایز است هر روز مقداری از قرآن را تلاوت نماید؟

ج. موارد مختلف می شود.

موارد و نحوه استخاره با قرآن

۱۴۴۹. لطفاً موارد و نحوه استخاره ی با قرآن را بیان فرمایید.

ج. به کتب معتبر - مثل مفاتیح الجنان - رجوع شود.

مجالس ختم انعام

۱۴۵۰. در بسیاری از شهرها و روستاها مجالسی به عنوان ختم انعام برگزار می شود که در وسط، آیه های سوره انعام، دعا و ذکرهایی خوانده می شود، آیا چنین ذکرها و دعاهایی مأثور است؟

و خواندن چنین چیزهایی وسط قرائت قرآن مطلوب است یا خیر؟

ج. به قصد خصوصیّت اگر باشد، باید مأثور باشد.

فرق استخاره با تفأل

۱۴۵۱. لطفاً فرق استخاره با تفأل را ذکر کرده و بفرمایید که مورد استفاده هر یک چیست؟

ج. استخاره برای انتخاب است و تفأل برای اطلاع. (جهت آگاهی بیشتر به باب مفصّلی در بحار الأنوار مراجعه شود.)

شنیدن قرآن

۱۴۵۲. کسی که از شنیدن قرآن با صدای نیکو لذت بیشتر و توجه افزون تری نسبت به خواندن آن دارد، می تواند شنیدن تلاوت قرآن را جایگزین خواندن قرآن نماید؟

ج. همراه با شنیدن، خود نیز قرآن بخواند تا ثواب قرائت را هم ببرد و هم چنین می تواند از باب «فاستمعوا و انصتوا» رفتار کند.

قرائت قرآن ریایی

۱۴۵۳. اگر کسی قرآن بخواند برای این که به دیگران قرائت یا صدای خوب خود را بفهماند، عمل او ریا و حرام است؟

ج. اگر از باب ایجاد انگیزه در دیگران نباشد، ریا می شود.

گذراندن معانی قرآن

۱۴۵۴. اگر کسی خواندن قرآن را نذر کرده باشد، می تواند معانی قرآن را در قلب بگذراند بدون آن که به زبان تلفظ کند؟ و اگر تلفظ به زبان باشد ولی سرعت تلفظ زیاد و غیر قابل فهم باشد چه طور؟ و آیا کثرت تلاوت و ختم قرآن در مدت اندك را که از اولیا و بزرگان دین نقل شده، می توان حمل بر تلفظ زبانی کرد یا آن هم مرور دادن معانی در قلب بوده است؟

ج. تلاوت قرآن به خواندن آن است به زبان البته هر چه با تأنّی و دقت خوانده شود مطلوب تر است و کسی که نذر خواندن کرده، باید به طور صحیح آن را به زبان بخواند.

قرآن خواندن در حالت خوابیده

۱۴۵۵. خوابیده قرآن خواندن، چه حکمی دارد؟

ج. اگر فقط خواندن قرآن باشد، اشکال ندارد.

شرکت در کلاس قرآن به خاطر ازدواج

۱۴۵۶. آیا رفتن به کلاس قرآن استادی که دوست دارم با وی ازدواج کنم، گناه است؟

ج. اگر خوف وقوع در حرام و مفسده باشد، گناه است.

فراگیری صوت قرآن از نامحرم

۱۴۵۷. آیا فراگرفتن صوت قرآن کریم از نامحرم درست است؟

ج. خیر، درست نیست.

قرائت نزد نامحرم

۱۴۵۸. قرائت قرآن نزد نامحرم چه حکمی دارد؟

ج. اگر با صوتِ بلند باشد بلکه مطلقاً اشکال دارد.

عدم جواز قرار دادن قرآن در اختیار کافر

۱۴۵۹. آیا جایز است معلّمین، قرآن را در اختیار دانش آموزان بهایی، یا اهل کتاب قرار دهند؟

ج. اشکال دارد.

احکام نماز

مقدمات نماز

۱. وقت نماز

خواندن نماز قبل از اذان یا شک در آن

۱۴۶۰. سال ها بود اذان صبح، طبق کتاب «أحسن التّقویم» مرحوم آیه اللَّه ادیب - رحمه اللَّه علیه - پخش می شد و ما طبق آن عمل می کردیم و بعداً اعلام کردند که طبق نظر افراد خبره، اذان صبح حدود ده دقیقه زودتر از موقع پخش می شده است و ساعات جدیدی تعیین کردند و البتّه این جانب همیشه پس از اذان قدری احتیاط می کردم ولی دقیقاً نمی دانم نمازم داخل وقت بوده یا قبل از آن، تکلیفم چیست؟

ج. نمازهایی که یقین دارید تمام آن قبل از وقت خوانده شده قضا دارد، در غیر این صورت قضا ندارد.

مراد از یقین

۱۴۶۱. این که گفته می شود:

«باید برای نماز، یقین به دخول وقت داشت» مراد یقین شخصیست یا عرفی؟

ج. منظور یقین شخصی، اعم از اطمینان است ولی به وسوسه اعتنا نشود.

اعلام شدن وقت اذان از رسانه ها

۱۴۶۲. وقت اذان که توسّط رسانه ها اعلام می شود؛ آیا حجّت شرعی برای نماز و افطار و ... می باشد؟

ج. میزان احراز دخول وقت است.

شب های مهتابی که ماه کامل است

۱۴۶۳. مسأله طلوع فجر در لیالی مقمره ای (شب هاییست که ماه کامل می باشد) که آقایان اختلاف نظر دارند، نظر حضرت عالی چیست؟

ج. در نزد این جانب با شب های دیگر تفاوتی ندارد و میزان احراز طلوع فجر است.

بیدار ماندن با احتمال خواب برای نماز صبح

۱۴۶۴. اگر کسی بترسد که در صورت بیدار ماندن تا آخر شب، برای نماز صبح بیدار نشود؛ آیا جایز است بیدار بماند؟ و اگر بیدار ماندن برای انجام کار واجب باشد؛ چه حکمی دارد؟

[منظور از واجب، واجب عرفیست].

ج. بیدار ماندن جایز است، ولی باید طوری باشد که با اهمیّت شأن نماز منافات نداشته باشد و موجب از دست رفتن وقت نماز نشود.

وقت نماز ظهر در روز جمعه

۱۴۶۵. اگر موفّق به شرکت در نماز جمعه نشویم؛ وقت نماز ظهر چه موقع است؟

ج. در وقت نماز جمعه، خواندن نماز ظهر اشکال ندارد.

درک نکردن شب در هواپیما

۱۴۶۶. در بعضی از سفرهای خارجی که با هواپیماست اشخاص، ۲۴ ساعت طی مسافت می کنند و همه ی این زمان روز است و شبی را درک نمی کنند؛ بلکه گاهی از اوّل صبح شروع می کنند و بعد از ۲۴ ساعت وقتی به مقصد می رسند، در مقصد، ظهر شرعی نشده؛ اوقات نماز آنها در این ۲۴ ساعت چگونه باید باشد؟

ج. در هر زمان که یکی از اوقات فعلیّت پیدا کرد، وظیفه خود را در همان زمان انجام می دهد و در جایی که اوقات نماز هر چند به مقایسه به نزدیک ترین مکان ها معلوم نیست، باید جایی که مبدأ و آغاز سیر او بوده برای وقت صبح و ظهر و مغرب حساب کند، بنا بر احتیاط وجوبی، گرچه محتمل است عدم تکلیف.

خواندن نماز صبح در مکانی و رسیدن به جایی که طلوع فجر نشده

۱۴۶۷. اگر انسان نماز صبح را در جایی خواند و با هواپیما به محلّی مسافرت کرد که هنوز در آنجا فجر طلوع نکرده؛ آیا پس از طلوع فجر باید نمازش را اعاده کند؟

ج. احتیاطاً خوانده شود.

بیدار نمودن افراد برای نماز

۱۴۶۸. بیدار کردن اشخاص مانند اولاد و مهمان برای نماز واجب چگونه است؟

ج. سیره بر بیدار کردن است؛ مگر در صورتی که برای فردی که خوابیده ضرر داشته باشد.

متذکّر نمودن مریض به وقت نماز

۱۴۶۹. در صورتی که مریضی متوجه اوقات نماز و ادای آن نباشد؛ آیا بر اطرافیانش واجب است به او یادآوری نمایند؟

ج. در فرض سؤال اگر آگاه کردن او به وقت، مُضر به حالش نباشد، جایز است خصوصاً با اجازه ی او از اوّل.

خواندن نماز در پنج وقت

۱۴۷۰. آیا خواندن نمازهای یومیّه در پنج وقت رجحان دارد؟

ج. پس از به جا آوردن نافله، افضل تعجیل است.

وقت نماز نافله مغرب

۱۴۷۱. آیا می شود نافله ی مغرب یا نماز غفیله را بعد از نماز عشا و قبل از ذهاب حمره، به نیّت ادا خواند؟

ج. به جهت رعایت احتمال بودن وقت بین دو عمل (نماز مغرب و نماز عشا)، بدون نیّت ادا یا قضا بخواند.

وقت نماز اوّل ماه

۱۴۷۲. وقت نماز اوّل ماه چه زمانی است؟

ج. وقت نماز اوّل ماه از اوّل طلوع فجر است که اوّل روز شرعی می باشد.

یقین به پخش اذان زودتر از وقت شرعی

۱۴۷۳. اگر فردی یقین کند که اذان پخش شده توسط رسانه پیش از وقت شرعی است؛ چه حکمی دارد؟

ج. باید به یقین خود عمل کند.

پخش کردن اذان بعد از وقت شرعی

۱۴۷۴. با توجه به این که در بعضی منطقه ها اذان صبح را چند دقیقه دیرتر از وقت شرعی پخش می کنند، آیا در ماه رمضان خوردن یا آشامیدن تا گفتن اذان اشکال شرعی دارد؟

ج. بله، تا وقت شرعی بیشتر نمی تواند بخورد یا بیاشامد.

خواندن نماز بعد از وقت

۱۴۷۵. اگر بعد از نماز، نمازگزار بفهمد نماز را قبل از وقت خوانده؛ آیا باید نماز را دوباره بخواند؟

ج. اگر متوجه شود که تمام نماز را پیش از وقت خوانده، باید نمازش را دوباره بخواند؛ ولی اگر در بین نماز بفهمد که وقت داخل شده، یا بعد از نماز متوجه شود که در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

خواندن مقداری از نماز بعد از وقت

۱۴۷۶. در نزدیک غروب، شروع به خواندن نماز عصر کردم دو رکعت از نماز عصر بعد از غروب خوانده شد؛ آیا باید آن را قضا کنم؟

ج. خیر لازم نیست.

ندانستن وقت نماز

۱۴۷۷. اگر روز ورود به کشور خارجی هوا ابری باشد [تشخیص طلوع و غروب خورشید مشکل باشد] و اوقات شرعی را نداند یا منابع خبری در این زمینه قابل اطمینان نباشد، چه موقع باید نمازهای یومیّه را به جای آورد؟ در روزهای آفتابی چه طور؟

ج. در صورتی که احتمال می دهند دسترسی به چیزی پیدا کنند که به واسطه آن علم یا ظن به وقت پیدا می کنند، احتیاط در تأخیر نماز است؛ ولی اگر به خاطر تأخیر، خود به خود علم و یا ظن به وقت پیدا می شود، احتمال دارد همین قدر که گمان به وقت پیدا کردند، بتوانند نماز بخوانند ولی اگر عسر و حرج نباشد احتیاط در تأخیر نماز است.

اشتباه در تشخیص وقت

۱۴۷۸. اگر نمازگزار در تشخیص وقت نماز اشتباه کند و پس از وقت نماز، نماز را با ادا بخواند و یا تیمم کند و نماز بخواند و بعد از آن وقت حقیقی نماز را بیابد و نداند چند نماز پس از وقت و با تیمم خوانده است؛ تکلیفش چیست؟

ج. نمازهایی را که اشتباهاً به نیّت ادا خوانده یا با خوف وقت با تیمم خوانده و بعد از وقت فهمیده، قضا ندارد.

وقت نماز در قطبین و امثال آن

۱۴۷۹. وقت نماز در قطبین و یا در کره ماه [برای فضاپیما] چه موقع می باشد؟

اگر در شهری طول روز طولانی تر از شب باشد [برای مثال: ۱۷ ساعت یا ۲۳ ساعت] چه طور؟

ج. آن مکان هایی که شب و روز دارنـد، حکم آن معلوم است و آن جاهایی که شب و روز ندارنـد، می تواننـد نزدیک ترین مکان ها به آنجا که شب و روز دارند ملاک قرار داده و بر طبق آن نماز بخوانند.

وقت قضای نمازهای یومیّه

۱۴۸۰. نمازهای یومیّه چه موقع قضا می شوند؟

ج. وقتی که دیگر کمتر از یک رکعت وقت دارد.

وقت نماز ظهر و عصر و شروع نماز مغرب

۱۴۸۱. وقت نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب است یا تا ابتـدای اذان مغرب؟ آیا می شود بعد از غروب آفتاب نماز مغرب خواند؟

ج. وقت آن تا مغرب است یعنی تا وقتی که آفتاب از زمینی که مسطح است، غروب کند.

زمان قضا شدن نماز صبح

۱۴۸۲. چه زمانی نماز صبح قضا می شود؟

ج. هنگام طلوع آفتاب.

وقت فضیلت نماز

۱۴۸۳. وقت فضیلت نمازهای یومیّه چه موقع می باشد؟

ج. در این باره به مسأله ی ۶۳۳ رساله و قبل و بعد آن مراجعه شود.

تعیین نصف شب شرعی

۱۴۸۴. راه دقیق تعیین نصف شب شرعی کدام است؟

ج. مقصود از نصف شب، نصف ما بین غروب آفتاب و طلوع فجر (اذان صبح) است نه طلوع آفتاب.

خواندن نماز ظهر و عصر نزدیک غروب

۱۴۸۵. اگر نمازگزار نزدیک غروب مشغول نماز ظهر شود و در نماز ظهر بین رکعت ۳ و ۴ شک کرده و احتیاج به نماز احتیاط دارد و اگر نماز احتیاط را بخواند نماز عصرش قضا می شود؛ تکلیف چیست؟

ج. باید نماز عصر را که یک رکعت از آن را وقت دارد بخواند و نماز ظهر را بعداً قضا کند.

۱۴۸۶. اگر کسی به خیال این که فقط به اندازه خواندن نماز عصر از روز باقیست شروع به نماز عصر بکند و بعد از آن هنوز خورشید غروب نکرده باشد؛ چه کند؟

ج. احتیاطاً نماز ظهر را به قصد ما فی الذمه بخواند.

۱۴۸۷. اگر کسی به خیال این که فقط به اندازه خواندن نماز عصر وقت باقیست نماز عصر را بخواند و بعد از آن نماز ظهر را نیز تمام کند و خورشید هنوز غروب نکرده باشد؛ آیا نماز عصر را باید دوباره بخواند یا نه؟

ج. ظاهراً اعاده ی نماز لازم نیست.

خواندن مستحبات نماز و خارج شدن مقداری از نماز خارج از وقت

۱۴۸۸. اگر نمازگزار احتمال دهد که با آرام خواندن و به جا آوردن مستحبات نماز مقداری از نماز در خارج از وقت خوانده می شود؛ وظیفه اش چیست؟

ج. اگر خوف از دست رفتن وقت دارد، نباید مستحبّات را به جا آورد.

خواندن نماز همراه با اذان

۱۴۸۹. آیا می توان از اوّل گفتن اذان شروع به نماز خواندن کرد؟

ج. اگر اذان فرد عادل و عارف و آگاه به وقت باشد، بله می توان.

خوابیدن در وقت نماز

۱۴۹۰. اگر در وقت نماز بخوابم و بعد از بیدار شدن نماز را بخوانم؛ چه وجهی دارد؟

اگر در همان وقت احتمال بدهم که بعد از وقت نماز بیدار می شوم و نمازم قضا می شود؛ چه حکمی دارد؟

ج. اگر از جهت استخفاف و کوچک شمردن نماز باشد، اشکال دارد.

وقت نافله صبح

۱۴۹۱. وقت نافله صبح چه موقع است؟

آیا نماز نافله قضا دارد؟

و چه موقع می توان آن را به جا آورد؟

ج. نافله صبح را بعد از تمام شدن نماز شب تا طلوع سرخی از طرف مشرق می شود خواند و بعد از آن، اوّل نماز صبح و بعد از آن نافله صبح را بخوانند و هر نافله ای که وقت مخصوص دارد، بعد از آن وقت مستحب است آن را قضا کرد.

(مسأله ۱۱۲۹ رساله).

خواندن نافله ظهر بعد از گفتن اذان

۱۴۹۲. آیا می توان نافله ظهر را چند دقیقه ای بعد از اذان ظهر [قبل از نماز] خواند؟

ج. بله، می توان. (مسأله ۶۴۱ رساله).

خواندن نوافل ظهر و عصر بعد از نماز جماعت

۱۴۹۳. در نماز جماعت ظهر و عصر وقت کافی برای خواندن نوافل ظهر و عصر نیست، اگر کسی بخواهد آنها را به جا آورد؛ چه وقت و با چه نیتی به جا آورد؟

ج. نافله ظهر را پیش از اذان ظهر و بعد از آن که سایه به اندازه شاخص شد به امید این که الآن خواندن آن خوب باشد می توان خواند ولی بنا بر احتیاط اگر قبل از ظهر می خوانند نیّت ادا ننمایند و چنان چه کسی بخواهد نافله ظهر یا نافله عصر را بعد از وقت آنها بخواند بهتر است بنا بر اظهر نافله ظهر را بعد از نماز ظهر و نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند و باید نیّت ادا و قضا نکند.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۶۴۱ و ۶۴۲ رساله مراجعه شود.

پذیرایی از مهمان در اوّل وقت نماز

۱۴۹۴. خواندن نماز اوّل وقت افضل است یا پذیرایی از مهمانی که تازه رسیده و آمادگی برای نماز را ندارد؟

ج. در شرایط معمولی نماز اوّل وقت افضل است و اگر می تواند جمع بین هر دو کند.

اختلاف بین طلوعین

۱۴۹۵. اگر در شهری زمان بین فجر تا طلوع خورشید در زمستان یک ساعت و نیم و در تابستان دو ساعت باشد؛ اوقات شرعی در ماه مبارک رمضان و غیر آن چگونه تعیین می گردد؟

ج. در هر فصلی باید وقت حقیقی در آن فصل را معین کنند.

طلوع و غروب آفتاب

۱۴۹۶. ملاک طلوع و غروب آفتاب چیست؟

آیا طلوع و غروب از پشت کوه است یا چیز دیگری؟

ج. مغرب وقتیست که آفتاب از زمینی که مسطح است غروب کند و منطقه ای که پستی و بلندی دارد، مغرب آن موقعیست که اگر زمین مسطح بود آفتاب غروب می کرد؛ ولی احتیاط مستحب اینست که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.

ناتمام ماندن نماز شب و دخول به اذان صبح

۱۴۹۷. پس از خواندن چهار رکعت نماز شب اگر موقع اذان بشود؛ آیا می توان بقیه را به جا آورد؟ با چه نیتی؟

ج. بله، بقیه را می توان به قصد ادا به جا آورد.

زمان قضای نافله شب

۱۴۹۸. تا چه وقت می توان قضای نافله شب را به جای آورد؟

ج. قضای نماز، وقت معیّن ندارد.

۲. قبله

انحراف اندک از قبله

۱۴۹۹. اگر نمازگزار مقدار کمی از قبله منحرف باشد، برای نماز اشکال دارد؟

ج. عمداً نباید منحرف باشد، مگر به اندازه ی پهنای یک انگشت که بخشوده است.

انحراف از قبله به صورت سهوی

۱۵۰۰. کسی بعد از اتمام نمازش می فهمد که مقداری از قبله منحرف بوده، در این صورت نماز او چه حکمی دارد؟

ج. اگر انحراف او بیشتر از طرف راست و طرف چپ قبله بوده است، در صورتی که داخل وقت نماز متوجه شود، بایـد دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است، در وجوب قضا تأمل است.

پی بردن به نادرست بودن جهت قبله در بین نماز

۱۵۰۱. اگر در بین نماز متوجه شویم که جهت قبله را نادرست ایستاده ایم، چه کار باید بکنیم؟

ج. اگر انحراف در بیـن طرف راسـت و چـپ او بـوده و قبلـه در پشـت قرار نگرفته باشـد، به طرف قبله متـوجه می شـود و بقیه نمازش را می خواند و صـحیح است؛ ولی اگر پشت به قبله بوده و یا کاملاً به طرف راست یا چپ بوده، نماز را قطع می کند و دوباره رو به قبله نماز می خواند.

تکلیف نمازهایی که در غیر جهت قبله خوانده شده است

۱۵۰۲. فردی سال های متمادی در خانه اش به سـمتی که فکر می کرده جهت درست قبله است نماز می خوانده اکنون فهمیده است که اشتباه می کرده؛ تکلیف نمازهایی که قبلاً خوانده چیست؟

ج. اگر انحراف در بین طرف راست و چپ قبله بوده و پشت به قبله نمـاز نخوانـده بوده است، نمازهایی که وقت آنها گذشـته، صحیح است و اگر پشت به قبله خوانده بوده، بنا بر احوط نمازهایش را قضا نماید.

حد اکثر میزان انحراف از قبله

۱۵۰۳. به نظر جنابعالی، تا چند درجه انحراف از قبله جایز است و نماز ما اشکال پیدا نمی کند؟

ج. عمـداً انحراف جایز نیست و بایـد صـدق عرفیِ توجه به قبله محفوظ باشد؛ مگر به اندازه ی پهنای یک انگشت که بخشوده است.

عدم توانایی از رو کردن به سمت قبله

۱۵۰۴. بیماری به گونه ای روی تخت بستری شده که امکان رو کردن به سـمت قبله را ندارد. آیا می تواند نمازش را در همان حال – یعنی در خلاف جهت قبله – بخواند؟

ج. اگر با کمک دیگران هم نتواند، همان طور نماز بخواند.

خلاف جهت قبله نماز خواندن مریض

۱۵۰۵. مریضـی که در روی تخت بسـتری بـوده، می ترسـیده که اگر به سـمت قبله رو کنـد، برایش خطر داشـته باشـد به همین

جهت نمازهایش را به همان حال خوانـده است، بعداً می فهمد که ترس او بی مورد بوده، در این صورت نمازهایی که خوانده چه حکمی دارد؟

ج. اگر خوف او عقلایی بوده و هیچ راه اطمینان بخشی نداشته، نماز او محکوم به صحت است و احوط اعاده است.

۱۵۰۶. مریضـی که می تواند تخت خود را به سـمت قبله برگرداند ولی این کار برای او مشقت دارد، آیا لازم است این کار را انجام دهد یا خیر؟

ج. اگر مشقّتِ قابل تحمّل باشد باید به سمت قبله نماز بخواند.

۱۵۰۷. شخصـی در اثر بیماری، توانایی نشسـتن و سـر پا ایسـتادن را نـدارد، یعنی همواره به رو می خوابـد، وظیفه او در نماز از حیث رو به قبله بودن چیست؟

ج. اگر می توانـد بایـد به پهلوی راست بخوابد و اگر نمی تواند بنا بر احوط به پهلوی چپ بخوابد و اگر آن هم ممکن نیسـت به پشت بخوابـد به طـوری که کـف پاهـای او رو به قبله باشـد و اگر آن هم ممکن نیست به هر صـورتی که ممکن است نمـاز بخواند، ولی تا حد امکان طوری باشد که نزدیک تر به نماز کسی که به طوری عادی نماز می خواند باشد وگرنه باید نزدیک تر به نماز کسی که ایستاده نماز نمی خواند، با

رعایت مراتبی که ذکر شد، باشد.

نماز خواندن شخص معیوب بر خلاف جهت قبله

۱۵۰۸. سر شخصی بر اثر بیماری به طور کامل معکوس شده و صورتش به پشت برگشته است.

وظیفه او هنگام نماز در مورد رو به قبله بودن چیست؟

ج. اگر با عدم عسر و سختی، تمکّن دارد که صورت و بدنش را با هم رو به قبله کند، احتیاطاً با رعایت قبله نماز بخواند و در غیر این صورت بدن باید رو به قبله باشد و آن مُقَدَّم بر صورت است.

استفاده از قبله نما برای تشخیص جهت قبله

۱۵۰۹. آیا استفاده از قبله نما برای تشخیص جهت قبله کافیست یا خیر؟

ج. اگر ظن آور باشد کافی است.

قبله فردی که از همه طرف فاصله یکسانی با کعبه دارد

۱۵۱۰. با توجه به کروی بودن زمین اگر فردی از لحاظ جغرافیایی جایی باشد که از همه طرف فاصله او با کعبه یکسان است، به کدام جهت نماز بخواند؟

ج. به هر طرفی که نماز بخواند، صحیح است.

تعیین قبله در روی کرات دیگر آسمانی

۱۵۱۱. با فرض امکان سفر به کرات دیگر از قبیل ماه و ... حکم قبله در آن مکان ها چیست؟

ج. باید به طرف کره ی زمین نماز بخواند.

نماز خواندن در جهت محور عمود بر کعبه

۱۵۱۲. اگر راستای خانه ی کعبه را عمود بر سطح زمین امتداد دهیم از آن سمت دیگر کره ی زمین خارج می شود. با توجه به این که فضای بالا و پایین کعبه در حکم خود کعبه است، افرادی که در آن سوی کره ی زمین زندگی می کنند به سمت امتداد کعبه – که به آنها نزدیک تر است – نماز بخوانند یا به سمتی که آنها را از روی سطح کره ی زمین به کعبه وصل می کند؟

ج. به طریق دومی عمل کنند.

وجود اختلاف در تعیین جهت قبله به وسیله محراب مساجد و قبله نماهای امروزی

۱۵۱۳. اگر در یافتن جهت قبله از طریق محراب مساجد و قبور مسلمین، با تعیین قبله از طریق قبله نما، از نظر محاسبه ریاضی اختلاف وجود داشته باشد؛ تکلیف چیست؟

ج. هر کدام اطمینان آور باشد بر طبق آن عمل کند، در غیر این صورت هر کدام که سبب ظن قوی تر شود باید ملاک عمل قرار گیرد.

قبله بر روی سطح حرکت کننده

۱۵۱۴. شخصی که با کشتی یا قطار یا هواپیما مسافرت می نماید، رو به سمت قبله مشغول نماز خواندن می شود. در حین ادای نماز، ناگهان کشتی تغییر مسیر می دهد و آن فرد در خلاف جهت قبله قرار می گیرد.

در این وضعیت، تکلیف او چیست؟

ج. باید سریعاً به جهت قبله برگردد.

عدم لزوم یقین به صحت جهت قبله

۱۵۱۵. آیا در صحت جهت قبله، یقین لازم است یا گمان هم کفایت می کند؟

ج. بنا بر اظهر می تواند به گمان خود عمل نماید ولی اگر مشکل نباشد، احتیاط در تحصیل علم و یا گمان قوی تر است.

نماز خواندن در جهتی که صاحب خانه به مهمان نشان می دهد

۱۵۱۶. آیا می توان به گفته صاحب خانه در مورد جهت قبله اعتماد کرد یا این که خودمان باید بررسی و تحقیق کنیم؟

ج. بنا بر اظهر می تواند به گمانی که از گفته او به دست آورده عمل کند ولی اگر بتواند از راه دیگری گمان قوی تر پیدا کند، بنا بر احتیاط گمان قوی تر را تحصیل می نماید.

۱۵۱۷. اگر برای فرد مهمان از گفته ی صاحب خانه در مورد جهت قبله، یقین حاصل نشود؛ آیا می تواند در آن جهتی که صاحب خانه گفته نماز بخواند یا نه؟

ج. در صورت گمان به قبله از گفتار او همان کفایت می کند اما اگر بتواند از راه دیگری علم یا گمان قوی تر پیدا کند، بنا بر احتیاط گمان قوی تر را تحصیل نماید.

اختلاف نظر دو امام جماعت در مورد قبله ی یک مسجد

۱۵۱۸. در مسجدی یک امام جماعت برای اقامه نماز ظهر و یک امام جماعت دیگر برای اقامه نماز مغرب می آید. امام جماعت اوّل طبق جهت محراب رو به قبله می ایستد، ولی دومی با استدلال به علم قبله شناسی عقیده دارد که قبله حدود ۲۰ درجه به سمت راست انحراف دارد. در این صورت تکلیف مأمومین در اقتدا به این دو امام جماعت چیست؟

ج. مأمومین به علم یا اطمینان خود عمل می کنند و اگر با اعتقاد امام مخالف بودند، بنا بر احوط نباید اقتدا کنند.

اختلاف نظر مأموم با مأمومین دیگر در مورد جهت قبله

۱۵۱۹. آیا فردی که اعتقاد دارد جهت صفوف نماز جماعت به سمت قبله نیست، می تواند به جماعت اقتدا کند؟

ج. علی الاحوط نمی تواند اقتدا کند.

انحراف عمدی از جهت قبله به میزان اندک

۱۵۲۰. فردی جهت دقیق قبله را می داند، ولی عمداً به مقدار اندکی از جهت قبله بر می گردد، در این حال نماز او چه حکمی دارد؟

ج. انحراف عمدی به اندازه ی پهنای یک انگشت جایز است نه بیشتر.

گفتن جهت صحیح قبله به کسی که دچار اشتباه است

۱۵۲۱. اگر بدانیم شخصی در غیر جهت قبله نماز می خواند، آیا لازم است به او بگوییم؟

ج. خیر، لازم نیست.

عدم توانایی در تشخیص جهت قبله

۱۵۲۲. اگر در جایی باشیم که هیچ ابزار و وسیله ای برای تشخیص جهت قبله نداشته باشیم، تکلیف ما در هنگام نماز خواندن چیست؟

ج. چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید از روی احتیاط چهار نماز به چهار طرف بخواند، اگر چه بعید نیست فقط یک نماز به یکی از چهار طرف که بخواند کافی باشد و سه نماز دیگر مستحب و از روی احتیاط باشد و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه ای که وقت دارد بخواند و در مواردی که نماز متعدد می خواند باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده است یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ نرسیده است.

عدم تشخیص جهت قبله به علّت تنگی وقت

۱۵۲۳. اگر وقت تنگ باشد و قادر به تشخیص جهت قبله نباشیم، چه کار باید بکنیم؟

ج. به پاسخ سؤال قبلی و نیز مسأله ۶۵۶ رساله رجوع شود.

۳. لباس نمازگزار

پوشش زنان در نماز

معنای حجاب در اسلام و میزان آن در مردان و زنان

۱۵۲۴. حجاب از نظر اسلام چیست و چه نوع پوششی برای زن و مرد حجاب محسوب می شود؟

ج. حجاب، پوشاندن محل هایی از بدن زن یا مرد است که در مسأله ۱۹۳۷ رساله ذکر گردیده و هر چه بدن را بپوشاند حجاب است؛ ولی حجاب کامل برای زن چادر است.

عدم توجه زن به پیدا بودن مو هنگام نماز

۱۵۲۵. اگر زن در بین نماز، مویش بیرون آید و عمداً توجهی به آن ننماید، آیا نمازش باطل است؟

ج. بله، باطل است.

آشکار شدن مو در نماز

۱۵۲۶. اگر مقداری از بدن یا موی زن هنگام نماز آشکار شود و قبل از تمام شدن نماز یا بعد از آن متوجّه گردد، حکم نمازش چیست؟

ج. اگر بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است و اگر بین نماز بفهمد، باید فوراً آن را بپوشاند و نماز او صحیح است؛ ولی احتیاط مستحب در فرض اخیر اینست که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

عدم لزوم پوشاندن چهره ی آرایش شده زنان در نماز

۱۵۲۷. با وجود استثنا بودن صورت زنان، اگر زنان با کارهایی از قبیل زیر ابرو برداشتن و زایل کردن موهای ریز صورت،

زینت بکنند، پوشاندن صورت در نماز واجب می شود؟

ج. خیر.

پوشاندن چانه توسط زن

۱۵۲۸. آیا لازم است در هنگام نماز، زن چانه اش را بپوشاند؟

ج. آن مقداری که جزو صورت است، لازم نیست.

باز بودن ساق زن با وجود نبودن نامحرم هنگام نماز خواندن

۱۵۲۹. آیا در صورت نبودن نامحرم، باز بودن ساق پا در نماز اشکال دارد؟

ج. جایز نیست.

پوشاندن پشت پا برای زنان

۱۵۳۰. پوشانیدن پشت پاشنه ی پاها در خانم ها برای خانم ها، هنگام نماز خواندن واجب است؟

ج. اظهر اینست که قدمین تا مچ پا مستثنی است و مقداری از آن، برای اطمینان از پوشانده شدن مقدار واجب، باید پوشانده شود، اگر چه احوط پوشاندن پشت پاشنه است.

پوشاندن کف پای زن در نماز

۱۵۳۱. در موقع نماز، لازم است کف پای زن پوشیده باشد یا خیر؟

ج. احتیاط مستحب پوشاندن کف پا است.

متوجه شدن زن به عدم پوشش برخی اندام هایش پس از نماز

۱۵۳۲. اگر زن بعد از نماز متوجه شود برخی اندام هایش پوشش نداشته است، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. نمازش صحیح است.

زنی که قادر به پوشاندن، اندام ها در حین نماز نیست

۱۵۳۳. اگر زن در بین نماز متوجه شود قسمتی از انـدام هایش که باید پوشیـده می شده است، عریان مانده و قادر به پوشاندن آنها نباشد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. باید نمازش را قطع کند و با حفظ ساتر و پوشش از اوّل نماز بخواند.

نماز خواندن زن در لباس عروسی و لباس زینت

۱۵۳۴. آیا زن می تواند در لباس عروسی و لباس زینت نماز بخواند؟

ج. بله می تواند به شرط اینکه رنگ و شبح را ساتر باشد.

نماز بانوانی که لباس مردانه می پوشند

۱۵۳۵. آیا پوشیدن لباس های مردانه و نماز خواندن با آنها برای بانوان اشکال دارد؟

ج. اگر داخل در لباس شهرت باشد، پوشیدن آن حرام است آیا نماز را هم باطل می کند؟ و در غیر این صورت، مورد احتیاط است؛ اگر چه پوشیدن آن مُضر به صحّت نماز نیست و در رابطه با معنای لباس شهرت به مسأله ی ۷۱۱ رجوع شود.

حکم پوشاندن موهای مصنوعی زنان

۱۵۳۶. آیا پوشاندن موهای مصنوعی برای زن در نماز و از نامحرمان واجب است؟

ج. در نماز واجب نیست و پوشاندن آنها از نامحرم به عنوان اوّلی اگر مصداق زینت نباشد، واجب نیست.

کیفیّت پوشش زن در نماز

۱۵۳۷. آیا پوشـش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف بدن او دیده نشود؟ و آیا پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز در حالی که نامحرمی نیست، لازم است؟

ج. فرق میان زن و مرد، در میزان عورت است که در زن تمام بـدن او به غیر از موارد اسـتثنا لازم است پوشانـده شود و در مرد فقط موارد ذکر شده در مسأله ۶۶۱ است؛ پس در کیفیّت ستر و پوشـش مرد و زن با همدیگر تفاوتی ندارند و پوشاندن زینت و زیور در نماز واجب نیست.

نماز با چادر بدن نما

۱۵۳۸. آیا نماز خواندن با چادرهای بدن نما صحیح است؟

ج. اگر پوشش صدق نکند، صحیح نیست.

نماز با جوراب های زنانه

۱۵۳۹. آیا جوراب های زنانه که مورد استفاده بانوان می باشد، کفایت از پوشش آنها جهت ادای نمازشان می کند؟

ج. اگر پوست پا و رنگ و شبح پیدا نباشد، اشکال ندارد.

نماز با چادری که زیر آن لباس بی آستین و جوراب باشد

۱۵۴۰. اگر خانمی در منزل با چادر کلفت و بلند نماز بخواند؛ ولی زیر چادر لباس بی آستین پوشیده و بی جوراب باشد، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. با مراعات آن چه در مسأله ی ۶۶۲ رساله آمده، مانعی ندارد.

نماز با غیر چادر

۱۵۴۱. اگر خانمی با لباس محفوظ - مثل مانتوی گشاد و شلوار و روسری - نماز بخواند و یا با بلوز و شلوار و روسری - بدون چادر - نماز بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج. با مراعات آن چه در مسأله ی ۶۶۲ رساله آمده است، مانعی ندارد.

تذکّر به پیدا بودن مو در نماز

۱۵۴۲. اگر در حال نماز موی سر خانمی ظاهر شده و متوجّه نباشد، آیا لازم است به او بگویند؟

ج. لازم نیست به او بگویند.

آشکار بودن زیورآلات زن در نماز

۱۵۴۳. اگر زیورآلات زن هنگام نماز، روی لباس باشد، اشکال دارد؟

ج. خیر، اشکال ندارد.

لزوم پوشش زن هنگام نماز در جایی که نامحرم نیست

۱۵۴۴. اگر در جایی نامحرم نباشد، بازهم برای زن پوشاندن غیر وجه و کفّین لازم است؟

ج. برای نماز واجب است.

پاک بودن لباس و بدن نمازگزار

نماز با دندان مصنوعی نجس

۱۵۴۵. اگر دندان های مصنوعی به واسطه ی خون دهان یا به سبب دیگر نجس شده باشد، آیا شستن آن برای نماز لازم است؟

ج. لازم نیست.

آمدن خون از دندان در حال نماز

۱۵۴۶. اگر در حال نماز، از دندان نمازگزار خون بیاید، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. اگر ظاهر دهان پاک باشد، نمازش صحیح است.

خون دماغ شدن بین نماز

۱۵۴۷. اگر کسی بین نماز خون دماغ شد، حکم نمازش چیست؟

ج. اگر کمتر از درهم است مستثنی است و نماز او اشکال ندارد و اگر بیش از آن است و بدون به هم خوردن نماز می تواند بین نماز محل نجاست را آب بکشد و تطهیر کند و یا اگر لباسش نجس شده، می تواند آن را درآورد، همین کار را انجام دهد و نماز را تمام کند و در غیر این صورت باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

خشک کردن خون آمپول با پنبه

۱۵۴۸. بعد از آمپول زدن کمی خون می آید. شخصـی آن خون را با پنبه خشک کرده ولی فراموش کرده آنجا را تطهیر کند، آیا نمازش صحیح است؟

ج. اگر کمتر از درهم بوده و آغشته به الکل هم نبوده است، نمازش صحیح است.

شکاک بودن نسبت به غذای نجس

۱۵۴۹. اگر کسـی غذای نجس خورده و بعداً بدون نیّت طهارت، در حمام، آب روی لب های او جاری شده باشد، آیا غسل و وضوی او صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

نجس شدن دهان پس از پر کردن دندان

۱۵۵۰. بعـد از پر کردن دنـدان، دهانم نجس شده است، آیا برای نماز باید دهانم را آب بکشم؟ یا با همان وضع می توان نماز خواند؟

ج. خیر لازم نیست.

مشکوک النجاسه

۱۵۵۱. اگر شک کنیم پا نجس شده و فراموش کنیم، نمازهایی که خوانده ایم چه حکمی دارد؟

ج. صحیح است.

بیمار مبتلا به خون ریزی زیر پوستی

۱۵۵۲. بیماری، مبتلا به خونریزی زیر پوستی می باشد.

گاهی به علل گوناگون خون از روی پوست جریان پیدا می کند؛ تکلیف نماز او در حال خونریزی چیست؟

ج. اگر ممکن است خود را تطهیر می کنـد و نماز می خوانـد وگرنه خون و نجاست بـدن و لباس را کم می کنـد و همان طور نماز می خواند.

تکلیف مجروحینی که همواره از زخمشان خون می آید

۱۵۵۳. زخم های بدن مجروحین به گونه ایست که شبانه روز خون می آید، این افراد برای نماز چه باید بکنند؟

ج. تا ممکن است باید آن خون و محل آلوده شدن به آن را کم کنند و همان طور نماز بخوانند.

نماز خواندن با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی

۱۵۵۴. آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی می توان نماز خواند؟

ج. اگر از بواسیری که دانه های آن بیرون نباشد، خونی به لباس یا بدن برسد، بنا بر اظهر نمی تواند با آن نماز بخواند؛ مگر اینکه مضطر و مجبور باشد با همین لباس یا بدن نماز بخواند یا برای شخص او آب کشیدن یا تعویض آنها مشکل و سخت باشد.

اما خون بواسیری که دانه های آن بیرون است و یا اینکه دانه های آن در داخل است، ولی مثل بواسیری که در بیرون است، بدن یا لباسش را نجس می کند، بدون اشکال نماز خواندن با آن جایز است.

جوش ها و تاول هایی که باعث ایجاد لکه خون در لباس می شوند

۱۵۵۵. برخی تاول ها و جوش های بدن، باعث ایجاد لکه های خون در لباس می شوند.

نماز خواندن با این قبیل لباس ها چه حکمی دارد؟

ج. اگر به گونه ایست که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن آن برای بیشتر مردم سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می تواند با آن خون نماز بخواند و اگر طوریست که برای مردم آب کشیدن آن سخت نیست، ولی برای شخص او سخت و مشکل است، صحت نماز با این لباس یا بدن نیز خالی از وجه نیست و هم چنین است آبی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته اند نجس شده و در بدن یا لباس او باشد.

چند لکه خون که مجموعاً از درهم بیشتر است

۱۵۵۶. اگر در روی بدن یا لباس چندین لکّه ی خون باشد که هر کدام از مقدار یک درهم کمتر، ولی مجموعاً از مقدار درهم بیشتر است، آیا نماز خواندن با آنها اشکال دارد؟

ج. بله، اشکال دارد و باید آنها را تطهیر کرد. (مسأله ۷۲۰ رساله)

نماز خواندن با لباس آغشته به خون شهید

۱۵۵۷. آیا با لباسی که به خون شهید آغشته شده است، نماز خواندن جایز است؟

ج. خیر، مگر کمتر از درهم باشد.

خون داخل بینی که بیرون نمی آید

۱۵۵۸. خون داخل بینی که بیرون نمی آید، ولی با آیینه دیده می شود، آیا برای نماز اشکال دارد؟

ج. خیر.

خونی بودن داخل دهان

۱۵۵۹. آیا اگر داخل دهان خونی باشد، می توان با آن نماز خواند؟

ج. بله، می توان.

کسی که محل غائط، خود را با پارچه تمیز می کند

۱۵۶۰. اگر کسی به علّتی بعد از بول خود را بشوید و با پارچه ای محل غایط خود را تمیز کند، آیا می تواند نماز بخواند؟

ج. بله، می تواند.

شخصی که هر شب محتلم می شود

۱۵۶۱. شخصی به علت بیماری، هر شب محتلم می گردد و قادر نیست هر روز غسل کند و لباس خود را تطهیر نماید، آیا می تواند با تیمم و لباس نجس نماز بخواند؟

ج. تا ممکن است باید غسل کند و با لباس پاک نماز بخواند.

تعویض لباس بعد از جنابت از حرام برای نماز

۱۵۶۲. کسی که بعد از جنابت از حرام لباس دیگری بپوشد، نماز با آن چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

رسیدن عرق جنب از حرام به بدن دیگری

۱۵۶۳. آیا اگر عرق جنب از حرام در اثر ملاقات به بدن فرد دیگری برسد، آن فرد دیگر می تواند با آن نماز بخواند؟

ج. بعد از خشک شدن می تواند نماز بخواند.

کسی که ادرار یا مدفوع او غیر ارادیست

۱۵۶۴. کسی که ادرار و مدفوع او غیر ارادی است، با توجه به این که هر لحظه امکان خروج ادرار یا مدفوع از او هست و اطراف عورتین و لباس او اکثراً نجس است، چگونه نماز بخواند؟

ج. به مسائل ۳۱۲ به بعد در رساله به خصوص مسأله ۳۱۸ رجوع شود.

افرادی که محل خروج مدفوع را با عمل جراحی بسته اند.

۱۵۶۵. بیمارانی عمل جراحی روده ی بزرگ انجام داده و محل خروج مدفوع را بسته اند و مدفوع توسط کیسه ای جمع آوری می شود. تکلیف این افراد در موقع نماز چیست؟

ج. خود را تطهیر کنند و نماز بخوانند و اگر جایی از ظاهر بدن نجس نمی شود، به همان حال نماز بخوانند.

عدم دسترسی به آب جهت تطهیر بدن و لباس

۱۵۶۶. ما تعدادی از کارگران معدن هستیم که از صبح تا غروب آفتاب در معدن مشغول به کاریم. دستشویی هایی که آنجا قرار دارند فاقد آب هستند.

بنا بر این بدن و لباسمان پاک نیست. بفرمایید تکلیف ما نسبت به ادای نماز، چگونه است؟

ج. تا ممکن است باید آبی برای تطهیر پیدا کنید و اگر ممکن نیست، سعی کنید لباستان نجس نشود، به این که با پارچه ای مخارج بول را خشک کنید و با همان حال نماز بخوانید.

حکم لباس نمازگزار

۱۵۶۷. ترشحاتی که از کف وضوخانه به لباس می رسد، چه حکمی دارد؟

ج. پاک است.

آبی که هنگام شستن محل بول و غایط به لباس ترشح می کند

۱۵۶۸. گاهی اوقات انسان احتمال می دهد هنگام شستن محل بول و غایط، آب به لباسش ترشح نموده است، آیا نماز خواندن با آن لباس درست است؟

ج. اشکال ندارد.

الکلی که موقع تزریق استفاده می شود

۱۵۶۹. برای تزریق آمپول، به موضع، کمی الکل می زنند، آیا موقع نماز باید این الکل را بشوییم؟

ج. احتیاطاً باید تطهیر شود.

استفاده کردن از عطرهای حاوی الکل

۱۵۷۰. اگر نمازگزار از عطرهای حاوی الکل استفاده کرده باشد، می تواند نماز بخواند؟

ج. احتیاط در اجتناب است.

بیرون آوردن لباس نجس هنگام قرائت امام

۱۵۷۱. اگر کسی در نماز جماعت (موقعی که امام حمد و سوره می خواند) متوجه شود لباسش نجس است و لباس نجس را در حال نماز بیرون بیاورد، آن مقدار از نماز که با لباس نجس خوانده شده چه حکمی دارد؟

ج. بر طبق مسأله ی ۶۷۵ رساله عمل کند.

نماز در جامه ی نجس، به خیال این که طاهر است

۱۵۷۲. اگر کسی به خیال این که جامه ی پاک پوشیده است نماز بخواند و بعد متوجه شود که لباسش نجس بوده است، آیا نمازش صحیح است؟

ج. اگر جاهل بوده است، اعاده ندارد. به خلاف نسیان و فراموشی نجاست لباس که باید در وقت اعاده کند و در خارج از وقت نماز را قضا نماید (مسأله ۶۷۳ و ۶۷۴ رساله)

رنگ نجاست

۱۵۷۳. اگر روی لباس لکه ی کم رنگی از خون حیض باشد که با چند بار شسته شدن از بین نرود، نماز خواندن با آن لباس چه حکمی دارد؟

ج. اگر صرف رنگ باشد، مانعی ندارد.

نجس بودن دست و پای مصنوعی

۱۵۷۴. آیا نجس بودن دست یا پای مصنوعی خللی به نماز وارد می کند؟

ج. خللی وارد نمی کند.

در آغوش گرفتن بچه ای که بدن او نجس است در حال نماز

۱۵۷۵. اگر مادری بچه ی خود را که بدن او نجس است در حال نماز در آغوش بگیرد، آیا نمازش اشکال دارد؟

ج. اگر عین نجس در بدن بچه باشد، احوط اجتناب از آن است و اگر عین نجس در او نباشد، بنا بر اقوی اشکال ندارد.

جوراب و کمربند نجس

۱۵۷۶. در رساله هست که اگر چیزهایی مثل جوراب و کمربند و ... نجس شود عیب ندارد. آیا مراد نجس شدن به هر نوع نجاستیست یا فقط خون زخم می باشد؟

ج. بین نجاسات فرقی در این جهت نیست.

حمل کردن دستمال نجس در هنگام نماز

۱۵۷۷. اگر شخصی دستمال کوچکی که پوشاننده ی عورت نباشد و آغشته به خون های سهگانه ی زنانه است همراه داشته باشد، آیا نماز خواندن با آن جایز است و اگر آغشته نباشد و فقط به آن خون ها نجس شده باشد، چه حکمی دارد؟

ج. معفوست اگر متنجّس باشد، به خلاف صورتی که عین نجس به همراه نمازگزار باشد، که مورد احتیاط است.

اگر تعویض لباس نجس موجب ضرر باشد

۱۵۷۸. کسی که لباسش نجس شده و عوض کردن آن ممکن است موجب خونریزی یا ضرری بشود، آیا جایز است با همان لباس نمازش را بخواند؟

ج. اگر تبدیل آن ضرری یا حرجی است، اشکال ندارد.

نجس بودن ملحفه یا وسایل پزشکی

۱۵۷۹. بیمارانی که ملحفه و لباس و وسایل پزشکی همراهشان نجس است و یا احتمال نجاست در آنها داده می شود و تعویض آنها نیز برایشان غیر ممکن است، نماز خواندن در آنها چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال که ممکن نیست یا حرج شخصی دارد، در آن مقداری که ممکن نیست یا حرج دارد، نماز صحیح است و بقیّه را از تن بیرون آورد و این در خصوص لباس است نه زیرانداز یا وسایل که اشکال ندارد.

تذکّر به نجاست لباس نمازگزار

۱۵۸۰. اگر همسر انسان ندانسته با لباس نجس نماز بخواند، آیا لازم است به او گفته شود؟

ج. لازم نیست.

لباس نجسی که بعد از شستن هنوز نجس مانده است

۱۵۸۱. کسی لباسش را که نجس بوده شست و یقین به پاک بودن آن کرد، بعد از نماز خواندن با آن فهمید که پاک نشده، آیا نمازش صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

عدم وقت کافی جهت تطهیر بدن و لباس نجس

۱۵۸۲. اگر بدن و لباس نجس باشد و اگر اقدام به تطهیر کنیم نماز قضا می شود، وظیفه چیست؟

ج. بـا همـان بـدن نمـاز بخوانـد، ولی اگر ساتر عورت دارد لباس را بیرون آورد و اگر ساتر عورت نـدارد با همان لباس و یا به صورت عریان نماز بخواند و احتیاطاً پس از آن باز نمازش را بخواند.

مشکوک بودن نجاست لباس

۱۵۸۳. اگر نجس بودن لباس مشکوک باشد، نماز در آن چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

حد اکثر میزان نجاست بخشیده شده در بدن یا لباس نمازگزار

۱۵۸۴. تا چه میزان نجاست در بدن یا لباس، هنگام نماز اشکال ندارد؟

ج. خون به مقدار کمتر از یک بند انگشت (سر انگشت) استثنا شده است، البته به شرطی که خون نجس العین - مثل سگ و خوک - یا دماء الثلاثه - مثل حیض - نباشد و مواردی دیگر نیز استثنا شده است.

(مسائل ۷۱۲ و بعد آن در رساله)

شخصی که نمی داند کدام یک از دو لباسش نجس است

۱۵۸۵. شخصی می دانـد یکی از دو لباسی که در اختیار دارد نجس است ولی نمی دانـد کدام یک نجس و کدام یک پاک می باشد، آیا راه حلی وجود دارد که او مطمئن شود نمازی که خوانده صحیح است؟

ج. چنان چه وقت دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند، ولی اگر وقت تنگ است، با هر کدام نماز بخواند کافی است.

اندازه ی دستمال نجسی که می تواند همراه نمازگزار باشد

۱۵۸۶. آیا میزانی برای بزرگی دستمال نجسی که می تواند همراه نمازگزار باشد، تعیین شده است یا نه؟

ج. به مقدار کمتر از پوشاننده عورت باشد.

عدم وقت کافی جهت غسل و تطهیر لباس

۱۵۸۷. شخصی نزدیک صبح جنب شده و زمانی که از خواب بیدار می شود می بیند وقت غسل و تطهیر کردن ندارد، لذا بدل

از غسل تیمم می کند، آیا می تواند با همان لباس نماز به جای آورد؟

ج. اگر ساتر و پوشاننـده عورت پاک دارد، آن لباس نجس را باید بیرون آورد و در غیر این صورت با همان لباس نماز بخواند و آن نماز را بعداً دوباره احتیاطاً بخواند.

غصبی نبودن لباس

همراه بودن اشیای غصبی

۱۵۸۸. اگر چیز غصبی مانند دستمال و مانند آن همراه نمازگزار باشد، آیا موجب بطلان نماز او می شود؟

ج. اگر با قصد قربت بتواند نماز بخواند، بنا بر اظهر نمازش صحیح است، اگر چه با علم به غصبیّت احتیاط در اعاده است.

نماز خواندن با لباس غصبی از روی فراموشی یا جهل به مسائل

۱۵۸۹. اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسأله با لباس غصبی نماز بخواند، نمازهایش چه حکمی دارد؟

ج. در صورت فراموشـی، نمـازش صـحیح است ولی در صورت جهل به مسأله؛ اگر جهل او به جهل به حکم وضـعی بر گردد، احتیاط لازم است وگرنه نماز صحیح است.

هدیه لباس از طرف افرادی که وجوهات پرداخت نمی کنند

۱۵۹۰. اگر از طرف اشخاصـی که اهل پرداخت وجوه شـرعیه نیسـتند، لباسـی برایمان هدیه آورده باشـند، می توان با آن لباس نماز خواند؟

ج. تا علم به تعلق خمس به عین آن لباس نباشد، می توان با آن نماز خواند و در آن تصرف نمود.

فراموش کردن برگرداندن لباس به صاحبش

۱۵۹۱. کسی در زمان حیات خود لباسی را به فقیری که لباس پاک نداشته، داد تا نماز بخواند. او لباس را نبخشیده بود، اما آن شخص فراموش کرد لباس را برگرداند و مدتی با آن نماز خواند. اکنون که جهت برگرداندن لباس مراجعه می کند متوجه می شود آن فرد، فوت نموده است.

تکلیف نمازهایی که او با آن لباس خوانده چیست؟

ج. نمازهای او در حال نسیان و فراموشی صحیح بوده است.

شخصی که شک دارد لباسش غصبی است؟

۱۵۹۲. اگر شخصی نداند لباسش غصبیست یا به غصبی بودن لباس شک داشته باشد، برای نماز چگونه عمل کند؟

ج. نماز با آن لباس صحیح است.

نماز خواندن در لباس خریداری شده از سارق

۱۵۹۳. آیا خواندن نماز با لباسی که از دزد خریداری شده است، اشکال دارد؟

ج. اگر بداند آن لباس دزدی است، نماز اشکال دارد.

نماز با انگشتری که با پول غصبی خریداری شده

۱۵۹۴. آیا نماز با انگشتری که با پول غصبی خریداری شده، صحیح است؟

ج. اگر با قصد قربت بتواند نماز بخواند بنا بر اظهر صحیح است، اگر چه احتیاط در اعاده است.

بله، اگر معامله به ذمّه باشد و با این پول طلب خود را پرداخت کرده باشد، انگشتری غصبی نیست.

لباسی که خمس و زکات دارد

۱۵۹۵. آیا می توان با لباس فرد دیگری که خمس و زکات آن را نداده است، نماز خواند؟

و اگر بعد از نماز بفهمیم، آیا باید نماز را قضا کنیم؟

ج. اگر نمی دانسته اید، نماز صحیح است.

لباس های کسی که خمس مالش را نمی دهد

۱۵۹۶. کسی که خمس نمی دهد و سال خمسی برای خود معین نکرده است، آیا با لباسی که می خرد نمازش صحیح است؟

ج. به مسأله ی ۶۹۱ رساله رجوع شود. بله، اگر بر ذمّه بخرد، نمازش صحیح است.

استفاده ی زوجه ی ناشزه (نافرمان) از لباسی که شوهر به او داده

۱۵۹۷. زنی که ناشزه (نافرمان) شده، در صورتی که در خانه شوهر یا لباسی که شوهر در اختیار او گذاشته، نماز بخواند؛ آیا نمازش صحیح است؟

ج. تا یقین به عدم رضایت شوهر ندارد، اشکال ندارد.

لباس نمازگزار از اجزای مردار یا حیوان حرام گوشت نباشد

موی خرگوش همراه با لباس نمازگزار

۱۵۹۸. اگر موی خرگوش همراه لباس نمازگزار باشد، آیا نماز اشکال دارد؟

تکلیف نمازهایی که خوانده شده چیست؟

ج. نمازهایی که با همراهی آن مو بوده باطل است.

بودن موی گربه همراه با لباس نمازگزار

۱۵۹۹. اگر موی گربه همراه با لباس نمازگزار باشد، تکلیف نمازهای قبلی و فعلی نمازگزار چیست؟

ج. نمازهایی که همراه با آن مو بوده باطل است.

به همراه داشتن کیف یا کمربند از پوست مار

۱۶۰۰. اگر کیف یا کمربندی که از پوست مار تهیه شده همراه نمازگزار باشد، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. نماز باطل است.

بودن تکه ای از چرم گاو ذبح غیر شرعی شده همراه نمازگزار

۱۶۰۱. اگر لباس یا کمربند، تکه کوچکی از چرم گاو غیر ذبح شرعی شده را داشته باشد، می توان با آن نماز خواند یا خیر؟

ج. خیر نمی توان.

لباس های چرمی که از خارج می آورند

۱۶۰۲. آیا با لباس هایی که از خارج می آورند و قسمت هایی از آنها چرم است، می توان نماز خواند؟ توضیح این که هیچ اطلاعی از نوع چرم و حرام گوشت یا حلال گوشت بودن حیوان نداریم.

ج. نماز خواندن با آن چرم باطل است.

نماز با کلاه گیس موی انسان

۱۶۰۳. آیا نماز خواندن با کلاه گیسی که از موی انسان ساخته می شود، صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

ترک طلا برای مردان

منظور از طلا چیست

۱۶۰۴. این که گفته اند لباس نمازگزار مرد از طلا نباشد، آیا منظور طلای زرد است و یا طلای سرخ و سفید را هم شامل می شود؟ و آیا رنگ طلا شرط است یا ذات طلا ملاک می باشد؟

ج. ذات طلا شرط است که نباشد هر چند با مخلوط کردن با چیز دیگر رنگش تغییر کرده، ولی مستهلك نشده و طلا بر آن صدق می کند و طلا غیر از پلاتین است.

مردی که با طلا نماز خوانده

۱۶۰۵. مرد جاهل مقصّری با لباس زرباف نماز خوانده است، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. باید نمازش را قضا کند.

همراه داشتن زیورآلات طلا به قصد امتحان کردن یا نگهداری موقت

۱۶۰۶. اگر زیورآلات طلا مانند گردن بند و ساعت و ... همراه مرد نمازگزار باشد، به گونه ای که او فقط قصد امتحان کردن

یا نگهداری موقّت آنها را داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر صدق پوشیدن می کند، نماز با آن باطل است، (به مسأله ی ۷۰۲ رساله رجوع شود).

همراه داشتن سکه طلا در نماز

۱۶۰۷. همراه داشتن سکه طلا در نماز چه حکمی دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

نماز خواندن ورزشکاران با مدال طلا

۱۶۰۸. مدال های طلایی که ورزشکاران می گیرند و به گردن می اندازند، چه حکمی دارد؟

آیا با آن حال می توانند نماز بخوانند؟

ج. به گردن آویختن آن حرام و نماز با آن باطل است.

(مسأله ی شماره ی ۷۰۲ رساله).

دندان طلای مردان

۱۶۰۹. آیا استفاده از دندان طلا برای مرد صحیح است.

آیا با آن دندان می تواند نماز بخواند؟

ج. اشکال ندارد. (مسأله ی ۷۰۲ رساله).

استفاده از روکش طلا برای اصلاح و ترمیم دندان

۱۶۱۰. اگر استفاده از روکش طلا برای دندان، جهت ترمیم و اصلاح دندان باشد، نماز خواندن با آن اشکال دارد؟

ج. خیر اشکال ندارد.

عینک با دسته ی طلا

۱۶۱۱. عینکی که دسته ی آن طلا و یا مخلوط به طلا است، استفاده ی آن برای مرد و نماز خواندن با آن چه صورتی دارد؟

ج. استفاده ی مرد از آن حرام است و بطلان نماز با آن خالی از وجه نیست.

فرق پلاتین و طلای سفید

۱۶۱۲. آیا پلاتین همان طلای سفید است؟

حکم نماز مرد در حالی که آن دو را به همراه دارد چیست؟

ج. پلاتین غیر از ماده ی طلا است؛ لذا برای مرد حلال است و نماز با آن هم اشکال ندارد ولی طلای سفید حرام و نماز با آن هم باطل است.

طلای سفید

۱۶۱۳. آیا استفاده کردن مرد از طلای سفید، نه پلاتین، شرعاً اشکال دارد یا نه؟

ج. طلای سفید اگر همان طلاست و از جهت مخلوط شدن رنگش سفید شده، همان حکم طلا را دارد که بر مرد حرام است.

آمیخته کردن مقدار اندکی طلا با پلاتین

۱۶۱۴. برای این که پلاتین قابلیت تبدیل شدن به انگشتری را داشته باشد، مقداری طلا با آن آمیخته می کنند به طوری که طلا در پلاتین مستهلک می شود. آیا استفاده مرد از این انگشتری و نماز خواندن با آن جایز است؟

ج. اگر صدق پوشیدن و به دست کردن طلا نکند، اشکال ندارد.

متفرقات لباس نمازگزار

پوشیدن کفش طبی در نماز با رعایت شرایط سجده

۱۶۱۵. آیا پوشیدن کفش طبی در حال نماز – در صورتی که هنگام سجده مواضع سجده بر روی زمین قرار گیرد و شرایط دیگر هم رعایت شود – اشکال دارد؟

ج. اگر سر شست پا روی زمین قرار گیرد، اشکال ندارد.

لباس هایی که روی آن لفظ جلاله ی «اللّٰه» نوشته شده

۱۶۱۶. آیا پوشیدن لباس هایی که بر روی آنها اسم جلاله «اللّٰه» نوشته شده است، جایز است؟

ج. اگر به نحو هتك نباشد و احکام آن مراعات شود، مانعی ندارد.

لباسی که تمثال حضرت علی علیه السّلام را دارد

۱۶۱۷. پوشیدن لباسی که روی آن تمثال حضرت علی علیه السّلام نقش بسته، برای نماز چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد و ثواب نماز را کم می کند.

لباس با عکس حیوانات و انسان

۱۶۱۸. پوشیدن لباس هایی که بر روی آنها تصاویر حیوان و انسان و منظره و یا نوشته های خارجی و فارسی باشد، برای نماز چه حکمی دارد؟

ج. لباسی که نقش صورت حیوان یا انسان دارد، در نماز مکروه است؛ اگر چه پوشیدن آن در صورتی که خلاف شأن و زی پوشنده باشد، حرام است.

عبا و چادر سیاه در نماز

۱۶۱۹. آیا کراهت لباس سیاه برای نماز شامل عبای سیاه و چادر مشکی زنان هم می شود؟

ج. خیر، شامل نمی شود.

رنگ های دیگری غیر از سیاه و سفید برای عمامه

۱۶۲۰. آیا رنگ عمامه می تواند غیر از سیاه یا سفید هم باشد؟

ج. ممکن است.

اختصاص عمامه سیاه به سادات

۱۶۲۱. آیا عمامه سیاه مخصوص سادات می باشد یا غیر سادات هم می توانند از آن استفاده کنند؟

ج. بر حسب متعارف مخصوص سادات است.

پوشیدن لباس سیاه برای شهادت ائمه علیهم السّلام

۱۶۲۲. آیا پوشیدن لباس سیاه در ایام سوگواری ائمه اطهار علیهم السّلام کراهت دارد؟

ج. چون رجحان دارد، کراهت ندارد.

لباس شهرت در نماز

۱۶۲۳. لباس شهرت چیست و استفاده از آن در نماز چه حکمی دارد؟

ج. لباس شهرت لباسیست که از جهت جنس یا رنگ یا نحوه ی برش و دوخت و مانند آن خلاف شأن و زی پوشنده ی لباس باشد ولی نماز با آن صحیح است.

استفاده و نماز خواندن با کراوات

۱۶۲۴. استفاده از کراوات و نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

ج. لباس مزبور خلاف زی پوشش متشرعه است و احوط اجتناب است.

نماز با کفش و دستکش

۱۶۲۵. نماز خواندن با کفش و دستکش، اگر چه پاک باشند چه حکمی دارد؟

ج. نماز خواندن با کفش به صحّت سجده ی نماز مُضر است، ولی با دستکش اشکال ندارد.

برهنه خواندن نماز اگر وقت تنگ باشد

۱۶۲۶. اگر شخص (چه مرد، چه زن) در حمام باشد و وقت به قدری تنگ است که اگر بخواهد بیرون بیاید و ساتر و لباس تهیه کند، وقت می گذرد، آیا با آن حال می تواند نماز بخواند؟

ج. در این صورت اگر نامحرم او را نمی بیند ایستاده نماز بخواند و جلوی خود را با دست بپوشاند و اگر در رکوع و سجود عورت او بیشتر نمایان می شود، می تواند رکوع و سجود را در حال قیام با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر آورد. (جهت اطلاع بیشتر در این رابطه به مسأله ی ۶۶۹ رساله رجوع شود).

نماز خواندن با بلند بودن ناخن

۱۶۲۷. بلند کردن ناخن چه لطمه ای به نماز می زند؟

ج. ضرری نمی زند.

کاپشن و جوراب

۱۶۲۸. آیا کاپشن و جوراب جزو لباس نمازگزار محسوب می شود؟

ج. بله، هر چند جوراب از لباس هاییست که احکام خاصه ای دارد؛ (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۷۱۲ به بعد رجوع شود).

تأثیر بلند شدن موهای زیر شکم و اطراف عورتین در نماز

۱۶۲۹. آیا بلند شدن موهای زیر شکم و اطراف عورتین موجب بطلان نماز می شود؟

ج. خیر.

نماز با روسری هدیه شده از حرم امام رضا علیه السّلام

۱۶۳۰. شخصی از حرم امام رضا علیه السّلام یک روسری آورده و به من بخشیده است، آیا نماز خواندن با آن صحیح است؟

ج. اگر به نحو حلال و با اجازه آورده، اشکال ندارد.

۴. مکان نمازگزار

نماز در خانه ای که بدون مجوز شهرداری ساخته شده است.

۱۶۳۱. خانه ای که بدون جواز شهرداری ساخته شده، آیا نماز خواندن در آن صحیح است؟

ج. صحیح است.

حکم نماز، روزه و اصل اقامت افرادی که در قطب شمال یا جنوب زندگی می کنند

۱۶۳۲. وظیفه ی شرعی افرادی که در قطب شمال یا جنوب زندگی می کنند چیست؟

حکم نماز، روزه و اصل اقامت در آنجا را بیان نمایید.

ج. بر فرض امکان زندگی در آنجا، بنا بر قاعده، تکلیف به نماز شبانه روزی و روزه ندارند. لذا چون تفویت مصالح لزومیه می شود، در حال اختیار نمی توان در آنجا اقامت کرد. ولی اگر ناچار به اقامه باشد، بنا بر احتیاط یا باید بر طبق نزدیک ترین مکان به آنجا که شب و روز عادی دارند، عمل کند یا اوقات نماز و ماه ها را با وسایلی مثل ساعت حساب کند، ولی این دومی عسر و حرج دارد.

نماز در مدرسه ای که ملک آن موقوفه است

۱۶۳۳. بنده مسؤول مدرسه ای هستم که ملک آن موقوفه می باشد و آموزش و پرورش از سازمان اوقاف اجاره نموده است، لطفاً بفرمایید وضو گرفتن و نماز خواندن من در مدرسه چه صورتی دارد؟

ج. اگر نماز خواندن با جهت وقف منافات نداشته باشد، اشکال ندارد.

نماز خواندن در ملک، قبل از تقسیم وارثین

۱۶۳۴. در منزل موروثی که متعلق به چند وارث است، نماز خواندن بعضی از ورثه در آن بدون رضایت سایر ورثه چه حکمی دارد؟

ج. تا وقتی که بین ورثه تقسیم نشده باشد، باید به نحوی رضایت آنها احراز شود؛ اگر چه بنا بر اظهر عدم علم به کراهت مالک یا امارت موجب ظن به آن در جواز کافی است.

نماز روی موکت مغصوب

۱۶۳۵. اگر روی موکت غصبی قالی انداخته باشند نماز روی آن چگونه است؟

ج. حکم نماز روی شیء غصب شده را دارد که حکم آن در مسأله ی ۷۲۹ رساله آمده است.

گذاشتن رحل و نیامدن تا زمان نماز

۱۶۳۶. شخصی در مسجد جهت نماز جماعت رحل گذاشته و تا برپایی نماز جماعت مراجعت نکرده است.

آیا حق او از آن مکان ساقط است و دیگری می تواند جای او را بگیرد؟

ج. بعد از برپایی نماز جماعت حق او ساقط می شود.

نماز بر روزنامه های مشتمل بر اسامی مقدّسه

۱۶۳۷. با توجّه به این که امروزه در بیشتر روزنامه های کشور اسامی خدا و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و ائمّه علیهم السّلام و آیاتی از قرآن وجود دارد؛ آیا می توان از روزنامه به عنوان زیرانداز جهت نماز خواندن استفاده کرد؟

ج. مادامی که اطمینان ندارد اسامی متبرّکه در آن وجود دارد، اشکال ندارد؛ اگر چه در صورت عدم اطمینان هم احراز عدم وجود اسامی متبرّکه در آن خوب است.

نماز در جایی که صدای موسیقی می آید

۱۶۳۸. نماز خواندن در جایی که صدای موسیقی می آید، چه حکمی دارد؟

ج. گوش دادن به موسیقی مطرب، اگر چه حرام است و باید از آن اجتناب شود، ولی به صحّت نماز ضرر نمی رساند.

تصویر در مقابل نمازگزار

۱۶۳۹. تصویرهایی که رؤیت آنها انسان را متذکّر حق و یاد و نام خداوند متعال می نماید - مثل تصویرهای منسوب به سیّد الشّهداء علیه السّلام و رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و حضرت امیر علیه السّلام و ... - اگر مقابل قبله باشد و در نماز موجب تقویت تذکّر باشد، حکمش برای نماز و غیر نماز چیست؟

ج. تصویر را به صورتی قرار دهند که مقابل نمازگزار نباشد و در غیر این صورت کراهت دارد، مگر در وقت نماز چیزی روی آن بیندازند که آن را بپوشاند.

نماز خواندن جلوی قبر معصوم علیه السّلام

۱۶۴۰. آیا خواندن نماز جلوی قبر معصوم علیه السّلام جایز است؟

ج. اگر بی احترامی باشد، جایز نیست و در صورتی که بی ادبی نسبت به آنها نباشد بنا بر اظهر مکروه است، ولی احتیاط مستحب آن است که به طور کلی از این کار مخصوصاً از جلوتر ایستادن اجتناب شود. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۷۳۸ و ۷۳۹ رساله رجوع شود.)

زمین مصادره شده از زرتشتیان

۱۶۴۱. زمین هایی که مال زرتشتیان بوده و مصادره شده است و صاحبان آنها راضی نیستند، حکم تصرّف، سکونت و

نمازهایی که در آنجا خوانده شده است، چیست؟

ج. چنان چه قابل حمل به صحت نباشد، تصرّف و سکونت در آنها جایز نیست، ولی نمازهایی که با جهل در آنجا خوانده شده، محکوم به صحّت است.

نماز خواندن در مکان غصبی به سبب تنگی وقت

۱۶۴۲. اگر شخصی به واسطه ی تنگی وقت نتواند مکان مباحی را پیدا کند، در محل غصبی می تواند نماز بخواند یا خیر؟

ج. اگر امید تمکن و برطرف شدن عذر را تا آخر وقت ندارد، نماز در آن صحیح است.

(به مسأله ۷۳۲ رساله رجوع شود.)

حکم زمینی که در سال های بسیار گذشته غصب شده است

۱۶۴۳. در سال های بسیار گذشته، زمینی از شخصی غصب شده است و اکنون هیچ نشانی از بازماندگان آن فرد در دست نمی باشد، حکم سکونت و نماز خواندن در این مکان چیست؟

و آیا گذشت زمان حکم زمین غصبی را عوض می کند؟

ج. گذشت زمان حکم را عوض نمی کند و باید به قیمت آن با اجازه حاکم شرع، رد مظالم بدهد.

نماز در جایی که پنکه یا چراغ آن غصبیست

۱۶۴۴. اگر نمازگزار در جایی ایستاده باشد که باد پنکه ی غصبی به او می رسد یا زیر نور چراغیست که روغن یا برق آن غصبی است، نماز او چه صورتی دارد؟

ج. نمازش صحیح است.

نماز خواندن در خانه های سازمانی که در جای غصبی بنا شده اند

۱۶۴۵. سابقاً دولت در جاهایی خانه سازمانی برای کارمندان خود احداث کرده که صاحبان آن زمین ها راضی نبوده اند.

نماز کسانی که در این خانه ها ساکن شده اند چه حکمی دارد؟

اگر از موضوع آگاه نبوده اند چه طور؟

ج. حکم نماز در مغصوب را دارد و جاهل به موضوع، نمازش صحیح است.

نماز در خانه ای که بعضی از قسمت های آن غصبیست

۱۶۴۶. نماز خواندن در خانه ای که بعضی از قسمت های آن مانند تیرآهن ها یا پنجره هایش غصبی است، چه صورتی دارد؟

ج. نماز صحیح است.

خانه ای که با پول حرام یا مخلوط به حرام خریداری شده است

۱۶۴۷. شخصی خانه ای به مبلغ دوازده میلیون تومان خریداری کرده که ده میلیون آن حلال و دو میلیون آن حرام یا مخلوط به حرام بوده است، نماز خواندن در آن خانه چه صورتی دارد؟

ج. چون معاملات به ذمّه واقع می شود، لذا ملکیت خانه و تصرّفات در آن حلال است.

نماز خواندن در مکانی که با پول مجهول المالک ساخته شده است

۱۶۴۸. اگر بدانیم مکانی توسط شخصی با پول مجهول المالك ساخته شده، می توانیم در آنجا نماز بخوانیم؟

ج. چون معاملات مربوط به آن به ذمه واقع شده است، لذا ملکیت و تصرفات در آن منزل حلال است.

نماز در خانه و مسجدی که از گنج خمس نداده ساخته شده است

۱۶۴۹. شخصی، گنجی پیدا می کند.

اما بدون این که خمس آن را بدهد از آن، برای ساختن خانه و مسجد استفاده می کند، حکم سکونت در آن خانه و نماز خواندن در مسجد و خانه ای که احداث نموده چیست؟

ج. چون مصالح خانه و مسجد را به ذمه خریده و ساخته است، نماز خواندن و تصرّفات در آنها حلال و جایز است.

نماز خواندن در منزل کسی که از راه حرام، کسب مال کرده است

۱۶۵۰. نماز خواندن در منزل شخصی که از راه حرام و نامشروع پول به دست آورده و با همان پول منزل و فرش تهیه کرده است، چه حکمی دارد؟

ج. چون خریدهای او به ذمه بوده است، تصرف و نماز خواندن در آن خانه حلال و جایز است.

حکم نماز در منزلی که در بین نماز، مالکیت آن به دیگران می رسد

۱۶۵۱. شخصی در منزل فردی با اجازه او مشغول نماز خواندن می شود. در همین هنگام صاحب خانه فوت می کند یا این که

خانه را می فروشد، تکلیف شخصی نمازگزار چیست؟

ج. نمازش را تمام می کند، مگر اطمینان به کراهت مالك داشته باشد که در این صورت در وسعت وقت نماز را قطع می کند و در ضیق وقت در حال خروج می خواند.

حکم نماز در مکان مجهول المالک

۱۶۵۲. در دانشگاه ها، مکان هایی به عنوان نمازخانه در نظر گرفته شده است، اگر مالك واقعی این مکان ها مشخص نباشد، یعنی مجهول المالك باشند، حکم نماز خواندن آنها چیست؟

ج. باید از مالك آن فحص کنند و با عدم دسترسی، از باب رد مظالم با اجازه ی حاکم شرع، تصرّفات را حلال کنند.

حد اقل فاصله بین زن و مرد

۱۶۵۳. حد اقل فاصله بین زن و مرد هنگام نماز چه مقدار باید باشد؟

ج. اگر بین آن حدود ۵ متر فاصله باشد، کراهت کم یا برداشته می شود.

اگر زنی جلوی مرد نمازگزار شروع به خواندن نماز کند

۱۶۵۴. اگر مردی مشغول نماز خواندن باشد و زنی بیاید و جلوتر از مرد شروع به نماز خواندن بکند، حکم نماز مرد و نماز زن چیست؟

ج. نماز زن مکروه است.

اگر مرد پشت سر زن نمازگزار، شروع به خواندن نماز کند

۱۶۵۵. اگر زنی مشغول نماز خواندن باشد و مردی بیاید عقب تر از آن زن شروع به نماز خواندن بکند حکم نماز مرد و نماز زن چیست؟

ج. نماز مرد مکروه است.

عقب تر بودن مرد از زن در صورت تنگی جا و تنگی وقت

۱۶۵۶. اگر زن در جلوترین قسمت اتاق مشغول نماز خواندن باشد، به طوری که جلوتر از او نتوان رفت، آیا مرد می تواند پشت سر او نماز بخواند؟ اگر وقت تنگ باشد چه طور؟

ج. بله، می تواند چون اصل مسأله از باب کراهت است و در تنگی وقت باید نماز بخواند.

لزوم وجود پرده و دیوار بین زنان و مردان

۱۶۵۷. آیا وجود پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی دارد؟

ج. اگر نامحرم باشند، رجحان شرعی دارد.

حایل بودن یک شیشه ی نازک بین مرد و زن نامحرم

۱۶۵۸. اگر در یک اتاق بین مرد و زن نامحرم، فقط شیشه ی نازکی حایل باشد، نماز صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

مکان منقوش به تصاویر انسان یا حیوان

۱۶۵۹. آیا نماز خواندن در مکانی که در آن تصویر انسان یا حیوانی وجود دارد، صحیح است؟

ج. صحیح است، ولی مکروه است.

مکانی که مجسمه ی حیوانات و یا انسان در آن قرار داده شده است

۱۶۶۰. نماز خواندن در مکانی که مجسمه ی حیوانات و یا انسان وجود دارد، چه حکمی دارد؟

ج. مکروه است.

خانه ای که با پول برنده شده از قرعه کشی خریداری شده است

۱۶۶۱. شخصی با مبلغ دویست تومان، کارت قرعه کشی ارمغان بهزیستی می خرد و مبلغ کلانی برنده می شود. سپس با این پول خانه ای می خرد، آیا نماز خواندن در این خانه صحیح است؟

ج. با فرض این که معامله بر حسب متعارف به ذمّه صورت گرفته است، صحیح است، قطع نظر از حکم شرعی مبلغ مذکور.

خانه ای که بانک در مقابل وام معوّقه فروخته است

۱۶۶۲. یک نفر از بانک وام گرفته و در مقابل، خانه ی خود را، گرو گذاشته است.

پس از چند سال به دلیل عدم پرداخت وام، بانک خانه ی آن فرد را در مقابل طلبی که دارد می فروشد؛ حال، نماز خواندن و

غسل کردن در آن مکان برای صاحب جدید چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که بر طبق مسأله ی ۱۸۳۲ و ۱۸۳۳ رساله بوده، تصرفات در آن خانه جایز و صحیح است.

اقامه ی نماز جماعت در سالن ورزشی مشترک که تعدادی از شرکاء راضی نیستند

۱۶۶۳. یک مجتمع مسکونی مشتمل بر چند واحد آپارتمان است که دارای یک سالن ورزشی مشترک می باشد.

اقامه نماز جماعت در آن سالن در صورتی که تعدادی از صاحبین واحدها راضی نباشند، صحیح است یا خیر؟

ج. خیر، صحیح نیست.

نماز در محل گناه

۱۶۶۴. آیا نماز خواندن در مکانی که محل گناه و فسق است جایز است؟

ج. نماز اشکال ندارد، اگر چه نمازگزار هم مشغول آن حرام باشد مثل شنیدن صدای موسیقی.

نماز خواندن بر روی فرش ابریشم و زربافت

۱۶۶۵. نماز خواندن مرد بر روی فرشی که از ابریشم بافته شده و یا رشته های طلا در آن به کار رفته است، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

نماز خواندن روی فرشی که قسمتی از آن با پول حرام رفو شده است

۱۶۶۶. قسمتی از یک فرش با پول حرام رفو شده است، خواندن نماز در همه جای فرش اشکال دارد یا منحصر به همان قسمت رفو شده است؟

ج. نماز خواندن اشکال ندارد.

نماز خواندن بر روی موکت هایی که نقوش زنان و مردان بر آن حک شده است

۱۶۶۷. خواندن نماز بر روی موکت ها و زیراندازهایی که نقوش مردان و زنان بر روی آن حک شده است، چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد.

سجاده هایی که عکس مسجد الحرام و مسجد النبی دارند

۱۶۶۸. آیا نماز خواندن بر روی سجاده هایی که عکس مسجد الحرام و مسجد النبی در آنها نقش شده است، صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

سجاده ها و قالیچه هایی که حاوی آیات و اسمای مقدسه هستند

۱۶۶۹. نماز خواندن بر سجاده ها یا قالیچه هایی که در آن آیات قرآن و اسمای مقدسه بافته شده است، چه صورتی دارد؟

ج. صحیح است ولی آیات و اسماء را زیر پا قرار ندهند.

نماز خواندن در منزل شراب خوار

۱۶۷۰. نماز خواندن در منزل شراب خوار چه حکمی دارد؟

ج. جایز و صحیح است.

نماز خواندن در ساختمان مصادره شده

۱۶۷۱. محل کار بنده در زمان انقلاب، ساختمان نیمه تمامی بوده که صاحب اصلی آن به خارج از ایران فرار کرد. بعد از انقلاب بنیاد مستضعفان آن را مصادره کرده و به شرکت ما فروخته است.

نمازهای گذشته ی ما و نمازهایی که بخواهیم در محل مزبور، بخوانیم چه حکمی دارد؟

ج. چنان چه قابل حمل به صحت نباشد، حکم مکان مغصوب را دارد، پس باید با رضایت مالک باشد و آن چه در حال جهل خوانده شده، اعاده اش لازم نیست.

نماز خواندن در جایی که بر روی زمین مجهول المالک احداث شده

۱۶۷۲. در روستای ما زمینی است که مجهول المالك بوده و دولت جمهوری اسلامی در آن یك باب مدرسه و یك مخابرات احداث کرده است.

نماز خواندن و ماندن در آن مکان ها چه حکمی دارد؟

ج. با عدم دسترسی به صاحبان آن زمین، باید به حاکم شرع جامع شرایط رجوع شود.

ساختن مسجد و نماز خواندن در زمینی که از بهاییان مصادره شده است

۱۶۷۳. زمینی تحت تصرّف افراد بهایی مذهب بوده و بعداً به وسیله ی سازمان زمین شهری مصادره شده است، آیا مسجد

ساختن و نماز خواندن در آن صحیح است یا خیر؟

ج. اگر سابقه ی ملکیّت شرعی آن قبل از تصرف بهایی ها مبهم باشد، اشکال دارد.

نماز در خانه ای که از خان ها گرفته شده است

۱۶۷۴. خانه ای در یک زمین زراعی قرار دارد و این زمین، مربوط به اصلاحات ارضی رژیم سابق است که از خان ها گرفته شده است، حکم ساکن شدن در این خانه و نماز خواندن در آن چیست؟

ج. حکم مغصوب را دارد.

نماز در ساختمانی که در قبرستان عمومی واقع است

۱۶۷۵. در یک قبرستان که وقف بودن زمین آن معلوم نیست، مدرسه ای ساخته شده است.

اینک آموزگاران می خواهند در آنجا نماز ظهر و عصر بخوانند. در این صورت نماز آنها چه حکمی دارد؟

ج. نماز خواندن در آنجا منعی ندارد.

ساختن مسجد در زمینی که وقف قبرستان شده است

۱۶۷۶. آیا در قبرستانی که زمین آن وقف قبرستان شده، می توان مسجد ساخت؟ و اگر مسجدی ساخته شود، آیا نماز خواندن در آن صحیح است؟

ج. نمی توان در آنجا مسجد ساخت، ولی مجرّد نماز خواندن تا زمانی که مزاحمت با جهت وقف نداشته باشد، اشکال ندارد.

خریدن یا اجاره کردن کلیسا و تبدیل کردن آن به مسجد

۱۶۷۷. آیا مسلمان ها می توانند کلیسایی را از مسیحیان بخرند یا اجاره کنند و آن را به مسجد تبدیل کنند؟

ج. در صورت اجاره صحیحه تنها می توانند مصلّی کنند و مسجد کردن در صورت خرید به نحو صحیح شرعی مانعی ندارد.

نماز خواندن در زمین های مصادره شده از پیروان سایر ادیان

۱۶۷۸. زمین هایی از مسیحیان و زرتشتیان بوده که مصادره شده است، در حالی که صاحبان آنها راضی نبوده اند.

حکم تصرف، سکونت و نماز خواندن در آنها چیست؟

ج. چنان چه قابل حمل بر صحت نباشد، حکم غصب را دارد.

نماز خواندن در ملک اجاره ای پس از اتمام وقت اجاره

۱۶۷۹. ساختمانی قبل از انقلاب با مبالغ آن زمان به آموزش و پرورش اجاره داده شده است.

اکنون صاحب ملک، راضی به تمدید قرارداد نیست و اصرار دارد که ساختمان خود را پس بگیرد از طرف دیگر آموزش و پرورش توانایی منتقل شدن به جای دیگر و یا افزایش مبلغ اجاره بها به طوری که مالک راضی شود را ندارد؛ لذا حاضر به تحویل محل و افزایش اجاره نمی باشد.

اخیراً صاحب ملک آمده و گفته من راضی نیستم در ملک من نماز بخوانید. با توجه به این که طرف قرارداد آموزش و پرورش است، ما کارمندان، آیا جهت کار اداری مجاز به استفاده از آن مکان می باشیم یا خیر؟

نماز خواندن ما در آنجا چه صورتی دارد؟

ج. اگر مدت اجاره تمام شده است، تصرّفات در آن، تصرّف عدوانی و غصب است.

نماز خواندن در خانه ی اجاره ای که موجر آدم رباخوار است

۱۶۸۰. بنده خانه ای را اجاره کردم به شرطی که مبلغی به عنوان قرض الحسنه به صاحب خانه بپردازم. پس از سکونت، متوجه شدم که صاحب خانه، آدم نزول خوار و ربادهنده ایست و به احتمال زیاد پولی که از من گرفته جهت ربا به کار می گیرد، حال تکلیف من نسبت به سکونت در آن منزل و نماز خواندن در آن چیست؟

ج. برای شما اشکالی ندارد.

نماز خواندن در خانه اجاره ای که صاحب خانه مبلغی به عنوان قرض الحسنه گرفته

۱۶۸۱. برای اجاره ی خانه، موجر مبلغی وجه نقد به عنوان قرض الحسنه و مبلغی هم ماهیانه به عنوان اجاره بها از مستأجر دریافت می کند، آیا سکونت در آن خانه و نماز خواندن در آن صحیح است؟

ج. اشکالی ندارد.

نماز خواندن صاحب خانه در خانه ای که اجاره داده

۱۶۸۲. آیا صاحب خانه می تواند بدون اجازه ی مستأجر در خانه ای که اجاره داده، نماز بخواند؟

ج. خیر، نمی تواند؛ یعنی در احراز رضایت یا همان عدم احراز کراهت مستأجر، مثل دیگران است.

نماز خواندن در مدرسه ی موقوفه ای که آموزش و پرورش آن را اجاره کرده است

۱۶۸۳. مدرسه ایست که ملك آن موقوفه است و وزارت خانه آموزش و پرورش آن را از سازمان اوقاف اجاره کرده است.

وضو گرفتن و نماز خواندن معلمان و مدیران آن مدرسه چه حکمی دارد؟

ج. اگر تمام شرایط وقف و موقوفه رعایت شده باشد، اشکال ندارد.

مصداق مکان نمازگزار که باید پاک باشد

۱۶۸۴. منظور از این که «مکان نمازگزار باید پاک باشد»، فقط محل ایستادن و سجده گاه را شامل می شود یا آن قسمتی که بین محل ایستادن و سجده گاه او می باشد؛ یعنی آن قسمتی که در هنگام سجده زیر او قرار می گیرد را نیز شامل می شود؟

ج. جایی که انسان پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد، در صورتی که خشك هم باشد، نماز باطل است و بقیه مکان نمازگزار، اعم از محل ایستادن یا غیر آن اگر نجس بود نباید به طوری تر باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، مگر این که طوری تر باشد که اگر نجاست به بدن یا لباس سرایت کرد نماز را باطل نکند.

نماز خواندن در جایی که فراموش کرده ایم نجس بوده

۱۶۸۵. کسی می دانسته که جایی نجس بوده ولی فراموش کرده و در آنجا نماز خوانده است.

بعد از نماز نجاست آن مکان را به یاد می آورد، حکم نمازی که خوانده چیست؟

ج. صحیح است.

نجس بودن صندلی یا عصای جانبازان

۱۶۸۶. آیا نجس بودن صندلی چرخدار یا عصایی که به دست برادران جانباز است، برای نماز مانعی دارد؟

ج. تا وقتی که بدن یا لباس را نجس نکند، مانع نیست.

احکام مسجد

فروش مصالح اضافی مسجد

۱۶۸۷. آیا فروش مصالح اضافه آمده از بنّایی مسجد، برای پرداخت قرض همان مسجد جایز است؟

ج. جایز است.

احداث مسجد در زمینی بدون دسترسی به مالک آن

۱۶۸۸. زمینی برای شخصی بوده که از کشور فرار کرده و رفته است، سپس آن زمین را مسجد کرده اند.

وظیفه ی شرعی دربارهی این مسجد چیست؟

ج. از او بایـد تحقیق و جسـتجو کنند که تا ممکن است از او اذن بگیرند و اگر به او دسترسـی حاصل نشد و اجازه از او ممکن نشـد، حاکم شـرع آن زمین را به جماعتی اجاره دهد که آنجا را مصلّی کنند که اجاره به نفع مالك است و هر وقت پیدا شد، پول اجاره را به او بدهند.

زیلویی که اکنون برای مسجد مورد استفاده نیست

۱۶۸۹. اهالی روستایی، تعدادی زیلو را در حدود بیست و چهار سال پیش جهت فرش مسجد جامع این روستا وقف کرده اند.

اخیراً مسـجد مذکور با قالی فرش شده است و زیلوها بدون اسـتفاده مانده است و اهالی و هیأت امنای مسجد، بر این عقیده اند که زیلوها را جهت مراسم مذهبی در حسینیه، مهدیّه و امثال آن، از مسجد خارج نمایند.

حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج. بفروشند و پولش را صرف مسجد نمایند.

وقف بخشی از مال موقوفه ی خاصه برای مسجد

۱۶۹۰. شخصی سهم خود از حمّامی را که ثلث ابقایی اولاد پسر است، بر مسجدی وقف نموده است.

آیا این وقف صحیح است؟

ج. فقـط می توانـد حق خود را به مسـجد اختصـاص دهـد و بعـد از وفات او حق بطون دیگر به حال خود باقیست و به هر حال وقف آن صحیح نیست.

صرف درآمد مسجد مخروبه در مسجد جدید

۱۶۹۱. قطعه زمینی به مساحت تقریبی پانزده هزار متر مربع (زمین کشاورزی) توسط اهالی منطقه ای در سال ۱۳۴۲ وقف مسجد امام حسن علیه السّلام گردیده است، پس از مدتی مسجد فوق تخریب و از طرفی به علت کمی مساحت زیربنای عرصه مسجد و نامناسب بودن جای مسجد به علت وجود چاه، اقدام به ساختن مسجد دیگری در فاصله کمتر از ۲۰۰ متری به نام همان مسجد (امام حسن علیه السّلام) در همان روستا شده و مورد استفاده مؤمنین آن روستا می باشد.

آیا جایز است از محل درآمد قطعه تخریب شده مسجد امام حسن علیه السّلام قدیمی، خرج مسجد امام حسن علیه السّلام جدید و نوساز گردد؟

ج. اگر موضوع مصرف اوّلی منتفی شده است، باید درآمد مذکور صرف در امور خیر شود که این مسجد هم از جمله امور بر و نیک است و در غیر این صورت در همان مسجد اوّلی، در صورت ساختمانش مصرف گردد.

تغییر در بنای مسجد

۱۶۹۲. مسجدیست که به شکل دو طبقه ساخته شده یعنی طبقه بالای آن به صورت بالکن و طبقه پایین معمولی می باشد.

این بالکن به صورت مخروبه درآمده است و هیچ استفاده ای از آن نمی شود و موجب تاریکی مسجد نیز می باشد.

آیا اجازه می دهید این بالکن را از وسط مسجد برداریم؟

ج. مناسب است طبقه بالا از وجوه بریّه و خیریّه، با مراجعه به اهلش تعمیر شود و تخریب جایز نیست.

ایجاد مغازه در مسجد

۱۶۹۳. مسجدی در کنار خیابان واقع شده و درآمد اوقافی هم ندارد و مردم محل برای هزینه های آن دچار مضیقه شده اند.

با توجه به اینکه حیاط مسجد فضای کافی برای احداث چند باب مغازه را دارد و از نظر فضا هم مشکلی ایجاد نمی شود و صیغه وقف هم بر مسجد جاری نشده است، آیا ساخت مغازه ها را اجازه می دهید تا درآمد آن صرف هزینه های مسجد گردد؟

ج. جایز نیست.

۱۶۹۴. برای تعمیر مسجد، ایوان قدیمی آن را که ۵ / ۱ متر از سطح زمین ارتفاع داشت خراب کردیم. آیا اجازه می دهید هنگام ساختن، در زیر ایوان جدید در همان ابعاد قدیمی، مغازه ای بسازیم که درآمد آن صرف مسجد شود؟

ج. اگر ایوان جزو مسجد است، نمی شود مغازه ای ساخت.

شرط واقف مسجد مبنی بر اقامه جماعت توسط سیّد

۱۶۹۵. شخصی مسجدی را وقف کرده و در وقف نامه قید کرده که امام جماعت مسجد مذکور سیّد باشد.

در این صورت امامت غیر سیّد چه حکمی دارد و تکلیف مأمومین در رابطه با او چیست؟

ج. این شرط صحیح است و در صورت امکان باید سیّد امامت کند و اگر تحصیل امام جماعت سیّد ممکن نشد، مسجد بودن محفوظ است و در این صورت غیر سیّد عادل می تواند امامت کند و اگر امام عادل غیر سیّد در آنجا جماعت بخواند، عمل او حمل بر صحّت می شود که به ناچار در صورت عدم امکان تحصیل سیّد امامت کرده است و اللّه العالم.

ایجاد حسینیه در زمین مسجد

۱۶۹۶. مسجدی ۱۰۰ متر مربع مساحت دارد که در شمال این مسجد قطعه زمینی حدود ۲۰۰ متر طبق مدارك موجود، به عنوان باغچه مسجد وجود دارد که جزو ساختمان مسجد نیست، آیا می توان در این قطعه زمین حسینیّه ای احداث نمود؟

ج. اگر زمین متَعَلِّق به مسجد است، نمی توانند آن را به حسینیّه تبدیل کنند و باید طبق وقف از آن استفاده نمایند.

بله، اگر وقف بر جهت خاصّه ای ممکنه نیست، می توانند از آن به عنوان سالنی که توسعه مسجد باشد، ولی خصوصیّات مسجد بودن را نداشته باشد، بسازند که به حسب ظاهر مانعی ندارد و اللّه العالم.

وقف زمین برای مسجد توسط بهایی

۱۶۹۷. زمینی به مساحت ۸۰۰ متر مربع برای احداث مسجد از طرف دو نفر بهایی به اهالی محله ما اهدا شد و صیغه وقف مسجد جاری و در اداره اوقاف ثبت گردید.

ولی به علت نداشتن هزینه راکد مانده است، لکن افراد نامبرده فعلاً راضی به تکمیل ساختمان مسجد نیستند. نظر مبارکتان در رابطه با عدم رضایت آنها چیست؟

ج. نامبردگان حقّی ندارند و وقف مزبور اشکالی ندارد و اللّه العالم.

تبدیل انبار مسجد به کتابخانه

۱۶۹۸. اتاقی وقف مسجد بوده که سال ها انبار مسجد بوده است و الآن می خواهند آنجا را کتابخانه کنند.

آیا اجازه می فرمایید؟

ج. اگر وقف برای مصالح بوده است، باید خودش یا اجاره اش در مسجد صرف شود، هر چند کتابخانه شود و چه بسا هر نوع استفاده که اجاره اش زیادتر باشد، باید آن را اختیار کنند.

قرار گرفتن مقبره پس از توسعه در داخل مسجد

۱۶۹۹. مسجدی را تخریب کرده و توسعه داده اند و مقبره دو میّت که پیش از آن خارج مسجد بوده، داخل مسجد شده است.

آیا اشکال دارد؟

ج. اگر این مقبره ملك کسی نبوده یا اگر ملك بوده، مالك راضی به این کار شده، اشکال ندارد و در هر حال، آن قسمت مسجد نیست.

احداث مسجد در زمین وقف برای حسینیه

۱۷۰۰. مسجدی را در زمینی با سهم امام علیه السّلام و وجوهات دیگری بنا کرده اند و سپس مطلع شده اند که آن زمین سابقاً وقف حسینیه بوده است، تکلیف شرعی چه می باشد؟

ج. باید آن را به همان حسینیه برگردانند و وجوهاتی را که در آن مصرف کرده اند، آنچه از آنها که جواز مصرف در حسینیه هم دارد، مانعی ندارد و اگر موردی از آنها باشد که فقط برای صرف در مسجد جواز داشته است، آن مقدار را ضامنند.

استفاده از آب انبار برای مسجد

۱۷۰۱. آب انباری وقفی در کنار مسجدی قرار دارد که دیگر از آن استفاده نمی شود. آیا می توان در توسعه ی مسجد از آن استفاده کرد؟

ج. اگر به هیچ وجه مورد استفاده نیست، باید صرف در وجوه بر و امور خیر شود که تبدیل به مسجد هم از وجوه بر است و در هر صورت مکان مذکور مصلّیست نه مسجد.

تبدیل آب انبار غیر قابل استفاده به مسجد

۱۷۰۲. آب انباری وقفی بوده و اکنون هیچ مورد استفاده نیست. آیا می توان آن را به مسجد تبدیل کرد؟

ج. آری، زیرا آن هم از وجوه و موارد بر و خیر است و وقفی که منفعت از آن ممکن نیست، باید صرف در موارد بر شود.

مسجدی که دیوار و سقف آن غصبیست

۱۷۰۳. یکی از نهادها سنگ ها و مصالحی را از صاحبان آنها مصادره کرده و با آنها مسجد ساخته است و مالک راضی نیست. اگر آن مصالح در دیوار یا سقف مسجد مصرف شده باشد، نماز خواندن روی زمین آن چه حکمی دارد؟

ج. نماز در آن بلامانع است، زیرا فقط ساختمان آن غصبیست که باید پول آن را به مالك بدهند و بعد آن را وقف کنند.

تبدیل زمین وقف برای قبرستان به مسجد

۱۷۰۴. آیا زمین موقوفه برای قبرستان یا غیر آن را می توان مسجد کرد؟

ج. خیر، زیرا مسجد ملازمه ی با بقای ابدی در آنجا دارد و این امر با وقف برای غیر، منافات دارد، ولی مصلّی قرار دادن آن زمین، به صورتی که ممنوع از دفن نباشد، جایز است.

تبدیل حمام غیر قابل استفاده به مسجد

۱۷۰۵. آیا جایز است با کمك های مالی که از مردم و زکات و غیره گرفته شده، حمام عمومی نیمه تمامی را که اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته است، تخریب و صرف در نیازهای مسجد کنند؟

ج. اگر امکان دارد، احتیاطاً از بخشندگان و دهندگان آن وجوه اجازه بگیرند، وگرنه با رضایت اهالی آن محل جایز است.

احداث مسجد در زمین میّتی که ورثه اش معلوم نیست

۱۷۰۶. مالك زمینی مرده و ورثه ی او هم مورد شناخت و در دسترس نیستند و مردم، آن زمین را مسجد کرده اند.

آیا این کار صحیح بوده است؟

تکلیف چیست؟

ج. باید حاکم شرع اجازه دهد ثمن و قیمت زمین را صدقه دهند، هر چند به اینکه اهل خیر آن را بخرند و پول آن را صدقه دهند تا نماز در آنجا جایز باشد و احتیاط در اینست که پس از صدقه قیمت، صیغه وقف را مجدداً بخوانند.

فروش فرش مسجد برای تبدیل آن به بهتر

۱۷۰۷. فروختن فرش مسجد و تبدیل آن به فرش بهتر چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که با عدم تعویض از بین می رود، جایز است.

قرض دادن مصالح اضافی مسجدی برای مصرف در مسجد دیگر

۱۷۰۸. مصالح اضافی مسجدی را برای مسجد دیگری قرض می دهند تا در ضروریات آن مسجد مصرف گردد، آیا جایز است؟

ج. جایز است، نه برای مصرف در تجمّلات آن.

عدم جواز احداث زیرزمین در مسجد برای غسّال خانه و ...

۱۷۰۹. زمینی برای مسجد وقف و ساخته شده است اکنون که می خواهند مسجد را از نو تعمیر کنند، آیا جایز است که یک زیرزمین برای غسل دادن اموات، وضوخانه، انبار و آشپزخانه - که مورد نیاز است - ساخته شود؟

ج. در فرض مرقوم جایز نیست.

ساخت مسجد در کنار مسجد قدیمی

۱۷۱۰. مسجدی قدیمی، قابل استفاده و دارای سابقه ۴۰۰ ساله در روستایی وجود دارد.

ولی گروهی قصد دارند مسجد دیگری، آن هم در زمین موقوفه بسازند. آیا نماز خواندن در مسجد جدید جایز است؟

ج. در زمین موقوفه مسجد نمی شود و اگر متولی موقوفه مصلحت ببیند مصلّی می شود و مسجد قبلی به مسجد بودن خود باقی است.

ایجاد پایگاه مقاومت و مرکز فرهنگی در مسجد

۱۷۱۱. مسجدی دارای حجره هاییست که برای مدرسه وقف شده است.

چندین سال پیش به عنوان حوزه علمیه از آنجا استفاده می شد.

چند سال است که حوزه علمیه به جای دیگری منتقل شده است، مسجد و حجره ها روبه خرابی هستند و مسجد به کلّی تعطیل شده است.

اکنون عده ای از جوانان متدیّن و فرهنگی می خواهند در آن مسجد فعّالیّت های فرهنگی کنند.

چند ماه است شروع به کار کرده اند و در حد توان خودشان قدم هایی برداشته اند.

اکنون ضرورت ایجاب می کند که در آن مسجد پایگاه مقاومتی تشکیل دهند و یکی از حجره ها را به این امر مهم اختصاص دهند تا بتوانند از این طریق جوانانی را جذب مسجد و فعالیت های دینی کنند.

آیا استفاده کردن از این حجره به عنوان مرکز پایگاه مقاومت و مرکز فرهنگی در دو حالت زیر، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

۱) استفاده کردن از آن بدون اجاره.

۲) استفاده کردن از آن به طریق اجاره و صرف اجرت آن در امور مسجد.

ج. تا ممکن است بر حسب وقف عمل شود.

چند طبقه کردن موقوفه برای مسجد

۱۷۱۲. اگر مسجدی را در سه طبقه تأسیس و هر طبقه را جهت امری اختصاص دهند - مثلاً زیرزمین را تأسیسات مسجد، طبقه همکف را به زنان و طبقه بالا را به مردان اختصاص دهند، به نظر حضرت عالی چه حکمی دارد؟

ج. اگر زمین آن وقف مسجد است و تمامیت وقف محقق شده است، نمی توانند چنین کنند و تمام طبقات به حکم مسجد است و در غیر این صورت، وقف هر طبقه و هر قسمت برای امری مانعی ندارد و یا این که اصلاً وقف شرعی نباشد و به عنوان نمازخانه باشد.

ضمیمه نمودن قبرستان به مسجد

۱۷۱۳. در روستایی برای بزرگ نمودن مسجد از جهت طول و عرض، باید از زمینی که برای قبرستان جلوی مسجد است استفاده شود. در این زمین افرادی کمتر از سی یا چهل سال است که دفن شده اند، تکلیف چیست؟

ضمناً این زمین حدود صد سال پیش توسط شخصی وقف شده است، اما عنوان آن را کسی نمی داند.

ج. اگر به گونه ای استفاده کنند که نبش قبر نشود، حکم مسجد را ندارد ولی مصلّی (نمازخانه) می شود.

دو نام از طرف واقف زمین و سازنده برای یک مسجد

۱۷۱۴. واقفی زمینی را برای مسجد وقف کرده است، به این شرط که به فلان نام باشد، سازنده مسجد می خواهد آن را به نام دیگری بسازد. تکلیف چیست؟

ج. آن مسجد را به نام هر دو بسازند، زیرا قیودی که در ابتدای وقف بوده باید مراعات شود.

زمین اهدایی شهرداری جهت مسجد

۱۷۱۵. شهرداری قطعه زمینی را برای احداث مسجدی به اهالی محل اهدا نموده، مشروط بر اینکه در مدت قرارداد مردم نسبت به شروع احداث مسجد اقدام نمایند.

کلنگ مسجد توسط امام جمعه زده شد، ولی به علّت رسیدن زمستان، به همان صورت باقی مانده است.

آیا با این عمل زمین مذکور مسجد محسوب می شود و آیا شهرداری می تواند لغو قرارداد نماید؟

ج. تا وقتی که نماز نخوانده اند، مسجد محسوب نمی شود.

خراب شدن منزل موقوفه امام جماعت مسجد

۱۷۱۶. خانه ای وقف امام جماعت مسجد بوده و به مرور زمان خراب شده است و آن را برای توسعه مسجد، داخل مسجد کرده اند، حکم شرعی در این خصوص چیست؟

ج. تا ممکن است باید به حالت اولیه اش برگردانند و در صورت تعذّر، اگر از موارد جواز فروش وقف باشد، آن را بفروشند و مشتری اگر خواست آن را وقف مسجد کند.

عقب نشینی مسجد

۱۷۱۷. مسجدی را تعمیر و توسعه داده ایم، ولی طبق طرح هادی، از طرف شرق و شمال مسجد ملزم به عقب نشینی شدیم. با عنایت به اینکه هر دو طرف عقب نشینی شده، راه عمومی بوده و نیاز مبرم به تعریض و توسعه جهت عبور و مرور مردم و ماشین ها دارد، خواهشمند است نظرتان را در رابطه با این عقب نشینی بفرمایید.

ج. نمی توانند عقب نشینی بکنند و تا ممکن است تعمیری نکنند تا مستمسکی برای عقب نشینی نشود و اگر خراب کرده اید، مقدار عقب نشینی را دیوار بکشید و محصور کنید تا عقب نشینی مستند به شما نباشد و اللّٰه العالم.

ضمیمه کردن خانه ی بهایی و کوچه به مسجد

۱۷۱۸. برای توسعه مسجد جامع، خانه های اطراف آن را خریداری و به مسجد ملحق کردیم که یکی از آنها خانه یک بهایی بود و بین مسجد قدیم و یکی از خانه ها کوچه ای به عرض ۵ / ۱ متر واقع شده بود که با رضایت اهالی، آن کوچه هم به مسجد ملحق شد.

با توجه به این که کوچه های اطراف مسجد را گسترش داده ایم، به طوری که مشکلی برای رفت و آمد مردم وجود ندارد، ولی بعد از ساخت، عدّه ای به دو جهت در مسجد شبهه دارند.

۱) چون بخشی از این مسجد قبلًا خانه بهایی بوده است.

۲) کوچه عمومی به آن ملحق شده است؛ لطفاً حکم شرعی را در این باره

بیان فرمایید.

ج. ساختمان فوق مسجد است به استثنای کوچه ای که ملحق به مسجد شده که آن مقدار بدون این که از محل عبور بودن خارج شود می تواند مصلّی باشد و نماز در آن قسمت جایز است و آنچه از بهایی الاصل به مسجد ملحق شده مسجد

است.

بله، اگر او اوّل مسلمان بوده و بعد بهایی شده است رضایت ورثه ی مسلمان او جلب شود.

بی استفاده ماندن مسجد جامع و عدم خروج آن از جامعیّت

۱۷۱۹. مسجد قدیمی روستا سابقاً مسجد جامع بوده ولی بعداً دیگر نماز جماعت و مراسم مذهبی در مساجد جدید برگزار می شود و آن مسجد رو به تخریب است؛ آیا همچنان مسجد جامع باقی است.

ج. مسجد جامع از جامعیّت خارج نمی شود.

قرار دادن راه عبور در مسجد

۱۷۲۰. در یک طرف مسجد راهیست که دو طرف آن باز و محل عبور و مرور است.

عده ای می خواهند طرف دیگر این راه را با خود این راه برای توسعه، داخل مسجد کنند، آیا جایز است؟

ج. چون این راه عبور است و تمام عابرین در آن حق دارند، جایز نیست آن را مسجد کنند و اگر خواستند آن را مصلی (نمازخانه) کنند، بنا بر احوط باید راهی برای عبور - حتی در موقع نماز - بگذارند؛ مانند اینکه در طبقه ی بالای آن مصلی بسازند و زیر آن، مسیر عبور و مرور مردم باشد.

جاهایی که جزو مسجد است

۱۷۲۱. غیر از اصل مسجد، چه قسمت هایی از مسجد جزو مسجد است؟

ج. پشت بام و سرداب و محراب بنا بر اظهر جزو مسجد است، مگر این که علم به خروج آنها از مسجد حاصل شود.

ساختن دستشویی در زمین مسجد

۱۷۲۲. شخصی که از دنیا رفته است، در زمان حیات خود زمینی را به طور مطلق و بدون قید برای مسجد هدیه کرده است.

آیا در این زمین می شود دستشویی ساخت؟

ج. اگر زمین را داده که مسجد بسازند و قیدی نیاورده است، می توانند به همان صورت که متعارف ساختمان مسجد است

عمل کنند و اگر متعارف است که در محلّی از آن دستشویی درست کنند، می توانند درست کنند، مگر در صورتی که معلوم باشد منظور دهنده ی زمین فقط مسجد بوده است و همچنین اگر متعارف نیست در محلی از آن دستشویی بسازند، نمی توانند دستشویی درست کنند و اللّٰه العالم.

مصادره ی زمین و اختصاص آن به مسجد

۱۷۲۳. هیأت هفت نفره ی واگذاری اراضی، زمین این جانب را بدون اطلاع و رضایت من به دیگری واگذار کرده و در عوض آن، زمین دیگری را از آنان دریافت داشته و به ساخت مسجد اختصاص داده است.

آیا نماز خواندن در آن مسجد صحیح است؟

ج. با احراز رضایت مالک، نماز صحیح است.

اجاره ی زمین وقفی و ساختن مسجد

۱۷۲۴. آیا جایز است زمین وقفی را اجاره کنند و مسجد بسازند؟

ج. مسجد نمی شود و در مواردی که اجاره دادن جایز است، مُصلّی (نمازخانه) می شود نه مسجد.

زمین های موقوفه حضرت رضا علیه السّلام و حضرت معصومه علیها السّلام

۱۷۲۵. مقدار زیادی از زمین های مشهد، قم و ... موقوفه امام رضا علیه السّلام و حضرت معصومه علیها السّلام است، ساخت مسجد در چنین زمین هایی چه حکمی دارد؟

ج. ساخت مسجد در زمین موقوفه جایز و صحیح نیست و مصلّی مانعی ندارد.

قرار دادن آبدارخانه و کفش کن جزو مسجد

۱۷۲۶. مسجدی که به علّت کثرت جمعیّت، نیاز به توسعه دارد و در کنار آن زمینِ دست نخورده است؛ آیا می توان آبدارخانه و کفش کن مسجد را در آن زمین ساخت؟

و بر فرض جواز آیا احکام مسجد را دارد؟

ج. با فرض عدم وقف آن زمین بر جهت خاصّه و صلاحدید متولّی مانعی ندارد و احوط اینست که برای جزو مسجد شدن

آنها صیغه وقف مسجد بخوانند.

نمازخانه و مسجد در ادارات و پارک ها

۱۷۲۷. در ادارات و یا بعضی از مکان ها مثل پارک، مکانی را به عنوان نمازخانه قرار می دهند و بعد از مدّتی کسانی که به آنجا رفت و آمد می کنند به آن، مسجد می گویند، با وجود این که ممکن است بعدها آن مکان به چیز دیگری تبدیل شود. آیا آن مکان حکم مسجد را دارد و احکام مسجد درباره ی آن جاری می شود؟

ج. اگر به عنوان مسجدیّت وقف نشده باشد، مسجد نیست.

ضمیمه ی اتاق های مسجد به حیاط

۱۷۲۸. اتاق هایی در حیاط مسجد بدون استفاده مانده و در حال تخریب است.

تبدیل آنها به حیاط مسجد چه حکمی دارد؟

ج. اگر ممکن است اتاق های مذکور را تجدید بنا نمایند تا در جهت خاصّی که در وقف تعیین شده به کار رود و تبدیل به حیاط ننمایند و اگر ممکن نیست، با مراعات آنچه که مناسب تر است و صلاحیّت بیشتر دارد، مانع ندارد.

تبدیل ایوان مسجد به وضوخانه

۱۷۲۹. هنگام تعمیر مسجدی قدیمی دو ایوان که قبلاً در دیوار مسجد واقع بوده و در آنها نماز خوانده نمی شده را تبدیل به دو وضوخانه مورد نیاز کرده اند که ساخته شده و فقط جهت وضو گرفتن از آن استفاده می شود و محل دیگری برای وضوخانه نیست. آیا این کار صحیح بوده است؟

ج. اگر جزو مسجد بوده و مسجد به حساب می آمده است، باید برگردانده شود.

انتقال آبدارخانه و تصرّف در مسجد

۱۷۳۰. آیا انتقال آبدارخانه ی مسجد به جای دیگر، در صورتی که مستلزم آن باشد که یک متر از صحن مسجد به جای آبدارخانه جایگزین گردد، جایز است؟

ج. انتقال آبدارخانه که مستلزم تغییر وقف در غیر جهت وقف است، مجاز نیست.

تخریب مسجد برای خیابان

۱۷۳۱. آیا تخریب قسمتی از مسجد یا تمام آن، جهت تعریض خیابان جایز است؟

ج. جایز نیست.

عقب نشینی مسجد

۱۷۳۲. آیا عقب نشینی، هنگام تجدید بنای مسجد، طبق قوانین شهرداری به نحوی که چند متر از مسجد داخل خیابان واقع شود جایز است؟

ج. جایز نیست.

تبدیل مسجد به پایگاه بسیج

۱۷۳۳. دو باب حجره برای ضروریات و دفتر مسجد ساخته اند، آیا تبدیل آن به پایگاه بسیج و مانند آن، جایز است؟

ج. جایز نیست.

صندوق قرض الحسنه در محوطه ی مسجد

۱۷۳۴. در محوطه ی مسجد، دو باب دکان جهت انجام کارهای صندوق قرض الحسنه عام المنفعه با موافقت هیأت امنای مسجد احداث شده است و بابت آن سالانه مبلغی به مسجد اجاره پرداخت می شود. آیا ادامه ی کار این صندوق در مکان فعلی جایز است؟

ج. اگر محوطه ی مسجد وقف حیاط مسجد یا مثل آن است، تغییر آن به دکان جایز نیست و باید به حال اوّل برگردد و چنان چه از اراضی مسجد است که باید عواید آن صرف مسجد شود، ساختن دکّان در آن و اجاره ی آن و صرف عواید در مسجد با نظر متولّی شرعی و با نبودن شخص خاص به عنوان متولّی، با نظر حاکم شرع، اشکال ندارد.

تخریب مغازه ی مسجد

۱۷۳۵. درب ورودی مسجدی بین دو مغازه ی مُتَعَلِّق به مسجد قرار گرفته است، به طوری که از طرف خیابان، ظاهر مسجد را به شکل تجارت خانه درآورده است، برداشتن آن دو مغازه چه حکمی دارد؟

ج. از مغازه ی مُتَعَلّق به مسجد، باید استفاده ی مغازه شود و نباید از بین ببرند.

خارج کردن خاک از مسجد

۱۷۳۶. اگر کسی اندکی از خاک مسجدی را از آنجا خارج کرده باشد و آن خاک مفقود شده باشد، وظیفه ی او چیست؟

ج. اگر مقدار کمیست که به نظر عقلا موجب ضمان نیست، در فرض سؤال وظیفه ای ندارد.

تبدیل فرش های مسجد

۱۷۳۷. فرش های مسجدی فرسوده شده و در صورت عدم تعویض از بین می رود. آیا جایز است آنها را فروخته و به أحسن تبدیل کنیم؟

ج. جایز است.

انتقال وسایل مسجدی به مسجد دیگر

۱۷۳۸. مسجدیست قدیمی که دارای فرش و اثاثیه ی فراوان است و در نزدیکی آن مسجد جدیدی ساخته شده که جمعیّت زیادی به آنجا می روند و وسایل مسجد قدیم در معرض تلف و احیاناً سرقت است.

آیا می توان آن وسایل را به مسجد جدید نقل داد؟

ج. اگر در مسجد قدیم قابل استفاده نباشد، انتقال عین آن وسایل یا بدل آنها، اشکال ندارد.

تبدیل ظروف وقفی مسجد

۱۷۳۹. آیا می توان ظروف وقفی مسجد را - که قدیمی شده و مورد استفاده نیست - فروخت و به ظروف بهتری تبدیل کرد؟

ج. جایز است.

فروش وسایل اضافه برای هزینه ی مسجد

۱۷۴۰. چیزهایی که به عنوان نذر و یا کمک به مسجد داده می شود - مانند پنکه و چراغ و ...، چنان چه زاید بر احتیاج باشد، آیا متولّی می تواند وسایل اضافه را بفروشد و به سایر هزینه های لازم مسجد برساند؟

ج. جایز است.

گذاشتن بار در مسجد

۱۷۴۱. شخصی بار خود را در حیاط مسجد می گذارد و حاضر است اجرت هم بدهد. آیا جایز است؟

ج. اجرت ندارد. ولی اشغال مسجد به طوری که مزاحمت برای نمازگزاران یا موجب هتک مسجد باشد، جایز نیست.

پختن غذا در پشت بام مسجد

۱۷۴۲. آیا پختن غذا در ایّام سوگواری، در پشت بام مسجد جایز است؟

ج. اگر به جایی ضرر نزند و موجب نجس شدن مسجد هم نشود و مزاحم نمازگزاران نشود، مانع ندارد.

آذین بستن مسجد

۱۷۴۳. آیا آذین بستن داخل مسجد برای جشن ائمّه ای اطهار جایز است؟

ج. در صورت عدم مزاحمت با نمازگزاران، اشکال ندارد.

کف زدن در مسجد

۱۷۴۴. آیا در مراسمی که در اعیاد و ولادت ائمّه علیهم السّلام در مسجد برگزار می شود، کف زدن جایز است؟

ج. اگر به حد لهو برسد و هتک مکان یا معصوم باشد، جایز نیست.

عروسی در مسجد

۱۷۴۵. آیا در مسجد می توان مجلس عروسی گرفت؟

ج. باید در مسجد از کارهایی که با احترام مسجد منافات دارد و یا مزاحم نمازگزاران است و یا در غیر جهت وقف است، اجتناب شود.

استفاده از برق و امکانات مسجد زودتر از وقت

۱۷۴۶. گاهی مأمومین نماز جماعت جهت اقامه ی نماز زودتر از وقت شرعی در مسجد حاضر می شوند و در این بین از امکانات مسجد مثل برق و ... استفاده می کنند.

حکم آنها چیست؟

ج. در حد متعارف اشکال ندارد.

برداشتن حایل بین زنان و مردان

۱۷۴۷. در مساجد غالباً حایلی مثل پرده بین زنان و مردان وجود دارد. با توجّه به این که در مسجد الحرام چنین حایلی وجود ندارد، آیا می شود در مساجد دیگر هم این حایل را برداشت؟

ج. نماز خواندن بدون حایل در صورت تقدّم یا تساوی زن با مرد بنا بر اظهر، مکروه است، ولی برای امور غیر از نماز چون غالباً موجب ارتباط و اختلاط بین آنها می شود، از این کار احتراز شود، احتیاطاً.

دوران بین تطهیر مسجد و غسل جنابت

۱۷۴۸. شخصی محتلم است و نمی تواند داخل مسجد توقّف نماید و از طرفی تطهیر مسجد واجب است و شخص دیگری هم نیست که آن را تطهیر کند، وظیفه اش چیست؟

ج. وجوب تطهیر مسجد فوریّت عرفیّه دارد، لذا پس از غسل کردن مسجد را تطهیر کند و اگر امکان دارد، در حال عبور تطهیر کند.

ورود اهل کتاب به مسجد

۱۷۴۹. ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجالس ترحیم آشنایان، جایز است یا باید از ورود آنها جلوگیری شود؟

ج. نباید وارد مساجد مسلمین شوند.

برگزاری مراسم غیر مسلمان در مسجد

۱۷۵۰. آیا برگزاری مراسم درگذشت افراد غیر مسلمان در مسجد شرعاً جایز است؟

ج. جایز نیست.

مسجدی که حقوق کارگران آن پرداخت نشده

۱۷۵۱. مسجدی جهت توسعه و بازسازی، بابت پرداخت مصالح، مزد کارگر و بنّا مدیون است و طلب کاران از این بابت ناراضی هستند؛ با توجه به درآمد مسجد از طریق چندین مغازه ی موقوفه و مراسم مذهبی و خود داری متولّی از پرداخت بدهی مسجد، اقامه ی نماز جماعت و انجام مراسم مذهبی در مسجد فوق چه حکمی خواهد داشت؟

ج. بدهی مسجد ربطی به نماز در آن ندارد و جماعت و نماز در آن صحیح است و لازم است کسانی که متصدّی هستند نسبت به بدهی مسجد رسیدگی و اقدام داشته باشند.

غیبت در مسجد

۱۷۵۲. اگر کسانی در مسجد غیبت می کنند به طوری که انسان در هر موضع بنشیند با غیبت مواجه می شود و امر به معروف هم تأثیر ندارد آیا رفتن به مسجد جایز می باشد؟

ج. به غیبت گوش ندهید و می توانید به مسجد بروید.

ساختن مسجد با بودجه های دولتی

۱۷۵۳. در یکی از مناطق مسکونی، مسجدی با هزینه سازمان آب و برق بنا گردیده است و تمامی بودجه شامل: بنّا، سیستم های صوتی، امکانات اولیه، فرش، موکت، یخچال، اجاق گاز و ... و همچنین مراسم مولودی و سوگواری ائمه علیهم السّلام و مراسم مربوط به ماه مبارك رمضان از هزینه آن سازمان تأمین می گردد. حکم شرعی این گونه هزینه ها را از بودجه سازمانی اعلام فرمایید تا مشکل مسلمین نمازگزار در این مسجد و مساجد مشابه حل شود.

ج. اگر از محل درآمد حلال و با اذن من له الاذن (صاحب اجازه) بوده است، اشکال ندارد.

کراهت نگهداری نقّاشی و تصویر و عکس در مسجد

۱۷۵۴. حکم نقّاشی، تصویر و عکس در مسجد را بیان نمایید.

ج. نقاشی و تصویر در مسجد مکروه است و عکس هم گرچه صورت سازی و مجسّمه سازی نیست، بلکه نگاه داشتن صورت در جایی است، ولی تصویر بر «عکس» هم صدق می کند، پس ملحق نمودن آن به نقش و تصویر در کراهت، مبنی بر احتیاط است.

برداشتن پرده

۱۷۵۵. از قدیم در مساجد حایلی – مثل پرده – بین زنان و مردان بوده است.

اکنون عدّه ای می گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزوم ندارد. نظر مبارک را در این باره مرقوم فرمایید.

ج. آنچه که به پوشش زنان از مردان نزدیک تر باشد، بافضیلت تر بوده و موافق احتیاط است.

تصرّف در حریم مسجد

۱۷۵۶. زمینی در کنار مسجد بوده که آن را برای مسجد وقف کرده اند، متولّی مسجد صلاح دیده آن زمین را جهت رفت و آمد به وضوخانه، به کوچه تبدیل کند.

همسایه مسجد از امین مسجد تقاضا می کند از خانه اش دری به این کوچه باز کند.

آیا امین می تواند اجازه دهد؟ اگر همسایه دری باز کرده باشد، چه حکمی دارد؟

ج. امین مذکور حق این اجازه را ندارد و همسایه هم باید این درب را مسدود کند.

الحاق و توسعه مسجد

۱۷۵۷. مسجد جامع دارای یک شبستان قدیمیست که فرسوده و غیر قابل استفاده است و به تشخیص معماران باید تخریب شود و مسجدی هم در کنار مسجد جامع است که می خواهیم آن را به این مسجد ملحق کنیم و زمین های زیادی نیز اطراف مسجد توسط افراد خیّر خریداری شده تا برای توسعه مسجد از آن استفاده گردد.

حال سه مسأله مطرح است:

۱) نیاز به وضوخانه (محل وضو نه توالت) داریم که مهندسین، ساخت آن را در زیرزمین مناسب می دانند. آیا می توان آن را در مسجد قدیمی احداث نمود؟

۲) آیا می توان برای توسعه مسجد، شبستان قدیمی و مسجد مخروبه را – که بنایی ندارد – جزو صحن قرار داد؟ با توجه به این که قصد داریم روی صحن هم سقفی بنا کنیم، تا در زمستان هم برای نمازگزاران قابل استفاده باشد.

۳) آیا می توان وضوخانه را در زمین های خریداری شده احداث کرد. مخصوصاً آن که هنوز به مسجدیّت در نیامده است؟

ج. وضوخانه را باید در آن قسمتی که سابقاً مسجد نبوده ساخت و نیازمندی های ذکر شده پیش از صیغه وقفیّت جایز است و مسجد هم نباید حیاط مسجد شود.

مسجد در زمین وقفی

۱۷۵۸. زمین مسجدی وقف بر امامزاده ایست که در جنب آن قرار دارد، آیا مسجد باید اجاره بپردازد؟

ج. در زمین وقفی نمی شود مسجد بنا کرد و اگر به صورت مصلّی باشد، مانعی ندارد.

دفن واقف در مسجد

۱۷۵۹. شخصی زمینی را که در کنار مسجد محل بود، وقف آن مسجد نمود به شرط آن که او را بعد از فوت در همان مسجد که از زمین واقف ساخته شده دفن نمایند.

عدّه ای از اهالی این شرط را پذیرفته اند و مسجد محل با این زمین یکی شده است و ساختمان سازی به پایان رسیده است.

واقف می گوید محل دفن او را در مسجد مشخص نمایند و عدم رضایت خود را در صورت عدم تعیین اعلام نموده است.

آیا می توان او را در آنجا دفن نمود؟

ج. در صورت عدم مزاحمت مقبره با نمازگزاران و عدم آلوده شدن باطن مسجد (چنان چه مثلاً جسد را در صندوق یا مقبره ی سیمانی دفن نمایند)، مانعی ندارد در مسجد دفن شود.

اشیای مختلفی که به مسجد داده می شود

۱۷۶۰. اشیایی که به مسجد داده می شود، ممکن است گاهی با عنوان وقف و گاهی با عنوان تملیك باشد، آیا احکام شرعی هر کدام از این دو مورد مختلف است؟

لطفاً فرق آنها را مرقوم فرمایید.

ج. هر چه وقف باشد، باید در جهت وقف مصرف شود و آنچه غیر از وقف است، در غیر آن، در امور مربوط به مسجد مصرف می شود، مگر جهت خاصی را قید کرده باشد.

استفاده ی شخصی از فرش مسجد و حسینیّه

۱۷۶۱. آیا فرش مسجد یا حسینیّه را که وقف خاص است، می توان در مجالس شخصی، یا خارج از آنها استفاده کرد؟

ج. خیر، نمی توان.

تزیین فراوان مسجد

۱۷۶۲. آیا تزیین بیش از حد مساجد، جایز است؟

ج. تزیین آنها به طلا احتیاطاً جایز نیست و هم چنین تزیین آن با تصویر و نقش، به خصوص با تصاویر جانداران.

تعمیر مسجد مخروبه

۱۷۶۳. در روستای مجاور ما که مردم آن مهاجرت کرده اند، مسجدی وجود دارد که مخروبه شده است، آیا تعمیر و بازسازی آن لازم است؟

ج. ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می باشد، مستحب است.

نجاست فرش مسجد

۱۷۶۴. اگر رویه ی کفش نجس شود، آن را واکس بزنیم و پایِ تر روی کفش گذاشته و وارد مسجد شویم، آیا فرش مسجد نجس می شود؟

ج. احتیاطاً آن فرش را تطهیر کنید.

ورود حائض و جُنُب به حیاط مسجد

۱۷۶۵. آیا کسانی که عذر شرعی دارند، می توانند وارد حیاط مسجد و یا حرم امامان و امام زادگان شوند؟

ج. ورود به حرم امامان جایز نیست، بنا بر احوط، ورود به حیاط مسجد اشکال ندارد.

صرف پول مسجد در امور شخصی

۱۷۶۶. مقداری از پول هیأت و مسجد نزد من است، آیا می توانم فعلاً اینها را خودم مصرف نمایم و هر وقت هیأت احتیاج پیدا کرد بپردازم؟

ج. خیر، نمی توانید.

انتقال کتب وقفی مسجد

۱۷۶۷. آیا کتاب هایی که وقف مسجد شده و مورد استفاده نیست را می توان به کتابخانه دیگری منتقل نمود؟

ج. مثل سایر موقوفات، مَتَعَلِّق به مسجد است.

ضرر رساندن سهوی به مسجد

۱۷۶۸. هرگاه انسان سهواً ضرری به مسجد برساند، آیا ضامن است؟

(مثلاً ناخواسته پا روی مهر مسجد گذاشته و آن را شکسته است)

ج. بله، ضامن است.

مسجد به جای حمام مخروبه

۱۷۶۹. مسجدی در زمینی بنا شده که قبلاً حمام مخروبه بوده است، آیا نماز در آن صحیح است یا خیر؟

ج. نیاز به اجازه حاکم شرع دارد.

سخن دنیایی در مسجد

۱۷۷۰. صحبت کردن در مسجد راجع به امور دنیوی، چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد.

برگزاری امتحانات در مساجد

۱۷۷۱. در برخی مناطق به دلیل کمبود سالن، امتحانات دانش آموزان در مساجد برگزار می شود، با توجه به این که اکثریت خواهران شرکت کننده بالغ بوده و قطعاً عده ای از آنان در عادت ماهانه به سر می برند و از طرفی مجبور به شرکت در همان جلسه امتحان هستند و عدم شرکت آنها موجب از بین رفتن زحمات یک ساله آنها خواهد شد، لطفاً بفرمایید آیا مشخص کردن مسجد برای برگزاری امتحانات خواهران جایز است؟

و در صورت برگزاری امتحان در مسجد، خواهرانی که در حال عادت ماهانه اند، می توانند شرکت کنند؟

ج. اصل آن برگزاری جایز است و شرکت خواهران در حالت مذکور، حرام است.

اجناس اضافه آمده در مسجد

۱۷۷۲. برخی از اجناس هم چون چای، قند یا ... که در مجالس مسجد اضافه می آید و در طولانی مدّت فاسد می شود، آیا می توان آنها را فروخت و خرج مسجد نمود، یا می توان مقداری از آن را به صورت قرض مصرف نمود و در صورت نیاز به همان مقدار پس داد؟

ج. آن چه مَتَعَلُّق به مسجد است، باید تحت نظر متولّی شرعی مسجد انجام گیرد و هر چه مالک معیّن دارد، باید به او مراجعه شود.

جا گرفتن در مساجد

۱۷۷۳. در برخی مساجد به علت شلوغی باید زودتر جا گرفت، اگر کسی برای خود قبل از نماز جایی بگیرد و جهت وضو یا کار دیگر برود و فرد دیگری جای او را بگیرد، نماز خواندن فرد دوم چه حکمی دارد؟

آیا فقط حرام مرتکب شده یا نماز او هم باطل است؟

و در صورت جلب رضایت فرد اوّل پس از نماز، نماز او چه حکمی خواهد داشت؟

ج. اگر رحلی در آنجا گذاشته است، اولویت به آنجا پیدا کرده و دیگری که جای او را بگیرد، کار حرام مرتکب شده است، گرچه نمازش باطل نیست.

۱۷۷۴. آیا کسی می تواند هنگام نماز ظهر و عصر، برای نماز مغرب و عشا برای خود جایی را در مسجد مشخص کند؟ و کسی که جایی را مشخص می کند تا چه وقتی نسبت به آنجا حق دارد؟

آیا پس از شروع نماز جماعت نیز حق او باقی است؟

ج. می تواند این طور جا بگیرد، ولی پس از شروع و انعقاد جماعت حق او زایل می شود و فرد دیگری می تواند در آنجا نماز بخواند.

۱۷۷۵. در برخی مساجد بزرگ ترها و پیرمردها و پیرزن ها در صف اوّل یا جاهای خاص مسجد

معمولاً جایی اختصاصی برای خود داشته و این امری پذیرفته شده تلقی می گردد و گاهی اگر جوانی در آنجا بنشیند، او را جابه جا می نمایند، آیا نماز این دسته از افراد اشکالی ندارد؟

ج. اگر جای کسی را نگیرند، اشکال ندارد.

مشروعیّت مجالس ترحیم در مسجد

۱۷۷۶. آیا برگزاری مجالس ترحیم در مساجد مشروع است؟

و آیا اگر این مجالس مزاحمتی برای تعقیبات و عبادت نمازگزاران داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج. مشروع است، در صورتی که مزاحمت با نمازگزاران نداشته باشد.

پول گرفتن هیأت امنا جهت مجالس ترحیم

۱۷۷۷. آیا هیأت امنا می تواننـد در ازای برگزاری مجالس ترحیم در مسجد، مبلغی از صاحبان عزا دریافت و خرج آب و برق مسجد نمایند؟

ج. اگر با اجازه متولی باشد، مانعی ندارد.

عدم آرامش همسایگان مسجد

۱۷۷۸. اگر همسایگان مسجد از سر و صدا و پارک وسایل نقلیه و رفت و آمد نمازگزاران مسجد ناراحت باشند، تکلیف آنان چیست؟

ج. اذیت و آزار مؤمنین همسایه، حرام است.

تعریف مسجد جامع

۱۷۷۹. تعریف مسجد جامع چیست؟

ج. مسجدیست که در اوقات نماز معمولاً غالب اهالی شهر به آنجا می آیند، هر چند که از آن محل هم نباشند.

انتقال لوله فاضلاب مسجد از زیر مسجد

۱۷۸۰. آیا انتقال آب فاضلاب مسجد به وسیله لوله پولیکا از زیر مسجد، در صورت ضرورت جایز است؟

ج. اشکال ندارد، با فرض عدم صدق تنجیس باطن مسجد.

بلندگوهای مسجد

۱۷۸۱. استفاده از بلندگوهای مساجد که صدا در خارج از مسجد پخش می کنند، تا چه وقت جایز است؟

آیا پخش مراسم سخنرانی و عزاداری جایز است؟

ج. اگر سبب اذیت همسایگان شود، جایز نیست.

نحوه ایستادن زن و مرد در مسجد

۱۷۸۲.

گفته شده اگر زن و مرد بدون حایل و پرده در کنار هم بایستند و نماز بخوانند، کراهت دارد مگر با رعایت فاصله ده زراع که حدود پنج متر می شود؛ در صورتی که نماز جماعت باشد، آیا رعایت اتصال صفوف در جماعت با این فاصله جایز است؟

ج. خیر، باید به نحو مذکور در مسأله ی ۱۱۵۵ رساله باشد و در این جهت فرقی بین زن و مرد نیست.

شعر خواندن در مسجد

۱۷۸۳. با توجه به کراهت خوانـدن شـعر در مساجد، لطفاً حکم اشـعاری که در مدح یا مرثیه اهل بیت و یا موعظه و مناجات با خداوند است را بفرمایید؟

ج. خواندن اشعار با موضوعات ذکر شده اشکال ندارد.

ورود اطفال به مسجد

۱۷۸۴. بدون شک، آشـنایی اطفال با مکان ها و مجامع مذهبی از کودکی امری پسندیده است، آیا این مطلب با توجه به حکم اسـتحبابی که برای جلوگیری از ورود اطفال غیر ممیّز به مسـجد می شود چگونه قابل جمع است و در صورتی که جلوگیری و ممانعت از ورود آنها موجب تنفّر و انزجار آنان از چنین مکان های مبارکی می شود، آیا بازهم جلوگیری مستحب است؟

و آیا ورود حسنین علیهما السّلام به مسجد و عدم ممانعت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم از ورود آنان می تواند دلیل بر مطلوبیت ورود اطفال و کودکان به مسجد باشد؟

ج. اگر از اطفال غیر ممیّز مواظبت شود - که مراعات آداب مسجد را بکنند - ورود آنها مانعی ندارد.

فضا و زیر زمین مسجد

۱۷۸۵. در گوشه مدرسه ای، مسجدی قدیمی قرار داشته که فعلاً در آنجا چند طبقه ساختمان ساخته شده است و طبقه هم کف به عنوان مسجد استفاده می شود، آیا طبقه بالا و زیرین - که در محل مسجد ساخته شده است - نیز حکم مسجد را دارد؟

ج. بلی، یعنی اگر در ابتدای وقف و ساخت مسجد آن طبقات را خارج از مسجد قرار ندادند، حکم مسجد را دارند.

پشت دیوار مسجد

۱۷۸۶. آیا پشت دیوار مسجد به طرف بیرون نیز حکم مسجد را دارد و نجس کردن و تصرّف در آن حرام است؟

ج. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود، نجاستش را برطرف نمایند؛ مگر آن که واقف آن را جزو مسجد قرار نداده باشد.

مسجدی که در طرح خیابان قرار گرفته است

۱۷۸۷. مسجدی که در اثر تعریض خیابان در وسط خیابان قرار گرفته است و فعلًا تبدیل به محل رفت و آمد شده، آیا هنوز احکام مسجد در آن جاریست و نجس کردن یا توقف جنب و حایض در آن قسمت از زمین حرام است؟

ج. بله، تمام احکام مسجد در مورد آن جاری است.

قرار دادن عَلَم در مسجد

۱۷۸۸. عَلَم های عزاداری دارای مجسمه هایی از حیوانات است، آیا قرار دادن عَلَم در مسجد اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد.

پول آب و برق و گاز مسجد

۱۷۸۹. طبق مقررات، اماکن عمومی - مانند مسجد - نیز باید پول مربوط به آب و برق را بپردازند و چون مساجدی که موقوفه ندارنـد، معمولاً با مشـکل پرداخت قبض آب و برق و گاز مواجه هسـتند، حکم کسانی که از آب و برق و گاز مسـجد، جهت نماز و عبادت استفاده می کنند چیست؟

و آیا هر یک از آنها باید به میزان مصرف خود به مسجد کمک کنند؟

ج. اگر فردی نباشد که تبرّعاً چنین هزینه هایی را پرداخت کند، استفاده کنندگان از این مکان باید بدهند.

مصرف سهم امام در ساخت مسجد

۱۷۹۰. آیا می توان سهم امام را در ساخت مسجد و حسینیّه هزینه کرد؟

ج. باید با اجازه ی مرجع تقلید باشد.

استفاده از امکانات مسجد

۱۷۹۱. آیا اسـتفاده ی همسایگان مسجد از آب و برق مسجد و یا استفاده نمازگزاران از برق مسجد جهت ضبط، شارژ موبایل، شارژ دوربین فیلم برداری و عکاسی و یا نمایش فیلم جهت امور فرهنگی جایز است؟

ج. هر چه بر خلاف جهت مقصوده ی در متَعَلُّقات وقف است، جایز نیست.

استفاده از مهر مسجد در حیاط مسجد و کوچه

۱۷۹۲. در برخی از مساجـد به علت ازدحـام جمعیَّت، صف های جماعت در حیاط و حتی کوچه مسـجد کشـیده می شود، آیا استفاده از مهرهای داخل مسجد در حیاط و کوچه، برای خواندن نماز اشکال دارد؟

ج. ظاهراً اشکال ندارد.

نماز جماعت در مسجد پنج طبقه

۱۷۹۳. مسـجدی کوچک به علت ازدحام جمعیَّت تبـدیل به پنـج طبقه شده که هر یک از طبقات اتصال خود را از طبقه زیرین می گیرند، آیا نماز جماعت در طبقات فوقانی که ارتفاع فوق العاده زیادی با سطح مسجد دارد، جایز است؟

ج. بله، جایز است.

تبدیل مساجد قدیمی به آثار میراث فرهنگی

۱۷۹۴. در بسیاری از شهرها سازمان میراث فرهنگی مساجد قدیمی و تاریخی آن شهر را به عنوان آثار میراث فرهنگی معرفی و برخی از محراب ها و یا قسمت های تاریخی آن را محصور و در معرض نمایش قرار داده است، با توجه به این مطلب؛

۱) آیا عمل سازمان مزبور جهت حفظ آثار تاریخی مساجد که منجر به محصور کردن برخی از قسمت های مسجد می شود، جایز است؟

ج. راه حفظ کردن این بناها، منحصر در محصور کردن نیست.

۲) آیا سازمان مزبور اجازه دارد که برای دیدن جهانگردان و دیدار کنندگان وجهی دریافت نماید؟

ج. با صلاحدید متولّی شرعی، در محدوده ای که مزاحمت با جهت وقف ندارد، مانعی نیست.

۳) در بین دیدار کنندگان از چنین مساجدی جهانگردان خارجی، کفار و اهل کتاب وجود دارند، آیا اجازه ورود به آنان در مسجد به جهت آشنا شدن با فرهنگ ایرانی و اسلامی جایز است؟

ج. جایز نیست.

۴) در برخی از این مساجد حجره هایی جهت تحصیل طلاب علوم دینی قرار داشته که به دنبال تصرّف سازمان میراث فرهنگی فعلاً به صورت متروکه درآمده است، آیا عمل مزبور جایز است؟

ج. ممانعت از استفاده ی از موقوفه در جهت وقف جایز نیست.

استفاده از آشپزخانه مسجد برای مصارف بیرون از مسجد

۱۷۹۵. مسجدی که دارای آشپزخانه وسیع و مجهز است - که قابلیت استفاده فراوانی دارد - آیا پخت و پخش غذا در آن، جهت مراسم عزاداری حسینیّه و یا مجالس خانگی چه حکمی دارد؟

و آیا پختن غذا و دریافت اجرت و اجاره و هزینه کردن درآمد آن، جهت مصارف مسجد، جایز است؟

ج. با اجازه ی متولّی مسجد جایز است.

حدود اختیارات هیأت امنا، واقف، متولّی و امام جماعت

۱۷۹۶. لطفاً حدود اختیارات هیأت امنا، واقف، متولّی و امام جماعت مسجد را مشخص فرمایید تا از تداخل امور و اختلاف در

مسائل جلوگیری شود.

ج. تصرّفات مشروعه در مسجد باید فقط تحت نظر متولّی شرعی مسجد باشد.

ساخت گنبد و مناره

۱۷۹۷. ساخت گنبد و مناره جهت مسجد، آیا مطلوب است یا جزو امور زاید و تزییناتی به شمار می رود؟

ج. مستحب است مسجد دارای سقف نباشد، بلکه مکروه است تظلیل (سایهبان) به غیر عریش که از بوریا ساخته می شود و اقرب زوال کراهت به سبب ضرورت و مرجّحات دیگر است

و مستحب است مناره در دیوار مسجد باشد و مکروه است بالاتر بودن مناره از سطح بالای مسجد و اقرب ارتفاع کراهت است به سبب ضرورت و حاجت، اگر مقرون به مفسده نباشد.

خوردن غذای سیردار و ورود به مسجد

۱۷۹۸. اگر کسی غذایی که در آن سیر وجود دارد بخورد، آیا ورود او به مسجد اشکال دارد؟

اگر دهان او بو ندهد چه طور؟

ج. اگر دهان وی بو بدهد، کراهت دارد.

زنگ موبایل در مسجد

۱۷۹۹. اخیراً با رواج موبایل بسیار اتفاق می افتد که نمازگزاران بدون خاموش نمودن دستگاه تلفن همراه، مشغول نماز شده و در بین نماز دستگاه شروع به زنگ زدن کرده که معمولاً مشتمل بر موزیک است، لطفاً حکم شرعی این مسأله و گوش دادن دیگران به موزیک موبایل را در هنگام نماز بفرمایید؟

ج. اگر صوتی باشد غیر لهوی - که از استعمال آلات معدّه حاصل نشده باشد - اشکال ندارد و بر هر تقدیر، موجب بطلان نماز نیست.

عبارت های روی زیلوها

۱۸۰۰. بر روی برخی از زیلوها اسم مساجد یا عنوان حسینیّه نقش شده، مانند:

وقف حسینیّه حضرت أبوالفضل، یا وقف مسجد فاطمیّه و ... نماز خواندن بر روی چنین نوشته هایی چه حکمی دارد؟

آیا محو آنها تصرّف غیر جایز در اموال حسینیه و مسجد نیست؟

ج. با فرض عدم هتک، نماز خواندن روی آنها اشکال ندارد و محو آنها باید با اجازه ی متولّی باشد.

تصحیح عبارت اشتباه در کتب وقفی

۱۸۰۱. گاه عبارت دعا یا آیه ای در کتب وقفی مسجد یا کتابخانه، اشتباه تایپ شده است، آیا تصحیح چنین عبارت هایی تصرّف غیر جایز در وقف محسوب نمی شود؟

ج. با اجازه ی متولّی جایز است.

نماز خواندن در مساجد وهابی ها

۱۸۰۲. در بسیاری از شهرها و روستاهای مرزی، وهابی ها اقدام به ساخت مساجد جهت اهل سنت نموده اند، با توجه به این که معمولاً شیعیان از داشتن مسجد در مناطق مرزی محروم هستند، نماز خواندن در مساجد آنان و شرکت در مجالسی که آنجا برپا می شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر سبب رونق و ترویج مذهب باطل آنها نباشد، جایز است.

کنیسه و کلیسا

۱۸۰۳. آیا کنیسه و کلیسا – که برای عبادت اهل کتاب اختصاص داده شده است – شرعاً حکم مسجد را دارد؟

ج. خیر، شرعاً حکم مسجد ندارد؛ لکن تعرّض به معابد یهودیان و مسیحیان که در ذمّه اسلام هستند و آن معابد هم در دست خود آنها است، جایز نیست و آن اماکن مثل مساجد محترم است و جایز نیست خراب کردن آنها، مگر با شرایطی که در مساجد هم جاری است.

ساخت مسجد و حسینیه بیش از حد نیاز

۱۸۰۴. آیا ساخت مسجد و حسینیه بیش از حد نیاز در یک شهر، روستا یا محله اسراف محسوب می شود؟

ج. موارد آن مختلف است.

انجام امور فرهنگی در مسجد

۱۸۰۵. بسیاری از امور راجح فرهنگی و آموزشی - از قبیل تشکیل کلاس های آموزشی، هنری و تفریحی تابستانی جهت جوانان و نوجوانان، نمایش فیلم، اجرای مسابقه، تئاتر و ... - در گذشته رایج نبوده و لذا قطعاً در وقف نامه ها لحاظ نگردیده است، حال با توجّه به ضرورت اجرای چنین برنامه های فرهنگی و عدم امکان اجرای آن در مکانی غیر از مسجد، آیا حضرت عالی انجام چنین فعالیت ها و برنامه هایی را در مساجد جایز می دانید؟

ج. باید از کارهایی که با احترام مسجد منافات دارد و یا مزاحم نمازگزاران است، کلًا اجتناب شود.

بازی و ورزش و فیلم در مسجد

۱۸۰۶. بازی کردن و یا ورزش کردن در مساجد - مثل نرمش، تنیس و یا ورزش های رزمی و یا نمایش فیلم به صورت زنده و یا ویدیویی - چه حکمی دارد؟

ج. غرض اصلی از مسجد عبادت و اقامه ی نماز است و استفاده ی از وقف، در غیر جهت وقف جایز نیست و باید در مسجد، از کارهایی که با احترام آن منافات دارد و یا مزاحم نمازگزاران است، اجتناب شود.

استفاده شخصی از اموال مسجد

۱۸۰۷. استفاده شخصی از اموال مسجد، توسط مسؤولین مسجد، چه حکمی دارد؟

اگر وجهی در قبال آن پرداخته شود یا صدقه داده شود؟

ج. جایز نیست.

قرض دادن پول مَتَعَلِّق به مسجد

۱۸۰۸. قرض دادن پولی که مَتَعَلِّق به مسجد است، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۵ و ۶. اذان و اقامه

گفتن اقامه بدون اذان

۱۸۰۹. آیا گفتن اقامه مشروط به گفتن اذان است یا می توان آن را بدون اذان گفت؟

ج. مشروط نیست.

«أشهد أن علیّاً ولی اللّه» در اذان

۱۸۱۰. آیا جمله ی «أشهد أن علیّاً ولی اللّه» جزو اذان و اقامه است و آیا ذکر صلوات و تحیّات بر انبیا علیهم السّلام در اذان صحیح است؟

ج. بعید نیست مستحب بودن اقرار به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام در اذان، در صورتی که به نیّت مطلوب بودن گفته شود و کامل ترین عبارتی که اینجا گفته می شود آن است که اقرار به خلیفه ی دین بودن یا وصی بودن امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه طاهرین علیهم السّلام در آن باشد و ذکر صلوات، مانعی ندارد. (مسأله ۷۵۸ رساله)

بلند بودن صدای اذان

۱۸۱۱. بلند بودن صدای اذان در صورتی که موجب آزار همسایگان شود چگونه است؟

ج. اگر اذیّت شدن بی جهت و غیر عقلانی است، مانعی ندارد و در غیر این صورت صدای آن را کم کنند.

صحبت کردن بین اذان و اقامه

۱۸۱۲. آیا حرف زدن با دیگران بین اجزای اذان و اقامه جایز است؟

اگر جایز است تا چه اندازه به صحت اذان و اقامه ضرر نمی رساند؟ و اگر جایز نیست آیا باید از سر بگیرد یا می تواند به آن چه گفته شده اکتفا کند؟

ج. حرف زدن با دیگران در بین اجزای اذان و اقامه جایز است، اگر چه مکروه است و اگر در حال اقامه باشد اعاده ی آن، مستحب است و اگر خیلی طول دهد که صورت اذان و اقامه به هم بخورد، از سر بگیرد.

قرآن خواندن یا دعا در بین اذان و اقامه

۱۸۱۳. فاصله انداختن در بین بخش های اذان به وسیله ی قرآن یا دعا تا چه حد جایز است؟

ج. اگر خیلی طولانی نباشد، جایز است.

کفایت اذان و اقامه برای کسی که نماز را قطع می کند

۱۸۱۴. کسی برای نماز خود اذان و اقامه گفته است، در اوّل نماز برایش شک بین یک و دو پیش می آید و بعد از تفکّر، نماز را قطع می کند.

آیا می تواند به اذان و اقامه ی گفته شده اکتفا کند یا فاصله ایجاد شده، به صحت اذان ضرر می رساند؟

ج. همان اذان و اقامه کافی است.

اذان و اقامه غیر امام در جماعت

۱۸۱۵. آیا اذان و اقامه شخص دیگری غیر از امام، در نماز جماعت کافی است؟

ج. اگر امام جماعت اذان و اقامه ی شخص دیگری را بشنود برای نماز کافی است، اگر چه بهتر آن است که خودش بگوید و ثواب آن چند برابر است.

اضافه کردن شهادت به عصمت و مقام حضرت زهرا یا امامان علیهم السّلام

۱۸۱۶. آیا می توان شهادت به عصمت و مقام حضرت زهرا علیها السّلام یا امامان دیگر علیهم السّلام را در اذان اضافه کرد؟

ج. آن را در ضمن صلوات یا دعای صحیح مندرج کرده و بگوید.

شهادت ثالثه

۱۸۱۷.

گفتن شهادت ثالثه (علیٌّ ولی اللّه) در اذان و اقامه و تشهّد به امید ثواب چه طور است؟

ج. در اذان و اقامه مانعی ندارد و در تشهّد احتیاط اینست که مقصود خود را در صلوات دوّمی بیاورد:

مانند «اللّهم صل علی محمّد و آله الاوصیاء الائمه الاثنی عشر ...».

اذان دیگری غیر از اذان نماز و اعلام وقت

۱۸۱۸. آیا به غیر از اذان اعلام وقت و اذان و اقامه ی نماز، اذان دیگری نیز هست یا خیر؟

ج. مستحب است اذان در گوش راست مولود (نوزاد) و اقامه در گوش چپ او و نیز مستحب است اذان گفتن در گوش سیّئ الخُلق و فرد بد اخلاق، اگر چه بداخلاقی او برای ترک خوردن گوشت تا چهل روز باشد و بهتر، اذان گفتن در گوش راست اوست و حکایت اذان هم مستحب است.

گفتن اذان و اقامه در نماز احتیاط

۱۸۱۹. در نماز احتیاط که اذان و اقامه ندارد، اگر کسی عمداً یا اشتباهی آنها را بگوید، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. سهواً اشکال ندارد، به خلاف عمد.

استقبال در اذان و اقامه

۱۸۲۰. معنی «استقبال در اذان و اقامه» چیست؟

آیا «استقبال» در اذان و اقامه شرط است یا خیر؟

ج. استقبال یعنی رو به قبله بودن و در اذان و اقامه مستحب است.

اشتباه مؤذن در گفتن اذان پیش از دخول وقت

۱۸۲۱. اگر مؤذّنی، به اشتباه، قبل از وقت اذان بگوید و سپس به اشتباهش پی ببرد، آیا لازم است به مردم اطلاع دهد یا خیر؟

ج. در صورت امکان تذکّر بدهد.

اذان رادیو و تلویزیون

۱۸۲۲. آیا اذانی که از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود، برای اطمینان یافتن از حصول وقت نماز کفایت می کند یا خیر؟

ج. حصول اطمینان مربوط به خود مکلّف است.

حرف زدن بعد از اذان و قبل از اقامه

۱۸۲۳. بعد از اتمام اذان و قبل از اقامه، آیا می توان با دیگران صحبت کرد؟

ج. بله، می توان مگر در نماز صبح که مکروه است.

اذان کودک نابالغ در نماز جماعت

۱۸۲۴. کودکی که هنوز به سن تکلیف نرسیده است، آیا می تواند اذان نماز جماعت بگوید یا خیر؟

ج. طفل اگر ممیّز باشد، اکتفا به اذان او برای جماعت می شود.

گفتن اذان توسط عدّه ی زیادی به طور هم زمان

۱۸۲۵. اگر در نماز جماعتی هم زمان با مؤذّن بقیه افراد حاضر در مسجد شروع به اذان گفتن بکنند، به گونه ای که به نظر برسد همگی به طور دسته جمعی مشغول اذان گفتن هستند، آیا این امر اشکالی به اذان نماز وارد می کند یا خیر؟

ج. خیر.

اذان امام جماعت، اگر هیچ اذانی را نشنیده باشد

۱۸۲۶. اگر امام جماعت، اذان اعلام وقت و اذان نماز جماعت را به دلیل دیر رسیدن به مسجد نشنود، آیا باید خود اذان بگوید یا لازم نیست؟

ج. اگر امام نشنیده و لو مأمومین شنیده باشند، برای امام جماعت کافی نیست.

کفایت اذان و اقامه امام جماعت از اذان و اقامه مأمومین

۱۸۲۷. آیا اذان و اقامه ای که توسط امام جماعت گفته می شود، از اذان و اقامه مأمومین کفایت می کند؟

ج. بله، کفایت می کند، هر چند نشنیده باشند.

کفایت اذان و اقامه نماز جماعت برای نماز فرادا

۱۸۲۸. اگر در مسجدی، توسط امام جماعت اذان و اقامه گفته شود و فرد دیگری بخواهد نماز را فرادا بخواند، می تواند به اذان و اقامه امام اکتفا کند، یا خود نیز بگوید؟

ج. اکتفا می کند.

(به مسأله ی ۷۶۲ رساله رجوع شود.)

سخن گفتن در بین اقامه

۱۸۲۹. آیا سخن گفتن بین اقامه اشکال دارد؟

ج. کراهت دارد و در این صورت اعاده ی آن مستحب است.

اذان رادیو و تلویزیون به صورت زنده و یا غیر آن

۱۸۳۰. اگر نمازگزار صدای اذانی که از رادیو و تلویزیون به صورت زنده و مستقیم پخش می گردد بشنود، می تواند به آن

اکتفا کرده و فقط اقامه بگوید؟ اگر به صورت غیر زنده پخش شود، چه طور؟

ج. با فرض این که مثل پخش بلندگو است، اکتفای به آن مانعی ندارد؛ ولی اگر این گونه نباشد، بی اثر است.

افعال نماز

۱. نیّت

خوش حال شدن از دیدن دیگران

۱۸۳۱. اگر هنگام نماز خواندن شخصی، دیگران متوجّه او شوند و این مسأله باعث خوش حالی نمازگزار گردد، با این که قصد ریا نداشته ولی از این که دیگران نماز او را می بینند خوش حال شده است؛ آیا نماز خوانده شده صحیح است؟

ج. نمازش صحیح است.

عدول کردن از نیّت نماز

۱۸۳۲. عدول کردن از نیّت در بین نماز چگونه است؟

ج. عدول نیّت از نافله به فریضه (نماز واجب) و بالعکس جایز نیست و در عدول از فریضه به نافله، بعضی موارد استثنا شده است، چنان چه در مسائل نماز جماعت خواهد آمد (مسأله ۷۸۵ رساله).

حکم تردید در ادامه ی نماز

۱۸۳۳. اگر کسی در اثنای نماز تردید پیدا کرد در این که ادامه دهد یا قطع کند؛ چه حکمی دارد؟

ج. احوط اتمام آن نماز و اعاده آن می باشد..

شک در ظهر یا عصر و مغرب یا عشا بودن نماز

۱۸۳۴. اگر کسی در حال نماز شک کند نمازی که می خواند نماز ظهر است یا عصر و یا مغرب است یا عشا؛ تکلیفش چیست؟

ج. اگر یقین دارد که ظهر را نخوانده یا شک در خواندن آن دارد، در وقت مختص به ظهر یا مشترک، قصد ظهر می نماید و تمام می کند و در وقت مختص به عصر در صورتی که قصد امر فعلی داشته، بدون تقیید به عنوان بلکه مجرّد تطبیق بر مقصود، قصد عصر می نماید و تمام می کند و اگر یقین به فعل ظهر سابقاً داشته، پس با قصد امر فعلی و خطای در تطبیق، با قصد عصر تمام می نماید، چه در وقت مشترک باشد یا مختص به عصر وگرنه صحّتش با عدول احتمالی قابل منع است.

شک در مغرب یا عشا بودن در حین تسبیحات

۱۸۳۵. اگر کسی در حین خواندن تسبیحات نماز، شك کند که نماز مغرب است یا عشا و این که رکعت آخر است یا رکعت سوّم؛ به چه نیّتی و چگونه نماز را تمام کند؟

ج. اگر یقین دارد که مغرب را نخوانده یا شك در خواندن آن دارد و در وقت مختص به مغرب یا مشترك است، نمازش باطل است، چون شك در رکعات هم دارد و بقیّه ای فروع از جواب قبلی روشن است.

تعلیق نیّت نماز یا روزه

۱۸۳۶. اگر نیّت نماز یا روزه را بر فرض انجام نشدن امری که وقوع آن ممکن است، معلّق کند و آن امر واقع نشود، آیا حکم قصد جزمی را دارد؟

ج. حکم قصد احتمالی و قصد رجایی را دارد و قصدِ نماز بر تقدیر حصول یا عدم حصول امری، غیر از قصد قطع بر آن تقدیر است.

تعیین نوع نافله

۱۸۳۷. در نمازهای نافله آیا معیّن نمودن نماز در نیّت لازم است؟

و اگر کسی نماز شب می خواند باید مشخص کند که نماز شفع یا نماز وتر می خواند؟ و آیا تعیین دو رکعت اوّل یا دوم از نماز شب هم باید در نیّت صورت پذیرد؟

ج. همان تعیین ارتکازی که در قلب دارد کافی است.

عدول از نافله به نافله

۱۸۳۸. آیا عدول از نافله به نافله صحیح است؟

ج. جایز نیست، مگر این که از اوّل قصد دومی را داشته و از باب خطا در تطبیق قصد اولی را کرده باشد.

عدول از نیّت نماز واجب به مستحب

۱۸۳۹. آیا عدول از نماز واجب به مستحب جایز است؟

و اگر اختصاص به موارد محدودی دارد، لطفاً بیان فرمایید.

ج. اوّل در خصوص نمازهای سه و چهار رکعتی که فرد نمازگزار به رکوع رکعت سوم نرسیده و نماز جماعت برپا گردیده و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد که در این صورت مستحب است به نیّت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند و هم چنین نقل نماز ظهر روز جمعه به نافله برای کسی که سوره ی جمعه را فراموش کرده و سوره ای را که عدول از آن به سبب فراغ یا بلوغ نصف جایز نیست خوانده است.

شک در طلوع آفتاب

۱۸۴۰. در صورت شکّ در این که آفتاب طلوع کرده یا نه؛ وضو و نماز به چه نیّتی صحیح است؟

ج. به نیّت تطهّر و وظیفه ی فعلیّه صحیح است و اگر خوف فوت وقت داشته باشد، تیمّم می نماید.

شک در نیّت نماز

۱۸۴۱. حکم شکّ کردن در این که نیّت را درست گفته باشم یا نه؛ چیست؟

ج. اعتنا نکنید و اصلاً گفتن نیّت به زبان لازم نیست.

شک در تعیین نماز

۱۸۴۲. اگر در مصلی که نماز معینی مثل نماز جمعه را در آنجا می خوانند، شکّ کنم که در هنگام نیت، همان نماز معیّن را قصد کردم یا نه؛ چه کار باید بکنم؟

ج. به شکّ اعتنا نکنید.

برگرداندن نیّت از نماز واجب به واجب

۱۸۴۳. اگر نمازگزار در نماز مغرب نیّت نماز ظهر کند و در رکعت سوم بفهمد که نماز ظهر کرده است؛ آیا می تواند نیّت را به نماز مغرب برگرداند؟

ج. بله، می تواند؛ بلکه کافی است؛ داعی او برای نماز مغرب و اشتباه در اخطار و تلفّظ مانعی ندارد؛ به خلاف آن که نماز ظهر قضا داشته و آن را در وقت نماز مغرب – که عدول صحیح نیست – نیّت کرده.

فراموش کردن نیت

۱۸۴۴. زنی هستم که به خاطر مشغله زیاد و ضعف اعصاب، در بعضی مواقع نیّت را فراموش می کنم و در بین نماز یادم می آید؛ حکم نمازم چیست؟

ج. نمازتان صحیح است و همان نیّت ارتکازی کافی است.

۱۸۴۵. فردی فراموش کـار هسـتم، اگر بین نمـاز فراموش کنم که در حال خوانـدن چه نمازی هسـتم (واجب یا مسـتحب، ادا یا قضا) و پس از لحظه ای یادم بیاید؛ آیا این فراموشی نماز را باطل می کند؟

ج. خیر.

نیّت ما فی الذّمه

۱۸۴۶. نمازگزاری که عمداً در وقت نماز، نیّت ما فی الذّمه می کند؛ آیا نمازش صحیح است؟

ج. بله، صحیح است، چون منطبق بر همان نماز می شود.

نیّت نماز زیارت امامزادگان

۱۸۴۷. نماز زیارت امامزادگان، به چه نیّت خوانده می شود؟

ج. هر جا نماز زیارت وارد شـده، به نیّت نماز زیارت خوانـده می شود و اگر نماز زیارت وارد نشده باشد، به نیّت رجا و هدیه کردن ثواب آن نماز به صاحب آن قبر خوانده می شود.

نیّت نماز قضا برای خود یا دیگران

۱۸۴۸. آیا می توانم نماز قضا را با این نیّت بخوانم که اگر نماز قضا داشـته باشم برای خودم و اگر نداشـتم برای پدرم و اگر او نداشته باشد، برای مادرم و ...؟ آیا می توانم با چنین نیتی به امام جماعت اقتدا کنم؟

ج. اگر برای دیگران امامت می کند باید نماز قضای یقینی را به جماعت بخواند و اگر اقتدا می کند نیّت قضای احتمالی کافی است.

ترتیب در نمازهایی که به نیّت دیگران خوانده می شود

۱۸۴۹. کسی که به نیّت دیگری نماز می خواند، آیا ترتیب نمازها در آن لازم است؟

ج. اگر ترتیب قضا شـدن آن نمازها معلوم است، قضای آنها نیز بایـد به ترتیب خوانـده شود و اگر ترتیب نمازها را نمی دانـد، اگر رعایت ترتیب مستلزم تکرار عمل باشد، رعایت ترتیب لازم نیست. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۱۲۵۷ مراجعه شود).

معلوم نبودن تمام شدن وقت نماز

۱۸۵۰. در صورتی که معلوم نباشد وقت نماز به پایان رسیده یا خیر، نماز را با چه نیتی باید خواند؟

ج. به نیّت ما فی الذّمه و امر فعلی که بر عهده انسان است.

تفاوت نیّت امام و مأموم در نماز جماعت

۱۸۵۱. اگر مأموم در نماز جماعت، نماز قضای یقینی و امام جماعت نماز احتیاطی بخواند؛ آیا نماز مأموم صحیح است؟

ج. اشکال دارد.

به زبان آوردن کلمات نیت

۱۸۵۲. آیا به زبان آوردن کلمات نیّت لازم است؟

گفتن کلمه «ادا» یا «قضا» در نیّت چه حکمی دارد؟

ج. به زبان آوردن لازم نیست.

انجام ندادن مستحبات

۱۸۵۳. نگهبانی هستم که به خاطر کمبود وقت، مستحبات را انجام نمی دهم، اگر در بعضی مواقع به خاطر تربیت کودك یا گم نکردن تعداد رکعات و سجده ها مستحبات را به جای آورم؛ آیا نمازم (واجب یا مستحب) دچار اشکال می شود؟

ج. خیر، اشکال ندارد.

خواندن نماز مستحبی بدون تقیّد به آن

۱۸۵۴. اگر کسی در فضایی واقع شود که بقیه نمازگزاران مشغول نماز غفیله یا نافله می شوند و او هم به تبعیّت از آنان مشغول خواندن نماز مستحبی شود - بدون این که در زمان های دیگر تقیّد به این عمل داشته باشد - آیا نیّت او دچار اشکال می شود؟

ج. خیر.

اذان و اقامه در میان جمع

۱۸۵۵. کسی که مقیّد به اذان و اقامه در نمازهای یومیّه نیست، اگر در جمعی قرار گرفته و اذان و اقامه بگوید، آیا اذان و اقامه او باطل است؟

در صورت بطلان اذان و اقامه نماز او نیز باطل می شود یا نه؟

ج. اگر به قصد قربت بگوید، صحیح است و در صورت بطلان هم نماز او باطل نمی شود.

۲. تکبیره الاحرام

بالا بردن دست هنگام تکبیره الاحرام

۱۸۵۶. در رساله ها آمده است در موقع تکبیره الاحرام، باید بدن آرام باشد، با توجّه به این که موقع گفتن تکبیره الاحرام مستحب است دستها را تا مقابل گوش ها بالا ببریم، آیا حرکت دستها موجب به هم خوردن حالت آرام بودن بدن نمی شود؟

ج. اگر به نحو متعارف دستها را بالا ببرد، ضرر نمی رساند.

۱۸۵۷. آیا اگر قبل از تکبیره الاحرام، دستها را بالا ببریم و بعد تکبیر بگوییم، سپس دستها را بیندازیم، کفایت می کند؟

ج. برای درک استحباب، باید بالا بردن دستها با تکبیر گفتن، مقارنت عرفیّه داشته باشد.

۱۸۵۸. هنگام گفتن تکبیره الاحرام مستحب است دستها را تا مقابل گوش ها بالا ببریم، آیا اگر انسان دستهایش را کمتر از این و یا بیشتر از این مقدار بالا ببرد، موجب بطلان نماز می شود؟

ج. خیر، موجب بطلان نمی شود.

شک در صحت تکبیره الاحرام

۱۸۵۹. موقعی که انسان در صحت تکبیره الاحرام شک دارد و دوباره می خواهد تکبیر بگوید، آیا جایز است؟

ج. جایز نیست.

۱۸۶۰. موقعی که انسان در صحت تکبیره الاحرام شک دارد، وظیفه او چیست؟

ج. نباید به شک خود اعتنا کند.

حرکت در حال گفتن تکبیره الاحرام

۱۸۶۱. اگر در هنگام گفتن تکبیره الاحرام به انسان تنه بزنند و بر اثر آن تکان بخورد، وظیفه ی او چیست؟

ج. اگر از حالت طمأنینه خارج شود، باید دوباره بگوید.

تکرار تکبیره الاحرام

۱۸۶۲. اگر کسی برای شروع نماز دو بار تکبیره الاحرام بگوید، آیا نمازش صحیح است یا باطل؟

ج. عمداً باشد باطل است.

شک در تکبیره الاحرام یا تکبیر پیش از رکوع و یا بعد از رکوع

۱۸۶۳. هرگاه انسان تکبیری گفت و شک کرد که تکبیره الاحرام یا تکبیر پیش از رکوع یا تکبیر بعد از رکوع بوده، وظیفه اش چیست؟

ج. بنا را بر اوّلی می گذارد.

حرکت کردن بر اثر سرگیجه و بیماری

۱۸۶۴. اگر انسان هنگام تکبیره الاحرام بر اثر سرگیجه و یا بیماری بی اختیار حرکت کند، آیا تکرار تکبیر لازم است؟

ج. اگر مضر به طمأنینه بوده، باید تکبیر را تکرار کند.

حرکات اندک و بسیار کم

۱۸۶۵. اگر هنگام تکبیره الاحرام بدن حرکت اندك و بسیار کمی داشته باشد، آیا مبطل نماز است؟

ج. خیر.

بلند و آهسته گفتن تکبیره الاحرام

۱۸۶۶. آیا انسان در بلند و آهسته گفتن تکبیره الاحرام اختیار دارد یا خیر؟ در نماز جماعت به چه صورتی است؟

ج. بله، اختیار دارد و جهر (بلند گفتن) برای امام جماعت مستحب است.

مستحب بودن هفت تکبیر در نماز آیات

۱۸۶۷. آیا پیش از نمازهایی مانند نماز آیات، گفتن هفت تکبیر مستحب است یا خیر؟

ج. بله، مستحب است.

ناتوانی از تلفّظ صحیح و عربی اللّه اکبر

۱۸۶۸. اگر کسی نتواند به عربی تکبیره الاحرام بگوید (مانند تازه مسلمان ها و بی سوادها)، حکمش چیست؟

ج. در وسعت وقت باید یاد بگیرند و با عدم امکان تعلّم در وقت ترجمه ی آن را بگوید.

گفتن تکبیر به غیر از زبان عربی

۱۸۶۹. آیا می توان تکبیره الاحرام را به زبان های دیگر ترجمه کرد و به زبانی غیر از عربی گفت؟

ج. خیر، صحیح نیست.

تکبیره الاحرام افراد کر و لال

۱۸۷۰. افرادی که نمی توانند تکبیره الاحرام بگویند، (مانند کر و لال ها) تکلیفشان چیست؟

ج. باید به هر صورتی که می توانند بگویند و اگر هیچ نمی توانند بگویند، برای تکبیر بنا بر احوط با انگشت اشاره کند و اگر می تواند، زبانش را هم حرکت دهد.

۳. قیام

تقارن قیام و تکبیره الاحرام

۱۸۷۱. تکبیره الاحرام باید مقارن با قیام باشد، یا اگر قیام بعد از تکبیره الاحرام صورت بگیرد صحیح است؟

ج. تکبیره الاحرام باید مقارن با قیام باشد.

حکم ترک قیام غیر رکن

۱۸۷۲. ترک قیام غیر رکن، عمداً یا سهواً چه حکمی دارد؟

ج. ترک آن اگر از روی فراموشی باشد، نمازش صحیح است.

زیاد کردن قیام رکنی و غیر رکنی

۱۸۷۳. آیا زیاد کردن قیام غیر رکن و رکن مورد اشکال است یا خیر؟

ج. زیاد کردن قیام رکنی (اگر قابل تحقق باشد)، اشکال دارد. چه سهوی باشد چه عمدی و زیاد کردن قیام غیر رکنی (اگر قابل تحقق باشد) در صورتی که سهوی باشد، اشکالی ندارد.

قیام متصل به رکوع

۱۸۷۴. قیام متصل به رکوع چیست و حد آن چه قدر است؟

ج. قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام بنا بر ظاهر و قیام پیش از رکوع، که آن را قیام متصل به رکوع می گویند، رکن است.

لزوم انجام قیام متصل به رکوع

۱۸۷۵. آیا انجام ندادن قیام متصل به رکوع، موجب اشکال در نماز می شود یا خیر؟

ج. در این صورت نماز باطل است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۷۸۷ مراجعه شود).

تفاوت قیام بعد از رکوع و متصل به رکوع

۱۸۷۶. آیا قیام متصل بعد از رکوع، همان قیام متصل به رکوع است یا خیر؟

ج. خیر و قیام بعد از رکوع رکن نیست (به مسأله ۸۵۰ رساله رجوع شود).

نحوه ی قیام متصل به رکوع در حال حرکت

۱۸۷۷. قیام متصل به رکوع، در نماز در حال حرکت چگونه است؟

ج. همین که قبل از رکوع قیام داشته باشد، از حیث تحقّق رکن کافیست و از حیث شروط قیام، در فرض سؤال مورد احتیاط است.

(در این رابطه به مسأله ۷۸۸ و ۷۸۹ رساله رجوع شود.)

مقدار قیام بعد از رکوع

۱۸۷۸. قیام بعد از رکوع چه مقدار باید باشد؟

ج. به مقداری که صدق قیام کند.

مقدار قیام قبل از رکوع

۱۸۷۹. قیام قبل از رکوع چه مقدار باید باشد؟

ج. به اندازه ای که صدق قیام کند، کافی است.

حکم ایستادن کسی که پای مصنوعی دارد

۱۸۸۰. این جانب فعلاً از پای مصنوعی استفاده می کنم که می توان با آن ایستاده نماز خواند. گاهی به علّت خستگی پا یا احتمال زخم شدن آن، پای مصنوعی را درآورده و نشسته نماز می خوانم. آیا واجب است همواره با پای مصنوعی به طور ایستاده نماز بخوانم یا خیر؟

ج. تا مادامی که موجب ضرر و یا عسر و حرج نباشد، ایستاده نماز بخوانید و با تمکّن از قیام هر چند با پای مصنوعی، نوبت به نشسته نمی رسد.

قیام بر یک پا

۱۸۸۱. آیا قیام بر یک پا در حالی که پای دیگر حالت استراحت دارد، صحیح است یا نه؟

ج. احتیاط واجب آن است که موقع ایستادن، هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد و اگر ایستادن صدق کرد و از روی فراموشی روی یک پا قرار گرفت، نمازش باطل نیست؛ گرچه محل احتیاط است.

برابر بودن پاها در حال قیام

۱۸۸۲. آیا برابر بودن پاها زمانی که به شئ ای تکیه داده شده لازم است یا نه؟

ج. در حال اختیار نباید به جایی تکیه کند.

باز کردن پاها بیش از حد معمول

۱۸۸۳. اگر پاها را بیش از مقدار معمول در نماز باز کنیم آیا مبطل نماز است یا نه؟

ج. کسی که می تواند درست بایستد لازم است پاها را طوری گشاد نگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد؛ ولی اگر بگویند ایستاده است و یا از روی فراموشی، پاها را بیش از حد متعارف باز کرد، نمازش باطل نمی شود، اگر چه محل احتیاط است.

تکیه دادن در حال قیام از روی سهل انگاری

۱۸۸۴. تکیه دادن به شیء در حال قیام از روی سهل انگاری چه حکمی دارد؟

ج. عمداً جایز نیست، با توضیح مذکور در مسأله ۷۸۸ و ۷۸۹ رساله در مورد عمد و سهو.

حرکت دادن سر در حال نماز

۱۸۸۵. آیا حرکت دادن سر در حال قرائت و سایر ذکرهای نماز اشکال دارد؟

ج. در صورت حرکت دادن، طمأنینه صادق است؛ مگر اینکه فعل کثیر صدق کند؛ بلکه اگر برای خضوع در نماز باشد، کثیرش هم مانعی ندارد.

خواندن نمازهای مستحب در حال حرکت

۱۸۸۶. آیا می توان نماز شب یا سایر نمازهای مستحبّی را در حال حرکت خواند؟

ج. نمازهای مستحّبی را در حال حرکت و سواری می شود خواند و حرکت، لازم غالبی آن است و استقبال قبله در آنها لازم نیست و در حال استقرار لازم است.

(مسأله ۶۵۲ رساله).

نماز با عدم حضور قلب

۱۸۸۷. اگر در نماز فکرمان جای دیگر باشد و در حال اختیار یکی از اعضای بدن - مثل سر و ... - تکان بخورد وظیفه چیست؟

ج. تا وقتی که از قبله منحرف نشده یا صورت نماز محو نشده باشد، اشکال ندارد و با زوال طمأنینه، ذکر را اعاده نماید.

عقب و جلو رفتن نمازگزار در صورت هل داده شدن

۱۸۸۸. اگر کسی عمداً شخص نمازگزار را با فشار به جلو یا پهلو حرکت دهد، در صورتی که نمازگزار روی از قبله نگرداند، نمازش صحیح است یا خیر؟ اگر بیفتد یا خم شود چه طور؟

ج. اگر موجب محو شدن صورت نماز نشود، نمازش صحیح است و اگر در آن حالت ذکر گفته، باید ذکر را اعاده کند.

کسی که قادر نیست همه ی نماز را ایستاده بخواند

۱۸۸۹. کسی که نمی تواند تمام نماز را ایستاده بخواند، آیا می تواند همه ی آن را نشسته بخواند؟

ج. هر مقداری که می تواند ایستاده بخواند، باید ایستاده بخواند.

معنای عسر و حرج که موجب نشسته خواندن نماز می شود

۱۸۹۰. عسر و حرج در قیام - که موجب نشسته خواندن نماز می شود - چه تعریفی دارد؟

ج. عسر و حرج شخصی در حد عرفیّت آن میزان است.

قیام متّصل به رکوع برای شخص نشسته

۱۸۹۱. برای شخص مریض که نشسته نماز می خواند، قیام متّصل به رکوع چه وضعی دارد؟

ج. باید از حال نشسته به رکوع رود نه از خمیدگی.

قیام مبتلایان به سلس بول

۱۸۹۲. بیمار و معلول اگر بخواهد نماز را با قیام یا جلوس بخواند، مبتلا به سلس بول می شود. در حال خوابیده، این عارضه برطرف می شود. این بیمار چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر خوابیده نماز بخواند و بتواند تا آخر با طهارت نماز بخواند؛ باید خوابیده بخواند، زیرا طهارت مُقَدَّم بر قیام است.

کسی که قادر به نشسته خواندن همراه با تکیه گاه است

۱۸۹۳. کسی که می تواند نشسته، همراه با تکیه گاه نماز بخواند می تواند خوابیده هم نماز بخواند؟

ج. خیر، نمی تواند.

نحوه ی قیام متصل به رکوع برای کسی که خوابیده نماز می خواند

۱۸۹۴. قیام متصل به رکوع برای کسی که نماز را خوابیده می خواند چگونه است؟

ج. همان خوابیدن او بدل از قیام است.

پهلویی که روی آن می توان نماز خواند

۱۸۹۵. در صورت خواندن نماز به پهلوها کدام پهلو را باید مقدم کرد؟

ج. پهلوی راست را باید مقدم نمود.

نشسته خواندن نمازهای قضا

۱۸۹۶. آیا جایز است نمازهای قضا را نشسته بخوانیم؟

ج. در حال اختیار جایز نیست.

گفتن ذکر بحول اللّٰه قبل از بلند شدن

۱۸۹۷. اگر نمازگزار – به جهت جهل به وظیفه، ذکر بحول اللّٰه را قبل از بلنـد شـدن می گفته است، نمازهای خوانـده شده چه حکمی دارد؟

ج. اگر به نیّت ذکر مطلق بوده، نمازش صحیح است و اشکال ندارد.

گفتن «ذکر یا حی و یا قیوم» به جای «بحول اللّٰه و قوته»

۱۸۹۸. شخصی هنگام بلند شدن از سجده به جای «بحول اللّٰه و قوته»، «یا حی یا قیّوم» می گوید؛ آیا نمازش اشکال دارد؟

ج. خیر، اگر به قصد مطلق ذکر بگوید، اشکال ندارد.

گفتن ذکر بحول اللّٰه در نماز نشسته

۱۸۹۹. کسی که نماز را به صورت نشسته می خواند، گفتن ذکر «بحول اللّٰه و قوته و اقوم و اقعد» چه حکمی دارد؟

ج. به قصد مطلق ذکر یا وظیفه، اشکال ندارد.

قطع ذکر بحول اللّٰه

۱۹۰۰. آیا نمازگزار می تواند وقتی به حالت قیام رسید و ذکر بحول اللّٰه هنوز تمام نشده، آن را قطع کند؟

ج. آن ذکر را تمام کند؛ بلکه بعید نیست اگر تمام ذکر را بعد از ایستادن بگوید، عمل به مستحب کرده باشد.

گفتن ذکر بحول اللّٰه در حال حرکت

۱۹۰۱. آیا نمازگزار می تواند قسمتی از ذکر بحول اللّٰه را در حال بلند شدن بگوید و بیشترش را در حال ایستادن بگوید؟

ج. مانعی ندارد.

گفتن ذکر بحول اللّٰه در غیر حال حرکت

۱۹۰۲. بـا علم به این که ذکر «بحول اللّٰه» را بایـد در حـال حرکت گفت، اگر عمـداً در غیر حـالت حرکت بگویـد؛ آیا نماز او

باطل است؟

ج. اگر آن را بعد از ایستادن بگوید، تحقّق مستحب بعید نیست.

۴. قرائت

منظور از قرائت و ذکر نماز

۱۹۰۳. منظور از این که باید قرائت و ذکر نماز صحیح خوانده شود، چیست؟

ج. به مسائل ۸۲۳ تا ۸۲۷ رساله رجوع شود.

مراد از ذکر در نماز

۱۹۰۴. مراد از ذکر در نماز چیست؟

ج. ذکر در کنار قرآن و دعا و کلام آدمی است.

معنای قصد مطلق ذکر

۱۹۰۵. این که گفته می شود، عبارتی به قصد مطلق ذکر اشکال ندارد یعنی چه؟

ج. یعنی به قصد ورود در آن محل معیّن نباشد.

ملاک در جهر و اخفات

۱۹۰۶. ملاک، در جهر (بلند خواندن) و اخفات (آهسته خواندن) چیست؟

ج. ملاک ظهور جوهر صوت و عدم ظهور آن است.

لزوم شنیدن صدای خود در نماز

۱۹۰۷. آیا شنیدن صدای خود در هنگام قرائت حمد و سوره، ضروری است؟

ج. در صورتی که مانعی از شنیدن صدا نباشد، بله لازم است.

وضوح قرائت در حال اخفات

۱۹۰۸. آیا وضوح قرائت در حال اخفات لازم است؟

یا در صورتی که الفاظ از مخرج ادا شوند؛ اما سرعت ادای آنها بسیار زیاد باشد که وضوحی نداشته باشد کافی است؟

ج. باید صدق عرفی قرائت حفظ شود.

با فریاد خواندن نماز

۱۹۰۹. تا چه اندازه بالا بردن صدا در نماز جایز است؟

اگر به صورت فریاد کشیدن درآید چه طور؟

ج. اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، بنا بر احتیاط نمازش باطل است.

متوجه آهسته خواندن شدن در نماز جهریّه

۱۹۱۰. اگر در قسمتی از قرائت حمد و سوره ی نماز جهریّه، متوجه شویم که داریم آهسته نماز می خوانیم، چه وظیفه ای داریم؟

ج. از آنجا به بعد را باید بلند بخوانید (مسأله ی ۸۱۹ رساله).

متوجه جهر خواندن شدن در نماز اخفاتیه

۱۹۱۱. اگر در قسمتی از قرائت حمد و سوره ی نماز اخفاتیه، متوجه شویم که داریم حمد و سوره را بلند می خوانیم، چه وظیفه ای داریم؟

ج. از آنجا به بعد باید آهسته بخوانید (مسأله ی ۸۱۹ رساله).

آهسته و بلند خواندن نمازهای قضا

۱۹۱۲. آیا در خواندن قضای نمازهای ظهر و عصر، می توان حمد و سوره را بلند خواند؟ یا در قضای نمازهای جهریه حمد و سوره را می توان آهسته خواند؟

ج. نمازهایی که واجب است قرائت در آنها بلند خوانده شود، هنگام قضا هم باید بلند خوانده شود و هم چنین نمازهایی که واجب است آهسته بخواند، هنگام قضا نیز واجب است آهسته بخواند.

قرائت مردی که نماز قضای زنی را می خواند

۱۹۱۳. اگر مردی نماز استیجاری زن مرحومه ای را بخواهد بخواند، تکلیفش از نظر جهر و اخفات قرائت حمد و سوره چیست؟

ج. باید مرد، تکلیف خودش را رعایت کند (مسأله ی ۱۲۵۶ رساله).

قرائت زنی که نماز قضای مردی را می خواند

۱۹۱۴. اگر زنی قصد اقامه ی نماز قضای مرد مرحومی را داشته باشد، تکلیفش از نظر بلندی یا آهسته بودن قرائت حمد و سوره چیست؟

ج. زن، به تکلیف خودش عمل کند (مسأله ی ۱۲۵۶ رساله).

تکلیف قرائت سایر نمازها در جهر اخفات

۱۹۱۵. در نمازهای دیگر غیر از نمازهای یومیّه، مانند آیات و عیدین و ... تکلیف نمازگزاران در بلندی یا آهسته بودن قرائت حمد و سوره چیست؟

ج. مستحب است در آن نمازها بلند بخوانند.

نحوه ی قرائت نمازهای نافله

۱۹۱۶. آیا قرائت نافله ی نمازهای جهری و اخفاتی باید مطابق هر نماز باشد یا ضرورتی ندارد؟

ج. ضرورتی ندارد.

جهر در نمازهای جهریّه

۱۹۱۷. آیا جهر در نمازهای جهریّه فقط در قرائت واجب است یا در همه ی اجزای نماز واجب است؟

در مورد اخفات در نمازهای اخفاتیه چه طور؟

ج. فقط در قرائت واجب است.

کسی که با اخفات نمی تواند صحیح بخواند

۱۹۱۸. شخصی در نمازهای اخفاتیّه اگر یک کلمه را آهسته بخواند صحیح ادا نمی کند و اگر کمی به جهر بخواند صحیح ادا

می شود، آیا جایز است این کار را انجام دهد؟ اگر در نمازهای جهریه برای تلفّظ صحیح آهسته بخواند چه طور؟

ج. در نمازهای اخفاتیه، تمام کلمات باید اخفات باشد و در جهریه تمام کلمات باید جهر باشد و به شک و وسوسه اعتنا نکند.

جواز قرائت بلند حمد و سوره توسط زنان در نمازهای جهریه

۱۹۱۹. آیا زنان می تواند حمد و سوره ی نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانند؟

ج. می توانند، ولی اگر نامحرم صدایشان را می شنود، در صورتی که شنیدن صدای زن حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذّت بردن در بین باشد، بنا بر اظهر باید آهسته بخوانند.

بلند بلند خوانی نماز برای زن جهت جلوگیری از حواسپرتی

۱۹۲۰. آیا برای جلوگیری از حواسپرتی، زن می تواند نماز را با صدای بلند بخواند؟

ج. فقط نمازهای صبح و نماز مغرب و عشا را در صورتی که نامحرم صدای او را نمی شنود - با تفصیلی که در مسأله قبل ذکر گردید، می تواند بلند بخواند.

جواز بلند بلندخوانی قرائت در نماز ظهر جمعه

۱۹۲۱. آیا بلند خواندن قرائت در ظهر روز جمعه جایز است؟

ج. بله، مستحب است.

بلند خواندن قرائت نماز ظهر روز جمعه برای زن

۱۹۲۲. آیا بلند خواندن قرائت حمد و سوره ی نماز ظهر روز جمعه برای زن نیز جایز است؟

ج. بله.

قرائت قرآن و نماز با صدای خوب

۱۹۲۳. قرائت قرآن و نماز با صدای خوب به گونه ای که تحسین شنوندگان را برانگیزد، چه حکمی دارد؟

ج. خوب و مطلوب است.

غلط خواندن حمد و سوره در اثر جهل به مسأله

۱۹۲۴. این جانب چندین سال نماز خوانده ام و اکنون متوجه شده ام که در اثر جهل به مسأله، قرائت حمد و سوره ی نمازم صحیح نبوده است، آیا باید نمازها را قضا کنم؟

ج. بله، احتیاطاً باید قضا کنید.

رعایت لهجه ی عربی در نماز

۱۹۲۵. در نقاط مختلف، افراد با لهجه های مختلفی صحبت می کنند و هر چه قدر هم سعی کنند، نمی توانند لهجه خود را عوض کنند و با لهجه ی عربی تلفظ نمایند. آیا لهجه داشتن نمازگزار در قرائت نماز، مشکل ساز است؟

ج. همان مقدار که صحیح بخوانند کافیست و تلفظ به لهجه ی عربی لازم نیست.

عدم توانایی بر تلفّظ صحیح نماز

۱۹۲۶. اگر کسی قادر به تلفظ صحیح و ادای بعضی حروف نماز نباشد، چه تکلیفی دارد؟

ج. اگر به هیچ وجه نتواند صحیح آن را یاد بگیرد، هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب در آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

وسواس در قرائت

۱۹۲۷. کسی که در صحّت ذکرهای نماز، وسواس دارد یا زیاد شک می کند و تکرار می کند، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. تا اخلال به نظم واجب و موالات نشود، اشکال ندارد؛ ولی وسواس جایز نیست.

کسی که نمی دانسته قرائت صحیح چیست

۱۹۲۸. اگر کسی در مورد قرائت صحیحِ نماز اطلاعی نداشته و تا کنون نماز را از نظر قرائت غلط می خوانده و هم اکنون نیز غلط می خواند، وظیفه اش چه می باشد؟

ج. باید قرائتش را درست کند و هر نمازی که تا حال با قرائت غلط خوانده، باید قضا نماید، بنا بر احوط.

تذکّر به کسی که نماز را غلط می خواند

۱۹۲۹. آیا لازم است به شخصی که نماز را غلط می خواند تذکّر دهیم؟

ج. اگر به جهت ندانستن مسأله باشد، لازم است علی الاحوط.

غلط خواندن ذکرهای مستحبّی

۱۹۳۰. آیا غلط خواندن یا از مخرج ادا نکردن عمدی ذکرهای مستحبّی نماز، موجب باطل شدن نماز می شود؟

ج. بنا بر احتیاط واجب باید درست بخواند.

کسی که نمی تواند قرائت را بدون دندان درست بخواند

۱۹۳۱. کسی که دندانش شکسته یا کشیده شده و نمی تواند قرائت را درست بخواند، آیا لازم است دندان مصنوعی بگذارد تا بتواند نماز را صحیح بخواند یا نه؟

ج. اگر عسر و حرج ندارد، باید بگذارد.

کسی که نمی تواند قرائت و اذکار را حفظ کند

۱۹۳۲. در صورتی که مریضی نتواند قرائت و ذکرهای نماز را به حافظه بسپارد و هم چنین قادر نباشد از روی نوشته بخواند، آیا بر اطرافیان واجب است قرائت و ذکرهای نماز را بلند بخوانند تا وی تکرار کند؟

ج. واجب نیست و می توانند اجرت بگیرند.

مریضی که به خاطر عمل جرّاحی حنجره، نباید سخن بگوید

۱۹۳۳. شخص مریضی که حنجره اش را عمل جرّاحی کرده اند و تا مدّتی اصلاً نباید سخن بگوید، چگونه نماز بخواند؟

ج. نمازش حکم نماز اخرس را دارد که با اشاره و حرکت دادن زبان است و پس از خوب شدن، نمازهایی را که به این صورت خوانده، قضا ندارد.

کسی که لوزه عمل کرده و نمی تواند حرف بزند

۱۹۳۴. شخصی لوزه اش را عمل کرده است و دکتر به او می گوید نباید صحبت کند، در این صورت ذکرهای نماز را چگونه بیان کند؟ آیا می تواند در دلش بگوید و به لفظ نیاورد و یا می تواند نمازها را در وقت نخواند و پس از بهبودی قضا نماید؟

ج. حکم او مثل أخرس است و اگر به وظیفه عمل کند، قضا ندارد و نمی تواند نماز را در وقت نخواند.

خواندن از روی قرآن کریم در نماز

۱۹۳۵. آیا خواندن از روی کتاب قرآن کریم در نمازهای واجب اشکال دارد؟

ج. قرائت از روی نوشته در حال اختیار بنا بر اظهر جایز است؛ اگر چه در فریضه، اولی ترک آن است.

تکرار بعضی کلمات

۱۹۳۶. تکرار بعضی کلمات حمد و سوره و ذکرهای نماز جایز است یا نه؟

ج. اگر به حد وسوسه نرسد، جایز است.

قرائت مجدّد آن چه بدون حضور قلب بوده

۱۹۳۷. در قرائت نماز آیا مقداری که انسان بدون حضور قلب خوانده، می تواند دوباره بخواند؟

ج. می تواند.

نحوه ی نماز افراد لال

۱۹۳۸. نحوه ی نماز خواندن شخص لال و گنگ چگونه است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب باید قرائت نماز را از قلب و ذهن خود بگذراند و به اندازه واجب زبان را حرکت دهد و اگر ممکن است با انگشت هم به مقدار واجب اشاره کند.

سریع خواندنی که موجب عدم تلفّظ صحیح می شود

۱۹۳۹. اگر انسان نماز خود را سریع بخواند، به گونه ای که نتواند کلمه ای را درست تلفّظ کند، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. باطل است.

سرفه کردن که تکرار حروف را سبب می شود

۱۹۴۰. شخصی در بین نماز برای صاف کردن گلو، عمداً چند بار سرفه می کند و این کار او سبب می شود که یک حرف دوباره تکرار شود، آیا نماز او اشکال پیدا می کند؟ آیا این کار او تکلیفی برایش ایجاد می کند؟

ج. خیر اشکال ندارد و سرفه، تولید حرف نمی کند.

پیرانی که قادر به تصحیح نمازشان نیستند

۱۹۴۱. حکم نماز پیرزن ها و پیرمردهایی که در نمازشان غلطهای زیادیست و قادر به تصحیح آنها نیستند، چیست؟

ج. باید هر طوری که می توانند بخوانند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورند.

خواندن قرائت نماز به زبان های دیگر

۱۹۴۲. آیا خواندن ترجمه قرائت نماز به زبان های دیگر - غیر از عربی - صحیح است؟

ج. خیر صحیح نیست.

خواندن نماز به زبانی دیگر برای تازه مسلمان در تنگی وقت

۱۹۴۳. اگر شخصی در تنگی وقت مسلمان شده باشد و فرصت کافی برای یاد گرفتن الفاظ عربی نماز نداشته باشد، آیا می تواند ترجمه ی نماز را به زبان دیگر بخواند؟

ج. خیر، بنا بر احتیاط مستحب نمازش را به جماعت بخواند یا کسی بخواند و او هم همراه او بخواند یا اگر ممکن است از روی نوشته ای بخواند و اگر کسی از قرآن هیچ نمی داند، به مقداری که واجب است در نماز از قرآن بخواند، تسبیح، تهلیل و تکبیر بگوید.

نحوه ی تدارک کلمه ی غلط

۱۹۴۴. اگر کسی مثلاً از اوّل سوره «قل هو اللّه» شروع کند و بدون وقف تا آخر بخواند و در این بین کلمه ای را اشتباه کند، آیا همان کلمه ی غلط و بعد آن را بگوید کافیست یا باید از اوّل شروع کند؟ به عبارت دیگر آیا مسأله، مبتنی بر جواز یا عدم جواز وقف به حرکت و وصل به سکون است؟

ج. شروع از اوّل لازم نیست.

تکرار مجدد کلمه ی غلط گفته شده یا تکرار از اوّل آیه

۱۹۴۵. اگر کلمه ای در نماز غلط گفته شود، یا در هنگام گفتن آن بدن حرکت کند، آیا تکرار همان کلمه کافیست یا باید از اوّل کلمه آیه یا از اوّل جمله خوانده شود؟

ج. تکرار همان کلمه کافی است.

تکرار مجدد کلمه ای که صحت آن مورد شک است

۱۹۴۶. اگر کسی در صحت کلمه ای از نماز شک کند و آن را دو مرتبه بگوید، آیا موجب سجده ی سهو می شود؟

ج. خیر.

خواندن آیه یا سوره ای غیر از آنچه که وارد شده است

۱۹۴۷. در نمازهایی که در آن سوره یا آیه خاصی وارد شده است، اگر انسان آن آیه یا سوره را حفظ نباشد، می تواند آیه یا سوره ی دیگری بخواند؟

ج. خیر، از نوشته بخواند؛ مگر بداند که آن سوره یا آیه شرط کمال آن نماز است؛ نه شرط اصل مشروعیّت و صحّت آن، که در این صورت می تواند ترک کند یا رجاءً تبدیل کند.

حرکت دادن اعضای بدن هنگام قرائت و ذکر

۱۹۴۸. آیا حرکت دادن سر یا دیگر اعضای بدن هنگام قرائت و سایر ذکرهای نماز اشکال دارد؟

ج. تا حدّی که به طمأنینه نماز خلل وارد نکند، اشکال ندارد.

گفتن نیّت به زبان

۱۹۴۹. آیا لازم است نیّت را بر زبان جاری کرد؟

ج. خیر، لازم نیست.

اضافه کردن کلمه «اللعین» در عبارت استعاذه

۱۹۵۰. آیا اضافه کردن کلمه ی «اللعین» در جمله «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» در ابتدای قرائت نماز، اشکال دارد؟

ج. به قصد مطلق دعا اشکال ندارد.

تعیین سوره قبل از «بسم اللّه» گفتن

۱۹۵۱. در قرائت سوره، آیا باید ابتدا سوره را تعیین کنیم و سپس «بسم اللّه» بگوییم؟

ج. در موارد تعیّن مثل عزم مستقر بر جریان طبق عادت - که به منزله ی قصد خاص است یا غیر آن از موارد تعیّن - خیر، تعیین سوره لازم نیست و در غیر آنها قصد خصوصیّت لازم است، هر چند خصوصیت حاصل به آن چه بعداً می خواند و لو اکنون نمی داند.

تعیین سوره بعد از گفتن بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

۱۹۵۲. اگر انسان اوّل «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» را بگوید و بعد از آن قصد کند که چه سوره ای بخواند صحیح است؟

اگر چند سال در تعیین سوره قصد نکرده باشد، وظیفه چیست؟

ج. بایـد قصـد سوره ی خاص کنـد یا قصد کند که بعد از «بسم اللّه»، هر سوره ای را که می خواند، این «بسم اللّه» او باشد که قصد اجمالیست و هم چنین عزم مستقر بر جریان طبق عادت مستقره به منزله ی قصد خاص است.

گفتن بسم اللّه به قصد سوره ی دیگر

۱۹۵۳. اگر شخص یقین کند بسم اللّه را به قصد سوره ای که شروع کرده نگفته، وظیفه چیست؟

آیا ادامه دهد یا باید برگردد و از اوّل شروع کند؟

ج. باید برگردد.

شک در تعیین سوره

۱۹۵۴. فردی در حالت قرائت سوره ی نماز واجب وقتی شروع به خواندن اوّلین آیه ی سوره کرده، شك می کند که آیا «بسم اللّه» را به قصد همین سوره گفته یا نه! آیا برگردد و دوباره بسم اللّه بگوید یا به شك خود اعتنا نکند؟

ج. اعتنا نکند.

قصد انشا و حکایت در خواندن حمد و سوره

۱۹۵۵. حمد و سوره ای که در نماز خوانده می شود، آیا به قصد انشا باید خوانده شود یا به قصد حکایت؟

ج. باید به قصد قرائت و قرآنیّت باشد.

قصد انشا کردن در جملات امری

۱۹۵۶. اگر کسی در گفتن جملات امری مانند «اهدنا» و «ربنا آتنا»، «ربنا اغفر لی و لوالدیّ» و امثال آن قصد انشا کند، به نماز آسیب می رساند؟

ج. اگر قصد قرائت هم داشته باشد، کافی است.

خواندن قرائت نادری از سوره ی حمد

۱۹۵۷. آیا قرائت «صراط الذین انعمت علیهم» به صورت «صراط من انعمت علیهم» و نیز قرائت «و لا الضالین» به صورت «و غیر الضالین» جزو قرائات مشهوریست که در قرائت نماز جایز می باشد؟

ج. خیر، بنا بر احوط ملازمت به یکی از قرائات سبعه شود.

قرائت ملک یوم الدین

۱۹۵۸. آیا قرائت «ملک یوم الدین» در نماز صحیح است؟

ج. ظاهراً جایز است.

ذکر بعد از حمد

۱۹۵۹. ذکر مستحبی بعد از سوره حمد، «الحمد للّه» است یا «الحمد للّه رب العالمین»؟

ج. دومی است.

گفتن آمین پس از حمد به قصد ذکر

۱۹۶۰. آیا گفتن «آمین» بعد از سوره ی حمد به قصد مطلق ذکر، اشکال دارد؟

ج. حرام است و علی الاحوط باطل کننده نماز است.

گفتن «صدق اللّه» بعد از حمد یا سوره

۱۹۶۱. آیا بعد از حمد یا سوره می توان «صدق اللّه العلی العظیم» گفت؟

ج. مانعی ندارد.

خواندن آیاتی از قرآن پس از تمام شدن حمد و سوره ی واجب

۱۹۶۲. آیا بعد از تمام شدن سوره حمد و سوره ی واجب، می توان آیات دیگری از قرآن یا سوره ی دیگری خواند؟

ج. کراهت دارد.

کسی که بعد از نماز ظهر متوجه می شود حمد و سوره را بلند خوانده

۱۹۶۳. اگر کسی بعد از نماز ظهر ملتفت شود که حمد و سوره را بلند خوانده است، آیا باید دوباره نمازش را اعاده کند؟

ج. خیر، اعاده لازم نیست.

قرائت سوره های طولانی در نماز

۱۹۶۴. آیا قرائت سوره های طولانی مانند سوره بقره در نمازهای واجب، سبب خروج از حالت نماز نمی شود؟

ج. اشکال ندارد؛ مگر این که موجب فوت وقت نماز شود.

قرائت سوره حمد به جای توحید

۱۹۶۵. آیا در نمازهای واجب، می توان بعد از حمد به جای سوره، بار دیگر سوره ی حمد را تکرار نمود؟

ج. نمی توان تکرار کرد.

حکم نماز کسی که قرائت را اشتباه خوانده است

۱۹۶۶. مدّت ها در «لم یکن له کفواً أحد» لام را مشدّد نخوانده ام، حکم نمازهایم چگونه است؟

ج. احتیاطاً آن نمازها را دوباره بخوانید.

گفتن «کذلک اللّه ربّی»

۱۹۶۷. شخصی در نمازهای خود، بعد از هر سوره ای که می خوانده است، «کذلك اللّه ربّی» می گفته، وظیفه چیست؟

ج. نمازها محکوم به صحّت است، ولی عمداً این کار را نکند.

گفتن «کذلک اللّه ربّی» توسّط مأموم

۱۹۶۸. آیا مأموم می تواند بعد از قرائت سوره ی توحید توسّط امام «کذلك اللّه ربّی» بگوید؟

ج. ورود آن مربوط به کسیست که سوره ی توحید را در نماز می خواند.

تعداد دفعات گفتن «کذلک اللّه ربی» بعد از سوره ی اخلاص

۱۹۶۹. بعد از سوره ی اخلاص، چند بار مستحب است «کذلك اللّه ربی» گفته شود؟

ج. یك یا دو یا سه بار.

دو سوره ای که در نماز، یک سوره محسوب نمی شوند

۱۹۷۰. دو سوره ای که در هنگام قرائت نماز باید با هم خوانده شود چیست؟

ج. بنا بر اظهر اگر سوره ی «ضحی» را می خواند باید سوره ی «أ لم نشرح» را هم به دنبال آن بخواند و اگر سوره ی فیل را خواند سوره ی قریش را هم بخواند.

گفتن یک «بسم اللَّه» برای دو سوره ی «فیل» و «قریش» در نماز

۱۹۷۱. در مورد دو سوره ی «فیل» و «قریش» که در نماز یک سوره محسوب می شوند؛ آیا گفتن یک «بسم اللَّه الرحمن الرحیم» کافی است؟

ج. خیر، کافی نیست.

اولویت بین دو سوره ی «فیل» و «قریش» در قرائت

۱۹۷۲. دو سوره ی «فیل» و «قریش» که در نماز یک سوره محسوب می شوند، اولویت قرائت با کدام یک از آنها است؟

ج. باید هر دو را با هم به ترتیب بخواند.

نمازهایی که دو سوره ی «فیل» و «قریش» در آنها جدا خوانده شده است

۱۹۷۳. کسی نمی دانست دو سوره «فیل» و «قریش» در نماز، یک سوره حساب می شوند.

تکلیف نمازهایی که در آنها این دو سوره جدا خوانده شده اند، چیست؟

ج. احتیاطاً باید آن نمازها را دوباره بخواند.

خواندن سهوی تسبیحات اربعه به جای حمد و سوره

۱۹۷۴. اگر کسی در رکعت دوم، به جای حمد و سوره، اشتباهاً تسبیحات اربعه بگوید و در هنگام رفتن به رکوع متوجه شود، چه تکلیفی دارد؟

ج. اگر تا به حد رکوع نرسیده فهمید، باید برگردد و حمد و سوره را بخواند و بعد از نماز هم احتیاطاً سجده سهو به جا آورد و اگر به حد رکوع رسیده، سجده ی سهو کافی است.

قرائت نماز مطابق قرائت های موجود

۱۹۷۵. آیا مطابق همه ی قرائت های موجود می توان قرائت نماز را انجام داد؟

ج. باید مطابق قرائت قرّاء هفت گانه مشهور باشد، بنا بر احوط.

خواندن بیش از یک سوره در نمازهای مستحبی

۱۹۷۶. آیا می شود در نمازهای مستحبی بیش از یک سوره خواند؟

ج. بله، می شود.

حمد و سوره مأمومی که به رکعت سوم جماعت رسیده

۱۹۷۷. کسی که به رکعت سوم یا چهارم جماعت می رسد، آیا حمد و سوره نمازهای جهریّه را بلند بخواند یا آهسته؟

ج. باید آهسته بخواند.

بلند خواندن بقیه ذکرهای نماز ظهر و عصر به غیر از حمد و سوره

۱۹۷۸. آیا به غیر از حمد و سوره ی نماز ظهر و عصر بقیّه ای ذکرهای نماز را می توان بلند خواند؟

ج. بله، می توان.

آهسته خواندن بقیه ذکرهای نماز جهریّه

۱۹۷۹. آیا در نماز صبح و مغرب و عشا، به غیر از حمد و سوره، بقیّه ای ذکرهای نماز را می توان آهسته خواند؟

ج. بله، می توان.

آهسته خواندن حمد و سوره ی نمازهای جهریه به خاطر شرم و حیا

۱۹۸۰. آیا کسی می تواند به خاطر شرم و حیا و یا ترس از ریا، حمد و سوره ی نمازهای صبح و مغرب و عشا را آهسته بخواند؟

ج. خیر، نمی تواند.

بلند خواندن حمد و سوره نماز ظهر و عصر برای تعلیم

۱۹۸۱. آیا کسی می تواند حمد و سوره نماز ظهر و عصر را به قصد تعلیم، بلند بخواند؟

ج. خیر، نمی تواند.

بلند خواندن برخی از ذکرها جهت اعلام به دیگران

۱۹۸۲. اگر کسی برخی از ذکرهای نماز غفیله یا دهه ی ذی الحجه را برای اعلام به دیگران بلند بخواند، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. مانعی ندارد (به مسأله ی ۹۳۰ رساله رجوع شود).

فراموش کردن حمد و سوره

۱۹۸۳. اگر کسی حمد و سوره را فراموش کند و در رکوع به یاد آورد، چه باید بکند؟

ج. بعد از نماز احتیاطاً سجده ی سهو به جا آورد.

غلط خواندن قنوت و ذکرهای مستحبی

۱۹۸۴. آیا غلط خواندن قنوت و یا ذکرهای مستحبی نماز، مبطل نماز است؟

ج. علی الاحوط در حال عمد مبطل است.

حکم عدم رعایت تجوید در نماز

۱۹۸۵. عدم رعایت تجوید در نماز چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد، مگر تا حدّی که در صحت قرائت لازم است.

مقدار ضروری رعایت تجوید در نماز

۱۹۸۶. رعایت چه مقدار از نکات تجویدی برای قرائت نماز واجب است؟

ج. به مسائل ۸۲۳ تا ۸۲۷ رساله رجوع شود.

عدم تلفّظ حرف از مخرج با صدق حرف مخصوص

۱۹۸۷. اگر کسی لفظ ضاد را از مخرج ظاء تلفظ می کرده است اما در عرف عرب حرف ضاد بر آن صدق می کرده، آیا نمازش اشکال دارد؟

ج. با صدق آن حرف در عرف عرب صحیح است.

اختلاف اهل فن در تلفّظ صحیح

۱۹۸۸. اگر بعضی از اهل لغت یک نوع تلفّظ را صحیح بدانند و بعضی دیگر آن را غلط بدانند، آیا می شود آن را در نماز قرائت کرد؟

ج. اگر مراد ادای مخارج حروف است، لازم است رعایت آن به نحوی که در عربیّت، صدق حرف مخصوص نماید و تشخیص آن با عرف لغت صحیح است و از حیث قرائت کافیست با یکی از قرائات سبعه (هفت گانه) موافق باشد.

قرائات سبعه

۱۹۸۹. آیا جایز است یک رکعت یا دو رکعت نماز، به دو قرائت از قرائات سبعه خوانده شود؟

ج. تخییر بین قرائات سبعه در نماز استمراری است، لذا اگر در یک یا دو رکعت به دو قرائت بخواند، جایز است.

تلفّظ حرکات کسره و ضمّه با لهجه فارسی

۱۹۹۰. اگر حرکات کسره و ضمه را که عرب به صورت «او» و «ایی» کوتاه تلفظ می کند، به صورت فارسی تلفظ کنیم اشکال دارد؟

ج. خیر اشکال ندارد.

تلفّظ حرف صاد

۱۹۹۱. اگر کسی حرف «صاد» را طوری بگوید که مثلاً ـ از حرف «سین» یا «ثاء» تمایز داده شود، هر چند به طور کامل طبق قرائت عربی نباشد، آیا قرائت او در نماز صحیح است یا خیر؟

ج. اگر صدق عربیّت آن حرف باشد، صحیح است.

جواز قرائت «صراط» به «س» یا «ص»

۱۹۹۲. آیا لفظ «صراط» در قرائت سوره مبارکه حمد را می توان به «س» یا «ص» تلفّظ نمود؟

ج. هر دو صورت آن جایز است، چون طاء و صاد در یک کلمه جمع شده است.

تلفظ «ضاد»

۱۹۹۳. در علم تجوید برای تلفظ «ضاد»، چند قول ذکر شده است.

به کدام قول عمل شود؟

ج. باید طوری تلفظ کند که در زبان عربی بگویند «ضاد» را تلفّظ کرده است.

مشکل بودن تلفّظ صحیح نماز

۱۹۹۴. در صورت مشکل بودن تلفّظ صحیح «ضاد»، وظیفه چیست؟

ج. اگر به هیچ وجه نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

رعایت قلقله در حرف دال

۱۹۹۵. آیا حتماً باید قلقله را در حرف «دال» در آخر آیات سوره ی توحید رعایت نمود؟

ج. خیر، لازم نیست.

تکرار یک حرف از کلمه

۱۹۹۶. اگر در قرائت - برای احتیاط - حرف اوّل یا وسط یا آخر کلمه - مثل دال احد - را تکرار کنیم صحیح است؟

ج. تمام کلمه را تکرار کنید.

مد عارضی

۱۹۹۷. آیا رعایت مد عارضی هم واجب است؟

(مثل کلمه ی «الرّحیم» در حال وقف)؟

ج. واجب نیست.

میزان مد «و لا الضّالین»

۱۹۹۸. میزان کشش در کلمه ی «و لا الضّالین» چه قدر است؟

ج. به حد عرفی کافی است.

انجام ندادن مد «و لا الضّالین»

۱۹۹۹. اگر کسی در نماز سهواً و از روی فراموشی مد واجب در «و لا الضّالین» را انجام ندهد، نمازش چه حکمی دارد؟

و اگر حکم را نمی دانسته یا می دانسته و متوجّه نبوده چه باید کرد؟

ج. اگر قبل از رفتن به رکوع ملتفت شده، باید تدارک کند و بعد از آن سوره را بخواند و اگر بعد از رکوع فهمیده، نمازش صحیح است و احتیاطاً بعد از سلام سجده ی سهو به جا آورد، مگر در صورت جهل به حکم که چون نوعاً جاهلِ مقصّرند، نماز را اعاده کنند.

عدم وجوب ادغام در «یرملون»

۲۰۰۰. مدت پانزده سال است که در «یرملون» ادغام نمی کنم، آیا باید تمام نمازهایم را در این مدت اعاده یا قضا نمایم؟

ج. در «یرملون» ادغام واجب نیست، پس قضا و اعاده لزوم ندارد، اگر چه احتیاط خوب است.

رعایت موارد وقف در سوره های نماز

۲۰۰۱. آیا باید در سوره هایی که در نماز می خوانیم موارد وقف را رعایت کنیم؟

ج. خیر، لازم نیست.

میزان مجاز برای توقف بر روی یک کلمه

۲۰۰۲. تا چه اندازه توقف بر روی یک کلمه، به صحت نماز اشکال وارد می کند؟

ج. تا حدّی که به موالات آن جمله اخلال نرساند، اشکال ندارد.

تبدیل «ه» به «ها» در هنگام وقف

۲۰۰۳. در اذان شنیده می شود که مؤذّن «حی علی الصلاه» را «حی علی الصلاه» (با هاء) می خواند آیا این کار درست است؟

ج. در حال وقف باید با هاء بگوید.

محل وقف در سوره قدر

۲۰۰۴. در این قسمت از سوره ی مبارکه قدر: «باذن ربّهم من کل امر سلامٌ» وقف بر روی «أمرٌ» صحیح تر است یا بر روی «سلامٌ»؟

ج. وقف بر امر صورت پذیرد.

تلفظ «کفواً» با همزه و بدون واو

۲۰۰۵. آیا تلفظ «کفواً احد» با همزه و بدون واو صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

تلفظ کلمه ی «یوم» با ضمّه

۲۰۰۶. کسی که کلمه ی «یوم» را با ضمّه تلفظ کرده، با وجود این که می توانسته صحیح آن را تلفظ کند؛ اما جاهل به مسأله بوده است، آیا نمازهای او صحیح است یا باید دوباره اعاده کند؟

ج. نمازهای او اشکال داشته است.

منظور از «وقف به حرکت» و «وصل به سکون»

۲۰۰۷. منظور از «وقف به حرکت» یا «وصل به سکون» چیست؟

ج. معنای وقف به حرکت آن است که زیر یا زِبَر یا پیش آخر کلمه ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد و معنای وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۸۲۶ رساله رجوع شود).

«وصل به سکون» یا «وقف به حرکت» در نماز

۲۰۰۸. اگر در نماز «وصل به سکون» یا «وقف به حرکت» عمداً یا سهواً اتفاق بیفتد، نماز چه حکمی پیدا می کند؟

ج. وصل به سکون در نماز - بنا بر اظهر - جایز است و وقف غیر عمدی بر حرکت، وضعاً صحیح است و نماز اعاده ندارد و احوط، آن است که بدون عذر، وقف به حرکت ننماید.

وصل به سکون و وقف به حرکت در تمام نماز

۲۰۰۹. احکامی که درباره ی وصل به سکون و وقف به حرکت در رساله آمده، آیا فقط در قرائت نماز است یا در تشهّد و سلام و اذکار و ادعیه هم هست؟

ج. فرقی نمی کند.

ملاک در وقف

۲۰۱۰. آیا منظور از وقف، مکث کردن و نفس تازه کرده است یا مکث کردن تنها کفایت کند؟

ج. مناط دوّمی است.

رعایت تجوید برای ذکر رکوع و سجده

۲۰۱۱. آیا رعایت تجوید در ذکر رکوع و سجده واجب است؟

ج. تا حد صحت کلمه لازم است.

رعایت تجوید در ذکرهای مستحبی

۲۰۱۲. اگر کسی بخواهد ذکری مستحب را در نماز بگوید، آیا باید نکات تجویدی در آن ذکر را رعایت کند؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، در حال عمد تا حد صحت کلمه لازم است رعایت کند.

خواندن تسبیحات اربعه با «بسم اللّٰه»

۲۰۱۳. شخصی از روی عدم آگاهی، حدود ۴ سال تسبیحات اربعه را با «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم» خوانده است، حکم نمازهای او چگونه است؟

ج. چون به قصد مطلق ذکر که جایز است بوده، نمازهای او اشکال نداشته است.

تعداد دفعات لازم گفتن تسبیحات اربعه

۲۰۱۴. به نظر حضرت عالی، چند بار لازم است تسبیحات اربعه گفته شود؟

ج. بنا بر اقوی اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه گفته شود کافی است؛ ولی سه مرتبه تسبیحات اربعه گفتن فضیلت بیشتری دارد و موافق احتیاط است.

شک در تعداد تسبیحات اربعه گفته شده

۲۰۱۵. اگر کسی در تعداد تسبیحات اربعه ی گفته شده شک کند، تکلیفش چیست؟

ج. اگر شک در محل باشد و در دو و سه بار شک کند، یک بار دیگر بخواند.

سهوی گفتن تسبیحات اربعه بیش از سه مرتبه

۲۰۱۶. اگر تسبیحات اربعه سهواً بیشتر از ۳ مرتبه گفته شود، تکلیف چیست؟

ج. اشکال ندارد.

عمدی گفتن تسبیحات اربعه بیش از ۳ مرتبه

۲۰۱۷. اگر تسبیحات اربعه عمداً بیش از ۳ مرتبه گفته شود، به نماز اشکال وارد می شود؟

ج. خیر.

بلند خواندن تسبیحات اربعه

۲۰۱۸. آیا امکان دارد تسبیحات اربعه را در نماز مغرب و عشا، بلند خواند؟

ج. خیر.

گفتن «ان اللَّه» به جای «الا اللَّه» در تسبیحات اربعه

۲۰۱۹. بنده به خاطر عدم آگاهی و یادگیری غلط، در تسبیحات اربعه به جای «الا» به صورت، «... و لا الا ان اللَّه و اللَّه اکبر» تلفّظ می کردم، تکلیف این جانب نسبت به نمازهای گذشته ام چیست؟

ج. آن نمازها باطل بوده است، بنا بر احوط.

خواندن حمد و سوره در رکعت سوم

۲۰۲۰. اگر کسی در رکعت سوم نماز مشغول حمد و سوره شده و در وسط یا انتهای سوره متوجه شود، چه باید بکند؟

ج. اگر عادت او خواندن تسبیحات اربعه در رکعت سوم بوده، باید حمد را رها کند و از ابتدا تسبیحات اربعه را بخواند و بعد از نماز، احتیاطاً سجده ی سهو هم به جا آورد. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۸۳۵ و ۸۳۶ مراجعه شود).

جواز قرائت حمد و سوره به جای تسبیحات اربعه

۲۰۲۱. آیا خواندن حمد و سوره به جای تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم جایز است؟

ج. اشکال ندارد حمد را به جای تسبیحات می خواند و سوره را به قصد این که قرائت قرآن در نماز جایز است.

کسی که می خواهد به جای تسبیحات اربعه، حمد بخواند

۲۰۲۲. اگر کسی قصد داشته باشد در نماز مغرب یا عشا به جای تسبیحات اربعه سوره ی حمد را بخواند، تکلیفش در بلند خواندن یا آهسته خواندن سوره حمد چیست؟

ج. بر مرد و زن واجب است در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد را آهسته بخواند و بنا بر احتیاط واجب «بسم اللّٰه» آن را هم آهسته بخواند.

عدم قرائت حرف «واو» در تسبیحات اربعه

۲۰۲۳. نمازگزاری در تسبیحات اربعه، «و اللّٰه اکبر» را بدون «واو» می گفته است، آیا نمازش صحیح بوده است؟

ج. احوط اینست که نماز را اعاده کند، زیرا یک مرتبه خواندن تسبیحات بنا بر احتیاط واجب است.

حد اقل ذکر ضروری رکوع و سجود

۲۰۲۴. حد اقل مقدار ضروری ذکر رکوع و سجود چه مقدار است؟

ج. باید به مقداری باشد که مصداق مطلق ذکر باشد.

به کار بردن ذکر رکوع و سجده به جای هم

۲۰۲۵. اگر کسی عمداً یا سهواً ذکر رکوع و سجده را به جای یکدیگر به کار برد، اشکال دارد؟

ج. سهواً اشکال ندارد و هم چنین عمداً اگر به قصد مطلق ذکر باشد، اشکال ندارد؛ ولی عمداً به قصد ذکر خاص جا به جا نگوید.

گفتن یک «سبحان اللّٰه» در رکوع و سجده ها

۲۰۲۶. اگر کسی عمداً در رکوع و سجده ها یک «سبحان اللّٰه» بگوید، آیا نمازش صحیح است؟

ج. بله.

گفتن اذکار بلند شدن از رکوع و سجده برای کسی که نشسته نماز می خواند

۲۰۲۷.

گفتن ذکر «سمع اللّٰه لمن حمده» و «بحول اللّٰه و قوته أقوم و أقعد»، برای کسی که نشسته نماز می خواند چه صورتی دارد؟

ج. چنان چه بعد از رکوع و سجودش به قصد رجا بگوید، مانعی ندارد به خصوص ذکر «سمع اللّٰه لمن حمده».

غلط خواندن دعا و ذکر در رکوع و سجود

۲۰۲۸. اگر در رکوع و سجود پس از ذکر واجب، دعا و ذکری به غلط خوانده شود، به نماز صدمه می زند؟

ج. اگر سهواً نباشد، اشکال دارد.

به فارسی دعا کردن در رکوع و سجود

۲۰۲۹. آیا در رکوع یا سجود پس از ذکر واجب، می توان به فارسی دعا کرد؟

ج. دعا یا ذکر خداوند متعال به هر لغتی که مخصوص نمازگزار باشد، در بین نماز، اگر چه به عربی نباشد، مانعی ندارد؛ ولی خلاف احتیاط است، ولی بنا بر احتیاط واجب ذکرهای مستحبی رکوع، سجود و تشهد را به غیر عربی نخواند.

گفتن ذکر دیگر به جای ذکر برخاستن از رکوع

۲۰۳۰. آیا گفتن «ربّنا فلك الحمد» به جای «سمع اللّٰه لمن حمده» صورت شرعی دارد؟

ج. به قصد مطلق ذکر اشکال ندارد.

۵. رکوع

گفتن اعظیم به جای عظیم

۲۰۳۱. اگر کسی در رکوع نماز به جای «عظیم»، «اعظیم» بگوید، چه حکمی دارد؟

و نمازهایی را که به این صورت خوانده، چه حکمی دارد؟

ج. اگر سهواً بوده مانعی ندارد و اگر به علت جهل بوده، صحیح نیست و باید نمازهایی که به این صورت خوانده شده، به تدریج قضا کند.

عوض کردن ذکر رکوع یا سجود

۲۰۳۲. اگر شخصی در حال رکوع و یا سجود به جای «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و یا «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید:

«سبحان ربّنا الاعلی» و یا «سبحان ربنا العظیم»، آیا صحیح است؟

ج. اگر به قصد ورود نگوید، صحیح است.

قصد رکوع پس از خم شدن و قیام متّصل به رکوع

۲۰۳۳. در مسأله ی ۸۴۱ توضیح المسائل است که اگر قصد رکوع بعد از خم شدن به وجود آمد، بنا بر اظهر کافی است، با توجّه به این که: قیام متصل به رکوع، رکن است، چگونه این نماز صحیح است؟

ج. منظور از قیام متّصل به رکوع آن است که از حال قیام به رکوع برود و در فرض مسأله، این حالت حاصل است و انحنا، مُقَدَّمه رکوع است و قصد مقدمیّت لازم نیست.

شک در رکوع یا سجود از کسی که با اشاره نماز می خواند

۲۰۳۴. بیماری که رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد در صورتی که شک کند در حال رکوع است یا سجده، تکلیف چیست؟

ج. بنا بگذارد که در حال رکوع است.

فراموشی رکوع و تذکّر در سجده ی اوّل

۲۰۳۵. اگر در سجده ی اوّل یادش بیاید که رکوع را فراموش کرده، وظیفه چیست؟

ج. بنا بر احتیاط واجب برگردد و رکوع را به جا آورد و بعد از نماز سجده ی سهو به جا آورد و نماز را هم اعاده کند.

اضافه کردن رکوع

۲۰۳۶. اگر در یک رکعت از نماز، سهواً، دو رکوع به جا آوریم، چه حکمی دارد؟

ج. نماز باطل می شود.

مستحبات رکوع

۲۰۳۷. چه چیزهایی در رکوع، مستحب است؟

ج. به مسأله ی ۸۵۲ و ۸۵۳ رساله رجوع شود.

سر از رکوع برداشتن قبل از تمام شدن ذکر رکوع (سهواً)

۲۰۳۸. اگر نمازگزار قبل از تمام شدنِ ذکر رکوع، سهواً، سر از رکوع بر دارد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

سر از رکوع برداشتن قبل از تمام شدنِ ذکر رکوع (عمداً)

۲۰۳۹. اگر نمازگزار قبل از تمام شدن ذکر رکوع، عمداً، سر از رکوع بردارد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. نمازش باطل می شود.

گفتن ذکر رکوع، قبل از آن که به مقدار رکوع خم شود

۲۰۴۰. اگر قبل از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، سهواً ذکر رکوع را بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. بعد از آرامش بدن ذکر را دوباره بگوید.

۲۰۴۱. اگر قبل از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. اگر به آن اکتفا کند یا به قصد خصوصیت باشد، نمازش باطل می شود.

حرکت بدن در حال رکوع بر اثر عبور و مرور مردم

۲۰۴۲. اگر در هنگـام رکوع بر اثر عبور و مرور، شـخص نمازگزار، حرکت کنـد و از جایش تکان بخورد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. اگر بـدن از حال آرام بودن خارج شـده است، بایـد بعـد از آرام گرفتن بـدن دوباره ذکر را بگوید؛ ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن خارج نشود، اشکال ندارد.

حرکت بدن در حال رکوع، به خاطر ناهمواری مکان

۲۰۴۳. اگر کسـی به هنگام ذکر رکوع، سـهواً، به خاطر ناهمواریِ مکانی که در آن مکان ایسـتاده، پایش را جا به جا کند، چه حکمی دارد؟

ج. باید ذکر رکوع را دوباره بگوید.

ذکر رکوع

۲۰۴۴. آیا در رکوع، هر ذکری که بگوید کافی است؟

یا این که حتماً باید ذکر خاصّی بگوید؟

ج. کـافی بـودن هر ذکری کـه خـواست بگویـد در رکـوع خـالی از وجـه نیسـت. ولی احتیـاط مستحب آن است که سه مرتبه

«سبحان اللّٰه» یا یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید.

شک در ذکر رکوع

۲۰۴۵. کسی که بعد از رکوع نمی داند که ذکر رکوع را گفته است یا نه؟ چه باید بکند؟

ج. به شکش اعتنا نکند.

شک در صحیح ادا نکردن ذکر رکوع

۲۰۴۶. کسی که در صحیح ادا کردن الفاظ اذکار رکوع، بعد از رکوع یا در هنگام رکوع، شک کند، چه باید بکند؟

ج. به شک خود اعتنا نکند.

شخص بیماری که نمی تواند به مقدار ذکر رکوع، در رکوع باقی بماند

۲۰۴۷. اگر شخصی بر اثر بیماری، نتواند به مقدار ذکر، در رکوع بماند، چه باید بکند؟

ج. در صورتی که بتواند پیش از آن که از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید ذکر را در آن حال تمام کند.

گفتن اذکاری بعد از گفتنِ ذکر رکوع

۲۰۴۸. اگر در رکوع، بعد از گفتن ذکر رکوع، اذکار دیگری را بگوییم، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

مقدار تکرار ذکر رکوع

۲۰۴۹. اگر در رکوع، ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» را دو بار یا چهار بار بگوید، چه حکمی دارد؟

آیا حتماً این ذکر را باید یک مرتبه یا به مقدار معیّنی بگوید؟

ج. اشکال ندارد، ولی مستحب است به عدد فرد بگوید.

معنای انجام دادن رکوع و سجده با اشاره

۲۰۵۰. به جا آوردن رکوع و سجده با اشاره یعنی چه؟

ج. یعنی با سر اشاره نماید (مسأله ی ۸۴۸ رساله).

انجام دادن رکوع با اشاره

۲۰۵۱. در چه موردی می تواند رکوع را با اشاره به جای آورد؟

ج. در صورتی که هرگز - حتی با تکیه - نتواند برای رکوع خم شود (به مسأله ی ۸۴۸ و ۸۴۹ رساله رجوع شود).

شک در انجام رکوع قبل از رفتن به سجده

۲۰۵۲. کسی که قبل از رفتن به سجده شک کند که آیا رکوع را به جا آورده است یا نه؟

چه باید بکند؟

ج. باید رکوع را به جا آورد.

شخصی که در حال قیام نمی داند رکوع را به جا آورده یا نه

۲۰۵۳. کسی که در حال قیام بعد خواندن حمد و سوره یا در رکعت سوم و چهارم، بعد از تسبیحات اربعه، شک کند که آیا رکوع را به جا آورد یا نه، چه باید بکند؟

ج. باید رکوع را به جا آورد.

فراموشی رکوع و تذکّر آن بعد از نماز

۲۰۵۴. کسی که رکوع را فراموش کند و بعد از نماز متوجه شود، چه باید بکند؟

ج. باید نماز را دوباره بخواند.

فراموشی رکوع و تذکّر آن بعد از انجام دو سجده

۲۰۵۵. کسی که رکوع را فراموش کند و بعد از انجام دو سجده، متوجه شود، چه باید بکند؟

ج. باید نماز را دوباره بخواند.

رکوع کسی که قامت و قد خمیده ای دارد

۲۰۵۶. کسی که خلقت اولیه اش خمیده بوده یا در اثر کهولت سن و یا بیماری، قد خمیده ای دارد، برای انجام رکوع چه باید

بکند؟

ج. تا امکان راست ایستادن، هر چند با تکیه دادن به چیزی و لو فی الجمله را دارد، قیام قبل از رکوع را باید به جا آورد و در غیر این صورت به مقداری بیشتر منحنی و خم می شود به طوری که از حد رکوع خارج نشود و اگر این هم ممکن نشد، به همان حالت نیّت رکوع می کند و با سر اشاره می کند.

کسی که نمی تواند به اندازه ی رکوع خم شود

۲۰۵۷. اگر کسی بر اثر بیماری و یا در اثر کهولت سن، نتواند به اندازه ی رکوع خم شود، چه باید بکند؟

ج. باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به هر اندازه می تواند خم شود و اگر به هیچ صورتی نتواند خم شود، باید با سر اشاره نماید. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۸۴۸ رساله رجوع شود).

رکوع شخص جالس

۲۰۵۸. کسی که نشسته نماز می خواند، برای رکوع باید به چه اندازه ای خم شود؟

ج. به اندازه ای که مُسَمّای رکوع حاصل شود، منحنی می شود و تحقق آن بنا بر احوط به اینست که صورت او به نزدیکی محل سجودش برسد.

مقدار خم شدن در رکوع

۲۰۵۹. در رکوع به چه اندازه ای باید خم شویم؟

ج. باید به اندازه ای خم شد که بتوان دست را به زانو گذاشت.

مقدار خم شدن در رکوع برای کسی که دست او بلندتر از دیگران است

۲۰۶۰. کسی که دست او بلندتر از دیگران است، که اگر مقداری خم شود، به زانو می رسد، به چه مقدار باید خم شود؟

ج. باید به اندازه معمول خم شود.

مقدار خم شدن در رکوع نماز وتیره

۲۰۶۱. در نماز وتیره و یا نماز احتیاطِ نشسته، چه مقدار لازم است خم شویم؟

ج. مثل رکوع فرد نشسته که قبلاً ذکر شد.

رکوع نماز مستحبی در حال حرکت

۲۰۶۲. کسی که مشغول خواندن نماز مستحبی در حال حرکت است، جهت رکوع چه مقدار لازم است که سر خود را خم نماید؟

ج. به حدی که ایماء و اشاره ی با سر صدق کند.

قرار دادن دستها بر سر زانو در حال رکوع

۲۰۶۳. آیا لازم است در رکوع، دستها بر سر زانوها گذاشته شود؟

ج. خیر، لازم نیست (مسأله ی ۸۳۹ رساله).

دفع حیوانِ مزاحم در حال رکوع

۲۰۶۴. اگر در حال رکوع، دست را از زانو برداریم و حیوان مزاحمی مثل پشه یا مگس را از خود دور کنیم، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

کسی که لوزه اش را عمل کرده و نمی تواند خم شود

۲۰۶۵. اگر کسی که لوزه اش را عمل کرده است و در صورت خم و راست شدن، احتمال خونریزی و یا ضرر بدهد وظیفه چیست؟

ج. اگر عاجز از رکوع و سجود است به جهت خوف ضرر، اگر چه جلوسی باشد و فقط متمکّن از قیام است، اکتفا به قیام و ایماء که متمکن از غیر اینها نیست می نماید و اگر متمکن از قیام نیست هر چند با تکیه بر چیزی، نشسته نماز می خواند و برای رکوع و سجود، ایما و اشاره می کند و در صورت عدم تمکّن از جلوس، نوبت به صلاه @استلقاءً (نماز به پشت خوابیده) و با ایماء می رسد وگرنه، اضطجاع (خوابیدن به پهلو) با ایماء وظیفه ی اوست.

۶. سجده

چیزهایی که می شود بر آنها سجده کرد

۲۰۶۶. لطفاً بفرمایید بر چه چیزهایی می توان سجده کرد (به ترتیب اولویت)

ج. بر زمین و گیاه و کاغذ تولید شده از گیاه می توان سجده کرد و افضل از همه تربت امام حسین علیه السّلام است (مسأله ی ۸۸۶ الی ۸۹۲ رساله)

کج گذاشتن پیشانی روی مهر و خون آلود شدن آن

۲۰۶۷. گاهی در پیشانی جوش هایی پدیدار می شود که هنگام سجده درد می گیرد.

آیا می توان برای سجده، پیشانی را روی مهر کج گذاشت و اگر بعد از سر برداشتن از سجده، مهر آلوده به خونِ جوش ها شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج. کج گذاشتن در فرض مزبور، مانعی ندارد و احتیاط در تقدیم طرف راست بر طرف چپ است و باید دقّت شود که مهر آلوده نشود و اگر آلوده شد، باید در سجده ی بعدی به جای پاکِ آن سجده کند.

قرار گرفتن موی سر یا چادر بین مهر و پیشانی

۲۰۶۸. اگر در موقع گزاردن پیشانی روی مهر قسمتی از موی سر یا چادر، پیشانی را فراگیرد و مانع چسبیدن پیشانی روی مهر گردد، چه باید کرد؟

ج. اگر به اندازه ی قدر واجب از سجده روی مهر باشد، مانعی ندارد و اگر نباشد بدون آن که سر را بلند کند، آن مو یا چادر را از روی پیشانی بکشد.

سجده بر مهر امین

۲۰۶۹. آیا سجده بر مهر امین (که جهت تعیین تعداد رکعات است) صحیح است؟

ج. سجده صحیح است و اگر موجب اطمینان شخصی شود، رفع شک می کند.

مهر چرکین

۲۰۷۰. اگر در مهری که قدری چرک دارد، شک شود که آیا این چرک به اندازه ای هست که مانع به حساب آید یا نه، آیا می توان با این مهر نماز خواند؟

ج. می تواند، گرچه احتیاط خوب است.

سجده بر قسمت برجسته مهر

۲۰۷۱. مهرهایی که عکس گنبد و بارگاه روی آنها منقوش است و برآمدگی دارد؛ آیا سجده کردن بر آنها جایز است؟

ج. اگر پیشانی به قدر واجب سجده به خاک می رسد، اشکالی نیست.

مهر برجسته

۲۰۷۲. یکی از دو طرف مهرهای نماز ناصاف است و مقداری برجستگی دارد، آیا سجده روی سطح ناصاف آن صحیح است؟

ج. اگر تماس پیشانی با مهر به قدر واجب می شود، صحیح است.

عکس روی مهر

۲۰۷۳. روی بعضی از سجّاده ها و مهرهای نماز، عکس بارگاه ائمّه علیهم السّلام کشیده شده است؛ آیا نماز خواندن با آنها جایز است؟

ج. جایز است.

سجده بر اسکناس

۲۰۷۴. آیا سجده بر اسکناس صحیح است؟

ج. احتیاط در ترک آن است.

سجده بر مهر حکاکی شده با کلمه اللّه

۲۰۷۵. سجده کردن بر مهری که روی آن کلمه ی اللّه حک شده است؛ چه حکمی دارد؟

ج. اگر جهت هتک نداشته باشد، اشکال ندارد.

سجده بر لباس و دست

۲۰۷۶. اگر در بین نماز آن چه که نمازگزار بر آن سجده می کند، مفقود شود و به خیال این که در وسعت وقت هم می تواند بر لباس یا دستش سجده کند، بر آنها سجده نماید، صحیح است؟

ج. در صورت جهل به حکم، معذور نیست.

مفقود شدن مهر در وسط نماز

۲۰۷۷. اگر در حال نماز خواندن بچه ای مهر را بردارد چه باید کرد؟

ج. اگر چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت دارد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است، باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگر است، بر همان چیز و اگر آن هم ممکن نیست، بر پشت دست و اگر آن هم نمی شود، به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

سجده در مسجد الحرام و مسجد النّبی – صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

۲۰۷۸. در مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و سایر مساجد مکّه و مدینه بعضی از قسمت ها مفروش است و بعضی غیر مفروش و با سنگ ساخته شده است.

آیا لازم است برای انجام نماز جماعت به قسمتی بروند که بر سنگ سجده کنند و یا می توانند بر فرش سجده نمایند؟

ج. باید بر سنگ و یا حصیر و امثال آن از چیزهایی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنند.

سجده بر مهر و حصیر در مساجد مکّه ی معظّمه و مدینه ی منوّره

۲۰۷۹. سجده کردن بر مهر یا حصیر و بادبزن در مساجد مکه و مدینه در صورتی که سبب توهین به شیعه بشود؛ چه حکمی دارد؟

ج. می توانند به قسمت هایی که با سنگ مفروش شده نماز بخوانند و یا برای اقامه نماز به جایی بروند که موجب وهن نباشد.

استفاده نکردن از مهر

۲۰۸۰. بعضی از روحانیون کاروان ها به حجّاج گفته اند که اصلاً در طول سفر حج از مهر استفاده نکنند؛ حتّی در هتل ها که همه شیعه هستند؛ آیا این کار صحیح است؟

ج. صحیح نیست.

تربت کربلا از غیر اطراف قبر مطهّر

۲۰۸۱. تربت هایی که از کربلا می آورند، اگر از اطراف قبر مطهّر نباشد؛ آیا احترام آن واجب است؟

ج. احترام آن رعایت می شود، ولی احکام تربت را ندارد.

نماز با مهر مسجد در غیر مسجد

۲۰۸۲. خواندن نماز با مهرهای مسجد دانشگاه در مکان های دیگر صحیح است؟

ج. اگر اختصاص به آنجا دارد، جایز نیست.

سجده بر پوست تخم کدو

۲۰۸۳. آیا سجده بر پوست تخم کدو، هندوانه، آفتابگردان، بادام و گردو، بعد از جدا شدن مغز جایز است؟

بر هسته خرما چه طور؟

ج. جایز است.

مهرهایی که روی آن چیز نوشته اند

۲۰۸۴. سجده بر مهر یا چوبی که با جوهر یا مرکب روی آن نوشته اند چه حکمی دارد؟

ج. اگر آن جوهر یا مرکب، مانع از سجده به مقدار واجب نباشد، اشکال ندارد.

سجده بر دستمال کاغذی

۲۰۸۵. آیا سجده بر دستمال کاغذی و کاغذی که روی آن خطکشی شده؛ جایز است؟

ج. اگر اشیای مذکور از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده، می شود بر آن سجده کرد و جواز سجده بر کاغذی که احتمال دارد از چیزهایی درست شده باشد که سجده بر آن جایز نیست، مورد تأمل است؛ لذا احتیاطاً سجده ننماید.

سجده بر لباس یا گلیم یا پشت دست

۲۰۸۶. اگر در حالت ناچاری که لباس نمازگزار از پنبه یا کتان باشد و یا سجاده یا زیراندازش از پنبه باشد، آیا در این صورت می تواند بر پشت دست سجده کند؟

ج. در این صورت باید به لباس یا زیرانداز که از کتان یا پنبه است سجده کند وگرنه، اگر از چیز دیگر است، بر همان چیز سجده کند و اگر آن هم نیست در مرحله بعد باید بر پشت دست سجده نماید.

اگر پیشانی دو بار به مهر بخورد

۲۰۸۷. اگر نمازگزاری کمی تند به سجده رود و پیشانی بعد از برخورد با مهر کمی بلند شود و دوباره روی مهر جای بگیرد؛ آیا دو سجده حساب می شود؟

ج. اگر نتواند سـر را نگه دارد و بی اختیار دو بار به جای سـجده برسد، روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۸۸۲ رساله مراجعه شود.)

لزوم نشستن بین دو سجده

۲۰۸۸. آیا نشستن بین دو سجده لازم است یا سر برداشتن از مهر و دوباره گذاشتن کفایت می کند؟ و آیا اگر کسی سر از مهر بردارد و در همان حال که دستانش روی زمین است اندکی توقف کرده و دوباره به سجده رود اشکال دارد؟

و آیا فرقی بین نماز مستحبی و واجب در این مسأله وجود دارد؟

ج. نشستن بین دو سجده مطلقاً واجب است.

قرار دادن دو مهر بر روی همدیگر

۲۰۸۹. اگر فردی دو مهر بر هم بگذارد و بر آنها سجده کند، آیا اشکال دارد؟

ج. خیر.

وجود چیزی آزار دهنده بر روی مهر

۲۰۹۰. اگر در هنگام سجده بر روی مهر چیزی باشد که باعث آزار جدّی پیشانی نمازگزار شود، آیا می توان قبل از اتمام ذکر سجده پیشانی را از مهر برداشت؟

ج. به کمترین مقدار ذکر اکتفا کند.

مقدار نشستن بین دو سجده

۲۰۹۱. آیا مقدار نشستن بین دو سجده باید به مقدار گفتن «استغفر اللّه ربی و اتوب الیه» باشد؟

ج. خیر لازم نیست.

ناتوانی در نشستن بین دو سجده

۲۰۹۲. فردی که نمی تواند بین دو سجده بنشیند و به صورت نیم خیز تکبیر می گوید، آیا با این وضعیت نمازش اشکال دارد؟

ج. اگر به هیچ نحوه قادر بر نشستن نیست، همان کفایت می کند.

خون آمدن جوش های صورت حین وضو و سجده

۲۰۹۳. هنگام وضو و سجده از جوش های صورتم خون می آید، آیا باعث ابطال وضو و سجده می شود؟

ج. در وضو اگر تطهیر ممکن نیست، باید وضوی جبیره ای کند و در سجده به مسأله ی ۸۷۸ و ۸۷۹ رساله رجوع شود.

عدم قدرت بر سجده کردن به علت شکستگی زانو

۲۰۹۴. کسی که در اثر شکستگی زانو نمی تواند به سجده برود، نماز را چگونه انجام دهد؟

ج. باید به اندازه ای که اوّلین مرتبه سجود، صدق می کند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است تا روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید بنا بر احتیاط، کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد و کسی که هیچ نمی تواند خم شود، برای سجده باید سر را به قصد سجده خم کند و برای برخاستن از سجده سر را بلند کند.

فراموشی سجده و تشهد و رکوع

۲۰۹۵. اگر نمازگزار در رکعت اوّل یک سجده و در رکعت دوم تشهد و در رکعت سوم رکوع را فراموش کند؛ وظیفه اش چیست؟

ج. نمازش باطل است.

فراموش کردن سجده

۲۰۹۶. شخصی که در حال قیام متذکر می شود که یک سجده ی رکعت پیش را فراموش کرده و بر نمی گردد که به جای آورد، ولی بعد از نماز فوراً سجده را قضا و سجده سهو به جای می آورد، آیا نمازش صحیح است؟

ج. نمازش باطل است.

شک در سجده

۲۰۹۷. کسی که شک کند یک سجده به جای آورده یا دو تا، تکلیفش چیست؟

ج. اگر در محل است، یک سجده ی دیگر به جا آورد.

شک در بلندی محل سجود از محل ایستادن

۲۰۹۸. اگر نمازگزار در سجده، در بلندی محل سجده از محل ایستادن شک کند و رفع شک در بین نماز ممکن نباشد، تکلیفش چیست؟

ج. این شکّ اعتبار ندارد؛ ولی برای سجده های بعدی باید احراز شرط کند.

شک در این که در رکوع است یا سجود

۲۰۹۹. بیماری که رکوع و سجود را با اشاره به جا می آورد، در صورتی که شکّ کند در سجده است یا رکوع، تکلیفش چیست؟

ج. بنا می گذارد که در رکوع است.

فراموشی سجده

۲۱۰۰. اگر نمازگزار در رکعت اوّل یک سجده و در رکعت دوم رکوع را فراموش می کند و در بین السّجدتین رکعت دوم متوجه شود؛ تکلیفش چیست؟

ج. این سجده را سجده ی دوم رکعت اوّل حساب می کند، پس می ایستد و رکعت دوم را به جا می آورد و برای زیادی ها سجده سهو به جا می آورد.

شک در سجده

۲۱۰۱. اگر نمازگزار در اثنای تشهد شکّ کند که سجده دوم را به جای آورده یا نه، چه باید بکند؟

ج. به شکش اعتنا نمی کند.

سربازهایی که در وقت نماز صبح پُست می دهند

۲۱۰۲. سربازانی که قبل از اذان صبح تا بعد از طلوع آفتاب در پست نگهبانی هستند، در صورتی که نتوانند به طور عادی نماز بخوانند (به خاطر حساسیّت نگهبانی) رکوع و سجود را چگونه به جای آورند؟ و آیا باید در هنگام سجده از چیزی که سجده بر آن صحیح است استفاده کنند یا لازم نیست؟

ج. هر طور باشد وقتی را برای نماز مختار قرار دهد و مسلمان در هر کاری که باشد، باید برای نمازش وقتی را قرار دهد.

گذاشتن مهر بر پیشانی به علت درد گردن

۲۱۰۳. فردی که به علت درد گردن نمی تواند سر بر مهر بگذارد، آیا می تواند مهر را بر پیشانی بگذارد؟

ج. باید مهر را روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است؛ ولی بنا بر احتیاط کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد و کسی که هیچ نمی تواند خم شود، برای سجده باید سر را به

قصد سجده خم کند و برای بر خواستن از سجده سر را بلند نماید.

خواندن نماز با کفش

۲۱۰۴. کسی که سجده را روی صندلی به جای می آورد؛ آیا می تواند با کفش نماز بخواند؟

ج. چون باید بنا بر احوط تا بتواند سر انگشت بزرگ را بر زمین بگذارد؛ لذا نمی تواند با کفش نماز بخواند، بلی اگر مطلقاً از خم شدن معذور است و ایماء می کند (با سر به سجده اشاره می کند)، قرار دادن سایر اعضای سجده لازم نیست، هر چند در اینجا نیز احوط است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۸۸۰ و ۸۸۱ رساله رجوع شود.)

سجده بر روی صندلی

۲۱۰۵. فردی که مبتلا به زانو درد است و هنگام تشهد تشدید می یابد، آیا می تواند برای به جا آوردن آنها از صندلی استفاده کند؟ و آیا می تواند مهر را روی صندلی دیگر بگذارد؟ (فقط برای سجده و تشهد و سلام)

ج. چون ضرورت است، مانعی ندارد.

ادای سجده به صورت چهار زانو

۲۱۰۶. فردی مریضم که به علت درد سر زانوها، اگر بخواهم هفت عضوی که موقع سجده واجب است بر زمین بگذارم، پس از سجده قادر به نشستن نیستم؛ آیا می توان چهار زانو بدون این که سر انگشتان پا را بر زمین بگذارم سجده کنم؟

ج. تنها همان عضو از اعضای سجده که عذر دارد، می تواند بر زمین نگذارد.

حرکت انگشت به طور عمدی در سجده

۲۱۰۷. اگر بعضی از انگشت های پای فرد نمازگزار در هنگام سجود همراه انگشت شصت به زمین برسند، آیا نماز اشکال دارد؟

و اگر در حال ذکر سجده، انگشت شصت پا را عمداً حرکت دهد؛ آیا نمازش دچار اشکال می شود؟

ج. مورد اوّل اشکال ندارد و مورد دوم هم اگر حرکت کمی باشد، اشکال ندارد.

قرار نگرفتن کف دست به طور کامل بر روی زمین

۲۱۰۸. قرار گرفتن دست در سجده بر روی دو فرش که مقداری فاصله بین آنها باشد چه حکمی دارد؟

ج. با صدق استیعاب عرفی (که عرف بگوید تمام کف دست روی زمین قرار گرفته است)، اشکال ندارد.

اعضایی که در سجده باید بر روی زمین قرار گیرند

۲۱۰۹. در سجده کدام قسمت بدن باید مماس با زمین باشد، آیا درآوردن انگشتری و جوراب لازم است؟

ج. پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت پا باید روی زمین باشد و در آوردن انگشتری و جوراب لازم نیست.

وجوب نشستن در نماز نافله

۲۱۱۰. آیا نشستن بین دو سجده در نماز نافله مانند فریضه، واجب است؟

ج. واجب است؛ به معنای این که عدم تعمّد در ترک آن شرط صحّت است.

برداشتن پا یا دست بعد از ذکر واجب

۲۱۱۱. اگر نمازگزار یا کسی در سجده پس از ادای ذکر واجب، دست یا پا را از زمین عمداً یا سهواً بردارد، ولی هنوز سجده را تمام نکرده و می خواهد ذکر مستحبی بگوید، آیا سجده دچار اشکال می شود؟

ج. اگر در حال ذکر واجب نباشد، ضرری به سجده نمی رساند و اشکال ندارد.

قرار ندادن تمام دست روی زمین و جای لرزان

۲۱۱۲. اگر در اثر جهل به حکم، کف دستها را در حال سجده مطابق معمول نگذاشته و یا بر جای لرزانی که آرام نبوده (آرامش نداشته) سجده کرده است، نمازهای سابقش چه حکمی دارد؟

ج. اگر سجده به قطع یا به احتیاط صحیح نبوده، باید نمازهایش را به همان گونه قضا یا اعاده کند.

حرکت انگشت در حال سجده

۲۱۱۳. وقتی که انسان در حال گفتن ذکر سجده است، باید دو کف دستش روی زمین باشد، سؤال اینست که اگر در حال گفتن ذکر سجده دو کف دست روی زمین بود، امّا یکی از انگشتان دست بی اختیار روی زمین حرکت کند؛ آیا باید ذکر را دوباره تکرار کند؟

ج. اگر عرفاً کف دست روی زمین قرار داشته، صحیح است و در غیر این صورت ذکر واجب اعاده شود.

دعا به زبان فارسی در سجده

۲۱۱۴. فردی بی سوادم که فقط الفاظ نماز را به عربی می دانم، آیا بعد از ادای ذکر سجده به عربی می توانم به فارسی دعا کنم، در بقیه مستحبات چه طور؟ و برای بقیه افراد چه طور؟

ج. دعا یا ذکر خداوند متعال به هر لغتی که مخصوص نمازگزار باشد، در بین نماز اگر چه به عربی نباشد، مانعی ندارد؛ ولی خلاف احتیاط است.

خلاصه این که:

بنا بر اظهر جایز است، اگر چه احوط مواظبت بر عربیّت است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۹۳۲ رساله رجوع شود.)

خواندن دعا در سجده آخر

۲۱۱۵. آیا در سجده آخر نماز می توان هر دعایی را خواند؟

ج. بله.

ذکر سجده

۲۱۱۶. در سجده چه ذکری می توان گفت و چه قدر باید باشد؟ اگر در سجده افزون بر ذکر واجب، دعا و ذکر غلط خوانده شود؛ آیا مبطل نماز است؟

ج. کفایت هر ذکری که در سجده بگوید خالی از وجه نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه سبحان اللّٰه یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» بگوید و ذکرهای مستحبی را هم بنا بر احوط باید صحیح بخواند.

سجده طولانی

۲۱۱۷. آیا داشتن سجده های طولانی برای حضور قلب بیشتر در نماز اشکالی دارد؟

ج. خیر.

اکتفا به یک ذکر سبحان اللّٰه در تنگی وقت

۲۱۱۸. در موارد تنگی وقت، آیا می شود در ذکر رکوع و سجده به یک مرتبه سبحان اللّٰه اکتفا کرد؟

ج. بله.

صلوات فرستادن به جای ذکر سجده

۲۱۱۹. اگر فردی به جای ذکر سجده بر اثر بی سوادی و یا تعلیم غلط صلوات بفرستد؛ آیا نماز او صحیح است؟

در صورت صحیح نبودن، آیا لازم است نمازهای گذشته را قضا کند؟

ج. نمازهایش صحیح است.

خواندن دعای طولانی میان دو سجده

۲۱۲۰. خواندن دعای طولانی در بین السّجدتین که در عرف، صورت نماز را به هم بزند چه وجهی دارد؟

ج. اگر صورت نماز را به هم بزند، مبطل است.

گذاشتن تسبیح جلوی مهر

۲۱۲۱. آیا گذاشتن تسبیح، جلوی سجاده و مهر جنبه ی شرعی دارد؟

ج. برای @حیلوله (ایجاد فاصله و مانع) است به نحو مذکور در محل خود – مثل عروه و غیر آن –. (رجوع شود به عروه الوثقی، بحث مکان های مکروه، مسأله ی ۳).

نگاه به پشت سر در سجود

۲۱۲۲. در سجود نگاه کردن به پشت سر چه حکمی دارد؟

ج. در صورت منافات با استقبال، اگر عمداً باشد نماز باطل می شود و اگر منظور اینست که در همان حالی که سر بر مهر دارد نگاه به عقب کند اشکال ندارد.

۲۱۲۳. کسی که یکی از انگشتان دستش کج می باشد و مثل بقیّه ای انگشتانش به راحتی روی زمین قرار نمی گیرد؛ وظیفه اش چیست؟

ج. همان طور قرار دهد، با سعی در صدق استیعاب عرفی، بنا بر احوط.

چگونگی قرار دادن کف دست غیر عادی در سجده

۲۱۲۴. افرادی که کف دستشان عادی نیست؛ چگونه باید کف دست را به زمین بگذارند؟ آیا لازم است جای متناسب با کف درست کند؟

ج. به هر طور ممکن کف دست را به زمین گذارد کافی است، با سعی در صدق استیعاب عرفی، بنا بر احوط.

باندپیچی انگشت شصت پا

۲۱۲۵. شخصی که انگشت شصت پایش باندپیچی شده، آیا می تواند انگشت باندپیچی را بر زمین بگذارد یا سایر انگشتان را بر زمین بگذارد؟

ج. اگر کم است مانعی ندارد و اگر بیش از متعارف است، جمع کند بین آن و سایر انگشتان و تمام آنها را روی زمین بگذارد.

زخم بودن پیشانی

۲۱۲۶. اگر پیشانی زخم باشد به طوری که وقتی به مهر برسد خون جاری می شود و هر چه صبر کند خونریزی بند نشود؛ تکلیف این فرد برای نماز خواندن چیست؟

ج. لازم است با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست و یا زخم، تمام پیشانی را گرفته است، باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و احتیاط آن است که طرف راست را بر طرف چپ مقدم بنماید و اگر ممکن نیست به چانه سجده نماید.

جوش های روی پیشانی

۲۱۲۷. اگر در پیشانی جوش هایی باشد که هنگام سجده درد می گیرند؛ آیا می توان با یک طرف پیشانی سجده کرد؟ اگر بعد از سجده اوّل مهر آلوده به خون جوش ها شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج. مثل جواب سؤال قبلی و اگر خون آلود شد، اگر مقدار دیگر آن پاک باشد بر آنجا سجده کند، (به مسأله ی ۸۷۷ رساله و مسائل بعد از آن مراجعه شود.)

پوشیده بودن پیشانی

۲۱۲۸. فردی که پیشانیش به علت زخم به طور کامل بسته یا باندپیچی شده است؛ وظیفه اش چیست؟

ج. اگر طرف چپ و راست پیشانی باز است باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده نماید و احتیاط در اینست که اگر طرف راست ممکن است آن را بر طرف چپ مقدم نماید و اگر این هم ممکن نیست با چانه سجده نماید.

کسی که انگشت پایش کج است

۲۱۲۹. کسی که یکی از انگشتان شصت پایش کج است و مثل بقیّه ای انگشت ها به راحتی روی زمین قرار نمی گیرد، وظیفه چیست؟

ج. اگر می توانـد و حرج نیست، بایـد سـر آن دو انگشت را به زمین بگـذارد و اگر نمی توانـد یا حرجیست به میسور آن اکتفا کند.

تعداد سجده برای آیات سجده دار

۲۱۳۰. کسـی که سـجده بر او واجب است (مثل سـجده آیات سجده دار) چند سجده باید به جا آورد، آیا گفتن تشهد و سلام نیاز است؟

ج. فقط یک سجده واجب است و تشهد و سلام ندارد.

شنیدن آیه سجده دار از رادیو و تلویزیون

۲۱۳۱. اگر آیه سجده دار را از رادیو یا تلویزیون بشنویم؛ آیا سجده لازم است؟

ج. اگر به منزله ی ضبط صوت است لازم نیست؛ اما اگر به طور مستقیم و به منزله ی بلندگوی بی سیم است، واجب است.

(به مسأله ی ۹۰۱ رساله رجوع شود.)

سجده نکردن بعد از شنیدن آیه سجده دار

۲۱۳۲. اگر کسی آیه ی سجده دار بشنود، ولی نتواند سجده را به جای آورد، آیا گناه کرده است؟

ج. به هر طور ممکن، هر چنـد با اشاره هم ممکن باشـد، بایـد سـجده کنـد و با ترک آن از روی فراموشـی یا عمداً ساقط نمی شود و باید بعداً به جا آورد.

شنیدن آیه سجده دار در هنگام نماز

۲۱۳۳. اگر در حال خواندن نماز آیه سجده را بشنویم چه کار کنیم؟

ج. بنا بر احوط باید بعد از نماز سجده ی آن را به جا آورد و نماز صحیح است.

خواندن آیه سجده دار توسط بچه نابالغ

۲۱۳۴. اگر یکی از آیه های سجده دار توسط بچه نابالغ، خوانده شود آیا بر شنوندگان سجده واجب است؟

ج. اگر بچه ممیّز باشد بله، سجده واجب است.

(مسأله ی ۹۰۲ رساله)

شنیدن آیه ی سجده دار در نماز

۲۱۳۵. آیا نمازگزار در نماز می تواند اختیاراً آیه ی سجده دار را بشنود؟

ج. محل اشکال است و اگر اتّفاقاً شنید، پس از ایماء برای آن، سجده را بنا بر احوط وضعاً بعد از نماز انجام دهد و اگر فوریّت عرفی آن فوت نشود، تکلیفاً هم اشکال ندارد.

زمان سجده واجب در آیات سجده دار

۲۱۳۶. زمان سجده واجب در آیات سجده دار چه هنگام است؟

ج. وقتی تمام آیه را بخواند، پس واجب نیست اگر بعضی از آیه را - هر چند لفظ سجده در آن باشد بخواند - هر چند سجده کردن در این صورت نیز احوط است.

لزوم سجده بر حائض و جنب با شنیدن آیه ی سجده

۲۱۳۷. اگر زن حائض آیه ی سجده را بشنود؛ آیا لازم است سجده کند؟ شخص جنب چه طور؟

ج. لازم است سجده کنند.

سجده برای غیر خدا

۲۱۳۸. سجده برای غیر خدا چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

سجده در مقابل قبور ائمّه ای و امام زادگان علیهم السّلام

۲۱۳۹. آیا سجده در مقابل قبور امامان و امام زادگان جایز است؟

ج. اگر برای خدا سجده کند مانع ندارد، هر چند مقابل قبور باشد و اگر برای غیر خدا سجده کند، جایز نیست.

۲۱۴۰. در صورتی که سجده در مقابل قبور ائمّه موجب توهین مذهب گردد یا عدّه ای تصوّر کنند که سجده برای امام علیه السّلام یا امام زادگان انجام گرفته، جایز است؟

ج. اگر عنوان ثانوی مثل وهن مذهب پیدا کرده است، عنوان را مراعات نمایند.

بوسیدن زمین حرم و عتبه

۲۱۴۱. بوسیدن زمین، در مقابل حرم و عتبه مقدسه چه حکمی دارد؟

ج. مجرّد بوسیدن زمین و عتبه بوسی، سجده نیست و مانع ندارد.

۷. تشهّد

تشهّد

۲۱۴۲. آیا در تشهد نماز، جایز است بعد از شهادت اوّل، به امید ثواب و به قصد ذکر، این عبارت «الهاً واحداً أحداً فرداً صمداً حيّاً قيّوماً دائماً أبداً لم يتّخذ صاحبةً و لا ولداً» گفته شود؟

ج. جایز است.

خواندن صلوات در تشهد توسط پیامبر اکرم – صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

۲۱۴۳. آیا خود پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم صلوات در تشهد را همراه با «آل محمد» می خوانده اند؟

ج. بله.

تشهدی که أبو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده

۲۱۴۴. در بحار الأنوار، باب مناقب النبی و العتره، در حالات امام ششم، أبو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که در تشهد بگویند «اشهد ان ربّی نعم الرّب و انَّ محمداً نعم الرسول و انَّ علیاً و اولاده نعم الائمه»، خواندن این تشهد در نماز چه صورت دارد؟

ج. ذکر تشهد بنا بر احتیاط عبارت است از: «اشهد ان لا اله الا اللَّه وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسولُهُ، اللهم صل علی محمد و آل محمد.» اکتفا به شهادتین و صلوات در تشهد

۲۱۴۵. آیا جایز است کسی که عجله دارد یا وقت نماز تنگ است، در تشهد فقط شهادتین را بگوید و صلوات بفرستد؟

ج. احتیاطاً باید به همان نحو که در رساله ذکر شده بخواند.

گفتن شهادت ثالثه در نماز

۲۱۴۶. آیا گفتن شهادت سوم یعنی:

«اشهد أن علیّا ولی اللّٰه» در تشهّد نماز صحیح است؟

ج. اگر در ضمن صلوات بگویند، مانند این که به این نحو گفته شود:

«اللّهم صل علی محمّد و آل محمّد سیّما علی امیر المؤمنین خلیفه رسول اللّٰه بلا فصل و علی اولاده اوصیائه الطّاهرین» مانعی ندارد، بلکه گاهی بگویند و گاهی ترک نمایند تا جزئیت نماز از آن انتزاع و فهمیده نشود.

گفتن «و عجّل فرجهم» بعد از صلوات نماز

۲۱۴۷. گُفتن «و عجّل فرجهم» بعد از صلوات تشهد نماز چه حکمی دارد؟

در صورتی که اشکال داشته باشد؛ حکم نمازهایی که به این صورت خوانده شده چیست؟

ج. اشکال ندارد و قصد ورود نکنید.

افزودن جملاتی پس از شهادت اوّل و دوم و صلوات در تشهد

۲۱۴۸. آیا افزودن جملات: «إلهاً واحداً ...» پس از ذکر شهادت اوّل در تشهّد و جمله ی «أرسله بالهُدی و دین الحق ...» پس از ذکر شهادت دوّم و «بارک علی محمّدٍ و آل محمّد و تفضّل علی محمّدٍ و آل محمّد ...» پس از ذکر صلوات، مشروعیّت دارد؟

ج. به قصد مطلق ذکر و رجا مانعی ندارد و بهتر است در تشهّد اوّل تبعیّت از آنچه ائمه علیهم السّلام فرموده اند شود و در بعضی از روایات در تشهّد این جملات ذکر شده است.

«تورّک» در حال تشهّد

۲۱۴۹. نشستن به حالت «تورّک» در هنگام تشهد یعنی چه و صورت صحیح آن چگونه است؟

ج. یعنی در حال تشهد بر ران چپ نشسته و روی پای راست بر کف پای چپ گذاشته شود.

فاصله داشتن پا از زمین در حال خواندن تشهد

۲۱۵۰. اگر در جایی که برای خواندن تشهد نشسته ایم، به علت ناهموار بودن زمین و ...

قسمتی از پایمان از زمین جدا باشد؛ اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد.

فراموش کردن تشهد رکعت دوم و فهمیدن آن در قیام رکعت سوم

۲۱۵۱. اگر شخصی در رکعت دوم نماز تشهد را فراموش کند و در حالت قیام رکعت سوم یادش بیاید، وظیفه اش چیست؟

ج. باید بنشیند و تشهد را بخواند و بقیه نماز را مطابق معمول خوانده و پس از تمام کردن نماز، دو سجده سهو برای ایستادن بی جا و دو سجده سهو برای قرائت یا تسبیحات زیادی در صورتی که خوانده باشد، به جا آورد.

به یاد آوردن تشهد فراموش شده بعد از رکوع رکعت سوم

۲۱۵۲. اگر شخصی تشهد رکعت دوم را فراموش کند و در حالت رکوع رکعت سوم و یا بعد از آن رکوع، یادش بیاید، وظیفه اش چیست؟

ج. قضای تشهد را بعد از نماز باید به جا آورد و پس از آن احتیاطاً سجده سهو نیز بخواند. (مسأله ی ۹۰۸ رساله).

چرت زدن در تشهّد و سلام

۲۱۵۳. نمازگزار در رکعت آخر و در حالت نشسته، برای لحظاتی چرتش می برد. بعد از این که حواسش جمع شد، یادش نمی آید که قبل از چرت، تشهد و سلام را گفته است یا نه. در چنین موقعیّتی وظیفه ی او چیست؟

ج. اگر چرت در حد ابطال وضو بوده و یا طولانی بوده، احتیاطاً نماز را اعاده کند و در غیر این صورت تشهّد و سلام را بگوید و نماز او صحیح است.

۸. سلام

تکرار «السّلام علینا»

۲۱۵۴. اگر شک کنیم که «السلام علینا ...» را صحیح گفته ایم یا نه؛ تکرار آن جایز است؟

ج. تکرار آن مانعی ندارد و شک در صحّت، مورد اعتنا نیست.

تکرار سلام

۲۱۵۵. در صورت اطمینان به صحّت ادای سلام نماز، آیا تکرار عمدی آن، نماز را باطل می کند؟

ج. اگر سلام اخیر است تکرارِ بعد از فراغ از عمل است و سلام دوّم هم نسبت به سلام اوّل از اشکال دورتر است.

فراموشی سلام

۲۱۵۶. شخصی سلام نماز را فراموش کرده و بدون این که صورت نماز را به هم بزند، بلافاصله داخل نماز دیگری شد، در این صورت وظیفه اش چیست؟

ج. بعد از نماز دوّم، سلام فراموش شده را بگوید و احتیاطاً نماز را اعاده نماید.

به گوش رسیدن صدای موسیقی در حال نماز

۲۱۵۷. اگر در حال نماز صدای موسیقی بلند باشد، نمازگزار چه وظیفه ای دارد؟

ج. بنا بر عدم حرمت سماع، اگر استماع نکند اشکال ندارد، هر چند با استماع هم نماز باطل نیست و نهی از منکر در حال نماز هم با اشاره ممکن است.

وظیفه زنی که در حال نماز مردی به وی سلام کند

۲۱۵۸. اگر زنی در حال نماز باشد و مردی به وی سلام کند، چه تکلیفی دارد؟

ج. باید جواب بدهد.

گفتن «برکاه» به جای «برکاته»

۲۱۵۹. شخصی مدّت ها در آخر سلام (السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته) به جای «برکاتُهُ»، «برکاهُ» می گفته است.

حکم نمازهایی که به این نحو خوانده است، چیست؟

ج. اگر در آخر سلام آخر بوده، اشکال ندارد.

اضافه کردن «السلام علیک یا ابا عبد الله» در سلام نماز

۲۱۶۰. آیا در سلام نماز می توان «السلام علیك یا ابا عبد الله» و مانند آن را اضافه کرد؟

ج. نمی توان، مگر بعد از تمام شدن نماز باشد.

گفتن سلام بعد از قضای تشهد فراموش شده

۲۱۶۱. آیا بعد از قضای تشهد فراموش شده، لازم است سلام نماز را هم بگوییم؟

ج. خیر، لازم نیست.

سلام جهت خارج شدن از نماز

۲۱۶۲. در سلام نماز، کدام یک از سلام ها را به نیّت خارج شدن از نماز بگوییم؟

ج. یکی از دو سلام آخری را می توان به نیّت خارج شدن از نماز گفت.

مبطلات نماز

خوراندن دارو به بیمار، در حال نماز

۲۱۶۳. چنان چه ضرورت ایجاب نماید در حال نماز به بیمار دارو خورانده شود، آیا اعاده ی نماز لازم است؟

ج. اگر فعل کثیر (عمل زیاد) نباشد، مانعی ندارد.

انجام دادن فعل حرام در نماز

۲۱۶۴. آیا انجام دادن فعل حرام در حال نماز، در صورتی که خود آن فعل ربطی به نماز نداشته باشد، مثل شنیدن موسیقی، مبطل نماز می باشد؟

ج. مبطل نیست.

قطع نماز برای نشنیدن غیبت

۲۱۶۵. شخصی مشغول نماز است و دیگران مشغول غیبت مؤمن می باشند؛ تکلیف شخص نمازگزار چیست؟

آیا برای رد آن، قطع نماز جایز است؟

ج. بنا بر عدم حرمت سماع (به گوش خوردن)، اگر استماع نکند و نشنود، اشکال ندارد؛ هر چند اگر کرد، نمازش باطل نیست و نهی از منکر هم در حال نماز، با اشاره ممکن است.

قطع نماز برای نشنیدن غنای مطرب

۲۱۶۶. شخصی مشغول نماز است و دیگران مشغول شنیدن غنای مطرب اند و خود شخص نمی تواند از شنیدن خود داری

کند، آیا قطع نماز جایز است؟

ج. اختیاراً گوش ندهد و در حال نماز با اشاره، نهی از منکر کند.

شک در خروج باد معده هنگام نماز

۲۱۶۷. اگر در موقع نماز در خروج باد معده شک کنیم، آیا وضو باقی و نماز صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

خارج شدن بول

۲۱۶۸. اگر در آخرین کلمه ی نماز قطره ای بول از انسان خارج شود، آیا نماز او باطل می شود؟

ج. اگر در گفتن سلام آخر باشد، باطل نمی شود.

حرکت کردن بول

۲۱۶۹. اگر بول از محل خود حرکت کند؛ ولی از مجرای خود بیرون نیاید، آیا سبب باطل شدن نماز می شود؟

ج. خیر.

حدث اصغر

۲۱۷۰. حدث اصغر چیست و انواع آن کدام است؟

ج. هنگام خارج شدن بول، غایط، باد معده و روده که از مخرج غایط خارج می شود و خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود و نیز چیزهایی هم چون دیوانگی، مستی و بیهوشی و در برخی از موارد استحاضه، حدث اصغر به انسان عارض می شود. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۳۲۷ رساله رجوع شود.)

حدث اکبر

۲۱۷۱. حدث اکبر چیست و انواع آن چیست؟

ج. عواملی که موجب واجب شدن غسل بر انسان می شود، حدث اکبر هستند، مثل جنابت، حیض، مس میّت و ...

خارج شدن بول سهواً

۲۱۷۲. اگر سهواً قطره ای بول از انسان خارج شود، آیا نماز باطل می شود؟

ج. بله، باطل می شود.

مسلوس

۲۱۷۳. مسلوس کیست؟

ج. کسیست که به علت بیماری، بول او قطره قطره می ریزد.

نماز مسلوس

۲۱۷۴. آیا کسی که بیمار است و قطره قطره بول از او خارج می شود (مسلوس)، با خارج شدن بول نمازش باطل می شود؟

ج. در این رابطه به مسأله ۳۱۲ تا ۳۲۰ رساله رجوع شود.

شک در خارج شدن بول حین نماز

۲۱۷۵. شخصی به علت بیماری در بین نماز شک می کند، بلکه احتمال قوی می دهد که ادرار از او به صورت قطره قطره خارج شده، ولی خودش در آن هنگام متوجه نبوده، حکم نماز و وضوی او چیست؟

ج. با شک و احتمال در خارج شدن بول، تکلیفی ندارد.

کسی که گاهی مسلوس است و گاه سالم

۲۱۷۶. اگر کسی گاهی به بیماری دچار می شود که بول از او قطره قطره خارج می شود و گاهی سالم است، با خارج شدن بول، در همه ی ایام نمازش باطل می شود؟

ج. اگر در وقت، به مقدار نماز مهلت دارد، باید نمازش را وقتی بخواند که سالم است وگرنه با عمل به وظیفه فعلیّه، نمازش صحیح است.

(به مسأله ی ۳۱۲ به بعد مراجعه شود).

کسی که متوجه خروج ادرار نشود

۲۱۷۷. اگر انسان متوجه خروج ادرار نشود، آیا بازهم نمازش باطل می شود؟

ج. اگر بعد از نماز یقین به خروج پیدا کند، باید دوباره نمازش را بخواند.

کسی که فاقد قدرت کنترل باد معده است

۲۱۷۸. کسی که نمی تواند باد معده اش را کنترل کند و در وسط نماز وضویش باطل می شود، تکلیفش چیست؟

ج. باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن بول و غایط خود داری کنند، عمل کند.

تکفیر (قرار دادن یک دست بر دیگری)

۲۱۷۹. اگر کسی عمداً دست خود را بر روی دست دیگر قرار دهد، آیا نماز او باطل است؟

ج. اگر قصدش این باشد که این کار جزو نماز است یا انجام آن لازم است، نمازش باطل است و در غیر این صورت اگر عمداً این کار را بکند، از روی احتیاط نمازش را باید دوباره بخواند.

کسی که سهواً دستها را بر هم قرار دهد

۲۱۸۰. اگر کسی سهواً دست خود را بر روی دست دیگر خود قرار دهد، آیا نماز او باطل است؟

ج. بنا بر اظهر، اشکال ندارد.

کسی که برای حفظ جان دستها را بر هم می نهد

۲۱۸۱. اگر کسی برای حفظ جان خود هنگام نماز دسته ای خود را بر روی هم بگذارد، نمازش باطل می شود؟

ج. خیر، اشکال ندارد، (به مسأله ی ۹۲۸ رساله مراجعه شود).

کسی که برای مخفی نگه داشتن عقاید دستها را روی هم نهد

۲۱۸۲. اگر کسی برای مخفی نگه داشتن عقاید خود دستها را روی هم بگذارد، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. اگر برای تقیّه ی لازمه باشد، اشکال ندارد.

دست روی هم گذاشتن بدون قصد

۲۱۸۳. اگر کسی بدون قصد این که موافق غیر شیعه عمل کند، دستها را برهم بگذارد، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. اگر برای ادب دستها را روی هم بگذارد، بنا بر احوط باید نماز را دوباره بخواند.

اگر صورت به طرف راست یا چپ به طور کامل برگردد

۲۱۸۴. اگر کسی صورت خود را کاملاً به طرف چپ یا راست برگرداند، آیا نمازش باطل می شود؟ چنان چه سهواً این کار را بکند چه صورتی دارد؟

ج. اگر گردش فقط به صورت باشد و عمداً بوده و به پشت سر نرسد، کراهت دارد (به بعد از مسأله ی ۹۲۸ رساله، بند پنجم مراجعه شود).

کسی که به طور کامل به چپ یا راست برنگردد

۲۱۸۵. اگر کسی به طور کامل به چپ یا راست برنگردد، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. اگر با تمام بدن باشد و عمداً باشد، نمازش باطل می شود.

کسی که بنا بر اضطرار سر برگرداند

۲۱۸۶. اگر کسی بنا بر اضطرار سر از قبله برگرداند، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. لحوق آن به آن چه تنها در حالت سهو موجب بطلان است، خالی از وجه نیست؛ هر چند جریان حکم صورت عمد در آن، احوط است.

کسی که سهواً سر را به راست یا چپ برگردانده و وقت نماز گذشته

۲۱۸۷. اگر شخصی سهواً به طرف راست یا چپ برگردد، در حالی که رکن را انجام داده، اگر وقت نماز تمام شده باشد آیا قضای نماز بر او واجب است؟

ج. اگر گردش با تمام بدن و سهواً بوده و خارج از حد یمین و یسار (راست و چپ) نبوده، باطل نیست و اعاده و قضا ندارد. (به بعد از مسأله ی ۹۲۸ رساله:

مورد پنجم مراجعه شود).

صحبت کردن عمدی

۲۱۸۸. کلمات چند حرفی باعث باطل شدن نماز می شوند؟

ج. اگر عمداً کلمه ای گفته شود که دو حرف یا بیشتر باشد، ولی بی معنا باشد و یا این که یک حرف یا بیشتر بوده ولی معنا داشته باشد، موجب باطل شدن نماز می گردد و گفتن عمدی آخ و آه و ... که دو حرف است، نماز را باطل می کند.

کلام دو حرفی بدون معنا

۲۱۸۹. آیا کلام دو حرفی بدون معنا نیز باعث بطلان نماز می شود؟

ج. بله، اگر عمداً باشد موجب باطل شدن نماز می گردد.

قرائت قرآن و دعا در حال نماز

۲۱۹۰. آیا خواندن آیات قرآن و ذکر و دعاهای مأثور و غیر مأثور در حال نماز، باعث بطلان نماز می شود؟

ج. خواندن قرآن یا دعا در نماز اشکال ندارد، مگر چهار آیه ای که سجده واجب دارند و یا دعا به گونه ای باشد که به نظم واجب در قرائت و یا ذکر صدمه بزند و یا نفرین بر مؤمن باشد که در این صورت ها نماز باطل می شود.

حرف زدن سهوی

۲۱۹۱. اگر شخصی در نماز سهواً حرف بزند، نمازش باطل می شود؟

ج. خیر.

حرف زدن در نماز مستحبی

۲۱۹۲. آیا حرف زدن در نماز مستحبی اشکال دارد؟

ج. بله، اگر عمدی باشد مبطل نماز است.

مطابقت جواب سلام با سلام

۲۱۹۳. آیا جواب سلام در معرفه و نکره و مفرد و جمع بودن، باید مثل خود سلام باشد؟

ج. بله، باید مثل سلام جواب گفته باشد.

اگر جواب «سلام علیکم» را با «السلام علیکم» بدهد

۲۱۹۴. اگر شخصی بگوید:

«سلامٌ علیکم» و شخصی که در حال نماز است بگوید:

«السلام علیکم» نمازش باطل می شود؟

ج. بله، باطل می شود.

سلام به یک جمع

۲۱۹۵. اگر شخصی به یک جمع سلام کند که یک فرد از آن جمع در حال نماز خواندن است، آیا جواب سلام بر آن فرد نماز خوان واجب است؟

ج. اگر شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته است یا نه، نباید جواب بدهد و نیز اگر بداند که او را هم قصد کرده و دیگری جواب او را بدهد؛ اما اگر بداند که او را هم قصد کرده یا این که بفهمد فقط او را قصد کرده و دیگری جواب ندهد، باید جواب او را بگوید. ولی اگر بچه ممیّزی هم جواب سلام را داد، بنا بر اظهر از نمازگزار و دیگران

ساقط می شود.

۲۱۹۶. اگر شخصی به یک جمع سلام کند که همه ی آنها در حال نماز خواندن می باشند آیا جواب سلام بر همه واجب است؟

ج. بله، ولی اگر یکی جواب داد، دیگران نباید جواب بدهند.

سلام یک شخص به دو شخص

۲۱۹۷. اگر یک فردی به دو نفر سلام کند، ولی مشخص نکند که کدام مراد است و آن دو فرد هم ندانند که مراد کدامشان است، آیا بر آنها جواب سلام واجب است؟

ج. خیر، بر هیچ کدام واجب نیست و در حال نماز جایز نیست.

جواب سلام فرد نمازگزار به دو فرد که پی در پی سلام می کنند

۲۱۹۸. اگر دو نفر پشت سر هم و پی در پی وارد مسجد شوند و با فاصله بسیار کم به فردی که در حال نماز خواندن است سلام کنند، آیا بر فردی که نماز می خواند دو جواب سلام واجب است؟

ج. بله، دو جواب سلام واجب است.

برگرداندن جواب سلام در نماز

۲۱۹۹. اگر کسی به نمازگزاری سلام کند و او جوابش را ندهد، نمازش اشکال دارد؟

ج. معصیت کرده است؛ ولی نمازش صحیح است.

جواب سلام شخصی که به طور غلط سلام می دهد

۲۲۰۰. اگر در حال نماز باشیم و شخصی به طور غلط به ما سلام بدهد، مثلاً «علیکم» را با «الف» نه با «عین» تلفظ کند، واجب است جواب او را بدهیم یا خیر؟

ج. اگر سلام او سلام حساب نشود، جواب او واجب نیست؛ مگر این که احتمال بدهد فرد سلام کننده نمی تواند به صورت صحیح سلام دهد، که در این صورت جواب سلام واجب است.

جواب سلام هایی که موجب باطل شدن نماز می شود

۲۲۰۱. اگر در حال نماز باشیم، جواب چه نوع از سلام ها را اگر بدهیم، نمازمان باطل می شود؟

ج. اگر دیگری جواب سلام را داده یا غیر مسلمان سلام کند و ما جواب دهیم، موجب باطل شدن نماز می شود.

جواب دادن به سلام بچه غیر مکلّف

۲۲۰۲. آیا جواب سلام بچه غیر مکلّف هم در حال نماز واجب است؟

ج. بله، اگر بچه ی ممیّز باشد جواب سلام او واجب است.

(مسأله ی ۹۳۸).

سرفه کردن عمدی

۲۲۰۳. اگر کسی عمداً سرفه کند و این سرفه کردن باعث شود صدایی که دو حرف یا بالاتر است ایجاد شود، آیا نمازش باطل است؟

ج. اگر کلمات دو حرفی باشد، در صورت عمدی بودن، نماز را باطل می کند.

خواندن قرآن به نیّت غیر قرآن

۲۲۰۴. اگر نمازگزار یک عبارت از آیات قرآن را به نیّت غیر قرآن بخواند، نمازش باطل می شود؟

ج. اگر تحت عنوان ذکر و دعای داخل نباشد، نماز باطل می شود.

خواندن آیه ی سجده دار در نماز

۲۲۰۵. آیا خواندن آیه ی سجده دار باعث باطل شدن نماز می شود؟

ج. بله، موجب باطل شدن نماز می گردد.

خواندن آیات و دعا به گونه ای که اخلال به نماز وارد کند

۲۲۰۶. آیا خواندن آیات قرآن، دعا و ذکر اگر باعث اخلال به نماز شود، نماز را باطل می کند؟

ج. اگر به نظم واجب در قرائت و یا ذکر صدمه بزنند، نماز باطل می شود.

نفرین هنگام نماز

۲۲۰۷. آیا دعا علیه مؤمن (نفرین) هنگام نماز باعث باطل شدن نماز می شود؟

ج. بله، نماز باطل می شود.

دعا برای مخاطب

۲۲۰۸. آیا دعا برای مخاطب در هنگام نماز (به او بگویی غفر اللّه لک) باعث باطل شدن نماز می شود؟

ج. احتیاطاً باطل می شود.

۲۲۰۹. اگر فردی که در حال نماز است به مخاطب خود بگوید:

«یا هذا غفر اللّه لک» آیا نمازش باطل است؟

ج. بله، باطل است.

گفتن «غفر اللّه لک» در نماز

۲۲۱۰. اگر فردی هنگام نماز عطسه کند و شخصی به او بگوید:

«یرحمکم اللّه» و فرد نمازگزار بگوید:

«غفر اللّه لک» - به قصد تحیت - آیا نمازش باطل می شود؟ اگر بدون قصد تحیّت بگوید چه طور؟ آیا باز نمازش باطل می شود؟

ج. اگر به قصد تحیّت بگوید نمازش باطل می شود و اگر بدون قصد تحیّت بگوید باز احتیاطاً نمازش باطل می شود.

حکم خندیدن در نماز

۲۲۱۱. آیا اگر کسی سهواً به خاطر شنیدن سخن خنده داری بی اختیار قهقهه بزند و با صدای بلند بخندد، نمازش باطل می شود؟

ج. اگر به حد قهقهه رسیده باشد، نمازش باطل می شود.

تبسّم در نماز

۲۲۱۲. آیا تبسّم نماز را باطل می کند؟

ج. خیر، باطل نمی کند.

کسی که شک کند قهقهه اش عمدی بوده یا سهوی

۲۲۱۳. اگر شخصی شک کند که قهقهه اش عمدی بوده و با اختیار بوده یا سهوی و بدون اختیار، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. ظاهراً باطل نمی شود.

کسی که رنگش به خاطر جلوگیری از خندیدن قرمز شود

۲۲۱۴. آیا اگر کسی هنگام نماز به فکر یک مسأله ی خنده دار بیفتد؛ ولی خود را کاملاً کنترل کند و صدای خنده از او به گوش نرسد؛ ولی رنگش به خاطر این که خود را نگه داشته قرمز شود، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. نمازش صحیح است.

خنده ای که نه قهقهه است و نه تبسّم

۲۲۱۵. آیا خنده ای که قهقهه نباشد و تبسّم هم نباشد، نماز را باطل می کند؟

ج. در صورتی که مقدمه خندیدن به اختیار و توجه او بوده است، بنا بر اظهر نمازش باطل است و گرنه باطل بودن نماز مطابق احتیاط است که نماز را تمام کرده و بعد از روی احتیاط دو مرتبه اعاده نماید.

گریه در حال نماز

۲۲۱۶. آیا گریه ی با صدا، برای امر دنیوی، عمداً در حال نماز، نماز را باطل می کند؟ اگر سهوی باشد، چه طور؟ اگر آن امر رجحان شرعی داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج. گریه با صدا برای کار دنیا موجب باطل شدن نماز می شود ولی اگر برای کار دنیا بی صدا گریه کند اشکال ندارد و اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

گریه ی بدون صدا برای امر دنیایی

۲۲۱۷. آیا گریه ی بدون صدا در صورتی که برای امر دنیایی باشد نماز را باطل می کند؟

ج. اشکال ندارد.

گریه ی با صدا به صورت قهری

۲۲۱۸. اگر کسی قهراً گریه ی با صدا بر او غالب شود، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. اگر مقدمه ی آن به اختیار و توجه او بوده نمازش باطل می شود و گرنه احوط تمام کردن نماز و سپس اعاده است.

گریه بر امام حسین علیه السّلام در نماز

۲۲۱۹. اگر نمازگزار در حال نماز به یاد مصایب سیّد الشّهداء علیه السّلام بیفتد و یا اگر شخصی ذکر مصیبت بخواند و انسان

در حال نماز بر آن بزرگوار گریه کند، آیا نماز او صحیح است؟

ج. بنا بر اظهر جایز است.

گریه برای حضرت سیدالشهداء علیه السّلام

۲۲۲۰. چرا گریه برای حضرت سیدالشهداء علیه السّلام نماز را باطل نمی کند؟

ج. چون محبت خدا و حُب اولیای او، موجب حزن و گریه ی بر مصایب اولیای خدای متعال می شود.

گریه برای مصیبت اولیای خدا

۲۲۲۱. آیا گریه برای مصیبت اولیای خدا، به غیر از حضرت سیدالشهداء علیه السّلام باعث باطل شدن نماز می شود؟

ج. اگر به داعی ثواب آخرتی باشد، مبطل نیست.

کسی که عمداً آمین بگوید

۲۲۲۲. اگر کسی بعد از اتمام سوره ی فاتحه، عمداً – در حال تقیّه – آمین بگوید، نمازش باطل می شود؟

ج. در حال تقیّه باطل نمی شود.

کسی که قبل از تمام شدن سوره ی فاتحه آمین بگوید

۲۲۲۳. اگر شخصی قبل از تمام شدن سوره فاتحه آمین بگوید، آیا نمازش باطل است؟

ج. احتیاطاً باطل می شود.

فرو دادن غذای لای دندان

۲۲۲۴. اگر پس از غذا مشغول نماز شویم و غذاهای باقی مانده لای دندان را در وقت نماز فرو دهیم، آیا موجب اخلال در نماز می شود؟

ج. نماز باطل نمی شود.

غذا خوردن در نماز به مقدار کم و عمدی

۲۲۲۵. اگر کسی عمداً مقدار کمی غذا بخورد، به گونه ای که صورت نماز از بین نرود، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. باید نمازش را تمام کرده و دوباره اعاده نماید.

فرو دادن آب کشک، نبات و ...

۲۲۲۶. اگر در هنگام نماز کشک، نبات، آدامس و ... در دهن بوده باشد و فقط آب آنها فرو داده شود، نماز باطل می گردد؟

ج. بنا بر اظهر نماز اشکال پیدا نمی کند.

عملی که یک بار آن صورت نماز را از بین نمی برد

۲۲۲۷. آیا عملی که یک بار آن محوکننده صورت نماز نمی باشد؛ ولی تکرار آن صورت نماز را خراب می کند، در صورتی که یک بار انجام شود باطل کننده نماز است؟

ج. خیر، مبطل نیست.

معیار محو شدن صورت نماز

۲۲۲۸. معیار محو شدن صورت نماز چیست؟

ج. ملاک، کارهاییست که نزد افراد متشرعه، صورت نماز را به هم بزنند.

حرکت دادن انگشتان هنگام نماز

۲۲۲۹. آیا زیادی حرکت دادن انگشتان هنگام نماز، نماز را باطل می کند؟

ج. خیر، باطل نمی کند.

اشاره کردن به چیزی هنگام نماز

۲۲۳۰. اگر هنگام نماز با دست به چیزی اشاره کنیم، نماز باطل می شود؟

ج. اشکال ندارد.

کشتن مار و عقرب هنگام نماز

۲۲۳۱. آیا کشتن حیوانات موذی مثل مگس، مار، عقرب و ... هنگام نماز، نماز را باطل می کند؟

ج. اشکال ندارد.

نگه داشتن بچه هنگام نماز

۲۲۳۲. آیا نگه داشتن بچه و شیر دادن او هنگام نماز، نماز را باطل می کند؟

ج. اشکال ندارد.

شمارش تسبیحات با دست یا تسبیح، هنگام نماز

۲۲۳۳. آیا شمارش تسبیحات اربعه با دست یا تسبیح، هنگام نماز، نماز را باطل می کند؟

ج. خیر، باطل نمی کند.

تکیه بر عصا هنگام نماز

۲۲۳۴. آیا اگر پیرمردی هنگام نماز بر عصایش تکیه کند، نمازش باطل می شود؟

ج. اگر بدون تکیه بر عصا نتواند بایستد، اشکال ندارد.

قرآن خواندن با صدای بلند برای علامت دادن، حین نماز

۲۲۳۵. اگر شخصی برای علامت دادن هنگام نماز، قرآن را با صدای آشکار بخواند، آیا نمازش باطل می شود؟

ج. اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید، مثلاً به قصد ذکر بگوید:

«اللّٰه اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد؛ ولی اگر به قصد این که چیزی را به کسی بفهماند کلمه ای را، مناسب مقصودش بگوید؛ اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می شود.

مستحبات، تعقیبات و مسائل متفرقه نماز

محل قنوت در نماز

۲۲۳۶. محل قنوت در نماز کجا است؟

ج. محل قنوت پیش از رکوع رکعت دوم است.

جبران و اعاده قنوت فراموش شده

۲۲۳۷. در صورتی که قنوت را فراموش کند، آیا قابل جبران و اعاده است یا نه؟

ج. اگر پس از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید، مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مستحب است بعد از سلام، قضا نماید و احتمال دارد هر جای نماز که یادش آمد بتواند قنوت را به جا آورد.

جبران قنوتی که عمداً خوانده نشده

۲۲۳۸. در صورتی که عمداً قنوت را در محل خودش - که رکعت دوم است - به جا نیاورده، آیا می تواند بعداً به جا آورد؟

ج. در صورتی که عمداً قنوت نخواند، قضا ندارد.

به یاد آمدن فراموشی قنوت حین سجده

۲۲۳۹. اگر حین سجده یادمان آمد که قنوت نخوانده ایم، چه حکمی دارد؟

ج. مستحب است بعد از سلام نماز، قضا نماید.

به یاد آوردن فراموشی قنوت بعد از سجدتین یا بعد از نماز

۲۲۴۰. اگر بعد از سجده ی دوم یادش آمد که قنوت به جا نیاورده یا بعد از نماز یادش آمد که قنوت به جا نیاورده، چه حکمی دارد؟

ج. احتمال دارد هر جای نماز که یادش آمد، بتواند قنوت را به جا آورد.

به یاد آوردن قنوت در رکعت سوم

۲۲۴۱. اگر در رکعت سوم یادمان آمد که قنوت را در رکعت دوم نخوانده ایم، نماز چه حکمی دارد؟

ج. چنان چه ذکر شد، احتمال دارد هر جای نماز که یادتان آمد بتوانید قنوت را به جا آورید.

خواندن قنوت در رکعت اوّل

۲۲۴۲. اگر سهواً قنوت را در رکعت اوّل به جای رکعت دوم بخوانیم، چه حکمی دارد؟

ج. احتیاطاً سجده ی سهو به جا آورید و این قنوت کفایت از قنوت در رکعت دوم نمی کند.

قنوت در جماعت اهل سنّت

۲۲۴۳. گاهی در نماز جماعت اهل سُنّت پس از رکوع، قنوت می خوانند. تکلیف شیعیانی که در نماز جماعت آنها شرکت کرده اند چیست؟

ج. اگر به قصد ذکر مطلق بگویند، اشکال ندارد.

خواندن قنوت به زبان غیر عربی

۲۲۴۴. آیا می توان قنوت را به غیر از زبان عربی خواند؟

ج. اظهر جواز قنوت به زبان غیر عربی است، ولی به هر لغتی که می خوانـد، بایـد صـحیح بخواند تا وظیفه قنوتی را انجام داده باشد.

ذکری که خواندن آن در قنوت نماز مستحب است

۲۲۴۵. چه ذکری در قنوت مستحب است خوانده شود؟

ج. هر ذکری در قنوت بگوید، اگر چه یک «سبحان اللّٰه» باشد، کافیست و بهتر است بگوید:

«لاـ اله الا اللّٰه الحلیم الکریم، لا اله الا اللّٰه العلی العظیم، سـبحان اللّٰه رب السـموات السـبع و رب الأرضـین السـبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد للّٰه رب العالمین.»

خواندن ذکر دیگری غیر از دعا در قنوت

۲۲۴۶. آیا غیر از دعا می توانیم در قنوت ذکر دیگری را بخوانیم؟

ج. خواندن هر ذکری در قنوت، اگر چه یک «سبحان اللّٰه» باشد، کافی است.

خواندن آیه سجده دار در قنوت

۲۲۴۷. اگر در قنوت سهواً آیه ی سجده دار خواندیم، چه حکمی دارد؟

ج. بعد از نماز سجده ی آن را به جا آورید.

ارتفاع مطلوب بالا بردن دستها در قنوت

۲۲۴۸. بالا بردن دستها در قنوت تا چه ارتفاعی مطلوب است؟

و اگر در قنوت دستها بالاتر از صورت قرار گیرد، اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد، ولی خوب است دستها را تا مقابل صورت بلند کند.

غلط خواندن ذکر قنوت

۲۲۴۹. اگر ذکر و یا دعای قنوت را غلط بخوانیم، آیا نماز باطل می شود یا نه؟

ج. اگر عمداً باشد، احتیاط در اعاده ی نماز است.

خواندن شعر فارسی در قنوت

۲۲۵۰. آیا می توانیم در قنوت شعری که به صورت فارسی می باشد بخوانیم؟

ج. اگر جهت دعا یا ذکر دارد، می شود خواند.

طولانی کردن بیش از حد قنوت

۲۲۵۱. طولانی کردن بیش از حد قنوت چه حکمی دارد؟

ج. طول دادن قنوت مطلقاً مستحب است و حدّی ندارد.

برگرداندن نگین انگشتر در هنگام قنوت

۲۲۵۲. حکم برگرداندن نگین انگشتر به طرف کف دست در قنوت چیست؟

آیا مستحب است یا بدعت محسوب می شود؟

ج. اصل عمل وارد شده است و در حال قنوت، بدون قصد ورود مانعی ندارد.

دخالت اختلافات در قنوت نماز

۲۲۵۳. اگر در قنوت نمازهای یومیّه هنگام گفتن دُعای «اللهم اغفر للمؤمنین» غیر از دشمنان خود را قصد کند، اشکال دارد؟

ج. مؤمن نباید با مؤمن دیگر از جهت ایمانش مخالف باشد.

قنوت نماز وتر و ذکر اسم افراد

۲۲۵۴. در قنوت نماز وتر هنگامی که می خواهیم برای فرد خاصّی دعا کنیم، آیا به خاطر جهل به اسم می توانیم او را به صورت ضمیر یاد کنیم؟ یا به نحو دیگری توصیه می فرمایید؟

ج. به صورت ضمیر اشکال ندارد و یا به نحو «اللّهم اغفر للمنظورین من المؤمنین و المؤمنات».

۲۲۵۵. در قنوت نماز وتر، آیا کسانی که به زبان عربی مسلّط نیستند، می تواند چنین بگویند:

«اللهم اغفر لباباً، اللهم اغفر لمحمّد آقا و ...»؟

ج. مادامی که ذکر اسم باشد و غلط به حساب نیاید، اشکال ندارد.

فراموشی قنوت نماز غفیله

۲۲۵۶. قنوت نماز غفیله را فراموش کردم و در حال رکوع و یا بعد از سجده یادم آمد، وظیفه ام چیست؟

آیا باید نماز را اعاده کنم؟

ج. اعاده مانعی ندارد، هر چند لازم نیست و تدارک آن رجاءً پس از آن مانعی ندارد.

تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام

۲۲۵۷. در تعقیبات نماز، به تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السّلام خیلی سفارش شده است؛ آیا دلیلی هست که باید قبل از دیگر تعقیبات خوانده شود؟

ج. از روایت «قبل أن تُثَنِّیَ رجلیک» فوری بودن استفاده شده است.

تداخل دو نماز مستحبّی

۲۲۵۸. آیا دو نماز مستحبّی (مانند نماز نافله مغرب با نماز غفیله یا نماز جعفر طیّار با نماز شب) را می توان به نحو تداخل به جا آورد؟

ج. اظهر جواز تداخل است در نماز غفیله و نافله ی مغرب (جامع المسائل، ص ۲۴۹) و نیز هر مورد که تداخل وارد شده باشد، هم چنین است مثل نماز جعفر علیه السّلام و نوافل لیل و نهار و در غیر آن، تداخل، موافق اصل نیست و به قصد رجا مانعی ندارد؛ در حالی که قصد اصلی را بر یکی قرار می دهد.

دست دادن بعد از نماز

۲۲۵۹. آیا دست دادن مؤمنین بعد از هر نماز سند روایی دارد

و مستحب است؟

ج. در خصوص بعد از نماز، روایتی به نظر نرسیده است.

۲۲۶۰. آیا دست دادن پس از نماز و فاصله افتادن بین نماز و تعقیبات، موجب از بین رفتن فضیلت تعقیبات می شود؟ و اگر انسان به دیگران دست ندهد و شبهه بی احترامی به آنان به وجود آید، دست دان مقدم است یا ذکر تعقیبات نماز؟

ج. دست دادن در خصوص بعد از نماز وارد نشده است، ولی این مقدار فاصله بین نماز و تعقیبات مانعی ندارد.

چگونگی نماز خواندن مستحبی

۲۲۶۱. کیفیت خواندن نمازهای مستحبی را بیان فرمایید؟

ج. نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله گویند. در بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده که جهت اطلاع از آنها به مسأله ی ۶۳۸ رساله رجوع شود.

کیفیت نماز شب

۲۲۶۲. لطفاً کیفیت خواندن نماز شب را توضیح دهید؟

ج. از یازده رکعت نافله ی شب، هشت رکعت آن باید به نیّت نافله شب و دو رکعت آن به نیّت نماز «شفع» و یک رکعت آن به نیّت نماز «وتر» خوانده شود و دستور کامل نافله شب در کتاب های دعا گفته شده است.

روش آسان تر برای خواندن نماز شب

۲۲۶۳. آیا برای خواندن نماز شب، روش آسان تری وجود دارد؟

ج. به این که اقتصار بر واجبات آن کند.

هدیه ثواب واجبات به دیگران

۲۲۶۴. آیا ثواب اعمال واجبی مثل نماز و روزه را می توان برای دیگران هدیه کرد؟

ج. ظاهراً فی الجمله می توان هدیه کرد.

حکم سلام به ائمه بعد از نماز

۲۲۶۵. سلام به امامان که بعد از پایان نماز می خوانند، چگونه است؟

ج. بنا بر عمومات از روایات عملیست که انجام آن مطلوب است.

اشتباه در تسبیحات حضرت زهرا علیها السّلام

۲۲۶۶. اگر کسی در تعداد تسبیحات حضرت زهرا اشتباه کرده و مثلاً الحمد للّٰه را بیشتر از ۳۳ مرتبه بگوید، چه باید بکند؟

ج. اشکال ندارد.

وظیفه فرزند در قبال نماز نخواندن والدین

۲۲۶۷. وظیفه فرزند در قبال نماز نخواندن پدر در زمان حیات و پس از مرگ چیست؟

ج. در زمان حیات دست از ارشاد و نصیحت او برندارد و پس از مرگ هم اگر پسر بزرگ او باشد، احتیاطاً قضای نمازهای پدر بر او واجب است.

حکم نماز در صورت قهر بیش از سه روز

۲۲۶۸. آیا قهر بیش از سه روز موجب بطلان نماز می شود و اگر این قهر موجب آرامش در زندگی شود چه طور؟

ج. موجب بطلان نماز او نمی شود.

نافله خوانی به جای نماز قضا

۲۲۶۹. آیا می شود به جای نماز قضا نافله بخوانیم؟ و اگر کسی نماز قضا بر عهده داشته باشد، می تواند نافله بخواند؟

ج. می تواند نافله بخواند؛ ولی جای نماز قضا را نمی گیرد.

طریق تحصیل حضور قلب در نماز

۲۲۷۰. لطفاً راه به دست آوردن توجه و حضور قلب در نماز را بیان فرمایید؟

ج. آن چه مهم است اینست که مراقبت کند که با اختیار و قدرت حالت حضور قلب را از دست ندهد.

قضای نمازهایی که حضور قلب در آنها نیست

۲۲۷۱. در انجام واجبات حضور قلب ندارم، آیا اینها مورد قبول خداوند است؛ چنان چه بهبودی یابم، باید آنها را قضا نمایم؟

ج. قضای آنها واجب نیست.

احکام شک و سهو در نماز

شک در نماز در اثر ضعف حافظه

۲۲۷۲. شک در نماز در اثر ضعف حافظه؛ آیا حکم شک های ذکر شده در رساله را دارد [منظور شک های مبطل است] یا نباید به آن اعتنا کند؟

ج. فرقی در احکام شک بین مورد ضعف حافظه و قوّت آن نیست و اگر کثیرالشک باشد، اعتنا نکند.

عدم اعتنا به شک در سجده هنگام تشهّد

۲۲۷۳. اگر انسان در اثنای تشهّد شک کند که سجده ی دوّم را به جا آورده یا نه، فرموده اید نباید اعتنا کند؛ آیا شک در اثنای ذکر مستحبّی تشهّد هم همین حکم را دارد؟

ج. بله، همین حکم را دارد.

شک در عدد «إِیَّاکَ نَعْبُدُ و إِیَّاکَ نَسْتَعینُ» در نماز امام زمان علیه السّلام

۲۲۷۴. شک در عـدد «إِيَّاكَ نَعْبُدُ و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در نماز حضـرت بقيّه اللّه – عجّل الله تعالى فرجه الشّريف – و يا شک در تسبيحات نماز حضرت جعفر و امثال آن، چه حكمى دارد؟

خصوصاً در صورت نذر و اجاره؟

ج. تا وقتى كه فارغ از محل نشده است، بنا بر اقل بگذارد.

شک در یک یا دو رکعت در حال قیام

۲۲۷۵. نمازگزار در حال قيام، در يک يا دو ركعت شک مى كند.

وظيفه اش چيست؟

ج. بايـد صبر نمايد و تأمّل كند و اگر احتمال مى دهد كه با عقب انداختن تأمّل، مطلب از ذهنش نمى رود، مى تواند به قرائت به قصد قربت ادامه دهد و بعد تأمّل كند.

عدم اعتنا به شک در نافله چهار رکعتى [دو نماز دو ركعتى]

۲۲۷۶. اگر در نمـاز نافله اى كه دو تا دو ركعتى پشت سر هم هسـتند، شک كنـد كه در ركعت دوّم از دو ركعت اوّل است يا در ركعت اوّل از دو ركعت دوّم است؛ چه وظيفه اى دارد؟

ج. به شكّش اعتنا نمى كند و مى تواند بنا بگذارد كه در ركعت سوم است و بنا بر اقل، افضل است.

شک در به جا آوردن سجده دوّم در حال برگشت مجدّد به اوّل تشهد

۲۲۷۷. اگر در حال خواندن تشـهّد، به جهتى (نسـيان ذكر يا شک در محلّ) به اوّل تشـهّد برگردد و در اداى سـجده دوم شک كند؛ چه تكليفى دارد؟

ج. بايد آن سجده را هم به جا آورد، زيرا به محل برگشته و شک كرده است.

ادامه دادن نماز در حال شک به امید این که با تفکّر به یقین برسد

۲۲۷۸. اگر نمازگزار در نماز، شـكى برايش پيش آيـد و در حال شک، نماز را به اميـد اين كه با فكر كردن به يقين مى رسـد ادامه دهـد و بعـد از ادامه دادن به يک طرف شک يقين پيـدا كنـد؛ آيا لحظاتى كه با شک و ترديـد نماز خوانده به اصل نماز لطمه اى نمى زند؟

ج. خير، اشكال ندارد.

شک در وضو بعد از نماز

۲۲۷۹. تکلیف کسی که بعد از نماز شک می کند که هنگام نماز وضو داشته یا نه چیست؟

ج. نمازی که خوانده صحیح است.

راه حل مناسب برای جلوگیری از حواسپرتی در نماز

۲۲۸۰. کسانی که در نماز حواسپرتی دارند، وظیفه شان چیست؟

آیا راه حل مناسبی برای جلوگیری از حواسپرتی وجود دارد؟

ج. اختیاراً باید حواس خود را جمع کند و قبل از خواندن نماز معوّذتین را بخواند.

شک زیاد در نیّت نماز و غسل

۲۲۸۱. در نماز زیاد شک می کنم، همچنین در غسل و هنگام غسل شک می کنم که آیا نیت را درست گفته ام یا نه، چه کنم؟

ج. به این شک ها نباید اعتنا کنید.

انجام منافی هنگام از سرگیری نماز

۲۲۸۲. کسی که در نماز شک باطل کننده برایش پیش آمده و می خواهد نماز را از سر بگیرد؛ آیا نیاز به انجام منافی برای شکستن نماز است؟

ج. خیر، نیازی به آن ندارد.

شک در صحّت نماز و از سر گرفتن نماز بدون شکستن آن

۲۲۸۳. شخصی که در نماز شک به صحیح بودن نماز می کند؛ آیا می تواند بدون شکستن نماز، آن را رها کرده و نماز را از سر بگیرد؟

ج. نمی تواند و باید به وظیفه شک عمل کند.

شک در مُقَدَّمات و جزئیات نماز

۲۲۸۴. اگر شک در خارج شدن باد از شکم، درست بودن وضو و شک در درست گفتن تکبیره الاحرام پیش بیاید؛ تکلیف چیست؟

ج. به این شک ها نباید اعتنا کند.

شک در نیّت نماز

۲۲۸۵. اگر نمازگزار در نیّت خود شک کند که نیّت را درست گفته یا نه؛ چه کار باید بکند؟

ج. به شکّش اعتنا نکند.

شک در این که نماز ظهر است یا عصر

۲۲۸۶. اگر نمازگزار شک کند که رکعت آخر نماز ظهر است یا اوّل عصر؛ تکلیفش چیست؟

آیا وسعت یا تنگی وقت، در حکم، تأثیر دارد؟

ج. بنا می گذارد که در نماز ظهر است؛ یعنی به قصد ظهر نماز را تمام کند اگر نماز ظهر را نخوانده باشد و این در صورتیست که در وقت مختص به ظهر یا مشترک باشد؛ اما در وقت مختص به عصر، در صورتی که قصد امر فعلی داشته، بدون تقیید به عنوان، بلکه مجرّد تطبیق در مقصود، قصد نماز عصر می نماید و اتمام می کند.

شک در یک یا دو رکعت در حال قیام

۲۲۸۷. اگر نمازگزار در حال قیام شک کند که یک رکعت خوانده است یا دو رکعت؛ وظیفه اش چیست؟

ج. نمازش باطل است.

شک در انجام رکوع

۲۲۸۸. اگر نمازگزار در هنگام گفتن «سمع اللّه» شک کند که رکوع را انجام داده یا نه؛ تکلیفش چیست؟

هم چنین اگر در حال قنوت شک کند که حمد و سوره را خوانده یا نه؛ چه کار باید بکند؟

ج. باید به شکش اعتنا نکند.

شک در تعداد سجده

۲۲۸۹. اگر کسی در تعداد سجده های به جا آورده شک کند؛ تکلیفش چیست؟

ج. اگر بعد از محل است اعتنا نکند مثل این که در حال تشهّد یا قیام باشد، به خلاف این که در حال جلوس و یا حال نهوض برای قیام باشد که مشکوک را به جا می آورد.

شک در ادای سجده هنگام تشهد

۲۲۹۰. اگر نمازگزار در هنگام خواندن تشهد شک کند که سجده دوم را به جا آورده یا نه، چه کار باید بکند؟

ج. به شک خود اعتنا نکند.

شک در تماس مهر با پیشانی

۲۲۹۱. اگر نمازگزار بعد از سجده اوّل یا دوم شك کند که موهای سر یا چیز دیگری مانع از رسیدن پیشانی به مهر بوده یا نه؛ وظیفه اش چیست؟

ج. به شک خود اعتنا نکند.

شک در رکعات ۳ و ۴ حین قیام

۲۲۹۲. اگر نمازگزار در حین قیام در رکعت ۳ و ۴ شك کند و بعد از شك یادش بیاید که در رکعت قبل یك سجده را فراموش کرده؛ حکمش چیست؟

ج. اظهر بطلان نماز است به جهت عدم احراز رکعتین تامّتین (دو رکعت تمام).

(مسأله ی ۹۸۶ رساله.)

ظن به رکعت چهارم بعد از شک بین ۳ و ۴

۲۲۹۳. کسی که در رکعت سوم و چهارم شك می کند و بعد از فکر کردن، ظن به چهار برایش حاصل می شود، اگر احتمال دهد که سه رکعت خوانده و یک رکعت احتیاط با نیّت رجای تبعیّت از امر واقعی بخواند؛ آیا نماز احتیاط خوانده شده بی اثر است یا حرام؟

ج. بدون تبیّن و روشن شدن خطا، بی اثر است.

شک در تعداد تسبیحات

۲۲۹۴. اگر هنگام خواندن تسبیحات اربعه شك کنم که دو بار تکرار کرده ام یا سه بار، وظیفه ام چیست؟

در اذکاری که از محل آنها نگذشته و شک در صحت آنها دارم، آیا نیاز به اعاده ذکر هست؟

ج. در مورد اوّل اگر قاصد سه مرتبه است یك بار دیگر بگوید و در مورد دوم، نیازی به اعاده ی ذکر ندارد.

شک بعد از سلام

۲۲۹۵. اگر بعد از سلام نماز سه رکعتی شك کنم در صورتی که یك طرف شك صحیح نباشد، [مثلاً در نماز مغرب شک بین ۲ و ۴]؛ آیا نباید به آن اعتنا کرد؟

ج. در این صورت نماز باطل است.

کثیر الشک

تعریف کثیر الشک

۲۲۹۶. کسی که در سه چیز مختلف در سه نماز پشت سر هم شک می کند؛ آیا کثیر الشک است؟

ج. تحقق کثرت عرفیّه بنا بر اظهر به اینست که در سه فرد مثل هم و پشت سر هم سه شک همانند همدیگر بنماید، مثلاً در سه نماز ظهر در رکوع رکعت اوّل هر سه آنها شک کند.

مراد از کثیر الشک بودن

۲۲۹۷. آیا مراد از کثیر الشک بودن، فقط نماز فرادا (واجب) است یا بقیه نمازها مثل نماز مستحبی، جماعت و ... را نیز شامل می شود؟

ج. اظهر رعایت خصوصیات شک کثیر در انتفای حکم شک است مثل رکوع رکعت اوّلی از فریضه صبح.

کثیر الشک شدن

۲۲۹۸. آیا کثیر الشک، در شک سوم نباید به شک خود اعتنا کند یا در شک چهارم؟

ج. صدق عرفی ملاک است که بنا بر اظهر با شک سوّم محقّق می شود.

شک در نماز فرادا

۲۲۹۹. کسی که در نماز جماعت شکی برایش پیش نمی آید ولی در فرادا شک می کند، اگر معمولاً نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را به جماعت بخواند؛ برای محاسبه کثیر الشّک شدن باید چه کار کند؟

ج. باید سه شک @متماثل در سه نماز صبح برایش پیش بیاید و اگر احیاناً در نمازهای غیر صبح شک کرد، حکم کثیر الشّک ندارد.

شک در کثیر الشّک شدن یا وسواسی شدن

۲۳۰۰. شخصی که نمی داند کثیر الشک است یا وسواسی، گفته شده که در هر دو صورت وظیفه اش اینست که اعتنا نکند.

آیا در هر حالتی عدم اعتنا، مختل کننده نماز نیست و هیچ تفاوتی وجود ندارد؟

ج. تفاوتی ندارد.

عمل به ظن (گمان)

۲۳۰۱. کسی که در تمام اعمال خود کثیر الشّک شده؛ آیا می تواند به ظن عمل کند؟

ج. بله می تواند.

وظیفه کسی که در همه اعمال خود شک کند

۲۳۰۲. وظیفه ی کسی که در همه اعمال عبادی و غیر عبادی خود شک های مختلفی می کند؛ چیست؟

ج. اگر واجد شروط کثیر الشّک است، به شک های خود اعتنا نکند.

متوجه شدن کثیرالشک

۲۳۰۳. کثیرالشک اگر در حالی که شک دارد نیّت نماز ظهر کرده یا عصر، مقداری از نماز را خواند و پس از آن متوجه شد؛ چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر به نیّت ما فی الذّمه و یا وظیفه ی فعلیّه بوده، مانعی ندارد.

شک در رکعت ۱ و ۲ برای کثیر الشّک در نماز چهار رکعتی

۲۳۰۴. آیا شک بین ۱ و ۲ برای کثیر الشّک، موجب بطلان نماز می شود؟

ج. خیر، بنا را بر دو می گذارد.

عمل نکردن به مسائل کثیر الشّک

۲۳۰۵. شخصی در نمازهای خود شک می کند و با این که می تواند مسائل شک را یاد بگیرد؛ اما این کار را نمی کند و نماز را بر هم می زند و از سر می گیرد؛ آیا نمازهای او صحیح است؟

ج. باطل کردن نماز حرام است و باید به وظایف شک عمل کند (مسأله ی ۹۸۴ رساله)؛ هر چند نمازی که بعد از ابطال می خواند، صحیح است.

کثیرالشکی که هنگام شک، نماز خود را اعاده می کند

۲۳۰۶. کسی که کثیر الشّک است و در هر بار شک کردن نماز را می شکند و نماز را دوباره می خواند و این حالت برای او عادت شده؛ آیا می تواند آیه یا کلمه ای را که شک دارد به قصد قربت مطلق دوباره بخواند تا به تکرار نماز گرفتار نشود؟

ج. می تواند.

شک زیاد در تسبیحات

۲۳۰۷. کسی که همیشه در تسبیحات اربعه شک می کند که دو بار گفته است یا سه بار، چه کند؟

ج. اعتنا نکند.

خارج شدن از کثیر الشّک

۲۳۰۸. در خارج شدن از کثیر الشّک در نماز فرموده اند:

«اگر در سه نماز شک نکند، از حالت کثیرالشکی خارج شده»؛ آیا نمازها باید یومیّه باشد؟

ج. باید در خصوصیات مثل همان سه شکی باشد که کثرت را آورده است.

کثیر الشّک در نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی

۲۳۰۹. آیا کثیر الشّک در نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی، نباید به شک خود اعتنا کند؟

در شک بین ۱ و ۲ در نمازهای چهار رکعتی چه طور؟

ج. فرقی نمی کند.

عمل نکردن به وظیفه کثیر الشّک

۲۳۱۰. فردی هستم کثیر الشّک، که اگر به وظیفه کثیر الشّک عمل کنم شیطان مرا وسوسه کرده و احتمال را بر کمتر داده و از این که عمل را کمتر انجام داده ام ناراحتم و اگر به وظیفه کثیر الشّک عمل نکنم باز وسوسه می شوم که چرا به احکام عمل نمی کنی؟

آیا می توانم شک را عادی حساب کنم و بنا بر احکام شک عمل کنم؟

ج. اگر کثیر الشّک شدید به این که در سه عمل متماثل متوالی شک مشابه کردید نمی توانید بنا بر اظهر حکم کثیر الشّک را اجرا نکنید؛ مگر در امور مطلوبه ی مطلقه مثل اذکار و قرائت قرآن.

حواسپرتی مأموم

۲۳۱۱. اگر مأموم آن چنان دچار حواسپرتی باشد که مثلاً در حال «سمع اللّه» نمی داند که همراه جماعت رکوع کرده یا نه؛ چگونه باید عمل کند؟

ج. به جماعت ادامه دهد.

سجده ی سهو

قنوت اشتباهی

۲۳۱۲. اگر در رکعت اوّل اشتباهاً قنوت به جا آورده شود، آیا سجده ی سهو لازم می شود؟

ج. احتیاطاً لازم می شود.

چگونگی خواندن سجده سهو

۲۳۱۳. لطفاً چگونگی خواندن و اجزای سجده سهو را ذکر کنید؟

ج. بعد از سلام نماز فوراً نیّت سجده سهو کند و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بنا بر احتیاط واجب بگوید:

«بسم اللّه و باللّه و صلّی اللّه علی محمد و آل محمد» یا «بسم اللّه و باللّه، اللهم صل علی محمد و آل محمد»، ولی بهتر است بگوید:

«بسم اللّه و باللّه السلام علیك أیها النبی و رحمه اللّه و برکاته»، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی که گفته شد را بگوید و بنا بر اظهر وقتی سر از سجده برداشت، تشهد بخواند و سپس سلام دهد.

تکبیر قبل از سجده ی سهو

۲۳۱۴. قبل از رفتن به سجده ی سهو تکبیر لازم است یا نه؟ و آن تکبیر آیا تکبیره الاحرام است یا تکبیرِ رفتن به سجده، (مثل تکبیر مستحبی قبل از رفتن به سجده)؟

ج. تکبیر برای سجده سهو واجب نیست و در استحبابش برای غیر امامِ جماعتی که قصد اعلام به دیگران را دارد، محل تأمّل است؛ مگر آن که به امید مطلوبیّت از طریق فتوای شیخ و بعض متأخّرین بگوید و احکام تکبیره الاحرام را ندارد.

تکرار ذکر سجده ی سهو

۲۳۱۵. آیا می شود ذکر سجده ی سهو را تکرار کرد، یعنی یکی از سه ذکر وارد شده در رساله را تکرار نمود؟

ج. جایز است.

تبدیل ذکر سجده ی سهو

۲۳۱۶. آیا می شود یکی از سه ذکر وارد شده در رساله را در سجده ی اوّل سجده ی سهو و یکی دیگر را در سجده ی دوّم آن خواند؟

ج. جایز است.

خواندن دعا در سجده ی سهو

۲۳۱۷. آیا می توان در ادامه ی ذکر سجده ی سهو دعا بخوانیم، چه طولانی باشد چه کوتاه؟

ج. اذکار و دعاهای دیگر را هم می شود خواند.

لزوم انجام سجده سهو در صورت قیام کامل یا نیمه تمام

۲۳۱۸. در صورتی که نمازگزار سهواً قیام کامل یا قیام نیمه تمام نمود، چه وظیفه ای دارد؟

در صورتی که این عمل عمدی باشد؛ چه وجهی دارد؟

ج. در مورد اوّل احتیاطاً سجده ی سهو به جا آورد و در صورت عمد، اگر به قصد جزئیت نباشد و فعل کثیر هم نباشد، اشکال ندارد.

پیش آمدن چند مورد سجده ی سهو در یک نماز

۲۳۱۹. اگر در یک نماز بیش از یک مورد سجده سهو پیش آمد؛ آیا خواندن یک سجده سهو کفایت می کند؟

ج. خیر، تداخل نمی کند.

سجده سهو در نماز مستحبی

۲۳۲۰. آیا نمازهای مستحبی سجده سهو دارند؟

ج. خیر.

فراموش کردن سجده سهو

۲۳۲۱. اگر انسان سجده سهو را فراموش کند و بعد از مدتی متوجه شود، چه کار کند؟ آیا می تواند بدون شرایط نماز آن را به جا آورد؟

ج. علی الاحوط باید با تمام شرایط نماز آن را به جا آورد.

خواندن سوره قبل از حمد

۲۳۲۲. اگر سهواً سوره را قبل از حمد بخوانیم، آیا سجده سهو واجب می شود؟

ج. احتیاطاً بعد از حمد باز سوره بخواند و سجده ی سهو هم به جا آورد.

نماز احتیاط

رو برگرداندن قبل از نماز احتیاط

۲۳۲۳. شخصی در اثر جهل به مسأله پس از سلام نماز و قبل از نماز احتیاط صورت را بر می گردانده و پشت به قبله می کرده؛ آیا نمازهای او صحیح است؟

و اگر شک دارد که با این مقدار صورت برگرداندن، پشت به قبله شده یا نه؛ چه صورتی دارد؟

ج. در صورت اوّل اصل نماز را اعاده می کند و با شک در منافی و به جای آوردن نماز احتیاط، نماز صحیح است.

خواندن نماز احتیاط با گمان به رکعت

۲۳۲۴. در جایی که بعد از شک، گمان به رکعت پیدا کند - مثلاً بعد از شک سه و چهار، گمان پیدا کرد که چهار رکعت خوانده است، آیا می تواند برای امتثال امر واقعی، نماز احتیاط بخواند؟

ج. اگر قبل از شروع در نماز احتیاط گمان پیدا کرده است، نماز احتیاط بر او واجب نیست.

ورود کسی که باید نماز احتیاط بخواند به نماز دیگر

۲۳۲۵. کسی که در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار و یا شک دیگری کند و پیش از خواندن نماز احتیاط وارد نماز دیگر شود؛ تکلیفش چیست؟

ج. اگر نماز دوم مترتّب بر نماز اوّلی نباشد - مثل نماز عصر و قضای نماز صبح - اظهر صحّت نماز دوّم است و احوط به جا آوردن نماز احتیاط بعد از نماز دوّم و اعاده ی نماز اوّلی بعد از آن است، اما در صورتی که نماز دوّم مترتّب بر نماز اوّلی

باشد - مثل ظهر و عصر - اگر عمداً این کار را کرده، نماز دوّم باطل است و اگر سهواً بوده پس خالی از وجه نیست که از نماز دوّم به نماز احتیاط عدول کند و احتیاط در اعاده ی اصل نماز با این عدول است.

حدث در نماز احتیاط

۲۳۲۶. شخصی بین نماز احتیاط حدثی از او سر زده است؛ آیا اعاده ی رکعت احتیاط به تنهایی کافیست یا باید نماز را هم اعاده کند؟

ج. باید اصل نماز را اعاده کند.

گمان بعد از شک

۲۳۲۷. اگر نمازگزار بعد از شکی که برای آن، نماز احتیاط لازم است، گمان پیدا کند و طبق گمان عمل کند؛ آیا نماز احتیاط بخواند یا نه؟

ج. خیر، نخواند.

تنگی وقت برای نماز عصر و نماز احتیاط ظهر

۲۳۲۸. اگر شخصی در نماز ظهر شکی کند که نماز احتیاط دارد و وقت نماز عصر آن قدر تنگ است که ممکن نباشد حد اقل یک رکعت عصر را پیش از غروب بخواند؛ در این صورت کدام یک را باید مُقَدَّم دارد؟

ج. باید نماز عصر را بخواند و نماز ظهر را بعداً قضا کند.

نماز احتیاط برای فردی که خوابیده نماز می خواند

۲۳۲۹. شخصی که نماز چهار رکعتی را خوابیده می خواند، اگر بین سه و چهار شک کند، یک رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت نشسته یا به نیّت بستگی دارد؟

ج. دو رکعت نشسته وظیفه ی او است.

خواندن نماز احتیاط اضافی

۲۳۳۰. بنا بر علتی (مثلاً شک در نماز چهار رکعتی در رکعت سه و

چهار)

نماز احتیاط بر نمازگزار واجب شده است، پس از خواندن نماز احتیاط فهمید که نمازش صحیح بوده؛ آیا نماز احتیاط اضافی باعث باطل شدن نماز می شود؟

ج. خیر.

نماز قضا

قضای نماز شخص بیهوش

۲۳۳۱. شخص مریضی که سکته کرده و مدّتی بستری بوده و هیچ گونه قدرتی بر حرکت نداشته و به علاوه حواسش هم به جا نبوده، آیا نماز از او ساقط است یا نه؟

ج. اگر در تمام وقت نماز بیهوش بوده، آن نمازها قضا ندارد.

اشتباه در وضو

۲۳۳۲. به جهت ندانستن مسأله، وضو را اشتباه می گرفتم. آیا نمازهایی که با آن وضوها خوانده ام باید قضا نمایم؟

ج. باید قضا کنید.

اشتباه در وضوی نیابتی

۲۳۳۳. کسی که وظیفه اش وضو به کمک نایب بوده امّا چگونگی وضوی نیابتی را نمی دانسته و وضوی نیابتی را اشتباه انجام داده، آیا نمازهایی را که خوانده است صحیح است یا باید قضا نماید؟

ج. اگر وضو باطل بوده است، باید قضا کند.

نماز با تیمّم و با شرم از غسل

۲۳۳۴. هنگامی که تازه مکلّف شده بودم گاهی جنب می شدم. ولی چون از خانواده شرم داشتم برای غسل به حمّام نمی رفتم و با تیمّم نماز می خواندم. اکنون نمازهایی که با آن حالت خوانده شده است، باید قضا شود یا خیر؟

ج. اگر آن قدر غسل را به تأخیر انداخته تا این که وقت تنگ شده و دیگر برای غسل وقت نداشته و در این وقت تیمّم کرده است، نمازهایش قضا ندارد، اگر چه معصیت کرده است و در غیر این صورت باید قضا شود.

نماز در لباسی که خمس آن داده نشده

۲۳۳۵. حکم نماز و عبادات انجام شده در لباس هایی که از پول خمس نداده تهیه شده اند چیست؟

آیا باید قضا شود؟

ج. اگر خمس به خود لباس تَعَلُّق گرفته، حکم نماز در لباس غصبی را دارد، که در رساله مذکور است و هم چنین اگر آن را

به نحو متعارف که معامله ی به ذمّه (معاملات متعارف که کالا در قبال شخص یک پول خاص یا متاع خاص نباشد) است نخریده باشد بلکه با خود پولی که خمسش را نداده خریده باشد نیز لباس غصبی محسوب می شود.

عدم قضای نمازهای افرادی که شیعه شده اند

۲۳۳۶. شخصی از طایفه اهل حق، که اهل نماز و سایر دستورات شرعی نیستند، شیعه شده است، آیا باید نمازهایش را قضا کند؟

ج. اگر از اوّل جزو این فرقه بوده، قضا ندارد.

شک در داشتن نماز قضا

۲۳۳۷. این جانب نمی دانم نماز قضا دارم یا نه و اصلاً به یاد نمی آورم. تکلیف چیست؟

ج. تکلیفی ندارید.

کسی که در نماز نیاز به کمک دارد

۲۳۳۸. اگر شخصی در خواندن نماز احتیاج به کمک داشته باشد و شخص کمک دهنده به موقع نتواند کمک کند، آیا می تواند نماز را بعداً به صورت قضا بخواند؟

ج. باید به هر طوری که می تواند به وظیفه ی خود عمل نماید و نماز را بخواند و با عمل به وظیفه بعداً قضا ندارد.

نماز به نیّت ادا با فرض قضا بودن آن

۲۳۳۹. کسی که نمازی را به نیّت ادا خوانده و بعد متوجّه شده که نمازش خارج از وقت بوده است، یعنی باید به نیّت قضا می خوانده، آیا باید دوباره بخواند؟

ج. تکرار ندارد.

نماز و روزه ی کسی که سنّش را با سال شمسی حساب کرده

۲۳۴۰. شخصی که سنّش را با سال شمسی حساب کرده، روزه و نمازهایی را که انجام نداده، چه حکمی دارد؟

آیا گناهی هم مرتکب شده؟

ج. باید آن نمازها و روزه ها را قضا نماید و اگر در یادگیری کوتاهی کرده، روزه ها کفّاره هم دارد.

مریض مسافری که یک ماه نماز نخوانده

۲۳۴۱. شخصی در بیمارستانی که تا محل خودش بیش از ده فرسخ فاصله دارد، بیش از یک ماه بستری بوده و نمازهای یومیّه ی خود را نخوانده است، اکنون نمازها را چگونه قضا کند؟

ج. اگر قصد ده روز در آنجا نداشته، تا سی روز نمازهایش را شکسته و بعد از سی روز، تمام، قضا نماید.

حکم قضای مسافرِ بیهوش

۲۳۴۲. شخصی که بیهوش بوده، او را برای مداوا به بیمارستانی واقع در ۲۰۰ کیلومتری محل بیهوشی بردند و او بعد از به هوش آمدن، نمازهای یومیّه را نخواند، وظیفه ی او در قضا چگونه است؟

ج. اگر در حالت بیهوشی او را برده اند - که قصد سفر نداشته - باید نمازهایش را در صورت وجوب قضا، به صورت تمام قضا کند.

نماز خواندن غلط

۲۳۴۳. بعضی از قسمت های نماز را غلط تلفّظ کرده ام و نیز اشتباهاتی هم در افعال نماز داشته ام. آیا باید نمازهایم را قضا کنم؟ و آیا بین کوتاهی کردن یا نکردن فرق هست؟

ج. اگر رکن نماز کم یا زیاد شده، مطلقاً قضا دارد و در غیر این صورت، بین تقصیر و قصور فرق هست؛ ولی چون نوعاً تقصیر هست، کم کم قضا نمایید.

عدم رعایت ترتیب در قضا

۲۳۴۴. اگر مطابق مسأله ی ۱۱۱۹ عمل نکرده باشیم، یعنی در نمازهای قضا مراعات ترتیب را نکرده باشیم، اکنون که مطّلع شده ایم باید به ترتیب می خواندیم، وظیفه ما چیست؟

ج. در نمازهایی که در هنگام ادا بر یکدیگر مترتّب هستند - مثل ظهر و عصر و مغرب و عشا - اگر بدون ترتیب خوانده، باید دوباره بخواند و در نمازهایی که فقط ترتُّب خارجی دارند نه شرطی، هر مقدار از آن که با نمازهای بعدی ترتیبش حفظ می شود، اعاده ندارد و آن چه که محفوظ نمی شود، آنها را دوباره بخواند.

کسی که نماز قضای زیادی دارد

۲۳۴۵. کسی که نماز قضا زیاد دارد و مقداری از آنها ظهر و عصر و مغرب و عشا و اکثر آنها نماز صبح بوده، آنها را چگونه قضا کند؟ با توجّه به این که مقدار آنها را هم نمی داند.

ج. هر مقدار از نمازهایی که یقین دارد قضا شده، باید قضا کند و اگر تعداد نماز صبح بیشتر بوده، باید آنها را بیشتر و به همان مقدار قضا کند و با جهل به نحوه ی قضا شدن آن نمازها، ترتیب واجب نیست. (تفصیل آن در مسأله ی ۱۱۱۹ و ۱۱۲۱

رساله آمده است.)

فراموش کردن قضای یکی از نمازها

۲۳۴۶. کسی نمازهای قضایش را به ترتیب خوانده و بعد متوجه شده که مثلاً یک نماز صبح را فراموش کرده. آیا باید فقط همان نماز را قضا کند یا پس از آن نماز، همه ی نمازها را نیز قضا نماید؟

ج. همان نماز را که قضا کند کافی است؛ گرچه احتیاط مستحب در اینست که نمازهای پس از آن صبح را تا صبح بعدی دوباره قضا کند تا ترتیب حفظ شده باشد.

قضای نماز با وضو و غسل جبیره ای

۲۳۴۷. کسی که با وضو یا غسل جبیره ای نماز می خواند، آیا می تواند قضای نمازهای حال سلامتی را به جا آورد؟

ج. احتیاط واجب برای کسانی که عذر دارند تأخیر قضاست تا زمان رفع عذر؛ مگر با علم به باقی ماندن عذر تا آخر عمر یا ناامیدی از برطرف شدن عذر یا ترس از آمدن مرگ.

تقدّم نماز شب بر نماز قضا

۲۳۴۸. اگر مکلف نماز قضا داشته باشد و در سحر بیدار شود، بهتر است نماز شب بخواند یا نماز قضا؟

ج. بهتر است که هم نماز قضا بخواند و هم نماز شب و لو این که در آن وقت نماز شب بخواند و بعداً نماز قضا.

اختصاص وقت به نماز قضا

۲۳۴۹. چه قدر از اوقات روزانه ام را به نماز قضا اختصاص بدهم و به آن مقیّد باشم؟ با توجّه به این که بیش از چند سال نماز قضا دارم؟

ج. باید طوری آنها را قضا نمایید که در انجام آنها کوتاهی نشود.

نماز قضا به جای نماز مستحبی

۲۳۵۰. کسانی در شب های قدر، به جای نمازهای مستحبی، نماز قضا می خوانند، آیا این نمازها به جای نماز مستحبی قرار می گیرد؟

ج. به جای آن نمازها قرار نمی گیرد، ولی ثواب نماز خواندن در آن لیالی متبرّکه را دارد.

قضای نماز و روزه های کافری که مسلمان شده

۲۳۵۱. آیا کسی که کافر بوده و اکنون مسلمان شده، آیا باید نماز و روزه ی دوران کفرش را قضا کند؟

ج. خیر، قضا ندارد.

اذان و اقامه در نماز قضا

۲۳۵۲. آیا نماز قضا اذان و اقامه دارد؟

ج. بله، استحباب دارد.

قضای نماز نذری

۲۳۵۳. کسی که با نذر نماز شب را بر خود واجب کرده است و شب خواب مانده، آیا باید نمازش را قضا نماید؟

ج. بله.

قضای کسی که قرائتش غلط بوده

۲۳۵۴. کسی اکنون فهمیده است که قرائت نمازش غلط بوده است.

چه مقدار از نمازهایش را باید قضا نماید؟

ج. با فرض تقصیر، به مقدار یقینی اش باید قضا کند.

قضای نماز کسی که نمی تواند ایستاده بخواند

۲۳۵۵. آیا من که هم اینک نمی توانم ایستاده نماز بخوانم، می توانم نمازهایم را نشسته قضا نمایم؟

ج. اگر ناامید از قدرت در آینده هستید، می توانید نشسته بخوانید.

کسی که تعداد نمازهای شکسته و کامل را نمی داند

۲۳۵۶. کسی که نمی داند چه مقدار از نمازهای قضای پدر و مادرش شکسته و چه مقدار کامل بوده، وظیفه اش چیست؟

ج. به مقدار یقینی شکسته می خواند و بقیه را کامل می خواند.

تکرار نماز به دلیل عدم حضور قلب

۲۳۵۷. آیا انسان می تواند به دلیل عدم حضور قلب، نمازش را دوباره بخواند؟

ج. بله، می تواند رجاءً.

نماز و روزه جاهل به جنابت

۲۳۵۸. کیفیت خواندن نماز قضا و روزه قضا برای جاهل به جنابت چگونه است؟

ج. هر مقداری که می داند با حالت جنابت به جا آورده باید قضا کند ولی روزه ها اگر جهل به حکم نبوده است، قضا ندارد.

جهالت به نماز و روزه

۲۳۵۹. اگر کسی از روی جهالت چند سالی نماز نخواند و روزه نگرفته باشد، تکلیف چیست؟

ج. باید آنها را قضا کند و کفاره ی روزه ها را هم، اگر جاهل مقصّر بوده، بدهد.

نماز قضای زیاد داشتن

۲۳۶۰. تعداد نمازهایی که نخوانده ام زیاد است و نمی دانم چه قدر است، آیا غیر از قضا برای جبران آنها می توان کار دیگری کرد؟

ج. خیر.

فراوان بودن نماز و روزه قضا

۲۳۶۱. اگر نماز و روزه قضا آن قدر باشد که نتوان جبران کرد، چه باید بکنیم؟

ج. تا مقدار مقدور را باید قضا کند و بقیه را وصیت کند.

اجیر کردن برای نمازهای قضا شده

۲۳۶۲. مقداری نماز و روزه ی قضا دارم، آیا می توانم در این مورد کسی را اجیر نمایم؟

ج. خیر.

وقت خواندن نمازهای قضا شده

۲۳۶۳. وقت خواندن نمازهای قضا شده چه وقت می باشد؟

ج. وقت خاصی ندارد.

نماز و روزه کودکی

۲۳۶۴. آیا نماز و روزه هایی که قبل از بلوغ خوانده شده به جای ازدست رفته های بعد حساب می شود؟

ج. خیر، نمی شود.

نماز خواندن فرد سنی طبق مذهب شیعه

۲۳۶۵. یکی از برادران اهل سنت، مدتی نمازش را طبق مذهب شیعه می خوانده است، اکنون که شیعه شده باید آنها را قضا نماید؟

ج. اگر با قصد قربت بوده قضا ندارد.

باطل بودن یکی از نمازهای قضا

۲۳۶۶. کسی نماز قضا را به جا آورد. بعد فهمید یکی از آنها باطل بوده است، آیا باید تمام نمازهای بعد از آن را دوباره قضا نماید؟

ج. ظاهراً همان یکی را قضا کند کافیست و احتیاط اینست که به مقدار یک شبانه روز را دوباره بخواند.

رعایت نکردن ترتیب در نماز قضا

۲۳۶۷. کسی که ترتیب را در نمازهای قضا رعایت نکرده، وظیفه اش چیست؟

ج. در مرتب، در ادای با علم به ترتیب باید دوباره قضا کند و هم چنین احوط است در مرتّب در فوات.

نیّت نماز قضا

۲۳۶۸. نیّت نماز قضا چگونه باید باشد؟

ج. نیّت همان نماز را با قصد قربت می کند.

وصیت به انجام نماز قضا

۲۳۶۹. آیا کسی که نماز قضا دارد، واجب است وصیت کند تا آن را به جا آورند؟

ج. هر مقدار را که به جا نیاورد، باید وصیت کند.

قضای نماز به جماعت

۲۳۷۰. آیا می توان نماز قضا را به جماعت خواند؟

ج. بله، می توان.

جواز خواندن نماز مستحبی برای کسی که نماز قضا دارد

۲۳۷۱. آیا کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی بخواند؟

ج. بله، می تواند.

عدم وجوب خواندن نماز قضا قبل از نماز ادا

۲۳۷۲. آیا واجب است قبل از نمازهای ادا، نمازهای قضایمان را بخوانیم؟

ج. لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد، گرچه مطابق احتیاط است.

وظیفه ی کسی که نمی داند چه نمازی از او قضا شده

۲۳۷۳. من می دانم نماز قضا دارم. اما نمی دانم نماز صبح است یا ظهر یا عصر. وظیفه ی من چیست؟

ج. یک نماز صبح بخوانید و یک نماز چهار رکعتی به قصد ما فی الذّمه.

قضای نمازهای مستحبی

۲۳۷۴. آیا نمازهای مستحبی قضا دارند؟

ج. نمازهای مستحبی که وقت خاص دارند در صورت ترک، قضای آنها مستحب است؛ ولی اگر در اثر بیماری قضا شده باشد، استحباب قضا تأکید نشده است و اگر قضای نمازهای مستحبی را نخواند، مستحب است برای هر نماز فوت شده یک مد طعام صدقه بدهد.

فوریّت در نماز قضا

۲۳۷۵. آیا واجب است، فوراً نماز قضایمان را بخوانیم؟

ج. باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.

نماز قضای کسی که اختلال حواس دارد

۲۳۷۶. آیا کسی که اختلال حواس پیدا کرده، به طوری که خوب و بد را تشخیص نمی دهد و نماز نخوانده، باید نمازهایش را قضا کند؟

ج. تا زنده است دیگران وظیفه ای ندارند و اگر طوری باشد که قضا کردن بر خود او واجب است، پس از وفات هم باید

برایش قضا کنند وگرنه واجب نیست، مثل جنون.

پشت سر هم نخواندن نماز قضا

۲۳۷۷. آیا می توان بر فرض، یک سال فقط نماز قضای صبح خواند، سال بعد قضای نماز ظهر و ... تا پنج سال؟

ج. اگر ترتیب خاصی را نمی داند به ترتیب شبانه روزی باید بخواند؛ مگر طوری جاهل باشد که اصل ترتیب ساقط شود.

ترتیب نماز قضا

۲۳۷۸. کسی که نماز را بدون ترتیب خوانده، (مثلاً یک روز صبح خوانده، یک روز نماز عصر خوانده و ...) برای قضای این نمازها چگونه باید عمل کند؟

ج. اگر ترتیب نمازهای قضا شده معلوم باشد، باید به ترتیب خوانده شود.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۱۹ رساله مراجعه شود.)

قضای نمازی که با تیمم باید می خواند

۲۳۷۹. کسی که عذر داشته و باید با تیمم نماز می خوانده، اما الآن عذرش برطرف شده، آیا باید قضای نمازهایش را با تیمم به جا آورد یا با وضو؟

ج. با وضو باید قضا کند.

قضای نماز مسافر

۲۳۸۰. کسی که نمازش در سفر قضا شده، چگونه باید نمازش را قضا کند؟

ج. باید شکسته قضا کند.

قضای کسی که نمازهای شکسته را کامل خوانده

۲۳۸۱. بنده نمازهایم را، که در سفر باید شکسته می خواندم، به صورت تمام خواندم، آیا باید آنها را قضا نمایم؟ در صورت قضا، چگونه قضا نمایم؟

ج. به مسأله ی ۱۱۰۳ و مسائل بعد آن در رساله مراجعه شود.

قضای نماز کسی که اختیار دارد به شکسته یا کامل خواندن نماز

۲۳۸۲. کسی که نمازش در جاهایی که هم می توان شکسته خواند و هم کامل، قضا شده، باید نمازش را کامل قضا نماید یا

شکسته؟

ج. احتیاطاً باید شکسته قضا کند.

قضای نماز و روزه ی سنّی

۲۳۸۳. شخصی سنی مذهب شیعه شده است، آیا قضای نماز و روزه بر او واجب است؟

ج. اگر نمازش را نخوانده و روزه اش را نگرفته، باید قضای آنها را انجام دهد؛ ولی اگر نمازهایش را قبلاً مطابق مذهب خودش یا مطابق مذهب شیعه با قربت خوانده است، بنا بر اظهر قضا بر او واجب نیست.

مُقَدَّم کردن نماز خود یا پدر

۲۳۸۴. کسی که خودش نماز و روزه ی قضا دارد و نماز و روزه ی پدرش هم به گردن اوست، اوّل نماز خودش را قضا نماید یا نماز پدر را؟

ج. فرق نمی کند.

قضای نماز کسی که استمنا کرده

۲۳۸۵. فردی که نمی دانسته با استمنا، غسل جنابت بر او واجب می شود، حکم او در مورد نماز و روزه چگونه است؟

ج. نماز و روزه هایی را که بدون غسل خوانده، باید قضا کند و اگر جاهل مقصّر بوده، کفاره ی روز را نیز باید ادا نماید.

اقتدا به کسی که نمازش را احتیاطاً قضا می کند

۲۳۸۶. آیا مأموم می تواند به کسی که احتیاطاً نمازش را قضا می کند، اقتدا نماید؟

ج. اشکال دارد.

کسی که خواب مانده

۲۳۸۷. کسی که برای نماز صبح خواب مانده، آیا گناه انجام داده است؟

ج. اگر تقصیری نکرده، گناه نکرده است.

نماز استیجاری

واگذار نمودن قضای نماز توسّط اجیر

۲۳۸۸. آیا کسی که برای نماز و روزه میّت اجیر می شود، می تواند آن را خودش انجام ندهد و به دیگری واگذار کند؟ و در فرض جواز، آیا می تواند به قیمت کمتر از آنچه خودش گرفته، به دیگری بدهد؟

ج. اگر در اجاره شرط نشده باشد که خودش انجام دهد، می شود؛ ولی باید به قیمت کمتر از اجرت قرار داده شده نباشد؛ مگر این که خودش بعض عمل را به جا آورده باشد.

حکم اجیری که فوت کند

۲۳۸۹. پدر این جانب مقداری نماز و روزه استیجاری گرفته و قبل از انجام آنها فوت شده است.

آیا بر من، که پسر بزرگتر هستم واجب است آنها را به جا آورم؟

ج. واجب نیست، ولی بر وصی یا وارث است که بر طبق مسأله ی ۱۲۶۲ رساله عمل نمایند.

وظیفه اجیر در تقلید

۲۳۹۰. آیا بر اجیر لازم است سؤال کند که اجیرکننده مقلّد چه کسی بوده است؟

ج. اجیر باید به وظیفه ی خودش عمل کند و سؤال لازم نیست.

۲۳۹۱. فردی نماز استیجاری را طبق فتوای مرجع تقلیدی که ترتیب را لازم نمی داند، بدون رعایت ترتیب خوانده است.

پس از فوت آن مرجع، تعدادی نماز عشا باقی مانده است.

آیا فقط همان مقدار باقی مانده از عشا را تنها بخواند کافی است؟

ج. کفایت می کند.

شخص اجیری که عذر پیدا کرده

۲۳۹۲. شخصی در حال سلامت اجیر شده تا نماز قضا به جا بیاورد. اما پس از مدتی معذور گردید، به طوری که باید با تیمم نماز بخواند. وظیفه ی او چیست؟

ج. باید صبر کند و بعد از زوال عذر با وضو بخواند بنا بر احوط، اگر چه اصل استیجار صاحب جبیره و کسی که تکلیف او تیمم است، بعید نیست.

اجیری که نمازها را به جا نیاورده

۲۳۹۳. شخصی اجیر شده تا در مدت معیّنی نماز قضا بخواند. اما این کار را انجام نداده است، اکنون وظیفه ی او چیست؟

ج. دیگر بدون اذن اجاره کننده نمی تواند بخواند و اگر خواند، استحقاق اجرت ندارد.

شرط خواندن نماز در مسجد

۲۳۹۴. اگر کسی شرط کند که نماز استیجاریش در مسجد خوانده شود، آیا واجب است به آن عمل شود؟

ج. بله، واجب است.

گرفتن پول برای نماز استیجاری

۲۳۹۵. آیا می توان در برابر نماز استیجاری پول دریافت کرد؟

ج. بله، می توان.

شرط عدالت در اجیر

۲۳۹۶. آیا شرط است که اجیر عادل باشد؟

ج. خیر، شرط نیست.

شرایط اجیر

۲۳۹۷. کسی که می خواهد برای نماز اجیر شود، باید چه شرایطی داشته باشد؟

ج. اجیر باید یا مجتهد باشد یا مسائل نماز را از روی تقلید صحیح، بداند.

نیّت نماز استیجاری

۲۳۹۸. کسی که نماز استیجاری می خواند، باید چه نیتی کند؟

ج. باید هنگام نماز، در نیّت خود میّت را معیّن نماید؛ ولی لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیّت کند که از طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده ام، کافی است.

نماز استیجاری در سفر

۲۳۹۹. آیا جایز است در سفر، نماز یا روزه ی استیجاری بگیریم؟

ج. نماز جایز است و روزه جایز نیست.

قضای نماز آیات

۲۴۰۰. کسی که اجیر شده تا نماز قضا به جا آورد، باید چند نماز آیات برای میّت بخواند؟

ج. اگر ذکری از نماز آیات نشده، لازم نیست نماز آیات بخواند.

قضای نماز زن توسط زن

۲۴۰۱. آیا قضای نماز زن را حتماً زن باید به جا آورد؟

ج. خیر، مرد نیز می تواند به جا آورد و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز، هر یک باید به وظیفه خود عمل کنند.

قضای نمازهای زن توسط مرد

۲۴۰۲. آیا مردی که برای قضای نمازهای زن اجیر شده، باید نمازها را بلند بخواند یا آهسته؟

ج. نمازهای جهریه را باید بلند بخواند (به مسأله ی ۱۲۵۶ رساله رجوع شود.)

اجیر گرفتن کسی که نمی تواند نماز بخواند

۲۴۰۳. کسی که نمی تواند نماز بخواند، آیا می تواند برای خواندن نمازهایش اجیر بگیرد؟

ج. خیر، خودش - به هر طور ممکن - باید نماز خودش را بخواند.

انجام مستحبات توسط اجیر

۲۴۰۴. آیا کسی که اجیر شده، باید همه ی مستحبات را به جا آورد؟

ج. اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار مستحبات به جا آورد، می تواند بدون مستحبات، نماز را بخواند.

انجام نماز استیجاری توسط کسی که نماز قضا دارد

۲۴۰۵. آیا کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز استیجاری قبول کند؟

ج. بله، می تواند.

تعیین وقت برای نماز استیجاری

۲۴۰۶. اگر برای نماز استیجاری وقت تعیین کنند، آیا می تواند در غیر آن وقت نماز را به جا آورد؟

ج. خیر، نمی تواند.

نماز قضای پدر و مادر

نماز قضای مادر

۲۴۰۷. آیا نماز قضای مادر بر پسر بزرگ واجب است؟

ج. بنا بر احتیاط، واجب است.

پسر بزرگ تر

۲۴۰۸. منظور از پسر بزرگ تر، کیست؟

ج. پسریست که هنگام فوت پدر بزرگ تر، از دیگر پسرها باشد.

اختلاف مرجع میّت و زنده در نماز قضای مادر

۲۴۰۹. در صورتی که انسان، مقلّد مجتهدی باشد که قضای نمازهای فوت شده ی مادر را واجب می داند و در زمان تقلید از آن مجتهد، مادر از دنیا برود و قضای نماز و روزه ی او را پسر انجام ندهد و بعداً به علّت فوت آن مجتهد، رجوع به مجتهد حی کند و آن مجتهد زنده قضای نماز مادر را واجب نداند، وظیفه ی فرد مکلّف چیست؟

ج. تقلید با عمل کردن به فتوی محقّق می شود.

زیاد بودن قضای نماز پدر

۲۴۱۰. پسر بزرگ تری که پدرش بیش از ۳۰ سال نماز و روزه ی فوت شده دارد، چگونه قضای آنها را به جا آورد، در حالی که خودش توانایی انجام آن را نداشته و از نظر مالی هم توانایی برای اجیر گرفتن ندارد؟

ج. تا هر مقدار را که توانایی دارد، بدون سختی و مشقت به جا آورد و همچنین به قدر توانایی اجیر بگیرد.

نماز قضای پدربزرگ و مادربزرگ

۲۴۱۱. آیا قضای نماز و روزه پدربزرگ و مادربزرگ، در صورتی که پسر آنها، آن قضاها را انجام نداده باشد بر نوه واجب است؟

ج. واجب نیست.

عدم وجوب قضای نماز والدین بر دختر

۲۴۱۲. آیا خواندن نماز قضای پدر، اگر پسر بزرگ نداشته باشد بر دختر واجب است؟

ج. واجب نیست.

میزان صدق پسر بزرگ

۲۴۱۳. اگر فرزنـد اوّل در سـنین کودکی فوت کنـد، آیا فرزنـد دوّم که اکنون ارشـد و بزرگتر است، بعـد از مرگ پدر و مادر واجب است قضای نماز آنها را به جا آورد؟

ج. هر پسری که هنگام مرگ پدر و مادر، فرزند ارشد است، بر او واجب است نماز را قضا نماید.

۲۴۱۴. فرزند اوّل میّت دختر است و فرزند دوّم پسر است.

آیا بر این پسر، ولد اکبر صدق می کند؟

ج. صدق می کند.

داشتن دو پسر از دو زن و صدق ولد اکبر

۲۴۱۵. اگر پدری دو پسر بزرگ از دو زن داشته باشد، بر کدام یک خواندن نماز قضا واجب است؟

ج. اگر آن دو پسر در سن مساوی باشـند، نمازهای قضا شده پدر تقسـیم می شود و هر کدام از آن دو پسر به صورت مساوی آن را قضا می کنند و مقدار باقی مانده که قابل تقسیم نباشد به صورت وجوب کفایی بر آن دو واجب است.

قضای نماز والدین توسّط پسر نابالغ

۲۴۱۶. پسری که به تکلیف نرسیده، می تواند نماز قضای پدر و مادر را بخواند؟

ج. بر او واجب نیست؛ ولی اگر قدرت تشـخیص خوب و بد را داشته باشد، بنا بر شرعیّت عبادات او، اگر بخواند، صحیح است و نمازهایی را که خوانده به عنوان نماز پدر و مادر حساب می شود.

عمل نکردن ورثه به وصیّت و وظیفه ی پسر بزرگ

۲۴۱۷. متوفی وصـیّت نموده که ثلث اموال او را صـرف نماز و روزه کننـد و برای او پنج سال نماز و روزه بگیرند. اگر ورثه یا وصی عمل به وصیت نکردند، وظیفه ی پسر بزرگ چیست؟

و بر فرض عمل به وصیّت، اگر احتمالاً نماز و روزه قضای او بیش از پنج سال بود، وظیفه چیست؟

ج. آن چه را که اضافه بر پنـج سال، پسر بزرگ یقین به قضا شـدن آن دارد، بایـد قضا نماید. هم چنین اگر ورثه یا وصـی در عمل به وصیّت معصیت کنند.

وجوب قضای نمازهای فرد فلج

۲۴۱۸. شخصـی مـدّت چند سال فلج بوده و اکثراً در حال استراحت به سر می برده است و افرادی که به عیادت او می رفتند و سلام می کردنـد، صورت و لب خود را حرکت می داده است و قـادر به سـخن گفتن نبوده و در این مـدّت بیشتر اوقـات نماز نخوانده است.

آیا قضای نمازهای او بر پسر بزرگتر واجب است، با این که قادر بر سخن گفتن نبوده است؟

ج. بله، قضای آن نمازها بر پسر بزرگ واجب است.

حتّی آن نمازهایی را که در این مدّت خوانده، ولی بر طبق وظیفه اش در آن حال رفتار نکرده است نیز باید قضا نماید.

وجوب قضای نماز کسی که عمداً نماز نمی خوانده

۲۴۱۹. شخصی که عمداً و از روی گناه نماز نمی خوانده، آیا قضای آنها توسّط پسر بزرگ تر، برای میّت هم فایده ای دارد؟

ج. در هر صورت پسـر بزرگتر بایـد ترک احتیاط نکند و به وظیفه عمل کند و امید است برای میّت هم مفید باشد و از رحمت خداوند بهره ببرد.

وجوب نماز قضا بر پسری که نتواند جلوی ادرار یا مدفوع خود را بگیرد

۲۴۲۰. اگر ادرار بیماری که پسـر بزرگ خانواده می باشد، قطره قطره بیرون آید و از بیرون آمدن مدفوع نمی تواند جلوگیری نماید، آیا با وجود این بیماری، قضای نماز و روزه پدر بر عهده او می باشد؟

ج. آنچه بر عهـده اوست اعم است از این که خـودش انجـام دهـد و یـا اجیر بگیرد و در صورتی که خودش انجـام می دهـد با نمازهای خود او فرقی ندارد.

نمازهای فوت شده پدر سنّی

۲۴۲۱. پدر از اهل سنّت است و پسر بزرگ او شیعه شده است، آیا نمازهای فوت شده پدر بر این فرزند واجب است؟

اگر سنّی فوت شده فرزند پسر بزرگ نداشته باشد، آیا قضای نمازهایش جزو دیون وی محاسبه می گردد؟

ج. بنا بر احتیاط، واجب است که پسر برای نمازها اجیر بگیرد که اگر در ذمّه اش هم نباشد، از اموات دیگرش محسوب شود و اگر پسر بزرگ نداشت، قضا جزو بدهی های میّت یا وصیت او است.

عمل نکردن پسر بزرگ به وظیفه

۲۴۲۲. اگر یقین دارند که پسر بزرگ تر، قضای نماز و روزه های میّت را به جا نمی آورد، چه کنند؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، با رضایت ورثه، از ارث میّت، برای نمازها اجیر بگیرند.

بیمار بودن پسر بزرگ

۲۴۲۳. نماز پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است، امّا او نمی تواند ایستاده نماز بخواند، در این باره چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید بنا به وظیفه اش - نماز نشسته - آنها را به جا آورد، گرچه احتیاط مستحب اینست که در صورت توانایی، دیگری را برای نمازهای پدر و مادر اجیر کند.

قضای نماز کسی که بعد از ظهر مرده

۲۴۲۴. اگر شخصی دو ساعت بعد از ظهر بمیرد، آیا نماز ظهر و عصرش را باید قضا نمود؟

ج. بله، باید قضا نمود.

قضای نمازی که غلط خوانده شده

۲۴۲۵. اگر پدر و مادر نمازشان را غلط خوانده اند، آیا باید پسر بزرگتر آنها را قضا نماید؟

ج. بله، باید قضا کند، البته در قضای نمازهای مادر بنا بر احتیاط است.

اجیر گرفتن برای نماز و روزه قضای میّت

۲۴۲۶. کسی فقط یک خانه از او مانده که فرزندش در آن زندگی می کند.

آیا واجب است آن را بفروشیم و برای نماز و روزه اش اجیر بگیریم؟

ج. اگر پسر بزرگ ندارد و کسی هم نیست که آنها را به جا آورد، واجب است از همان خانه و محل فروش آن بدهند.

قضای نماز کسی که نمی توانسته ایستاده بخواند

۲۴۲۷. کسی که نمی توانسته نمازش را ایستاده بخواند، آیا کسانی که نمازش را قضا می کنند، می توانند آنها را نشسته بخوانند؟

ج. نمی توانند، بلکه احتیاط اینست که کسی که وظیفه اش نشسته خواندن است را نیز اجیر نکنند.

از دست دادن پدر در سن خردسالی

۲۴۲۸. با توجه به این که در سن دو سالگی پدرم فوت کرد، آیا قضای نماز و روزه او بر من واجب است؟

ج. وقتی بالغ شدید، بر شما واجب است.

وصیّت به عدم قضا

۲۴۲۹. پدرم با این که نمازهای زیادی از او فوت شده، اما وصیت کرده برایش هیچ نماز قضایی به جا نیاوریم، وظیفه ی ما چیست؟

ج. وصیت او اعتبار ندارد و احتیاط، وظیفه ی شما است.

قضای نماز میّت توسط دو نفر به طور هم زمان

۲۴۳۰. آیا دو نفر می توانند به صورت هم زمان نماز یا روزه های قضای میّتی را به جا آورند؟

ج. در مورد نماز به مسأله ی ۱۲۶۰ رساله مراجعه شود و در مورد روزه مانعی ندارد.

قضای نماز کسی که پسر بزرگش به جا نمی آورد

۲۴۳۱. اگر پدری فوت کند و پسر بزرگتر نماز و روزه اش را قضا نکند، آیا چیزی به عهده پسر کوچک تر می باشد؟

ج. خیر، مگر وقتی که نوبت به استیجار از ترکه میّت برسد که او هم به سهم خود وظیفه دارد.

جنون پسر بزرگتر هنگام فوت پدر

۲۴۳۲. اگر پسر بزرگتر هنگام فوت پدر، دیوانه باشد، قضای نماز پدر و مادر به عهده چه کسی است؟

ج. هر وقت عاقل شد، باید به جا آورد.

وصیت به نماز قضا به بیشتر از عمر میّت

۲۴۳۳. شخصی وصیت کرده ثلث مالش را صرف نماز و روزه ی قضا نمایند. با ثلث مالش می توان ۸۰ سال برایش نماز و روزه گرفت. در حالی که این شخص ۵۰ سال بیشتر عمر نکرده است.

وظیفه ی ما را بیان فرمایید؟

ج. اگر ۸۰ سال را خود او تعیین کرده، باید به وصیت او عمل شود، چون شاید نماز و روزه های دیگران بر گردن او بوده است و اگر وصیّت متعارف بوده و مقصود او صرف نماز و روزه از ثلث بوده، زیادی از آن، مال ورثه و اگر وصیّت به کل ثلث بوده زیادی در خیرات مصرف می شود.

نماز آیات

اسباب واجب شدن نماز آیات

۲۴۳۴. چه چیزهایی باعث می شود که نماز آیات واجب شود؟

ج.

۱ و ۲) گرفتن خورشید و ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد؛

۳) زلزله، اگر چه کسی هم نترسد؛

۴) رعد و برق، بادهای سیاه و سرخ و صیحه ترسناک و مانند اینها که از آیات آسمانی و زمینی بوده و موجب ترس بیشتر مردم می شود، بنا بر اظهر.

فوریّت نماز آیات برای وقوع زلزله

۲۴۳۵. آیا نماز آیات برای وقوع زلزله فوریّت دارد؟

در صورتی که پاسخ مثبت باشد، اگر به تأخیر بیندازند حکم آن چیست؟

ج. فوریّت دارد و هر وقت بخواند اداست و اگر از روی نافرمانی به تأخیر بیندازد، بازهم ادای آن واجب فوری است.

اطلاع از وقوع زلزله توسط دیگران

۲۴۳۶. اگر زلزله ای واقع شود، اما انسان وقوع آن را احساس نکند، خواه بیدار باشد یا در خواب، سپس از منبع موثّق و معتبری مانند سازمان زلزله نگاری کسب اطلاع کند که در محل سکونت او زلزله ای رخ داده است، آیا در این صورت باید نماز آیات بخواند؟

ج. اگر سبب حصول علم یا اطمینان شود، نماز آیات واجب می شود.

اطلاع پیدا کردن از وقوع زلزله چند روز قبل

۲۴۳۷. اگر زلزله ای چندین روز قبل اتفاق افتاده باشد و بنده امروز مطلع شده باشم، آیا بازهم نماز آیات بر من واجب است؟

ج. اگر علم یا اطمینان به وقوع زلزله پیدا کرده اید، نماز آیات بر شما واجب است، هر چند مدتی از آن گذشته باشد.

کسی که هنگام وقوع زلزله بیهوش بوده است

۲۴۳۸. اگر کسی هنگام وقوع زلزله بیهوش باشد، آیا خواندن نماز آیات بر او واجب است؟

ج. ظاهراً واجب نیست.

پس لرزه ها

۲۴۳۹. آیا پس لرزه های زیادی که بعد از زلزله اصلی رخ می دهند، سبب واجب شدن نماز آیات می شوند؟

ج. اگر محسوس باشند، سبب وجوب می شوند.

وجوب نماز آیات در مناطقی که در جوار مناطق زلزله زده هستند

۲۴۴۰. اگر در منطقه ای زلزله رخ دهد آیا نماز آیات بر افراد منطقه دیگر که زلزله در منطقه آنها رخ نداده است هم واجب است؟

ج. چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر جایی اتفاق بیفتد، فقط مردم همان جا باید نماز آیات بخوانند، بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، اگر چه از توابع یکدیگر و به یک اسم معروف باشند.

بیدار ماندن برای خواندن نماز آیات

۲۴۴۱. کسی که به حسب قراین و اخبار منجّمین یقین دارد که مثلاًـ امشب تمام قرص ماه می گیرد، آیا واجب است بیدار بماند تا نماز آیات از او قضا نشود یا می تواند بخوابد؟

ج. اگر احتمال می دهد که بیدار می شود، می تواند بخوابد.

زمان خواندن نماز آیات در خسوف و کسوف

۲۴۴۲. آیا باید در همان لحظه خسوف و کسوف نماز آیات را خواند و یا می شود کمی تأخیر انداخت؟

ج. از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند، انسان باید نماز آیات را بخواند و باید به تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن بکند.

کسوف و خسوف ناقص

۲۴۴۳. آیا کسوف و خسوف ناقص موجب واجب شدن نماز آیات می شود؟

ج. بله، موجب واجب شدن نماز آیات می شود.

ابرها و دود فراوانی که مانع دیدن کسوف و خسوف می شود

۲۴۴۴. اگر به علت ابرهای فراوان و دودهای غلیظ، کسوف و خسوف مشاهده نشود، آیا نماز آیات واجب می شود؟

ج. بله، اگر ثابت شود، واجب می شود.

وجوب نماز آیات بر مردم مناطقی که شاهد کسوف یا خسوف نیستند

۲۴۴۵. اگر در کشوری کسوف و خسوف رخ دهد، آیا بر مردم کشورهای دیگر - که کسوف و خسوف را نمی بینند - نماز آیات واجب می شود؟

ج. بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

بادهای واجب کننده ی نماز آیات

۲۴۴۶. چه بادهایی باعث واجب شدن نماز آیات می شود؟

ج. بادهای سیاه و سرخ که موجب ترس بیشتر مردم شود (مسأله ی ۱۲۱۳)

بادهایی که بیشتر مردم نمی ترسند

۲۴۴۷. آیا بادهای ترساننده، مثل بادهای سیاه و سرخ و زرد - که بیشتر مردم نترسند - باعث واجب شدن نماز آیات می شود؟

ج. خیر.

رعد و برق

۲۴۴۸. آیا رعد و برق می تواند باعث واجب شدن نماز آیات شود؟

ج. اگر موجب ترس بیشتر مردم شود، بنا بر اظهر واجب می شود.

باران شدید

۲۴۴۹. آیا باران شدیدی که موجب خوف و ترس بیشتر مردم می شود، نماز آیات دارد یا نه؟

ج. اگر مصداق آیات آسمانی ترسناک برای بیشتر مردم باشد، نماز آیات واجب می شود.

انفجار شدیدی که باعث ترس مردم می شود

۲۴۵۰. اگر انفجار مهیبی در یک شهر اتفاق بیفتد، به گونه ای که اکثر مردم بترسند، آیا نماز آیات بر مردم آن شهر واجب می شود یا خیر؟

ج. اگر به سبب گذاشتن مواد منفجره باشد، نماز آیات واجب نمی شود.

وقوع چندین حادثه در یک لحظه

۲۴۵۱. اگر در یک لحظه چندین حادثه که هر کدام به تنهایی موجب واجب شدن نماز آیات می شود، رخ دهد آیا تک تک آنها نیاز به نماز آیات دارد یا یک نماز برای همه ی آنها کافی است؟

ج. برای هر یک، نماز آیات واجب می شود.

نحوه ی خواندن نماز آیات

۲۴۵۲. نماز آیات چگونه خوانده می شود؟

ج. نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و انسان بعد از نیت، باید تکبیر گفته و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد. (جهت توضیح بیشتر در این رابطه به مسأله ی ۱۲۲۶ رساله و بعد از آن رجوع شود.

صورت بهتر اقامه ی نماز آیات

۲۴۵۳. بین صورت های مختلفی که برای نماز آیات هست، کدام یک رجحان و برتری دارد؟

ج. صورت های مختلف نماز آیات و مستحبات آن در مسأله های ۱۲۲۵ تا ۱۲۳۰ رساله ذکر شده، مراجعه شود.

گفتن اذان و اقامه برای نماز آیات

۲۴۵۴. آیا برای نماز آیات می توان اذان و اقامه گفت؟

ج. خیر، نمی توان.

کم یا زیاد شدن رکوع نماز آیات

۲۴۵۵. آیا کم و زیاد کردن رکوع نماز آیات باعث بطلان آن می شود؟

ج. هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتباهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

شک در تعداد رکوع نماز آیات

۲۴۵۶. اگر کسی در تعداد رکوع نماز آیات شک کند، چه باید بکند؟

ج. اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اوّل است یا در رکوع اوّل رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است،

ولی اگر مثلاً شک کند که چهار رکوع انجام داده یا پنج رکوع، چنان چه هنوز به سجده نرفته، باید رکوعی را که شک دارد به جا آورده یا نه، به جا آورد و اگر به سجده رفته، به شک خود اعتنا نکند.

زمان قضا شدن نماز آیات

۲۴۵۷. از چه زمانی نماز آیات قضا می شود؟ آیا زمان قضا شدن برای اسباب وجوب مختلف، متفاوت است؟

ج. اگر خواندن نماز آیات را به قدری به تأخیر بیندازد که خورشید یا ماه شروع به باز شدن کند، بنا بر احتیاط واجب باید نیّت ادا و قضا نکند ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند، باید نیّت قضا نماید و موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند، معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.

شخصی که وقت نماز یومیّه و نماز آیات او کم است

۲۴۵۸. اگر شخصی، برای خواندن نماز یومیّه، وقتش تنگ باشد و از طرفی در همان لحظه نماز آیات بر او واجب شده باشد، اولویت با کدام یک از نمازها است؟

ج. باید اوّل نماز یومیّه را بخواند.

بلند یا آهسته خواندن نماز آیات

۲۴۵۹. نماز آیات را باید بلند خواند یا آهسته؟ و آیا در این جهت فرقی بین فرادا و جماعت وجود دارد؟

ج. مستحب است قرائت آن را مطلقاً بلند بخواند.

خواندن حمد پس از اتمام هر سوره در نماز آیات

۲۴۶۰. آیا در خواندن نماز آیات، پس از تمام شدن هر سوره، باید حمد را دوباره خواند؟

ج. بله.

قیام متّصل به رکوع در رکوع های نماز آیات

۲۴۶۱. آیا مسأله قیام متصل به رکوع، در تمام رکوع های نماز آیات مطرح است یا فقط در مورد رکوع آخر صدق می کند؟

ج. در تمام رکوع ها لازم است.

وقوع اسباب وجوب نماز آیات در حال حیض یا نفاس زن

۲۴۶۲. اگر در حال حیض یا نفاس زن یکی از اسباب وجوب نماز آیات اتفاق بیفتد، او در این حالت چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید نماز آیات را در غیر کسوف و خسوف قضا کند؛ ولی در این دو قضا ندارد.

ثواب نماز آیات به جماعت

۲۴۶۳. آیا ثواب خواندن نماز آیات به جماعت همانند ثواب نماز جماعت یومیّه می باشد؟

ج. بله.

نحوه ی اقتدا به رکعت دوم نماز جماعت

۲۴۶۴. اگر شخصی به رکعت دوم نماز آیاتی که به جماعت خوانده می شود برسد، می تواند اقتدا کند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا باید رکعت بعدی اش را فرادی بخواند؟

ج. بله، می تواند اقتدا کند و رکعت دوم را فرادا بخواند.

نحوه اقتدا به امام جماعت نماز آیات در وسط رکوع ها

۲۴۶۵. اگر شخصی به اوّل نماز آیاتی که به جماعت خوانده می شود، نرسد؛ آیا می تواند در هنگام رکوع امام در یکی از رکوع ها اقتدا کند؟

ج. احوط اینست که در رکوع اوّل از رکعت اوّل یا رکعت دوم یا قبل از آن رکوع اقتدا کند.

تکرار نماز آیات توسط امام با مأمومین دیگر

۲۴۶۶. آیا امام جماعت می تواند نماز آیات را برای بار دوم برای مأمومین دیگر اقامه کند؟

ج. ظاهراً می تواند.

شخصی که تا کنون نماز آیات نخوانده است

۲۴۶۷. اگر شخصی تاکنون نماز آیات نخوانده، چگونه می تواند آنها را جبران نماید؟

ج. هر چه یقین دارد که بر او واجب بوده را باید قضا کند و به جا آورد.

نماز جمعه

حکم نماز جمعه در زمان غیبت

۲۴۶۸. آیا در زمان غیبت امام معصوم علیه السّلام نماز جمعه واجب است یا مستحب؟

ج. واجب تخییری است.

جمع وجوب تخییری نماز جمعه با یک روایت

۲۴۶۹. وجوب تخییری نماز جمعه، چگونه با روایت (هر کسی سه بار در نماز جمعه شرکت نکند، منافق است) قابل تطبیق است؟

ج. ظاهراً آن روایت در مورد وجوب تعیینی آن است.

نرفتن به نماز جمعه

۲۴۷۰. آیا اگر سه بار پیاپی به نماز جمعه نرویم، قساوت قلب پیدا می کنیم؟

ج. خیر، میزان مراعات وظیفه است.

فاصله بین دو نماز جمعه

۲۴۷۱. فاصله مکانی بین دو نماز جمعه چه قدر باید باشد؟

ج. فاصله بین دو نماز جمعه که هر دو واجد شرایط صحت باشند از یک فرسخ باید کمتر نباشد و اگر کمتر بود، هر کدام دیرتر شروع کرده باشند (یعنی در تکبیره الاحرام متأخر باشند) نماز آنها باطل است.

۲۴۷۲. آیا فاصله بین دو نماز جمعه از راهی که مردم رفت و آمد دارند اندازه گیری می شود یا به صورت خط مستقیم فرضی اندازه گیری می شود؟

ج. ملاک راهیست که مردم عبور می کنند.

برپایی دو نماز جمعه و جماعت در فاصله کمتر از یک فرسخ

۲۴۷۳. میان دو گروه از شیعیان اختلاف شده و منجر به برپایی دو نماز جماعت و دو نماز جمعه در فاصله کمتر از یک فرسخ شده است، حکم مسأله چیست؟

ج. نماز جماعت آنها صحیح است، ولی نماز جمعه هر کدام که زودتر شروع کرده اند صحیح و نماز جمعه ی دومی باطل است و اگر هر دو با هم شروع کرده باشند، نماز هر دو باطل است.

شرکت شخص مسلوس در نماز جمعه

۲۴۷۴. شخصـی که قدرت نگهداری بول ندارد، آیا می تواند در نماز جمعه شـرکت کند و خطبه ها را گوش کند و با عمل به وظیفه شخص مسلوس، نماز جمعه و عصر را بخوانند؟

ج. بله می تواند، با مراعات آن چه در رساله ذکر شده است.

شرایط امام جمعه و مسافر بودن امام جمعه

۲۴۷۵. آیا شرایط امام جمعه، همان شرایط امام جماعت است؟

ج. امام جمعه باید از کمال عقل برخوردار بوده و مرد و عادل و بالغ و حلال زاده و شیعه دوازده امامی باشد و لازم نیست نماز جمعه در اصل بر او واجب تعیینی باشـد، پس مسافر می تواند امام جمعه شود. (به مسأله ۱۹ از نماز جمعه ی رساله رجوع شود).

راه شناخت عدالت امام جمعه

۲۴۷۶. راه تشخیص عدالت امام جمعه چیست؟

و اگر افراد معتمد او را عادل نمی دانند، تکلیف چیست؟

ج. عـدالت عبـارت است از حسن ظاهر، یعنی دوری جسـتن از گناهان کبیره، به گونه ای که ظاهر احوال شـخص به طور ظنّی دلالت کنـد که او بنای بر ترک گناه دارد نه آن که اتفاقاً چنـد روزی گناه را ترک کرده باشد و مأموم باید این حسن ظاهر را احراز کند.

تعیین امام جمعه توسط فقیه در زمان غیبت

۲۴۷۷. آیا در زمان غیبت، امام جمعه را باید فقیه تعیین کند؟

ج. خیر.

شک در عدالت امام جمعه

۲۴۷۸. اگر مأموم به عدالت امام جمعه شک داشته باشد، آیا می تواند به او اقتدا کند؟

ج. نمی تواند اقتدا کند.

اقتدا به امام جمعه ای که ایجاد شبهه می کند

۲۴۷۹. ائمه جمعه اگر شبهاتی به ارزش ها وارد کنند، اقتدای نماز به آنها چه حکمی دارد؟

ج. امام جمعه باید عادل باشد.

قصد قربت در خطبه های نماز جمعه

۲۴۸۰. آیا واجب است خطبه های نماز جمعه با قصد قربت، ایراد شوند؟

ج. بله، ظاهراً واجب است.

واجبات خطبه های نماز جمعه

۲۴۸۱. واجبات خطبه های نماز جمعه چیست؟

ج. باید هر یک از دو خطبه مشتمل بر حمد الهی باشد و نیز بنا بر اظهر مشتمل بر صلوات بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و آل او علیهم السّلام باشد و نیز باید در مجموع دو خطبه، موعظه و قرائت قرآن کریم را ترک نکند، بلکه بنا بر احتیاط واجب هر یک از دو خطبه باید مشتمل بر موعظه (پند و نصیحت) و قرائت قرآن باشد؛ بلکه احوط رعایت ترتیب مذکور و نیز قرائت سوره کامل در هر یک از دو خطبه است و نیز احوط، لزوم اشتمال خطبه دوم بر صلوات بر معصومین علیهم السّلام به نحو تفصیل است.

ایستاده خواندن خطبه های نماز جمعه

۲۴۸۲. آیا واجب است خطبه های نماز جمعه را ایستاده خواند؟

ج. واجب است خطیب در حال خواندن خطبه ایستاده باشد.

ترک نشستن رو به قبله در نماز جمعه

۲۴۸۳. آیا هنگام گوش دادن به خطبه های نماز جمعه، رو به قبله نشستن واجب است؟

و اگر رو به قبله نباشیم نمازمان باطل است؟

.

ج. نشستن رو به قبله مستحب است و شرط صحّت نماز جمعه نیست و نماز را باطل نمی کند.

طهارت هنگام خطبه ها

۲۴۸۴. آیا واجب است هنگام گوش دادن به خطبه ها با وضو باشیم؟

ج. بهتر است خطیب و مأمومین در هنگام خطبه ها با طهارت باشند، اگر چه بنا بر اظهر صحت خطبه ها، مشروط به طهارت (

وضو، غسل و تیمم) نیست.

گوش دادن به خطبه ها

۲۴۸۵. آیا گوش دادن به خطبه های نماز جمعه واجب است؟

و در صورت عدم گوش دادن یا تأخیر عمدی برای شرکت در خطبه ها، نماز جمعه دچار اشکال می شود؟

ج. در صورتی که مأموم در شرایطیست که اگر خطبه ها را گوش بدهد می شنود، واجب است گوش بدهد و نیز حرف زدنی که او را از این گوش دادن واجب بازدارد، حرام است، اگر چه باعث بطلان خطبه و نماز جمعه نسبت به او نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر مأموم به خطبه ها نرسیده ولی یک رکعت از نماز جمعه را درک کرد، نماز جمعه او صحیح است.

ذکر گفتن و نماز خواندن هنگام خطبه ها

۲۴۸۶. آیا جایز است هنگام خطبه ها ذکر گفته شود و یا نماز مستحبی خوانده شود؟

ج. ذکری که مانع از گوش دادنِ خطبه ها نباشد اشکال ندارد و نماز خواندن هم وضعاً به صحّت نماز جمعه صدمه نمی زند.

خواندن نماز هنگام خطبه ها

۲۴۸۷. آیا هنگام ایراد خطبه های نماز جمعه می توان نماز ظهر و عصر را به صورت فرادا خواند؟

ج. مانعی ندارد.

کسی که به خطبه های نماز جمعه نرسیده

۲۴۸۸. کسی که به خطبه های نماز جمعه نرسیده، آیا نماز جمعه اش به جای نماز ظهر حساب می شود؟

ج. بله.

مقدار زمان طول کشیدن نماز جمعه و خطبه ها پس از ظهر شرعی

۲۴۸۹. ۱) مجموع نماز جمعه و خطبه ها تا چه مقدار پس از ظهر شرعی می تواند طول بکشد؟

ج. مجموع نماز جمعه و خطبه ها، باید خیلی پس از زوال و ظهر شرعی طول نکشد.

۲) فردی که معتکف است، آیا می تواند به نماز جمعه ای که بیش از این زمان طول می کشد برود؟

ج. شخص معتکف در نماز جمعه ای که بیش از این مقدار طول بکشد، بنا بر احتیاط واجب، نمی تواند برود.

شروع خطبه قبل از اذان

۲۴۹۰. در شهرهایی که خطبه ها را قبل از اذان شروع می کنند و بعد از اذان واجبات خطبه ها را تکرار نمی کنند، مأمومین می توانند بعد از خواندن نماز ظهر، نماز عصر را به نماز عصر امام جمعه اقتدا کنند؟

ج. در صورت ذکر شده، احتیاط واجب اینست که اقتدا نکنند.

فرادا خواندن نماز جمعه

۲۴۹۱. آیا می توان نماز جمعه را فرادا خواند؟

ج. واجب است نماز جمعه را به جماعت بخوانند و نیز جماعت شرط صحّت آن است.

کمترین تعداد شرکت کنندگان در نماز جمعه

۲۴۹۲. حد اقل چند نفر باید در نماز جمعه شرکت کنند، تا بتوان نماز جمعه خواند؟

ج. باید جمعیَّت آنها از پنج نفر مرد کمتر نباشد که یکی از آنها خود امام می باشد، بنا بر این غیر از امام اگر چهار نفر مرد هم - که نماز جمعه برای آنها وجوب تخییری دارد (اگر چه وجوب تعیینی نداشته باشد) - برای نماز جمعه حاضر شوند، انعقاد آن جایز و مشروع می شود. (مسأله ی ۶ از نماز جمعه رساله.)

کیفیت نماز جمعه

۲۴۹۳. چگونه باید نماز جمعه خوانده شود؟

ج. در نماز جمعه سوره معیّنی معتبر نیست، ولی مستحب است در رکعت اوّل پس از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره منافقون خوانده شود و نیز مستحب است که حمد و سوره آن بلند خوانده شود و در نماز جمعه دو قنوت مستحب است:

یکی در رکعت اوّل قبل از رکوع که پس از خواندن قنوت به رکوع می رود و دیگری در رکعت دوم بعد از رکوع که پس از پایان قنوت به سجده می رود.

استحباب گفتن اذان و اقامه نماز جمعه بعد از اذان

۲۴۹۴. اگر خطیب جمعه خطبه ها را قبل از زوال شروع کند و پس از زوال به پایان برد، آیا گفتن اذان و اقامه، پس از خطبه ها برای نماز جمعه استحباب دارد یا خیر؟

ج. بله، استحباب دارد.

قرائت نماز جمعه

۲۴۹۵. قرائت نماز جمعه باید آهسته باشد یا بلند؟

ج. مستحب است که حمد و سوره در نماز جمعه بلند خوانده شود.

قنوت نماز جمعه

۲۴۹۶. خواندن قنوت در نماز جمعه واجب است یا مستحب؟

ج. به تفصیلی که گذشت، دو قنوت در نماز جمعه مستحب است.

خواندن یک قنوت در نماز جمعه

۲۴۹۷. آیا می شود فقط یک قنوت در نماز جمعه خواند؟

ج. بله، می شود.

اشتباه مأموم

۲۴۹۸. اگر در نماز جمعه مأموم اشتباهاً در رکعت دوم، بعد از قنوت به رکوع رود، اما فوراً برخیزد، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

ج. اگر پس از رسیدن به حد رکوع یادش بیاید، باید به سجده رود و نیز اگر در حال رسیدن به حد رکوع ملتفت شود و در آن حال هیچ مکث رکوعی نکند، به سجده می رود و نمازش صحیح است؛ اما اگر شک کرد، نمازش باطل است.

شک در نماز جمعه

۲۴۹۹. آیا احکام شک در نماز جمعه، مثل احکام شک در سایر نمازها است؟

ج. بله.

نیّت فرادا بین نماز جمعه

۲۵۰۰. آیا مأموم در نماز جمعه می تواند در بین نماز، نیّت فرادا کند؟

ج. اگر بین نماز جمعه نیّت فرادا کند و نمازش را تمام نماید، نماز جمعه اش بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

اقتدا در رکعت دوم نماز جمعه

۲۵۰۱. کسی که به رکعت دوم نماز جمعه می رسد، آیا می تواند به امام جمعه اقتدا کند؟

ج. اگر چه تنها به رکوع امام برسد، نماز جمعه او صحیح است و رکعت دوم را خودش فرادا می خواند.

نماز جمعه و کفایت کردن از نماز ظهر

۲۵۰۲. آیا نماز جمعه کفایت از ظهر می کند؟ اگر کفایت نمی کند، اقتدا به امام جمعه که نماز ظهر را احتیاطاً نخوانده چگونه است؟

ج. بله، کفایت از ظهر می کند.

نیّت نماز ظهر بعد از نماز جمعه

۲۵۰۳. کسی که می خواهد بعد از نماز جمعه، نماز ظهرش را هم بخواند، باید استحباب کند یا احتیاط؟

ج. نیّت احتیاط مستحبی کند.

خواندن نماز ظهر به جماعت پس از نماز جمعه

۲۵۰۴. آیا امام و مأمومین می توانند پس از نماز جمعه، نماز ظهر را به جماعت بخوانند؟

ج. بله، همه نیّت احتیاطی کنند.

اقتدای نماز ظهر به نماز جمعه

۲۵۰۵. آیا می توان نماز ظهر را به نماز جمعه اقتدا کرد؟

ج. می تواند اقتدا کند، اگر نماز جمعه با تمام شرایطش و به طور صحیح برگزار شود، گرچه خلاف احتیاط است و بهتر است این کار را انجام ندهند.

قضای نماز جمعه

۲۵۰۶. آیا کسی که نماز جمعه را در وقتش نخوانده، می تواند آن را قضا نماید؟

ج. خیر و باید نماز ظهر را بخواند.

اقتدا به نماز عصر امام جمعه

۲۵۰۷. آیا بعد از نماز جمعه می توان به نماز عصر امام جمعه اقتدا کرد؟

ج. بله، می توان.

اقامه ی نماز جماعت هم زمان با نماز جمعه

۲۵۰۸. آیا وقتی که نماز جمعه برپاست می تواند در مساجد دیگر نماز جماعت را اقامه کند؟

ج. بله، مانعی ندارد و هنگام آن، وقت فضیلت است.

بلند خواندن قرائت نماز ظهر جمعه

۲۵۰۹. آیا قرائت نماز ظهر جمعه برای کسی که نماز جمعه نخوانده است، باید بلند باشد یا آهسته؟

ج. مستحب است بلند بخواند.

نماز جمعه برای مسافر

۲۵۱۰. آیا کسی که مسافر است می تواند در نماز جمعه شرکت کند؟

ج. بله، می تواند.

شرکت زنان در نماز جمعه

۲۵۱۱. آیا زنان می توانند در نماز جمعه شرکت نمایند؟

ج. می توانند، ولی بهتر است در خانه شان نماز ظهر بخوانند.

رفتن زن به نماز جمعه بدون اجازه ی شوهر

۲۵۱۲. آیا زن می تواند بدون اجازه ی شوهرش در نماز جمعه شرکت کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

نماز عید فطر و قربان

واجب بودن نماز عیدین

۲۵۱۳. آیا خواندن نماز عیدین واجب می باشد؟

ج. در زمان غیبت مستحب است.

واجب کردن نماز عید با نذر

۲۵۱۴. آیا شخصی می تواند با نذر، نماز عید را بر خود واجب کند؟

ج. بله، با نذر واجب می شود.

وقت برپایی نماز عید

۲۵۱۵. وقت اقامه ی نماز عید از کی شروع می شود و در چه زمانی وقت آن به پایان می رسد؟

ج. از اوّل آفتاب روز عید است تا ظهر.

ثابت شدن عید فطر در بعد از ظهر و زمان نماز عید

۲۵۱۶. اگر رسیدن عید فطر بعد از ظهر ثابت شود، آیا همان بعد از ظهر می توان نماز عید را برگزار نمود یا این که فردا صبح برگزار شود؟

ج. بعید نیست که نماز عید فطر به جماعت در فردای آن روز، بعد از طلوع آفتاب و قبل از ظهر، به امید مطلوبیّت، بدون قصد قضا مستحب باشد.

قضا شدن نماز عید

۲۵۱۷. آیا نماز عید قضا دارد؟

ج. خیر، قضا ندارد.

گفتن اذان و اقامه برای عیدین

۲۵۱۸. آیا برای نماز عیدین می توان اذان و اقامه گفت؟

ج. خیر، اذان و اقامه ندارد.

جواز اعاده نماز عید فطر به جماعت دوم

۲۵۱۹. آیا اعاده نماز عید فطر به جماعت دومی جایز است؟

ج. اعاده ی نماز عید فطر به جماعت دوم اماماً یا مأموماً، در حکم، مثل نمازهای دیگر است.

اقتدا به نماز عید در وسط قنوت ها

۲۵۲۰. اگر در نماز عیدین به قنوت اوّل امام نرسیم، چگونه می توانیم اقتدا کنیم؟

ج. احوط ترک اقتداست در آن رکعت، مگر بدانید که می توانید بقیه ای تکبیرات را با قنوت ها به جا آورید و به رکوع امام ملحق شوید.

رسیدن به رکعت دوم نماز عید

۲۵۲۱. اگر به رکعت دوم نماز عید برسیم، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟

ج. رکعت اوّل را با امام می خوانید و رکعت دوم را به صورت فرادا خودتان می خوانید.

خواندن ذکرهای دیگر در قنوت نماز عید

۲۵۲۲. آیا در قنوت های نماز عید می توان ذکرهای دیگری به غیر از آنچه که وارد شده است خواند؟

ج. بله، می توان.

کم و زیاد کردن قنوت های نماز عید

۲۵۲۳. آیا کم و زیاد کردن قنوت های نماز عید، باعث بطلان آن می شود؟

ج. عمداً نباید کم و زیاد شود.

گفتن اقامه توسط امام در نماز عید فطر

۲۵۲۴. اگر امام جماعت برای نماز عید فطر، اقامه بگوید، نماز او و سایر نمازگزاران چه حکمی دارد؟

ج. نباید اقامه بگوید، ولی نمازش صحیح است.

تفاوت نماز عید فطر و نماز عید قربان

۲۵۲۵. آیا نماز عید قربان، از حیث زمان و نحوه ی انجام، دقیقاً مانند نماز عید فطر است؟

ج. بله.

احکام نماز جماعت

فضیلت نماز جماعت

ثواب نماز جماعت و پاک شدن عقوبت گناهان

۲۵۲۶. آیا ثواب نماز جماعت باعث پاک شدن عقوبت گناهان می شود؟

ج. در آن چه مربوط به حق النّاس و یا هر چه انسان مأمور به تدارک است، نیست و در غیر آن بی اثر نیست.

حکم نماز خواندن با جماعت با سرعت

۲۵۲۷. آیا نماز به صورت جماعت با سرعت و بدون مستحبات بهتر است یا به صورت فرادا با مستحبات؟

ج. در صورت خواندن با جماعت بهتر است.

فضیلت نماز جماعت یا ادامه عزاداری

۲۵۲۸. آیا نماز جماعت اوّل وقت مهم تر است یا ادامه عزاداری امام حسین علیه السّلام؟

ج. جمع آن دو ممکن است.

جمع بین دو فضیلت نماز جماعت و نماز اوّل وقت

۲۵۲۹. اگر نماز جماعت پس از زمان فضیلت اوّل وقت برپا شود، چگونه می توان بین دو فضیلت نماز جماعت و نماز اوّل وقت جمع نمود؟ ترجیح با کدام است؟

ج. در اوّل وقت، نماز فرادا بخواند و بعد به جماعت آن را اعاده کند و اگر نخواست دو نماز بخواند، احتیاط در این امر مستحبّی، در تقدیم نماز اوّل وقت است.

جواز عدول به نافله در نماز استیجاری برای درک جماعت

۲۵۳۰. آیا در نماز استیجاری می توان برای رسیدن به جماعت، به نافله عدول کرد؟

ج. جایز است.

عقوبت ترک جماعت

۲۵۳۱. چون نماز جماعت واجب نیست و با توجّه به این که جماعت در دسترس است، اگر در نماز جماعت شرکت نکنیم، در محضر خداوند متعال مؤاخذه می شویم؟

ج. استحباب شرکت در جماعت، مؤکّد است؛ به طوری که بین مستحبّات کم نظیر یا بی نظیر است و ترک آن به عنوان اوّلی مؤاخذه ندارد.

انتخاب بین نماز فرادا با حضور قلب یا جماعت بدون حضور قلب

۲۵۳۲. اگر کسی احساس کند که در نماز فرادا دارای حضور قلب بیشتریست و در نماز جماعت به عللی کسل می شود، کدام

را انتخاب کند؟

ج. دومی را انتخاب کند.

صحّت حدیثی که ترک کنندگان نماز جماعت را یهودی معرفی می کند

۲۵۳۳. گویا از حضرت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم روایت شده که فرموده اند:

کسانی که به جماعت حاضر نمی شوند و فُرادا نماز می خوانند، یهودی هستند با آنان معاشرت نکنید. آیا این حدیث صحیح است یا نه؟

ج. باید شرایط خارجی صدور روایت ملاحظه شود.

اشتغال به کارهای اداری و عدم حضور در نماز جماعت

۲۵۳۴. در بعضی اماکن اداری، هنگام برپایی نماز جماعت که در وقت اداری است، تعدادی از افراد به خاطر شرایط کاری در نماز جماعت شرکت نمی کنند - با آن که انجام دادن آن کارها بعد از وقت اداری یا در روز بعد ممکن است - آیا عمل آنها سبک شمردن نماز محسوب می شود؟

ج. موارد آن مختلف است.

بهترین محل برای نماز جماعت

۲۵۳۵. بهترین مکان ها جهت نماز جماعت چه مکان هایی است؟

ج. به ترتیب: ۱) مسجد الحرام؛

۲) مسجد النّبی؛

۳) مسجد کوفه؛

۴) مسجد سهله؛

۵) مسجد خیف؛

۶) مسجد غدیر؛

۷) مسجد بیت المقدس؛

۸) مسجد براثا؛

۹) مسجد قبا؛

۱۰) مسجد جامع هر شهر؛

۱۱) مسجد قبیله؛

۱۲) مسجد بازار و نیز مشاهد مشرفه انبیا و اوصیای آنان و ائمه علیهم السّلام.

تداخل بین نماز جماعت و جلسه ی قرآن

۲۵۳۶. اگر بین نماز جماعت و جلسه ی قرآن تداخل پیش بیاید، کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. نماز جماعت مُقَدَّم است.

شرایط امام جماعت

شرایط و چگونگی عدالت امام جماعت و نحوه احراز آن

۲۵۳۷. شرایط امام جماعت چیست و منظور از عدالت امام جماعت چیست؟

ج. امام جماعت باید شیعه دوازده امامی، عاقل، عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و بنا بر احتیاط بالغ بوده و اگر مأموم او مرد است، امام نیز باید مرد باشد و عدالت معتبر در امام جماعت عبارت است از حسن ظاهر یعنی دوری جستن از گناهان کبیره، به طوری که ظاهر احوال شخص به طور ظنّی دلالت کند که او بنای بر ترک گناه دارد، نه آن که اتفاقاً چند روزی گناه را ترک کرده باشد و مأموم باید این حسن ظاهر را احراز کند و اصرار بر گناهان صغیره، به منزله گناه کبیره است.

اعمال منافی مروّت

۲۵۳۸. آیا اعمالی که با مروّت منافات دارد، مضر به عدالت امام است؟

ج. خیر مضر نیست؛ مگر به حدّی که منافی با کاشفیّت ظنّیه بر بنای بر ترک گناه باشد.

پخش موسیقی در مسجد

۲۵۳۹. امام جماعتی که از مسجدش صدای نوار موسیقی مطرب و غیر مطرب پخش می شود و او اهمّیّتی نمی دهد و یا احیاناً در آن مجلس شرکت می کند، آیا از عدالت ساقط می شود؟

ج. با عدم محمل صحّت، عدالت او مشکل دارد.

خصوصیاتی که باعث رجحان در امام جماعت می شود

۲۵۴۰. چه خصوصیاتی باعث می شود که شخصی برای امام جماعت بودن بر افراد شبیه خود رجحان داشته باشد؟

ج. صاحب مسجد و امامی که برای امامت آن مسجد معیّن شده و صاحب منزل یا مستأجر آن در صورت واجد شرایط بودن از دیگران در امامت برای جماعت مقدم هستند

و مستحب است کسی را که فقیه تر یا قرائتش از دیگران بهتر یا بزرگتر یا هاشمی است، امام جماعت قرار دهند.

مراد از گناهان کبیره

۲۵۴۱. منظور از گناهان کبیره که امام جماعت باید تارک آنها باشد چیست؟

ج. هر گناهیست که در قرآن بر آن وعده به آتش یا عذاب داده شده باشد یا در عبارتی کبیره بودن آن تصریح شده باشد یا از گناهی که کبیره بودن آن ثابت است، اعظم یا مساوی شمرده شده باشد.

منظور از اصرار بر گناهان صغیره

۲۵۴۲. منظور از اصرار بر گناه صغیره که به عدالت ضرر می رساند، چیست؟

ج. هر گناه غیر از گناه کبیره (که تعریف آن گذشته) صغیره است و انجام دادن آن برای بار دوّم (بدون این که پس از بار اوّل توبه واقع شود) اصرار است.

مطالبه پول در قبال نماز جماعت

۲۵۴۳. در صورتی که امام جمعه و یا امام جماعت نسبت به دنیا حریص باشد و در قبال خواندن نماز جماعت و جمعه و یا سخنرانی از مردم پول مطالبه نماید، آیا می شود در نماز به او اقتدا کرد؟

ج. آن چه مرقوم شد مضر به عدالت نیست؛ مگر در این راه مرتکب کبیره شود یا بر صغیره اصرار ورزد.

معاشرت با افراد فاسق

۲۵۴۴. آیا جایز است به کسی که با حضورش در بین افرادی که فاسق هستند باعث تقویت آنهاست اقتدا کرد؟ ناگفته نماند که حضورش نه به خاطر هدایت و ارشاد باشد، بلکه قصد به هم نزدن دوستی و یا جبران خوبی های آنها در حقّش باشد؟

ج. موارد مختلف است و با امکان حمل فعل مسلم بر صحیح، حمل بر فساد نباید کرد.

دروغ گفتن یا نوشتن

۲۵۴۵. اگر کسی آشکارا دروغ بگوید و یا بنویسد و یا باعث دروغ دیگران باشد و برای شخص و اشخاص موارد فوق واضح باشد، آیا اقتدای به او جایز است یا خیر؟

ج. عادل، دروغ حرام نمی گوید، مگر ضرورت لازم المراعات باشد که رهایی از حرام یا انجام واجب متوقف بر آن باشد و در هر صورت با امکان، باید حمل بر صحّت شود که شاید دروغ مصلحت آمیز بوده است.

ریش تراش بودن امام جماعت از روی جهل به مسأله

۲۵۴۶. حکم نماز جماعتی که به امامت جماعت فرد ریش تراش - از روی جهل به مسأله - برگزار شده است، چیست؟

ج. جماعت باطل است و احتیاطاً باید آن نماز را قضا کنند.

توبه از گناه کبیره

۲۵۴۷. شخصی مرتکب گناهی که مستوجب حد شرعیست شده است؛ ولی چون فقط خودش می داند و توبه کرده و حکم به عدالت او هم می شود، آیا می تواند امام جماعت بشود؟ کراهت چه طور؟

ج. مانعی ندارد و امام جماعت شدن فردی که حد شرعی بر او جاری شده است، مکروه است نه آن چه در سؤال ذکر گردیده است.

امامت جماعت دانشجو

۲۵۴۸. آیا دانشجوی دانشگاه مختلط که مقیّد به آداب و اصول اسلامی است، می تواند در نمازخانه دانشکده امام جماعت بشود؟

ج. شرایط امام جماعت در رساله مذکور است.

شخصی که نمی دانسته عمل امام جماعت او را از عدالت خارج می کند

۲۵۴۹. شخصی می دانسته که عدالت از شرایط امام جماعت است.

او عملی را از امام جماعت می دیده که در حقیقت ساقط کننده ی عدالت بوده، ولی او نمی دانسته و به آن امام اقتدا می کرده است، بعداً می فهمد عمل مذکور امام را از عدالت خارج می کند.

تکلیف نمازهایی که به این صورت به جماعت خوانده است، چیست؟

ج. اگر ندانستن او به جهل به مسأله بر می گردد، احتیاطاً اعاده کند.

امام جماعتی که از طرف سازمان تبلیغات یا امور مساجد فرستاده می شود

۲۵۵۰. آیا پشت سر امام جماعتی که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی یا سازمان امور مساجد فرستاده می شوند، می توان نماز خواند؟

ج. اگر عادل و واجد شرایط باشد، جایز است.

امامت کسی که خود را واجد شرایط نمی داند

۲۵۵۱. آیا کسی که خود را واجد شرایط امامت جماعت نمی داند، ولی دیگران به او این اعتماد را دارند و او نیز می داند که اگر نپذیرد، نماز جماعت منعقد نخواهد شد، می تواند به عنوان امام جلو بایستد و دیگران به او اقتدا کنند؟

ج. لازم نیست امام جماعت، خودش را عادل بداند.

پرداخت وجه به امام جماعت در اداره ها

۲۵۵۲. آیا پرداخت وجه به امام جماعت که در نمازخانه ی ادارات، نماز می خواند از طرف اداره صحیح است؟

ج. اگر اخذ اجرت صدق ننماید، مانعی ندارد وگرنه جایز نیست، بنا بر احوط.

اجرتی که ادارات به ائمه ی جماعات می دهند

۲۵۵۳. اجرتی که بعضی از ادارات دولتی به بعضی از روحانیونی که در آنجا اقامه ی نماز می کنند و یا مسأله می گویند، می دهند چه حکمی دارد؟

اگر این فرد روحانی قصد گرفتن اجرت داشته باشد، آیا نمازهایی که به جماعت خوانده شده صحیح است؟

ج. اگر برای کارهای غیر واجب باشد و یا به عنوان اجرت بر کار واجب نباشد، اشکال ندارد ولی در هر حال عمل، صحیح واقع می شود، هر چند عبادی باشد.

سهم امام و پول هایی که امام جماعت بابت امر خاصّی دریافت کرده است

۲۵۵۴. امام جماعتی از مردم و مأمومین، مقداری پول و قدری سهم مبارک امام علیه السّلام جهت ساختن مسجد گرفته؛ ولی در این مورد اقدامی نکرده است.

به همین دلیل صاحبان پول، پول خود را طلب می کنند؛ امّا او می گوید شما حق مطالبه ندارید، چون من وکیل شرع هستم و خودم می دانم چه کنم. آیا این مسأله به عدالت او ضرر می رساند یا نه و آیا می توان پشت سر این فرد نماز خواند؟

ج. تا جایی که حمل بر صحت ممکن باشد، مضر به عدالت نیست.

کسب اجازه از مجتهد جهت امامت جماعت

۲۵۵۵. آیا برای امام جماعت شدن نیاز به کسب اجازه از مجتهد است، یا همان توجّه و اعتماد مردم کافی است؟

ج. همان که مردم او را عادل بدانند، کافی است.

دفتر ازدواج داشتن امام جماعت

۲۵۵۶. آیا صاحب دفتر ازدواج بودن، به عدالت امام جماعت خدشه وارد می کند؟

ج. اگر شرایط ذکر شده جهت امامت جماعت را دارا باشد، مسأله مذکور منافاتی با امامت او نخواهد داشت.

امام جماعتی که قاضی است، ولی به درجه ی اجتهاد نرسیده

۲۵۵۷. آیا نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که شغل قضاوت دارد، ولی مجتهد نیست، صحیح است؟

ج. شرایط امام جماعت در رساله ذکر شده است که در صورت احراز آن، اقتدای به او جایز است.

مشاهده ی غیبت از امام جماعت

۲۵۵۸. اگر امام جماعت را چندین مرتبه در حال غیبت کردن ببینم، آیا از عدالت خارج می شود؟

ج. اگر امکان حمل بر صحّت ندارد، از عدالت خارج می شود.

امام جماعتی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند

۲۵۵۹. آیا اقتدا به امام جماعتی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر است، ولی این کار را نمی کند، جایز است؟

ج. اگر با وجود تمام شرایط وجوب، آن را ترک می کند از عدالت ساقط می شود و علم به این مطلب لازم است.

عدالت امام جماعتی که قوانین رانندگی را رعایت نمی کند

۲۵۶۰. امام جماعتی که با اتومبیل رفت و آمد می کند و بعضی از قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی کند، عادل می باشد یا خیر؟

ج. اگر عناوین ثانوی دیگر که ضرر به عدالت می زند، در میان نباشد، مضر به عدالت نیست.

شرکت در مجلس موسیقی

۲۵۶۱. اگر امام جماعتی در مجلسی شرکت می کند که در آن مجلس صدای موسیقی مطرب و غیر مطرب پخش می شود و

او اهمیتی نمی دهد؛ از عدالت ساقط می شود؟

ج. اگر امکان حمل به صحّت ندارد، بله ساقط می شود.

دروغ گفتن امام به صورت شوخی

۲۵۶۲. اگر امام جماعتی به صورت شوخی گاهی دروغ بگوید، آیا از عدالت خارج شده است؟

ج. خیر، خارج نمی شود.

امام جماعت شدن شخصی که کافر بوده و بعداً مسلمان می شود

۲۵۶۳. پدر و مادر شخصی کافر بوده و خودش نیز تا سال ها کافر بوده و سپس توبه کرده و مسلمان می شود. آیا چنین شخصی می تواند عادل و در نتیجه امام جماعت بشود؟

ج. بله، امکان دارد.

اعتقاد به تحریف دعاهای مفاتیح الجنان

۲۵۶۴. اگر امام جماعتی عقیده داشته باشد که برخی از دعاهای مفاتیح الجنان تحریف شده است، عادل می باشد یا خیر؟

ج. مضر به عدالت نیست.

امامت شخص وسواسی

۲۵۶۵. اگر شخصی وسواسی باشد - مثلاً کلمه ای را چند بار تکرار می کند، می تواند امام جماعت باشد؟

ج. تا به حد بطلان نمازش نباشد، اقتدای به او جایز است.

امامت شخص بی گناهی که بنا بر حکم دادگاه بر او حد جاری شده است

۲۵۶۶. شخصی در دادگاه محکوم شده و حد شرعی بر او جاری شده است در حالی که خود او می داند بی گناه بوده. آیا این فرد می تواند امامت جماعت افرادی که او را می شناسند یا نمی شناسند را، بر عهده بگیرد؟

ج. بله، مانعی ندارد.

امامت شخص مخالف انقلاب

۲۵۶۷. اشخاصی که مخالف انقلاب یا نظام جمهوری اسلامی و یا مخالف ولایت فقیه هستند، آیا اقتدا به آنها جایز است یا خیر؟

ج. اگر عادل باشند، اقتدا به آنها مانعی ندارد.

اقتدا به استادی که سر کلاس حاضر نمی شود

۲۵۶۸. اگر استاد دانشگاه سر کلاس های خود حاضر نشود، آیا می شود به او اقتدا کرد؟

ج. اگر آن تدریس بر او واجب شرعی باشد و بدون عذر آن را ترک می کند، عدم حضور او مُخل به عدالت می شود.

اقتدای ظاهری به امامِ فاقد شرایط

۲۵۶۹. آیا اقتدا به صورت ظاهری و صوری به امام جماعتی که فاقد شرایط می باشد، جایز است؟

ج. صحیح نیست و اگر فقط صورتاً اقتدا کند، کار حرامی نکرده است، مگر آن که سبب انتزاع ترویج باطل شود.

اقتدا به امام جماعت فاسق و اعاده نمازهای خوانده شده

۲۵۷۰. آیا اقتدا به امام جماعت فاسق جایز است؟

آیا نمازهایی که خوانده شده بایستی اعاده شود؟

ج. اقتدا به امام جماعت فاسق جایز نیست و اگر بعد از نماز بفهمد که امام جماعت عادل نبوده، نمازش صحیح است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۴۲ و ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ رساله رجوع شود.)

انتشار بی عدالتی یک امام جماعتی در بین مردم

۲۵۷۱. اگر عده ای امام جمعه یا جماعت را عادل ندانند، می توانند بی عدالتی او را در بین مردم منتشر کنند؟

ج. خیر، نمی توانند؛ مگر این که آن شخص سبب اضلال و گمراهی دیگران شود و ضمناً ترویج از او هم جایز نیست.

امام جماعت عادلی که نمی دانیم اکنون عادل است یا نه

۲۵۷۲. قبلاً به عدالت شخصی اطمینان داشتم و به او اقتدا می کردم. بنا بر ضرورت کاری مجبور شدم چند سال در شهر دیگری اقامت کنم. اکنون که به شهر خود برگشته ام، نمی دانم این فرد به عدالت باقیست یا نه. آیا شناخت قبلی من نسبت به عدالت این شخص کفایت می کند یا این که دوباره باید عدالت او را احراز نمایم؟

ج. شناخت قبلی کافی است.

اقتدا به امام جماعت غیر عادل و دوباره خواندن نماز

۲۵۷۳. شخصی با این که در عدالت امام جماعت شک دارد یا اصلاً او را عادل نمی داند، برای نماز به او اقتدا می کند و دوباره همان نماز را فرادا می خواند. آیا این عمل او اشکال دارد؟

ج. نماز جماعت خواندن او اشکال دارد.

پی بردن به این که امام جماعت حاضر، امام جماعت همیشگی نیست

۲۵۷۴. شخصی طبق روال همیشگی در نماز جماعت حاضر می شود. در اثنا یا بعد از تمام شدن نماز، متوجه می شود که امام جماعت، آن امام جماعت همیشگی نیست و امام جماعت کنونی موقتاً به جای او آمده است و نسبت به عدالت امام جماعت جدید اطمینان ندارد. حکم نمازی که خوانده است، چیست؟

ج. نماز او به جماعت باطل است هر چند آن امام جماعت دیگر هم نزد او عادل باشد و اگر به صورت وجوب یا استحباب و یا احتیاط، مأموم قرائت نماز خود را خوانده باشد، نماز او به طور فرادا صحیح است، ولی اگر طوری بوده که اگر قبل از نماز می فهمید که دومی است، به او هم مثل اولی اقتدا می کرده، نمازش به جماعت نیز صحیح است.

شک در عدالت

۲۵۷۵. در صورتی که انسان به عدالت امام جماعت شک داشته باشد، آیا می تواند به او اقتدا کند؟

ج. مأموم باید عدالت امام را احراز کند به طُرُقی که توضیح آن در رساله آمده است.

(به مسأله ی ۱۱۷۱ رساله مراجعه شود).

اقتدا به امام جماعتی که نمی شناسیم

۲۵۷۶. برای اقامه نماز وارد مسجدی می شویم و می بینیم که نماز جماعت برپا شده است.

با توجه به این که امام جماعت را نمی شناسیم، می توانیم به او اقتدا کنیم یا خیر؟

ج. خیر، نمی توانید.

کسی که خود را عادل نمی داند

۲۵۷۷. اگر کسی خود را عادل نداند و دیگری با دانستن شرایط امام جماعت به او اقتدا کند، آیا وظیفه ندارد که بگوید من عادل نیستم؟

ج. خود را تفسیق کردن، جایز نیست.

۲۵۷۸. کسی که خودش را عادل نمی داند در صورتی که مأمومین وی را عادل بدانند، آیا می تواند برای جماعت امامت کند

یا خیر؟

ج. اشکال ندارد ولی سعی کند که ملکه ی عدالت در او پیدا شود.

وظیفه دیگران در برابر امام جماعت غیر عادل

۲۵۷۹. اگر انسان در جمع محدودی در مدّت معینی حضور داشته باشد و امام جماعت آن جمع عادل نباشد یا قرائت او اشکال داشته باشد و نماز فرادا خواندن نوعی تفسیق و اهانت به او محسوب می شود، در چنین شرایطی تکلیف چیست؟

ج. اگر تفسیق به حساب می آید، می تواند در صف بایستد؛ ولی وظیفه منفرد را مراعات کند و در هر حال نماز خودش را بخواند، در این صورت باطل نیست.

علم به عدالت امام به خاطر اقتدای تعدادی از مؤمنین ظاهر الصّلاح

۲۵۸۰. آیا از این که عده ای از مؤمنین ظاهر الصّلاح به کسی اقتدا کرده اند، می توان به عدالت امام علم پیدا کرد؟

ج. امکان دارد.

تشخیص عدم عدالت امام از روی عدم اقتدای تعدادی از افراد ظاهر الصلاح به او

۲۵۸۱. ما امام جماعتی را عادل می دانستیم و به او اقتدا می کردیم، تا این که عده ی زیادی از افراد ظاهر الصّلاح آشکارا به امام اقتدا نکرده اند، آیا این موضوع نشان دهنده ی عدم عدالت امام نیست؟

ج. خیر، دلیل نمی شود.

امامت معمّم یا غیر معمّم

۲۵۸۲. آیا کسی که معمّم است بر غیر معمّم از حیث امامت جماعت برتری دارد؟

ج. بله، فی الجمله نسبت به دیگران مُقَدَّم است.

اقامه ی جماعت توسط غیر روحانی

۲۵۸۳. اقامه ی جماعت توسط غیر روحانی شناخته شده در صورتی که یک فرد روحانی ناشناسی حاضر باشد، چگونه است؟

ج. باید عدالت امام جماعت احراز شود.

اولویّت بین امام جماعت سیّد و غیر سیّد

۲۵۸۴. اگر در نزدیکی منزل ما در دو جا نماز جماعت برقرار شود که امام جماعت یکی از آنها سیّد و دیگری غیر سیّد است.

اقامه نماز با کدام یک اولویّت دارد؟

ج. اگر دیگری (غیر سید) فقیه تر نیست، سیّد اولویّت دارد.

ترجیح اقتدا بین فرد روحانی و غیر روحانی راتب

۲۵۸۵. امام راتب مسجدی غیر روحانی است.

اگر فردی روحانی به طور اتفاقی به آن مسجد برود و بخواهد امام جماعت بشود، آیا باید از امام راتب غیر روحانی اجازه بگیرد؟ و اگر هر دو قصد اقامه جماعت داشته باشند، اقتدا به کدام یک ارجح است؟

ج. امام راتب مُقَدَّم است.

امام جماعت غیر روحانی

۲۵۸۶. در مسجدی که در نزدیکی ما است، به دلیل نبودن فرد روحانی، یک نفر غیر معمّم اقامه ی جماعت می کند، در مسجد دورتر یک فرد روحانی و معمّم امام جماعت است.

اولویت برای شرکت در نماز جماعت، با کدام مسجد است؟

ج. اگر آن فرد معمم عالم هم باشد، اولویّت دارد.

مراد از صحت قرائت

۲۵۸۷. منظور از صحت قرائت امام جماعت، صحت قرائت حمد و سوره است یا صحت تمام قسمت های نماز؟

ج. صحت قرائت حمد و سوره امام شرط است.

منظور از صحیح بودن قرائت امام جماعت

۲۵۸۸. منظور از صحیح بودن قرائت امام جماعت چیست؟

آیا باید حروف را از مخارج آن طبق اصول تجوید بخواند؟

ج. اموری که رعایت آن در قرائت نماز لازم و ضروری است، در مسأله های ۸۲۳ تا ۸۲۷ رساله ذکر شده است.

اقتدا به کسی که مسائل قرائت را رعایت نمی کند

۲۵۸۹. در مسائلی از نماز که شما فتوای خاصّی دارید - مثلاً رعایت مد را در قرائت نماز واجب دانستهاید، آیا می توانیم به

کسی که این موارد را رعایت نمی کند اقتدا کنیم؟

ج. نمی توانید، بنا بر احتیاط.

اگر مأموم قرائت امام را صحیح نداند

۲۵۹۰. اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد، می تواند به او اقتدا کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

قرائت حمد و سوره با لحن زیبا

۲۵۹۱. آیا امام جماعت می تواند قرائت حمد و سوره و اذکار را با لحن زیبا انجام دهد؟

(در حالی که خودش عادت به این کار در حال فرادا را ندارد.)

ج. اگر به قصد ریا نباشد، اشکال ندارد.

شک در صحّت قرائت نماز امام

۲۵۹۲. شخصی در صحّت قرائت امام شک دارد. آیا می تواند اقتدا کند یا نه؟ و اگر می تواند اقتدا کند، به چه نحوی امکان پذیر است؟

ج. اگر شک در حکم باشد نمی تواند اقتدا کند و اگر شک در موضوع باشد می تواند اقتدا کند و اگر در اثنا فهمید که به صورت اشتباهی غلط خوانده، خود مأموم آن قرائت را می خواند، گرچه احتیاط در اینست که قصد فرادا نماید.

اطمینان به عدم صحت قرائت امام

۲۵۹۳. اگر مطمئن باشیم که قرائت امام صحیح نیست، می توانیم به او اقتدا کنیم؟

ج. خیر، نمی توانید.

اقتدا به کسی که قادر به بلند خواندن نماز نیست

۲۵۹۴. شخصی به علت بیماری که دارد نمی تواند نمازهای صبح و مغرب و عشا را با صدای بلند (جهر) بخواند، آیا اقتدا به او در آن نمازها صحیح است؟

ج. احوط ترک اقتدا است.

اقتدا به امام جماعتی که بعضی حرکات و حروف را اشتباه می خواند

۲۵۹۵. آیا اقتدا به امام جماعتی که بعضی از حرکات و حروف ادعیه یا آیات قرآن را اشتباه می خواند، صحیح است؟

ج. اگر به حد غلط خواندن باشد و در محل تحمّل باشد (در حمد و سوره دو رکعت اوّل نماز)، اقتدای به او صحیح نیست.

امامت کسی که بین اجزای نماز فاصله زیادی می اندازد

۲۵۹۶. اگر شخصی که عادت دارد بین اجزای نماز فاصله زیادی بیندازد یا در حین قرائت، زیاد مکث کند؛ می تواند امام جماعت باشد؟

ج. اگر مخل به موالات لازم در نماز نباشد، اشکال ندارد.

امامت فردی که برای وضو، نایب می گیرد

۲۵۹۷. اگر فردی برای گرفتن وضو، نایب بگیرد، صلاحیّت امام جماعت شدن را داراست یا خیر؟

ج. خالی از اشکال نیست.

اقتدا به فردی که به کمک عصا یا دیوار، می ایستد

۲۵۹۸. اگر فردی به کمک عصا یا دیوار قادر به ایستادن باشد، آیا اقتدا به او جایز است؟

ج. اگر مأموم در حال ایستاده به تکیه کردن نیاز ندارد، اقتدای او به کسی که به تکیه کردن نیاز دارد، محل اشکال و احتیاط است.

امامت کسی که کمرش خمیده است

۲۵۹۹. شخصی که کمرش مقداری خمیدگی دارد، به نظر حضرت عالی می تواند امام جماعت شود یا خیر؟

ج. اگر به حدّیست که انتصابی که شرط در قیام است از او فوت نمی شود، اشکال ندارد.

امام جماعت فرد نابینا

۲۶۰۰. آیا شخص نابینا می تواند امام جماعت باشد؟ به خصوص که از این جهت، در کیفیت تطهیر بدن و لباسش شبهه وجود داشته باشد؟

ج. ظاهراً اشکال ندارد.

شخصی که برص (پیسی) دارد

۲۶۰۱. اگر شخصی (پیسی) داشته باشد، ولی به قدری کم است که مردم نمی دانند و زیر لباس پنهان می ماند. آیا چنین

شخصی نباید امامت کند؟ اگر امامت کند، نماز مأمومین اشکال پیدا می کند؟

ج. مکروه است؛ ولی اشکال ندارد.

اقتدا به کسی که روی صندلی چرخ دار نماز می خواند

۲۶۰۲. آیا به شخصی که روی صندلی چرخدار نماز می خواند می توان اقتدا کرد؟

ج. کسی که ایستاده نماز می خواند، بنا بر اظهر نمی تواند به کسی که نشسته نماز می خواند اقتدا کند.

امامت کسی که یک دست او قطع شده است

۲۶۰۳. آیا کسی که یک دست او قطع شده است، می تواند امام جماعت بشود؟

ج. اشکال دارد.

کسی که یک یا چند موضع از مواضع هفت گانه اش را باندپیچی کرده

۲۶۰۴. اگر کسی یکی یا چند موضع از مواضع هفت گانه اش، که به هنگام سجده باید بر زمین قرار بگیرد، باندپیچی شده یا گچ گرفته باشد، می تواند امام جماعت باشد؟

ج. در مورد گچ گرفتگی و یا وجود باند در پیشانی خلاف احتیاط است.

امامت کسی که برای سجده مهر را بالاتر می آورد

۲۶۰۵. آیا کسی که برای سجده، مهر را روی میز می گذارد و سجده می کند، می تواند امام جماعت شود؟

ج. اشکال دارد.

امام جماعت شخصی که موضع سجده اش قطع شده است

۲۶۰۶. شخصی که بعضی از مواضع سجده اش مانند انگشت بزرگ پا قطع شده باشد، آیا می تواند امام جماعت بشود یا نه؟

ج. اشکال دارد.

مجروح و معلولی که رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد

۲۶۰۷. آیا مجروح یا معلولی که رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد، می تواند امام جماعت بشود؟

ج. اشکال دارد.

اقتدا به کسی که نمی تواند تمام کف دست را روی زمین بگذارد

۲۶۰۸. آیا مجروح یا معلولی که نمی تواند تمام کف دست را روی زمین بگذارد، جایز است امام جماعت شود؟

ج. خلاف احتیاط است، بنا بر این اشکال دارد.

اقتدای قاری قرآن به دیگری

۲۶۰۹. اقتدای فردی که قاری قرآن است و قرآن را با لحن زیبا و با رعایت اصول و قواعد تجویدی قرائت می کند به کسی که به صورت معمولی قرائت می نماید چه حکمی دارد؟

ج. جایز است.

اشتباه در افعال و اذکار امام

۲۶۱۰. اگر بدانیم که امام جماعت مثلاً «اللّه الصّمد» را درست تلفظ نمی کند و یا در انجام تشهد نماز اشکال دارد، آیا می توان تا آن مقدار از نماز نیّت جماعت کرد و از آنجا به بعد نیّت فرادا نمود؛ یا آن مقدار از نماز مثل «اللّه الصمد» را خود انسان قرائت کند و بقیه نماز را به جماعت تمام نماید؟

ج. از اوّل نمی توان به او اقتدا کرد، بنا بر احوط.

اقتدا به کسی که بر جهر قادر نیست

۲۶۱۱. کسی که به طور دائم یا موقّت، قادر به خواندن قرائت نماز به طور جهر نیست، آیا اقتدای به او در نمازهای جهریّه - یعنی صبح و مغرب و عشا - صحیح است؟

ج. بنا بر احوط، جایز نیست.

اقتدا به کسی که نماز با غسل غیر جنابت را جایز می داند

۲۶۱۲. امام جماعت از روی اجتهاد یا تقلید با غسل های غیر جنابت نماز خواندن را جایز می داند. آیا مقلّدین حضرت عالی می توانند اقتدا کنند یا نه؟ و اگر مأموم شک کرد که آیا امام بعد از غسل جمعه مثلاً وضو هم گرفته است یا نه، می تواند به او اقتدا کند؟

ج. احتیاط در ترک اقتدا است.

اقتدا به کسی که نماز با غسل مستحبی را جایز می داند

۲۶۱۳. اگر امام جماعتی، نماز با غسل مستحبی را جایز بداند و مأموم از روی تقلید یا اجتهاد آن را جایز نداند، مأموم می تواند

به امام اقتدا کند یا خیر؟

ج. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

اقتدا به کسی که دست یا پا ندارد

۲۶۱۴. در جنگ تحمیلی بعضی از روحانیون از ناحیه ی یک دست یا یک پا و یا ... قطع عضو شده اند و در ایّام محرم و صفر و رمضان جهت اقامه ی جماعت و تبلیغ به شهرها و روستاها می روند و نظر مراجع فعلی در این باره مختلف است، نظرتان را مرقوم فرمایید؟

ج. بنا بر احتیاط واجب به شخص معذوری که نماز عذری می خواند نمی شود اقتدا کرد؛ مگر به فردی که به علت عذری تیمم نموده است و کسی که با مأموم، نقص مساوی داشته باشد.

پس در فرض سؤال علی الاحوط نمی تواند اقتدا کند.

سجده فردی که به علّت سوختگی انگشت هایش جمع شده است

۲۶۱۵. شخصی هستم به علت سوختگی انگشتانم جمع شده است، به طوری که کف دستم هنگام سجده کاملاً بر روی زمین قرار نمی گیرد و فقط مقداری از کف دست و سر انگشتان روی زمین قرار می گیرد.

آیا بنده می توانم اقامه نماز جماعت نمایم؟ آیا می شود پارچه ای در دست گرفته که خلأ پر شود و اقامه نماز جماعت نمود؟

ج. بلی، اگر نتوانید تمام کف دست را روی زمین بگذارید، متعیّن است که با پارچه، خاك یا هر چیز دیگر کف دست را پر کنید تا همه جای دست عرفاً روی زمین مستقر باشد و با امکان این مطلب، فرقی بین نماز جماعت و فرادا نیست.

شخص دارای نیمه کف

۲۶۱۶. آیا شخصی که یک دستش دارای پنج انگشت است؛ ولی کف دست او به اندازه ی نصف کف دست افراد عادی است، می تواند امامت کند؟

ج. اگر فقط اشکال در کوچکی کف دست باشد، اظهر صحّت جماعت است.

کسی که نقص عضو دارد، ولی مقلّد دیگریست

۲۶۱۷. روحانیونی که نقص عضو دارند، اگر مقلّد مرجعی باشند که امامت جماعت را برای آنها بلااشکال می داند، ولی در مأمومین آنها کسانی باشد که احتمالاً یا علماً مقلّد مرجعی باشند که اقتدا را مجاز نمی دانند، آیا بر امام جماعت فوق لازم است که در هر مکانی که نماز به امامت او اقامه می شود قبل از نماز، مأمومین را از حکم مسأله ی مرجع آنها آگاه سازد؟

ج. اگر مأمومین از جهت این که حکم مسأله را نمی داننـد به او اقتدا می کنند، بنا بر احتیاط باید آنها را ارشاد کند و اگر اقتدا از این جهت است که موضوع را نمی دانند، لازم نیست به آنها اطّلاع دهد.

صحّت امامت زن برای زنان

۲۶۱۸. آیا زن می تواند برای زنان امام جماعت شود؟

ج. با وجود شرایط، مانعی ندارد.

امامت شخص خنثی

۲۶۱۹. آیا کسی که خنثیست می تواند لباس روحانیت بپوشد و امام جماعت شود؟

ج. اگر خنثایی باشد که بیشتر علایم مرد را داشته باشد که ملحق به مردان باشد، جایز است.

اقتدای زن پاک به زن مستحاضه

۲۶۲۰. آیا زنی که مستحاضه نیست، می تواند به زنی که مستحاضه است اقتدا کند؟

ج. بنا بر احتیاط، نمی تواند به او اقتدا کند.

امام راتب

۲۶۲۱. منظور از امام راتب چیست؟

آیا با وجود امام راتب، اقامه ی فرد دیگری صحیح است؟

ج. امام راتب یعنی امامی که برای امامت آن مسجد معیّن شده مُقَدَّم است؛ ولی امامت دیگری هم صحیح است.

جلوگیری از اقامه نماز امام غیر راتب

۲۶۲۲. آیا کسی می تواند از اقامه ی نماز جماعت توسط شخصی غیر از امام راتب، در مسجد جلوگیری کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

ممانعت بانیان مسجد از امامت امام راتب

۲۶۲۳. اگر کسانی در ساختن مسـجد سـهم داشته باشند، آیا می توانند مانع از اقامه نماز توسط امام راتب شوند و بگویند ما به امامت این فرد راضی نیستیم؟

ج. خیر، نمی توانند.

اقتدا به نماینده ی امام جماعت پیشین

۲۶۲۴. اگر امام جماعتی، به دلیل مسافرت، غایب باشد و شخصی را به جای خود معرفی نماید، آیا اقتدای به او صحیح است؟

همچنین اگر کسی را معرفی نکند و شخصی بدون اجازه به جای او بایستد؟

ج. باید آن امام را مأمومین عادل بدانند.

امام جماعت اهل تسنن

۲۶۲۵. آیا اقتدا به امام جماعت سنّی مذهب جایز است؟

ج. خیر، باطل است.

اقتدا به اهل تسنن در ایام حج

۲۶۲۶. آیا اقتدا کردن به اهل تسنّن به ویژه در ایام حج که نماز مغرب را پیش از وقت می خوانند یا این که مهر نمی گذارند و فاصله را رعایت نمی کنند، جایز است؟

ج. مأموم واجب است به وظیفه فرادا عمل کند و اگر لازم است تقیّه کند، حمد و سوره و لااقل حمد را به صورت آهسته بخواند، در غیر این صورت نماز را اعاده نماید.

اعاده نمازهایی که با تقیّه خوانده شده

۲۶۲۷. اگر کسی به خاطر تقیّه به امام جماعت سنّی یا غیر عادل اقتدا کند، باید نمازش را اعاده کند؟

ج. اگر حمد و سوره نمازهایش را و یا لااقل حمد آنها را - هر چند آهسته - نخوانده است باید نمازش را اعاده نماید.

اقتدا به امام جماعت شیعه ی فاسق یا سنّی عادل

۲۶۲۸. اگر دو امام جماعت باشند:

یکی شیعه و فاسق و دیگری سنّی و عادل. اقتدا به کدام یک از آن دو ارجح است؟

ج. اقتدای به هر کدام باشد، باطل است.

مقداری که در صف جماعت اهل سنت، جایز است مانند آنان نماز بخوانیم

۲۶۲۹. در هنگام اقتدای به اهل سنّت، تا چه مقدار جایز است مانند آنها نماز بخوانیم؟

ج. در صورت تقیّه، باید لااقل حمد را مأموم - هر چند آهسته - بخواند.

اقتدای ندانسته مأموم به نماز مستحبّی

۲۶۳۰. فردی در حال خواندن نماز مستحبّی است، دیگری به گمان این که وی نماز واجب می خواند به او اقتدا می کند، وظیفه او چیست؟

ج. احتیاط در وجوب اعلام امام جماعت است که اقتداکننده بفهمد و اگر به وظیفه ی منفرد عمل نکرده، آن نماز را هر چند به مثل سجده ی سهو جبران کند و یا اگر مثلاً رکنی را اضافه کرده است، اعاده کند.

مأموم و امام بودن یک نفر در یک نماز

۲۶۳۱. شخصی دو رکعت اوّل نماز خود را به جماعت خوانده که نماز اوّل تمام می شود، بنا بر این دو رکعت دیگر را فرادا می خواند. آیا شخص سوم می تواند به فرد مزبور اقتدا کند؟

ج. مانع ندارد.

اقتدا به خیال رکعت آخر و معلوم شدن رکعت دوّم

۲۶۳۲. اگر کسی در رکعت دوّم در حین تشهّد امام جماعت به تصوّر این که رکعت چهارم می باشد برای درک فضیلت جماعت اقتدا کند و بعداً بفهمد رکعت آخر نبوده است، وظیفه اش چیست؟

ج. می تواند به جماعت ادامه دهد و همراه امام برخیزد و رکعت اوّل خود حساب نماید.

اقتدای نماز قضا به جمعه

۲۶۳۳. آیا نماز قضای یومیّه را می توان به نماز جمعه اقتدا کرد؟

ج. اگر جمعه با شرایط آن اقامه شود، می شود اقتدا کرد.

امامت کسی که در داشتن نماز قضا شک دارد

۲۶۳۴. شخصی که شك دارد آیا نماز واجب یومیّه ای از او قضا شده یا نه، فرموده اند که قضای آن نماز مستحب است.

آیا می تواند با همین نماز امامت کند و دیگران به او اقتدا نمایند؟

ج. اقتدا به نماز مذکور اشکال دارد.

امام جماعتی که نماز قضای میّتی را به نذر تبرّعاً می خواند

۲۶۳۵. آیا اقتدا به امام جماعتی که نماز قضای حتمی میّتی را به نذر، تبرّعاً می خواند جایز است؟

ج. جایز است، حتی برای مأمومی که نماز فریضه اش را می خواند.

اقتدا به امامی که نماز قضای میّتی را به استیجار یا تبرّع می خواند

۲۶۳۶. آیا اقتدا به امام جماعتی که نماز قضای حتمی میّتی را به استیجار یا تبرّع می خواند، جایز است؟

ج. جایز است در استیجار و هر موردی که بر او واجب باشد و در تبرّع محض تأمّل است.

خواندن نمازهای قضا به جماعت

۲۶۳۷. شخصی نمازهای گذشته ی خود را غلط خوانده و یا اصلاً نخوانده است، آیا چنین شخصی می تواند قضای نمازهایش را به جماعت بخواند؟ آیا می تواند بین مأمومین فاصله و اتّصال قرار گیرد؟

ج. مانعی ندارد.

اقتدا به نماز ظهر و عصر نماز جمعه

۲۶۳۸. آیا می توان نماز ظهر را به نماز عصر امام جمعه در روز جمعه اقتدا کرد؟

ج. مانعی ندارد.

اقتدای نماز عصر به نماز جمعه

۲۶۳۹. آیا نماز عصر را می توان به نماز جمعه اقتدا کرد؟

ج. بله، می توان.

خواندن نماز احتیاط همراه با جماعت

۲۶۴۰. آیا می توان نماز احتیاط را به جماعت اقتدا کرد؟

ج. بله، می توان.

نحوه ی اقتدا کردن در رکعت سوم و چهارم

۲۶۴۱. اگر مأموم در رکعت سوم یا چهارم به نماز جماعت برسد، نحوه ی اقتدا کردن او چگونه است؟

ج. مأموم می توانـد صبر کنـد تا امام به رکوع رفته و سـپس اقتـدا کرده و به همراه امام به رکوع رود؛ اما اگر در حالی که امام ایسـتاده است اقتـدا کنـد، بنا بر احوط بایـد حمـد و سوره را بخوانـد و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع، خود را به امام برسانـد و اگر طوریست که اگر حمـد را تمام کنـد به رکوع نخواهد رسـید، احتیاط در اینست که قصـد فرادا کنـد و حمـد را تمام کرده و بقیه نماز را خودش بخواند و در رکعت دوم نیز مأموم در صورتی که اگر حمد را تمام کند به رکوع امام نمی رسد، نمی تواند حمد را رها کرده و همراه امام به رکوع رود؛ بلکه حمد را تمام نماید و در سـجده، خود را به امام برساند؛ گرچه احوط در این صورت قصد فرادا است.

اقتدا در رکعت سوم با این گمان که رکعت اوّل است

۲۶۴۲. شخصـی به رکعت سوم نماز جماعت می رسـد ولی گمان می کند که رکعت اوّل است، لذا چیزی نمی خواند تکلیف این فرد چیست؟

ج. اگر پیش از رکوع بفهمـد بایـد حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و خود را به امام برساند؛ اما اگر پس از رکوع متوجه شود که امام در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است.

اقتدا در حال رفتن امام به رکوع

۲۶۴۳. اگر مأموم در حال رفتن امام به رکوع، اقتدا کند؛ آیا نماز جماعت او صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

اقتدا در حال رکوع ولی نرسیدن به رکوع امام

۲۶۴۴. اگر کسی به خیال این که به رکوع امام می رسد، اقتدا کند ولی به رکوع نرسد، وظیفه اش چیست؟

ج. اگر به مقدار رکوع خم شده است، نمازش به طور فرادا صحیح می باشد و باید آن را تمام نماید؛ اما اگر پیش از آن که به مقـدار رکوع خم شود، امام سـر از رکوع بردارد، می توانـد نیّت فرادا کند یا می تواند صبر کند تا در رکعت بعد به امام ملحق شود و در صورت ملحق شدن، تکبیر دیگر لازم نیست.

اقتدا در زمانی که امام قنوت فراموش شده را پس از رکوع می خواند

۲۶۴۵. امام جماعتی قنوت را فراموش می کند و بعد از رکوع، قنوت را می خواند. آیا در این حال می توان به او اقتدا کرد؟

ج. بله می توان، ولی رکعت اوّل مأموم حساب نمی شود.

خواندن تشهد همراه با جماعت در حالی که او در رکعت اوّل است

۲۶۴۶. اگر کسی در رکعت دوم نماز اقتدا کند، آیا خواندن تشهد همراه با جماعت مستحب است یا واجب؟

ج. مستحب است تشهد را با امام بخواند و احتیاط مستحب آن است که موقع خواندن تشهد، به حال تجافی بنشیند، یعنی انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند.

اقتدا در تشهد آخر نماز و لیکن با نیّت فرادا

۲۶۴۷. شخصی در تشهد آخر نماز جماعت برای درک ثواب، نیّت کرده و می نشیند ولی در هنگام نیّت، نیّت فرادا کرده نه جماعت؛ آیا نماز او درست است یا نه؟

ج. نماز او درست است با رعایت نکاتی که در مسأله ی ۱۱۵۱ رساله ذکر شده است.

نحوه ی نشستن کسی که برای درک ثواب جماعت در تشهد آخر کرده است

۲۶۴۸. کسی که برای درک ثواب جماعت در تشهد آخر، تکبیره الاحرام می گوید و می نشیند، این نشستن او به حالت تجافی باشد یا نشستن معمولی؟

ج. بنا بر احتیاط مستحب در این حال به صورت تجافی بنشیند.

اقتدای دو نفر به همدیگر در صورتی که قبلاً نمازشان را فرادا خوانده بودند

۲۶۴۹. اگر دو نفر هر دو نماز واجب یومیّه را فرادا خوانده باشند، دوباره می توانند همان نماز را با اقتدا به یکدیگر به صورت جماعت بخوانند؟

ج. بله، می توانند.

اقتدا کردن امام، بقیّه نمازش را به مأموم

۲۶۵۰. فردی به شخص دیگری که رکعت آخر نماز اوست اقتدا می کند.

آیا آن فردی که امام است پس از اتمام نمازش می تواند نماز دیگرش را به این فردی که به او اقتدا کرده و هنوز مشغول نماز است، اقتدا نماید؟

ج. مانعی ندارد.

امامت شخصی که قبلاً مأموم بوده و این نماز را به جماعت خوانده

۲۶۵۱. آیا مأموم می تواند پس از تمام شدن نماز جماعتش، امامت جماعت همان نماز را بر عهده بگیرد؟

ج. جواز جماعت محل تأمل است؛ ولی در صورتی که جماعت دوم دارای مزایایی باشد که در شرع رجحان داشته باشد و کسی بخواهد به امید مطلوب بودن دو مرتبه نمازش را به جماعت بخواند، بنا بر اظهر جایز است.

دوباره خواندن نمازی که یقین به صحت آن داریم

۲۶۵۲. اگر کسی نمازش را در حالی که امام یا مأموم است بخواند و یقین به صحت این نماز داشته باشد، آیا جایز است دوباره آن را به عنوان امام یا مأموم بخواند؟ اگر جایز باشد آیا این عمل، مستحبیست یا نه؟

ج. جواز جماعت محل تأمل است؛ مگر در صورتی که جماعت دوم دارای مزایایی باشد.

(به تفصیلی که در مسأله قبلی ذکر گردید.)

اختلاف اجتهادی یا تقلیدی امام و مأموم

۲۶۵۳. آیا اقتدا به امام جماعتی که بلند خواندن قرائت را در نماز ظهر روز جمعه مستحب می داند (از روی اجتهاد یا تقلید) و بلند می خواند، برای مأمومی که آهسته خواندن در قرائت ظهر جمعه را واجب می داند، جایز است؟

ج. احتیاط واجب ترک اقتدا است.

اختلاف در تقلید یا اجتهاد امام با مأموم

۲۶۵۴. اگر در مسأله ای مأموم و امام از روی اجتهاد یا تقلید اختلاف داشته باشند، اقتدا صحیح است؟

ج. در مواردی که نماز امام در مقام عمل به نظر مأموم باطل نباشد، مانع ندارد و در غیر این صورت خلاف احتیاط وجوبی است.

اختلاف امام و مأموم در وجوب سوره

۲۶۵۵. اگر امام و مأموم در وجوب سوره اختلاف داشته باشند، به طوری که امام، واجب نمی داند ولی مأموم واجب می داند، آیا اقتدا صحیح است؟

ج. اگر امام سوره را نخواند، اقتدا جایز نیست، بنا بر احتیاط.

اختلاف رأی در شکسته یا کامل بودن نماز، بین امام و مأموم

۲۶۵۶. امام جماعتی به خاطر شغلی که دارد هر روز از شهری به شهری رفت و آمد می کند و به دلیل این که خود را کثیرالسّفر می داند، نمازش را کامل می خواند. اگر مرجع تقلید کسانی، کثیر السّفر بودن یا شغل کسی در سفر بودن را برای کامل بودن نماز قبول نداشته باشد، آیا آن افراد می توانند به آن امام جماعت، اقتدا نمایند؟

ج. بنا بر احوط نمی توانند.

اقتدای دوباره نماز مغرب

۲۶۵۷. در صورتی که یک رکعت نماز مغرب را به جماعت خواندیم، آیا می شود دوباره نماز مغرب را به عشای امام اقتدا کنیم؟

ج. مانعی ندارد.

دو جماعت در یک نماز

۲۶۵۸. اگر دو نفر در رکعت دوم به جماعت ملحق شوند، پس از تمام شدن نماز جماعت، یکی از این دو نفر می تواند دو رکعت باقی مانده نماز را به دیگری اقتدا و نیت جماعت دو نفری بنماید؟

ج. انتقال نیّت جماعت توسط مأموم، بعد از انتهای نماز امام، به امام دیگر و یا فرادی، جایز است.

نظم و اتّصال صف های نماز جماعت

اتّصال مجدّد صف جماعت

۲۶۵۹. اگر اتّصال انسان به واسطه فرادا شدن نماز یک یا چند نفر به هم بخورد، آیا نمازگزار می تواند با یک یا چند قدم جلو و چپ و راست رفتن، بدون حالت ذکر مجدداً اتّصال را برقرار نماید؟

ج. نمی تواند، البته با فاصله ای به مقدار یک نفر، نماز فرادا نمی شود.

کیفیت اتّصال مأمومین در نماز جماعت

۲۶۶۰. کیفیت اتّصال مأمومین را در نماز جماعت توضیح دهید؟

ج. باید بین جای سجده ی مأموم و جای ایستادن امام به قدر یک انسان که به سجده رفته است فاصله نباشد، بنا بر این اگر بین آن دو این مقدار فاصله بود، بنا بر اظهر نماز جماعت اشکال دارد و هم چنین اگر بین انسان و مأمومی که جلوی او ایستاده و به وسیله او به امام متصل است، به همین مقدار فاصله باشد، نمازش اشکال دارد و اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد باید فاصله او با آنها کمتر از مقداری که ذکر گردید باشد.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ رساله رجوع شود.) حد اکثر فاصله بین امام و مأموم

۲۶۶۱. تا چه اندازه فاصله میان امام و مأموم اشکال ندارد؟

ج. بیشتر از سر تا نوک انگشتان پای یک نفر که در سجده است فاصله نباشد.

واسطه شدن افراد نابالغ

۲۶۶۲. در مدرسه ی ما نماز جماعت برپا می شود و این جانب به عللی نمی توانم در صف اوّل بایستم و از طرفی مجبور هستم در صف های عقب بایستم و به وضو داشتن نفرات جلوی خودم - که اکثراً دانش آموز هستند، مشکوک هستم. آیا می توانم نماز خود را به جماعت بخوانم؟

ج. اگر نفرات مذکور بالغ هستند، می توانید اقتدا کنید و اگر بالغ نیستند ولی ممیّزند، در صورتی می توانید وارد جماعت شوید که اطمینان به صحّت نماز آنها داشته باشید.

بودن دیوار یا شیشه در بالکن مسجد

۲۶۶۳. اگر در بالکن مسجدی به جای نرده، جلوی آن دیوار یا شیشه ی مشجّر کشیده شود به طوری که فقط در حالت قیام، امام دیده شود، اقتدای در آنجا صحیح است؟

ج. اگر برای خواهران است و اتّصال عرفی محفوظ است اشکال ندارد، ولی برای برادران اگر نمی توانند در همه ی احوال مشاهده کنند، جایز نیست.

پایین تر بودن بعضی از مأمومین نسبت به هم

۲۶۶۴. اگر مکان مأموم از مکان امام پایین تر نباشد ولی از مکان مأمومی که واسطه ی اوست پایین تر باشد، جماعت صحیح است؟

ج. صحیح است.

واسطه شدن کسی که نماز او اشکال دارد

۲۶۶۵. در نماز جماعت اگر اتّصال مأموم فقط از جانب یک نفر باشد و علم داشته باشیم که نماز آن شخص دارای اشکالاتی است، نماز مأموم مذکور صحیح است یا خیر؟ و در فرض مسأله اگر علم نداشتیم ولی احتمال و ظن قوی به عدم صحّت نماز آن شخص بدهیم، حکم چیست؟

ج. با علم به باطل بودن نماز واسطه، اقتدا صحیح نیست و با عدم علم، نماز او محکوم به صحّت است و در این صورت اقتدا مانعی ندارد.

۲۶۶۶. در نماز جماعت اگر اتصال از طرف یک نفر باشد و او قبل از امام تکبیر بگوید، آیا اتصال نماز جماعت به هم می خورد؟ اگر بنا بر نظر مرجع تقلید واسطه نماز او صحیح باشد چه طور؟

ج. بله، اتصال به هم می خورد.

نمازهای جماعتی که اتصال نداشته اند

۲۶۶۷. در مسجدی که دیواری بین زن ها و مردها حایل بوده، مدّت ها نماز جماعت اقامه شده است.

پس از مدتی معلوم شده فاصله آن حایل به قدری بوده که مضر به اتّصال بوده است، آیا نمازهایی که این گونه اقامه شده است، صحیح می باشد؟

ج. ظاهراً چون جهل به موضوع بوده، نمازها محکوم به صحّت است.

واسطه شدن مأموم بیمار

۲۶۶۸. آیا مأمومی که بیمار است و روی تخت یا ویلچر نماز می خواند، موجب قطع اتّصال صف ها می شود؟

ج. موجب قطع اتّصال نیست.

کسی که جلوتر تکبیره الاحرام گفته است

۲۶۶۹. در نماز جماعت، فرموده اید:

بنا بر احتیاط واجب تکبیره الاحرام مأموم باید بعد از تکبیره الاحرام واسطه باشد؛ شخصی که مدّت ها این حکم را مراعات نکرده، وظیفه اش در قبال نمازهای جماعتی که قبلاً خوانده چیست؟

ج. چنان چه به وظیفه ی اخلال منفرد نکرده باشد، نمازهایش صحیح است و در غیر این صورت چون احتیاط است، می تواند با رجوع به فَالأعلم (مجتهد اعلم بعدی) اعمال سابق را تصحیح کند و احتیاط هم در عدم تقدّم است نه در مقارنت که در صورت هم زمانی و مقارنت، اشکال ندارد، پس با شک در تقدّم بعد از فراغ از نماز، نماز محکوم به صحّت است.

فاصله شدن کسی که نماز او احتیاطیست

۲۶۷۰. مأمومی که نماز احتیاطی خود را به امام اقتدا می کند، آیا می تواند تنها راه اتصال بین مأمومین قرار گیرد؟

ج. اشکال ندارد.

شکسته بودن نماز بعضی از مأمومین

۲۶۷۱. اتّصال صفوف در نماز چهار رکعتی به علت شکسته بودن نماز صفی که از مسافرین هستند از بین می رود و بعد با خواندن نماز دیگری توسط آنها برقرار می شود برای کسانی که در صف های بعدی اند و نمازشان تمام بوده است، آیا آخر نماز، حکم جماعت دارد یا خیر؟

ج. بعد از تمام شدن نماز مسافرین، اگر فاصله بین جای سجده ی مأمومین صف بعدی و جای ایستادن امام یا صف واسطه ی اتّصال به قدر یک انسان به سجده رفته باشد و یا در زمانی که مسافرین می خواهند اقتدا کنند استقرار آنها مانع از مشاهده

باشد، جماعت اشکال دارد و احتیاط آن است که فرادا تمام کنند.

تکبیر گفتن صف های عقب

۲۶۷۲. در نماز جماعت اگر صف های جلویی تکبیره الاحرام نگفته باشند، آیا صف های عقبی می توانند بگویند؟

ج. خلاف احتیاط است.

۲۶۷۳. آیا در نماز جماعت در صورت عدم نیّت صف اوّل جایز است که صف دوّم کند و آیا در صورت عدم نیّت صف دوّم جایز است صف سوّم و ... نیّت کند؟

ج. نیّت کردن متأخّر اشکال ندارد؛ ولی جلوتر از کسی که واسطه ی اتّصال او به امام است تکبیره الاحرام نگوید، بنا بر احوط.

واسطه قرار دادن منحرفین در قبله

۲۶۷۴. اگر ما به سمت قبله ایستاده باشیم و بعضی از مأمومین دیگر مقداری از قبله منحرف باشند، در صورت علم به این مسأله، آیا می شود اقتدا کرد؟

ج. اگر نماز آن مأمومین باطل نباشد مثل این که انحراف آنها از قبله سهواً باشد و یا فاصله شما با غیر آنها زیاد نباشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت اگر بعد از التفات و توجه به انحراف آنها، قصد فرادا کنید نماز صحیح است.

مأموم جاهل به حکم اتصال

۲۶۷۵. اگر در نماز جماعت، مأموم، جاهل به حکم اتصال باشد، آن نمازهایی که با عدم رعایت اتصال خوانده، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در آن نمازها به وظیفه ی منفرد عمل نکرده، باید آن نمازها را دوباره بخواند.

نماز خواندن در جایی که شخصی دیگر در آن مکان جا گرفته است

۲۶۷۶. شخصی برای نماز در مسجد جا گرفته و برای وضو گرفتن می رود. شخص دیگر سجّاده او را کنار زده و در جای او نماز می خواند. آیا نماز او صحیح است؟

ج. نماز او صحیح است، اگر با قصد قربت باشد، هر چند معصیت کرده است.

حد اکثر و حد اقل فاصله بین امام جماعت و مأمومین که همگی زن هستند

۲۶۷۷. حد اکثر و حد اقل فاصله بین امام جماعت و مأموم هایی که همگی زن هستند، چه قدر می باشند؟

ج. همان فاصله بین مردها باید رعایت شود.

تقدّم مرد بر زن در نماز جماعت

۲۶۷۸. آیـا در تقـدّم مرد بر زن در نمـاز جمـاعت و فرادا فرقی هست یـا خیر؟ و اگر صف هـای مأمومین زن جلوی مردها قرار بگیرد، جماعت صحیح است یا خیر؟

ج. در این مسأله بین جماعت و فرادا فرقی نیست و قرار گرفتن صف زن ها جلوی مردها، مکروه می باشد.

کسانی که در صف اوّل نماز با لباس نجس قرار گرفته اند

۲۶۷۹. اگر در صف اوّل نماز، سه یا چهار نفر که لباسشان نجس است، ایستاده باشند، اتصال بقیّه ای صف را به هم می زنند؟

ج. اگر با جهل به نجاست نماز می خوانند، نمازشان صحیح است و اتّصال بقیه را به هم نمی زنند.

وجود دو بچّه ی ممیّز در صف اوّل جماعت

۲۶۸۰. اگر در صف نماز جماعت دو بچّه ی ممیّز قرار گرفته باشند، آیا اتّصال به هم می خورد؟

ج. اگر نمازشان صحیح باشد، مانعی ندارد.

قرار گرفتن کسی که قادر به جلوگیری از خروج ادرار و ... نیست، در صف اوّل

۲۶۸۱. کسـی که نمی توانـد از بیرون آمـدن ادرار یـا بـاد شـکم جلوگیری کنـد، آیا می توانـد در صف اوّل یا در محل اتصال صف ها قرار بگیرد؟

ج. غالباً به یک نفر واسطه؛ اتصال به هم نمی خورد و اگر نمازش را طبق وظیفه خود صحیح می خواند، مانعی ندارد؛ مثل زن مستحاضه.

اتصال از طریق اهل سنّت

۲۶۸۲. در غیر موارد تقیّه اگر اتصال بعضی از مأمومین توسط اهل سنّت باشد، آیا جماعت صحیح است؟

ج. خیر.

بودن زن و مرد محرم در یک صف نماز جماعت

۲۶۸۳. آیا مرد و زن محرم می توانند در یک صف از نماز جماعت کنار همدیگر باشند؟

ج. مانعی ندارد.

عدم وجود حایل بین صف های زنان و مردانی که کنار یکدیگر ایستاده اند

۲۶۸۴. آیا زنان می توانند بدون وجود حایل و پرده، کنار مردان در صف نماز جماعت بایستند؟ در پشت سر مردان چه طور؟

ج. در صورت اوّل کراهت دارد و در صورت دوم بدون اشکال است.

وجود دیوار بین صف های مردان و زنان

۲۶۸۵. آیا وجود دیوار بین صف های مردان و زنان، صفوف نماز جماعت را قطع می کند؟

ج. خیر، قطع نمی کند.

نبودن پرده بین صف های مردان و زنان

۲۶۸۶. اگر ما بین صف های مردان و زنان پرده نباشد، آیا جماعت آنها اشکال پیدا می کند؟

ج. خیر.

وجود نرده های آهنی در بالکن مساجد

۲۶۸۷. آیا نرده های آهنی که در بالکن مساجد است، حایل بین صفوف نماز جماعت محسوب می شود یا خیر؟

ج. اگر مانع از دیدن نباشد، اشکال ندارد.

نحوه ی اتصال زنانی که در طبقه ی فوقانی نماز می خوانند

۲۶۸۸. اتصال صف های زنان که در طبقه ی فوقانی مسجد نماز می خوانند، چگونه با صف های طبقه ی پایین برقرار می شود؟

ج. به همان صورت که اگر پایین بودند، در همان مکان اتصال داشتند.

نماز جماعت در مساجد چند طبقه

۲۶۸۹. آیا در مسجدی که چند طبقه است و از طبقات بالا می توان طبقه های پایین تر را دید، می توان نماز جماعت برقرار نمود؟

ج. بله، می توان.

ایستادن در صف اوّل نماز جماعت با شکسته بودن نماز

۲۶۹۰. اگر نماز شکسته باشد، می توانیم در صف اوّل جماعت بایستیم یا نه؟

ج. اگر سبب قطع اتصال سایرین نباشد - مثل این که یک نفر باشد - اشکال ندارد و در هر صورت نمازش صحیح است.

ملاک اتصال صف اوّل

۲۶۹۱. آیا در صحت اتصال صف اوّل دیدن امام در تمام حالات شرط است؟

و اگر صف بسیار طولانی باشد و یا صف اوّل در بالکن باشد که امام را نبینند، آیا اتصال آنها اشکال دارد؟

ج. اگر به واسطه طولانی بودن صف اوّل، کسانی که دو طرف صف ایستاده اند امام را نبینند، می توانند اقتدا کنند.

عدم توجه به شکسته شدن نماز صف های جلو

۲۶۹۲. اگر انسان در مکانی که نمازگزار مسافر زیاد است نماز بخواند و در رکعت دوم پس از تشهد چشمان خود را ببندد و متوجه شکسته شدن نماز صف های جلو و به هم خوردن اتصال نشود، ادامه نماز او به جماعت صحیح است یا در صورت به هم خوردن صفوف هر چند او مطلع نشده باشد، نماز فرادا می شود؟

ج. نماز او فرادا می شود.

مساوی بودن محل ایستادن امام و مأموم

۲۶۹۳. آیا امام و مأموم می توانند در کنار هم به صورت مساوی بایستند؟

ج. اظهر جواز مساوات با امام، در محل ایستادن است، اگر چه احوط و افضل تقدم اندک امام است و صدق تأخّر، مربوط به عرف است.

تبعیّت از امام جماعت

لزوم متابعت در افعال و اذکار

۲۶۹۴. آیا متابعت از امام جماعت در افعال و اذکار نماز، لازم است؟

ج. در غیر تکبیره الاحرام از اقوال، متابعت لازم نیست. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۸۵ تا مسأله ی ۱۱۸۸ رساله رجوع شود.)

عدم متابعت در جماعت

۲۶۹۵. اگر کسی از امام جماعت متابعت نکند، فقط مرتکب حرام شده یا نماز جماعت او نیز باطل است؟

ج. وجوب متابعت، شرعی تعبّدی است، نه شرطی پس با تقدم یا تأخر فاحش عمداً یا از روی عذر، اقتدا باطل نمی شود، بنا بر اقوی.

تقدم تکبیره الاحرام بر امام

۲۶۹۶. اگر مأموم متوجه شود که زودتر از امام تکبیره الاحرام گفته است، چه باید بکند؟

ج. نماز او فرادا می شود و در صورتی که بخواهد به جماعت ملحق شود، با عدول نیّت می تواند نماز خود را به نافله تبدیل کرده و پس از اتمام آن، به جماعت اقتدا کند.

جهل به لزوم تبعیّت

۲۶۹۷. مأموم اگر جاهل به لزوم تبعیت از امام جماعت در اعمال نماز - مثل رکوع و سجود - باشد، آیا حکم عدم تبعیّت عمدی را دارد؟

ج. جاهل مقصّر در حکم عامد است.

رکوع سهوی قبل از امام

۲۶۹۸. اگر امام مشغول قرائت حمد و سوره باشد و مأموم سهواً به رکوع و پس از آن به سجده برود و بعد متوجّه شود که امام در حال رکوع است، حکم نمازش چیست؟

ج. اگر در عرف متشرّعه به واسطه ی فراوانی مخالفت با امام جماعت اقتدا باقی نباشد، محل احتیاط است و در غیر این صورت بر می گردد و با امام رکوع می کند.

شخصی که عمداً از امام تبعیّت نمی کرده

۲۶۹۹. آیا شخصی که عمداً از امام تبعیت نکرده است، باید نمازهایش را اعاده یا قضا کند؟

ج. موارد آن مختلف است.

(به مسائل ۱۱۸۸ تا ۱۱۹۰ رساله رجوع شود.)

گفتن تکبیره الاحرام هم زمان با امام

۲۷۰۰. اگر کسی اشتباهاً هم زمان با امام تکبیره الاحرام بگوید، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اشکال ندارد.

زمان گفتن تکبیره الاحرام

۲۷۰۱. آیا بعد از تکبیره الاحرام امام، در هر کجای صفوف باشیم، می توانیم تکبیر بگوییم یا این که باید منتظر باشیم کسانی که جلوتر از ما هستند، تکبیر بگویند؟

ج. بنا بر احتیاط صف های بعدی پس از تکبیره الاحرام صف های جلویی، تکبیره الاحرام بگویند.

هماهنگ بودن صدای مأمومین با امام جماعت

۲۷۰۲. اگر مأمومین ذکرهای قنوت یا رکوع و سجده را هماهنگ با امام جماعت بخوانند، به صورتی که صدای جمع خوانی از جماعت شنیده شود، آیا این کار اشکال دارد؟

ج. مکروه است مأموم ذکرهای نماز را به گونه ای بگوید که امام بشنود.

موارد سقوط قرائت از مأموم

۲۷۰۳. در چه صورت قرائت مأموم ساقط است و در چه صورت می تواند قرائت کند؟

ج. اگر مأموم در رکعت اوّل و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید بنا بر احتیاط حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود مستحب است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنان چه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد و چنان چه مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود باید بنا بر احتیاط همان قدر از حمد و سوره را نخواند و حمد و سوره خواندن مأموم در رکعت اوّل و دوم نماز ظهر و عصر کراهت دارد

و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

جلو افتادن سهوی از امام در رکوع

۲۷۰۴. اگر مأموم بعد از رفتن به رکوع متوجّه شود که امام در حال قیام است، وظیفه اش چیست؟

ج. چنان چه طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می رسد، باید سر بردارد و با امام به رکوع رود و نمازش صحیح است؛ اما اگر طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی رسد، باید سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر سر برندارد تا امام برسد، بازهم نمازش صحیح است.

رفتن به رکوع قبل از امام و عدم مراجعت به دلیل جهل به مسأله

۲۷۰۵. شخصی در نماز جماعت به جای قنوت به رکوع می رود و از روی عمد یا جهل به مسأله به عنوان متابعت به قنوت بر نمی گردد. اگر در همان حال منتظر بماند تا امام به رکوع برسد و سپس تا آخر نماز را با امام ادامه دهد؛ نماز او به جماعت

صحیح است یا خیر؟

ج. نمازش صحیح است.

زیاد کردن رکن به علت تبعیّت و پی بردن به باطل بودن نماز امام

۲۷۰۶. در نماز جماعت، مأموم به علت تبعیّت، رکنی - مثلاً رکوع - را زیاد کرده است پس از نماز متوجّه می شود که نماز امام باطل بوده است، آیا نماز مأموم صحیح است یا باید اعاده کند؟

ج. نمازش صحیح است.

شک در رسیدن به رکوع امام، پس از رکوع

۲۷۰۷. اگر کسی پس از سر برداشتن از رکوع شک کند که به رکوع امام جماعت رسیده است یا نه، وظیفه اش چیست؟

ج. شک او اعتبار ندارد.

نرسیدن به رکوع امام در اثر طولانی بودن قنوت

۲۷۰۸. اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت، قنوتش را آن قدر طولانی کند که به رکوع امام نرسد، آیا رسیدن به سجده، کفایت می کند یا خیر؟

ج. اگر مأموم، زیاد از امام عقب بماند، نمازش بنا بر اقوی صحیح است، ولی معصیت کرده است و اگر این مخالفت در نماز زیاد واقع شود، مخصوصاً اگر در چند رکن انجام بگیرد ممکن است از نماز جماعت خارج شود، ولی اصل نماز صحیح است.

اگر مأموم زودتر از امام سر از رکوع یا سجده بردارد

۲۷۰۹. اگر مأموم سهواً زودتر از امام سر از رکوع یا سجود بردارد در حالت های زیر چه وظایفی دارد؟

۱) به رکوع یا سجده بر می گردد و این در حالیست که امام سر برداشته است، یعنی به امام نمی رسد.

ج. در رکوع بنا بر اظهر نمازش باطل است و این اتفاق اگر در یک سجده واقع شود، نمازش صحیح است، ولی اگر در دو سجده اتفاق بیفتد، نمازش باطل است.

۲) می داند که اگر برگردد به امام نخواهد رسید

ج. نباید به رکوع یا سجده برگردد.

نرسیدن به رکوع امام به خاطر خواندن حمد در رکعت سوم

۲۷۱۰. اگر کسی در رکعت سوم امام، اقتدا کند و مشغول خواندن حمد شود و در این حال، امام به رکوع برود و فرد مأموم به علت خواندن حمد، نتواند خود را به رکوع امام برساند، چه وظیفه ای دارد؟

(منظور این که در حال خواندن حمد، امام سر از رکوع بردارد)

ج. احتیاط در اینست که قصد فرادا کند و حمد را تمام کرده و بقیه نماز را هم خودش بخواند.

مقدار انتظار در حالت تجافی

۲۷۱۱. اگر رکعت آخر امام باشد و ما هنوز رکعت های دیگری داشته باشیم، آیا باید تا آخر تشهد یا سلام در حالت تجافی منتظر بمانیم یا این که بلافاصله پس از دو سجده می توانیم بلند شویم و ادامه نمازمان را بخوانیم؟

ج. اگر قصد فرادا کنید می توانید بلند شده و نمازتان را ادامه دهید و در غیر این صورت احوط آن است که در وقت تشهّد و تسلیم امام به صورت تجافی بنشینید.

بلند یا آهسته خواندن حمد و سوره توسط مأموم در رکعت سوم نماز مغرب و عشا

۲۷۱۲. مأمومی که در رکعت سوم نماز مغرب و عشا به امام اقتدا می کند و تکلیفش خواندن حمد و سوره است، آیا باید بلند بخواند یا آهسته؟

ج. باید آهسته بخواند.

تکلیف مأموم در خواندن حمد و سوره در حالی که نمی داند رکعت چندم است

۲۷۱۳. اگر مأموم در رکوع یکی از رکعت ها اقتدا کند و همراه امام جماعت بعد از دو سجده بلند شود و نداند که اکنون رکعت دوم یا چهارم امام است، تکلیف او از حیث خواندن حمد و سوره چیست؟

ج. باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر بعداً بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

پی بردن به نخواندن تسبیحات اربعه در رکوع رکعت سوم

۲۷۱۴. مأمومی در رکوع رکعت سوم به یاد می آورد که در حال قیام هیچ ذکر و تسبیحات اربعه ای را نگفته است.

وظیفه ی این شخص چیست؟

آیا با همین وضع می تواند به نمازش ادامه دهد؟

ج. ادامه دهد و بعد از نماز احتیاطاً سجده ی سهو به جا آورد.

گفتن سلام پیش از امام جماعت

۲۷۱۵. آیا نمازگزار عمداً می تواند قبل از امام جماعت، سلام نماز را بگوید؟

ج. بنا بر اقوی نمازش صحیح است؛ ولی احتیاط در اینست که اگر عذری ندارد و می خواهد قبل از امام سلام دهد، قصد انفراد کند.

(مسأله ی ۱۱۸۶ رساله)

انجام دادن اعمال نماز زودتر از امام

۲۷۱۶. آیا مأموم می تواند زودتر از امام سر از سجده بردارد یا سلام دهد؟

ج. اگر مأموم عمداً پیش از امام عمداً هم سلام دهد، بنا بر اقوی نمازش صحیح است؛ ولی احتیاط در اینست که اگر عذری ندارد و می خواهد قبل از امام سلام دهد، قصد انفراد کند و مأموم باید غیر از آن چه در نماز خوانده می شود مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد و نباید پیش از امام انجام دهد.

نیت فرادا در جماعت

نیّت فرادا در اثنای نماز

۲۷۱۷. آیا در بین نماز جماعت می توان نیّت فرادا نمود؟ این کار چگونه انجام می گیرد و در کجای نماز می توان این عمل را انجام داد؟

ج. انسان در بین نماز جماعتی که خواندن آن به جماعت واجب نیست، بنا بر اظهر می تواند نیّت فرادا کند، اگر چه از اوّل قصد فرادا داشته باشد و فرادا در هر جای نماز جماعت که باشد اشکال ندارد ولی ممکن است از جهت اخلال به نظم جماعت و اشتباه انداختن مأمومین ممنوع باشد.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۱۴۳ رساله رجوع شود.)

نیّت فرادا برای درک فضیلت نماز

۲۷۱۸. شخصی در تشهّد آخر نماز امام جماعت تکبیره الاحرام می گوید و برای درک فضیلت می نشیند، لکن نیّت فرادا نموده نه جماعت - یعنی بر خلاف وظیفه عمل نموده است، آیا نماز او درست است یا اعاده دارد؟

ج. چون نیّت اقتدا داشته و منظور او فرادا بودن تمام رکعات نماز خودش بوده، نماز او درست است.

اهانت آمیز بودن نماز فرادا

۲۷۱۹. در مسجدی اقامه ی نماز جماعت می شود؛ شخصی برای اهانت به امام جماعت و یا این که شاید چنین قصدی نداشته باشد، فرادا نماز می خواند؛ امّا افراد حاضر در مسجد چنین برداشتی می کنند، نماز چنین شخصی چه حکمی دارد؟

ج. اگر اهانت باشد، بدون عذر شرعی حرام است؛ گرچه در هر صورت نماز اگر با قصد قربت باشد، صحیح است.

قصد فرادا و خواندن حمد و سوره از اوّل

۲۷۲۰. مأمومی که در بین حمد و یا سوره قصد فرادا کرده و نمی داند امام تا کجای حمد یا سوره را خوانده، اگر برگردد و از اوّل حمد بخواند جایز است؟

ج. مانع ندارد و قصد احتیاط داشته باشد.

نیّت فرادا داشتن ولی انجام دادن حرکات و سکنات با جماعت

۲۷۲۱. اگر در صف نماز جماعت شخصی قصد فرادا داشته باشد ولی در قیام و رکوع و قعود با جماعت هم آهنگ باشد، اشکال دارد یا نه؟

ج. اشکال ندارد ولی احکام شرعی جماعت را نباید اجرا کند؛ مثل تکرار تبعی در تقدّم سهوی و یا رجوع در شک.

جایی که مأموم باید نیّت فرادا بکند ولی این کار را نمی کند

۲۷۲۲. اگر در جایی از نماز مأموم بفهمد که نماز امام باطل است، اگر نیّت فرادا نکند، نماز خودش هم باطل می شود یا نه؟

ج. اگر به قصد وظیفه بقیه نماز را خودش بخواند صحیح است، به خلاف این که به جای نیّت نکردن فرادا نیّت کند عدم فرادا بودن را.

مأمومی که بین حمد و سوره قصد فرادا می کند

۲۷۲۳. اگر مأمومی بین حمد و سوره قصد فرادا کند، آیا حمد و سوره اش را باید از اوّل بخواند یا از آن جایی که نیّت فرادا می کند، یا لازم نیست بخواند؟

ج. از همان جا که قصد فرادا کرده است بخواند، (مسأله ی ۱۱۴۴ رساله).

مأمومی که قصد فرادا می کند و نمی داند امام در کجای قرائت حمد و سوره است

۲۷۲۴. اگر مأمومی در بین حمد و سوره قصد فرادا بکند و نداند که امام در کجای قرائت حمد و سوره است، چه تکلیفی دارد؟

ج. اگر قدر متیقّن ندارد، از اوّل حمد به قصد احتیاط بخواند.

آخرین جایی از نماز جماعت که عدول به فرادا امکان پذیر است

۲۷۲۵. تا کجای نماز جماعت می توان به فرادا عدول کرد که پس از آن دیگر عدول امکان پذیر نیست؟

ج. حد و مرزی ندارد، (مسأله ی ۱۱۴۳ رساله).

جایی که فرادا خواندن باعث توهین به جماعت می شود

۲۷۲۶. بنده امام جماعتی را عادل نمی دانم بنا بر این به او اقتدا نمی کنم. از طرفی اگر بخواهم فرادا بخوانم، گمان اهانت و بی احترامی می رود. از سوی دیگر می خواهم نمازم را اوّل وقت و در مسجد بخوانم، خواهشمندم بفرمایید تکلیف بنده چیست و چگونه باید عمل کنم؟

ج. اگر بی احترامی به گونه ایست که به حد حرمت نمی رسد، امر شما با فرض انحصار مسجد، مردّد بین راجح و مرجوح است که مختار هستید و به اختلاف شرایط و خصوصیات انتخاب می کنید.

احکام و مسائل ویژه امام جماعت

نیّت جماعت برای امام

۲۷۲۷. آیا نیّت جماعت برای امام لازم است یا خیر؟

ج. در تحقق جماعت فقط کافیست که مأموم نیّت اقتدا داشته باشد و امامت برای امام معتبر نیست و بدون نیّت او، جماعت از طرفین منعقد می شود و احکام آن از قبیل متابعت و شک جاری است، اما در استحقاق ثواب جماعت برای امام، بدون نیّت تأمّل است و نیز در این صورت احوط برای امام اینست که احکام جماعت را بر این نماز جاری نکند.

رعایت حال ضعیف ترین مأمومین

۲۷۲۸. منظور از این که امام جماعت، رعایت حال اضعف مأمومین را بکند، چیست؟

ج. یعنی او را به عسر نیندازد.

۲۷۲۹. اگر رعایت حال ضعیف ترین افراد خواندن نماز به صورت آهسته و با تأنی باشد، بر امام جماعت لازم است نماز را آهسته بخواند؟

ج. خیر، لازم نیست، گرچه خوب است.

بالاتر بودن جایگاه امام

۲۷۳۰. اگر جایگاه امام بالاتر از حد تعیین شده باشد، آیا نماز امام و مأمومین باطل می شود یا فقط نماز مأمومین باطل می

گردد؟

ج. جماعت باطل است؛ ولی نماز امام به صورت فرادا صحیح است و هم چنین مأمومین اگر مراعات وظیفه ی منفرد را بنمایند، نمازشان به صورت فرادا صحیح می باشد.

استفاده ی امام از بلندگو

۲۷۳۱. اگر امام جماعت برای رساندن صدای خود به مأمومین از بلندگو استفاده کند، نماز اشکال پیدا می کند؟

ج. خیر.

تعداد دفعات تکرار نماز یومیّه و نماز عید توسط امام

۲۷۳۲. امام جماعت تا چند نوبت می تواند نماز یومیّه و نماز عید را به جماعت بخواند؟

ج. فرقی بین جماعت دوم و سوّم و هکذا نیست و اظهر استحباب است با انعقاد جماعت با مأمومین دیگری غیر از نماز جماعت قبلی.

اقامه یک نماز توسط امام جماعت در دو محل

۲۷۳۳. آیا امام جماعت می تواند یک نماز را در دو محل به جماعت به جای آورد؟

ج. بله، می تواند.

اقتدا در یک نماز به یک امام در دو محل

۲۷۳۴. آیا شخصی که ملازم امام جماعتیست که در دو محل نماز می خواند، می تواند در هر دو محل به این امام، اقتدا کند؟

ج. بله، می تواند.

بلندی مکان امام نسبت به مأموم

۲۷۳۵. محل امام نسبت به مأموم تا چه ارتفاعی جایز است که بلند باشد؟

ج. اگر مکان امام مقدار خیلی کم، مثلاً کمتر از یک وجب بلندتر باشد، اشکال ندارد و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد، در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطّح بگویند، مانعی ندارد.

امام جماعتی که بدل از غسل و وضو، تیمم کرده باشد

۲۷۳۶. اگر امام جماعت، به دلیل عذر شرعی، بدل از غسل یا وضو، تیمّم کرده باشد، اقتدای به او صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

اشکال در تکبیره الاحرام امام

۲۷۳۷. اگر امام جماعت بعد از گفتن تکبیره الاحرام متوجه شود که تکبیر را درست نگفته، آیا باید به مأمومین اطلاع دهد که تکبیر نگویند؟ در این صورت آن کسانی که تکبیر گفته اند چه کار کنند؟

ج. بلی، اطلاع می دهد و آنها که تکبیر گفته اند فرادا می شوند که می توانند برای ملحق شدن به جماعت به نافله عدول کنند.

امام جماعتی که سهواً بعد از تکبیره الاحرام به رکوع می رود

۲۷۳۸. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیره الاحرام به رکوع رود، وظیفه ی مأموم چیست؟

اگر امام در رکوع به مسأله پی ببرد، او چه تکلیفی دارد؟

آیا با انجام دادن تکلیفش، نماز جماعت به قوّت خود باقی است؟

ج. مأموم اگر فهمید باید حمد را بخواند و جماعت صحیح است و امام بعد از نماز سجده ی سهو به جا می آورد؛ احتیاطاً.

فراموش کردن مقداری از سوره توسط امام

۲۷۳۹. اگر امام جماعت مقداری از سوره را فراموش کند و به رکوع برود، وظیفه ی مأمومینی که متوجه می شوند، چیست؟

ج. مأمومین نسبت به او وظیفه ای ندارند و همان مقدار باقی مانده از سوره را خود تدارک می کنند.

خواندن سوره ی خاصی در نماز جماعت با نظر مأمومین

۲۷۴۰. آیا امام جماعت می تواند به خاطر نظر مأمومین سوره ی خاصی را بخواند؟

ج. مانعی ندارد.

امام جماعتی که رکوع را فراموش کرده

۲۷۴۱. اگر در نماز جماعتی امام بدون رکوع از قیام به سجده برود، وظیفه ی امام و مأمومین چیست؟

ج. مأمومین باید رکوع را به جا آورند و نماز را فرادا بخوانند و امام اگر در سجده ی دوم فهمید، نمازش باطل است و اگر در

سجده ی اوّل فهمید، باید احتیاطاً نماز را با رکوع به جا آورد و باز نمازش را اعاده کند.

فراموشی یک سجده توسط امام و ادامه دادن نماز توسط مأمومین به همراه امام

۲۷۴۲. اگر در نماز جماعت، امام یک سجده را فراموش کند، در حالی که مأمومین با خبر بوده اند ولی به خاطر جهل به مسأله، همراه با امام، نماز خود را ادامه داده اند، تکلیف نماز امام و نماز مأمومین چیست؟

ج. نماز مأمومین باطل است؛ ولی امام بعد از نماز، قضای سجده را با سجده ی سهو به جا می آورد.

سه رکعتی خواندن نماز چهار رکعتی توسط امام به طور سهوی و تبعیّت مأمومین

۲۷۴۳. اگر امام جماعت، در نماز چهار رکعتی اشتباه کند و در رکعت سوم تشهد و سلام دهد و مأمومین نیز از او تبعیت کنند؛ وظیفه ی امام و مأمومین چیست؟

ج. اگر مأمومین فهمیده بودند که رکعت سوم است و تشهد و سلام داده اند، نمازشان باطل است، در غیر این صورت امام و مأموم پس از نماز و پیش از آن که عملی که باطل کننده ی نماز است انجام دهند باید فوراً مقداری که فراموش کرده اند را به جا آورند.

انجام سه سجده توسط امام

۲۷۴۴. اگر امام جماعت پشت سر هم سه سجده انجام دهد، آیا نماز او اشکال پیدا می کند؟ وظیفه ی مأمومین در این حال چیست؟

ج. مأمومین نباید آن سجده ی سوم را به جا آورند و امام بعد از نماز احتیاطاً سجده ی سهو را به جا می آورد.

باطل شدن نماز امام جماعت در حین نماز

۲۷۴۵. اگر در بین نماز، امام جماعت بفهمد که نمازش باطل است، چه وظیفه ای دارد؟

اگر به مردم اطلاع ندهد و نمازش را صورتاً ادامه دهد، آیا نماز مردم صحیح است؟

ج. امام کار حرام کرده و باید نماز را ادامه نمی داده؛ ولی مأمومین که نمی دانستند، نمازشان صحیح است.

وقوع حدث از امام جماعت در بین نماز

۲۷۴۶. اگر از امام جماعت در بین نماز، حدثی سر بزند، چه حکمی دارد؟

ج. باید دست از نماز بردارد و ادامه ندهد.

اگر امام جماعت قادر به ادامه نماز نباشد

۲۷۴۷. اگر در حین نماز، برای امام جماعت حالتی پیش بیاید که قادر به ادامه ی نماز نباشد، تکلیف مأمومین چیست؟

ج. امام یا مأمومین می تواننـد دیگری را امام قرار دهنـد، خواه آن فرد از اعضای جماعت باشـد و یا کسـی باشـد که ابتداءً می خواهد نماز بخواند. (مسأله ی ۱۲۰۳ رساله).

امام جماعتی که نمازش شکسته بوده، ولی سهواً کامل خوانده

۲۷۴۸. نماز امام جماعت شکسـته بوده؛ ولی به علت فراموشـی، نماز را کامل خوانده است، بعد از سـلام نماز متوجه مسأله می شود، حال تکلیف مأمومینی که نمازشان کامل بوده و نیز تکلیف خود امام چیست؟

ج. نماز مأمومین صـحیح بوده و امام اگر در وقت نماز یادش بیایـد، باید شکسـته به جا آورد ولی اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

امام جماعتی که نمازش شکسته بوده و تعمّداً کامل می خواند

۲۷۴۹. اگر امام جماعت برای خواندن رکعت سوم از حالت تشـهّد بلند شد و در قیام متوجه شد که نمازش شکسـته بوده، ولی به خواندن نماز ادامه داد تا این که چهار رکعت را کامل خواند، حکم نماز او و نماز مأمومین چیست؟

اگر عده ای از مأمومین می دانستند که نماز امام شکسته بود و عده ای نمی دانستند، تکلیفشان فرق می کند؟

ج. امام و مأمومین که می دانسـتند و قصـد انفراد نکردنـد نمازشان باطل است، ولی آنهایی که نمی دانسـتند، نمازشان صـحیح است.

تعدّد امامت یک نفر

۲۷۵۰. در برخی از منـاطق به علت کمبود روحانی و تقاضاهای مکرر جهت امامت، جماعت یك امام جماعت جهت خوانـدن یك وعده نماز به چند محل متفاوت دعوت می شود، اصل خواندن چنین نماز و نیّت نمازهای دوم و بعد چگونه باید باشد؟

ج. خواندن این نمازها اشکال ندارد و امام جماعت، نیّت جماعت مجدّد می کند.

مسائل متفرقه نماز جماعت

تشکیل نماز جماعت با دو نفر

۲۷۵۱. آیا می توان با دو نفر (مثلاً زن و شوهر یا خواهر و برادر) نماز جماعت اقامه کرد؟

ج. بله، می توان.

حرکت دست و پا هنگام قرائت امام جماعت

۲۷۵۲. در هنگام قرائت، آیا حرکت دست و پا مانعی دارد؟

ج. اگر به مقدار کمی باشد، مانعی ندارد.

موارد بطلان نماز جماعت و بطلان اصل نماز

۲۷۵۳. لطفاً مواردی که موجب بطلان اصل نماز می شود و نیز مواردی که فقط موجب بطلان نماز جماعت می گردد اما نماز به صورت فرادا صحیح است را توضیح دهید؟

ج. در موردی که نماز جماعت باطل است، اگر مأموم به وظیفه ی نماز فرادا عمل کند، نمازش به صورت فرادا صحیح است.

شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیّه

۲۷۵۴. آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیّه و نماز جمعه کراهت دارد؟

ج. در مورد زنان اساساً آنچه به ستر نزدیک تر باشد، افضل است و غیر آن ثوابش کمتر است.

تکلیف زنی که نمی تواند حمد و سوره را صحیح بخواند و ...

۲۷۵۵. با توجه به این که حضور در نماز جماعت برای کسی که نمی تواند حمد و سوره را صحیح بخواند، واجب است؛ تکلیف زن در این خصوص، با در نظر گرفتن این که شوهر، اجازه ی حضور در جماعت را ندهد چیست؟

اگر بدون اجازه ی شوهر در نماز جماعت شرکت کند، تکلیف نمازی که خوانده شده چیست؟

ج. کسی که قرائت نمازش غلط است واجب است صحیح آن را یاد بگیرد و اگر به هیچ وجه نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و به جماعت خواندن نماز، واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

ذکر در حال قرائت امام

۲۷۵۶. در صورتی که قرائت امام را بشنویم، آیا واجب است گوش کنیم و یا می شود در همین حال نیز ذکر گفت؟

ج. در صورت شنیدن قرائت در نمازهای جهریّه، هم گوش دادن مستحب است و هم دعا و تسبیح آهسته که هر کدام فضیلت دارد.

«کذلک اللّه ربّی» بعد از سوره ی توحید امام جماعت

۲۷۵۷. آیا مأموم می تواند پس از این که امام از قرائت سوره ی توحید فارغ می شود «کذلک اللّه ربّی» بگوید؟

ج. به قصد ذکر مطلق مانعی ندارد.

استحباب گفتن «الحمد للّه رب العالمین» پس از حمد امام در نماز ظهر و عصر

۲۷۵۸. آیا در نماز ظهری که امام حمد را آهسته می خواند، گفتن «الحمد للّه رب العالمین» پس از تمام شدن حمد، توسط مأموم مستحب است؟

با توجه به این که مأموم زمانی متوجه پایان یافتن حمد می شود که امام مشغول خواندن سوره شده است؟

ج. اگر همان وقت «الحمد للّه رب العالمین» را بگوید، اشکال ندارد، نه پس از شروع در سوره، مگر به قصد ذکر مطلق.

گفتن «الحمد للّه رب العالمین» بعد از حمد توسّط مأموم

۲۷۵۹. آیا امام جماعت می تواند بعد از تمام شدن قرائت حمد، جمله ی «الحمد للّه رب العالمین» را بگوید یا تنها مأموم می تواند؟ و اگر امام جماعتی یقین به جواز داشته باشد، نماز او و مأمومین چگونه است؟

ج. اگر به قصد مطلق ذکر بگوید، اشکال ندارد.

زیادی رکوع سهوی در رکعت دوم توسط امام

۲۷۶۰. امام جماعت در رکعت دوم به صورت سهوی رکوع را زیاد کرده است.

حکم نماز وی و نیز وظیفه مأمومین چیست؟

ج. نماز امام باطل شده است و مأمومین اگر یکی از خودشان را به جای امام جماعت قرار دهند، نماز جماعت آنها صحیح است و اگر چنین نکردند، نمازشان به نحو فرادا می شود و صحیح است.

خواندن نماز و بیان احکام شرعی در وقت اداری شرکت ها و ادارات

۲۷۶۱. خواندن نماز جماعت و گوش فرا دادن به سخنرانی بیان احکام شرعی که توسط مبلّغین انجام می گیرد در ساعت اداری شرکت ها و ادارات، چه حکمی دارد؟

حکم خواندن نماز فرادا در وقت اداری چیست؟

اگر کسی بدون اجازه کار فرما نماز بخواند؛ آیا نماز او اشکال شرعی دارد؟

ج. با اجازه ی کارفرما این امور را انجام دهد.

گفتن «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» در نماز جماعت

۲۷۶۲. آیا گفتن «اعوذ باللَّه من الشیطان الرّجیم» از آداب نماز است یا از آداب قرائت قرآن؟ آیا گفتن آن در نماز جماعت از عهده مأموم ساقط است یا نه؟

ج. از آداب قرائت قرآن است، هر چند در نماز هم باشد و در جماعت از عهده مأموم ساقط است.

رفتن به نماز جماعت در مسجد، بدون رضایت پدر و مادر

۲۷۶۳. آیا می توانم بدون رضایت پدر و مادر، جهت نماز جماعت به مسجد بروم؟ آنها می گویند نباید به تنهایی به مسجد بروی و خودشان هم حاضر نمی شوند که برای نماز با من به مسجد بیایند. لطفاً بفرمایید وظیفه ی من چیست؟

ج. اگر از رفتن شما به جماعت اذیت شوند، نباید بروید.

برپایی نماز جماعت بدون اجازه ی متولّی شرعی یک مسجد

۲۷۶۴. مسجدی، متولّی شرعی دارد که تمام اختیارات مسجد حتی تعیین امام جماعت، به عهده اوست اگر کسی بدون اجازه ی متولی، نماز جماعت بخواند، حکم نماز امام و مأموم چگونه است؟

ج. آن جماعت صحیح است.

نماز خواندن در حسینیه با وجود مساجد گوناگون

۲۷۶۵. با وجود چندین مسجد، نماز خواندن در حسینیه چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

مرور قلبی معنا و ترجمه آیات در نماز جماعت

۲۷۶۶. آیا گذراندن معنای آیات از دل در نماز جماعت اشکال دارد؟

ج. خیر.

شرکت مکبّرین در ثواب نماز جماعت

۲۷۶۷. آیا ثواب نماز جماعت به مکبّرین (کسانی که به وسیله ی تکبیر مأمومین را آگاه می سازند) داده می شود؟

ج. ثواب جماعت را نمی برند، اگر چه خالی از ثواب هم نیست.

بلند گفتن تکبیرها توسط یکی از مأمومین، جهت آگاه کردن دیگران

۲۷۶۸. اگر در نماز جماعت مکبر نباشد، آیا یکی از مأمومین می تواند به قصد ذکر تکبیرهایش را بلندتر بگوید تا سایر

مأمومین دچار اشتباه نشوند؟

ج. اشکال دارد.

اقامه ی نماز در مکانی که افراد بیشتری برای نماز حاضر می شوند

۲۷۶۹. اگر به یک روحانی که در جایی اقامه جماعت می کند، گفته شود که با تغییر محل نماز، افراد بیشتری در نماز جماعت شرکت می کنند و او بداند که در جای اوّل، نماز جماعت با رفتن او تعطیل می شود، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر در جای دوم هم جماعت بدون او اقامه می شود، در جای اوّل نماز بخواند.

اقامه نماز جماعت در حالی که نماز جماعت پزشکوه تری در همان نزدیکیست

۲۷۷۰. در مکانی نماز جماعت با حضور افراد زیادی برگزار می شود و صدای اذان و اقامه آن به گوش می رسد، آیا در این صورت اقامه ی نماز جماعت دیگر با افراد کمتر در نزدیکی آن مکان جایز است یا خیر؟

ج. بله، جایز است.

میزان تعطیلی ادارات برای برگزاری نماز جماعت ظهر

۲۷۷۱. از نظر شرعی، ادارات به هنگام نماز ظهر برای برگزاری نماز جماعت، چه مقداری می توانند کار خود را تعطیل و ارباب رجوع را منتظر بگذارند؟

ج. به مقدار خواندن نماز ظهر و عصر، با اجازه ی مسؤول اداره اشکال ندارد.

انجام اعمال مستحبی که باعث گرفته شدن وقت اداری می شود

۲۷۷۲. اگر در اداره جات، انجام بعضی کارهای مستحبی مانند دعا یا سخنرانی در بین دو نماز، موجب طولانی شدن نماز جماعت و گرفته شدن وقت اداری شود، این کارها جایز است؟

ج. خالی از اشکال نیست.

توهّم ریا از حرف دیگران

۲۷۷۳. برای مدّت ها هر شب توفیق حضور در نماز جماعت را داشتم؛ اما یک شب نتوانستم خودم را به نماز برسانم. به همین جهت فکر می کردم که دیگران درباره ی من می گویند:

«چرا امشب به نماز نیامد؟» آیا این تفکّرات، نشانه آن است که عبادت هایم از روی ریاکاری بوده است؟

ج. اشکال ندارد؛ ولی به صورت اختیاری این فکرها را نکنید.

برپا شدن نماز جماعت دوم، پس از اتمام نماز امام اصلی

۲۷۷۴. اگر بعد از پایان گرفتن نماز جماعت امام اصلی، نماز جماعت دومی برپا شود؛ صحیح است یا خیر؟

ج. بله، صحیح است.

فرادا خواندن نماز در جایی که نماز جماعت برپاست

۲۷۷۵. در مسجدی که نماز جماعت برپا شده، اگر تعدادی از افراد در آخر مسجد و پشت صف ها به طور فرادا نماز بخوانند، نماز این اشخاص صحیح است یا خیر؟ اگر رویّه این مسجد چنین باشد که در قسمت جلوی مسجد نماز جماعت و در آخر مسجد نماز فرادا خوانده شود چه طور؟

ج. اشکال ندارد، نماز همه صحیح است.

گفتن شعارهای انقلابی بعد از نماز جماعت

۲۷۷۶. آیا گفتن شعارهای انقلابی بعد از نمازهای جماعت، عبادت محسوب می شود؟

ج. خیر.

بلند شدن بی اختیاری سر از روی مهر در سجده

۲۷۷۷. اگر در نماز جماعت بدون اختیار پیشانی از مهر بلند شود و دوباره سر را به مهر بگذاریم، آیا دو سجده محسوب می شود یا باید به همراه بقیه سجده دیگری نماییم؟

ج. چون در جماعت است، یک سجده محسوب می شود.

منظور از کراهت داشتن یک عمل عبادی

۲۷۷۸. منظور از کراهت داشتن یک عمل عبادی چیست؟

آیا منظور اینست که اگر انجام ندهیم بهتر است یا این که ثواب کمتری دارد؟

ج. یعنی آن عبادت ثواب کمتری خواهد داشت.

احکام روزه

نیّت روزه

عدول از روزه ی مستحبّی به واجب

۲۷۷۹. آیا می توان از روزه ی مستحبّی به روزه ی واجب عدول کرد؟

ج. کسی که روزه ی قضا دارد، از او روزه ی مستحبی صحیح نیست؛ پس اگر قبل از زوال متوجه شد، می تواند نیّت روزه ی واجب کند.

بله، اگر در آخر شعبان به نیّت استحباب روزه گرفته، چنان چه در بین روز فهمید که رمضان است، باید به رمضان عدول کند و تجدید نیّت برای آن می کند؛ هر چند بعد از زوال باشد، بنا بر احوط.

نیّت روزه مردّد بین واجب و مستحب

۲۷۸۰. کسی که نمی داند روزه ی قضا دارد یا نه اگر روزه بگیرد، به نیّت این که اگر قضا دارد قضای واجب و گرنه مستحب باشد، آیا این گونه نیّت کردن صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

۲۷۸۱. آیا می شود روزه ای به نیّت روزه ی قضای احتیاطی پدر و مادر گرفت که اگر بر ذمّه ی آنها روزه ی قضاست ادا بشود و اگر نیست، روزه ی مستحبّی خود انسان باشد؟

ج. بله، می شود.

نیّت روزه ی استیجاری قبل از ظهر

۲۷۸۲. آیا می توان قبل از ظهر، نیّت روزه استیجاری کرد؟

ج. اگر باطل کنندهای روزه به جا نیاورده و یا با جنابت وارد صبح نشده باشد، می تواند تا قبل از ظهر نیّت روزه استیجاری نماید.

انصراف از روزه و تجدید نیت

۲۷۸۳. کسی غیر ماه رمضان قصد روزه کرده و بعد منصرف شده، ولی چیزی نخورده است.

آیا می تواند دوباره قبل از ظهر نیّت روزه قضای ماه رمضان یا استیجاری کند؟

ج. مانعی ندارد.

نیّت روزه برای جُنُبی که قبل از ظهر غسل کرده

۲۷۸۴. شخصی قبل از طلوع فجر یا بعد از آن محتلم شده و قبل از ظهر غسل کرده و چیزی نخورده است، آیا می تواند نیّت روزه ی قضای ماه رمضان یا استیجاری کند؟

ج. اگر قبل از فجر محتلم شده است، نمی تواند و اگر بعد از فجر محتلم شده است، می تواند.

تعارض بین روزه ی نذری و قضا

۲۷۸۵. کسی که، هم روزه ی قضا و هم روزه ی نذری دارد، کدام را باید اوّل به جا بیاورد؟

ج. اگر وقت یکی تنگ است، اوّل آن را به جا آورد و اگر وقت هر دو وسیع است، مخیّر است که هر یک را خواست انجام دهد.

نذر به جا آوردن قضای روزه ی رمضان در سفر

۲۷۸۶. آیا انسان می تواند نذر کند که روزه ی قضای ماه رمضان خود را در سفر بگیرد؟

ج. صحیح نیست.

عدول از روزه ی مدت دار به روزه مدت دار دیگر

۲۷۸۷. عدول از روزه ی واجب مدت دار - مثل روزه قضا - به روزه ی واجب مدت دار دیگر - مثل روزه نذری - جایز است یا نه؟

ج. در قبل از ظهر اشکال ندارد.

جهل به زمان روزه ی قضا

۲۷۸۸. اگر شخصی نداند که قضای ماه رمضان را باید تا رمضان بعد گرفت وگرنه کفّاره ی تأخیر دارد، در این صورت (ندانستن حکم)، اگر شخصی تا رمضان بعد روزه ی قضا را نگرفت، آیا کفاره ی تأخیر واجب می شود؟

ج. علم و جهل در این مسأله فرقی ندارد.

باطل کردن سهوی روزه

۲۷۸۹. اگر در روزه ی واجب یا مستحب سهواً مُبطلی به جا آورده شود، روزه چه حکمی دارد و آیا فرقی بین روزه ماه رمضان و غیر آن هست یا نه؟ و آیا فرقی در روزه ای که وقتش وسیع است یا غیر آن وجود دارد؟

ج. در غیر بقای بر جنابت، فرقی در عدم ابطال نیست و در آن مورد به مسأله ی ۱۳۱۷ رساله رجوع شود.

قصد روزه نبودن

۲۷۹۰. اگر روزه داری قصد کند که روزه نباشد ولی تا غروب افطار نکند و مبطلی انجام ندهد، آیا روزه اش باطل است و در صورت بطلان آیا کفاره دارد؟

ج. اگر روزه ی واجب معین باشد، روزه اش باطل است و عدم وجوب کفّاره، محل تأمّل است.

(مسأله ی ۱۲۷۰ رساله).

نیّت روزه یوم الشّک

۲۷۹۱. تکلیف روزه دار در مورد نیّت روزه ی یوم الشّک چیست؟

ج. روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اوّل رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد، نمی تواند نیّت روزه رمضان نماید؛ بلکه باید نیّت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنان چه بعداً معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می شود و در صورتی که قصد کند آن چه را که فعلاً خدا از او خواسته است انجام دهد و بعد معلوم شود رمضان بوده نیز کافیست و چنان چه در چنین روزی به نیّت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که رمضان است، باید نیّت روزه رمضان کند.

تبدیل نیّت از مستحبی به قضا

۲۷۹۲. شخصی نیّت روزه مستحبی کرده؛ ولی قبل از ظهر می فهمد که روزه ی قضا بر ذمّه اش می باشد، آیا می تواند نیّت روزه قضا بکند و اگر نیّت کند، آیا ثواب روزه ی مستحبی را هم می برد؟

ج. بله، می تواند نیّت روزه قضا کند و ثواب روزه ی مستحبی را هم می برد.

زمان نیّت روزه

۲۷۹۳. شخصی در روزه ماه رمضان تا طلوع آفتاب خوابیده و نیّت روزه آن روز را نکرده، آیا می تواند از آن هنگام نیّت روزه کند؟

ج. اگر از شب قبل از خوابیدن نیّت داشته، همان کافی است.

تردید در بطلان روزه

۲۷۹۴. اگر به گمان شخصی در روزه اش خلل ایجاد شده و شک دارد که روزه اش باطل شده یا نه و این تردید بین بطلان و عدم بطلان چند ساعت طول می کشد و بعد تردیدش برطرف شده و می فهمد که مبطل روزه انجام نداده است، آیا روزه اش صحیح است، در این مورد چه فرقی بین روزه ی واجب و غیر واجب وجود دارد؟

ج. روزه اش صحیح است و فرقی بین اقسام آن نیست.

یوم الشّک

۲۷۹۵. می دانیم اگر در یوم الشّک - که نمی داند آخر شعبان است یا اوّل ماه رمضان - نیّت رمضان کند، روزه ی آن روز باطل است.

آیا در مسأله ی فوق تفاوتی بین این که قبل از ظهر یا بعد از ظهر بفهمند وجود دارد به این که اگر ساعت ۹ صبح فهمیده باشد که ماه رمضان است و تجدید نیّت کرد، آیا بازهم روزه ی آن روز باطل است و اگر باطل است، آیا می تواند افطار کند؟

ج. اگر قصد قربت متمشّی شد - مثل این که جاهل به مسأله بوده - اشکال ندارد و در صورت بطلان، نمی تواند افطار کند.

روزه در عید فطر

۲۷۹۶. اگر کسی از روی بی اطلاعی در روز عید فطر روزه بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

خوردن داروهایی که جنبه ی غذایی ندارند

۲۷۹۷. آیا خوردن داروهای خوراکی که هیچ جنبه ی غذایی نداشته باشد و جهت تسکین دردهای بیماری به کار می رود، باطل کننده روزه می باشد؟

ج. به حسب ظاهر، مثل خوردن ریگ است و در خوردنی هایی که موجب بطلان روزه می شود، چیزهای معمول و غیر معمول فرقی نمی کند.

بله، ممکن است اگر محتاج به خوردن آن باشد، مضطر به افطار باشد.

داخل شدن خون دماغ در حلق

۲۷۹۸. اگر روزه دار خون دماغ شود، اگر سر را بالا بگیرد و خون دماغ داخل حلق شود، آیا روزه اش باطل است؟

ج. مثل ترشّحات بینی است که اگر به فضای دهن نرسد و داخل حلق شود و در حال غیر روزه هم این کار معمول باشد، قطع

نظر از عناوین دیگر مبطل روزه نیست.

چرک و خلط گلو

۲۷۹۹. آیا چرک و خلط گلو، روزه را باطل می کند یا نه؟

ج. اگر به فضای دهان نرسد، باطل نمی کند.

جمع شدن اخلاط در دهان در حال نماز

۲۸۰۰. اگر بین نماز در دهان روزه دار اخلاط سر و سینه جمع شود، به صورتی که اگر فرو دهد، روزه اش باطل می شود و اگر بخواهد بریزد، باید نماز را قطع کند.

وظیفه اش چیست؟

ج. اگر گرفتن آن به دستمال و مانند آن ممکن نباشد، قطع نماز برای ضرورت و عذر جایز است.

مسواک زدن

۲۸۰۱. آیا مسواک کردن با خمیر دندان در حال روزه، اشکال دارد؟

ج. اگر چیزی به حلق نرسد، اشکال ندارد.

تنفّس بخار آب در مواقع روزه داری

۲۸۰۲. تنفّس بخار آب غلیظ در حمام برای روزه دار چه حکمی دارد؟

ج. اگر مشکوک است که به حد غبار غلیظ مبطل رسیده است یا نه، اشکال ندارد.

فرو بردن آب دهان مخلوط به خون

۲۸۰۳. اگر روزه داری به دستور پزشک، آب دهان مخلوط به خون را فرو ببرد، روزه اش باطل است؟

در صورت بطلان، آیا قضای روزه کافیست یا کفّاره هم دارد؟

ج. اگر خون را عمداً فرو دهد، روزه اش باطل می شود و فرقی بین ضرورت و عدم آن نیست. بلی، در مورد ضرورت کفّاره ندارد؛ ولی دستور پزشک به تنهایی ضرورت آور نیست.

افطار کردن بعد از خوردن سهوی غذا

۲۸۰۴. اگر انسان در روزه ی واجب سهواً چیزی بخورد و به خیال این که روزه اش باطل شده است افطار کند، آیا غیر از قضا، کفّاره هم بر او واجب است؟

ج. اگر جاهل قاصر و غیر ملتفت به سؤال از این مسأله بوده، کفاره ندارد.

روزه داری که همیشه از لثه اش خون می آید

۲۸۰۵. تکلیف روزه داری که از لثه اش همیشه خون می آید چیست؟

ج. تا ممکن و میسور است باید خون را خارج کند و اگر ممکن نشد و ضرورت بر فرو بردن داشت؛ چون ضرورت، مفطر را از ابطال ساقط نمی کند، او از مصادیق مضطر به افطار است.

فرو بردن خلط سینه بدون اختیار

۲۸۰۶. روزه داری که خلط سینه به فضای دهانش آمده، آن را نگه می دارد تا پس از مدّت کوتاهی به بیرون دهان بریزد. امّا ناگهان بدون اختیار آن را فرو می دهد، آیا روزه اش صحیح است؟

ج. صحیح است.

افطار با مالی که خمس آن داده نشده است

۲۸۰۷. روزه دار با مالی که متَعَلُّق خمس است و خمس آن را نداده است، در ماه مبارک رمضان افطار می نماید، آیا کفّاره ی جمع دارد؟

ج. کفّاره ی جمع ندارد، مگر در بعض موارد که در هر صورت به حکم خوردن چیز غصبی است، مثل این که در تمام عین متَعَلُّق خمس تصرّف شده باشد و او نیز قصد ادای از مال دیگر را نداشته باشد.

خوردن سهوی

۲۸۰۸. اگر در هنگام روزه چیزی سهواً از گلو پایین رود، آیا روزه باطل است؟

ج. باطل نمی شود.

معیار خوردن در بطلان روزه

۲۸۰۹. معیار در خوردن و آشامیدن چیست؟

آیا به محض رسیدن به حلق، روزه را باطل می کند یا فرو بردن اشیا روزه را باطل می کند؟

ج. معیار، داخل شدن در حلق است.

استعمال ناس

۲۸۱۰. مادّه ایست به نام ناس که اعتیادآور است.

در هر نوبت مقدار دو گرم یا بیشتر از آن را زیر زبان می گذارند و از این طریق تأثیر کامل آن ظاهر می شود و بعد از دهان خارج می کنند.

آیا این عمل در ماه رمضان باعث بطلان روزه می شود؟

ج. اگر چیزی به حلق نرسد، از جهت روزه اشکال ندارد.

فرو دادن پوست های خشکیده لب

۲۸۱۱. آیا فرو بردن پوست هایی که گاهی اوقات از لب جدا می شود و خشک است، روزه را باطل می کند؟

ج. بله، باطل می کند.

افطار با اذان افق محل دیگر

۲۸۱۲. اگر با شنیدن صدای اذان تهران گمان کند که اذان اصفهان شده و افطار کند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر غروب خورشید (غایب شدن قرص خورشید در زمین مسطح) به افق اصفهان شده بوده، اشکالی ندارد.

گرد و غبار گچ و سیمان

۲۸۱۳. آیا گرد و غبار اشیایی مانند آرد و گچ و سیمان، روزه را باطل می کند؟

ج. اگر عمداً فرد رود، موجب بطلان روزه می شود.

زمان افطار کردن

۲۸۱۴. در ماه مبارک رمضان چه وقت می توان افطار کرد؟

ج. در وقت مغرب شرعی که بنا بر اظهر همان استتار (پنهان شدن) قرص خورشید در افق مستوی (زمین مسطح) است.

افطار كردن قبل از اذان مغرب

۲۸۱۶. یک روز اشتباهاً اذان مغرب کمی زودتر گفته شد و ما افطار کردیم، آیا روزه آن روز صحیح است؟

ج. اگر بعد از غروب آفتاب بوده صحیح است، هر چند قبل از زوال حُمره مشرقیّه بوده است.

عدم اعتماد به اذان راديو و تلويزيون

۲۸۱۷. اگر کسی به اذان رادیو و تلویزیون اعتماد نداشته باشد و یقین به دخول فجر صادق ننماید، آیا می تواند پس از پخش اذان از رادیو و تلویزیون بازهم غذا بخورد؟

ج. خلاف احتیاط است.

استمناء، جماع، باقی ماندن بر جنابت و حیض

استمناء چيست؟

۲۸۱۵. آیا استمناء یعنی آن که انسان با خود کاری کند که منی بیرون بیاید و یا اگر به تصویری یا فیلمی نگاه کند و یا با تخیّل، منی از او خارج شود نیز استمناء است و روزه را باطل می کند؟

ج. فرقی نمی کند.

استمناء بدون خروج منى

۲۸۱۸. اگر به قصد بیرون آمدن منی، استمناء کند ولی منی خارج نشود، آیا روزه اش باطل است؟

ج. روزه اش باطل است، ولی کفّاره ندارد.

جهل به باطل شدن روزه با استمناء

۲۸۱۹. آیا روزه داری که استمناء کرده و نمی دانسته استمناء روزه را باطل می کند، روزه اش باطل است؟

و در صورت بطلان، آیا کفّاره هم دارد؟

ج. روزه باطل است و بنا بر احتیاط واجب، کفّاره جمع دارد؛ مگر در صورتی که جاهل قاصر و غیر ملتفت به سؤال باشد که خصوص قضای بعد از رفع قصور واجب است.

ملاعبه با همسر بدون انزال

۲۸۲۰. آیا بازی و شوخی کردن با همسر، بدون این که منی خارج شود، روزه را باطل می کند؟

ج. خیر، باطل نمی کند.

ملاعبه ی با خود

۲۸۲۱. شخصی در ماه رمضان با خود بازی می کند؛ ولی منی خارج نمی شود و علایم جنب هم در او نیست، بعد از ساعتی بول می کند و مایع سفید رنگی خارج می شود که شک دارد منی هست یا نه، حکم روزه ی این شخص در صورت قصد انزال یا عدم انزال چیست؟

ج. با قصد انزال، روزه اش باطل است.

ملاعبه با همسر همراه با انزال

۲۸۲۲. حکم روزه ی شخصی که در ماه مبارک رمضان در حال بازی با همسرش جنب شده چیست؟

ج. اگر قصد انزال داشته یا عادت او در این کار این بوده که به انزال منجر می شده، روزه وی باطل است.

انجام ندادن غسل بعد از جنب شدن

۲۸۲۳. روزه کسی که جنب شده و بدون غسل و تیمم روزه گرفته، چگونه است؟

ج. روزه اش باطل است.

جهل به حکم جنابت

۲۸۲۴. به علت ندانستن حکم جنابت در زمان جوانی و مجرّدی، نسبت به صحت نمازها و روزه هایم شک دارم، چه کنم؟

ج. با شک، تکلیفی ندارید.

۲۸۲۵. از ابتدای بلوغ مدت شش سال بر اثر نادانی و بدون عذر شرعی روزه نمی گرفتم، یک سال را هم بدون این که بدانم جنب هستم، روزه گرفته ام، وظیفه من چیست؟

ج. تمام آن روزه ها قضا دارد و آن شش سال اگر جاهل مقصر بودید، کفاره هم دارد و کفاره ی تأخیر هم دارند.

غسل نکردن به علت کم رویی

۲۸۲۶. شبی به علت کم رویی نتوانستم غسل جنابت کنم، لـذا عمداً یک روز ماه رمضان را روزه نگرفتم، اکنون وظیفه ی من چیست؟

ج. می توانستیـد نزدیک طلوع فجر تیمّم کنیـد، ولی چون با جنابت وارد صبح شده و عمداً روزه آن روز را نگرفته اید، قضا و کفاره بر شما واجب است.

استبراء پس از جنابت یا احتلام

۲۸۲۷. آیا استبراء یا بول - با این که می داند بقایای منی همراه بول خارج می شود - روزه را باطل می کند؟

ج. خیر، باطل نمی کند.

تأخیر انداختن غسل جنابت

۲۸۲۸. اگر در ماه رمضان کسـی بعـد از اذان بیـدار شود و متوجه گردد که جنب است و غسل را تا عصـر تأخیر بینـدازد، روزه اش صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

غسل جنابت هنگام اذان صبح

۲۸۲۹. آیا روزه دار می تواند در هنگام اذان صبح، غسل جنابت کند؟

ج. اگر قبل از اذان تیمم کرده است، مانعی ندارد.

خیال جنابت و غسل نکردن برای آن

۲۸۳۰. شخصـی در ماه رمضان قبل از طلوع فجر، مایعی از خود دیده و خیال کرده که محتلم شده، اما عملاً غسل نکرده است، ولی قبل از ظهر فهیمـده که جنب نبوده و آن مایع منی نبوده و مفطری هم انجام نداده، آیا می تواند آن روز را روزه بگیرد؟ و در صورت بطلان حکم این شخص در روزه و کفاره و قضا چیست؟

ج. جایز نیست مفطری را انجام دهد و اگر اطمینان به جنابت داشـته با علم به مسأله، به طوری که نیّت از او متمشّی نشده، فقط قضا دارد.

احتلام در طول روز

۲۸۳۱. شخصی در روز ماه رمضان محتلم شده است، آیا فوراً باید غسل کند، یا می تواند تا غروب غسل نکند؟

ج. لازم نیست فوراً غسل کند.

اجبار زن به جماع

۲۸۳۲. اگر مردی زن خود را مجبور به جماع نماید، وظیفه زن به لحاظ قضا و کفاره چیست؟

ج. کفاره روزه خودش و روزه زنش را بایـد بدهـد، ولی اگر زن در بین جماع راضـی شود، بنا بر احتیاط واجب مرد دو کفاره بدهد و زن یک کفاره و در هر صورت زن باید قضای روزه آن روز را به جا آورد.

ترشح پس از ملاعبه

۲۸۳۳. اگر خانمی با همسر خود در ماه مبارک رمضان شوخی و ملاعبه کند، سپس ترشّحی در خود ببیند، وظیفه چیست؟

ج. اگر منی انزال نشده و قصد انزال هم نداشته، اشکال ندارد.

میزان در تعدّد خواب

۲۸۳۴. آیا کسـی که دچار خواب های کوتاه مـدّت – مثلاً یک ربع – می باشـد و زود به زود بیـدار می شود، آیا هر کـدام در حکم یک خواب محسوب گردیده و اگر غسل واجب نکرده، کفّاره روزه هم به گردنش خواهد آمد؟

ج. اگر واقعاً خواب برود، کم بودن زمان دخالتی ندارد.

فراموشی تیمّم

۲۸۳۵. شبی در ماه مبارک رمضان جنب شـدم و چون امکان حمام کردن برایم نبوده، تصـمیم گرفتم بعد از خوردن سـحری و قبل از اذان صبح تیمّم بدل از غسل نمایم.

ولی متأسـفانه پس از خوردن سـحری یـادم رفت که تیمّم نمـایم و هنگـام اذان یـادم افتاد و سـریعاً تیمّم کردم. آیا روزه ای که گرفتم صحیح بوده است؟

ج. روزه ی آن روز باطل است.

غسل کردن روزه دار هنگام اذان

۲۸۳۶. شـخص جُنُبی قبل از اذان بیـدار شـده و مشـغول غسل می شود و در حین غسل، اذان می گویند. آیا روزه ی او صـحیح است؟

ج. اگر هنوز یقین به طلوع فجر ندارد، سریعاً غسل را تمام کند و صحیح است.

تعارض بین خوردن سحری و غسل

۲۸۳۷. شخص جنبی، ده دقیقه به اذان صبح بیدار شده و مدّت باقی مانده تا اذان را نمی تواند صرف خوردن سحری و غسل کند، وظیفه ی او چیست؟

با توجّه به این که اگر سحری نخورد، به ضعف شدید منجر می شود.

ج. اگر سحری نخوردن، سبب ضعف و مشقّت غیر قابل تحمّل عادةً می شود، زود سحری بخورد و به جای غسل، تیمّم نماید.

جاهل به وجوب غسل

۲۸۳۸. روزه داری که به وجوب غسل جنابت یا اصل جنابت جهل دارد (جاهل مقصّر)، آیا باید کفاره روزه هایی را که در حال جنابت گرفته بدهد؟

ج. وجوب آن مبنی بر احتیاط است.

تعدّد غسل در ماه رمضان و باطل بودن یکی از آنها

۲۸۳۹. کسی در ماه مبارک رمضان چند غسل کرده، در روزهای متعدد، بعد یقین کند یکی از این غسل ها باطل بوده حکم روزه های این شخص چه می باشد؟

ج. به مقداری که یقین به بطلان روزه ها دارد، روزه ها را قضا کند.

غسل با خیال وسعت وقت

۲۸۴۰. فردی در سحرگاه ماه مبارک رمضان گمان می کند وقت برای غسل وجود دارد و شروع به غسل جنابت می کند؛ اما در اثنای غسل، وقت صبح داخل می شود. آیا روزه اش صحیح است یا قضا و کفاره دارد؟

ج. روزه اش صحیح است و قضا و کفّاره ندارد.

مفطر نبودن احتلام بعد از طلوع فجر

۲۸۴۱. فردی که پس از طلوع صبح محتلم می شود، آیا روزه اش باطل است؟

چه وظیفه ای دارد؟

ج. کسی که پس از طلوع فجر محتلم شده، تا قبل از ظهر می تواند نیّت روزه کند، زیرا احتلام مفطر نیست.

آشکار شدن بطلان غسل بعد از اذان

۲۸۴۲. روزه داری پس از اذان صبح متوجه می شود که غسل او باطل بوده است، آیا روزه اش صحیح است یا قضا و کفاره دارد؟

ج. در روزه ی ماه رمضان روزه ی او صحیح است و قضا و کفاره ندارد و در روزه ی واجب معین هم همین طور است و در واجب غیر معین، روزه اش باطل است.

غلط بودن تیمّم روزه دار

۲۸۴۳. فردی روزه دار به علت تنگی وقت، تیمّم بدل از غسل کرده است، امّا در وسط روز متوجّه می شود، به علت فراموشی – با وجود این که تیمّم صحیح را از روی رساله عملیّه بلد بوده – تیمّم را غلط انجام داده است.

آیا روزه اش صحیح است؟

ج. روزه اش صحیح است و قضا ندارد، زیرا تعمّد، صادق نیست.

روزه گرفتن با غسل باطل

۲۸۴۴. اگر غسل فرد جنب، به دلیل جهل به مسأله، دارای خللی بوده که مبطل بوده است و با همان غسل، روزه گرفته باشد، آیا کفاره دارد؟

ج. عمل او تعمّد بر صبح کردن با جنابت نیست تا موجب قضا یا کفاره شود و این غیر از جهل به اصل وجوب غسل است که تعمّد صادق است.

جنابت اختیاری در شب ماه رمضان

۲۸۴۵. فردی که در شب ماه مبارک رمضان به آب دسترسی ندارد، آیا می تواند به صورت اختیاری خود را جنب کند؟

ج. جواز جنب نمودن اختیاری او مورد تأمل است.

گرچه اگر خود را جنب نماید، روزه اش با تیمم صحیح است.

قضای روزه های در حال عادت

۲۸۴۶. خانمی هر سال پیش از ماه مبارک رمضان، عدد روزهای عادتش را می دانسته، لذا زودتر از ماه مبارک رمضان، روزه آن روزها را می گرفته است.

حکم روزه هایش چگونه است؟

ج. هر وقتی که روزه می گرفته، برای سال قبل که قضا شده حساب می شود و فقط روزه ی سال آخر بر ذمّه اش است.

گرفتن جلوی عادت با استفاده از قرص

۲۸۴۷. آیا اگر با قرص جلوی عادت گرفته شود، برای روزه اشکال دارد؟

ج. خیر.

به هم خوردن عادت در رمضان

۲۸۴۸. اگر کسی عادت وقتیه و عددیه داشته و طبق عادت قبلی پاک شده و پس از غسل روزه هایش را گرفته است، ولی پس از یکی دو روز دوباره لکه هایی را مشاهده نموده است، آیا این لکه ها حکم حیض را داشته و روزه های دو روز قبل را نیز باید دوباره قضا کند یا حکم استحاضه دارد و می تواند بقیه روزها را نیز روزه بگیرد؟

ج. اگر آن لکه ها در قبل از ده روز کامل باشد، حکم حیض را دارد و روزه های آن دو روز را هم باید دوباره قضا کند.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم

نسبت دروغ عمدی و کشف صدق آن

۲۸۴۹. اگر کسی سخن دروغی را عمداً از معصوم علیه السّلام نقل کرد؛ ولی بعداً معلوم شد که سخنش راست بوده، آیا روزه اش باطل است.

ج. روزه اش باطل است؛ ولی کفاره ندارد.

دروغ گفتن در مورد بزرگان

۲۸۵۰. آیا دروغ گفتن عمدی در مورد اولیاء اللَّه و علما روزه را باطل می کند؟

ج. خیر.

نقل از کتب غیر معتبر

۲۸۵۱. شخصی سخنانی را در مورد معصومین علیهم السّلام از کتابی که می داند بعضی از مطالب آن غلط و دروغ است نقل می کند؛ ولی نمی داند کدام یک از مطالب این کتاب دروغ است، آیا روزه اش باطل است؟

ج. خیر.

۲۸۵۲. اگر شخصی مطلبی را به نقل از کتاب یا شخصی در حال روزه بیان کند و بعداً معلوم شود که این مطلب دروغ بوده، روزه اش باطل است؟

ج. خیر.

نسبت احادیث ائمه به یکدیگر و به پیامبر – صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

۲۸۵۳. آیا روزه دار می تواند عمداً یا سهواً روایتی را که منسوب به یکی از اهل بیت است از قول امام دیگر یا از قول پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نقل کند؟

ج. مانعی ندارد.

خواندن روضه از منابع غیر معتبر

۲۸۵۴. خواندن روضه از منابع غیر معتبر و یا بر اساس آنچه نزد عموم مشهور است، موجب بطلان روزه می شود؟ در صورت کشف خلاف چه طور؟

ج. اگر به حسب نقل بخواند یا معلوم باشد که به نقل خوانده، روزه باطل نمی شود.

گفتن سخن دروغ با اعتقاد به صدق آن سخن

۲۸۵۵. اگر روزه دار سخنی را که عقیده به صحّت آن دارد، بیان کند و بعد بفهمد که کذب بوده، حکم آن چیست؟

ج. روزه او صحیح است.

بیان سخن مشکوک در روزه

۲۸۵۶. اگر روزه دار سخنی را که اطمینان قاطع به صحّت آن ندارد و به هر حال احتمال دارد کذب باشد بیان کند، حکم آن چیست؟

ج. روزه او صحیح است.

غلط خواندن قرآن در حال روزه

۲۸۵۷. شخصی که می داند قرآن را غلط می خواند، آیا جایز است در حال روزه قرآن بخواند؟ اگر بخواند موجب بطلان روزه می شود؟

ج. اشکال ندارد.

فرو بردن سر زیر آب

روزه ی غوّاصان

۲۸۵۸. روزه ی غوّاصانی که از لباس و کلاهک غوّاصی استفاده می کنند، صحیح است؟

ج. اگر مانع از رسیدن آب به سر باشد، روزه صحیح است.

شستن سر زیر شیر آب

۲۸۵۹. شستن سر زیر شیر آب در حال روزه، چه حکمی دارد؟

ج. چون در یک دفعه تمام سر را آب فرا نمی گیرد، اشکال ندارد.

شنا زیر آب

۲۸۶۰. آیا در ماه رمضان می توان با گذاشتن کلاه یا عینک شنا مانع رسیدن آب به بخشی از سر شد و زیر آب شنا کرد؟

ج. بنا بر اظهر روزه را باطل نمی کند.

زیر آب کردن بخشی از سر

۲۸۶۱. اگر روزه دار ابتدا نصف سر و سپس نصف دیگر سر را زیر آب فرو کند، آیا روزه اش باطل می شود؟

ج. بنا بر اظهر روزه اش باطل نمی شود.

سفر و وطن

افطار کردن مسافر قبل از رسیدن به وطن

۲۸۶۲. شخصی در سفر بوده و قصد داشت پیش از ظهر به وطن برسد و نیّت روزه کند، ولی در بین راه سهواً چیزی می خورد.

آیا می تواند آن روز را روزه بگیرد؟

ج. اگر روزه ی واجب معین - مثل روزه ی ماه مبارک - است به قصد وظیفه امساک کند (چیزی نخورد) و قضای آن را هم بگیرد، به خصوص اگر در اصل تناول سهو نبوده؛ بلکه در قصدش سهو بوده، ولی با تعمد خورده است.

شک در رسیدن به وطن

۲۸۶۳. در صورتی که مسافر در ماه مبارک رمضان به سوی وطن خود حرکت نماید و هم زمان با اذان ظهر، نزدیک وطن خود برسد؛ ولی شک نماید که آیا مقدار مسافت مانده وطن محسوب می شود یا نه، تکلیف چیست؟

ج. باید قبل از ظهر به شهر خودش وارد شود، یعنی به حدّی برسد که دیگر عرفاً مسافر بر او صدق نکند و با شک در این مطلب بنا بر نرسیدن بگذارد و در صورت رسیدن به حد ترخّص و نرسیدن به شهر، احتیاط مورد دارد.

مسافرت شرعی، پیش از ظهر

۲۸۶۴. کسی پیش از ظهر به اندازه مسافت شرعی از وطن خارج می شود و پیش از ظهر به وطن یا محل اقامه بر می گردد، آیا می تواند روزه بگیرد؟

ج. اگر روزه واجب معیّن است و در طول این مدت افطار نکرده، اگر قبل از ظهر به وطن برگردد یا به محل اقامه با قصد جدید برای ده روز ماندن بازگردد باید روزه بگیرد و اگر غیر واجب معیّن است، روزه گرفتن او جایز است.

مسافرت بین روزه های کفاره

۲۸۶۵. فردی بین سی و یک روز کفاره، مسافرت یک روزه انجام می دهد ولی تا پیش از زوال بر می گردد و نیّت روزه می کند.

آیا پی در پی بودن آن به هم خورده است؟

ج. اشکال ندارد و پی در پی بودن روزه ها به هم نخورده است.

حکم مسافرت کردن در رمضان

۲۸۶۶. آیا می شود در ماه رمضان مسافرت کرد؟

ج. بله، می شود.

گرفتن روزه مستحبی در سفر

۲۸۶۷. گرفتن روزه مستحبی در سفر، چه حکمی دارد؟

ج. مسافر نمی تواند در سفر روزه بگیرد، مگر این که روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در این صورت روزه گرفتن صحیح است و بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی را در سفر به نیّت رجا باید گرفت، مگر در مدینه مشرفه که بنا بر روایت، مسافر می تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگیرد.

روزه ی بیماران و ناتوانان

بیمار بودن در تمام سال

۲۸۶۸. اگر شخصی به علت بیماری روزه نگرفته باشد و بیماری او چند ماه طول بکشد و پس از بهبودی بلافاصله به بیماری دیگری مبتلا شود که تا ماه رمضان بعدی ادامه پیدا کند، آیا مثل مرض مستمر است که تا سال بعد قضا ندارد یا خیر؟

ج. فرقی نمی کند.

انواع آمپول و سرم

۲۸۶۹. آیا تزریق آمپول و سرم موجب باطل شدن روزه می شود؟ و آیا تفاوتی بین انواع تقویتی و درمانی آن وجود دارد؟

ج. احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود خود داری کند، بلکه اجتناب، خالی از وجه نیست؛ ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جهت دیگر استعمال می شود اشکال ندارد و اجتناب از آمپولی که معلوم نیست از قسم اوّل باشد یا نه، لازم نیست.

آمپول های غیر تقویتی

۲۸۷۰. آیا تزریق آمپول هایی که جهت بی حسّی، کاهش درد، کشتار میکروب ها و ... به کار می رود (در صورتی که به طور کلّی هیچ خاصیّتی در جهت رساندن ویتامین یا مواد غذایی به بدن نداشته باشد)، مبطل روزه می باشد؟

ج. آمپول های غیر مغذّی و غیر تقویتی و آن چه داخل حلق نشود، باطل کننده نیست.

تزریق خون

۲۸۷۱. آیا تزریق خون، مبطل روزه است؟

ج. تزریق خون در باطل کردن روزه بالاتر از آمپول تقویتیست و اگر فرض شود که اصلاً جهت تقویتی نداشته باشد – مانند تزریق خون برای دفع مرض، بازهم احتیاط در باطل کنندگی آن است.

تزریق آب مقطّر

۲۸۷۲. در دانشگاه ها برای تعلیم تزریقات به دانشجویان از آب مقطّر استفاده می شود.

آیا این عمل مضر به صحّت روزه است و در صورت باطل شدن روزه، آیا کفّاره هم دارد؟

ج. باطل کننده روزه است و کفّاره هم دارد.

زن حامل و شیرده

۲۸۷۳. زن های حامل و زن شیرده که روزه را افطار می کنند، چه وظیفه ای دربارهی این روزه ها دارند؟

ج. علاوه بر فدیه، قضای آن هم واجب است؛ هر چند تا رمضان آینده هم این عذرش طول بکشد.

۲۸۷۴. کسی که هنگام حمل نمی تواند روزه بگیرد و حالش به هم می خورد و پس از وضع حمل تا یک سال بچّه شیر می دهد. آیا قضای روزه بر او واجب است یا نه؟ هم چنین کفّاره دارد یا نه؟

ج. قضای روزه بر او واجب است و کفّاره ی تأخیر هم دارد.

بردن وسایل غیر خوراکی به دهان

۲۸۷۵. آیا بردن وسایل غیر خوراکی در دهان در هنگام روزه - مثل وسایل دندان پزشکی هنگام معاینه، باعث ابطال روزه می شود؟

ج. اگر آن را از دهان بیرون آورد و باز داخل کند، نباید آب آن را فرو ببرد.

کشیدن دندان در ماه رمضان

۲۸۷۶. حکم کشیدن دندان یا جراحی لثه و دندان - که باعث خونریزی می شود - در حال روزه چیست؟

ج. باید خون را فرو نبرد و کشیدن دندان یا جراحی لثه که موجب خونریزی شود، در حال روزه مکروه است.

گاز اکسیژن

۲۸۷۷. گاز اکسیژن که برای تنفّس مصنوعی وارد گلو و ریه می شود، آیا روزه را باطل می کند؟ اگر بیمار در آن حال بی هوش باشد چه طور؟

ج. تا وقتی که فقط گاز است، روزه را باطل نمی کند، از جهت گاز وارد حلق شده، امّا اگر در حال بی هوشی به سر می برد،

در صورتی که تمام وقت روزه را فرا گرفته باشد، روزه و قضای آن واجب نیست و اگر قبل از زوال و قبل از تناول مفطر به هوش آید، احوط جمع بین اتمام و قضا است.

شستشوی معده با دستگاه

۲۸۷۸. آیا شستشوی معده از طریق سُند معده، باعث باطل شدن روزه ی بیمار می شود؟

(شستشوی معده با مایعات از طریق سُند انجام می گیرد و دوباره، مایع وارد شده از طریق سند به بیرون کشیده می شود)

ج. باطل کننده است.

ابطال روزه با قرص

۲۸۷۹. بعضی از پزشکان خوردن قرص در ماه مبارک رمضان را به واسطه ی ضرورت های طبّی توصیه می کنند، آیا روزه انسان چه حکمی دارد؟

ج. روزه را باطل می کند و در مورد ضرورت، کفّاره ندارد.

استفاده از اسپری

۲۸۸۰. آیا استفاده از اسپری، برای کسانی که تنگی نفس دارند - با توجّه به این که استعمال اسپری برای آنها ضروریست - در حال روزه جایز است؟

ج. اگر به صورت گاز رقیق می باشد، باطل کننده نیست و در غیر این صورت باطل کننده است.

قرص های جلوگیری

۲۸۸۱. زنی برای این که روزه اش را بگیرد، قرص جلوگیری از عادت ماهیانه مصرف کرده است.

آیا روزه اش صحیح است؟

ج. روزه اش صحیح است، گرچه اگر ضرر مرض آور داشته است، تکلیفاً مصرف آن جایز نبوده است.

اندوسکوپی

۲۸۸۲. آیا عکس برداری از معده با اندوسکوپی، روزه را باطل می کند؟

ج. اندوسکوپی روزه را باطل می کند، مانند فرو دادن شن و سنگ که باطل کننده است، هر چند جنبه ی غذا بودن را هم

ندارد.

استفاده از دارو در شب جهت قدرت روزه

۲۸۸۳. فردی در صورتی می تواند روزه بگیرد که در شب، از آمپول یا دوای خاصّی استفاده کند.

آیا روزه گرفتن بر وی واجب است؟

ج. اگر این شخص برای به دست آوردن آمپول یا دوا، به ضرر سنگینی دچار می شود، روزه بر او واجب نیست و اگر به حد ضرر سنگین نیست، به دست آوردن دارو بر او واجب است و قدرت بر سبب (دارو)، قدرت بر مسبّب (روزه) است.

استمرار مرض

۲۸۸۴. بیماری در ماه مبارک رمضان روزه نگرفته است و به استمرار مرض تا رمضان بعدی یقین دارد وی در قبال روزه هایش چه تکلیفی دارد؟

ج. می تواند پس از رمضان اوّل - رجاءً - کفّاره اش را بدهد، هر چند اگر در بین سال خوب شد، باید روزه ها را قضا کند.

اختلاف نظر پزشکان در روزه گرفتن بیمار

۲۸۸۵. اگر دکترها در مورد روزه گرفتن بیماری اختلاف نظر داشته باشند، وظیفه او چیست؟

ج. به علم یا اطمینان رسیدن یا حصول خوف و ترس عقلایی از ضرر روزه، وظیفه ی خود مکلّف است؛ هر چند سببش نظر دکتر باشد.

تردید پزشک در توصیه ی روزه یا ترک آن

۲۸۸۶. در برخی بیماری ها (مثل نارسایی کلیه) با اطمینان، می توان به بیمار توصیه نمود که روزه نگیرد.

امّا در خیلی از موارد (به علّت شکّی که در اصل بیماری و یا چگونگی تأثیر روزه بر آن وجود دارد یا به علّت عدم وجود تحقیقات و نتایج لازم در مورد اثرات روزه بر بسیاری بیماری ها و به طور کلّی به علت عدم امکان تعیین نقش روزه بر بیماری)، پزشک واقعاً نمی داند روزه را به بیمار توصیه کند یا خیر. در این صورت وظیفه ی پزشک در توصیه یا عدم توصیه به روزه، چیست؟

ج. به حسب ظاهر پزشک به منزله ی نایب از خود مریض است که اگر خصوصیّات را بداند، یا بیمناک است یا نیست، میزان خوف و ترس ضرر است و احوط اینست که به خود مریض توصیفات را بگوید، اگر خودش خوف ضرر داشت، روزه نگیرد و اگر خوف ضرر نداشت، روزه بگیرد.

خونریزی دندان

۲۸۸۷. روزه داری که دندان هایش خونریزی داشته باشد و مجبور باشد آنها را بشوید و در حین شستن، خون به گلویش برسد، روزه اش چه حکمی دارد؟

ج. عمداً نباید خون را در گلویش فرو ببرد.

درد معده

۲۸۸۸. سه روز اوّل ماه را روزه گرفتم، در بین روز ناراحتی معده پیدا کردم؛ لذا به تشخیص خود چند روز، روزه نگرفتم و بعد از مدتی دوباره گرفتم آیا روزه بر من واجب است؟

ج. اگر بیماری شما به گونه ای باشد که بدانید یا گمان کنید روزه گرفتن برای شما ضرر دارد، نباید روزه بگیرید و اگر روزه بگیرید، روزه شما صحیح نیست و در صورت خوف ضرر در صورتی که خوف شما عقلایی باشد، می توانید روزه تان را افطار کنید.

ترس از روزه گرفتن به واسطه چشم درد

۲۸۸۹. چشم من ضعیف است و می ترسم روزه برایم ضرر داشته باشد، تکلیف من چیست؟

ج. اگر خوف و ترس شما عقلایی باشد، می توانید روزه تان را افطار کنید.

اظهار مریضی

۲۸۹۰. چند سال پیش در ماه رمضان خود را به مریضی زدم و در بیمارستان سرم به من تزریق کردند، تکلیف روزه های من چیست؟

ج. اگر خلاف واقع بوده است، حکم افطار عمدی را دارد.

وظیفه بیماران در قبال روزه

۲۸۹۱. به دستور پزشک از روزه گرفتن منع شده ام و این باعث شده که مشکل روحی پیدا کنم؛ چه کنم؟ و کفاره هر روزه چه قدر است؟

ج. اگر با حال مرض روزه هم بگیرید باطل است فعلاً روزه نگیرید و پس از سالم شدن باید قضا کنید و مقصود اصلی بندگیست که در این جهت باید معرفت تحصیل کرد و کفاره آن روزه ها هم، در صورت عدم قضا تا ماه رمضان آینده، یک مد طعام برای هر روز است.

گمان به ضرر و کشف خلاف

۲۸۹۲. اگر بیماری که گمان دارد روزه برایش ضرر دارد، با این حال روزه بگیرد، ولی بعد از اتمام روزه متوجه شود که روزه برایش ضرر نداشته است، حکم روزه ی این شخص چیست؟

ج. احتیاط واجب در قضا است.

روزه ی تازه بالغ ها

۲۸۹۳. آیا دخترهای ۹ ساله امروزی - که اکثراً توانایی روزه ندارند - باید روزه بگیرند؟

ج. بر پسر یا دختری که تازه بالغ شده اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفاره هم ندارد؛ ولی قضا دارد.

بلوغ دختران و روزه گرفتن آنها

۲۸۹۴. سن تکلیف دختران از چند سالگی است، به خصوص در مورد روزه، می توان جثه و توان را در نظر گرفت؟

ج. خیر، همان تمام شدن ۹ سال قمری ملاک است.

اما در خصوص دخترانی که تازه بالغ شده اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفاره هم ندارد، ولی بعداً باید قضای آن روزه ها را به جا آورند.

نهی پدر از روزه گرفتن

۲۸۹۵. در کودکی به علت ضعیف بودن، پدرم اجازه روزه گرفتن نمی داد و نمی دانستم که باید قضا شود، حال نسبت به قضای آنها چه کار کنم؟

ج. باید قضاهای آن را به جا آورید و برای هر روزه، یک مد طعام به فقیر، کفاره ی تأخیر بدهید.

روزه ی افراد معتاد

۲۸۹۶. اشخاصی که معتاد به مواد مخدر - مثل تریاک - هستند، به طوری که روزانه چند نوبت تریاک می کشند، آیا می توانند در ماه رمضان روزه بگیرند و در حد ضرورت از تریاک استفاده کنند؟

ج. مثل سیگار کشیدن است که اگر ترک آن عسر دارد، مثل فردیست که ترک خوردن برای او مشقّت دارد و نمی تواند روزه بگیرد.

ولی اگر قبل از ماه رمضان می تواند اعتیادش را ترک کند یا عادتش را به شب تغییر دهد، احتیاطاً باید این کار را انجام دهد.

کسی که نمی تواند قضای روزه های خود را بگیرد

۲۸۹۷. کسی که نمی تواند قضای روزه های خود را بگیرد، تکلیفش چیست؟

ج. باید صبر کند تا قدرت بر آن پیدا کند و اگر اصلاً قدرت حاصل نشد، باید وصیّت کند که بعد از موتش به جا آورند.

ناتوانی در مواقع روزه

۲۸۹۸. هنگامی که روزه می گیرم، به شدت سست و ضعیف می شوم و نمی توانم کارهایی، مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه ی من چیست؟

ج. تا به حد خوف مریضی نرسد، باید روزه بگیرید.

فوت مریض در ماه رمضان یا بعد از آن

۲۸۹۹. مریضی در ماه مبارک رمضان یا پس از آن، با اتصال و ادامه ی مرض مرده است.

آیا روزه هایش قضا و کفّاره دارد؟

ج. اگر در همان سال مرده است، قضا و کفاره ندارد.

قضا و کفّاره

جنس کفّاره

۲۹۰۰. آیا در کفّاره می توان به جای آرد یا نان و گندم، مواد خوراکی دیگر یا پول آن را به فقیر داد؟

ج. در اقسام طعام فرق نمی کند؛ ولی دادن پول کافی نیست، مگر این که با اطمینان او را در خرید طعام وکیل کند.

دادن کفّاره ی سیّد به غیر سیّد

۲۹۰۱. آیا غیر سیّد می تواند کفّاره ی روزه اش را به سیّد بدهد؟

ج. جایز است، ولی خلاف احتیاط است.

مسافرت بین کفّاره ی روزه

۲۹۰۲. کسی باید ۳۱ روز روزه ی کفّاره بگیرد.

پس از شروع به روزه گرفتن - مثلاً پس از ۱۵ روز روزه گرفتن - یک مسافرت برایش پیش می آید. در این صورت ۱۵ روز گرفته شده چه حکمی دارد؟

ج. اگر سفر اضطراری باشد و یا با غفلت از روزه تا ظهر شرعی اختیاراً سفر کند، سفر او قطع کننده ی پی در پی بودن روزه ها نیست و با رفع اضطرار و غفلت ادامه می دهد.

دادن کفاره یک روز به یک نفر

۲۹۰۳. فردی حدود ۱۰ سال کفاره بدهکار است، آیا می تواند کفاره هر روز از روزه که باید به شصت فقیر بدهد را به یک فقیر بدهد یا باید بین شصت نفر جدا جدا کفاره را تقسیم نماید؟

ج. نمی تواند کفاره هر روز را به یک فقیر بدهد؛ بلکه می تواند کفاره شصت روز خود را نیّت نموده و به شصت فقیر بدهد که هر چند با صورت اوّل در نتیجه تفاوتی نکرده و به همان میزان کفاره به یک فقیر داده است، لکن فقط در صورت دوم بریء الذمّه می شود.

گران شدن قیمت کفاره

۲۹۰۴. اگر کسی چند سال پیش به قیمت روز، پول کفّاره ی روزه را به واسطه داده باشد و گیرنده، آن را به مستحق نداده تا قیمت گندم افزایش پیدا کرده است.

ال آن که می خواهد آن را بدهد، آیا افزایش قیمت را باید روی آن بگذارد یا خیر؟ و آیا اگر در فرض سؤال خود گیرنده مستحق بوده، ولی به عنوانِ تصرّف، نگرفته است بلکه از طرف دهنده وکیل در خرید نان شده بوده چه طور؟

ج. دادن پول، بابت کفّاره محسوب نمی شود و وکیل باید اجناس را تهیّه کند و کفّاره بدهد و یا پول را به فقیر بدهد و او را وکیل کند که آن را تهیه نماید و در صورت استحقاق، خود او می تواند بابت کفّاره از طرف صاحبش برای خود تَمَلُّک کند و در فرض سؤال اگر وکیل کوتاهی کرده، ضامن است.

عدم درآمد جهت پرداخت کفاره

۲۹۰۵. شخصی در حال حاضر درآمدی ندارد که کفاره خود را بپردازد، وظیفه اش چیست؟

ج. هر وقت توانایی پیدا کرد، باید بپردازد و یا به جای کفاره ی مالی روزه اختیار کند و یا بدل های آنها که به استغفار منتهی می شود.

پرداخت کفاره به فرزند واجب النّفقه در صورت فقر

۲۹۰۶. شخصی فرزند واجب النّفقه ای دارد و از جهت فقر نمی تواند بر او انفاق کند، آیا می تواند کفاره اش را به او بدهد؟

ج. از باب کفاره، به جهت انفاق نمی تواند به او بدهد و البته چون وجوب ادای کفاره فوریّت ندارد و انفاق به فرزند فوری است، باید بر او انفاق کند و بعداً کفّاره را بدهد و اگر خواست کفاره را به او بدهد، با فقیر دست گردان کند و به فرزند بدهد.

پرداخت کفاره به کسی که شهریه می گیرد

۲۹۰۷. آیا طلّابی که با شهریه یا کمک پدر تأمین می شوند، فقیر شرعی محسوب می شوند و مخل کفارات می باشند؟

ج. اگر با شهریه تأمین می شوند، پس با حقوق فقرا اداره می شوند، هر چند همراه با کمک پدر باشد، اما اگر فقط با کمک پدر اداره می شوند، محل احتیاط است که فقیر باشند.

پرداخت کفّاره ی فرزند

۲۹۰۸. پرداخت کفّاره ی روزه های فرزندی که بیشتر معاشش را پدر تأمین می کند بر خود او واجب می شود یا بر پدر او واجب است؟

ج. کفّاره بر خود فرزند است.

ثواب روزه ی ماه رجب و روزه ی قضا

۲۹۰۹. اگر کسی روزه ی قضای خود یا پدر و مادر را در ماه رجب و شعبان گرفت، آیا ثواب رجب و شعبان را هم دارد؟

ج. بلی، اگر هر دو را نیّت کند.

اجیر شدن کسی که قضای رمضان بر اوست

۲۹۱۰. کسی که روزه ی قضای رمضان به ذمّه ی او است، می تواند برای روزه ی دیگری اجیر شود یا تبرّعاً روزه را به جا آورد؟

ج. استیجار جایز است، ولی تبرّع در حکم روزه ی مستحبّی است، پس نمی تواند تبرّعاً روزه را به جا آورد.

روزه استیجاری با روزه کفاره

۲۹۱۱. اگر کسی روزه ی کفّاره بر عهده اوست، آیا می تواند روزه ی استیجاری بگیرد؟

ج. بله، می تواند.

اجیر شدن نابالغ

۲۹۱۲. آیا بچّه ی نابالغ می تواند برای روزه قضای دیگری اجیر شود؟

ج. اگر ممیّز است و با اذن ولی او باشد و به این که روزه ی صحیح می گیرد اطمینان باشد، اشکال ندارد.

گرفتن قضای روزه ی پدر قبل از بلوغ

۲۹۱۳. اگر پسر بزرگ میّت نابالغ باشد، آیا می تواند قبل از بلوغ، روزه های پدر خود را بگیرد؟

ج. اگر ممیّز است و به نحو صحیح می گیرد، روزه او بری کننده ذمّه ی پدر است، ولی به منزله ی تبرّع است.

روزه نذری

۲۹۱۴. اگر فردی نذر کرد که اگر مشکل من برطرف شود، روز پنج شنبه آینده روزه بگیرم و مشکل او در ساعت ده صبح پنجشنبه ی آینده برطرف شود، آیا روزه ی آن روز بر او واجب است؟

وظیفه ی او در صورتی که مفطری را اتیان کرده باشد یا اتیان نکرده باشد چیست؟

اگر بعد از ظهر مشکل او برطرف شود چه طور؟

ج. اگر مفطر به جا نیاورده است، روزه ی واجب، روزه ی همان روزیست که معین کرده است و اگر افطار کرده، قضای آن را به جا آورد و اگر بعد از ظهر به حاجتش رسید، وجوب ندارد.

زنی که در ایام عادت افطار کرده و ...

۲۹۱۵. زنی در ایام عادت، طبق معمول روزه اش را افطار می کند، ولی بعداً متوجه می شود در آن وقت یائسه بوده است.

آیا روزه اش صحیح است یا قضا و کفاره دارد؟

ج. باید آن روزه را قضا نماید، ولی کفّاره ندارد.

افطار عمدی در روزه کفاره

۲۹۱۶. آیا افطار عمدی پس از زوال، در روزه کفاره ای، کفاره دارد؟

ج. چه در آن ۳۱ روز متوالی باشد یا در بقیه اش کفاره ندارد.

تقدیم روزه قضا یا روزه نذری

۲۹۱۷. اگر روزه قضا و روزه نذری، وقتشان تنگ شده باشد، کدام یک را باید مقدم نمود؟

ج. شاید قولی باشد به ترجیح داشتن تقدّم سبب وجوب برای هر کدام که باشد (یعنی هر کدام که زودتر واجب شده است، همان مقدم است). ولی احتیاطاً باید به قصد امر فعلی روزه بگیرد و پس از رمضان هم به نیّت دیگری که هر کدام باشد، باز روزه بگیرد.

ناتوانی از قضای روزه

۲۹۱۸. کسی که نمی تواند روزه های قضای خود را بگیرد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر قضا بر او واجب شده بوده، تأخیر می اندازد تا وقتی که تمکّن پیدا کند؛ یا وصیت می کند بعد از فوتش، کسی را اجیر کنند تا روزه های وی را بگیرد.

فردی که قدرت گرفتن ۳۱ روزه پیاپی را ندارد

۲۹۱۹. فردی در کفّاره روزه، قدرت روزه گرفتن ۳۱ روز پیاپی را ندارد. وظیفه وی در این باره چیست؟

ضمناً آیا وی می تواند روزه مستحبی بگیرد یا نذر روزه کند؟

ج. باید صدقه به ۶۰ مسکین را اختیار کند و اگر روزه مستحبی بگیرد یا نذر روزه کند و روزه بگیرد، اشکالی ندارد.

وقوع یکی از روزه های کفّاره در حال جنابت

۲۹۲۰. فردی ۲۶ روز پیاپی روزه کفّاره گرفته و در روز بیست و هفتم، پس از اذان صبح می فهمد که در حالت جنابت و احتلام داخل صبح شده است.

حکم قضیه چیست؟

ج. احتیاط در بطلان روزه ی آن روز است؛ ولی چون به واسطه ی عذر بوده، تتابع و پی در پی بودن ۳۱ روز به هم نمی خورد.

روزه خواری در اوایل بلوغ

۲۹۲۱. فردی در زمان کودکی و اوایل بلوغ، روزه خورده است، اکنون که بزرگ شده، نمی داند جاهل قاصر بوده تا کفاره واجب نباشد یا مقصّر بوده تا کفاره واجب باشد.

وظیفه چیست؟

ج. با شک در موضوع، کفّاره واجب نمی شود افطار روزه ی استیجاری

۲۹۲۲. آیا افطار کردن بعد از ظهر در روزه استیجاری کفاره دارد؟

ج. حکم قضای خود را دارد

روزه نگرفتن عمدی در ماه رمضان

۲۹۲۳. شخصی روزه ماه رمضان را عمداً نگرفت، آیا علاوه بر قضای روزه و یکی از کفّارات ثلاث، باید برای هر روزی یک مد طعام نیز بدهد؟

ج. غیر از قضا و کفّاره ی روزه، دیگر چیزی لازم نیست، مگر این که در آن سال قضایش را نگیرد.

ناتوانی از شصت روز روزه

۲۹۲۴. آیا در کفّاره جمع نیز مانند کفّاره مخیّره یا مرتّبه، با عجز از شصت روز روزه، منتقل به هجده روز روزه می شود؟

ج. آری، بلکه اولویت هم دارد.

موافق نبودن والدین با قضای روزه

۲۹۲۵. به دلیل مریضی، جهالت و عدم توانایی، روزه هایم قضا شده است و اکنون که بهبودی حاصل شده، والدینم با گرفتن روزه های قضا موافق نیستند، تکلیف من چیست؟

ج. باید روزه های قضا را بگیرید و هر کدام که سال بر آن گذشت، وقت آن وسیع است و فوریت ندارد.

روزه نگرفتن به تصوّر عید

۲۹۲۶. کسی که در شب آخر ماه رمضان به امید این که فردا عید می شود غسل جنابت نکرد و در روز به خیال این که روزه اش باطل شده افطار کرد، آیا کفاره بر او واجب است؟

ج. قضا و کفاره ی عمدی دارد.

روزه نگرفتن به مدت طولانی

۲۹۲۷. مدت ۱۳ سال روزه نگرفته ام، کفاره آن چه قدر است و اگر قدرت پرداخت آن را نداشتم، تکلیف چیست؟

ج. اگر عمداً نگرفتید، قضا و کفاره ی عمدی و کفاره ی تأخیر دارد در وقت تمکن؛ هر چند به تدریج تا آخر عمر باید بگیرد و با عدم تمکّن، بدلیّت ۱۸ روزه روزه عوض دو ماه روزه و نیز تصدّق (صدقه) به مقدار ممکن بدل ۶۰ اطعام ثابت است و پس از اینها بدلیّت استغفار است.

فراموش کردن روزه های نگرفته

۲۹۲۸. در ماه رمضان مدتی روزه نگرفته ام، اما تعداد روزه ها را فراموش کرده ام، وظیفه ام چیست؟

ج. به مقدار یقینی باید انجام دهید.

کفاره تأخیر زن

۲۹۲۹. کفاره تأخیر قضای روزه زن، بر مرد است یا بر زن؟ و اگر بر خود زن است و زن درآمدی نداشته باشد، وظیفه او چیست؟

ج. بر خود زن واجب است که در وقت تمکن و قدرت باید بپردازد.

مجبور کردن افراد برای افطار

۲۹۳۰. اگر شخصی را به خوردن روزه مجبور نمایند، آیا کفاره روزه بر او واجب است؟

ج. خیر، کفاره ندارد.

پر کردن دندان در ماه رمضان

۲۹۳۱. پر کردن دندان در ماه رمضان چگونه است؟

ج. بهتر است در حال روزه نباشد، چون باید مواظب باشد چیزی وارد حلق نشود.

جهل به بطلان روزه

۲۹۳۲. کسی که کاری انجام داده که نمی دانسته روزه را باطل می کند، روزه او چه حکمی دارد؟

ج. قضا دارد و اگر جاهل مقصر بوده، کفاره هم دارد.

افطار قبل از مسافرت

۲۹۳۳. شخصی در ماه رمضان، قبل از ظهر قصد مسافرت داشته؛ لذا قبل از حرکت افطار کرده (صبحانه خورده)، تکلیف این شخص در مورد قضا و کفاره چیست؟

ج. قضا و کفاره دارد.

نیّت کردن روزه قضا و مستحبی، با هم

۲۹۳۴. کسی که می خواهد روزه ی قضا بگیرد، آیا می تواند نیّت روزه ی مستحبی نیز بکند؟

ج. باید فقط روزه ی قضا را نیّت کند، ولی ثواب روزه ی مستحبی را هم می برد.

روزه مستحبی برای کسی که روزه قضا دارد

۲۹۳۵. کسی که روزه قضا دارد، آیا می تواند روزه ی مستحبی بگیرد؟

ج. خیر، نمی تواند.

سؤالات متفرقه روزه

دعوت به افطار در روزه ی مستحبّی

۲۹۳۶. در مسأله ای فرموده اید:

روزه داری که روزه مستحبّی گرفته است، می تواند به درخواست و دعوت مؤمنی، روزه اش را افطار کند، آیا او ثواب روزه و اجابت دعوت مؤمن، هر دو را می برد؟

ج. بلی.

استفاده روزه دار از آلات موسیقی با دهان

۲۹۳۷. استفاده از آلات موسیقی که با دهان کار می کنند - مثل ساز، در حال روزه چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که آن وسیله به واسطه آب دهان خیس شود و پس از بیرون آوردن دوباره در دهان قرار گیرد، خیسی آن نباید فرو داده شود وگرنه روزه باطل می شود و به طور کلّی این کار حرام است.

مالیدن کرم و روغن به پوست

۲۹۳۸. آیا مالیدن کرم و روغن به پوست و موها، موجب بطلان روزه می شود؟

ج. خیر.

غذا پختن برای روزه خوار

۲۹۳۹. درست کردن غذا برای فرد روزه خوار، چه حکمی دارد؟

ج. اگر @ مُعَنْوَن به عنوان محرّمی نشود، جایز است.

استفاده از لوازم آرایشی

۲۹۴۰. آیا استفاده از عطر، شامپو، کرم و رژ لب در ماه مبارک رمضان مجاز است؟

ج. بله، جایز است.

بوی عطر

۲۹۴۱. آیا بو کردن بعضی از عطرها، که بوی آن خیلی غلیظ است، روزه را باطل می کند؟

ج. اولی ترک آن است.

نگاه روزه دار به نامحرم

۲۹۴۲. اگر روزه دار به نامحرم نگاه کند، آیا روزه اش باطل است؟

ج. خیر.

احکام نماز و روزه

مسافر نیّت نماز مسافر

۲۹۴۳. نیّت نماز مسافر چگونه است؟

آیا ذکر قصر یا اتمام، در نیّت لازم است؟

ج. قصد انجام وظیفه فعلیّه کافیست و نیّت لازم نیست به زبان ذکر شود.

نماز شخص بی هوش

۲۹۴۴. شخصی را در حال بی هوشی از قم به تهران برده اند.

وی در تهران به هوش می آید. قرار است یک هفته در تهران بماند. با توجّه به این که خودش قصد مسافت نکرده است، تکلیف نمازش - در این یک هفته در تهران - چگونه است؟

ج. چون قصد سفر نداشته، باید نمازش را تمام بخواند.

نماز استیجاری در سفر

۲۹۴۵. آیا در سفر می توان نماز استیجاری خواند؟ و در صورت جواز، باید شکسته بخواند یا تمام؟

ج. بله، جایز است و به کیفیت استیجار عمل می کند، مثل نماز قضا.

روزه ی استیجاری در سفر

۲۹۴۶. آیا مسافر می تواند روزه ی استیجاری بگیرد؟

ج. خیر، نمی تواند.

نذر روزه ی قضا در سفر

۲۹۴۷. آیا صحیح است شخصی نذر کند که روزه ی قضای ماه رمضان خود را در سفر بگیرد؟

ج. خیر، صحیح نیست.

روزه ی نذر غیر معیّن

۲۹۴۸. آیا در سفر می توان روزه ی نذری گرفت؟

ج. خیر، مگر این که روزه ی در سفر و حضر یا خصوص سفر را نذر کرده باشد.

روزه ی قضا در سفر

۲۹۴۹. آیا در سفر می توان روزه ی قضا به جا آورد؟

ج. خیر، نمی توان.

نماز قضا در سفر

۲۹۵۰. آیا در سفر می توان نماز قضا به جا آورد؟

ج. بله، می توان.

جواز اقامه ی نماز جمعه توسّط مسافر

۲۹۵۱. آیا مسافر می تواند نماز جمعه را اقامه کند؟

ج. می تواند.

قضای نماز مسافر

۲۹۵۲. مسافری به علت عـذر (مثل جنابت یا حیض، یا نفاس و یا عـدم طهارت) نمازش را نمی خواند تا به وطنش برسد، وقتی به وطنش یا جایی که می خواهـد ده روز بماند رسـید، وقت تحصـیل طهارت لباس و بدن را ندارد و نمازش قضا می شود. آیا باید نمازش را شکسته بخواند یا تمام؟

ج. چون در آخر وقت که قضا شده، نماز تمام بوده است، باید آن را به صورت تمام قضا کند.

روزه ی سال قبل از سفر

۲۹۵۳. کسـی که یک روز از روزه ی سال قبل را نگرفته و فقط یک روز به ماه رمضان سال جدیـد باقی مانده و در همین روز مجبور به مسافرت است، آیا می تواند روزه ی خود را در این روز بگیرد؟

ج. نمی توانـد، بلکه بایـد مسافرت نرود و روزه اش را بگیرد و اگر سـفر ضـروری باشـد، بعـد از ماه رمضان آن را قضا کنـد و کفاره ی تأخیر هم بدهد.

روزه ی معین در سفر

۲۹۵۴. کسـی که نذر کرده مثلاً دوشـنبه را روزه بگیرد و در همان روز برایش سـفر ضـروری پیش آمد، آیا باید در حین سـفر روزه بگیرد؟ در صورت عدم جواز روزه ی نذری در سفر، وضعیت نذر او به چه صورت خواهد بود.

آیا باید کفاره ی شکستن نذر را به جا آورد یا باید یک روز دیگر، روزه ی فوت شده را به جا آورد؟

ج. اگر نذر او شامل سفر نبوده و سفر ضروری باشد، کفاره ی نذر ندارد و فقط آن روزه را قضا کند.

طی مسافت بدون نیّت روزه و برگشت قبل از ظهر به وطن

۲۹۵۵. آیـا مسـافر بعـد از قصـد مسـافت و طی مسـافت، کـه نیّت روزه نداشـته، چگـونه می شـود که اگر قبـل از ظهر به وطن بازگردد، باید نیّت روزه نماید و حال آن که می فرمایید:

نیّت قطع، مبطل صوم است؟

ج. اگر تا قبل از ظهر مفطری به جا نیاورده، باید نیّت روزه کند و این عدم نیّت صوم است به جهت عدم وجوب و عدم صحّت نه نیّت قطع صوم واجب.

مسافرت به اندازه ی مسافت شرعی به جهت ابطال روزه

۲۹۵۶. کسـی که در مـاه رمضـان به شـهر هشت فرسـخی مسـافرت می کنـد و منظورش اینست که در همـان شـهر روزه اش را بخورد. ولی نتوانسـته و فرصت پیـدا نکرده تـا مبطـل به عمـل آورد و بعـد از برگشـتن در محـل، نیّت روزه همان روز را نموده است، آیا روزه اش صحیح است؟

ج. اگر قبل از ظهر به محل خودش رسید، باید نیّت روزه کند و روزه اش صحیح است.

نوافل یومیّه در سفر

۲۹۵۷. آیا مسافر می تواند نوافل یومیّه را به جا آورد و برای او نیز مستحب می باشد؟

ج. نافله ظهر و عصر در سفر، یعنی در جایی که باید نماز ظهر و عصر را شکسته خواند ساقط می شود و اما در نافله عشا مختار، عدم سقوط آن در سفر است، ولی احتیاط اینست که به نیّت این که شاید مطلوب باشد، به جا آورد.

نمازی را که مسافر در سفر تمام خوانده

۲۹۵۸. مسافر در سفر نماز را تمام خوانده، روزه را هم گرفته، بعداً فهمیده که باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار نماید. آیا نماز و روزه ی قبلی وی درست است یا احتیاج به اعاده دارد؟

ج. اگر اصلاً جاهل به حکم سفر بوده، نماز و روزه اش صحیح است.

(توضیح بیشتر در مسائل ۱۱۰۴ الی ۱۱۰۸ و ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ رساله مذکور است.) زمان افطار برای مسافر خارج از کشور

۲۹۵۹. شخصی در ماه مبارک رمضان به خارج از کشور سفر می کند، آیا این مسافر باید با اذان ایران افطار کند یا به اذان محل ورود؟ نماز وی چگونه است؟

ج. با اذان آن محل افطار و نماز را باید به جا آورد.

حکم مسافری که در ماه رمضان بمیرد

۲۹۶۰. کسانی که چند روز مانده به پایان ماه رمضان از دنیا بروند و در این مدت مسافر بوده اند، حکم روزه شان چگونه است؟

آیا باید قضا شود؟ نماز آنها در صورتی که به جا نیاورده باشند، باید تمام قضا شود یا به صورت شکسته؟

ج. باید روزه و نمازشان به صورت شکسته قضا شود.

حکم نماز و روزه شخص زندانی

۲۹۶۱. گاهی فردی دستگیر می شود و به زندانی فرستاده می شود که در فاصله ۴۵ کیلومتر شهر قرار دارد و نمی داند حبس او چه مقدار طول می کشد.

حکم نماز و روزه ی او چیست؟

ج. اگر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردّد باشد، بعد از گذشتن سی روز، اگر چه مقدار کمی آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

نماز مریض

۲۹۶۲. شخصی را به علت بیماری قلبی از شهرستان به تهران آورده اند و معلوم نیست مداوای او چه قدر طول می کشد، حکم نماز و روزه ی او چگونه است؟

ج. پس از گذشتن سی روز که در رفتن و ماندن مردد بود، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

خواندن نماز با انگشتر طلا برای مرد مسافر

۲۹۶۳. مردی در حین سفر، نماز را با انگشتر طلا خوانده است، حکم نماز او چگونه است؟

اگر قرار است قضا نماید، آیا به همان صورت شکسته بخواند؟ با توجه به این که حکم حرمت طلا را برای مرد می دانسته و عمداً با آن نماز خوانده است؟

ج. باید نمازش را شکسته قضا کند.

مراجعت از سفر به محل کار

۲۹۶۴. شخص مسافر هرگاه در مراجعت از سفر به محل کارش وارد شود و بخواهد بعد از پایان کار به وطن برود، آیا رسیدن به محل کار قاطع سفر است یا خیر؟

ج. خیر قاطع سفر نیست؛ مگر این که از محل کار به وطن، مرتب در تردّد کمتر از ده روز باشد.

حکم عبادات ملوانان

۲۹۶۵. شغل پرسنل ناوچه، سفر دریاییست ولی احتمال دارد چند ماهی هم سفر دریایی نداشته باشند. یا به طور معمول در ماه یک هفته بیشتر سفر دریایی نمی روند.

در این صورت نماز و روزه ی اینها چگونه است؟

ج. حکم مسافر را دارد.

نماز و روزه در طول خدمت سربازی

۲۹۶۶. سربازی که محل خدمت سربازیش با وطن او به قدر مسافت شرعی فاصله دارد و می داند مدت چهار یا پنج ماه یا بیشتر در محل خدمت خواهد بود و هر هفته روزهای تعطیل به وطن باز می گردد. بفرمایید آیا از کسانی که شغل آنها در سفر

است محسوب می شود یا خیر؟

ج. بله، دائم السّفر محسوب می شود.

ترتیب در نمازهای قضا

۲۹۶۷. اگر شخصی چهار سال نماز باطل خوانده و در این مدت پنج یا شش بار مسافرت کرده باشد، قضای نمازهای شکسته و تمام را به چه نحو بخواند تا ترتیب حاصل شود؟

ج. طریق احتیاط اینست که در هر محدوده ی زمانی که احتمال سفر می دهد، جمع بخواند.

تعدّد محل کار و سکونت

۲۹۶۸. شخصی ساکن شمیران امّا مغازه و محل کسبش در تهران است، این شخص اگر خواست به قم برود، به تهران که رسید نمازش قصر است یا تمام؟

ج. نمازش تمام است.

کسی که در اوّل وقت مسافر و در آخر وقت حاضر بوده

۲۹۶۹. مسافری هستم که نماز ظهر و عصر را در راه نخواندم. به شهر خود هم که رسیدم هنوز وقت باقی بود، ولی فراموش کردم. شب یادم آمد که نماز ظهر و عصر را نخوانده ام، حال که باید قضا کنم، آیا شکسته بخوانم یا تمام؟

ج. باید به نحو تمام قضا کنید.

شخصی در اوّل وقت حاضر و در آخر وقت مسافر بوده

۲۹۷۰. شخصی نماز ظهر و عصر را در اوّل وقت نخوانده و مسامحه کرد و بعد مسافرت نمود و در سفر هم نمازش قضا شد؛ بعد از مراجعت اگر بخواهد نماز ظهر و عصرش را قضا نماید، آیا تمام بخواند یا قصر؟

ج. باید به نحو قصر قضا کند.

شخصی که قصد مسافرت دائم را ندارد

۲۹۷۱. شخصی که در طول جنگ چهارساله ی افغانستان، به خاطر این که در این مبارزه سهم داشته باشد، دائماً در سفر بوده (گاهی در افغانستان و گاهی در ایران و پاکستان)، ولی قصد مسافرت دائم را نداشته، اما قهراً چنین وضعی به وجود آمده و در آینده امکان دارد این وضع ادامه یابد، آیا روزه صحیح و نماز شخص مذکور تمام است اگر تمام است، در ماه رمضان چنان چه مسافرت از ایران به پاکستان نماید، چه تکلیفی دارد؟

ج. اگر دائماً در سـفر است، به طوری که ده روز را در محل واحـد نمی ماند؛ هر چند از روی ناچاری نماز و روزه اش در این مدت تمام و صحیح است.

شکسته بودن نمازهایی که به صورت کامل خوانده شده است

۲۹۷۲. کسی که پس از مدتی فهمید نمازهایی را که کامل خوانده باید شکسته بخواند، نمازهای او صحیح است یا باطل؟

ج. اگر نمی دانسـته که باید نماز را شکسـته بخواند و قصد قربت در نماز داشـته، نمازش صـحیح است؛ اما اگر می دانسـته که باید نماز را شکسـته بخواند، لکن بعضی از خصوصیّات آن را نداند، مثلاً نداند در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند، در صورتی که وقت باقی است، بایـد بنا بر احوط نماز را شکسـته بخوانـد و اگر وقت گذشـته، به طور شکسـته قضا نمایـد. اما در صورت فراموش کردنِ مسـافر بودن خود، اگر در وقت یـادش بیایـد بایـد شکسـته به جا آورد و اگر بعـد از وقت یادش بیایـد، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

مراد از ظهر

۲۹۷۳. آیـا مراد از ظهر - کـه اگر مسـافر قبـل از ظهر حرکت کنـد، روزه اش باطـل و اگر بعـد از ظهر حرکت کنـد، روزه اش صحیح است، ظهر حقیقی است؟

ج. بله، همان ظهر شرعی است.

حکم افراد ییلاق نشین

۲۹۷۴. افراد ییلاق نشـین، در سابق مسافت بین ده ییلاق را با اسب و شتر می آمدنـد و در بین راه چنـدین روز بلکه گاهی یک ماه در یک جا می ماندنـد و در نتیجه، روزه شان را می گرفتنـد؛ ولی اکنون همین مسافت را در مدت خیلی کم با ماشـین طی نموده و چندین ساعته به مقصد خود می رسند. آیا تکلیف آنان در بین راه، تمام است یا شکسته؟

ج. شکسته است.

روزه گرفتن در هنگامی که وظیفه اش جمع بین شکسته و تمام است

۲۹۷۵. در صورتی که وظیفه ی مکلّف در بعضـی موارد، جمع بین نماز شکسته و تمام باشد، آیا می تواند روزه بگیرد یا خیر؟ و اگر در ماه رمضان گرفت، آیا لازم است بعداً آن را قضا کند یا خیر؟

ج. روزه ی واجب معین مثل ماه رمضان را، هم باید بگیرد و هم قضایش را به جا آورد.

رابطه نماز با روزه ی مسافر

۲۹۷۶. آیا در شکسته و تمام بودن نماز و گرفتن روزه و نگرفتن آن تفاوتی وجود دارد؟

و یا این که در همه ی موارد حکم روزه و نماز یکسان است؟

ج. تفاوتی ندارد؛ مگر در مورد مسافرت قبل از ظهر یا برگشت از سفر در بعد از ظهر و لزوم افطار در مواضع تخییر در نماز.

علت شکسته شدن نماز در سفر

۲۹۷۷. با توجه به این که علت شکسته شدن نماز، به نظر می رسد که مسافرت های سخت و مشکل در گذشته هم چون سفر به وسیله چهارپایان بوده است، ولی امروزه که این مشکل، با وسایل نقلیه ی پیشرفته، مانند:

قطار و هواپیما برطرف شده است، آیا بازهم لزومی به شکسته بودن نماز می بینید؟

ج. بله، قصر در موارد آن لزومی است.

احکام مسافر در مکه و مدینه

۲۹۷۸. خواهشمندم نظر مبارک خود را در خصوص مسأله نماز مسافر در مکه و مدینه ی قدیم و جدید مرقوم فرمایید؟

ج. به مسأله ی ۱۱۰۲ رساله رجوع شود.

مسافت شرعی

مقدار مسافت شرعی

۲۹۷۹. مقدار مسافت شرعی چند کیلومتر است؟

ج. در حد ذراع به سانتی متر اختلاف است، اگر ذراع را ۴۷ سانتی متر حساب کنیم تقریباً ۴۵ کیلومتر می شود و اگر ۴۶ سانتی متر حساب کنیم تقریباً ۴۴ کیلومتر می شود و اگر ۴۵ سانتی متر حساب کنیم تقریباً ۴۳ کیلومتر و ۲۰۰ متر می شود. ولی این اختلاف ضرری ندارد چون حد مسافت معتبره در شرع باید متیقّن باشد و در غیر صورت یقین، استصحاب عدم دارد. (یعنی در صورت شک در مسافت شرعی، حکم عدم تحقّق مسافت شرعی را باید جاری کرد).

محاسبه مسافت شرعی

۲۹۸۰. مسافت شرعی بین دو ناحیه از کجا تا کجا محاسبه می شود؟

ج. مسأله ی ۱۰۴۱ رساله رجوع کنید.

کم شدن فاصله بین شهرها

۲۹۸۱. فاصله بین شهرها گاهی به جهت توسعه ی شهر کمتر می شود. آیا میزان فاصله سابق است یا فعلی؟ و اگر میزان فاصله

فعلیست در صورتی که سابقاً یقین به مسافرت شرعی بین دو شهر داشتیم و الآن شک کنیم، وظیفه چیست؟

ج. میزان فاصله فعلیست و در صورت ذکر شده، وظیفه قصر است.

شک در تحقّق مسافت شرعی

۲۹۸۲. مسافری که شک دارد مسافرت شرعی طی شده است یا نه وظیفه اش چیست؟

ج. اگر شک در تحقّق مسافت شرعی بین مبدأ و مقصد دارد و با سؤال کردن بدون حرج وظیفه اش روشن نشده باشد، باید نماز را تمام بخواند.

انصراف از ادامه ی سفر

۲۹۸۳. در رساله آمده که اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخی (۵ / ۲۲ کیلومتر) از ادامه ی سفر منصرف شود و قصد مراجعت به وطن کند، نمازش شکسته است، آیا اگر موقع مراجعت قصد داشته باشد که از راه دیگری که تا وطن دو فرسخ دارد مراجعت بکند، وظیفه چیست؟

ج. در این فرض تمام است.

راننده های تاکسی

۲۹۸۴. راننده های تاکسی که نوعاً تا حد مسافت شرعی از شهر خارج نمی شوند، اگر احیاناً سفر شغلی به خارج از مسافت داشتند وظیفه چیست؟

ج. وظیفه ی او قصر است.

نحوه ی محاسبه ی فاصله میان دو مکان

۲۹۸۵. فاصله میان دو مکان یا دو شهر تا کجای شهر یا مکان حساب می شود به این بیان که اگر فاصله مکانی تا یک شهر کمتر از چهار فرسخ شرعی باشد، امّا اگر ما وارد آن شهر شدیم امکان دارد در نقاطی از شهر مسافت این دو مکان از چهار فرسخ شرعی بیشتر شود، وظیفه چیست؟

ج. اگر مقصد شهر باشد، ابتدای شهر را باید در نظر گرفت و اگر مقصد مکان معلومی در شهر باشد، به طوری که بقیّه به منزله ی جادّه است، معیار همان مکان است.

حکم مسافری که به دو مکان سفر می کند

۲۹۸۶. مسافری به مقصد سه فرسخی سفر می کند، ولی از اوّل قصد دارد که در اثنای راه به جادّه فرعی که یک فرسخ است

به جهت کاری برود و از همان راه به جاده ی اصلی برگردد و سفر خود را ادامه دهد نماز این مسافر چه حکمی دارد؟

ج. اگر مقدار مسافتی را که می رود و بر می گردد مجموعاً به هشت فرسخ برسد، نمازش قصر است.

دانشجویان که خوابگاه آنها بیش از حد شرعیست

۲۹۸۷. دانشجویانی که فاصله وطن آنها تا محل تحصیل بیش از ۴ فرسخ شرعی و خوابگاه آنان در خارج شهر با فاصله بیشتر از ۵ / ۲۲ کیلومتر است و دانشجو دو یا چند هفته یک بار به وطن مراجعت می کند و حد اقل برای یک ترم چنین برنامه ای دارد، حکم نماز و روزه آنها را در محل تحصیل، خوابگاه و بین راه بیان فرمایید.

ج. اگر مرتّب بین محل تحصیل و خوابگاه در رفت و آمد باشد، نماز آنها در آن دو محل و بین راه تمام است.

معیار در مسافت شرعی

۲۹۸۸. آیا معیار در مسافت شرعی اینست که بر روی زمین به اندازه ی مسافت از وطن دور شویم یا این که مثلاً اگر با بالن ارتفاع بیش از ۵ / ۲۲ کیلومتر را بالا برویم و در بالای شهر قرار داشته باشیم بازهم مسافت شرعیّه صدق می کند و باید در آنجا نماز را شکسته بخوانیم؟

ج. ظاهراً فرقی نمی کند و در حد ترخص تقدیر استوا می شود.

تبدّل قصد

۲۹۸۹. کارگر یا دانشجویی هر روز کمتر از ۴ فرسخ را تا محل کارش طی می کند.

رفت و برگشت او به ۸ فرسخ نمی رسد. اگر بخواهد مسافت شرعیه را کامل کند به این صورت که از ابتدا قصد کند بعد از رفتن به محل کارش به مکان دیگری برود که از وطنش به اندازه ی مسافت دور است و لو این که مجموعاً از وطن تا محل کار و از محل کار تا آن محل دیگر با هم به اندازه ی مسافت شرعی باشد، حکمش چیست؟

آیا باید شکسته بخواند و یا این که در این مسافت تلفیقی بین محل کارش و محل دیگر، نمازش را تمام بخواند؟

ج. اگر از اوّل، مقصد مسافت دوم (از محل کار به محل دیگر) را قصد کند، مشروط بر این که مسافت دوم، سفر کاری او نباشد و یا سفر مستقل از سفر شغلی به حساب نیاید، باید نمازش را شکسته بخواند.

اگر مسافت محل هنگام برگشت بیش از مسافت شرعی باشد

۲۹۹۰. فردی از قم به روستایی که در دو فرسخی قم است می رود و قصد دارد بعد از سه روز توقف در آن روستا از راه دیگری که تا قم ده فرسخ است برگردد، آیا در رفتن به آن روستا و سه روزی که آنجا توقف می کند نمازش تمام است؟

ج. خیر، نمازش شکسته است.

اشتباه در تخمین مسافت شرعی

۲۹۹۱. شخصی بعد از تحقیق، یقین کرده که فاصله محل کار تا وطن او کمتر از ۸ فرسخ می باشد؛ لذا نماز خود را تمام خوانده و روزه هم گرفته است و بعد از مدتی متوجه شده که اشتباه کرده است و مسافت، بیش از ۸ فرسخ بوده است.

وظیفه ی او نسبت به نمازهایی که تمام خوانده و روزه هایی که گرفته چیست؟

در صورت عکس این قضیه که یقین داشت بیش از ۸ فرسخ فاصله داشته و شکسته خوانده و بعداً معلوم شده که کمتر از ۸ فرسخ فاصله داشته وظیفه اش چیست؟

ج. در صورت اوّل احتیاطاً باید آن نماز و روزه ها را قضا کند و در صورت دوم هم واجب است قضا کند.

شک در مسافت شرعیه

۲۹۹۲. شخصی که شغلش رانندگی داخل شهر است ولی مسافری را به خارج از شهر می برد و نمی داند به اندازه ی مسافت شرعیه از شهر دور شده یا نه باید نمازش را در آن مکان شکسته بخواند یا تمام؟ روزه اش در صورتی که قبل از ظهر مسافرت کند چه حکمی دارد؟

ج. باید نمازش را تمام بخواند و روزه اش را هم بگیرد.

مسافرت از محل اقامت ده روز به کمتر از مسافت

۲۹۹۳. شخصی به قصد تبلیغ به شهری سفر می کند و در همان شهر، محل تبلیغی فراهم می شود. سپس با قصد اقامت، روزه و نمازش را ادا می کند؛ ولی بعد از یکی دو روز محل دیگری به او پیشنهاد می شود که تقریباً ۱۸ کیلومتر با محل اقامتش فاصله دارد و باید هر روز این مسیر را برود و برگردد و حدود ۳ ساعت نیز طول می کشد، در این صورت نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج. چون محل مذکور کمتر از چهار فرسخ با آن شهر فاصله دارد، تا وقتی که سفر شرعی جدیدی را آغاز نکرده است، باید نماز را تمام بخواند. حتی اگر به گونه ای خارج شود که به اقامه او صدمه بزند، مثل این که یک روز آنجا بماند، تا وقتی که سفر جدید شرعی نکرده، نماز او تمام است.

(مسأله ی ۱۰۹۵ رساله)

حکم کسی که فاصله محل سکونتش با محل خدمت او بیش از مسافت است

۲۹۹۴. پاسداری هستم که محل سکونتم گلپایگان و خدمتم در اصفهان می باشد و هر هفته از شنبه تا دوشنبه در محل خدمت

و بقیه هفته در شهر و وطنم می باشم. نماز و روزه من چگونه است؟

ج. نماز شما تمام است و روزه ها را باید بگیرید.

سفر به کمتر از مسافت

۲۹۹۵. آیا اگر بخواهم روزه ام صحیح باشد باید از محل کار حتماً به وطن اصلی بروم تا بتوانم به شهرها و روستاهایی که کمتر از مسافت است برای غیر شغل سفر کنم یا از محل کار هم می توانم به جاهایی که کمتر از مسافت است مسافرت کنم؟

ج. می توانید به جایی که کمتر از مسافت شرعیست بروید و به محل کار خود برگردید. (بنا به تفصیلی که در مسأله ۱۰۹۵ رساله ذکر شده است.)

بلاد کبیره

۲۹۹۶. مقصود از بلاد کبیره چیست و در احکام با بلاد صغیره چه تفاوت هایی دارد؟

ج. بلاد کبیره و صغیره تفاوت ندارند.

حکم نماز و روزه در بلاد کبیره

۲۹۹۷. کسانی که در تهران زندگی می کنند؛ مثلاً اگر بخواهند از شمال تهران به جنوبی ترین نقطه شهر بروند، مسافت بیش از ۴۵ کیلومتر را باید طی کنند.

در این صورت نماز و روزه ی آنها چه حکمی پیدا می کند؟

ج. تمام است.

مسافت شرعی در ساخت و سازهای جدید

۲۹۹۸. اگر بین روستا و شهر مسافت شرعی باشد ولی در کنار جاده و خیابان حدود نیم کیلومتر مغازه و کارگاه ساخته شده باشد که با لحاظ اینها مسافت کم می شود، بفرمایید در این موارد مسافت را چگونه محاسبه می کنند و ملاک چیست؟

ج. میزان، همان حد عرفی روستا و شهر است.

منظور از نماز اوّل

۲۹۹۹. در مسأله ی ۱۰۳۵ منظور از نماز اوّل چه می باشد؟

ج. یعنی نمازی را که شکسته خوانده است و سپس معلوم شده که مسافت، هشت فرسخ بوده است.

احکام وطن

کسی که دو وطن دارد

۳۰۰۰. کسی که دارای دو وطن است و بعضی از بچّه هایش در وطن اصلی به دنیا آمده اند و بعضی در وطن دوم، حکم نماز و روزه ی هر یک از این فرزندان در وطن دیگر، از نظر قصر و اتمام چیست؟

ج. هر کدام از فرزندان وطنشان همان محل تولدشان است که محل زندگی شان هم باشد و کاری به محل تولد فرزند دیگر ندارد.

۳۰۰۱. اقامت نمودن در شهری به مدت چهار یا پنج سال به طور متناوب بدون قصد توطن، آیا حکم وطن دارد یا نه؟

ج. خیر، حکم وطن را ندارد.

کسی که دو زن دارد

۳۰۰۲. شخصی دو زن دارد، یکی در کاشان و دیگری در تهران، کاشان که وطن اوست در هفته پنج روز در آنجاست و دو روز به تهران می آید که منزل مسکونی هم دارد.

آیا می تواند تهران را به عنوان وطن قرار دهد و تحقّق آن به چه نحو خواهد بود؟

ج. برای وطنیّت باید در تهران مدّتی به صورت متّصل بماند تا صدق عرفی وطن کند.

ملاک صدق وطن

۳۰۰۳. فردی در دو شهر سکونت همیشگی دارد و در یک هفته به هر دو شهر می رود.

برای صدق وطنیّت چه مقدار باید بماند؟

ج. باید در یک جا مقداری به صورت متصل - بدون تخلّل سفر - بماند تا صدق عرفی وطن بکند.

مدّتی که قبل از توطّن لازم است

۳۰۰۴.

فرموده اید که بعد از قصد توطّن باید مدّتی بمانند تا عرفاً صدق وطن کند.

آیا این مدّت باید بدون تخلّل سفر باشد، (یعنی در بین مدت اقامت سفر نکنند) یا اعم از این مطلب است؟

ج. باید بدون تخلّل سفر باشد؛ مگر سفری باشد که به صدق عرفی تحقّق وطن، خلل وارد نسازد.

انتخاب سه وطن برای یک فرد

۳۰۰۵. آیا یک فرد می تواند سه وطن انتخاب کند؟

ج. کسی که بیشتر از دو محل را برای زندگی خود انتخاب کرده است، همه ی آنها وطن او حساب می شود.

وطن اصلی

۳۰۰۶. مقصود از وطن اصلی چیست؟

ج. محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده، وطن او است، چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد، پس وطن انسان بنا بر اقوی جاییست که عرفا آنجا را وطن شخص بدانند و لازم نیست در آنجا ملکی داشته باشد و یا این که شش ماه آنجا زندگی کرده باشد؛ بلکه همین قدر که عرفاً آنجا وطن او به حساب آید، کافی است.

رابطه قصد توطّن و ملک

۳۰۰۷. کسی که محلی را برای اقامت دائم برگزیده و قصد توطّن کرده است، آیا برای این که نمازش تمام و آثار وطن بودن بر آن مکان مترتّب شود، باید در آنجا صاحب خانه و ملک باشد؟

ج. خیر، لازم نیست.

طول مدّت سکونت در محلّی

۳۰۰۸. فردی - مثلاً عراقی - در شهر مقدّس قم به مدت بیست سال ساکن است و می خواهد هرگاه موانع برطرف شد به عراق بازگردد. آیا طی مدّت مذکور باعث می شود که قم برای او وطن گردد یا هنوز مسافر است؟

ج. طول مدّت، موجب وطن شدن قم برای او نمی شود و از مسافر بودن خارج نمی شود.

توطّن بدون قصد

۳۰۰۹. آیا بدون قصد توطّن، ممکن است محلّی وطن شخصی شود؟

ج. بدون قصد توطّن نمی شود، هر چند قصد همیشه ماندن شرط نیست، بلکه تعیین مدّت کردن مضر است و میزان صدق عرفی وطن است، یعنی مردم بگویند او اهل فلان جا است.

اعراض قصدی و عملی از وطن

۳۰۱۰. اعراض از وطن آیا فقط باید قصدی باشد یا عملی هم می شود؟

ج. باید هم قصدی باشد و هم عملی هر دو با هم به تناسب موارد که صدق عرفی به طور قطعی و جزمی محقق شود.

کسانی که چند سال جایی می مانند

۳۰۱۱. کسانی که در جایی ساکن می شوند ولی نمی دانند تا چند مدّت در آنجا خواهند ماند - مثلاً طلّاب حوزه ای علمیّه ی قم - وظیفه آنها نسبت به نماز و روزه چگونه خواهد بود؟

ج. اگر قصد دارند که بعد از تحصیل بروند یا احتمالی که سلب کننده ی سکون و آرامش روح باشد - که در توطّن لازم است، می دهند که از آن محل بروند، وطن صدق نمی کند.

۳۰۱۲. دانشجویان و طلّاب و یا ... که حدود چهار سال یا بیشتر در شهری می مانند، آیا آن شهر وطن حساب می شود؟

ج. وطن محسوب نمی شود.

وطن محصّلین

۳۰۱۳. طلبه ای که در شهر دیگری - غیر از وطنش - درس می خواند و نمی تواند قصد ده روز کند و هر چهارشنبه به وطن خویش باز می گردد، آیا نماز او شکسته است یا تمام؟ روزه ی او چه حکمی دارد؟

ج. نماز و روزه اش تمام است.

توقف طولانی اساتید و محصّلین

۳۰۱۴. آیا بدون قصد توطن، امکان دارد محلی حکم وطن را پیدا کند؟ مثلاً استاد یا طلبه ای ده سال است که بدون قصد توطن مقیم اهواز شده است و مشغول تحصیل و تدریس است، آیا قم یا اهواز برای فرد مذکور حکم وطن را دارد؟

ج. خیر، وطن نمی شود؛ مگر به نحوی که در پاسخ استفتائات گذشته ذکر شد.

کدام محل وطن است

۳۰۱۵. اگر پسر در وطن اوّلی پدر به دنیا بیاید و مدت کمی در همان جا باشد و بعد به جای دیگر برود و آنجا را محل سکونت قرار دهد، کدام محل وطن او محسوب می شود؟

ج. محل دوم وطن او می شود.

خواندن نماز شکسته و رسیدن به وطن

۳۰۱۶. اگر انسانی که در مسافرت است نمازش را شکسته بخواند ولی بعد به وطن خود برسد، در حالی که هنوز وقت نماز نگذشته، آیا باید نماز را دوباره به صورت کامل بخواند؟

ج. لازم نیست دوباره کامل بخواند و همان نماز شکسته ای که خوانده کفایت می کند.

تبعیّت زن

۳۰۱۷. آیا زن در وطن تابع شوهر است یا نه؟

ج. میزان قصد خود زن است، هر چند به تبعیّت از شوهر حاصل شود.

وطن دختر عقد کرده

۳۰۱۸. دختری به عقد مردی درآمده و قرار است در آینده به وطن مرد برود و در آنجا زندگی کند.

اگر اکنون همراه شوهرش به آن شهر مسافرت کند، آیا نمازش تمام است؟

ج. خیر، اختیار کردن وطن تابع شرایط آن است.

رفتن اجباری زن به وطن شوهر و حکم نماز و روزه وی

۳۰۱۹. زنی که بعد از عروسی علی رغم میل خود به محلی که شوهر تعیین می کند می رود، حکم نماز و روزه او چیست؟

ج. اگر شوهر آن محل را وطن انتخاب کرده که قهراً زن هم قصد وطنیّت می کند، وطن زن هم محسوب می شود.

زنی که در وطن تابع شوهر است

۳۰۲۰. زنی که در وطن تابع شوهر شده است، برای تحقق وطن آیا باید مقداری اقامت کند تا وطنیّت محقق شود؟ یا لازم نیست؟

ج. بله، باید به مقداری که صدق عرفی وطن کند، آنجا بماند.

تابعیّت فرزند از پدر در حکم وطن

۳۰۲۱. فرزند در مورد وطن آیا تابع پدر است یا مستقل می باشد؟

ج. میزان قصد خود او است، هر چند به تبعیّت از پدر حاصل شود.

۳۰۲۲. در مورد تبعیت از پدر و مادر در شکسته بودن و اتمام نماز، اولاً آیا فرزندان تابع پدر و مادر هر دو هستند یا تابع پدر و

چنان چه وطن مادر غیر از وطن پدر باشد، با توجه به این که پدر در وطن مادر مسافر است، وظیفه ی اولاد چیست؟

و ثانیاً تبعیّت تا چه زمانی است؟

و ثالثاً شهری که فرزند در آن متولد شده است، لکن نه وطن پدر اوست و نه وطن مادر او، آیا وطن او محسوب می شود؟

ج. در هر محلی که فرزند زندگی می کند همراه پدر و مادر یا یکی از آنها که وطن آنها است، وطن فرزند هم می شود و مجرّد محل تولد وطن او نیست و بعد از بلوغ و استقلال از پدر و مادر هم قصد اعراض از وطن اصلی یا توطّن جای دیگر با خود فرزند است.

وطن پدر و مادر

۳۰۲۳. فردی هستم که در قم متولد شده ام و در اینجا نیز مشغول زندگی و تحصیل هستم. پدر و مادرم متولد شهر آمل هستند و اکنون در شهر قم سکونت دارند و تابستان ها به آمل می روند. بنده نیز قبل از ازدواج تابستان ها، همراه آنها به آمل می رفتم و اصلاً قصد ۱۰ روز نمی کردم ولی کل تابستان را در آنجا می ماندم و نمازم را تمام می خواندم، آیا آنجا وطن من نیز می باشد و حکم نمازهایی که تمام خوانده ام چگونه است؟

ج. اگر پدر و مادر شما یا خود شما قصد دارید تا آخر، هر تابستان دو سه ماهی

به آنجا بروید و بمانید، آمل وطن شما هم می شود.

نماز و روزه در محل سکونت والدین

۳۰۲۴. مدتی همراه خانواده ام در شهرهای مختلف زندگی کرده ام و اکنون پدر و مادرم ساکن مشهد هستند و من ساکن تهران می باشم. نماز و روزه من در این دو محل چگونه است؟

ج. تا قصد وطنیّت در جایی نکنید، آنجا وطن شما نمی شود و میزان صدق عرفی وطن برای خود شماست نه بستگان شما.

ارتباط با زادگاه پدری

۳۰۲۵. وطن اصلی و زادگاهم شهرستان است، ولی به روستای پدرم رفت و آمد داریم، حکم نماز و روزه در آن روستا چگونه است؟

ج. تا وقتی که وطن شما نشده، در آن روستا حکم مسافر را دارید.

عدم اعراض از وطن و حکم فرزندان

۳۰۲۶. وطن من در شهریست که اعراض نکرده ام و چند فرزند دارم که متولّد تهران هستند، آیا در وطن من، نماز آنها تمام است؟

ج. خیر، بلکه اگر محل وطن شما وطن آنها هم شده باشد؛ هر چند به تبع شما، تا از آن اعراض نکنند، به حکم وطن باقیست و اگر وطن آنها نشده باشد، در آن حکم مسافر دارند.

حکم نماز فرزند با مراجعت پدر به وطن

۳۰۲۷. کارمندی که چند سالی در شهر دیگری - غیر از وطن - بوده و در آنجا فرزندی برای او متولّد شده و یک سال طفل در آنجا زندگی کرده است، آیا پس از مراجعت به وطن خود، آن شهر وطن فرزندش محسوب می شود؟

ج. بعد از مراجعت، وطن اصلی فرزند همان وطن اصلی پدر و مادر است و مکان تولّد در فرض سؤال، وطن محسوب نمی شود.

اعراض از وطن

۳۰۲۸. اعراض از وطن با چه شرایطی محقّق می شود؟

ج. به این که دیگر قصد ندارد که بعداً هم برود و در آنجا بماند و در عمل هم قطع علاقه از آنجا بکند.

اعراض قهری

۳۰۲۹. اعراض قهری یعنی چه؟ آیا اعراض قهری برای زنی که قصد جدایی و طلاق از همسرش ندارد و همسرش هم تصریح کرده است که به وطن زوجه اش برای سکونت - حتی به صورت موقّت - نمی رود، حاصل می شود یا این که آنجا وطن او خواهد بود؟

ج. با فرض این که قطع امید کرده است، اعراض قهری حاصل می شود.

ملاک اعراض از وطن

۳۰۳۰. فردی در حال روزه در ماه مبارك رمضان در شهر خودش قصد اعراض از وطنیّت می کند.

برای جواز افطار روزه، قصدش باید چگونه باشد؟

ج. باید قصدش به گونه ای باشد که عرفاً آن را اعراض بدانند، زیرا قصد اعراض به قطع تمام علایق از آنجا محقّق می شود که اعراض عملی هم می خواهد و به مجرّد قصد، اعراض تحقّق نمی یابد.

انصراف از اعراض از وطن

۳۰۳۱. شخصی از زادگاهش اعراض می کند و پس از دو ماه منصرف می شود (با توجه به این که قصد بازگشت به زادگاه و سکونت در آنجا را نداشته است)، آیا اعراض او محقق می شود یا خیر؟

ج. اگر انصراف او از اعراض صوری و ظاهری است، اعراض او محقق می شود.

اعراض و عدم اعراض از وطن

۳۰۳۲. فردی در وطن اصلی - که محل تولّدش بوده است، تا شانزده سالگی زندگی کرده و سپس به تهران هجرت می کند و اکنون سی سال است در تهران سکونت دارد.

وی از وطن اصلی اعراض نکرده و هر سال دو یا سه بار به آنجا می رود و قصد دارد در صورت آماده شدن امکانات، به صورت همیشگی یا چند ماه در سال به وطن اصلی برگردد. حکم نماز و روزه این فرد چگونه است؟

ج. تا زمانی که اعراض محقّق نشود، آنجا هم به حکم وطنیّت باقی است.

رابطه اعراض از وطن با ملک

۳۰۳۳. شخصی از وطن اصلی خود اعراض کرده، امّا در آنجا املاك دارد، آیا چنین شخصی با کسی که ملکی در وطن اعراض شده اش ندارد، فرق دارد یا نه؟ و نیز اعراض از وطن اتخاذی، با اعراض از وطن اصلی فرق می کند یا نه؟

ج. اگر جایی وطن او بوده و در آنجا شش ماه به قصد وطن بودن مانده است و ملك هم داشته و اکنون اعراض کرده است،

احتیاط در جمع بین نماز قصـر و تمام است و هم چنین گرفتن روزه و قضای آن خوب است و همین احتیاط در جایی که شش ماه بدون قصد وطن بودن مانده و حکمی داشـته است، جاریست و اگر انسان به جایی برسد که وطن او بوده و از آنجا صـرف نظر کرده، نباید نماز را تمام بخواند؛ مگر این که قبلاً شش ماه با داشت ملک در آنجا مانده باشد که خوب است احتیاط جمع خواندن و روزه و قضای آن که قبلاً ذکر شد رعایت شود؛ اگر چه وطن دیگر هم برای خود اختیار نکرده باشد.

معنای اعراض زن

۳۰۳۴. معنـای اعراض از وطن برای دخـتری که شـوهر کرده چه صورت دارد، مثلاًـ دخـتری از اصـفهان می باشـد و به تهرانی شوهر کرده؛ وقتی به اصفهان می آید، تکلیف نماز و روزه ی او چیست؟

وقتی از او پرسیده می شود که از اصفهان اعراض کرده اید می گوید نمی دانم.

ج. در اعراض، میزان قصد خود شـخص است که تصـمیم داشـته باشد دیگر برای سکونت به آن محل برنگردد، هر چند به تبع قصد شوهر و در فرض سؤال اگر چنین قصدی ندارد، اعراض محقّق نشده است.

۳۰۳۵. آیا دختر به مجرّدی که به منزل

شوهر رفت – مثلاً از قم به تهران رفت – اعراض محسوب می شود و حال آن که به قدری قم مورد علاقه دختر است که نیّتش اینست که اگر یک روزی شوهر طلاقش بدهد و یا بمیرد، دوباره به زادگاهش برگردد.

ج. اعراض بنا داشتن بر اینست که دیگر برای سکونت به آن محل برنگردد و بدون این بنا و تصمیم، اعراض نیست.

حد ترخص

تعریف حد ترخص

۳۰۳۶. حد ترخّص چیست؟

ج. یعنی انسان از وطن خود یا جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند، به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود؛ ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره ها و گنبدها را نبیند، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوارها کاملاً معلوم نباشد، کافی است.

ملاک حد ترخّص

۳۰۳۷. می گویند حد ترخص یعنی جایی که دیوارهای شهر را نبینند و صدای اذان شهر را نشنوند و در زمان کنونی که دیواری وجود ندارد و معمولاً کارخانه ها و مغازه هایی به طور پراکنده در نزدیکی شهر و گاهی متصل به آن وجود دارند که فاصله آنها از هم از چند کیلومتر تجاوز نمی کند، حد ترخص یا دیوار شهر را چگونه باید حساب کرد؟

ج. میزان دیوار خانه هاییست که عرفاً جزو شهر حساب می شود.

نیّت روزه در حد ترخص

۳۰۳۸. شخصی که در ماه رمضان مسافر است برای این که بتواند روزه بگیرد اگر قبل از ظهر به حد ترخص بیاید و نیّت روزه کند و همین که ظهر شد از همانجا مجدّداً مسافرت کند، آیا روزه اش صحیح است یا نه؟

ج. اگر قبل از وقت زوال در خود شهر باشد، ظاهراً روزه اش صحیح است و در حد ترخص احتیاطاً جمع بین روزه و قضای آن کند.

حد ترخص دو منطقه ی مسکونی متصل به هم

۳۰۳۹. دو منطقه ی مسکونی (روستا) قبلاً جدا بودند ولی الآن به هم متصل شده اند و هنوز اسمشان فرقی نکرده است ساکنین این دو محل حد ترخص را از کجا باید حساب کنند؟

ج. اگر عرفاً یک محل محسوب می شوند، حکم یک محل را دارند.

روزه ی مسافری که هنوز به شهر نرسیده؛ ولی صدای اذان شهر را می شنود

۳۰۴۰. مسافری که قبل از ظهر در ماه مبارک رمضان به نزدیک وطن یا شهری که قصد دارد در آنجا ده روز بماند رسیده، به نحوی که اذان شهر را می شنود و دیوارهای آن را می بیند ولی هنوز وارد شهر نشده است.

آیا روزه ی آن روزش صحیح است یا خیر؟

ج. اگر قبل از زوال وارد شهر هم بشود روزه اش صحیح است وگرنه احتیاطاً جمع می کند بین روزه ی آن روز و قضای آن.

افطار بعد از حد ترخص در صورت انصراف از سفر

۳۰۴۱. شخصی در ماه مبارک رمضان، قبل از ظهر برای مسافرت از خانه خارج می شود و پس از گذشتن از حد ترخّص، افطار می کند ولی قبل از رسیدن به حد مسافت شرعی، از مسافرت منصرف و قبل از ظهر به منزل بر می گردد، آیا امساک بقیه روز واجب است؟

ج. خیر و هم چنین هر جا که به نحو جایز افطار کرده است.

شک در رسیدن به وطن

۳۰۴۲. اگر مسافر در ماه مبارک رمضان به سوی وطن خود حرکت کند و مصادف با اذان ظهر، نزدیک وطن خود برسد ولی شک کند که آیا مقدارِ مسافتِ باقی مانده، وطن محسوب می شود یا خیر، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج. نماز و روزه اش تمام نیست.

روزه داری که جاهل به حکم افطار در مسافرت است

۳۰۴۳. اگر روزه دار جاهل باشد به این که تا به حد ترخّص نرسیده نباید قبل از زوال افطار کند و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است افطار نماید، روزه ی این شخص چه حکمی دارد؟

آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

ج. قضا بر او واجب است و اگر جاهل مقصّر بوده، علی الاحوط کفاره هم دارد.

جادّه ای پیچ دار

۳۰۴۴. اگر مسافر از حد ترخّص وطنش خارج شود ولی به علّت پیچ و خم جادّه، دوباره به کمتر از حد ترخّص برسد و بعد از خروج دوباره از حد ترخّص اگر باقی راه به تنهایی کمتر از مسافت شرعی باشد ولی با احتساب مقداری که قبلاً طی کرده به اندازه ی مسافت می شود، با توجّه به این که از اوّل قصد مسافت شرعی داشته است، آیا نمازش تمام است یا شکسته؟

ج. نمازش شکسته است.

اعراض و بازگشت از سفر بعد از حد ترخص

۳۰۴۵. شخصی به قصد مسافرت به هشت فرسخ و یا بیشتر، حرکت می کند، از حد ترخص که خارج شد، نماز را شکسته می خواند و حدود سه فرسخ که می رود از قصد خود منصرف می گردد و به وطن مراجعت می کند و هنوز وقت نماز باقی است، آیا باید دوباره نمازش را تمام بخواند یا نه؟

ج. خیر، اعاده لازم نیست.

سفر به قلّه های مشرف به وطن

۳۰۴۶. کسی که قصد سفر به قلّه ها و کوه های بلند و مرتفع را دارد. با توجه به این که مسیر او گاهی بیش از مسافت شرعی است، اگر شهر خود را ببیند حکم نماز و روزه ی او چیست؟

ج. وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی شد، باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.

قصد اقامت ده روز

محل کار در جایی غیر از محلی که قصد اقامت نموده است

۳۰۴۷. شخصی قصد ماندن ده روز در محلّی نموده، ولی محل کار او در فاصله کمتر از حد ترخّص شرعیست که باید هر روز به محل کار برود و هر چند روز یک بار شیفت کار او در شب است، آیا ماندن شب در محل کار مضر به قصد اقامه می باشد؟

ج. مُضر نیست.

مسافرت به کمتر از مسافت بعد از قصد ده روز

۳۰۴۸. مسافری قصد اقامت ده روزه در مکانی کرده است، ولی می داند در بین ده روز، زمانی را شبانه به مقدار کمتر از مسافت می رود. آیا اقامت وی محقّق است؟

ج. اگر بیشتر شب را در محل اقامت باشد، اشکال ندارد.

خواندن چهار رکعتی بعد از قصد و بطلان نماز

۳۰۴۹. کسی قصد اقامت در سفر کرده و پس از خواندن نماز ظهر از قصدش منصرف می شود و طبق وظیفه، نماز عصر را

تمام می خواند و پس از آن علم اجمالی به بطلان یکی از دو نمازش پیدا می کند، چه وظیفه ای دارد؟

ج. این علم اجمالی تبدیل به علم تفصیلی به باطل شدن نماز عصر و شک ابتدایی به بطلان نماز ظهر می شود. زیرا یا اینکه سبب بطلان در عصر بوده یا در ظهر، که با بطلان ظهر می بایست نماز عصر را شکسته می خوانده که تمام خوانده است؛ پس نماز عصر به هر حال باطل بوده، ولی در بطلان ظهر فقط شک دارد و یقین به بطلان ندارد و چون شک پس از فارغ شدن از نماز است، محکوم به صحّت می باشد.

پس باید نماز عصر را تماماً اعاده کند و نمازهای بعدی در این محل را هم تا نرفته تمام بخواند.

قصد ده روز در قم و رفتن به مسجد جمکران

۳۰۵۰. طلبه ای که در شهر مقدّس قم قصد ده روز نموده و در طول این ده روز از اوّل نیّت رفتن به مسجد مقدّس جمکران را داشته است، آیا قصد ده روز تحقّق پیدا می کند یا نه؟

ج. چنان چه قسمت عمده روز را در محل اقامت باشد و شب را در محل اقامت به سر برد، قصد عشره محقّق می شود، هر چند هر روز برود.

سفر به بیشتر از حد مسافت شرعی

۳۰۵۱. شخصی که قم وطن اوست و به چهار فرسخی قم رفته و در آنجا قصد ده روز می نماید، پس از چند روز جهت سرکشی به خانواده ی خود به قم آمده و بر می گردد، آیا این رفت و آمد مُضر به قصد اقامت است و یا این که حکم مسافر را ندارد؟

ج. حکم سفر مجدّد را دارد و مضر به قصد اقامت است.

مسافرت کمتر از مسافت

۳۰۵۲. اگر مسافر، اوّل ماه رمضان وارد مشهد مقدّس شد و بعد از پنج روز از قصد ده روز اقامت، به روستایی در سه فرسخی رفت و دو روز در آنجا ماند و بعد به مشهد مقدّس برگشت و سه روز دیگر ماند، وظیفه ی او در آن روستا و بعد از برگشت در مشهد مقدّس تمام بوده یا شکسته؟

ج. تمام است.

مسافرت به کمتر از مسافت

۳۰۵۳. بعد از این که قصد ده روز کردیم و ده روز گذشت، آیا می شود به مقدار کمتر از مسافت شرعی به اطراف محل اقامت مسافرت کرد؟

ج. اگر اعراض از محل اقامت نکرده، نمازش تمام است و اگر اعراض کرده و برگشتن به محل اقامت فقط برای عبور از آنجا است، نمازش شکسته است.

قصد اقامت روحانی در چند روستا

۳۰۵۴. در مناطق محروم روستایی کشور به علت فقر شدید مالی دعوت از یک روحانی به صورت مستقل در یک ماه رمضان و ایّام تبلیغی نوعاً میسور نیست و معمولاً ـ دو یا سه روستا در جوار هم با تفاهم هم دیگر - چون فاصله متوسّط آنها کمتر از مسافت شرعیست - یک روحانی دعوت می کنند.

آیا راهی برای قصد اقامت در دو یا چند محل وجود دارد؟

ج. اگر در مجموع دو مکان نزدیک به هم قصد ماندن ده روز کرد به گونه ای که به راحتی به هر دو مکان رفت و آمد می تواند بکند، این قصد اقامه صحیح است؛ چون وحدت و یکی بودن اسمیِ محل، لازم نیست و ماندن در یک محل (اقامه ی واحد) معتبر است.

انصراف بعد از خواندن چهار رکعتی

۳۰۵۵. در رساله آمده که اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردّد شود، تا وقتی در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند؟ آیا خواندن نماز جمعه کفایت از آن می کند؟

ج. کفایت نمی کند.

بیهوش و قصد ده روز

۳۰۵۶. شخصی را که به صورت بیهوشی کامل به بیمارستانی در فاصله ای بیشتر از مسافت شرعی برده اند و درمان او ده روز به طول می انجامد پس از دو روز به هوش آمدن، وظیفه ی او در هشت روز باقی مانده چیست؟

ج. چون قصد سفر نداشته است، نماز وی تمام است.

قصد ده روز کسی که نمازهای روزهای اوّل را نخوانده است

۳۰۵۷. شخصی که از اوّل قصد ماندن ده روز داشته ولی چند روز اوّل را نماز نخوانده است، اکنون که قصد خواندن نماز را دارد وظیفه اش قصر است یا تمام؟

ج. اگر از قصد خود برنگشته، وظیفه ی او تمام است.

قصد ده روز در ایّام عادت

۳۰۵۸. زن مسافر در مقصد، با این که ایام عادت او است، آیا می تواند قصد ده روز کند و یا باید صبر کند تا پاک شود؟

ج. اگر قصد دارد ده روز بماند، قصد اقامت محقّق است و پس از پاکی، نماز را تمام می خواند.

نحوه تحقّق قصد اقامت

۳۰۵۹. شخص مسافری که می خواهد ده روز قصد کند؛

۱) آیا باید قصد داشته باشد که ده روز تمام از طلوع فجر بماند یا از طلوع آفتاب هم کفایت می کند؟

۲) و آیا قصد ده روز تلفیقی کفایت می کند؟ مثلاً اگر ظهر رسیده و قصد کند تا ظهر روز یازدهم بماند، نمازش را تمام بخواند؟

ج. به مسأله ی ۱۰۸۶ رساله رجوع کنید.

اعلام ماندن ده روز به دروغ

۳۰۶۰. مدیر کاروان - با توجّه به این که می داند توقّف زایرین در مدینه یا مکّه کمتر از ده روز است - به آنها اعلام می کند که ده روز می مانم و آنان به اعتماد گفته ی او نمازشان را تمام می خوانند و روزه می گیرند، ولی قبل از ده روز از آنجا حرکت می کنند، حکم شرعی نسبت به مدیر که این مطلب را اعلام می کند و نماز و روزه ی زایران چیست؟

ج. نماز و روزه ی زایران صحیح است.

قصد اقامت به تبع دوستان

۳۰۶۱. شخصی به اعتقاد این که رفقای او قصد ده روز کرده اند، قصد اقامت کرده و چند نماز تمام خوانده است؛ بعد معلوم شده که دوستان وی قصد نکرده اند، آیا نمازهایی که تمام خوانده صحیح است یا باید قضا کند؟ وظیفه ی او در مدت باقیمانده چیست؟

ج. نمازهای او صحیح بوده و تا زمانی که در آنجا است، باید نماز را تمام بخواند.

قصد اقامت

۳۰۶۲. شخصی در مشهد مقدس قصد کرده تا روز جمعه هفته ی دیگر بماند و گمان کرده که تا آن روز ده روز است و نمازها را تمام خوانده و روزه ها را گرفته است، پس از آن متوجّه شده که تا روز جمعه ۹ روز است.

حکم نماز و روزه های او چیست؟

ج. بنا بر احوط آنها را قضا کند.

مهاجرت از وطن به شهر دیگر و وطن قرار دادن آن

۳۰۶۳. این جانب از اهالی هویزه بودم و بر اثر جنگ، به شهر بهبهان مهاجرت کردم و با خانواده ام تصمیم گرفتم که برای همیشه در آنجا ساکن شوم و خانه هم ساختم ولی اینک بعد از ده سال که شرایط دیگری به وجود آمده است به هویزه بازگشته ام، آیا بهبهان وطن دوم ما محسوب می شود یا خیر؟ تکلیف ما نسبت به نماز و روزه در آنجا چگونه است؟

ج. تا از بهبهان اعراض نکرده اید، آنجا وطن دوم شما محسوب می شود.

احتمال عدم ماندن در محل اقامت

۳۰۶۴. اگر شخصی احتمال بدهد که به دلیل پیش آمدن کاری نتواند ده روز بماند، تکلیف او چیست، آیا می تواند قصد کند و اگر آن کار پیش آمد از قصد خود اعراض کند؟

ج. اگر در حال تردید است، نمی تواند قصد کند به خلاف احتمالات غیر قابل اعتنا، که با وجود آن می توان قصد کرد.

قصد اقامت و خروج از حد ترخص

۳۰۶۵. آیا خارج شدن از حد ترخّص، مضر به قصد اقامت است یا خیر؟ مثلاً کسی می خواهد در قم، ده روز بماند و می داند که روزها برای چندین مرتبه به جمکران می رود (امّا خوابگاه و محل اقامتش قم است)، آیا قصد اقامتش صحیح است یا خیر؟

ج. می تواند در مجموع دو محل قصد اقامت کند.

قصد اقامت بدون توجه

۳۰۶۶. شخصی قصد اقامت پنج روز در محلی داشته ولی هنگام ورود به آن محل به کلّی فراموش کرده و جداً قصد ده روز نموده است، آیا قصد اقامتش محقق می شود؟

ج. اگر به نحو غفلت از امر واضح نزد او بوده که می تواند با اندك التفات و توجه زایل شود، قصد اقامت وی محقق نمی گردد، اما اگر به نحو نسیانی و فراموشی بوده که احتمال دارد تا پایان ده روز یادآور و متذکّر نشود، قصد اقامتش محقّق شده است.

بلوغ در حین ده روز

۳۰۶۷. اگر کودکی قبل از بلوغ وارد مشهد شود و بنا دارد جمعاً ده روز بماند و روز پنجم اقامت، بالغ شود، آیا باید در پنج روز باقی مانده نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

ج. تمام می خواند؛ همان طوری که پنج روز قبل هم تمام بود؛ هر چند بر او واجب نبود.

مسافرت حرام

مسافرت برای گرفتن مالیات

۳۰۶۸. شخصی که مأمور گرفتن مالیات در کشوری مثل پاکستان است و برای گرفتن آن گاهی به مسافرت می رود، آیا سفر او حرام و نماز تمام است؟

ج. در سفر حرام، نماز تمام است و در سؤال مفروض، حرام بودن سفر فی الجمله است.

روزه در سفر معصیت

۳۰۶۹. آیا در سفر معصیت که نماز تمام است، روزه را هم باید بگیرد؟ آیا روزه ی او صحیح است یا باید دوباره قضا کند؟

ج. بله، باید روزه واجب را بگیرد و روزه اش هم صحیح است.

مسافرت برای شرکت در مجلس حرام

۳۰۷۰. اگر شخصی را به جایی - که مسافت شرعیست، برای عروسی دعوت کنند و او می داند که در آنجا موسیقی مطرب پخش می شود و با فرض حضور، نمی تواند خود داری و جلوگیری از شنیدن داشته باشد، وظیفه ی نماز و روزه ی او چگونه است؟

ج. اگر مقصود و هدف از سفر او شنیدن و گوش دادن موسیقی نیست، ولی در ضمن سفر مبتلاـ به آن می شود، نمازش شکسته و روزه هم نمی گیرد.

(جامع المسائل ص ۵۸۶ و وسیله م ۹۵۸ و ۹۶۰.) سوار کردن همسر در ماشین دولتی

۳۰۷۱. کارمندی برای انجام کار دولتی به مسافت شرعی می رود و بر خلاف مقررات، همسر خود را هم سوار می کند.

وظیفه ی نماز و روزه ی خود و همسر وی چگونه است؟

ج. اگر سوار شدن همسر سبب زیادتی خرج وسیله نشود و هیچ تأثیری در سفر شغلی کارمند نداشته باشد، اینجا کشف رضایت مالك می شود که بر فرضی که بفهمند راضی هستند و در نتیجه نماز شکسته است.

استفاده از وسیله ی دولتی برای کارهای شخصی

۳۰۷۲. کارمندی با استفاده از ماشین دولتی برای کارهای شخصی به مسافت شرعی می رود، حکم نماز او چیست؟

ج. اگر بر خلاف مقرّرات است، حکم ماشین و وسیله ی نقلیه غصبی را دارد و نمازش تمام است.

قصد ورود به منزل غصبی

۳۰۷۳. مسافرت به محلّی که بیشتر از مسافت شرعیست و در آنجا بنا دارد وارد منزل غصبی بشود، وظیفه ی او در این سفر چیست؟

ج. اگر مقصود اصلی از سفر غیر معصیت باشد و معصیت مقصود فرعی و تبعی است، نماز شکسته است.

سفر برای خوش گذرانی و صید ماهی

۳۰۷۴. در رابطه با این مسأله که اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود نمازش تمام و اگر برای تهیه ی معاش باشد نمازش شکسته است آیا این حکم شامل کسانی که برای صید ماهی می روند نیز هست یا خیر؟

ج. بله، شامل آنها هم می شود.

کثیرالسّفر

معیار کثیرالسّفر

۳۰۷۵. به چه کسی کثیرالسّفر می گویند و معیار آن چیست؟

ج. کثیرالسّفر کسیست که غالباً در کمتر از ده روز به حد مسافت شرعی رفت و آمد کند.

به حدّی که عرفاً مصداق کثیر السّفر شود.

حکم کثیرالسّفر و دائم السّفر

۳۰۷۶. آیا حکم کثیر السّفر و دائم السّفر یکی است، مثلاً افرادی که برای تحصیل از شهری به شهر دیگر می روند با کسی که شغل او سفر است در تمام خواندن نماز و گرفتن روزه برابرند؟

ج. بله، حکمشان یکی است.

فرق شغله السفر با شغله فی السفر

۳۰۷۷. این که می گویند «شغل او سفر» است و دیگر این که «شغل او در سفر» است، چه تفاوتی با هم دارند؟ و به لحاظ فقهی این تفاوت چه ثمرات عملی دارد؟

ج. چون میزان کثرت سفر است، لذا این دو صورت فرقی در حکم ندارند.

عدم استقرار وظیفه ی شغلی

۳۰۷۸. بنا بر این که در سفر شغلی در صورتی که عرفاً به آن سفر شغلی بگویند، نماز تمام است، آیا در مواقعی که برای پذیرش مسؤولیت شغلی به شهرستان دیگری مسافرت می کنم و استقرار نهایی مسؤولیت شغلی در آن شهرستان مستلزم موافقت نهایی افراد دیگری است، وظیفه چیست؟

ج. چنین مسافرتی، مسافرت شغلی نیست و نماز شکسته است.

سفر اوّل چیست؟

۳۰۷۹. مراد از سفر اوّل، مسافرت عرفیست یا شرعی؟

ج. منظور مسافرت شرعی یعنی طی کردن هشت فرسخ است و پس از طی این مسیر، سفر اوّل شرعی تحقق یافته؛ است هر چند سفر اوّل عرفی هنوز تحقق نیافته است.

کفایت هشت فرسخ برای صدق سفر اوّل

۳۰۸۰. فرد کثیر السّفر که پس از اقامت ده روز در جایی در سفر اوّل نمازش شکسته است، آیا برای صدق سفر اوّل همان هشت فرسخ کافی است؟

ج. کفایت می کند.

نماز کثیر السّفر در ۱۵ روز تعطیلات

۳۰۸۱. اگر کثیر السّفر در تعطیلات نوروز - که حدوداً ۱۵ روز است - یا تابستان - که غالباً از دو ماه بیشتر و محل کار یا تحصیل تعطیل است - برای حقوق یا کاری غیر از تحصیل و کار به آنجا مسافرت نماید، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. در سفر برای غیر شغل، حکم مسافر دارد، حتّی در سفر به محل کار.

ماندن بدون قصد ده روز در محل کار و تحصیل

۳۰۸۲. اگر کسی بعد از تحقّق کثرت سفر، بدون قصد ده روز در سربازخانه یا محل کار و تحصیل مانده، در سفر اوّل وظیفه ی او چیست؟

ج. در فرض سؤال، نماز او تمام است.

قصد مسافرت به جمکران به مدت چهل هفته

۳۰۸۳. افرادی که قصد مسافرت برای چهل هفته ی پیاپی از شهرهای دور به مسجد مقدّس جمکران را دارند و همچنین افرادی که سالیان پیاپی هر هفته به این مکان مقدّس تشریف می آورند، در مورد نماز و روزه های واجب چه وظیفه ای دارند؟

ج. در فرض سؤال، نماز آنها تمام و روزه آنها صحیح است، البته با مراعات مسأله ۱۰۶۶ رساله.

راننده در سفر طولانی

۳۰۸۴. راننده ای از اهواز به آلمان کالا حمل می نماید و رفت و آمد او حدود یک ماه یا بیشتر طول می کشد.

آیا در سفر اوّل نمازش شکسته است یا به علّت طولانی بودن سفر باید از همان سفر اوّل تمام بخواند؟

ج. باید بعد از هشت فرسخ اوّل نماز را تمام بخواند.

مسافرت به غیر وطن

۳۰۸۵. افرادی از محل کار، بعد از ظهر به غیر وطن مسافرت می کنند و فردا صبح به محل کار می روند بدون این که به وطن برگشته باشند. تکلیف نماز و روزه ی آنها چیست؟

ج. اگر برای غیر شغل سفر می کنند، حکم مسافر را دارند و اگر رفت و آمد آنها همان رفت و آمد شغلی آنها است، نمازشان تمام است و می توانند روزه بگیرند و در هر صورت در برگشت که برای کار به محل می روند، حکم سفر شغلی مترتّب است.

سفر غیر شغلی

۳۰۸۶. کثیرالسّفر اگر در این بین سفر غیر شغلی بکند، بعد از رجوع به سفر شغلی در همان سفر شغلی اوّل نمازش کامل می شود یا از سفر دوّم به بعد؟

ج. در همان سفر شغلیِ اوّل نماز او تمام است؛ اگر ده روز اقامت با قصد در غیر وطن و یا بدون قصد در وطن نکرده باشد.

مسافرت به مکان های دیگر

۳۰۸۷. اگر بعد از برگشت از محل کار و یا تحصیل تا سفر بعدی به آنجا ده روز گذشته، ولی در این بین مسافرت های دیگری به مکان های دیگر داشته است.

آیا در سفر به محل کار نماز او شکسته است، یعنی سفر اوّل او محسوب می شود؟

ج. اگر ده روز در یک محل نمانده، حکم سفر اوّل را پیدا نمی کند.

تغییر شغل و مسافرت

۳۰۸۸. اگر شخصی هر روز از محل اقامت خود برای تدریس به بیش از مسافت شرعی مسافرت نماید، حال اگر شغل خود را عوض کند و برای کار دیگری به همان سفر برود، وظیفه اش چیست؟

ج. اگر شغل جدید به گونه ایست که برای آن زیاد سفر می کند و ده روز در یک مکان نمی ماند، سفر برای شغل جدید در حکم سفر قبلی است.

همسر فرد کثیرالسّفر

۳۰۸۹. همسر شخص کثیر السّفر که به همراه او می رود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر بنا دارد همراه او برود، به حکم کثیرالسّفر است.

مسافرت لازمه ی شغل

۳۰۹۰. شغل من لوله کشی گاز است که به فتوای حضرت عالی چون کثیرالسّفرم نمازم تمام است؛ ولی چند ماه یک بار برای تهیه ی اوراق مربوط یا مهر شرکت به تهران سفر می کنم. وظیفه ی نماز و روزه ی من در این سفر چیست؟

ج. اگر مسافرت مذکور، لازمه ی شغلی شماست نماز تمام و روزه صحیح است.

۳۰۹۱. ماهیگیرانی که گاهی برای خرید لوازم قایق و تور ماهیگیری و یا برای تهیه ی اوراق مربوط به شغل، به حد مسافت مسافرت می کنند، وظیفه ی نماز و روزه آنها چیست؟

ج. اگر در شغل خود کثیر السّفر نیستند، نماز را قصر و روزه را افطار کنند و در غیر این صورت لوازم شغلی در حکم خود شغل است.

۳۰۹۲. اگر افراد کثیرالسّفر - غیر از سفرهای متعارف شغلی شان - گاهی برای کار اداری در رابطه با شغلشان به جای دیگر مسافرت کنند، تکلیف آنها چیست؟

ج. اگر برای شغل می روند، حکم سفر شغلی را دارند.

مبلّغینی که هر روز به حد مسافت شرعی سفر می کنند

۳۰۹۳. طلبه ای برای امر تبلیغ در یک ماه به مکانی می رود که هر روز به حد مسافت شرعی باید سفر کند، آیا وی کثیر السّفر است؟

ج. کثیر السّفر می شود، اگر معمولاً تبلیغ می رود.

مسافرت های پیاپی در حد مسافت

۳۰۹۴. فردی چهارده روز از ماه را در وطن می ماند و در بقیه ماه به مکان دیگری می رود که در آن مکان، مسافرت های پیاپی در حد مسافت دارد، آیا احکام کثیر السّفر شامل حال وی می شود؟

ج. کثیر السّفر است و در غیر سفر اوّل به حکم فرد مقیم است.

وظیفه کثیر السّفر در سفر اوّل

۳۰۹۵. کثیر السّفر اگر در سفر اوّلش بیش از حد مسافت برود و برگردد، حکم نمازهای وی در مسیر رفت و برگشت چیست؟

ج. در هشت فرسخ اوّل نماز قصر است و پس از آن تمام است.

مسافرت هفتگی طلاب، کارگران، دانشجویان و ...

۳۰۹۶. کسی که شغلش در سفر می باشد مانند کارگران کارخانه یا برخی از طلاب که هر هفته از تهران یا شهرهای دیگر جهت تحصیل به قم می آیند و آخر هفته به وطن مراجعت می کنند، تکلیف نماز و روزه ی آنها چیست؟

ج. اگر غالباً ده روز متوالی در جایی نمی مانند کثیر السّفر هستند و نمازشان تمام و روزه هم می گیرند.

خدمه هواپیما

۳۰۹۷. فردی در هواپیما کار می کند و پیاپی به مسافرت می رود و در جایی که فرود می آید، از آنجا تا حد مسافت شرعی برای استراحت به هتل می رود، آیا نمازش در آنجا تمام است؟

ج. آن سفرها هم لازمه ی شغل است و نماز در آنجا هم تمام است.

وظیفه مسافری که فقط بیست روز کثیر السّفر است

۳۰۹۸. فردی تنها مدت بیست روز کثیر السّفر است.

نمازش چه حکمی دارد؟

ج. احتیاطاً جمع کند؛ یعنی هم شکسته نماز بخواند و هم تمام.

کثرت سفر با قصدهای مختلف

۳۰۹۹. فردی به صورت همیشگی در کمتر از ده روز به شهری مسافرت می کند، ولی هر هفته ای به جهت کار و غرضی غیر از کار و غرض قبلی می رود، آیا کثیر السّفر اطلاق می شود؟

ج. کثیر السّفر است.

مسافرت راننده ی داخل شهر به شهر دیگر

۳۱۰۰. فردی که شغلش رانندگی داخل یك شهر و اطراف آن به حد مسافت شرعیست و از آن شهر به شهر دیگری برای

رانندگی در اطراف شهر دوّمی به حد مسافت می رود، آیا در سفر از شهر اوّل به شهر دوم نمازش تمام است؟

ج. بلی، زیرا این سفر هم مقدمه ی شغل او است.

البته در کثرت سفر باید سفر تا حد مسافت باشد نه کمتر از آن.

رفت و بازگشت

۳۱۰۱. کثیرالسّفری که در سفر اوّلش نماز را شکسته می خواند. آیا در بازگشت هم همین حکم را دارد؟

ج. در این فرض در برگشت، نماز او تمام است.

آغاز به کار فرد کثیرالسّفر و نماز او

۳۱۰۲. آیا کثیرالسّفر (کسی که زیاد سفر می کند)، بلافاصله بعد از شروع به کار باید نمازش را کامل بخواند یا بعد از مدّتی که از شروع به کار گذشت و یا بعد از سفر دوّم؟

ج. با صدق عملیّت سفر (سفر کاری)، بعد از سفر اوّل نمازش تمام است.

تردید در ماندن

۳۱۰۳. اگر پس از سفر اوّل نداند که کمتر از ده روز در محل تحصیل می ماند یا نه، اگر این تردید در هر مراجعت از وطن به محل تحصیل وجود داشته باشد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج. اگر در سفر قصد ده روز ندارد، نمازش شکسته است؛ ولی کسی که برای کار یا تحصیل غالباً مسافرت می کند و ده روز نمی ماند، نمازش تمام است حتّی اگر بیش از ده روز با تردید بماند.

حکم نماز و روزه سربازان وظیفه

۳۱۰۴. حکم نماز و روزه کسانی که دوره سربازی خود را می گذرانند و هر روز به وطن مراجعت می کنند یا در هفته یک بار روز جمعه به وطن می آیند چیست؟

ج. حکم کثیر السّفر را دارند و نماز و روزه آنها تمام است.

حکم نماز و روزه دانشجویان که هر هفته مسافت بیش از حد شرعی را طی می کنند

۳۱۰۵. ۱) حکم نماز و روزه دانشجویانی که فاصله وطن آنها تا محل تحصیل بیش از ۴ فرسخ شرعیست و ۳ روز در هفته، به محل تحصیل می روند و در همان روز بر می گردند و حد اقل برای یک ترم چنین برنامه ای دارند در محل تحصیل و بین راه بیان فرمایید.

۲) حکم نماز و روزه دانشجویانی را که فاصله وطن آنها تا محل تحصیل بیش از ۴ فرسخ شرعیست و فقط ۱ روز در هفته به محل تحصیل می روند و بر می گردند و حد اقل برای یک ترم چنین برنامه ای دارند، در محل تحصیل و بین راه بیان فرمایید.

ج. در هر دو مورد نماز و روزه آنها در محل تحصیل و در بین راه تمام است.

رفتن هر هفته به باغ

۳۱۰۶. شخصی در اطراف شهر خود باغی دارد که جمعه ها به آن باغ می رود. نماز و روزه ی او چگونه است؟

ج. اگر فاصله اش تا شهر به حد مسافت شرعی (۸ فرسخ) است و هر هفته به آنجا می رود، نماز در آنجا تمام است.

مسافرت هفتگی کاسب جهت تهیّه جنس

۳۱۰۷. کاسبی که هفته ای یک بار جهت فراهم کردن اجناس، مسافرت شرعی انجام می دهد، وظیفه اش چیست؟

ج. اگر قصدش بر اینست که شغلش به همین نحو باشد، به حکم کثیر السّفر و شغله السفر (کسی که شغلش سفر است مثل راننده)، می باشد.

مسافرت هفتگی معلّمین و دانش آموزان یا ...

۳۱۰۸. معلّمین یا دانش آموزان و ... که هفته ای یک بار یا هر روز به محل کار می روند و بر می گردند (و حتّی ظهر شرعی را در بین راه می باشند) حکم نماز و روزه ی آنها چیست؟

ج. نمازشان تمام است و می توانند روزه بگیرند. (با ملاحظه ی مسأله ی ۱۰۶۶ رساله)

کسی که هر هفته به وطن می رود

۳۱۰۹. شخصی که در ایّام هفته در حد مسافت شرعی از وطن دور است؛ ولی هر جمعه به وطن بر می گردد و این عمل را تا یک ماه یا دو ماه یا سه ماه ادامه می دهد، حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج. اگر سفرهای تکراری و پشت سر هم دارد، به حکم کثیرالسّفر است؛ ولی در کمتر از آن، احتیاط در جمع می نماید؛ یعنی نمازش را هم شکسته و هم تمام می خواند و هم چنین سفرهای اتّفاقی موقّتی.

نماز و روزه ی جهانگردان، سیّاحان و سفرهای تفریحی

۳۱۱۰. آیا کسی که برای شغل و کار، زیاد سفر می کند، کثیر السّفر است یا هر کسی که زیاد سفر می کند، مثل جهانگردان یا برای تفریح و سیاحت سفر می کند نیز کثیر السّفر محسوب می شوند؟

ج. بله، فرق نمی کنند.

حکم دانشجویی که هر دو هفته یا ۱۰ روز یک بار مسافرت کند

۳۱۱۱. دانشجویانی که فاصله وطن تا محل تحصیل آنها بیش از چهار فرسخ شرعیست و هر دو هفته یك بار یا بیش از ده روز یك بار به محل درس می روند و بر می گردند و حد اقل برای یك ترم چنین برنامه ای دارند، حکم نماز و روزه آنها را در محل تحصیل و بین راه بیان فرمایید.

ج. نمازشان در محل تحصیل، چون قصد ده روز دارند تمام است؛ ولی بین راه نمازشان شکسته است و همین طور نسبت به روزه ی شان که در صورت قصد ده روز در محل تحصیل باید روزه بگیرند؛ ولی در بین راه حکم مسافر را دارد.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۳۵۸ رساله رجوع شود.)

استادانی که هر سه روز مسافرت می کنند

۳۱۱۲. حکم نماز و روزه استادانی که سه روز در هفته به محل تدریس رفت و آمد دارند را؛ در دو صورت زیر در محل تدریس و بین راه بیان فرمایید:

۱) محل تدریس یك شهر است.

۲) محل تدریس شهرهای مختلف است.

ج. در هر دو صورت نماز و روزه آنها تمام است.

فردی که محل تحصیل و تدریس او در دو جای مختلف است

۳۱۱۳. کسی که وطن او کاشان است و برای تحصیل به قم آمده و خانه گرفته است و محل تحصیل او در ۱۰ کیلومتری قم بوده و برای تدریس هم در هفته دو روز به روستا می رود و شب به قم باز می گردد و در آخر هفته هم به کاشان می رود، حکم نماز و روزه او چگونه است؟

ج. نماز و روزه اش در هر سه محل و بین راه تمام است.

نماز راننده با ۲۰ روز مسافرت و ۲۰ روز استراحت

۳۱۱۴. دو نفر راننده، ماشینی را از شرکت خریداری و شروع به رانندگی و مسافربری می کنند؛ به این نحو که ۲۰ روز یکی از آنها با ماشین کار می کند و شریك دیگر در خانه می ماند و سپس شریك دیگر با ماشین به مدت ۲۰ روز رانندگی می کند و آن راننده ی اوّل ۲۰ روز در خانه می ماند. آیا نماز و روزه ی آن دو مثل سایر رانندگان است؟

ج. بلی، حکم راننده دارند؛ مثل راننده ی فصلی.

سفر شغلی

۳۱۱۵. شخصی در طول سال حدود سه ماه تابستان را در مسافت شرعی مسافرکشی می کند، حکم نمازش چیست؟

ج. نمازش در آن سه ماه تمام است.

حد سفر دوم

۳۱۱۶. شخصی که شغلش مسافرت بوده، بعد از ماندن ده روز در وطن، جنسی را از شهر خود به اصفهان که فاصله اش بیش از ۸ فرسخ است برده و چون جنس در آنجا فروش نرفته، آن را به شهرکرد برده است، آیا همین که به شهرکرد رفته، سفر دوم است و نماز را تمام بخواند؟

ج. بله، بعد از هشت فرسخ اوّل نمازش تمام است.

۳۱۱۷. سربازی از شهرستان به یکی از پادگان های تهران آمده و مأموریتش گشت زدن در اطراف تهران تا شعاع بیش از مسافت شرعیست و مقرّش در تهران است، حکم نماز و روزه ی او چگونه است و سفر اوّل وی چه وقت و کجا پایان می یابد که از سفر دوم نماز را تمام و روزه را بگیرد؟

ج. از اوّل این کار بعد از این که ۸ فرسخی راه را طی کرد، بعد از آن دیگر نماز و روزه اش تمام است.

حکم کسی که نیمی از سال را در وطن و بقیه را در سفر است

۳۱۱۸. کسی در طول سال پانزده روز سفر می کند و پانزده روز در وطن می ماند، نماز و روزه ی او چگونه است؟

ج. در آن ۱۵ روز نماز و روزه اش تمام است، البته غیر سفر شرعی اوّل یعنی هشت فرسخ آغاز سفر.

روزه ی قضای کسی که شغلش سفر است

۳۱۱۹. این جانب کارمند و برای شغل، همه روزه در حد مسافت شرعی در رفت و آمد هستم. تکلیف نماز و روزه ام چیست و آیا می توانم روزه ی قضا بگیرم؟

ج. نماز و روزه ی شما تمام است و قضای روزه هم صحیح است.

احکام اعتکاف

اعتکاف در ادیان دیگر

۳۱۲۰. آیا اعتکاف به دین مبین اسلام اختصاص دارد یا در شرایع و ادیان دیگر هم وجود داشته است؟

ج. ظاهراً وجود داشته است و آیه ی ۱۲۵ سوره ی مبارکه ی بقره را به آن اشاره گرفته اند.

زمان اعتکاف

۳۱۲۱. آیا اعتکاف به زمان های ویژه ای اختصاص دارد؟

و بهترین زمان جهت اعتکاف چیست؟

ج. در هر زمانی که روزه در آن ایام صحیح است اعتکاف نیز جایز و صحیح است و بهترین اوقات اعتکاف ماه رمضان و برترین اوقات رمضان دهه ی آخر آن است.

اعتکاف بدون قصد عبادت

۳۱۲۲. آیا توقف در مسجد، بدون قصد عبادت، اعتکاف به شمار می آید یا قصد عبادت هم لازم است؟

ج. قصد عبادت هم لازم است.

شرط ضمن نیّت اعتکاف

۳۱۲۳. شرط ضمن نیّت اعتکاف به چه معناست و چه شروطی را انسان می تواند در آن نیت کند؟

ج. به این معناست که از اوّل می تواند شرط کند که هر وقت خواست، چه با عروض مانع یا عدم آن از اعتکاف دست بردارد، هر چند در روز سوّم هم باشد.

اعتکاف واجب

۳۱۲۴. اعتکاف به واسطه نذر، عهد، قسم، یا شرط ضمن عقد یا اجاره چه حکمی دارد؟

ج. واجب می شود.

اعتکاف نیابتی

۳۱۲۵. اعتکاف به نیابت از میّت یا حی چه حکمی دارد؟

ج. اعتکاف به نیابت از میّت صحیح است و صحت آن به نیابت از حی محل تأمل است.

قصد اعتکاف

۳۱۲۶. آیا در اعتکاف قصد وجوب یا استحباب لازم است؟

ج. لازم نیست.

زمان نیّت اعتکاف

۳۱۲۷. زمان نیّت اعتکاف چه وقت است؟

آیا می توان در اوّل شب نیّت کرد؟

ج. زمان نیّت اعتکاف اوّل طلوع فجر روز اوّل است و از اوّل شب هم می تواند نیت کند؛ بلکه نیّت از شب موافق احتیاط مستحبیست و اگر اعتکافش بیش از سه روز است، از همان وقت نیّت را شروع می کند.

اشتباه در نیت

۳۱۲۸. اگر برای اعتکاف وجوبی، از روی اشتباه نیّت استحبابی کند یا بالعکس، تکلیف چیست؟

ج. اگر به قصد انجام وظیفه فعلی بوده است، صحیح است.

اعتکاف مسافر

۳۱۲۹. آیا مسافر می تواند معتکف شود؟

ج. اگر بتواند در آن سفر روزه بگیرد، اعتکاف او صحیح است.

مصادف شدن اعتکاف با عید فطر و قربان

۳۱۳۰. اگر زمانی نیّت اعتکاف کند که روز عید یا قربان در بین ایّام اعتکاف واقع شود، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

اعتکاف بیشتر از سه روز

۳۱۳۱. اعتکاف بیشتر از سه روز، به صورتی که آن زیاده، بخشی از یک روز یا شب باشد، چه حکمی دارد؟

ج. در جایی که اعتکاف سه روز باشد، صحت تلفیق، محل تأمّل و اشکال است و اگر بیشتر باشد و از اوّل نیّت آن را داشته است، تلفیق جایز است.

اعتکاف روز ششم

۳۱۳۲. کسی که پنج روز در اعتکاف بوده است، آیا اعتکاف روز ششم هم بر او واجب است؟

ج. بلی، روز ششم واجب است، علی الاقوی.

مراد از روز در اعتکاف

۳۱۳۳. منظور از روز در اعتکاف چیست؟

ج. منظور از طلوع فجر است تا غروب شمس نسبت به روز اوّل و آخر و دو شبی که در وسط قرار می گیرد داخل است.

سه روز تلفیقی

۳۱۳۴. آیا سه روز تلفیقی در تحقق اعتکاف کافی است؟

ج. در آن تأمّل و اشکال است.

اعتکاف زن و اجازه شوهر

۳۱۳۵. آیا در اعتکاف، زن باید از شوهر خود اجازه بگیرد؟

ج. در صورتی که اعتکاف او منافی با حق شوهر باشد، اجازه لازم است و با عدم منافات هم احتیاط در اجازه است.

اجازه فرزند از پدر جهت اعتکاف

۳۱۳۶. آیا فرزند لازم است که برای اعتکاف از پدر خود اجازه بگیرد؟

ج. اگر اعتکاف فرزند مستلزم آزار و اذیت آنها باشد، اجازه ی پدر و مادر لازم است.

مساجدی که در آن اعتکاف صحیح است

۳۱۳۷. در چه مساجدی اعتکاف صحیح است؟

ج. اعتکاف در مسجد جامع هر شهری صحیح است.

راه احراز مسجد جامع

۳۱۳۸. از چه راه هایی می توان مسجد جامع بودن جایی را احراز نمود؟

ج. مسجدیّت یا جزئیت برای آن به علم یا شیوع مفید علم یا اطمینان یا به بیّنه یا به حکم حاکم شرع ثابت می شود و در خبر دادن عدل واحد تأمّل است و مسجد جامع مسجدیست که اکثر اهالی شهر در آنجا نماز می خوانند؛ هر چند از آن محل هم نباشند.

مسجد جامع متروک

۳۱۳۹. برخی از مسجدهای جامع در شهرها، در قدیم مرکزیّت و جامعیّت داشته و فعلاً ـ به حالت نیمه متروك درآمده و جامعیّت خود را از دست داده است؛ هر چند هنوز به آن مسجد جامع اطلاق می شود و در عوض مسجدهای بزرگ با مرکزیّت بیشتری ساخته شده است، آیا اعتکاف در این گونه مساجد جدید التأسیس، بدون عنوان مسجد جامع صحیح است؟

ج. باید عنوان مسجد جامع صدق کند.

تعدّد مسجد جامع

۳۱۴۰. اگر مسجد جامع در شهر متعدد باشد، حکم اعتکاف چیست؟

ج. در صورت تعدّد مخیّر است در هر یک از آن مساجد اعتکاف نماید.

اعتکاف در مسجد جمکران

۳۱۴۱. آیا اعتکاف در مسجد مقدس جمکران صحیح است؟

ج. صحیح نیست، چون مسجد جامع شهر نیست.

اعتکاف در مسجد دانشگاه

۳۱۴۲. آیا اعتکاف در مسجد دانشگاه صحیح است؟

ج. صحیح نیست و مسجد جامع شهر به حساب نمی آید.

اعتکاف در محل مشخص شده جهت دیگری

۳۱۴۳. اگر فردی گوشه مشخصی از مسجد را جهت اعتکاف خود معین نماید و فرد دیگری در آنجا معتکف شود، آیا اعتکاف فرد دوم باید با اجازه فرد اوّل باشد؟ و در صورت عدم رضایت او، آیا اعتکاف وی باطل است؟

ج. اجازه از فرد اوّل لازم است و در صورتی که او را از آن مکان رانده و وی از آنجا اعراض کرده و به جای دیگر رفته، بنا بر اقوی اعتکاف او صحیح است، همچنین اگر به جای دیگر نرفته؛ ولی مکان منحصر در این جای غصب شده نیست که در این صورت نیز اعتکاف صحیح می باشد؛ اما اگر امکان اعتکاف منحصر در مکان غصب شده باشد و آن فرد نیز از آن مکان اعراض ننموده باشد، اعتکاف باطل است.

موارد جواز خروج معتکف

۳۱۴۴. در چه مواردی جایز است معتکف از مسجد خارج شود؟

ج. معتکف می تواند برای ادای شهادت، تشییع جنازه، نماز جماعت، ضروریات عرفی یا شرعی، واجب یا مستحب خارج شود، به شرط اکتفا به قدر ضرورت و عدم فصل طولانی که به اعتکاف اخلال وارد سازد و ضابطه آن هر چیزیست که خروج برای آن عقلاً ـ یا شرعاً یا عادةً لازم بوده و از امور واجب یا راجح باشد، چه امور دنیایی یا آخرتی، چه در ترک آن ضرر متوجه او بشود یا نه.

شرکت در نماز جمعه و جماعت

۳۱۴۵. آیا معتکف می تواند جهت امامت و یا مأموم شدن در نماز جمعه و جماعت، از مسجد خارج شود؟

ج. بله، فی الجمله می تواند (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴).

خارج شدن جهت درس

۳۱۴۶. آیا اگر تحصیل علم واجب باشد، فرد معتکف می تواند جهت شرکت در دروس ساعاتی را از مسجد خارج شود؟

ج. اشکال ندارد و لکن باید به حدّی نرسد که صورت اعتکاف محو شود.

خروج جزیی از مسجد

۳۱۴۷. اگر انسان برای ملاقات نزدیکان - در حد چند دقیقه - از مسجد خارج شود، آیا به پیوستگی اعتکاف او خدشه وارد می شود؟

ج. خیر.

طولانی شدن خروج ضروری از مسجد

۳۱۴۸. اگر کسی به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و خروج او به علتی طولانی شود، آیا به اعتکاف او ضرر می رساند؟

ج. اگر خروج کسی در موارد ضرورت طول بکشد، به گونه ای که صورت اعتکاف محو شود، اعتکاف او باطل است.

خروج از مسجد به علت فراموشی

۳۱۴۹. اگر کسی از روی فراموشی محل اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

ج. باطل نمی شود، مگر این که زمان خروج طولانی شود، به گونه ای که از صورت اعتکاف خارج شود، ولی اگر عمداً خارج شود، هر چند مسأله را نمی دانسته، اعتکافش باطل می شود.

خارج نشدن از مسجد در صورت وجوب خروج

۳۱۵۰. اگر خروج از مسجد از جهت پرداختن دین و قرض - که پرداخت آن بر او واجب است - یا به جهت رفتن به کار دیگر که ادای آن متوقف بر خروج از مسجد است، بر او واجب باشد؛ ولی از مسجد خارج نشود، آیا مرتکب عمل حرامی شده و آیا اعتکاف او باطل است؟

ج. اگر چه کار حرامی کرده است، ولی اعتکاف او صحیح است.

نگاه شهوت آلود در اعتکاف

۳۱۵۱. آیا لمس همراه با ریبه و شهوت در ایام اعتکاف - نسبت به جنس موافق یا مخالف - موجب باطل شدن اعتکاف می گردد؟

ج. لمس و تقبیل (بوسیدن) با شهوت، بنا بر احتیاط حرام و مبطل است.

آیا استعمال عطر و ادکلن در اعتکاف

۳۱۵۲. آیا استعمال عطر و ادکلن برای فرد معتکف اشکال دارد؟

ج. بوییدن عطر و گل جهت لذت بردن از آنها در اعتکاف حرام است.

استعمال عطر جهت نماز

۳۱۵۳. اگر معتکف جهت استحباب استفاده از عطر، در نماز خود را معطر کند (نه برای لذت بردن از بوی آن)، آیا مرتکب عمل حرامی شده است؟

ج. ظاهراً اگر بوییدن صادق نباشد، حرام نیست.

مباحثه علمی در حال اعتکاف

۳۱۵۴. اگر مباحثه علمی در حال اعتکاف به جر و بحث منجر شود، آیا موجب باطل شدن اعتکاف است؟

ج. اگر برای غلبه بر خصم و امر باطل باشد جایز نیست و اگر به قصد اظهار حق و رد کردن فرد مقابل از خطا باشد، مانعی ندارد.

خرید و فروش در حال اعتکاف

۳۱۵۵. اگر معتکف خرید و فروش نماید، آیا معامله و اعتکاف او باطل است، یا فقط مرتکب فعل حرامی شده است؟

ج. معامله باطل نیست، ولی حرام است و علی الاحوط باطل کننده اعتکاف هم هست؛ به معنای مراعات احتمال صحّت و بطلان هر دو.

انجام غسل در مسجد

۳۱۵۶. آیا غسل کردن معتکف در مسجد اشکال دارد؟

و آیا فرقی بین غسل جنابت و غسل های مستحبّی دیگر وجود دارد؟

ج. انجام غسل در مسجد مانعی ندارد، به شرط آن که مسجد آلوده نشود و فرقی هم بین غسل ها نیست و در صورت لزوم غسل جنابت، اگر خروج از مسجد ممکن است، بیرون مسجد غسل می کند، به تفصیلی که در مقدار زمان و مسجدین و غیر آن در جای خود مذکور است.

(به جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱ مراجعه شود).

انصراف از اعتکاف

۳۱۵۷. آیا معتکف می تواند از اعتکاف منصرف شود؟

ج. برگشت و انصراف از اعتکاف در واجب معین و همچنین در غیر معین، بعد از تمام شدن دو روز جایز نیست و منظور از دو روز غروب روز دوم است و در صورتی که هنگام نیّت اعتکاف، شرط رجوع داشته است، می تواند هر وقت خواست - بنا به تفصیلی که در جواب های قبلی گذشت - از اعتکاف دست بردارد؛ هر چند روز سوم هم باشد.

اعتکاف در یک ماه

۳۱۵۸. اگر کسی نذر کند یک ماه را معتکف شود، آیا شب اوّل هم جزو همان یک ماه است؟

ج. بلی، شب اوّل ماه، جزو ماه است.

(برای توضیح بیشتر به جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱، م ۹ رجوع شود).

نقصان ماه از سی روز

۳۱۵۹. اگر کسی نذر کند یک ماه را اعتکاف نماید و ماه ناقص باشد، آیا باید روز سی ام را هم بگیرد یا نه؟

ج. با تمام شدن ماه، وظیفه تمام می شود و اعتکاف روز سی ام از آخر واجب نیست، اگر چه احوط است.

اعتکاف یک ماه جدا جدا

۳۱۶۰. اگر کسی نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، آیا می تواند اعتکاف های متفرّق و پراکنده انجام دهد، یا باید یک ماه به هم پیوسته باشد؟

ج. اگر نذر یک ماه بین الهلالین کرده است، پی در پی بودن واجب است و در غیر این صورت می تواند متفرق معتکف شود؛ یعنی سه روز سه روز معتکف شود تا سی روز.

قضای اعتکاف نذری

۳۱۶۱. اگر نذر کند ایام معینی را معتکف شود و از آن ایام معین تخلف کند، آیا قضای آن بر او واجب است یا خیر؟

ج. قضا بر او واجب است.

اعتکاف در دو مسجد

۳۱۶۲. آیا در اعتکاف، وحدت مسجد شرط است؟

اگر دو مسجد به هم متصل باشند چه طور؟

ج. بلی، وحدت مسجد شرط است، مگر در صورت اتصال زمین آن دو مسجد به یکدیگر که می تواند در هر کدام باشد، هر چند در نیّت یکی را معین کرده بنا بر اظهر.

زیارت بین اعتکاف

۳۱۶۳. اگر کسی در مسجد اعظم قم و یا مسجدهای اطراف مضجع مطهر امام رضا علیه السّلام معتکف شود، آیا در کوتاه مدت یا بلند مدت می تواند کنار قبر حضرت رضا علیه السّلام و یا حضرت معصومه - سلام اللّٰه علیها - به عبادت و زیارت بپردازد؟ و زیارت او خروج از مسجد محسوب می شود؟

ج. می تواند زیارت کند، به حدی که صورت اعتکاف محو نشود.

بام و زیر زمین مسجد

۳۱۶۴. مکان هایی هم چون بام و زیر زمین مسجد که شک داریم جزو مسجد است یا نه، آیا می توان در حین اعتکاف به آنجا رفت؟

ج. در حال اعتکاف نزول به سرداب (زیرزمین) مسجد و رفتن به بام مسجد جایز است، ولی مقدار اضافی اگر جزئیتش مشکوک باشد، رفتن به آنجا جایز نیست. (جامع المسائل ج ۲، ص ۴۰ و ص ۴۹، م ۱۸).

اعتکاف بچه ممیّز

۳۱۶۵. آیا اعتکاف بچه ممیّز صحیح است؟

ج. صحیح است.

جنابت معتکف

۳۱۶۶. اگر معتکف در مسجد جنب شود، چه باید بکند؟

ج. باید فوراً غسل را به جا آورد، بنا بر این اگر غسل در داخل و خارج مسجد ممکن است و غسلِ در مسجد محتاج به توقف و مکث در مسجد است، فوراً خارج شود و در خارج غسل کند و در دو مسجد پیامبر - صلی اللّه علیه و آله و سلّم - و مسجد الحرام با تیمم خارج شود.

لمس و بوسیدن با شهوت همسر در اعتکاف

۳۱۶۷. آیا لمس و بوسیدن همسر با شهوت، در حال اعتکاف اشکال دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب حرام است.

تفاوت وظیفه معتکف و محرم

۳۱۶۸. آیا آنچه بر محرم حرام است، بر معتکف هم حرام است؟

ج. محرمات احرام بر معتکف حرام نیست، مگر بعضی از محرمات.

باطل شدن اعتکاف بر اثر باطل شدن روزه

۳۱۶۹. آیا اگر روزه کسی باطل شود، اعتکاف او نیز باطل می گردد؟

ج. بلی، باطل می شود.

محرمات اعتکاف

۳۱۷۰. اگر معتکف مرتکب فعل حرامی شود که روزه را باطل نمی کند، اعتکاف او چه حکمی دارد؟

ج. محرمات اعتکاف هر چند روزه را باطل نکند، اعتکاف را باطل می کند بنا بر احتیاط؛ ولی در غیر جماع، ترک احتیاط نشود به این که تمام کند و قضا کند و باطل کردن محرمات در صورتیست که از روی عمد باشد نه سهو و غفلت و محرّماتی که جزو محرّمات اعتکاف نیست، ضرر به صحّت اعتکاف نمی زند.

جماع در اعتکاف

۳۱۷۱. آیا باطل کردن اعتکاف به وسیله جماع یا سایر محرّمات، کفاره دارد؟

و اگر کفاره دارد، آیا کفاره اش مانند کفاره ماه رمضان است؟

ج. بلی، جماع کفاره دارد و کفاره اش کفاره ماه رمضان است، اما در سایر محرمات کفاره نیست اگر چه احوط است.

۳۱۷۲. اگر اعتکاف در ماه رمضان باشد یا هم زمان با قضای روزه ماه رمضان باشد و بنا بر فرض با جماع، اعتکاف و روزه باطل شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر اعتکاف او در رمضان باشد و جماع کند، کفاره ابطال روزه ماه رمضان با کفاره ی باطل کردن اعتکاف، جمع و متعدد می شود و کفاره ی باطل کردن روزه قضای رمضان در صورتیست که آن عمل بعد از ظهر باشد.

۳۱۷۳. اگر نذر کند در ماه رمضان معتکف شود، سپس در ماه رمضان روزه اش را با جماع باطل کند، چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال سه کفاره بر او واجب است، کفاره ی باطل کردن روزه ماه رمضان، کفاره شکستن نذر و کفاره باطل کردن اعتکاف با جماع.

اعتکاف بیمار

۳۱۷۴. آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد، می تواند معتکف شود؟ و اگر در حال اعتکاف باشد، ولی روزه بگیرد ثوابی می برد؟

ج. نمی تواند معتکف شود و ثواب اعتکاف هم نمی برد.

قرص خوردن زن جهت شرکت در اعتکاف

۳۱۷۵. آیا زن می تواند جهت شرکت در اعتکاف، برای جلوگیری از عادت ماهیانه قرص مصرف نماید؟

ج. اگر برایش ضرر نداشته باشد، اشکال ندارد.

مرگ معتکف

۳۱۷۶. اگر معتکف در بین اعتکاف واجب یا مثل آن بمیرد، آیا قضای آن بر ولی او واجب است؟

ج. ظاهر، وجوب قضای روزه است، اگر به غیر اعتکاف واجب شده است و همچنین وجوب قضای روزه و اعتکاف است اگر روزه در حال اعتکاف را نذر کرده بود و تمکّن از قضا داشته و انجام نداده تا مرده است.

اما اگر روزه برای اعتکاف واجب شده، پس وجوب قضای آن بر ولی محل اشکال است.

احکام زکات

زکات دهندگان

وجوب زکات بر فقیر و بدهکار

۳۱۷۷. اگر شخصی خرج سالش را نتواند فراهم نماید و به سختی زندگی را بگذارند، یا قرض دارد و نتواند قرضش را ادا کند و مقداری زکات هم بر او واجب شده باشد، باید زکات بدهد؟

ج. چون غنی بودن شرط زکات مال نیست، پس علی الظاهر زکات بر چنین شخصی واجب است و زکات دیگران به او می رسد.

زکات ملکی که اجاره داده شده

۳۱۷۸. در مورد ملکی که به رعیّت اجاره داده می شود، زکات زراعت آن به عهده مالك است یا رعیّت؟ آیا رضایت زارع و عدم رضایت او موجب تفاوت در حکم می شود؟

ج. در اجاره ی زمین، مالك زرع، زارع است نه مالك زمین، به خلاف مزارعه که شریك هستند.

کشت زمین برادر بدون اجازه ی او

۳۱۷۹. کسی مقداری زمین زراعی را بدون اجاره یا مزارعه، رها کرده و به جای دیگر می رود. برادر مالك، آن زمین را با زمین خودش کشت می کند.

اگر مجموع محصول این دو زمین به حد نصاب برسد، بر برادر زکات واجب است یا خیر؟

ج. زکات بر آن برادریست که کِشت و کار کرده است.

زکات زراعت در زمین غصبی

۳۱۸۰. اگر در زمین غصبی زراعتی صورت بگیرد، زکات آن بر عهده کیست؟

ج. چون زرع و حاصل برای زارع است، زکات هم بر عهده او است.

زکات زمین های اختلافی بین ارباب و زارع

۳۱۸۱. زمین هاییست که بین زارع و ارباب مورد مشاجره است.

دادگاه به نفع ارباب حکم داده است، ولی زارع آن را قبول نمی کند و مدت ۶ سال است بدون این که اجاره ای پرداخت کند، مشغول کشاورزی است.

آیا به این زمین ها زکات تعلق می گیرد؟ در صورت تعلق زکات، پرداخت آن بر عهده چه کسی است؟

ج. زمین که زکات ندارد و زکات زرع هم بر زارع است.

عامل فروش یا حامل گندمی که زکاتش پرداخت نشده

۳۱۸۲. شخصی به عنوان عامل فروش گندم و یا عامل حمل با کامیون، از صاحب گندم اجرت فروش یا کرایه ی حمل می گیرد.

اگر او بداند که زکات این گندم پرداخت نشده، آیا زکات آنها بر ذمّه اش است که بپردازد یا نه؟ اجرتی که در مقابل کارش می گیرد چگونه است؟

ج. چون در زکات جایز است قیمت آن را از مال دیگرش بدهد، پس اگر احتمال دهد که کسی که به مال او زکات تَعَلُّق گرفته از مال دیگرش می دهد، اشکال ندارد و در پولی که از او گرفته تفحّص هم لازم نیست و در غیر این صورت - در حکم - به منزله ی تصرّف در مال غیر است.

پرداخت زکات در شرکت سهامی دامداری

۳۱۸۳. در یک شرکت سهامی دامداری، اگر اعضای هیأت مدیره، اقدام به پرداخت زکات نکنند، آیا سهام دار خود موظف به پرداخت زکات است؟

اگر سهام دار، سود خود را به صورت پول نقد دریافت کند، چه طور؟

ج. هر سهامداری که مالک مالِ مورد تعلق زکات است، اگر سهم او به حد نصاب برسد، باید زکات خودش را بدهد.

نحوه ی پرداخت زکات در شرکت تعاونی

۳۱۸۴. در یک شرکت تعاونی کشاورزی که از سرمایه های اعضای خود، اقدام به تولید گندم کرده است، آیا پرداخت زکات باید یک جا و توسط شرکت صورت بگیرد یا این که بر عهده هر کدام از اعضاست که نسبت به سهم خود، اقدام به پرداخت زکات نمایند؟

ج. اگر اعضا به شرکت اجازه دهند، توسط شرکت هم می توان زکات آن را پرداخت؛ ولی در رسیدن به حد نصاب، سهم هر یک جداگانه ملاحظه می شود نه مجموع.

هدیه کردن یا فروختن گندم و خرما قبل از دانه بستن

۳۱۸۵. اگر قبل از این که گندم یا خرما دانه ببندد، آن را هدیه کنند یا بفروشند، زکات بر مالک اوّل واجب است یا خیر؟

ج. بر مالک اوّل واجب نیست.

زکات فرد مقروض

۳۱۸۶. شخصی زکات گندم بدهکار است و از طرفی مقروض می باشد و قدرت پرداخت بدهی را ندارد. او یک دستگاه تراکتوری دارد که اگر برای پرداخت بدهی هایش آن را بفروشد، وام او که تقریباً مساوی با قیمت تراکتور است، پرداخت می شود. ولی پس از فروش تراکتور، خانواده اش در مضیقه زندگی قرار می گیرند. آیا باید زکات بدهد؟

ج. ظاهراً باید زکات بدهد و می تواند زکات را از دیگران هم قبول کند.

زکات سنّیِ شیعه شده

۳۱۸۷. جوان سنّی، به اعتقادات حقّه شیعه گرویده است.

آیا اعمال وی قضا دارد؟

ج. اعمالی را که طبق مذهب خودش یا طبق مذهب شیعه با قصد قربت به جا آورده قضا ندارد، فقط زکات را اگر بر وجه قربی به مؤمنین داده نشده بوده، دوباره باید به اهل ایمان بدهد.

پرداخت زکات پدر بدون اذن

۳۱۸۸. شخصی زکات نمی دهد. آیا پسرش می تواند بدون این که پدر متوجّه شود مقدار زکات را جدا کند و به مستحقّین برساند؟

ج. نمی تواند.

تصرّف ورثه در اموال میّت که زکات آن داده نشده است

۳۱۸۹. فردی که در اموالش زکات واجب شده است، وفات می کند.

ورثه اش بدون خارج کردن زکات، در اموالش تصرّف می کنند و در آنها معامله هایی انجام می دهند. آیا این کار جایز است؟

آیا ذمّه آنها به زکات مشغول است؟

ج. آن چه را که به ذمّه، خرید و فروش کرده اند و از آن اموال ادا کرده اند، ملکیّت و تصرّف در آنها مانعی نیست و اگر زکات بر ذمه میّت بوده و عین زکوی موجود نیست، مقدار زکات دین است که از اصل مال و جمیع ترکه اخراج می شود و تصرف در تمام حرام است و موجب ضمان و اگر متعلق زکات موجود است، مثل سایر موارد تعلق زکات باید عمل شود.

اشیایی که به آنها زکات تعلق می گیرد

زکات گوسفند

۳۱۹۰. شخصی حدود چهارصد و پنجاه رأس گوسفند دارد که شش ماه از سال علف صحرا می خورند و شش ماه دیگر همراه با علوفه صحرا، علوفه دستی نیز به گوسفندان می دهد (مانند:

یونجه خشک شده و جو). آیا به این گونه گوسفندان زکات تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر در تمام سال چرنده بودن بر آنها صدق می کند، باید زکات بدهد.

انگورهای غیر قابل کشمش شدن

۳۱۹۱. بعضی از اقسام انگور که قابل کشمش شدن نمی باشد و اگر خشک شود ارزشی ندارد، - یعنی قابل استفاده نیست، آیا زکات دارد؟

ج. اگر وقتی خشک می شود، کشمش بر آن صادق نیست، زکات ندارد.

زکات غلّات اربعه به دست آمده از ملک ثلث یا وقفی

۳۱۹۲. اگر غلّات اربعه که از ملک ثلث و یا وقفی به دست می آید، به حد نصاب برسد، زکات دارد؟

ج. زکات در ملک شخصیست نه در ملک نوع، مانند نوع فقرا و اللّٰه العالم.

زکات ثلث اموال میّت

۳۱۹۳. شخصی وصیّت کرده ثلث مال او جهت خیرات مصرف شود. ثلث او ۲۰۰ نخل خرما است.

اگر محصول خرما به حد نصاب برسد، به آن زکات تَعَلُّق می گیرد؟ آیا بر وصی واجب است زکات آن را بدهد یا بر شخص دیگر؟

ج. ظاهراً واجب نیست، مگر این که یقین کرده باشد حقوق بر او تَعَلُّق گرفته، ولی وصیت کننده نداده است.

عدم تَعَلُّق زکات به نخل وصیّت شده برای امام حسین علیه السّلام

۳۱۹۴. شخصی تعدادی نخل خرما برای امام حسین علیه السّلام در حسینیه ای خاص وقف کرده است تا خرج عزاداری شود. اگر محصول آنها به حد نصاب برسد، آیا به آنها زکات تعلق می گیرد؟ و در صورتی که متَعَلُّق زکات باشند؛ آیا بر متولّیست که پرداخت کند؟

ج. متَعَلُّق زکات نمی شود.

زکات گندم و جوی مخلوط

۳۱۹۵. در بعضی از محل ها رسم است که گندم و جو را درهم و مخلوط می کارند. پس از چیدن اگر از هم جدا شوند، هیچ کدام به نصاب نمی رسد. امّا مخلوط هر دو - که به آن خلطك می گویند - به مقدار نصاب است و به همین نحو آن را به مصرف می رسانند.

آیا زکات آن واجب است یا نه؟

ج. اگر یکی اندك است که غلبه با صدق دیگری است، ملاك محاسبه همان دیگریست و زکات دارد. ولی اگر آنچه مخلوط شده زیاد است و قابل مسامحه نیست، هر کدام نصاب جدا دارد و در فرض سؤال مجموعاً زکات ندارد.

عدم تَعَلُّق زکات به زراعت حق الزحمه

۳۱۹۶. آیا کارگران کشاورزی که سهمی از زراعت را به عنوان دستمزد می گیرند، موظّف به دادن زکات آنها هستند؟

ج. تَعَلُّق نمی گیرد.

تعلق زکات بر تخم زراعت سال آینده

۳۱۹۷. اگر تخمی که برای زراعت سال بعد از محصول امسال بر می دارند، به اندازه ی نصاب باشد، به آنها زکات تعلق می گیرد؟

ج. ظاهراً زکات به آنها تعلق می گیرد، مگر این که از باب مؤونه، بدل بذر سابق یا مخارج دیگر بردارد. (به توضیح مذکور در مسأله ی ۱۴۹۵ رساله.)

کاشتن گندمی که خمس و زکات به آن تعلق گرفته است

۳۱۹۸. شخصی گندمی که به آن خمس و زکات تعلق گرفته، کاشته است.

تکلیف او نسبت به خمس و زکات محصولی که به دست می آورد، چیست؟

ج. باید از حاکم شرع اجازه بگیرد و با او مصالحه کند.

زکات گندمی که بابت ما الاجاره پرداخت می شود

۳۱۹۹. مالکی مقداری از زمین مزروعی خود را به صورت اجاره به دیگری واگذار نموده و مال الاجاره از گندم تعیین شده است.

اگر گندم مال الاجاره به تنهایی به حد نصاب برسد، آیا زکات دارد؟

اگر همراه با بقیه گندم ها به حد نصاب برسد، چه طور؟

ج. در هر صورت زکات ندارد.

زکات گندم قرضی باز پس گرفته شده

۳۲۰۰. اگر کشاورزی به شخصی حدود دو تن گندم قرض داده باشد، پس از باز پس گیری، آیا باید زکات آن را بدهد؟

ج. بلی اگر در ملک او دانه گندم سفت نشده - که وقت تَعَلُّق زکات است، باید زکات آن را بدهد - و وقت باز پس گرفتن دخالتی ندارد.

گندم قرضی زکات داده شده

۳۲۰۱. کشاورزی به کشاورز دیگری از گندمی که زکات آن داده شده، به مقدار بیش از حد نصاب قرض می دهد، آیا موقع پس گرفتن می تواند بگوید گندم زکات داده را به من بده یا نه؟

ج. بله، می تواند بگوید؛ مگر این که آن چه را گرفته خرج زراعت کرده باشد و بخواهد از باب اخراج مؤونه، عوض قرض را بپردازد.

زکات گندم قرض گرفته شده

۳۲۰۲. کشاورزی از کشاورز دیگر، بیشتر از حد نصاب، گندم قرض می گیرد.

آیا این کشاورز باید زکات گندم قرض گرفته را بدهد یا خیر؟ اگر فرد قرض دهنده، زکات آنها را داده باشد، چه طور؟

ج. خیر، زکات غلّات بر کسی واجب است که در وقت تَعَلُّق ملک او بوده است و اگر قرض دهنده و لو از مال دیگر داده دیگر لازم نیست قرض گیرنده بدهد و اگر بداند قرض دهنده مطلقاً زکات آن را نمی دهد، نمی تواند در مقدار زکات تصرّف کند.

تعلق زکات به جو که جهت تغذیه ی حیوانات به کار می رود

۳۲۰۳. آیا جویی که جهت غذای دام و طیور کاشته می شود و برای غذای انسان مورد استفاده قرار نمی گیرد، زکات دارد؟

ج. بله، زکات دارد.

تعلق زکات بر محصول مشاع

۳۲۰۴. در زمین هایی که به صورت مشاعی کشت می شود، مجموع محصول از حد نصاب بیشتر است، ولی محصول هر یک از افراد، کمتر از حد نصاب می باشد، آیا به این محصول، زکات تعلق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

زکات انگورهای تازه که کشمش آن به حد نصاب می رسد

۳۲۰۵. اگر انگور را قبل از کشمش شدن بفروشند، در صورتی که کشمش آن به حد نصاب برسد، آیا زکات بر انگورها واجب است یا خیر؟

ج. بله، زکات آن بر فروشنده واجب است.

واجب شدن زکات قبل از اجاره دادن نخلستان

۳۲۰۶. اگر هنگام عقد اجاره نامه بین مالک نخلستان و مستأجر، زکات بر خرماها واجب شده باشد و خرما هنوز چیده نشده باشند، پرداخت زکات آن بر عهده چه کسیست و به چه نحو باید پرداخت شود؟

ج. زکات آن بر عهده موجر است که از عین آن یا قیمت آن ادا کند.

به حد نصاب رسیدن محصول خرما همراه با خرمای هدیه داده شده

۳۲۰۷. محصول خرمای من به حد نصاب نرسیده است، امّا شخصی مقداری خرما برای من هدیه آورده است که مجموعاً با محصول من به حد نصاب می رسد، آیا زکات به آنها تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

باغ خرمای اجاره ای که جهت تفریح و مهمانی استفاده می شود

۳۲۰۸. مالکی باغ خرمای خود را اجاره می دهد و فکر می کند که مستأجر قصد استفاده از محصول خرما را دارد و لیکن مشاهده می کند که مستأجر از باغ، جهت تفریح و برپایی مهمانی استفاده می کند.

زکات محصول خرما بر عهده چه کسی می باشد؟

ج. بر عهده مستأجر است که محصول در ملک او شروع به زرد شدن یا قرمز شدن نموده است.

زکات برنج

۳۲۰۹. در برخی روایات زکات برنج را مطرح کرده اند که حمل بر استحباب شده است.

آیا با وجود این که در بعضی مناطق، برنج به طور وسیعی کشت می شود، آیا حکم به وجوب زکات آن نمی شود؟

ج. خیر.

فروختن متعلَّق زکات قبل از زمان وجوب

۳۲۱۰. اگر مُتَعَلَّقات نه گانه زکات قبل از زمان وجوب زکات بر آنها فروخته شوند، زکات از آنها ساقط است؟

ج. بله، از فروشنده ساقط می شود.

مواردی که در صورت پرداخت زکات، در سال های بعد هم زکات دارند

۳۲۱۱. کدام یک از موارد مشمول زکات، در صورت پرداخت زکات آن، در سال های بعد هم، اگر به حد نصاب برسند، زکات دارند؟

ج. موارد انعام ثلاثه (شتر، گاو، گوسفند) و نقدین (طلا و نقره).

زکات مال التّجاره

۳۲۱۲. آیا مال التّجاره هم زکات دارد؟

زکات آن واجب است یا مستحب؟ مقدار و حد نصاب آن چه قدر است؟

ج. با شرایطی مستحب است که از جمله این شرایط، رسیدن به حد نصاب طلا یا نقره در تمام سال است، پس اگر مدتی از حد نصاب کمتر شود، زکات استحبابی ندارد.

شمول زکات بر قرض

۳۲۱۳. آیا زکات شامل دین (قرض) هم می شود؟ در این صورت زکات آن بر عهده وام دهنده است یا وام گیرنده؟

ج. اگر کسی طلا و نقره یا چیز دیگری که زکات آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد و بر کسی که قرض داده، چیزی واجب نیست.

زکات دیگری غیر از زکات تسعه و فطره

۳۲۱۴. آیا به غیر از زکات موارد نه گانه و زکات فطره، زکات واجب یا مستحبی دیگری وجود دارد؟

ج. در چیزهایی که از زمین می روید و با پیمانه یا وزن معامله می شود و از چیزهایی نیست که مثل سبزی جات زود فاسد می شود، زکات مستحب است و زکات مال التّجاره هم با شرایطی مستحب است.

تَعَلُّق زکات به طلای مسکوک

۳۲۱۵. آیا به سکّه هایی از قبیل اشرفی، پهلوی، بهار آزادی و ... زکات تَعَلُّق می گیرد؟

ج. بلی، زکات دارد. اگر طلا و مسکوکِ به سکّه رایج باشد.

عدم شمول زکات بر اسکناس

۳۲۱۶. آیا زکات که بر درهم و دینار تَعَلُّق می گیرد، شامل اسکناس و سکّه های ریالی نیز می شود؟

ج. شامل آنها نمی شود.

تعلق زکات بر سکّه های طلای غیر رایج

۳۲۱۷. آیا بر سکّه های طلایی که غیر رایج اند، زکات تعلق می گیرد؟

ج. خیر، تَعَلُّق نمی گیرد، (مسأله ی ۱۵۰۷ رساله).

رایج بودن سکه بهار آزادی

۳۲۱۸. آیا سکه بهار آزادی زکات دارد یا غیر رایج محسوب می شود؟

ج. سکّه بهار آزادی زکات دارد و برای رواج آن همین که در مهریه ی زنان و جوایز و مانند اینها کافی است.

زکات طلاهای زرگری

۳۲۱۹. سرمایه ی طلافروشی به صورت شمش یا سکّه مسکوک یا طلاهای زینتی مانند:

گوشواره، انگشتری، سینه ریز و غیره می باشد.

اگر مقداری از سکّه ها همچنان بماند و سال بر آن بگذارد، تکلیف او نسبت به پرداخت زکات چیست؟

ج. زکات با سایر شروطش لازم است.

لزوم سال در سکّه

۳۲۲۰. جوانی هستم که به واسطه ی بیماری مادرزادی، قادر به حرکت نمی باشم و در کنار خانواده زندگی می نمایم. حدود یک سال است پول های خود را تبدیل به سکّه نموده ام تا پس از گران شدن، آنها را فروخته، درآمدی از آن راه داشته باشم.

اگر به حد نصاب برسد، زکات به آن تَعَلُّق می گیرد؟ این معامله از نظر شرع چه صورتی دارد؟

ج. در آنچه که سال معتبر است، در بین سال اگر تبدیل شود، وجوب پرداخت زکات ثابت نیست و این معامله مانعی ندارد.

زکات طلای مسکوکی که چند سال پرداخت نشده است

۳۲۲۱. طلا ـیست مسکوک که مقدار آن بیش از حد نصاب می باشد و چندین سال است زکات آن داده نشده است، آیا نسبت به تأخیر در پرداخت زکات سال های گذشته، اشتغال ذمّه است یا فقط معصیت کرده و با پرداخت زکات فعلی، تدارک می شود؟ اگر از چهل دینار یک دینار را باید بدهد، در صورتی که به پول رایج، به قیمت در آورده و پرداخت نمود و آن یک دینار در ملک او باقی ماند، آیا بازهم نصاب زکات، نسبت به چهل دینار باقی است؟

پس از پرداخت زکات، اگر در سال های بعد، بقیه طلا که بازهم بیش از حد نصاب است باقی مانده، آیا مجدّداً مشمول حکم زکات می شود؟

ج. نصاب اوّل طلای مسکوک که بیست مثقال شرعی است، اگر زکات آن - که نصف مثقال شرعیست - پرداخت نشده تا چند سال فقط یک زکات بر اوست و اگر پرداخت شد و از عین و به قدر نصاب نماند، چیزی بر آن نیست و اگر از قیمت پرداخت شد، پس تا مقدار نصاب محفوظ و باقی است، باید در سال های آینده زکات همان قدر

نصاب را بدهد و تکرار نماید و اما اگر بیش از نصاب داشت، در هر سال تکرار می شود تا به مرز نصاب اوّل برسد؛ هر چند در این سال ها ادای زکات نکند.

فقط غلّات اربعه، اگر زکات آنها داده شد، دیگر، در سال های دیگر اگر چه نصاب، باقی باشد زکات نیست.

خمس و زکات سکّه ی هدیه شده

۳۲۲۲. اگر هدیه، سکّه طلا باشد به آن خمس تَعَلُّق می گیرد یا زکات؟

ج. بنا بر احتیاط واجب به زاید بر مؤونه خمس تَعَلُّق می گیرد و اگر به حد نصاب برسد، بعد از گذشت ۱۱ ماه هلالی و داخل شدن ماه دوازدهم زکات هم دارد.

سکّه ی هدیه داده شده

۳۲۲۳. آیا به سکّه های طلایی که به عنوان هدیه به شخصی داده اند، زکات تَعَلُّق می گیرد؟

در صورت شمول زکات، آیا می توان آن مبلغ را به حساب دولت واریز نمود و زکات را از مالیات دولتی محاسبه نمود؟

ج. زکات تَعَلُّق می گیرد و نمی توان محاسبات دولت را داخل در زکات نمود.

پول های کاغذی

۳۲۲۴. آیا بر پول های کاغذی، زکات تَعَلُّق می گیرد؟

ج. زکات ندارد، ولی خمس در زاید بر مؤونه واجب است.

تعلق زکات به طلای سفید (پلاتین)

۳۲۲۵. آیا به طلای سفید که در اصل اسم آن پلاتین است، زکات تعلق می گیرد؟

ج. مادّه پلاتین غیر از طلاست و به همین جهت زکات ندارد.

سکه هایی که به صورت دستبند و زیورآلات درآمده

۳۲۲۶. آیا به سکه های طلای قدیمی که به صورت دستبند یا خلخال بوده و سال ها استفاده ی زینتی از آنها شده، زکات تعلق می گیرد؟

ج. اگر معامله با آن سکه ها رایج باشد، زکات دارد؛ ولی اگر طوری شود که معامله با آن به عنوان مسکوک رایج نباشد، زکات ندارد.

تعلق زکات بر سکه های طلای قدیمی

۳۲۲۷. اگر سکه های طلای قدیمی، وجه رایج نباشد، بلکه خودش به مانند یک جنس مورد معامله قرار بگیرد و قیمت آن کم و زیاد شود، متعلق زکات است یا خیر؟

ج. خیر.

تعلق زکات بر زیورآلاتی که شوهر می خرد

۳۲۲۸. آیا بر طلا و زیورآلاتی که شوهر برای همسر خود می خرد، زکات تعلق می گیرد؟

ج. خیر.

پرداخت زکات طلای مسکوک به پول رایج

۳۲۲۹. اگر چهل مثقال مسکوک طلا ـ موجود باشد، یک مثقال زکات آن است، اگر این یک مثقال را به پول رایج حساب کند و پرداخت نماید، آیا در سال بعد نیز بر این چهل مثقال طلا، زکات واجب می شود؟

ج. بله، واجب می شود.

زمینی که با کانال مشروب می شود

۳۲۳۰. زمینی به وسیله آب درّه ای مشروب می شود که از چند کیلومتر دورتر به وسیله کانال به آنجا متصل می شود. آیا در زکات، مانند مشروب شدن به آب نهر می باشد؟

حکم همین مسأله را دربارهی قنات نیز بیان فرمایید.

ج. در جهت زکات، مانند مشروب شدن به آب نهر است که در سال اوّلی که حفر کانال و این علاج را کرده اند، زکات آن نصف عشر است و در سال های دیگر عشر است و همین طور است در آبیاری به وسیله قنات.

زکات طلای مسکوکی که چند سال پرداخت نشده است

۳۲۳۱. سکه های طلایی بیش از حد نصاب موجود می باشد که چندین سال است زکات آنها داده نشده است.

با توجه به تأخیر پرداخت زکات در سال های گذشته، به ازای هر سال باید زکات پرداخت نماید یا این که یک بار پرداختن کافی است؟

ج. اگر به یک بار زکات دادن از حد نصاب ناقص می شود، یک بار واجب است و اگر ناقص نشود، به ازای هر سالی که ناقص نشود زکات واجب است.

بذر غلّات

۳۲۳۲. تخمی که زکات آن را داده انـد، آیا در سال های بعـد می توانند همان مقداری که در سال پیش زکات آن را پرداخته اند، از محصول بردارند و زکات آن را ندهند یا این که باید در سال های بعد زکات آن مقدار تخم را بدهند؟

ج. قیمت آن را از محصول کم می کنند و هم چنین سایر مخارج را و سپس ملاحظه می کنند به حد نصاب هست یا خیر.

نحوه محاسبه زکات

کسر وجه اجاره ی ملک

۳۲۳۳. شخصی ملکی را به مبلغی اجاره نموده است.

آیا وجه اجاره را موقع پرداخت زکات کسر نماید؟

ج. کسر می شود.

هزینه ی میراب

۳۲۳۴. آیا گندم یا جو یا پولی که به میراب داده می شود از مؤونه است و کسـر می شود؟ و آیا فرقی مابین گندم و جو با پول – در فرض سؤال – در رابطه با نصاب می باشد؟

ج. بله، از مؤونه است و فرق نمی کند.

کم کردن مخارج خرمن کوبی

۳۲۳۵. گنـدم را چیـده و در خرمن جمع نموده ایم، آیا می توان مخارج کارگرانی که مزد گرفته انـد، از گنـدم کسـر نماییم و بعد زکات بدهیم؟

ج. مؤونه لازمه که مشترک بین مال مالك و فقرا است، پیش از نصاب ملاحظه و اخراج می شود.

بذر جزو مؤونه است

۳۲۳۶. بذری که برای زراعت پاشیده می شود، آیا جزو مخارج است؟

ج. به حسب ظاهر جزو مؤونه است.

کسر مخارج شخم، بذر، لباس، تراکتور و سایر وسایل کشاورزی

۳۲۳۷. مخارجی را که برای گندم، جو و انگور کرده است، مانند:

شخم، تخم و ... و لباسی که به واسطه ی زراعت کهنه شده است، حتی خرید تراکتور و وسایل کشاورزی دیگر، حتی مخارج مقدماتی آنها را، آیا می توان از حاصل کسر نمود؟

ج. در مورد شخم و تخم و امثال آن از مؤونه های مورد نیاز در هر سال از حاصل اخراج می شود و هم چنین مخارجی که در آن سال به آنها نیاز است، هر چند برای سال های بعد هم می ماند - مثل بنای دیوار بستان و اجرای نهر - که از حاصل سال اوّل کم می شود نه این که بر سال ها توزیع شود و اما در مورد تراکتور و امثال آن - از چیزهایی که احتیاج زراعت می تواند با استیجار آنها هم برطرف شود - پس پول خرید آنها از مؤونه ی همان سال نیست؛ مگر به مقدار اجرت یک سال و هم چنین است سال های بعد.

کسر مؤونه ی خرید چاه و آب چاه

۳۲۳۸. آیا خرید چاه یا آب چاه از مؤونه زراعت است و کسر می شود؟

ج. ظاهراً کسر می شود.

معیار قیمت بذر

۳۲۳۹. معیار قیمت بذری که از حاصل، کم می شود چه زمانی است؟

ج. ظاهراً قیمت همان وقتی که آن را کاشته است.

زکات زمین مشروب به آب چاه عمیق

۳۲۴۰. زکات محصول زراعتی که به وسیله چاه عمیق موتوری آبیاری شده است، را چگونه باید محاسبه نمود؟

ج. همانند آنهایی که با وسایل آبیاری می کنند.

عدم فرق نصاب در آب قنات و چاه

۳۲۴۱. آیا نصاب زمینی که با آب قنات مشروب می شود با زمینی که با آب چاه و موتور مشروب می شود فرق دارد؟

ج. در نصاب فرق ندارند.

نحوه احتساب نصاب در زراعت چند شریک

۳۲۴۲. املاک زن و مادر در دست شوهر و فرزند است و آنها با املاک خودشان مخلوط کرده و زراعت می کنند، در حالی که زن یا مادر، دخالتی در املاک خود ندارند. آیا غلّه هر کدام باید به حد نصاب برسد یا مجموع زراعت روی هم حساب می شود؟

ج. بایـد آنچه از ابتـدا در ملک هر یک هست و به تنهایی به قدر نصاب هست، زکات آن را پرداخت نماید، به خلاف آن که برای خود بکارد و در پایان به عنوان اجرت بر وجه صحیح به آنها غله بدهد که در سهم آنها زکات نیست.

نصاب زمین مشترک

۳۲۴۳. زمین های زراعی همسر در دست شوهر است که آنها را همه ساله با زمین های خود کشت می کند.

آیا غلّه هر کدام باید جداگانه به حد نصاب برسد یا مجموع زراعت ملاک نصاب است؟

ج. اگر برای همسر کشت می کند و از ابتدا بخشی از غلّه ملک همسر است، در صورتی مَتَعَلُّق زکات است که جداگانه به حد نصاب برسد و اگر برای خود کشت می کند، بعد از کسر مخارج، مجموع زراعت خود را ملاحظه می کند.

مقدار زکات و حد نصاب گندم آبی

۳۲۴۴. مقدار زکات گندم آبی و حد نصاب آن را بیان فرمایید؟

ج. نصاب آن حدود «۲۸۸ من تـبریز» است که آن را ۸۴۷ کیلوگرم یا «۱۹۴ / ۸۴۹ کیلوگرم» به حسـاب دقیق تر برآورد کرده اند؛ ولی رعایت «۸۴۷ کیلوگرم» موافق احتیاط است و مقدار زکات آن - در صورت آبیاری با دست - «بیس یک» است.

فرق خریدن چاه با خریدن آب چاه در محاسبه ی مخارج

۳۲۴۵. آیا برای آبیاری مزرعه، خریدن آب چاه با خریدن خود چاه از نظر محاسبه در مخارج و کسـر کردن از مال @زکوی، فرق دارند؟

ج. خیر، فرق ندارد.

حد نصاب محصولی که آب آن از طریق سد و کانال های دولتی تأمین می شود

۳۲۴۶. اگر آب کشاورزی از طریق سد و کانال هایی تأمین شود که دولت در قبال آنها وجهی از زارعین می گیرد، زکات آن ۱۱۰ است یا ۱۲۰؟

ج. عشر (۱۱۰) است، هر چند پول آب به عنوان مؤونه کم می شود.

آبیاری از رودخانه ای که خرج آن با آبیاری توسط موتور برابر است

۳۲۴۷. جهت آبیـاری از آب رودخـانه، مبـالغی از کشـاورزان به عنوان میرابی و لایروبی دریافت می شود که قیمت این آب با آبیـاری بـا موتور مسـاوی می شود. یعنی برای کشاورز از جهت هزینه فرق نمی کنـد که از رودخانه اسـتفاده کنـد یا از موتور. حـال سؤال اینست که زکـات گنـدم و جو آبیاری شـده از این رودخانه ۱۱۰ است یا ۱۲۰؟ یـا این که بایـد هزینه ی آبیاری با

رودخانه را از مخارج حساب کرد و این زکات را یک دهم حساب نمود؟

ج. زکات آن ۱۱۰ (عشر) است که مخارج مذکور به عنوان مؤونه کم می شود.

محاسبه ی استهلاک تراکتور، موتور آب و ماشین سواری از هزینه ها

۳۲۴۸. آیا استهلاک تراکتور، موتور آب و ماشین سواری که در امر زراعت مورد استفاده قرار گرفته اند، جزو مخارج می باشند و کسر می گردند یا خیر؟

ج. هر چه برای آن استهلاک هزینه کرده یا به سبب آن تفاوت قیمت حاصل شده، به نحوی که موجب صدق عرفی مؤونه است، کسر می شود.

کم کردن مخارج تعمیر وسایل کشاورزی (تراکتور)

۳۲۴۹. کشاورزی تراکتوری دارد که خراب شده است.

مبلغ دویست هزار تومان خرج تعمیر آن می کند، آیا این مبلغ را می تواند از گندم ها کسر کند یا خیر؟

ج. هر مقدار از آن که زیادتر از کرایه کردن تراکتور است، برای سال های بعد قرار دهد.

کم کردن مال الاجاره زمینی که علاوه بر گندم، سایر محصولات نیز تولید کرده است

۳۲۵۰. شخصی ملکی را اجاره کرده و در آن علاوه بر گندم، سایر محصولات را نیز به عمل آورده است.

آیا می تواند تمام مال الاجاره را از زکات گندم کسر کند؟

ج. خرج هایی که تنها برای یکی از آنها کرده، فقط از همان کسر می شود، ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده، باید به هر دو قسمت نماید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کم کند.

کمتر از حد نصاب بودن گندم ها پس از کسر هزینه ها

۳۲۵۱. اگر گندم به دست آمده به حد نصاب برسد؛ ولی پس از کم کردن هزینه ها، کمتر از حد نصاب شود، بازهم متعلق زکات است یا معاف می گردد؟

ج. بنا بر اظهر، زکات واجب نیست.

تأمین هزینه ها از طریق فروش کاه

۳۲۵۲. اگر از طریق فروش کاه، هزینه های تولید گندم تأمین شود؛ آیا در این صورت نیز می توان هزینه ها را از خود گندم

کسر نمود؟

ج. با زیاد بودن و استقلال کاه، هزینه ها بر آن دو توزیع می شود.

تأمین هزینه های مال زکوی از درآمدهای جنبی آن

۳۲۵۳. اگر از محل درآمدهای جنبی متَعَلُّقات زکات، هزینه ی آنها تأمین شود، (مثلًا از طریق فروش کاه، گندم یا کود و ...) آیا بازهم مجازیم هزینه ها را از خود عین مال زکوی کم کنیم یا خیر؟

ج. با فرض زیاد بودن و استقلال در مثل کاه، هزینه ها بر زکوی و غیر آن توزیع می شود.

کمتر شدن تعداد گوسفندان از حد نصاب، قبل از محاسبه و پرداخت زکات

۳۲۵۴. شخصی، تعدادی گوسفند داشته که از حد نصاب بالاتر بوده است.

اما تعداد دقیق آنها را نمی دانست. قبل از این که شروع به محاسبه و پرداخت زکات نماید، در اثر بیماری و حمله ی حیوانات وحشی تعداد زیادی از گوسفندان از بین می روند به نحوی که گوسفندان باقیمانده از حد نصاب کمتر می شود. تکلیف این فرد نسبت به پرداخت و محاسبه ی زکات چیست؟

ج. اگر یک سال زکاتی یعنی ورود در ماه دوازدهم از نصاب بر آن گذشته و بعد از سال از نصاب کمتر شده، باید زکات آن را بدهد.

عدم پرداخت به موقع زکات طلا و کم شدن مقدار آن

۳۲۵۵. کسی در سال های گذشته، مقداری بیش از حد نصاب طلای مسکوک داشته؛ ولی زکات آنها را پرداخت نکرده است.

به مرور با خرج کردن سکّه ها اکنون حدود ۱۵ مثقال طلای صیرفی برایش باقی مانده است، لطفاً بفرمایید وظیفه ی او از حیث پرداخت زکات چگونه است؟

ج. به عدد هر سالی که با دادن زکات از حد نصاب کمتر نمی شود، باید زکات بدهد.

پرداخت کمتر از مقدار یقینی زکات ذمّه ای

۳۲۵۶. کشاورزی تا کنون زکات گندم یا جو را پرداخت نکرده است.

لذا باید مقدار زیادی زکات بدهد. اما پرداخت همه ی آنها برای او ممکن نیست، آیا جایز است کمتر از مقدار یقینی و آن حد که در توان دارد بپردازد؟

ج. هر مقداری که لازم الادا بوده، بر ذمه ی اوست و ساقط نمی شود و مثل سایر دیون است.

عدم کفایت مالیات از زکات

۳۲۵۷. آیا پرداخت مالیات در نظام جمهوری اسلامی از وجوه شرعیه - مانند زکات - کفایت می کند؟

ج. کفایت نمی کند.

پرداخت زکات از غیر عین مال

۳۲۵۸. آیا جایز است زکات از عین مال خارجی آن داده نشود، بلکه جنس دیگری - مانند فرش و لباس - به جای عین و بهای آن پرداخت شود؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، باید پول نقد بدهد؛ مگر آن که گیرنده رضایت داشته باشد.

مصرف زکات

قرض دادن از زکات

۳۲۵۹. آیا می شود برای کار خیر از پول زکات به مردم قرض داد؟

ج. قرض دادن جزو مصرف زکات نیست، اگر در مورد سبیل اللّه باشد، جایز است.

صرف زکات در مدرسه سازی

۳۲۶۰. نظر به این که کمبود فضاهای آموزشی در اکثر نقاط کشور از مشکلات عمده دولت و ملّت به حساب می آید و با عنایت به این که یکی از موارد مصرف زکات «فی سبیل اللّه» می باشد، مستدعیست نظر مبارک را در خصوص تخصیص این مورد از زکات به امر مقدّس مدرسه سازی مرقوم فرمایید؟

ج. مدرسه ای که منفعت عمومی و دینی دارد که نفع آن به عموم مسلمانان می رسد و برای اسلام نفع دارد، جزو فی سبیل اللّه است که بنا بر احوط شرط است که منبع مالی دیگری برای ساختن آن نباشد.

صرف سهم غارمین در دین خود

۳۲۶۱. فردی واجب الزکاه می باشد، در حالی که خودش بدهکار است، آیا می تواند آن زکات را از جهت سهم غارمین در بدهکاری خودش مصرف کند؟ آیا فقیر می تواند زکاتش را خودش بردارد؟

ج. نمی تواند زکات را از جهت سهم غارمین در بدهکاری خودش مصرف کند، همان گونه که فقیر نمی تواند زکاتش را خودش بردارد، هر چند می توانند از دیگران، با وجود سایر شرایط، زکات بگیرند.

صرف زکات در کتابخانه و کتاب

۳۲۶۲. آیا می توان از زکات برای تأسیس کتابخانه، خرید و نشر کتاب های مذهبی و اداره ی آن بهره گرفت؟

ج. بله، می توان.

پرداخت زکات به معلّم قرآن

۳۲۶۳. اگر کسی را جهت تعلیم قرآن به اطفال مؤمنین اجیر نمایند، آیا جایز است مال الاجاره را از زکات پرداخت نمایند، آیا در مورد مزبور نیاز به اجازه ی حاکم دارد؟

ج. ظاهراً نیاز به اجازه ندارد.

پرداخت زکات به مبلّغ

۳۲۶۴. اگر مؤمنین در ایّام تبلیغی رمضان یا محرّم قدرت مالی برای دعوت مبلّغ نداشته باشند؛ آیا از پول زکات می توانند برای این امر اقدام کنند؟

ج. ظاهراً می توانند.

میزان مصرف زکات در مورد «فی سبیل اللّه»

۳۲۶۵. چه مقدار زکات را می توان «فی سبیل اللّه» مصرف کرد؟

ج. هر مقداری که مورد نیاز آن باشد؛ به شرط این که بنا بر احوط منبع مالی دیگری برای وصول به آن نباشد.

فرستادن بچه های بی بضاعت به مدرسه با زکات

۳۲۶۶. آیا می توان زکات را صرف فرستادن بچّه های افراد بی بضاعت به مدرسه نمود؟

ج. با ملاحظه ی جهت «فی سبیل الخیر» بودن مانعی ندارد، به شرط آن که منابع مالی دیگری برای این امر وجود نداشته باشد.

ترجیح بین فقیر یا مسجد نیمه کاره در صرف زکات

۳۲۶۷. اگر در شهری هم فقیر مستحق و هم مسجد نیمه کاره باشد، در مصرف زکات اولویت با کدام یک می باشد؟

ج. هر کدام که در نیاز و احتیاج اولویت دارند.

مصرف زکات در تهیه ی جهیزیه ی دختر فرد دیگر

۳۲۶۸. کسی فقیر نیست؛ ولی توانایی تهیه ی جهیزیه دخترش را ندارد، آیا زکات را می توان به این فرد داد؟

ج. اگر تهیه جهیزیه او در عناوین دیگر غیر از فقر - از مصارف زکات - قرار می گیرد، جایز است.

دادن زکات به کودک فقیر نابالغ

۳۲۶۹. آیا می توان زکات را به کودک فقیر نابالغ داد یا حتماً باید به سرپرست او داده شود؟

ج. باید به سرپرست و ولی او داد.

مصرف زکات در آزاد کردن زندانی چک بی محل

۳۲۷۰. اگر کسی به دلیل کشیدن چک بی محل در زندان باشد، آیا می توان زکات را جهت رهایی او به کار برد؟

ج. برای ادای قرض او می شود داد.

پرداخت زکات متوفّی به جای بدهی او

۳۲۷۱. اگر کسی که بدهکار است فوت کند و مالی داشته باشد که زکات بر آن واجب شده است، آیا مال زکوی را می توان از بابت پرداخت بدهی طلب کاران، بابت قرض او پرداخت نمود؟

ج. خیر، نمی توان.

استفاده از زکات برای ساختن انبار عمومی

۳۲۷۲. آیا اهالی روستا می توانند برای ساختن انبار برای نگهداری کالاهای سهمیّه عموم اهالی از زکات استفاده کنند؟

ج. اگر مورد نیاز مسلمین است و محلّی دیگر برای هزینه ساخت آن نیست، مانعی ندارد.

مصرف زکات در خرید پارچه کفن برای عموم

۳۲۷۳. در غسّال خانه روستای ما گاهی اوقات به علت عدم وجود کفن دچار مشکل می شویم. لطفاً بفرمایید آیا از پول زکات شخص یا اشخاصی می توان چند طاقه پارچه خرید و در غسال خانه برای همه ی مسلمین قرار داد؟

ج. نسبت به میّتی که ترکه به قدر کفن ندارد و متبرّعی هم نیست، مانعی ندارد.

صرف زکات در اماکن عمومی که افراد متمکّن نیز از آن استفاده می کنند

۳۲۷۴. آیا زکات را می توان صرف در اماکن عمومی کرد که افراد متمکّن نیز از آن استفاده می کنند؟

ج. اگر منفعت عمومی و دینی دارد، جایز است.

تعمیر قبری که منسوب به امامزاده است از محل زکات

۳۲۷۵. از گذشته قبری به عنوان امامزاده شهرت یافته، امّا شجره نامه آن دقیقاً معلوم نیست. آیا تعمیر آن از زکات جایز است؟

ج. ظاهراً مانعی ندارد، اگر تعمیر ضروری شده و راه دیگری جز زکات نیست.

مصرف زکات در ساخت دستشویی برای اهل تسنن

۳۲۷۶. در منطقه ی بلوچستان در اثر فقر مادّی و فرهنگی، مردم آن حتی از داشتن سرویس بهداشتی محرومند. در این صورت، آیا می توان برای آنها از زکات دستشویی ساخت؟ (لازم به توضیح است که اکثر آنها از برادران اهل سنت هستند).

ج. مبنی بر @اندراج تحت یکی از دو سهم است که توضیح آن در جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۱۳ آمده است.

صرف زکات در خرید کتب علمی

۳۲۷۷. اگر یک دانش آموز دبیرستانی یا دانشجوی دانشگاهی نیاز به کتاب های علمی - مانند فیزیک، ریاضی، شیمی و ... - داشته باشد، آیا پدر می تواند جهت این امور برای فرزندش از زکات هزینه کند؟

ج. اگر ایمن از تضرّر ایمانی به بعض لوازم آنها باشد می تواند؛ وگرنه نمی تواند.

خرید ظروف وقفی از محل زکات

۳۲۷۸. آیا می توان زکات را برای خرید ظروف وقفی برای مسجد صرف کرد؟

ج. اگر محل دیگری بنا بر احوط برای تهیه آنها نیست و مورد نیاز است، جایز است.

خریدن کتب دینی برای خود از زکات اموال

۳۲۷۹. آیا طلبه می تواند زکاتش را صرف خرید کتب دینی برای خود نماید؟

ج. خیر، نمی تواند.

استفاده از زکات در برگزاری مسابقات قرآنی بین دانش آموزان

۳۲۸۰. آیا از وجوهات حاصل از زکات می توان برای برگزاری مسابقات قرآنی و نشر فرهنگ دینی بین دانش آموزان استفاده کرد؟

ج. جایز است.

مصرف زكات در كمك به سيل زدگان و زلزله زدگان

۳۲۸۱. آيا وجوهات شرعى - مانند خمس و زكات - را مى توان در مواردى مانند كمك به سيل زدگان و زلزله زدگان مصرف كرد؟

ج. در زكات جايز است و در خمس از سهم امام عليه السّلام مجاز است، البته پس از استجازه ى از مقلَّد (مرجع تقليد) در مقدارى كه مى خواهد مصرف كند.

مصرف زكات در كمك به زلزله زدگان و قحطى زدگان ساير كشورها

۳۲۸۲. آيا مى توان زكات را براى كمك به زلزله زدگان اندونزى يا قحطى زدگان اتيوپى فرستاد؟

ج. اگر مسلمان يا مؤلفه باشند، جايز است؛ آنجا كه مصالح اهل ايمان غايت مقصوده است.

اولويت در بين موارد مصرف زكات

۳۲۸۳. در بين موارد مصرف زكات، اولويت به چه ترتيب مى باشد؟

ج. هر چه اهميت بيشترى داشته باشد، در اولويت قرار مى گيرد كه به حسب موارد مختلف است.

دادن مواد غذايى به عنوان زكات

۳۲۸۴. آيا به عنوان زكات مى توان به فقرا مواد غذايى داد؟

ج. اگر به عنوان دفع قيمت است، احوط محافظت بر نقد است، مگر گيرنده به كالا راضى باشد.

ذبح گاو و گوسفند متعلق به زكات و تقسيم گوشت آن بين فقرا

۳۲۸۵. آيا در زكات گاو و گوسفند، مى توان حيوان را سر بريد و گوشت آن را بين چند فقير تقسيم نمود؟

ج. اگر قيمت كم نشود و با تراضى با گيرندگان باشد، مانعى ندارد.

شرايط مستحقّين زكات

پرداخت زكات به معتاد

۳۲۸۶. آيا مى شود زكات را به افراد فقير معتاد به ترياك داد؟

ج. اگر صرف در كشيدن ترياك مى كند، در ابتداى معتاد شدن نمى تواند به او بدهد؛ ولى اگر معتاد شده است، عدم پرداخت مبنى بر حرمت ادامه اعتياد است و اگر صرف در ضروريات خود و عيالش مى كند، پرداخت زكات به او مانعى

ندارد و هم چنین اگر ندانیم که آن را چه می کند.

میزان فقر

۳۲۸۷. معیار در فقر افراد چیست؟

آیا شخصی که مثلاً حدود پانصد تومان پول ندارد، ولی از لحاظ خوراکی چندان در مضیقه نیست، می توان به او زکات داد؟

ج. فقیر و مستحق زکات است.

کسی که در صورت فروش ملکش غنی است

۳۲۸۸. شخصی دارای باغیست که اگر بفروشند غنی می شود؛ ولی به طمع گران تر شدن نمی فروشد.

آیا می توان به او زکات داد؟

ج. این شخص فقیر نیست.

دادن زکات به داماد یا عروس

۳۲۸۹. در چه صورتی شخص می تواند زکات مال را به داماد یا عروس خود بدهد؟

ج. در صورتی که فقیر باشند.

خرج زکات برای تحصیل فرزند

۳۲۹۰. در صورت فقر پسر، پدر می تواند زکات را برای تحصیل فرزند در دانشگاه یا حوزه به پسر خود پرداخت نماید؟

ج. در این جهت با دیگران فرقی ندارد.

پرداخت زکات به پسر فقیر

۳۲۹۱. پدر این جانب حدود هفتاد سال سن دارد و شغل او کشاورزی است.

بنا به اقرار خودش زکات را خوب حساب نکرده است، یعنی دقیق زکات تسعه (نه گانه) را نداده و یقین دارد به عهده او زکات تسعه هست.

همچنین رد مظالم به عهده او است.

آیا اکنون برای بریء الذّمه شدن می تواند یک جا همه را حساب کند و به پسر فقیر خود بدهد و پسر برای خود زن بگیرد؟

آیا اجازه می فرمایید پدرم موارد مذکور را خرج عروسی برادر فقیرم کند؟

ج. شاید بتواند، مگر این که احتیاط اینست که به شخص مستحق شریف بدهد و او بذل کند به پسرش که می خواهد ازدواج کند.

دادن زکات به ربیبه

۳۲۹۲. آیا انسان می تواند مقداری از زکات را که مدیون است به ربیبه خود پرداخت نماید؟

ج. ظاهراً می تواند.

دادن زکات به افرادی که گاهی اوقات نماز می خوانند

۳۲۹۳. آیا به یک خانواده ی مسلمان شیعه که بعضی از افراد این خانواده گاهی نماز می خوانند و گاهی نمی خوانند، می توان زکات داد؟

ج. اگر به قدر ضروریات آنها بدهد، اشکال ندارد، (مسأله ی ۱۵۳۷ رساله).

پرداخت زکات به فقیر سنی مذهب

۳۲۹۴. آیا زکات را می توان به فقیر سنی مذهب پرداخت نمود؟

ج. خیر، نمی توان، (مسأله ی ۱۵۳۴ رساله).

گرفتن زکات از یک فرد سنی مذهب

۳۲۹۵. آیا فقیر شیعه می تواند از یک نفر سنی، زکات بگیرد؟

ج. بله، می تواند.

ترجیح بین فقرای محل زراعت و محل سکونت

۳۲۹۶. کشاورزی در شهر سکونت دارد و جهت زراعت به روستایی در ۲۵ کیلومتری آن شهر می رود. هم در آن روستا و هم در شهر محل سکونت خود، افراد مستحق وجود دارند. او زکات زراعتش را به کدام دسته از فقرا بدهد بهتر است؟

ج. اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می تواند زکات را به روستا ببرد؛ ولی مخارج بردن به آن محل را باید خودش بدهد و اگر زکات تلف شود، ضامن است؛ مگر آن که به درخواست حاکم شرع برده باشد.

محاسبه بدهی بدهکار از زکات

۳۲۹۷. شخص فقیری به بنده بدهکار است و توانایی پرداخت بدهی خود را ندارد. آیا می توانم بدهی او را از زکات مالم حساب کنم و دیگر از او طلب نکنم؟

ج. بله، می توانید این کار را بکنید.

دادن زکات به پدر و مادر

۳۲۹۸. در چه صورت زکات فرزند به پدر و مادرش می رسد؟

ج. فرزند نمی تواند زکات خود را در محدوده ی نفقه واجبه، به آنها بدهد و در غیر آن مانعی ندارد.

عدم جواز پرداخت زکات غیر سید به سید

۳۲۹۹. آیا جایز است غیر سیّد کفارات و مظالم و صدقات خود را به سیّد بدهد؟

ج. احتیاط مستحب است که به سیّد ندهند؛ ولی زکات جایز نیست.

ممنوعیت دریافت زکات غیر سیّد توسط سیّد

۳۳۰۰. آیا سیّد می تواند از غیر سیّد زکات بگیرد؟

ج. کسی که سیّد است، نمی تواند از غیر سیّد زکات بگیرد.

(مسأله ی ۱۵۴۲ رساله).

پرداخت زکات در قالب هدیه به بستگان

۳۳۰۱. شخصی که زکات باید بپردازد، اگر فرزند، داماد یا یکی از بستگانش طلبه باشد، آیا می تواند به صورت هدیه، لوازم خانه یا کتاب مورد نیاز او را خریده و از زکات خود محاسبه نماید؟

ج. ظاهراً از غیر واجبات، واجب النّفقه می تواند ادای زکات کند و لازم نیست بگوید زکات است.

افرادی که منکر زکات اند

۳۳۰۲. اگر کسانی باشند که زکات نمی دهند و وقتی با آنها بحث می کنیم، زکات را قبول ندارند، آیا آنها کافر و نجس اند؟ معاشرت با چنین افرادی چه حکمی دارد؟

ج. اگر منکر اصل زکات هستند، کافر و نجسند. (با توضیح مذکور در مسأله ی ۱۱۰ رساله.)

نانی که از گندم زکات نداده پخت شده است

۳۳۰۳. آیا نانی که از گندم زکات نداده، پخته شده است را می توان خورد؟

ج. اگر زکات آن را از مال دیگر بدهند، می توان خورد.

نماز خواندن در لباسی که از مال زکوی تهیه شده است

۳۳۰۴. آیا با مال زکوی می توان لباس خرید و در آن لباس نماز خواند؟

ج. اگر با عین پولی که زکات آن را نداده اند لباس بخرد تا زمانی که از پول دیگری زکات آن را نداده اند، نماز خواندن در آن لباس حرام و بنا بر احتیاط باطل است.

نماز خواندن در خانه ی کسی که زکات پرداخت نمی کند

۳۳۰۵. اگر کشاورزانی باشند که درآمد آنها از طریق زراعت است و لکن زکات پرداخت نمی کنند و با این درآمد خانه و مسکن تهیه کرده اند، نماز خواندن در خانه ی آنها چه حکمی دارد؟

ج. نماز خواندن در آن خانه اشکالی ندارد.

عقد ازدواج کسانی که زکات پرداخت نمی کنند

۳۳۰۶. اگر کسانی زکات پرداخت نکنند و با عین مال زکوی، ازدواج کرده اند، عقد آنها چه حکمی دارد؟

ج. عقد آنها صحیح است.

گفتن این که مال پرداختی به فقیر، زکات است

۳۳۰۷. چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می دهد، آیا لازم است به او بگوید که زکات است؟

ج. خیر، لازم نیست.

پرداخت معادل زکات از فرش های خانه

۳۳۰۸. آیا کسی می تواند معادل زکاتی که بر او تَعَلُّق گرفته از فرش های خانه اش به مسجد محل بدهد و برای خودش فرش نو تهیه کند؟

ج. ظاهراً می تواند از باب قیمت بدهد؛ اگر متولّی شرعی راضی شود. (به مسأله ی ۱۵۵۰ رساله مراجعه شود.)

دریافت زکات و خرج آن برای عیال سیّده

۳۳۰۹. اگر شخص غیر سیّدی زکات بگیرد، می تواند خرج عیالش که سیّده می باشد، نماید؟

ج. بله، می تواند.

مصرف یا تعویض پول جدا شده بابت زکات

۳۳۱۰. آیـا پولی که بـابت وجوه شرعیه - ماننـد زکات اموال و فطره، جـدا و تعیین شـده را می توان مصـرف نمود و یا با پول دیگر تعویض نمود؟

ج. نمی توان آن را مصـرف کرد؛ ولی تعویض آن اشـکال نـدارد، در موردی که تفـاوتی در تَعَلُّق اغراض @عقلائیه نـدارد و مستحقّین راضی هستند.

فروش مال زکوی و پرداخت پول آن

۳۳۱۱. آیا می توان مال زکاتی را فروخت و سپس به مقدار زکات از پول آن جدا کرده و پرداخت نمود؟

ج. بله، می توان، (مسأله ی ۱۵۵۰ رساله).

خرید و فروش مال زکوی

۳۳۱۲. آیا خرید و فروش مال زکوی جایز است؟

در این صورت زکات آن بر عهده فروشنده است یا خریدار؟

ج. جایز نیست، مگر بعد از جدا کردن مقدار زکات یا ادای آن از مال دیگر وگرنه معامله نسبت به آن مراعی است.

پرداخت وجه به نیّت زکات یا مظالم

۳۳۱۳. شخصی علم اجمالی دارد که زکات یا مظالم بر عهده اش است.

حال که می خواهد وجهی را به مستحق بدهد، به چه نیّت این کار را انجام دهد؟

ج. به نیّت امر فعلی و ما فی الذّمه.

دادن زکات پدر به فرد مستحقّی که مد نظر پدر نبوده است

۳۳۱۴. پـدری زکات مالش را جـدا کرده و می خواهـد به فرد خاصـی بدهـد. آیا پسر بـدون اذن او می تواند زکات را به فرد مستحق دیگری بدهد؟

ج. خیر، نمی تواند این کار را بکند.

پرداخت زکات سال های متمادی در یکجا

۳۳۱۵. آیا پیرمرد کشاورزی که تا کنون زکات نداده، می تواند زکات همه ی سال هایش را یک جا حساب کند و بپردازد؟ اگر در حال حاضر قدرت بر این کار نداشته باشد چه کند؟

ج. بله، باید تمام آنها را بدهد؛ هر چند به تدریج باشد یا اگر ندارد، آن را وصیت کند.

نیّت در هنگام پرداخت زکات فطریه عقب افتاده

۳۳۱۶. اگر پرداخت زکات فطره چند روز به تعویق بیفتد، هنگام پرداخت آن نیّت ادا داشته باشیم یا نیّت قضا؟

ج. اگر کنار هم نگذاشته، احتیاط مستحب آن است که بعداً قضا کند؛ ولی اظهر اینست که زکات فطره دیگر بر او واجب نیست، ولی معصیت کرده است.

اولویت بین پرداخت زکات یا بدهی متوفّی

۳۳۱۷. اگر فرد متوفّی بدهکار باشد و مال زکوی نیز داشته باشد، امّا اموال دیگر او به قدری نیست که کفاف بدهی او را بدهد، پرداخت زکات او در اولویت قرار دارد یا بدهی او؟

ج. چون زکات اوّلاً به عین مال تعلق می گیرد به همین جهت اولویت لزومیه دارد، (مسأله ی ۱۴۷۸ رساله).

پرداخت مبلغ زکات پنجاه سال پیش

۳۳۱۸. شخص متوفّی پنجاه سال پیش وصیت کرده که مبلغ معینی را بابت زکات بدهند ولی ورثه عمل نکرده اند.

حال که می خواهند عمل کنند، همان مبلغ را بدهند یا ارزش امروزی آن را حساب کنند؟

ج. احتیاطاً باید در ما به التفاوت آن با حکم شرع مصالحه کنند.

تصرف ورثه در اموال میتی که زکات بر آنها واجب شده است

۳۳۱۹. آیا ورثه می توانند در اموال میتی که زکات بر آنها واجب شده، تصرّف کنند؟ در صورت تصرّف آیا بر ذمّه آنهاست که جبران کنند؟

ج. قبل از اخراج زکات یا کنار گذاشتن آن نمی توانند در آن تصرف کنند و اگر کردند، ضامن هستند.

جمع آوری خمس و زکات توسط حاکم اسلامی

۳۳۲۰. آیا حاکم اسلامی می تواند نسبت به جمع آوری خمس و زکات اقدام نماید و در این راه خشونت به خرج دهد؟

ج. می تواند طلب الزامی کند.

توانایی حکومت اسلامی در تغییر نصاب زکات

۳۳۲۱. آیا حکومت اسلامی می تواند بنا به مصالح جامعه نصاب زکات را بیشتر یا کمتر وضع کند؟

ج. نصاب خاص، شرط عنوان زکات است.

فلسفه تشریع و اهداف زکات

۳۳۲۲. فلسفه تشریع زکات و اهداف آن را با توجه به آیات و روایات، بیان فرمایید؟

ج. رسیدگی به فقیران و رفع حاجت آنها و نمو مال و زیادی در عمر و مصالح دیگر از جمله حکمت های تشریع زکات است.

تغییر مصارف و متَعَلّقات زکات توسط حاکم اسلامی

۳۳۲۳. آیا حاکم اسلامی می تواند برخی از متَعَلّقات یا مصارف زکات را بنا بر مصالح جامعه کم یا زیاد نماید؟

ج. خیر.

احکام زکات فطره

افرادی که پرداخت فطریه آنان واجب است

مقصود از غنی بودن که شرط وجوب زکات فطره است

۳۳۲۴. مقصود از غنی بودن - که شرط وجوب زکات فطره است - چیست؟

ج. منظور کسیست که خرج سال خود و خانواده اش را دارد و کسی که فعلاً خرج سال را ندارد ولی به تدریج به دست می آورد و مصرف می کند، اگر غیر از آن چه خرج می کند، با قرض کردن و مانند آن بتواند زکات فطره را بدهد، به طوری که نظم امور او به هم نخورد و موجب خرج و اجحاف نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید زکات فطره را بدهد.

کسی که بعد از اذان مغرب شب عید فطر توانگر می شود

۳۳۲۵. کسی غروب شب عید فطر توانایی تهیه ی نان خانواده را نداشت؛ ولی پس از اذان مغرب مالی به او رسید که توانگر شد، آیا زکات فطره بر عهده او می باشد یا خیر؟

ج. خیر، بر عهده او نمی باشد، لکن مستحب است، (مسأله ی ۱۵۶۹ رساله).

زکات فطره شخص بی هوش

۳۳۲۶. اگر شخصی هنگام غروب شب عید فطر بی هوش شود، آیا زکات فطره از او ساقط است؟

ج. بله، ساقط است، (مسأله ی ۱۵۶۷ رساله).

کسی که فقط شب عید فطر مهمان بوده

۳۳۲۷. آیا کسی که فقط شب عید فطر مهمان بوده، نان خور میزبان محسوب می شود و فطره اش بر میزبان واجب است؟

ج. اگر پیش از برآمدن هلال ماه شوال مهمان شده است، فطره اش بر میزبان واجب است، به شرط آن که برای خوردن غذا به منزل او آمده باشد، هر چند بعداً مانعی پیش آید که نتواند غذا صرف کند.

۳۳۲۸. اگر میزبان زکات فطریه مهمان را بر عهده خودش بداند و مهمان طبق نظر مرجع تقلیدش، خود را موظّف به پرداخت فطریه بداند، تکلیف چیست؟

ج. یکی با اذن دیگری بپردازد.

فطریّه بچّه در شکم مادر

۳۳۲۹. آیا پرداخت زکات فطریه بچّه ای که در شکم مادر است، واجب است یا نه؟

ج. بچّه در شکم، فطریّه ندارد.

فطریّه بچّه های شرکت کننده در فاتحه

۳۳۳۰. شخصی شب عید فطر مجلس فاتحه داشته است.

بیست نفر از روستاییان را به مجلس دعوت می کند، ولی بیست بچّه ی کوچک هم بدون رضایت و دعوتِ او قبل از غروب یا پس از غروب کنار سفره می نشینند. فطره آنها به عهده چه کسی است؟

ج. احتیاطاً بر همین دعوت کننده است، نسبت به آنها که قبل از هلال شوّال آمده اند.

فطریه رزمندگان و سربازان

۳۳۳۱. زکات فطره رزمندگان اسلام و سربازان نظام جمهوری اسلامی که مخارج آنها را دولت یا مردم می دهند، در ماه مبارك رمضان به عهده چه کسی است؟

ج. اگر نان خور کسی به حساب نیایند و ماهیانه از دولت حقوق می گیرند، ظاهراً به عهده خودشان است و اگر نان خور کسی دیگر هستند و مخارج آنها را کس دیگر - مانند دیگر - می پردازد، زکات فطره بر عهده آن کس - پدر - می باشد.

فطریه دانشجوی مستقر در خوابگاه

۳۳۳۲. فطریه دانشجویی که در خوابگاه دانشگاه به سر می برد و از غذای دانشگاه استفاده می کند، بر عهده چه کسی است؟

ج. اگر نان خور دانشگاه محسوب نمی شوند، بر عهده خود آنهاست یا @معیلشان، اگر دارند.

فطره زندانیان

۳۳۳۳. کسانی که در شب عید فطر زندانی باشند، چه کسی باید فطریه آنها را بدهد؟

ج. اگر فقیر نباشد و نان خور دیگری هم نباشد باید خودش فطریه اش را کنار بگذارد.

می همانی که قبل از اذان خارج شود و بعد از اذان بازگردد

۳۳۳۴. روز آخر ماه مبارک رمضان با اطّلاع قبلی ده نفر مهمان به منزل ما آمدند و موقع نهار در منزل ما بودند و نزدیک غروب آفتاب از منزل خارج شدند و بعد از اذان دوباره برگشتند. آیا فطریه آنها به عهده این جانب می باشد یا خودشان؟

ج. میزان صدق مهمان در وقت مخصوص است.

(مسأله ۱۵۶۶ رساله)

افطار مهمان از نان خودش

۳۳۳۵. اگر پیش از غروب شب عید فطر مهمان وارد خانه شود، ولی از نان خودش افطار کند، آیا فطره او بر عهده صاحب خانه است؟

ج. تحقّق افطار نزد میزبان نه شرط است و نه موضوعیّت دارد؛ بلکه ملاک صدق مهمان در وقت مخصوص است.

پس اگر قبل از هلال شوّال با ورود بر او به قصد تناول غذا و نحو آن صدق ضیافت او نموده باشد، فطریه بر صاحب خانه است؛ اگر چه به عذری تناول نکند.

(مسأله ۱۵۶۶ رساله).

فرستادن غذا به منازل در شب عید

۳۳۳۶. در شهرستانی رسم است شب عید فطر پیش از غروب برای خانواده های فقیر به تعداد نفرات غذا می فرستند. آیا زکات فطره بر فرستنده غذا واجب است؟

اگر پس از غروب غذا بفرستند چه طور؟ اگر افرادی که غذا می گیرند فقیر نباشند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر چنین برنامه ای مستمر نبوده و نان خور یا مهمان بر آن افراد صدق نکند، فطره آنها بر هدیه دهنده واجب نیست؛ هر

چند با طعام او افطار کرده باشند.

وجوب فطره پسر بر پدر یا میزبانش

۳۳۳۷. فرزند واجب النّفقه انسان، در شب عید فطر مهمان کسی دیگر می شود. آیا فطره او بر گردن پدر است یا بر عهده میزبان؟

ج. بر عهده میزبان است.

کسب اجازه ی مهمان از میزبان جهت پرداخت فطریه خودش

۳۳۳۸. اگر کسی شب عید فطر مهمان باشد و فطره خود را با اجازه و صلاحدید صاحب خانه بدهد؛ آیا از گردن میزبان ساقط می شود؟

ج. اگر به نیابت از طرف میزبان دهد، از گردن او ساقط می شود، (مسأله ی ۱۵۷۵ رساله).

اطعام در غیر منزل در شب عید فطر

۳۳۳۹. اگر شخصی در شب عید فطر به اشخاصی در مسجد یا سالن پذیرایی، طعام دهد، باید زکات فطره آنها را نیز بدهد؟

ج. خیر، اگر صدق عیال یا مهمانان نمی کند.

می همانی دادن به طور مشترک در شب عید فطر

۳۳۴۰. دو برادر تصمیم می گیرند شب عید فطر چند نفر را به مهمانی دعوت کنند و خرج مهمانی را هر کدام مساوی بر عهده می گیرند. آیا زکات فطره مهمان نان به طور مساوی بین آن دو تقسیم می شود یا خیر؟ اگر ۳۴ و ۱۴ تقسیم کرده باشند چه طور؟

ج. بلی در صورت وجوب، هر کدام سهم خود را می دهد.

تکلیف فطریه دو خانواده ای که از غذای همدیگر تناول کرده اند

۳۳۴۱. دو خانواده شب عید فطر قرار می گذارند که برای افطار و شام به پارك بروند و دور هم باشند. هر کدام غذای خود را جداگانه تهیه کرده است و لکن موقع غذا خوردن، از غذای همدیگر تناول می کنند.

آیا فطریه آنها به گردن دیگری می افتد یا خیر؟

ج. ظاهراً خیر.

زکات فطره عیال مهمان

۳۳۴۲. اگر زکـات فطره مهمـان بر صـاحب خـانه باشـد و خودش تنهایی به مهمانی آمـده باشـد، آیا زکات فطره عیالش باز بر عهده خودش است یا خیر؟

ج. زکات فطره عیالش بر عهده خودش است.

زکات فطره سید مهمان

۳۳۴۳. اگر سیدی شب عید فطر نان خور میزبان غیر سید محسوب شود، آیا فطره آن سید را باید به سید داد یا به غیر سید؟

ج. باید به غیر سیّد داد.

نان خور غیر سید برای سید

۳۳۴۴. اگر غیر سیدی شب عید فطر نان خور میزبان محسوب شود، میزبان سید می تواند فطره او را به سید بدهد یا خیر؟

ج. می تواند به سیّد هم بدهد.

زکات فطره فقیری که غذا طلب می کند

۳۳۴۵. شب عیـد فطر، فقیری درب خـانه ای را می زنـد و صاحب خانه نیز مقـداری نان و خرما به او می دهـد. لیکن فقیر وارد خانه نمی شود و بعد از تشکر از صاحب خانه آنجا را ترک می کند.

آیا فطریه او بر عهده صاحب خانه است یا خیر؟

ج. خیر.

دادن زکات فطره از طرف حضرت حجت عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف

۳۳۴۶. آیا پرداختن زکات فطره از طرف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشروع است؟

ج. خیر، مشروع نیست.

فطریه فرزند بستری در بیمارستان

۳۳۴۷. اگر شب عید فطر فرزند انسان در بیمارسـتان بستری باشد، به نحوی که از غذای بیمارستان استفاده می کند و پدر خرج بیمارستان او را می دهد، آیا بازهم فطریه بر عهده پدر می باشد یا خیر؟

ج. بله، بر عهده پدر است.

فطریه خانواده ی شخص زندانی که پدرش خرج آنها را می دهد

۳۳۴۸. شخصی زندانی است و پدرش خرج و مخارج زن و فرزندانش را می دهد. زکات فطره زن و فرزندان بر عهده چه کسی می باشد؟

ج. بر عهده پدر فرد زندانی است.

دریافت فطریه توسط طلّاب

۳۳۴۹. آیا امروز طلاب را - با وضعیت شهریه کنونی - مستحق دریافت زکات فطره می دانید؟

ج. اگر فقیر شرعی باشند، بله استحقاق دارند.

فطریه فرزند طلبه ای که شهریه می گیرد

۳۳۵۰. طلبه ای که علاوه بر شهریه، مبالغی را پدر به او کمک می کند.

آیا فطریه این فرزند، بر پدر واجب است یا خیر؟

ج. اگر صدق نان خور پدر بکند، فطریه اش بر پدر است و در غیر این صورت بر عهده او نیست.

زکات فطره فردی که شغلش از راه حرام است

۳۳۵۱. کسی که حساب سال دارد ولی شغل او از راه حرام است، - مانند کسی که آرایشگری دارد و ریش افراد را می تراشد - آیا باید اوّل خمس پولی که برای زکات فطره می دهد را بپردازد؟

ج. اگر حلال و حرام هر دو را دارد، به نیّت حلال، زکات فطره را بدهد و غیر حلال را خودش به هر جور ممکن است تصفیه و تحلیل کند، مثلاً اگر مورد تخمیس است به جهت اختلاط با حرام، زکات فطره را هم جزو مجموع به حساب آورد.

جنس و مبلغ فطریه

دادن جنس به عنوان فطریّه

۳۳۵۲. ۱) آیا می توان در صورت عدم قدرت بر زکات فطره، جنسی را به قیمت فطریه جدا کرد و کنار گذاشت؟

ج. می تواند.

۲) آیا با پول فطریه می توان بدون اطلاع فقیر، برای وی لباس خرید؟

ج. اگر راضی به خصوصیات است، در فرض اطلاع کافی است.

جواز پرداخت بیشتر از مقدار واجب

۳۳۵۳. مکلّفی بیش از مقدار زکات فطره را جدا می کند و کنار می گذارد، به گونه ای که ضمن آن به طور مشاع، فطریه است.

آیا اشکال دارد؟

ج. مانعی ندارد.

تبدیل زکات فطره

۳۳۵۴. آیا شخص مکلف می تواند زکات فطره ای را که جدا کرده و کنار گذاشته است، به پول دیگر یا چیز دیگری تبدیل کند؟

ج. اگر به نحویست که مستحقین راضی هستند، جایز است.

تبدیل پول فطریّه به جنس و پرداخت به فقیر

۳۳۵۵. اگر مکلّف پول زکات فطره را به صورت جنس دیگر - مثل لباس و لوازم زندگی - درآورده و بعد به فقیر داده، در حالی که غافل یا جاهل بوده، صحیح است یا خیر؟ و اگر برائت ذمّه حاصل نشده وظیفه چیست؟

آیا راه جبران دارد؟

ج. اگر به اندازه ی فطریه باشد اشکال ندارد.

پرداخت گندم و لوبیا به فقیر

۳۳۵۶. با توجّه به این که نخود و لوبیا را می پزند و با نان می خورند، آیا می توان به جای گندم و ... نخود و لوبیا به فقیر داد؟

ج. در کفارات با صدق طعام مانعی ندارد و در زکات فطره، در صورتی که قوت غالب باشد، اشکال ندارد.

محاسبه ی زکات فطره از نان

۳۳۵۷. آیا در زکات فطره می توان به جای قیمت گندم، نان محاسبه کرد؟ با توجه به این که نانوایی ها نان را از آرد دولتی تهیه می کنند که با قیمت آزاد آن تفاوت چشمگیری دارد.

ج. می توان نان حساب کرد، ولی باید به قیمت آزاد آن حساب کرد.

محاسبه ی زکات فطره به قیمت دولتی یا آزاد

۳۳۵۸. در زکات فطره اگر بخواهد قیمت جنس را حساب کنند، آیا به قیمت دولتی حساب کنند یا به نرخ آزاد؟

ج. باید به نرخ آزاد محاسبه کنند.

موارد مصرف زکات فطره

دادن زکات فطره به فرزند

۳۳۵۹. آیا می توانم از زکات فطره به فرزند فقیرم بدهم؟

ج. در غیر نفقه ی واجب جایز است.

جواز پرداخت زکات فطره به غیر اهل محل

۳۳۶۰. شخص فقیری که اهل محل نیست، روز عید فطر به روستا می آید، با وجود فقیر در روستا، آیا اهالی می توانند زکات فطره را به این فقیر بدهند؟

آیا این مصداق خارج محل است؟

ج. مانعی ندارد به او بدهند و این عمل انتقال از شهر زکات نیست.

دریافت زکات سیّد از غیر سیّد

۳۳۶۱. سیّده ای دارای سه فرزند غیر سیّد است - که شوهر او فوت کرده و اکنون فقیر هستند - حال کسانی که سیّد نیستند می توانند زکات فطره را به زن سیّده بدهند تا آن زن خرج بچّه ها کند؟

ج. به حسب ظاهر دادن زکات به او جایز است به مقداری که او در مورد این اطفال صرف کند.

دادن فطره به معتاد

۳۳۶۲. دادن فطریّه به فقرایی که معتادند و می دانیم که مقداری از آن را خرج اعتیاد خود می کنند؛ چه صورت دارد؟

ج. خلاف احتیاط است.

صرف زکات فطره در مسجد

۳۳۶۳. آیا زکات فطره را می توان صرف تعمیر و توسعه ی مسجد و یا ساختمان امامزاده نمود؟

ج. جایز است با نبود محل دیگر علی الاحوط؛ ولی احتیاط در آن است که فقط به فقرای شیعه بدهند.

خرید بلندگو از فطره

۳۳۶۴. آیا از زکات فطره می توان بلندگو و مانند آن خرید یا این که باید به مستحق برسانیم؟

ج. اگر مصداق سهم سبیل اللّٰه باشد و بنا بر احوط راه دیگری برای خرید آن نباشد، جایز است.

اولویت در صرف زکات فطره بین طلاب فقیر و فقرای عادی

۳۳۶۵. در شهری حوزه ای علمیه ایست که طلاب فقیری دارد و شهریه آنها کفاف زندگی آنها را نمی دهد. از طرف دیگر، فقرایی از مردم عادی نیز وجود دارند. کدام یک برای کمک از زکات فطره و صدقات و ... استحقاق بیشتری دارند؟

ج. مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را و بعد اهل علم فقیر را؛ ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

دادن زکات فطره به فقیر بی نماز

۳۳۶۶. آیا می شود زکات فطره را به فقیری که نماز نمی خواند؛ امّا مریض و علیل است و قدرت بر کار ندارد، داد؟

ج. به قدر ضروریات خود و خانواده اش می شود داد.

پرداخت فطریه به زن بی نماز و بدحجاب نیازمند

۳۳۶۷. زنی است مسکین و نیازمند؛ امّا نماز نمی خواند و حجاب را درست رعایت نمی کند.

آیا مجاز می دانید زکات فطره به او پرداخت شود؟

ج. به قدر ضروریات خود و خانواده اش می شود داد.

فقیری که با نظام اسلامی مخالف است

۳۳۶۸. آیا می توان زکات فطره را به فقیری که با نظام اسلامی مخالف است، پرداخت کرد یا نه؟

ج. بله، می توان به او داد.

مصرف زکات فطره در جایی که فقیر کم است

۳۳۶۹. در محلی که زکات فطره زیاد پرداخت می شود و فقیر بسیار کم است، آن را در چه راهی مصرف نمایند؟

ج. اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که برای زکات گفته شده است برسانند، بنا بر اظهر کافی است.

مکان پرداخت فطریه کسی که خانواده اش در محل دیگر ساکن هستند

۳۳۷۰. اگر شخصی در یک شهر و اهل و عیالش در شهر دیگر باشد، زکات فطره را در کدام شهر باید پرداخت نماید؟

ج. در شهر خودش اولویت دارد.

فرستادن فطریه به خویشاوندانی که در شهر دیگر زندگی می کنند

۳۳۷۱. آیا کسی که در تهران زندگی می کند، می تواند زکات فطره خود را برای خویشاوندانی که در دیگر شهرها زندگی می کنند، بفرستد؟

ج. بله، می تواند.

هزینه کردن زکات فطره در کارهای عمرانی عام المنفعه

۳۳۷۲. آیا زکات فطره را می توان در کارهای عمرانی عام المنفعه - مانند ساختن حمام یا خانه بهداشت یا ترمیم جاده های روستایی - هزینه کرد؟

ج. اگر بنا بر احوط راه دیگری برای تأمین آنها نیست، از باب فی سبیل اللَّه می توان مصرف نمود.

مسائل متفرقه فطریه

تقدّم فطریّه بر خمس

۳۳۷۳. کسی که حساب سال ندارد ولی مشکوک است که خمس به اموال او تَعَلُّق گرفته یا نه، آیا باید اوّل خمس را بدهد و بعد زکات فطره را پرداخت نماید؟

ج. لازم نیست و اگر یقین هم داشته باشد، زکات فطره از مؤونه واجبه اش است و پیش از تخمیس می تواند بدهد؛ مگر این که بخواهد از عین مالی که از سابق متعلق خمس شده بپردازد که اوّل باید تخمیس کند.

تقدّم خمس یا زکات

۳۳۷۴. آیا حکم تقدّم خمس بر زکات فطره، در زکات گندم و جو و گاو و گوسفند و طلا و نقره هم هست یا خیر؟

ج. مصرف ها و هزینه های واجب و مباح در طول سال، خمس ندارد.

عدم تَعَلُّق خمس به زکات فطره

۳۳۷۵. در رساله عملیّه بخش زکات فطره در مسأله ۱۵۷۹ فرموده اید:

«زکات فطره باید از مال حلال داده شود»، بفرمایید:

کسی که حساب سال دارد، آیا باید پولی که برای زکات فطره می دهد، ابتدا خمس آن را بدهد؟

ج. اگر بین سال واقع شود، خمس واجب نیست.

تعارض خمس و فطره

۳۳۷۶. کسی که خمس بر مالش تَعَلُّق گرفته، آیا زکات فطره را می تواند از آن مال بدهد یا این که باید اوّل خمس را پرداخت کند و بعد زکات فطره بدهد؟

ج. اوّل باید تخمیس شود، یعنی نباید با استثنای آن خمس را حساب کند.

عدم تعلق خمس بر زکات یا زکات فطره

۳۳۷۷. اگر مبالغی جهت زکات یا زکات فطره کنار گذاشته شده باشد و در اثر سهل انگاری در صرف آنها یک سال بر آنها بگذرد، آیا خمس به آنها تَعَلُّق می گیرد؟

ج. ظاهراً متعلق خمس نیست.

نقل زکات

۳۳۷۸. چند روستا نزدیک هم قرار دارند - مثلاً روستایی با روستای دیگر تنها هزار متر فاصله دارد -. آیا هر دو یک محل محسوب می شوند یا دو محل؟ آیا شخص مکلّف می تواند با وجود مستحق در روستای خودش زکات را به روستای مجاور ببرد؟

ج. مانعی ندارد. (به مسأله رساله ۱۵۵۶ و ۱۵۹۶ مراجعه شود.)

مصرف زکات فطره پس از چند ماه

۳۳۷۹. آیا پول هایی را که از محل زکات فطره جمع آوری شده است، می توان بعد از گذشت مدتی - مانند چند ماه - به مصرف رساند؟

ج. چون برای دیگران است جایز نیست، مگر با اجازه ی آنها.

تأخیر در ادای زکات فطره با وجود مستحق

۳۳۸۰. مقداری از زکات فطره را داده ام، آیا اجازه می فرمایید باقی مانده را روز عید غدیر به مستحقین بدهم؟

ج. اگر نماز عید فطر می خوانید، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید فطر بدهید و اگر نماز عید فطر نمی خوانید، می توانید تا ظهر به تأخیر بیندازید و اگر موقع وجوب زکات آن را پرداخت نکرده و کنار هم نگذاشته اید احتیاط مستحب آن است که بعداً قضا کنید؛ ولی اظهر اینست که زکات فطره دیگر بر شما واجب نیست؛ ولی معصیت کرده اید.

نیّت در هنگام پرداخت زکات فطریه عقب افتاده

۳۳۸۱. اگر پرداخت زکات فطره چند روز به تعویق بیفتد، هنگام پرداخت آن نیّت ادا داشته باشیم یا نیّت قضا؟

ج. اگر کنار هم نگذاشته، احتیاط مستحب آن است که بعداً قضا کند؛ ولی اظهر اینست که زکات فطره دیگر بر او واجب نیست، ولی معصیت کرده است.

برداشت هزینه ی رساندن فطریه ها به افراد مستحق از محل مبالغ فطریه

۳۳۸۲. آیا کسانی که از طرف عده ای وکیل شده اند تا فطریه ها را به افراد مستحق برسانند، می توانند هزینه های خود را از مبالغ فطریه بردارند؟ یا باید از افراد پرداخت کننده ی فطریه مطالبه کنند؟

ج. ظاهراً باید از افراد پرداخت کننده فطریه مطالبه کنند.

شرطی که دهنده ی زکات فطره برای فقیر معین می کند

۳۳۸۳. آیا دهنده ی زکات فطره می تواند برای فقیر شرایطی تعیین کند، مثلاً به فقیر شرط کند که «مقداری از فطره خود را مصرف کن و بقیّه را به فقیر دیگر بده»؟

ج. اگر مقدار مصرف خودش کمتر از یک صاع نباشد، اشکال ندارد، (مسأله ی ۱۵۸۵ رساله).

کسی که مدت ها زکات فطره خود را نپرداخته

۳۳۸۴. کسی که مدت ها زکات فطره خود را نپرداخته است، زکات فطره سال های قبل را چگونه باید محاسبه کند؟

ج. بنا بر احتیاط مستحب می تواند قضا کند؛ ولی اظهر آن است که زکات فطره دیگر بر او واجب نیست، ولی معصیت کرده است.

جبران فطریه ای که سال های قبل داده نشده است

۳۳۸۵. زکات فطره خانواده ی ما در چند سال پیش حدود ۶۰۰ تومان می شد.

خانواده ام پانصد تومان دیگر به آن اضافه کردند و یک سینی برای مسجد خریدند. امّا بنا به دلایلی این سینی به مسجد داده

نشد.

حال جهت جبران آن، چه کار باید بکنیم؟

ج. اگر چنان که مفروض سؤال است، مقدار زکات فطره در آن زمان ۵۵ درصد قیمت سینی بود، اکنون باید بنا بر احتیاط مقدار زیادتر از حدود ۵۵ درصد ارزش فعلی سینی (و معادل فعلیِ ارزشِ ۶۰۰ تومان در آن زمان) را بپردازید.

پرداخت زکات بعد از نماز عید فطر

۳۳۸۶. کسی که نمی تواند قبل از نماز عید فطر، فطریه را بدهد، آیا لازم است بعد از نماز آن را بپردازد؟

ج. اگر نماز می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد؛ ولی اگر نماز عید نمی خواند، می تواند فطره را تا ظهر به تأخیر بیندازد.

استفاده از پول فطریه برای خرد کردن پول

۳۳۸۷. اگر پول فطریه کنار گذاشته شود، می توان از آن پول برای خرد کردن اسکناس های درشت تر استفاده کرد؟

ج. بله، می توان.

قرض گرفتن جهت پرداخت زکات فطره

۳۳۸۸. شخص متمکّنی در روز عید فطر، مال یا وجه نقد در اختیار ندارد، که زکات فطره اش را پیش از نماز پرداخت نماید. آیا واجب است قرض بگیرد و زکات فطره را بدهد یا نه؟ و اگر قرض کردن خلاف شأن او باشد حکمش چیست؟

ج. می تواند جنسی را هر چند زیادتر از زکات قیمت دارد، به عنوان شراکت اهل زکات کنار بگذارد، مثلاً ساعت یا لباس و غیر آن و بعداً با اطمینان به رضایت آنها سهم آنها را بپردازد و هم چنین است اگر می تواند قرض خالی از حرج و اجحاف نماید.

تکلیف امام جماعتی که زکات فطریه ها را باید به فقیر برساند

۳۳۸۹. فطریه را به امام جماعت مسجدی می دهند که به اهلش برساند و امام، وکالت از فقیه معینی ندارد و قصد دارد به فقیری بدهد که اگر نماز عید فطر را یک ساعت دیرتر بخواند می تواند به او برساند. در غیر این صورت، چند روز دیرتر به فقیر می رساند. حال امام نماز را دیرتر بخواند تا فطریه را به فقیر برساند یا این که نماز را سر وقت بخواند؟

ج. فرق نمی کند.

مخلوط کردن پول های زکات فطره

۳۳۹۰. امام جماعت پول هایی را بابت زکات فطره از مردم دریافت می نماید، آیا جایز است پول ها را با هم مخلوط نماید یا این که باید هر کدام را جدا جدا به فقیر برساند؟

ج. جایز است مخلوط کند.

ریختن زکات فطره در صندوق

۳۳۹۱. آیا جایز است پول هایی که اشخاصی بابت زکات فطره می دهند در صندوقی ریخته شود و فرد معتمدی، تدریجاً به مستحقین بدهد یا نه؟ در صورت جواز، آیا آن فرد، باید به نیّت صاحبان آنها بدهد یا فقط پرداختن کافی است؟

ج. جایز است و چون آن فرد وکیل در ایصال است نه اخراج، لازم نیست او دیگر نیّت کند.

جمع آوری زکات فطره توسط مسؤولان مدرسه

۳۳۹۲. آیا مسؤولان مدرسه مجازند فطریه کسانی که مایل هستند را جمع آوری کنند و به خانواده های دانش آموزانی که شرعاً مستحقّند برسانند؟

ج. بله، مجازند.

تبیین معنی «محلّ» در انتقال زکات فطره

۳۳۹۳. در آخرین مسأله زکات فطره در رساله عملیّه فرموده اید:

«احتیاط مستحب است زکات فطره را از محل بیرون نبرد، اگر مستحق پیدا می شود». مراد از محل چیست؟

مثلاً کسی در تهران زندگی می کند، محل او چه مقدار است؟

در شهرهای دیگر مانند قم چه مقدار؟

ج. به حسب ظاهر محل سکنی است، بزرگ و کوچک بودنش فرق نمی کند.

پرداخت زکات فطره به کمیته امداد و مؤسسات خیریّه

۳۳۹۴. آیا زکات فطره را می توان به کسانی که از طرف کمیته ی امداد امام خمینی - رحمه اللّه - در زمان برپایی نماز عید مشغول جمع آوری فطریه هستند پرداخت نمود یا این که باید خودمان به دست فقیر برسانیم؟

ج. باید یقین یا اطمینان داشت که آن کمیته آن را در موارد مصرفش صرف می کند.

۳۳۹۵. بعضی از ادارات، مؤسسات خیریه و ... اقدام به جمع آوری زکات فطره می کنند، آیا پرداخت زکات به آنها انسان را

بریء الذمّه می نماید؟ و آیا پرداخت به چنین مؤسساتی قبل از نماز عید عنوان پرداخت زکات به مستحق را پیدا می کند و ادا حساب می شود (با توجه به این که رساندن به مصارف زکات توسط چنین مؤسساتی چند روز بعد انجام می گیرد.)

ج. باید اطمینان به صرف در مصرف باشد و در فرض جواز، عنوان پرداخت به مستحق را دارد.

احکام خمس

سال خمسی

زمان معین برای خمس دادن

۳۳۹۶. شخص از چه زمانی باید سال خمسی داشته باشد؟

ج. تاجر و کاسب و صنعت گر و مانند اینها از وقتی که شروع به کاسبی می کنند، یک سال که بگذرد، باید خمس آن چه را که از خرج سالشان زیاد می آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً معامله ای بکند و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج مالش زیاد آمده بدهد.

ملاک در روز اوّل سال خمسی

۳۳۹۷. اگر فردی در وسط روز اوّل سال خمسی مالی به او برسد، آیا این مال جزو درآمد سال پیش است یا سال بعد؟

ج. مربوط به سال آینده است.

سال کسی که درآمدی ندارد

۳۳۹۸. کسی که درآمدی ندارد یا اگر دارد به مخارج او کفایت نمی کند، آیا لازم است سال خمسی قرار دهد؟

ج. لازم نیست.

چیزی که سال از آن نگذشته

۳۳۹۹. اگر از سال خمسی چیزی در دست شخص باشد، ولی هنوز یک سال از موعد آن نگذشته است.

آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. چیزی که سر سال خمسی از مؤونه اضافه بیاید تخمیس می شود، مگر از مصادیق مسأله ی ۱۴۰۰ رساله باشد و یا فایده ای مستقل از ارباح کسب سال باشد که بتواند سال مختص به خود داشته باشد.

کسی که سال خمسی ندارد

۳۴۰۰. کسی که سال خمسی ندارد و می خواهد خمس اموالش را بدهد. آیا لازم است اوّلین سودی را که به دست آورده، مبدأ سال خمسی خود قرار دهد و بقیه سودها و مخارج را با آن بسنجد؟ یا لازم نیست؛ بلکه فقط خمس اموالی را که یقین دارد الآن خمس به آنها تَعَلُّق می گیرد پرداخت کند و اموالی را که شک دارد خمس به آنها تعلق می گیرد یا نه مصالحه نماید و تاریخ مصالحه را اوّل سال خمسی خود قرار دهد؟

ج. وجه اخیر صحیح است.

تغییر دادن سال خمسی

۳۴۰۱. آیا می توان سال خمسی را تغییر داد و اگر کسی سود فاصله سال اصلی و سال جدید را تخمیس کند، آیا بازهم برای تغییر سال خمسی نیاز به اذن حاکم شرع دارد؟

ج. همان مقدار حساب برای تغییر سال خمسی کافیست و هر وقت حساب خود را تسویه کرد، همان وقت ابتدای سال او می شود.

تقارن حقوق با سال خمسی

۳۴۰۲. شخصی در یک تاریخ مشخّص حقوق می گیرد و همان تاریخ، آخرین روز سال خمسی او است.

با سر رسیدن آن تاریخ آیا به حقوق همان ماه که در واقع خرج ماه آینده است خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. حقوق ذکر شده از درآمد سال وصول آن است؛ مگر به نحوی مشمول مسأله ی ۱۴۰۰ رساله شود که ربح زاید از مؤونه ی سال بر آن صادق نباشد.

دریافت حقوق ماه قبل بعد از فرارسیدن سال خمسی

۳۴۰۳. در سر سال خمسی، قبل از دریافت حقوق ماه قبل، خمس مال خودم را محاسبه کرده و پرداخته ام و بعد از چند روز حقوق ماه قبل را گرفته ام، آیا این حقوق مربوط به سال خمسی آینده است یا باید همین سال محاسبه شود؟

ج. مربوط به سال آینده است.

محاسبه خمس اموال قبل از رسیدن سال خمسی

۳۴۰۴. چند روز مانده به سر سال خمسی، خمس اموال را محاسبه کرده و پرداخته ام و همان موقع را سر سال خمسی جدید قرار داده ام، آیا حقوقی یا درآمدی که در آن چند روز بعد به دستم می رسد، جزو درآمد سال بعد است یا باید حالا خمس آن را بدهم؟

ج. اگر وقت وصول آن حقوق هم بعد از آن روز محاسبه بوده، جزو درآمد سال بعد است.

خمس پولی که قرض داده شده

۳۴۰۵. مقداری پول به کسی قرض دادم تا چند ماه قبل از فرارسیدن سال خمسی ام به من برگرداند، ولی او بعد از سال خمسی برگرداند و من در آن موقع که قرار بود تحویل دهد (قبل از سال خمسی) برای مخارج زندگی ام، به آن پول نیاز داشتم. آیا این پول خمس دارد؟

ج. خمس ندارد.

سال خمسی طلاب علوم دینی که سهم امام مصرف می کنند

۳۴۰۶. آیا طلاب علوم دینی که سهم امام علیه السّلام مصرف می کنند و گاهی نیز از راه تبلیغ درآمدی دارند باید سال خمسی داشته باشند؟ اگر لازم است داشته باشند، اگر در آخر سال خمسی چیزی اضافه بیاید و نداند از کدام است (سهم امام یا درآمد تبلیغی) تکلیف چیست؟

ج. سال خمسی داشته باشند و هر چه اضافه آوردند باید خمس آن را بدهند هر مالی که باشد از قبیل مزد و حقوق و تدریس و ... به نحو لزوم و در وجوه بنا بر احوط.

کسی که فقط چند سال قبل خمس اموال خود را داده است

۳۴۰۷. شخصی خمس اموال خود را حساب کرده و پرداخته، ولی برای سال های بعد حساب خود را نگاه نداشته. بعد از چند سال می خواهد اموال خود را حساب کند، آیا خمسی که قبلاً پرداخت کرده کسر می شود؟

ج. اگر از مخمّس خرج نموده، ظاهراً کسر نمی شود وگرنه اضافه شده ی بر اموال او خمس دارد.

شخصی که سال خمسی نداشته

۳۴۰۸. شخصی که سال خمسی ندارد و می خواهد برای خود سال خمسی قرار دهد و چند روز قبل مبلغی درآمد داشته آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. احتیاطاً باید با حاکم شرع مصالحه کنند.

خمس مواد خوراکی که در اواخر سال خمسی تهیه می شوند

۳۴۰۹. شخصی که سال خمسی دارد و مقداری مواد خوراکی را اواخر سال خمسی (مثلاً دو ماه مانده به پایان سال) خریده است، اگر سر سال خمسی بخواهد خمس آنها را بدهد برای تهیه آنها در سال بعد برای خوراک خانواده با مشکل مواجه می شود و آن قدر ندارد که از نیاز و خرج زندگیش زیاد بیاید با توجه به این که از زمان خرید آن مواد خوراکی یک سال نگذشته است، آیا خمس آنها واجب است؟

ج. خیر، به مسأله ی ۱۴۰۰ رساله مراجعه شود.

خمس حقوقی که چند روز قبل از رسیدن سال خمسی دریافت می شود

۳۴۱۰. کارمندی که سال خمسی او رأس یکی از ماه های شمسیست و به طور عادی حقوق او به زحمت تا پایان ماه کفاف مخارج او را می دهد، اگر حقوق خود را یک یا دو روز قبل از رسیدن سال خمسی دریافت کند، آیا باید خمس آن را بپردازد؟

ج. خیر، بنا بر توضیحی که در مسأله ی ۱۴۰۰ رساله ذکر گردیده است.

تغییر سال خمسی

۳۴۱۱. آیا می توان سال خمسی را تغییر داد؟ چگونه؟

ج. می توان آن را جلو انداخت و هر وقت تسویه حساب کرد، اوّل سال او حساب می شود.

تعیین سال خمسی جداگانه برای حقوق هر ماه

۳۴۱۲. حقوق بگیران و افرادی که ماهیانه مبلغی به عنوان حقوق یا شهریه دریافت می کنند، آیا می توانند برای هر حقوق دریافتی ماهیانه خود، سال جداگانه ای قرار دهند؟

طلاب شهریه بگیر چه طور؟

ج. باید برای تمام اموال یک سال خمسی قرار دهند، با فرض این که یک درآمد عرفی مستمر حساب می شود؛ به مسأله ی ۱۳۸۸ رساله مراجعه شود.

شمسی یا قمری بودن سال خمسی

۳۴۱۳. آیا برای تعیین سال خمسی، بهتر است سال شمسی محاسبه شود یا قمری؟

ج. جایز است دادن خمس را تا آخر سال قمری، تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس زراعت و مانند آن، که مطابق سال شمسی انجام می شود، سال خمسی را شمسی قرار دهد، اشکال ندارد.

نحوه تعیین سال خمسی

۳۴۱۴. آیا تعیین سال خمسی به اختیار خود شخص است یا باید ابتدای شروع به کسب را ابتدای سال خود قرار دهد؟

ج. باید از اوّلین درآمد آن حساب کند.

(مسأله ی ۱۳۸۴ رساله).

سال خمسی جداگانه برای هر درآمد

۳۴۱۵. آیا انسان می تواند سال خمسی هر پولی را که به دستش می رسد جداگانه قرار دهد؛ یعنی برای هر دریافت و درآمدی که به دستش می رسد، یک سال خمسی جداگانه قرار دهد که اگر آن پول در آن سال خرج نشد خمس آن را بدهد یا این که حتماً باید یک سال خمسی واحد برای همه درآمدها در همه ماه ها و روزها داشته باشد؟

ج. اگر فقط یک رشته درآمد دارد، باید یک سال خمسی قرار دهد، (مسأله ی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ رساله).

زمان محاسبه خمس چک مدت دار

۳۴۱۶. چنان چه خریدار چک مدت دار بدهد که پس از سه ماه وصول شود، برای محاسبه خمس آن زمان فروش ملاک است یا وقت وصول پول؟

ج. وقت وصول پول ملاک است.

خمس لوازم التحریر که اواخر سال خمسی تهیه می شود

۳۴۱۷. اگر سال خمسی کسی مثلاً پایان شهریور باشد، آیا لوازم التحریری که برای سال تحصیلی فرزندانش خریداری کرده، خمس دارد یا نه؟

ج. به مسأله ی ۱۴۰۰ رساله رجوع شود.

تعیین ساعت خمسی

۳۴۱۸. آیا در سال خمسی تعیین ساعت خمسی نیز لازم است؟

و در صورت تعیین، اگر بعد از آن ساعت پولی به انسان برسد آیا جزو درآمد سال بعد محسوب می شود؟

ج. مناسب است ساعت آن هم معین باشد؛ لکن گذشت که روز تسویه حساب، اوّلین روز سال جدید است.

فراموش کردن سال خمسی

۳۴۱۹. در صورتی که روز شروع سال خمسی را ندانم، ولی ماهش را بدانم، آیا می شود به دلخواه، یکی از روزهای همان ماه را اختیار کنم؟

ج. بله، می تواند اوّل ماه را اختیار کند و غیر آن هم مانعی ندارد.

مخارج و مؤونه

خرج و مؤونه

۳۴۲۰. چه خرج هایی به عنوان مؤونه به حساب می آید و خمس به آنها تعلق نمی گیرد؟

ج. آن چه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک، پوشاک، خرید اثاثیه، خرید منزل، جهیزیه دختر، عروسی، زیارت و مانند اینها می رساند، در صورتی که از شان او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

جنس زاید بر مؤونه و مخارج زندگی

۳۴۲۱. اگر با پولی که خمس ندارد یا خمس آن پرداخت شده، جنسی خریداری شود که اضافه بر مؤونه بوده و از سال گذشته، آیا خمس دارد؟

ج. خمس ندارد؛ مگر مال التّجاره باشد که به سود آن تَعَلُّق می گیرد.

مؤونه بودن تلفن منزل

۳۴۲۲. آیا تلفن منزل جزو مایحتاج زندگی و مؤونه حساب می شود و خمس ندارد؟

ج. بله، جزو مؤونه است.

پول واریز شده برای تلفن

۳۴۲۳. پول هایی جهت دریافت تلفن به حساب مخابرات پرداخت می شود و سال از آن می گذرد، آیا خمس دارد؟

ج. اگر مورد نیاز است، خمس ندارد.

خمس چرخ خیاطی خانگی

۳۴۲۴. آیا چرخ خیاطی مورد احتیاج در منزل خمس دارد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

مخارج تحصیل

۳۴۲۵. با توجّه به این که مخارج تحصیل اولاد بر پدر واجب نیست، آیا اگر پدری مخارج تحصیل اولاد را بدهد، لازم است خمس آن مقدار از مخارج تحصیل را هم سر سال خمسی پرداخت نماید؟

ج. گرچه مخارج تحصیل اولاد بر پدر واجب نیست، ولی اگر به مقدار شأن و حاجت بدهند از مؤونه است.

چیزی که از مؤونه خارج می شود

۳۴۲۶. مالی که به عنوان وسیله مورد نیاز خریداری شود، لکن در همان سال یا سال دیگر از مؤونه بودن خارج شود، آیا خمس دارد؟

ج. اگر از وقتی که از مؤونه خارج شده، یک سال بگذرد، خمس دارد بنا بر احوط.

فروختن چیزی بعد از گذشت سال

۳۴۲۷. اگر چیزی خریده که یک سال از آن گذشته باشد و در صورت نیاز و عدم نیاز آن را بفروشد، حکم خمس آن چیست؟

ج. اگر از مؤونه نبوده، باید خمس آن را بدهد و اگر از مؤونه بوده پول فروش آن از فواید سال فروش است که در صورت باقی ماندن تا سر سال خمس دارد.

عدم تَعَلُّق خمس به اشیای مورد نیاز

۳۴۲۸. اگر همسر این جانب سکّه ای را که به عنوان جایزه در کار فرهنگی دریافت کرده بود به من هدیه کند و قصد من هم این بوده که با آن بعضی از مشکلات زندگی را حل کنم، ولی زمان دریافت سکّه تا سال مالی این جانب و همسرم فاصله زیادی نداشته و فرصت نکردم که آن را قبل از رسیدن سال مالی بفروشم، آیا سر سال مالی، خمس آن را باید بپردازم؟

ج. اگر در زندگی به آن نیاز دارید، خمس ندارد. (مسأله ۱۳۹۱ رساله)

پول واریز شده جهت حج و عمره و زیارت

۳۴۲۹. پولی که جهت حج و عمره و یا زیارت مشاهد مشرفه واریز شده است، پس از رسیدن سال خمسی، جزو مؤونه حساب می شود؟

ج. بله جزو مؤونه است و خمس ندارد.

مازاد بر مخارج و احتیاج

خمس وسایل مستعمل

۳۴۳۰. آیا به وسایلی که انسان قبلاً از آنها استفاده کرده و مستعمل است، مانند کفش زمستانی، لباس های مختلف و لباس های کهنه ای که قصد استفاده از آنها را ندارد، خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر سال بر آنها بگذرد و قیمتی داشته باشد، احتیاطاً خمس آنها را بدهد.

پرداخت خمس اموال بدون اجازه ی شوهر

۳۴۳۱. زن می داند که شوهرش خمس نمی دهد، آیا می تواند بدون اجازه ی شوهر، خمس چیزی را که در خانه از مخارج سال اضافه آمده، بپردازد؟

ج. خیر، نمی تواند مگر به اندازه ی مورد استفاده ی خود زن باشد.

خمس منزل اضافه بر منزل مورد نیاز

۳۴۳۲. شخصی ساکن روستاست و در شهر خانه ای خریداری کرده و یک اتاق آن را برای استفاده خود - برای مواقعی که به شهر می رود - اختصاص داده و بقیه را اجاره داده است، آیا به خانه مزبور خمس تعلق می گیرد؟

ج. بله، تعلق می گیرد؛ مگر این که داشتن خانه در شهر مورد نیاز او بوده و به مال الاجاره آن در معیشت محتاج باشد.

اجناسی که در طول سال اتفاقاً مورد استفاده قرار نمی گیرد

۳۴۳۳. آیا به اشیا و اجناسی مثل لباس و جا نماز و تسبیح و مهر و ... که در طول سال مورد استفاده قرار نگرفته، خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر معرضیّت برای استفاده داشته باشد، خمس ندارد.

خمس وسایل خریداری شده از درآمد

۳۴۳۴. کسی از درآمد کارش وسایلی مانند ماشینِ سواری، یخچال، تلویزیون یا لوازم زندگی دیگر که در این زمان مورد استفاده قرار می گیرد تهیه می کند؛ خمس اینها چگونه است؟

ج. خمس، پس از اخراج لوازم سال است.

پارچه های اضافی

۳۴۳۵. خانم ها معمولاً ـ بر اساس احتیاج به لباس، مقداری پارچه می خرند که در موقع فراغت لباس تهیه کنند که به علّت اشتغالات جنبی موفق به دوختن لباس نمی شوند و سال بر آن می گذرد. آیا آن پارچه ها خمس دارد؟

در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی باید خمس را بدهد؟

ج. آنچه در طول سال مصرف نشده، باید خمس آن داده شود و باید مالک پارچه ها خمس بدهد؛ مگر آن که مورد نیاز بالفعل بوده و مانع از دوخت آن پیش آمده باشد.

خمس فرشی که بعد از سه سال استفاده شده

۳۴۳۶. پنج سال قبل فرشی را خریداری نموده ام و بعد از سه سال مورد استفاده واقع شده است.

آیا خمس بدان تَعَلُّق گرفته است یا خیر؟ و بر فرض تَعَلُّق، قیمت فعلی ملاک است یا قیمت قبل؟

ج. اگر فرش مورد حاجت بوده، هر چند به این صورت که بعداً مورد حاجت می شود و باید فعلاً برای احتیاج آینده آن را تهیّه کند، خمس واجب نشده است و بر فرض تَعَلُّق خمس، احتیاطاً در تعیین قیمت، با رجوع به فقیه یا وکیل او مصالحه شود.

مجلّات

۳۴۳۷. مجلّات ماهنامه ای تهیّه شده و بعد از استفاده ی مختصر بدون استفاده مانده و یک سال بر آن گذشته. آیا خمس آنها پرداخت شود؟

ج. اگر مالیّت دارد و دیگر مورد نیاز او نیست، خمس دارد بنا بر احوط.

جزوات درسی

۳۴۳۸. جزوات درسی که دانشجویان برای خود می نویسند یا توسّط دانشگاه به صورت مجانی در اختیارشان قرار می گیرد ممکن است بیش از یک سال بماند و از آنها استفاده نشود. ولی در مقاطع فوق لیسانس حتماً مورد استفاده قرار می گیرد، آیا به این جزوات خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خمس ندارد.

کتاب های اهل علم

۳۴۳۹. آیا به کتاب های اهل علم که خریداری شده و بعضی از آنها ممکن است هیچ گاه مورد استفاده قرار نگیرد، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر در معرض استفاده باشد، خمس ندارد.

خمس کتاب

۳۴۴۰. آیا به کتابی که قبلًا از آن استفاده کرده و حالا به آن احتیاجی ندارد خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر هیچ احتیاجی ندارد، خمس دارد؛ بنا بر احوط.

خمس لوازم التّحریر

۳۴۴۱. کسانی که در آخر سال خمسی مقداری لوازم التحریر و ... که مورد نیازشان در سال آینده است زیاد می آورند، آیا باید خمس آنها را بدهند؟

ج. با سایر چیزهای زیاد آمده - مثل خوراکی - فرقی ندارد.

خمس مواد غذایی

۳۴۴۲. مواد غذایی که به صورت کوپنی یا سهمیه ای و ارزان تهیه می شود، سر سال خمسی چگونه باید قیمت آنها را حساب کرد؟

ج. به قیمت فعلی بازار محاسبه شود.

مازاد مواد غذایی و حبوبات

۳۴۴۳. آیا به مازاد مواد غذایی و حبوباتی که سر سال خمسی در خانه باقی مانده است خمس تَعَلُّق می گیرد و بر فرض تَعَلُّق، باید قیمت خرید محاسبه شود یا به قیمت روز بازار؟

ج. خمس دارد و باید به قیمت فعلی بازار محاسبه شود؛ مگر این که از مصادیق مسأله ۱۴۰۰ رساله باشد.

خمس منزل دو طبقه

۳۴۴۴. شخصی دارای منزلی دو طبقه است که طبقه ی پایین آن مازاد بر احتیاج است.

می خواهد خمس آن را بدهد. زمین آن چگونه حساب می شود؟

ج. فقط خمس طبقه ی پایین را باید بدهد و زمین جزو مؤونه است.

خمس مصالح ساختمانی که سال بر آنها گذشته ست

۳۴۴۵. آیا مصالح ساختمانی که شخص به علت نداشتن قدرت مالی نتوانسته است آنها را در تعمیر یا نوسازی منزل خود استفاده کند و سال خمسی او فرا رسیده است باید خمس آنها را بپردازد؟

ج. اگر آن مصالح را تا آخر عمر، صرف آن تعمیرات کند، خمس ندارد.

خمس اموالی که برای عزاداری محرم جمع شده و زیاد آمده

۳۴۴۶. مقداری قند و برنج و مبلغی پول برای عزاداری محرم جمع شده و زیاد آمده که در سال آینده مصرف می شود، آیا خمس آنها واجب است؟

ج. خیر، واجب نیست.

خمس وسیله ای که برای خریدن وسیله دیگر فروخته می شود

۳۴۴۷. کسی بین سال خمسی چیزی را برای رفع احتیاجات خود و خانواده اش خریداری می کند و بعد از سال خمسی آن را می فروشد تا چیز دیگری تهیه کند و یا وسیله بهتر از آن را بخرد اگر به آن وسیله دیگر هم نیاز داشته باشد، آیا به پول فروش آن وسیله اوّل خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، نمی گیرد.

بخشش پول به فرزند و نگه داشتن آن

۳۴۴۸. پدری مقداری پول به فرزندش بخشیده است ولی می گوید باید در دست خودم باقی بماند تا موقعی که مناسب بدانم به تو بدهم. آیا سر سال که شد، خمس آن بر فرزند است یا پدر؟

ج. تا وقتی که تحویل فرزند نداده، خمس آن بر پدر واجب است.

فروش منزل مورد نیاز خود و نگهداری پول آن برای خریدن منزل مناسب

۳۴۴۹. شخصی منزل مسکونی مورد نیاز خود را می فروشد و پول آن را به عنوان تضمین قرارداد خرید خانه می گذارد و یا نزد خود نگه می دارد تا موقع مناسب خانه مناسب با شأن خود بخرد، آیا به این پول خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

تعویض خانه بزرگ با خانه ای کوچک تر و دریافت اختلاف قیمت

۳۴۵۰. اگر کسی خانه بزرگ خود را با خانه دیگری تعویض کرده و مقداری پول نیز دریافت کند، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر آن پول زاید بر مؤونه باشد، خمس دارد.

فروش قسمتی از سرمایه کسب یا ابزار کار برای خرید خانه مورد نیاز

۳۴۵۱. اگر کسی قسمتی از سرمایه کسب یا ابزار کار خود را برای خانه بفروشد آیا باید خمس پول حاصل شده را بپردازد؟

ج. خیر، لازم نیست.

خانه ای که قبل از فروش خانه ی اوّل خریده می شود

۳۴۵۲. اگر کسی خانه مسکونی دارد و خانه دیگری خریداری کند به صورت نسیه که بعداً با فروش خانه مسکونی خود قیمت آن را پرداخت کند، اگر خانه مسکونی فروخته شده را از پول خمس داده شده، خریداری کرده باشد، ولی زیادی قیمت پیدا کرده باشد، آیا بر سود و اضافه قیمت حاصل شده خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر اضافه را به مصرف منزل مورد حاجت یا مصرف دیگر مورد نیاز برساند، خمس ندارد.

خمس پول حاصل از فروش وسایل ضروری زندگی بعد از رسیدن سال خمسی

۳۴۵۳. اگر کسی قبل از فرا رسیدن سال خمسی وسایل ضروری زندگی خود را خریداری کند و تصمیم داشته باشد بعد از فرا رسیدن سال آنها را بفروشد، آیا باید خمس آنها را بپردازد؟ و آیا فرق بین این که از اوّل قصد فرار از خمس را داشته یا نه وجود دارد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

خانه خریداری شده قبل از سال خمسی که بعد از سال خمسی تخلیه می شود

۳۴۵۴. خانه ای را برای استفاده شخصی از درآمد سال خریداری کردم ولی فروشنده گفته است ۳ ماه بعد خانه را تخلیه می کنم. اکنون سال خمسی این جانب رسیده است و هنوز خانه در دست فروشنده است.

آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

خرید و فروش زمین برای تهیه خانه

۳۴۵۵. شخصی زمینی را برای ساختن خانه خریده و آن را فروخته تا خانه خریداری کند، آیا به پول این زمین خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

فروش منزل و خرید مغازه

۳۴۵۶. اگر فردی منزل مسکونی خود را بفروشد و قبل از رسیدن سال خمسی با وجه مذکور، مغازه ای جهت امرار معاش بخرد، آیا باید خمس آن را بپردازد؟

ج. در صورتی که به اصل پول خمس تَعَلُّق نگرفته بوده، تبدیلات هم خمس ندارد.

نحوه احتساب خمس در صورت ساختِ خانه با پول خمس داده نشده

۳۴۵۷. کسی تدریجاً خانه مسکونی از پول غیر مخمّس ساخته است.

حال می خواهد خمس بدهد، همان پول خرج شده را باید خمس بدهد یا قیمت امروز را؟

ج. خمس وجوه مصرف شده را اگر مَتَعَلَّق خمس بوده است باید تأدیه نماید.

خمس مال گرو نگه داشته شده

۳۴۵۸. این جانب منزلی خریداری کردم چون سند آن آماده نبود، مبلغی از پول آن را به عنوان گرو نزد خود نگه داشتم تا سند آماده شود؛ ولی سند آماده نشد و سال خمسی ام رسید، آیا به این مقدار پول گرویی خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. ظاهراً خمس ندارد.

رهن کردن منزل و خمس رهن

۳۴۵۹. آنچه امروزه مرسوم است که پولی به صاحب خانه می دهند و در مقابل آن در خانه سکونت می کنند و به آن رهن منزل می گویند، در چه صورت صحیح است و آیا صاحب پول باید پس از گذشت سال خمس آن پول را بپردازد؟

ج. در صورتی که ضمن اجاره شرط قرضی کرده باشد و معامله متعارف باشد، اشکالی ندارد و اگر بدون این پول نیاز مسکن او تأمین نمی شود، این قرض خمس ندارد؛ حتی اگر چند سال در دست صاحب منزل باقی بماند.

خریداری منزل برای فرزند

۳۴۶۰. فرزند این جانب قرار است جهت تحصیل، چند سال به شهر دیگری برود، آیا به خانه ای که برای استفاده او در آن شهر خریداری می کنم، خمس تعلق می گیرد؟

ج. ظاهراً خمس ندارد.

منزل شخصی کارمندانی که از منزل سازمانی استفاده می کنند

۳۴۶۱. این جانب در اداره ای به کار مشغولم. از طرف اداره، خانه ای در اختیارم گذاشته شده؛ است ولی چون خانه شخصی ندارم، از درآمد سال خود خانه ای تهیه کرده ام تا پس از بازنشستگی از آن استفاده کنم، آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد؟

ج. ظاهراً خمس ندارد.

تهیه زمین و ساختن خانه در چند سال

۳۴۶۲. تهیه خانه مورد نیاز برای این جانب مقدور نیست، آیا می توانم از درآمد امسال خود زمینی تهیه کنم و در سال های آینده هر وقت پول داشتم در آن خانه بسازم یا این که خمس زمین را باید بدهم؟

ج. در صورتی که مسأله ۱۳۹۱ رساله شامل آن شود، خمس ندارد.

وام گرفتن برای تهیه خانه

۳۴۶۳. شخصی برای ساختن خانه مورد نیاز خود مقداری وام گرفته است، آیا با فرا رسیدن سال خمسی باید خمس این پول را بپردازد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

وام گرفتن جهت تهیه خانه مورد نیاز

۳۴۶۴. این جانب کارمندم، جهت خرید خانه از اداره خودم مبلغی وام گرفته و به حساب بانک مسکن واریز کردم تا بتوانم در سال های آینده با گرفتن وام مسکن خانه ای تهیه کنم. حال با توجه به این که اقساط این پول از حقوقم کسر می شود و بقیه حقوق نیز به زندگی من کفاف نمی دهد، آیا باید خمس این پول را بپردازم؟

ج. خمس ندارد.

پس انداز کارمندان برای تهیه خانه مورد نیاز

۳۴۶۵. معلمی هستم که با پدر و مادرم زندگی می کنم و هر ماه مبلغی از حقوق خود را پس انداز می کنم تا بتوانم برای خود در سال های آینده مسکن تهیه کنم، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

خمس پول مصرف شده در تعمیرات مسکن

۳۴۶۶. این جانب دارای خانه ای هستم که آن را اجاره داده ام، آیا به پولی که صرف تعمیرات منزل می کنم همانند اصل خانه خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر به اجاره بهای آن خانه برای امرار معاش نیاز دارید، آن پول تعمیر مثل اصل خانه خمس ندارد.

پس انداز و تجارت برای تهیه خانه

۳۴۶۷. اگر پولی را برای خرید خانه پس انداز کند و بعد از دو یا سه سال، آن را در تجارت اندازد که از مجموع آن پول و درآمد حاصله ی آن مسکنی مناسب بخرد.

وظیفه ی خمس آن چیست؟

ج. خمس ندارد.

۳۴۶۸. در مورد مسأله ی ۱۳۹۱ رساله ی حضرت عالی، چیزهایی که در زندگی به آن احتیاج دارد شامل خرید خدمت

سربازی هم می شود؟

ج. بله، می شود.

خمس منزلی که به اجاره بهای آن نیاز هست

۳۴۶۹. شخصی دو خانه دارد که در یکی ساکن است و خانه دیگر را اجاره داده و از درآمد آن امرار معاش می کند که بدون اجاره بهای آن خانه، خرج زندگیش تأمین نمی شود، آیا به خانه ی دوم خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر.

عدم تَعَلُّق خمس به پس انداز برای خرید مسکن

۳۴۷۰. مکلّفی، پولی را برای خریداری مسکن تا چند سال پس انداز کرده است.

آیا خمس دارد؟

ج. خمس ندارد.

خمس پول صرف شده در سنگ کاری و رنگ منزل برای افزایش اجاره بها

۳۴۷۱. این جانب دارای خانه ای هستم که آن را اجاره داده ام و برای افزایش اجاره بهای آن، تعمیراتی مانند:

سنگ کاری و رنگ و ... در آن انجام داده ام در حالی که به اجاره بهای آن برای مخارج زندگی نیاز دارم، آیا به پولی که صرف تعمیرات و نوسازی کرده ام خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر.

خمس منزل مسکونی که اجاره داده می شود

۳۴۷۲. این جانب خانه ای برای سکونت خود تهیه کردم، پس از مدتی که در آن سکونت داشتم به جهت دور بودن فاصله خانه تا محل کارم ناچار شدم خانه را اجاره داده و با اجاره بهای آن در محلی نزدیک به محل کارم خانه ای اجاره کنم آیا به خانه من خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

اجاره بهای ماه های سال خمسی موجر که بعد از سال خمسی وصول می شود

۳۴۷۳. اگر مستأجر هنگام پرداخت اجاره، قدرت پرداخت نداشته باشد و پس از حلول سال خمسی موجر آن را بپردازد، این

پول داخل درآمد سال بعد موجر است یا همان سال قبل؟

ج. آن پول جزو درآمد سال بعد موجر می شود.

کسی که فعلاً به خانه ی خود نیاز ندارد

۳۴۷۴. شخصی خدمتکار مدرسه است.

وی خانه ای شخصی داشته که در آن زندگی می کرد. پس از مدتی او را سرایدار کردند و او از منزل شخصی، به مدرسه تغییر مسکن داد. با توجه به اینکه پس از پنج یا شش سال او را از مدرسه بیرون می کنند و بالاخره به خانه اش بر می گردد، آیا منزلش که پنج سال محل زندگی او نبوده است، خمس دارد؟

ج. منافع سالهایی که نیازمند به انتفاع از عین یا مال الاجاره آن نیست، احتیاطاً خمس آنها را بدهد.

خمس مال الاجاره

۳۴۷۵. فردی خانه ای را برای سکونت ساخته است ولی بعداً از مورد نیاز خارج شده و آن را اجاره داده است.

آیا به مال الاجاره خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر مال الاجاره اش مورد احتیاج در مؤونه است، خمس ندارد وگرنه خمس دارد.

وجوب پرداخت خمس عین خالی از منافع

۳۴۷۶. کسی عین خانه ای را بدون منافع آن به دیگری مصالحه کرده است و منافع آن را تا آخر عمر برای خودش قرار داده. اکنون سال خمسی طرف مصالحه که مالك عین خانه (بدون منافع) شده است رسیده، آیا باید خمس این خانه را بدهد؟

ج. چون خود عین مملوکیت دارد، اگر زاید بر مؤونه اش باشد، باید خمس آن را بپردازد.

اجاره دادن یک طبقه از منزل مسکونی

۳۴۷۷. اگر شخصی منزل دو طبقه داشته باشد که یك طبقه ی آن را خودش سکونت داشته و طبقه ی دیگر را اجاره داده است، آیا این شخص باید خمس طبقه ای را که اجاره داده بپردازد؟

ج. اگر به درآمد اجاره ی آن نیاز دارد، خمس ندارد.

پول پس انداز شده جهت خرید مسکن

۳۴۷۸. اگر کسی پولی جهت خرید مسکن پس انداز نماید تا پس از مدتی منزلی خریداری کند، آیا پس از یك سال خمس

به آن تعلق می گیرد؟ اگر در طول این مدت برای مصارف دیگر از آن پول مصرف کند چه حکمی دارد؟

ج. بنا بر مسأله ۱۳۹۱ رساله، خمس ندارد.

اتومبیل و وسایل نقلیّه

اتومبیل مسافرکشی

۳۴۷۹. این جانب دارای اتومبیل سواری هستم که با آن مسافرکشی می کنم و از این طریق مخارج زندگی خود را تأمین می کنم. آیا مخارجی که اتومبیل مذکور دارد، مانند اصل اتومبیل جزو مؤونه است و خمس ندارد؟

ج. بلی، جزو مؤونه است و خمس ندارد.

خمس ماشین سواری کسی که سال خمسی نداشته است

۳۴۸۰. کسی که سال خمسی نداشته و ماشین سواری و لوازم زندگی خریداری کرده، آیا به این وسایل خمس تَعَلُّق می گیرد؟ و اگر خمس دارد، آیا قیمت فعلی را باید بپردازد یا قیمت خرید را؟

ج. به ذیل مسأله ی ۱۴۱۵ رساله رجوع شود و در صورت تعلق، قیمت فعلی را باید حساب کرد.

خمس کپسول آتش نشانی و تایر زاپاس و یخ شکن اتومبیل

۳۴۸۱. آیا به کپسول آتش نشانی و تایر زاپاس و یخ شکن که برای اتومبیل شخصی خود خریداری کرده ام و ممکن است در طول سال مورد استفاده قرار نگیرد، خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر.

خمس پول حاصل از فروش اتومبیل

۳۴۸۲. چند سال قبل با وام، یک اتومبیل سواری تهیه کردم و بعد از پرداخت وام با فروش آن اتومبیل یک ماشین مدل جدید به صورت قسطی خریداری کردم و مقداری از پول ماشین اوّل را صرف زندگی کردم و مقداری از آن نیز موجود می باشد، آیا باید خمس آن را بپردازم؟

ج. خیر، مگر از خرج سال زیاد بیاید.

خمس وسیله کسب و کار

۳۴۸۳. آیا به ماشینی که مربوط به کسب و کار انسان است خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر.

خمس وسیله نقلیه ای که هم برای کسب و کار است و هم استفاده شخصی دارد

۳۴۸۴. وسیله نقلیه ای مانند وانت که گاهی برای استفاده شخصی و گاهی برای باربری و کسب و کار و اجرت است آیا خمس دارد؟

ج. خیر، ندارد.

تکلیف خمس مالی که صاحب آن به آن نیاز دارد

۳۴۸۵. تراکتور و اتومبیلی که برای کسب و کار خریداری شده و خمس آن پرداخت نشده و برای امرار معاش مورد نیاز است و صاحب آن، آن قدر ندارد که خمس آن را پرداخت کند، اگر به علت نیاز و ضرورتی آن را بفروشد و پول آن را صرف آن نیاز کند (مثل ازدواج فرزند و تهیه منزل و ...) تکلیف خمس او چه می شود؟ اصلاً آیا او اجازه استفاده از آن پول خمس نداده را دارد؟

ج. اصلاً خمس ندارد.

تراکتور کشاورزی

۳۴۸۶. تراکتوری که جهت کشاورزی خودم خریداری کرده ام، آیا مُتَعَلِّق خمس می باشد؟

ج. اگر مورد نیاز باشد، خمس ندارد.

فروش ماشین و صرف در موارد دیگر

۳۴۸۷. اگر بنا بر نیاز، اتومبیل سواری را بفروشد و پول آن را قبل از سال خمسی در موارد دیگر مصرف کند، آیا خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خمس ندارد.

تبدیل ماشین به گران تر

۳۴۸۸. شخصی از درآمد سال خود یک دستگاه اتومبیل سواری که مورد نیاز زندگی او بوده خریداری کرده و در همان سال آن را به فروش رسانده و اتومبیل گران تری خریده و بقیه ای پول آن را از درآمد همان سال پرداخت کرده است.

آیا بر این اتومبیل ها خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر اتومبیل دوّمی زاید بر شأن او نباشد، خمس ندارد.

واریز پول برای خرید ماشین

۳۴۸۹. این جانب مقـداری پول جهت خریـد اتومبیل سواری مورد نیاز به حساب شـرکت خودروسازی واریز کرده ام و پس از دو سال به من اتومبیل داده اند.

آیا به این پول خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خمس ندارد.

کنار گذاشتن پول برای وسیله نقلیّه

۳۴۹۰. آیا کسی که الآن حساب سال می کند، می تواند مقداری پول را برای خریدن اتومبیل سواری لازم به حساب نیاورد؟

ج. اگر آن را تهیّه می کند، مانع ندارد؛ به شرط احتیاج به آن در تهیّه ی ماشین مورد لزوم و در صورتی که صرف نشد در آن مورد یا مشابه آن از نیازها، خمس آن را باید بدهد.

موتورسیکلت و دوچرخه

۳۴۹۱. آیا به موتورسیکلت و دوچرخه و ماشین خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر مورد نیاز باشد، خمس ندارد.

جهیزیه و مهریه

خمس مهریه زن

۳۴۹۲. اگر مرد مهریه زنش را از پـول و مـالی که خمس به آن تَعَلُّق گرفته است و خمس آن پرداخت نشـده، بـپردازد تکلیف زن چیست؟

اگر از درآمد سالش بپردازد چه طور؟

ج. در صورت دوم که خمس نـدارد و در صورت اوّل اصـلاً زن نباید خمس (۱۵) آن مال را قبول کنـد و اگر قبول کرد، باید در اوّل خمس آن را بپردازد.

حساب کردن مهریه زن به عنوان قرض و کسر آن از درآمد سال

۳۴۹۳. سال خمسی شخصی فرا رسیده، آیا می تواند مهریه همسر خود را که عندالمطالبه باید بپردازد جزو قرض حساب کند و از موجودی کسر کند؟ در صورتی که زن بین سال خمسی مهریه خود را مطالبه کند چه طور؟

ج. خیر، نمی تواند آن را از موجودی کسر کند؛ مگر تا قبل از سال خمسی آن را بدهد و یا بداند در سال آینده زن مطالبه می کند و او بدون ذخیره نمی تواند پرداخت کند.

خمس از مهریه همسر

۳۴۹۴. شخصی بین سال خمسی، مهریه ی همسر خود را می پردازد و سپس از او قرض می کند تا با آن کسب و کار کند آیا باید خمس مبلغ مذکور را بپردازد؟

ج. خیر.

مخارج عروسیِ پسر

۳۴۹۵. آیا خرج عروسی پسر خمس دارد؟

ج. اگر مناسب شأن و موافق اقتصاد و مخالف اسراف باشد، خمس ندارد و اللّه العالم.

پول تهیه شده برای عروسی پسر

۳۴۹۶. کسی برای مصرف عروسی پسرش پول تهیّه کرده و پیش از تکمیل مراسم، سال به سر رسیده است، آیا خمس به این پول تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در صورتی که از واجبات عرفیه باشد و به آن نیاز داشته باشد، خمس ندارد.

اختلاف در مرجع برای جهیزیه

۳۴۹۷. پدر و مادرم مقلد مرجعی هستند و خودم از مرجع دیگری تقلید می کنم، در مسأله خمس جهیزیه باید به کدام نظریه عمل کنم؟

ج. بعد از این که به تصرّف شما درآمد و مالک شرعی شدید، شما باید به نظر مرجع خودتان عمل کنید.

خرید جهیزیّه

۳۴۹۸. اکثر خانواده ها جهت تهیه ی جهیزیه ی دخترانشان اقدام به خرید وسایل و لوازم در چندین سال قبل از ازدواج می نمایند که تا زمان ازدواج، آن وسایل بدون استفاده می ماند. آیا خمس بر آنها تَعَلُّق می گیرد؟

ج. تهیّه ی جهیزیه در سالهایی که دختر در معرض شوهر نمودن است، خمس ندارد.

پس انداز برای خرید جهیزیّه

۳۴۹۹. دختری که کارمنـد است و در خانه ی پـدر زندگی می کند، مقداری از حقوق ماهیانه ی خود را جهت تهیه ی جهیزیه مصرف و مقداری از آن را هم جهت سایر لوازم زندگی برای تکمیل جهیزیه پس انداز می کند.

آیا پرداخت خمس بر او واجب است؟

ج. تهیه ی جهیزیه در حد شأن و یا پس انداز برای آن به شرحی که در مسأله ی ۱۳۹۱ رساله آمده، خمس ندارد.

حکم جهیزیّه ی خریداری شده با مال غیر مخمّس

۳۵۰۰. اگر پـدری جهیزیه ی دختر را از مـال خمس نـداده تهیه کرده باشـد و خمس آن را نپردازد، آیـا پرداخت خمس آن بر دختر لازم است؟

ج. بله، پرداخت آن واجب است اگر بعد از تَعَلُّق خمس خریده باشد نه از درآمد سال.

قرار دادن جهیزیّه ی دختر اوّل برای دوّم

۳۵۰۱. اگر چیزی به عنوان جهیزیه ی دختـر اوّل خریـداری شـده و بعـد از ازدواج او، برای دختـر دوّم کنـار گذاشـته شود، آیا مجدّداً خمس دارد؟

ج. ظاهراً خمس ندارد.

جهیزیّه ی دختری که ازدواجش تأخیر شده

۳۵۰۲. برای دختری که در معرض شوهر رفتن بوده جهیزیه تهیه شده؛ ولی به علل مختلفی ازدواج او به تأخیر افتاده - مثلاً سـن او از ۳۰ سال هم تجاوز کرده -. آیا بازهم خمس جهیزیه ی خریده شده ساقط است؟

ج. بله، ساقط است.

خریداری و نگهداری وسایل زندگی برای پسر

۳۵۰۳. آیا حکم جهیزیه ی دختر در مورد پسر نیز جاری است؟

ج. در آن چه که متعارف است، جاری است.

فروش جهیزیّه

۳۵۰۴. فردی مقداری از جهیزیّه دخترش را جمع آوری کرده و کنار گذاشته است.

پس از چهار سال هنوز دختر ازدواج نکرده که وی نیاز پیـدا می کنـد مقـداری از آن را بفروشـد و بابت قرض خود بدهد. آیا

پس از فروش آن مقدار، خمس آن مقدار به وی تَعَلَّق می گیرد؟

ج. در فرض سؤال خمس ندارد.

پس انداز برای تهیه جهیزیه و وسایل زندگی دختر و پسر

۳۵۰۵. دختری که خود و خانواده اش نمی تواننـد یک جا جهیزیه او را تهیه کننـد و خود و یا پدرش مقداری از درآمد ماهیانه خود را برای تهیه جهیزیه پس انـداز می کننـد که بعـد از یک یا چنـد سال آن را خریـداری کننـد، آیا به این پس انداز و سود بانکی آن خمس تعلق می گیرد؟ در مورد تهیه وسایل زندگی برای پسر چه طور؟

ج. برای جهیزیه ی دختر خمس ندارد و برای وسایل پسر هم اگر نیاز متعارف باشد و یا به او تملیک کنند، خمس ندارد.

کسب، حقوق، شهریه و جوایز بانک ها

وصول حقوق ماه بعد از سال خمسی

۳۵۰۶. سـال خمسـی این جانب بیسـتم آذرماه است و حقوق آذرماه این جانب بعـد از این تاریـخ وصول می شود و در ماه بعد مصرف می شود. آیا به آن خمس تَعَلُّق می گیرد یا خیر؟

ج. حقوق ذکر شده از درآمد سال وصول است.

مخارج مختلف کسب

۳۵۰۷. کـاسبی در محـل کسب ملـک شخصـی یـا اجاره ای، مخارجی می کنـد که بعضـی مربوط به کسب می شود و بعضـی مربوط به کاسب، (مانند:

تلفن، آب، برق و تهویه هوا) و بعضی مخارج اثری در کسب ندارد. (مانند:

بنـایی، کـارگری، تعمیرات، مثل سـنگفرش و ...) اگر همه اینها خمس دارد چگونه قیمت گـذاری کنـد؟ در حالی که بعضـی نایاب شده و چندین برابر، قیمت پیدا کرده است؛ مانند تلفن و وسایل تهویه.

ج. آنچه شروط کسب بوده یا مخارج مورد نیاز و مطابق شأن بوده در مؤونه است و غیر آنها خمس دارد.

خمس جوایز مسابقات

۳۵۰۸. آیا جوایز مسابقات، خمس دارد؟

ج. در زاید بر مؤونه، علی الاحوط خمس دارد.

کمک هزینه تحصیلی

۳۵۰۹. دانشجو هستم و از پدرم کمکك می گیرم، آیا به من یا پدرم خمس تعلق می گیرد؟

ج. آن چه به شما داده، هر چه از خرج سال زیاد آورید، علی الاحوط خمس دارد؛ مگر مجبور به ذخیره برای امر ضروری در آینده باشید.

گذاشتن حقوق در اختیار خانواده

۳۵۱۰. آیا به پسری که نزد پدر و مادر است و حقوق خود را در اختیار آنان می گذارد، خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر هر چه دارد را به آنها می بخشد، خمس ندارد.

خمس درآمد تبلیغی ماه رمضان

۳۵۱۱. این جانب سال خمسی خود را اوّل محرم قرار داده ام و فعلاً که اوّل محرم شده، مقداری از درآمد تبلیغی ماه رمضان مانده است، آیا باید خمس آن را بدهم؟

ج. بله، خمس دارد.

خمس اجرت و دستمزدی که هنوز در مقابل آن کار انجام نشده

۳۵۱۲. شخصی مبلغ پول از کسی گرفته تا برای او کاری انجام دهد و سال خمسی شخص گیرنده پول فرا رسیده در حالی که مقداری از پول ها باقی مانده و خرج نشده و هنوز در مقابل آن پول کار نکرده است، آیا به این پول خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. بله، تعلق می گیرد.

منفعت شغل موقت

۳۵۱۳. آیا به منفعت کسب کسی که شغل و کسب موقّت دارد، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. زاید بر خرج سالش خمس دارد.

درآمد ضمن تحصیل

۳۵۱۴. دانشجویی که برای تأمین هزینه ی تحصیلی خود مدّتی سر کار می رود، آیا خمس درآمد خود را باید بپردازد؟

ج. در اضافه بر خرج سال خمس دارد؛ مگر این که ناچار از ذخیره تدریجی برای امر ضروری در آینده باشد که خمس ندارد. (مسأله ۱۳۹۱ رساله).

کمک هزینه ی دانشگاه

۳۵۱۵. آیا به کمک هزینه ای که از سوی دانشگاه به دانشجویان داده می شود، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر به صورت قرض نباشد در زاید بر خرج سال، خمس دارد؛ علی الاحوط.

شهریه ی موقوفات

۳۵۱۶. آیا به شهریه ای که از موقوفات تأمین می شود، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در زاید از خرج سال، خمس دارد؛ علی الاحوط.

شهریه طلاب

۳۵۱۷. آیا شهریه ای که طلّاب دریافت می نمایند، اگر از خرج سال زیاد بیاید خمس دارد؟

ج. کسانی که شهریه به آنها به عنوان اجرت عمل داده می شود – مانند مدرّسین، در آنها @متّجه است که خمس تَعَلُّق گیرد، در غیر آنها که بابت حقوق به آن داده می شود تخمیس موافق احتیاط است.

حقوق بازنشستگی

۳۵۱۸. آیا به حقوق بازنشستگی که به کارمندان و یا بعد از مرگ به خانواده ی آنها داده می شود، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. مازاد بر مؤونه، خمس دارد.

خمس حقوقی که بعد از فوت کارگر یا کارمند به خانواده او داده می شود

۳۵۱۹. حقوقی که بعد از فوت شخص کارگر یا کارمند از طرف سازمان تأمین اجتماعی یا دولت یا شرکت های مختلف یا بیمه به خانواده متوفی داده می شود، آیا از درآمد سال محسوب می شود که بر زاید آن از مخارج سال خمس تعلق گیرد یا به محض دریافت باید خمس آن را داد؟

ج. بر زاید آن از مخارج سال خمس تعلق می گیرد.

پولی که وزارتخانه در قبال تعهد دانشجو، به عنوان مقرّری به دانشجو می دهد

۳۵۲۰. این جانب در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارم و هر شش ماه از طرف وزارت علوم، مبلغی به عنوان مقرّری ارزی به حسابم واریز می شود. این مقرّری در مقابل تعهدیست که به وزارتخانه مربوطه داده ام تا پس از فراغت از تحصیل، دو برابر مدت تحصیل در اختیار آنها باشم، آیا مبلغ اضافی این پول، متَعَلُّق خمس است؟

ج. بله، خمس دارد.

شخصی که گاهی منفعت کسب دارد

۳۵۲۱. شخصی که شغل او کاسبی نیست ولی گاهی منفعت کسب دارد. آیا می تواند درآمدهای مختلفی را که به دست آورده، جداگانه محاسبه کند و اگر مازاد بر مؤونه سال بود، خمسش را بدهد یا این که حتماً باید سال خمسی واحد داشته باشد؟

ج. بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده بر ده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

خریدن زمین از راه قناعت در زندگی

۳۵۲۲. با قناعت و آینده نگری طی چندین سال، از درآمد حاصله چندین قطعه زمین خریدم، آیا به این زمین ها خمس تَعَلُّق می گیرد؟ در صورت تعلق خمس، به قیمت خرید باید محاسبه شود یا قیمت فعلی؟

ج. خمس دارند به قیمت فعلی.

دستمزدی که مسلمان از غیر مسلمان و ... می گیرد

۳۵۲۳. دستمزدی که شخص مسلمان از غیر مسلمان (مسیحی، زرتشتی و ...) یا مسلمانی که خمس نمی پردازد، می گیرد چه حکمی دارد؟

ج. خمس ندارد. (به مسأله ۱۴۰۸ رساله مراجعه شود.)

زمین مسکونی که اجرت کار بوده

۳۵۲۴. مدت دو سال برای پدرم کار می کردم و او دستمزدم را نمی پرداخت تا این که زمینی مسکونی برایم خرید، آیا به این زمین خمس تعلق می گیرد؟

ج. چون آن زمین مسکونی مورد نیازتان است، خمس ندارد.

مخلوط شدن پول حقوق با سود سرمایه

۳۵۲۵. اگر پولی که از حقوق بوده و سال از آن نگذشته با سود سرمایه ی خمس دار، مخلوط شده و استفاده کرده، تکلیف چیست؟

ج. اگر سود مُتَعَلِّق خمس بوده، باید مقدار خمس را با مصالحه به حاکم شرع بپردازد.

خمس مغازه ها

حساب خمس مغازه داری که هم بدهی دارد و هم طلب و هم پول نقد

۳۵۲۶. مغازه داری هنگام حساب سال خود، مقداری بدهی و مقداری طلب و مقداری پول نقد و مقداری جنس در مغازه (سرمایه) دارد؛ تکلیف خمس او چیست؟

ج. طلب هایی که دارد اگر قبل از سال خمسی، موعد آن رسیده و به راحتی قابل وصول است، خمس دارد و الّا فلا و پول نقد هم که نقش سرمایه ندارد خمس دارد و سرمایه اگر به حد شأن و نیاز برای زندگی باشد، خمس ندارد و بدهی ها کسر نمی شود؛ مگر آن چه مجبور به ذخیره برای ادای آن است.

مقدور نبودن رسیدگی به حساب در ابتدای سال خمسی

۳۵۲۷. شخصی دارای مغازه ایست و برای او ممکن نیست سر سال به حساب خود رسیدگی کند، تکلیف خمس او چیست؟

ج. باید به حاکم شرع رجوع و با او مصالحه کند.

مغازه داری که درآمدش اندک است

۳۵۲۸. مغازه داری که درآمد مغازه اش بیشتر از هزینه زندگی او نیست، آیا باید سال خمسی داشته باشد؟

ج. اگر چیزی زاید ندارد، خمس ندارد.

کیفیت محاسبه خمس مغازه دارها

۳۵۲۹. مغازه داری که سرمایه مغازه اش از پول خمس نداده تهیه شده و اکنون می خواهد سال خمسی قرار دهد و مال خود را حلال کند، چگونه حساب کند که به امرار معاش او صدمه وارد نشود؟

ج. سرمایه، در حد نیاز و شأن خمس ندارد و نسبت به آن چه متَعَلُّق خمس بوده از مرجع تقلید خود یا نماینده ی او مهلت بگیرد.

مغازه داری که جنس نسیه خریده است

۳۵۳۰. مغازه داری مقداری جنس به صورت نسیه خریداری کرده و هنوز پول آن را نپرداخته و سال خمسی او فرا رسیده است، حساب خمس او چگونه است؟

ج. پس از خرید، جزو سرمایه او است، که در حد شأن او خمس ندارد.

اجناسی که سر سال خمسی افزایش قیمت یافته

۳۵۳۱. در حساب رسی سال، اجناسی موجود است که قیمت آن افزایش یافته است ولی تا به فروش نرود، سودش قطعی

نیست. در صورت فرا رسیدن حساب سال خمسی، آیا قیمت تمام شده (خرید) منظور می شود یا قیمت روز؟

ج. قیمت روز میزان است، اگر فروش آن ممکن است.

تعمیر مغازه

۳۵۳۲. آیا تعمیر مغازه که جزو سرمایه است از مؤونه حساب می شود؟

ج. بله، از مؤونه حساب می شود.

ابزار کار و سرمایه کسب

خمس سرمایه

۳۵۳۳. آیا تخمیس سرمایه باید از آغاز کسب باشد یا بعد از گذشتن سال محاسبه می شود؟

ج. اصل سرمایه خمس ندارد؛ ولی واجب است خمس سودی که از آنها می برد بدهد.

خمس اتومبیل و تراکتور

۳۵۳۴.

گفته شده است به ماشینی که مربوط به کسب و کار انسان است خمس تعلق می گیرد و باید خمس آن را بدهد در حالی که این فرد آن قدر ندارد که خمس آن ماشین یا تراکتور را بدهد و اگر بخواهد به نحو اقساط هم بدهد که به امرار معاش وی لطمه و صدمه وارد می شود چه کار کند؟

ج. به آن ماشین یا تراکتور خمس تعلق نمی گیرد.

پولی که برای خریدن ماشین پس انداز می شود

۳۵۳۵. شخصی برای تأمین مخارج زندگی و امرار معاش یک ماشین یا تراکتور از پس انداز درآمدش می خرد و اگر بخواهد خمس این پس انداز را پرداخت کند نمی تواند آن ماشین را بخرد، آیا می تواند خمس پرداخت نکند؟

ج. بله، آن پس انداز خمس ندارد.

فروش خانه مسکونی برای پرداخت بدهی

۳۵۳۶. شخصی منزل مسکونی خود را که چند سال قبل با پول خمس داده شده و مبلغی قرض تهیه کرده، به علت تنگدستی می فروشد که هم بدهی خود را بدهد و هم مبلغی از آن را سرمایه کسب و کار قرار دهد، آیا باید خمس اضافه قیمت آن را

که گران شده است بپردازد؟

ج. خیر، لازم نیست.

خمس تلفن محل کسب

۳۵۳۷. آیا تلفن محل کسب در حکم سرمایه است و خمس دارد؟

ج. در حکم سرمایه یا آلات کسب است و خمس ندارد.

تأخیر پرداخت خمس تا بعد از توانایی پرداخت

۳۵۳۸. شخصی خمس سرمایه کسب و تجارتش را نداده و اگر بخواهد خمس آن را بدهد نمی تواند معاش خود و خانواده اش را مطابق شأنش تأمین کند به طوری که اگر خمس آن را بپردازد نمی تواند با بقیه آن امرار معاش کند، آیا خمس بر او واجب است؟

و اگر بعداً توانایی مالی پیدا کرد و قادر بر پرداخت آن خمس شد، آیا باید بپردازد؟

ج. اصل سرمایه خمس ندارد، یعنی آن مقدار از سرمایه که زندگی مطابق شأن او، بدون آن تأمین نمی شود خمس ندارد.

دادن مزد کارگر از سرمایه و کم کردن آن از سود

۳۵۳۹. اگر از سرمایه ی خمس داده شده خرج کارگر را بدهد، خمس را چگونه باید حساب کند؟

ج. اگر از سرمایه خرج کرده، از ربح (سود) همان سال کسر می شود.

جنسی که خریده ولی پول آن را نپرداخته

۳۵۴۰. فردی جنسی برای تجارت خریده و قبل از پرداخت پول آن و قبل از رسیدن موعد پرداخت آن، سال خمسی او فرا می رسد. آیا خمس آن اجناس را باید بپردازد، به ویژه اگر افزایش قیمت در آن اجناس پیدا شده است؟

ج. اگر جزو سرمایه ی لازم او است، خمس ندارد.

تبیین معنی «خمس نداشتنِ سرمایه مطابق شأن»

۳۵۴۱. منظور از این جمله: «سرمایه مطابق شأن، خمس ندارد» چیست؟

ج. منظور، شأن زندگی و مخارج خانه و خانواده ی اوست نه شأن کسب و کارش، مگر این که کمتر از آن موجب شود که کسبی انتخاب کند که سبب مهانت و خواری او باشد، مانند اینکه سبب شود تاجر، میوه فروشی جزیی کند که در این صورت

هم خمس ندارد.

ارزش افزوده و ترقّی قیمت سرمایه

۳۵۴۲. اگر کالا یا سرمایه ای مخمّس (خمس داده شده) تهیه شود (فرضاً یکصد هزار تومان) و در سال بعد ارزش آن معادل یکصد و چهل هزار تومان شود، آیا ارزش افزوده مشمول خمس می شود، یا جزو سرمایه مخمّس است؟

ج. سرمایه در حد شأن زندگی خمس ندارد و ازدیاد قیمت در فرض سؤال - اگر از تورّم نیست - حکم سود سرمایه دارد که می تواند در مواردی تکمیل سرمایه کند.

فروش مقداری از سرمایه برای تهیه منزل و تعطیلی مغازه به علت کمبود سرمایه

۳۵۴۳. برای ساختن منزل مسکونی، مقداری از سرمایه ی مغازه را هزینه کردم، ولی بعداً به علت کمی سرمایه نتوانستم مغازه را باز کنم، لذا اجناسش را فروختم و مقداری از آن را برای منزل و بقیّه را برای مایحتاج زندگی هزینه کردم و قسمتی از اجناس مغازه نیز موجود است، به علاوه چند سال قبل از تعطیل شدن مغازه، حساب سال داشتم و بعد به علت ندانستن مسأله و تصوّر این که فرد بدهکار، خمس ندارد، حساب مغازه را نکردم، حال تکلیف چیست؟

ج. قیمت آن قسمت از اجناس مغازه که باقیمانده و مورد نیاز نیست، هر چند برای ادای دین، خمس دارد.

خمس پولی که بابت سرقفلی مغازه پرداخت می شود

۳۵۴۴. آیا پولی که شخص بابت سرقفلی مغازه از منافع و درآمد سالش پرداخت کرده، حکم سرمایه را دارد؟

و آیا این پول خمس دارد؟

ج. بله، حکم سرمایه را دارد و خمس ندارد.

ملاک احتساب سرمایه برای سال بعد

۳۵۴۵. اگر کسی ۱۵ سرمایه ی غیر مورد نیاز خود را به صورت جنس خمس بدهد، سال بعد می تواند همان مقدار جنس را ملاک قرار دهد یا ملاک قیمت آن است؟

ج. میزان در وجوب خمس، صدق عنوان ربح (سود) و فایده است.

خمس محل کسب که در مسیر خیابان قرار گرفته است

۳۵۴۶. این جانب از درآمد سالیانه خود زمینی برای محل کسب خریداری کردم اکنون سال خمسی ام فرا رسیده و زمین مذکور در مسیر خیابان قرار گرفته است.

آیا این زمین متعلق خمس است؟

اگر از طرف دولت، زمین در مقابل زمین مذکور واگذار شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر زمین دیگری جایگزین زمین اولی شود و زمین دوم هم برای محل کسب مورد نیاز باشد، خمس ندارد.

تهیه دوباره سرمایه ای که تلف شده

۳۵۴۷. اگر سرمایه تجارت انسان که مخمَّس (خمس داده شده) بوده در بین سال خمسی مصرف یا تلف شود و در سال آینده سرمایه تهیه کند، آیا خمس دارد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

وسایلی که از درآمد سرمایه خمس داده نشده (غیر مخمَّس) خریداری شده اند

۳۵۴۸. اشخاصی که سرمایه کسب آنها غیر مخمَّس بوده و از درآمد آن لوازم زندگی مورد نیاز خود را خریداری کرده اند، آیا به این لوازم زندگی خمس تعلق می گیرد؟

ج. اصل سرمایه ی کسب برای امرار معاش در حد شأن خمس ندارد.

طلا و جواهرات

خمس زیورآلاتی که شوهر خریده و سال خمسی ندارد

۳۵۴۹. اگر مقداری طلا و زیورآلات را شوهر برای زن خریداری کرده باشد، در حالی که حساب سال ندارد و خمس آنها را نیز نمی دهد. آیا بر زن واجب است خمس آنها را بدهد؟

ج. اگر زاید بر شأن او نباشد خمس ندارد، مگر این که علم داشته باشد که شوهر آنها را به ذمّه نخریده؛ بلکه با مالی که قبلاً خمس به آن تَعَلُّق گرفته بوده است معاوضه کرده است.

عدم تَعَلُّق خمس به طلای خریداری شده برای همسر

۳۵۵۰. طلایی که مرد برای زن خود می خرد، آیا باید خمس اش را بدهد؟

ج. اگر برای تزیین او باشد و مناسب شأن، خمس ندارد.

نگهداری زیورآلات به عنوان ذخیره مالی

۳۵۵۱. اگر طلا و زیورآلاتی که زنان خریداری می کنند به عنوان زینت استفاده نشود؛ بلکه به عنوان ذخیره مالی نگهداری

شود، چه حکمی دارد؟

ج. آن مقدار که سال بر آنها گذشته، خمس دارد.

خرید طلا برای تشرّف به مکّه ی معظّمه یا کربلای معلّا

۳۵۵۲. پیرزنی که فرزندانش مخارج او را می دهند، مبلغی پول دارد و با این که وقت زینت او گذشته است، با آن پول ها طلا می خرد تا زمانی که مقدور شد، به عمره یا کربلا مشرّف شود. آیا این طلاها خمس دارد؟

ج. اگر تمکن او برای تشرف، از این طریق است، خمس ندارد.

فروش زیورآلات

۳۵۵۳. خانمی مقداری طلا و زیورآلات خریداری کرده و از آن استفاده کرده است و بعد از چند سال آنها را می فروشد.

آیا به محض فروش باید خمس آنها را بپردازد؟

ج. اگر در این چند سال مورد استفاده یا در معرض استفاده بوده، به محض فروش خمس ندارد.

مصرف پول فروش طلای زینتی زن در رفع نیازمندی ها

۳۵۵۴. اگر زنی طلای زینتیِ مورد احتیاج خود را برای رفع نیازمندی ها و مؤونه زندگی بفروشد و در سال مصرف کند؛

۱) آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در فرض مذکور خمس ندارد.

۲) چنان چه پولش تا تمام سال به مصرف نرسید و برای سال دیگر ماند، آیا خمس دارد؟

ج. در سال دوّم، اگر مازاد بر حاجت سال شد و ناچار به ذخیره برای رفع حاجت آینده نبود، احتیاطاً خمس آن را بدهد.

۳) در هر صورت اگر سال های بعد چون نیاز به زینت دارد، بخواهد دو مرتبه از درآمد کار، طلایی برای خود بخرد، آیا باید خمس آن را بدهد؟

ج. در صورت مناسبت و شأن، خمس ندارد.

محاسبه خمس طلافروش ها

۳۵۵۵. اشخاصی که شغل آنها طلافروشی و زرگریست ممکن است مثلاً در اوّل سال یک کیلوگرم طلا دارند ولی در آخر

سال به جهت افزایش بی رویه قیمت، مقدار طلای آنها به نیم کیلو رسیده ولی قیمت آن نسبت به یک کیلوگرم اوّل سال بیشتر است و اگر به همین ترتیب چند سال بگذرد سرمایه از بین می رود و چیزی به عنوان موجودی ندارند. آیا این افراد می توانند مقداری از طلا را سرمایه خود قرار دهند و میزان در سود و زیان را بر اساس خود طلا محاسبه کنند، بدون این که به قیمت کاری داشته باشند؟

ج. هر چه جزو سرمایه ی مورد نیاز است، خمس ندارد.

پرداختن خمس

۳۵۵۶. آیا طلا یا پولی که یک بار خمس آن داده شده، دوباره خمس دارد؟

ج. خیر، ندارد.

زیورآلات

ملاک در تعلق خمس به زیورآلات

۳۵۵۷. تا چه مقدار زیورآلات زنان مَتَعَلِّق خمس نمی باشد؟

ج. تا مقداری که زاید بر شأن او نباشد.

تَعَلُّق خمس به سکّه ی بهار آزادی

۳۵۵۸. اگر سکّه ی بهار آزادی یک سال بماند، آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. از جهت تَعَلُّق خمس با اموال دیگر فرق ندارد.

خمس طلا و هدایایی که بعد از طلاق زن از او پس می گیرد

۳۵۵۹. شخصی زنی را برای خود عقد کرده و پس از مدتی او را طلاق می دهد و طلا و هدایایی که به او داده پس می گیرد، با توجه به این که اینها را در سال قبل خریداری کرده، آیا خمس دارد؟

ج. خیر خمس ندارد؛ مگر تا سال آینده بدون استفاده بماند و زاید بر مؤونه باشد.

خمس وسایل زینتی

۳۵۶۰. آیا به وسایل زینتی داخل منزل - مثل گل، گلدان، قاب عکس و لوستر و دکورها و ... - خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر در حد متعارف و حد شأن باشد، خمس ندارد.

تبدیل وسیله مورد نیاز به بهتر یا ضروری تر

۳۵۶۱. اگر طلا یا جنس دیگر و یا وسایلی از خانه را بفروشیم و تبدیل به احسن و یا وسیله ی ضروری تری کنیم، آیا به پول فروش این اجناس خمس تَعَلُّق می گیرد یا نه؟

ج. اگر در زندگی مورد نیاز است، خمس ندارد.

پرداخت طلای همسر و قسمتی از اثاث منزل بابت قیمت خانه مورد نیاز

۳۵۶۲. شخصی منزل مورد نیاز خود را خریداری کرده و بابت پرداخت پول آن قسمتی از اثاث منزل و طلای همسر خود را به فروشنده داده است.

آیا باید خمس اثاث منزل و طلای همسر را بدهد؟

ج. خیر، خمس ندارند.

سهام، اوراق بهادار و بیمه

خمس سهام

۳۵۶۳. اداره ای اقدام به تأسیس شرکتی تحت عنوان شرکت چند منظوره ی بعثت نموده است و به مقدار سهام افراد، خود اداره هم سهام خریده است و به صورت اقساط از خود افراد کسر می گردد و تا زمانی که کل سهام خریداری شده از حقوق کسر نگردد، فرد نمی تواند مقدار سرمایه گذاری شده ی اداره ی مذکور را برداشت نماید.

۱) آیا سرمایه ای که آن اداره گذاشته به صورت هبه است و خمس ندارد؟

۲) سود حاصله چه طور؟

ج. اگر هبه باشد، بنا بر احوط در زاید بر مؤونه سنه خمس دارد، ولی در فرض سؤال قرض است که به صورت اقساط ادا می کند و اگر به عنوان سرمایه ایست که در معیشت به آن نیاز دارد، اصل سرمایه خمس ندارد؛ ولی سود آن سر سال در زاید بر مؤونه خمس دارد.

سهام

۳۵۶۴. مقداری سهم از یک کارخانه خریده ام و هر سال مقداری سود به آن تَعَلُّق می گیرد که مقداری از آن به صورت نقدیست و بقیّه سود به صورت افزایش سهام است.

آیا به این مقدار سود که در هر سال دریافت می کنم، خمس تَعَلُّق می گیرد؟ به آن مقداری که به صورت افزایش سهام است

چه طور؟

ج. هر دو متَعَلُّق خمس است به استثنای مقداری که برای تکمیل سرمایه مورد نیاز و مطابق شأن در نظر گرفته شود و یا در مؤونه ی سال صرف شود.

اوراق بهادار

۳۵۶۵. مبالغ سپرده شده در سازمان بورس اوراق بهادار جهت خرید سهام کارخانه ها و استفاده از سود سهام به عنوان تنها محل درآمد، آیا متَعَلُّق خمس می باشد؟

ج. آن مقداری که امرار معاش بر آن توقّف داشته باشد، خمس ندارد و بر زاید، خمس تَعَلُّق می گیرد.

خمس پولی که برای بیمه پرداخت می شود

۳۵۶۶. آیا پولی که انسان برای بیمه می پردازد، جزو خرج و مؤونه سال اوست یا باید خمس آن را بپردازد؟

ج. ظاهراً خمس ندارد.

خمس حقوق بازنشستگی و بیمه سابقه کار

۳۵۶۷. پولی که بیمه طبق قرارداد به انسان می دهد و نیز حقوق بازنشستگی و نیز پولی که به صورت یک جا به عنوان سابقه کار بعد از بازنشستگی می دهند، آیا خمس دارد؟

ج. در زاید بر مؤونه خمس دارد، حتی اگر در واقع مصداق هدیه هم باشد، علی الاحوط.

خمس بیمه ی عمر

۳۵۶۸. کسی که با بیمه ی عمر قرارداد بسته است، ماهانه مبلغی پرداخت می کند که بعد از مرگ او بازماندگان او از مستمرّی و حقوق برخوردار باشند. آیا جزو مؤونه محسوب می شود؟

ج. چنان چه بیمه با شرایط انجام گرفته، پرداخت آن از مؤونه است.

تعلق خمس به بیمه عمر

۳۵۶۹. آیا پولی که تحت عنوان بیمه عمر، بعد از فوت شخص به خانواده اش پرداخت می کنند، مشمول خمس است؟

ج. بله، اگر زاید بر مؤونه باشد.

پول بیمه تصادف

۳۵۷۰. پولی که بیمه، بابت تصادف اتومبیل و مانند آن و خسارات مربوط به آن پرداخت می کند، اگر از خرج سال اضافه بیاید، آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در مفروض سؤال، خمس دارد.

خمس سود سهام بدون پرداخت خمس برگه های سهام در هر سال خمسی

۳۵۷۱. مقدار سیصد هزار تومان برگه سهام به عنوان سرمایه گذاری خریداری کرده ام. اگر مثلاً مبلغ سهام سیصد هزار تومان باشد و سال خمسی بنده بگذرد و سال آینده این سهم سیصد هزار تومان سود کند و مجموعاً ششصد هزار تومان شود، آیا باید خمس اصل سهام را بپردازم یا سود آن نیز مُتَعَلُّق خمس است؟

ج. فقط سود آن، اگر زاید بر مؤونه باشد خمس دارد.

هبه و هدیه

مراد از هبه و هدیه ای که خمس دارد

۳۵۷۲. این که فرموده اید هبه و بخشش (مثل هدیه و جایزه و ...)، بنا بر احتیاط خمس دارد آیا مراد هدیه و بخششیست که چیز کم و کوچکی به حساب نیاید یا این که فرق نمی کند، چه کم باشد چه زیاد؟ در صورت اوّل (که مراد هبه و هدیه زیاد و ارزشمند است) اگر هبه و هدیه ای که کم ارزش است به تدریج ارزشمند شود چه طور؟

ج. فرق نمی کند، مگر سیره ی قطعیه بر خلاف آن باشد.

بخشش مال خمس نداده به همسر

۳۵۷۳. مردی مال مُتَعَلُّق خمس را به زنش می بخشد.

تکلیف خمس آن مال چیست؟

کدام یک باید آن را بپردازد؟

ج. اگر شرط نکرده که زن خمس آن را بدهد، ظاهر حال اینست که مرد ضمان خمس را به ذمّه گرفته که از مال دیگر بپردازد، ولی اگر زن بداند که او خمس آن را نمی پردازد بر زن واجب است بدهد.

کادویی که نیاز ندارد

۳۵۷۴. اگر کادویی دریافت کرده که فعلاً به آن کادو نیاز ندارد؛ بلکه در آینده، مثلاً دو سال دیگر مورد احتیاج می شود، آیا باید خمس این کادو را بدهد؟

ج. در صورت نیاز خمس ندارد، اگر آن موقع نمی تواند تهیه کند.

هدیه های زیاد آمده

۳۵۷۵. به هدیه هایی که از چندین سال پیش تاکنون جهت تعویض منزل و تولّد و ...

دریافت کرده ایم که بیشتر شامل ظروف چینی و بلور است، آیا در صورت عدم استفاده در سال مالی، خمس تَعَلُّق می گیرد؟ و آیا می توان به این نیّت که برای جهیزیه ی دختر یا وسایل زندگی پسر باشد کنار گذاشت؟

ج. می توان به آن نیّت تا قبل از گذشت سال کنار گذاشت.

کسی که مرجع او خمس هبه و هدیه را واجب نمی دانسته

۳۵۷۶. فردی مقلّد مرجع تقلیدی بوده است که قایل بوده هبه و هدیه خمس ندارد. وی با توجه به این فتوا، همین طور خمس هبه را نمی داده است.

مرجع تقلید مذکور فوت می کند.

آیا پس از فوت وی، ذمّه مقلّد مذکور به خمس مشغول است؟

ج. اشتغال ذمه به خمس ندارد ولی در صورت بقای عین آن و رجوع به مرجعی که قایل به خمس است، به وظیفه ی فعلیه عمل می کند.

دستبندی که برای هدیه جلوتر خریده می شود

۳۵۷۷. مادر شخصی دستبند طلا به نام او خریده که هنگام ازدواج به همسرش هدیه دهد، آیا پس از گذشت سال، خمس آن واجب می شود؟

ج. اگر سال های طولانی طول نکشد، خمس ندارد.

مبلغ پرداختی بنیاد شهید به خانواده شهدا

۳۵۷۸. آیا مبلغ پرداختی بنیاد شهید به خانواده شهدا هدیه محسوب می شود یا درآمد و آیا خمس دارد؟

ج. هدیه محسوب می شود و در زاید بر مؤونه علی الاحوط خمس دارد.

هدیه از راه حرام

۳۵۷۹. اگر هدیه از راه حرام باشد یا قبلاً به آن خمس تعلق گرفته باشد، حکمش چیست؟

ج. هدیه گیرنده نباید آن را بگیرد مگر این که مال حرام را به صاحبش برساند و خمس مال متعلق خمس را بپردازد.

خرید هدیه برای بعد از سال خمسی

۳۵۸۰. اگر اوّل سال خمسی شخصی، اوّل فروردین باشد و در اسفند اجناسی خریداری کند تا ایّام عید به بستگانش هدیه بدهد، آیا به این اجناس خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر نمی تواند، آن مقدار را از ارباح سال آینده بدهد و راهش اینست که - مثل جهیزیه و فیش حج، آنها را از قبل تحصیل کند خمس ندارد، ولی اگر در آن مورد مصرف نشد، باید خمس همه را بدهد.

پارچه خریداری شده برای همسر

۳۵۸۱. آیا به پارچه ای که شوهر جهت تهیه لباس برای همسرش خریداری می کند و سال بر آن می گذرد، خمس تَعَلُّق می گیرد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، چه کسی باید خمس را بدهد؟

ج. اگر جهت نیاز بالفعل خریداری شده و مانعی از دوخت آن پیش آمده، خمس ندارد و در صورت تعلق خمس، مالک باید خمس آن را بدهد.

خمس پولی که به همسر بخشیده شده

۳۵۸۲. خانمی منزلش را می فروشد و پول آن را به شوهرش هبه می کند.

آیا به این هبه خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر از سابق متعلق خمس نبوده و این هبه زاید بر شأن او نباشد، خمس ندارد.

خمس سود مالی که هبه است

۳۵۸۳. مقداری پول به من بخشیده شده و هدیه شده است و آنها را در بانک گذاشته ام و هر سال مقداری سود مشروع به آنها تَعَلُّق گرفته است، آیا خمس این سودها را باید بپردازم یا این سود هم مثل اصل پول هدیه شده، خمس ندارد؟

ج. سود آن پول، خمس دارد؛ همان گونه که اصل آن پول هم که هدیه است، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

ملاک شأنیت در هدیه دادن

۳۵۸۴. کسی قبل از رسیدن سال خمسی اش برای فرزندان زیر یازده ساله اش خانه ای تهیه کرده و به آنها هدیه کرده است می فرمایند اگر شرایط شغلی و شأنی این فرد مناسب با تهیه خانه برای فرزندان زیر یازده سال نباشد، لازم است خمس قیمت فعلی ساختمان را بپردازد یا اگر نمی تواند دستگردان کرده و به تدریج بپردازد. حال سؤال بنده اینست ملاک شأنیت چیست؟

مثالی بزنید برای کسی که شأنیت تهیه خانه برای فرزندان زیر یازده سال خود را دارد تا مسأله روشن شود؟

ج. ملاک شأنیت، خود آن شخص و شأنیت خانوادگی او است.

هبه کردن چیزی که متَعَلُّق خمس است

۳۵۸۵. اگر کسی چیزی که متَعَلُّق خمس است به دیگری ببخشد، آیا بر شخص گیرنده واجب است خمس آن را بپردازد؟

ج. بله، واجب است اگر دهنده از مال دیگر نمی پردازد.

خمس هدیه از طرف کسی که قائل به وجوب خمس هدیه نیست

۳۵۸۶. چنان که فردی چیزی را به دیگری داده و چون هدیه دهنده مقلّد کسیست که در هدیه و بخشش قائل به خمس نیست، علم وجود دارد که خمس آن پرداخت نشده است.

آیا ملک گیرنده می شود و آیا وی باید خمس آن را بدهد؟

ج. باید بدهد، بنا بر احوط.

پول هایی که پدر به فرزند می پردازد

۳۵۸۷. آیا پول و خوراک و پوشاکی که پدر به فرزند خود به عنوان کمک هزینه ی تحصیلی یا هر عنوان دیگر می دهد خمس دارد یا خیر؟

ج. احکام هبه را دارد که در زاید بر مؤونه خمس دارد، علی الاحوط.

خمس هدیه ای که به طفل داده می شود

۳۵۸۸. اگر ولی طفل مقلد مجتهدی باشد که خمس هدیه را واجب نمی داند، آیا پرداخت خمس هدیه ای که به بچه می دهند بر ولی واجب است؟

ج. خیر، واجب نیست.

زمین، باغ و محصولات کشاورزی

درخت کاری

۳۵۸۹. کشاورزی که درخت کاری می کند و بعد از پنج سال قطع می کند و بعضی چوب ها برای پختن غذا و لوازم گرم کننده لازم می شود. آیا بر اینها خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. آن چوب ها خمس ندارد، اگر در سالی که سود حاصل شده صرف شود.

زمینی که با پول خمس داده نشده خریده شده است

۳۵۹۰. زمینی را که با پول غیر مخمّس خریـده شده خمس دارد یا نه؟ در صورت تَعَلُّق گرفتن خمس، آیا قیمتِ خرید، ملاک است یا قیمت فعلی، آیا تفاوتی بین این که آن را بعداً خرج کرده یا نکرده وجود دارد؟

ج. اگر زاید بر مؤونه است به قیمت فعلی خمس دارد و چنان چه مؤونه باشد، باید با حاکم شرع مصالحه کند.

خمس میوه ای که در پایان سال خمسی زمان چیدن آن نرسیده است

۳۵۹۱. میوه ها و زراعت هایی که سر سال خمسی، وقت چیدن آنها نرسیده است، آیا باید خمسشان داده شود؟

ج. برای آنها می تواند سال شمسی جداگانه قرار دهد و زاید بر مؤونه را تخمیس می کند.

(مسأله ۱۳۸۵ رساله) سال قالیبافی و زراعت

۳۵۹۲. ۱) سال خمسی زراعت ها چگونه است؟

اگر زراعت ها، اصناف مختلف داشته باشد، چه طور؟

ج. زراعت ها در باب خمس، سال مخصوص و معین دارد و اگر اصـناف مختلف دارد، موقع اسـتفاده ی متعارف، ابتـدای سال خمسی آن است.

۲) در صورتی که میوه هایی ماننـد خرما سـر سال خمسـی قابل خوردن و اسـتفاده باشد امّا هنوز آن را نچیده باشـند، آیا به آن خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. معلوم شـد هنگام صـدق عرفی حصول فایـده، ابتـدای سال است که اگر یک سال گذشت، هر چه از مؤونه سال زیاد آمد، خمس آن باید پرداخت شود.

۳) سال خمسی اجناسی مانند قالی که حدود دو یا سه سال بافتن آن طول می کشد، چگونه است؟

ج. سال خمسی در قالی دو سال یا سه سال است که تمام شود و فایده حاصل شود.

عدم تَعَلُّق خمس به درختان غرس شده پس از خرید باغ

۳۵۹۳. مردی زمینی بـا مقـداری درخت میـوه جهت امرار معـاش خریـداری کرده، خمس آن را می دهـد. بعـد مقـداری دیگر درخت میوه در آن غرس می کنـد، آیـا خمس درختان غرس شـده – در صورتی که بابت خریـد نهال درخت پولی نپرداخته و

خود شخصاً آنها را کاشته و به عمل آورده است - لازم است؟

ج. اگر داخل در سرمایه و مؤونه است، خمس ندارد.

درختی که خود به خود می روید

۳۵۹۴. درختی که در زمین مرطوب خود به خود می رویـد و اگر نگهـداری شود، بعـد از پنـج سال به کار می آید. آیا بر اینها خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. با حیازت مالک می شود و حکم سایر اموال را دارد.

درآمدهای زراعت ثلث میّت

۳۵۹۵. آیا درآمدهای حاصل از زراعت ثلث میّت، خمس دارد؟

اگر آن را در بانک به حساب کوتاه مدّت گذاشته و سودی به او تَعَلُّق گیرد، آیا به آن خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر ملک کسی است، سود حاصله خمس دارد و در غیر این صورت ندارد.

باغی که به علت تعمیرات، ارزش آن چند برابر شده

۳۵۹۶. کشـاورزی در بـاغی که خریـداری کرده دیوار می گـذارد و نهر آن را آسـفالت می کنـد و علف های هرز فراوانی که داشته از بین می برد؛ به علت این کارها، ارزش باغ چند برابر می شود آیا ارزش اضافی خمس دارد؟

ج. اگر داخل سرمایه و مؤونه است، خمس ندارد.

رشد و نمو درخت

۳۵۹۷. زمینی را با مقـداری درخت، برای امرار معاش می خرد و خمس آن را می دهـد، بعـد درخت رشـد می کنـد و به علت رشد و نمو، قیمت درخت زیاد می شود. آیا زیادی قیمت، خمس دارد؟

ج. اگر زاید بر سرمایه و مؤونه نباشد، خمس ندارد.

تعلق خمس به منافع زمین آباد شده

۳۵۹۸. فردی زمین مواتی را برای کشاورزی و امرار معاش آباد می کند و این زمین به علت آباد شدن توسّط وی بدون این که پولی خرج کند، دارای ارزش می شود. آیا خمس این زمین واجب است؟

ج. به منافع زمین، زاید بر مؤونه سالش خمس تَعَلُّق می گیرد.

ولی اصل زمین اگر داخل در سرمایه یا به حکم آن باشد، خمس ندارد.

ملک کشاورزی

۳۵۹۹. کشاورزانی که جهت کشاورزی خود ملکی خریده اند و آن ملك ابزار کار آنها می باشد، آیا به آن ملك هم خمس تَعَلُّق می گیرد؟ با توجه به اینکه تا به حال سال خمسی برای خود تعیین ننموده اند؟

ج. چون ابزار کار است، خمس به آن تَعَلُّق نمی گیرد.

ترقّی قیمت زمین کشاورزی

۳۶۰۰. کشاورزی زمین هایی را برای کشاورزی خریده، آیا اصل زمین و ترقّی قیمت آن خمس دارد؟

ج. مادامی که نفروشد و ثمن را نگیرد خمس ندارد، پس از فروختن هم اگر خود ثمن مانند مثمن داخل در سرمایه است، خمس ندارد.

باغ خریداری شده برای استفاده شخصی و امرار معاش

۳۶۰۱. فردی باغی را هم برای استفاده شخصی و هم برای کسب و امرار معاش خریده، مسأله خمس باغ و میوه هایش را بیان فرمایید.

ج. آنچه داخل در سرمایه و مؤونه است، خمس ندارد در صورتی که ثمنی که با آن خریده است خمس بر آن واجب نبوده وگرنه خمس همان ثمن را می دهد، اگر به نحو متعارف به ذمّه معامله کرده است.

مخارج اصلاح باغ

۳۶۰۲. شخصی برای اصلاح باغی که با آن امرار معاش می کند، مخارجی - مانند بیل زدن، مزد چیدن میوه، مزد آبیاری - پرداخت نموده است، آیا مخارج مذکور مورد تَعَلُّق خمس قرار می گیرد؟

ج. هر چه داخل مؤونه سال است خمس ندارد، پس ملاحظه کند اگر به این باغ احتیاج دارد به این مخارج تا بتواند مؤونه سالش را برداشت کند، پس آن مخارج جزو مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد و اگر احتیاج ندارد و زیاده بر خرج سالش است، پس خارج از مؤونه است و خمس دارد.

خمس زمینی که فروخته شده برای سفر حج واجب

۳۶۰۳. شخصی زمینی دارد که قیمت آن بالا رفته و به واسطه همین زمین مستطیع شده، حال قسمتی از زمین را فروخته تا صرف حج کند، آیا باید خمس پول آن را بدهد؟

ج. اگر قبلاً خمس به این زمین تَعَلّق نگرفته است، می تواند این پول را در حج صرف کند و هر چه سر سال زیاد آمد، خمس آن را می دهد و اگر متَعَلّق خمس بوده و به اندازه ی خمس باقی مانده می تواند این پول را در حج صرف کند، ولی ابتدا به مرجع تقلید خود مراجعه کرده تا دین خود را از عین زمین یا مال دیگر ادا کند.

خمس بذر گندم

۳۶۰۴. این جانب هر ساله مقدار مشخصی بذر گندم کشت می کنم، آیا هر سال باید خمس آن را بپردازم؟

ج. در زاید بر مؤونه خمس دارد و مؤونه آن مقدار است که در زندگی به کشت آن نیاز دارید.

زمین کشاورزی که محصول آن فقط صرف قوت خانواده می شود

۳۶۰۵. شخصی زمینی را برای زراعت گندم مورد نیاز خانواده خود خریداری کرده است و چیزی از آن را به فروش نمی رساند. آیا این ملک خمس دارد؟

اگر دارد چگونه بپردازد؟

ج. آن ملک خمس ندارد.

خمس محصول زمینی که خمس آن زمین داده شده است

۳۶۰۶. این جانب دارای چند هکتار زمین کشاورزی هستم که خمس آن را پرداخته ام و هر ساله مقداری گندم از آن برداشت می کنم که قسمتی از آن را جهت تأمین معاش خانواده ام مصرف می کنم و بقیه را به فروش می رسانم. لطفاً کیفیت خمس آن را بیان فرمایید. آیا مخارجی که برای کشت و برداشت گندم مزبور صرف کرده ام، می توانم از حاصل کسر کنم؟

ج. هر مقداری که زاید بر خرج سال باشد خمس دارد و مخارج را می توانید کسر کنید، اگر قبلاً از ربح سال قبل به عنوان مؤونه آن سال نکرده اید.

خمس زمین های کشاورزی

۳۶۰۷. آیا زمین های کشاورزی که پول فروش محصول آن به اندازه مایحتاج و مخارج زندگی صاحب آن می باشد خمس دارد؟

کیفیت خمس آن چگونه است؟

ج. آن زمین ها خمس ندارند.

خمس زمین احیاشده ای که به ارث رسیده

۳۶۰۸. پدر این جانب زمین مواتی را احیا کرده است و برای تأمین مخارج زندگی در آن کشت می کرده و محصولش را می فروخته و مقداری را هم خانواده مصرف می کرده اند این زمین به بنده، ارث رسیده و من مقداری از آن را جهت تأمین نیازهای زندگیم فروختم، حکم خمس این زمین ها چیست؟

ج. آن زمین ها خمس ندارند.

خمس باغی که جهت تجارت میوه آن احداث شده

۳۶۰۹. شخصی با مقداری پول خمس داده شده زمینی خریداری کرده و به صورت باغ درآورده تا از میوه آن جهت تجارت و سود استفاده کند، آیا به این باغ خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. خیر، خمس ندارد؛ مگر ترقّی قیمت پیدا کند که آن ترقّی خمس دارد، در صورتی که زاید بر نیاز باشد و در حکم سرمایه و آلات کسب مناسب شأن نباشد.

باغ مورد استفاده خود که بعضی سال ها میوه آن فروخته می شود

۳۶۱۰. شخصی باغی برای استفاده خود و خانواده اش خریداری کرده است، در بعضی سال ها به طور اتفاقی میوه آن بیش از مصرف خانواده او بوده و به فروش می رسد، آیا این باغ خمس دارد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

خمس زمین زراعتی و باغ که از درآمد سال خریداری شوند

۳۶۱۱. آیا به زمین زراعتی و باغ که از درآمد سال خریداری شوند خمس تعلق می گیرد؟

ج. در زاید بر مؤونه خمس دارد.

زمین های احیا شده

۳۶۱۲. زمین هایی که موات و مرده بوده اند توسط شخصی احیا شده و زیر کشت گندم رفته اند.

وی پس از چند سال زمین ها را می فروشد، آیا به پول این زمین ها خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر در زندگی به کِشت در آن زمین ها محتاج بوده، پول آنها هم خمس ندارد، مگر آن چه سر سال زیاد بیاید.

۳۶۱۳. زمین های زراعی که قبلاً موات بوده و افرادی آن را آباد و احیا کرده و با آن کشاورزی می کنند.

آیا اصل زمین خمس دارد؟

ج. آن چه داخل در سرمایه است، خمس ندارد.

خمس زمین های آباد شده با اجازه سازمان اراضی، توسط کشاورزان

۳۶۱۴. عده ای از کشاورزان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اجازه سازمان اراضی، زمین هایی را در حومه شهر، آباد کرده اند با توجه به این که آنان درصدد پرداخت وجوهات شرعی هستند و نیز با عنایت به مرغوب بودن اراضی کشاورزی، کیفیت پرداخت آن را مرقوم فرمایید؟

ج. اگر آن زمین ها زاید بر مؤونه باشند، باید خمس آن را به قیمت فعلی ادا کنید.

عدم تَعَلُّق خمس به ارزش اضافه شده زمینِ مخروبه آباد شده

۳۶۱۵. فردی زمین مخروبه ای را خریداری می کند و با دسترنج خود آن را آباد می کند و درخت میوه یا زراعت در آن می کارد، آیا ارزش اضافی آن که به خاطر آباد کردن و درخت کاشتن در آن ایجاد می شود، خمس دارد؟

ج. اگر از طریق آن امرار معاش می کند، خمس ندارد.

دام

نحوه محاسبه خمس گوسفندان

۳۶۱۶. شخص گوسفنددار برای پرداخت خمس گوسفندان خود آیا باید قیمت آنها را حساب کند یا محاسبه به تعداد نیز صحیح است؟

ج. اگر سرمایه ی مورد نیاز او بوده که اصلاً خمس ندارد وگرنه قیمت را حساب می کند با فرض اختلاف گوسفندها در قیمت.

خمس پول فروش گاوهایی که از زاد و ولد یک گاو حاصل شده اند

۳۶۱۷. کشاورزی یک گاو داشته که با زاد و ولد افزایش پیدا کرده و پس از حدود پنج سال، چهار گاو شده است.

سپس آنها را فروخته و برای مخارج جهیزیه دخترش هزینه کرده است.

پس از آن یک گاو شیرده خریده که گوساله آن بزرگ شده، حکم خمس آن را بیان فرمایید؟

ج. در مورد اوّل اگر مورد نیاز معیشت او بوده یا از اوّل به نیّت مخارج جهیزیه بوده، خمس ندارد و در مورد دوم هم اگر زاید بر مؤونه سال نباشد، خمس ندارد.

موقع پرداخت خمس گاو و گوسفندی که بیش از یک سال عمر دارند

۳۶۱۸. گاو و گوسفندی که بیش از یک سال عمر دارند، اگر در بین سال خمسی فروخته شوند چه موقع متَعَلّق خمس واقع می شوند؟

ج. اگر زاید بر مؤونه باشد، خمس دارد نسبت به سال قبل و اگر مؤونه بوده و یا سر سال نمی توانسته بفروشد، هر چه سر سال خمسی آینده زیاد آمد خمس دارد.

خمس گوشتی که می دانیم از گوسفند خمس داده نشده (غیر مخمّس) است

۳۶۱۹. گوسفندی را که خمس به آن تَعَلُّق گرفته، صاحب گوسفند به قصاب فروخته است، کسانی که از گوشت آن خریداری کرده اند بعد از این که علم پیدا کردند، آیا باید خمس آن را بدهند؟

ج. بلی، با فرض این که بدانند فروشنده خمس آن را نخواهد داد مگر این که عرفاً به منزله ی اتلاف باشد که خمس به ذمّه ی فروشنده منتقل شده باشد.

کسر کردن قیمت علوفه مصرف شده در زمستان از نمو گوسفندان

۳۶۲۰. آیا صاحبان گوسفند می توانند قیمت علوفه مصرف شده در زمستان را، از نمو گوسفندان کسر کنند و خمس باقیمانده را بپردازند؟

ج. خیر، نمی توانند، اگر علوفه را از رنج سال قبل تهیه کرده اند.

خمس گوساله و بره ای که نگهداری می شوند تا بعداً از شیر آنها استفاده شود

۳۶۲۱. گوساله و برّه هایی که نگهداری می شوند تا مثلاً بعد از دو سال از شیر آنها استفاده شود، آیا خمس دارند؟ و آیا پشم آنها که در ضمن این دو سال استفاده می شود خمس دارد؟

ج. مورد اوّل خمس دارد، مگر این که محل نیاز بوده و ناچار از نگهداری آنها باشد و مورد دوم خمس ندارد با فرض این که به عنوان مؤونه استفاده شده است بدون تَعَلُّق خمس.

خمس گوسفندانی که از آنها در غیر مؤونه و مخارج زندگی استفاده می شود

۳۶۲۲. شخصی تعدادی گوسفند برای استفاده زندگی خود دارد، حال اگر از بچه و پشم آنها در غیر مؤونه استفاده کند، آیا خمس گوسفندان را باید بپردازد؟

ج. خیر، لازم نیست.

خمس ترقّی قیمت گاو و گوسفند

۳۶۲۳. شخصی تعدادی گاو و گوسفند دارد که خمس آنها را داده است.

سال بعد تعداد گاو و گوسفندان همین مقدار است ولی قیمت آنها دو برابر شده است، آیا خمس دارد؟

ج. اگر مورد نیاز نیستند، ترقّی قیمت آنها خمس دارد، البته اگر از تورّم نباشد.

خمس گوسفندی که شیر نمی دهد

۳۶۲۴. شخصی گوسفندی را برای استفاده از شیر آن خریداری می کند ولی گوسفند مزبور شیر نمی دهد تا این که سال خمسی مالك آن می رسد. آیا به گوسفند مذکور در صورتی که از درآمد بین سال خریداری شده باشد خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در فرض مسأله خمس ندارد، اگر به نحوی جهت مؤونه بودن در آن باقی است.

خمس گوسفندان مورد نیاز

۳۶۲۵. آیا به گوسفندانی که از سرگین آنها به عنوان کود در کشاورزی و از مو و پشم آنها برای لباس و فرش و ... مورد نیاز زندگی استفاده می کنیم، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. آن چه برای مؤونه ی مورد نیاز نگهداری می شود، حکم سرمایه را دارد و خمس ندارد.

خمس گوسفندان عشایر

۳۶۲۶. عشایری که با گوسفندان خود امرار معاش می کنند و آنها دارای زاد و ولد هستند، آیا بر خود گوسفندان و منافع آنها خمس تَعَلُّق می گیرد یا خیر؟

ج. درباره ی اصل سرمایه به مسأله ی ۱۴۰۱ رساله مراجعه شود و منافع، آن چه زاید بر مؤونه ی سال باشد، خمس آن واجب است.

بزغاله خریداری شده برای امرار معاش

۳۶۲۷. شخصی برای امرار معاش بزغاله هایی را می خرد و به آنها علف و جو می دهد تا رشد کنند، آیا رشد اضافی خمس دارد؟

ج. اگر برای انتفاع بوده نه تکسّب به عین، خمس ندارد وگرنه حکم ربح حاصل از سرمایه را دارد.

خمس گاو و گوسفند شیر ده

۳۶۲۸. کسی که گاو شیرده دارد و آن را از درآمد سال خریده است، آیا به آن خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر مورد نیاز است، خمس ندارد.

مسائل خمسی حج

پرداخت خمس اموال قبل از حج یا بعد از حج

۳۶۲۹. شخصی که وجوهات شرعی و مظالم عباد و کفارات در مالش هست و می خواهد به حج برود، آیا می تواند فقط مخارج حج را تخمیس کند و به حج برود و پس از مراجعت، خمس تمام اموال خود را بدهد. آیا حج او صحیح است؟

ج. ظاهراً می تواند و حج او صحیح است و برای رفع اشکال در استطاعتش از ناحیه دین به حاکم شرع مراجعه و مصالحه کرده و برای پرداخت آن مهلت بگیرد.

عمره رفتن کسی که خمس اموال خود را نداده است

۳۶۳۰. شخصی که اموال خود را تخمیس نکرده و خمس نداده و عازم سفر عمره است، آیا می تواند مخارج عمره را تخمیس کند و بدون تخمیس بقیه اموال به عمره برود؟ و آیا عمره وی بدین صورت صحیح است؟

و در صورت عدم صحت، آیا راه حلی برای این موارد وجود دارد؟

ج. ظاهراً می تواند و عمره اش صحیح است.

خمس پول و اموالی که حجاج با خود می برند

۳۶۳۱. حجاجی که مبلغی از درآمد سال خمسی خود را همراه دارند و در همان سفر حج، سال خمسی آنها فرا می رسد، آیا باید خمس آن را بپردازد؟

ج. ظاهراً آن مبلغ خمس ندارد، با فرض وجود مشکل در مخارج در صورت تخمیس.

خمس پس انداز برای زیارت

۳۶۳۲. فردی پولی را برای زیارت پس انداز می کند، به طوری که بدون آن نمی تواند مشرف شود، آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. مانند پس انداز برای جهیزیه است که خمس ندارد، هر چند سال هم بر آن بگذرد.

خمس کسی که برای حج اجیر شده و پولش را بعداً می گیرد

۳۶۳۳. کسی که برای حج اجیر شده است که مال الاجاره اش را شش ماه پس از حج بگیرد.

آیا آن پول از درآمد سال وصول است یا سال قرارداد اجاره؟

ج. از درآمد سال وصول است.

فردی که برای حج یا عمره مستحبّی ثبت نام کرده و از دنیا رفته

۳۶۳۴. فردی مبلغی را برای حج یا عمره مستحبّی پرداخت کرده و از دنیا رفته است.

آیا پیش از وقت آن باید خمس این پول را؟

ج. باید خمس این پول را بدهند، زیرا با مرگ او آشکار شده که در واقع زاید بر مؤونه بوده است.

خمس فیش های ثبت نامی سال های پیش

۳۶۳۵. فیش هایی که اشخاص در سال های گذشته نام نویسی کرده اند و با پول خمس نداده بوده است، ولی نمی دانند که آیا به آن پول خمس تَعَلُّق گرفته یا نه، نظر به اینکه تا به حال حساب سال خمسی نداشته اند، آیا خمس فیش را باید بدهند؟

ج. اگر از ربح (سود) باشد و داخل در مؤونه آینده نباشد، باید خمس بدهند.

واریز پول برای حج و عمره

۳۶۳۶. اگر شخصی برای ثبت نام عمره مفرده یا حج تمتّع مبلغی را به حساب سازمان حج واریز کند، پس از قرعه کشی نوبت اعزام او سال های بعد اعلام گردد، با توجّه به این که تشرّف او قطعی است، آیا سر سال خمسی باید خمس مبلغ مذکور را پرداخت نماید یا نه؟

ج. اگر چه از درآمد سال واریز کرده، خمس ندارد.

نحوه محاسبه خمس فیش حج

۳۶۳۷. شخصی در سال های گذشته از درآمد همان سال برای حج یا عمره ثبت نام کرده است.

چنان چه بخواهد خودش مشرف شود یا فیش حج را به دیگری واگذار کند، خمس آن را چگونه حساب کند؟

ج. اگر خودش بخواهد برود، خمس ندارد.

خمس پولی که برای حج واریز شده

۳۶۳۸. شخصی در سال های قبل برای حج ثبت نام کرده و خمس پول واریز شده را نداده است و در مدینه یا مکه می خواهد از درآمد سال جاری خمس آن پول را بدهد.

آیا خمس کفایت می کند و یا باید به مقدار ربع (۱۴) آن را بدهد؟

ج. خمس، کفایت می کند که بدهد.

۳۶۳۹. آیا پولی که برای ثبت نام سفر حج پرداخت شده و سال خمسی بر آن گذشته و هنوز قرعه به نام او اصابت نکرده، مشمول خمس می باشد؟

ج. خیر، خمس ندارد.

پول حاصل از فروش فیش حج

۳۶۴۰. حکم فروش امتیاز فیش حج توسط افرادی که از استطاعت مالی خارج شده اند چیست و تکلیف پول حاصل از فروش چه می باشد؟

ج. مصالحه بر آن فیش مانعی ندارد و اگر سال بر پول خودش گذشته، باید خمس آن پول را بدهد مگر از باب تبدیل مؤونه باشد که اگر سر سال زیاد آمد خمس دارد.

ارث و اموال میّت

نحوه محاسبه خمس عینی که به ارث رسیده و متعلق خمس است

۳۶۴۱. عینی که متَعَلِّق خمس است و به ارث رسیده، آیا برای پرداخت خمس باید قیمت فعلی آن حساب شود یا وقت اشتغال ذمّه میّت را باید ملاک قرار داد؟

ج. باید قیمت فعلی حساب شود.

خمس زمین موروثی که قبل از پرداخت خمس تقسیم شده است

۳۶۴۲. زمینی است موروثی که به آن خمس تعلق گرفته و قبل از پرداخت خمس تقسیم شده است، الآن وظیفه چیست؟

ج. باید هر کسی خمس سهم الارث خود را بدهد.

خمس ارث

۳۶۴۳. پدرم سال خمسی نداشته است، آیا ما باید قبل از تقسیم ارث خمس بدهیم یا بعد از تقسیم، هر کس هر طور خواست عمل نماید؟

ج. اگر تعلق خمس به آن مال معلوم باشد، باید خمس آن را قبل از تقسیم بدهید.

خمس ارث تقسیم نشده بین وراث و سود حاصل از آن

۳۶۴۴. ارث باقی مانـده از پـدرم تعـدادی موتور لنـج است که هنوز تقسـیم نشـده است و فعلاً با آنها کار می کنند و از درآمد آنها سهم این جانب را که درس می خوانم می فرستند، آیا اصل ارث و سود حاصل از آن خمس دارد؟

ج. ارث خمس ندارد ولی سود آن اگر زاید بر مؤونه باشد خمس دارد.

خمس خانه ای که از فروش زمین ارثی ساخته شده است

۳۶۴۵. به خانه ای که از فروش ارث ساخته شده، در صورت اضافه قیمت، آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر زاید بر مؤونه باشد به اضافه ی قیمت آن خمس تعلق می گیرد.

خمس زمین موروثی که به باغ تبدیل شده

۳۶۴۶. شخصی که حساب سال نداشته است، زمین موروثی خود را به صورت باغ در آورده تا از میوه ی آن استفاده کند.

پس از چنـد سال مقـداری محصول باغ اضافه بر احتیاج او شـده است اکنون می خواهـد حساب سال قرار دهد، خمس این باغ چگونه است؟

ج. همان خمس مازاد بر نیاز واجب است.

زمان تَعَلُّق خمس به ترقّی قیمت ارث

۳۶۴۷. مالی که به ارث رسیده و خمس ندارد اگر ترقّی قیمت کند، چه موقع پرداخت خمس آن ترقّی واجب است؟

ج. در وقت رسـیدن سال خمسـی اگر می توانـد به آن دست پیدا کند واجب است وگرنه هر وقت فروخت، جزو درآمد همان سال است.

خمس مال میّت

۳۶۴۸. اگر شخصی که از دنیا رفته خمس بدهکار باشد، آیا خمس از اصل مال خارج می شود یا از ثلث مال؟

ج. اگر وصیت به اخراج از ثلث نکرده از اصل مال خارج می شود.

تجهیز و تکفین و سایر مخارج میّت قبل از پرداخت خمس

۳۶۴۹. شخصـی دارای سـال خمسـی است، اگر در اثنـای سـال فوت کنـد، آیا ورثه او می تواننـد قبل از پرداخت خمس او، از ترکه او در تجهیز و تکفین و سایر مخارج میّت مصرف کنند؟

ج. بـا قصـد پرداخت آن و یـا بـاقی مانـدن مقـدار خمس در اموال میّت، می تواننـد قبـل از پرداخت خمس، از مـال میّت برای واجبات تجهیز و حتّی غیر آن بردارند.

خمس مال میتی که وارث صغیر دارد

۳۶۵۰. میتی خمس بـدهکار است و دارای وارث صـغیر می باشـد، آیا باید خمس او پرداخت شود یا باید صبر کرد تا وارث او کبیر شود؟

ج. باید خمس او پرداخته شود و دین بر وصیّت و ارث مُقَدَّم است.

بریء الذمّه شدن میّت بدهکار خمس با دستگردان

۳۶۵۱. کسـی از دنیا رفته است و خمس بـدهکار است، ورثه ی او فعلاً قدرت مالی ندارند که کل خمس را بپردازند، به همین جهت ناچارند دستگردان کنند، تا پس از تمکّن پرداخت کنند.

آیا بعد از دستگردان میّت بریء الذمه می شود و از عذاب الهی خلاص خواهد شد؟

ج. ان شاء اللّه بریء الذّمه می شود.

خمس ترکه میتی که خمس و زکات بدهکار است

۳۶۵۲. شخصـی از دنیـا رفتـه و مقـداری خمس و زکـات بـدهکار اسـت و ترکـه ی او برای ادای هر دو کـافی نیسـت، وظیفه چیست؟

ج. اگر عین مال متعلق زکات یا خمس باقی است، بایـد همان زکات یا خمس را بدهـد و اگر عین آن مال از بین رفته ترکه ی او بر آن زکات و خمس بالنّسبه توزیع می شود.

خمس ترکه میتی که خمس و دین بدهکار است

۳۶۵۳. شخصـی فوت کرده و مقداری دین (بدهی) و مقداری خمس بدهکار است و ترکه ی او برای ادای هر دو کافی نیست، وظیفه چیست؟

ج. اگر عین مَتَعَلِّق خمس موجود است مقدار خمس کم نمی شود و اگر به ذمه ی اوست توزیع می شود.

میّتی که عمداً خمس نمی داده

۳۶۵۴. کسی که فوت کرده و عمداً خمس نمی داده است.

آیا ورثه نسبت به پرداخت خمس اموال وی وظیفه دارند؟

ج. باید ورثه، خمس اموال او را بدهند، چه عین مال موجود باشد یا خمس به ذمّه اش آمده باشد.

اگر چه در معاملات خود او در زمان حیات، حتی هبه اش بعید نیست که خمس بر طرف معامله اش واجب نباشد، مانند معاملات با مستحل خمس.

خمس دیه

۳۶۵۵. آیا خمس به دیه ای که به ولی یا شخص داده می شود تَعَلُّق می گیرد؟

ج. دیه ای که به وارث داده می شود حکم ارث را دارد که خمس ندارد و دیه ی اطراف که به شخص داده می شود، بنا بر احتیاط واجب زاید بر مؤونه خمس دارد.

پس انداز و ذخیره اموال

پس انداز برای سرمایه

۳۶۵۶. پولی را که انسان برای جمع کردن سرمایه پس انداز می کند و راه دیگری برای جمع کردن آن ندارد، خمس دارد؟

ج. خمس ندارد.

خمس پس انداز برای دریافت وام

۳۶۵۷. مقداری پول در یک صندوق قرض الحسنه گذاشته ام تا پس از گذشت مدتی به من وام بدهند و سال خمسی ام رسیده است، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. خمس ندارد ولی از جهت ربا، اصل گذاشتن پول در آن صندوق باید بر وجه شرعی باشد.

پول پس انداز شده جهت قرعه کشی

۳۶۵۸. آیا پولی که در حساب بانک برای قرعه کشی وجود دارد، خمس دارد؟

ج. اگر سال او برسد، خمس دارد.

سرمایه پس انداز شده

۳۶۵۹. پولی که خمس آن داده شده است اگر به عنوان سرمایه در بانک گذاشته شود، آیا سود آن حلال است یا خیر؟ آیا به این سود خمس تعلق می گیرد؟

ج. سود سپرده قرضی ربا و حرام است، مگر با معامله ی شرعیه در قبال سود باشد و آن سود حلال هم در زاید بر مؤونه خمس

دارد.

خمس پس انداز دانشجویی

۳۶۶۰. آیا به پس انداز دانشجویی که تحت تکفل خانواده است، خمس تعلق می گیرد؟

ج. بله خمس دارد؛ مگر از موارد مسأله ی ۱۳۹۱ رساله باشد.

پس انداز توسّط زن

۳۶۶۱. اگر مقداری از پولی را که شوهر برای خرجی خانه به زن می دهد پس انداز کند.

۱) آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

۲) سر سال خمسی شوهر حساب می شود یا زن؟

ج. حکم اموال شوهر را دارد، مگر آن چه به عنوان نفقه ی واجب زوجه باشد که ملك خود اوست و در هر دو صورت، زاید بر خرج سالِ هر کدام باشد، خمس دارد.

پس انداز برای مسکن و صرف در کار دیگر

۳۶۶۲. شخصی پولی را برای امر مورد نیاز – مانند مسکن – پس انداز می کند.

بعداً آن را در مصارف ضروری دیگر صرف می کند که اگر آن مصرف هم از اوّل می بود، برایش پس انداز می کرد. آیا آن پول خمس دارد؟

ج. خمس ندارد.

سود خمسی که به شخصی سپرده می شود تا به مرجع تقلید برساند

۳۶۶۳. شخصی مبلغی بابت سهمین مبارکین (خمس) تحویل این جانب داد که در قم تحویل مرجع دهم، جهت حفظ، آن را در بانک گذاشتم، هنگام دریافت، مبلغی به عنوان سود، علاوه بر اصل پول دادند، این سود مال کیست؟

ج. اگر شرط سود نشده بوده، اشکال ندارد و آن سود مال خمس دهنده یا صاحب حساب یا مستحق یعنی کسیست که خمس باید به او پرداخت شود، که اولویت با سوّمی است.

خمس پول و سود پول پس انداز شده در صندوق ذخیره فرهنگیان

۳۶۶۴. در صندوق ذخیره فرهنگیان ماهانه ۵ درصد از حقوق کارمندان را کسر می کنند و دولت هم به همین مقدار اضافه می

نماید و این صندوق فعالیت اقتصادی داشته و سود آن نیز به این مبلغ افزوده می شود و در پایان مدت خدمت، کلیه پول و سود ده ساله را به کارمند می دهند، سؤال اینست که این سود و اصل پول کسر شده و پولی که دولت می دهد، خمس دارد یا خیر؟

ج. اگر بعد از وصول، از خرج سال زیاد بیاید، خمس دارد.

خمس نفت ذخیره شده برای زمستان

۳۶۶۵. به علّت شرایط محیطی، تابستان هر سال مقداری نفت برای سوخت زمستان تهیه می کنم. آیا لازم است خمس آن را در موقع حساب سال بپردازم؟

ج. اگر ناچار از ذخیره آن هستید جزو مؤونه است و خمس ندارد.

خمس مالی که برای تهیه مایحتاج و ضروریات زندگی پس انداز می شود

۳۶۶۶. این جانب از مهاجرینی هستم که در ایران زندگی می کنم و خانواده ای تحت تکفّل دارم و خرج آنها را باید بدهم، اگر پولی جمع آوری کنم به این امید که وقتی به کشور خود بازگشتم بتوانم برای خود مایحتاج ضروریات زندگی را تأمین کنم، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. بنا به تفصیلی که در مسأله ۱۳۹۱ رساله ذکر شده است خمس ندارد، اما اگر بخواهد پس از مدت طولانی - مثلاً بعد از بیست سال - آن چیزها را بخرد، به طوری که عرفاً نگویند فعلاً به آن محتاج است، در این صورت پولی که پس انداز کرده، اگر از یک سال گذشت خمس دارد.

پس انداز برای خرید وسایل

۳۶۶۷. مقداری پول برای خرید اسباب و وسایل منزل پس انداز کردیم، ولی چون فعلاً خانه ی ما کوچک است نمی توانیم در این خانه از این وسایل - مثل فرش و ... - استفاده کنیم و در آینده مثلاً چند ماه دیگر خانه ای جدید می خریم و خرید آن وسایل برای منزل جدید مورد نیاز است.

آیا اگر سال خمسی ما فرا برسد خمس آن پس انداز را باید بدهیم؟

ج. اگر در موقع نیاز قدرت تهیّه ندارید، خمس آن واجب نیست.

قرض، وام و طلب

تعلق گرفتن خمس به پول قرضی

۳۶۶۸. اگر کسی مقداری پول به شخصی قرض دهد و او پس از یک سال آن را برگرداند، آیا خمس به این پول تعلق می

گیرد؟

ج. اگر سر سال به راحتی می توانست وصول کند خمس دارد وگرنه جزو درآمد سال وصول است.

کسر نمودن مبلغ سود داده شده ی وام از اموال خمسی

۳۶۶۹. در صورتی که ما وام بگیریم و سود را نیز پرداخت نماییم، در این صورت آیا مبلغ سود داده شده را از اموال خمسی می توانیم کسر نماییم، به طوری که با کسر نمودن سود داده شده از بقیه ای اموال خمس بدهیم؟ البتّه این در صورتیست که با وام تجارت و کسب نموده باشیم.

ج. در صورت مشروعیّتِ گرفتن و دادن سود و اینکه از مؤونه ی تجارت باشد مورد تخمیس، باقیمانده از ربح می شود.

خمس وام ازدواج

۳۶۷۰. آیا وام ازدواج خمس دارد؟

ج. خیر، ندارد.

حکم پول قرضی در صورت تأخیر بدهکار

۳۶۷۱. خمس پول قرضی در صورت تأخیر بدهکار چه حکمی دارد؟

ج. اگر بعد از سال خمسی بدهد طلبکار باید خمس آن را بدهد، اگر از خرج سال وصول زیاد آمد.

بدهی که اقساط آن چند سال طول می کشد

۳۶۷۲. کسی بدهی اقساطی دارد و اقساط آن چند سال طول می کشد، آیا می تواند همه ی بدهی را از درآمد سال کسر کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

پولی که برای پرداخت بدهی کنار گذاشته می شود

۳۶۷۳. شخصی به کسی بدهکار است، مقداری پول از درآمد سال خود را برای بدهی کنار می گذارد ولی موفق نمی شود تا پایان سال خمسی آن را به طلب کار برساند، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. بله، خمس دارد؛ مگر این که اگر تخمیس کند نتواند بعداً ادا کند که ناچار از ذخیره است و خمس ندارد.

خمس مطالبات

۳۶۷۴. مقداری پول به عنوان قرض الحسنه به کسی داده ام و او پس نمی دهد و سال خمسی این جانب رسیده است، آیا باید خمس آن را بدهم؟ اگر چند سال بعد آن را پس داد چه طور؟

ج. پس از آن که به شما داد اگر از خرج سال وصول زیاد آمد باید خمس زیادی را بدهید.

خمس پول اضافه آمده در حسابرسی سالانه صندوق قرض الحسنه

۳۶۷۵. در حسابرسی سالانه صندوق قرض الحسنه مقداری پول اضافه آمده است، آیا به این مبلغ خمس تعلق می گیرد؟

ج. اگر مالک یا مالکین مشخّص دارد، به آن خمس تعلق می گیرد.

خمس پولی که قرض می گیریم

۳۶۷۶. شخصی پولی را قرض گرفته و سر سال خمسی قرض گیرنده مقداری از آن یا همه ی آن در دست قرض گیرنده موجود است، آیا خمس دارد و شخص مقروض باید خمس آن را بدهد؟

ج. خیر، پول قرض گرفته شده خمس ندارد.

خمس دینی که بعد از چند سال وصول می شود

۳۶۷۷. کارمند دولت هستم و مقداری پول بابت حقوق و مزایا بر عهده دولت است که باید بپردازد و به عللی از جمله عدم توانایی یا مشکلات اداری، پس از دو سال پرداخت می شود. آیا مبلغ مزبور جزو درآمد سال محسوب می گردد یا بر اساس اینکه مربوط به دین گذشته است و سال بر آن گذشته، خمس دارد؟

ج. جزو درآمد سال وصول است.

احتساب بدهی شرعی سال های آینده به جای بدهی و دین مستحق

۳۶۷۸. مستأجری که از پرداختن وجه اجاره به صاحب خانه امتناع می ورزد و اظهار فقر می نماید، اگر در بررسی معلوم شود که توانایی پرداخت ندارد، اکنون هم فوت شده است، آیا صاحب ملک می تواند بدهی او را از واجبات شرعیّه خود در سال های آینده محاسبه نماید و ذمّه مستأجر به این وسیله آزاد گردد، در حالی که دسترسی به ورّاث ایشان هم نداشته باشد؟

ج. اگر احتمال دهد که ورثه از مال میّت، وفای دین را داشته باشند و این کار را می کنند، از ورثه تفحّص کند.

اگر مأیوس شد، می تواند احتساب کند و میّت را بریء الذمّه نماید تا تمام بدهکاری او تسویه شود.

خرج کردن مال خمس داده شده برای ادای قرض و جبران آن

۳۶۷۹. فردی مقداری پول خمس داده شده دارد یا پولی دارد که متَعَلُّق خمس نمی باشد.

در بین سال مقداری از آن را به نیّت پرداخت قرض، خرج می کند که از درآمد سال، آن مقدار خرج شده را جبران کند.

آیا این کار اشکال دارد؟

آیا به مبلغی از درآمد سالانه که به جای آن مقدار خرج شده، برداشته است خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اشکال ندارد و در آخر سال، همان مقدار سابق پول که مانده است، خمس ندارد.

دریافت قرض از کسی که معتقد به پرداخت خمس نیست

۳۶۸۰. اگر از شخصی پولی را به عنوان قرض الحسنه بگیریم و آن شخص معتقد به پرداخت خمس نیست، آیا گیرنده ی قرض حق تصرّف در این مبلغ را دارد؟

ج. اگر نداند که در داخل این، پول حرام یا خمس هست، بر او حلال است.

خمس پول قرض گرفته شده که قادر بر پرداخت آن است

۳۶۸۱. اگر مبلغی را از کسی قرض بگیریم و آن را خرج کنیم و سال خمسی ما فرا برسد، در حالی که ما به همان مقدار که قرض گرفته ایم پول درآورده ایم و قرض دهنده می گوید فعلاً به آن پول احتیاج ندارد، وظیفه ی ما بابت خمس این مقدار چیست؟

ج. اگر تا قبل از رسیدن سال آن پول را برای قرض پرداخت کند، خمس ندارد و در غیر این صورت خمس دارد.

چک هایی که بعد از سال خمسی وصول می شود

۳۶۸۲. چک هایی که تاریخ آن قبل از وقت سال خمسیست ولی به علّتی بعد از سال از حساب صاحب چک برداشت شده و کسر می گردد، آیا خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. مقداری که برای ادای بدهی در حساب بوده، مربوط به طلب کار بوده و چک هم که در دست طلب کار است مربوط به قبل از سال خمسیست و خمس ندارد.

دین پرداخت شده در سال خمسی جزو خرج و مؤونه آن سال حساب می شود

۳۶۸۳. کشاورزانی هستیم که می خواهیم با وامی که از دولت به ما داده می شود، چاه عمیق حفر کنیم و به صورت قسطی، سال به سال وام آن را بپردازیم و سال خمسی نیز داریم، آیا این چاه و موتور آب آن جزو سرمایه زراعت است که بین هر سال که اقساط وام را می دهیم سر سال باید آن را حساب نموده و خمس آن را بدهیم، یا پس از تمام شدن اقساط، مجموع آن را حساب نموده، خمس آن را بدهیم یا اینکه به آن خمس تَعَلُّق نمی گیرد؟

ج. ظاهر اینست که در هر سالی هر چه از بدهکاری پرداخت شود، مستثنی می گردد و داخل مؤونه آن سال می شود و سرمایه ی مورد نیاز هم خمس ندارد.

داشتن طلب و بدهی چند برابر آن طلب

۳۶۸۴. اگر کسی از عدّه ای مقداری طلب دارد و چند برابر آن بدهکار است، آیا به محض وصول، خمس به آن تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر سال بر آن گذشته، خمس آن به محض وصول باید پرداخت شود، اگر سر سال به راحتی می توانسته وصول کند؛ وگرنه جزو درآمد سال وصول است.

مبلغ اضافی آخر سال در صورت داشتن قرض

۳۶۸۵. اگر انسان در آخر سال، مبلغی موجودی داشته باشد ولی قرض هم دارد و آن را برای مؤونه و خرج همان سال قرض کرده باشد، در صورت ادای قرض با این پول آیا این پول جزو خرج و مؤونه محسوب می گردد؟

ج. اگر قرضش را با آن پول ادا کند، جزو مؤونه است و اگر ادا نکند باید خمس موجودی را بدهد، مگر اینکه ادای دین در سال بعد متوقّف بر ندادن این خمس باشد که در این صورت خمس ندارد و می تواند احتیاطاً آن را نزد شخصی به عنوان ادای دین، امانت بگذارد.

کسر بدهی

۳۶۸۶. شخصی که مقروض است و زمان پرداخت آن، بعد از سال مالی است، آیا می تواند در حساب سال، آن مقدار قرض را کسر کند و باقیمانده را حساب نماید؟

ج. چون در بین سال ادا نکرده نمی تواند کسر کند، مگر مثل مسأله قبلی باشد.

کسر قرض از موجودی

۳۶۸۷. کسی که تاکنون حساب سال نداشته است، اکنون می خواهد خمس اموال خود را بپردازد. مقداری بابت خرج زندگی و مبلغی هم جهت تهیه ی سرمایه مقروض است.

آیا قرضش از موجودی کسر می شود؟

ج. اگر قرضش را بپردازد کسر می شود.

کسی که مقدار بدهی اش از دارایی او بیشتر است

۳۶۸۸. کسی که حساب سال دارد و هر سال خمس اموالش را می دهد. اگر در پایان سالش مقدار قرض او بیشتر از مقدار داراییش باشد، آیا خمس آن مقدار از داراییش را باید بپردازد؟

ج. اگر دارایی را برای ادای دین لازم دارد و درآمد سال بعد کفاف پرداخت دین را نمی کند، می تواند در آن صرف کند و خمس ندهد.

اضافه آمدن مواد غذایی و داشتن قرض

۳۶۸۹. کسی که برای خرج سالش قرض کرده است، در آخر سال مقداری از مواد غذایی اضافه آورده است.

آیا باید خمس آن را به همراه بقیّه ای درآمدها بپردازد یا بدهی سال از قیمت آن کسر می شود؟

ج. با اذن حاکم شرع می تواند کسر کند و اگر این مواد را از همان مالِ قرض کرده تهیّه کرده، خمس ندارد.

پول قرض یا بورسیه به دانشجو

۳۶۹۰. پولی را که دانشگاه ها به دانشجویان به عنوان قرض یا بورسیّه می دهند که بعداً به تدریج پس گرفته می شود با گذشت سال، خمس دارد؟

ج. مال قرضی خمس ندارد و امّا حقوقی که به دانشجو داده می شود، اگر صرف مؤونه نشود، خمس دارد.

وصول طلب بعد از سال و بدهکار بودن

۳۶۹۱. طلب کاری پس از گذشت سال خمسی اش، طلبش را وصول می کند ولی در آن سال گذشته، به همان مقدار بدهکار بوده است و پس از وصول، پول را به جای قرضش می دهد. آیا باید خمس آن را بپردازد؟

ج. اگر سر سال به راحتی متمکن از وصول آن نبوده، خمس ندارد.

خمس پس انداز برای ادای قرض

۳۶۹۲. اگر فردی قرضی داشته باشد که برای ادای آن به صورت تدریجی تا چند سال باید پس انداز کند، در چه صورت آن مقدار خمس ندارد؟

ج. اگر قرضی دارد که برای ادای آن باید تدریجاً تا چند سال جمع کند، جزو مؤونه حساب می شود و اگر در آخر سال مقدار جمع شده را نزد حاکم شرع یا شخص دیگری برای ادای دین امانت بگذارد، موافق احتیاط است.

مطالباتی که سر سال وصول نشده

۳۶۹۳. در صورتی که کارمندی از دولت یا اشخاصی مطالباتی داشته باشد که تا سر سال خمسی وصول نکرده باشد، آیا پس

از وصول خمس به آن تَعَلّق می گیرد؟

ج. اگر سال قبل امکان وصول نداشته، جزو درآمد سال وصول است.

کمک و قرض به داماد مستحق و خمس آن

۳۶۹۴. آیا جهت کمک به داماد مستضعف می توان به او قرض داد و آیا به این پول خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. قرض دادن مانعی ندارد، بلکه پسندیده است؛ ولی اگر سر سال خمسی، می تواند به راحتی از او بگیرد، خمس دارد.

خمس وام

۳۶۹۵. اگر عدّه ای به قصد تشکیل صندوق قرض الحسنه مبلغی را ماهیانه از حقوق خود پس انداز کنند تا بعد از یک سال به همدیگر وام بدهند، آیا به این مبلغ بعد از گذشت یک سال خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر فقط برای قرض دادن و قرض گرفتن پس انداز می شود خمس دارد و پرداخت آن بر مالک است.

بله، اگر پس انداز برای مؤونه ی زندگی باشد، به شرحی که در مسأله ی ۱۳۹۱ رساله آمده، خمس ندارد.

منافع صندوق قرض الحسنه

۳۶۹۶. آیا به صندوق قرض الحسنه ای که با آن تجارت می کنند و درآمد آن به نفع خود صندوق است و ملک شخصی و قابل ارث نمی باشد، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. مانند مالکیت دولت و هیأت است که ملک جهت است.

پس منافع صندوق خمس ندارد؛ زیرا در خمس باید ملک شخصی باشد.

پول ودیعه

۳۶۹۷. شخصی مبلغی پول از کسی گرفته تا برای او کاری انجام دهد و سال خمسی او (شخص پول گیرنده) فرا رسیده، در حالی که مقداری از پول ها باقی مانده و هنوز در مقابل آن کار نکرده است، آیا به این پول خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر به عنوان ودیعه در دست اوست و مالک آن نیست، بر او خمس واجب نیست وگرنه با سایر شرایط، واجب است هر چند کار آن را انجام نداده باشد.

خمس پولی که وام گرفته ایم

۳۶۹۸. شخصی وام گرفته است که عین آن موجود است و اقساط آن را از پولی که متَعَلُّق خمس نمی شود، - مثل ارث یا

شهریه - پرداخته است، آیا به این وام خمس تَعَلَّق می گیرد؟

ج. خمس ندارد.

خمس وامی که با قناعت کردن اقساط آن پرداخت می شود

۳۶۹۹. اگر کسی وام بگیرد و با قناعت کردن بتواند اقساط آن را پرداخت کند و پول وام را صرف درختکاری کند، آیا به این مبلغ وام، خمس تعلق می گیرد؟ مراد از قناعتی که تکلیف خمس را بر می دارد چیست؟

ج. قناعت، تکلیف خمس را بر نمی دارد ولی مورد وام مزبور خمس ندارد.

خمس مواد غذایی باقیمانده سر حساب سال خمسی در صورت مقروض بودن

۳۷۰۰. اگر سال خمسی فرا برسد و مقداری از مواد غذایی که از درآمد سال تهیه شده است، مصرف نشده باشد و از طرف دیگر برای تأمین سایر مخارج زندگی (شامل مواد غذایی، پوشاک و ...) مقروض باشیم به طوری که مبلغ قرض و بدهی خیلی بیشتر از مواد غذایی مصرف نشده باشد.

آیا بایستی قیمت مواد غذایی محاسبه گردد و خمس آن پرداخت شود یا خمس ندارد؟

ج. بله، باید خمس مواد خوراکی داده شود و بدهی و قرض از موجودی کسر نمی شود؛ مگر مصداق مسأله ی ۱۴۰۰ رساله باشد.

خمس وامی که برای سرمایه قرار دادن گرفته می شود

۳۷۰۱. شخصی از صندوق قرض الحسنه وام گرفته و به عنوان سرمایه قرار داده است.

آیا باید خمس وام را بپردازد یا این که تا تمام وام باز پرداخت نشده است خمس ندارد؟

ج. اصلاً سرمایه ی مورد نیاز زندگی خمس ندارد.

پول مخمّسی که قرض داده می شود و بدهکار آن را از پول غیر مخمس پس می دهد

۳۷۰۲. اگر پول مخمّس (خمس داده شده) قرض داده شود و مقترض (بدهکار) از منافع کسب سالش قرض را ادا کند و یا از پول غیر مخمّس پرداخت کند، آیا طلب کار بعد از وصول باید خمس آن را پرداخت کند؟ آیا اساساً لازم است در این خصوص تفحص و تحقیق شود یا نه؟

ج. تفحص و تحقیق لازم نیست و تا یقین به تعلق خمس به عین مالِ پس داده شده ندارد، خمس آن لازم نیست.

تورّم، کاهش و افزایش قیمت

خمس ترقّی قیمت

۳۷۰۳. آیا زیاد شدن قیمت خمس دارد؟

و اگر از تورّم باشد چه حکمی دارد؟

ج. اگر در عرف به آن سود صدق می کند، خمس دارد؛ بعد از فروش و عدم مصرف در مؤونه دیگر.

مال ارزانی که قیمت آن بالا می رود

۳۷۰۴. مال ارزانی اضافه قیمت پیدا می کند و صاحبش با فروش آن تجارت می کند.

آیا به این زیادتی خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. این زیادتی منفعت است و در زاید بر مؤونه مَتَعَلُّق خمس است.

ارزی که به قیمت آزاد فروخته می شود

۳۷۰۵. ارزی که به قیمت دولتی خریداری شده و سپس به قیمت آزاد فروخته می شود، آیا تفاوت قیمت دولتی و آزاد مَتَعَلُّق خمس می باشد؟ و اگر سر سال خمسی فروخته نشود و در سال آینده این تبدیل صورت گیرد، آیا مَتَعَلُّق خمس خواهد شد؟

ج. اگر بین سال خمسی خرید و فروش شود، در مازاد بر مؤونه ی سر سال خمس دارد و اگر تا سال خمسی باقی مانده و نفروخته، اگر جزو سرمایه ی کسبیست که درآمد آن صرف مؤونه می شود خمس ندارد و در غیر این صورت خمس دارد.

اموالی که رشد قیمت دارند

۳۷۰۶. اگر به دلیل تورّم و کاهش ارزش پول داخلی در مقابل ارزهای خارجی، مثلاً سرمایه ی کسی که یک تن آلومینیوم به قیمت سیصد هزار تومان داشته و خمس آن را داده یک باره حدود یک میلیون تومان افزایش یافته و مقدار همان است، امّا ریال آن تغییر کرده و سودی در کار نیست و اگر بخواهد برای این افزایش خمس بدهد پس از دو سه سال اصل سرمایه در معرض خطر قرار می گیرد.

وظیفه چیست؟

ج. با فرض این که عرفاً فایده و ربحی در بین نیست، ترقّی مزبور خمس ندارد.

نحوه احتساب خمس در صورت گران شدن قیمت ها در سال بعد

۳۷۰۷. گاهی خمس جنسی را می دهیم و سال بعد، قیمت همان جنس زیادتر می شود.

آیا زیادتی خمس دارد؟

ج. اگر خود جنس تفاوتی نکرده و زیادی برای تورّم و کاهش ارزش پول باشد، زیادتی خمس ندارد و اگر زیادتی به غیر از تورّم باشد، در غیر تکمیل مورد نیاز سرمایه خمس دارد.

خانه ای که ترقّی نموده و صرف در هزینه ی فرزندان شده

۳۷۰۸. شخصی خانه ای را خریده و خمس آن را هم داده است.

پس از سال قیمت خانه خیلی بیشتر شده است و اکنون می خواهد آن را صرف مخارج فرزندانش کند.

آیا باید خمس زیادتی آن را بپردازد؟

ج. اگر مورد نیاز سکونت او نبوده، باید خمس زیادتی آن را بپردازد، مگر این که از اوّل آن را به این نیّت پس انداز کرده باشد که مانند نگهداری جهیزیّه دختر می شود.

زمینی که ارزش آن چند برابر شده

۳۷۰۹. زمینی سال ها پیش خریده شده و امروز قیمتش چند برابر شده و هنوز هم ساخته نشده است، آیا خمس دارد؟

و اگر خمس دارد به قیمت خرید یا قیمت روز؟

ج. اگر برای تکسّب خریده است، خمس دارد و به قیمت روز محاسبه می شود.

تبیین معنای «پرداخت خمس اجناس به قیمت روز»

۳۷۱۰. آنچه در رساله های عملیّه آمده است:

«خمس اجناس را باید با قیمت روز پرداخت» منظور از قیمت روز چیست؟

قیمتی که می توان مانند این جنس را از بازار خرید یا قیمتی که جنس موجود ارزش دارد؟

ج. یعنی قیمتی که نوع معاملات فعلی مربوط به آن جنس، بر طبق آن است.

چگونگی محاسبه ترقّی قیمت بازار با توجه به تورّم

۳۷۱۱. معمولاً ـ با افزایش قیمت یک جنس در بازار، اجناس دیگر هم گران می شود، یعنی تورّم ایجاد می شود و اجناس کم و بیش با هم گران می شوند. در چنین فرضی که هر ترقّی قیمتی، سود واقعی حساب نمی شود، افزایش و ترقّی قیمت بازار چگونه محاسبه می شود؟

ج. ملاـک در خمس، ترقّی قیمت بـا سـود واقعی است، نه افزایش قیمت از جهت تـورم پـول و می تـوان برای تشـخیص آن به خبره مراجعه کرد.

ملاک و معیار در ترقّی قیمت

۳۷۱۲. با توجه به مسأله تورم هر ساله در بازار و کاهش ارزش و قدرت خرید ریال، زمین و خانه و اجناس اضافه قیمت صوری و ظاهری پیـدا می کننـد، بهای ریالی آنها زیاد می شود ولی در واقع ارزش آنها تغییر نکرده و یا به اندازه افزایش ظاهری تغییر نکرده است.

بـا این حسـاب اگر بخواهیم بر اساس همین افزایش قیمت ظاهری و ریالی، خمس اموال را حساب کرده و بـدهیم، بعـد از چند سـال چیزی از سـرمایه برایمـان نمی مانـد، علاوه بر این که به مخارج زنـدگی هم نمی رسـیم. بفرماییـد ملاک در ترقّی قیمت اجناس چیست؟

محاسبه ارزش آنها با توجه به ارزش ریال و پول ارایه شده توسط بانک مرکزیست یا قیمت دلار و یا چیز دیگر؟

ج. ظاهراً بانک می تواند تفاوت بین ترقّی قیمت از جهت تورم و ترقّی از جهت قیمت واقعی را مشخص کند.

کیفیت محاسبه خمس سرمایه ای که ترقّی قیمت پیدا کرده

۳۷۱۳. شخصی از درآمد سال، ملک یا چیز دیگری برای تجارت و سرمایه خریده و تا آخر سال ترقّی کرده و ۱۰۰ هزار تومان ارزش پیدا کرده و خمس آن را نداده است.

در پایان سال دوم ارزش آن ۲۰۰ هزار تومان شده است، الآن خمس آن چگونه محاسبه می شود؟

ج. سرمایه در حد شأن زندگی اصلاً خمس ندارد و در فرض سؤال، اگر به آن خمس تَعَلُّق گرفته، قیمت فعلی آن میزان است.

خمس مالی که افزایش قیمت پیدا کرده

۳۷۱۴. اگر جنسی با کوپن یا غیره خریداری شده و الآن سر سال خمسی، قیمت آن بالا رفته، به کدام قیمت حساب می شود؟

ج. اگر متعلق خمس باشد، قیمت فعلی آن حساب می شود.

خمس جنسی که قیمت آن نوسان دارد

۳۷۱۵. تاجری جنسی را به قیمت ارزان خریداری می کند و تا سال بعد در مغازه می ماند و قیمت آن بالا می رود و خمس آن را نمی دهد. در سال بعد قیمت آن کم می شود، حکم خمس آن چگونه است؟

ج. اگر آن جنس، جزو سرمایه باشد، حکم همان سرمایه را دارد.

تورّم

۳۷۱۶. اگر کسی خمس سرمایه ی خود را داد و با گذشت یک سال مالی، در اثر تورّم ناشی از افزایش حجم پول در گردش، ارزش پولی آن افزایش یافت، آیا در اینجا ربح و سود صدق می کند و مشمول خمس می شود یا خیر؟

ج. اگر سرمایه در حد شأن او باشد خمس ندارد و در تورّم، صدق سود نیست.

خمس سود افزوده

۳۷۱۷. در سال گذشته، خمس دارایی خود را پرداخت کرده ام. اگر امسال بیست هزار تومان نسبت به پارسال بیشتر باشد، خمس به همه موجودی تعلق می گیرد یا خیر؟

ج. خیر، به همان بیست هزار تومان تعلق می گیرد.

میزان در خمس، قیمت فعلیست

۳۷۱۸. شخصی به هنگام محاسبه ی خمس زمینی که ده سال پیش خریده است، قیمت خرید زمین را به حسب دلارِ روزِ خرید محاسبه کرده و قیمت کنونی آن را نیز بر حسب دلار به قیمت امروز محاسبه می کند و خمس ما به التّفاوت آن را می پردازد. آیا عمل ایشان صحیح است؟

ج. اگر خمس اصل را داده و یا متَعَلَّق خمس نبوده است، آن عمل صحیح است و در غیر این صورت به قیمت فعلی خمس آن را می پردازد.

کاهش ارزش پول

۳۷۱۹. در چند سالی که خمس نداده ام قسمت زیادی از خمس آن مال ها را به صورت نقد جدا نموده و کنار گذاشته ام. امّا در این مدّت، ارزش پول کاهش یافته و قیمت اجناس و طلا بالا رفته است.

آیا آن که به صورت نقد نگه داشته ام را عیناً بپردازم، یا این که باید میزان کاهش ارزش آن را هم محاسبه و به آن اضافه نموده و پرداخت نمایم؟ و در صورت اخیر، میزان در تعیین تفاوت ارزش پول، تغییر قیمت طلا است، یا راه حل دیگری دارد؟

ج. با مجتهد خودتان مصالحه نمایید.

معدن و گنج

تَعَلُّق خمس به معدن

۳۷۲۰. فردی می خواهد بدون مجوّز دولت از معادن و منابع ملّی، معدنی را استخراج کند و در آن تصرّف نماید. آیا خمس به

آن تَعَلّق می گیرد؟

ج. شرعاً باید با رسیدن به حد نصاب، خمس آن را بدهد و باید رعایت کند به عنوان ثانوی که معرضیّت برای مجازات دولتی هم نباشد.

پرداخت خمس گنج

۳۷۲۱. حلّیت گنج، در صورت دادن خمس و ضبط گنج از طرف دولت چگونه جمع می شود؟

ج. با دادن خمس گنج با شرایط آن، گنج برای یابنده حلال است (مسأله ی ۱۴۲۳ و ۱۴۲۵).

جبران اموال مخمّس از درآمد سال

جبران کسری مال خمس داده شده از سود

۳۷۲۲. شخصی مقداری پول مخمّس دارد که خمس آن را سال قبل پرداخته، سال بعد مقداری از آن را صرف کرده است.

آیا می تواند به همان مقدار از سود سال خمسی را به جای آن بردارد و خمس بقیه سود را بدهد؟

ج. مانعی ندارد.

جبران پول مخمَّس از درآمد سال

۳۷۲۳. پولی مخمَّس (خمس داده شده) به عنوان مضاربه در اختیار بانک قرار داده ام، پس از مدتی آن را گرفته و مصرف زندگی کرده ام، آیا می توانم از منافع همین سال آن را جبران کنم؟

ج. مانعی ندارد.

تلف سرمایه و جبران آن از منفعت سال

۳۷۲۴. از سرمایه کسب، مصرف مؤونه و خرج زندگیم شده است، آیا می توانم در همین سال خمسی اگر منفعتی به دستم آمد آن را جبران کنم؟ از منفعت و درآمد سال خمسی آینده چه طور؟

ج. می توانید مقداری را که از سرمایه برداشته اید، از منافع کسر کنید و سال آینده هر چند از باب جبران نباشد، ممکن است به عنوان تکمیل سرمایه مورد نیاز باشد.

(به مسأله ی ۱۴۰۱ مراجعه شود.)

مواردی خمس آن پرداخت شده ولی واجب نبوده

۳۷۲۵. این جانب خانه ای به فرزندم بخشیدم و در اختیار او گذاردم، پس از مدتی که در خانه بود، به جهت بعضی اختلافات، خانه را از او گرفتم و فروختم. سپس پول را به او دادم تا برای خود خانه ای تهیه کند و از طرفی خمس این پول را پرداختم، سپس متوجه شدم که چون خانه را به فرزندم بخشیده بودم، حق رجوع نداشته ام و خانه شرعاً متَعَلُّق به او بوده است، آیا خمسی را که پرداخت کرده ام، می توانم از خمس سال بعد کسر کنم؟

ج. نیاز به اجازه دارد.

کسر از منافع

۳۷۲۶. هرگاه از سرمایه مصرف کند، آیا سال بعد می تواند از منافع کسری آن را جبران کند؟

ج. آن مقدار از سرمایه ای که صرف زندگی می شود را می تواند جبران کند.

مصالحه و دستگردان

معنی دستگردان در خمس و ثمره ی آن

۳۷۲۷. معنی دستگردان در خمس چیست و ثمره ی آن چه می باشد؟

ج. دستگردان اینست که حاکم شرع یا وکیل او با کسی که خمس بدهکار است و توانایی دادن آن را به راحتی ندارد، مقدار خمس را اخذ و اعطا می کند و ثمره ی آن اینست که خمس از عین به ذمّه منتقل می شود و بدهکارِ خمس بعداً آن را - هر چند به تدریج - می دهد.

معنای مصالحه

۳۷۲۸. معنای مصالحه کردن در خمس را با یک مثال روشن فرمایید که آیا مصالحه، بخشیدن مقداری از بدهی خمسی مکلَّف و پرداخت کننده خمس است یا چیز دیگری است؟

ج. معنای مصالحه بخشیدن نیست؛ بلکه در موردیست که مقدار خمس معلوم نیست که حاکم شرع در اینجا با شخص - مثلاً - مصالحه به نصف می کند.

حکم مصالحه به کمتر از بدهی

۳۷۲۹. آیا با فرض اشتغال ذمّه مکلّف به مبلغی خمس و تمکّن و توان پرداخت و ادای آن، مصالحه به کمتر ممکن است؟

در فرض عدم تمکّن و توان از پرداخت چه طور؟

ج. مصالحه به کمتر از مبلغ معیّن کافی از خمس نیست و با فرض عدم تمکن، جای دستگردان و مهلت دادن است.

چگونگی پرداخت خمس دستگردان شده از درآمد سال آینده

۳۷۳۰. در موقع رسیدن سال خمسی، مبلغ ده هزار تومان خمس بدهکار شدم و با وکیل مجتهدم دستگردان کردم، آیا می توانم از منافع سال آینده؛ آن را بپردازم؟

ج. بله، جایز است.

دستگردان و تحویل خمس به یکی دیگر از وکلای مرجع تقلید

۳۷۳۱. مقلّدین حضرت عالی که به یکی از وکلای شما دستگردان کرده اند، آیا می توانند بقیه بدهی خود را به وکیل دیگر شما بدهند؟

اگر مستقیماً به خود دفتر شما تحویل دهند چه طور؟

ج. مانعی ندارد.

خمسی که با مرجع تقلید دستگردان شده و ...

۳۷۳۲. اگر کسی با مرجع تقلید خود خمس را دستگردان کند، قبل از پرداخت بدهی خمسی خود، آن مرجع فوت کند، تکلیف او چیست؟

ج. باید آن را به مرجع حی اعلم بدهد یا با اجازه ی او بدهد.

دستگردان خمس سرمایه و رجوع به دیگری

۳۷۳۳. شخصی به فتوای مجتهدی که خمس سرمایه را لازم می دانسته، خمس سرمایه را حساب کرده و دستگردان نموده است، اکنون به جنابعالی رجوع کرده. آیا می تواند به فتوای جنابعالی مقداری را که دستگردان کرده نپردازد؟

ج. معنای دستگردان، مدیون شدن نسبت به طرف است، با فرض این که در آن هنگام طبق تقلید خود به عنوان وظیفه نه خطا، ادای خمس کرده است و مدیون بیت المال گردیده؛ اکنون هر چند باید به مقلد (مرجع تقلید) خود بپردازد ولی او می تواند طبق تشخیص خود از او نگیرد.

کسی که دستگردان کرده و اموالش از بین رفته

۳۷۳۴. فردی وجوه شرعیه اش را دستگردان کرده و بدهکار شده است.

تمام اموالش در حادثه ای از بین می رود. آیا ذمّه اش از آن دین خالی شده است؟

ج. ذمّه اش از آن دین فارغ نمی شود و باید با تمکّن به مقدار میسور بپردازد و مانند سایر دیون مالیّه است.

امکان پرداخت خمس دستگردان شده از درآمد آینده

۳۷۳۵. فردی که حساب سالش را کرده و مالش را دستگردان کرده است، آیا می تواند بعداً از درآمد سال بعد آن خمس را ادا کند یا باید خمس آن مقدار از درآمد را بدهد؟

ج. می تواند و دیگر واجب نیست خمس آن مقدار از درآمد را بدهد.

دستگردان و رجوع به دیگری

۳۷۳۶. فردی وجوهات مالش را با مرجع تقلیدی دستگردان کرده و بعداً مقلّد مرجع تقلید دیگری شده است.

آیا برای دادن آن به مرجع تقلید اوّل، نیاز به اذن مرجع تقلید دوّم دارد؟

ج. اگر بخواهد آن را به مرجع اوّلی بدهد، باید با اذن دوّمی باشد.

چگونگی دستگردان مبلغ خمس

۳۷۳۷. اگر به خودمان مبلغی به عنوان خمس تَعَلُّق بگیرد و نتوانیم یک مرتبه بپردازیم، دست گردان آن به چه صورت است؟

(در صورتی که مجاز در دستگردان باشیم)

ج. از جانب @مجیز که حق گرفتن را دارد بگیرد، پس از آن از جانب ایشان تا مدّتی به خودش قرض بدهد، به طوری که در پرداختش اخلال به امور نباشد.

طریقه محاسبه خمس بعد از دستگردان

۳۷۳۸. این جانب سال گذشته صد هزار تومان داشتم، مبلغ بیست هزار تومان آن را به عنوان خمس دستگردان کردم و تمام صد هزار تومان را در بانک گذاشتم. اکنون سال خمسی ام فرا رسیده، آیا اگر بیست هزار تومان از درآمد امسال پرداخت کنم کافی است؟

ج. بله، کافی است.

حکم تصرف در اموال کسانی که خمس خود را دستگردان کرده ولی ...

۳۷۳۹. کسانی که سال قرار می دهند و دستگردان می کنند، ولی بعداً وجه دستگردان شده را نمی دهند یا مقدار کمی از بدهکاری خمسی خود را داده و بقیه را نمی دهند، آیا تصرف در خانه و اثاث خانه و بقیه اموالشان جایز است؟

ج. تصرف در اموالشان جایز است، ولی مدیون خمس هستند.

حکم بخشیدن مقداری از خمس به پرداخت کننده خمس توسط وکیل مرجع تقلید

۳۷۴۰. کسانی که از حضرت عالی اجازه اخذ وجوهات و دستگردان و مصالحه دارند، آیا می توانند در موقع حساب خمسِ اشخاص، مقداری از خمس را به آنها ببخشند؟

ج. خیر، نمی توانند.

نماز در لباسی که با پول خمس داده نشده تهیه شده است

۳۷۴۱. اگر کسی با پول خمس داده نشده، لباس خریداری کند و در آن نماز بخواند حکم آن چیست؟

ج. اگر از عین پولی که خمس آن را نداده لباس بخرد تا زمانی که از پول دیگری خمس آن را نداده، نماز خواندن در آن لباس حرام و بنا بر احتیاط باطل است.

نگاه کردن به تلویزیونی که خمس به آن تعلق گرفته است

۳۷۴۲. نگاه کردن و یا گوش دادن به تلویزیونی که خمس به آن تعلق گرفته است هم برای صاحب آن و هم برای دیگران چه حکمی دارد؟

ج. تصرف و استفاده از مال متعلق خمس جایز نیست، مگر با دستگردان در مبلغ واجب آن.

حکم لباسی که به ذمه خریده و پول آن را از مال خمس نداده، پرداخته است

۳۷۴۳. شخصی لباس را به ذمه خریده و پول آن را از پولی که متعلق خمس بوده است پرداخته است، آیا معامله او درست است؟

نماز در آن لباس چه حکمی دارد؟

لطفاً خریدن به ذمّه را هم توضیح دهید؟

ج. خرید به ذمه، مقابل خرید به عین است و در فرض مزبور معامله و تصرف در آن لباس مانعی ندارد.

حکم مصرف پول های مُتَعَلِّق خمس و غیر متعلق خمس و جدا کردن آن با نیّت

۳۷۴۴. شخصی دارای دو نوع پول است، یکی پولی که خمس آن را قبلاً- پرداخته یا خمس به آن تَعَلُّق نمی گیرد و دیگری پولی که از درآمد سال او است.

اگر این پول ها با هم مخلوط شوند، آیا می تواند با نیّت یکی از آنها را مشخص کند؟ مثلًا از پولی که درآمد سال اوست در مؤونه و مخارج زندگی صرف کند تا پول برای او باقی بماند.

اگر پول های مذکور در بانک باشد چه طور؟

ج. مانعی ندارد.

رفتن به منزل کسانی که انسان علم دارد خمس اموال خود را نپرداخته اند

۳۷۴۵. رفتن به منزل افرادی که انسان علم دارد خمس اموال خود را نپرداخته اند، چه حکمی دارد؟

ج. تا علم به بودن خمس در مال مورد ابتلا ندارد، تصرف در آنها مانعی ندارد.

غسل کردن با آب خانه خمس نداده

۳۷۴۶. خانه ای که با پول خمس نداده ساخته می شود آیا با آب آن خانه می توان غسل کرد؟

ج. بله، می شود.

استفاده طلاب از غذای کسانی که خمس نمی دهند

۳۷۴۷. طلاب و اهل علمی که جهت تبلیغ و غیره به منزل افرادی می روند که می دانند اهل خمس نیستند و در خانه و روی فرش آنها نماز می خوانند و از غذای آنها مصرف می کنند، بفرمایید در این موارد چه وظیفه ای دارند؟

ج. اگر علم به بودن خمس در مال مورد ابتلا ندارند، تصرف در آنها مانعی ندارد.

شک در خمس

شک در تَعَلُّق خمس و پرداخت خمس

۳۷۴۸. چیزی را که انسان نمی داند به آن خمس تَعَلُّق گرفته یا نه و یا نمی داند خمس آن را داده است یا نه، آیا خمس دارد؟

ج. صورت اوّل خمس ندارد و در صورت دوّم که تَعَلُّق خمس به آن یقینی است، باید خمس بدهد.

پرداخت خمس برای رفع تردید

۳۷۴۹. اگر انسان در درآمد سالانه ی خود دقیق نبوده و پس از بررسی در آخر سال به مقداری پول برخورد کند که نداند به چه صورت به دست او رسیده، آیا از راه معامله بوده یا با دریافت وام قرض الحسنه و یا دیگر موارد، آیا می تواند جهت رفع تردید خمس آن را پرداخت کند؟

ج. اگر یقین ندارد که آن نقدینه متَعَلِّق خمس واقع شده، خمس آن واجب نیست.

ولی برای رفع تردید، تخمیس مانع ندارد.

ندانستن مبلغ جنس های مصرف شده

۳۷۵۰. این جانب در سال های گذشته، گاهی مقادیری پارچه و چیزهای دیگر برای مصرف خانواده نگهداری و پس از چند سال بدون پرداخت خمس مصرف کرده ام و در حال حاضر که تصمیم به پرداخت خمس آنها دارم نمی دانم مقدار و قیمت آن چه قدر بوده است.

وظیفه چیست؟

ج. به اندازه ای که یقین دارید، خمس آن را بپردازید و احتیاطاً با حاکم مصالحه کنید.

شک در تاریخ درآمد

۳۷۵۱. کسی که بعد از بلوغ فقط در یک مورد درآمد داشته است که تاریخ آن هم مجهول است و شک داشته که آن مبلغ را صرف مؤونه نموده است یا نه و بعد از چند سال آن مبلغ را مصالحه کرده، آیا سال خمس او همان تاریخ مصالحه می باشد؟

ج. در تعیین سال خمس مخیّر است و عملاً با حصول فایده جدیده یا شروع به کسبی که درآمد تدریجی دارد، شروع می شود.

چیزی که شک در گذشت سال بر آن هست

۳۷۵۲. در لابلای اثاث منزل یا کتاب ها مبلغی پول یا نظیر آن را می بینیم که شک می کنیم سال بر آن گذشته است یا خیر، آیا باید خمس آن را داد؟

ج. اگر معلوم نشد، خمس ندارد.

شک در این که پول های مصرف شده در سال های قبل متَعَلَّق خمس بوده یا نه

۳۷۵۳. اگر کسی شک کند آیا پول هایی که در سال های قبل مصرف کرده، متَعَلَّق خمس بوده یا نه تکلیف او چیست؟

ج. اگر سال خمسی دارد، تکلیفی ندارد.

مصرف خمس (سهم امام علیه السّلام)

خمس را به چه کسانی باید داد

۳۷۵۴. خمس اموال را به چه کسی باید پرداخت کرد و در کجا باید مصرف شود؟

ج. خمس را باید دو قسمت کنند.

یک قسمت آن سهم سادات است که بنا بر احتیاط واجب باید با اذن مجتهد جامع الشرائط به سید فقیر یا سید یتیم، یا به سیدی که در راه درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند و در صورت عدم مطالبه مجتهد، به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند.

حکم پرداخت خمس و سهم امام به پدر و مادر خود که فقیرند

۳۷۵۵. پدر و مادرم وضع مناسبی ندارند، آیا می توانم مبلغی از سهم امام علیه السّلام را به آنها کمک کنم؟

ج. در خصوصیات، از مرجع تقلید یا وکیل او اجازه بگیرید.

پرداخت خمس به نوه دختری

۳۷۵۶. آیا به نوه دختری می شود خمس و زکات داد یا خیر؟ برای تأمین مخارج تحصیل آنها چه طور؟

ج. ظاهراً برای تأمین مخارج تحصیل با رعایت شرایط دیگر آن می شود.

برگرداندن پول خمس

۳۷۵۷. خانه ای مدّتی قبل از شخصی خریداری شده بود و مبلغی برای خرید این خانه مانده است، بعد از عقد قرارداد شخص بنگاهی این مقدار مانده ی پول را بابت خمس قبول می کند و معامله تمام می شود و سند خانه هم طبق قرارداد به نام حقیر می شود.

امّا بعد از مدّت چند ماهی که گذشت این شخص قبول کننده، از عمل خود پشیمان می شود. آیا پشیمانی این شخص لازم می کند مبلغی را که قبول کرده بود بابت خمس به او برگردانده شود یا نه؟

ج. برگرداندن لازم نیست.

مصرف مقداری از وجوهات برای رفع مشکلات

۳۷۵۸. آیا وکلای مراجع می توانند مقداری از وجوهات شرعی را در رفع مشکلات مردم - مانند اصلاح ذات البین و ... - مصرف کنند؟

ج. با اجازه ی مراجع می توانند.

صرف سهم مبارک امام علیه السّلام در بعض مراکز اسلامی خارج کشور

۳۷۵۹. از آنجا که ما در کشور پاکستان زندگی می کنیم و در کشور مذکور هیچ نوع تبلیغات اسلامی از طرف کشور صورت نمی گیرد، بالخصوص دربارهی مکتب اهل بیت علیهم السّلام. چنان چه بعضی از ادارات تعلیم و تربیت اسلامی توسط خود

مردم تأسیس شده که این مراکز بودجه مخصوصی ندارند و از نظر مالی در مضیقه اند.

آیا اجازه می فرمایید سهم مبارک امام علیه السّلام را به این مراکز تحویل دهیم؟

ج. با مسؤولیت متصدّی در تشخیص موضوع و در این که در غیر مصرف صرف نشود، بلکه فقط در تقویت ایمان مؤمنین صرف شود و محل دیگری از وجوه برای اینها نباشد و گرفتن و صرف از حیث کمیّت و کیفیت در مریی و محضر شهود موثقین باشد، مانعی ندارد.

لزوم اجازه گرفتن در پرداخت وجوه خمس به مراجع دیگر

۳۷۶۰. آیا مقلّد حضرت عالی می تواند سهم مبارک امام و سادات را به مجتهد دیگر یا وکلای مجتهد دیگر پرداخت نماید؟

ج. در موارد خاصّه استجازه نماید.

تصرّف در خمس

وظیفه زن و فرزند کسانی که خمس پرداخت نمی کنند

۳۷۶۱. وظیفه زن و فرزند کسانی که خمس بدهکارند و پرداخت نمی کنند در مصرف اموال و غذاها چیست؟

ج. تا علم به بودن خمس در مال مورد ابتلا ندارند، تصرف در آنها مانعی ندارد.

صرف وجوهات شرعیّه برای جنگ زدگان، ساخت یا تجهیز مدارس

۳۷۶۲. آیا اجازه می فرمایید از وجوهات شرعیّه به جنگ زدگان، ساخت مدارس یا تعمیر، تجهیز و خرید وسایل مورد نیاز مدارس، دانشگاه های دولتی و آزاد و پیام نور و مواردی از این قبیل پرداخت شود؟

ج. باید هر موردی با خصوصیّات ملاحظه شود تا این که مورد اجازه بشود.

پرداخت وجوهات شرعیّه در قالب هدیه به مستحق دریافت

۳۷۶۳. اگر شخصی وجوهات شرعیّه از قبیل سهم امام علیه السّلام یا سهم سادات بر ذمّه دارد و می خواهد به دیدن یک طلبه یا یک سیّد مستحق برود، آیا می تواند چیزی خریده و به عنوان هدیه منزل نو یا عروسی به خانه آنها ببرد و از وجوهات خود حساب نماید؟

ج. اگر قبول وجوهات می کنند و آنچه را که می خرد به عقیده ی آنها به مبلغ بیشتر از قیمت خریداری نشده است، ظاهراً می تواند به آنها برساند، در صورتی که دهنده و گیرنده در تصرّف آن خمس مجاز باشند.

ساخت مسجد با سهم مبارک امام علیه السّلام

۳۷۶۴. جهت ساختمان مسجدی که اطراف آن مردمی مستضعف زندگی می کنند، آیا می توان از سهم مبارك امام علیه السّلام مصرف کرد؟

ج. اگر محل دیگری نداشته باشد، از فقیه عادل اجازه بگیرند و این عمل را انجام دهند.

ساخت نمازخانه در مدارس با وجه سهم امام علیه السّلام

۳۷۶۵. آیا اجازه می فرمایید از وجه سهم مبارك امام علیه السّلام در مدارس و امثال آن نمازخانه ساخته شود؟

ج. با وجود سایر شرایط مذکور در سؤال قبل، اشکالی ندارد.

صرف ثلث سهم مبارک امام علیه السّلام در ساختمان امامزاده

۳۷۶۶. بعضی از مؤمنین پیشنهاد کمک به وسیله ی وجوهات به ساختمان امامزاده ای را نموده اند، با توجه به اینکه ساختمان مسجد هم در این مجموعه ی ساختمانی هست، آیا می توانیم وجوهات شرعیّه را به مصرف ساختمان امامزاده و مسجد ملحق به آن برسانیم؟

ج. در ضروریّات این ساختمان، نه در تزیینات، در صورتی که محل دیگری برای صرف در آن نباشد، - مانند وجوه بریّه و تبرّعات - و متصدّی ها امین باشند، مانعی ندارد مقداری از سهم امام، هر چند به ثلث برسد، در این مطالب صرف شود.

استفاده از خمس برای مدرسه

۳۷۶۷. آیا برای هزینه تجهیز مدرسه مثل ساختن آشپزخانه و تعمیرات دیگر می توان از سهم امام علیه السّلام انجام داد، یا این که در هر مورد خاص اجازه جداگانه لازم دارد؟

ج. اجازه ی جداگانه لازم است.

استفاده از خمس در توسعه ی مسجد

۳۷۶۸. آیا از پول خمس و سهم امام می توان در توسعه ی مسجد استفاده نمود یا خیر؟

ج. از سهم سادات برای مسجد نمی شود استفاده کرد، سهم امام هم نیاز به اجازه دارد.

خرج برای امور خیر از کسی که سال نداشته

۳۷۶۹. کسی که سال خمسی نداشته و مبالغی در امور خیریّه از قبیل مسجد و حسینیه و بیمارستان خرج کرده است، چه باید بکند؟

ج. اگر معلوم نیست که از ربح بین سال خرج کرده، بنا بر احتیاط با حاکم شرع مصالحه ای بنماید.

صرف پول در امور خیر

۳۷۷۰. کسی که بخش اعظم درآمدش را صرف کاری کرده است که رجحان شرعی دارد، - مثل ساختن مسجد و ... - آیا جزو مؤونه و مخارج زندگی به حساب می آید، یعنی در آن هم ملاحظه ی شأن می شود که در مازاد بر آن خمس داشته باشد؟

ج. بله، ملاحظه ی شأن می شود.

مصرف خمس در امور فرهنگی

۳۷۷۱. آیا از پول خمس می توان در راه مصارف فرهنگی استفاده نمود؟

ج. در هر موردی باید اجازه بگیرد.

مصرف خمس (سهم سادات)

لزوم احتیاطی اجازه در سهم سادات

۳۷۷۲. آیا در پرداخت سهم سادات اجازه مجتهد شرط است؟

ج. احتیاطاً در سهم سادات، اجازه لازم است.

محاسبه پولی که به سید فقیر داده می شود به عنوان خمس

۳۷۷۳. هر سال مبلغی را به سیدی فقیر می دهیم، آیا این مبلغ را می توانیم خمس حساب کنیم؟

ج. احتیاطاً باید با اجازه از مرجع تقلید یا وکیل او باشد.

جواز تبدیل سهم سادات به جنس و فروش نسیه ای آن به فقیر

۳۷۷۴. آیا می توانیم مبلغ سهم سادات را تبدیل به جنسی کنیم و آن را به عنوان نسیه به فقیر بفروشیم و پس از آن، بابت خمس، حساب کنیم؟

ج. مانعی ندارد.

پرداخت سهم سادات به پدر

۳۷۷۵. شخصی که تحت کفالت پدر خود است، آیا می تواند سهم سادات را به پدر واجد شرایط خود بدهد؟

ج. در خصوصیات، استجازه کند.

دادن سهم سادات برای سفر زیارتی

۳۷۷۶. آیا شرعاً می توان سهم سادات را به سیّد فقیر داد که با آن به سفر عمره یا دیگر سفرهای زیارتی برود؟

ج. بلی، بلکه اگر این کار را ضمن عقد خارج لازم شرط کند، عمل به آن بر آن فقیر واجب می شود.

پرداخت خمس به فرزند خود که سید است

۳۷۷۷. شخصی خودش سید است، آیا می تواند به فرزندش که تحصیل می کند و کاری ندارد از بابت سهم سادات خمس بدهد یا از سهم سادات دیگران باید بدهد؟

ج. از سهم سادات دیگران با اجازه از مرجع می تواند بدهد و نسبت به سهم ساداتِ خودش نمی تواند خوراك و پوشاك او را از خمس بدهد؛ ولی اگر مقداری خمس ملك او کند که به مصرف دیگری غیر مخارج خودش - که بر خمس دهنده واجب است - برساند، مانعی ندارد.

صرف خمس اموال در هزینه زندگی برادر معمول خود که سید است

۳۷۷۸. سیدیست فقیر و معلول که برای حضانت و مراقبت از او مخارج زیادی لازم است.

آیا برادر و خواهر او می توانند مخارجی را که صرف نگهداری و خوراك و پوشاك او می کنند، بابت بدهی خمس خود حساب کنند؟ پول هایی که قبلاً برای او خرج کرده اند چه طور؟

ج. با اجازه ی از مرجعشان می توانند و پول هایی که به قصد تبرّع خرج کرده اند، نمی توانند حساب کنند.

پرداخت خمس به سید فقیر بدون اطلاع او از خمس بودنش

۳۷۷۹. آیا لازم است به سید فقیر بگویند این وجه بابت سهم سادات است یا اطلاع دادن به او لزومی ندارد؟

ج. لزومی ندارد.

حکم استفاده یک زن سیده از خمس برای مخارج خانواده فقیر خود

۳۷۸۰. خانمیست سیده و شوهر او سید نیست و فقیر و عایله مند می باشد، آیا می تواند خمس بگیرد؟

ج. بله، می تواند (مسأله ی ۱۴۵۶ رساله).

حکم استفاده از سهم سادات برای مخارج خود و فرزندان سید خود

۳۷۸۱. خانمیست غیر سیده که سرپرستی اطفال سید خود را به عهده دارد، آیا می تواند از سهم سادات برای مخارج خود و

فرزندان خود استفاده کند؟

ج. برای مخارج فرزندان می تواند استفاده کند.

پرداخت سهم سادات به سید فقیر

۳۷۸۲. سیّد فقیریست که فرزندانش مخارجش را می دهند ولی وی نمی خواهد زیر بار منّت آنان باشد و آن را خواری و مهانت می داند. آیا سهم سادات به چنین فردی تَعَلُّق می گیرد؟

ج. می تواند سهم سادات را بگیرد؛ گرچه احتیاط اینست که با اجازه ی سیّد دیگری آن را بگیرد.

افرادی که از مادر به حضرت زهرا علیها السّلام منتسب هستند

۳۷۸۳. خواهشمند است نظر مبارکتان را در مورد سؤالات ذیل مرقوم فرمایید:

۱) آیا افرادی که مادرشان و یا مادر بزرگشان [چه از طریق مادر و یا پدر هر چند، چند نسل گذشته] سیّده بوده اند، سیّد می باشند و از فرزندان حضرت فاطمه ی زهرا علیها السّلام محسوب می شوند؟

ج. از ذریّه هستند در آثار اخرویّه.

۲) آیا افرادی با خصوصیّات مذکور اجازه دارند از احکام اختصاصی سادات [خمس و ...] استفاده نمایند و عمّامه ی مشکی بگذارند و سیادت خود را ابراز نمایند؟

ج. از خمس نمی توانند استفاده کنند و هم چنین از لباس سیادت.

ملاک سیادت

۳۷۸۴. آیا افرادی که سید هستند باید اجدادشان به ائمه برسد یا به قبیله بنی هاشم؟

ج. باید نسب آنها به قبیله بنی هاشم برسد.

خمس مالی که سادات به عنوان سهم سادات می گیرند

۳۷۸۵. خمسی که سادات به عنوان سهم سادات می گیرند، در صورتی که از مخارج سال آنها اضافه بیاید، آیا خمس دارد؟

ج. اگر با گرفتن این مال دیگر فقیر نباشد، واجب است خمس آن را بدهد.

لزوم فقیر دانستن خود برای دریافت خمس

۳۷۸۶. آیا سیدی که می خواهد خمس بگیرد لازم است خود را فقیر بداند تا بتواند خمس قبول کند؟

ج. بله، لازم است.

پشیمانی پرداخت کننده خمس

۳۷۸۷. اگر کسی خمس خود را با اجازه مرجع تقلیدش به سید فقیر بدهد ولی بعداً از پرداخت خمس به آن سید فقیر پشیمان شود، آیا آن سید باید آن پول را به او برگرداند یا خیر؟

ج. خیر.

مسائل متفرقه خمس

جایگاه خمس در اسلام

۳۷۸۸. آیا وجوب خمس - مانند وجوب نماز و روزه - از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر می شود؟

ج. بله، اصل وجوب خمس از ضروریات است.

جواز تغییر سال خمسی برای فرار از پرداخت خمس

۳۷۸۹. آیا جایز است سال خمسی را برای فرار از پرداخت خمس تغییر داد؟ مثلاً فردی قرار است دو روز پیش از سال خمسی پولی به دستش برسد، سال خمسی را به ده روز جلوتر تغییر می دهد تا آن پول از درآمد سال آینده اش باشد.

ج. جایز است، زیرا تأخیر خمس هر چیزی تا سر سال مبتنی بر ارفاق و سهولت در کار است.

بخشش برای فرار از خمس

۳۷۹۰. آیا جایز است قبل از رسیدن سال اموال خود را به قصد فرار از خمس ببخشد؟

ج. اگر بخشش زاید بر شأن او نباشد، جایز است.

فرار از خمس با صرف مازاد درآمد خود در خرید وسایل و لوازم زندگی

۳۷۹۱. آیا انسان می تواند قبل از فرارسیدن سال خمسی برای فرار از خمس، مازاد درآمد خود را برای خرید قالی، یخچال، تلویزیون و سایر لوازم زندگی مصرف کند؟

ج. مانعی ندارد.

تلف شدن خمس دست واسطه

۳۷۹۲. طلبه ای خمس و وجوه شرعیه ای را از مردم می گیرد تا به مرجع تقلید برساند. بین راه دزد به او برخورد می کند و آن اموال را می برد. آیا وی ضامن می باشد؟

ج. اگر بدون تعدّی و تفریط بوده، او ضامن نیست و ذمّه آن دهنده هم بریء شده است.

مفقود شدن پولی که خمس به آن تعلق گرفته است

۳۷۹۳. شخصی مقداری پول داشته که به آن خمس تعلق گرفته و قبل از پرداخت خمس، پول های مذکور مفقود شده است، تکلیف او چیست؟

ج. اگر در نگهداری آن افراط یا تفریط نکرده، دیگر تکلیف ندارد.

مال حلال مخلوط به حرامی که باید دو بار خمس آن را داد

۳۷۹۴. مال حلال مخلوط به حرام در چه صورتی باید دو بار خمس آن را پرداخت؟

ج. اوّل خمس سبب حلیت را می دهد و اگر زاید بر مؤونه بوده، باز خمس دیگری را می دهد.

خمس منازل کسی که چند ماه در شهر و چند ماه در روستا زندگی می کند

۳۷۹۵. کسی که چند ماه از سال در شهر و چند ماه دیگر را در روستا زندگی می کند، اگر یک خانه در شهر و خانه ای دیگر در روستا بخرد، آیا به آنها خمس تعلق می گیرد؟

ج. خیر، تعلق نمی گیرد.

خمس زمینی که به قیمت کمتر از قیمت اصلی و واقعی آن فروخته می شود

۳۷۹۶. پدری یک قطعه زمین را به قیمت یکصد و پنجاه هزار تومان به فرزندش فروخت، حال آن که قیمت واقعی آن بیش از یک میلیون تومان است، در این صورت آیا باید خمس مبلغ پرداخت شده بابت زمین را بپردازد یا خمس ارزش واقعی آن را؟

ج. اگر خمس به آن زمین تعلق گرفته بوده، باید خمس ارزش واقعی آن را بدهد.

معیار معافیت از خمس به استفاده کردن و مصرف وسایل و ارزاق

۳۷۹۷. آیا معیار جهت معافیت خمس، استفاده کردن وسایل تا مدّت یک سال از تاریخ خرید است یا استفاده کردن از آنها تا رسیدن به سال خمسی؟ مثلاً اگر برنج بخرد و تا یازده ماه بعد تمام شود ولی سر سال خمسی درآمد کشاورزی او و یا مغازه او پنج ماه بعد باشد، آیا به آن برنج خمس تعلق می گیرد، حتی اگر برای هر حقوق و درآمدی سال جداگانه قرار داده باشد؟

ج. بله؛ آن برنج متعلق خمس است چون کسی که یک نوع رشته کسب دارد برای تمام درآمد آن باید یک سال خمسی قرار

دهد؛ مگر از مصادیق مسأله ی ۱۴۰۰ رساله باشد.

حکم پرداخت وجوهات به روحانیون مقیم شهرها و روستاها

۳۷۹۸. آیا اجازه می فرمایید مقلّدین حضرت عالی وجوه شرعیّه خویش را به روحانیونی که در منطقه هستند یا با حوزه علمیه قم ارتباط دارند و مدعی هستند که آن وجوه را به حوزه علمیه می رسانند پرداخت کنند؟

ج. مجازید به آنها بدهید ولی از آنها رسید و قبض مرجع خود را مطالبه کنید.

حکم خمس مال وصیت شده

۳۷۹۹. شخصی وصیت کرده موجودی و اموالش را به یکی از بستگانش بدهند، آیا پس از دریافت مال باید خمس آن را بدهد یا این که مال وصیّت شده حکم ارث را دارد؟

ج. در زاید بر مؤونه علی الاحوط خمس دارد.

خمس قبر خریداری شده

۳۸۰۰. شخصی قبری برای خود خریده است، آیا باید خمس آن را بدهد؟ و اگر در سال خرید فوت کند، آیا باید خمس پول خرید را از ترکه او بدهند؟

ج. اگر از سود بین سال قبل خریده است، وقتی سال بر آن گذشت باید خمس آن را بدهد.

پولی که از درآمد سال جایگزین پول خمس داده شده می گردد

۳۸۰۱. این جانب سال گذشته در اوّل سال خمسی خود مبلغ یکصد هزار تومان پول مخمس (خمس داده شده) در بانک داشتم، در سال جاری این پول را به تدریج صرف مایحتاج منزل کردم. ولی در آخر سال از درآمد امسال همان مبلغ را مجدداً در بانک گذاشتم، بفرمایید آیا باید خمس این مبلغ را هم بدهم؟

ج. خیر، لازم نیست.

کسی که از اوّل تکلیف خمس نداده و حالا فقیر شده است

۳۸۰۲. کسی از اوّل تکلیف بنا داشته خمس بدهد؛ ولی مسامحه کرده و خمس نداده و اکنون فقیر شده و توانایی پرداخت خمس را ندارد، تکلیف او چیست؟

ج. همان طور که سایر بدهی های او ساقط نمی شود، خمس مال او نیز ساقط نمی شود و باید به حاکم شرع مراجعه کند.

تعویض پول خمس با پول دیگر

۳۸۰۳. پولی به کسی داده می شود تا بابت خمس به مرجع تقلید برساند، آیا می تواند آن پول را برای خود برداشته و از پول خود به جای آن بگذارد؟

ج. قبل از تبدیل آن به پول دیگر، نمی تواند در آن تصرف کند.

نحوه ی شناخت نماینده مرجع تقلید

۳۸۰۴. بعضی از علمای محل، ضمن محاسبه خمس، آن را گرفته و خود قبض می دهند، نظر حضرت عالی چیست؟

و نماینده مسلّم شما را چه طور می توان شناخت و مطمئن شد که نماینده شما در دریافت خمس است؟

ج. به هر کسی که می دهید، از او قبض مرجع خود را طلب کنید.

دریافت وجوهات توسط وکیل یک مرجع از مقلدین مراجع دیگر

۳۸۰۵. کسی از مرجعی اجازه اخذ وجوهات و تصرف در قسمتی از آن را دارد، آیا می تواند از مقلّدین مراجع دیگر هم وجوهات دریافت کند؟

ج. خیر، باید با اجازه از آن مراجع دیگر باشد.

خمس پولی که فقیر بابت زکات و یا رد مظالم می گیرد

۳۸۰۶. پولی که فقیر بابت زکات دریافت کرده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، آیا خمس دارد؟

پولی را که بابت رد مظالم گرفته چه طور؟

ج. اگر با گرفتن آن مال دیگر فقیر نباشد، واجب است خمس آن را بدهد.

فروش خانه مورد نیاز برای خریدن مغازه

۳۸۰۷. اگر خانه ام را بفروشم و از پول آن دو باب مغازه خریداری کنم تا آنها را اجاره داده و با پول اجاره آنها، منزل مسکونی اجاره نمایم و بقیه درآمد حاصل از اجاره ی مغازه را صرف تأمین زندگی و احیاناً تهیه منزل شخصی نمایم. آیا این مغازه ها سرمایه کسب محسوب می شود و مشمول خمس است؟

ج. سرمایه محسوب می شوند و خمس ندارند، (مسأله ی ۱۴۰۱ رساله).

خمس مقبره

۳۸۰۸. برای دفن اعضای خانواده از درآمد وسط سال مقبره ای می خرد. آیا جزو مؤونه و مخارج حساب می شود یا باید

خمس آن را بدهد؟

ج. اگر در زمان خرید مورد استفاده قرار گیرد، خمس ندارد و در غیر این صورت سال بعد خمس دارد، (مسأله ی ۱۳۹۹ رساله).

حکم خمس ربا

۳۸۰۹. شخصی مقداری ربا داده. آیا پول ربا جزو مخارج سال است و خمس ندارد و یا از قبیل اسراف و حرام است و خمس آن را باید بدهد؟

ج. اگر مضطر نبوده، از قبیل دوّم است.

پول مصرف شده در حرام

۳۸۱۰. اگر از درآمد وسط سال صرف حرام کند - مثلاً چیز حرامی را بخرد - آیا خمس آن را باید بدهد؟

ج. خمس آن را باید بدهد.

ریا در خمس

۳۸۱۱. فردی هنگام دادن خمس، قصد قربت ندارد و آن را به ریا می دهد امّا بعداً قصد قربت می کند، آیا خمس، صحیح پرداخت شده است؟

ج. حاکم شرع می تواند آن را اجازه کند که خمس صحیحاً واقع شود.

ذخیره تدریجی وسایل کسب و صنعت

۳۸۱۲. شخصی نزد صنعتگری کار می کند هفته ای مقداری پول به عنوان مزد می گیرد و گاهی پولی را مشتری ها بر اساس رسم معمول به عنوان شاگردانه می دهند. مشار الیه برای این که در آینده بتواند روی پای خود ایستاده و به دیگران محتاج نشود، هر چند وقت یک بار پول های جمع آوری شده را در بازار به لوازم صنعتی که بعداً احتیاج پیدا خواهد کرد، می دهد تا پس از چند سال که استاد می شود، وسایل مورد نیاز صنعتی را داشته باشد و مستقلاً خود مشغول کار شود. آیا به این ابزار که سال بر آنها گذشته، خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر چاره ای جز ذخیره تدریجی برای ضروریات آینده ندارد، خمس ندارد.

تداخل اسباب وجوب خمس

۳۸۱۳. با توجه به اینکه خمس به هفت سبب بر انسان واجب می شود. در صورت اشتراک بعضی از این اسباب یک خمس

دادن کافی است؟

ماننـد اینکه شخصـی هم معـدن ذغال سـنگ دارد و هم مال حلالش با حرام مخلوط شـده و هم بر منافع از معدن ذغال سـنگ سال گذشـته. آیا شخص مذکور از اموالش یک خمس بدهد کافیست یا یک مرتبه به عنوان استخراج از معدن و یک مرتبه به عنوان اختلاط حرام با حلال و یک مرتبه هم به عنوان این که از کسبش سود اضافه بر مخارج سالش آمده بدهد؟

ج. باید با هر یک سبب، خمس خاص به آن با شروط مخصوصه به آن پرداخت شود.

نحوه محاسبه خمس دو شریک

۳۸۱۴. این جانب با پدرم یک جا کار و کاسبی داریم. به طوری که فرقی بین اموال این جانب و اموال ایشان وجود ندارد و بنا نیز نداریم که حساب خودمان را از همدیگر جدا کنیم. اموال ما خمس نیز دارد، لطفاً چگونگی مسأله را مرقوم فرمایید.

ج. اگر هر دو توافق در خمس داریـد، مجموع اموال را قیمت گذاری کرده و تخمیس و پرداخت کنید و اگر خصوص یکی از دو شـریک خمس می دهد، نسبت به اموال خودش تخمیس صحیح می کند و آن را پرداخت می نماید و در اختلاط مخمّس با غیر به وظیفه عمل می کند.

پولی که کارفرما جهت بازخرید کارگر پرداخت می کند

۳۸۱۵. کارمند، پولی را هنگام اخراج یا خروج از اداره یا کارگاه به عنوان بازخرید می گیرد.

آیا گرفتن آن جایز است؟

آیا کارفرما خمس پولی را که از این بابت می دهد، باید پرداخت کند یا خمس ندارد؟

ج. جـایز نیست بگیرد، اگر مزد خود را طلب نـدارد و یا ضـمن قرارداد شـرعی شـرط نشـده است و در هر صورت اگر کارفرما ناچار است پرداخت کند، جزو مؤونه ی اوست و خمس ندارد.

نحوه پرداخت خمس محتاط در تقلید

۳۸۱۶. شخصی محتاط بین چند مرجع تقلید می باشد.

وی خمس خود را چگونه باید بپردازد؟

ج. خمس واجبش را به مصـرفی برساند که مورد توافق آنها باشد از حیث کم و کیف در مصرف و باید از طرف تمام آنها هم مأذون باشد.

خمس پولی که بابت معامله سلف پرداخت می شود

۳۸۱۷. جنسی را به صورت سلف خریداری کرده ام و پول آن را پرداخته ام ولی پیش از تحویل جنس سال خمسی ام فرا رسیده است، آیا باید خمس پول را بپردازم؟

ج. خیر، خمس ندارد.

خمس پولی که صرف حرام و کارهای خلاف شأن می شود

۳۸۱۸. شخصی مقداری از درآمد سال خود را برای خرید نوارهای مبتذل و اشیای غیر ضروری که در شأن انسان نیست مصرف کرده است، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج. بله، خمس دارد.

خمس موادی که با بن کارمندی می دهند

۳۸۱۹. مواد لازم - مانند صابون و پودر لباسشویی و حبوبات - که با بن کارمندی به ما می دهند، اگر از مصرف سال زیاد بیاید آیا خمس دارد؟

ج. بله، خمس دارد.

خمس پول حاصل از بازخرید در صورت نیاز

۳۸۲۰. این جانب بعد از چند سال کار در یک کارخانه، خود را بازخرید کردم و مبلغی را که به عنوان بازخرید گرفتم، آن را به عنوان مضاربه به کسی داده ام و با سود آن امرار معاش می کنم و راه دیگری برای تأمین معاش ندارم، آیا باید خمس مبلغ بازخرید را بدهم؟

ج. خیر، خمس ندارد.

ارشاد کسی که نمی داند خمس در اموال اوست

۳۸۲۱. اگر انسان بداند بر گردن شخصی خمس هست امّا خود او نمی داند، آیا لازم است او را ارشاد کند؟

ج. اگر جاهل به حکم نیست، لازم نیست.

تَعَلُّق نگرفتن خمس به چیزی که خمس آن داده شده

۳۸۲۲. خمس مالی را پرداخت کرده. آیا سال بعد هم به آن مال خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر یک بار خمس آن مال داده شده، دو مرتبه خمس ندارد.

جواز پرداخت خمس از مال دیگر

۳۸۲۳. آیا خمس مال را باید از خود آن مال پرداخت نمود یا از پول دیگر هم می شود پرداخت کرد؟

ج. از پول دیگر هم می تواند بدهد.

خانواده بی بضاعت

۳۸۲۴. از خانواده ای بی بضاعت هستم. آیا خمس به ما تعلق می گیرد؟

ج. اگر نمی توانید خرج سال خود را تأمین نمایید، اگر سر سال پول و یا چیزهایی از مؤونه در خانه زیاد بیاید، می توانید آنها را در مخارج مورد نیاز مصرف کنید و خمس ندارد.

پاک شدن اموال صاحبان شغل حرام

۳۸۲۵. آیا کسانی که مالشان مشکوک است - مثل تریاک فروشی یا مشروب فروشی - اگر خمس مالشان را بدهند و شغلشان را نیز عوض کنند آیا مالشان حلال خواهد شد؟

اگر جواب منفیست تکلیف خانواده های آنها چه می شود؟

ج. اگر مال حرام یقینی باشد که با دادن خمس اصلاً حلال نمی شود و اگر مخلوط به حرام باشد، به مسأله ی ۱۴۲۷ رجوع شود و در صورت دوم خانواده های آنان تکلیفی ندارند.

تأخیر در خمس

۳۸۲۶. آیا می توان خمس را تأخیر انداخت؟

ج. خیر، مگر این که مبلغ خمس را از اموالش جدا کند و یا با حاکم شرع مصالحه یا استمهال کند.

(مسأله ی ۱۴۱۲ رساله).

پرداخت خمس مال حرام یا مال خمس داده نشده

۳۸۲۷. اگر کسی اقدام به خوردن مال غیر مخمس یا حرام کرده می تواند خودش خمس آن را بدهد؟

ج. اگر مال خمس داده نشده را مصرف کرد، می تواند خمس آن را بدهد اما در مصرف مال حرام، ضامن است.

حکم کسی که تا به حال خمس نداده

۳۸۲۸. اگر انسان چند سال خمس مالش را نداده باشد، پس از توبه چگونه باید عمل کند؟

ج. اگر از منـافع کسب چیزی که به آن احتیاج نـدارد خریـده و یک سال از خریـد آن گذشـته، بایـد خمس آن را بدهـد ولی اثـاث خانه و چیزهای دیگر که نیاز داشـته و مطابق شأن خود خریـده، اگر بدانـد که از فایـده در بین سال خود آنها را خریـده، خمس واجب نیست و اگر ندانـد، احتیاطاً با حاکم شـرع مصالحه کند (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۴۱۵ رساله رجوع شود).

خمس کتاب های کتابخانه

۳۸۲۹. آیا کتاب هایی که برای تشکیل کتابخانه خریداری می شود خمس دارد؟

ج. اگر معرضیت برای استفاده داشته باشد خمس ندارد و هم چنین اگر مالک خاص نداشته باشد، خمس ندارد.

حکم آن چه از سود خمس دار خریده

۳۸۳۰. تکلیف امرار معاش و ساخت خانه ای که از سود سرمایه ی خمس دار استفاده کرده چیست؟

ج. خانه و آن چه را به نحو متعارف به ذمّه تهیه و تصرّف کرده مالک است؛ ولی باید خمسی را که بدهکار شده بپردازد.

عوض شدن عین پولی که خمس ندارد

۳۸۳۱. به پولی که خمس به آن تَعَلُّق نمی گیرد اگر عینش عوض شود خمس دارد یا خیر؟

ج. حکم سابق خود را دارد.

کم نمودن مخارج سالیانه از سود

۳۸۳۲. اگر سـرپرست خانواده مثلاً مسافرت باشـد و افراد خانواده از غیر درآمد خرج نموده اند که خمس ندارد، – مثل ارث – و بعد از برگشت از سـفر و قبل از سال خمسـی، آیا می تواند مخارج سالیانه ی خانواده و بدهی که دارند از درآمد کم کند و جای آن اموال برداشته شده را جبران کند؟

ج. مانعی ندارد.

خرید با مال خمس داده شده

۳۸۳۳. این جانب از یکی از شـرکت های دولتی که فروشـنده قطعات ماشین آلات سنگین است، طی چند فقره خرید، اجناسی را خریـداری نمودم که طبق آیین نامه ی شـرکت آن اجناس فقط به دارندگان ماشـین آلات فوق فروخته می شود. [البتّه همین قطعات تا سال قبل این خرید به طور آزاد فروخته می شده است] سپس قطعات خریداری شده را به قیمت بالاتری فروختم. آن موقع این معامله را برای خود توجیه نموده بودم ولی حالا به نظرم درست نمی آیـد. خمس مبلغ اولیه خرید را داده بودم و پول اولیه پاک بوده است.

در مراجعه به روحانی محل ایشان فرمودند پول اوّلیه را کنار گذاشته و بقیّه ای مال را تخمیس نمایم. حال جهت اطمینان خواهشمندم این جانب را برای تطهیر مال راهنمایی فرمایید؟

ج. اگر معامله صحیح بوده و از آن سودی برده اید، به سود آن در زاید بر مؤونه خمس مُتَعَلِّق است.

(برای روشن شدن حساب به وکیل این جانب در وجوه شرعیّه مراجعه شود.)

لزوم پرداخت به مجتهد زنده

۳۸۳۴. کسی که بر تقلید از میّت باقیست اگر خمس خود را به دفتر همان مرجع از دنیا رفته پرداخت نماید، بریء الذمّه می شود؟ یا باید به مجتهد زنده پرداخت کند؟

ج. باید به مجتهد زنده جامع الشّرایط بدهد.

جواز تعویض پولِ جدا شده برای وجوه شرعی

۳۸۳۵. پولی را که برای وجوه شرعیّه، جدا و تعیین شده، آیا می توان آن را مصرف نمود و با پول دیگر عوض کرد؟

ج. اگر مقصود فقط تعویض قبل از مصرف باشد، مانعی ندارد.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۳۶. امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و در این مورد وظیفه چیست؟

ج. اگر کسی واجبی را انجام نمی دهد و یا معصیتی را به جا می آورد، در صورت تحقق شرایط ذیل بر دیگران واجب است او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند:

۱) علم به حکم شرعی؛

۲) احتمال تأثیر؛

۳) اصرار بر ترک واجب و یا انجام دادن معصیت؛

۴) عدم مفسده و اگر کسی مستحبی را ترک و یا مکروهی را به جا می آورد، امر به معروف و نهی از منکر او مستحب است.

(مسأله ی ۱۶۰۸ رساله).

ملاک معروف و منکر

۳۸۳۷. آیا ملاک معروف و منکر فقط واجبات و محرمات است یا معروف و منکر عقلی، اخلاقی و عرفی را نیز شامل می شود؟

ج. حد وجوب امر به معروف و نهی از منکر، در همان واجبات و محرمات است.

قصد قربت در امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۳۸. آیا در انجام امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط است؟

ج. برای ترتّب ثواب بر آن، قصد قربت شرط است.

عدالت در امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۳۹. آیا در امر به معروف و نهی از منکر، عدالت شرط است؟

ج. شرط نیست.

عامل بودن آمر به معروف

۳۸۴۰. آیا آمر به معروف باید عامل به معروف باشد؟

ج. شرط وجوب نیست، گرچه در صورت عامل بودن تأثیر آن بیشتر است.

امر به معروف و نهی از منکر در صورت یاس از تأثیر آن

۳۸۴۱. آیا امر به معروف و نهی از منکر در صورت یأس از تأثیر آن بازهم واجب است؟

ج. در صورت یأس، جواز بلکه رجحان امر به معروف و نهی از منکر در صورت عدم خوف ضرر، خالی از وجه نیست.

مفسده چیست

۳۸۴۲. منظور از عدم مفسده در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج. مفسده در اینجا عبارت است از ضرر جانی یا آبرویی و یا مالی قابل اعتنایی که در صورت وجود چنین مفسده ای امر به معروف و نهی از منکر بر انسان واجب نیست.

ساقط دانستن امر به معروف، با وجود مراکز متولّی این امر

۳۸۴۳. بـا وجـود مراکز فرهنگی و نظـارتی متفـاوت در جـامعه، آیـا می تـوان امر بـه معروف و نهی از منکر را از خـود سـاقط دانست؟

ج. با وجود شرایط آن، بر همگان لازم است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۴۴. لطفاً مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان فرمایید:

ج. ۱) انکار قلبی؛

۲) اظهار کردن به زبان؛

۳) متألّم کردن معصیت کار. (مسأله ی ۱۶۱۰ رساله).

کراهت قلبی از انجام منکر

۳۸۴۵. آیا کراهت قلبی از انجام منکرات، واجب است؟

ج. واجب است.

مراتب اظهار زبانی امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۴۶. آیا اظهار زبانی امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی دارد؟

ج. اگر انسان بدون گفتن، به هر وسـیله دیگر ناراحتی قلبی خود را به معصـیت کار نشان دهد و این کار موجب ترک معصیت شود، لازم نیست با زبان امر به معروف و نهی از منکر بنمایـد، البته اگر هیـچ گونه اشـکال شـرعی دیگری در این کار نباشد و اگر چاره ای به جز اظهار زبانی نیست، باز باید درجات خفیف تر را در اظهار زبانی ملاحظه نماید.

لج بازی طرف مقابل

۳۸۴۷. اگر در امر بـه معروف و نهی از منکر حس کردیـم طرف لـج بـازی می کنـد ولی بـاز احتمـال تـأثیر می دهیـم، وظیفه چیست؟

ج. در صورت تحقق شرایط دیگر، امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

تذکر به افرادی که نماز را صحیح نمی خوانند

۳۸۴۸. آیا لازم است به کسانی که نمازشان را درست نمی خوانند، مدام تذکر داده شود؟

ج. تا حد اطمینان به عدم تأثیر لازم است؛ با وجود سایر شرایط.

کم رویی در امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۴۹. آیا کم رویی و خجالت می تواند مجوز ترک بعضی از وظایف - مثل امر به معروف و نهی از منکر - باشد؟

ج. خیر.

امر به معروف و نهی از منکر به افراد نامحرم

۳۸۵۰. آیا مرد می تواند به افراد نامحرم امر به معروف و نهی از منکر کند؟

ج. با رعایت مسائل شرعی می تواند.

تأدیب اطفال

۳۸۵۱. آیا جایز است اطفال را برای تمرین و عادت دادن به ترک معصیت و یا انجام دادن واجبات ادب کرد.

ج. جایز است، خصوصاً در مراحل آخر، که به انجام واجب و ترک معصیت نزدیک تر است که اگر تأدیب نشوند، در بعضی از موارد منجر به ترک واجبات و انجام گناهان از طرف آنها می شود.

مجروحیت یا قتل در امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۵۲. اگر انسان بداند یا شک داشته باشد در صورتی که بخواهد جلوگیری از معصیتی بنماید، منجر به ایجاد جرح یا قتل خواهد شد، وظیفه او چیست؟

و آیا با اجازه مجتهد جامع الشرائط می تواند این کار را انجام دهد؟

ج. بنا بر اظهر بدون اجازه امام معصوم علیه السّلام یا کسی که از طرف آن حضرت مستقیماً نایب مخصوص او است، نباید این کار را بکند و با اجازه مجتهد جامع الشرائط مورد تأمل است.

اما اگر نمی داند این کار منجر به مجروح کردن یا قتل می شود ولی احتمال این را می دهد، بنا بر احتیاط واجب باید مستقیماً از طرف امام معصوم علیه السّلام یا نایب مخصوص آن حضرت و یا از طرف مجتهد جامع الشرائط اجازه داشته باشد.

احکام دیه و قصاص در امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۵۳. آیا کلیّه احکام دیه و قصاص در جریان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر چه در مورد آمر و ناهی و چه در مورد طرف مقابل ثابت و جاری می باشد؟

ج. با تحقّق شرایط، آنجا که انجام وظیفه باشد، جاری نیست.

تجسّس از دختر و پسری که با هم هستند

۳۸۵۴. آیا تجسس از دختر و پسری که در اماکن عمومی با همدیگر هستند، در مورد محرمیّت و عدم محرمیّت آن دو جایز است؟

ج. در شرایط متعارف، جایز نیست.

گشت زنی و نظارت

۳۸۵۵. گشت زنی و نظارت در اماکن عمومی، به عنوان مبارزه و برخورد با مفاسد اجتماعی برای بسیجیان یا غیر آنها، چه حکمی دارد؟

ج. برای @ردع از منکرات با وجود شرایط مانعی ندارد.

بیدار کردن فرد برای نماز صبح

۳۸۵۶. اگر کسی خواب باشد، لازم است او را برای نماز صبح بیدار کنیم؟

ج. سیره بر بیدار کردن است، اگر مانع خاصّی نیست.

گوش دادن به مکالمات تلفنی جهت احراز منکر

۳۸۵۷. اگر به فردی مظنون باشیم که آیا مرتکب عمل منکری می شود یا نه، آیا می توان به مکالمات تلفنی او گوش داد و یا برخی از صحبت های او را ضبط کرد؟

ج. خیر، نمی توان.

نگاه به زن نامحرم در نهی از منکر

۳۸۵۸. اگر نهی از منکر مستلزم نگاه به زن نامحرم باشد، آیا نظر کردن واجب می شود یا وجوب نهی از منکر در این مورد برداشته می شود؟

ج. بدون نظر غیر جایز به او، نهی از منکر کند.

میزان پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۵۹. برخی از منکرات در جامعه چنان شیوع یافته که پرداختن به نهی از منکر، تمام وقت انسان را می گیرد - مثل برخورد با

بدحجابی یا ... - در این مورد وظیفه چیست؟

و چه مقدار باید به این مسأله پرداخت؟

ج. با وجود شرایط به حد میسور، تا مزاحم با ترک اهم (مطلب مهم تر) نشود، لازم است.

اهانت به لباس روحانیت

۳۸۶۰. اگر طلبه ای بداند در صورت امر به معروف و نهی از منکر به لباس روحانیت اهانت می شود، آیا این عمل بر او واجب است؟

ج. موارد آن مختلف است.

امر به معروف و نهی از منکر در جمع

۳۸۶۱. اگر انسان بداند چنان چه کسی را در جمعی امر به معروف و نهی از منکر نماید بر وی اثر می کند، آیا اگر این عمل منجر به کشف ستر او و بردن آبروی او شود، امر به معروف و نهی از منکر، چه حکمی دارد؟

ج. او را در خلوت تهدید کند که اگر خود را اصلاح نکند در جلوت (در میان جمع) خواهد گفت.

سکوت روحانی

۳۸۶۲. اگر یک روحانی در جمعی که عمل حرامی انجام می شود، شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را نبیند، اما سکوت او موجب بدگمانی مردم به وی گردد - چون انتظار برخورد از وی را دارند - تکلیف او چیست؟

ج. باید به گونه ای اظهار کند و نبودن شرایط، رافع وجوب است نه جواز آن.

نهی از منکر با منکر

۳۸۶۳. آیا نهی از منکر با منکری دیگر - مثل دروغ، تهدید و ارعاب یا ... - جایز است؟

ج. اگر منکر دیگر بر وجه محرّم است، خیر، جایز نیست.

تصرف در مال دیگری جهت نهی از منکر

۳۸۶۴. اگر نهی از منکر مستلزم شکستن نوار موسیقی یا محو کتاب گمراه کننده یا تصرف در آنتن ماهواره و ... باشد، این عمل چه حکمی دارد؟

ج. از بین بردن وسایل گناه با قدرت و عدم خوف ضرر و خطر، بر همه لازم است و مقصود، فقط از بین بردن امکان استفاده

ی از آن در حرام است.

ورود به منزل و حریم خصوصی دیگران

۳۸۶۵. اگر نهی از منکر مستلزم ورود به خانه یا ملك شخصی او یا تصرف در اموال و جستجوی منزل کسی باشد، آیا این عمل جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

نوار موسیقی در وسیله نقلیه

۳۸۶۶. اگر سوار وسیله نقلیه عمومی - مثل اتوبوس، تاکسی - شده و راننده نوار موسیقی گذاشت، وظیفه چیست؟

اگر پیاده شدن باعث حرج باشد، آیا لازم است پیاده شویم؟

و آیا می توان بدون تذکر به او، حواس خود را از شنیدن آن صدا پرت کنیم؟

ج. در موقع حرج باید استماع نکند (گوش ندهد) و سماع (به گوش خوردن صدا) اشکال ندارد.

منکرهای اداری و اجتماعی

۳۸۶۷. وظیفه مسلمین درباره ی منکرهایی که گاه در سطح مسؤولین و یا در ادارات و سازمان های دولتی و غیر دولتی - مثل رشوه، پارتی بازی و ... - اتفاق می افتد چیست؟

ج. با تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر با موارد دیگر فرق نمی کند.

معاشرت با غیر شیعه جهت امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۶۸. آیا می توان با فرقه هایی هم چون وهابیّت، بهاییّت و ... معاشرت کرد تا در طولانی مدت آنها را ارشاد نمود؟

ج. اگر احتمال تأثیرپذیری از آنها نباشد، جایز است.

اطلاع به خانواده فردی که حرامی را انجام می دهد

۳۸۶۹. اگر بدانیم کسی هم جنس بازی می کند، آیا موظفیم به خانواده اش بگوییم؟

ج. تا راه @ارتداع (بازداشتن او از عمل زشت) در این منحصر نشده است، طرق دیگر انتخاب شود.

فردی که روش امر به معروف و نهی از منکر را نمی داند

۳۸۷۰. آیا بر کسی که راه و روش امر به معروف و نهی از منکر را نمی داند، واجب است امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟

ج. در حد متیقّن لازم باید امر به معروف و نهی از منکر کند، به نحوی که احتمال تجاوز از حد ندهد.

نهی از منکر نمودن کسی که خود مرتکب آن منکر می شود

۳۸۷۱. کسی که خود مرتکب منکری می شود، آیا نهی از منکر از آن منکر بر این فرد واجب است؟

ج. بله، واجب است.

وظیفه زن نسبت به شوهر بی بند و بار

۳۸۷۲. اگر شوهر زنی در منزل بی بند و بار بوده و مرتکب گناهی شود، وظیفه زن در قبال او چیست؟

و آیا اگر امر به معروف و نهی از منکر زن به روابط زناشویی و خانوادگی آنها تأثیر منفی بگذارد، بازهم این عمل بر او واجب است؟

ج. خیر، اگر موجب مفسده برای اوست واجب نیست، ولی نباید در معصیت او را کمک کند.

برخورد جدی بعد از عدم تأثیرگذاری در نهی از منکر

۳۸۷۳. همسر من با ترانه و موسیقی میانه خوبی دارد، اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر، همسرم اصلاح نشد، می توانم با او برخورد جدی کنم؟

ج. اگر اطمینان به عدم تأثیر دارید و یا مفسده در بین است، خیر نمی توانید ولی خود شما، نباشد گوش کنید.

چگونگی تذکّر به والدینی که دچار حرام شده اند

۳۸۷۴. پدر و مادری که دچار منکر شده اند، چگونه می توان، آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد، اگر نصیحت تأثیر نکرد، آیا می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

ج. اگر شرایط متوفّر نیست، خیر نمی توان.

ممنوع کردن افراد از تماشای فیلم های مشتبه

۳۸۷۵. آیا به علت پخش بعضی از آهنگ ها و تصاویر و فیلم هایی که احتمال غیر شرعی بودن آن می رود، می توان خانواده و فرزندان را از نگهداری و نگاه به این برنامه ها محروم کرد؟

ج. احتمال غیر شرعی بودن، هر چند موجب تکلیف نیست، ولی تا ممکن است احتیاط در آنها راجح و مطلوب است، به خلاف این که علم داشته باشد که آن برنامه ها - فی الجمله - مشتمل بر حرام است که در این صورت موظّف به اجتناب است.

تعارض صله رحم و امر به معروف و نهی از منکر

۳۸۷۶. اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم قطع رحم و قطع رابطه با خویشاوندان باشد، کدام یک مقدم است؟

ج. با فرض انجام وظیفه، شما به طور کلی قطع رابطه نکنید هر چند آنها هم قطع کنند.

دید و بازدید همراه با منکر

۳۸۷۷. اگر در صله رحم و دید و بازدید، محرم و نامحرم رعایت نمی شود و یا نوارهای مبتذل پخش می شود، وظیفه ما چیست؟

ج. باید آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و اگر تأثیر نکرد، باید آن مجالس را ترک نمود.

احکام انواع شغل ها و درآمدها

آرایشگری

اجرت آرایشگر

۳۸۷۸. اجرت گرفتن آرایشگر زنی که می داند مشتری او برای خودنمایی به نامحرم آرایش می کند، چه حکمی دارد و در صورت حرمت و اختلاط با پول های حلالش، برای تخمیس چه کار کند؟

ج. با علم به استفاده او در حرام، احتیاط در ترک است و اگر خود نیز قصد استفاده او در حرام نموده باشد، حرام یقینی است و گرفتن پول، تابع خود عمل است.

پس باید به صاحب آن بازگرداند و اگر نتواند، همانند مال مجهول المالك (مالی که صاحب آن مشخص نیست)، عمل نماید.

ریش تراشی

۳۸۷۹. گرفتن مزد در مقابل ریش تراشی با تیغ چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

۳۸۸۰. تراشیدن ریش جهت حفظ بهداشت و نظافت چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

۳۸۸۱. اگر انسان برای این که توهین مردم را نشنود، ریشش را بزنند، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۳۸۸۲. کوتاه کردن ریش تا چه حدی بدون اشکال است؟

ج. اگر در عرف به آن تراشیدن ریش بگویند، اشکال دارد.

۳۸۸۳. آیا ریش پرفسوری کافی است؟

ج. کافی نیست.

۳۸۸۴. تراش موهای زیر گلو و بالای ریش با خودتراش، چه حکمی دارد؟

ج. تراشیدن زیر گلو و روی گونه ها در حد اصلاح، مانعی ندارد.

۳۸۸۵. آیا برای این که انسان در بعضی محیطها انگشت نما نشود، می تواند صورت خود را با تیغ بتراشد؟

ج. جایز نیست.

۳۸۸۶. گذاشتن خط ریش چه حکمی دارد؟

ج. در حد اصلاح روی گونه ها، اشکال ندارد.

۳۸۸۷. صورتم خیلی کم مو است، آیا تراشیدن این موها به منظور رشد و پرپشت شدن ریش، اشکال دارد؟

با توجه به این که دیگران مرا با این وضع مسخره می کنند؟

ج. اگر عرفاً به آن ریش اطلاق می شود، جایز نیست.

بیمه ی مباشر و حکم شرکت

۳۸۸۸. این جانب با شخصی از نظر کار و سرمایه و درآمد مشترک و مساوی هستم، ولی طبق قانون شورای مرکزی اصناف از نظر پروانه، بنده به عنوان مباشر می باشم و طبق قانون تأمین اجتماعی، مباشر باید حق بیمه پرداخت نماید و من این مبلغ را پرداخت می کنم و از آن استفاده می نمایم، آیا مقدار پولی که پرداخت می کنم با همکارم در سرمایه شریک هستم؟

ج. اگر ناچارید پول را پرداخت کنید، بدون اذن گرفتن از شریک، حکم سایر اموالی که به حسب قانون گرفته می شود را

دارد.

۳۸۸۹. آیا تراشیدن ریش با هر

وسیله ای چه حکمی دارد و یا فقط استفاده از تیغ ممنوع است؟

آیا برای مرتب کردن ریش استفاده از تیغ جایز است؟

ج. تراشیدن ریش با هر وسیله ای، جایز نیست و مرتب کردن روی گونه و زیر گلو با تیغ یا هر وسیله دیگر، مانعی ندارد.

۳۸۹۰. تراشیدن ریش، با ماشین شماره ی صفر چه صورتی دارد؟

ج. ماشین کردنی که مثل تراشیدن باشد، باید ترک شود.

۳۸۹۱. اگر تراشیدن ریش طبق احتیاط واجب حرام باشد، آیا می توان به مجتهدی رجوع کرد که حلال می داند؟

ج. از آنجا که تمام مجتهدین تراشیدن ریش را جایز نمی دانند؛ لذا رجوع در این مسأله بنا بر فرض، ثمره ای ندارد.

بیمه

۳۸۹۲. قرارداد بیمه و اموری که مربوط به آن می شود، چگونه باید باشد تا به صورت شرعی منعقد شود؟

ج. عقد مصالحه ی به چیزی کنند، به شرط اینکه مقداری در طول سال پول بپردازند و طرف بیمه هم متعهد شود خسارت های حادثه را ضامن باشد؛ یا فرد بیمه شده از شرکت بیمه وکالت و اذن بگیرد که معامله ی شرعیه اش را خودش انجام دهد.

پزشکی

گرفتن حق ویزیت

۳۸۹۳. آیا اخذ اجرت برای پزشک در حرفه پزشکی و صناعات مانند آن جایز است؟

ج. در واجبات توصّلیه ی کفائیّه جایز است، زیرا وجوب آن اعم از مجانی بودن است و اگر به نحو مَجّانی آن کارها واجب باشد، باعث اختلال نظام می شود.

دریافت حق طبابت، قبل از بهبودی بیمار

۳۸۹۴. آیا دریافت حق طبابت، قبل از بهبود بیماری (طبق روش مرسوم) صحیح است؟

ج. به حسب ظاهر این وجهی که پرداخت می شود، در مقابل توصیف است نه در مقابل مباشرت معالجه. چه بسا هم مباشر غیر وصف کننده باشد.

راه تعیین میزان حق طبابت

۳۸۹۵. بـا توجه به این که حق طبـابت (هماننـد حق وکـالت و مواردی از این قبیل و بر خلاف اجناس که دارای قیمت خاصـی هستند) از لحاظ مادّی، غیر قابل تعیین می باشد، به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست؟

آیا مقداری که دولت تعیین می کند، در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟

ج. اگر حق طبـابت در سـابق معیّن بوده، به حسب ظـاهر راه تعیین قیمت فعلی اش، نسـبت اضافه قیمت اشـیا و اعمال نسـبت به قیمتی که در سابق بوده است می باشد.

مثلاً اگر قیمت اشیا و اعمال نسبت به زمان گذشته دو ثلث گران تر شده است، دو ثلث حق طبابت هم بالا می رود و هکذا.

روش دریافت حق طبابت

۳۸۹۶. به نظر حضرت عالی بهترین روش دریافت حق طبابت چگونه است؟

ج. ظاهراً همین روش که اعلام کرده اند که حق ویزیتش فلان قدر است، بد نباشد.

حق ویزیت در فرض عدم بهبودی بیمار

۳۸۹۷. اگر پزشک، سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبودی نیابد، آیا پزشک نسبت به هزینه ی درمانی که بیمار قبلاً پرداخته (حق ویزیت) مدیون است؟

ج. با استیذان و اعلام ممکن است، رفع مسؤولیّت تکلیفی و ضمانی شود.

فروش دارو برای سقط جنین

۳۸۹۸. آیا فروش داروهایی که مصرف آن منحصر به سقط جنین می باشد، جایز است؟

ج. جایز نیست.

فروش خون

۳۸۹۹. فروش خون چه حکمی دارد؟

ج. اگر عرفاً دارای مالیّت و منفعت حلال قصد شده باشد، اشکال ندارد.

استفاده از خون کافر، لا ابالی و ...

۳۹۰۰. استـفاده از خون هـایی که از کشورهای خارجی وارد می شود، یا اسـتفاده از خون فردی که مسـلمان نیست و یا از مال حرام مصرف می کند، چه وجهی دارد؟

ج. با خون های دیگر فرق نمی کند و استفاده از آن، جهت درمان، بی اشکال است.

خرید و فروش اعضای بدن

۳۹۰۱. آیا خرید و فروش کلیه ی انسان زنده یا مرده، جایز است؟

ج. در صورت انحصار حفظ نفس محترمه و عدم امکان به دست آوردن کلیه از کافر، اشکال ندارد کلیه را واگذار کند و وجهی بگیرد.

استفاده از روش های کم اثر یا بی اثر

۳۹۰۲. هر سال، ماه یا حتی هر روز، کشفیات یا نتایج تحقیقات جدیدی در جنبه های مختلف علوم پزشکی اعلام می شود که روش های تشخیصی یا درمانی جدید، داروهای متفاوت و جدید یا مواد غذایی مؤثر جدید برای انواع بیماری ها پیشنهاد می شود و برخی روش ها یا داروها یا مواد قبلی کاملاً غیر مؤثر، مضر و بی فایده معرفی می شوند. آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه های بیهوده ناشی از روش هایی که در گذشته مطرح بوده اند (اما کسی نمی دانسته که آنها مضر یا بی فایده اند، ولی همین روش ها امروزه بی فایده یا مضر شناخته شده اند) مسؤول می باشد؟

ج. تکلیفاً مسؤول نیست، وضعاً (ضمان) هم شاید با اعلام به مریض یا ولی او رفع مسؤولیّت شود.

استفاده از تحقیقات جدید با عدم اطمینان

۳۹۰۳. با توجه به این که گروه های بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند و نتایج کار خود را دائماً اعلام می نمایند و از طرفی افراد این گروه ها ممکن است برخی از لحاظ علمی، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت و برخی از هر دو لحاظ کاملاً قابل تأیید نباشند (به عبارت بهتر هیچ تضمینی نیست که نتیجه ی اعلام شده ی تحقیق با واقعیات، کاملاً منطبق باشد) و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا رد تحقیقات وجود ندارد یا اگر هم موجود باشد، مدت زیادی طول می کشد که نتیجه ی صحیح کار ارایه شود، در چنین شرایطی اگر نتیجه ی تحقیقاتی که در رسانه ها و مجلات (حتّی معتبر) اعلام می شود با روش های قبلی ما (که به فایده کامل و قطعی آنها اطمینان نداریم) مغایر باشد یا مکمّل آنها باشد، وظیفه ما چیست؟

عمل به روش های قبلی یا جدید؟

ج. باید احتیاط کنید تا یقین حاصل شود، یا

راجح از دو طریق را تشخیص دهید و به مریض یا ولی او اعلام کنید که مطلب یقینی نیست؛ بلکه اگر هم یقینی بود، ممکن است تبدیل به یقین خلاف شود و ممکن است تخلّف داشته باشد و ما راهی اصلح از این راه بلد نیستیم و راه ما همین ظن است و ظن به این معالجه تَعَلُّق گرفته. از او اجازه بگیرید برای رفع مسؤولیتش از حیث تکلیف و ضمان.

البته همه اینها در صورتیست که احتمال خطر در ترک معالجه اقوی از احتمال خطر در معالجه ی خاصّه نباشد.

استفاده از روش های بی فایده در درمان

۳۹۰۴. اگر این کشفیات جدید خیلی دیرتر از زمان کشف به اطلاع پزشک برسند و قبل از اطلاع، به طور طبیعی به همان روش های قبلی عمل شود، آن گاه آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه های بیهوده ی روش های بی فایده مسؤول است؟

ج. از جواب سابق ترتیبش معلوم شد.

نرسیدن اطلاعات جدید به پزشک

۳۹۰۵. اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطلاع رسانی، اطلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچ گاه مطلع نگردد، آن گاه مسؤولیت بی فایده بودن روش های قبلی بر عهده کیست؟

ج. از سابق معلوم شد.

اکتفا به روش های سابق

۳۹۰۶. نظر به اینکه، به خاطر سپردن کامل همان روش های قبلی نیز در دوران دانشجویی امکان پذیر نیست، چه رسد به روش های جدید، آیا پزشک می تواند به همان روش های قبلی اکتفا نماید و یا فقط در حدی که وقت محدودش اجازه می دهد، به فراگیری آنها بپردازد؟ در این صورت اگر متوجه مسائل مهم جدید نشود، آیا مسؤولیتی بر عهده اوست؟

(گرچه پزشکان متخصص در یک رشته، به علت محدودیت موضوع و مراجعه ی بیماران خاص در این موارد، مشکلات کمتری از پزشکان عمومی و دانشجویان دارند)

ج. اگر مسامحه نکند مسؤولیتی ندارد و اگر مسامحه کند - با شرطهای مذکور در سابق - مسؤولیت دارد.

تجویز داروی بی اثر یا مضر

۳۹۰۷. ۱) اگر پزشک روش یا دارویی را تعریف کند و بگوید این دارو برای فلان بیماری مفید است یا بگوید درمان، مترتّب به فلان دارو است، بدون آن که بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند، آیا در صورت عدم تأثیر یا عوارض دارو، پزشک مسؤول یا مدیون است؟

ج. در صورتی که نداند او دارو مصرف می کند و او برای این توصیف پزشک این دارو را مصرف می کند، مسؤولیتی ندارد

و احتیاط در اینست که بگوید:

من برای این خطرهای احتمالی نمی گویم مصرف کن.

۲) در فرض فوق اگر بیمار یا ولی او، شرط را قبول نکردند، آیا پزشک می تواند بیمار را رها نماید؟

ج. اگر در چنین مواردی پزشک مکلّف به حفظ نفس محترمه از خطر نباشد، می تواند.

۳) در فرض فوق آیا باید با تک تک بیماران شرط نمود و با امضای پرسش نامه ی مربوطه و یا گذاشتن اطلاعیه در مراکز درمانی مبنی بر اینکه مراجعه ی بیماران، نشان گر قبول این شرایط است،

یـا به اطلاع رسانـدن حتی از طریق رسانه های گروهی که مراجعه ی شـما نزد پزشک به این شـرایط، مترتّب است، از پزشـک رفع مسؤولیت شـرعی می نماید، به طور مثال اگر قبل از عمل جراحی، بیمار مجبور به امضای شـرایطی باشد که در صورت هر گـونه نـاموفق بـودن جراحی، وی هیـچ گـونه حق و حقوقی بر جراح و بیمارسـتان نـدارد، آیـا در صورت هر گونه اختلال در جراحی، می توان مدعی شد با توجه به امضای قبلی بیمار، کادر درمانی هیچ مسؤولیت شرعی بر عهده ندارند؟

ج. در صورتی که شـرح تفصـیل را برای تـک تـک بیمـاران ذکر کرده باشـد و بعـد خود مریض – بـا حفظ مشاعر (حواس) و کمالش – اذن داده باشد یا ولی او اجازه داده باشد، آن وقت پزشک مسؤولیت تکلیفیّه ندارد و مسؤولیت وضـعیّه (ضمان) هم ممکن است مرتفع باشد.

۴) در فرض فوق اگر بیمـار کاملاًـ بی هوش باشـد، آیـا می توان از خویشـان بـالغ وی اجازه گرفت و یا با آنها شـروط فوق را انعقاد نمود؟

ج. اگر ولی خاص نداشته باشد، احتیاط در مراجعه ی امر به حاکم شرع است.

۵) در فرض فوق اگر بیمار، کاملاً بی هوش باشـد و در حال حاضـر هیـچ شـخص بالغ یا نابالغ که خویشاونـد وی باشـد نیز در دسترس نباشد و از طرفی در خطر فوری باشد، جهت اجازه و شـرط، آیا می توان طبق وظیفه ی پزشـکی هر گونه اقدام ممکن را بدون اجازه انجام داد؟ و اگر به علت خوف از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن، پزشک هیچ کاری انجام ندهد، آیا در این صورت پزشک مسؤول خواهد بود؟ (گاهی مشاهده شده است اجل

شخصی فرا رسیده است، ولی علت مرگ را به غلط به پزشک معالج وی نسبت می دهند.)

ج. در صورتی که احتمال استناد مرگ به معالجه باشد، معالجه باید از روی اذن خود مریض یا ولی خاص یا ولی عام او (حاکم شرع) باشد و بعد از شرح مطالب به خود او یا ولی او - در صورتی که با این شرح اذن داشته باشد، مسؤولیّتی ندارد.

سلب مسؤولیت پزشک از عوارض درمان

۳۹۰۸. به طور کلی و در تمامی روش های تشخیصی و درمانی، اگر پزشک قبل از انجام هر عملی به بیمار خود و یا ولی او (اگر بیمار بالغ یا عاقل نباشد) متذکر شود که این روش ها از یک طرف ممکن است بی فایده باشند (و وقت و مال او را به هدر دهند) و از طرف دیگر ممکن است عوارض متفاوتی برای او داشته باشند و بدین ترتیب با ذکر این مطالب، پزشک، قبل از هر گونه معاینه و دستور روش های تشخیصی و درمانی و تجویز دارو، کاملاً از خود در قبال خسارات و عوارض احتمالی سلب مسؤولیت کند و بیمار - چه از روی ناچاری و چه از روی تمایل یا به ظاهر از روی تمایل، این شرط را قبول نماید، آن گاه در صورت اشتباه سهوی پزشک، در برابر هزینه های بیهوده، بی فایده بودن و یا عوارض ناشی از روش های تشخیصی و درمانی، آیا پزشک مسؤول است؟

(در صورتی که وی حد اکثر تلاش خود را نیز بکند).

ج. در صورتی که عملش جایز بوده، مسؤولیّت تکلیفی ندارد و مسؤولیّت وضعیّه (ضمان) هم با استیذان رفع می شود و اگر دوران بین بی فایدگی و ضرر هست، نباید این عمل را انجام

دهد.

ضررهای مترتّب بر رادیوگرافی و ... با دستور پزشک

۳۹۰۹. ۱) در بسیاری بیماری ها و اختلالات جسمانی، پزشک دستور انجام رادیوگرافی، سی تی اسکن و ... می دهد که مطمئناً (به خصوص برای برخی افراد) مضر می باشد، ضمناً در خیلی از موارد، گرچه گاهی ممکن است این آزمایشات باعث تشخیص قطعی نشود؛ اما می تواند همیشه کمک کننده باشد، در فرض فوق، مسؤولیت پزشک در صورت ایجاد عوارض آزمایش ها تا چه حدّی است؟

«۱»

ج. در صورتی که احتمال هلاکت بدون این آزمایش ها و احتمال هلاکت با این آزمایش ها متساوی شد، نباید کاری کند.

هر کدام ترجیحی دارد، عمل به راجح کند؛ در این صورت تکلیفاً مسؤولیتی ندارد. وضعاً و ضماناً، مسؤولیت دارد که آن هم با اخذ برائت از مریض یا ولی او ممکن است رفع شود.

۲) گاهی اوقات، پزشک تنها جهت احتیاط و مطمئن شدن در جهت تشخیص یا رد بیماری احتمالی (مثل سل) درباره ی هر بیمار مشکوکی با هر علامت غیر اختصاصی دستور رادیوگرافی می دهد، تا یک بیماری مخفی احتمالی را کشف کند.

در صورت وجود یا عدم وجود هر گونه بیماری که احتیاج به رادیوگرافی دارد، آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه ی بیهوده درمان مسؤول است؟

ج. از سابق جوابش معلوم شد.

|

خواهشمند است به این نکته نیز توجه شود که: گاهی یک رادیوگرافی یا سی تی اسکن باعث تشخیص بیماری و نجات جان بیمار یا جلوگیری از پیشرفت بیماری و یا جلوگیری از هزینه های فراوان بعدی می شود و گاهی هم هیچ کمکی نمی کند، فلذا در برخی موارد حتی اگر کاملاًـ به خاطر احتیاط هم باشد، انجام آن طبق نظرات فعلی علم پزشکی ضروری به نظر می رسد.

حکم ضمان در عوارض شیمی درمانی

۳۹۱۰. با توجه به اینکه پس از پیوند، شیمی

درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارض خفیف یا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم رد پیوند می باشد، در ایجاد عوارض آن، مسؤول است؟

ج. در تقدیر جوازش، با همان عملی که مجوّز بوده است، ممکن است با مطّلع کردن بیمار بر تمام خصوصیّات، رفع ضمان شود.

اشتباه پزشک با استناد به اشتباه در آزمایش

۳۹۱۱. با توجه به اینکه تشخیص بسیاری بیماری ها یا اختلالات به وسیله ی آزمایش امکان پذیر است و از طرفی امکان اشتباه در آزمایشگاه و تفسیر آزمایش ها، همیشه وجود دارد، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک، مسؤول خسارات و عوارض احتمالی کیست؟

ج. آن که احتیاط کرده است (به تأمّل صحیح و عدم سهل انگاری) مسؤول تکلیفی نیست، امّا مسؤول وضعی و ضمان هست و در صورتی که با شرح حال و اجازه گرفتن از مریض یا ولی او این عمل را انجام دهد، شاید مسؤولیت ضمانی هم رفع شود.

مسؤولیت عوارض سؤال نکردن از بارداری

۳۹۱۲. اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند و وی هم متذکر نشود، مسؤولیت عوارض احتمالی به عهده کیست؟

ج. خود پزشک باید سؤال کند، بلکه علاوه بر سؤال اگر راهی هم دارد، باید خودش تحقیق کند، زیرا معالجات گاهی تفاوت ضد و نقیض دارد.

۳۹۱۳. به طور کلی آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی (چه خود بداند باردار است و به هر علتی نگوید و چه نداند که باردار است) از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی، رفع مسؤولیت می کند؟

ج. اگر خلاف احتیاط نکند، تکلیفاً مسؤولیّت ندارد و اگر به حسب ضمان مسؤولیتش را با اخذ برائت از ولی او رعایت نکند، از شبهه ی مسؤولیّت خارج نیست.

عوارض عدم اطلاع یا تشخیص بارداری

۳۹۱۴. با توجه به اینکه بارداری در هفته های اوّل، از روی ظواهر و گاه با روش های ساده چندان قابل تشخیص نیست و از طرفی بیشترین عوارض خطرناک روش های درمانی - تشخیصی مضر، در همین زمان، آن هم به صورت اختلالات شدید در جنین، رخ می دهد و بدین ترتیب چون یا به علت کمبود امکانات یا عدم فرصت کافی یا عدم تمایل بیمار به صرف هزینه های تشخیص بارداری، یا عدم اطلاع وی از بارداری خود و در نتیجه جواب منفی دادن وی در مورد پرسش پزشک از بارداری وی و حتّی گاهی عدم امکان تشخیص به وسیله ی روش های مدرن به علت جواب های منفی کاذب آزمایشات، پزشک نمی تواند تشخیص دهد و یا نمی داند که بیمار باردار است، روش های تشخیصی - درمانی مختلف را برای وی به

کار می گیرد.

در صورت ایجاد عارضه در مادر یا جنین، آیا پزشک معالج مسؤول است؟

ج. اگر خلاف احتیاط نکند، از

حیث تکلیف مسؤولیت ندارد. از حیث ضمان نیز بدون اخذ برائت صحیح، خارج از شبهه ی مسؤولیّت نیست.

فراموش کردن ضرر دارو برای خانم باردار یا شیرده

۳۹۱۵. اگر پزشک - با توجه به گستردگی موضوع، نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیصی وی برای خانم های باردار یا شیرده مضر است، مسؤولیت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حد است؟

ج. بدون تبرّی و اخذ برائت از مریض یا از ولی، ضامن است.

تجویز مضر با علم به عدم اضرار

۳۹۱۶. اگر پزشک دارو یا روش تشخیصی را که در حال حاضر کاملاً غیر مضر شناخته شده به خانم بارداری توصیه کند اما بعداً مشخص گردد این اعمال برای مادر یا جنین کاملاً مضر بوده اند، همان طور که این مورد در تاریخ پزشکی رخ داده است، آیا پزشک در قبال عوارض حاصله از این موارد، مسؤولیتی به عهده خواهد داشت؟

ج. اگر خلاف احتیاط نکرده باشد (مثل عدم تأمّل صحیح و مسامحه کاری)، مسؤولیت تکلیفیّه ندارد؛ امّا ضمان، شاید داشته باشد.

جرّاحی بیماری که حتماً می میرد

۳۹۱۷. گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری، بیمار را نهایتاً به زودی خواهد کشت. از طرفی می دانیم با یک عمل درمانی (مثل جرّاحی) ممکن است یا بیمار بهبودی نسبی و احتمالی پیدا کند و یا حتی زودتر از موعد از دنیا برود، وظیفه ی ما در چنین حالتی چیست؟

اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، آیا مدیون می باشیم؟ اگر اقدام به درمان نکنیم، آیا مسؤول هستیم؟ (با توجه به اینکه گاهی نتیجه ی کار کاملاً نامشخص است.)

ج. نمی توانید آن عمل را انجام بدهید.

استفاده از روش های خطرناک برای زنده ماندن بیشتر

۳۹۱۸. اگر بدانیم یا احتمال زیاد بدهیم که یک بیمار در اثر بیماری (مثل برخی سرطان ها) به زودی خواهد مرد، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی (هر چند به مدت کوتاه) روش های درمانی خطرناک و بسیار پرعارضه را (مثل شیمی درمانی که گاهی عوارض آن شدیدتر از بیماری اولیه است) برای وی تجویز کنیم؟

ج. نمی توانید.

عوارض و هزینه ی آزمایش داروهای مختلف بر بیمار

۳۹۱۹. در برخی بیماری ها (همانند فشار خون بالا، به علت عوامل ناشناخته ی ایجاد کننده ی آن)، طبق روش معمول که اجرای آن طبق علوم روز ضروری است، یک یا چند دارو به کار برده می شود و در صورت عدم تأثیر، داروهای دیگری به کار برده می شود، با توجه به اینکه این داروها از یک طرف در افراد مختلف همگی مؤثر نیستند و ممکن است در شخصی، درمان های اولیه و در شخص دیگری درمان های آخر مؤثر باشند و از طرف دیگر، هر یک از داروها دارای عوارض خاصی هستند، آیا پزشک معالج (که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می کند) در قبال هزینه ی اضافه یا عوارض داروها مسؤول است؟

ج. در صورتی که احتمال خطرِ ترک معالجه با احتمال خطر با معالجه مساوی باشد، نمی تواند. اگر مساوی نباشد، احتیاطاً با اذن ولی این عمل را انجام بدهد.

معالجه سریع و پرخطر یا کم خطر و کم اثر

۳۹۲۰. گاهی در بیماری هایی - مانند برخی عفونت های نه چندان مهم، پزشک جهت تسریع بهبودی یا اطمینان از اینکه داروی تجویزی وی بسیار قویست و در مورد خیلی از عفونت ها می تواند مؤثر باشد و یا به خاطر اینکه از هزینه ی درمان بیمار و مراجعات مکرر وی بکاهد، اقدام به تجویز داروهایی می کند که ضررهای آنها کاملاً شدید بوده و به اثبات رسیده است و این در حالیست که شاید بتوان از طریق داروهای دیگری که ضرر بسیار کمتری دارند، ولی ممکن است با عدم اطمینان کامل و هزینه ی زیادتر همراه باشند، بیمار را معالجه نمود. با چنین فرضی، بهترین کار چیست؟

انتخاب راه سریع و پرخطر یا راه کم خطر و احیاناً نامؤثر؟

ج. به حسب ظاهر،

راه دوّمی مُقَدَّم است.

استفاده از داروهای مشابه داروی اصلی

۳۹۲۱. در صورتی که داروهـای کاملاً مؤثّر، به هر علّتی در دسترس نباشـند، آیا پزشک می توانـد داروهایی را که احتمال می دهد مؤثر باشند تجویز کند؟ در صورت عدم موفقیّت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها و یا هزینه ی بیهوده ای که بر بیمار تحمیل شده مسؤول و مدیون است؟

ج. بـا اجـازه گرفتن از مریض یـا ولی او و عـدم احتمال ضـرر بر این داروها، اگر چه فایـده کامل نـدارد، مانعی نـدارد و ظاهراً مسؤولیتی ندارد.

وظیفه ی پزشک در صورت عدم توانایی بیمار در تهیّه ی دارو

۳۹۲۲. اگر تشـخیص بیماری به درستی صورت گیرد، ولی داروی مؤثر در دسترس نباشد و یا بسـیار گران باشد و بیمار قادر به تهیه ی آن نباشد، آیا پزشک معالج ملزم به تهیه ی آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می باشد؟

ج. در واجب کفایی با دیگران شریک است، فقط اعلام به دیگران واجب اختصاصی او است.

مرگ یا تشدید بیماری در اثر نبود امکانات کافی

۳۹۲۳. اگر در اثر کمبود امکانـات تشخیصـی کـافی، تشـخیص ممکن نگردد، در نتیجه مـداوای لازم صورت نگیرد و بیماری تشدید یا منجر به مرگ شود، آیا پزشک معالج مسؤول است؟

ج. اگر بگویـد و اعلام کنـد که تشـخیص آن در دست من نیست، به طوری که تـأخیر معالجه مسـتند به او نباشـد و بتواننـد به دیگری مراجعه کنند، از آن جهت که طبیب است، مسؤول نیست و در واجب کفایی با دیگران شریک است، مگر در اعلام به دیگران که برای وی واجب اختصاصی است.

تشدید بیماری یا مرگ در اثر فراموشی یا عدم تشخیص پزشک

۳۹۲۴. اگر پزشک به علت فراموشـی انواع و علایم بیماری ها (به خاطر گسترد گی موضوع)، بیماری شخص را تشخیص ندهد و لـذا ندانـد داروی منـاسب چیست و در نتیجه اصـلاً دارویی تجویز نکنـد، در صورتی که بیمـاری تشدیـد و یا منجر به مرگ گردد، این پزشک در چه حدّی مسؤول است؟

ج. باید بگوید و اعلام کند.

که علاجش دست من نیست. در صورت عدم تشـخیص و اعلام این مطلب، به طوری که تأخیرش از جانب این شـخص نباشد، مسؤولیتی ندارد.

تجویز سهوی داروی غیر مؤثّر یا مضر

۳۹۲۵. با توجه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی که واقعاً امکان فراگیری و همراه با آن به خاطر سپردن تمامی بیماری ها و تمامی داروهایی که بر همه ی بیماری ها مؤثرند و نیز عوارض آنها، وجود ندارد، اگر پزشک به علت فراموشی، بنا به حدس خود، چه در موارد اورژانس و چه غیر اورژانس، جهت نجات جان یا تسکین آلام بیمار، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثر بر بیماری کند که بیمار را متحمّل هزینه ی بیهوده یا عوارض جانبی کند، در این صورت آیا پزشک مسؤول و مدیون است؟

(در صورتی که امکان ارجاع به متخصّص دیگری هم نباشد).

ج. تکلیف؛ دایر مدار علم خودش و تشخیص خودش است، ضمان؛ دایر مدار اینست که پزشک سبب تلف شدن مال یا صحّت بیمار گردد. برای ضمان اگر مطلب را به مریض یا ولی او آشکار کرد و آنها اذن و اجازه دادند و معنای اذن آنها این بود که شما معالجه را با این شرایط انجام دهید، در این صورت ممکن است بگوییم که ضامن هم نمی شود.

عدم جواز تجویز داروی مضر با اصرار مریض

۳۹۲۶. اگر پزشک بنا به اصرار بیمار، دارویی تجویز نماید یا سایر اقدامات درمانی که مضر است انجام دهد، در صورت ایجاد عارضه، مسؤول کیست؟

ج. به اصرار مریض نباید اعتنا کند، به وظیفه ی خودش که تشخیص داده باید عمل کند.

تجویز داروهای مسکّن با عوارض درازمدّت

۳۹۲۷. اگر دارویی، نه برای نجات جان بیمار بلکه جهت تسکین و مداوای بیماری هایی که باعث آزار بیمار می شود (همانند تب، خارش، درد، زخم و ...) مصرف شوند و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثرند و با توجه به اینکه اکثر داروهای مؤثر، در کوتاه یا درازمدت دارای عوارض زیادی می باشد، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه (که گاهی بدتر از بیماری اولیه می باشد)، آیا پزشک مسؤولیتی به عهده خواهد داشت؟ (لازم به ذکر است شایع ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین موارد صورت می گیرد و اهمیّت فراوانی دارد). «۱»

ج. اگر دورترین راه از هلاك را رعایت کند، مسؤولیتی ندارد.

|@

با توجه به اینکه اگر بخواهیم درمان، هیچ ضرری نداشته باشد گاهی اصلاً هیچ درمانی نباید بکنیم.

توقّف نجات جان بر مصرف داروی مضر

۳۹۲۸. به طور کلّی اگر با توجه به علوم امروزی بدانیم یا احتمال دهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف دارو یا داروهای خاصّی می باشد که مضرّند و این ضررها به احتمال قوی برای همگان رخ خواهد داد و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسؤول است؟

ج. باید ملاحظه ی دورترین راه از هلاک را بنماید و احتیاطاً از مریض یا ولی او استیذان کند.

عدم انجام شدن آزمایشات لازم

۳۹۲۹. اگر فرصت و امکان آزمایش وجود داشته باشد؛ اما به دلایل دیگری - همانند هزینه ای که به بیمار تحمیل می شود (و احیاناً وی حاضر نیست)، امکاناتی که برای ما وجود ندارد یا وقتی که از بیمار می گیرد، آزمایشات لازم صورت نگیرد و شخص دچار عارضه شود، در این صورت آیا پزشک مسؤول است؟

ج. طبیب با غیر طبیب شریکند در این که باید (به واجب کفایی) نفس محترمه را از هلاکت حفظ نموده و معالجه کنند، هر چند با کمک های مردمی یا بیت المال، اگر در دسترس باشد و طبیب واجب اختصاصی ندارد؛ مگر اینکه اگر او چیزی را می داند که با احتمال تأثیر باید به دیگران اعلام کند و در صورتی که نتواند معالجه نماید، مسؤولیتی ندارد.

تجویز داروی حساسیّت دار بدون تست

۳۹۳۰. ۱) با توجه به اینکه ممکن است جان بیمار اورژانسی (فوری) در خطر باشد و زمانی جهت تعیین حسّاسیّت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حسّاسیّت پیدا کند و دچار عوارض شدید یا مرگ شود، آیا فرد معالج در قبال این عوارض، مسؤولیتی خواهد داشت؟

ج. ظاهراً اگر احتمال هلاک با مرض سابق با احتمال هلاک به معالجه ی لاحقه متساوی باشد، نمی تواند معالجه کند.

۲) اگر با توجه به علوم امروزی، امکان تعیین حسّاسیّت یک دارو وجود نداشته باشد، آیا پزشک در صورت ایجاد عارضه مسؤول است؟

ج. از جواب اوّل معلوم شد.

درجه ی خبره بودن و تخصّص پزشک

۳۹۳۱. با توجه به اینکه اگر بخواهیم طبابت پزشک را با توجه به مشکلات متعدد و در صورت مواجهه با این مشکلات، تنها در صورتی مجاز بدانیم که وی در این زمینه دارای تخصّص و تجربه ی کافی باشد، عملاً مسائل درمان با اختلال کامل روبرو خواهد شد زیرا:

اولاً هر پزشکی تا رسیدن به این تخصص و تجربه ی کافی باید همان مراحل اولیّه را طی کند (که همان دوران بدون تجربه و تخصّص است).

ثانیاً به علت جمعیّت زیاد، امکانات کم، فرصت های ناکافی و ده ها علل دیگر (حد اقل در کشور ایران) نمی توان انتظار داشت پزشکانی که از ابتدا کاملاً مسلّط باشند به طبابت بپردازند.

۱) در مواردی پزشک داروی مؤثّر بر بیماری یا عوارض خطرناک آن را فراموش نموده و فرصت و امکانات کافی جهت دسترسی به اطلاعات کافی یا پزشک متخصص دیگری نیز ندارد.

۲) یا مطمئن است که داروی خاصی برای بیماری مفید است.

اما همچنین مطمئن است و یا احتمال می دهد که در صورت تجویز آن دارو

عوارضی خفیف یا شدیدتر از خود بیماری و حتی مرگ در اثر این دارو، گریبان گیر این بیمار خواهد شد.

(که البته ۱ و ۲ شامل مسائل تشخیصی نیز می باشد).

آیا پزشک در این حالات می توانـد مریض را به حال خود بگـذارد و چنین فرض کند که: گویا پزشـکی موجود نبوده است و قضـا و قـدر الهی هر چه باشـد بر او جـاری خواهـد شـد و بـدین ترتیب خـود را در معرض مؤاخـذه مـادی و معنوی حاصـل از عوارض احتمـالی و هزینه هـای نابجای آن قرار ندهـد و کار وی را به خـدا واگـذارد که یا خود بهبودی نسبی یابـد و فرصـت تحقیقـات بعـدی فراهم گردد و یا به تدریـج دچار عوارض و مرگ گردد. اصولاً در چنین مواردی که پزشک نمی دانـد برای نجات جان یا رفع و تسکین آلام یک بیمار چه کاری انجام دهد وظیفه ی او چیست؟

درمان های بدون اطمینان و غیر قابل اعتماد (که ممکن است خود آنها باعث مرگ یا عوارض شدیدتر شوند) یا عدم هر گونه اقدام درمانی؟ اگر پزشک با اقدام به درمان نامطمئن، موجب خسارت و مرگ مریض گردد، آیا مسؤول است؟

آیا اگر اقدام به هیچ درمانی نکند (با توجه به علل و توضیحات فوق)، مسؤولّیتی متوجّه اوست؟

این موضوع با توجه به این نکته باید در نظر گرفته شود که گاهی، فرصت هیچ مشورت و ارجاع بیمار به پزشـکان متخصّص و آگاه دیگری وجود ندارد (مثلاً گاهی پزشـکی که دارای تجربه ی کافی نباشد، با بیماری در حالت بی هوشـی مواجه می شود که نمی داند به طور مثال

این بیمار در اثر کمبود یا ازدیاد قند در بدنش دچار بی هوشی شده و در این حالت

طبیعیست که درمان کاملاً متناقض است و باعث اشتباه پزشك می شود).

ج. در صورت مساوات احتمال تأثیر معالجه و ترک آن باید معالجه نکند.

سرایت بیماری به پزشک

۳۹۳۲. بیماری مبتلا به بیماری مسری و مهلك - مانند ایدز - است و پزشك معالج را عمداً یا غفلتاً از آن مرض آگاه نمی کند و پزشك در جریان معالجه، مبتلا به آن مرض می شود و فوت می کند.

آیا بیمار مسؤولیتی دارد؟

ج. اگر سرایت مرض معلوم بوده است، بیمار ضامن دیه ی پزشك است.

تماس دست پرستار با بدن مرد

۳۹۳۳. حکم تماس دسته ای پرستار زن با بدن بیمار مرد چیست؟

ج. جایز نیست، مگر در مورد ضرورت.

جراحی زن توسط پزشک مرد

۳۹۳۴. آیا جایز است دکتر مرد بیمار زن را جراحی کند، در حالی که باید بدن او را لخت کنند؟

ج. اگر دسترسی به دکتر زن نباشد، در حد ضرورت جایز است نه بیشتر.

۳۹۳۵. اگر واگذاری و هدیه اعضای بدن موجب تسریع مرگ شود، چه وجهی دارد؟

آیا می توان وصیت کرد بعد از مرگ مغزی، اعضای بدن شخص را به دیگران بفروشند یا هدیه دهند؟

در صورت مرگ مغزی، فروش اعضای بدن شخص مورد نظر چه حکمی دارد؟

ج. در مورد مزبور مطلقاً جایز نیست.

۳۹۳۶. آیا زن می تواند برای امرار معاش و یا تهیه جهیزیه دخترش بدون اذن شوهر، اعضای بدن خود را (مثل کلیه) به دیگران بفروشد؟

ج. خیر، نمی تواند.

۳۹۳۷. آیا می توان به اقوام نزدیک خود از اعضای رئیسه بدن (مثل چشم که موجب ایجاد نقص و عیب در شخص می شود)

اهدا نمود؟ آیا مادر می تواند اعضای بدن خود را در اختیار دخترش که ازدواج نموده است قرار دهد؟

ج. جایز نیست.

فروش اعضای محکومین به اعدام

۳۹۳۸. آیـا کسانی که به دلایلی محکوم به اعـدام هسـتند، آیا می تواننـد اعضای بـدن خود را همچون کلیه و ... را به دیگران بفروشند، یا هدیه دهند؟

ج. خیر، جایز نیست.

فروش اعضای میّت توسط بیمارستان

۳۹۳۹. آیا بیمارستان بدون اجازه یا وصیت میّت، می تواند از اعضای بدن وی جهت حفظ جان انسان های مؤمن استفاده کند؟ در صورت فقدان وارث چه وجهی دارد؟

و در صورت وجود وارث و عدم اطلاع آنها چه وجهی خواهد داشت؟

ج. در صورت توقف نجات مسـلمانی بر آن، که راه نجات او منحصـر به دادن آن عضو میّت باشد و تهیه ی آن از غیر مسلمان هم ممکن نباشد، جایز است.

دیه در قبال هدیه اعضا

۳۹۴۰. در صـورت هـدیه اعضـای بـدن، آیـا دیه به آن اعضـا تعلـق می گیرد؟ و اگر دیه تعلق می گیرد، چه کسـی بایـد آن را بپردازد؟

ج. در موردی که شرعاً جایز باشد، دیه ندارد.

ضرر رساندن پزشک به بیمار

۳۹۴۱. پزشکان کم تجربه که گاهی باعث ضرر مالی و جانی به بیمار می شوند، آیا طبابت آنان از نظر شرعی اشکال دارد؟

ج. بله، اشکال دارد و چه بسا ضمان آور باشد.

(و توضیح بیشتر در مسأله ی ۱۷۴۷ و ۱۷۴۸ رساله آمده است.)

تشریح جسد مسلمان

۳۹۴۲. آیا کسی که جسد مسلمان را تشریح کرده، باید دیه بدهد؟

ج. بله.

۳۹۴۳. در سالن تشریح، گاهی از اجساد متعلق به ایرانیان مسلمان استفاده می شود، آیا قطعه قطعه کردن آنها اشکالی ندارد؟

ج. حرام است.

مسأله ی طهارت عضو مقطوع پیوند شده

۳۹۴۴. اگر در عمل جرّاحی، عضوی از بدن را قطع کنند و به جای دیگر بدن پیوند دهند، حکم عضو مقطوع از جهت نجاست و طهارت چیست؟

ج. عضو مقطوع میته می شود و تا عرفاً جزو بدن نشده، نجس است و برای وضو و نماز مشکل پیدا می شود و این کار در صورت اضطرار، جایز است و در غیر این صورت خلاف احتیاط است.

عوارض استفاده از اعضای بدن شخص زنده برای دیگری

۳۹۴۵. اگر پزشک احتمال دهد با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است، در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد، آیا بدون آگاهی دادن به شخص پیوند دهنده، چنین کاری جایز است؟

اگر به وی اطلاع داده شود و با تمایل وی عضو پیوندی از بدنش خارج شود، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشک مسؤول است؟

ج. نمی توانید چنین کاری انجام دهید، جواز این کار، هر چند با اجازه ی صاحبش باشد (برای غیر معصوم که قابل اختلاف نیست) از حیث تکلیف و ضمان بی شبهه نیست. بلی در مورد معصوم علیه السّلام که حفظ نفس معصوم علیه السّلام اهم است از حفظ دیگران، تا چه رسد به اینکه جان معصوم علیه السّلام در خطر باشد و همچنین اگر مورد اجازه ی امامِ اصل باشد، جایز است.

پیوند اعضای خوک به بدن انسان

۳۹۴۶. آیا می توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟

ج. در صورتی که نجات بیمار از هلاک، متوقّف بر این عمل باشد، به طوری که اضطرار داشته باشد، مانعی ندارد.

اطمینان یا احتمال رد پیوند

۳۹۴۷. اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که پیوند عضو به بدن بیمار رد خواهد شد و نهایتاً مفید نخواهد بود، آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار، از بدن فرد زنده یا مرده ی دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

ج. در مورد مرده هم جایز نیست تا چه رسد به زنده.

دیه ی برداشتن عضو از شخص زنده

۳۹۴۸. آیا برداشتن عضو از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه می باشد؟

ج. در تقدیر جواز، باید استحلال (طلب حلالیّت) بشود، هر چند با پرداخت دیه یا ارش.

سزارین

۳۹۴۹. آیا سزارین اشکال دارد؟

ج. در مورد ضرورت، جایز است.

جلوگیری از بارداری

۳۹۵۰. جلوگیری از بارداری به وسیله بستن لوله رحم چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

به هوش آوردن بیمار با سیلی

۳۹۵۱. گاهی برای به هوش آوردن بیمار لازم است شوک ها و دردهای زیادی به وی وارد ساخت - مثلاً گاهی سیلی به وی می زنند یا دندان او را بدون بی حسی می کشند و یا به استخوان او آمپول تزریق می کنند - آیا چنین اعمالی موجب ضمان و اثبات دیه می شود؟

ج. هر چه جایز بلکه لازم است، ولی دیه ندارد مثل سایر معالجات؛ لکن به شرط عدم تجاوز از حد.

تجویز پزشک به استمنا

۳۹۵۲. آیا تجویز پزشک به عمل استمناء مجوز شرعی آن می تواند باشد؟

ج. خیر، اجازه پزشک مجوّز شرعی نیست.

دندان مصنوعی غیر قابل استفاده

۳۹۵۳. اگر کسی سفارش دندان مصنوعی به دندانساز داد و وجهی نیز به او پرداخت نمود، اگر آن دندان به لثه هایش نخورد، آیا بیمار می تواند پول خود را پس بگیرد، یا دندانساز حق دارد بقیه پول خود را طلب کند؟

ج. بیمار می تواند پول خود را پس بگیرد.

نجاست الکل طبی

۳۹۵۴. آیا الکلی که برای ضد عفونی، پس از تزریقات به کار برده می شود، نجس است؟

ج. احتیاط در اجتناب است.

نماز مریض با پماد آغشته به الکل سفید

۳۹۵۵. بیمـار، پمـادی را که بـا الکـل سـفید ساخته می شود، با تجویز پزشک به صورت می مالـد و با آن نماز می خوانـد. آیا نمازش صحیح است؟

ج. احتیاط در قضای آن نمازها است.

لمس و نظر به مقعد برای معاینه و معالجه

۳۹۵۶. ۱) با توجه به اینکه جهت معاینه ساده ای پروسـتات، حتماً باید از طریق مقعد، بیمار را مورد بررسی قرار داد تا تشخیص قطعی بیمـاری هـای پروسـتات داده شود، همچنین در بسـیاری بیماری های آلات ادراری - تناسـلی، مشاهـده و گاه لمس آنها ضروری است، آیا در چنین مواردی، پزشک مرد می توانـد بیمار مرد را بـدون اشـکال شـرعی معاینه نمایـد؟ اگر با عدم انجام این معاینه، متوجه بیماری نشود و بیماری (مثلاً سرطان) پیشرفت کند، آیا پزشک مسؤول است؟

(با توجه به اینکه اسـتفاده از آینه، همیشه امکان پذیر نیست و در ضمن عمل لمس را نیز باید با دید کامل با دست انجام داد و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیماً انجام می شود).

ج. در صورتی که زوجه ی بیمار، طبیب ماهری نباشد - مثل مرد، طبیب مرد با اکتفای بر ضروریات می تواند.

۲) طبق نظرات علوم پزشـکی، یکی از معاینـاتی که امروزه در هر بیماری (به خصوص در بیماری های ادراری - تناسـلی) جزو معاینات اصلی اولیه به شمار می آید (گرچه در انجام آن، متأسفانه یا خوشبختانه مسامحه می شود) عملی به نام «توشه رکتال» (یک نوع معاینه ی نظری و لمسـی از طریق مقعد) می باشد این معاینات گاهی به علت احتیاط در جهت تشـخیص یا رد برخی بیمـاری هـا انجام می شود و گاهی در تشـخیص برخی بیماری ها بسـیار مؤثر و روش کم خرج و ساده ای به نظر می آیـد. آیا پزشک مرد مجاز

است چنین معاینه ای را چه جهت آموزش (به وسیله ی دانشجویان) و چه جهت تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد؟ اگر با عدم انجام آن، متوجه بیماری و راه درمان وی نشود، آیا مسؤول است؟

ج. با همان شروط مذکوره در سابق مانعی ندارد.

لمس و نظر به مو برای معالجه

۳۹۵۷. در صورت لزوم مشاهده و لمس موهای خانم بیمار، جهت معاینه توسط پزشک مرد، حکم شرعی چیست؟

ج. در صورت عدم مماثل (پزشک زن) و اکتفای بر ضروریّات، مانعی ندارد.

لمس بدن بیمار از روی لباس

۳۹۵۸. در صورت لزوم، به طور کلی لمس بدن خانم بیمار از روی لباس چه صورتی دارد؟

(چه پزشک خانم در دسترس باشد و چه نباشد)

ج. مانعی ندارد.

موارد مختلف آموزشی در دوره ی پزشکی

۳۹۵۹. با توجه به اینکه هر پزشکی در طول دوران دانشجویی خود باید (هر چند مختصر) از انواع و اقسام اختلالات و بیماری ها چه در مورد آقایان و چه خانم ها آگاهی بیابد و آموزش ببیند (اعم از انجام معاینات کامل، آگاهی از بیماری های زنان و چگونگی انجام زایمان سالم و ...) و با توجه به اینکه در مورد دانشجویان، این موارد بیشتر آموزشی هستند تا درمانی (یعنی ممکن است نجات جان بیمار در همان زمان وابسته به این معاینات نباشد، اما به وسیله ی این آموزش که در بیمارستان های آموزشی صورت می گیرد، دانشجو برای مراحلی که در آینده زندگی بیماران وابسته به وجود او خواهد بود آماده می شود) و از این رو، هر یک از دانشجویان در دوره های مختلف، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهای درسی در تمامی بخش های بیمارستان اعم از زنان و مردان، فراگیری تمامی مسائل و امتحان دادن در پایان دوره می باشند (تا بتوانند در نهایت فارغ التحصیل موفّقی باشند)، با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، بفرمایید تکلیف و وظیفه ی دانشجو چیست؟

آیا می تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی، از فراگیری کامل بسیاری مسائل بگذرد و در نتیجه در گذراندن واحدهای درسی هم ناموفق باشد یا در هر شرایطی و با هر وسیله ای باید به فراگیری صحیح کارش بپردازد تا در آینده، کمتر دچار مشکل شود؟ و به طور کلی چگونه می توان بین وظیفه ی پزشکی و دانشجویی (که در کتب پزشکی، بر انجام آنها

تأکید شده) و وظیفه ی شرعی و اسلامی (که طبیعتاً نباید با وظیفه ی پزشکی تناقض داشته باشد) جمع کرد؟

ج. با رعایت شروط و اکتفای بر ضروریّات در تعلیم و تعلّم، زیادتر از آنچه را که به آن مضطر است، نرود.

محدوده ی معاینه توسط پزشک نامحرم

۳۹۶۰. اگر پزشـک مرد مجبور به معاینه بیمارِ خانم شـد و یا بیمارِ مرد ناچار به مراجعه به پزشک زن شـد، با توجه به اینکه در صورت رعایت کامل مسائل شـرعی و اخلاقی، در معاینه ی کامل نامحرم شایـد بتوان گفت بیش از ۹۰ درصد معاینات که در کتب پزشـکی به انجام آنها تأکیـد شـده است، بایـد انجام نگیرنـد، اگر با این گونه معاینه ی سـطحی و غیر کامل، بیماری وی تشخیص داده نشد و درمان کامل صورت نگرفت، آیا پزشک مسؤول است؟

اگر مسؤول است، چاره چیست؟

آیا بر خلاف مسائل شـرعی عمل کند؟ (تذکر این نکته ضـروریست که پزشـکان متخصص و مجرّب، بدون احتیاج به معاینات کامـل ممکن است بتواننـد تشـخیص و درمان انجام دهنـد اما برای اطباء نامجرّب و دانشـجویان، تا رسـیدن به این مرحله، زمان زیادی لازم است).

ج. بایـد از همان اوّل ملاحظه یقین در معالجه را بکنـد و آنچه شـرط کار است رعایت کند و در صورت احتمال خطر با نبودن پزشک هم جنس، که در مهارت مساوی او باشد، آنچه مورد ضرورت است، مغتفر و بخشوده است.

مراجعه زن به پزشک مرد و وظیفه ی پزشک

۳۹۶۱. تخصـص های علوم پزشـکی بسـیار زیاد است و متخصصین خانم در هر رشته، معمولاً - به جز در برخی رشته ها - نادر یا کم می باشند. در شهرهای کوچک و بزرگ به علت تعداد زیاد بیماران و تعداد کم پزشک یا تحمیل هزینه گزاف، (همان طور که بسیار شـایع است) خـانم هـای بیمـار به پزشـک مرد مراجعه می کننـد؛ در این صـورت وظیفه پزشـک مـورد مراجعه چیست؟

آیا اگر بتواند و یا احتمال دهد که می تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص و درمان کند، مکلّف است

چنین کاری را انجام دهد یا باید بیمار را به یک پزشک خانم ارجاع دهد؟ (در شرایطی که خیلی از بیماران، به دلایل فوق قادر به این کار نیستند)، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی، این پزشک مسؤول است؟

ج. در مورد احتمال خطر - هر چند خطر در صحّت - و ضرورت، باید به کسی که ماهرتر است مراجعه شود، اگر چه مرد باشد و مرد هم باید به قدر ضرورت اکتفا کند، به طوری که اگر با آینه می تواند تشخیص بدهد، با نگاه کردن تشخیص ندهد و اگر با دست پوشیده بتواند لمس و مس کند، بدون حایل نکند و مانند این احتیاطاً ت.

معاینه ی بیمار خانمی که جانش در خطر است

۳۹۶۲. ۱) اگر بیمارِ خانمی که جانش در خطر است، به تنها پزشک مرد روستای دورافتاده مراجعه کند، آیا این پزشک مجاز است هر گونه معاینه ی ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟

ج. اگر مریض به پزشک هم جنس (زن) دسترسی ندارد، می تواند.

۲) در فرض فوق اگر جان بیمار در خطر نباشد، بلکه بیماری خفیف یا متوسط وجود داشته باشد، آیا بیمارِ خانم حتماً باید به پزشک خانم در شهر مراجعه کند و یا در همان جا پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری، اقدام به تشخیص و درمان نماید؟

ج. با پیدا نشدن پزشک هم جنس، فرقی نمی کند جانش در خطر باشد یا صحّتش در خطر باشد.

مراجعه زن به پزشک مرد

۳۹۶۳. آیا مراجعه زن به پزشک مرد، در صورتی که پزشک زن در آن رشته موجود باشد جایز است؟

با توجّه به اینکه غالباً به او نگاه می شود و گاهی هم از او معاینه به عمل می آید.

ج. باید از نظر و لمس حرام خود داری شود.

مراجعه ی زن به پزشک مرد با فقدان زن حاذق

۳۹۶۴. اگر پزشکِ حاذقِ زن نباشد، مراجعه زن به پزشک مرد، چه حکمی دارد؟

ج. ضرورت باشد، جایز است.

آمپول زدن توسط نامحرم

۳۹۶۵. آمپول زدن توسط مرد نامحرم چگونه است؟

ج. اگر آمپول زن هم جنس نباشد و ضرورت باشد، مانعی ندارد.

انجماد بیمار لاعلاج

۳۹۶۶. قرار دادن انسانی که مبتلا ـ به بیماری لاعلاـج است، در حالت انجماد و احیای مجدّد او بعد از چندین سال و پس از کشف درمان بیماری او، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

لباس و پارچه فروشی

خرید و فروش لباس های دست دوم

۳۹۶۷. خرید و فروش لباس های دست دوم و مستعمل که با تعمیر و اتو، نو جلوه می کند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر مشتری از نو نبودن آن مطلع باشد و یا غش در معامله صدق نکند، خرید و فروش آنها بلامانع است.

خرید و فروش و استفاده از کروات

۳۹۶۸. استفاده از کروات و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

کفن فروشی

۳۹۶۹. فروختن کفن چه حکمی دارد؟

آیا این حکم شامل حال پارچه فروشهایی که ضمن کار خود پارچه ی کفن می فروشند می شود؟

ج. کسی که حرفه اش در فروختن کفن منحصر است، کفن فروش محسوب شده و این شغل کراهت دارد؛ لکن پارچه فروشهایی که ضمن کار خود کفن نیز می فروشند، مشمول این حکم نمی باشند.

خرید و فروش تیغ و جوراب نازک

۳۹۷۰. خرید و فروش تیغ های صورت تراش و جوراب های نازك زنانه، چه حکمی دارد؟

ج. اگر به قصد استفاده ی حرام خرید و فروش می شود، جایز نیست؛ به خصوص اگر استفاده حرام شرط باشد و مجرّد علم به استفاده در حرام، بدون اشتراط و قصد، اظهر جواز آن است؛ اگر چه اولی و احوط اجتناب است.

فروش لباس زنانه توسط فروشنده مرد

۳۹۷۱. فروش لباس زیر زنانه توسط فروشنده مرد چگونه است؟

آیا زنان و دختران می توانند برای خرید به این گونه مغازه ها بروند، با توجه به این که در برخی اوقات، مستلزم گناه و مفاسد اجتماعی و اخلاقی است؟

ج. اگر در معرض فتنه و فساد است، جایز نیست.

شغل های اداری و کارمندی

است خدام در بعضی ادارات

۳۹۷۲. آیا می توان کارمند گمرک شد؟

ج. کارمند گمرک بودن، مانند کارمند سایر اداره های دولتیست که برای کسی که اهل تشخیص حلال و حرام است، جایز است و برای غیر او جایز نیست.

۳۹۷۳. است خدامی که بر اساس روابط است، آیا حقوق دریافتی آن حلال است یا حرام؟

ج. با اهلیّت و صلاحیّت شخص و حلّیت کار و عدم کم کاری، حلال است.

پرداخت رشوه در ادارات

۳۹۷۴. در بعضی ادارات و مؤسسات تا انسان رشوه پرداخت نکند، به حق خود نخواهد رسید و یا حقش حتماً ضایع خواهد شد و یا احتمال از بین رفتن حقش وجود دارد، در این صورت حکم شرع را بیان فرمایید؟

ج. در مواقع اضطرار برای دهنده مانعی ندارد.

پرداخت رشوه جهت گرفتن حق

۳۹۷۵. پرداخت رشوه برای گرفتن حق با توجه به این که گاهی برای دیگران مشکلی ایجاد می کند، مثلاً باعث مقدم شمردن صاحب حق نسبت به افراد دیگر می شود، چه حکمی دارد؟

ج. در مورد ضرورت و عدم تضییع حقوق دیگران، جایز است.

پورسانت در معاملات

۳۹۷۶. آیا پورسانت گرفتن در معاملات شرعاً جایز است؟

ج. خصوصیات هر مورد متفاوت است و باید ملاحظه شود.

تقلب در مزایده و مناقصه

۳۹۷۷. اگر فردی در مناقصه و مزایده ای تقلب کند و صاحب مالی شود و چند سال از این وضعیت بگذرد، برای جبران این خطا باید چه کاری انجام دهد و آیا معامله در این صورت باطل بوده است؟

ج. نحوه ی تقلب در حکم دخیل است.

ریاست کافر در اداره ها

۳۹۷۸. آیا کافر می تواند در اداره یا شرکتی، بر مسلمان ریاست داشته باشد؟

ج. در بعض موارد، از قبیل سلطه کافر بر مسلمان است و جایز نیست.

۳۹۷۹. آیا فروش یا کرایه شرکت یا سازمانی به غیر مسلمان، به خصوص غیر ایرانی اشکالی ندارد؟

آیا این مشمول قاعده نفی سبیل نیست؟

ج. در مواردی که سلطه کافر بر مسلمان به شمار می رود، جایز نیست.

تخفیف بر کالا به پشتوانه عنوان شغلی

۳۹۸۰. آیا خرید کالا- توسط کارمندان دولت با استفاده از اسم و عنوان شغلی و مقام خود و گرفتن تخفیف به این صورت حلال است؟

ج. با رضایت طرفین، مانعی ندارد.

است خدام در ادارات حکومت های جائر

۳۹۸۱. آیا داخل شدن در نیروهای نظامی و انتظامی که تابع حکومت های ظالم و غیر شرعی هستند و وظیفه آنان اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی و حفظ امنیت عمومی و یا حفظ مرزها است، شرعاً جایز است؟

ج. ظاهراً ممکن است شغل او تحت عنوان «تمکن از انجام واجبات و ترک محرمات» قرار گیرد.

۳۹۸۲. در صورتی که عضویت در نیروهای نظامی و انتظامی حکومت های ظالم، اقتضای جریمه و یا برخورد با متخلفین از قوانین را داشته باشد وظیفه چیست؟

ج. آن مقدار از جریمه که حفظ نظام متوقف بر آن است و اگر گرفته نشود نظام ضایع می گردد، گرفتن آن و دادن آن به کسی که در چنین مصارف مشروعی مصرف می کند، اشکالی ندارد.

بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری و قرض الحسنه ها

شرعی بودن قوانین بانکداری

۳۹۸۳. قوانین بانک ها پس از تصویب در مجلس، به تأیید شورای نگهبان رسیده است، آیا با اعتماد به این مطلب می توان عمل بانک ها را حمل به صحت کرد و در وام، سود و ... بر اساس آن قوانین عمل نمود؟

ج. خیر، اگر اختلاف در شبهه ی حکمیه است، وام ها و سپرده های بانکی ربوی است، اگر قرض مشروط باشد و راه تخلّص از آن در رساله مذکور است.

ربا گرفتن و دادن به کشورهای غیر اسلامی

۳۹۸۴. ربا گرفتن و دادن به کفّار و بانک های کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

ج. ربا گرفتن از کفار جایز است ولی دادن آن جایز نیست. (با تفصیل مذکور در جامع المسائل ج ۲ ص ۶۰۰.)

حساب باز کردن برای شرکت در قرعه کشی

۳۹۸۵. برخی برای شرکت در قرعه کشی در بانک حساب باز می کنند یا برداشت از حساب خود را تا موعد قرعه کشی به تأخیر می اندازند، آیا چنین حساب هایی در صورت برنده شدن در قرعه کشی یا عدم آن اشکال دارد؟

ج. پول گذاشتن در بانک به عنوان قرض الحسنه، اشکالی ندارد و هم چنین جایزه ای که بانک در قبال آن به بعضی از مشترکین پرداخت می کند، حلال است.

بخشیدن بهره ی وام به بانک

۳۹۸۶. آیا وام گیرنده می تواند برای صحت قرض، خود بهره درخواستی بانک را به بانک ببخشد؟

ج. خیر، این راه حل نیست؛ مگر این که بانک در قبال بهره ی معین، جنسی هر چند کم بها را به شرط قرض بفروشد.

کارمزد

۳۹۸۷. در برخی از صندوق های قرض الحسنه هنگام پرداخت وام، به گیرنده وام از یک تا پنج درصد مبلغ وام را به عنوان کارمزد کم می کنند و بقیه را به وام گیرنده می دهند، به گونه ای که اگر وام گیرنده این عمل را نپذیرد، وام تعطیل می گردد. آیا این عمل صورت شرعی دارد؟

ج. خیر، این همان ربا است؛ مگر معامله ی شرعیه ای در قبال کارمزد معین انجام گیرد، به شرط وام.

صندوق قرض الحسنه فامیلی و محلی

۳۹۸۸. در برخی مناطق چنین رسم شده که مثلاً پنجاه نفر افراد فامیل هر ماه ده هزار تومان تا ۵۰ ماه جمع کرده و هر ماه به قید

قرعه به یکی از پنجاه نفر، پانصد هزار تومان وام قرض الحسنه بدون بهره می دهند، چنین برنامه ای از نظر شرع اشکال دارد؟

ج. ظاهراً اشکالی ندارد، اگر شرطی برای وام ضمن عقد قرض نیست.

ارزش چک های بانکی و تضمینی

۳۹۸۹. آیا چک های بانکی و تضمینی از جهت فقهی ارزش مالی داشته و از جهت فقهی در حکم پول رایج است؟

ج. ارزش مالی دارد امّا این که تمام احکام پول را داشته باشد، محتاج به ملاحظه ی هر مورد است.

گرفتن وام با معامله صوری

۳۹۹۰. برخی از مؤسسات و بانک ها، بر اساس قولنامه ها و قراردادها، وام هایی را به متقاضیان می دهند، آیا اگر کسی قولنامه و قراردادی صوری تنظیم کند و به این وسیله وام دریافت کند اشکال دارد؟

ج. در فرض مشروعیّت اصل وام، این کار باید طبق مقررات آن مؤسسه باشد.

دریافت وام دیگران

۳۹۹۱. برخی با استفاده از امتیازات دیگران - که می توانند از بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری وام دریافت کنند - در قبال خرید حق آنان یا بدون خرید این حق، وام آنها را گرفته و اقساط آن را خود تقبّل می کنند، آیا این عمل شرعاً جایز است؟

ج. اگر وام ربوی است، شخص دیگر هم نمی تواند آن را بگیرد، وگرنه (در صورتی که با قرارداد وام دهنده منافات نداشته باشد) مانعی ندارد؛ هر چند با مصالحه بر این حق در برابر مبلغی پول باشد.

سپرده گذاری پول ذخیره صندوق قرض الحسنه

۳۹۹۲. آیا می توان پولی را که به عنوان ذخیره صندوق قرض الحسنه باقی می ماند، به صورت سپرده نزد بانکی گذاشت تا بهره آن جهت هزینه های صندوق قرض الحسنه استفاده شود؟

ج. از حیث حکم با موارد دیگر فرقی ندارد.

سود سپرده، وام و ...

۳۹۹۳. حکم سود بانکی، سود وام و سود سپرده چیست؟

ج. ربا و حرام است، مگر با معامله ی شرعیه در قبال سود معیّن.

شرط دیرکرد در وام قرض الحسنه

۳۹۹۴. در قرض الحسنه ای شرط شده که اگر اقساط وام خود را از تاریخ مقرر دیرتر پرداخت نمایند، باید دیرکرد بدهند آیا این ربا محسوب می شود؟

ج. محل اشکال است.

دریافت مبلغ دیرکرد توسط بانک

۳۹۹۵. آیا دریافت مبلغ اضافی به عنوان دیرکرد پرداخت وام توسط بانک صحیح است؟

ج. خیر.

وام مسکن

۳۹۹۶. پدرم وام مسکن گرفته است، سودی که او به بانک می پردازد چه حکمی دارد؟

و آیا تصرف در خانه خریداری شده با وام ربوی اشکال دارد؟

ج. چون معاملات به ذمه واقع می شود، تصرف در خانه جایز است.

مصرف وام کشاورزی و صنعتی در مصارف شخصی

۳۹۹۷. گرفتن وام کشاورزی، دامداری، صنعت، مسکن و ... از بانک یا مؤسسات بانکی و استفاده آن وام در امور دیگر، آیا شرعاً جایز است؟

در صورت ناچار بودن به دلیل مشکلات اقتصادی چه طور؟ در صورت اطلاع بانک یا مؤسسه چه وجهی دارد؟

ج. بر فرض مشروعیت اصل وام، این کار هم باید طبق مقررات بانک باشد.

عدم اطّلاع وام گیرنده از مفاد قرارداد بانک

۳۹۹۸. در تمامی وام های پرداختی از سوی بانک ها، قراردادهای منعقده - که مفاد معاملات اسلامی در آن رعایت شده باشد - مطالعه نمی شود و فقط وام گیرنده آن را امضا می نماید. حال با توجّه به عدم اطّلاع از متن قرارداد مسأله ی بهره ی بانکی آن درست است یا نه و چه وضعیّتی خواهد داشت؟

ج. اگر معامله ی شرعیّه ای بین سود و چیزی واقع شود و در ضمن آن شرط شود که مبلغی به طرف قرض داده شود و همان مبلغ را برگرداند، بی اشکال است.

پول های اضافی نزد کارمند بانک

۳۹۹۹. گاهی نزد کارمندان بانک، پول هایی اضافی می ماند که می داند مراجعه کنندگان و مشتریان اضافه داده اند، آیا می تواند آنها را برای خود بردارد یا باید به بانک تحویل دهد؟

ج. بعد از فحص و یأس، باید از بابت رد مظالم بپردازد.

۴۰۰۰. سپردن پول در بانک های جمهوری اسلامی، به قصد قرض الحسنه و گرفتن جوایز غیر معیّن چگونه است؟

ج. مانع ندارد.

معاملات بانک ها

۴۰۰۱. معاملاتی که در بانک ها تحت عنوان عقود اسلامی انجام می گیرد، چگونه است؟

ج. باید واجد شرایط آن عقود باشد.

شرط افتتاح حساب برای پرداخت وام

۴۰۰۲. در برخی صندوق های قرض الحسنه، برای اعطای وام شرط می کنند که در صورت افتتاح حساب به مدّت شش ماه وام می دهند؛ آیا این شرط صحیح است؟

ج. خالی از اشکال نیست.

بهره بانک های خارجی غیر مسلمان

۴۰۰۳. آیا بهره ای که بانک های خارجی غیر مسلمان می دهند حلال است؟

ج. حلال است.

وام اشتغال

۴۰۰۴. از آنجا که برای کار و کاسبی از بانک وام می گیریم، باید با پس دادن وام، سود وام را نیز به بانک تحویل دهیم و برای کار و کاسبی، چاره ای جز سود دادن نیست؛ حکم شرعی آن چیست؟

ج. در صورتی که با متصدّی بانک، معامله شرعیه انجام بگیرد، مانعی ندارد.

حکم بهره بانک ها

۴۰۰۵. آیا بهره ای که بانک ها از ما می گیرند و به ما می دهند، حکم ربا و نزول دارد؟

ج. به این صورت که با سود یک معامله شرعیه انجام دهند، مثلاً یک خودکار را از بانک بخرند به مبلغ سود، به شرط آن که بانک فلان مبلغ وام به او پرداخت کند، مانعی ندارد.

سود گرفتن از بانک

۴۰۰۶. اگر کسی منبع درآمد خود را از گذاشتن مبلغی پول در بانک و گرفتن سود آن قرار دهد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در قبال سود معامله ی شرعیه ای واقع سازد، اشکال ندارد.

ربایی که از بانک گرفته شده

۴۰۰۷. آیا سودی که شخص به عنوان ربا از بانک گرفته است، باید به بانک برگرداند یا حکم مجهول المالک دارد و باید صدقه بدهد؟

ج. در موردی که بانک مالک حساب نشود، باید با اجازه ی حاکم شرع صدقه بدهد و اگر بانک مالک باشد، می تواند معامله ای با بانک - هر چند به وکالت از بانک - بر مقداری سود انجام دهد.

حقوق کارمندان بانک

۴۰۰۸. کارمند بانکی، بخشی از کار روزانه اش، مربوط به برخی از قرض های ربوی بوده است، اصل عمل و گرفتن حقوق وی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج. هر دو، مورد اشکال است، مگر این که بر وجه شرعی خالی از ربا به انجام رساند.

خرید و فروش سهام و اوراق بهادار

اوراق بهادار

۴۰۰۹. دولت برای اجرای برخی طرح های ملی، اقدام به فروش اوراق مشارکت بین مردم می کند، این اوراق بدون نام و قابل خرید و فروش بوده و هر ماه مقدار مشخصی سود به آن تعلق می گیرد، خرید و فروش و دریافت سود علی الحساب که ماهیانه به آن تعلق می گیرد، آیا جایز است؟

ج. جواز مبنی بر توفّر شرایط شرکت عقدیّه و شرعیّه یا یکی دیگر از عقود صحیحه است.

خرید و فروش سهام

۴۰۱۰. آیا در صورت فروش سهام شرکت، لازم است مقدار آن معیّن باشد؟

ج. باید مقدار آن مشخص باشد - مانند مساحت زمین - تا سبب @غَرَر نشود.

خرید سهام

۴۰۱۱. خرید سهام از شرکت ها و مؤسّسات دولتی یا خصوصی - مثل فروشگاه های زنجیره ای رفاه یا برای طرح های عمرانی مثل احداث بیمارستان و ... - چگونه است؟

ج. اگر مال موجود خریداری می شود، مانعی ندارد وگرنه باید واجد شرایط عقود شرعیه ای از قبیل شرکت یا مضاربه باشد.

چک و سفته

معامله با چک جعلی

۴۰۱۲. شخصی با پرداخت چك جعلی و بدون محل، معامله ای انجام داده و متاعی را خریده است.

آیا این معامله صحیح است؟

ج. اگر به ذمّه خریده، معامله صحیح است و باید قیمت را بپردازد.

فروش چک مدّت دار

۴۰۱۳. آیا در فروش ذمّه به شخص ثالث - مثل چك مدّت دار که نقداً به دیگری می فروشد، لازم است مشتری صاحب ذمّه و فرد بدهکار را بشناسد؟

ج. لزومی ندارد.

فروش چک جعلی

۴۰۱۴. شخصی چك جعلی را - با علم مشتری به عدم پول در حساب صاحب چك - می فروشد و مشتری به طمع این که بتواند به نحوی آن را نقد کند و سود زیادی ببرد می خرد، ولی بعداً نمی تواند آن را نقد کند.

آیا مشتری - در فرض سؤال - حق فسخ دارد؟

ج. اصل معامله ی او باطل است.

برگشت زدن چک بلامحل

۴۰۱۵. شخصی به طلب کار خود مراجعه کرده و می گوید:

من نمی توانم چك شما را در موعد مقرر پرداخت نمایم، البتّه حق شرعی و قانونی تو اینست که به بانك مراجعه کرده و چك مرا برگشت بزنی و مرا مورد پیگرد قانونی قرار دهی، امّا این حق را به مدّت سه ماه به فلان مبلغ به من بفروش، آیا می

توان این حق را فروخت؟

ج. بدهکار چیز مختصری را از طلبکار با آن پول (مبلغ اضافه بر مبلغ چک) بخرد، به شرطی که طلبکار حق خود را در موعد مقرّر (زمان وصول چک) مطالبه نکند.

چک دزدی

۴۰۱۶. شخصی چک بانکی که به نام حامل است را به کاسبی می دهد، کاسب هم به اعتبار کلمه ی حامل، که شامل همه ی افراد می شود، به ازای مبلغ چک، جنس می دهد و بعد که برای وصول وجه به بانک مراجعه می کند معلوم می شود چک مزبور مسروقه بوده است، آیا صاحب جنس می تواند از صاحب اصلی چک، وجه را بگیرد؟

ج. خیر و باید از دهنده ی چک که طرف اوست وجه را بگیرد.

عوض کردن چک با افزایش زمان و مبلغ

۴۰۱۷. آیا نو کردن چک جایز است؟

یعنی بعد از رسیدن زمان چک اوّل، آن چک را در مقابل چک دوم که وقت بیشتری برای رسیدن زمان آن است ولی مبلغ چک دوم بیشتر از چک اوّل است، عوض کنند.

ج. خیر، جایز نیست.

اجرا گذاشتن چک

۴۰۱۸. آیا اگر کسی چک برگشت خورده کسی را به اجرا گذاشته و صاحب چک را بازداشت و زندانی کند، جایز است؟

ج. اگر صاحب چک که مدیون است واقعاً آن وجه را ندارد، باید به او مهلت دهند.

اخذ دیرکرد

۴۰۱۹. در معامله ای فروشنده از فرد ثالث چک می گیرد تا در موعد مقرّر، خریدار پول را بپردازد و در آن موعد، خریدار پول را تحویل نداد و باز شخص ثالث در حضور خریدار و رضایت او با چک ضامن شد که مدت، با زیادی دیرکرد تمدید شود، آیا جایز است؟

ج. اگر در قبال زیاده، معامله ی شرعیه انجام داده، می تواند اصل پول و زیادی را از خریدار مطالبه کند.

چک دوستانه

۴۰۲۰. کسی که خودش دسته چک ندارد، ولی از رفیق خود که چک دارد، با امضای او بدون این که صاحب چک مدیون

باشد، چکی می گیرد، آیا می تواند آن چک را به شخص دیگری بفروشد یا نه؟

ج. خیر، مگر مدیون باشد و به وسیله ی این چک حواله به برئ دهد که صحیح است.

خرید و فروش سفته

۴۰۲۱. سفته هایی که صوری است، اگر فروشنده آن سفته را وکالتاً از طرف سفته دهنده در ذمّه ی او بفروشد و وجه را که می گیرد وکالتاً از طرف سفته دهنده برای خود قرض بردارد، چگونه خواهد بود؟

ج. جایز نیست.

احکام پول

خرید و فروش پول

۴۰۲۲. آیا اجازه می فرمایید مثلاً؛ یک میلیون تومان را به یک میلیون و دویست هزار تومان به صورت نسیه بفروشیم که شش ماه دیگر بگیریم؟

ج. بهتر آن است که بر ما به التفاوت، معامله ی شرعیه ی واقع سازید. (به این صورت که چیز مختصری را به قیمت دویست هزار تومان نسیه، شش ماهه بفروشید.)

۴۰۲۳. اگر نوزده هزار تومان اسکناس را به بیست هزار تومان مثلاً یک ساله بفروشند و جداً قصد خرید و فروش داشته باشند، اشکال دارد؟

ج. احکام صرف و ربا در مورد معامله با اسکناس جاری نیست.

خرید و فروش ریال

۴۰۲۴. آیا خرید و فروش ریال به ریال جایز است؟

ج. بهتر آن است که در مبلغ اضافه، معامله ای شرعی در برابر کالایی صورت بگیرد.

فروش پول به قیمت بالاتر

۴۰۲۵. آیا می شود یکصد @هرند افغانی را به یکصد و سی هزار آن به مدّت یک سال فروخت؟ آیا با چه چیز ضمیمه بشود تا ربا پیش نیاید؟

ج. بهتر آن که معامله ی شرعیّه ای بین (سی هزار) زیاده و چیزی واقع شود.

عدم جریان احکام نقدین در مورد پول

۴۰۲۶. آیـا احکـام صـرف (معـامله ی نقـدین)، ماننـد وجوب قبض و اقباض در مجلس عقـد، در مورد پول اعتباری هم مترتّب است؟

ج. فقط در نقدین است.

فروش دلار به ریال

۴۰۲۷. مبلغی دلار را مدّت دار به شرکتی فروختم و در مقابل آن چک ریالی دریافت نمودم. آیا حکم ربا دارد؟

ج. فروش دلار به ریال ربا نیست، هر چند به حساب مدّت، قیمت معامله فرق کند.

فروش دلار به مبلغ بالاتر

۴۰۲۸. اگر در صـرّافی اسـکناس - مثلاًـ دلار - را نقـد به نهصـد تومان و نسیه به هزار تومان بفروشـند، آیا این معامله اشـکال دارد؟

ج. اشکال ندارد، زیرا بیع صرف، تنها در نقدین است.

تعویض پول اسکناس با سکّه

۴۰۲۹. تعویض پول اسـکناس با سکّه - در صورتی که پنجاه تومان اسکناس بدهد و در مقابل چهل و پنج تومان سکّه بگیرد - چه حکمی دارد؟

ج. تعویض سکّه به اسکناس اشکال ندارد و احتیاط آن است که در مقدار اضافی، معامله ی شرعی انجام دهند.

مثلی بودن پول

۴۰۳۰. آیا پول از مثلیّات است یا قیمیّات و اصولاً ملاک مثلی و قیمی چیست؟

ج. ظاهراً از مثلیات است و در ملاک آنها به مسائل ۲۰۴۹ الی ۲۰۵۱ رساله رجوع شود.

معامله با اسکناس تقلبی

۴۰۳۱. آیا معامله ی با اسکناس تقلبی، شرعاً جایز است؟

و با توجه به این که خود این فرد در قبال این اسکناس جنسی فروخته یا خدمتی انجام داده، وظیفه او چیست؟

ج. معامله چون به ذمّه می شود صحیح است ولی مبلغ قیمت جنس را مدیون و ضامن است چون آن اسکناس ارزش ندارد.

معامله ی دام و حیوانات

گوشت به جای وزن

۴۰۳۲. شخصی مقداری گوسفند و دام را به دام پرور می دهد تا بعد از ۶ ماه که آنها را پروار و چاق کرد، به جای وزن زیادی، به جای گوسفندها گوشت بپردازد، آیا جایز است؟

ج. اگر از باب معامله ی آن گوسفندها به آن مقدار گوشت باشد، مانعی ندارد و الّا آن گوسفندها به عنوان امانت تا شش ماه در دست دام پرور است که باید آنها را تحویل دهد و اجرت پروار کردن آنها را از مالك طلب کار است.

خرید و فروش و خوردن حیوانات دریایی

۴۰۳۳. خرید و فروش و خوردن دلفین یا شیر دریایی، خرچنگ و به طور کلی حیوانات دریایی، آیا جایز است؟

ج. خرید و فروش و خوردن هر گونه حیوان دریایی غیر از مواردی که تصریح به حلیّت آن شده، مانند:

ماهی بدون فلس، جایز نیست.

۴۰۳۴. آیا آن دسته از آبزیان که خوردن آنها حرام است، هر چند زنده از آب گرفته شده باشد، به حکم میته است - که خرید و فروش آنها جایز نباشد، با این که برای خوراك دام و طیور و بعض امور صنعتی از آن استفاده می شود؟

ج. اگر منفعت حلال مقصوده دارد و به قصد استفاده ی حرام معامله نمی شود، مانع ندارد بفروشند؛ هر چند احتیاط آن است که در مقابل «حق اختصاص» پول بگیرند و نیز احتیاط آن است که به کسی که می دانند استفاده ی حرام می کند ندهند.

خرید و فروش ماهی حرام

۴۰۳۵. آیا جایز است ماهی های حرام را به کفّار بفروشند و پول حاصل از آن را مصرف کنند یا به حکومت اسلامی بدهند؟

ج. خالی از اشکال نیست.

خرید و فروش پرندگان و حیوانات وحشی

۴۰۳۶. خرید و فروش پرندگان و حیوانات وحشی و نگهداری آنها در قفس چه حکمی دارد؟

ج. اگر دارای منفعت حلال عقلایی باشد، مانع ندارد.

خرید و فروش زمین و ساختمان

اختلاف قیمت زمین

۴۰۳۷. در بیست سال پیش زمینی را به برادرم به مبلغ دوازده هزار و هشتصد و دو تومان فروختم که مبلغ پنج هزار تومان را نقدی و بقیّه را بنا شد به صورت تدریجی پرداخت نماید، زمانی مشخّص برای پرداخت باقی ثمن مقرّر نشده بود، در حال حاضر قیمت آن زمین حدود دو میلیون و پانصد هزار تومان است.

خواستم نظر شرعی را در این رابطه مرقوم فرمایید؟

ج. ترقّی ارزش زمین ضرری به صحّت معامله نمی زند و اگر تخلّف شرطی نشده باشد، فروشنده حقّی به جز دریافت باقی مانده ی ثمن معامله را ندارد، ولی برای تفاوت ارزش باقی مانده با روز ادا، احتیاطاً مصالحه نمایند.

پشیمانی بایع بعد از گرفتن مقداری از ثمن

۴۰۳۸. مغازه ای را با قولنامه معامله کرده اند و بایع مقداری از ثمن را هم نگرفته که بقیه را در وقت تحویل مغازه و ثبت و سند بگیرد؛ ولی پس از مدتی بایع پشیمان شده و مغازه را هم تحویل نمی دهد. آیا این معامله لازم است؟

ج. اگر موجبات خیار از قبیل ظهور غبن و غیره نباشد، معامله لازم است و بایع حق فسخ ندارد، مگر آن که اقاله کنند.

پیش فروش آپارتمان و ساختمان

۴۰۳۹. پیش فروش ساختمان یا آپارتمان توسط انبوه سازان - که هنوز وجود خارجی ندارند - تحت چه عقد شرعی واقع می شود؟

ج. اگر تحت عقد سلف باشد، با تمام شرایط آن جایز است.

معامله وقف

۴۰۴۰. شش دانگ مزرعه و قناتی در تاریخ ۲۴ / ۵ / ۱۳۱۵ به علت ضایع شدن، با اذن و دستور مرجع تقلید وقت مرحوم حضرت آیه اللّٰه العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری - رحمه اللّٰه - به فروش می رسد و بیع صورت می گیرد.

یک فقره چک بابت ثمن معامله از ناحیه خریدار تحویل اداره اوقاف وقت و متولی قرار می گیرد که به رسم امانت تحویل اداره اوقاف می شود که با هماهنگی با متولی، به خریدن زمین و آب مناسب، تبدیل به احسن صورت گیرد که نهایتاً به علت نامعلومی تبدیل به احسن صورت نمی گیرد و خریدار هم با هزینه های زیادی نسبت به عمران و آبادی مزرعه و قنات اقدام و پس از گذشت ۶۳ سال فرزندان متولی مدعی ورثه خریدار شده و تقاضای وقفیّت مزرعه فوق الذکر نموده اند.

لطفاً مرقوم فرمایید:

۱) آیا معامله فوق الذکر با شرایط مذکوره صحیح است؟

۲) عدم اقدام اداره اوقاف یا متولی یا هر دو برای تبدیل به احسن، موجب بطلان معامله می شود یا نه یا اینکه صحّت معامله

منوط به انجام تبدیل به احسن است و لو اینکه از اوّل با قصد تبدیل به احسن معامله صورت گرفته، ولی بعداً تبدیل به احسن صورت نگرفته است؟

۳) نهایتاً با توجه به مسائل ذکر شده، مزرعه فروخته شده به صورت ملك درآمده یا به علت تقصیر مسؤولین وقت به وقفیّت باقی است؟

ج. بیع مذکور صحیح است و فروشنده ضامن

وقف است، که باید آن را به قیمت روز آن را ادا و تبدیل به احسن نماید و اللّٰه العالم.

انتقال حق انشعاب آب، برق و ... با منزل

۴۰۴۱. در خرید و فروش خانه مسکونی، آیا حق انشعاب آب و برق و گاز و تلفن هم داخل در خانه ی مورد معامله می باشد؟

ج. در صورتی که هنگام معامله، این حقوق ذکر شود و یا عرفاً این حقوق با مسکن مورد معامله قرار گیرد، داخل است.

بیع شرط

۴۰۴۲. شخصی منزل خود را به بیع شرط می فروشد، به این صورت که هرگاه بایع پول را پس داد معامله فسخ شود، آیا این معامله صحیح است؟

ج. پس دادن بعدی، دلیل بر فسخ است، به ترتیبی که در بیع شرط مقرّر است.

تعهّد یک جانبه

۴۰۴۳. شخصی را مجبور کرده اند به این که متعهّد شود قطعه زمینی را به اشخاص دیگری تملیک و واگذار نماید.

۱) تسلیم زمین از طرف شخص متعهّد در صورتی که با طیب نفس نبوده، صحت معامله را خدشه دار می کند؟

۲) این فرد می تواند از تعهد اولیه عدول کرده و منصرف گردد؟

ج. تعهّد ابتدایی، اگر چه از روی اکراه و اجبار نباشد الزام آور نیست، ولی در صورتی که عقد با شرایط خاص خود محقّق شده باشد و از روی اکراه و اجبار نباشد، طبق آن باید عمل شود و لازم الوفاء است.

۴۰۴۴. این جانب زمینی را به کسی فروختم و او بعد از تحویل در آن تصرّف کرد. سپس عدّه ای کشاورز زمین را از او گرفته و وی به دادگاه شکایت کرده و می گوید:

زمین را به من برگردانید، آیا وظیفه ی حقیر دادن وجه زمین است یا اصل آن؟

ج. وظیفه شما دادن اصل زمین است.

معامله ی صوری

۴۰۴۵. این جانب یک باب خانه ی ملکی خود را جهت انجام کارهای بنایی و تعمیرات و گرفتن وام به صورت صوری نه حقیقی به نام فرزندم کردم و اکنون عروسم، که مقدار زیادی سکّه به عنوان مهر از پسرم طلب کار است، خانه را توقیف نموده که حق خود را بگیرد، در حالی که فامیل از معامله ی صوری باخبر هستند و ثمن یا قبض و اقباضی هم صورت نگرفته است و من در آن ساکن هستم. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

ج. حتی با فرض بخشش اگر قبض و اقباض صورت نگرفته، خانه ملک شماست و از حیث فروش قصد جدی آن لازم است و از حیث موضوع محتاج به مرافعه است.

خرید و فروش زمین، بدون تعیین حدود

۴۰۴۶. آیا وکیل می تواند مقداری از زمین های مُوَکِّل را بدون تعیین حد و حدود و بدون ذکر پلاک و بدون تعیین متراژ به نحو @جزاف و بدون تحقّق ارکان معامله، به خود منتقل کند؟

ج. با فرض جهالت مطلق، معامله باطل است و به خصوص اگر خلاف وکالت باشد معامله فضولی است، هر چند معلوم باشد.

خانه های خریداری شده با سود بانکی

۴۰۴۷. خانه ای خریداری شده است که بخشی از قیمت آن سود بانکی بوده است، تکلیف چیست؟

ج. اگر معامله ی خانه نظیر نوع معاملات به ثمن کلّی بوده، خانه را مالک است و می تواند در آن تصرّف کند.

زمین واقع شده در طرح

۴۰۴۸. اگر بعد از وقوع معامله ی زمینی، طرحی از طرف دولت بیاید و قسمتی از زمین از بین برود، آیا خریدار حق فسخ دارد؟

و آیا فروشنده ضامن است؟

ج. خیر، نه خریدار حق فسخ دارد و نه فروشنده ضامن است، اگر به خریدار تحویل داده بوده است.

۴۰۴۹. شهرداری خانه هایی را که در طرح باشند خراب می کند و بهایی هم به مالک می دهند، اما با قیمت روز بسیار متفاوت است و گاهی نقد هم نمی باشد و یا ملکی به آنها می دهد که ارزش ملک قبلی را ندارد، آیا شرعاً درست می باشد؟

ج. اگر با رضایت مالکین نباشد، حرام و غصب است.

کشف معدن در ملک شخصی

۴۰۵۰. در زمین های کشاورزی یا جایی که ملک شخصیست و سند آن ملک به نام اوست، معدنی کشف می شود، آیا کشف این معدن زمین ها را از ملکیت صاحبان آن خارج می کند؟

ج. خیر.

فروش زمین موات

۴۰۵۱. زمین موات در چه صورتی قابل فروش خواهد بود و چه کسی حق احیای آن را دارد؟

ج. زمین موات را هر کس که احیاء کند مالک آن می شود و حق فروش به غیر دارد.

تنظیم سند بدون حضور وکیل

۴۰۵۲. کسی که به دفترخانه مراجعه می کند، می گوید مالک فلان چیز است و می خواهد شخصی را وکیل کند آن را بفروشد؛ آیا صاحب دفترخانه بدون احراز مالکیّت مُوَکِّل می تواند سند تنظیم نماید که معمولاً وکیل در دفترخانه حضور نداشته و فقط شخص مُوَکِّل بعد از تنظیم سند آن را امضا می نماید؟

ج. بدون احراز ملک، آثار ملک مترتّب نمی شود، مگر به صورت تعلیق و دفترخانه آن چه را احراز کرده می تواند گواهی نماید.

هزینه ی انتقال سند

۴۰۵۳. پدر بزرگ این جانب زمینی به مساحت ۵۰ هکتار - که متَعَلُّق به پسرانش می باشد - حدود پنجاه سال قبل به نام پدرم سند کرده است.

اکنون عموهایم خواهان سند چهار و نیم دانگ، از سند فوق می باشند. هزینه ی ثبت اسناد و مالیات و دارایی املاک بر عهده چه کسانی می باشد؟

ج. در صورتی که آنها مالک باشند و درخواست ثبت سند دارند، تمام هزینه به عهده آنهاست، اگر عنوان دیگری دخیل نباشد.

امتناع فروشنده از وصول چک و انتقال سند

۴۰۵۴. شرکتی جهت تأمین خانه برای اعضای خود زمینی را در سال ۱۳۶۹ از شخصی به مبلغ دویست و شصت میلیون ریال خریداری نمود. شصت میلیون ریال آن طی یک فقره چک در همان تاریخ به فروشنده داده شد که در فروردین ۱۳۷۰ وصول کند و دویست میلیون ریال باقیمانده طی یک فقره چک دیگر به او تحویل شد تا طبق قرار بعد از تنظیم سند رسمی وصول گردد. البتّه ملک مورد معامله توسّط خریداران در حد نقشه برداری و میخ کوبی به تصرّف درآمده است.

امّا فروشنده از وصول چک اوّل و انتقال سند خود داری کرده است.

بفرمایید:

۱) آیا این معامله صحیح واقع شده است؟

ج. آن گونه که مرقوم شده معامله صحیح است، ولی فروشنده در صورت غبن، خیار دارد.

۲) مالك این ملك در حال حاضر - شرعاً - چه کسی می باشد؟

ج. ملك خریدار است.

۳) بر فرض این که معامله صحیح و تمام بوده است و ملك مُتَعَلِّق به خریداران باشد، خسارت ناشی از عدم انتقال سند رسمی از ناحیه ی فروشنده به خریداران در این مدّت ۶ سال، به عهده چه کسی می باشد؟

ج. بر عهده فروشنده است.

میزان اعتبار شرعی سند

۴۰۵۵. آن چه در حال حاضر شایع است آن است که مردم در خارج از دفترخانه خرید و فروش می کنند و چون تنظیم سند بیع در دفترخانه، مستلزم پرداخت مالیات است، فروشنده را ملزم به تنظیم سند رسمی وکالت برای خریدار واقعی می نمایند، آیا این گونه معاملات صحیح می باشد؟

ج. در هر صورت بیع شرعی میزان است و سند، اعتبار شرعی ندارد، مگر در صورتی که موجب اطمینان شود و اللّٰه العالم.

۴۰۵۶. هفت سال قبل زمین کشاورزی خود را

به شخصی فروختم، در هنگام فروش قید شد هرگاه پشیمان شدم، دو برابر پولی را که در ازای قیمت زمین گرفته ام بپردازم.

اکنون حاضرم دوچندان بپردازم و زمین را مال خود نمایم؛ حکم مسأله را بیان فرمایید؟

ج. اگر شرط مزبور برای فشار بر فروشنده بوده است که اگر فسخ کند مبلغ بیشتری بدهد، نه برای توسعه و نفع او - که اگر زمین گران شد فسخ کند و قیمت کمتر از ارزش فعلی را بدهد، فروشنده نمی تواند فسخ کند.

۴۰۵۷. شخصی منزل خود را به دیگری فروخته و مبلغ مشخصی را در قولنامه، به عنوان فسخ یکی از طرفین، قرار داده اند (با آگاهی از این که متعارف بین مردم در چنین شرطی تا زمانی است که تمام منزل به مشتری تحویل گردد)، پس از فسخ معامله از طرف مشتری، آیا فروشنده می تواند آن مبلغ را از مشتری بگیرد؟

ج. در صورتی که عقد با ایجاب و قبول تمام شده باشد و یا عقد به صورت معاطاتی انجام شده باشد هر چند به وسیله اعطای کل قیمت یا منزل از یک طرف و دریافت از طرف دیگر و در این ضمن، شرط مذکور انجام گرفته باشد، هر چند به صورت غیر مذکور در عقد، لکن عقد بر اساس این شرط انجام گرفته باشد، این شرط لازم و واجب الوفاء است.

ادعای ثلث بودن ملک

۴۰۵۸. فردی ملکی را طبق قوانین رسمی خریده، در حالی که فروشنده نیز از دیگری خریده و همچنین آن فروشنده از دیگری و لکن شخصی ادّعا می کند که این ملک در حدود هفتاد سال قبل، ثلث بوده است، ولی مدرک صحیحی ندارد؛ حکم مسأله را بیان فرمایید؟

ج. تا این

شخص به وجه شرعی ادعای خودش را اثبات نکند، ملک را نمی تواند از دست طرف مقابل بگیرد و نزاع و اختلاف، نیاز به مرافعه ی شرعیّه دارد.

اعتبار قیمت فعلی در سرقفلی

۴۰۵۹. مستأجری که موقع اجاره، سرقفلی پرداخت کرده، آیا پس از تمام شدن مدّت، مستحق همان مبلغیست که داده یا استحقاق سرقفلی زمان تحویل را دارد؟

ج. میزان قسمت فعلیست و مستأجر می تواند به قیمت روز بگیرد، ولی بنا بر احتیاط واجب در سرقفلی مصالحه نمایند.

۴۰۶۰. شخصی سرقفلی مغازه ای را به صورت قسطی به مبلغی خریده و چند قسط آن را هم داده است، بعد از ۶ ماه مغازه را هم تصرّف کرده، صاحب ملک می گوید به این مبلغ سرقفلی راضی نیستم و بیشتر می خواهد، آیا او در این بیع، حق فسخ دارد؟

ج. سرقفلی مانند شرط در ضمن عقد اجاره است که در صورت صحّت این معامله، فروشنده حق فسخ ندارد.

مسائل سرقفلی تحریر الوسیله

۴۰۶۱. با کدام یک از هشت مسأله در باب سرقفلی تحریر الوسیله، موافقت دارید؟

ج. مسأله ی ۱ و ۲ و ۳ و ۸ مورد تأیید است.

اقرار به فروش سرقفلی

۴۰۶۲. شخصی چند سال قبل از فوت خود به صورت شفاهی در نزد برادران و فامیل نسبی خود فروش نصف سرقفلی مغازه ای را به شریک خود - که برادرش می باشد - اقرار می نماید و خریدار - یعنی صاحب نصف دیگر سرقفلی - ظرف چهار سال نسبت به پرداخت ثمن، اقدام می نماید که پس از دو سال سپری شدن از فوت فروشنده، خریدار ثمن مورد معامله را به قیّم صغیر (همسر متوفّی) پرداخت می کند:

۱) آیا این معامله صحیح است و نیاز به تنفیذ صغیر ورثه دارد یا نه؟

ج. اگر معلوم یا ثابت شود شرعاً معامله واقع شده، صحیح است، اگر به صورت غیر بیع بوده یا به نحو شرطی که شرعاً صحیح باشد و نیاز به تنفیذ ورثه ندارد، ولی تفاوت قیمت از زمان خرید تا زمان پرداخت باید مورد نظر قرار گیرد، اگر تفاوت ارزش، فاحش و غیر مترقّب بوده است.

۲) شهادت فامیل نسبی در این خصوص از چه اعتباری برخوردار است؟

ج. اگر یقین به معامله نیست، باید شرایط شهادت از جمله عدالت در شهود باشد و در هر صورت، اختلاف باید نزد حاکم

شرع حل و فصل شود.

اختیارات واسطه در فروش

۴۰۶۳. شخصی منزلی را در اختیار کسی قرار می دهد که برایش بفروشد، او آن را به قیمت ۱۰ میلیون تومان می فروشد ولی به مالک ۳۰۰ هزار تومان کمتر می دهد و به وی هم نمی گوید، آیا این کار صحیح است؟

ج. عمل او حرام و ضامن است.

حق دلالی بنگاه های معاملاتی

۴۰۶۴. بعضی از بنگاه های معاملاتی بعد از تحقق معامله از طرفین معامله، مبلغ زیادی حق کمیسیون می گیرند، در حالی که متعاملین راضی نیستند و با اجبار آن را پرداخت می کنند این مسأله شرعاً چه صورتی دارد؟

و اگر معامله باطل باشد، چه حکمی دارد؟

ج. این مزد دلالیست که می توانند از اوّل بر مبلغی توافق بکنند و اگر نکردند، اجره المثل ثابت می شود و اگر متعارف در ثبوت مزد دلالی، تمام شدن معامله به نحو صحیح است، معامله ی باطل، حق دلالی ندارد.

فروش منزل توسط دو بنگاه

۴۰۶۵. اگر شخصی به دو بنگاه معاملاتی اختیار دهد تا منزل او را بفروشند و هر دو بنگاه در یک زمان با تفاوت قیمت منزل مسکونی را بفروشند، در این صورت معامله کدام یک از آنها صحیح است؟

ج. اختیار با مالک منزل است.

خرید و فروش خودرو

فروش نقد و اقساط خودرو

۴۰۶۶. اگر شرکت خودروسازی قیمت خودرو را در فاکتور چنین بنویسد:

قیمت نقدی ۸ میلیون تومان، ۳ ماهه ۹ میلیون و ۶ ماهه ۱۱ میلیون تومان، آیا این نحوه معامله شرعاً صحیح است؟

ج. با تعیین یکی از آن قیمت ها در حین معامله، جایز است.

سپردن پول برای خرید ماشین

۴۰۶۷. فردی پولی را به مدت یک سال یا بیشتر برای خرید ماشین، نزد شرکتی می گذارد و آن شرکت با آن پول کار می

کند و در آخر به مقدار سود پول از قیمت فعلی ماشین کم می کند؛ آیا معامله مذکور صحیح است؟

ج. این معامله اگر واجد شرایط عقد شرکت است، اشکال ندارد و اگر سود بر وجه حرام باشد نیز تصحیح معامله ممکن است؛ زیرا طرفین به این معامله راضـی هستند به مجموع این عوض، هر چند مخلوط از حلال و حرام باشد، زیرا که عوض، شخص آن مقدار نیست، بلکه حد آن مقدار است که به ذمّه صورت می گیرد و اگر کم بودن اصل ثمن به این جهت باشد، امر واضح تر است.

خرید و فروش وسایل نقلیه بدون سند

۴۰۶۸. خرید و فروش اتومبیل یا موتور که سند ندارند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر علم به دزدی بودن آن نداشته باشند، اشکال ندارد.

فروش خودرو و امتناع از انتقال سند

۴۰۶۹. شخصـی اتومبیلی را فروخته است و خریدار هم آن را به شخص دیگری فروخته است و قبض و اقباض ثمن و مثمن در هر دو معامله انجام شده است.

اکنون فروشنده اوّل چون به جهت دیگر طلب کار است، از انتقال سند خود داری می کند.

حکم شرعی آن را بیان کنید؟

ج. فروشنده اوّل حق امتناع از انتقال سند ندارد و باید انتقال دهد.

پیدا نمودن جنس مسروقه نزد خریدار آن

۴۰۷۰. اتومبیل خود را به کسی داده بودم تا با آن کار کند، ولی او خیانت کرد و با مدارک مالکیت من آن را ربود، فعلاً اتومبیل را نزد فرد دیگری پیدا کردم که می گوید از سارق خریده است، آیا می توانم اتومبیل را از او بگیرم؟

ج. می توانید از او بگیرید و وی در صورت جهل نسبت به دزدی بودن اتومبیل، باید مبلغ مذکور را از سارق باز پس گیرد.

خرید و فروش طلا و زرگری

معامله ی طلا

۴۰۷۱. زرگرها در مقابل ساخت و تبدیل شمش به زیورآلات، مزدی معیّن می پردازند، سپس همان طلای ساخته شده را در مقابل وزن مساوی از طلای شمش، با اضافه ی اجرت ساخت بیشتر به دیگری می فروشند، آیا چنین معامله ای صحیح است؟

ج. اگر ثمن معامله پول باشد، یا اجرت ساخت را جداگانه بدون ارتباط به عوضین معامله بگیرد، اشکال ندارد.

مزد گرفتن برای ساختن طلا

۴۰۷۲. گـاهی اوقـات مشتری طلاـی نسـاخته را به طلاساز می دهـد تا برایش بسازد. بعـداً طلاساز همان مقـدار طلا را از حیث وزن، طلا می سازد و به اضافه مزد عمل پس می دهد. آیا این کار حلال است یا ربا محسوب می شود؟

ج. اگر آن طلاـی غیر معمول را به همان مقـدار از طلای معمول با اضافه معامله کننـد، ربا و حرام است و اگر دو معامله باشـد که طلای نساخته را بفروشند و بعد طلای ساخته را با قیمت بیشتری بخرند، این اشکال ندارد و طلاساز می تواند از مشتری این وکالت را بگیرد که از طرف او این دو معامله را انجام دهد.

مبادله طلا با طلا

۴۰۷۳. فروش طلا به طلا به صورت نقد و گرفتن اجرت ساخت، چه وجهی دارد؟

فروش طلا به طلا به صورت نسیه و مدت دار، چه حکمی دارد؟

ج. اگر عوضـین قیمت شود و در حقیقت دو معامله انجام شود، هر دو نحو صـحیح است، اما اگر یک معامله باشـد، لازم اسـت هم نقد باشد و هم مساوی بودن اجرت اضافی و نیز در مجلس عقد تقابض صورت گیرد.

فروش مدت دار طلا

۴۰۷۴. آیا فروش طلا به صورت مدت دار اشکال دارد؟

به طور کلی شغل طلافروشی و طلاسازی در اسلام چه حکمی دارد؟

ج. اگر به ازای طلا نباشد اشکال ندارد و با رعایت موازین شرعی، این شغل حلال است.

ساختن طلای مردانه

۴۰۷۵. ساختن طلا جهت استفاده ی مردان چه حکمی دارد؟

ج. چنان چه اختصاصی مردان باشد، حرام است.

خرید و فروش طلا با طلا

۴۰۷۶. اگر طلایی به قیمت ارزان تر از طلای هم وزن خود خریده شود، چه حکمی دارد؟

در صورت راضی بودن طرفین چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

خرید و فروش انگشتر طلای مردانه

۴۰۷۷. خریـد و فروش انگشتر طلـای زرد مردانه که فقـط مورد اسـتفاده ی مردان قرار می گیرد، باطـل است یـا فقـط حرام می باشد؟

ج. معامله با علم به انحصار فایـده در حرام، باطل است و در صورتی که منفعت حلالی دارد، بایـد مقصوده «۱» باشد و خریدار اگر انگشتری را گرفته، نسبت به ماده ی انگشتری (طلا) ضامن است.

|

(۱). یعنی در هنگام معامله آن منفعت حلال مورد نظر قرار گرفته و برای آن منفعت طلا خریده شود.

خرید و فروش کالای ممنوع و قاچاق کالا

۴۰۷۸. حکم خرید و فروش کالای ممنوعه (به لحاظ قانونی) - مانند اجناس قاچاق - چیست؟

ج. چون موجب قرار گرفتن در معرض خطر و ضرر است، تکلیفاً جایز نیست، اگر چه وضعاً صحیح است.

۴۰۷۹. احتراماً، خواهشمند است نظر مبارك را در خصوص موارد ذیل اعلام فرمایید:

۱) فروش فرآورده های دریا مانند ماهی، میگو، خاویار و ... به صورت قاچاقی؛

۲) فروش فراورده های نفتی مانند نفت، بنزین، گازوییل به صورت قاچاقی؛

۳) خرید و فروش اموال تاریخی و فرهنگی و عتیقه به صورت قاچاقی؛

ج. جـایز نیست، زیرا در معرض خطر و ضـرر است و در مواردی که برای مسـلمین مضـر است تکلیفـاً جـایز نیست، اگر چه هر مورد وضعاً، تابع شروط شرعیه همان مورد است و اللَّه العالم.

خرید و فروش محصولات فرهنگی، هنری و رسانه ای

تهیّه فیلم و کارتون از زندگی ائمّه علیهم السّلام

۴۰۸۰. برای آن که مقـام معنوی و شـئون ائمه اطهـار و پیامبران علیهم السّـلام محفوظ بمانـد، در ساختن فیلم زنـدگی آنان چه نکات و ضوابطی لازم است رعایت شود؟ و تهیه فیلم انیمیشن (کارتون) و نمایش عروسکی از زندگی معصومین علیهم السّلام چه حکمی دارد؟

ج. بایـد عمـل به هیـچ وجه حرام نباشـد و دلالـت بر خلاف واقع - که به منزله ی دروغ است - نداشـته باشـد و اهانت بر مقام شامخ معصومین علیهم السّلام نزد متشرّعه نباشد.

ویدیوکلوپ ها

۴۰۸۱. حکم اشتغال در ویدیو کلوپ ها که محل عرضه فیلم های سینمایی و محصولات فرهنگی به جامعه است، چیست؟

ج. با فرض مشتمل بودن بر حرام، اشکال دارد.

فروش روزنامه با کلمات مقدّسه

۴۰۸۲. آیا فروش روزنامه هایی که معمولاً نام خدا و معصومین علیهم السّلام و آیات قرآنی دارد، به مغازه داری که از آن برای بسته بندی استفاده می کند، جایز است؟

ج. اگر هتک حرمت باشد و با این قصد بفروشد، اشکال دارد.

حق نشر کتاب

۴۰۸۳. مؤلّف کتابی با ناشری قرار گذاشته که حق نشر با آن ناشر باشد و بعد خود مؤلف این حق را برای خودش بر می دارد و با ناشر دیگری قرارداد می بندد، آیا اشکال دارد؟

ج. اگر قرارداد آنها ضمن عقد لازم شرعی بوده، اشکال دارد و اگر این حق قابل تفویض باشد، پس از تفویض به اوّلی، تفویض به دوّمی دیگر بلامحل است.

۴۰۸۴. آیا (محفوظ بودن حق چاپ و نشر) از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟

ج. بله، صحیح است.

خرید و فروش عکس هنرپیشگان و ورزشکاران و ...

۴۰۸۵. خرید و فروش پوسترهای بعضی از هنرپیشگان و یا ورزشکاران که با وضع بد و یا بی حجاب می باشند و نگاه کردن به آنها و یا نصب آنها در خانه به جهت علاقه به آن هنرپیشه یا ورزشکار، چه وجهی دارد؟

ج. چون معرضیّت برای مفسده دارد، اشکال دارد.

رادیو و تلویزیون

۴۰۸۶. رادیو و تلویزیون دارای منافع حلال و حرام می باشد.

آیا خرید و فروش و انتفاع بردن از آنها، جایز است؟

ج. خرید و فروش به قصد منفعت حلال، مانع ندارد و هم چنین استفاده از آن در جهت حلال نیز بی اشکال است؛ ولی باید به

هیچ وجه از آن منفعت حرام نبرند و در دسترس کسی که استفاده ی حرام می کند، قرار ندهند.

آنتن ماهواره

۴۰۸۷. آیا آنتن ماهواره جزو آلات لهو است؟

خرید و فروش و استفاده از آن، چه حکمی دارد؟

ج. با وجود فساد، استفاده از آن و خرید و فروش آن جایز نیست.

اینترنت

۴۰۸۸. استفاده از اینترنت چه حکمی دارد؟

ج. تابع نحوه ی استفاده از آن است.

استراق سمع

۴۰۸۹. آیا استفاده از وسایل استراق سمع برای تجسّس و شنیدن مکالمه مردم، - مانند ضبط کردن مکالمه افرادی که کراهت از افشای آن دارند یا کنترل تلفن اشخاص - چه حکمی دارد؟

ج. در غیر حال ضرورت منحصره نسبت به دفع مفسده ی مهم، جایز نیست.

سی دی

۴۰۹۰. خرید و فروش سی دی چه حکمی دارد؟

ج. اگر از مواردی باشد که تکثیر و کپی آن ممنوع بوده، جایز نیست و همچنین اگر تنها استفاده ی حرام از آن می شود نیز جایز نمی باشد.

تکثیر نرم افزارهای خارجی

۴۰۹۱. برخی از نرم افزارهای کامپیوتری از کشورهای خارجی به داخل ایران آورده و تکثیر می شود. در آن کشورها (کشورهای سازنده این نرم افزارها) تکثیر آن، ممنوع اعلام شده است، حکم تکثیر چنین نرم افزارهایی چیست؟

ج. مانند حق طبع و چاپ کتاب است که اگر اضرار به مؤلّف یا ناشر محسوب شود، جایز نیست؛ بلکه عمل انجام گرفته توسط او محترم است؛ ولی اگر آن کفّار از کسانی باشند که مالشان محترم نباشد و موجب فتنه نشود، تکثیر آن جایز است.

تولید نرم افزار با استفاده از برنامه های تلویزیونی

۴۰۹۲. برخی از برنامه های نرم افزاری، با استفاده از برنامه های تلویزیونی داخلی یا خارجی اعم از ماهواره ... تهیه می شود، تولید، استفاده و خرید و فروش و تکثیر چنین برنامه های تولیدشده ای چه حکمی دارد؟

ج. اگر آن برنامه ها مشتمل بر حرام نباشد و حق دیگران نیز به آن تعلق نداشته باشد، جایز است.

فیلم هایی که دیگران از صفحه سینما می گیرند

۴۰۹۳. برخی از افراد با دوربین از فیلم هایی که در سینما پخش می شود فیلم گرفته و پس از تبدیل به سی دی آن را می فروشند یا کرایه می دهند، آیا استفاده از چنین فیلم هایی جایز است؟

ج. اگر فیلم مشتمل بر حرام نبوده و حق دیگری (اعم از فیلمساز، تهیه کننده و ...) به آن تعلق نداشته باشد، جایز است.

ضبط برنامه های تلویزیونی

۴۰۹۴. آیا ضبط برنامه های تلویزیونی و خرید و فروش و مشاهده آن جایز است؟

ج. اگر مفسده ای نداشته باشد، جایز است.

ضبط برنامه های دیگران از صدا و سیما

۴۰۹۵. برخی از برنامه های تولیدی دیگران - مثل تصنیف ها، فیلم ها و ... - که از تلویزیون پخش می شود، تولید صدا و سیما نیست و حقوق مربوط به تکثیر آن معلوم و مشخص نیست، آیا ضبط چنین برنامه هایی از تلویزیون، جایز است؟

ج. اگر مشتمل بر مفسده و حرام است، جایز نیست و از حیث تَعَلُّق حق باید احراز شود حق دیگری به آن تعلق ندارد وگرنه اشکال ندارد.

اختلاف فتوای مرجع تقلید شکننده قفل نرم افزار با استفاده کننده از آن

۴۰۹۶. برخی از افراد که اجتهاداً و تقلیداً شکستن و یا کپی کردن و تکثیر فیلم و برنامه های کامپیوتری را جایز می دانند، اگر برنامه ای را بدون اجازه کپی یا تکثیر کنند و در اختیار کسی که اجتهاداً یا تقلیداً جایز نمی داند، قرار دهند آیا او می تواند از چنین برنامه هایی استفاده نماید؟

ج. خیر، نمی تواند.

تولید نرم افزار با تولیدات دیگران

۴۰۹۷. برخی از شرکت ها و افراد بدون اجازه از تولیدات دیگران استفاده می کنند و سپس اجازه تکثیر یا فروش محصول تولیدی خود را به دیگران نمی دهند، در صورت علم مشتری به نحوه تولید غیر شرعی چنین برنامه هایی، خرید و فروش و

استفاده از چنین برنامه هایی چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

استفاده از موسیقی، آواز و تصاویر دیگران در تولید نرم افزار

۴۰۹۸. سیستم تهیه برنامه های نرم افزاری به گونه ایست که هر برنامه ای به کمک برنامه های موجود در بازار و با ضمیمه آنها تولید می شود که آن برنامه ها یا به صورت اصل یک برنامه نرم افزاریست یا بخشی از آن را تشکیل می دهد و یا موسیقی ها و آوازها و یا تصاویر آن متعلق به دیگران است، آیا خرید و فروش، تکثیر و استفاده از چنین نرم افزارهایی، در صورتی که غرض اصلی همان برنامه تولیدی آن شرکت باشد، جایز است؟

ج. هر چه مشتمل بر برنامه های ممنوع التکثیر یا مشتمل بر برنامه های حرام باشد، جایز نیست.

نرم افزارهای تولید شده به صورت مشترک

۴۰۹۹. برخی از افراد یا شرکت ها، نرم افزارهایی تولید می کنند که از برنامه های تولیدی دیگران در برنامه خود استفاده می کنند، اگر بدانیم آنان بدون اجازه از برنامه های دیگران بهره جسته اند، آیا استفاده از چنین برنامه هایی اشکال دارد؟

اگر ندانیم که آنها اجازه گرفته اند یا نه، تکثیر و فروش و استفاده از آنها چه حکمی دارد؟

ج. لازم است احراز شود که حق دیگران به آن برنامه ها تعلق ندارد.

حاکم بودن قاعده سوق مسلمین بر بازار نرم افزار

۴۱۰۰. نرم افزارهایی که از بازار مسلمین تهیه می کنیم، آیا لازم است از نحوه شرعی بودن تکثیر آن فحص و جستجو کنیم یا سوق مسلمین حاکم بوده و خریدن بدون پرس و جو از خصوصیات تکثیر و پخش آن جایز است؟

ج. اگر غلبه با موارد ممنوعه است، سؤال و فحص شود.

خرید و فروش فیلم ها و نرم افزارهای مشترک ایران و خارج

۴۱۰۱. آیا خرید و فروش فیلم ها و نرم افزارهایی که کار مشترک ایران و کشورهای کفر است، شرعاً اشکال دارد؟

ج. بله، اشکال دارد.

نرم افزارهایی که حاوی برنامه های ایرانی و خارجیست

۴۱۰۲. برخی از نرم افزارها و برنامه ها متشکل از برنامه های مختلف یا تصاویر، آهنگ، فیلم و امکانات جانبیست که ممکن است مثلاً ـ آهنگ و امکانات جانبی آن متعلق به شرکت های ایرانی بوده و بقیه برنامه ها متعلق به کفار باشد، آیا کپی گرفتن

از چنین نرم افزارهایی شرعاً جایز است؟

در صورتی که هدف اصلی انسان، استفاده از برنامه های خارجی (متعلق به کفار) آن نرم افزار باشد چه طور؟

ج. جایز نیست.

مشاهده فیلم های کپی شده

۴۱۰۳. اگر فیلمی به صورت غیر شرعی توسط فرد دیگری کپی و تکثیر شده باشد، مشاهده فرد ثالث در کنار مشاهده افراد دیگر، برای فرد ثالث ضمان آور است؟

ج. اگر تأیید باشد جایز نیست و ضمان مبنی بر صدق اضرار و استناد آن فی الجمله به او است.

فیلم های خارجی با زیر نویس فارسی

۴۱۰۴. آیا فیلم های خارجی که در مراکز کفر تولید شده و دوبله نشده اند؛ اما زیرنویس فارسی دارند را می توان کپی کرد؟

ج. خیر.

فیلم های دوبله شده خارجی

۴۱۰۵. آیا کپی کردن فیلم های خارجی که متعلق به کفاریست که مال آنان محترم نیست؛ ولی توسط مراکز دوبله داخلی، دوبله شده جایز است؟

ج. جایز نیست.

کپی فیلم بر روی حافظه کامپیوتر و عودت فیلم

۴۱۰۶. ویدیوکلوپ ها برنامه های خود را در مدت زمان محدودی کرایه می دهند، آیا جایز است برنامه کرایه ای را بر روی حافظه ای کامپیوتر کپی و پس از عودت دادن سی دی، از آن برنامه ی کپی شده در خارج از محدوده ی زمانی بهره برد؟ مانند فیلم های سینمایی، مستند و ...

ج. اگر معلوم است که این کار مورد رضایت صاحب حق اصلی فیلم نیست، جایز نمی باشد البته این در صورتیست که محتوای فیلم مشتمل بر حرام نباشد و در غیر این صورت از این جهت نیز جایز نیست.

احکام متفرقه خرید و فروش

خیاطی برای نامحرم

۴۱۰۷. خَیّاطی مرد اجنبی برای زنان، چه حکمی دارد؟

ج. جواز آن مبنی بر اینست که در مقدمات و مقارنات و لوازم آن، حرامی صورت نگیرد.

دلّالی و واسطه گری برای حرام

۴۱۰۸. دلّالی گرفتن برای کارهای حرام - مانند معاملات ربوی - آیا حرام است؟

و آیا پول گرفته شده از طرفین ضمان آور است؟

ج. بله، این کار حرام است و پول آن هم حرام می باشد.

وثیقه قرار دادن در قبال اخذ وجه

۴۱۰۹. برای آزاد کردن زندانی، فردی حاضر است در قبال دریافت مبلغی پول، سند منزلش را به عنوان وثیقه قرار دهد؛ آیا اشکال دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

دختران فروخته شده در کشورهای دیگر

۴۱۱۰. در بعضی کشورها، دختران توسّط والدین به فروش می رسند، آیا این کار جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

خرید و فروش تمبر پستی

۴۱۱۱. فروش تمبرهای پستی - که قیمت معیّنی دارند - به قیمت بیشتر، چه حکمی دارد؟

ج. اگر به حد اجحاف نباشد، جایز است.

فروش بن

۴۱۱۲. آیا فروش بن هایی که بعضی از اداره ها و یا ... به کارمندان خود می دهند، با قیمت کمتر و تبدیل آن به پول نقد، جایز است؟

ج. معاوضه ی آن جایز است، اگر شرطی با او نشده باشد.

فروش اجناس یارانه ای در بازار آزاد

۴۱۱۳. اگر دولت اجناسی را به بنگاه ها و مغازه ها یا نانوایی ها با یارانه، جهت فروش به مردم با قیمت خاصی داده باشد و آنها این اجناس را تا چند ماه و یا چند سال هنوز نفروخته باشند، آیا با زیاد شدن قیمت ها می توانند آن را به قیمت روز در بازار آزاد بفروشند؟

ج. اگر دولت ملک آنها نکرده و هنوز خودش مالک است نمی توانند بفروشند، اما اگر به آنها فروخته است و آنها طبق شروط قرارداد عمل نکنند و دولت مطلع شود، دولت می تواند فسخ کند.

خرید بلیت سیرک و ...

۴۱۱۴. در سرگرمی هایی مانند سیرک و بندبازی و موتورسواری (کره مرگ و دیوار مرگ) خرید بلیط جهت تماشا، چه حکمی دارد؟

ج. مانعی ندارد، اگر مشتمل بر حرام نیست.

فروش انگور به تهیه کنندگان شراب

۴۱۱۵. فروش میوه هایی مانند انگور به کسانی که سابقه شراب درست کردن دارند، چگونه می باشد؟

ج. اگر به قصد حرام یا کمک به حرام نفروشد جایز است، اگر چه احوط ترک آن است.

قرعه برای پرداخت پول روی هم گذاشته شده

۴۱۱۶. آیا جایز است چند نفر مالی را اعم از پول یا کالا روی هم بگذارند و با قرعه تمام آن را بدون هیچ باز پرداختی به یک نفر واگذار کنند؟

ج. اگر همگی با رضایت مالشان را به یکی ببخشند، بدون اینکه خود را از جهت قرعه ملزم بدانند، مانع ندارد.

احکام تعلیم و تعلّم

یادگیری احکام شغلی

۴۱۱۷. آیا واجب است صاحبان مشاغل، احکام مربوط به شغل خود را یاد بگیرند؟ در صورت کوتاهی، آیا اشتغال آنان حرام است؟

و در این صورت، آیا درآمد آنان مشروع می باشد؟

ج. تکلیفاً یادگیری مسائل مورد ابتلای در هر امری واجب است، هر چند وضعاً تا حرامی انجام نداده، درآمد آن حلال است.

یادگیری مسائل دینی

۴۱۱۸. یادگیری اعتقادات و احکام، در چه محدوده ای بر مکلف واجب است؟

ج. در اعتقادات حقّه، آن چه اعتقاد به آنها لازم است و در احکام هم هر چه معرضیت برای ابتلای دارد.

یقین در اصول دین

۴۱۱۹. راه های یقین به اصول دین کدام است؟

ج. نسبت به موارد و افراد متفاوت است.

ترک یادگیری مسائل دینی

۴۱۲۰. آیا انسان با ترک فراگیری مسائل مورد ابتلای خود گناهکار محسوب می شود؟

ج. بله.

نهی پدر و مادر در تحصیل علم

۴۱۲۱. اگر پدر و مادر فرزند خود را از تحصیل در رشته یا علم خاصی منع کرده و یا به تحصیل در رشته یا علمی امر نمایند، آیا اطاعت از آنان واجب است؟

ج. آن چه حرام است ایذاء و ناراحت کردن آنهاست که می توان با توجیه آنها، آن را برطرف کرد.

۴۱۲۲. اگر پدر و مادری یا فقط پدر مخالف با تحصیل علوم دینی فرزند باشند و فرزند هم استعداد و علاقه داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج. اگر نتوانست آنان را راضی نماید روزی یک ساعت را درست و اساسی صرف تحصیل علوم دینی نماید و به هر کار یا تحصیل مشروع دیگری بپردازد کافیست و آنان حق مخالفت از واجب را ندارند.

تحصیل در حوزه یا دانشگاه

۴۱۲۳. جوانی هستم که مایلم در راه وظیفه و خدمت به مسلمین مشغول شوم و اکنون بین تحصیل در حوزه یا دانشگاه مردد می باشم، لطفاً با توجه به نیازهای کنونی کشور بفرمایید، کدام مسیر را انتخاب نمایم که رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جلب کرده باشم؟

ج. تحصیل در حوزه به رضایت آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر است، ان شاء اللّه.

علوم دینی

۴۱۲۴. آیا فراگیری و تحصیل علوم دینی در شرایط کنونی جامعه، واجب کفاییست یا واجب عینی؟

ج. به مقدار مورد مبتلای هر فردی در احکام شرعیه و اعتقادات، واجب عینی است و اضافه بر آن کفایی است، که نسبت به افراد مستعد، با نبودن مجتهدین مورد نیاز و کافی در جامعه، واجب عینی می باشد.

ملاک در انتخاب رشته تحصیلی

۴۱۲۵. ملاک و معیار شرعی در انتخاب و گزینش رشته تحصیلی، علاوه بر وجوب کفایی برخی علوم، چیست؟

ج. ملاک، شرعیّت آن رشته و شرعیّت مقدمات آن است.

تغییر رشته تحصیلی

۴۱۲۶. اگر کسی به علوم دینی علاقه زیادی داشته باشد ولی به دلایلی در دانشگاه به تحصیل مشغول شده است، آیا ادامه تحصیل او در دانشگاه واجب است یا می تواند با انصراف از دانشگاه، علوم دینی را تحصیل نماید؟

ج. بله، می تواند انصراف دهد و به تحصیل علوم دینی بپردازد.

فلسفه و عرفان

۴۱۲۷. آیا یادگیری و آموزش فلسفه و عرفان در حوزه های علمیه جایز است؟

در صورت @تمحض افراد در چنین علومی استفاده آنان از شهریه چه حکمی دارد؟

ج. میزان، استقلال در نظر و تمکّن تام در تشخیص حق از باطل است، پس بعد از محکم کردن مبانی اعتقادی - که قابل شبهه و خدشه نباشد، تحصیل آن علوم جایز، بلکه نافع است و اگر تمحض در آن برای دفع شبهات اجانب و حفظ اعتقادات حقه باشد، گرفتن شهریه هم جایز است.

علم فقه برای طلاب

۴۱۲۸. آیا فراگیری علم فقه و مبادی آن تا درجه اجتهاد برای طلاب علوم دینی واجب عینی است؟

در صورت ترک آن و اشتغال در علوم حوزوی دیگر و یا اشتغال به تبلیغ و یا تألیف، آیا گرفتن شهریه برای آنان جایز است؟

ج. فراگیری علم فقه و مبادی آن تا درجه اجتهاد واجب کفاییست و گرفتن شهریه با اشتغالات ذکر شده، جایز است.

شهریّه طلّاب

۴۱۲۹. برخی از طلّاب در رشته تخصّصی کلام حوزه علمیّه مشغول تحصیل هستند، آنها درس فقه و اصول نمی خوانند، آیا

مجاز به دریافت شهریه می باشند؟

ج. اگر تحصیل آنها در جهت تکفّل بخشی از نیازهای حوزه علمیّه و اهل ایمان است، مانعی ندارد با فرض اینکه فقط تخصص در فقه و اصول را ترک نموده اند.

علومی که همه باید یاد گیرند

۴۱۳۰. منظور از علمی که کسب آن بر همه واجب شده است، چیست؟

ج. علم به مسائل شرعیه ی مورد ابتلا و علم اعتقادات لازم است، که همان علم تقوا و یقین است.

رابطه نهی از منکر با احترام مقام استاد

۴۱۳۱. اگر استادی در کلاس منکری را انجام داد و شرایط نهی از منکر فراهم بود، آیا حفظ حرمت و مقام استاد مقدم است یا باید او را نهی از منکر کرد، هر چند مستلزم حرمتی به او باشد؟

ج. تا جایی که ممکن است، به گونه ای نهی از منکر کند که مستلزم بی حرمتی به او نشود.

پرداخت کمک هزینه تحصیلی دانشگاه

۴۱۳۲. در طول تحصیل مبلغی به عنوان کمک هزینه از دانشگاه دریافت نموده ام، اکنون دانشگاه آن مبلغ را مطالبه نموده است آیا باید بپردازم؟ اگر به مستحق بدهم کفایت می کند؟

ج. اگر به عنوان قرض یا با شروط خاصّی داده بوده، باید به همان دانشگاه بازگردانده شود.

استفاده از خوابگاه بر خلاف مقررات

۴۱۳۳. استفاده از خوابگاه دانشجویان به صورت مهمان، اگر بر خلاف مقررات باشد، چگونه است و حکم نماز و غسل هایی که انجام داده چیست؟

ج. استفاده از خوابگاه دانشجویان جایز نیست و اگر ذمه ی او به مالی مشغول شده باشد، باید ادا کند و نماز و غسل او در صورت جهل به حکم و یا فراموشی آن، صحیح است.

استفاده از رایانه یک دانشکده برای دیگران

۴۱۳۴. استفاده از کامپیوتر دانشکده مهندسی برای سایر رشته ها، اشکال دارد؟

ج. تابع مقررات آن دانشکده است.

علوم غریبه، جفر، نجوم، رمل و ...

۴۱۳۵. آیا تعلیم و تعلم علوم غریبه هم چون جفر، نجوم و رمل، جایز است؟

ج. اشکالی ندارد.

حق الزحمه دانشجویان و کم کاری در آن

۴۱۳۶. دانشجویان حق الزحمه ای را در قبال کار دانشجویی می گیرند، چنان چه کمتر از ساعات مقرر کار کنند، چه حکمی دارد؟

ج. حرام و ضمان آور است.

قبولی در دانشگاه از راه تقلب

۴۱۳۷. من در امتحان ورودی دانشگاه با تقلب قبول شدم، آیا حقوقی که در آینده دریافت می کنم اشکال خواهد داشت؟

ج. حرمت تقلب در امتحان، با حکم حقوق دریافتی در آینده رابطه ای ندارد.

استفاده از بیت المال برای کسب علم

۴۱۳۸. آیا از اموال بیت المال می توان در جهت کسب علم استفاده کرد؟

ج. با اجازه ی حاکم شرع جایز است.

تحصیل زن در رشته پرستاری

۴۱۳۹. آیا با وجود پرستار مرد و ملازم بودن پرستاری به لمس نامحرم، تحصیل زن در این رشته جایز است؟

ج. اگر نتواند پرستار اختصاصی زنان باشد، جایز نیست.

تنبیه دانش آموزان

۴۱۴۰. لطفاً بفرمایید تنبیه بدنی دانش آموزان، بعد از نصیحت کردن و حرف زدن برای ننوشتن تمرین یا درس نخواندن یا ادب و غیره، صحیح است؟

ج. با پرهیز از تنبیهی که موجب دیه است، احتیاط در اجازه گرفتن از ولی است.

خریداری وسایل از پول دریافتی برای تحصیل

۴۱۴۱. آیا با پولی که پدر و مادرم بابت مخارج تحصیلی به من می پردازند، می توانم وسایل زندگی برای آینده ام خریداری نمایم؟

ج. اگر فقط به شرط و عنوان تحصیل داده اند، جایز نیست.

وجوب تحصیل علوم اسلامی و اجتهاد برای زنان

۴۱۴۲. آیا زن می تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟

ج. اجتهاد بر هر متمکّن واجب کفایی است، مرد باشد یا زن و گاهی عینی هم می شود.

۴۱۴۳. شرکت یک خانم مسلمان متدیّن در مراکز آموزشی و دانشکده ها جهت تعلیم و تعلّم، در صورتی که اکثر اساتید مرد هستند و در کلاس ها اغلب خانم ها حجاب ندارند، چه صورت دارد؟

ج. اختلاط مرد و زن جایز نیست.

تدریس مرد در دبیرستان دخترانه

۴۱۴۴. تدریس اساتید مرد در مدارس راهنمایی یا دبیرستان دخترانه چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

تدریس مرد برای زنان

۴۱۴۵. عدّه ای بر این باورند که اساتید مرد به جهت حفظ مسائل شرعی و دوری از تهمت، نبایستی در کلاس خانم ها شرکت نمایند. تدریس آقایان برای خانم ها شرعاً چه حکمی دارد؟

آیا خانم ها می توانند از دروس خصوصی آقایان استفاده نمایند؟

ج. اگر جهات شرعیّه را مراعات نمایند و در معرض فتنه و فساد نباشند، مانعی ندارد.

تحصیل در کنار جنس مخالف

۴۱۴۶. گاهی دانشجوی پسر در مجموعه [آموزشی] قرار می گیرد که تمام آنها خانم هستند و یا دانشجوی دختر در جمعی از مردان قرار می گیرد، آیا در این مسأله اشکال شرعی نسبت به دختر و پسر دانشجو وجود دارد؟

با توجه به این مطلب که خارج شدن از چنین مجموعه هایی منجر به ضررهایی مثل تأخیر در فارغ التحصیل شدن آنها می گردد؟

ج. دانشجوی پسر موظف است از نگاه به نامحرم پرهیز نموده و دانشجوی دختر نیز موظف به حفظ حجاب است و عدم اختلاط زنان و مردان در چنین جمع هایی لازم است.

صحبت درسی زن و مرد نامحرم

.۴۱۴۷

گفتگو و مباحثه علمی و درسی بین دختر و پسر دانشجو چه حکمی دارد؟

ج. بهتر آن است که احتیاط کرده و در حضور مردم انجام نشود تا احتمال امر خلافی در آن داده نشود.

حد شرعی تحصیل بانوان

۴۱۴۸. زنی که می خواهد به تحصیل خود ادامه دهد که بعدها شغلی حلال انتخاب کند، ولی فعلاً ادامه ی تحصیل ملازم با اینست که با نامحرم روبرو شود، مثلاً نزد مرد نامحرم درس بخواند یا اینکه با مردها در یک کلاس باشند، جایز است؟

ج. در صورتی که تحصیل واجب نباشد و قدرت بر حفظ حجاب نباشد، جایز نیست و اگر واجب باشد، با حفظ حجاب بر مراتب ضرورت اکتفا می شود.

صدای خنده خانم ها در محیط درس

۴۱۴۹. صدای خنده خانم ها در جایی (مانند کلاس درس) که تعداد آقایان بیشتر از خانم ها باشد، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

تدریس به شاگرد بهایی

۴۱۵۰. آیا تدریس به شاگرد بهایی اشکال دارد؟

ج. اگر به نحوی سبب تقویت حزب او می شود، جایز نیست.

تقلب در زندگی اجتماعی

۴۱۵۱. تقلب در امتحان و صف نانوایی و اتوبوس، چه حکمی دارد؟

ج. در صورت تضییع حق شرعی دیگران جایز نیست.

اختلاط زن و مرد در تحصیل

۴۱۵۲. روند رو به رشد فرد و اجتماع به گونه ایست که مردم غالباً برای تحصیل به دانشگاه می روند، اما در کلاس های

دانشگاه زن و مرد مختلط هستند، حال آیا وظیفه ی شرعی دختران و پسران برای ورود به دانشگاه چیست؟

ج. حتماً باید محل نشستن زنان از مردان جدا باشد و یا در کلاس ها پرده ای بین آنان به عنوان حایل قرار گیرد، در غیر این صورت دختران باید نزد محارم خود به صورت خصوصی تحصیل نمایند.

مباحثه علمی با جنس مخالف

۴۱۵۳. آیا سخن گفتن و مباحثه علمی با جنس مخالف در صورت رعایت حجاب و بدون قصد ریبه جایز است؟

ج. حتماً باید محل نشستن زنان از مردان جدا باشد و یا در کلاس ها، پرده ای بین آنان حایل قرار گیرد، در غیر این صورت دختران باید نزد محارم خود به صورت خصوصی تحصیل نمایند.

علم نجوم و خبر از اتفاقات

۴۱۵۴. در صورتی که مُنَجِّم با استفاده از معاد لات و محاسبات نجومی، خسوف و کسوف و یا اتفاقات و حوادثی را در آینده پیش بینی نماید، اشکال شرعی دارد؟

ج. در صورتی که خبر از نتایج قواعد و معاد لات نجومی بدهد، نه از واقع، بدون اشکال است.

تعلیم و تعلم برای بانوان

۴۱۵۵. آیا تمام احکام تعلیم و تعلم که برای مردان وجود دارد، برای بانوان نیز هست؟

ج. خیر، موارد آن مختلف است.

اجازه از شوهر برای تحصیل

۴۱۵۶. آیا زن برای تحصیل باید از شوهر خود اجازه بگیرد؟ اگر تحصیل او با حقوق شوهر منافات نداشته باشد، آیا شوهر حق نهی کردن زن از تحصیل را دارد؟

ج. اگر با حقوق شوهر هیچ منافاتی نداشته باشد و مستلزم خروج از خانه هم نباشد، اجازه واجب نیست و شوهر هم حق منع ندارد.

۴۱۵۷. آیا زن برای یادگیری مسائل شرعی و دینی می تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود؟

ج. اگر می تواند بدون خروج از منزل با مطالعه یا تعلیم از شوهر و مانند آن یاد بگیرد، نمی تواند بدون اجازه خارج شود.

آموزش رانندگی برای زنان

۴۱۵۸. آیا زن با حفظ حجاب و حدود اسلامی می تواند نزد مرد اجنبی آموزش رانندگی ببیند؟

ج. با فرض معرضیّت برای تعقّب یا معیّت حرام نمی تواند.

شیوه های آموزش احکام

۴۱۵۹. گاهی مربّیان برای آموزش احکام و مسائل شرعی یا معارف دینی نوجوانان در مدارس، از برخی شیوه ها که همراه با نوعی بدآموزی می باشد، استفاده می کنند.

مثلاً نماز را به «تلفن به خدا» تشبیه می کنند؛ آیا چنین شیوه هایی جایز است؟

ج. اگر نیّت بدی نداشته باشند و فقط تشبیه باشد، اشکال ندارد.

خرید و فروش و خواندن کتاب های گمراه کننده

۴۱۶۰. خرید و فروش و خواندن بعضی از کتب و روزنامه ها و ... که در آن به مقدسات اسلام توهین شده است و یا گمراه کننده است، چه وجهی دارد و در چه صورتی جایز می باشد؟

ج. جایز نیست، مگر برای کسانی که توانایی دفع و رد مطالب آنها را داشته باشند که برای این منظور نگهداری آن برای آنان بدون اشکال است.

احکام دیگر خرید و فروش

صیغه عقد

۴۱۶۱. در عقودی همانند بیع و ... خواندن عقد به عربی لازم است یا صرف عمل کفایت می کند؟

ج. با @معاطات هم واقع می شود و صیغه عربی لازم نیست.

مکتوب کردن قرارداد

۴۱۶۲. آیا در قراردادهای معاملاتی بین خریدار و فروشنده لفظ و گفتگو کافی است، یا حتماً باید مکتوب گردد؟

ج. در صحّت معامله، کتابت لازم نیست و اللّه العالم.

خرید و فروش با چک

۴۱۶۳. اگر اداره یا سازمان دولتی از طریق مزایده یا مذاکره قصد فروش مالی از اموال خود را داشته باشد و پس از شرکت خریداران مختلف، شرایط فروش مال خود را به مشتری معیّنی اعلام و آن مشتری با پذیرفتن کامل آن شرایط مقداری از وجه

معامله را نقداً پرداخت نموده و بقیّه ای ثمن را نیز چک داده و فروشنده هم آنها را در مجلس دریافت می نماید و رسید تسلیم مشتری می کند، اگر چه چک را نقد نکند، آیا این عمل به منزله ی ایجاب و قبول و انجام معامله است؟

ج. همین مقدار کافیست و معامله یا باید به عقد واقع شود و یا به معاطات و در صحّت معامله به نحو معاطات لااقل باید اعطای یکی از ثمن و مثمن به قصد انشای معامله واقع شود و اعطای بعض ثمن و چک، به منزله ی ثمن است و معامله صحیح است.

خرید و فروش با فاکس

۴۱۶۴. اگر در معامله ای، فروشنده توسّط فاکس، پیشنهاد فروش مکتوب خود را ارسال و خریدار نیز قبولی خود را فاکس نماید، آیا ایجاب و قبول واقع و عقد بیع محقّق می گردد یا حتماً باید قرارداد مبایعه نامه حضوری باشد؟

ج. عقد بیع محقّق می شود، ولی در صورت اختلاف قابل اثبات نیست، مگر در فاکسی که ایجاب و قبول هر دو مذکور باشد.

۴۱۶۵. در صورتی که انجام معامله توسط ارسال فاکس نافذ باشد، چنان چه طرفین بعد از اجرای عقد بیع توسّط فاکس، پس از مدّتی هم دیگر را ملاقات نمایند و به صورت حضوری نیز مبایعه نامه ی کتبی تنظیم کنند، مطابق با مفاد فاکس قبلی، آیا عقد انجام شده از زمان صدور فاکس می باشد و یا

از زمان صدور مبایعه نامه ی حضوری که مثلًا سه ماه بعد از فاکس نوشته شده است؟

ج. اگر مقصود بقای بر معامله ی قبلیست و دلالتی بر حدوث نیست که از همان صدور فاکس معامله محاسبه می شود و اگر مبهم است، قدر متیقّن ملاک است.

معاملات اینترنتی

۴۱۶۶. آیا معامله به صورت اینترنتی صحیح است یا خیر؟ آیا با خرید به وسیله ی اینترنت می توان آن را چند بار به دیگران فروخت و دوباره آن را خرید، بدون دیدن و قبض اجناس؟

ج. از حیث حکم تفاوتی نمی کند و باید واجد شروط باشد؛ اگر مبیع عین است، فروش آن قبل از قبض جایز است و اگر معامله سلف است، فروش آن قبل از مدت معین شده برای مطالبه جایز نیست و بعد از حلول اجل جایز است.

۴۱۶۷. معاملات فضولی با اینترنت جایز است یا خیر؟

ج. فرقی نمی کند.

معاملات فرد بیمار

۴۱۶۸. در بیماری و مرضی که متصل به مرگ است، اگر شخص بیمار معاملاتی انجام دهد، صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

عدم تعادل روحی خریدار یا فروشنده

۴۱۶۹. در صورت عدم تعادل روحی خریدار یا فروشنده، معامله صحیح است یا باطل؟

ج. اگر شعور به اندازه کافی برای معامله را ندارد، صحیح نیست.

معامله با نابالغ

۴۱۷۰. با توجّه به این که معامله با غیر بالغ صحیح نیست مگر در اجناس کوچک، بفرمایید مبلغ مجاز چه قدر است؟

ج. در صورتی که در این گونه معاملات فرد غیر بالغ به منزله ی واسطه در مبادله عوضین باشد، مانعی ندارد و میزان تا حدّیست که عنوان واسطه بر او صدق کند.

۴۱۷۱. مغازهدارانی که به اقتضای شغل و یا محل کسب، دائماً با کودکان سر و کار دارند، آیا خرید و فروش و معاملات آنان مورد اشکال است؟

ج. معامله با کودکان نابالغ باید با اذن ولی آنها باشد.

۴۱۷۲. اگر نابالغی از طرف استاد بالغش جنس بفروشد، آیا معامله او صحیح است یا خیر؟

ج. اگر با اجازه ی ولی شرعی و استاد معامله کرده صحیح است، در صورتی که بتواند معامله کند.

تصرف والدین درآمد کودک نابالغ

۴۱۷۳. والدین، کودک نابالغی را در سنین کودکی به کاری می گمارند و کودک از این طریق درآمد کسب می کند.

آیا والدین می توانند در اندوخته های او تصرّف نمایند یا نه؟

ج. پدر، ولی طفل است و با ملاحظه ی مصلحت طفل می تواند در مال او تصرّف کند.

معاملات ولی

۴۱۷۴. در صورتی که ولی قهری بدون رعایت غبطه، مالی را برای مولی علیه بخرد و یا مال او را به غیر واگذار کند، آیا معامله نافذ است یا غیر نافذ؟

ج. با ملحق شدن اجازه ی صحیح، اظهر صحّت است.

۴۱۷۵. در معامله ای که ولی صغیر رعایت غبطه و مصلحت فرزند صغیرش را نکرده باشد و معامله به ضرر فرزند واقع شده باشد، آیا چنین معامله ای صحیح است یا باطل؟

ج. اگر ولی مراعات مصلحت صغیر را نکرده، معامله یا باطل است و یا ضامن است.

۴۱۷۶. آیا منظور از رعایت غبطه، غبطه واقعی می باشد و یا آن چه که ولی غبطه تصوّر می کند؛ هر چند در حقیقت بر خلاف غبطه باشد؟

ج. میزان در تکلیف، احراز ولی است.

سرمایه گذاری مال صغیر

۴۱۷۷. مال صغیر را چگونه می توان در شرکتی سرمایه گذاری کرد؟

ج. ولی او با رعایت مصلحت صغیر می تواند این کار را بکند.

تصرف پدر در اموال فرزندان

۴۱۷۸. آیا فرزندان بعد از رسیدن به سن بلوغ می توانند به لحاظ مادی مستقل شوند و آیا پدر بعد از بلوغ آنان می تواند بدون اذن آنها در اموالشان تصرف کند؟

ج. بعد از رسیدن به سن بلوغ و رشد، حق تصرف در اموالشان با خود آنها است.

حق و معنای حضانت

۴۱۷۹. هنگام اختلاف بین پدر و مادر در ولایت و حضانت کودک، حق با کدام یک می باشد و آیا عمو و دایی حق حضانت و ولایت دارند؟ و حق ولایت و حضانت بر اموال فرزندان غیر بالغ آیا به معنای محرومیت آنان از اموالشان تا رسیدن به حد بلوغ می باشد یا خیر؟

ج. حق حضانت و سرپرستی دختر یا پسر نابالغ برای پدر و مادر است، به طوری که در رساله مذکور است (مسأله ی ۱۹۸۲ به بعد) ولی حق ولایت و تصرف در اموالشان با پدر آنها است.

قیمومیّت مادر پس از فوت پدر

۴۱۸۰. در صورت فوت پدر، ولایت فرزندان با چه کسی است؟

آیا مادر می تواند قیّم آنها شود؟

ج. ولایت آنها با جد پدری یا قیّمیست که پدر یا جد پدری او را معیّن کرده باشد و در غیر این صورت، حق تعیین قیّم با حاکم شرع جامع شرایط است.

محدوده ی اختیارات قیّم

۴۱۸۱. آیا قیّم ضامن سودهای فرضی اموال صغیر (در صورت معامله کردن) است یا خیر؟ آیا قَیِّم می تواند از حق دیه که به کودکان صغیر می رسد گذشت کند؟ و آیا حق دارد حق قصاص را به دیه تبدیل کند و یا بر عکس آن عمل نماید؟

ج. قیّم ضامن سودهای فرضی بدون معامله و مضار به نیست و اختیارات قیّم در مورد صغار در حد تشخیص مصلحت آنها است.

اختلال حواس سرپرست خانواده

۴۱۸۲. اگر سرپرست خانواده دچار اختلال حواس یا فراموشی شود، آیا فرزند بزرگ خانواده، بدون اجازه فرزندان دیگر می تواند در اموال وی تصرف کند؟

ج. خیر نمی تواند؛ مگر با اجازه ی پدر آن سرپرست یا حاکم شرع.

هزینه مجالس ترحیم از اموال فرزندان صغیر

۴۱۸۳. اموالی که دوستان شهید یا فرد فوت شده به خانواده آنان هدیه می دهند، آیا جزو اموال فرزندان آنان حساب می شود؟ و آیا مصرف اموال صغیر در هزینه های مجالس ترحیم پدر یا مادرشان جایز است؟

ج. اموالی که به خانواده او می دهند، جزو اموال همه ی آنها است؛ مگر قرینه ای بر اختصاص به بعضی باشد و مصرف اموال صغیر در آن هزینه ها جایز نیست؛ مگر به قدر اقل واجبات تجهیز مثل کفن که از اصل مال اخراج می شود.

ادعای غبن بر علیه قیّم یا ولی

۴۱۸۴. اگر ولی یا قَیِّم صغیری و یا پدر او به خاطر ولایت شرعیه ای که بر فرزند نابالغ خود دارد، اموال پسر را معامله کند و پسر بعد از بلوغ مدعی غبن در معامله شود و قَیِّم یا پدر بگوید مصلحت بود که معامله کردم و غبنی صورت نگرفته، قول کدام یک مقدم است؟

حکم صورتی که پدر مرحوم شده باشد را بیان فرمایید؟

ج. معامله ی ولی، محکوم به صحت است، مگر این که فرزند مفسده دار بودن آن را به حجت شرعیه اثبات کند.

فروش اجباری

۴۱۸۵. در صورتی که فردی را بین دو امر قرار داده و مثلاً بگویند:

یا چک تو را به اجرا می گذاریم و یا منزل خود را به فلان قیمت به ما بفروش. آیا این نوع معامله صحیح است؟

ج. در صورتی که کار دیگری که وی را در آن مخیّر کرده اند، ضرر دینی و یا دنیایی زیادی که معمولاً ـ از آن پرهیز می شود، نداشته باشد، معامله بی اشکال است.

اموال رژیم گذشته

۴۱۸۶. حکم املاک به جامانده از فراریان رژیم طاغوت چیست؟

ج. حکم املاک دیگران را دارد که برای صاحبان آنها است.

خرید و فروش اجناس مصادره ای

۴۱۸۷. خرید و فروش اجناسی که قاچاق بوده و دولت آنها را مصادره کرده است، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۴۱۸۸. شخصی قبل از انقلاب، سرقفلی مغازه ای را خریداری و اجاره نامه با امضای مالک اصلی تنظیم می نماید. پس از انقلاب این املاک تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان قرار می گیرد که اجاره بها دریافت می نماید.

۱) شخصی که سرقفلی را خریده هنوز هم مالک سرقفلی می باشد یا خیر؟

ج. در صورتی که قیود و شروطی نداشته که الآن موجود نیست، هنوز هم مالک است.

۲) اگر اکنون این شخص مالکیّت سرقفلی خود را بخواهد بفروشد، آیا برای خریدار شرعاً اشکالی ندارد؟

ج. خرید و فروش طبق قرارداد است و چنانکه اگر مالک حضور داشت، چگونه می فروخت و می خرید، اکنون نیز به همان حال است.

۳) در حالی که مالک اصلی در خارج کشور و مجهول المکان می باشد، آیا اجاره بها را بایستی به بنیاد پرداخت نماید؟

ج. باید به مالک بپردازد، هر چند با واسطه و در غیر این صورت به نایب او که حاکم شرع می باشد بپردازد.

۴) کسب درآمد در چنین اماکنی مشروع است یا خیر؟

ج. از جواب های بالا معلوم شد.

معامله ی با کفّار

۴۱۸۹. معاملات روزمرّه با فروشندگان اهل کتاب صحیح است؟

ج. مانع ندارد.

معامله با بهایی

۴۱۹۰. حکم معامله با بهایی ها را بیان نمایید.

ج. معامله با بهایی ها مانند معامله با سایر مشرکین و کفار غیر اهل ذمّه است.

۴۱۹۱. شخصی بعد از تنظیم قولنامه ی یک دستگاه آپارتمان خود با فردی، پس از گرفتن قسمتی از قیمت متوجّه می شود که خریدار بهایی و جزو فرقه ضالّه و مضلّه می باشد.

۱) آیا این معامله باطل است یا نه؟

ج. پولی که بابت ثمن معامله می گیرد، اشکال ندارد.

۲) فروشنده شرعاً ملزم به انتقال ملک خود به خریدار (شخص بهایی) است؟

ج. خریدار مالک نمی شود.

معامله با فرقه آغا خانی ها

۴۱۹۲. حکم معامله و ارتباط با فرقه «آغا خانی ها» چیست؟

ج. حکم رابطه ای بـا سـایر کفـار و مشـرکین را دارد که در حال اختیار جایز نیست و معامله با آنها در حکم معامله با کافر غیر ذمّی است.

صحّت معامله با کفار

۴۱۹۳. حکم معامله با کفّار چیست؟

ج. اگر شرایط معامله باشد، مانعی ندارد.

۴۱۹۴. خرید و فروش پوشاک و مواد غذایی و غیره از اهل کتاب چه حکمی دارد؟

ج. اشکالی ندارد.

فروش قرآن به کفّار

۴۱۹۵. آیـا فروش قرآن به کفّار و اهل کتاب جایز است، به خصوص اگر بـدانیم آنان قصـد توهین ندارنـد؛ بلکه جهت مطالعه آن را تهیه می کنند؟

ج. جایز نیست.

فروش الکل به کشورهای دیگر

۴۱۹۶. فروش الکلی که بعداً با آن مشروب درست می کنند، به کشورهای خارجی مسلمان یا غیر آن اشکال دارد؟

ج. جایز نیست.

کلاه برداری در معامله با کفار

۴۱۹۷. آیا کلاهبرداری در معاملات با کفار جایز است؟

ج. در هر موردی که معامله صحّت واقعیه دارد، جایز نیست.

خرید و فروش اجناس آمریکایی و اسراییلی

۴۱۹۸. خرید و فروش اجناس اسراییلی و آمریکایی در حال حاضر در بخش خصوصی و دولتی، جهت استفاده از تکنولوژی آنها بر علیه خودشان چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

فروش میته به اهل کتاب

۴۱۹۹. ذبیحه اهل کتاب چه حکمی دارد؟

و آیا فروختن میته و شراب به اهل کتاب و کسانی که حلال و حرام برایشان فرقی ندارد، اشکال دارد؟

و اگر به قصد فروختن چیزهایی دیگر اینها را بفروشند چه حکمی دارد؟

ج. ذبیحه ی آنها نجس و حرام است و فروختن میته یا شراب به آنها اشکال دارد.

معامله با کشورهای کفر

۴۲۰۰. آیا معامله و صادرات و واردات به دولت های کفر و یا کشورهای مسلمان که دولت جایز دارند، مصداق کمک به ظالم محسوب می شود؟

ج. موارد آن مختلف است.

مقدار سود حلال در معاملات

۴۲۰۱. بعضی از اجناس مغازه ها یا بنگاه ها در ماه یا هفته به قیمت آنها افزوده می شود، آیا فروشنده می تواند آنها را به قیمت روز بفروشد یا خیر؟ در فروش اجناس چند درصد سود باید بگیرد؟

ج. تا به حد اجحاف نرسد، منعی ندارد.

۴۲۰۲. فروش چیزی به دو برابر قیمت خریداری شده چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که به حد اجحاف به مشتری نرسد، مانعی ندارد.

۴۲۰۳. آیا فروختن اجناس طبق نرخ مصوّب لازم است؟

ج. شرعاً لازم نیست.

بالا بردن قیمت جنس جهت تخفیف

۴۲۰۴. اگر قیمت جنس کمی بالاتر برده شود تا چنان چه مشتری تخفیف خواست آن مقدار کم شود، آیا این عمل جایز است؟

ج. فی حد نفسه جایز است، هر چند مکروه است.

پیش فروش جنس تولید نشده

۴۲۰۵. آیا اجناسی را که کارخانه هنوز تولید نکرده است را می توان پیش فروش کرد؟ آیا می توان به صورت نسیه پیش فروش کرد؟

ج. مانعی ندارد اگر شرایط مذکور در رساله (مسأله ی ۱۶۴۷) مراعات شود و معامله ی سلف که نسیه هم باشد، معامله کالی به کالیست که شرعاً لزوم آور نیست.

خرید و فروش نان به صورت دانه ای

۴۲۰۶. خرید و فروش نان به صورت دانه ای صحیح است یا خیر؟

ج. به صورتی که متعارف باشد، جایز است.

حق رجوع در معامله ی فضولی

۴۲۰۷. در معامله ی فضولی، مالك اصلی حق رجوع به کدام یک از بایع و مشتری را دارد؟

ج. چون هر دو طرف معامله غاصب و ضامن جنس هستند، مالك اصلی اختیار دارد که از هر کدام از بایع و مشتری، جنس و منافع آن را دریافت کند.

فروش سرقفلی بدون اجازه مالک

۴۲۰۸. کسی سرقفلی فروشگاهی را می فروشد و ضمن عقد هم شرط می کند که بدون اطلاع مالك اصلی، حق فروختن به غیر را ندارد در این صورت اگر خریدار بدون اجازه مالك، فروشگاه را معامله نماید، چه وجهی خواهد داشت؟

ج. اگر به نحو شرط نتیجه بوده واقع نمی شود و اگر شرط فعل بوده حق فسخ برای مالك ثابت است پس اگر فسخ کرد و سرقفلی هم به نحو شرعی و تابع عقد اجاره معامله شده بود، با فسخ متبوع تابع هم منفسخ می شود.

اجناس کهنه به جای نو

۴۲۰۹. آیا می توان اجناس کهنه را رنگ کرد، به گونه ای که ظاهر و باطن آن با جنس نو تفاوتی نکند و آن را به جای جنس

نو به مشتری فروخت؟

ج. اگر غش در معامله شود، جایز نیست.

فروش گِل با سبزی

۴۲۱۰. هنگـام خریـد و فروش سبزی، مقـدار زیـادی گِل به همراه آن خریـد و فروش می شود، آیا در این صورت معامله باطل است؟

ج. در صورتی که مقـدار گـل موجود در سبزی زیـادتر از مقـدار معمول و متعارفی باشـد که با سبزی است، فروختن آن حرام است؛ هر چند اصل معامله صحیح و بی اشکال می باشد و خریدار پس از اطلاع، حق خیار و بازگرداندن سبزی را دارد.

فروش جعبه شیرینی به قیمت شیرینی

۴۲۱۱. قنادی ها اکثراً شیرینی جات را با جعبه وزن می کنند و آن را به مشتری می دهند، آیا شرعاً جایز است؟

ج. اگر عرف قنادی ها چنین است و وزن جعبه نیز غیر معمول نباشد، اشکالی ندارد.

مخلوط کردن گندم بد با خوب

۴۲۱۲. گنـدم هایی که لاغر هسـتند و از نظر قیمت تا حدودی با گندم های معمولی متفاوت هسـتند، آیا می شود با گندم های معمولی مخلوط کرد و فروخت؟

ج. در صورتی که غش نشود، مانع ندارد.

خرید و فروش شمارشی و یا کیلویی گردو

۴۲۱۳. در برخی از شـهرها، اجناسـی هم چون گردو و تخم مرغ، با شـمارش خریـد و فروش می شود، در این صورت خریـد و فروش آنها به صورت وزنی در آن شهر و یا شهرهای دیگر چگونه باید باشد؟

ج. اگر در چنـد شـهر یـک شـیء اختلاـف داشـته و در یکی، آن جنس وزنی خریـد و فروش می شـود و دیگری عـددی و شمارشی، ملاک شهریست که در آن معامله صورت می گیرد.

پس در همان شهر باید عرف خرید و فروش در مورد آن شیء ملاحظه شود.

خرید و فروش پارچه کیلویی

۴۲۱۴. اخیراً برخی پارچه ها به صورت کیلویی خرید و فروش می شوند، حکم آن چیست؟

ج. اگر معامله مشتمل بر غرر نباشد و متعارف و عقلایی باشد، جایز است.

سرقت رفتن جنس فروخته شده در راه

۴۲۱۵. شخصی با تلفن جنسی را از شهر دیگری از طرفش خواسته و او هم فرستاده، ولی جنس در بین راه به سرقت رفته است.

آیا به حساب تلفن زننده محسوب می شود؟

ج. چون تا به این اندازه رساندن با رضایت او بوده، به منزله ی رسیدن جنس است، احتیاطاً مصالحه نمایند.

کار کردن برای غیر مسلمان

۴۲۱۶. کار کردن برای غیر مسلمان و یا در کشورهای غیر اسلامی و دریافت دستمزد چه حکمی دارد؟

ج. جایز و حلال است، به شرط آن که تقویت آنها در کفر نباشد و خود کار هم به خودی خود حلال باشد.

کار کردن برای کسی که مال او مخلوط به حرام است

۴۲۱۷. کار کردن برای کسی که می دانیم مالش مخلوط به حرام است و گرفتن دستمزد از او چه حکمی دارد؟

ج. اگر یقین به بودن مال حرام در مالی که مورد ابتلای شماست ندارید، مانع ندارد و حلال است.

کم فروشی کارگر به دستور کارفرما

۴۲۱۸. کارگر یا شاگردی که صاحب کار، او را امر به کم فروشی و کار خلاف قانون می کند، آیا این کارش جایز است؟

اجرت وی چه حکمی دارد؟

ج. اگر آن کار خلاف شرع باشد، جایز نیست و اجرت آن هم حرام است.

معامله و هدیه افرادی که کسب حرام دارند

۴۲۱۹. معامله با شخصی که احتمال می رود از راه حرام مثل دزدی، پول در می آورد چگونه است؟

کمک و صدقه گرفتن و کمک مالی گرفتن از او جهت صندوق قرض الحسنه چه وجهی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

پرداخت ثمن از مال حرام

۴۲۲۰. اگر کسی چیزی را بخرد و بخواهد از پول حرام قیمت آن را بپردازد، چه حکمی دارد؟

ج. ذمّه ی مشتری برئ نمی شود.

۴۲۲۱. اگر کسی جنسی را نسیه بخرد و بعد پول آن را از مال حرام بدهد، آیا معامله ی او صحیح است؟

ج. ظاهراً معامله صحیح است، ولی ذمّه ی او مشغول است.

احتکار

۴۲۲۲. آیا انبار کردن مواد غذایی، جهت فروختن در غیر فصل و برای گران شدن قیمت آن احتکار محسوب شده و حرام است؟

ج. در صورتی که آن مواد از مواد غذایی باشد که مسلمانان به آن نیاز دارند و از طریق دیگری نیز امکان دست یابی به آن نیست، این عمل احتکار محسوب شده و حرام است و در غیر این صورت کراهت دارد.

رابطه بطلان معامله با رضایت طرفین

۴۲۲۳. اگر معامله ای باطل بود، ولی طرفین برای تصرف در جنس و پول رضایت داشتند، آیا می توان حکم به صحت تصرفات نمود؟

ج. از باب اباحه جایز است.

(به مسأله ی ۱۶۶۶ رساله رجوع شود.)

حرمت وضعی و تکلیفی معاملات باطل

۴۲۲۴. آیا در بیع معاملات باطل مثل خمر و بیع ربوی و ... علاوه بر بطلان معامله، شخص گناه کار نیز می باشد؟

ج. بله، اگر از علم و عمد باشد، حرمت تکلیفی هم دارد.

فروش نقد و نسیه

۴۲۲۵. آیا مغازه داران بدون تعیین وقت می توانند اجناس مورد نیاز مشتری را به صورت نسیه در اختیار آنها قرار دهند؟

و آیا اجناس نسیه را می توان از اجناس نقد آن گران تر فروخت؟

ج. در نسیه باید زمان مشخص باشد و گران تر فروختن اجناس نسیه از نقد کار عقلایی و جایز است و اگر مدت تعیین نشود، معامله حال است و فروشنده هر وقت بخواهد می تواند مطالبه کند.

فروش جنس به بایع آن جنس

۴۲۲۶. اگر جنسی را که به طور نقد خریده شده، دوباره به همان شخص به صورت نسیه با قیمت بیشتر بفروشیم جایز است؟

ج. اگر دو معامله جدّی و با شرایط واقع شود، صحیح است.

فروش نقدی به قیمت کمتر

۴۲۲۷. اگر جنسی را به صورت نسیه یا قسطی بخرد و چک یا سفته بدهد و بعد همان جنس را به صورت نقد به طرف مقابل به کمتر از قیمت قبلی بفروشد، چه حکمی دارد؟

ج. در صورت قصد معامله اشکال ندارد، البته بنا بر احتیاط واجب نباید در معامله اوّل، معامله دوم شرط شود.

اختلاف قیمت نقد و نسیه

۴۲۲۸. آیا جایز است جنسی را نقدی به صد تومان و نسیه به صد و پنجاه تومان فروخت؟

ج. معامله ی نسیه به زیادتر از معامله ی نقدی ربا نیست. اگر معامله به یکی قطعی شود، اشکال ندارد.

اضافه نمودن سود قسطی

۴۲۲۹. در صورت خرید قسطی اشیا، آیا می توان اقساط را در برابر سود قسطی زیادتر نمود؟

ج. اگر بعد از تعیین اقساط در وقت معامله است و معامله ی شرعیّه ای در بین نیست، ربا و حرام است.

شرط فروش جنس به فروشنده

۴۲۳۰. در معاملاتی که خریدار و فروشنده در آن شرط کنند که خریدار جنس مورد معامله را به قیمت کمتر یا زیادتر به خود فروشنده بفروشد، چه حکمی دارد؟

و اگر طرف در فروش یا عدم فروش آن مختار باشد، چه حکمی دارد؟

ج. هر دو صورت جایز است مگر آن که معامله ی اوّل نسیه ای باشد که بنا بر احوط نباید شرط معامله ی دوّم در آن بشود.

فروش نسیه و شرط دادن پول با تأخیر

۴۲۳۱. ضمن عقد بیع نسیه یا اجاره شرط می کند که باید مشتری یا مستأجر در موعد مقرّر، اگر ثمن یا اجرت را نپرداخت، مبلغی اضافی جهت تأخیر بپردازد، آیا چنین شرطی جایز است؟

ج. این شرط زیاده است و ظاهراً جایز نیست.

شرط پرداخت مبلغی در صورت فسخ معامله

۴۲۳۲. در قولنامه ها معمولاً شرط می شود که اگر یکی از طرفین تا وقت معینی بخواهد معامله را فسخ کند، باید مبلغی به طرف مقابل بپردازد که در عرف، به آن «دَرَک» می گویند. آیا این شرط الزام آور است؟

ج. این شرط الزام آور است، زیرا جعل خیار، مشروط به این شرط بوده است.

شرط نفروختن به مبلغی بیشتر

۴۲۳۳. اگر فروشنده به خریدار بگوید این جنسی که از من خریداری می کنی حق نداری از فلان قیمت بیشتر بفروشی، آیا عمل به این شرط بر خریدار واجب است؟

اگر واجب باشد، در صورت تخلف خریدار از این شرط، اضافه قیمت، ملک چه کسی است؟

ج. در فرض مذکور بایع حق فسخ دارد و می تواند بنا بر قولی، عین و یا بدل یا قیمت آن چه فروخته را مطالبه نماید.

تعهّد علیه شخص ثالث

۴۲۳۴. با توجه به اینکه در ماده ۱۹۶ قانون مدنی آمده است:

«کسی که معامله می کند، آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر این که در موقع عقد خلاف آن ثابت شود، با این فرض ممکن است ضمن معامله که شخصی برای خود می کند تعهدی، هم به نفع شخص ثالثی بنماید» و در ماده ۲۳۱ قانون مدنی مقرر شده است:

«معاملات و عقود فقط دربارهی طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است، مگر در مورد ماده ۱۹۶»؛ بفرمایید در عقود لازم، آیا می توان ضمن عقد، تعهّد به ضرر شخص ثالث نمود؟ تکلیف شرط چیست؟

آیا غیر نافذ است یا باطل؟

ج. اگر ضرر حرام است، حکم سایر شروطی که شرعاً حرام است را دارد.

عدم عمل به تعهّدات در عقود

۴۲۳۵. در عقود و تعهّدات، چنان چه شخصی به تعهّد خود عمل نکند، آیا می توان گفت مرتکب حرام شده است؟

و آیا از این جهت می توان او را تعزیر نمود؟

ج. مورد تعزیر نیست؛ در عقود لازمه، اگر وفاء نکند، جواز اجبار با شرایط معتبره بعید نیست و وفای به عقد واجب است و در تعهّدات مثل شروط ابتدایيه وجوب ندارد.

تأخیر مقداری از ثمن

۴۲۳۶. فردی منزلی را به قیمت معیّنی فروخته است و فروشنده، مقداری از ثمن را گرفته و مشتری قرار گذاشته بقیه را هنگام تحویل منزل بدهد. آیا این معامله، بیع سلف است؟

ج. این غیر از بیع سلف است و اگر در وقت بیع شرط کرده اند که بقیه ای ثمن را در موقع تحویل منزل بدهد، لازم نیست زودتر بدهد.

عدم سرایت بطلان شرط به بیع

۴۲۳۷. اگر حدود شرط در ضمن بیع یا معاملات دیگر مشخّص نباشد، موجب غرر بوده و شرط باطل می شود؟ آیا غرر، به معامله هم سرایت می کند یا خیر؟ و آیا فرقی بین بیع و غیر آن است یا نه؟

ج. جهالت در شرط، دلیل بر بطلان در مطلق معاملات نیست و در خصوص بیع و مثل آن نیز سرایت جهالت از شرط به آن، بنا بر موارد، مختلف است و اگر شرط مربوط به ثمن و مثمن و خصوصیات نباشد، جهل در آن مضر نیست.

شرط عدم حق مشتری در مبیع با تخلف از پرداخت

۴۲۳۸. در معامله ی نقد و نسیه قرارداد کرده اند که اگر مشتری در موعد مقرر بقیه ای پول را پرداخت نکرد، دیگر حقی در مبیع نداشته باشد، آیا این شرط صحیح و نافذ است؟

ج. معنای این، همان شرط خیار است که بایع حق فسخ دارد و ظاهراً این خیار هم فوریست و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست و استمرار خیار موجب تضرّر است که به قاعده ی «لا ضرر» نفی شده است و با فسخ، فروشنده باید آن مقدار از ثمنی را که گرفته است، برگرداند.

خرید جنس و اختیار دادن در فروش

۴۲۳۹. عدّه ای هستند می گویند جنسی را از تو می خریم و مدّتی در مغازه ات بماند و بعد از چند روز اگر جنس را فروخته باشید، پولش را می گیریم و اگر نفروخته باشید، خود شما از ما بخرید. من از آنها می خرم تا بدین وسیله به مبلغ مورد نظرشان برسند.

حکم این گونه معاملات چیست؟

ج. با وجود شروط معاملات شرعیّه اشکال ندارد و سود حاصل از معامله حلال است.

فروش مغازه با بیع شرط

۴۲۴۰. مغازه ای را به بیع شرط به مبلغی معیّن می فروشند و شرط می کنند که بعد از دو سال اگر این پول را پس دادند، مغازه مال خود فروشنده باشد، آیا چنین معامله ای صحیح است؟

ج. صحیح است.

شرط پرداخت بخشی از ثمن هنگام تنظیم سند

۴۲۴۱. اگر در هنگام بیع قرار شود قسمتی از ثمن در وقت تنظیم سند پرداخت شود، آیا ضرری به صحّت بیع می زند؟

ج. ضرر به صحت بیع نمی زند، اگر چه زمان آن مجهول باشد که جهالت شرط، ضرر ندارد، زیرا جهل به زمان است نه به زمانی و زمان آن هم یک حد متعارفی دارد، مگر اینکه به حدّی طول بکشد که معلّق بماند که شاید موجب خیار فسخ شود.

هبه به شرط عدم فروش

۴۲۴۲. اگر خانه ای را به شخصی هبه کند، به شرط اینکه تا ۵ سال آن را نفروشند ولی آن شخص آن را بعد از دو سال بفروشد، آیا این معامله صحیح است؟

ج. باید برای صحّت معامله از هبه کننده اجازه بگیرند، ولی اگر اجازه نگیرند تا این که از ۵ سال بگذرد بعد از سال پنجم ممکن است در بقای بیع دیگر اشکالی نباشد.

شرط پرداخت خسارت در صورت فسخ معامله

۴۲۴۳. آیا این شرط در معامله که هر یک از طرفین چنان چه فسخ کند باید فلان مبلغ بدهد، صحیح می باشد؟

ج. اگر بازگشت شرط به این باشد که اگر فلان مبلغ را داد، حق خیار شرط داشته باشد، صحیح است.

شرط ضمن عقد

۴۲۴۴. اگر منزلی را به بیع شرط بفروشند به ۲۰ میلیون تومان و شرط کنند که بعد از یک سال اگر این پول را پس دادند، منزل مال خود فروشنده باشد، آیا چنین معامله ای صحیح است؟

ج. صحیح است.

شرط انفساخ

۴۲۴۵. اگر هنگام معامله، فروشنده شرط کند که مثلاً اگر خریدار تا فلان مدّت، ثمن را ندهد، معامله خود به خود منفسخ باشد، آیا چنین شرطی صحیح است؟

ج. این شرط انفساخ، شرط نتیجه است که مانند شرط فسخ نافذ است.

اعتبار تنجیز در عقود

۴۲۴۶. آیا در عقود و معاملات، @تنجیز شرط است؟

ج. نوعا در عقود و معاملات تنجیز، معتبر است که عقد باید منجّز باشد یا معلّقی باشد که مانند - @منجز است مانند تعلیق بر امر قطعی الحصول - زیرا امر عقود مبنی بر قطع و @تنجّز است.

مالکیت دولت

۴۲۴۷. آیا حضرت عالی دولت را مالک می دانید؟

ج. مقصود کدام حکم از احکام مالکیّت است؟

در هر حال، در غیر موارد علم به وفاق یا خلاف در موضوع و حکم، احتیاطاً با اجازه ی مجتهد عادل، هیأتی از اهل ایمان تشکیل بشود و معاملات با آنها انجام گیرد.

ماهیّت مالکیّت دولت

۴۲۴۸. ماهیّت مالکیّت دولت چیست؟

ج. مالکیت دولت از قبیل مالکیت هیأت است که اجتماع بر امری کنند چه از راه حلال باشد یا از راه حرام که مانند مالکیت بر جهت است که ملک شخص نمی شود و ارث برده نمی شود.

اختلاف نظر مرجع دو نفر در ملکیّت

۴۲۴۹. در امور مالی، چنان چه کسی مالی را در اختیار انسان قرار می دهد و نمی دانیم در اسباب ملکیت با ما اختلاف نظر دارد یا خیر، آیا ترتیب آثار ملک داده می شود تا خلاف آن ثابت شود؟ ثانیاً در موردی که می دانیم با ما اختلاف نظر تقلیداً یا اجتهاداً دارد، اما نمی دانیم این مال را که در اختیار ما قرار داده چگونه به دست آورده، (طبق نظر خود به دست آورده یا ما)، اینجا هم باید ترتیب آثار ملک داد تا خلاف آن ثابت شود؟

ج. در هر دو صورت، ترتیب آثار ملک داده می شود.

عدم مراجعه خریدار برای بردن جنس

۴۲۵۰. شخصی جنسی را فروخته است و به صورت مجزّا نگهداری می کند و خریدار برای بردن آن مراجعه نکرده است، فروشنده در مورد این کالا چه وظیفه ای دارد؟

ج. در صورت گرفتن قیمت ثمن، ضامن است و اگر مأیوس شد، صدقه دهد.

خیارات

خیار عیب چیست؟

۴۲۵۱. خیار عیب چیست و چه کاربردی دارد؟

ج. اگر خریدار بفهمد مالی را که گرفته عیبی دارد، اگر آن عیب پیش از معامله در مال بوده و او نمی دانسته، می تواند معامله را به هم بزند یا تفاوت قیمت سالم و معیوب آن را بگیرد.

۴۲۵۲. اگر جنس مرغوب و غیر مرغوب مخلوط شود و به اسم مرغوب فروخته شود، چه حکمی دارد؟

ج. در این صورت مشتری حق دارد معامله را به هم بزند.

۴۲۵۳. آیا بعد از ظاهر شدن عیب در جنس فروخته شده، خریدار می تواند جنس را به قیمت معیب از فروشنده مطالبه کند؟ و اگر در این معامله فروشنده دروغ بگوید یا قسم دروغ بخورد، معامله چه صورتی دارد؟

ج. خریدار می تواند یا معامله را به هم بزند و یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را بگیرد و با دروغ گفتن، معامله باطل نمی شود.

بیاطّلاعی از عقب نشینی

۴۲۵۴. منزلی فروخته شد و قولنامه ای تنظیم و مبلغی نیز در هنگام امضای قولنامه پرداخت گردید و مقرّر شد پس از انتقال و تحویل سند، باقی مانده پول پرداخت گردد. امّا در این بین از طرف شهرداری اعلام شد که این منزل تقریباً ۵۴ متر عقب نشینی دارد. با در نظر گرفتن این که فروشنده در هنگام بازدید خریدار از خانه نسبت به میزان عقب نشینی اظهار بی اطّلاعی نموده بود، آیا برای خریدار خیار ثابت است؟

ج. با توجّه به نقص به وجود آمده، خیار ثابت است و اسقاط همه ی خیارات معلوم نیست شامل این مورد باشد و اللّه العالم.

آشکار شدن عیب پس از چند سال

۴۲۵۵. شخصی زمین مزروعی خود را با شخص دیگر معاوضه می کند و پس از چند سال معلوم می شود که مغبون شده است، آیا خیار فسخ تا حال باقی است؟

ج. اگر تأخیر برای جهل به حکم خیار باشد، خیارش باقیست و در غیر این صورت اگر بنا بر فسخ داشته و تأخیر برای غرضی بوده، ظاهراً باز خیار دارد.

البته نباید سستی نماید به گونه ای که ضرری به غابن برسد و اگر بنا بر فسخ نداشته و بعداً تصمیم بر آن گرفته ظاهراً خیارش

ساقط است.

خیار غبن

۴۲۵۶. این جـانب مـدّتی پیش منزلی را با قسـمتی از باغ خود به اضافه ی مبلغی دیگر معاوضه نمودم و چون قیمت باغ خود را نمی دانستم، حاضر به این معاوضه شدم، اکنون پس از این که هر دو در باغ و منزل تصرّفاتی کرده ایم متوجّه شده ام که خیلی کلاه سرم رفته است.

آیا چون در معاوضه، اسقاط خیارات نشده است، حق فسخ دارم؟

ج. تصرّف، قبل از آشکار شدن غبن، اسقاط خیار نمی کند و خیار برای مغبون ثابت است.

زمان استفاده از خیار غبن

۴۲۵۷. از خیار غبن تا چه زمانی می توان استفاده کرد؟

ج. اگر بعـد از اطلاـع بر غبن فسـخ نکرد، برای جهـل به حکم خیار، خیار او باقیست و اما در صورت علم و بنای بر فسـخ، اگر تأخیر برای غرضی بوده و موجب ضرری بر غابن نباشد، بازهم خیارش باقی است.

دامنه خیار فاحش

۴۲۵۸. در اسناد و قباله های معاملاتی می نویسند:

«بـا اسـقاط تمام خیارات حتی خیار غبن فاحش.» اگر فردی در معامله ای فهمیـد که خیلی مغبون شـده مثلاً جنس خود را یک دهم یا یک بیسـتم قیمت متعارف فروخته - که عقلا در این معامله اصـلاً اقـدام نمی کنند مگر سـفاهتی باشد - آیا خیار ساقط می شود؟

ج. خیار ثابت است و لفظ فاحش تا این حد اطلاق ندارد.

دروغ در معامله با قسم

۴۲۵۹. اگر کسی در معامله ای دروغ بگوید و روی آن قسم یاد کند، این معامله چه صورتی دارد؟

ج. گناه کرده، ولی معامله صحیح است و خیار ثابت است.

مطالبه تفاوت قیمت

۴۲۶۰. اگر فردی پس از خریـد جنسی متوجه اختلاـف زیـاد قیمت آن جنس در بـازار شود، آیـا می توانـد تفاوت قیمت را از فروشنده مطالبه نماید؟

ج. فرد مغبون حق مطالبه قیمت ندارد، بلکه اختیار دارد که معامله را فسخ نماید و حتی در صورت پرداخت ما به التفاوت توسط فروشنده، این خیار ساقط نمی شود.

ادعای مغبون بودن فروشنده

۴۲۶۱. شخصی زمینی را به عنوان قطعه با مشاهده به من فروخته است و بعد از مدتی می گوید متراژ آن مقداری زیادتر بوده است، آیا حق دریافت پول اضافه را دارد یا خیر؟

ج. با صِرف ادعا، حقی ندارد مگر آن که آن را اثبات کند.

دندان غیر قابل استفاده

۴۲۶۲. شخصی مقداری پول به دندان ساز برای ساخت دندان مصنوعی داد، ولی دندان ها به دهانش نخورد، آیا می تواند پول خود را پس بگیرد؟

ج. اگر اقاله کنند، جایز است و اگر شرط کرده بوده که به دهانش بخورد، خیار دارد.

خیار شرط

۴۲۶۳. در معامله اگر طرف مقابل شرط را رعایت نکرد، آیا حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟

ج. بله، خیار تخلّف شرط دارد.

فروش حیوان معیوب و بیمار

۴۲۶۴. اگر کسی گوسفندی یا حیوان دیگری خریداری و ذبح کرده باشد، بعد از آن بفهمد که حیوان مریض بوده است، آیا می تواند بعد از آن حیوان را به فروشنده پس بدهد و پولش را بگیرد؟

ج. در این صورت می تواند تفاوت قیمت صحیح و سالم را از فروشنده بگیرد و نمی تواند گوسفند را پس دهد.

فراموش کردن ذکر خیار در معامله

۴۲۶۵. اگر طرفین معامله توافق کردند که در معامله شرط خیار قرار دهند، ولی هنگام عقد شرط خیار را فراموش کردند، آیا باز، خیار ثابت است؟

ج. خیار ثابت است، زیرا عقد مبتنی بر آن شرط واقع شده است.

شرط ساقط شدن تمام خیارات

۴۲۶۶. در بعضی از قولنامه ها در بنگاه ها نوشته شده است «معامله انجام شده قطعیست و کلیه خیارات حتی خیار غبن از طرفین ساقط گردید»، آیا این شروط جایز است؟

در این صورت هیچ نوع خیاری باقی می ماند که از آن استفاده نمود؟

ج. بله، این شروط جایز و ساقط کننده خیارات است، مگر موردی که از آن منصرف باشد.

حق فسخ حتی با اسقاط کافه ی خیارات

۴۲۶۷. شش دانگ یک دستگاه خانه با مساحت و مشخّصات و حدود معیّن به مبلغ معیّن بین خریدار و فروشنده قراردادنامه ای تنظیم گردید. از کل ثمن معامله، خریدار به عنوان بیعانه ۱۹ را پرداخت کرده است و قرار بر این شد که بقیّه ای ثمن را در تاریخ انتقال سند رسمی نقدی به فروشنده بپردازد. دفترخانه ای برای تنظیم سند رسمی به حسب تراضی طرفین در دو ماه دیگر تعیین گردید با اسقاط کافّه ی خیارات، از جمله اسقاط خیار غبن، فروشنده ملتزم شد در صورت انصراف و عدم حضور در دفتر مورد توافق مبلغ ... دریافتی به عنوان بیعانه و مبلغی معادل بیعانه نیز به خریدار بپردازد. چهارده روز قبل از تاریخ مقرّر با ارسال اظهارنامه و تلگراف، اعلام انصراف و فسخ نموده است به دلیل غبن غیر قابل اغماض، با توجّه به این که در قراردادنامه اسقاط خیارات و غبن فاحش شده، در صورتی که غبن فاحش غیر قابل اغماض نیز وجود داشته باشد، آیا فروشنده حق فسخ دارد؟

با توجّه به این که از ثمن معامله ۱۹ را به عنوان بیعانه گرفته است و تا به امروز مورد معامله در تصرّف فروشنده است.

ج. اگر غبن فاحش غیر قابل اغماض در وقت معامله ظاهر شد، به گونه ای که با علم

به آن احتمال اقدام نبوده و منظور از اسقاط خیار در نزد عرف و متفاهم طرفین، آن مقدار نبوده است، حق فسخ ثابت است.

۴۲۶۸. اگر در معامله ای اسـقاط کافه ی خیارات شده و طرف معامله احتمال غبن می دهد، ولی بعد معلوم می شود که غبن او خیلی زیاد بوده به نحوی که قابل اغماض نیست، آیا حق فسخ دارد؟

ج. اگر اسـقاط خیـار را مقیّـد کرده بـوده، به مرتبه ای از غبن که احتمـال می داده یـا از قراین فهمیـده بوده است، خیـار سـاقط نیست، در غیر این صورت ساقط است مگر در صورت ثبوت انصراف قطعی از آن.

اسقاط حق خیار

۴۲۶۹. حق خیارات در معامله در چه صورتی اسقاط می شود؟

ج. در صورتی که ضمن عقد، آنها را اسقاط کنند یا صاحب خیار بعد از عقد آن را اسقاط نماید.

اسقاط کافّه ی خیارات و تخلّف شرط

۴۲۷۰. شخصی خانه ای را فروخته و ضمن صیغه عقد بیع، شرایطی را برای خریدار شرط نموده و ضمناً اسقاط کافه ی خیارات را هم ذکر کرده است.

در صورت تخلّف شـرط از ناحیه ی خریـدار، آیا فروشـنده می توانـد خیار فسخ، به خاطر تخلّف شـرط ضـمن عقد را اسـتفاده نماید؟

ج. اگر از اسـقاط کـافه ی خیـارات، اسـتفاده ی خیـار شـرط هم شود، خیار نـدارد و در غیر این صورت می توانـد اعمال خیار تخلّف شرط کند و در هر صورت بر خریدار تکلیفاً واجب است شروط را مراعات کند.

شرط خیار بدون مدت

۴۲۷۱. آیـا می توان در معاملات شـرط خیار بـدون مـدت قرارداد؟ آیا می توان در صورت فسـخ هر طرف برای جبران ضـرر طرف دیگر جریمه ای دریافت کرد؟ اگر برای محکم تر نمودن عقد، این شرط را ضمن عقد بیاورند چه حکمی دارد؟

ج. شرط خیار باید مدت معین و مشخصی داشته باشد و می توان شرط خیار را به پرداخت مبلغی مشروط کرد.

فروش جنس بعد از مهلت خیار

۴۲۷۲. آیا مشتری می تواند بعد از پایان مهلت خیار و قبل از قبض، جنس مورد معامله را به فرد دیگری بفروشد و آیا فروشنده می تواند قبول اقاله را مشروط به کسر درصدی از پول کند؟

ج. صورت اوّل جایز است و صورت دوم جایز نیست.

دریافت هزینه ها پس از اعمال خیار

۴۲۷۳. آیا پس از فسخ معامله به خیار، مخارجی را که خریدار تا هنگام فسخ برای جنس فروخته شده کرده است، طلب کار می باشد؟

ج. طلب کار نیست، زیرا در ملک خودش خرج کرده است.

تصرّفات خریدار در جنس فروخته شده پیش از فسخ

۴۲۷۴. خریداری جنسی را خریده و بعد فهمیده که مغبون شده است و خواسته معامله را فسخ کند، آیا تصرفات و استفاده هایی را که از پیش فسخ کرده، موجب ضمان است؟

ج. تصرفات مالکیّه است و موجب ضمان نیست.

انتقال خیارات به ورثه

۴۲۷۵. معامله را از چه راه های شرعی می توان به هم زد و آیا خیارات شرعی بعد از مرگ به ورثه انتقال پیدا می کند؟

ج. به موارد فسخ معامله در رساله رجوع شود و خیارات هم بعد از مرگ به ورثه منتقل می شود.

فسخ یک طرفه معامله

۴۲۷۶. اگر در معامله ای فروشنده بعد از دریافت وجه نتواند کالای مورد معامله را به مشتری تحویل دهد و بخواهد از معامله منصرف شود، آیا انصراف او بدون رضایت مشتری جایز است؟

در صورتی که وجه را دریافت نکرده و در تاریخ مقرر نتواند کالا را به مشتری تحویل دهد، چه وجهی دارد؟

ج. خیر، نمی تواند بدون رضایت مشتری منصرف شود، ولی مشتری حق فسخ دارد و هم چنین است صورت دوّم، اگر معامله ی سلف نبوده است.

خیار فسخ در صورت تأخیر قیمت

۴۲۷۷. آیا مجرد تأخیر قیمت موجب خیار (فسخ) می شود؟

ج. به صورت ۹ از موارد فسخ معامله مراجعه شود.

فسخ معامله و میزان در پرداخت ثمن

۴۲۷۸. این جانب یک حبّه آب را به شخصی فروختم و در قبال آن چکی یک ساله از مشتری گرفتم. در موعد مقرّر تبدیل به

پول نشد، آخر جلوی آب را بستم که البتّه به مدّت یک سال از آب استفاده کرده است.

اکنون در صورت جواز فسخ معامله، آیا قیمت آبی که او در طول یک سال بهره برداری کرده است باید بپردازد یا نه؟

ج. از حالا حساب می شود.

فسخ معامله ی یک جانبه

۴۲۷۹. اگر قطعه زمینی بر اساس توافق نامه و قرارداد حقوقی و قانونی جمهوری اسلامی ایران به شخص حقیقی و یا حقوقی، بر اساس انبوه سازی مسکن واگذار گردد و طرف قرارداد متحمّل هزینه های قابل توجّهی برای مُقَدَّمات کار در آن زمین شده باشد و مجوّزهای لازم را گرفته باشد که بر اساس آن مجوّزها، مستحدثاتی ایجاد کرده است.

آیا می توانند بدون اجازه و اطّلاع و رضایت طرف قرارداد، زمین مذکور را به افراد حقیقی یا حقوقی و یا نهاد دولتی واگذار نمایند و آیا بدون رضایت طرف اوّل، فسخ و ابطال قرارداد معامله ای که در واگذاری دوم انجام گرفته، صحیح است؟

ج. بر تقدیر صحّت واگذاری اوّل اگر واگذاری به نحو معامله بوده است در صورت وجود یکی از اسباب خیار مثل شرط یا غبن، حق فسخ ثابت می شود وگرنه نمی توانند بدون رضایت طرفین معامله را فسخ و به دیگری واگذار کنند و صحّت و فساد معامله ی دوّم مبنی بر جواز فسخ معامله ی اوّل و عدم آن است.

نحوه ی تحقّق فسخ

۴۲۸۰. آیا برای فسخ معامله علاوه بر فسخ لفظی، لازم است کاری کند که دلالت بر فسخ داشته باشد؟

ج. ظاهراً فسخ لفظی - که به طرف مقابل اطّلاع دهد - کافی است.

ربا

احکام عمومی ربا

اقسام ربا

۴۲۸۱. از نظر شرع مقدس اسلام چند قسم ربا وجود دارد؟

ج. دو قسم ربا وجود دارد:

۱) ربای معامله ای و آن رباییست که یکی از دو چیز مثل هم با زیاده ی همان چیز به مثل دیگر فروخته می شود، مانند فروختن یک کیلو گندم به دو کیلو از آن و این قسم از ربا در مکیل و موزون است.

۲) ربای قرضی و آن شرط زیاده کردن در قرض و وام است، مثل این که مالی را وام بدهد، به شرط آن که وام گیرنده بیشتر از مقداری که وام گرفته بپردازد و فرقی نمی کند که این زیاده پول یا جنس یا کار و خدمتی بوده باشد.

تکلیفی یا وضعی بودن حرمت ربا

۴۲۸۲. اگر معامله ای ربوی صورت بگیرد و یا قرضی ربوی انجام شود، فقط طرفین معامله مرتکب حرام تکلیفی شده اند، یا معامله و قرض آنان نیز باطل است؟

ج. حرمت تکلیفی و وضعی هر دو را دارد، یعنی از آن معامله، ملکیّت حاصل نمی شود.

ربا بین زن و شوهر

۴۲۸۳. آیا بین زن و شوهر ربا جایز است و فرقی بین ازدواج دائم و غیر دائم هست؟

ج. اشکال ندارد و فرقی بین دائم و غیر دائم نیست.

ربا بین پدر و جد

۴۲۸۴. آیا جمله ی «لا ربا بین الوالد و ولده» شامل ولد با واسطه و جد هم می شود؟

ج. نوه به حکم فرزند است و ربا بین آنها اشکال ندارد.

ربا بین مادر و فرزند

۴۲۸۵. آیا ربا بین مادر و فرزند و یا بین پدر و دختر جایز است؟

ج. میان پدر و فرزند اعم از پسر و دختر جایز است، امّا بین مادر و فرزند جایز نیست.

جواز حیله برای فرار از ربا

۴۲۸۶. حیله های شرعی و راه های فرار از ربا با شدت حرمت و عذاب و عقاب هایی که برای ربا ذکر شده است، چگونه توجیه می شود؟

ج. ربا از بزرگترین محرمات در دین اسلام است و این مطلب با وجود راه های شرعی جهت حیله و فرار از آن منافات ندارد، همانند زنا با عظمت حرمت آن و ازدواج در بسیاری از انواعش که هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند، مگر خواندن صیغه با شرایطش، هر چند به صورت انقطاعی و موقت باشد.

هدیه رباخوار

۴۲۸۷. اگر شخص رباخوار چیزی به ما هدیه کند، استفاده از آن چه حکمی دارد؟

ج. تا علم ندارید که آن هدیه از عین مال حرام است، برای شما حلال است.

ربای قرضی

راه های گریز از ربای قرضی

۴۲۸۸. لطفاً راه های گریز از ربای قرضی را بیان فرمایید؟

ج. آسان ترین راه آن به اینست که در برابر سود مورد نظر معامله ای انجام دهند و در ضمن آن معامله قرض شرط گردد.

دریافت وام ربوی با ضرورت

۴۲۸۹. آیا دریافت وام ربوی در حال ضرورت جایز است یا خیر؟

ج. ربا حرام است و فرق نمی کند و اگر موردی ضرورت داشته باشد، می توانند با معامله ی شرعیّه بر روی سود از ربا رهایی یابند.

قرض دادن ارز و بالا رفتن قیمت آن

۴۲۹۰. شخصی مقداری پوند انگلیسی را با دو شرط به دیگری قرض می دهد:

اوّلا در زمان باز پرداخت عین ارز دریافتی را برگرداند، ثانیاً برابر سودی که بانك انگلیسی به این پول در حساب می دهد، او نیز این سود را محاسبه نموده و پرداخت کند.

هم اکنون قیمت نهایی پوند تغییر ناگهانی کرده و چندین برابر رشد کرده است.

آیا بدهکار بایستی قیمت ریالی هر پوند را برابر نرخ روز پرداخت کند یا نرخ همان روز و ثانیاً آیا گرفتن سود از نظر شرعی صحیح می باشد یا نه؟

ج. همان پوندی را که گرفته، ضامن است و باید رد کند و اگر قیمت آن را می دهد، باید به قیمتی که صاحب آن راضیست بدهد، ولی بهره ای که شرط شده ربا و حرام است.

محاسبه ی نرخ تورّم

۴۲۹۱. آیا محاسبه ی نرخ تورّم در دیون و مطالبات ربا محسوب می شود؟

ج. اگر تفاوت فاحش است، بنا بر احتیاط مصالحه کنند.

صحّت تصرّف در اصل پول توسط رباگیرنده

۴۲۹۲. رباگیرنده ای اصل پول و بهره آن را گرفته است، از آن پول به مقدار اصل پول که برای خودش است، به دیگری قرض می دهد یا تصرّف دیگری در آن می کند.

آیا صحیح است؟

ج. صحیح است.

زندان نمودنی بدهکار ورشکسته

۴۲۹۳. اشخاص آبرومند، متدیّن، کاسب و تُجّاری که به طریق مختلف، ناخواسته و در حالت اضطرار گرفتار رباخواران گردیده اند، تمامی دارایی خویش را از دست داده و از پرداخت چک هایی که بابت معاملات خود صادر نموده بودند، در شرایط عسر و حرج پیش بینی نشده ی مذکور، عاجز مانده و با برگشت خوردن چک هایشان، اکنون به عنوان صادر کنندگان چک بلامحل در زندان ها به سر می برند. آیا زندانی نمودن این گونه افراد، دارای وجاهت شرعی می باشد؟

ج. اگر متمکن است، باید بر ادای اصل قرض اجبارش نمایند، نه مقدار ربا، وگرنه با کفالت مهلتش دهند و اللّه العالم.

بطلان اصل قرض با شرط زیاده

۴۲۹۴. شرط زیاده در ربا، آیا اصل قرض را هم باطل می کند؟

ج. بله، باطل می کند.

اضافه کردن مبلغ پس از پایان زمان طلب

۴۲۹۵. اگر کسی نتواند در موعد مقرر بدهکاریش را بپردازد، آیا طلب کار می تواند به اصل طلب خود اضافه کند؟

ج. خیر، حرام است.

معامله ی نسیه بر سود

۴۲۹۶. جنابعالی یکی از راه های رهایی از ربا را معامله بر اصل سود به شرط قرض بیان فرموده اید، آیا این معامله اگر نسیه

باشد، اشکال دارد؟

و یا اگر این معامله غیر متعارف و غیر معمول باشد - مثل معامله یک خودکار به پنجاه یا صد هزار تومان - اشکالی ندارد؟

ج. خیر، اشکال ندارد.

رهن منزل بدون اجاره

۴۲۹۷. فردی دو میلیون تومان وجه به دیگری پرداخت کرده و او منزل را بدون دریافت اجاره به مدت یک سال در اختیار او قرار داده است، حکم شرعی آن چیست؟

آیا عمل او ربا محسوب می شود؟

ج. بله، این عمل ربا است.

محاسبه نرخ تورم در طلب کارها

۴۲۹۸. آیا کاهش و افزایش فاحش در دَیْن ضمان آور است؟

و آیا مثلاً- برای ادای صد هزار تومان قرض، مهریه، مضاربه، خمس و سایر دیون پس از بیست سال، آیا پرداخت همان مبلغ ادای دین محسوب می شود؟ یا باید به قیمت روز پرداخته شود و نرخ تورم ملاحظه گردد؟ و آیا در این مطلب بین تغییر فاحش با غیر فاحش فرقی هست؟

ج. احتیاطاً باید در قبال افزایش فاحش نرخ تورّم با هم مصالحه کنند.

فروختن مبلغ به ضمیمه چیز دیگر

۴۲۹۹. آیا جایز است مبلغی را به ضمیمه چیزی دیگر، به مبلغ بیشتری تا مدت معینی بفروشند؟

ج. مانعی ندارد.

قرض به شرط قرض

۴۳۰۰. آیا قرض به شرط قرض، جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

مسابقه گذاشتن جهت قرض همراه سود

۴۳۰۱. اگر کسی بگوید:

هر کس به من فلان مقدار پول قرض بدهد، فلان مقدار اضافی به او خواهم داد، در این مورد که شرط زیادی در طرف صاحب پول نیست، بازهم ربا است؟

ج. با فرض این که نفس عقد قرض، مشروط به زیاده شده است، ربا است.

تکلیف مال هایی که از طریق ربا به دست آمد

۴۳۰۲. در صورتی که رباخوار از عمل خود پشیمان شود، مال هایی که از طریق معامله ربوی به دست آمده را چه باید بکند؟ اگر صاحبان آن را نشناسد چه کند؟

ج. اگر با علم و عمد مرتکب ربا در بیع یا قرض شد، باید زیادتی را بلکه مجموع را در بیع ربوی، چه باقی باشد یا تلف شده باشد، به مالك آن رد نماید؛ پس باید از صاحبانش تفحص کند و اگر از دسترسی مأیوس شد، از طرف آنها رد مظالم دهد با اجازه ی از حاکم شرع علی الاحوط و اگر مقدار مال و مالك مجهول بود، احوط وجوب تخمیس است و صورت جهل به حرمت با عذر یا بدون عذر، بنا بر احوط مثل صورت علم و عمد است.

ربای معامله ای

شروط ربای معامله ای

۴۳۰۳. لطفاً شروط ربای معامله ای را ذکر فرمایید؟

ج. ۱) آن که عرفاً جنس آن دو یکی باشد، ۲) آن که آنچه فروخته می شود و آنچه در برابر آن خریده می شود از چیزهایی که با پیمانه یا وزن محاسبه می شوند باشند؛ پس در چیزی که با مشاهده یا شمردن یا متر کردن و ... فروخته می شود، ربای معاملی جای ندارد.

راه های گریز از ربای معاملی

۴۳۰۴. لطفاً راه های گریز و حیله های فرار از ربای معاملی را بیان فرمایید؟

ج. با انتخاب یکی از راه های زیر می توان از ربای معاملی رها شد:

۱) این که یکی از دو طرف معامله، جنس ربوی خود را در برابر مبلغی به دیگری بفروشند، آنگاه جنس دیگری را، با همان مبلغ برای بیش از آن مقدار جنس خریده شده از او بخرد.

۲) این که هر کدام از دو طرف، جنس خود را هبه ی غیر معوضه نماید به دیگری؛ بنا بر جریان ربا در مطلق هبه یا به هبه

معوضه آن گونه که در کتاب بیع در فقه ذکر شده است.

۳) این که یکی جنس خود را به دیگری قرض دهد و به دنبال آن دیگری نیز جنس خود با اضافه آن را به او قرض دهد و پس از آن هر کدام دیگری را بریء الذمه نموده و ببخشند.

۴) این که دو جنس مساوی را با همدیگر معامله نمایند، پس از آن مقدار اضافه را به دیگری هبه نماید، البته هبه نباید در معامله اوّل شرط شده باشد.

۵) ضمیمه کردن چیزی به دو جنس، مثل آن که یک من گندم را به همراه دو خودکار بفروشد به دو من گندم به همراه یک خودکار.

۶) ضمیمه کردن چیزی به

طرف ناقص، مثل آن که یک من گندم و خودکار را با دو من گندم معامله کند.

اختلاف دو شهر در شمارشی و کیلویی بودن یک جنس

۴۳۰۵. اگر در مکـانی یک جنس مثل گردو با شـمارش خریـد و فروش شود و در جای دیگر به صورت کیلویی، آیا دو نفر از این دو شـهر می توانند دو نوع خوب و بد از آن جنس را معامله کنند؟ و نحوه معامله آنها در هر یک از شـهرهای خود یا شهر سوم به چه نحو باید باشد؟

ج. جنسـی را که در بعضـی از شـهرها با وزن و پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها عددی معامله می کنند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می فروشـند زیادتر بگیرد، ربا و حرام است و در شهر دیگر اگر عددی معامله کند و زیادتر بگیرد ربا نیست.

ثبوت ربای معاملی در غیر بیع

۴۳۰۶. آیا در معاملات دیگر – غیر از بیع (مثل صلح، اجاره و ...) – نیز ربای معاملی جاری است؟

ج. ثبوت ربا در آنچه که جاری مجرای بیع است نزد عرف، خالی از وجه نیست.

تعویض طلا

۴۳۰۷. آیا تعویض طلای کهنه یا شکسته و مستعمل با طلای نو اشکال دارد؟

ج. اگر وزن یکی از آنها زیادتر از دیگری باشد و طلای مغشوش به مقداری که مالیت داشته و معامله بر آن صورت می گیرد نباشد، حرام و باطل است.

دریافت قند در برابر چغندر قند

۴۳۰۸. کارخانه های قنـد در روسـتاها، نماینـدگان و شـرکت تعاونی هایی دایر کرده انـد که به چغنـدر کاران در ازای چغندر دریافتی پول یا قند تحویل می دهند، آیا دریافت قند در برابر چغندر قند حکم ربای معاملی را دارد؟

ج. الحاق قند به اصل آن که چغندر است، به قاعده اصل و فرع، محل تأمّل است.

کارخانه های برنج کوبی

۴۳۰۹. اگر به کارخانه برنـج کوبی مقـداری برنـج جهت پاک کردن داده شود و کارخانه در ازای دسـتمزد خود مقداری برنج پـاک کرده از برنـج هـای تحویلی بردارد، ربـا محسوب می شود؟ اگر به شالی کار مقـدار کمتری از برنـج پاک شـده خود را

تحویل دهد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر معاوضه نیست، بلکه همان برنج است و جز عنوان مزد چیزی نیست، ربا نمی باشد.

معاوضه ی آرد با گندم

۴۳۱۰. برخی از کارخانه های آرد یا مکینه های گندم پس از دریافت گندم از کشاورزان، مقدار کمتری آرد به آنها پس داده و دستمزد و هزینه آرد کردن را با رضایت مشتری از آرد بر می دارند، آیا این عمل ربای معاملی محسوب می شود؟ و اگر آرد تحویلی به آنها از همان گندم دریافتی نباشد چه طور؟

ج. در صورتی که معاوضه ای در کار نباشد و فقط به عنوان مزد آرد کردن بردارد، ربا نیست.

عوض کردن شیر با مواد لبنی دیگر

۴۳۱۱. آیا عوض کردن شیر با محصولات لبنی دیگر جایز است؟

و اگر کسی شیر را به کارخانه بدهد و در مقابل از شرکت تعاونی همان کارخانه محصولات لبنی مورد نیاز خود را تحویل بگیرد، اشکال دارد؟

ج. اگر جنسی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک چیز به دست آمده باشد و به عبارت دیگر، حقیقت نوعیه ی آنها یکی بوده و اصناف مختلف باشند، باید در معامله، زیادی نگیرند؛ پس اگر مثلاً یک من کره حیوانی بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد و یا سه کیلو شیر بدهد و نیم کیلو کره یا پنیر بگیرد، ربا و حرام است.

خرید و فروش ظروف نو و کهنه

۴۳۱۲. برخی ظروف مسی، آلومینیومی و رویی با وزن خرید و فروش می شوند، آیا فروشنده می تواند ظرف کهنه را از مشتری بگیرد و به جای آن ظرف نو به او بدهد و ما به التفاوت را نیز با او محاسبه نماید؟ اگر این معامله به صورت مبادله یا در دو معامله صورت پذیرد، آیا شرعاً اشکال دارد؟

ج. اگر در دو معامله صورت پذیرد، جایز است.

احکام اجاره

تقاص اجرت

۴۳۱۳. شخصی برای کسی با اجرت معینی کار می کرده است، پس از انجام عمل، اجرت او را کمتر داده، آیا می تواند از سایر اموال او بقیّه ای اجرت را بردارد؟

با فرض این که علم دارد که او اشتباه کرده و بی جهت انکار می کند؟

ج. اگر راهی نداشته باشد، می تواند.

شرط پرداخت مبلغ در صورت تأخیر تخلیه

۴۳۱۴. اگر ضمن عقد اجاره شرط شود در صورت تخلّف مستأجر از تخلیه بعد از انقضای مدّت، موظّف است که مثلاً سه برابر مال را بپردازد، آیا در صورت تخلّف بدهکار می شود؟

ج. بدهکاری او به عنوان شرطیست که در موقع اجاره آن را پذیرفته و اشکالی ندارد.

اجاره از زرتشتیان

۴۳۱۵. اجاره نمودن منزل زرتشتیان چه حکمی دارد؟

آیا می توان در آنجا درس خواند و یا جلسات قرآنی برگزار نمود؟

ج. در هر صورت اجاره کردن محل از زرتشتی و دادن اجاره به او اشکال شرعی ندارد و می توانند در آن محل درس بخوانند یا جلسات قرآنی داشته باشند.

اجاره ی زمین مورد اختلاف

۴۳۱۶. زمینی مورد اختلاف بین دو نفر است.

اگر یک نفر از آنها این زمین را به شخصی اجاره دهد و اجاره کننده زمین را شخم بزند و شخص دیگری بر آن زمین بذر بپاشد، محصول زمین را چه کسی باید برداشت نماید؟

ج. بذر از هر که هست، حاصل هم از اوست، همان گونه که اجرت زمین شخم زده هم بر اوست.

نحوه ی ضامن شدن شخص ثالث در اجاره

۴۳۱۷. در بعضی موارد اجاره، پیش از اجاره چکی از ثالث می گیرند، آیا چنین ضمانی حقیقیست یا صوری؟

ج. تا پیش از تحقّق اجاره، این ضمان صوری است، ولی در بقای آن پس از اجاره، ضمان حقیقی می شود. زیرا آن ضمان اولی بقا دارد و همین در صحت ضمان کافیست و اما ضمان تعلیقی متعارف که ثالث می گوید:

اگر بدهکار دین را نداد من می دهم، این مانند شرط است نه ضمان و در صحت آن تأمل است.

اجاره دادن وجه نقدی

۴۳۱۸. آیا اجاره وجه نقدی مانند پول صحیح است؟

ج. اگر قابل استفاده بوده و عین پول باقی باشد، اجاره اش صحیح است و در غیر این صورت صحیح نیست.

اجاره نمودن طلا

۴۳۱۹. طلاساز، یک کیلو طلا را یک ساله اجاره می کند که با آن معاملاتی انجام دهد و آخر سال یک کیلو را با اجرت آن پس بدهد، آیا چنین اجاره ای صحیح است؟

راه شرعی را در صورت عدم صحّت آن، بیان فرمایید.

ج. این اجاره باطل است؛ زیرا در اجاره باید عین مال باقی باشد که در اینجا باقی نیست؛ ولی راه حلّیت آن به این صورت می شود که آن سود و اجرتی را که می خواهد در طول سال بدهد، در مقابل جنسی کم ارزش معامله کند، به شرط این که یک ساله یک کیلو طلا را به عنوان قرض بگیرد.

اجاره زمین

۴۳۲۰. دو نفر زمینی را به صورت اجاره، طبق قراردادی با سازمانی به تصرف می گیرند و اعیانی ساختمانی همان زمین (منظور غرفه) را طبق نظر کارشناسی وقت به مبلغ تمام شده پنج میلیون تومان خریداری و بهای آن را طبق قرارداد به سازمان مذکور پرداخت می نمایند. با توجه به اینکه در قرارداد آمده است:

مدت اجاره پنج سال تمام خورشیدیست و با توجه به اینکه در زمان انعقاد قرارداد به صورت شفاهی مقرر گردیده که مال الاجاره با توجه به نرخ تورّم و عرف جاری معیّن گردد. بفرمایید:

۱) آیا چنین قراردادی صحیح است؟

ج. بلی، صحیح است، اگر در پنج سال اوّل مال الاجاره را معلوم کرده اند و مالک ساختمان و مستأجر زمین است و طرفین باید طبق قرارداد عمل کنند.

۲) اگر سازمان مذکور همین مورد معامله را پس از گذشت پنج سال از قرارداد اوّل، توسط قرارداد دیگری به شخص دیگری واگذار نماید، آیا صحیح است؟

با توجه به اینکه در قرارداد شخص اوّل آمده است موضوع قرارداد

جزء اً یا کلّاً غیر قابل انتقال یا واگذاری به هر شکل به غیر، اعم از حقیقی یا حقوقی می باشد.

ج. اگر شرط فعل کرده اند، تکلیفاً خلاف شرع نموده؛ اما وضعاً باطل نیست و اگر به نحوی به شرط نتیجه برگردد، تابع شرط است.

اجاره حرم امامزاده

۴۳۲۱. فردی در حرم یکی از امامزاده ها، سال ها روضه خوانی می کرده است.

اکنون هیأت امنای امامزاده قصد دارند ماهانه مبلغی از وی اجاره بگیرند. چه حکمی دارد؟

ج. این وجهی ندارد، ولی خوب است خود او قدری از سود حاصله را به مستحقی بدهد که آن را در تعمیرات یا امور دیگر آن امامزاده صرف کند.

فروش مال الاجاره

۴۳۲۲. خانه ای را جهت کلاس درس زبان به مدت یک سال اجاره کردیم، ولی موجر بعد از چند ماه اعلام کرد:

خانه را فروخته ام، آن را تخلیه کنید و ما نیز تخلیه نمودیم و کلید خانه را برای گرفتن پول رهن نزد خود نگه داشتیم اما موجر بعد از دو ماه ادعای اجاره می کند، لطفاً وظیفه ما را بیان فرمایید؟

ج. اگر با توافق، اجاره را اقاله کردید، موجر دیگر حق اجرت اجاره را ندارد.

اجاره زمین های وقفی

۴۳۲۳. در مورد اجاره زمین های اوقافی لطفاً بفرمایید تعیین مبلغ اجاره به عهده عرف است یا خود مستأجر یا کارشناس و لطفاً بفرمایید مخارجی که در آن صورت می گیرد، به عهده چه کسیست (در صورتی که این زمین ها سال ها دست مستأجران است و اجاره آن را به حساب مسجد یا حسینیه می ریزند.)

ج. تعیین مبلغ اجاره به عهده متولی شرعی وقف با لحاظ مصلحت وقف است و مخارج هم به توافق متولی و مستأجر مربوط است و با نبود متولّی، به حاکم شرع مربوط است.

اختلاف مالک و صاحب سند در مال الاجاره

۴۳۲۴. آیا مستأجر باید اجاره بهاء را به کسی که خود را صاحب ملک می داند و آن را به مستأجر اجاره داده است بپردازد و یا به کسی که سند ملک دارد و ادعای مالکیت می کند؟

ج. به ذو الید (کسی که ملک در دست او است) می پردازد، مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

شرط ضرر

۴۳۲۵. شخصی مزرعه و باغ خود را همراه آب، اجاره داده است و شرط کرده که اگر ضرری متوجه محصول شد، بر عهده مستأجر است و مستأجر هم مقدار زیادی ضرر کرده، آیا شرط انجام شده صحیح است؟

ج. صحیح است.

استفاده از مورد اجاره پس از اتمام قرارداد

۴۳۲۶. اگر مستأجر در پایان مدت اجاره، خانه ای پیدا نکرد، آیا به ناچار می تواند در منزل استیجاری قبلی بماند تا خانه ای پیدا کند و اگر موجر راضی نباشد، آیا حکم غصب پیدا می کند؟

ج. حکم غصب پیدا می کند.

اجاره طلا

۴۳۲۷. آیا اجاره دادن طلا (در صورت رواج آن) صحیح است؟

اگر برای فروش و معامله با آن باشد، چه وجهی دارد؟

و اگر برای زینت باشد، چه حکمی دارد؟

ج. در صورت فروش طلاهای مبادله شده، به لحاظ آن که عین مورد اجاره باقی نمی ماند، اجاره صحیح نیست؛ اما اجاره طلا برای زینت در مدت معین و بازگرداندن عین آن بلامانع است.

ساختن مرغ داری در زمین اجاره ای

۴۳۲۸. شخصی زمینی را به فردی اجاره داده است که در آن زمین مرغ داری درست کند - که این کار را می کند - اما بعد از مدتی یکی از وارث ها از مستأجر می خواهد تا زمین را تخلیه کند و مرغ داری خود را از آنجا ببرد یا خراب کند، اما مستأجر می گوید:

این همه خرج کردم و حاضر نیستم اینجا را تخلیه نمایم، آیا حق با مالک است یا مستأجر؟

ج. تا مدت اجاره باقی است، حق با مستأجر است و هم چنین اگر شرطی ضمن عقد شده است.

انبار کردن پارکینگ اجاره شده

۴۳۲۹. شخصی منزلی را اجاره کرده است؛ اما از پارکینگ خانه به منظور انبار کردن اجناس به منظور فروش استفاده می نماید، آیا شرعاً جایز است؟

ج. اگر خلاف قرارداد در اجاره نباشد، مانعی ندارد.

تغییر مبلغ اجاره متناسب با تورم

۴۳۳۰. اگر ضمن عقد اجاره شرط شود که مبلغ اجاره با تورم سطح زندگی به تناسب افزایش یابد، چه وجهی دارد؟

ج. اگر منظور، اجاره های بعدی باشد و یا به نحو شرط ضمن عقد باشد، به توضیحی که در مسأله ی ۱۷۳۶ رساله آمده است، جایز است.

استفاده مستأجر از حیاط مشترک

۴۳۳۱. در حیاط مشترک میان صاحب خانه و مستأجر آیا در نبود صاحب خانه، مستأجر می تواند از حیاط و دیگر امکانات خانه استفاده کند؟

ج. اگر با رضایت صاحب خانه باشد، جایز است.

مستأجر متوفی

۴۳۳۲. اگر شخصی منزلی را اجاره کند و پس از مدتی فوت کند، در صورتی که وصیت نکرده باشد، آیا بدهی بقیه اجاره به عهده همسرش است یا از اصل مال برداشته می شود؟ و آیا بعد از مرگ مستأجر ورثه می توانند اجاره را فسخ کنند؟

ج. بدهی از اصل مال برداشته می شود و تا مدت اجاره تمام نشده، اگر در عقد اجاره شرط استفاده شخص مستأجر نشده است، حق فسخ ندارند. (مسأله ی ۱۷۵۷ رساله.)

آزار و اذیت همسایگان به واسطه اجاره

۴۳۳۳. در همسایگی ما، مؤسسات یا مدارسی محلی را اجاره کرده اند و باعث آزار و اذیت همسایگان می شوند و به تذکرات دیگران هم اهمیت نمی دهند، چه باید کرد؟

ج. از موجر بخواهید دیگر به آنها اجاره ندهد و اگر اذیت و آزار آنها به حد حرام می رسد، به حاکم شرع مراجعه کنید.

اجاره قرآن و نماز و روزه خوانده شده

۴۳۳۴. آیا کسی که قرآن می خواند و اجرت می گیرد می تواند چند ختم قرآن کند و اگر کسی آمد و از وی ختم قرآن یا نماز یا روزه خواست بگوید مثلاً ـ چند روز پیش یک ختم قرآن کردم و یا یک سال نماز و روزه را که قبلاً انجام داده ام به کسی هبه نکرده ام، ثواب آن را به فرد مورد نظر شما هبه می کنم و طرف مقابل هم قبول کند و اجرت آن را هم بدهد، آیا صحیح است؟

ج. اگر منظور اجرت عمل است، صحیح نیست و اگر در قبال اهدای ثواب است، مانعی ندارد.

نحوه پرداخت اجاره

۴۳۳۵. آیا موجر می توانـد کرایه یک سال یا دو سال را مطالبه کنـد؟ و آنچه اکنون متداول است که در پایان ماه کرایه را می پردازند، آیا خلاف ضوابط شرعی نیست؟

ج. هر کدام باشد، با توافق دو طرف جایز است و بدون آن، به مسأله ی ۱۷۳۹ رساله مراجعه شود.

اجاره جنس فروخته شده

۴۳۳۶. امـوالی به فردی فروخته شـده است و تحویـل داده شـده است تـا سـند در آینـده رسـماً به نـام خریـدار انتقـال یابـد، آیا فروشـنده می تواند در این فاصـله بین فروش عادی تا انتقال سـند رسـمی، شـرعاً اجاره ای با خریدار منعقد نماید و اجاره طلب کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

ادعای سفاهت موجر

۴۳۳۷. فردی منزلی را به مدت ۱۵ سال اجاره کرده و اجاره نامه رسـمی هم تنظیم شده است، ولی بعد از فوت موجر، وارث او ادعا می کند که موجر سفیه بوده و اجاره باطل است، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج. مجرد ادّعای آنها، اثری ندارد.

کم کردن دست مزد توسط وکیل موجر

۴۳۳۸. بنـده وکیل شخصـی هسـتم، به این صورت که صاحب کار پولی را به عنوان دسـتمزد برای کارگران به بنـده می دهـد، ولی بنده به کارگران، کمتر از آن مبلغ می دهم و بقیه آن را برای خودم بر می دارم، آیا جایز است؟

ج. جایز نیست.

اجاره منزل مشتبه

۴۳۳۹. اگر کسـی خانه ای را اجاره کنـد و بعـداً متوجه شود صاحب خانه آن خانه یا قسـمتی از آن را با پول ربا خریـده است، وظیفه چیست؟

ج. چون معاملات به ذمّه واقع می شود، مالکیت صاحب خانه برای آن خانه اشکال ندارد.

ادامه کسب پس از اتمام قرارداد اجاره

۴۳۴۰. آیا ادامه ی کسب پس از انقضای مدت اجاره مغازه یا پاساژ یا هر محل کسب دیگری، شرعاً جایز است؟

ج. اگر شرطی ضمن عقد قبلی نبوده است، جایز نیست.

تبدیل شغل در محل مغازه

۴۳۴۱. فردی مغازه ای را برای آرایشگری اجاره کرده است و در مدت باقی اجاره، می خواهد مغازه را به کبابی تبدیل کند، آیا مالک می تواند در بقیه مدت اجاره، کرایه را چند برابر کند؟

ج. اگر شرطی در کار نبوده است، نمی تواند اضافه کند.

اجاره دام

۴۳۴۲. در بعضی مراتع، شخصی چند گاو را از دیگری اجاره کرده و تا مدت - مثلاً یک سال - خرج حیوانات را داده و از منافعشان بهره مند می شود و پس از اتمام مدت، گاوها را با همان خصوصیات به صاحب آنها رد نموده و به ازای هر یک هم مبلغی می پردازد، لطفاً بفرمایید این چه نوع معامله ای است؟

و چه حکمی دارد؟

ج. این اجاره صحیح است و مبلغ پرداختی هم اجرت اجاره است.

خسارت کالا در باربری ها

۴۳۴۳. مؤسساتی مانند پست و حمل و نقل، با دریافت اجرت معینی اقدام به حمل و رساندن کالا به مشترک می کنند، در صورتی که کالا بر اثر سرقت یا آتش سوزی و ...

تلف شود و یا خسارت ببیند، آیا ضامن کالا می باشند؟

ج. اگر اجیر و حامل افراط و تفریطی نکرده باشند، ضامن نیستند.

صید کردن از سد اجاره داده شده

۴۳۴۴. سدّی توسّط جهاد سازندگی تأسیس شده است، بعد از پر کردن آب، در آن ماهی پرورش داده می شود. پس از مدّتی سد، در اختیار سازمان آب قرار گرفته و این جانب آن سد را با ماهی هایش از آن سازمان اجاره نموده ام. بعضی از مردم به تصوّر این که ماهی اوّلیه را جهاد ریخته است و به احتمال این که ماهی در آب را هر کس صید کند مال او می باشد، ماهی ها را از آن سد صید می نمایند. آیا شرعاً جایز است؟

ج. از خصوص مورد سؤال اطّلاع نداریم، ولی آن چه می توان در مورد مسأله گفت اینست که سدّی که جهاد به وجود

آورده، چنان چه در زمین مباح احداث شده و در اختیار سازمان آب قرار داده اگر شخصی آن سد را با ماهی های آن از مسؤولین مربوطه اجاره کرده باشد، هر گونه تصرّف و انتفاع از سد، متَعَلِّق به آن شخص است و افراد دیگر حق @اصطیاد ندارند و اگر خصوصیّات مورد نزاع باشد، محتاج به مرافعه ی شرعیّه است.

لزوم عمل به مفاد اجاره

۴۳۴۵. دو باب مغازه به صورت رهن و اجاره، بیست سال قبل کرایه داده می شود. از بابت رهن مبلغ سی هزار تومان و از بابت کرایه ماهیانه هزار تومان تعیین می شود و با شرایط ذیل اجاره داده می شود.

الف)

مدت اجاره سه سال تمام است.

ب)

پس از پایان مدت سه ساله، مستأجر ملزم به تخلیه و تحویل مغازه ها می باشد که در برابر اخذ مبلغ مورد رهن، مغازه ها را صحیح و سالم و بدون عذر و بهانه تحویل دهد (مالك وجهی به عنوان سرقفلی یا پیشینه - حق کسب و پیشه - از مستأجر دریافت نکرده است).

ج)

مستأجر حق

واگذاری مغازه به غیر را ندارد.

/ / به مدت پنج سال هر دو طرف، مالک و مستأجر با رضایت کامل رابطه ای استیجاری خود را ادامه می دهند. مستأجر کرایه خود را می دهد و مالک دریافت می کند.

در سال پنجم مجدداً اجاره نامه ای جدید با همان سه شرط بالاـ تنظیم می گردد. فقط مبلغ کرایه از هزار تومان به هزار و دویست تومان افزایش می یابد. شروع قرارداد جدید سال شصت و سه بوده است.

پانزده سال قبل، پس از پایان مدت سه ساله یعنی سال سررسید اجاره، صاحب مغازه با پرداخت مبلغ مورد رهن خواستار تخلیه مغازه و گرفتن مغازه های خود می شود. مستأجر از تخلیه مغازه خود داری می کند و چون صاحب مغازه از ادامه ی رابطه ای استیجاری رضایت نداشته است، اجاره ی ماهیانه را به حساب صندوق دادگستری واریز می نماید. صاحب مغازه دوازده سال است این کرایه را نگرفته است.

بفرمایید:

۱) پس از پایان سه سال (سررسید اجاره)، بدون رضایت صاحب مغازه، تصاحب در آن شغل حلال است یا حرام؟

۲) آیا این تصرّف غاصبانه می باشد یا خیر؟

۳) آیا شرعاً مستأجر برای تخلیه مغازه حق درخواست سرقفلی یا پیشینه کسب از صاحب مغازه را دارد؟

۴) اگر پس از پایان مدّت اجاره، مستأجر وجهی به عنوان سرقفلی یا پیشینه کسب از شخصی که محل را با شرایط فوق الذکر به او اجاره داده بگیرد، حلال است یا حرام؟

۵) اگر مستأجر که مدت اجاره اش گذشته است، بدون رضایت صاحب مغازه، دکان را در اختیار فرد دیگری قرار دهد و مقداری سرمایه در اختیار او قرار دهد که کاسبی کند (مستأجر اوّلی مدت اجاره اش تمام شده و در مغازه حضور ندارد) آیا توقّفش در آن

محل حرام و غصبی است؟

۶) اگر مالک رضایت نداشت و مستأجر پس از پایان سررسید اجاره، مغازه را خالی نکرد و مالک به دادگستری شکایت کرد و دادگستری بر اساس قوانین، حکم داد که مستأجر در مغازه بماند، آیا این توقّف در مغازه بدون رضایت مالک حرام و توقّفش غصبی است؟

ج. اگر پولی نگرفته و مدّت اجاره سرآمده، مالک حق دارد درخواست تخلیه کند.

فسخ اجاره توسط مستأجر

۴۳۴۶. شخصی منزلی را برای مدت معینی اجاره کرده است، ولی بعد از گذشت مدتی، آن را فسخ نموده است، آیا فسخ اجاره توسط او صحیح است؟

آیا موجر مستحق دریافت اجاره ی روزهای قبل از فسخ هست؟

ج. فسخ یک طرف اجاره صحیح نیست و موجر استحقاق دریافت اجاره ی روزهای قبل را دارد.

حق کمیسیون دلال های اجاره

۴۳۴۷. آیا دلال در برابر راهنمایی و همراهی کردن مشتری برای نشان دادن منزلی جهت اجاره یا فروش، حق مطالبه اجرت دارد؟

چنان چه شخصی در آن روز معامله انجام ندهد و بعد از چند روز دیگر شخصاً نزد مالک رود و معامله را انجام دهد، بدون اطلاع دلال، آیا در این صورت باز دلال حق اجرت گرفتن دارد؟

و اگر این کار برای فرار از پرداخت حق دلالی باشد، چه وجهی خواهد داشت؟

ج. دلال حق گرفتن حق الزحمه ای خود را دارد.

مخارج انجام شده در مورد اجاره

۴۳۴۸. اگر مستأجر از موجر بخواهد اصلاحات و تغییراتی در ملک و مال مورد اجاره ایجاد کند، مخارج آن بر عهده موجر است یا مستأجر؟

ج. مخارج آن بر عهده موجر است.

اجاره ی مال الاجاره به مبلغ بالاتر

۴۳۴۹. شخصی منزلی را اجاره می کند، سپس آن را با مبلغی بیشتر اجاره می دهد و رضایت صاحب خانه را نیز جلب می کند.

آیا این اجاره صحیح می باشد؟

ج. اگر صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آن استفاده نماید، مستأجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد و اگر شرط نکند، می تواند آن را با همان مبلغ اجاره به دیگری اجاره دهد. اما اگر بخواهد به زیادتر از مقداری که اجاره کرده اجاره دهد، باید در آن کاری مثل تعمیر و سفیدکاری انجام داده باشد یا به چیزی غیر از آنچه اجاره کرده، اجاره دهد مثلاً اگر در برابر پول اجاره کرده به گندم یا چیز دیگر اجاره دهد و در غیر این دو صورت اجاره به مقدار زیادتر جایز نیست، (جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۱۷۲۴ رساله مراجعه شود.)

احکام خیار در اجاره

۴۳۵۰. آیا تمام خیارات بیع در اجاره نیز جاری می شود؟

ج. غیر از خیار مجلس، حیوان و خیار تأخیر، بقیه خیارات در اجاره جاری است.

کارگر و کارمند

است خدام نابالغ

۴۳۵۱. آیا جایز است انسان کودک نابالغی را اجیر کند و به عنوان کارگر است خدام نماید؟

تکلیف حقوقی که به او می دهد چیست؟

ج. اگر اجیر کردن او و حقوق دادن به او با اذن ولی او باشد، جایز است.

اجرت افراد کم عقل

۴۳۵۲. فردی ناقص العقل در منزل اقوام خود بعضی از کارهای آنها را انجام می دهد، آیا مستحق اجرت است؟

ج. در صورتی که با اجازه ولی او باشد، اشکالی ندارد و مستحق اجرت است.

برداشتن مبلغ بیشتر از اجرت خود

۴۳۵۳. شخصی به عنوان «طرح کاد» در جایی کار می کرد و صاحب مغازه بدون این که تعیین کند گفته بود مبلغی به تو مزد می دهم، ولی شاگرد راضی نشده و بدون اجازه مبلغ بیشتری برداشته است، حکمش چیست؟

ج. ضامن مبلغ اضافی از اجرت المثل است و باید آن را به صاحب مغازه برگرداند.

جنس به جای مزد کارگر

۴۳۵۴. آیا مدیر عامل کارخانه دولتی می تواند از محصولات کارخانه به جای مزد به فردی پرداخت نماید؟

ج. مدیر باید طبق مقررات آن کارخانه رفتار کند.

کنترات ساختمان

۴۳۵۵. اگر بنّایی اجیر شود که ساختمانی را بسازد، آیا می تواند فرد دیگری را به مبلغی کمتر برای اتمام آن ساختمان اجیر نماید؟

ج. جایز نیست، مگر این که بخشی از کار را انجام داده باشد.

(مسأله ی ۱۷۲۵ رساله و نیز ۱۷۵۸.)

کار بنّای جُنُب در مسجد

۴۳۵۶. بناییست که برای کار بنایی وارد مسجد می شود، در حالی که جنب بوده است، اجرت وی چه حکمی دارد؟

ج. اجرت او حرام نیست، هر چند بودن او در مسجد حرام بوده است.

قوانین اداره کار

۴۳۵۷. آیا کارفرماها و کارگران باید در حال حاضر تابع قوانین اداره کار باشند؟ یا می توانند بدون توجه به قوانین بین خود توافقاتی داشته باشند؟

ج. شرعاً می توانند به صورت توافقی عمل کنند.

امتناع صاحب کار از پرداخت مزایای کارگر

۴۳۵۸. اگر شرکت های خصوصی و دولتی از پرداخت بعضی امتیازات مالی و مزایای کارگران مشمول قانون کار خود داری کنند، تکلیف چیست؟

ج. اگر اجرت مقرره ی آنها را بدهند، مانعی ندارد.

کم کاری بنا در اتمام کار

۴۳۵۹. اگر کسی کار ساختمانی را به بنایی بدهد که بعد از انجام مقداری از کار به دنبال کار دیگری برود و به دنبال منافع خود باشد و دنباله کار را به هر بهانه ای عقب بیندازد، آیا صاحب کار می تواند فسخ کند یا خیر؟

ج. اگر شرط مدت معینی را کرده یا صاحب کار به این صورت ضرر می کند، حق فسخ دارد.

عمل حرام اجیر

۴۳۶۰. اگر کسی اجیر شده باشد که قرآن بخواند، اما در کنار آن کار حرامی را انجام دهد - مثلاً بدون وضو و عمداً دست به قرآن بزند - آیا این عمل وی موجب فساد معامله می شود یا خیر؟

ج. صحت اجاره بدون اشکال است، لکن او عمل حرامی انجام داده است.

اجیر مغبون

۴۳۶۱. آیا اجیر مغبون که با جهل به اجرت به کمتر از آن اجیر شده، حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟ و آیا کارفرما حقوق گذشته او را مدیون است یا خیر؟

ج. بله، حق فسخ را دارد و مستحق حقوق گذشته اش می باشد.

بالا رفتن حق العمل

۴۳۶۲. اگر کسی قرارداد عملی را با شخصی در مدت معینی منعقد نماید که مثلاً ظرف چند ماه یا چند هفته یا روز انجام دهد و اجرت هم معین شده باشد ولی بعد به جهاتی حق العمل در بازار بالا رود، آیا اجیر می تواند بیش از مقدار معین شده را طلب کند یا خیر؟

ج. خیر، نمی تواند.

غیبت کارمندان از کار

۴۳۶۳. کارمندان دولت که در ساعاتی از روز یا تمام روز را به علت مشخصی در سر کار حاضر نمی شوند و مسؤولان هم برای آنها غیبت نمی زنند، آیا مستحق اجرت آن روز یا ساعت می باشند یا خیر؟ و اگر مسؤول فقط بگوید مسؤولیت شرعی به عهده کارمندان یا کارگران است و دیگر غیبت نزند، از ایشان سلب مسؤولیت شده است؟

ج. باید طبق مقررات با آنها رفتار شود.

کم کردن حق بازنشستگی از حقوق کارمندان

۴۳۶۴. آیا برداشت دولت از حقوق کارمندان جهت بازنشستگی بدون رضایت کارمندان، جایز است؟

ج. اگر شرطی از ابتدا نیست، جایز نیست.

اتلاف وقت کارمندان دولت

۴۳۶۵. در صورتی که کارمندی برای ساعت مشخصی در روز است خدام شود، اگر در آن ساعت ها مشغول مطالعه شود یا بدون اشتغال خاصّی بی کار بماند، آیا در قبال آن ساعات می تواند حقوق دریافت نماید؟

ج. اگر کاری که باید انجام شود ترک می کند، جایز نیست.

اضافه کاری

۴۳۶۶. برخی از کارمندان وظایف محوله خود را در ساعات اداری انجام نداده و بعد از ساعت اداری به آن می پردازند و در قبال آن اضافه حقوق دریافت می دارند، آیا این عمل جایز است؟

ج. جایز نیست.

صورت صحیح اجاره و رهن

۴۳۶۷. اجاره و رهن صحیح را با مثالی توضیح فرمایید.

ج. اگر ضمن اجاره شرط شود که پولی به عنوان قرض یا غیر آن به صاحب خانه داده شود، صحیح است.

تصرف موجر در رهن

۴۳۶۸. آیا موجر می تواند از مبلغی که به عنوان رهن گرفته است، استفاده کند؟

ج. چون مقصود از عنوان رهن همان قرض است، لذا موجر می تواند از آن استفاده کند.

رهن بدون اجاره

۴۳۶۹. آیا رهن تنها، بدون این که اجاره داده شود - مثل این که یک میلیون تومان به صاحب خانه بدهیم و آن را به مدّت یک سال رهن کنیم - صحیح است؟

ج. اگر رهن شرعی باشد که وثیقه ی دین و بدهکاری است، برای فروش آن در صورت عدم وصول، مانع ندارد؛ ولی در رهن، راهن و مرتهن از تصرّف ممنوع هستند مگر با اذن دیگری و آن چه مرسوم است که اسم آن را رهن می گذارند، واقعاً رهن نیست و چنان چه ضمن قرض شرط شود، ربا و حرام و باطل است؛ ولی می توانید منزل را به مبلغ کمی اجاره نمایید و ضمن اجاره شرط کنید که یک میلیون قرض به صاحب خانه دهید، که در این صورت بی اشکال است.

دادن ودیعه به موجر

۴۳۷۰. مرسوم است هنگام اجاره کردن مسکن یا مغازه ای، مستأجر مبلغی به عنوان ودیعه به موجر می پردازد که به نسبت مبلغ ودیعه از اجاره ی کامل مسکن کم می شود، این گونه معامله چه صورت خواهد داشت؟

ج. اگر ضمن اجاره شرط قرض یا ودیعه شده، اشکال ندارد. (مسأله ی ۱۸۳۴ رساله.)

سرقفلی

۴۳۷۱. چه راهی برای تصحیح معامله سرقفلی وجود دارد و گرفتن سرقفلی به چه نحوی حرام خواهد بود؟

ج. می شود ضمن عقد اجاره آن را شرط کنند.

تعیین اجاره بها در صورت خرید سرقفلی

۴۳۷۲. در صورت خرید سرقفلی مغازه، اجاره آن باید به چه صورتی انجام گیرد؟ آیا مبلغ اجاره را باید مطابق قانون تعیین نمود یا در دست صاحب ملک است؟

ج. دست صاحب ملك است.

ادعای سرقفلی مستأجر

۴۳۷۳. مغازه و ساختمانی را به عنوان امانت به کسی دادم و برای تحویل آن مدتی معین نشده و چون آن ملك برای وی منافعی داشت، ماهیانه مبلغی را پرداخت می کرد، اکنون ادعای مالکیت دارد و تقاضای سرقفلی نموده است، لطفاً وظیفه ما را بیان فرمایید؟

ج. ادعای مالکیت او یا تقاضای سرقفلی اعتباری ندارد.

سرقفلی فروخته شده

۴۳۷۴. اگر فردی خانه ای را خریداری نماید که مغازه تجاری آن در اجاره شخص دیگری باشد و مالك، سرقفلی آن را به مستأجر فروخته و مستأجر هم آن را به شخص دیگری فروخته باشد، در صورت پایان مدت اجاره و درخواست تخلیه مغازه، عوض سرقفلی را چه کسی باید بپردازد؟ مالك سابق یا مستأجر قبلی یا خریدار خانه؟

ج. اگر خریدار مطلع بوده که قهراً در نحوه ی خرید ملاحظه کرده است و باید خودش بپردازد و اگر مطلع نبوده، مالك سابق باید بپردازد، با فرض این که در ثمن، فروش ملاحظه نشده است.

معامله سرقفلی

۴۳۷۵. مستأجری سرقفلی مغازه ای را بدون آن که در قرارداد قید شود که مستأجر حق واگذاری آن را بدون اطلاع مالکین ندارد، آن را معامله کرده است، آیا معامله او جایز بوده است؟

ج. ظاهراً اشکال ندارد.

سرقفلی و اجاره

۴۳۷۶. شخصی سی سال قبل از مالکی مغازه ای به عنوان اجاره تقاضا می کند.

مالک می گوید:

اگر بتوانید مستأجری که فعلاً در مغازه است را راضی کنید، به شما اجاره می دهم. متقاضی مبلغ هفت هزار تومان به مستأجر سابق داده و کلید و مغازه را تحویل می گیرد و با اجازه مالک، کل ساختمان را تجدید بنا و هر سه سال اجاره را مطابق معمول و رضایت مالک می پردازد. آیا سرقفلی این مغازه پس از سی سال مربوط به مستأجر فعلی می باشد؟

ج. اگر ضمن عقد اجاره، شرطی که موجب حقی برای او شود صورت نگرفته، مثل این که بعداً هم به او اجاره دهد سرقفلی ندارد، ولی برای تعمیر ساختمان حق دارد.

ادعای سرقفلی از سوی مستأجر

۴۳۷۷. حدود سی سال قبل موجر به مستأجر گفته است:

ملک را به تو اجاره می دهم، اگر مستأجر قبلی را برای بیرون رفتن حاضر کنی و او هم مبلغی به مستأجر اولی داده و او رفته و مستأجر دوم در طول چند سال ملک را اجاره کرده و مال الاجاره را مرتّب داده است.

حالا که می خواهد ملک را تخلیه کند، ادّعای سرقفلی می کند، آیا مستأجر دوّم دارای حق سرقفلی است؟

ج. چون در اجاره ی اولی و دومی صحبتی از سرقفلی نبوده و منشیی برای آن نیست، مستأجر دومی استحقاق سرقفلی ندارد.

اضافه کردن اجاره پس از واگذاری سرقفلی

۴۳۷۸. سرقفلی مغازه ای را شخصی چند سال پیش به دیگران واگذار نموده و اجاره ای که به مالک می پردازند از نرخ روز بسیار کمتر است، آیا مالک می تواند مقدار اجاره را زیاد کند؟

ج. بله، در اوّل اجاره می تواند مقدار اجاره را زیاد نماید.

واگذاری سرقفلی

۴۳۷۹. اگر سرقفلی مغازه ای را با اجاره ی معیّن و بدون تعیین مدّت اجاره به صورت جداگانه خریداری نمایند. پس از گذشت یک ماه و پرداخت اجاره، آیا می تواند آن سرقفلی را به قیمت روز به دیگری واگذار نماید، در حالی که در اجاره نامه شرط شده که واگذاری مغازه باید با رضایت مالک باشد؟

ج. با فرض این که فروش سرقفلی و اجاره، مستقل و جدای از هم بوده اند، بر فرض بطلان اجاره، ضرری به صحّت فروش

سرقفلی اگر به نحو شرعی صورت گرفته باشد، نمی زند و در این صورت مالك عین، ثانیاً حق ندارد سرقفلی را بفروشد و مشتری سرقفلی هم برای واگذاری به غیر باید رضایت مالك را تحصیل نماید و چون اجاره ی ماهانه برای حد اقل زمان - كه یك ماه باشد - معیّن بوده، اجاره محقّق شده است.

سر آمدن اجاره ی مغازه های سرقفلی

۴۳۸۰. ۱) دكان هایی واقع در پاساژی با پرداخت سرقفلی بدون شرط ضمن عقد اجاره داده شده و مدّت اجاره ی آنها منقضی گردیده، چنان چه اجرت المثل آنها به میزان اجاره ی دكان های مشابه آن محل مطالبه شود، چه حكمی دارد؟

۲) با فرض مسأله ی فوق آیا ادّعای مستأجر به این كه من اجاره ی خودم را مثل دكان های دیگری كه خارج از این مجموعه است می پردازم، با عدم رضایت مالك چه حكمی دارد؟

ج. بعد از مدّت اجاره، تعیین مال الاجاره موقوف به رضایت و تفاهم طرفین است مگر این كه شرطی در بین باشد.

۴۳۸۱. با عنایت به مسأله ی فوق ادامه ی تصرّفات مستأجر در محل مورد اجاره بدون جلب رضایت مالك، چه صورتی دارد؟

ج. بعد از انقضای مدّتِ اجاره، تصرّف در عین مورد اجاره موقوف به رضایت مالك

است.

مطالبه ی سرقفلی از سوی مالک

۴۳۸۲. شخصی سرقفلی مغازه ای را همراه با مبلغ معینی اجاره نموده اما مالک هر از چند وقت اجاره را بیشتر از مغازه های مجاور بالا می برد، در حال حاضر، آیا مستأجر می تواند سرقفلی مغازه را به فرد دیگر بفروشد و اگر مالک درصدی از چیزی که مستأجر به عنوان سرقفلی می گیرد را مطالبه نماید، چه وجهی خواهد داشت؟

ج. مثل سایر موارد فروش سرقفلی است، مالک نمی تواند وجهی درخواست کند، مگر شرطی از سابق بوده باشد.

رابطه استحقاق سرقفلی و استفاده از ملک

۴۳۸۳. آیا مجرد استحقاق مطالبه عوض سرقفلی هنگام تخلیه منزل یا مغازه، برای جواز استمرار تصرف در آن مکان بعد از پایان مدّت اجاره کافیست یا خیر؟ بر فرض ماندن مستأجر در آن مکان غصبی، آیا درآمدی که از آنجا به دست می آید شرعاً حلال است؟

ج. تابع اینست که به چه نحوی مستحق مطالبه سرقفلیست و در هر صورت اجرت المثل منافع بر عهده اوست.

چک بی محل به عنوان سرقفلی

۴۳۸۴. آیا مجرد عدم موجودی در حساب صاحب چک که آن را در برابر سرقفلی داده، موجب بطلان معامله می شود یا خیر؟

ج. خیر.

حق سرقفلی پس از مرگ موجر

۴۳۸۵. اگر منزلی یا مغازه ای را صاحب آن به نام یکی از فرزندان خود بکند، بعد از مرگ پدر آیا وارث دیگر در حق سرقفلی شریک هستند و یا سرقفلی این مکان ها متعلق به مالک آنهاست؟

ج. متعلق به مالک آنها است.

کرایه اتومبیل

۴۳۸۶. اگر فردی اتومبیلی را اجاره نموده و با آن مسافرکشی کند، آیا درآمد حاصله به او تعلق دارد یا صاحب اتومبیل؟

ج. به مستأجر تعلق دارد.

مسافر دربستی

۴۳۸۷. اگر کسی اتومبیلی را دربست کرایه نماید، در صورتی که راننده بین راه مسافری سوار کند، کرایه دریافتی از مسافر متعلق به راننده است یا از مبلغ کرایه کم می شود؟ در صورت تقاضای خود مسافر برای سوار کردن مسافرین دیگر حکم کرایه های آنان چیست؟

ج. اگر اجاره ی کامل راننده و اتومبیل نکرده، پس کرایه ی دریافتی متعلق به راننده است و چون دربستی، به منزله ی شرط مسافر سوار نکردن است؛ لذا مستأجر حق فسخ اجاره را دارد و اجرت المثل می پردازد.

۴۳۸۸. در صورت کرایه خودرو برای مقصد مشخص آیا تبیین جزئیات مسیر مثل داخل کوچه بودن و یا خاکی بودن جاده و ... لازم است؟

در صورت مشخص نکردن آن، آیا راننده حق دریافت وجه اضافی را دارد؟

ج. اگر تبیین جزئیات در تعیین مبلغ اجاره دخالت دارد، باید آنها را تبیین کند و اگر حد متعارفی دارد، در زاید بر آن، راننده حق دریافت مبلغ اضافی را دارد.

تاکسی تلفنی

۴۳۸۹. آیا گرفتن مبلغ بیشتر از تعرفه های تاکسی تلفنی یا مبلغ تاکسی متر از مسافر توسط رانندگان تاکسی جایز است؟

در صورتی که مسافر مبنی بر قیمت های مصوب سوار شده باشد، حکم آن چیست؟

ج. بر هر مبلغی که از اوّل توافق کرده اند، همان لازم است و اگر نامی از آن مبلغ برده نشده، اجرت متعارف است.

اجاره پلاک تاکسی و ...

۴۳۹۰. آیا اشخاص می توانند مواردی مثل پلاک تاکسی یا جواز کسب خود (در کارهای دیگر) را به دیگران اجاره دهند؟

ج. مانعی ندارد.

حق شیردهی

۴۳۹۱. آیا مادر بعد از این که بچه را شیر داده و او را بزرگ نموده، بعد از مدتی می تواند ادعای حق شیر کند؟

ج. چون ظاهر امر - با عدم ادعا در زمان شیر دادن - شیر دادن مجانی است، زن بعداً حق ادّعا ندارد.

شیر دادن زن به بچه های دیگر

۴۳۹۲. اگر زنی در مقابل شیری که به فرزند دیگری می دهد پولی دریافت کند مالک آن پول می شود؟ آیا در این کار رضایت شوهر لازم است؟

ج. خود او مالك آن پول است و در صورتی که حق شوهر از بين نرود، لازم نيست از شوهر خود اجازه بگيرد.

احکام رهن

قرار دادن چک به عنوان وثيقه

۴۳۹۳. با توجّه به اين که رهن بايد عين معيّن باشد، آيا می توان سند يا چك و نظير آن را به طور مستقل و بدون قرارداد نزد بانك يا کسی که از او وام گرفته شده به عنوان وثيقه قرارداد؟

ج. در موردی که اسناد ذکر شده ارزش دارند، چنان چه ممکن باشد که طلب کار، وقت تخلّف بدهکار از ادای بدهی، از آن سند طلبش را استيفا نمايد، صدق وثيقه می کند و موارد مذکور عين معيّن هم هست و می توان آن را رهن قرارداد.

فروش شیء رهنی

۴۳۹۴. اگر اشيای منقول را در برابر پولی که قرض گرفته گرو بگذارد، در صورت تأخير بدهی، آيا می توان آن شیء منقول را فروخت و دين را از آن برداشت نمود؟

ج. اگر وقت بدهی تمام شد و بدهکار بدهی خود را با وجود مطالبه طلب کار نداد، چنان چه طلب کار از طرف بدهکار، در فروش آنچه گرو گذاشته شده باشد وکيل می تواند اقدام به فروش آن کند و اگر وکيل نبود بايد به حاکم شرع مراجعه کرده و حاکم شرع به هر صورت که صلاح بداند در مورد فروش گرو اقدام می کند و اگر طلب کار به حاکم شرع دسترسی ندارد و يا دسترسی به او مشکل است و يا محذور ديگری در کار است، به مؤمن عادل مراجعه کرده و اين کار به وسيله او انجام می گيرد.

البته در صورتی که جايز باشد طلب کار گرو را بفروشد، بايد به مقدار طلبش اکتفا نمايد و اگر وصول طلبش متوقف بر فروختن تمام آن باشد، در صورتی که بعد از فروش، مبلغ حاصله زيادتر از طلبش باشد، مقدار زيادی را به

صورت امانت نزد خود نگه می دارد.

غیبت راهن

۴۳۹۵. کسی زمینی را رهن گذاشته و قرض گرفته و سر موعد قرض را ادا نکرده است و اکنون دسترسی به او نیست. آیا مرتهن می تواند زمین را بفروشد یا صلح کند؟

ج. اگر امکان تفحّص و جستجو نیست، حاکم شرع ولی فرد غایب است که به مقدار دین آن یا تمامش را می فروشد و سهم راهن را نگه می دارد.

فروختن مال مرهون برای گرفتن طلب

۴۳۹۶. اگر مال مرهونه از مستثنیات دین باشد - مانند خانه مسکونی - آیا با سایر اموال از جهت این که مرتهن می تواند با شرایطش آن را بفروشد و به عوض دین آن را بردارد، تفاوت دارد؟

ج. اگر راهن در موعد مقرر دین را نپرداخت، مرتهن می تواند با شرایطش آن را بفروشد و به عوض دینش آن را بردارد، ولی در اطلاق جواز رهن آن و فروش آن تأمّل است.

گرفتن سند به عنوان رهن

۴۳۹۷. آیا در گرفتن عین رهنی، همین مقدار که در این زمان مرسوم است یعنی سند را از طریق اداره ی ثبت اسناد توقیف می کنند کافی است؟

ج. قبض مرهونه با سایر موارد قبض فرقی نمی کند و میزان صدق عرفی قبض در هر چیز به تناسب آن است، به طوری که موجب استیلای شخص بر شیء بدون مزاحم باشد که - مثلاً در رهن - بتواند استیفای دین خود در صورت امتناع مدیون از آن بنماید.

رهن گذاشتن مال مرهون

۴۳۹۸. آیا راهن می تواند مالی را که به رهن گذاشته، قبل از آزاد شدن از رهن، نزد شخص دیگری در قبال بدهی خود به رهن بگذارد؟

ج. خیر، نمی تواند.

پول پیش از اجاره

۴۳۹۹. آیا پول پیشی که بابت منزل از مستأجر گرفته می شود اشکال دارد؟

ج. در صورتی که ضمن اجاره، شرط قرض کرده باشد و معامله متعارف باشد، اشکالی ندارد.

رهن منزل

۴۴۰۰. ساختمانی را به یک میلیون تومان به مدت یک سال، بدون اجاره رهن می کنند جایز است یا خیر؟

ج. بایـد در برابر اجاره ی انـدکی، شـرط شود که مسـتأجر مبلغ یک میلیون تومان به موجر پرداخت نمایـد، که در این صورت اجاره بدون اشکال است.

احکام صلح

تفاوت جنس مورد معامله با جنس تحویلی

۴۴۰۱. شخصی از دیگری پنجاه ۵۰ کیلوگرم بذر پیاز قرمز خریده و پس از زرع و کشت آن معلوم شده که فروشنده - عمداً یا جهلاً، بذر پیاز سفید به او داده بوده است، آنچه داده، غیر از آن چیزیست که معامله بر آن واقع شده است و مبیع هم کلی بوده است.

حکم معامله چیست؟

ج. مشتری می تواند معامله بر بذر پیاز سفید را امضا کند و بر تفاوت قیمت بذر قرمز و بذر سفید با فروشنده مصالحه کند.

مصالحه تمام اموال قبل از مرگ

۴۴۰۲. فردی پس از آن که اموال خود را به کسـی صلح نمود، فوت می کند، آیا مفاد صلح به حال خود باقیست یا تنفیذ ورثه ی او لازم است؟

ج. اگر امر صلح به صورت صحیح تمام شده است، تنفیذ ورثه لازم ندارد.

۴۴۰۳. فردی مالی را به دیگری صلح کرده است که تمام منافع آن تا زمان حیاتش برای صلح کننده باشد و حق فسخ نیز داشته باشد و پس از مرگش، آن را خرج نماز و روزه و حج برای او کنند.

آیا چنین مصالحه ای صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست؛ مگر اینکه مال دیگری را در عوض این عمل با او مصالحه کند در مقابل آن که در مال اوّلی آن گونه رفتار کند.

احکام مضاربه

شرط کردن خسارت بر عامل مضاربه

۴۴۰۴. هرگاه در مضاربه که به مقتضای اطلاق آن، خسارت به عهده مالك است، مالك شرط کند که خسارت به عهده عامل باشد، شرط صحیح است یا نه؟

ج. چنان چه شرط کند که عامل تمام خسارت یا مقداری از آن را به عهده گیرد، اظهر صحت شرط است.

(مسأله ی ۱۷۰۰ رساله)

مضاربه با پول رایج

۴۴۰۵. آیا در شرایط فعلی که سکّه های طلا و نقره در ایران رایج نیست، با پول رایج، مضاربه را تجویز می فرمایید؟

ج. بنا بر اقرب، مضاربه با پول رایج هر زمان، مثل اسکناس، که معمولاً در مقابل جنس پرداخت می شود، جایز است.

(مسأله ی ۱۶۹۹)

ودیعه گذاردن پول و دریافت هدیه

۴۴۰۶. شخصی مقداری از پول خود را در یکی از شعب بانکی و یا پیش کسی به عنوان ودیعه می گذارد و اجازه ی تصرّف را به او می دهد. او نیز در هر ماه و یا دو ماه، مبلغی را به صاحب پول به عنوان تشکّر و یا هر عنوان بدون شرط قبلی می پردازد، دادن و گرفتن این مبلغ به نظر حضرت عالی چگونه است؟

ج. اگر به عنوان هدیه و بخشش باشد، مانعی ندارد.

سرقت پول در دست مأمور خرید

۴۴۰۷. شخصی مبلغی را از کسی می گیرد تا جنسی بخرد و سود آن بین طرفین به شراکت نصف به نصف تقسیم شود. در حال خرید جنس، مبلغ مزبور به سرقت می رود، آیا شخص مذکور ضامن پول است؟

ج. اگر خود سرمایه ای نداشته و به عنوان عامل کار می کرده، عامل امین بوده و در غیر صورت افراط و تفریط، ضامن نیست و اگر خود سرمایه ای داشته و به شراکت کار می کرده، در سود و زیان و خسارت، هر دو سهیم هستند.

سود مضاربه

۴۴۰۸. نظر حضرت عالی در مورد سود مضاربه ای که انسان می گیرد، چیست؟

ج. اگر مضاربه با شرایط آن باشد، سود آن حلال است.

سود فروشگاه های دولتی

۴۴۰۹. فروشگاه هایی که از طرف دولت باز شده و مردم هم سپرده ای می گذارند و دولت متضمّن به پرداخت ۲۰ درصد سود در سال می شود، چه حکمی دارد؟

ج. در فرض مسأله، اگر منظور ۲۰ درصد سود است نه سرمایه، اشکالی نیست. با تحقّق شرایط مضاربه که در رساله آمده است.

پول دادن به مغازه دار جهت کار

۴۴۱۰. شخصی مبلغی را به مغازه داری داده و او را وکیل نموده که در این پول تصرّف و معامله نماید و هر چه سود داشت نصف آن را به او بدهد و مدّت هم برای او معیّن کرده و علی الحساب سه قطعه چک به مبلغ معیّن به عنوان قرض از او گرفته تا پایان قرارداد که هر چه سود داشت نصف سود را به این مبلغ ها که در چک است مصالحه کنند، آیا این سود حلال است یا خیر؟ و اگر ضرر نمودند ضرر را چه کسی باید بپردازد؟ و چنان چه ضرر را کلاً مغازه دار تقبّل نموده باشد، آیا این معامله صحیح است؟

ج. در اصل معامله اشکال نیست؛ ولی در قرض مزبور و اشتراط، تأمّل است.

اگر در پایان مدّت با هم مصالحه کنند، مانع ندارد و ضرر بر صاحب مال است و اشتراط جبران ضرر بر دیگری صحیح است.

کار نکردن عامل با سرمایه

۴۴۱۱. شخصی با دیگری عقد مضاربه بسته و سرمایه را به او داده و از او سود می گرفته است، بعداً معلوم شده که عامل با سرمایه کار نمی کرده و به دیگران قرض های ربوی می داده و از محل دریافت ربا، سود وی را پرداخت کرده و این سودها از مال مردم بوده است، در این صورت مالک چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید مالک اصل پولش را از او بگیرد و سودهایی را هم که گرفته، اگر صاحب آن معلوم است، به صاحبش برگرداند وگرنه آنها را صدقه بدهد.

دایره ی شمول مضاربه

۴۴۱۲. آیا مضاربه مختص تجارت در کلیات است یا تجارت در جزئیات را هم شامل می شود؟

ج. تکسّبات جزئیه را هم شامل می شود.

نحوه ی تعیین درصد سود

۴۴۱۳. در مضاربه عامل می خواهد در مدت پنج سال، ۲۰ درصد و در مدت کمتر، ۱۰ درصد سود بدهد. بفرمایید چگونه درصد سود را مشخّص کند که مبتلا به خلاف شرع نشود؟

ج. می توانـد این گونه قرار بگذارد که اوّل ۱۰ درصد سود را مشخّص کند و بگوید اگر در پنج سالگی مطالبه کرد، سود ۲۰ درصد را می دهم.

قرار دادن پول در اختیار تاجر و تعیین سود

۴۴۱۴. مبلغی پول در اختیار تاجری گذاشته می شود. او می گوید:

۴ درصد سود از این پول عاید شما می شود. من هم قبول می کنم که در امر تجارت آن پول را به جریان اندازد.

آیا سود حاصل به این گونه مشروع است؟

ج. اگر منظور از ۴ درصد، نسبت از پولیست که داده شده، این قرارداد صحیح نیست و ربا است، بلکه باید درصد، نسبت به سود ملاحظه شود. البته در صورت اوّل اگر هنگام پرداخت سود نسبت به تقسیم سود با هم مصالحه کنند، بی اشکال است.

برداشتن سود توسط واسطه ها در عقد مضاربه

۴۴۱۵. بنـده پول از مردم می گیرم تا کار کنم اما تا با این پول کار شود، سه واسطه می گردد تا به شخص اصلی که سرمایه گذاری می کند می رسد و ما واسطه ها مقداری از سود حاصله را بر می داریم و بقیه را به مردم می دهیم، آیا این کار صحیح است؟

ج. عامل می توانـد با اجازه مالک با عاملی دیگر مضاربه کنـد، خواه به این صورت که دومی را عامل مالک قرار دهـد و خود کنار برود، یعنی مضاربه اوّل را فسخ نموده و به عنوان وکیل مالک، مضاربه دوم را برقرار کند، خواه دومی را عامل خود قرار دهـد که در صورت دوم اگر مثلاً نصف سود سهم او بوده، برای عامل دوم نسبت معینی از این نصف را قرار دهـد، بنا بر این عامل دوم حسابش با عامل اوّل است نه با مالک.

عدم تعیین سود در عقد مضاربه

۴۴۱۶. آیا اگر در مضاربه سهم سود منافع طرفین معین نگردد و بعداً با توافق معین شود، جایز است؟

ج. جایز نیست.

ادعای ضرر توسط عامل

۴۴۱۷. اگر وکیل یا ولی صغیر قسمتی از اموال آنها را به عنوان مال المضاربه به شخصی داده و شخص مذکور کلاه بردار بوده و بعـد از دو سـال می گویـد ضـرر کرده ام و نه اصـل پـول را می دهـد و نه سود آن را، آیـا وکیـل و یـا ولی صـغیر می تواند خسارت وارده را از آن شخص بگیرد؟ یا فقط اصل مال را می توانند بگیرند؟

ج. اگر واقعاً سودی حاصل نشده، فقط اصل مال را می تواند بگیرند.

چگونگی عقد مضاربه در صورت عدم امکان حساب کردن سود آن

۴۴۱۸. در مضاربه اگر تا حدود چند ماه یا یک سال نشود سود آن را حساب کرد تا به صورت نسبت کسری تقسیم شود، در این مدت چه باید کرد؟ و قرارداد را باید چگونه بست؟

ج. تعیین مدت در مضاربه، بنا بر توضیحی که در مسأله ی ۱۶۹۸ رساله آمده است، مانعی ندارد و در فرض سؤال اگر حسابرسی ممکن نیست یا مشکل دارد، می توانند پس از حصول مقداری سود، مصالحه کنند.

پرداخت سود در مضاربه بدون تجارت

۴۴۱۹. اگر انسان بعد از چند سال بفهمد طرف مضاربه بدون تجارت درصد معینی سود پرداخت کرده است و احتمال ورشکستگی وی به همین علت بوده است، آیا لازم است سودهایی را که گرفته است برگرداند؟

ج. به عنوان مضاربه مالک آنها نشده است.

معاطات در مضاربه

۴۴۲۰. آیا در مضاربه احکام معاطات جریان دارد؟

ج. بله، جریان دارد.

پرورش دام

۴۴۲۱. اگر کسی تعدادی دام را برای پروار کردن به فردی بدهد و پس از اتمام مدت قرارداد سرمایه را جدا کرده و اضافه بر آن را تقسیم کنند، آیا عمل آنان مضاربه محسوب می شود؟

ج. خیر، مضاربه نیست.

مصالحه سود احتمالی

۴۴۲۲. آیا در مضاربه می توان قبل از به دست آوردن سود، سود احتمالی را مصالحه کرد؟

ج. خیر، نمی توان.

مضاربه با شرط ضمان عامل در صورت ضرر

۴۴۲۳. کسی که پول را به کسی می دهد تا کار کند و هر چه سود کرد نصف آن را به مالک بدهد و ضمن مضاربه شرط می کند که اگر تلف یا خسارتی متوجه سرمایه شد، عامل ضامن باشد که از مال خودش جبران کند، اشکال دارد؟

ج. اظهر، صحت شرط است.

تجارت در مضاربه

۴۴۲۴. آیا لازم است مضاربه بر اساس تجارت باشد یا اگر پولی به صنعتگر، کشاورز و یا ساختمان ساز داده شود تا در حرفه خود مصرف کنند و فایده آن بین هر دو طرف باشد، صحیح است؟

ج. مضاربه فقط در تجارت جریان دارد.

انواع توافق نامه های تجاری

۴۴۲۵. مستدعیست صورت شرعیّه ی حالات پنج گانه ای که ذکر شده است را بفرمایید؟

حالت اوّل:

توافق می کنند آقای ... مبلغ ... تومان از آقای ... دریافت کند و با آن کار و تجارت نماید و در مقابل از منافع حاصله مبلغ ... تومان ماهیانه به صاحب پول بدهد، مشروط بر آن که کل منافع حاصله ی ماهیانه از سود پرداختی فوق کمتر نباشد و ضرر احتمالی وارده را عامل تقبّل نموده مدّت ... ماه.

حالت دوّم:

توافق گردید آقای ... مبلغ ... تومان وجه نقد از آقای ... دریافت و با آن کار و تجارت نماید و از صددرصد سود حاصله ماهیانه که عامل اعلان می کند مثلاً ۵۰ درصد به عامل و ۵۰ درصد به صاحب پول تَعَلُّق گیرد و ضرر وارده ی احتمالی را عامل تقبّل نمود مدّت ... سال.

حالت سوّم:

توافق گردید آقای ... مبلغ ... تومان وجه نقد از آقای ... دریافت و با آن کار و تجارت نماید.

چنان چه سود اعلان شده ماهی مثلاً بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تومان باشد، ۵۰ درصد عامل و ۵۰ درصد صاحب پول و اگر سود بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان باشد، ۳۰ درصد به عامل و ۷۰ درصد به صاحب پول و به همین ترتیب، عامل ضرر احتمالی را تقبّل نمود، مدّت ... ماه.

حالت چهارم:

توافق گردید آقای ... مبلغ ... تومان وجه نقد از آقای ... دریافت و

با آن، کار و تجارت نماید و ماهیانه مبلغ ... تومان از سود حاصله به صاحب پول پرداخت نماید و در پایان مدّت چنان چه از سود پیش بینی شده، مازادی باقی ماند مثلاً ۵۰ درصد به صاحب پول بدهد عامل ضرر احتمالی را قبول نمود مدّت ... ماه.

حالت پنجم:

توافق شد آقای ... مبلغ ... تومان از آقای ... دریافت و با آن کار و تجارت نماید و از سود حاصله ماهی ... تومان به صاحب پول بدهد و کلیّه ی ضرر وارده ی احتمالی را نیز عامل تقبّل کرد مدّت ... ماه.

ج. در فرض دوّم و سوّم اگر یکی را تعیین و فرض های دیگر را به صورت شرط قرار دهند، مضاربه صحیح است؛ ولی فرض اوّل و چهارم و پنجم خالی از اشکال نیست.

۴۴۲۶. قراردادی بین دو نفر یا دو سازمان و یا دو شرکت به شرح زیر تنظیم می گردد که اوّلاً سرمایه گذار و اصل سرمایه مشخّص است و ثانیاً مدّت قرارداد نیز مشخّص، ثالثاً سود پیش بینی شده توسّط گیرنده ی سرمایه ۶۰ درصد تضمین می گردد و مبلغ مذکور به عنوان افت سرمایه، هر ماه به سرمایه گذار تحویل می شود و رابعاً در مورد افت سرمایه، شرکت گیرنده ی سرمایه ماهیانه مبلغ یازده میلیون و پانصد هزار تومان به حساب جاری سرمایه گذار واریز می کند و خامساً سود سرمایه ی کلیّه ی درآمدهای حاصل از معاملات توسّط گیرنده ی سرمایه به غیر از افت سرمایه پس از مدّت مقرّر شش ماه توسّط گیرنده ی سرمایه با نظارت سرمایه گذار محاسبه و بلافاصله سرمایه گذار و عامل سرمایه به صورت ۵۰ درصد تقسیم می نمایند. متمنّی است، حکم این گونه معامله را

مرقوم فرمایید.

ج. خروج از ربا در معامله ی مذکور مشکل است.

۴۴۲۷. پولی به واسطه وکیل مالک، به صورت مضاربه در اختیار شخصی قرار می گیرد تا با آن کار نماید و سود حاصل به نسبت ۴۰ به ۶۰، بین مالک و عامل تقسیم شود. بعد از اتمام قرارداد، مالک پول مذکور را مطالبه می نماید، لکن ضمن تعلّل عامل در پرداخت آن، معلوم می گردد که عامل با آن کار نمی کرده و اصل پول را خرج کرده است.

۱) مبالغی که در طول مدت قرارداد توسط عامل به عنوان سهم حاصل از سود به مالک پرداخت شده و اکنون معلوم شد که عامل با اصل پول کار نمی کرده است، چه حکمی دارد؟

ج. طرفین مال یکدیگر را دارند.

۲) مالک به گمان این که عامل اصل پول را در موعد مقرر به او خواهد پرداخت، با شخص دیگری قرارداد مضاربه منعقد می کند، لکن با توجه به تعلّل و امتناع عامل از پرداخت آن، قرارداد جدید فسخ می شود و مالک تاکنون به جهت امتناع عامل متضرر گردیده است.

آیا می تواند چیزی به عنوان خسارت از عامل بگیرد؟

ج. نمی تواند.

۳) وکیل مالک که سهم مالک از سود را از عامل دریافت می کرد، بدون اطلاع طرفین در دو ماه آخر قرارداد به امید آن که عامل، سهم مالک را خواهد پرداخت، به جهت تأخیر عامل، از مال خودش مبلغی را به مالک می دهد. هنگامی که معلوم شد عامل با اصل پول کار نمی کرده است، آیا می توان مبلغی که وکیل پرداخت کرده است از عامل دریافت کرد؟

ج. از عامل نمی تواند و از مالک می تواند دریافت نماید.

۴۴۲۸. اگر شخصی مقداری مال یا پول به عنوان تجارت به فردی بدهد

و قرار بگذارد ماهیانه برای هر یک میلیون، پنجاه هزار تومان سود بگیرد، آیا این قرارداد به عنوان مضاربه صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست و ربا محسوب می شود.

مصالحه بر مبلغ معیّن

۴۴۲۹. تاجری از چند نفر مبالغی را در امر تجارت دریافت می کند.

آن وجوه را به کالایی می دهد و سپس آن کالا را با کالاهای دیگر معامله می کند.

در نتیجه ممکن است نوع معامله در مدّت کوتاه ثمر بخش نباشد و در این گونه موارد سود و ضرر به طور کامل مشخّص نمی شود. آیا اجازه می فرمایید در نظیر این مسأله، عامل و صاحب مال ماهیانه یا در چند ماه، سود را بر مبلغ معیّنی مصالحه نمایند و یکدیگر را راضی کنند؟

ج. اگر رضایت یکدیگر را حاصل کنند، مانع ندارد.

تعیین سود در مضاربه

۴۴۳۰. در عقد مضاربه (که باید نسبت درصد سود معیّن شود) اگر عامل یقین داشته باشد که سود سرمایه از فلان مبلغ کمتر نمی شود، لذا ماهانه مبلغ معیّنی را به جای نسبت سود مقرّر کند، آیا چنین مضاربه ای جایز است؟

در صورتی که پاسخ منفی باشد، نحوه صحیح معامله را بیان فرمایید.

ج. جایز نیست، در مضاربه باید به کسر تعیین شود، البته پس از عمل و استحقاق مالک آن کسر از سود را، می توانند آن را به مبلغی مصالحه کنند، نه از اوّل؛ مگر اینکه مالک در اوّل عامل را توکیل کند که هنگام پرداختِ حق مالک، عامل آن را به آن مبلغ، خودش مصالحه کند.

احکام شرکت

وعده ی شراکت و تخلّف از آن

۴۴۳۱. پسری که چندین سال متمادی در کشاورزی و کارگری، در زمین و خانه با پدر همکاری داشته و پدر وعده داده که در خانه و زمین، با هم شریک هستیم، حال خلف وعده کرده و می گوید:

شما شریک نیستی، حکم مسأله چیست و آیا پسر شرکت ندارد؟

ج. اگر با هم عقد شرکت یا نظیر آن بسته اند، حکم دو شریک را دارند و اگر فقط وعده بوده، پدر اجره المثل کارهای پسر را ضامن است.

شراکت با فردی که خمس نمی دهد

۴۴۳۲. مشارکت در تجارت با کسی که خمس اموالش را نمی دهد، چه حکمی دارد؟

ج. برای تصرف در آن مال باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

حق شراکت زن در اموال شوهر

۴۴۳۳. امروزه هنگام طلاق و جدایی زن و مرد می گویند:

«چون زن شریک زندگی بوده و مدّت طولانی در کنار مرد بوده، حق شرکت در تمام اموال و دارایی مرد دارد و نصف اموال را باید به او بدهند»، این شرکت شرعاً صحیح می باشد، آیا زن حق دارد نصف اموال مرد را مطالبه کند؟

ج. این شرکت شرعاً صحیح نیست و زن حق مطالبه ندارد.

شرکت چند نفر و عمران یک نفر

۴۴۳۴. زمین لم یزرعی به نحو مشاع، مال سه نفر است یکی از سه نفر قسمتی از آن را آباد کرده و بقیه ای آن، به صورت لم یزرع باقی است، آیا آن دو نفر دیگر از قسمت آباد شده با بودن قسمت آباد نشده سهمی دارند یا خیر؟ تکلیف این دو نفر نسبت به آبادکننده چیست؟

ج. با فرض مملوکیّت آن زمین برای آنها، شریک باید با اجازه ی شریک ها تصرّف در مال شرکت کند و اگر بدون اجازه تصرّف کند، در غیر نسبت سهم خودش، مثل تصرّف غاصب است و احکام آن را دارد.

فوت شریک و میزان پرداخت سهم او

۴۴۳۵. چند نفر با هم شریک شدند که تجارت کنند، یکی از آنها فوت می کند و سایر شرکا مقدار اموال شرکتی را تعیین کردند و مال، چندین برابر شده است و می خواهند شرکت را به هم بزنند، آیا باید به ورثه ی متوفّی سهم روز فوت پدرشان را بدهند یا روزی که شرکت به هم می خورد؟

ج. ورثه ی متوفّی، سهم روزی که شرکت به هم می خورد را می برند.

نحوه ی تقسیم ملک

۴۴۳۶. به نظر حضرت عالی نحوه ی تقسیم ملکی چگونه است؟

ج. در تقسیم شرعی – که مبتنی بر تعدیل سهام و ضوابط خاصّیست که در رساله های عملیه و کتب مربوطه ذکر شده است – باید طبق همان ضوابط، از جمله قرعه عمل شود، ولی اگر خودشان تراضی کنند و با هم صلح و مصالحه نمایند، احتیاجی به

آن مسائل نیست و به هر نحو صلح کردند، صحیح و نافذ است.

مال شراکت خمس و زکات

۴۴۳۷. این که در رساله بیان شده:

«اگر کسی با دیگری شریک است و خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد، برای تصرّف در آن مال باید از حاکم شرع اجازه بگیرد»، آیا همین حکم در زکات هم هست؟

ج. در این جهت بین خمس و زکات فرقی نیست و باید از حاکم شرع اجازه بگیرد، ولی بعد از افراز سهم الشّرکه خود و پرداخت زکات خود، تصرّف در مال خودش اشکالی ندارد.

تصرّف فضولی شریک و عدم رضایت دیگران

۴۴۳۸. چند نفر شریک، ملک و زمین خود را تقسیم می کنند، ولی بعضی از شرکا غایب بوده اند و از جانب آنها تقسیم فضولی می نمایند. پس از حضور غایبین، آنها اظهار می کنند به این تقسیم فضولی راضی نیستند. آیا آن بعض غایب حق دارند حصّه ی خود را با نفرهای حاضر دوباره تقسیم نمایند؟

ج. در فرض مزبور، غایب حق دارد تقسیم را قبول نکند.

گرفتن حق عضویت برای شراکت و حکم خمس آن

۴۴۳۹. شرکت تعاونی، قبل از آن که اجناسی بدهد، مبلغ ده هزار تومان به عنوان حق عضویّت می گیرد.

آیا شرعاً اشکالی ندارد و آیا به این مبلغ خمس تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر در ضمن معامله شرط شود که ده هزار تومان قرض یا ودیعه بگذارد و بعداً به صاحبش بر می گردد، اشکال ندارد و هر وقت آن را پس گرفت، خمس آن را بدهد.

نحوه ی تقسیم ملک مُشاع با فرض اختلاف اجزاء آن در قیمت

۴۴۴۰. آیا می توان هنگام تقسیم ملک مشاعی که قسمتی از آن مرغوب تر و باارزش تر از قسمت دیگر می باشد، تنها ملاحظه ی مساحت را نمود؟

ج. اگر طرفین راضی باشند و در تقسیم آن مصالحه واقع شود، اشکال ندارد و ممکن است تفاوت قیمت با پول یا زمین دیگر جبران شود.

دیوار مشاع

۴۴۴۱. دیواریست به طور مشاع، خواستم جهت امنیّت منزل بر روی آن دیواری احداث نمایم. صاحب دیوار مشاع از این کار جلوگیری می کند و ابراز می دارد که کشیدن دیوار باعث کاسته شدن قیمت خانه اش می شود، آیا رضایت همسایه لازم است و در صورتی که اصلاً رضایت ندهد، برای جلوگیری از ضررهای احتمالی می توانم دیوار بکشم؟

ج. اگر روی دیوار مشترک می خواهید بکشید، باید رضایت شر یکتا ن را تحصیل نمایید و در غیر این صورت دیوار نکشید.

تصرف در دیوار مشترک

۴۴۴۲. تصرف در دیواری که مال دو نفر است توسط یکی از شرکاء تا چه حد مشروع است؟

آیا ساخت و ساز، گذاشتن تیرآهن روی آن، لباس انداختن، میخ کوفتن و ... هم باید با رضایت شریک انجام شود؟ و بدون رضایت او چه حکمی خواهد داشت؟

ج. هر تصرف شریک در آن، باید با رضایت شریک دیگر باشد.

گرفتن سهم الشرکه

۴۴۴۳. حساب های مشارکتی که بانک ها باز می کنند که در اصطلاح اشخاص سرمایه گذاری می کنند و بانک هم در سال به ایشان سهم الشّرکه می پردازد، آیا گرفتن این سهم الشّرکه جایز می باشد؟

ج. اگر شروط شرکت عقدیّه متوفّر نیست، ممکن است بین سود و چیزی، معامله ی شرعیّه ای واقع شود و ضمن آن شرط کنند که پولی بدهند که در این صورت بی اشکال است.

عدم پرداخت حق السهم بعضی شرکاء و تعیین مبلغ سود

۴۴۴۴. این جانب چهار سال پیش در نظر داشتم با مشارکت چند نفر دیگر کارخانه ای تأسیس کنم. به همین منظور با استقراض از بانک و ... مقداری مصالح ساختمانی خریداری کرده و مبالغی نیز بابت انبارداری و سود بانکی پرداخت نموده ام. امّا چون شرکایم از پرداخت حق السّهم خویش خود داری نمودند. لذا از احداث کارخانه منصرف شده ام. با توجّه به نرخ تورّم و کاهش ارزش پول در طول چهار سال گذشته، چه مبلغ سود برای این مدّت در نظر بگیرم؟

ج. بستگی به توافق طرفین دارد و بهتر است از اجحاف پرهیز نمایید.

تصرّف در مال الشرکه بدون اذن

۴۴۴۵. خانه ای ارثی در دو طبقه به من، دو برادر و سه خواهرم رسیده است که یک سوّم بقیه به ورثه تعلق دارد. بنده با خرج خودم یک طبقه بر این خانه اضافه کرده ام، امّا از ورثه اجازه نگرفتم (چون جاهل به مسأله بودم) ولی پس از ساخت آن، تمام ورثه موافقت کردند به غیر از یک برادر، که به هیچ وجه راضی نمی شود. در مورد این مسأله آیا می توانم در این طبقه

ساخت خودم تصرف کنم؟ آیا وقتی خانه به فروش رفت، پول آن طبقه را می توانم به حساب خود می توانم از بقیه ای خانه کم کنم؟ آیا پول اجاره ی آن طبقه، کلّاً به من تَعَلُّق دارد یا نه؟

ج. بدون اجازه یا صلح نمی توانید تصرّف کنید، چون مشاع است؛ هر چند مالك آن چه ساخته اید هستید و اللّه العالم.

هزینه ی لایروبی قنات مشترک

۴۴۴۶. روستایی با اراضی وسیع کشاورزی، دارای یک رشته قنات بسیار قدیمی می باشد.

در رژیم سابق نصف اراضی از این قنات به شصت نفر زراع صاحب نسق واگذار گردید و نصف دیگر مَتَعَلُّق به چندین نفر خرده مالك می باشد.

در گذشته، به علّت جریان سیل، قسمت بالای قنات تخریب شد و فعلاً آب کافی ندارد. عدّه ای از کشاورزان و خرده مالکین قصد احیا و لایروبی قنات را دارند، ولی تعدادی از شرکاء با این کار موافق نیستند. آیا مخالفین احیا و لایروبی می توانند مانع شوند و حق عدم همکاری با سایر شرکاء را دارند؟

ج. در فرض مذکور مخالفین حق ندارند مانع دیگران شوند؛ ولی اجباری به همکاری هم ندارند و نمی توان آنها را به تنقیه و احیای قنات وادار نمود.

اختلاف در آب کشاورزی

۴۴۴۷. در منطقه ای رودخانه ای وجود دارد که یک روستا جدولش بالا قرار دارد، روستای دیگر جدولش حدود سیصد تا چهارصد متر پایین تر واقع شده است و از سال های متمادی، ابتدا صاحبان جدول بالا آب مورد نیاز خود را با سنگ، گل و علوفه کامل سر آب می کردند و می بستند و می بردند و جدول پایین با فاصله فوق الذکر از مازاد آن استفاده می کردند.

اکنون با پیشرفت جدید، صاحبان جدول بالا به هنگام ایجاد سراب با سیمان و مصالح محکم تری آب مورد نیاز خود را به جدول هدایت می کنند و مورد استفاده قرار می دهند؛ ولی صاحبان جدول پایین مدّعی هستند که به این شکل، مازاد به اقل خود می رسد و کفاف کشاورزی ما را ندارد و باید قسمتی از آب جدول فوق باز شود و به جدول ما بریزد تا کشاورزی ما رونق بگیرد.

ولی صاحبان جدول بالا ممانعت

می کنند و می گویند از سابق به این شکل عمل می شد و از دادن آب خود داری می کنند، مدتی بین آنها اختلاف است.

آیا حق تقدّم با جدول بالاست یا جدول پایین تا هر کدام به حق خود برسند.

ج. آن مقدار کشاورزی را که از سابق برای پایینی ها بوده و کاشف از سبق استحقاق آنها است، بالایی ها نمی توانند به نحوی ممانعت کنند و موجب ضرر بر آن باشند.

امتناع یکی از شرکا از خرید یا فروش خانه

۴۴۴۸. چهار نفر در خانه ای شریکند و سه نفر از آنها می خواهند خانه را بفروشند و یک نفر می گوید:

نه حاضر به خرید هستم و نه حاضر به فروشم. تکلیف چیست؟

ج. اگر ممکن است سهم او را به مدّت طولانی اجاره دهند وگرنه برای رعایت امری که مصلحت به حال شرکاء است، به حاکم شرع مراجعه کنند.

قرار گرفتن سهم یکی از شرکاء در خیابان

۴۴۴۹. زمینی را دو نفر شریک بودند و بعد از سؤال فهمیدند که این زمین داخل طرح برای خیابان نیست و آن را تقسیم کردند.

بعداً سهم یکی از آنها تماماً داخل خیابان شده است، آیا این تقسیم صحیح است؟

ج. اگر جستجو و سؤال آنها از این مطلب ناقص بوده است و مقصّر در پرس و جو بودند، آن تقسیم باطل بوده و باید دوباره قسمت باقیمانده را تقسیم کنند و اگر پرس و جوی آنان کامل بوده، تقسیم صحیح بوده و مانند حدوث ابتدایی طرح خیابان در ملک کسی است.

مراتع مشترک

۴۴۵۰. زمینی در دامنه ی کوهی واقع شده است که ساکنین دو محله به نحو شراکت از آن زمین جهت علوفه ی حیوانات و مراتع استفاده می کنند و بعداً مورد نزاع شده که یکی از آن دو می گویند چون ما از آن زمین محافظت می کنیم @باست خدام اجیر و موانع آن را برطرف می کنیم و خسارت های آن را متحمّل می شویم، پس ما احق به آن هستیم، حکم شرعی چیست؟

ج. حکم در مشترکات اینست که هر که سبقت به آن گیرد، حق اولویت دارد و اگر زمین مواتی را احیا کند، مالک آن می شود.

تقسیم زمین و پیدا شدن آب در یکی از قسمت ها

۴۴۵۱. پس از تقسیم زمین شریکی میان دو شریک، در قسمت یکی آب واقع شده و در قسمت دیگر آب واقع نشده است و پس از آمدن سیل بر عکس شده و در زمین دوّمی آب واقع شده است.

آیا این آب ملک دوّمی است؟

ج. بلی، جزو مملوکات او است.

فوت شریک

۴۴۵۲. اگر دو نفر در امر تجارت یا ... شریک باشند و پس از مدتی یکی از آن دو بمیرد، آیا شراکت تمام شده تلقی می شود یا ورثه میّت شریک محسوب می شوند؟

ج. پس از مرگ شریک، دیگری نمی تواند در مال شرکت، تصرف کند، ولی اصل شرکت و تقسیم سود به حال خود باقیست و وارث متوفی، یا ولی شرکت، در امور آن شرکت، جایگزین خواهد شد.

پرداخت اجرت در بازی های دو نفره

۴۴۵۳. در بازی های رایانه ای که دو نفره بازی می کنند، اجرت رایانه چه طور باید پرداخت شود؟

ج. طبق توافق یا عرفِ این گونه بازی ها باید عمل شود.

احکام حجر

معاملات غیر معوّض برای فرار از دین

۴۴۵۴. آیا معاملات حقیقی غیر معوّضی که مدیون غیر محجور نسبت به اموالش به قصد فرار از دین انجام می دهد، نافذ است؟

ج. تکلیفاً جایز نیست، چون ضرر رساندن به غیر است، ولی وضعاً نافذ است.

شرایط نفوذ معامله ی مدیون

۴۴۵۵. اصولاً حضرت عالی تحت چه شرایطی معاملات مدیون غیر محجور را نافذ نمی دانید؟

ج. تا وقتی که حاکم شرع او را حجر نکرده، تمام معاملاتش نافذ است.

حکم اموال کسی که حق تصرّف ندارد

۴۴۵۶. شخصی بنا بر رأی و نظر عرف توانایی، اداره و دخل و تصرّف عرفی و عقلایی اموال و ثروت و دارایی خود را ندارد،

چه کسی حق تصرف در اموال و کارهایش را دارد؟

ج. اگر بعد از بلوغ سفیه شده امر او با حاکم شرع است و بدون حکم حاکم هم تصرّفات او نافذ نیست و اگر قبل از بلوغ سفیه بوده، ولایت او برای پدر و جد پدری و وصی این دو است، بنا بر اظهر.

وکیل کردن پسر سفیه توسّط وی

۴۴۵۷. آیا شخص سفیه می تواند پسر خود را در دخل و تصرّف کارهای خود تصرف قرار دهد؟ موارد وصیّت و هبه ... از وی قبول است؟

ج. اگر سفاهت او متّصل به کودکی او باشد، ولایت او با پدر و جد پدریست و تصرّفات او باید با اذن ایشان باشد و توکیل سفیه در آن چه که تصرفات خودش بالمباشره در آنها نافذ نیست، نیز صحیح نیست.

منجّزات مریض

۴۴۵۸. آیا منجّزات مریض مطلقاً نافذ است یا فقط به مقدار ثلث نافذ است؟

ج. منجّزات از اصل است.

حکم اموال کسی که تعادل فکری ندارد

۴۴۵۹. شخصی دو سال قبل از مرگ، تعادل فکری خود را از دست داده و قادر به حفظ و حساب و مصرف عقلایی مال خود نبوده است.

تصرّف بستگان و نزدیکان و فرزندان او در مال او چه صورتی داشته است؟

ج. در صورتی که اموال صرف در ضروریات - هر چند به حسب شأن - شده که اگر در حال عادّی بود، همان ها بدون تردید در همان امور صرف می شد، هر چند برای بستگان و مهمان ها نه زیادتر از آن، مورد اجازه ی حاکم وقت بوده و در زیادتی بر آن اجازه لازم است.

وظیفه ی پدر در قبال اموال فرزند بی موالات

۴۴۶۰. فرزندی بعد از گذشت چند سال از سن بلوغ، دستمزد خود را بیهوده تلف می کند و هیچ در فکر آینده ای خود نیست. آیا اجازه می فرمایید این جانب - که پدر او می باشم - گاهی پولش را از جیب او بردارم و به حساب دفترچه ی پس اندازش واریز نمایم، بدون این که متوجّه شود، ولی حق برداشت با خود فرزند باشد تا از هدر دادن پولش جلوگیری شود؟

ج. اگر سفیه است یا به حد رشد نرسیده، پدر در حفظ مالش، بر او ولایت دارد در حفظ مالش هر طور صلاح بداند.

ولایت پدر و جد

۴۴۶۱. آیا ولایت پدر و جد پدری نسبت به فرزند صغیر در عرض هم قرار دارد یا در طول هم است؟

ج. در عرض همدیگر و به صورت استقلال است.

حجر کسی که کارهای غیر عاقلانه انجام می دهد

۴۴۶۲. شخصیت کارهای غیر عاقلانه انجام می دهد، مثلاً پول های خود را در اختیار افراد قمارباز قرار می دهد و فقط به گرفتن چک بی محل از قمارباز اکتفا می کند، یا با این که زن و بچّه ی او به خانه احتیاج دارند، خانه را به دیگری واگذار می کند.

۱) آیا می توان او را از این دخل و تصرّفات بازداشت؟ نظر شارع در مورد این معضل چیست؟

۲) آیا فرزندان او می توانند به محاکم قضایی شکایت کنند؟

۳) آیا حاکم شرع و نماینده ی ولی فقیه، با نبود شاکی می تواند رأساً اقدام نماید؟

ج. اگر به حد سفیه باشد، با عدم ولی شرعی از پدر یا جد پدری، حاکم شرع جامع الشرائط او را حجر و منع می کند.

احکام وکالت

فوت موکل و حکم وکالت

۴۴۶۳. در وکالتنامه ای، مُوَکِّل به وکیل وکالت بلاعزل ضمن عقد خارج لازم برای معامله هایی در مدت سی سال داده است و بین مدّت، مُوَکِّل فوت می کند.

حکم شرعی چیست؟

ج. اگر به نحو شرط فعل او را وکیل کرده است، وکالت باطل می شود و اگر به نحو شرط نتیجه بوده، اگر وکیل خواست به وکالت عمل کند، احتیاطاً از ورثه ی مُوَکِّل اجازه بگیرد.

عزل وکیل توسط خود

۴۴۶۴. آیا وکیل می تواند بدون اطلاع موکل، خودش را عزل کند؟

ج. وکیل می تواند از وکالت کناره گیری کند و اگر موکل غایب هم باشد، اشکال ندارد.

فسخ معامله پس از مرگ وکیل

۴۴۶۵. آیا زمینی که به وسیله وکیل صاحب زمین فروخته شده، بعد از فوتِ وکیل، مالک قبلی زمین حق فسخ معامله را دارد یا نه؟

ج. خیر حق فسخ ندارد، مگر در موردی که خود وکیل هم حق فسخ داشته باشد.

اجرت وکیل

۴۴۶۶. در چه صورت وکیل می تواند از موکل اجرت دریافت کند؟

ج. اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی به عنوان مزد برای او قرار بگذارد، بعد از انجام آن کار، چیزی را که قرار گذاشته، باید به او بدهد.

احکام قرض و افلاس

گرفتن خسارت تأخیر از کفّار

۴۴۶۷. آیا گرفتن خسارت تأخیر پرداختن دَیْن از کفّار جایز است؟

ج. گرفتن خسارت دیرکرد از کافر حربی (هر چند خسارت تأخیر را شرط نکنند) به لحاظ ربا اشکال ندارد.

گرفتن وثیقه و رهن از طلب کار

۴۴۶۸. آیا طلب کار حق گرفتن وثیقه و رهن از بدهکار، به صورت اجباری دارد یا خیر؟

ج. خیر.

حکم قرض کردن در صورت نیاز

۴۴۶۹. قرض کردن در صورت احتیاج، آیا واجب است یا مستحب یا مکروه؟

ج. اگر برای امر واجب و ضروری باشد، بله، لازم است.

مخارج وصول دِین

۴۴۷۰. اگر کسی از فردی طلب کار بوده و وی انکار نماید، آیا هزینه های اثبات حق از قبیل ابطال تمبر، هزینه دادرسی، حق کارشناسی، حق وکالت و ... بر عهده طلب کار است یا بدهکار؟

ج. با انحصار طریق اثبات حق در آن هزینه ها، بر عهده بدهکار است.

تقاص

۴۴۷۱. تقاص چیست؟

و آیا اگر تقاص مستلزم ضرر باشد، ضمان دارد؟

ج. تقاص، تدارک مال است که ضمانت شده و از پرداخت آن مال امتناع ورزیده شده است و باید از مال ضامن تدارک گردد و در صورت تجاوز تقاص کننده از محدوده ی جواز عمل، موجب ضمان است.

شرط دیرکرد ضمن عقد لازم

۴۴۷۲. آیا خسارت تأخیر ادای دین و دیرکرد را می توان ضمن عقد لازم شرط کرد؟

ج. خیر، حرام و ربا است.

مستثنیات دین

۴۴۷۳. مستثنیات دین چیست؟

آیا تلفن و ماشین جزو مستثنیات دین محسوب می شوند؟

ج. ضروریات عرفیّه جزو مستثنیات است و شامل تلفن و ماشین مورد نیاز هم می شود.

شرط قرض ضمن عقد بیع یا صلح

۴۴۷۴. آیا جایز است کسی مالی را به دیگری، به کمتر از قیمت بازار بفروشد، به شرط این که خریدار مقداری به او قرض دهد؟ آیا همین عمل ضمن صلح نیز جایز است؟

ج. بله، در هر دو مورد جایز است.

تأخیر در پرداخت قرض

۴۴۷۵. آیا تأخیر در پرداخت قرض و دین، در صورت تمکن و سر رسیدن وقت باز پرداخت آن، گناه است؟

تأخیر در پرداخت اقساط وام چه طور؟

ج. بله، گناه است.

(به مسأله ی ۱۸۱۶ رساله رجوع شود.) ادای دین به عنوان هدیه

۴۴۷۶. فردی بدهکار هستم و طلب کار طلب خود را فراموش نموده است، آیا می توانم طلب او را به عنوان هدیه به وی

بدهم؟

ج. اگر به قصد وظیفه به او برسانید، کافی است.

فراموش کردن قرض

۴۴۷۷. اگر فردی مقدار پولی را قرض کند و یادش برود آن را ادا بکند، تکلیف چیست؟

ج. هر وقت یادش آمد، باید آن را ادا کند.

شرط تعلیم قرآن ضمن قرض

۴۴۷۸. اگر کسی پولی به دیگری قرض دهد و بگوید:

به شرطی به تو قرض می دهم که تو نیز در مقابل به فرزندان من قرآن تعلیم دهی، آیا این کار جایز است؟

ج. جایز نیست.

مجبور کردن بدهکار به فروش خانه

۴۴۷۹. اگر کسی بدهکار است و چیزی غیر از خانه برای ادای دین ندارد، آیا طلب کار می تواند او را مجبور سازد که خانه ی مسکونی اش را بفروشد؟

ج. منزل در حد شأن، از مستثنیات دین است که برای ادای دین فروخته نمی شود.

گرفتن قرض ربایی برای ناچاری

۴۴۸۰. آیا گرفتن قرض ربایی، حتّی در صورت ناچاری و یا مثلاً در مورد کسی که آبرویش در خطر است، حرام است؟

ج. می تواند به راه ها و حیله های شرعی، از ربا رهایی یابد کند.

کوتاهی بدهکار و خسارت ناشی از آن

۴۴۸۱. بدهکار عمداً در پرداخت بدهی کوتاهی می کند و طلب کار برای گرفتن آن به طرح دعوی در دادگستری می پردازد. آیا طلب کار می تواند علاوه بر اصل دین، هزینه ی طرح دعوی و زیان ناشی از آن را از بدهکار مطالبه نماید؟

ج. اگر راه دیگری نداشته باشد، می تواند.

تغییر ارزش پول قرض داده شده

۴۴۸۲. در مورد قرض و استقراضی که سال ها بر آن گذشته و ارزش پول تغییر کرده چه باید کرد؟

ج. با تفاوت زیاد، احتیاط آن است که مصالحه کنند.

کارمزد برای وام

۴۴۸۳. آیا می توان در صندوق های قرض الحسنه مبلغی را از وام گیرنده به عنوان کارمزد و هزینه ی وسایل گرفت؟ آیا می توان او را مجبور به پرداخت حق بیمه برای تکفّل بیمه ی ادای قرض نمود؟

ج. هر شرطی ضمن قرض که موجب شود گیرنده قرض زیادتر از آن چه قرض گرفته بپردازد، رباست و با تغییر اسم، حلال نمی شود. بلی، اگر معامله ی شرعیه ای بین سود و چیزی واقع کنند و ضمن آن شرط کنند که مبلغی به طرف قرض داده شود و همان مبلغ را که قرض گرفته برگرداند، بی اشکال است.

خسارت تأخیر ادای دین

۴۴۸۴. آیا ممکن است به نحو مشروع در بعض موارد، مثل وارد شدن ضرر بر شخص به واسطه ی خسارت تأخیر ادای دین را گرفت؟ یا به صورت شرط در ضمن عقد لازم و نظیر اینها، با ملاحظه ی این که ارزش پول هم در حال تغییر است؟

ج. وجهی شرعی برای خسارت تأخیر تأدیه نیست.

فروختن مال رهن گذاشته شده برای گرفتن طلب

۴۴۸۵. اگر مال مرهونه از مستثنیات دین باشد – مانند خانه مسکونی – آیا مرتهن می تواند با شرایطش آن را بفروشد و عوض دین، آن را بردارد و آیا مستثنیات دین در رهن با سایر اموال تفاوت دارد؟

ج. اگر رهن کننده در موعد مقرر دین را نپرداخت، مرتهن می تواند با شرایطش آن را بفروشد و عوض دینش آن را بردارد.

وجه مورد نیاز جهت اجاره منزل

۴۴۸۶. فرد مفلسی خانه اجاره ای دارد و برای اجاره، پول پیش به موجر قرض داده است.

آیا این پول قرضی جزو مستثنیات دین است؟

ج. بله، جزو مستثنیات دین است.

تقاص بهره ی داده شده به بانک

۴۴۸۷. آیا بدهکاری که به بانک بهره داده است، می تواند به عنوان تقاص، پولی در بانک بسپارد و به اندازه ی بهره ای که داده دریافت کند؟

ج. با حیل شرعی بگیرد.

ماهیّت قرض

۴۴۸۸. آیا قرض از عقود جایز است یا لازم؟ و در صورت اشتراط مدت چگونه خواهد بود؟

ج. از طرف قرض گیرنده لازم و از طرف قرض دهنده جایز است و اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، بنا بر احتیاط واجب، طلب کار قبل از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه نماید، ولی بدهکار می تواند هر وقت خواست قرض را بپردازد.

کارمزد وام

۴۴۸۹. عضو شرکت تعاونی روستا می باشم. این شرکت هر ساله به اعضای خود وام می دهد، به طوری که در ازای هر بیست هزار تومان بعد از یک سال، بیست و دو هزار تومان می گیرد که مبلغ هزار و دویست تومان بابت کارمزد و هزینه ی جاری شرکت و مبلغ هشتصد تومان به حساب دفترچه واریز می شود، آیا گرفتن مبلغ دو هزار تومان جایز است؟

ج. با فرض این که ضمن قرض، شرط اضافه می شود، جایز نیست و حکم ربا جاری است.

حکم مال توقیف شده

۴۴۹۰. دِینی نزد حاکم شرع ثابت شده، اما دسترسی به بدهکار نبوده است.

حاکم شرع مالی از بدهکار را برای طلبکار توقیف کرده است، ولی شخص ثالثی مدّعی شده که مال معیّنِ توقیف شده ملك وی بوده که به عاریه و امانت نزد بدهکار بوده است و طلب کار مدعیست مال بدهکار بوده است.

تکلیف چیست؟

ج. باید شخص ثالث بیّنه اقامه کند که در وقت توقیف، مال ملك او بوده است.

حصول استطاعت با وام کارمندی

۴۴۹۱. کارمندی وامی را از اداره یا جای دیگر می گیرد تا در برابر آن به تدریج از حقوق وی برداشت شود، کارمند با آن وام برای حج ثبت نام می کند، آیا با این وام استطاعت حاصل می شود؟

ج. با این وام استطاعت حاصل می شود، زیرا وام دهنده به بقای این دین راضی است.

تقاص تایپیست از مؤلف کتاب

۴۴۹۲. شخصی کتابی را در رایانه تایپ و آماده چاپ کرده است، صاحب کتاب، پول وی را نمی دهد، آیا می تواند کتاب را

از باب تقاص بردارد تا به حق خود برسد؟

ج. اگر راهی برای وصول به حقّش دارد، هر چند با رجوع به دادگاه باشد، نمی تواند تقاص کند وگرنه به اندازه ی حقّش می تواند از آن کتاب به عنوان تقاص بردارد.

مصرف وام صنفی در محل دیگر

۴۴۹۳. شخصی وام صنفی دریافت کرده است، آیا می تواند آن را به جای مصرف در آن صنف، در بدهکاری های خودش مصرف نماید؟

ج. اگر آن که بالاصاله وام را می دهد، شرط صرف در آن مصرف یا شرکت را نکرده، مانعی ندارد؛ زیرا وام صنفی اقتضای آن را ندارد.

تقاص بانک از وام گیرنده

۴۴۹۴. شخصی با وامی که از بانک گرفته، خانه و زندگی تهیّه کرده است و پیش از آن که بدهی بانک را بدهد، فرار کرده است.

اموالی از وی نزد بانک موجود است، آیا بانک می تواند برای وصول وام، از باب تقاص، اموال را بفروشد؟

ج. اگر بانک هیچ راهی برای وصول اصل وام ندارد، می تواند از باب تقاص، آن اموال را بفروشد و طلبش را به همان مقدار که وام داده به این طریق وصول کند.

تضمین بدهی

۴۴۹۵. هرگاه انسان به کسی بدهکار باشد و متعهّد شود که در تاریخ معیّنی بدهی خود را بپردازد و برای تضمین آن، خانه ای را با قولنامه به طلب کار واگذار کند که اگر در آن تاریخ معیّن بدهی خود را نپرداخت، خانه به طلب کار تَعَلُّق گیرد، ولی نه خود قصد فروش خانه را داشته باشد و نه خریدار واقعاً قصد خرید خانه را داشته باشد، بلکه این قولنامه صرفاً به عنوان ضمانت پرداخت بدهی تنظیم شده باشد، حال اگر در تاریخ معیّن نتوانست بدهی خود را بپردازد، آیا طلب کار شرعاً مالک خانه می شود و می تواند در آن تصرّف کند؟ (توضیح اینکه خانه در تصرّف بدهکار می باشد).

ج. حکم رهن را دارد و به محض عدم پرداخت، فوراً مالک نمی شود و اللّٰه العالم.

مستثنی بودن خانه از دین

۴۴۹۶. در بعضی از محکومیت های مالی (مانند مطالبه طلب و ...)، در مرحله اجرای حکم صادره، محکوم له ساختمان مسکونی محکوم علیه را جهت دریافت حق خویش (محکوم به) معرفی و تقاضای توقیف و فروش آن را می نماید و این در

حالیست که در فقه اسلامی ساختمان مسکونی جزو مستثنیات دین شناخته شده است، لکن در مقررات جاری، ساختمان مسکونی جزو مستثنیات دین به حساب نیامده است؛ لذا بفرمایید در چنین مواردی: توقیف یا فروش آن از نظر حضرت عالی چه حکمی دارد؟

اگر جزو مستثنیات دین است، راه احراز اینکه ساختمان مسکونی در شأن و منزلت محکوم علیه می باشد یا خیر، چیست؟

در مورد ماشینِ سواری و تلفن که عرفاً برای بعضی از اشخاص از لوازم زندگی (نه وسیله کسب) است، حکم چیست؟

ج. خانه در حد شأن مدیون، از مستثنیات است و

هم چنین وسایل مورد نیاز دیگر و تشخیص خصوصیات با حاکم شرع است.

بدهی میّت

۴۴۹۷. این جانب اخیراً با یکی از دوستان در خصوص جمع آوری مطالباتش مشغول به کار شدم و مقداری چک که مبلغ آن حدود سی میلیون تومان می باشد، جمع آوری نمودم. فرد مورد نظر فوت شده و بدهی وی به مردم در حدود هشتاد و پنج میلیون تومان می باشد.

همسر او یک باب منزل دارد که قرار بود در زمان حیاتش بدهی های آن مرحوم را پرداخت نماید، منزل به نام خانم وی می باشد.

از جهت شرعی خانه مذکور چه حکمی دارد؟

ج. خانه مذکور که سندش به نام همسر متوفی است، متعلق به آن همسر است؛ مگر خلاف آن به اقرار یا بینه ثابت شود و اگر خود همسر می داند که واقعاً مال شوهرش بوده، باید به طلب کارها بدهد و اللّٰه العالم.

قرض گرفتن به نام دیگری جهت حفظ آبرو

۴۴۹۸. فرد مقروض و آبرومندی هستم. آیا اگر از کسی برای دیگری - بدون مشخص کردن اسم او - کمک بگیرم و خودم خرج کنم، اشکال دارد؟

ج. اگر فرد کمک کننده به صورت مطلق داده، به اطلاقی که شامل خود شما هم بشود، اشکال ندارد.

فراموش کردن بدهکاری

۴۴۹۹. در خوابگاه زیاد از همدیگر پول و غیره می گیریم، اگر کسی بعضی از موارد را فراموش کرد، تکلیفش چیست؟

ج. بر ذمّه گیرنده باقی است، مگر این که همدیگر را حلال کنند.

زندان بدهکاران و ورشکستگان

۴۵۰۰. آیا اسلام زندانی نمودن ورشکستگان و بدهکارانی که یا توانایی پرداخت بدهی را ندارند و یا آن را انکار می کنند، را اجازه کرده است؟

ج. مدیون @معسر، حبس نمی شود.

احکام ضمانت

ضمان در صدور چک برای اطمینان

۴۵۰۱. شخصی متاعی را نسیه می خرد و شخص ثالثی برای اطمینان فروشنده، چک به نام او صادر می کند.

آیا این عمل ضمان محسوب می شود؟

ج. اگر فروشنده تنها چک او را وصول می کند و او را مدیون خود می داند ضمان است وگرنه ضمان مصطلح فقهی نیست.

ضمان در مورد دِیْن و کشف خلاف

۴۵۰۲. ۱) آیا ضمانت در مورد معامله و دین (بدهکاری) صحیح است؟

ج. صحیح است.

۲) در صورتی که معلوم شود اصلاً دینی (بدهکاری) در کار نبوده، حکم چیست؟

ج. موضوع ضمان منتفی است.

ضمانت پول در مضاربه

۴۵۰۳. شخصی می خواست پولی را جهت مضاربه به عامل بدهد، امّا چون او را نمی شناخت به سوّمی گفت:

اگر شما تمام یا بخشی از سرمایه را ضمانت کنید، مقدار معیّنی از سود آن را به شما می دهم. در این صورت اگر سرمایه از دست رفت، چه کسی ضامن است؟

ج. اگر تضمین به عنوان شرط ضمن عقدی لازم بین مالك و ضامن انجام گرفته است، شخصی که ضمانت کرده ضامن است و همچنین است عقد جایز تا وقتی که برقرار است و عامل هم در صورت تعدّی و تفریط ضامن است.

قرارداد فروش کالا با کارت اعتباری

۴۵۰۴. مؤسسه ای با شرکت فروش کالا قرارداد بسته که جهت ایجاد تسهیلات برای مراجعین، افرادی که کارت مؤسسه را آوردند و به شرکت ارایه کردند، اجناس را به آنها بفروشد و ثمن معامله را از آنها نگیرد، بلکه بعداً از مؤسسه بگیرد.

آیا این کار مشروع است؟

ج. این کار مانند عقد ضمان است که معامله ی مراجعین موجب تحقق ضمان است که پس از حصول معامله و ایجاد اشتغال ذمه، ضمان حاصل می شود و اگر با رضایت هر سه طرف باشد و واجد شرایط دیگر ضمان باشد، اشکالی ندارد.

ضمانت فرد زندانی

۴۵۰۵. اگر شخصی ضمانت زندانی ای - را که مدیون به دین یا دیه ای باشد - قبول نماید و آن زندانی سوء استفاده کرده و

فرار کند، ضامن چه کسی است؟

ج. همان شخص ضمانت کننده، ضامن است.

صدور چک در صورت نبودن موجودی در حساب

۴۵۰۶. کسی که یا دسته چک ندارد و یا موجودی در حساب خود ندارد، آیا می تواند چکی به عنوان وثیقه ضمانت از شخص دیگری صادر کند؟

ج. میزان در ضمانت شرعی، مدیون (بدهکار) بالفعل است که ذمّه به او انتقال پیدا کرده است و دارایی بالفعل ضمانت کننده، با فرض قبول مضمون له مطلقاً شرط نیست.

ضامن شدن برای فرد بدهکار

۴۵۰۷. اگر کسی بگوید من ضامن فلان شخص می شوم که اگر پول یا مال را نداد من می دهم، آیا در این صورت ضامن است؟

و اگر چند نفر ضامن شخصی شدند، اگر مدیون نداد چه کسی باید بپردازد؟

ج. در صورت اوّل عقد ضمان شرعی نیست؛ هر چند ممکن است گفته شود به عنوان شرط یا غیر آن ضامن است و در صورت دوم هم اگر به نحو اشتراک ضامن شده اند، هر کسی به اندازه ی سهم ضمانت خودش ضامن است.

احکام هبه

معنای هبه

۴۵۰۸. هبه به چه معنا است؟

ج. به معنای تملیک و بخشش است.

فرق هبه و صدقه

۴۵۰۹. فرق بین هبه و صدقه چیست؟

ج. در صدقه قصد قربت معتبر است و رجوع در آن بعد از قبض جایز نیست، به خلاف هبه.

مراد از ذی رحم

۴۵۱۰. ذی رحم دقیقاً چه کسانی را شامل می شود؟

ج. همه ی ارحام نسبی را شامل می شود و اختصاص به محرم در نکاح ندارد.

شروط هبه

شرایط هبه، هبه کننده و هبه شونده

۴۵۱۱. لطفاً کلیه شرایطی که در هبه لازم است را بیان فرمایید؟

ج. بایـد واهب و موهوب له بالغ و عاقل و قاصـد و مختارِ بـدون اکراه باشـد و واهب هم محجور علیه نباشد و در تأثیر عقد هبه در ملکیت، تحقق قبض و اقباض معتبر است.

عدم قبض در هبه

۴۵۱۲. اگر میّت در وصیّت نامه ی خود گفته است فلان شیء را به کسی بخشیده ام، در حالی که فردی که به او هبه شده خبر نداشته و اکنون هم شک دارد که به او این مطلب را گفته است یا نه، آیا آن فرد مالک آن چیز می شود؟

ج. در هبه قبول شرط است و اگر بعد از بخشیدن و قبل از قبول فردی که به او هبه شده واهب (بخشنده) بمیرد، به ورثه منتقل می شود و قبول شخص بعد از مرگ واهب بی تأثیر است، بلکه اقباض هم در هبه شرط است.

معنای قبض

۴۵۱۳. ایـن کـه فرمـوده ایـد در هبـه قبض معتبر است، منظـور و مراد از قبض چیست و آیـا در قبض منزل، گرفتن کلیـد خـانه کافیست یا سکونت در آن لازم است؟

ج. قبض در اینجا با سایر موارد فرقی ندارد و اگر با گرفتن کلید هم صدق عرفی قبض شود، کافی است.

هبه پول به شرط زیادی عوض

۴۵۱۴. اگر کسـی یکصـد هزار تومـان به دیگری هبه کرد، به شـرط این که یـک سال بعـد دویست هزار تومان بدهـد، آیا این شرط درست است؟

ج. در فرض این که به ربای قرضی ارجاع شود صحیح نیست و اما ربای معاملی پس مبنی بر جریان ربا در پول است که هر جا بیع آن جایز نباشد، هبه معوّضه ی آن هم به حکم آن است.

پس گرفتن موهوب با تخلّف شرط

۴۵۱۵. در هبه ی به ذی رحم در صورتی که عوض شرط شده باشد و فردی که به او هبه شده به شرط عمل نکند و مال عوض شرط شده را نداده باشد، آیا واهب می تواند بعد از گذشت چند سال شیء بخشیده شده را استرداد کند؟

ج. با فرض تخلّف شرط می تواند شیء بخشیده شده را پس بگیرد.

شرط عوض

۴۵۱۶. در هبه ای که شرط عوض شده است، آیا فرقی بین ذی رحم و غیر ذی رحم است؟

ج. در مورد تخلّف شرط، فرقی بین ذی رحم و غیر آن نیست.

هبه با نوشتار

۴۵۱۷. اگر شخصی در زمان حیات خود به این عبارت مرقوم کرده باشد (برادر جان راجع به ملک که نوشته بودید، من به شما واگذار نمودم، احدی حق دخالت ندارد و هیچ کس حق ندارد شما را اذیّت کند). آیا ورثه بعد از فوت آن شخص می توانند ادّعا کنند که حق وراثت در ملک مزبور را دارند؟

ج. با توجّه به این که قبض شده است و عبارت فوق دلالت بر هبه دارد، ورثه حق دخالت ندارند.

هبه به شرط اختیار تصرّف تا زمان مرگ

۴۵۱۸. شخصی ملک و زمین خود را به نفر دیگر هبه می کند و می گوید:

مشروط بر این که تا زنده ام اختیار آن را داشته باشم، آیا این هبه نافذ و آن شرط لازم است؟

ج. ظاهراً نافذ است.

شرط خیار در هبه ی به ذی رحم

۴۵۱۹. در هبه به ذی رحم که لازم است، آیا می شود برای بخشنده شرط خیار کرد؟

ج. ظاهراً می شود.

بخشش در مرض مرگ

۴۵۲۰. آیا بخشش و هبه کسی که در مرض مرگ است، نافذ است؟

ج. در صورتی که در کمال عقل و شعور باشد، بخشش او با حفظ شرایط در کل، مثل اقباض، نافذ است.

بخشش زن بدون اجازه شوهر

۴۵۲۱. آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر چیزی از مالش را به دیگری ببخشد؟

ج. اگر از مال خودش باشد، اشکال ندارد.

بخشش مهریه

۴۵۲۲. زنی که به صورت شفاهی مهریه خود را به شوهر خویش می بخشد، آیا قبول شفاهی شوهر کافی است؟

و آیا زن حق رجوع مجدد دارد؟

ج. اگر به نحو ابراء ذمّه باشد، حق رجوع ندارد و قبول هم نیاز ندارد و اگر بخشش و هبه باشد، قبول شفاهی کافی است؛ ولی حق رجوع ندارد، مثل ابراء.

فرق هبه ی دین با ابراء ذمه

۴۵۲۳. تفاوت هبه دین با ابراء ذمه مدیون چیست؟

ج. در هبه قبول لازم است به خلاف ابراء و هبه دین تملیک است که نتیجه ی آن ابراء است و ابراء اسقاط ذمّه است.

هدیه ای که از راه حرام تهیه شده است

۴۵۲۴. اگر به انسان هدیه داده شود و بداند که از راه حرام تهیه شده است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر عین آن مال حرام باشد، نمی تواند آن را قبول کند و باید آن را به صاحبش رد کند.

رجوع در هبه

موارد عدم رجوع در هبه

۴۵۲۵. در چه مواردی واهب و بخشنده حق رجوع به هبه را ندارد؟

ج. ۱) جایی که مال خود را قربه الی اللّه و به قصد ثواب به کسی بخشیده باشد.

۲) در عوض هبه چیزی از طرف گرفته باشد که اصطلاحاً آن را هبه معوّضه می گویند.

۳) هبه به یکی از ارحام نسبی باشد.

۴) هبه به حال خود باقی نمانده باشد، مثلاً پارچه بریده یا دوخته شده باشد.

۵) یکی از طرفین فوت کند.

۴۵۲۶. لطفاً مرقوم فرمایید که رجوع در هبه به چند چیز محقق می شود؟

ج. به قول و به فعل، مثل پس گرفتن آن یا با فروختن یا اجاره یا رهن دادن شيء هبه شده به قصد رجوع، محقق می شود.

هبه ارث به برادر

۴۵۲۷. یکی از برادرانم با رضایت سهم خود را از ارث به من بخشید، ولی بعد از مدتی قبل از آن که ارث بین ورثه تقسیم شود، از هبه خود رجوع کرد مسأله چه حکمی دارد؟

ج. اگر قبض و اقباض و لو به نحو مشاع نشده، حق رجوع دارد.

پس گرفتن هبه از غیر ذی رحم

۴۵۲۸. آیا هدیه ای را که به شخص اجنبی داده شده و هنوز عین آن باقی است، می توان پس گرفت؟

ج. با وجود عین قابل رجوع است و می توان پس گرفت، اگر عوض یا نیّت ثواب و قربت در کار نبوده است.

عدم جواز رجوع در هبه ی ذی رحم

۴۵۲۹. اگر پدری زمین مزروعی و خانه ی خود و محوّطه ی آن را در زمان حیات خود، طی یک نامه ی عادّی با امضای عدّه ی زیادی از معتمدین به یکی از فرزندان خود بدون عوض مالی واگذار نماید و از آن پسر خواسته که پس از مرگ او برایش دو سال نماز و روزه و ده مجلس روضه ی سالانه برگزار نماید، امّا پس از چند ماه بر اثر فشارهای فرزندان دیگر، پشیمان شده و بعد از آن هم از دنیا وفات نموده است، آیا آن اموال متَعَلِّق به فرزند است یا اموال از جمله ی میراث است؟

ج. اگر پدر خانه و زمین را به فرزند هبه کرده و در زمان حیاتش تحویل او داده است، ملک فرزند شده و واهب حق رجوع نداشته و ورثه در آن حقّی ندارند.

عدم جواز رجوع در صدقه

۴۵۳۰. شخصی پولی را صدقه داده است و حال پشیمان شده است.

آیا می تواند آن را پس بگیرد؟

ج. نمی تواند.

رجوع مادرزن از هبه ی به داماد

۴۵۳۱. مادرزن به داماد خود چیزی بخشیده، آیا می تواند رجوع کند؟

ج. می تواند رجوع کند.

رجوع بدون اطلاع

۴۵۳۲. آیا هنگام رجوع در هبه لازم است فردی که به او بخشیده شده را مطلع کند؟

ج. اطلاع دادن به او، شرط رجوع در هبه نیست.

متفرقات هبه

هبه زن و شوهر

۴۵۳۳. آیا هبه زن به شوهر و بالعکس حکم هبه به اجنبی را دارد که بتوانند رجوع کنند؟

ج. جواز رجوع دارد، ولی خلاف احتیاط است.

۴۵۳۴. آیا شوهر در آن چه که از طلا و هدایا به زن بخشیده تا وقتی که عین آن موجود است، می تواند رجوع کند؟

ج. می تواند، ولی خلاف احتیاط است.

اختصاص زمین به امور خیریّه

۴۵۳۵. اشخاصی زمین داشته اند که به صورت موروثی بوده است، تمام وارثین تصمیم بر این گرفتند که زمین مذکور را جهت امور خیریّه در اختیار هیأت امنای مسجد جامع آن شهرستان بگذارند تا با صلاحدید هیأت امنا، در امور خیریه هزینه نمایند. در حال حاضر اداره تعاون شهرستان، زمین مذکور را برای احداث ساختمان اداری خود انتخاب کرده که مورد موافقت هیأت امنا قرار گرفته است.

آیا هیأت امنای مسجد می توانند زمین مذکور را به اداره تعاون شهرستان هدیه نمایند.

ج. اداره تعاون قیمت زمین را بدهد و هیأت امنا آن را در امور خیریّه هزینه نمایند.

هبه به طفل در شکم

۴۵۳۶. آیا می توان به حمل (در شکم مادر) چیزی را هبه نمود؟ اگر هبه ی مذکور امکان پذیر است، چه کسی باید آن را قبول کند؟ آیا پدر یا جد پدری قبل از تولد، بر طفل در شکم مادر ولایت دارد؟

در صورتی که پاسخ مثبت باشد، آیا اهلیّت تَمَلُّک حمل، منوط به زنده متولّد شدن آن است؟

ج. مالکیت طفل، مشروط به شرط متأخّر است که ولادت می باشد که اگر زنده متولّد نشد، کاشف از عدم مالکیت است؛ ولی اگر مالکیت پس از ولادت با قبل از ولادت در آثار فرق دارد، احتیاط در صلح با ولیست و اللّٰه العالم.

صرف پول اهدایی برای مدرسه در غیر آن

۴۵۳۷. اگر پولی جهت ساخت مدرسه هدیه شود و اداره آموزش و پرورش آن را به مجموعه ای آموزشی (غیر از مدرسه) اختصاص دهد، لطفاً حکم شرعی موارد زیر را بیان فرمایید:

۱) مکث و ماندن در داخل محوطه ی مجموعه.

۲) نماز خواندن در محل آن.

۳) حقوق گرفته شده بابت تدریس در این مجموعه.

ج. تصرفات در آن ساختمان اشکال ندارد، گرچه اداره مربوطه ضامن پول های مردم است که باید آنها را برگرداند و اللّٰه العالم.

اهدای خون

۴۵۳۸. آیا اهدای خون جایز است؟

ج. اگر احتمال ضرر نباشد، اشکال ندارد.

احتمال دزدی در گردن بند بخشیده شده

۴۵۳۹. کسی که یک عدد زنجیر طلای گران قیمت به مادرش هدیه نموده است، با توجّه به این که امکان مالی اهداء کننده طوری نبوده است که بتواند چنین طلایی را تهیّه نماید و احتمال قویست که از دزدی باشد.

مرقوم فرمایید مصرف و تصرّف در این طلا چگونه می باشد؟

ج. احتمال مذکور اثری ندارد؛ با احتمال این که اختیار هدیه دادن داشته است، هدیه محکوم به صحّت است.

پس گرفتن زمین بخشیده شده به اداره

۴۵۴۰. اگر فردی زمینی را برای مصرف خیریه ای هبه کرده و تحویل داده است، آیا می تواند رجوع کند؟

ج. در فرض مرقوم که هبه و قبض معتبر در هبه محقّق شده است، موهوبٌ له مالک شده است و چنان چه هبه به قصد قربت بوده لازم است و نمی توانند پس بگیرند.

تبدیل پول صدقه

۴۵۴۱. شخصی پولی را به قصد صدقه کنار گذاشته و هنوز به فقیر نداده است، آیا می تواند آن را بردارد و مصرف کند و

مجدداً پولی به جای آن صدقه دهد؟

ج. اشکال ندارد.

کمک هزینه ساخت مسکن

۴۵۴۲. یکی از اقوام مبلغی وجه نقـد، برای سـاخت منزل قـدیمی، برای رفاه حال خانواده داده است، آیا هبه صـدق می کنـد یا نه؟

ج. بله، اگر قرینه ای بر خلاف ظاهر نیست هبه صدق می کند.

هدایای زندگی مشترک

۴۵۴۳. آیا هدایایی که در طول زندگی زناشویی زن و شوهر به آنان هدیه می شود، ملك شوهر است یا زن یا هر دو؟

ج. منوط به قصد دهنده گان آنها است.

هبه اموال پس از استطاعت

۴۵۴۴. پس از آن که فرد از لحاظ مالی مستطیع شد، آیا می تواند با هبه اموال خود حج را از عهده خویش ساقط سازد؟

ج. اگر وقت حرکت کاروان رسیده است، خیر نمی تواند.

مطالبه هدایا پس از طلاق

۴۵۴۵. آیـا در صورتی که مردی زنش را طلاق دهـد، جایز است آن زن اموالی را که خانواده اش هنگام ازدواج به او داده اند (مانند فرش، لباس و ...) از شوهرش مطالبه کند؟

ج. بله، جایز است مطالبه کند هر چه ملك اوست و یا دین بر ذمّه ی شوهر است.

هدایای پدر عروس

۴۵۴۶. شخصـی با دختری ازدواج می کند و شیربها را پرداخت می کند، پس از مراسم عروسی والدین و سایر اقوام هدایایی را به آنان اهـدا می کننـد، پـدر دختر نیز هدایایی به دخترش می دهد که مقدار این هدایا به مبلغ شـیربهای پرداخت شده بسـتگی دارد و چنین کاری در بین مردم مرسوم است، آیا هدایایی که پدر به دخترش می دهد، جزو اموال زن محسوب می شود یا زن و شوهر؟

ج. جزو اموال زن است.

هدایای دوران نامزدی

۴۵۴۷. هدایایی که در دوران نامزدی بین طرفین رد و بدل می شود، اگر این نامزدی به ازدواج ختم نشود، آیا برای طرفین حق پس گرفتن آنها وجود دارد یا خیر؟

ج. اگر هبه ی معوضه یا دیگر موانع رجوع نباشد، حق رجوع دارند.

هبه تمام اموال به یکی از فرزندان

۴۵۴۸. آیا جایز است شخصی همه اموال خود را به یکی از فرزندانش هبه کند و بقیه را محروم نماید؟

ج. جایز است؛ ولی کار مناسبی نیست و مساوی دادن به همه اولاد مستحب است بلکه تفضیل فی الجمله مکروه است.

هدیه به کفار

۴۵۴۹. گرفتن یا دادن هدیه به کفار چه حکمی دارد؟

ج. گرفتن از آنها اشکال ندارد و دادن هم اگر به غرض متمایل ساختن آنها به اسلام باشد، جایز است.

عیدی به اطفال

۴۵۵۰. اموالی مانند عیدی که به کودک صغیر هدیه داده می شوند و یا در بدو تولد نوزاد هدیه می دهند، آیا ملک خود صغیر محسوب می شوند یا پدر و مادر او؟ و اگر والدین آن را خرج کردند مدیون فرزند هستند یا خیر؟

ج. پدر کودک فقط می تواند آن را در راه صلاح و نفع بچه خرج کند، در غیر این صورت مدیون هستند.

فروش زمین هدیه شده توسط پدر

۴۵۵۱. زید، زمینی را به پسر نابالغ خویش هبه شرعی نموده است، ولی مدتی بعد پدر، مقداری از آن زمین را می فروشد.

۱) آیا معامله پدر نسبت به زمین پسر نابالغ صحیح است یا پدر ضامن می باشد؟

۲) اگر پسر بالغ شود، حق فسخ دارد و اگر حق فسخ دارد، آیا پسر باید به مشتری رجوع کند و مال خودش را بگیرد یا باید به پدرش رجوع کند؟

ج. اگر پدر به عنوان ولی طفل از طرف او قبض کرده، امر هبه تمام است؛ پس اگر آن فروش به مصلحت پسر بوده، صحیح است و پسر بعد از بلوغ هم حق فسخ ندارد و اگر قبض صورت نگرفته بوده، هبه باطل است و معامله مربوط به خود پدر است.

هبه قرآن

۴۵۵۲. اگر کسی به دیگری قرآنی را هدیه بدهد، آیا می تواند آن را پس بگیرد؟

ج. بله.

هبه منافع

۴۵۵۳. آیا هبه ی منافع صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست به عنوان عقد خاص مصطلح.

احکام ازدواج و خانواده

مقدمات ازدواج

بهترین سن برای ازدواج دختر

۴۵۵۴. از نظر شرع مقدس، بهترین سن ازدواج برای دختران چه سنی می باشد؟

ج. بهترین سن، قبل از عادت شدن دختر است.

ازدواج پیر با جوان

۴۵۵۵. آیا ازدواج مردان کهن سال با دختران جوان جایز است؟

ج. جایز است.

مصادیق به حرام افتادن

۴۵۵۶. با توجّه به این که ازدواج در صورتی که انسان به حرام بیفتد واجب است، بفرمایید آیا بعضی از حالات شهوانی که در حال بیداری و بدون قصد حاصل می شود، از مصادیق به حرام افتادن است؟

ج. اگر بی اختیار است، حرام نیست.

۴۵۵۷. منظور از به گناه افتادن در اثر ازدواج نکردن چیست؟

گناهان مقاربتی مراد است یا گناهان دیگری نظیر نگاه شهوت آلود و ... را نیز شامل می شود؟

ج. فرقی نمی کند.

تماس بدنی در دوران نامزدی

۴۵۵۸. در دوران نامزدی بدون صیغه محرمیت، بسیاری از دختر و پسرها با یکدیگر تماس های بدنی دارند (غیر از نزدیکی)، آیا عمل آنها اشکال دارد؟

ج. حرام است.

شرط کردن ازدواج با افرادی خاص

۴۵۵۹. عده ای از دختران دوست دارند مثلاً با سید یا طلبه یا پزشک و یا ... ازدواج کنند و بر این خواسته خود اصرار دارند، به طوری که سن بعضی از آنها خیلی بالا می رود و دیگر کسی حاضر به همسری آنها نمی باشد، آیا شرط گذاردن و پایبندی به این شرایط صحیح است؟

ج. خیر، صحیح نیست؛ مگر در حدی که عقلایی باشد.

میزان آشنایی لازم دختر و پسر با همدیگر

۴۵۶۰. فهمیدن بعضی از مسائل بعد از ازدواج توسط همسر، موجب ناراحتی و در بعضی موارد باعث مشکلات جدی می شود که زندگی زناشویی را با مشکل رو به رو می کند، آیا گفتن آنها قبل از ازدواج واجب است؟

ج. مواردی که نگفتن آنها سبب تدلیس می شود، باید گفته شود.

استخاره برای ازدواج

۴۵۶۱. آیا برای پاسخ دادن به خواستگار دختر، استخاره کردن مورد دارد؟

ج. مورد استخاره بعد از تحقیق و بررسی و مشورت و در هنگام تحیّر است.

۴۵۶۲. آیا در صورت انجام استخاره، عمل به آن واجب است؟

ج. واجب نیست.

۴۵۶۳. آیا در مورد ازدواج، تجدید استخاره جایز است؟

ج. با تغییر شرایط و یا تغییر نیتِ استخاره از حیث شروط و قیود، جایز است.

آموزش های قبل از ازدواج

۴۵۶۴. قبل از ازدواج، مسائل جنسی و غیر جنسی لازم برای زندگی مشترک به دختر و پسر آموزش داده می شود، با توجه به این امر:

۱) حضور دختر و پسر قبل از عقد در چنین جلساتی چه حکمی دارد؟

۲) دیدن فیلم افراد عریان یا نیمه عریان و ... جهت آموزش چگونه است؟

ج. حکم شرعی این مورد با سایر موارد فرقی نمی کند.

عوامل موفقیت در زندگی زناشویی

۴۵۶۵. عامل موفقیت در زندگی مشترك و شرایط ازدواج محمدی چیست؟

ج. محبّت بین طرفین و عمل هر کدام به وظایف شرعی نسبت به دیگری و اغماض هر یك از خطاهای دیگری.

مثبت نبودن جواب آزمایش

۴۵۶۶. اگر آزمایش قبل از ازدواج، اعتیاد یا عدم هماهنگی خونی زن و مرد و در نتیجه ناقص الخلقه شدن فرزند را اعلام کند، ازدواج آن دو با همدیگر چه حکمی دارد؟

ج. مناسب نیست.

ازدواج های حرام و جایز

ازدواج با خواهر زن با رضایت همسر

۴۵۶۷. زمانی که زنی در زوجیت مردی است، در صورتی که زن اجازه دهد آیا مرد می تواند با خواهر او ازدواج کند؟

ج. خیر، نمی تواند ازدواج نماید.

ازدواج با شوهر خاله

۴۵۶۸. آیا در ازدواج با شوهر خاله، اجازه خاله شرط است؟

ج. اجازه او شرط است، ولی اگر بدون اجازه او عقد نمایند و بعداً وی بگوید به آن عقد راضی هستم، بنا بر اقرب اشکال ندارد.

گرفتن خواهرزن

۴۵۶۹. اگر مادربزرگ، نوه ی دختری خود را شیر بدهد، داماد او به همسرش حرام می شود. آیا داماد پس از فوت مادرزن، می تواند با خواهرزن خود ازدواج کند؟

ج. نمی تواند، با خواهر زن ازدواج کند.

طلاق زن و ازدواج با خواهر زن

۴۵۷۰. اگر مردی برای این که با خواهر زن خود ازدواج کند، او را به شکل ظاهری طلاق دهد، در حالی که زن در خانه او باقی بماند، آیا مرد می تواند با خواهرش ازدواج کند؟

ج. اگر طلاق شرعی دهد، می تواند با او ازدواج نماید.

ازدواج با دختر خوانده

۴۵۷۱. ازدواج با دختر خوانده چه وجهی دارد؟

ج. اگر به او محرم نباشد، اشکال ندارد.

نهی اسلام از ازدواج های فامیلی

۴۵۷۲. در بعضی از روایات اسلامی، از ازدواج های فامیلی نزدیک نهی شده است، با توجه به این مطلب، ازدواج حضرت علی علیه السّلام با حضرت فاطمه علیها السّلام که با موافقت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بود، چه توجیهی دارد؟

ج. هر چند خصوص این ازدواج به امر الهی بود؛ اما از این جهت استثنا نبود.

ازدواج با فرقه های منحرف

۴۵۷۳. دادن و گرفتن دختر از فرقه های منحرف چه حکمی دارد؟

ج. صلاح نیست و بعض موارد آن، منع شرعی دارد.

ازدواج با پدر داماد خود

۴۵۷۴. ازدواج مادر با پدر شوهر دختر خویش جایز است؟

ج. بله، جایز است.

ارتداد

۴۵۷۵. مردی بعد از دخول به زوجه، به ارتداد فطری مرتد شده است، اگر توبه کند می تواند مجدّداً به زن رجوع کند؟

ج. نمی تواند.

عدّه ی ارتداد

۴۵۷۶. شوهری مرتد شده و زن مسأله را نمی دانسته است، آیا از حین اطّلاع از مسأله باید عدّه نگهدارد یا از هنگام ارتداد که عقد منفسخ شده است؟

ج. از حین ارتداد باید عده را محاسبه نماید.

ازدواج با مذاهب دیگر

۴۵۷۷. آیا ازدواج مردان سنّی با دختران شیعه جایز است؟

ازدواج مرد شیعه با دختر سنی چه طور؟

ج. در غیر ناصبی و غالی جایز است، ولی ازدواج مرد سنّی با زن شیعه کراهت دارد، به اختلاف مراتب در دوری از ایمان - به معنای اثنی عشری بودن - و می تواند در هر یک از زن و مرد به عناوین ثانویه حرام باشد و بدین لحاظ حکم موارد، مختلف است.

ازدواج با اهل تسنّن

۴۵۷۸. آیا ازدواج زن شیعه با مرد سنّی جایز است یا خیر؟ بر فرض عدم جواز، آیا علاوه بر حرمت تکلیفی، محکوم به بطلان نیز هست؟

ج. وضعاً صحیح است.

ازدواج با کافره

۴۵۷۹. اگر انسان در کشور کفر مشغول تحصیل باشد و نتواند با زن مسلمان ازدواج کند، آیا با زن کافره می تواند ازدواج کند؟

ج. ازدواج موقت با زنان اهل کتاب جایز است.

ازدواج دختر شیعه با سایر فرقه های مسلمان یا اهل کتاب

۴۵۸۰. ازدواج دختران شیعه اثنی عشریه با مردان دارای عقاید دیگر (فرقه های دیگر مسلمانان و یا اهل کتاب) چه حکمی دارد؟

ج. اجتناب نمایند که یا فی الجمله حرام تکلیفیست یا حرام تکلیفی و وضعی می باشد و اللّٰه العالم.

ازدواج با دختری که از فرقه اهل حق است

۴۵۸۱. می خواهم با دختری که از فرقه اهل حق است ازدواج کنم، آیا جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

دختر ربیبه

۴۵۸۲. آیا دختر ربیبه مثل خود ربیبه محرم است؟

دختر ربیب و دختر پسر زن، چه حکمی دارد؟

ج. بلی، محرم هستند.

زن شوهردار

۴۵۸۳. آیا زنا با زن شوهردار موجب حرمت ابدی می شود؟

ج. بله.

حرمت دختر مزنی بها

۴۵۸۴. اگر شخصی پس از خواستگاری از دخترخاله ی خود و قبل از عقد، با خاله خود زنا کند و پس از متوجّه شدن توبه کند، آیا می تواند با دخترخاله ازدواج کند یا خیر؟

اگر خاله، خواهر صُلبی مادر نباشد، یعنی فقط از جانب مادر مشترکند، آیا حکم تفاوتی می کند و مراد از قبل از ازدواج قبل از عقد است یا قبل از خواستگاری و مراسم مُقَدَّماتی؟

ج. نمی توانند با هم ازدواج کنند، علی الاحوط (مسأله ۱۹۱۳ رساله) و فرقی بین انواع خاله ها نیست و مراد از «قبل از ازدواج» قبل از عقد است.

برادر و خواهر ناتنی

۴۵۸۵. حرمت ازدواج برادر با خواهر، از طرف پدر است یا مادر؟ یعنی اگر پدرها یکی باشند و مادرها مختلف و یا بالعکس می توانند با هم ازدواج کنند؟

ج. دو نفر اگر از پدر یکی باشند یا از مادر یکی باشند یا از هر دو، خواهر و برادر هستند و نمی توانند با هم ازدواج کنند.

اختلاف در بقای عقد

۴۵۸۶. در صورت اختلاف بین زن و مردی، در مورد این که عقد نکاح سابق به قوّت خود باقیست و یا به علل شرعی - مثل طلاق و فسخ - زوجیّت خاتمه یافته است، قول کدام یک معتبر و مُقَدَّم است؟

ج. قول به بقای زوجیّت مُقَدَّم است.

ازدواج با بستگان نزدیک

۴۵۸۷. لطفاً نظر مبارک را در رابطه با ازدواج با بستگان نزدیک بیان فرمایید؟

ج. شرعاً جایز است و در بعض موارد آن مطلوب هم هست.

ازدواج با زنان فاحشه

۴۵۸۸. آیا ازدواج کردن با زنان فاحشه حرام است؟

آیا این گونه زنان مرتد هستند؟ آیا می توان به قول آنها مبنی بر نداشتن همسر اعتماد کرد؟

ج. مرتد نیستند و ازدواج با آنان قبل از توبه مکروه است و قبول قول آنها مانعی ندارد؛ هر چند مستحب است عفّت را استعلام کند.

ازدواج با جن

۴۵۸۹. آیا ازدواج دختر با جن جایز است؟

ج. چون معرضیّت زیادی برای فتنه و منازعه دارد و خوف خطر دارد، خلاف احتیاط است و بر تقدیر جواز، احوط متعه است یا اینکه طوری باشد که شرط کنند - به نحو شرط نتیجه - وکالت را که اختیار طلاق با دختر باشد.

البته در صورتی که از جهت اسلام و ایمان کفو باشند.

جواز ازدواج غیر سیّد با سیّده

۴۵۹۰. زن سیّده با مرد غیر سیّد می تواند ازدواج کند یا خیر؟ آیا کفو یکدیگر هستند؟

ج. مسلمان کفو مسلمان است و ازدواج آنها اشکال ندارد.

ازدواج مبتلایان به ایدز

۴۵۹۱. آیا شخص مسلمانی که به ایدز مبتلا می باشد، می تواند دختر مسلمانی را به عقد خود درآورد؟

ج. عقد بلامانع است، ولی اگر وطی همراه با ضرر و موجب سرایت مرض است، ممکن است حکم وجوب تمکین برداشته شده باشد.

ازدواج با فرد زناکار

۴۵۹۲. زنی که در دوران عقد یا زمان عدّه مرتکب زنا شود و بعداً با اطلاع ولی او از این موضوع، به عقد زانی درآید، ازدواج آنها جایز است؟

حکم فرزندانی که حاصل می شود چه می باشد؟

ج. عقد باطل است، مگر این که زنا در عده ی طلاق بائن یا عده ی وفات بوده باشد و فرزندان آنها مادامی که نمی دانستند عقد باطل است، ولد شبهه هستند و لحوق شرعی به آنها دارند.

ازدواج با خواهر و دختر مفعول

۴۵۹۳. شخصی با پسری لواط کرده است، ولی شک دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، آیا ازدواج او با خواهر یا دختر یا مادر آن پسر جایز است؟

ج. به مسأله ی ۱۹۲۳ رساله رجوع شود.

۴۵۹۴. اگر دو پسر عمو یا دو پسر خاله در کودکی با هم لواط کرده اند، آیا یکی از آنها نمی تواند با خواهر دیگری ازدواج کند؟

ج. مادر، خواهر و دختر کسی که لواط داده به لواطکننده حرام است، اگر چه لواطکننده و لواط دهنده بالغ نباشند، ولی اگر کمان کند که دخول نشده، یا شک کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی شوند.

۴۵۹۵. اگر کسی از روی جهل و نادانی با کسی لواط کرده باشد و سپس توبه کند آیا می تواند خواهر او را بگیرد؟

ج. خیر، نمی تواند.

۴۵۹۶. آیا آیه «إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» شخص لواطکننده با خواهر ملوط را شامل نمی شود و باعث این نمی شود که ازدواج آنها صحیح باشد؟

ج. خیر، باعث آن نمی شود.

۴۵۹۷. اگر قبل و بعد از بلوغ عمل شنیعی انجام شود و مطمئناً به مقدار اندک هم دخول نشده، آیا می توان با خواهر آن پسر ازدواج کرد؟

ج. اگر دخول نشده، منعی ندارد.

۴۵۹۸. در رساله

آمده:

«مادربزرگ و مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواطکننده حرام است، اگر چه لواطکننده و لواط دهنده بالغ نباشند». سؤال این که شخصی در سن ۱۲ سالگی دست به چنین عملی زده و بعداً هم خواهر آن پسر را گرفته و دارای فرزندانی است، چون مسأله را نمی دانسته و تازه متوجّه شده که آن زن بر او حرام است، حکم مسأله چیست؟

اگر باید از هم جدا شوند، زن از نظر مهریه و نفقه چه حکمی دارد؟

آیا زن می تواند بگوید من همه ی مهریه و نفقه ام را می خواهم؟

ج. در فرض مسأله اگر در لواط دخول واقع شده، زوجه بر شوهر خود حرام مؤبّد است و باید از یکدیگر جدا شوند و مرد هم باید تمام مهریّه ی زوجه را که مهر المثل است بپردازد و زن نفقه ندارد و نسبت اولاد هم به پدر و مادر محفوظ است و اولاد شرعی آنها می باشند و اللّه العالم.

لواط با برادر همسر

۴۵۹۹. من فعلاًـ دارای همسر و چند فرزند هستم، ولی در زمان طفولیّت با برادر همسرم، متأسفانه لواط کرده ام. در موقع ازدواج هم ملتفت بودم، ولی به خاطر مادرم قبول کردم و فعلاً بسیار ناراحتم، بفرمایید تکلیفم چیست؟

ج. اگر یقین به دخول در فعل لواط دارید، واجب است فوراً از همسرتان جدا شوید و به هم حرام هستید.

ازدواج در عدّه ی رجعیّه با خواهر زن

۴۶۰۰. هرگاه زوجه مطلّقه رجعیّه فوت کند، آیا شوهر وی در عدّه ی او می تواند با خواهر آن زن ازدواج کند؟

ج. بله، می تواند.

عدم رعایت عدّه

۴۶۰۱. دختری نامزد جوانی بوده است و برای رعایت مسائل شرعی، صیغه عقد موقّت خوانده بودند و با هم خلوت می کردند و جوان از راه دُبر با دختر نزدیکی می کرده است؛ ولی بعد از مدّتی از هم جدا می شوند و دختر که جاهل بوده و نمی دانسته این آمیزش هم عدّه دارد، در زمان عدّه ی شرعی به عقد دائم دیگری درآمده و فعلاً بعد از چند سال زندگی متوجّه شده است، حکم او چیست؟

ج. اگر نزدیکی شوهر دوم در زمان عده نبوده، عقد باطل است، ولی زن بر او حرام نمی شود، بلکه می تواند بعداً زن را عقد نماید.

کسی که اهل نماز نیست

۴۶۰۲. آیا ازدواج با دختری که به ظاهر مسلمان است ولی اهل نماز نیست، مثل ازدواج با کافر است؟

ج. خیر.

ازدواج با مادرزن فرزند

۴۶۰۳. آیا ازدواج پدر با مادر زن فرزند خویش شرعاً جایز است؟

ج. جایز است.

ازدواج خنثی

۴۶۰۴. آیا ازدواج دو خنثی با یکدیگر جایز است؟

ج. صحیح نیست.

۴۶۰۵. اگر دو نفر خنثی با یکدیگر ازدواج نمایند و بعد از مدّتی معلوم شود که هر دو مذکّر یا مؤنّث هستند، تکلیف چیست؟

ج. باید از یکدیگر جدا شوند.

صیغه عقد

نحوه خواندن عقد دائم و موقت

۴۶۰۶. نحوه خواندن عقد چگونه است؟

آیا خود فرد می تواند آن را بخواند؟

ج. نحوه خواندن عقد در مسأله ی ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳ به تفصیل ذکر شده است و خود فرد نیز می تواند آن را بخواند.

عدم اشتراط عربی خواندن صیغه

۴۶۰۷. در صورت جواز متعه اهل کتاب در کشورهای غربی، آیا صیغه عقد باید به زبان عربی خوانده شود یا همان توافق بین دو نفر بر زمان و مهریه ی معلوم (در قالب هدیه) کفایت می کند؟

ج. باید صیغه خوانده شود، هر چند که عربی خواندن صیغه شرط نیست.

عقد کسی که زبان عربی بلد نیست

۴۶۰۸. کسی که قادر به خواندن صیغه عقد به زبان عربی نباشد، در چه صورتی عقد او صحیح است؟

ج. بنا بر اظهر، ترجمه صیغه عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافیست و احتیاط مستحب، عربی بودن صیغه است و برای کسی که نمی تواند صیغه عربی را بخواند و یا وکیل بگیرد، قطعاً ترجمه کافی است.

قصد انشاء در عقد

۴۶۰۹. قصد انشا هنگام خواندن صیغه عقد به چه معناست؟

و آیا شخص عقدکننده، حتماً باید فرق اخبار و انشا را بداند؟

ج. یعنی قصد کند که به سبب اجرای صیغه می خواهد عقد زوجیّت را ایجاد کند و میزان همین قصد است، نه توجه به فرق بین اخبار و انشا.

صیغه عقد به زبان غیر عربی

۴۶۱۰. آیا خواندن صیغه عقد به زبان های غیر عربی جایز است؟

ج. بنا بر اظهر، ترجمه صیغه عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافی است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۸۸۴ رساله رجوع شود.)

اکراه به ازدواج

۴۶۱۱. خانمی خانه دار هستم، قبل از ازدواج با شوهرم به مرد دیگری علاقه مند بودم، ولی مرا با تهدید به ازدواج با این مرد که شوهرم هست وادار کردند و چون راه به جایی نمی بردم، لاجرم زمان عقد هنگامی که عاقد از من وکالت می گرفت، در قلبم نیّت همان نامزد اوّلی را کردم و در ظاهر بله به دوّمی به حساب آمد. حال نمی دانم وضعیّت زندگی و بچه های من چگونه است؟

ج. شما اگر بعد از عقد هم به عقدی که واقع شده رضایت داده باشید، به طوری که نیّت مذکور خطوری بیش نبوده، ازدواج بین شما و شوهرتان نافذ و تمام است.

اما اگر توریه کرده و اساساً عقد بدون قصد واقع شده باشد، عقد شما اشکال دارد.

وکالت در عقد

۴۶۱۲. آیا یک نفر می تواند اصاله و وکاله عقد را به فارسی یا عربی اجرا کند؟

ج. بله، می تواند.

معاطات در نکاح

۴۶۱۳. آیا می توان در نکاح نیز مانند سایر عقود قایل به معاطات شد؟

ج. خیر نمی شود.

عدم اطّلاع عقدکننده از شرایط و معنای صیغه

۴۶۱۴. اگر عاقد از شرایط نکاح و معنای صیغه آگاهی نداشته باشد، آیا عقد نکاح صحیح است؟

ج. محل تأمل است، پس خلاف احتیاط است.

(مسأله ی ۱۸۸۴ رساله)

اجرای عقد بدون انقضای عقد موقّت

۴۶۱۵. کسی که بدون انقضای عقد موقّت یا بخشیدن بقیّه مدّت، عقد دائم اجرا کند و بعداً متوجّه شود، آیا عقد دائم او باطل است؟

ج. بله، باطل است.

تکرار صیغه عقد

۴۶۱۶. اگر صیغه عقد توسط چند نفر خوانده شود تکرار صیغه، ضرری به صحّت آن نمی زند؟ اگر صیغه توسط یک نفر ولی چند مرتبه خوانده شود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

اختلاف مرجع زوجین در تعدّد موجب و قابل

۴۶۱۷. مرد، مقلّد مرجعیست که مثلاً تعدّد موجب و قابل را شرط می داند و زن از مجتهدی تقلید می کند که اتّحاد موجب و قابل را کافی می داند. در اینجا طبق نظر کدام یک از این دو مرجع باید عمل کرد؟

ج. طبق نظر مرجع مرد عمل کنند.

وکالت ضمن عقد نکاح

۴۶۱۸. آیا شوهر، می تواند، زن را وکیل کند که هر موقعی که خواست از زوج جدا شود؟

ج. خیر، ولی می تواند زن را وکیل کند که از طرف زوج طلاق دهد.

۴۶۱۹. آیا قرار دادن شرط وکالت طلاق در عقد ازدواج برای فرد ثالث صحیح است؟

ج. مانعی ندارد.

لزوم صحت قرائت صیغه

۴۶۲۰. در مواقعی که صیغه عقد توسط وکیل جاری می گردد، اگر او ضمن اجرای صیغه بعضی از حروف را اشتباهی به کار ببرد، آیا غلط بودن این حروف صحّت عقد را با مشکل رو به رو می کند؟

ج. بله، مشکل می شود.

حضور نداشتن یکی از زوجین در عقد

۴۶۲۱. در زمان اجرای صیغه عقد، اگر یکی از زوجین حضور نداشته باشد، آیا عقد صحیح است؟

ج. اگر زوجین کاملاً مشخص شوند، عقد صحیح است.

جاری کردن صیغه عقد به صورت غیر حضوری

۴۶۲۲. اگر صیغه عقد به صورت غیر حضوری، به وسیله ی تماس تلفنی، فیلم ویدیویی و ... توسط زوجین یا وکیل آنها اجرا شود، عقد حاصل صحیح است یا خیر؟

ج. در صورت مشخص شدن کامل دو زوج، عقد صحیح است.

واجب بودن الفاظ مخصوص در عقد

۴۶۲۳. چه لزومی دارد که صیغه عقد با ادا کردن الفاظ مخصوص جاری شود، در حالی که می توان از طریق حالات و حرکات زوجین از قصد و رضایت آنها مطّلع شد؟

ج. باید صیغه صحیح خوانده شود.

شروط محضر جهت ازدواج

۴۶۲۴. در این زمان برای ثبت ازدواج در دفاتر رسمی شروطی را الزاماً قید کرده و مرد را ملزم به رعایت آن شروط می نمایند. آیا این شرایط در خواندن عقد دخالت دارد؟

اگر عقدی بدون این شروط و خارج از محضر خوانده شود و در محضر صرفاً این شروط امضا شود، آیا الزام آور خواهد بود؟

ج. اگر آن شروط ضمن عقد لازمی ذکر شود و بدون الزام به توافق زوجین برسد، آن شروط اعتبار دارد.

کراهت پسر یا دختر به ازدواج

۴۶۲۵. ولی شرعی، پسر یا دختری را پیش از بلوغ با رعایت عدم مفسده، به ازدواج دیگری در می آورد. آیا کراهت پسر یا دختر از این ازدواج پس از بلوغ اثری دارد و موجب خیار فسخ می شود؟

ج. کراهت آنها پس از بلوغ اثری ندارد و اختیار فسخ ندارند؛ مگر اینکه به بیّنه اثبات کنند که هنگام عقد مفسده داشته است.

ملاک ساقط شدن اذن ولی در باکره

۴۶۲۶. آیا شرایط اذن پدر یا جد پدری در عقد دختر باکره با ازاله ی بکارت دختر [به دلیل طبّی، تجاوز به عنف یا به دلیل ارتکاب زنا] ساقط می شود؟ یعنی آیا ساقط شدن اذن، مترتّب بر ازدواج رسمی و معتبر اجتماعی و همسرداری و متعاقباً طلاق یا فوت است؟

یا خیر، مترتّب بر ازاله ی بکارت است؟

ج. میزان در سقوط اذن، ازاله ی بکارت به جماع است.

اذن پدر در ازدواج دائم و موقت

۴۶۲۷. آیا اذن پدر در ازدواج باکره شرط است؟

و آیا فرقی بین ازدواج دائم و موقّت وجود دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب تکلیفاً واجب است و فرق نمی کند.

اجازه مادر در عقد

۴۶۲۸. اگر پدر فوت کند، آیا مادر می تواند اجازه ی صیغه دخترش را بدهد؟

ج. مادر ولایت ندارد و اگر جد پدری هم ندارد، در بالغه رشیده احتیاج به اذن نیست.

۴۶۲۹. دختر باکره با اذن پدر ازدواج کرده و قبل از دخول مطلّقه شده، اگر دوباره بخواهد ازدواج کند، آیا بازهم اذن پدر لازم است؟

ج. بله، احتیاطاً.

لزوم رضایت طرفین در عقد نکاح

۴۶۳۰. پدری دختر ۱۳ ساله ی خود را به مرد ۴۰ ساله، بدون مشورت او نامزد کرده و مبلغی از خواستگار گرفته است.

موقع عقد دختر مخالفت کرده، ولی پدر با تهدید و کتک او را به عقد مجبور کرده است.

عاقد هم از پدر طرفداری کرده و با گرفتن بله به طور جبر و اکراه صیغه را جاری کرده است.

حکم چنین عقدی چیست؟

ج. اگر زن را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شود و بگوید به آن عقد راضی هستم، عقد صحیح است.

اجبار دختر به عقد

۴۶۳۱. تزویج دختر بالغه ی رشیده به اجبار به صورتی که قطعاً راضی نیست، چه حکمی دارد؟

آیا پدر شرعاً می تواند چنین کاری کند؟

ج. پدر نمی تواند و دختر باید عقد را اجازه کند.

۴۶۳۲. در فرض فوق اگر زوجه بعد از چند سال به این ازدواج راضی شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر طیب خاطر منظور است، آن شرط صحت نیست؛ بلکه اگر در این حد راضی بوده که روابط زناشویی ایشان شرعی باشد، همان برای اجازه ی عقد کافی است.

۴۶۳۳. در فرض فوق حکم فرزندانی که از این ازدواج پیدا شده اند چیست؟

ج. با فرض مزبور مثل سایرین هستند.

دعوت به ازدواج موقت بدون اذن ولی

۴۶۳۴. با توجه به کثرت جوانانی که امکان ازدواج ندارند و از طرق نامشروع به ارضای خویش می پردازند، آیا می توان به صورت کلی و بدون هیچ قید و شرطی (حتی اذن ولی)، از آنان به ازدواج موقت دعوت کرد؟

ج. اذن پدر دختر باکره، تکلیفاً لازم است.

موارد سقوط اذن ولی در ازدواج باکره

۴۶۳۵. اذن ولی در چه شرایطی از دختر باکره، ساقط می شود؟

ج. اگر پدر و جد پدری غایب باشند، به گونه ای که نشود از آنان اذن گرفت و ازدواج برای دختر لازم باشد، یا در ازدواج نکردن ضرر یا مشقت شدیدی باشد و همچنین اگر پدر یا جد پدری از ازدواج با کسی که هم کفو اوست، با وجود تمام مقدمات و شرایط ممانعت کنند و او نیز به ازدواج تمایل دارد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، با اجتماع تمام شرایط می

تواند ازدواج نماید.

رضایت ولی در امر ازدواج فرزند صغیر

۴۶۳۶. در عصر و زمان ما، ولایت پدر (ولی) در امر ازدواج بر فرزند صغیرش تا چه حدی است؟

ج. تا حدی که برای فرزند مصلحت داشته باشد و مفسده ای نداشته باشد.

اعتماد به گفته ی دختر مبنی بر رضایت والدینش نسبت به ازدواج

۴۶۳۷. آیا اگر دختر گفت پدر و مادرم به ازدواج من راضی هستند، می شود به گفته او، بدون اذن پدر یا جد پدری او ازدواج کرد؟

ج. اگر به صداقت او اطمینان حاصل شود، مانعی ندارد.

ازدواج دختری که به سن رشد رسیده

۴۶۳۸. آیا دختری که به سن رشد رسیده و پدر و پدر بزرگ ندارد، می تواند خودش ازدواج کند؟

ج. چنان چه به مصلحت او باشد، اشکالی ندارد.

تفاوت رضایت بر دوستی با رضایت بر ازدواج

۴۶۳۹. آیا اگر دختر و پسری همدیگر را دوست داشته باشند و پدر پسر و دختر نیز به این دوستی راضی باشند، برای اجرای عقد کفایت می کند؟

ج. خیر.

شروط ضمن عقد نکاح

شرط عدم انفاق

۴۶۴۰. آیا شوهر ضمن عقد ازدواج می تواند عدم انفاق را، به معنی اسقاط حق نفقه شرط کند؟

ج. عدم استحقاق را نمی تواند، ولی عدم انفاق فعلیّه را می تواند شرط نماید.

شرط عدم نزدیکی

۴۶۴۱. آیا در عقد دائم می توان شرط کرد که بین زن و مرد نزدیکی صورت نگیرد؟

ج. اگر شرط عقلایی و غیر سفهی باشد، نافذ است.

شرط در مورد کارهای منزل

۴۶۴۲. آیا این شرط که همسر در آینده کارهای معمول منزل را انجام دهد صحیح است؟

و در صورتی که به شرط عمل نکرد، حکم آن چیست؟

ج. شرط صحیح و واجب الوفاء است و شرط ضمن نکاح الزام آور هست؛ اما خیارآور نیست.

شرط مقدار تمکین

۴۶۴۳. اگر زن دائمی شرط کند که هفته ای فقط یکی دو بار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

ج. ظاهراً صحیح است.

شرط نوع تمکین

۴۶۴۴. اگر نوع و مقدار تمکین توسط زن شرط شود، در چه صورتی لازم الاجرا است؟

آیا باید لزوماً ضمن عقد نکاح باشد، یا این که اگر بعد از آن باشد و مورد قبول زوج باشد نیز قابل قبول است؟

ج. اگر ضمن عقد شرط شود با فرض عقلایی بودن و سفهی نبودن، لازم الاجرا است.

شرط عدم تمکین

۴۶۴۵. زن ضـمن عقد نکاح شرط می کند که شوهر هیچ گونه استمتاعی از او نبرد. آیا این شرط خلاف مقتضای عقد است یا صحیح و نافذ است؟

ج. در محدوده ای که عقلایی باشد و سفهی نباشد، نافذ است.

شرط بکارت دختر

۴۶۴۶. اگر عقد نکاح مشروط به باکره بودن دختر باشد، در صورت باکره نبودن دختر، آیا شوهر حق فسخ دارد؟

ج. اگر ثابت شود که قبل از عقد باکره نبوده، شوهر حق فسخ دارد.

شرط خرید اشیا

۴۶۴۷. اگر شـرط عروسـی از طرف خـانواده ی عروس، خریـداری طلاـ و ملزومـات دیگر باشـد، ولی مرد بـه علّـت شـرایط بد

اقتصادی از این امر سرباز زند، آیا با توجّه به این که زن فعلاً در خانه ی پدری خود زندگی می کند، می تواند زن را بدون هیچ تشریفاتی به خانه خود ببرد یا خیر؟

ج. اگر شرط ضمن عقد شده باشد، باید به شرایط عمل کند.

شرط عدم ازدواج مجدّد

۴۶۴۸. از جمله ی شروط ضمن عقد نکاح این جانب، عدم ازدواج دوّم می باشد.

چنان چه با داشتن همسر دائم به دلیل عسر و حرج ایجاد شده توسّط زوجه، اقدام به ازدواج موقّت نمایم، آیا از نظر شرعی ازدواج مذکور [ازدواج موقّت] باعث فراهم نمودن موجبات طلاق از ناحیه ی زوجه ی دائم می گردد؟

ج. خیر و ازدواج مذکور جایز و صحیح بوده است و اگر شرط شده که در صورت ازدواج دوّم مطلقاً زوجه در طلاق وکیل باشد، شرط صحیح است و ازدواج دوّم بر ازدواج موقّت هم صدق می کند، هر چند عقد مزبور به دلیل عسر و حرج انجام گرفته باشد، مگر مدّت به اندازه ای کم باشد که به مجرّد اطّلاع زوجه، مدّت منتفی شده باشد که ممکن است مشمول شرط نباشد.

۴۶۴۹. با توجه به این که امروزه یکی از شرایطی که در عقد نکاح گذارده می شود «عدم ازدواج مجدد زوج» می باشد و این نکته که بیان می شود «این شرط صحیح نیست».

آیا این موضوع باعث سستی زوج نسبت به تعهدهایی که در قبال زوجه دارد و تشویق او به ازدواج مجدد، نمی شود؟

ج. مرد شرعاً حق دارد تا چهار زن دائم داشته باشد، پس اگر این شرط به معنای سلب حق است صحیح نیست و

انحای دیگری از شرط فعل یا شرط نتیجه ممکن است، که صحیح است.

۴۶۵۰. مردی ضمن عقد شرط کرده بود که ازدواج مجدد ننماید، آیا در صورت تخلف و تجدید فراش، زن حق فسخ عقد را دارد یا مرد فقط عمل حرامی مرتکب شده است؟

ج. این شرط اگر به معنای سلب حق بوده است اصلاً صحیح و نافذ نیست و اگر به نحو صحیحی بوده است، شرط در ضمن عقد نکاح خیارآور نیست، هر چند الزام آور هست.

انتخاب مسکن یا عدم شرط

۴۶۵۱. آیا زوجه بدون این که در مورد انتخاب مسکن شرطی بکند حق دارد به منزلی که زوج اجاره کرده یا تهیه نموده نرود؟ و آیا در این صورت حق مطالبه ی نفقه را دارد؟

ج. حق ندارد، اگر در حد نفقه واجبه که شوهر باید تهیه کند هست و با امتناع، در بعض موارد، ناشزه محسوب می شود.

رجوع زوج از اجازه تحصیل زوجه

۴۶۵۲. زوج ابتدا به زوجه اجازه می دهد که برای تحصیل و درس خواندن از خانه بیرون برود ولی پس از است خدام به کاری، اجازه اشتغال وی را نمی دهد. آیا زوج حق دارد از اجازه اش برگردد؟ حکم اشتغال زوجه چیست؟

ج. اگر اجازه ی اوّلِ زوج، شرط ضمن عقد نبوده است، زوج می تواند از اجازه اش برگردد و و در این صورت خروج از منزل هم برای زوجه حرام است.

تخلف از شرط عقد توسط شوهر

۴۶۵۳. اگر هنگام عقد زوج شرایطی را قبول کند، ولی بعد از ازدواج از شرط خود تخلف کند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر شرط صحیح و نافذ بوده، تخلف از آن حرمت تکلیفی دارد و قابل الزام است، امّا حق فسخ نمی آورد.

شرط پرداخت پول به پدرزن

۴۶۵۴. آیا زن می تواند در عقد ازدواج شرط کند که داماد علاوه بر مهریه، مقداری پول هم به پدر یا مادر عروس بدهد؟ آیا چنین شرطی لازم الوفاء است؟

ج. بله، لازم الوفاء است.

سلب حق ازدواج مجدد از خود

۴۶۵۵. آیا مرد می تواند ضمن عقد نکاح حق ازدواج مجدد را از خود سلب کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

گذاشتن شروط در عقد نکاح

۴۶۵۶. آیا زوجه ضمن عقد نکاح، می تواند هر نوع شرطی بگذارد، به این معنا که او در گذاردن هر نوع شرطی آزاد باشد و با اشکالی مواجه نباشد ولی مرد بتواند شروطی که قادر به انجام آنها نیست قبول نکند؟

ج. هر شرطی که شرعاً صحیح باشد را با توافق زوج ضمن عقد حق دارد قرار دهد و اگر زوج قبول نکرد، آن شرط نافذ نیست.

اختیارات زن در شرط ضمن عقد

۴۶۵۷. آیا زن می تواند در عقد نکاح شرط کند که بعد از ازدواج شرایطی را تعیین کند به این معنا که ضمن عقد نکاح شرط مطلق بگذارد که بعد از ازدواج مصادیق آن را مشخص کند که از طرف مرد لازم الاجرا باشد؟

ج. خیر، چون عقلایی نیست.

مفاد عقدنامه ها

۴۶۵۸. در عقدنامه ها دو بند زیر ذکر شده است:

الف)

ضمن عقد خارج لازم عقد نکاح زوجه شرط کرد هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلّف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده، زوج موظّف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایّام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل کند.

ب)

ضمن عقد خارج لازم عقد نکاح زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در غیر موارد مشروحه ی زیر با رجوع به دادگاه و اخذ مجوّز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلّقه کند و نیز به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول بذل کند.

سؤالات زیر در این رابطه مطرح است:

۱) آیا بند الف و ب شرط فعل است یا شرط نتیجه؟

ج. اولی شرط فعل است و هم چنین ظاهر دومی، هر چند قابل حمل بر شرط نتیجه هم هست.

۲) آیا می توان با توافق زوجین این وکالت را به هم زد یا این که وکالت کما کان باقی است؟

ج. اگر منظور طرفین، شرط نتیجه بوده، قابل رفع نیست و اگر شرط فعل بوده احکام عقد وکالت در آن جاریست

و قید بلاعزل فایده ندارد.

۳) امروزه عاقد با گرفتن کلیه شروط مذکوره در قباله، بدون قرائت شروط، صیغه را جاری می کند و حال آن که اگر مرد این شروط را بداند، ممکن است قبول نکند.

در صورت جهل به شروط وظیفه چیست؟

ج. باید شروط مذکوره به زوجین تفهیم شود.

مهریه

نهایت حق امتناع زوجه از تمکین برای اخذ مهر

۴۶۵۹. حق امتناع زوجه از تمکین برای گرفتن مهریه پیش از دخول، تا چه زمانی باقی است؟

ج. اگر زمان مشخصی در بین نبوده است، این حق تا گرفتن تمام مهریه باقی است.

حق زن برای مطالبه مهریه قبل از دخول

۴۶۶۰. در بحث طلاق غیر مدخولٌ بها آمده که مالك نصف مهریّه می باشد و در مدخولٌ بها آمده که مالك تمام مهریه است.

سؤال این که آیا زن قبل از اجازه ی مواقعه، حق مطالبه ی همه ی مهریه را دارد یا نصف آن را؟

ج. حق مطالبه ی همه ی مهریّه را دارد.

تعیین مهریه بدون دخالت عروس و داماد

۴۶۶۱. در برخی از مناطق رسم آن است که بزرگان فامیل دختر و پسر متکفّل تعیین مهریه می شوند، در صورتی که پسر قلباً رضایتی به آنچه آنان تعیین کرده اند ندارد، آیا آن مهریه بر ذمه ی او خواهد بود؟

ج. طیب خاطر و رضایت قلبی میزان است، پس اگر در وقت عقد رضایت به آن ندهد و بعد از عقد هم راضی نشود، آن مهریه به ذمه ی او نخواهد بود.

حال بودن و مؤجّل بودن مهر

۴۶۶۲. در عرف معمول خواستگاری خانواده ها، مهریّه را کسی حالاً خواستار نمی باشد و می دانند اگر چنین تقاضایی بکنند، به جهت بالاـ بودن مهریّه، عملاًـ ازدواجی صورت نمی گیرد و از طرفی برای آن زمانی را مشخّص نمی کنند و در عقدنامه ازدواج نوشته می شود مهریه عندالمطالبه پرداخت شود، آیا مهریّه حال است یا مؤجّل؟

ج. در هر دو مورد مذکور در سؤال، مهریّه حال حساب می شود.

معسر بودن زوج و تقاضای تمام مهر

۴۶۶۳. در صورت حال بودن مهریه و ناتوانی زوج از پرداخت تمام آن به صورت نقدی، آیا زوجه می تواند مهریه را – به فرض این که باکره است – به طور کامل درخواست کند؟

ج. زن تا پرداخت تمام مهریه حق مطالبه جهت تمکین دارد؛ هر چند مرد معسر، معذور است.

زمان مطالبه ی نصف مهر

۴۶۶۴. اگر زوجه غیر مدخوله باشد، بلافاصله بعد از جاری شدن عقد، می تواند مطالبه ی نصف مهریّه نماید؟

ج. به تمام شدن عقد، زوجه می تواند تمام مهر را مطالبه کند، به شرط یسار زوج، مگر در صورتی که مؤجّل باشد و اگر طلاق یا فوت یا فسخ – در موارد عنن – قبل از دخول، واقع شد، مهریّه تنصیف می شود و اللّٰه العالم.

قسط بندی مهریه و تمکین زن

۴۶۶۵. اگر زوج معسر بود و به تکلیف دادگاه ملزم به پرداخت مهریه به صورت قسطی شد، با توجّه به این که امروزه مهریه ها بالاست و پرداخت قسطی آن هم سال ها طول می کشد تا تمام شود، آیا با این وجود با فرض باکره بودن و عدم مواقعه، زن حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

ج. اگر تأجیل رافع حق مطالبه، به نحو شرعی محقق شد، با دریافت اوّلین قسط – حال اگر باشد – دیگر حق امتناع از مواقعه ندارد.

حق امتناع از تمکین برای زن

۴۶۶۶. زنی با توجّه به این که شوهر توان مالی جهت پرداخت مهریه ندارد، به عقد او در می آید. آیا بعد از عقد می تواند تا وصول مهر از تمکین امتناع کند؟

ج. اگر مهر حال و غیر مؤجّل باشد، حق امتناع دارد.

تخلّف از غیر تمکین برای دریافت مهر

۴۶۶۷. در صورت حال بودن مهر، زوجه غیر مدخول بها حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکند.

امّا آیا حق دارد در غیر تمکین، از زوج اطاعت نداشته باشد؛ مثلاً منزل خانواده ی خود بماند و هر جا خواست برود هر کار خواست بکند؟ در این صورت می تواند نفقه را مطالبه نماید؟

ج. حق ندارد و اگر اطاعت در این امور نکند، ناشزه می شود و حق نفقه ندارد.

آمیزش از پشت و تقاضای مهریه

۴۶۶۸. اگر دختر و پسر در ایام عقد از پشت آمیزش کرده باشند، آیا دختر حق دریافت کل مهریه را با عدم پذیرش تمکین از جلو دارد؟

ج. خیر ندارد، اگر عمل او اسقاط حق بوده و اختیاری و از روی اکراه نبوده است.

تعارض اظهارات زن و مرد در مهر و تمکین

۴۶۶۹. اگر زن بگوید:

اگر مهریه ام را بگیرم تمکین می کنم؛ ولی شوهر بگوید:

در صورتی که مهریه را بگیرد نیز از تمکین خود داری می کند، در چنین صورتی، اظهارات کدام یک باید مبنا و ملاک عمل قرار گیرد؟

ج. در این صورت باید مهر را نزد شخص امینی قرار دهند تا پس از تمکین به زوجه بدهد.

رابطه طلاق با تقاضای مهر

۴۶۷۰. اگر زن قبل از تمکین، مهریه خود را طلب کند، ولی مرد قادر به پرداخت آن نباشد، آیا می تواند تقاضای طلاق کند؟ در صورت جواز، آیا این موضوع موجب سست شدن بنیان خانواده نمی شود چون امروزه بسیاری از زنان به محض گرفتن مهریه، از شوهر خود جدا می شوند؟

ج. خیر، امر طلاق به دست مرد است.

مراد از تمکین

۴۶۷۱. در مواردی که مهریه حال باشد و زن مطالبه ی آن را نماید، می فرمایند که زوجه حق دارد تمکین نکند.

آیا مراد از تمکین همان اجازه ی نزدیکیست یا خیر؟

ج. بلی، خود را در معرض آن درآوردن است.

مهر السنّه

۴۶۷۲. مهر السنّه که پانصد درهم می باشد، یک درهم آن معادل چند گرم می باشد؟

ج. درهم شرعی مراد است که هر درهم ۶ / ۱۲ نخود است و هر نخود تقریباً ۲ / گرم است؛ پس هر درهم تقریباً ۵ / ۲ گرم است و مهر السنه تقریباً یک و ربع کیلو نقره مسکوک است.

۴۶۷۳. قرار دادن «مهر السّنه» به تنهایی به عنوان مهریه ی یک زن در چه صورتی صحیح است؟

ج. مطلقاً صحیح است.

۴۶۷۴. اگر زنی مهریه خود را مهر السّنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد یا مهر المثل؟

ج. معادل مهر السّنه را طلب دارد.

اختلاف در نزدیکی و عدم آن

۴۶۷۵. زوجین بعد از عقد ازدواج قصد جدایی از هم را دارند و زوجه مدّعیست به واسطه ی نزدیکی، مستحق کل مهریه است و زوج به جهت عدم نزدیکی، زوجه را مستحق نصف مهریه می داند، در صورت اختلاف بین زوجین در عقد نکاح در این که نزدیکی صورت گرفته است یا خیر، قول کدام یک مُقَدَّم و معتبر است؟

ج. اگر برای حاکم استعلام حال ممکن نیست، قول زوج مُقَدَّم است.

نشوز و حق مهر

۴۶۷۶. هرگاه زنی به خانه ی شوهر آمده و پس از مدّت کمی خانه ی شوهر را بدون جهت و اجازه ی شوهر ترک کند و به خانه ی پدرش برود و دیگر حاضر به آمدن به خانه ی شوهر نباشد و تقاضای طلاق کند، آیا حقّی به مهریه دارد یا نه؟

ج. در غیر طلاق خلع یا مبارات (مقدار بذل)، حق مهریه دارد.

بخشیدن مهر بعد از فوت شوهر

۴۶۷۷. زنی مهریه ای را که از شوهر طلب کار است و در ذمّه ی او است؛ پس از فوت شوهر بخشیده، آیا این بخشش، حکم ابراء را دارد یا هبه است؟

ج. ابراء است و شرایط بخشش را ندارد.

فوت یکی از زوجین

۴۶۷۸. هرگاه یکی از زوجین قبل از دخول فوت کند، آیا تمام مهر را باید به زن داد یا نصف می شود؟

ج. مهر نصف می شود.

خودکشی زن و مسأله ی مهر

۴۶۷۹. هرگاه زن بعد از عقد و قبل از دخول خودکشی کند، آیا تمام مهر را می برد یا نصف را؟

ج. بنا بر اقوی مهر نصف می شود.

ارش از بین بردن بکارت

۴۶۸۰. شخصی با دختر باکره ای زنا کرده و با رضایت دختر ازاله ی بکارت نموده که مهر در این صورت ثابت نیست، آیا @ارش ازاله ی بکارت ثابت است یا نه؟

ج. در این تأمّل است، پس احتیاط در مصالحه است.

اعتبار قیمت طلا در مهر

۴۶۸۱. در سند ازدواج، مهریه را یکصد سکّه بهار آزادی به قیمت چهارصد هزار تومان قرار داده اند، اکنون که ۱۵ سال از آن تاریخ می گذرد و قیمت طلا چند برابر شده، میزان طلاست یا پول رایج آن موقع؟

ج. ظاهراً طلا میزان است.

قرار دادن سفر حج یا عمره به عنوان مهر

۴۶۸۲. آیا قرار دادن سفر حج تمتّع یا حج عمره به عنوان مهریّه جایز است یا نه؟

ج. مانع ندارد و بهتر است قیمت آن هم تعیین شود.

مهریه ی یک جلد کلام اللّه مجید

۴۶۸۳. اگر مهریه ی زن یک جلد کلام اللّه مجید باشد، آیا هنگام طلاق همان را باید به زن داد؟

ج. بله، زاید بر آن واجب نیست.

طی مدارج علمی به عنوان صداق

۴۶۸۴. آیا جایز است صداق را طی نمودن مدارج علمی مشخص نمود؟

ج. هر عملِ مشروع متموّل، جایز است صداق قرار داده شود.

رابطه بکارت و مهریه

۴۶۸۵. خانمی که شوهری اختیار نکرده است، ولی قبلاً ازاله ی بکارت شـده است، باکره محسوب می گردد؟ چنان چه وی به عقد مردی درآید و قبل از نزدیکی شوهر، طلاق بگیرد آیا مشمول مهریّه می باشد یا خیر؟ به چه نسبتی از مهریه؟

ج. مهریه در طلاق قبل از دخول نصف است و اختیار طلاق با مرد است و بکارت و عدم آن در این مورد دخالت ندارد.

طلب مهریّه از پدر شوهر

۴۶۸۶. همسر پسری در یکی از ملک های پدر، مهریه دارد. آیا با عدم یقین به عقل پدر، وظیفه ی فرزندان پدر چیست؟

ج. همسـر حق دریافت مهر خود را دارد و با فرض این که شـعور پـدر، هر چنـد به حکم استصـحاب برقرار نباشـد، بایـد با نظر حاکم شرع تحویل دهند.

تعهّد به پرداخت مهر توسّط پدر شوهر

۴۶۸۷. اگر پـدر شـوهر مهریه ی عروس را قبـول کنـد، آیـا پرداخت مهر بر او واجب می شود و یـا بر عهـده شوهر است و اگر بمیرد، مهریه ساقط می شود یا از مال او باید بدهند یا به عهده شوهر انتقال پیدا می کند؟

ج. مهریه بر عهده شوهر است و مجرّد وعده – که در ضمن عقدی نباشد – الزام آور نیست، به خلاف این که هنگام عقد، پدر شوهر مهریه را ضامن شود که دینِ بر عهده اوست که در این صورت اگر وفات کند، از عهده شوهر ساقط است.

مهریه هایی که در اثر زمان کم ارزش شده

۴۶۸۸. مهریـه هـایی که مثلاً ۴۰ سـال قبـل هزار تومان بوده، آیا اکنون همان مقـدار بر عهـده زوج است یا این که بایـد مقـدار قدرت خرید هزار تومان در ۴۰ سال قبل به عنوان مهریه محاسبه شود؟

ج. احتیاطاً بر ارزش پول در آن زمان مصالحه کنند.

مهریه قرار دادن ختم قرآن برای سلامتی امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف

۴۶۸۹. آیا زوجه می توانـد مهریّه اش را یک سال ختم قرآن توسط همسـرش برای سـلامتی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد؟

ج. اشکال ندارد.

حق زیاد کردن مهریه پس از عقد

۴۶۹۰. پس از تعیین مهریّه در عقد ازدواج و اجرای صیغه، آیا زوجه حق ازدیاد مهریّه را دارد؟

ج. دیگر زوجه حق زیاد کردن مهریّه را ندارد. اما اگر شوهر خودش از باب هبه چیزی به او بذل کند، مانعی ندارد.

نحوه تعیین میزان مهر المثل

۴۶۹۱. نحوه تعیین مقدار مهر المثل را در مواردی که باید مهر المثل پرداخت شود، بیان فرمایید.

ج. اگر طرفین بر مبلغی مصالحه کنند، مهر المثل همان است وگرنه از اهل آن سؤال می کنند و در صورت اختلاف، حد وسط را می گیرند.

مهریه زن بهایی

۴۶۹۲. مسلمانی با زن بهایی از روی جهل به مسأله ازدواج و وطی به شبهه کرده است.

آیا مهریه زن به عهده مسلمان است؟

ج. واجب نیست چیزی به او بدهد.

شرط عدم مطالبه مهریه

۴۶۹۳. آیا مرد ضمن عقد می تواند شرط کند که زن تا مدتی حق مطالبه ی مهر را نداشته باشد؟

ج. بله، می تواند مهر مؤجّل قرار دهد.

عدم لزوم گفتن عنوان در پرداخت مهر

۴۶۹۴. مرد اگر قصد دادن مهریه زن را دارد، اطلاع دادن به زن لازم است به این که این را به عنوان مهر به تو می دهم؟

ج. با تسلیم مهر چه عین باشد چه دین، ذمّه ی زوج فارغ می شود و از عهده خارج می گردد، مگر در فرض غرر.

تبانی بر مهر و کمتر نوشتن در مهرنامه

۴۶۹۵. به دختری گفتند مهریه ی شما فلان مقدار است؛ ولی در عقدنامه کمتر از آن مبلغ نوشته و صیغه را بر آن مبلغ کمتر جاری کردند.

آیا این صیغه (ازدواج دائمی) صحیح است؟

ج. ظاهراً صحّت آن، بر اجازه ی دختر توقّف دارد.

تعیین مهر به دست کیست؟

۴۶۹۶. آیا در تعیین مقدار مهریه توافق دختر و پسر شرط است؟

یا آن که والدین آنها هم حق اعمال نظر دارند؟

ج. هر کدام از دختر و پسر بر خودش ولایت دارد، امر مهر هم به خود او مربوط است.

ضرورت مهریه در عقد

۴۶۹۷. آیا قرار دادن مهریه جزو شرایط ازدواج است یا این که با رضایت زن، می شود بدون مهریه ازدواج صورت بگیرد؟

ج. در عقد موقت شرط صحت است، ولی در دائم اگر مهریه ذکر نشود، به مهر المثل منتقل می شود.

مهریه غیر مادی

۴۶۹۸. آیا می توان امور غیر مادی و معنوی را به عنوان مهریه ی زن قرار داد؟

ج. هر چه مالیت دارد می تواند مهریه قرار گیرد، مثل تعلیم قرآن و امثال آن.

طلب نمودن مهریه ای که بیش از حد مرسوم باشد

۴۶۹۹. دختری مهریه خود را (که بیش از حد مرسوم است)، بر اثر اختلافی که پیش آمده از شوهر طلب کرده و می گوید:

با تو حرف نمی زنم تا حق مرا ادا کنی. مرد در چنین مواردی چه کند؟

ج. مرد تا حد قدرت، وظیفه ی بر ادا دارد.

پرداخت مهریه بدون گرفتن شاهد

۴۷۰۰. آیا هنگام دادن مهریه به زن، گرفتن شاهد لازم است؟

اگر مردی بدون گرفتن شاهد، مهریه همسرش را بدهد و زن بعد از مدتی، گرفتن مهریه را انکار کند، تکلیف مرد چه می باشد؟

ج. شاهد گرفتن لازم نیست، بله برای رفع اختلاف در آینده خوب است و در صورت اختلاف، قول منکر مُقَدَّم است.

زمان درخواست مهریه از شوهر

۴۷۰۱. آیا زوجه می تواند هر وقت که بخواهد مهریه خود را از شوهرش مطالبه کند؟

ج. اگر مهریه حال باشد، با استطاعت زوج، زوجه حق مطالبه دارد.

عدم قدرت پرداخت مهریه

۴۷۰۲. اگر مرد مهریه ای را قرار دهد که الآن قدرت پرداخت آن را ندارد، این کلاهبرداری و تضییع حقوق زن نیست؟

ج. خیر، با فرض معلوم بودن حال او و عدم تدلیس و احتمال ا برای زن در آینده، کلاهبرداری صدق نمی کند.

مهریه ای که وجود خارجی ندارد

۴۷۰۳. اگر مهریه دو دانگ خانه قرار داده شود که الآن وجود خارجی ندارد، آیا مهریه صحیح است؟

ج. در خانه مانعی ندارد و محمول بر وسط است بین اعلی و ادنی بنا بر احوط.

عدم مطالبه مهریه از سوی زن

۴۷۰۴. آیا در صورت عدم مطالبه از طرف زن، مرد باید مهریه او را پرداخت کند؟

ج. لزومی ندارد، ولی دین بر عهده مرد است.

مطالبه ی عین مهریه

۴۷۰۵. آیا زن می تواند عین همان چیزی را که در مهریه قرار داده شده مطالبه نماید؟

ج. بله.

وارثان مهریه میّت

۴۷۰۶. مهریه میّت به چه کسانی می رسد؟

ج. حکم سایر ترکه ی او را دارد که پس از تجهیز و دین و وصیّت، به وارثان اموال دیگر او می رسد.

پرداخت مهریه از اصل مال میّت

۴۷۰۷. در صورت فوت مرد، آیا مهریه زن از اصل مال میّت پرداخت می شود؟

ج. بله، مثل سایر دیون.

عدم پرداخت مهریه زن

۴۷۰۸. آیا نپرداختن مهریه زن در صورت مطالبه گناه است؟

ج. با وجود قدرت و استطاعت اگر حال بوده است، مرد مکلف به ادا است.

حد اکثر مهریه پیشنهادی

۴۷۰۹. حد اکثر مهریه ای که یک دختر می تواند پیشنهاد کند چه مقدار است؟

ج. شرعاً مقدار معینی ندارد؛ ولی مستحب، عدم تجاوز از مهر السنّه است - که پانصد درهم می باشد - و یا آن که بیشتر از مقدار مهر السنّه مکروه است.

مهریه دختر زناکار

۴۷۱۰. بکارت دختری در اثر زنا زایل می شود، این دختر مستحق چه نوع مهریه ای می باشد؟

ج. اگر دختر هم به زنا راضی بوده، مهریه ای ندارد و در استحقاق ارش بکارت، تأمّل است و احوط مصالحه است.

فوت مرد قبل از نزدیکی

۴۷۱۱. اگر قبل از نزدیکی، زوج یا زوجه فوت کند، تکلیف مهریه ی زن چه می باشد؟

ج. در صورت فوت زن یا مرد قبل از دخول، بنا بر اقوی، مهر نصف می شود.

اختلاف زوجین در مقدار مهریه

۴۷۱۲. اگر زوجین در مقدار مهریه اختلاف داشته باشند و بیّنه ای نیز در کار نباشد، ملاک عمل چه می باشد؟

ج. ملاک بر اقل (کمتر) است که قدر متیقّن است.

نحوه ی احتساب مهریه بعد از مرگ

۴۷۱۳. شخصی حدود ۳۰ سال قبل با زنی ازدواج نموده و از این ازدواج فرزندی به عمل نیامده است.

زن حدود چند ماه قبل از شوهرش فوت کرده است.

مهریه آن زن مبلغ پنج هزار تومان پول رایج ایران بوده و شوهر مبلغ یاد شده را در زمان حیات به زنش پرداخت ننموده است و بعد از فوت زن، شوهرش هم از دنیا رفته، در حالی که ورّاثِ طبقه اوّل و دوّم ندارد و ارثیه به دست طبقه سوّم رسیده است.

مادر آن زن مهریّه و مالیّه دخترش را از ورّاث دامادش مطالبه نموده است.

ورّاث آن مرد متوفّی باید مالیّه و مهریّه آن زن را چگونه به مادر آن زن متوفّی پرداخت نمایند؟ (در حالی که شوهر هم وارث زن خودش می باشد). آیا مهریه، به همان مقدار یاد شده محاسبه می شود یا طبق نرخ روز؟

ج. نسبت به مهریه، بر ارزش این پول در آن زمان مصالحه کنند، بنا بر احوط و سپس از جمیع اموال زن که - مهریه هم جزو آنهاست - نصف آن را به مادرش می دهند، که تنها وارث اوست و نصف دیگر سهم شوهرش می شود که به ورثه ی او می

رسد.

بارداری از طریق انزال

۴۷۱۴. مردی ازدواج کرده؛ ولی هنوز دخول نکرده است، امّا زن از طریق انزال در محل، باردار شده است.

وضعیت مهر بعد از طلاق چگونه خواهد بود؟

ج. اگر التقای @ختانین نشده، زن همان نصف مهر را طلب کار است.

۴۷۱۵. اگر مردی با دختر نامحرمی همبستر شود و انزال شود و فرزندی منعقد گردد، بی آن که دخول صورت گرفته باشد، حکم فرزند و زوال بکارت که بر اثر تولّد فرزند حاصل می شود چیست؟

ج. احکام

ولد زنا را ندارد، هر چند به فعل حرام منعقد شده است و اگر راجع به زوال بکارت مصالحه شود خوب است.

تعدّد مهر المثل

۴۷۱۶. چند نفر به زنی به اجبار تجاوز کرده اند.

۱) آیا هر کدام باید جداگانه یک مهر المثل بپردازند یا همه یک مهر المثل می دهند؟

ج. هر کدام باید یک مهر المثل بپردازند.

۲) هر گاه تجاوز از یک نفر مکرّر واقع شود، آیا مهر المثل نیز تکرار می شود؟

ج. مکرّر است.

مبنای مهر السّنه

۴۷۱۷. چون درهم سکّه دار در این زمان وجود ندارد، آیا مبنای مهر السنه نرخ نقره ی عمومی می باشد؟

ج. به نیّت رجا، طبق وزن نقره ی مسکوک محاسبه شود.

پرداخت مهر در باکره و غیر باکره

۴۷۱۸. آیا بین باکره و زنان دیگر در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می شود، فرقی هست؟

ج. فرقی نیست.

فوت شوهر بی بضاعت و مسأله ی مهر

۴۷۱۹. شوهر خانمی فوت کرده و هیچ گونه اموال منقول و غیر منقول از خود باقی نگذاشته است.

همسر ایشان از پدر متوفّی ادّعای مهریّه می نماید. آیا پدر متوفّی بدون این که تعهّدی برای مهریّه ی همسر فرزندش داشته باشد، ضمانی برای مهریّه ی فرزندش دارد؟

ج. در فرض سؤال، پدر شوهر ضامن نیست و اللّٰه العالم.

هفت هزار تومان طلا معادل با سی مثقال

۴۷۲۰. شوهر خانمی فوت کرده و طبق قباله مهریه زن هفت هزار تومان - که معادل با سی مثقال طلای نساخته است - می

باشد.

ورثه ی آن مرحوم آیا باید سی مثقال طلا را پرداخت نمایند یا هفت هزار تومان را؟ با توجّه به این که در وصیّت نامه ی زوج از این موضوع هیچ گونه ذکری به میان نیامده است.

ج. آن چه که در قباله ی نکاح نوشته شده است، در ذمّه ی متوفّی باقیست و باید ورثه پرداخت نمایند و لازم نیست در وصیّت نامه ذکر نماید، ضمن آن که هفت هزار تومان، معادل سی مثقال طلای نساخته است، یعنی فعلاً سی مثقال طلا را پرداخت کنند.

مهر المثل در فرض زنا

۴۷۲۱. ۱) آیا زنای به عنف با دختر باکره، در دو فرض بلوغ و عدم بلوغ موجب ضمان مهر المثل می شود؟

ج. بلی.

۲) در صورتی که شخصی با وعده دروغین ازدواج، با دختر باکره ای زنا کند (با توجه به مجبور نبودن دختر) آیا زانی ضامن مهر المثل است؟

ج. خیر و در ضمان @ارش البکاره تأمّل است و احوط مصالحه است.

مهریه و فرزندان زنان بدکاره

۴۷۲۲. آیا دختران و زنانی که ارتباط نامشروع دارند، مستحق مهریه هستند؟ فرزندانی که در این بین متولد می شوند، به چه کسی منتسب می باشند چون به علت کثرت ارتباطات، تشخیص این مطلب دشوار می باشد؟

ج. زانیه ها مستحق مهریه نیستند و فرزندان هم لحوق شرعی به زانی یا زانیه ندارند.

شیربها

گرفتن شیربها توسط مادر زن

۴۷۲۳. آیا مادر می تواند شیربها بگیرد؟

ج. حق شرعی نیست و مربوط به تراضی طرفین است.

رابطه شیربها و مهریه

۴۷۲۴. آیا شیربها که در بعضی بلاد مرسوم است جزو مهریه می باشد، که اگر طلاق قبل از دخول صورت گرفت، پرداخت نصف آن لازم باشد؟

ج. اگر در عقد جزو مهریه واقع شود، حکم مهر را دارد.

موارد ضرورت پرداخت شیربها

۴۷۲۵. در هنگـام ازدواج، پـدر یـا اقوام عروس علاـوه بر مهریه، پول زیـادی به عنوان هـای مختلف، مثـل: جعاله، شـیربها، مهر حاضر، پدر وکیلی و تهیه ی جهیزیه می گیرند، لطفاً حکم آن را بیان فرمایید.

ج. اگر جزو مهریه باشد یا به عنوان جعاله باشد یا شرط ضمن عقد باشد، لازم الوفاء است.

اموال تهیه شده از شیربها

۴۷۲۶. مرسوم است داماد، مقداری پول به عنوان شـیربها به خانواده ی عروس می دهد و آنان با آن پول جهیزیه می خرند و به عروس می دهند. آیا این لوازم شرعاً متَعَلُّق به عروس است یا داماد؟

ج. به کیفیت جعل شیربها بستگی دارد.

وضعیت شیربها پس از طلاق

۴۷۲۷. اگر زنی بخواهد طلاق بگیرد، آیا شوهر می تواند شیربهایی را که به پدرزن خود داده پس بگیرد؟

ج. اگر به طوری که مذکور شد لازم الوفاء باشد، نمی تواند پس بگیرد.

پس گرفتن جهیزیه توسط پدر عروس

۴۷۲۸. مبلغی به عنوان شیربها به پدرخانم دادم به این نیّت و قصد که برای زوجه ام جهیزیّه تهیّه نماید. پدر همسرم پس از تهیّه ی جهیزیّه با مبلغ مذکور - بعد از گذشت یک سال - تمام اجناس جهیزیّه را پس گرفت. آیا حق مطالبه ی آن را دارم؟

ج. شـیربها که جهت تهیّه ی جهیزیّه تملیک شـده، اگر قیـد شده باشد که برای این کار مصـرف شود، باید صـرف در آن کار شود و در هر صورت پدر حق ندارد بعد از تملیک جهیزیّه و تحویل به فرزند آن را پس بگیرد.

حقوق متقابل زن و شوهر

اطاعت زن از شوهر

۴۷۲۹. اطاعت زن از شوهر در چه اموری واجب نیست؟

ج. فقط در امر استمتاعات و خروج از منزل واجب است.

محدوده اطاعت از شوهر

۴۷۳۰. آیا اطاعت از شوهر در تمام امور حلال و شرعی واجب است یا فقط در مسائل مربوط به تمکین و مقاربت محدود می شود؟

ج. زنی که عقد دائم شده، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند.

گذشتن زن از حقوق خود

۴۷۳۱. در صورتی که در عقد ازدواج دائم، زوجه از حقوق خود ت نازل کند (از حق مضاجعت، حق قسم، نفقه و ارث رفع ید کند)، آیا ازدواج صحیح است؟

ج. اگر شرط فقط گذشتن از حق باشد نه شرط عدم استحقاق، عقد و شرط صحیح است وگرنه فقط عقد صحیح است.

نشوز زن

۴۷۳۲. عدم اطاعت زن از مرد در چه مواردی نشوز محسوب می گردد؟ در غیر این موارد آیا زن حق گرفتن نفقه را دارد؟

ج. عدم اطاعت زن در مورد بیرون رفتن از خانه و بهره جنسی مرد از او نشوز محسوب شده و زن گناه کار است و حق غذا، لباس، منزل و هم خوابی ندارد؛ ولی مهر او از بین نمی رود.

خروج از منزل و صدق نشوز

۴۷۳۳. اگر خانمی بدون رضایت و اجازه ی شوهر از منزل خارج شود، تکلیف او از لحاظ نماز و روزه چیست؟

آیا او ناشزه می شود؟

ج. ناشزه می شود و در سفر با این خصوصیت، نمازش تمام و روزه اش واجب است.

عدم اذن برای انتقام

۴۷۳۴. اگر مردی برای انتقام و اذیّت کردن زن خود به او اجازه ندهد که از منزل خارج شود، آیا زن باید اطاعت کند؟

ج. تا وقتی که علم به رفع وجوب اطاعت از شوهر پیدا نکرده، باید اطاعت کند.

حقوق زن و شوهر قبل از عروسی

۴۷۳۵. آیا احکام مربوط به حقوق زن و شوهر در مدت زمان عقد، قبل از عروسی آنان نیز جاری است؟

ج. بله، جاری است.

اجازه زن در هر بار خروج از خانه

۴۷۳۶. آیا زن هنگام خروج از خانه، در هر بار خروج بایـد از شوهر اجازه بگیرد یا اگر از قراینی بداند که شوهر راضـی است، لازم نیست دوباره اجازه بگیرد؟

ج. علم به رضایت شوهر کافی است، بنا بر این اگر شوهر راضی است، خروج مانع ندارد. (جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۱۸ از مسائل متفرقه رساله رجوع شود.)

اختلاف نظر بین پدر و شوهر

۴۷۳۷. اگر در مسأله ای، زن ناچار باشد از بین نظرات پدر و شوهرش یکی را انتخاب کند، اطاعت کدام یک لازم است؟

ج. اطاعت زن از شوهر، فقط در استمتاعات و خروج از خانه لازم است و همچنین فقط ایذای پدر حرام است، مثل مادر.

طلب اجرت در قبال کار در منزل

۴۷۳۸. آیا زن می تواند در قبال کارهایی که در منزل انجام می دهد، از شوهر خود طلب اجرت کند؟

ج. بله.

وجوب تمکین زن در هر شرایط

۴۷۳۹. در ایام قاعـدگی و یا بیماری که زن میل و رغبتی به آمیزش نـدارد، آیا مرد می تواند از او تقاضای نزدیکی بنماید (در صورت عدم دخول و رعایت مسائل شرعی) و در این صورت آیا اطاعت از شوهر بر زن واجب است؟

ج. بله، واجب است.

آرایش زن برای شوهر

۴۷۴۰. در صورت درخواست مرد، آیا آرایش زن برای شوهر واجب می شود؟

ج. بله، واجب می گردد.

عدم اجازه ی شوهر به تحصیل و اشتغال زن

۴۷۴۱. ۱) در مواردی که زن با کسب تحصیلات عالیه خواستار اشتغال در ادارات و خدمت به مردم است، لکن مورد مخالفت و نارضایتی شوهر واقع می شود، تکلیف زن در این موارد چیست؟

ج. خارج شدن زن بدون رضایت شوهر از منزل جایز نیست؛ مگر در امور واجب.

۲) بر فرض لزوم تبعیّت از شوهر، آیا این تبعیّت، ظلم و خیانت به زن و هم چنین جامعه ای که هزینه ای سنگین جهت تحصیلات زنان متحمّل شده نخواهد بود؟

ج. مراعات حکم فوق در مورد امور واجب، اشکال را برطرف می کند.

شرکت زن در مراسم دینی و سیاسی

۴۷۴۲. به اعمال دینی و مراسم مذهبی - مثل نماز جمعه و راه پیمایی - علاقه دارم، لکن شوهرم رضایت نمی دهد، تکلیف من چیست؟

ج. نمی توانید بروید.

منع از درس خواندن زن

۴۷۴۳. آیا شوهر می تواند از درس خواندن و یا کار کردن همسر خود - که کارمند می باشد - جلوگیری نماید؟

ج. اگر با شرط خروج از منزل و اشتغال کارمندی ازدواج کرده، شوهر نمی تواند مانع گردد. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۸ از متفرقات رساله مراجعه شود.)

تحصیل در صورت دوری از خانواده

۴۷۴۴. شخصی که برای تحصیل در شهر دیگری زندگی می کند و به دلیل عدم امکانات مالی توانایی ندارد که همسر و فرزندانش را نزد خود بیاورد و این امر چندین سال طول می کشد، در چنین صورتی تحصیل علم او چه حکمی دارد؟

ج. تحصیل علم برایش جایز است، ولی باید نفقه زن و فرزندانش را بدهد.

به کارگیری زن به اذن شوهر

۴۷۴۵. چنان چه شوهر در موارد درس خواندن یا کار کردن نتواند مانع خروج همسر خویش از منزل شود، آیا مراکز اداری مربوط شرعاً مجاز به به کارگیری و یا ادامه ی تحصیل همسر ایشان می باشند؟

ج. در موردی که کمک او بر خروج صدق می کند، شرعاً مجاز نیستند.

مصرف حقوق بدون اجازه ی شوهر

۴۷۴۶. زن کارمندیست که با اجازه ی شوهر کار می کند و حقوق می گیرد.

آیا می تواند حقوق خود را بدون اجازه ی شوهر مصرف کند یا صدقه بدهد یا به کسی هدیه بدهد؟ در تمام این موارد اجازه ی شوهر لازم است؟

ج. اجازه همسر لازم نیست.

مطالبه ی اجرت از طرف زن

۴۷۴۷. در عرف، معمول است که زن کارهای خانه را انجام می دهد. آیا می توان گفت زن و شوهر با توجّه به این عرف به صورت ارتکازی، عقد را به این مبنا انجام می دهند که زوجه در منزل کار کند؟ لذا زوجه جهت انجام کارهای منزل آیا مزدی طلب کار نیست؟

ج. زن حق مطالبه ی اجرت را دارد.

مجبور نمودن زن به کار منزل

۴۷۴۸. آیا زن می تواند در منزل وظایف خود را انجام ندهد، مثلاً غذا نپزد، خانه را مرتّب نکند؟ آیا مرد می تواند زن را مجبور به انجام این گونه امور نماید؟

ج. نمی تواند مجبور کند.

حکم کار خانم ها

۴۷۴۹. حکم کار خانم ها در اجتماع چیست؟

ج. اصل کار آنها با مراعات حجاب و وظایف شرعیّه ی دیگر و عدم اختلاط مردها و زن ها مانع ندارد؛ ولی خارج شدن زن شوهردار از منزل، باید با رضایت شوهر باشد، مگر ضمن عقد ازدواج شرط شده باشد.

فعالیت زن در عرصه تعلیم و تربیت

۴۷۵۰. کار زن در مراکز تعلیم و تربیت به صورت مختلط با اساتید مرد - که گاهی جلسات مشورتی مشترک منعقد می شود - چه حکمی دارد؟

ج. کار آقایان و خانم ها نباید به گونه ای باشد که مختلط باشند و اگر از یکدیگر مجزّا باشند و مفسده نباشد، بی اشکال است.

شرکت زن در امور اجتماعی

۴۷۵۱. شرکت زن در مجامع کاری، اداری و امور اجتماعی جایز است یا نه؟

ج. در مجامع مردان شرکت نکنند.

اشتغال زنان

۴۷۵۲. اشتغال زنان در مواردی که شغل آنها صد در صد مورد نیاز جامعه نیست (مثل ادارات) و نیز خانواده نیاز مبرم به حقوق دریافتی آنان ندارند، (فقط به این عنوان که زن هم عضوی از خانواده و اجتماع است و باید در مسائل روزمرّه دخیل باشد)، چه حکمی دارد؟

ج. کار کردن زن، مانعی ندارد؛ ولی باید خارج شدن از خانه با رضایت شوهر باشد و از اختلاط و ارتباط با مردها پرهیز کند.

اختلاف در نحوه ی کار زن در خانه

۴۷۵۳. مردی همسرش را طلاق داده است.

زن می گوید:

خدمات من در خانه تبرّعی نبوده، لذا مطالبه ی اجرت المثل می کند.

آیا ادّعای زن قابل قبول است یا خیر؟

ج. در صورت اعلام قبلی زن، مستحق اجرت المثل است وگرنه حمل بر تبرّع می شود.

رسیدگی زن به پدر و مادر

۴۷۵۴. با توجّه به نص قرآن کریم مبنی بر احسان نسبت به والدین، در صورت عدم رضایت و اذن شوهر، آیا زن می تواند بدون توجّه به اذن شوهر، برای رسیدگی به پدر و مادر از منزل خارج شود؟

ج. زن باید برای خارج شدن از منزل رضایت شوهر را مراعات نماید؛ مگر در واجباتی که انجام آنها متوقف بر خروج از منزل باشد.

خروج برای جلسه

۴۷۵۵. اگر من بخواهم به خانه ی خواهر یا مادر یا دوستم بروم، شوهرم سخت گیری نمی کند و حتّی گاه خوش حال می شود، ولی اگر بخواهم در جلسات مذهبی مثل جلسات سخنرانی، جمعه و جماعات بروم، سخت عصبانی شده و بد می گوید. با توجّه به این که واقعاً این کلاس ها برای من سازنده است، آیا می توانم به بهانه ی رفتن به منزل مادر و ... به آنجا بروم؟

ج. در غیر واجبات، باید با رضایت او از خانه خارج شوید و نباید دروغ بگویید.

خروج بدون اذن به مسجد

۴۷۵۶. آیا زن می تواند بدون اجازه ی شوهر، برای فراگیری مسائل شرعی یا مسجد یا نماز جمعه یا مجالس مذهبی از خانه خارج شود؟

ج. تا وقتی که وجوب بالفعل ندارد، نمی تواند بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود.

رانندگی و خرید زنان

۴۷۵۷. رانندگی کردن و خرید رفتن زنان در مواقعی که نیاز و ضرورت تام نباشد، چه طور است؟

ج. اگر برای زنان باشد و فساد نداشته باشد مانع ندارد و از رانندگی، در غیر موارد ضرورت اجتناب شود، چون معرضیّت برای مفسده دارد.

خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر

۴۷۵۸. آیا در هر شرایطی، زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؟

ج. بله، مگر برای انجام واجبات شرعیه. (توضیح بیشتر در مسأله ی ۱۸ از مسائل متفرقه رساله آمده است.)

تصرف در اموال همسر بدون اجازه

۴۷۵۹. خرج کردن مال شوهر، بدون اجازه، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

عدم پرداخت نفقه از سوی شوهر

۴۷۶۰. آیا اگر مرد نفقه همسر خود را نپردازد، گناه کار است؟

ج. بله، گناه کار و مدیون است.

کمک مالی شوهر به خانواده

۴۷۶۱. آیا کمک مالی شوهر به خانواده ی خویش - با توجه به درآمد کم خود - درست است؟

ج. نفقه ی زوجه و نیز اقارب مُقَدَّم است.

(به توضیح مذکور در مسأله ی ۱۹۸۹ رساله رجوع شود.)

پیروی زن از همسر در انتخاب پوشش

۴۷۶۲. آیا زن در انتخاب پوشش، باید مطیع همسر خود باشد؟

ج. در هر موردی که مرتبط با حقوق او نیست، لازم نیست.

تعارض بین حکم والدین و شوهر

۴۷۶۳. در مواردی که بین حکم والـدین و شوهر تبـاین و تضـاد حـاکم است، وظیفه ی زن تبعیّت از کـدام است و کـدام یک اولویّت دارد؟

ج. تبعیّت از حکم هیـچ یـک لازم نیست. بلی، خارج شـدن زن از منزل بایـد با اجازه ی شوهر باشـد و در استمتاعات بایـد از شوهر اطاعت کند.

وظیفه زن در برابر شوهری که احکام دین را رعایت نمی کند

۴۷۶۴. وظیفه زن در قبـال شوهری که ریش می تراشـد و در مجـالس عروسـی شـرکت می کنـد و طبق احکام شـرع رفتار نمی کند، چیست؟

ج. اگر قدرت امر به معروف و نهی از منکر دارد، با وجود شرایط، از هر راه ممکن او را امر به معروف و نهی از منکر کند.

سهم زن در اموالی که با مشارکت شوهر تهیه کرده اند

۴۷۶۵. سهم زن در مالکیت اموالی که پا به پای شوهرش به دست آورده اند چیست؟

ج. اگر زن با شوهر در آن اموال شریک بوده، به اندازه ی سهم خودش حق دارد.

تزاحم اعمال مستحبی با حقوق شوهر

۴۷۶۶. در صورت تلاقی مستحبات با حقوق شوهر، وظیفه زن چیست؟

ج. در مواردی که با حقوق واجبه اش منافات داشته باشد، اطاعت از شوهر مقدم است.

تهیه مسکن وظیفه کیست؟

۴۷۶۷. آیا تهیه مسکن وظیفه مرد است و آیا مرد می تواند از مسکن زن استفاده کند و آیا حق نفقه همسر قابل انتقال یا اسقاط است؟

ج. تهیه ی مسـکن از وظـایف مرد است و حق نفقه قابـل انتقـال نیست، مگر آن را به چیزی مصـالحه کننـد و قابـل اسـقاط هم نیست، مگر این که زن از حقش بگذرد و مسکنی که ملک زن است، در حکم سایر اموال او است.

مطالبه مرد از درآمد همسر

۴۷۶۸. آیا مرد می تواند در مقابل کار زن در بیرون از خانه، چیزی از درآمد او را مطالبه کند؟

ج. خیر، نمی تواند بدون ملزم شرعی درآمد زن را مطالبه نماید.

تعارض حق همسر با حق والدین

۴۷۶۹. در تعارض بین حقوق شوهر و پدر و مادر کدام یک مقدم است.

ج. حقوق واجبه ی همسر مقدم است.

انفاق زن از اموال شوهر

۴۷۷۰. آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر از اموال او انفاق کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

نذر زن بدون اجازه شوهر

۴۷۷۱. اگر زنی مالی بدون اجازه شوهر نذر بنماید، چه حکمی دارد؟

ج. اجازه ی شوهر در نذر زن بنا بر احتیاط واجب لازم است؛ ولی اگر بدون اذن او نذر کرد، باید بنا بر احتیاط به نذرش عمل کند با وجود سایر شرایط صحّت نذر، مثل عدم منافات با حقوق زوج.

صدقه زن از پول خود بدون اذن شوهر

۴۷۷۲. آیا زن می تواند از پول خودش صدقه بدهد؟

ج. مانعی ندارد.

درخواست شوهر از زن برای شرکت در مهمانی

۴۷۷۳. اگر شوهر از زن بخواهد که در مجالس عروسی و مهمانی شرکت کند، وظیفه ی او چیست؟

ج. تکلیف ندارد؛ ولی خوب است اگر خلاف شرعی در کار نباشد، به تقاضای شوهر عمل کند.

درآمد زن و ندادن آن به شوهر

۴۷۷۴. خانم من حقوقش را پس انداز می کند یا به پدر و مادرش می دهد و در خانه خرج نمی کند، آیا چنین حقی دارد؟

ج. بله، دارد.

درآمد مستقل زن و مصرف آن

۴۷۷۵. اگر زن درآمد مستقلی دارد، می تواند حقوق خود را بدون اذن شوهر خرج کند؟

ج. بله، می تواند.

دادن درآمد زن به شوهر

۴۷۷۶. آیا من درآمدم را به شوهر بدهم یا این که آنها را پس انداز نمایم و در موارد ضروری به او کمک کنم؟

ج. اختیار با شما است.

پس گرفتن جهیزیه هنگام طلاق

۴۷۷۷. اگر زن هنگام ازدواج، جهیزیه اش را با پول مرد بخرد، هنگام طلاق می تواند جهیزیه را پس بگیرد؟

ج. اگر شوهر جهیزیه را تملیك او کرده، از باب رجوع در هبه جایز است، گرچه خلاف احتیاط است.

اندازه مو بنا بر نظر شوهر

۴۷۷۸. آیا اگر شوهر امر کند که زن موهایش را کوتاه یا بلند بگذارد، اطاعت از او لازم است؟

ج. چون راجع به استمتاعات است، زن باید اطاعت کند.

ممانعت از اشتغال زن

۴۷۷۹. اگر کسی با زن کارمندی ازدواج کند، آیا پس از ازدواج می تواند از ادامه ی اشتغال زن مانع شود؟

ج. تا وقتی که ضمن عقد شرطی نشده باشد، می تواند مانع اشتغال زن شود.

فعالیت های اجتماعی زن بدون اجازه شوهر

۴۷۸۰. آیا زن بدون اجازه شوهر می تواند برای فعالیت های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از منزل خارج شود؟

ج. خیر، نمی تواند.

احکام مقاربت

نزدیکی در ایام استحاضه

۴۷۸۱. آیا استحاضه نیز از نظر روابط زناشویی حکم حیض دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب - لو لم یکن الاقوی - برای نزدیکی کردن، قبل از آن غسل کند، بلکه احتیاطاً وضو هم بگیرد و حکم حیض را ندارد و در وقت نماز غسلی که برای نماز کرده و خوانده کافی است.

نزدیکی قبل از غسل حیض

۴۷۸۲. نزدیکی قبل از انجام دادن غسل حیض و بعد از پاک شدن چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد و احوط ترک است؛ مگر بعد از شستن فرج.

اهمیت نزدیکی در هر شرایطی

۴۷۸۳. چرا نزدیکی با همسر این قدر مهم است که حتی موقعی که آب برای غسل نیست، می شود نزدیکی کرد و سپس تیمم نمود؟

ج. چون ممکن است ترک آن به حرام منجر شود و ترک حرام لازم است، اما غسل بدل دارد.

دیدن فیلم های محرّک جهت جماع

۴۷۸۴. استفاده از وسایل محرک قوای شهوانی در روابط زناشویی و نیز دیدن عکس یا فیلم های غیر اخلاقی توسط زوجین در هنگام نزدیکی چه حکمی دارد؟

ج. اگر اصالتاً دیدن عکس یا فیلم کذایی حرام است، اوقات مختلف، تفاوتی در حکم ندارد و در محرکات، عمل به مأثورات، برگزیده شود.

سخن های شهوت انگیز هنگام نزدیکی

۴۷۸۵. سخن های تحریک کننده مثل جوک های شهوت انگیز یا سخن دربارهی زن و مرد غریبه و یا به کار بردن الفاظ رکیک در چنین اوقاتی چه حکمی دارد؟

ج. اگر استعمال این الفاظ اصالتاً و به خودی خود حرام است، در چنین اوقاتی نیز حکم آن تغییر نمی کند و در روایت است که با شهوت دیگری سراغ زوجه خود نروید.

نزدیکی و دخول از پشت

۴۷۸۶. آیا دخول از پشت (دبر) همسر از نظر شرعی جایز است؟

ج. کراهت شدیده دارد.

جماع رو به قبله

۴۷۸۷. جماع کردن رو به قبله یا پشت به قبله و همین طور صحبت کردن در جماع چه حکمی دارد؟

ج. ظاهراً کراهت دارد.

دخول در پشت در زمان حیض

۴۷۸۸. وطی در پشت زن حائض چه حکمی دارد؟

و آیا کفّاره دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ ولی ظاهراً کفّاره ندارد.

اجبار به جماع در ایام حیض

۴۷۸۹. اگر شوهری زنش را در مدّت حیض مجبور به تمکین کرد، حکمش چیست؟

ج. بنا بر احتیاط واجب باید کفّاره بدهد. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۴۲۸ رساله مراجعه شود)

منع پزشک از جماع

۴۷۹۰. اگر پزشکان مردی را از عمل زناشویی منع کنند، آیا زن حق دارد مرد را به این کار وادار کند؟

ج. اگر برای او ضرر دارد، جایز نیست.

ارضای جنسی زن با غیر از بدن

۴۷۹۱. آیا جایز است شوهر با آلت مصنوعی یا با چیز دیگر - غیر از جسدش - همسر خود را از لحاظ جنسی ارضا کند؟

ج. جایز نیست.

بیرون ریختن منی از رحم

۴۷۹۲. آیا جایز است زوج منی را خارج رحم بریزد؟

ج. در غیر بیرون ریختن دائمی - که موجب مریضی و عقیمی زوجه بشود - بدون اذن زوجه بنا بر اظهر مکروه است.

قسم بر عدم نزدیکی

۴۷۹۳. اگر مردی قسم بخورد که با همسرش نزدیکی نکند، آیا بر این قسم اثری مترتّب می شود؟

ج. اگر این قسم به اسمای مختصه یا غالبه خداوند متعال باشد و درباره ی زوجه ی دائمه ی مدخولٌ بها و برای ضرر رساندن به او باشد و مقیّد به ابد یا بیش از چهار ماه باشد، پس اگر زن صبر نکرد به حاکم مرافعه می کند و حاکم هم پس از چهار ماه او را مجبور به رجوع یا طلاق می کند و مرد هم هر وقت وطی نمود، باید کفّاره بدهد.

ارتباط با همسر در زمان عقد

۴۷۹۴. در زمان عقد (قبل از عروسی) اجازه پدر عروس در بعضی موارد، مثل هم خوابی و بیرون رفتن با همسر شرط است؟

ج. خیر، شرط نیست.

ارضای جنسی همسر بدون دخول

۴۷۹۵. آیا ارضای جنسی زن بدون دخول اشکال دارد؟

ج. در صورتی که در ارتباط با شوهر باشد، اشکالی ندارد.

تفاوت نزدیکی با همخوابی با همسر

۴۷۹۶. نزدیکی و همخوابی با همسر چه تفاوتی دارد؟

ج. در هر همخوابی، نزدیکی صورت نمی گیرد.

نزدیکی از پشت هنگام آبستنی

نزدیکی از پشت با همسر در مواقعی که آبستن است، چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد.

سخن گفتن تحریک آمیز هنگام نزدیکی

۴۷۹۷. آیا سخنی که در هنگام جماع موجب تحریک می شود، کراهت دارد؟

ج. بلی.

خوردن شیر همسر

۴۷۹۸. آیا مرد می تواند شیر همسر شرعی خود را بخورد؟

ج. نمی تواند.

نگاه کردن زوجین به آلت تناسلی یکدیگر هنگام مقاربت

۴۷۹۹. در حال نزدیکی و مقاربت، نگاه به آلت یکدیگر چه حکمی دارد؟

در حالت ایستاده چه طور؟

ج. کراهت دارد.

وجوب غسل در جماع از پشت

۴۸۰۰. اگر مردی با زنش از پشت نزدیکی کند، آیا بر زن نیز غسل جنابت واجب می شود؟

ج. اگر دخول شود، بر زن هم غسل واجب می شود.

هنگام وجوب غسل در نزدیکی

۴۸۰۱. در هنگام نزدیکی، چه موقع بر انسان غسل واجب می شود؟

ج. در صورت انزال منی و یا دخول آلت تناسلی به اندازه حشفه در جلو یا پشت زن، غسل واجب می گردد.

غسل پس از نزدیکی

۴۸۰۲. آیا مرد در هر نوبت که با همسرش نزدیکی کرد، باید فوراً غسل کند؟

ج. در صورت عدم خروج منی و یا عدم دخول نباید غسل کند وگرنه باید برای هر عملی که مشروط به غسل است، غسل کند و به خودی خود هم غسل کردن مستحب است و تکرار جماع، مشروط به غسل نیست.

نزدیکی مجدد قبل از غسل

۴۸۰۳. اگر انسان در اثر نزدیکی با همسرش جنب شود، آیا قبل از غسل دوباره می تواند نزدیکی کند؟

ج. بله، ولی کراهت دارد.

ملاعبه بین زن و شوهر

۴۸۰۴. آیا بعد از ملاعبه بین زن و شوهر هر دو باید غسل انجام دهند؟

ج. اگر منی خارج نشده باشد و یا دخولی صورت نگرفته باشد، غسل لازم نیست.

درخواست نزدیکی از کسی که نمی تواند غسل کند

۴۸۰۵. زنی که نمی تواند زیاد غسل کند و شوهر مرتب از او درخواست نزدیکی می کند، چه تکلیفی دارد؟

ج. باید از همسر خود در این امر اطاعت کرده و به وظیفه اش، هر چند تیمم هم باشد عمل کند.

ملاک وجوب غسل در زن

۴۸۰۶. اگر در هنگام بازی، زن به حالت ارگاسم و تحریک کامل رسید، آیا غسل بر او واجب است؟

ج. اگر به حالت انزال منی و سپس خروج آن برسد، غسل بر او واجب می شود و در غیر این صورت غسل واجب نیست.

خروج آب پس از ملاعبه

۴۸۰۷. بعد از ملاعبه، آب سفید رنگ و لزجی از زن خارج می شود، آیا پس از خروج آن باید غسل کند؟

ج. اگر منی نباشد و علایم آن را هم نداشته باشد، پاک است و غسل لازم ندارد.

درخواست زن برای نزدیکی

۴۸۰۸. اگر زن از شوهر درخواست نزدیکی کند، آیا لازم است مرد با او همبستر شود؟

ج. اجابت او مطلوب است.

تمکین از پشت

۴۸۰۹. اگر مردی عادت به استمتاع از پشت (دُبُر) داشته باشد و این امر موجب عسر و حرج زوجه شود، تکلیف زوجه چیست؟

ج. در این صورت زن می تواند امتناع کند.

تقویت قوای جنسی با ...

۴۸۱۰. استفاده از وسایلی هم چون قرص، اسپری، پماد دارویی یا برخی از خوراکی ها، جهت تقویت قوه شهوانی و لذت بردن بیشتر هنگام آمیزش چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد و بهتر پیروی از روش هاییست که در این رابطه از ائمه علیهم السّلام روایت شده است.

جماع شبهه ناک

۴۸۱۱. زن شوهرداری که وطی به شبهه نموده، در زمان عدّه برای شوهر وطی جایز نیست. آیا سایر استمتاعات جایز است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

لزوم رعایت حقوق واجبه زوج

۴۸۱۲. اگر زن به علّت انجام مستحبّات زیاد، دچار خستگی مفرط شود، به طوری که سبب شود مرد نتواند تمتّعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحبّاتی نهی نماید؟ آیا اطاعت از شوهر در این صورت لازم است؟

ج. بلی، مرد حق نهی او را دارد و اطاعت از شوهر در این صورت لازم است.

عدم جذّابیت همسر

۴۸۱۳. اگر جوانی به علت جاذبه نداشتن همسرش به گناه آلوده شد، مقصر کیست؟

ج. خود مرد مقصر است و اگر زن هم تمکین تام نکند، گناه کار است.

بستن لوله های رحم زن

۴۸۱۴. من مایل نیستم در آینده دارای فرزندی باشم آیا می توانم زنم را وادار کنم که لوله هایش را ببندد؟

ج. حرام است.

۴۸۱۵. آیا بستن لوله رحم که با این کار فرد به طور کلی عقیم، می شود، با توجه به شیوع آن در جامعه، جایز است؟

ج. حرام است.

۴۸۱۶. با علم به این که روش های جدید پیشگیری جمعیّت باعث عقیمی دائم می شود، استفاده از این روش ها چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۴۸۱۷. کنترل جمعیّت و راه های جلوگیری از بارداری از نظر شرع، آیا ایرادی دارد؟

ج. جلوگیری موقّت اگر مستلزم لمس یا نظر حرام نباشد، جایز است.

میزان ناشزه شدن

۴۸۱۸. با چند مرتبه تمکین نکردن، زن ناشزه می شود؟

ج. هر وقتی که تمکین نکند، ناشزه است.

ناشزه حامله

۴۸۱۹. اگر زن ناشزه حامله باشد، آیا از جهت حمل استحقاق نفقه دارد؟

ج. حملش نفقه دارد، بنا بر احوط.

نشوز مرد

۴۸۲۰. آیا حکم نشوز در مورد مرد نیز تحقّق دارد؟

ج. بله، زن حق شکایت نزد حاکم را دارد.

موجبات نشوز زن

۴۸۲۱. آیا مخالفت کردن امر زوج در هر باب موجب نشوز است یا مخصوص استمتاعات جنسی است؟

ج. مخصوص به وجوه استمتاع و خروج از منزل است.

افراط مرد در جماع

۴۸۲۲. اگر مرد در جماع افراط می کند، به طوری که برای سلامتی زن یا شوهر مضر می باشد، آیا زن می تواند تمکین نکند؟

ج. در جایی که خوف ضرر عقلایی باشد، می تواند تمکین نکند.

عدم تمکین در صورت ضعف

۴۸۲۳. اگر زن دارای ضعف شدیدی باشد و توان تمکین نداشته باشد، می تواند تمکین نکند؟

ج. می تواند.

اطاعت زن از شوهر در مورد نزدیکی با ترس از قضا شدن نماز

۴۸۲۴. وظیفه زن در قبال شوهری که تقاضای جماع دارد، از طرفی غسل هم مقدور نیست و خوف قضا شدن نماز است، چیست؟

ج. باید تمکین کند و با تیمم نماز بخواند.

رابطه نشوز با ارتباط نامشروع

۴۸۲۵. آیا زنی که با افراد نامحرم ارتباط نامشروع دارد، ناشزه محسوب می شود؟

ج. ارتباط، موجب نشوز نمی شود.

اوامر زوج

۴۸۲۶. اگر مرد به زن امر کند فلان شکل برایش آرایش کند، یا فلان لباس را در منزل بپوشد یا به نحو خاصّی نظافت کند، آیا زن باید اطاعت کند؟ با توجّه به این که زن باید منافیات را از خود دور کند؟

ج. بله، بر زن واجب است اجتناب از منفّرات.

افضا و حکم آن

۴۸۲۷. افضا یعنی چه و حکم آن چیست؟

ج. به مورد ۶ از مسأله ی ۱۸۹۳ و مسأله ی ۱۹۲۸ رساله رجوع شود.

انتقال نطفه یک زن به زن دیگر

۴۸۲۸. مردی دارای دو همسر است.

آیا می شود نطفه ی مرد را با نطفه ی همسر اوّل در خارج رحم ترکیب کنند و در رحم زن دوّم قرار دهند؟

ج. اگر بدون لمس و نظر محرم باشد جایز است؛ ولی بچّه ملحق به صاحب نطفه است و در مورد زن دوّم هم باید مراعات احتیاط شود.

بارداری، سقط جنین، راه های جلوگیری

عدم جواز سقط جنین معیوب

۴۸۲۹. فرزند فردی به جهت مرض وراثتی که آن فرد دارد، مفلوج متولد می شود و پس از دو ماه وفات می کند.

پزشك مدّعیست می تواند در چهار ماهگی از زمان حمل، مرض جنین را تشخیص دهد. آیا می تواند پس از کشف ناقص بودن، بچّه را سقط کند؟

ج. سقط جنین ناقص مذکور جایز نیست. زیرا قتل نفس محترم است و اگر حمل به حال مادر مضر است یا می دانند که بعداً باعث عسر و حرج می شود، باید از اوّل از حمل جلوگیری کنند، به مثل عزل مرد و اگر حمل محقق شده، به توضیح مذکور در مسأله ۱۴ از مسائل متفرقه رساله مراجعه شود.

موارد جواز سقط و لزوم حفظ جنین

۴۸۳۰. حکم سقط جنین را در صورت های زیر بیان فرمایید:

۱) سقط جنین پیش از @ولوج روح و یا سقط جنین پس از ولوج روح، در صورتی که بقای جنین در رحم مادر، باعث فوت وی شود.

۲) مادر مبتلا به بیماری مانند سرطان رحم است که برای درمان، احتیاج به دادن اشعه می باشد و حفظ جان مادر، متوقّف بر آن است.

۳) اگر امر دایر شود بین موت مادر یا حمل.

ج. در تمامی موارد مذکور، جایز است؛ ولی در تمام این موارد اگر حفظ جنین از هلاکت پس از سقط ممکن باشد (مانند قرار دادن در رحم دیگری یا لوله آزمایشگاه) حتماً باید جنین هم حفظ شود.

ابتدای تولّد جنین پرورش یافته در دستگاه

۴۸۳۱. اگر جنین شش ماهه از رحم خارج شود و آن را در دستگاه قرار دهند تا زنده بماند و کامل شود و پس از دو ماه آن را از دستگاه خارج کنند، زمان تولّد کی حساب می شود؟

ج. زمان تولّد از وقتی حساب می شود که او را از رحم خارج کردند با اینکه می دانستند با دستگاه می ماند؛ ولی اگر او را در کمتر از شش ماه از رحم خارج کنند، این طور نیست.

شرط سقوط دیه ی جنین از مباشر

۴۸۳۲. در مواردی که پزشك باعث سقط جنین می شود، دیه ی لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود؟ آیا حتماً باید قبلاً پزشك شرط کند که دیه به عهده وی نیست آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

اگر با وجود قبول این شرط، فردی که دیه بر او واجب است، آن را پرداخت نکند، آیا در این صورت پزشك مدیون خواهد بود؟

ج. دیه بر مباشر است و بر تقدیر صحّت این شرط، ساقط شدنش از طبیب، اظهر است.

احتمال یا اطمینان خطر برای مادر با عدم سقط

۴۸۳۳. آیا سقط عمدی جنین در مواردی که مطمئنیم یا احتمال می دهیم جان مادر در خطر است، در هر ماهی از بارداری، مجاز است؟

ج. در جایی که ممکن است اخراج و نگاهداری آن، یقیناً سقط جنین جایز نیست. در غیر این صورت هم با یقین به هلاکت یکی و دوران بین جنین و مادر، مُقَدَّم بودن حفظ مادر دور نیست؛ خصوصاً در صورتی که اگر محافظت بر جنین شود، هر دو در معرض خطر باشند.

دیه ی سقط جنین معیوب و نارسا

۴۸۳۴. آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنیم یا احتمال می دهیم معیوب و نارسا می باشد، در هر ماهی از بارداری (اگر دیه ی لازمه هم پرداخت شود) مجاز است؟

ج. بعد از ولوج روح مجاز نیست، قبل از ولوج احتیاط در ترک آن است.

عقیم کردن زن بدون رضایت وی و شوهرش

۴۸۳۵. پزشک جرّاحی هنگام زایمان، زن را بدون رضایت وی و شوهرش عقیم می کند.

چه مسؤولیتی متوجه پزشک است؟

ج. ضامن است و احتیاطاً مصالحه بر دیه کنند.

بستن لوله برای جلوگیری از خطر جانی

۴۸۳۶. در صورت تشخیص پزشک مبنی بر خطر جانی حامله شدن برای مادر و لزوم بستن لوله رحم، تکلیف شرعی چیست؟

ج. اگر گفته پزشک حجت باشد، مانند این که متخصّص و متدیّن باشد - که احتیاط در تعدّد اوست - از جهت ضرورت مسوّغه، با فرض انحصار، جایز است.

سقط جنین با مشارکت پدر و مادر

۴۸۳۷. اگر پدر و مادر با همدیگر جنین را سقط نمایند، آیا دیه نصف می شود؟ و دیه را به چه کسی باید بپردازند؟

ج. هر دو دیه را ضامنند به نحو اشتراک و دیه را باید به طبقه ی دوم ارث بدهند، ظاهراً.

عقیمی دائمی با خارج کردن رحم

۴۸۳۸. زنانی که به واسطه ی بیماری رحم و یا خون ریزی زیاد، رحم خود را خارج می نمایند، با توجه به عقیم شدن دائمی آنها، عمل آنان خلاف شرع است؟

ج. اگر برای علاج ضروری است، اشکال ندارد.

سقط جنین

۴۸۳۹. اگر زن و شوهری ناخواسته و علی رغم مشکلات مالی و روانی خانواده بچه دار شوند، در صورتی که وجود فرزند جدید در خانواده مستلزم عسر و حرج و مشقت شدید شود، آیا جایز است قبل یا بعد از چهار ماهگی آن بچه را سقط نمایند؟

ج. خیر، جایز نیست.

تجویز داروی سقط جنین

۴۸۴۰. اگر پزشکی دارویی که مستلزم سقط جنین است تجویز کرده و مادر با علم و آگاهی و با رضایت همسر آن را مصرف کند، دیه ی بچه بر عهده مادر است یا پزشک؟ و آیا پدر در اینجا مسؤولیتی بر عهده دارد؟

ج. هر سه در گناه شریک هستند، ولی دیه بر عهده مادر است.

عمل فرزند ناقص الخلقه

۴۸۴۱. فرزندی متولد شده و پزشکان تشخیص داده اند که اگر عمل شود، به احتمال قوی زنده می ماند اما به صورت دائمی معلولیت جسمی و یا ذهنی خواهد داشت و در صورت عمل نکردن به احتمال قوی و یا ۵۰ درصد خواهد مرد، در صورت عسر و حرج و مشقت های نگهداری چنین فرزندی، آیا رضایت به عمل فرزند برای پدر و مادر واجب است؟

ج. بله، واجب است و حفظ جان او حتی الامکان لازم است.

جلوگیری از حاملگی

۴۸۴۲. آیا زن بدون اجازه شوهر می تواند با قرص و یا ... از حاملگی خود جلوگیری نماید؟

ج. اگر نکاح مشروط به @استیلاد «۱» بوده است، نمی تواند.

|

(۱). بچّه دار شدن.

باروری

۴۸۴۳. اگر اسپرم مردی را با تخمک زن دیگری خارج از رحم بارور ساخته و در رحم همسر او قرار دهند، فرزند متولد شده به لحاظ محرمیت و ارث، نسبت به صاحب تخمک و صاحب رحم چگونه خواهد بود؟

ج. فرزند به صاحب تخمک ملحق است و نسبت به صاحب رحم هم از جهت محرمیّت باید احتیاط شود.

تلقیح

۴۸۴۴. وضعیت حقوقی (ارث، حضانت) فرزند متولد شده از عمل تلقیح چگونه است؟

ج. فرزند ملحق به صاحب نطفه یا صاحب تخمک هستند.

۴۸۴۵. روش های بارداری که از راه تزریق به عمل می آید، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. اگر مستلزم لمس یا نظر حرام نباشد و از راه استفاده از نطفه یا تخمک دیگری نباشد، جایز است.

۴۸۴۶. اگر مردی به واسطه بیماری، از تولید مثل ناتوان باشد، آیا می تواند اسپرم و منی فرد دیگری را از طریق تزریق به رحم زن خود وارد نماید؟

در این صورت بفرمایید:

۱) آیا اصل این عمل اگر مستلزم لمس یا نگاه نامحرم باشد، چه حکمی دارد؟

ج. این عمل مطلقاً محل اشکال و خلاف ارتکاز متشرعه است.

۲) اگر این عمل را خود شوهر انجام دهد، آیا اشکال دارد؟

ج. این عمل مطلقاً محل اشکال و خلاف ارتکاز متشرعه است.

۳) آیا انجام این عمل نیاز به طلاق و رجوع مجدد و یا عده ی دخول دارد؟

ج. طلاق و رجوع و عده هم ندارد.

۴) در صورت تولد فرزند، نسبت صاحب رحم به او و نیز صاحب اسپرم و هم چنین همسر صاحب رحم به لحاظ ارث و محرمیت و دیگر احکام شرعی چگونه خواهد بود؟

ج. فرزند هیچ نسبتی به همسر صاحب رحم ندارد.

تلقیح منی مرد اهل کتاب

۴۸۴۷. تلقیح منی مردی از اهل کتاب به یک زن مسلمان جایز است؟

ج. محل اجتناب است و در صورت وقوع، در احکام اسلام ملحق به مادر می شود.

تدلیس و فریب

تدلیس و حکم آن

۴۸۴۸. تدلیس چیست؟

و حکم آن را بیان فرمایید؟

ج. تدلیس گاهی در عیوبیست که موجب خیار است که شوهر در مهر، رجوع به @مدلّس می کند و گاهی در غیر آن عیوب است که آن نیز موجب خیار است، اگر از اوّل در عقد عدم آن عیب شرط شده باشد یا عقد مبنی بر آن باشد و در تدلیس غیر از این دو تأمل است.

اظهار نکردن عیوب دختر در عقد

۴۸۴۹. آیا نگفتن عیوب دختر در ازدواج، تدلیس حساب می شود؟

ج. اگر بنای عقد بر سلامت از آن عیوب باشد، نگفتن آنها تدلیس است.

تدلیس زن در ازدواج

۴۸۵۰. اگر زوج قبل از نزدیکی بفهمد که زوجه تدلیس کرده است، تکلیف مهریه زن و نیز شرایطی که ضمن عقد تعیین کرده چه می شود؟ بعد از نزدیکی چه طور؟

ج. در صورت اوّل با فسخ زوج، زن حق مهریه ندارد و در صورت بعد از نزدیکی هم اگر مرد فسخ را اختیار کرد و خود زن تدلیس کننده بوده، بازهم زن حق مهر ندارد و اگر هم گرفته بوده، مرد مهر را از او پس می گیرد.

اگر مدلِّس خود زن باشد

۴۸۵۱. اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب در زن که دارای بیماری روانی، سرگیجه، استفراغ، تشنّج، پرخاشگری و حالت های غیر عادّی که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد و پزشکان متخصّص و شهود عینی تصدیق کرده اند، نکاح را فسخ کند آیا این فسخ صحیح است؟

ج. اگر بیماری به اندازه جنون و اختلال عقل - هر چند ادواری - باشد، فسخ صحیح است و در غیر این صورت صحیح نیست؛ مگر این که عدم آن در عقد شرط شده باشد، یا عقد مبنی بر آن شرط باشد.

مقدار مهریّه در صورت فسخ

۴۸۵۲. در صورتی که داماد به خاطر عدم بکارت نکاح را فسخ کند، چه مقدار از مهریّه را باید بپردازد و در صورت تدلیس، از چه کسی می تواند بگیرد؟

ج. اگر در عقد شرط بکارت نشده یا عقد مبنی بر شرط سابق نبوده حق فسخ ندارد. فقط اگر معلوم شد زوال بکارت قبل از عقد شده بوده می تواند تفاوت بین مهر المثل و مهر مسمّی را کم کند و در صورت شرط و فسخ قبل از دخول، مهر ثابت نیست و پس از دخول مهر مسمی ثابت است و رجوع به مدلّس می نماید و اگر زن مدلّس بوده، استحقاق مهر ندارد.

ثبوت مهر المثل یا مسمّی در صورت تدلیس

۴۸۵۳. اگر از طرف زوجه اظهاراتی شود که موجب تدلیس و فریب زوج گردد و عقد بر طبق آن جاری گردد، آیا @مهر المسمّی به گردن اوست یا مهر المثل؟ و چنان چه بعداً معلوم شود، بر عهده او چه خواهد آمد؟

ج. اگر تدلیس در عیوب موجب خیار باشد یا شرط نسبت به غیر آنها شده بوده و زوج فسخ کند، زن اصلاً استحقاق مهر را ندارد و در غیر آن دو صورت - که حق فسخ مورد تأمل است - یا صورتی که فسخ نکند، حکم جواب سؤال قبلی را دارد. (در تدلیس راجع به بکارت یا حریت)

معرّفی غلط خود

۴۸۵۴. مردی در ازدواج با دختری تدلیس کرده و خود را عوضی معرّفی کرده است که اگر این گونه معرّفی نمی کرد، حتماً دختر راضی نمی شد.

آیا به خاطر ندانستن موضوع برای دختر اختیار فسخ عقد هست یا نه؟

ج. اگر تدلیس در عیوب موجب خیار باشد، یا شرط صفتی قبل از عقد یا در عقد شده باشد، دختر خیار فسخ دارد و در غیر این صورت خیار فسخ داشتن او مورد تأمّل است.

مخفی نمودن عیوب دختر

۴۸۵۵. در صورتی که اطرافیان دختر بعضی از عیوب دختر را مثل پیسی، سوختگی، کچلی بیان نکنند، آیا به مجرّد نگفتن تدلیس می باشد و شوهر حق پیدا می کند عقد را فسخ کند؟

ج. در بَرَص و جذام تا هفت مورد مذکور در مسأله ۱۸۹۳ رساله، حق فسخ دارد و مجرد سکوت در آنها با علم به آن تدلیس است و در غیر آنها تنها در صورت شرط شدن در ضمن عقد یا مبنی بودن عقد بر آن، این حکم ثابت است و در تدلیس بدون این دو، حق فسخ مورد تأمّل است.

عیبی که با جرّاحی رفع می شود

۴۸۵۶. زنی که دارای عیب @قَرَن است؛ امّا با عمل جرّاحی می تواند رفع عیب کند، آیا شوهر در این صورت هم می تواند عقد را فسخ کند.

ج. ظاهراً می تواند.

اظهار عدم ازدواج قبلی و انکشاف خلاف

۴۸۵۷. مردی در هنگام ازدواج می گوید که قبلاً ازدواج نکرده است و زن به گمان و به اعتقاد این عنوان قبول و اجازه داده است، بعد معلوم می شود که زنی داشته و او را طلاق داده است، آیا زن در این صورت حق فسخ پیدا می کند؟

ج. سبب حق فسخ نمی شود، به توضیح مذکور در جواب های قبل رجوع شود.

کم گفتن سن و پنهان ساختن مریضی

۴۸۵۸. زنی قبل از ازدواج خود را دارای صحت مزاج، دوشیزه و سی ساله معرفی می نماید و بعد از عقد معلوم می شود ۳۶ ساله است و از نظر جسمی مریض می باشد.

آیا در این مورد حق فسخ برای زوج می باشد؟

ج. اگر در عقد شرط شده یا عقد مبنی بر آن شرط بوده، حق فسخ دارد.

پنهان کردن کوری

۴۸۵۹. اگر بعد از عقد معلوم شود مرد، کور بوده با این که بستگان مرد گفته بودند مرد، سالم است و هیچ عیبی ندارد، حال دختر حاضر به زندگی با این مرد نیست و از طرفی مرد نیز به هیچ وجه طلاق نمی دهد، اکنون وظیفه دختر چیست؟

آیا می تواند فسخ کند یا راه منحصر به طلاق است؟

ج. مثل جواب قبل است.

زایل شدن بکارت و پنهان سازی آن

۴۸۶۰. دختری که پس از ازدواج معلوم شده که بکارت ندارد و از ناحیه مردم متهم به زنا با مرد اجنبی است، آیا صرف شیاع بر زنا دادن، موجب ثبوت زنا است؟

آیا مرد می تواند با چنین زنی ادامه ی زندگی زناشویی دهد؟

ج. شایعه اعتبار ندارد و ادامه ی زندگی هم مانع ندارد.

۴۸۶۱. اگر پسر و دختر ازدواج کنند و بنایشان در عقد بر باکره بودن دختر باشد و بعد از عقد معلوم شد که دختر باکره نیست، آیا پسر می تواند چنین ازدواجی را قبول کند؟

ج. قبول آن اشکال ندارد.

عیوب موجب فسخ

عیوب زن و مرد و حکم قضایی برای جدایی

۴۸۶۲. پس از ثابت شدن عیب مرد و محجور بودن زن، که حکم به فسخ نکاح می شود، آیا دوباره نیازی به رجوع به محاکم

قضایی می باشد؟

ج. خیر، نیازی ندارد.

انکشاف جنون مرد بعد از عقد

۴۸۶۳. هرگاه پس از ازدواج، زن بفهمد شوهر دیوانه بوده، حق فسخ دارد یا نه؟

ج. اگر بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است، می تواند عقد را به هم بزند.

شوهری که بچّه دار نمی شود

۴۸۶۴. زن و مردی پس از چند سال ازدواج بچّه دار نشدند، دکتر تشخیص داده است که عیب از جانب مرد بوده و اکنون زن می گوید شوهرش، فاقد بیضه است و بچّه دار نشدن آنها بدین جهت است، در این صورت آیا زن می تواند عقد را فسخ کند؟

ج. اگر تأخیر فسخ به جهت جهل به خیار یا جهل به فوریّت آن بوده، زن خیار فسخ دارد.

درمان عیوب زن

۴۸۶۵. عیوب موجب جواز فسخ عقد در زن، اگر قابل درمان باشد، هزینه ی آن بر عهده زن است یا بر عهده شوهر می باشد؟

ج. بر عهده زن است.

دریافت وجه برای بچه دار نشدن همسر

۴۸۶۶. اگر زن و شوهری به دلیل این که عیب از جانب مرد است، صاحب اولاد نشوند و زن بر ادامه ی زندگی رضایت داشته باشد، آیا می تواند در قبال سالهایی که بدون فرزند زندگی می کند، چیزی از شوهر طلب کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

موارد فسخ نکاح

۴۸۶۷. چه مواردی سبب جواز فسخ نکاح می شود، توضیح بفرمایید؟

ج. به مسأله ی ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ رساله رجوع شود.

۴۸۶۸. در مواردی که سبب جواز فسخ نکاح است آیا ملاک جواز، وجود داشتن آنها می باشد؟ یا این که آن عیب باید به گونه ای باشد که موجب عسر و حرج طرف مقابل شود؟

ج. ملاک وجود داشتن آنها است، نه عسر و حرج ناشی از وجود آن عیوب.

فسخ به خاطر ایدز

۴۸۶۹. آیا بیماری ایدز را در هر یک از زن و مرد، از عیوبی که بتوان عقد نکاح را بدون طلاق فسخ کرد، می دانید؟

ج. خیر، ولی اگر در مرد باشد و به سبب وطی مُسری باشد، ممکن است بر زن تمکین واجب نباشد.

زنی که در انجام نماز و ... سست است

۴۸۷۰. زنی در نماز سهل انگاری می کند و آن چه شوهر او را نصیحت یا امر به معروف یا تهدید به طلاق کرده، اثر نکرده است، آیا وظیفه دارد او را طلاق دهد یا با او بسازد؟

ج. اختیار طلاق به دست مرد است، ولی در مورد فرض مذکور، لزوم ندارد.

اگر زوج بعد از عقد روانی شود

۴۸۷۱. اگر زوج پس از عروسی دچار کسالت مغزی و روانی بشود، آیا می توان نکاح را فسخ کرد؟

ج. اگر به حد جنون باشد، زن خیار فسخ دارد.

انکشاف عدم مسلمان بودن زوج

۴۸۷۲. اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟

ج. باید فوراً از او جدا شود.

بی نمازی زن یا شوهر

۴۸۷۳. زن یا شوهر با این که منکر نماز نیست، امّا نماز نمی خواند، آیا مرتد می شود؟

ج. مرتد نیست.

مسلمان شدن زن کتابی

۴۸۷۴. اگر بعد از ازدواج، زن اهل کتاب مسلمان شود، ولی مرد این امر را به آینده موکول کند، آیا بازهم زن بدون طلاق از او جدا می شود یا باید تا مسلمان شدن او در کنارش بماند؟

ج. اگر قبل از دخول باشد، نکاح فی الحال منفسخ می شود و اگر بعد از دخول باشد، اگر تا قبل از انقضای عده، مرد هم مسلمان شد، نکاح باقیست و در غیر این صورت نکاح از حین اسلام زن باطل شده بوده است.

انحراف شوهر

۴۸۷۵. دختری قبل از بلوغ توسّط پدر به مردی عقد می شود، بعد از بلوغ حاضـر به زندگی با او نیست، زیرا در گروهی داخل گردیده که قایل به کفر شیعه هستند و از ضرر جانی ترس دارد، تکلیف او چیست؟

ج. اگر شوهر ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السّلام است، باید از او جدا شود و همین طور اگر خوف ضرر جانی دارد.

ازدواج بهایی با دختر شیعه

۴۸۷۶. مردی بهایی خود را شیعه ی دوازده امامی معرفی کرده و با یک دختر شیعه ازدواج دائمی کرده است.

پس از مدّتی کشف خلاف شده است، وظیفه چیست؟

ج. کشف می شود که از اوّل عقد ازدواج باطل بوده است.

۴۸۷۷. اگر شخصـی وقتی مسأله ی تعـدّد زوجات طرح می شود، با کمال وقاحت حرف های رکیکی درباره ی دین و قرآن و خدا و پیغمبر بزند، وظیفه ی زن وی چیست؟

ج. با فرض مـذکور اگر در حال اختیار آن حرف ها را بزنـد، مرتـد می شود و زن بایـد از او جـدا شود و حق مضاجعه ندارد و زن باید در مرتد فطری، عدّه ی وفات بگیرد.

ارتداد شوهر

۴۸۷۸. اگر بانویی بعد از ازدواج متوجه مرتد بودن شوهرش شد، تکلیفش چیست؟

ج. ظاهراً حکم به بطلان عقد آنها می شود.

فِرق باطله

۴۸۷۹. زنی با مردی ازدواج کرده و بعـداً معلوم شـده که علی اللّهیست و از او صاحب فرزنـد شـده، وظیفه ی او و فرزندان وی چیست؟

ج. اگر مرد کافر است، باید از او جدا شود و فرزندان ملحق به زن هستند - چون نمی دانسته - و استحقاق مهر هم دارد.

عدم خیار با عدم بکارت

۴۸۸۰. آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می شود؟

ج. اگر ضمن عقد شرط نشده و یا عقد مبنی بر ثبوت آن نبوده، باعث خیار نمی شود.

دختری که صرع دارد

۴۸۸۱. دختری را به ازدواج دائمی درآوردند، پس از ازدواج معلوم شد به بیماری صرع مبتلا است، خود دختر قصد داشت قبل از ازدواج به شوهر بگوید؛ ولی پدر و مادر او مانع شدند، تکلیف عقد و مهریه چیست؟

ج. اگر عدم صرع در عقد شرط شده بوده یا عقد مبنی بر آن بوده، با عدم گفتن آن قبل از عقد، باعث خیار می شود و در صورت فسخ قبل از دخول، استحقاق مهر ندارد و بعد از دخول اگر زن سبب تدلیس نبوده، تمام مهر را از مدلّس می گیرد.

اعتیاد

۴۸۸۲. اگر زن بعد از عقد بفهمد همسرش معتاد است، آیا می تواند عقد را فسخ کند، تکلیف مهریه چه خواهد شد؟

ج. مثل جواب سؤال قبل است.

عجز از نزدیکی

۴۸۸۳. اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوری عقد و نکاح را به هم بزند و از شوهر جدا شود، آیا در این صورت زن می تواند بدون طلاق شوهر کند؟

ج. زن به حاکم شرع رجوع می کند و حاکم تا یک سال مهلت می دهد و اگر در این یک سال قدرت بر نزدیکی با آن زن یا زن دیگر را نداشت، زن بفوریّت عرفیه حق فسخ دارد.

رابطه ی فسخ با طلاق

۴۸۸۴. در مواردی که زوج یا زوجه حق فسخ عقد را دارند، آیا فسخ، طلاق حساب می شود یا خیر؟

ج. اگر زن یا مرد، به سبب یکی از عیوب که در رساله ذکر گردیده است، عقد را به هم بزنند، از هم جدا می شود و طلاق لازم نیست. (مسأله ی ۱۸۹۵ رساله)

اجازه از حاکم شرع

۴۸۸۵. در موارد فسخ، آیا اجازه ی حاکم شرع لازم است یا نه؟

ج. در غیر مورد عنن که مذکور شد، احتیاج به اجازه ی حاکم ندارد، اگر چه برای فصل خصومت در وقت نزاع مراجعه ی به حاکم می شود.

نحوه ی ثابت شدن عیوب موجب فسخ

۴۸۸۶. عیوبی که به واسطه ی آنها می شود عقد نکاح را فسخ کرد، به چه چیز ثابت می شود؟

ج. ۱) به بیّنه، البته در عیب مخفی باید بیّنه از اهل اطّلاع و خبره باشد و در عیبی که غالباً علم به آن مختص به صاحب عیب است - مثل عنن - سماع بیّنه در آن، محل تأمّل است.

۲) به اقرار صاحب عیب یا بیّنه بر اقرار او.

۳) عیوب باطنه در زنان، به شهادت چهار زن عادل هم ثابت می شود و اگر بکر ادعای عنن یا ترک وطی کرد، به واسطه ی زن ها استعلام می شود.

داشتن بیماری عصبی و پنهان نمودن آن

۴۸۸۷. علویه ای به دلیل ناراحتی عصبی و افسردگی، داروی آرام بخش اعصاب مصرف می کرده است و در هنگام ازدواج این مسأله را به همسرش نگفته است و پس از مدّتی داروهای خود را ترک کرده و بیماری عود می کند و همسر از ناراحتی وی مطّلع می شود. زوج مزبور او را به منزل والدین برده و ادّعا می کند که همسرش دچار نوعی جنون بوده که در زمان نکاح به او نگفته اند.

به همین جهت وی نکاح را فسخ کرده، در حالی که پزشکان آن را افسردگی و ناراحتی عصبی تشخیص داده اند.

حکم مسأله را بیان فرمایید؟

ج. در فرض مذکور یعنی ناراحتی عصبی و افسردگی، با عدم صدق جنون عرفی، شوهر حق فسخ ندارد.

نداشتن خصیتین

۴۸۸۸. زوج و زوجه ای که مدّت هشت سال است با هم زندگی نموده اند، ولی تاکنون بچّه دار نشده اند و به تشخیص پزشکان عیب از جانب زوج است و اکنون زوجه ادعا دارد که شوهرش بدون خصیتین است و زوج هم معترف است و علّت عدم بارداری وی هم همین مسأله است.

آیا عیب ذکر شده از جمله عیوبیست که باعث فسخ عقد می گردد؟ و از آن جایی که زوجه تاکنون جاهل بر حکم بوده نمی دانسته که حق فسخ دارد، آیا در صورت داشتن حق فسخ لازم است صیغه طلاق جاری شود؟

ج. می تواند فسخ نماید و به طلاق احتیاج ندارد.

عنین

۴۸۸۹. اگر در مدّت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خود داری کند، آیا بعد از اتمام مدّت، زوجه حق فسخ دارد یا باید مدّت بیشتری تمدید گردد؟

ج. اگر در این مدت زن دیگری را هم بتواند وطی کند، در رفع عنن کافیست و اگر ممکن نبود و زوجه هم تمکین نکرد،

ثبوت حق فسخ مشکل است.

عنین شدن بعد از نزدیکی

۴۸۹۰. مرد عنینی که از ابتدای ازدواج قادر به نزدیکی نمی باشد، آیا همسر او حق فسخ دارد؟

اگر بعد از یک بار نزدیکی عنین شود همسرش چه تکلیفی دارد؟

ج. در صورت اوّل، زن حق فسخ دارد و در صورت دوم حق فسخ ندارد.

عقیم بودن مرد

۴۸۹۱. آیا اگر زن بعد از ازدواج بفهمد مرد عقیم است، می تواند طلاق بگیرد؟

ج. خیر، طلاق به دست مرد است.

عیوبی که بعد از عقد معلوم می شود

۴۸۹۲. در مواردی که مرد می تواند عقد را به هم بزند؛ مثل بیماری برص و @تیمنگر - نقص مادرزادی افضاء - و موانع مقاربت، امروزه با درمان قابل رفع می باشد.

حال چنان چه مردی پس از ازدواج متوجّه موارد مذکور گردد، آیا بازهم اختیار حق فسخ عقد را دارد یا خیر؟ چنان چه نیاز به درمان باشد، به عهده زن است که به درمان آن اقدام کند یا بر عهده شوهر است؟

ج. هر عیبی که موجب فسخ باشد، بعد از عقد شوهر خیار فسخ دارد و هزینه درمان بر عهده زن است.

فسخ عقد به خاطر تخلّف شرط ضمن عقد

۴۸۹۳. در مادّه ی ۱۱۲۸ قانون مدنی آمده:

«هرگاه صفت خاصّی در یکی از زوجین شرط شود و بعد از عقد معلوم گردد که طرف، فاقد صفت مقصوده بوده، برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می شود. حال اگر صفت ایمان و تقوی شرط گردد [انجام فرایض دینی از قبیل به جا آوردن نماز و ...] و بعد از عقد معلوم گردد که زوجه نه تنها نسبت به واجبات دینی بی توجّه است؛ بلکه حتّی نسبت به انجام محرّمات نیز ابایی ندارد، در اینجا آیا حق فسخ برای طرف دیگر ایجاد می شود یا خیر؟

ج. هرگاه صفتی در ضمن عقد شرط شود و یا عقد مبنی بر آن منعقد شود، در صورت تخلّف، حق فسخ ثابت است و چون این امر قضیّه ی شخصیّه است که اموری نظیر سبق و لحوق بر عقد نیاز به بررسی دارد، باید حاکم شرع طبق موازین شرع حکم نماید.

عدم آگاهی شوهر از عیب دختر

۴۸۹۴. دختری که هنگام عقـد نقص و عیبی دارد - غیر عیوبی که موجب فسـخ می شود - و زوج نمی دانسـته و ضـمن عقـد، سلامت از آن عیب ذکر نشـده، هر چنـد عقد مبنی بر سـلامت از این عیوب است - که شـرط لبّیست، آیا زوج حق خیار فسـخ دارد؟

ج. در خیار فسخ تأمل است و اگر پس از فهمیدن زوج به آن راضی شد، دیگر حق رد ندارد.

احکام شیر دادن

شرایط شیر خوردنی که موجب محرمیت است

۴۸۹۵. پسری که روزی یک بار یا دو بار از خانمی شیر خورده و در بین شیر خوردن، شیر مادرش و غذا نیز می خورده است، آیا محرمیت حاصل می شود؟

ج. خیر به کسی محرم نمی شود.

۴۸۹۶. زنی به دختر خود و به پسر خواهر خود شیر می دهد، آیا به هم محرم می شوند؟

ج. اگر به حد محرمیّت شیر داده، سبب محرمیت می شود.

شیر دادن دخترِ برادر شوهر

۴۸۹۷. اگر خـانمی دخترِ برادر شوهر خود را شیر دهـد، آیـا غیر از آن دختر، فرزنـدان دیگر دو برادر می تواننـد با هم ازدواج کنند؟

ج. بله، می توانند.

نوه های مادر رضاعی

۴۸۹۸. آیا نوه های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم می باشند؟

ج. بله، محرم می شوند. (مسأله ی ۱۹۵۵ رساله.) شیر دادن بچّه ی خواهر

۴۸۹۹. اگر خواهری بچّه های خواهر خود را شیر دهد، آیا این خواهر به شوهر خواهرش محرم می شود؟ ضـمناً حکم فرزندان او چه خواهد شد؟

ج. محرم نمی شود و فرزندان دیگر غیر از شیرخوار، به همدیگر محرم نمی شوند.

شیر دادن بچّه ی زن اوّل

۴۹۰۰. شخصی از عیال اوّل خود بچّه ی شیرخواری دارد، آیا می شود عیال دوّم آن بچّه را شیر بدهد؟

ج. اشکال ندارد.

شیر دادن فرزند دختر

۴۹۰۱. هرگاه زن، فرزند دختر خود را شیر بدهد، ازدواج او باطل می شود. آیا این حکم شامل دختر رضاعی هم می شود و اگر زن، فرزند دختر رضاعی را شیر بدهد، ازدواج باطل شود؟

ج. ظاهراً شامل دختر رضاعی نمی شود؛ مگر این که دختر رضاعیِ شوهر فعلی او هم باشد، بنا بر احوط. (جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۹۵۶ رساله رجوع شود)

شیر خوردن دختر دایی

۴۹۰۲. دختر دایی من یک ماه از مادرم شیر خورده، آیا به من محرم است؟

ج. اگر بر طبق مسأله ی ۱۹۶۵ الی ۱۹۶۷ رساله بوده، بله به شما محرم است.

شیر دادن نوه ی دختری و ازدواج وی با نوه ی دیگر

۴۹۰۳. ۱) زنی حدود ۴۰ سال پیش نوه ی دختری خود را شیر کامل داده و این پسر شیرخواره، وقتی به سن بلوغ رسیده با یکی دیگر از نوه های دختری زن شیرده ازدواج نموده است.

با توجّه به این که زن و شوهر اوّلی – یعنی پدر و مادر آن نوه ی دختری – بر یکدیگر حرام هستند، تکلیف این دو نفر یعنی دو نوه ی دختری چیست؟

ج. باید از هم جدا شوند.

۲) آیا برادر آن شیرخواره ی فوق الذّکر می تواند با دختر خاله اش ازدواج کند؟

ج. مانعی ندارد.

شیر دادن مادر زن به نوه دختری

۴۹۰۴. اگر مادر زنی به نوه دختری اش شیر دهد، آیا دامادش بر دختر او حرام ابدی می شود؟

ج. اگر زن نوه دختری خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می شود.

پسری که شیر مادرِ مادر خود را خورده

۴۹۰۵. آیا پسر که شیر مادربزرگ خود یعنی مادر مادر را خورده، می تواند با دختر خاله اش ازدواج کند؟

ج. نمی تواند.

عدم جواز ازدواج با خواهر رضاعی

۴۹۰۶. شخصی شیر زنی را خورده که مادر رضاعی او می شود و بعد از مدّتی شوهر دیگری کرده است که از این شوهر دوّم بچّه ای به دنیا آورده است.

آیا می تواند با دختری که از شوهر دوّم به دنیا آورده است ازدواج کند؟

ج. نمی تواند با او ازدواج کند، زیرا خواهر رضاعی اوست.

امور مالی و اقتصادی خانواده

نفقه ای که بر زوج، تهیّه ی آن واجب است

۴۹۰۷. آیا بر زوج لازم است که آن چه معمولاً تمام زن ها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه تهیّه کند، یا فقط تهیه غذا و مسکن و لباس برای او لازم است؟

ج. در این سه متعیّن نیست.

نفقه ی زندانی

۴۹۰۸. نفقه ی زندانی به عهده بیت المال است یا خود افراد؟ نفقه افراد واجب النّفقه ی زندانی چه طور؟

ج. در موارد ضمان آن، بر مسبّب است وگرنه اگر مال دارد، بر خود اوست و در غیر این صورت مثل سایر فقرا است.

نفقه زوجه ای که حاضر به تمکین نیست

۴۹۰۹. این جانب مدّت سه سال است که دخترخانمی را به عقد رسمی خود درآورده ام و زوجه به هیچ عنوان حاضر به تمکین با بنده نمی شود. وظیفه ی این جانب را در خصوص این مسأله عنوان فرمایید.

ج. بر زوجه، تمکین از زوج لازم است، مگر این که عذر شرعی داشته باشد و اگر بدون عذر تمکین نکند، ناشزه است و استحقاق نفقه ندارد و مرد می تواند در غیر صورت طلاق یا خلع - و لو با رجوع به محکمه ی شرعیّه - او را به تمکین وادار نماید و اللّه العالم.

عدم تمکین برای گرفتن مهریه

۴۹۱۰. زنی که برای وصول مهریه تمکین نمی کند، آیا مستحق نفقه می باشد؟

ج. اگر مهریه حال باشد و از اوّل راضی نشده باشد، مستحق نفقه است، بنا بر این که بگوییم نشوز مانع است از استحقاق نفقه با اقتضای عقد آن را، نه این که تمکین شرط باشد.

نفقه ی زنی که از منزل خارج شده

۴۹۱۱. زنی که بدون اجازه ی شوهر از خانه ی شوهر بیرون رفته باشد و با وساطت دیگران هم به خانه ی شوهر برنگردد و ادّعای مخارج نماید، آیا شوهر مدیون زن است؟

ج. اگر خروج زن از منزل شوهر بدون رضایت شوهر و بدون عذر باشد، ناشزه است و در مدّت نشوز استحقاق نفقه ندارد و چنان چه شرعاً معذور باشد، ناشزه نیست و نفقه ی او که همان نفقه ی زوجیّت است، باید به او داده شود.

نفقه همسر در زمان عقد

۴۹۱۲. نفقه دختر در زمان عقد بر عهده چه کسی است؟

ج. بر عهده شوهر او است.

نفقه ی زن قبل از رفتن به خانه ی شوهر

۴۹۱۳. مردی که زنی را به عقد دائم خود درآورده است، ولی بنا به شرایط [اقتصادی] مثلاً بگوید که سه ماه دیگر او را به خانه می برم حق خرج او بر پدر است یا شوهر؟ و آیا اجازه ی خروج از منزل پدری در راه های دور و نزدیک با پدر است یا شوهر؟

ج. نفقه ی زن با شوهر است و باید در خارج شدن از منزل، از شوهر اطاعت نماید.

فراهم نمودن هزینه ی دارو و درمان

۴۹۱۴. اگر عرف جامعه اهتمام زوج را به فراهم نمودن هزینه ی دارو و درمان زوجه ی مریضه لازم بشمارد، با نظر به این که مداوای بیماری عقلاً و عرفاً جزو نیازمندی های اوّلیه ی هر انسانی می باشد، آیا فراهم نمودن هزینه ی دارو و درمان زوجه ی بیمار جزو نفقه زوجه محسوب می گردد یا خیر؟

ج. اگر مرض خارج از متعارف، یا مخارج خارج از حد معروف باشد، جزو نفقه نیست و در حد متعارف، بر شوهر لازم است علی الاحوط، به خصوص اگر زن مالی ندارد.

مطالبه ی مخارج روزهای آینده

۴۹۱۵. آیا زن می تواند مخارج روزهای آینده را از شوهر مطالبه کند؟

ج. نمی تواند.

مطالبه ی مخارج روزهای گذشته

۴۹۱۶. آیا زن می تواند مخارج روزهای گذشته را که مرد نپرداخته و زن از پول خودش خرج کرده یا از پس انداز مخارج روزهای قبل خرج کرده را از شوهر مطالبه نماید؟

ج. اگر از مال شوهر خرج نکرده، می تواند نفقه ی خودش را مطالبه کند.

پول هایی که زن صرفه جویی کرده

۴۹۱۷. آیا مرد می تواند پول هایی را که زن با صرفه جویی در مخارج خانه پس انداز کرده است از زن طلب کند؟ و آیا زن می تواند بدون اذن شوهر آن پس انداز را خرج نماید؟

ج. مرد می تواند مطالبه کند و خرج کردن زن، باید با رضایت شوهر باشد، مگر آن چه را به عنوان نفقه مالك شده باشد.

اگر زکات به نفقه تَعَلُّق گرفته باشد

۴۹۱۸. شوهر زن مؤمنه ای نفقه ی او را نمی دهد، علاوه بر آن که او را در منزلی نگاه داشته که این منزل از پول زکات داده نشده ای خریداری گردیده است و زن نیز تمکّن پرداخت زکات را ندارد و تمکّن تهیّه ی منزل دیگر را هم ندارد، در این صورت تکلیف زن چیست؟

ج. وظیفه ی شوهر است که نفقه ی زن خود را بدهد و اگر عمل نمی کند، زن می تواند با رجوع به محاکم او را به دادن نفقه مجبور کند و در مورد منزل، اگر آن را بر ذمّه خریده باشد، تصرّف در آن مانع ندارد و مالك شده است؛ هر چند پول آن مشتمل بر وجوه شرعیّه باشد.

مخارج اولاد

۴۹۱۹. مخارج اولاد تا چند سال بر پدر واجب است؟

بعضی از فرزندان می خواهند درس بخوانند و تا سطح دکترا ادامه دهند. آیا تا پایان تحصیلات، پدر باید هزینه ی تحصیلات آنها را بدهد؟

ج. مخارج تحصیل اولاد بر پدر واجب نیست، بلکه فرزندان اگر فقیر باشند، به اندازه ای که نفقه ی روز خود را نداشته باشند

و نتوانند تأمین کنند، بر پدر لازم است نفقه ی آنها را بدهد.

نفقه ی بچّه ی صغیر

۴۹۲۰. آیا خرج بچّه ی صغیر به عهده مادر است یا پدر مادر؟

ج. نفقه ی طفل بر پدر است و پدر پدر، هر چه بالا رود و با نبود آنها بر مادر است و بر پدر و مادر مادر، هر چه بالا رود.

استفاده ی فرزند از وسایل خانه ی پدری

۴۹۲۱. این جانب مجرّد و در خانه ی پدری ساکن هستم. لطفاً بفرمایید بنده تا چه حد مجازم از وسایل خانه ی پدری استفاده کنم؟

ج. از وسایل خانه به طور عادّی می توانید استفاده نمایید و استفاده از خوردنی ها و آشامیدنی ها و غیره مانعی ندارد.

استفاده ی پدر از وسایل فرزند

۴۹۲۲. پدری، دختر شاغلی دارد که هنوز ازدواج نکرده و فعلاً به شهر دیگری انتقال یافته است و در منزل پدری زندگی نمی کند.

آیا پدر می تواند بدون اجازه ی فرزند از چیزهایی که فرزند در زمان بودنش در خانه و قبل از انتقال، از حقوق خود خریداری و تهیه نموده تصرّف کند؟

ج. اگر یقین به رضایت صاحبش دارد، مانع ندارد.

پدر غیر مقیّد به حلال و حرام

۴۹۲۳. گاهی هر دو الی سه ماه به منزل پدرم می روم و ایشان مقیّد به لقمه ی حرام و حلال نیست. آیا می توانم در مقابل هر وعده ی غذایی که در خانه ی پدرم می خورم، قیمت آن را به پدرم بدهم، مثل رستوران ها، تا این که از اثرات سوء لقمه ی حرام فرار کنم یا خیر؟

ج. اگر یقین به حرام بودن عین غذا ندارید، می توانید تصرّف نمایید و در صورت یقین، دادن پول، حرام موجب جواز تصرّف نیست.

کسی که از پدرش پول برداشته

۴۹۲۴. کسی که در ایّام قبل از تکلیف از مغازه ی پدر خود مخفیانه پولی بر می داشته است، اکنون که پدر از دنیا رفته وظیفه ی او چیست؟

ج. ورثه را راضی کند.

معلولی که فرزندانش فوت کرده

۴۹۲۵. معلولی که فرزندان او فوت کرده اند و یا در محل نباشند یا دسترسی به آنها مشکل باشد، آیا نگهداری جد و جدّه ی معلول به عهده نوه های او اعم از پسر یا دختر می باشند؟

ج. بلی، اگر از اولاد اقرب کسی نیست، نفقه ی آنها بر فالأقرب «۱» اولاد است.

|

(۱). اقربِ بعدی.

تأمین مخارج پدر و مادر

۴۹۲۶. تأمین مخارج پدر و مادر نیازمند تنها به عهده فرزندان پسر وی می باشد، یا دختران نیز در صورتی که درآمد شخصی داشته باشند، در این مورد مسؤولیتی دارند؟

ج. فرقی بین فرزندان پسر و دختر نیست و با وجود فرزند، هر چند دختر که بتواند نفقه ی پدر و مادر را بدهد، نفقه ی واجبه بر عهده دختر است.

نگهداری از پدر و مادر معلول

۴۹۲۷. هرگاه پدر و مادر، بیمار و یا معلول باشند که نیاز به پرستاری و نگهداری داشته باشند، آیا نگهداری آنها فقط به عهده فرزندان پسر می باشد یا دختران نیز در این مورد مسؤولیتی دارند و در صورتی که پدر و مادر فرزند پسری نداشته باشند، آیا وظیفه ی نگهداری و پرستاری آنان به عهده دختر می باشد؟

ج. در این جهت، بین فرزند پسر و دختر فرقی نیست و آن چه بر فرزند واجب است، نفقه ی پدر و مادر است در حد و شرایطی که در رساله ها ذکر شده است.

برداشتن پول بدون اجازه ی شوهر

۴۹۲۸. آیا جایز است زن، بدون اجازه ی شوهر دست در جیب او کرده و برای مخارج خانه یا فرزندان پولی را بردارد؟

ج. باید شوهر راضی باشد.

برداشتن پول با اطمینان از رضایت شوهر

۴۹۲۹. اگر زنی بدون اجازه ی شوهرش از پول یا مال او بردارد ولی می داند شوهرش راضی است، آیا گرفتن اجازه واجب

است یا به همین اطمینان می توان اکتفا کرد؟ در صورتی که احتمال دهد که او راضی است، حکم چگونه است؟

ج. با اطمینان اشکال ندارد و بدون اطمینان جایز نیست.

مصرف پول بدون اجازه شوهر

۴۹۳۰. اگر زنی از پولی که شوهرش برای مخارج خانه می دهد، در منزل، مجلس روضه یا ختم انعام و یا ... بگیرد جایز است؟

ج. جایز نیست؛ مگر با رضایت شوهر.

رابطه مزد و نفقه

۴۹۳۱. اگر کارگری فنّی برای پدر خود کار می کند و پدر نصف مزد متعارف را به پسرش می دهد، آیا این پسر در مقابل نفقه ی همسر و فرزندانش مسؤول است؟

ج. نفقه ی واجب النّفقه اش را باید بدهد و اگر مزدی که می گیرد کم است، به صاحب کار بگوید و با هم تفاهم و تراضی نمایند و مزد و نفقه به هم ربطی ندارند.

پرداخت نفقه از مال صغیر

۴۹۳۲. فردی واجب النفقه صغیر می باشد (مانند پدر و مادر صغیری که فرزند صغیرشان غنی باشد). آیا پرداخت نفقه بر صغیر واجب است؟

ج. بر صغیر تکلیف نیست و ولی یا قیّم او هم نمی توانند از مال او انفاق کنند، مگر فرض شود که مشتمل بر مصلحت طفل باشد.

خودداری از نفقه

۴۹۳۳. در صورتی که مرد از دادن نفقه به خانواده اش خود داری کند، شرع مقدس چه راهی را بیان می فرماید؟

ج. زن حق مطالبه نفقه خود را هر چند با شکایت دارد و حاکم شرع مرد را به دادن نفقه الزام می کند و هر چه از نفقه ی زوجه را نداده مدیون است.

مطالبه نفقه پرداخت نشده

۴۹۳۴. اگر مردی به دلایلی مانند بیماری و زندانی بودن و ... نتواند برای مدتی نفقه خانواده اش را بدهد، آنها می توانند نفقه مدتی که پرداخت نکرده است را از او مطالبه نمایند؟

ج. نفقه زوجه دین بر ذمّه ی زوج است ولی نفقه اقارب دین نیست؛ مگر به نحو مشروع، بر عهده او استدانه کرده باشند با اذن از مَن لَهُ الإذن از حاکم یا عدول مؤمنین.

میزان نفقه زن

۴۹۳۵. میزان نفقه زن که بر عهـده شوهر می باشد، بر اساس توانایی مرد است یا بر اساس چیزهایی که زنان هم شأنِ همسـر او، نیاز دارند؟

ج. شأنیت بر حسب امثال زوجین حساب می شود.

قبول کردن نفقه زن

۴۹۳۶. آیا غیر از شوهر، شـخص دیگری می توانـد نفقه ی زن را بدهـد؟ اگر فرد دیگر تعهد بدهد در صورتی که بر سـر نفقه بین زن و شوهر اختلافی به وجود آمد، نفقه بر عهده او باشد، صحیح است؟

ج. بله، صحیح است و اگر آن تعهّد را ضمن عقد خارج لازمی شرط کند، الزام آور هم می شود.

لزوم پرداخت نفقه ی واجبه به زن

۴۹۳۷. در صورتی که زن درآمد کافی داشته باشد، آیا شوهر می تواند از پرداختن نفقه به وی امتناع ورزد؟

ج. از واجبات نمی تواند امتناع کند.

تصرّف فرزند در اموال پدر

۴۹۳۸. فرزند اگر محتاج همسر باشد و پدر به فکر او نباشد، آیا می تواند بدون اذن او در اموالش تصرّف کند و زن بگیرد؟

ج. نمی تواند.

نفقه فرزندان

۴۹۳۹. نفقه فرزنـدان تا چه سـنی بر عهـده پـدر می باشـد؟ اگر مردی بخواهـد از درآمـد غیر حلال، هزینه ی زندگی همسـر و فرزندانش را بدهد، آنها می توانند از این پول استفاده کنند؟

ج. فرزنـد در هر سـنی که باشـد، اگر فقیر باشد و پدر داشـته باشد نفقه اش بر پدر واجب است و اگر نفقه را از عین مال حرام بدهد، آنها نمی توانند از آن پول استفاده کنند و باید از پول حلال مطالبه کنند.

بخشش وسایل غیر ضروری منزل بدون اذن پدر

۴۹۴۰. بخشیدن وسایل منزل اگر مورد استفاده نباشد، بدون اجازه پدر جایز است؟

ج. اگر از اموال پدر است، جایز نیست.

گرفتن پول از پدر، خرج آن بدون رضایت پدر

۴۹۴۱. اگر کسی پولی را که از پدرش دریافت می کند در راهی مصرف کند که او راضی نباشد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در راه حلال باشد و سبب ناراحتی پدر هم نشود اشکال ندارد، مگر این که پدر پول را تملیک او نکرده باشد و یا به صورت مشروط بخشیده باشد.

نفقه جنین

۴۹۴۲. آیا جنینی که در رحم غیر مادرش قرار گرفته است، مستحق نفقه می باشد؟

ج. استحقاق نفقه دارد، بنا بر احوط.

تصرف برادر در اموال پدر

۴۹۴۳. آیا برادر بزرگتر می تواند از اموال پدر - که صغیر هم دارد - با تعهد پرداخت آن در آینده، برای ازدواج خود چیزی بردارد، طبق چه شرایطی می تواند تصرف نماید؟

ج. اگر با اذن از قیّم صغیر و سایر ورثه باشد، نسبت به سهم خودش مانعی ندارد و هم چنین تصرف در سهم ورثه با رضایت آنها اشکالی ندارد، به خلاف سهم صغیر که به هیچ عنوان اجازه تصرف ندارد مگر در موردی فرض شود که مصلحت صغیر هم در آن باشد.

مطالبه نفقه پرداختی از طرف پدر

۴۹۴۴. پدری که در ایام کودکی نفقه فرزند را پرداخته و حالا در زمان بزرگسالی نفقه را از فرزندش مطالبه می نماید، نپرداختنش چه حکمی دارد؟

ج. چیزی بر گردن فرزند نیست.

نفقه ی پدر و مادر فقیر

۴۹۴۵. کسی که درآمد او فقط به اندازه ی زن و بچه ی خود است، آیا نسبت به پدر و مادر فقیر خود مسؤولیت دارد؟

ج. نفقه زوجه بر نفقه اقارب مقدم است؛ اما نفقه اقارب که در فرض سؤال متساوی در درجه هستند، اگر انفاق کننده دیگری برای آنها نیست، احوط تراضی همه آنها به نحو قرعه یا تقسیم به کمتر از کفایت است.

محرمیّت و راه های آن

نحوه ی محرمیّت فرزند خوانده با زن و مرد

۴۹۴۶. چگونگی محرمیّت زن و مرد با بچه ای که به فرزندی قبول کرده اند را بیان فرمایید؟ حکم محرمیت فرزند خوانده با سایر بچه های این زن و مرد چه می باشد؟

ج. اگر بچه شیرخوار باشد، با شیر دادن - با شرایط محرمیّت - امکان پذیر است و هم چنین از راه عقد کردن ولی شرعی او به کسی که سبب محرمیّت در اقربای او باشد.

۴۹۴۷. گاهی افرادی که صاحب فرزند نمی شوند، دختری یا پسری از پرورشگاه می گیرند. آیا راهی برای محرم شدن او بر پدر و مادرخوانده وجود دارد؟

ج. بله، با شیر دادن یا عقد نکاح محرم می شود و موارد آن مختلف می شود.

۴۹۴۸. آیا دختر خوانده به پدر، دایی، عمو، برادر محرم است و یا شوهر دختر خوانده به مادر خانم محرم می شود؟

ج. خیر، اگر یکی از اسباب شرعیه محرمیت محقّق نشده باشد، محرم نمی شوند.

چگونگی برخورد فرزند خوانده با خواهر و مادر خوانده

۴۹۴۹. شانزده سال پیش بچه ای را به فرزندی قبول کردیم، اکنون او به بلوغ رسیده است، خواهر و مادر خوانده از نظر پوشش چه کنند؟ با توجه به این که از نظر روحی به او ضربه وارد نشود.

ج. باید مثل نامحرم های دیگر خود را از او بپوشانند، مگر به طریقی او را محرم کنند.

۴۹۵۰. دختری را از پرورشگاه گرفته و او را بزرگ کرده ام. حال حدود ۷، ۸ ساله است.

آیا برای محرم شدن می توانم برای پسرم عقد کنم یا نه؟

ج. بله، عقد او توسط ولی شرعی او جایز است.

نحوه محرمیت با همسر برادر

۴۹۵۱. همسر برادر شامل محارم انسان نمی شود، اگر شخص بخواهد در برخوردهایی که با او دارد مشکلی نداشته باشد، آیا راهی برای محرمیت بین آن دو وجود دارد؟

ج. آن فرد ابتدا، دختری را به عقد موقت خود درآورده و سپس آن دختر را از شیر زن برادرش - به مقداری که در رساله ذکر شد - شیر دهند، که در این صورت همسر برادر به عنوان مادر رضایی همسر او با وی محرم می شود.

محرمیّت پسران شوهر به نامادری

۴۹۵۲. آیا فرزندان پسر به زن پدر محرم هستند؟

ج. محرم هستند.

صیغه برادری در اسلام

۴۹۵۳. صیغه برادری در اسلام آیا مانعی در ازدواج خواهر با طرف مقابل ایجاد می کند و سبب محرمیت می گردد؟

ج. خیر، سبب محرمیّت نمی شود.

ناپدری مادر

۴۹۵۴. آیا ناپدری مادرم بر من و مادرم محرم است؟

ج. اگر آن ناپدری با مادر مادر شما عقد و نزدیکی کرده باشد، بر مادر و شما و فرزندان شما، هر چه پایین آیند، چه در وقت عقد باشند، یا بعداً به دنیا بیایند به او محرم می شوند.

محرمیت عموهای ناتنی با برادر زاده خود

۴۹۵۵. آیا عموهای ناتنی که مادرشان مادربزرگ من است و شوهر دوم مادربزرگ ام و فرزند شوهر دوم او، بر ما محرم هستند؟

ج. تمام موارد ذکر شده محرم هستند، غیر از مورد آخر، یعنی فرزند شوهر دوم، که از مادربزرگ شما نیست.

محرمیت فرزندان به نامادری خود

۴۹۵۶. آیا فرزندان شوهر به زن فعلیش محرم هستند؟

ج. بله، محرم هستند (به مسأله ی ۱۹۱۰ رساله رجوع شود)

محرمیت نامادری و خانواده اش با فرزندان شوهر

۴۹۵۷. آیا زن پدر و بستگان نسبی او با من محرم هستند؟

ج. فقط زن پدر محرم است.

محرم شدن مادر دختر

۴۹۵۸. پـدری دختر بالغ خود را به عقـد موقت مردی به صورت فضولی درآورده و پس از انقضایِ مـدّت، دختر عقـد را اجازه می کند.

آیا برای حصول محرمیّت مادر دختر، همین مقدار کافی است؟

ج. احتیاط در تجدید عقد صحیح است.

محرمیّت زن و شوهر پس از مرگ شوهر

۴۹۵۹. آیا مردی که می میرد همسرش به او نامحرم می شود؟

ج. فی الجمله آثار محرمیت باقی است.

صیغه برادری و خواهری بین زن و مرد نامحرم

۴۹۶۰. آیا می شود بین دختر و پسر نامحرم صیغه خواهر و برادری خواند؟

ج. چنین صیغه ای مشروعیت ندارد.

رابطه ای نامشروع با خواهر زن

۴۹۶۱. زنی که همسـرش فوت کرده است، با همسـر خواهرش به صورت پنهانی برای مدتی روابط نامشـروع داشته اند، آیا این عمل موجب حرمت ابدی همسر این مرد بر او می شود یا موجب حرمت ابدی خواهر بر این مرد می شود؟

ج. در هیچ کدام موجب حرمت ابدی نیست.

ازدواج پدر داماد با محارم داماد

۴۹۶۲. آیا ازدواج پدر داماد با کسانی که به سبب ازدواج با داماد محرم می شوند، جایز می باشد؟

ج. بله، جایز است.

ازدواج با فرزندان همسر

۴۹۶۳. مردی از همسـرش جـدا شده و همسـر او بعد از گذشت عدّه ازدواج کرده و صاحب اولاد گشـته است، آیا این مرد می تواند دختر همسـر سابقش را برای خود یا پسرش بگیرد؟ در صورت بر عکس شدن مسأله، آیا زن می تواند با پسر او در فرض شوهر نداشتن، ازدواج کند؟

ج. در صورت اوّل آن مرد خودش نمی تواند با دختر همسرش ازدواج کند؛ بلکه پسرش که از زن دیگر است، می تواند با آن

دختر ازدواج کند و در صورت دوم آن زن نمی تواند با پسر شوهرش ازدواج کند.

بقای محرمیّت پس از جدایی زوجین

۴۹۶۴. آیـا بعـد از جـدایی زوجین، رابطه ای آنهـا با کسانی که به سـبب ازدواج با آنها محرم شـده بودنـد، باقی می مانـد؟ در صورتی که مادر زن یا پدر شوهر دوباره ازدواج کنند، محرمیت باقیست یا خیر؟

ج. بله، باقی است.

انواع محرمیّت در عقد موقت

۴۹۶۵. زن و مردی که با داشـتن اولاد، با یکـدیگر ازدواج می کنند آیا دخترها و پسـرهایی که از همسـر اوّل خویش دارند، بر دیگری محرم هسـتند؟ اگر مرد، همسـر اولش در نکاح او باشد، پسـران او بر همسر دوم مرد محرمند یا خیر؟ دامادهایی که هر کدام دارند آیا بر دیگری محرمند یا خیر؟

ج. در فرض اوّل، آن دخترها و پسرها به همدیگر محرم نمی شوند و در فرض دوم پسران آن مرد به همسر دوم محرم اند؛ ولی دامادهای هر کدام به دیگری محرم نیستند.

همسر نوه

۴۹۶۶. آیا زوجه ی پسر دختر شخص با او محرم است؟

ج. بلی، محرم است.

خاله ی یک طرفه

۴۹۶۷. خاله های بنـده فقط از طرف پـدرشان با مادرم خواهر هسـتند، ولی از طرف مادر یکی نیسـتند. آیا آن خاله ها برای من محرم هستند؟ و هم چنین خانمی که با مادرم صیغه خواهری خوانده است، برای من محرم است یا خیر؟

ج. خاله ی شما می باشند - هر چند از طرف پدری - پس محرم هستند و خواهرخوانده ی مادر شما، خاله ی شما نمی باشد و محرم نیست.

مادر زن دوّم

۴۹۶۸. آیا مادر زن دوّم به پسـر زن اوّل مرد - که از همین شوهر فعلی می باشد، محرم است یا نه؟ و در صورتی که زن اوّل از شوهر اوّلی خود [غیر از شوهر فعلی] پسر داشته باشد، تکلیف آن پسر با زن دوّم این مرد و مادر زن دوّم شوهر فعلی چیست؟

ج. در فرض اوّل، مادر زن دوّم به پسر شوهر، از زن دیگر محرم نیست.

و در فرض دوّم نیز پسر زن اوّل از شوهر دیگر با زن دوّم و مادر زن دوّم، محرم نیستند.

حکم محرمیّت دامادهای مختلف

۴۹۶۹. مردی دارای دو زن است و از هر زنی چند دختر دارد و تمام دخترها را شوهر داده است.

آیا شوهر آن دخترهای زن اوّلی به زن دوّمی مرد و یا شوهر آن دخترهای زن دوّمی به زن اوّلی مرد محرم هستند؟ و آیا نوه های زن اوّلی بر زن دوّمی مرد و هم چنین نوه های زن دوّمی بر زن اوّلی مرد محرم می باشند؟

ج. در فرض اوّل شوهر دختر، با زن دیگر پدر دختر محرم نیست.

و در فرض دوّم، نوه های مرد از یک زن با زن دیگر مرد مذکور، محرم هستند.

زنا در عده عقد موقت

۴۹۷۰. زنای در عدّه عقد موقّت چه حکمی دارد؟

آیا موجب حرمت ابدی می شود؟

ج. نمی شود.

محرم نبودن مادر زن دوّم به پسر زن اوّل

۴۹۷۱. آیا مادر زن دوّم به پسر زن اوّل محرم است؟

ج. محرم نیست.

محرم نبودن ربیبه بر پدر شوهر

۴۹۷۲. آیا ربیبه که بر شوهر زن محرم است، بر پدر شوهر هم محرم است؟

ج. محرم نیست.

پدر رضاعی شوهر

۴۹۷۳. آیا پدر رضاعی شوهر بر زن محرم است و مانند پدر شوهر نسبی است؟

ج. بله، محرم است.

محرمیت داماد زن اوّل به زن دوم

۴۹۷۴. مردی دارای دو عیال می باشد و از یک عیال دختری دارد، آیا شوهر این دختر به عیال دوّم محرم است؟

ج. محرم نیست.

دختر شوهر قبلی

۴۹۷۵. هرگاه مردی با زنی ازدواج کند و او از شوهر قبلی دارای دختری باشد و به حد بلوغ برسد، آیا بر این مرد محرم است؟

ج. در صورت نزدیکی با آن زن، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پایین آیند، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند و در صورت عدم نزدیکی تا وقتی که آن زن در عقد او است، نمی تواند با دختر ازدواج کند.

صحّت عقد دختر زن اوّل برای برادر

۴۹۷۶. مردی دو زن دارد، دختر زن اوّل خود را که دختر خودش نیز هست، به عقد برادر زن دوّم خود در می آورد. آیا صحیح است؟

ج. صحیح است.

زن پدر

۴۹۷۷. آیا زن پدر محرم انسان است، در صورتی که زن جوان هم باشد؟ مادرزن پدر چه طور؟

ج. زن پدر محرم است و مادرزن پدر محرم نیست.

شرطبندی بین زن و شوهر

۴۹۷۸. شرطبندی بین زن و شوهر چه حکمی دارد؟

ج. در حکم، مثل سایر موارد است.

احکام متفرقه ازدواج

هدایای عروس و داماد

۴۹۷۹. معمولاً خانواده ی عروس بعد از عقد و عروسی، برای دخترشان هدایایی می برند. پس از جدا شدن این عروس و داماد یا مرگ عروس این هدایا متَعَلِّق به چه کسی است؟

ج. اگر برای دختر هدیه آورده اند و او قبض کرده است، مِلک دختر است.

ادّعای کم شدن جهیزیه

۴۹۸۰. جهیزیه زنی بعد از متارکه ی زندگی، مدتی در منزل شوهر بوده است.

حال هنگام تحویل ادّعا می کند مقداری از جهیزیه کم شده است، ولی شوهر می گوید:

من به آن دست نزده ام و اگر کم شده خود زن یا اقوام او برده اند.

قول کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. قول مرد مُقَدَّم است، مگر این که زن بیّنه کند.

پولی که از جهیزیّه زیاد می آید

۴۹۸۱. پولی که پدر دختر از داماد جهت جهیزیه ی دخترش می گیرد، در صورتی که از جهیزیه زیاد بیاید، آیا برای پدر دختر حلال است؟

ج. بستگی به کیفیت دادن پول داماد دارد.

اختلاف نظر زن و شوهر در موقت و یا دائم بودن عقد

۴۹۸۲. اگر بعد از واقع شدن عقد، زن و شوهر در دوام و انقطاع ازدواج اختلاف نظر پیدا کنند، ازدواج آنها چه صورتی پیدا می کند؟

ج. بنا بر این که مدّعی دوام را مدّعی بقای بعد از اجل بدانیم، قول مدّعی انقطاع، مقدم است.

هدایای ازدواج پس از فسخ عقد

۴۹۸۳. در مواردی که نکاح فسخ می شود، آیا می توان به بازگرداندن هدایا و پولی که هزینه شده اقدام نمود؟

ج. فقط در هدایا - اگر موجود باشند - می توانند رجوع کنند.

یاد کردن شوهر مرده

۴۹۸۴. زنی پس از فوت همسرش، با مرد دیگری ازدواج نموده است، به یاد آوردن همسر اولش، صدقه دادن برای او و رفتن بر سر مزار او، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

خودسوزی زن بر اثر آزار همسر

۴۹۸۵. اگر زنی به علت آزار و اذیت هـایی که شـوهرش نسـبت به او روا داشـته است اقـدام به خودسـوزی کنـد، آیـا هزینه ی درمان او بر عهده شوهر است؟

اگر آتش سوزی به دلیل دیگری باشد، بر عهده چه کسی است؟

ج. در بودن هزینه ی درمان زن بر شوهر تأمل است و در ضمانِ سبب، احراز اقوائیت او از مباشر لازم است.

فرزنددار شدن همسر در مسافرت شوهر

۴۹۸۶. در مسافرت هایی که بیش از یک سال به طول می انجامد، اگر در سفر شوهر، همسر او دارای اولاد شود و اهل ایمان و عفت باشد، مرد نیز بچه را از خود نفی کند، آیا فرزند ملحق به پدر است و احکام فرزندی بر او مترتب می شود یا خیر؟

ج. خیر، باید امکان لحوق باشد – از حیث کمترین و بیشترین مدت حمل – تا حتی موضوع برای لعان محقق شود.

جدایی بین زن و شوهر توسط اطرافیان

۴۹۸۷. اگر بعـد از ازدواج، پدر و مادر زن به دلایلی مانند بی کار بودن داماد یا نداشـتن خانه و ... برای مدتی طولانی بین آن دو جدایی بیندازند، شوهر در اینجا چه تکلیفی دارد؟

ج. شوهر می تواند زن را الزام به تمکین کند، هر چند با شکایت به محاکم قضایی.

وسایل خریداری شده توسط شوهر

۴۹۸۸. وسایلی که قبل از ازدواج توسط شوهر خریـداری شـده و به خانه زن فرسـتاده می شونـد و جزو جهیزیه او محسوب می شوند، مالک اصلی آنها چه کسی می باشد و آیا قول زن مبنی بر مالکیت آنها مورد قبول است؟

ج. اگر در تصـرف زن است، قول زن مقدم است و اگر معلوم است که از آنهاییست که شوهر خریده است، حکم تابع اینسـت که به چه عنوان داده است.

تصرف در اثاثیه پس از فوت همسر

۴۹۸۹. اگر شوهر فوت کنـد، جهیزیه ی زن که دیگر جزیی از زنـدگی آنهـا شـده بود، جزو «مـا ترک» او محسوب می شود یا خیر؟

اگر زن فوت کند چه حکمی دارد؟

آیا ورّاث می توانند در آنها تصرف کنند؟

ج. ظاهراً جهیزیه ایست که از اموال زن است و به ورثه او می رسد.

زن و مردی که با هم مسلمان شوند

۴۹۹۰. زن و شوهر غیر مسلمان که در آن واحد با هم مسلمان شوند، آیا باید صیغه عقد نکاح را جاری کنند؟

ج. نیازی به تجدید عقد نکاح ندارند، زیرا زمانی متخلّل نشده که عقدشان در آن زمان باطل شده باشد.

حکم عقد دختر چهارساله بی سرپرست

۴۹۹۱. از خانواده ای فقط یک دختر خردسال کمتر از ۴ سال باقی مانده و بقیّه در تصادف کشته شدند و این دختر بچّه هیچ فامیلی ندارد. آیا اجازه است که این دختر به عقد پدر یک فرد محترم درآید تا به عنوان زن پدر این فرد، تلقّی و محرم شود و این فرد بتواند سرپرستی او را به عهده بگیرد؟

ج. اجازه نیست و قبل از رسیدن به حد بلوغ و رشد نمی توانند او را عقد کنند.

بلی در موارد ضرورت، که مراعات آن برای طفل لازم است، حاکم شرع دخالت می کند.

عدم رضایت پسر و دختر

۴۹۹۲. در صورتی که پسر و دختر در ازدواج با همدیگر رضایت نداشته باشند و با حاکم شدن نظر پدر و مادر به عقد هم درآیند و بعد از مراسم عقد و عروسی به خاطر عرف مردم به چنین ازدواجی رضایت دهند، آیا این ازدواج مشروع است یا خیر؟

ج. با فرض این که رضایت داده اند، اشکالی نیست و زن و شوهر هستند.

رابطه عقد شرعی با عقد قانونی

۴۹۹۳. اگر مُقَدَّمات عقد ازدواج قانونی فراهم نباشد، آیا می توان شرعاً عقد شرعی نمود؟

ج. بر عقد شرعی اثر شرعی مترتّب می شود و منافاتی با اقدام دولت ندارد.

مفقود شدن شوهر و ازدواج مجدّد

۴۹۹۴. همسر این جانب مبتلا به اختلال حواس و روان است و قدرت شعور و تشخیص را از دست داده است، به همین دلیل، چندی قبل بر اثر تصادف، تعادل جسمانی خود را نیز از دست داده است.

اکنون قریب دو سال است که هیچ خبری از ایشان نیست و به تمام مراکزی که احتمال می رفت مراجعه کرده ام. هیچ گونه آثاری از ایشان به دست نیامده است و برای من یقین حاصل شده که وی در قید حیات نیست، آیا می توانم ازدواج نمایم؟

ج. اگر یقین به فوت شوهرتان ندارید، نمی توانید ازدواج کنید، مگر آن که با وجود شرایط، حاکم شرع طلاق دهد و اگر

یقین دارید، بعد از گذشت عدّه ی وفات از زمان یقین به فوت او، ازدواج مانع ندارد و اللّه العالم.

۴۹۹۵. زنی شوهرش در دفاع مقدّس مفقود الاثر شده و از قراین و امارات، علم به شهادت زوج پیدا کرد و شوهر نمود اما پس از پایان جنگ تحمیلی، شوهرش از اسارت برگشت، وظیفه ی این زوجه چیست؟

ج. زوجه متَعَلِّقه به اوست و نسبت به دوّمی شبهه است و باید عدّه ی وطی به شبهه نگه دارد.

عقدنامه باید نزد چه کسی باشد

۴۹۹۶. عقدنامه باید نزد چه کسی باشد؟ خانواده ی عروس یا نزد خود داماد؟

ج. تعیین شرعی ندارد و تناسب با متعهد له دارد و معمولاً نزد خانواده ی عروس می گذارند.

محلّل

۴۹۹۷. در بحث محلّل، صرف دخول کفایت می کند یا هر دو باید ارضا شوند؟

ج. علاوه بر دخول از جلو، بنا بر احتیاط لازم است انزال نیز صورت بگیرد.

(به مسأله ی ۲۰۲۱ رساله رجوع شود) منظور از عدالت میان همسران

۴۹۹۸. منظور از عدالت میان همسران چیست؟

ج. عدالت واجبه، همان عمل به حق قِسْم است.

ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده

۴۹۹۹. حکم ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده را بیان فرمایید؟

ج. بعض موارد آن مشکل است.

ادای وعده

۵۰۰۰. آیا ادای وعده به زن واجب است؟

ج. مثل موارد دیگر است.

دروغ جهت جلب محبت زن

۵۰۰۱. دروغ گفتن به زن برای جلب محبّت او، چه حکمی دارد؟

ج. مثل موارد دیگر است.

عدم جواز گفتن عیوب زن و تحقیر وی

۵۰۰۲. آیا شوهر می تواند در مقابل دیگران، عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند، اگر چه به شوخی باشد؟

۱) در صورتی که زن ناراحت شود؟

۲) در صورتی که زن ناراحت نشود؟

ج. ایذای مؤمن و مؤمنه جایز نیست.

تهمت به زن

۵۰۰۳. اگر مردی به زنش تهمت ارتباط نامشروع بزند و نتواند ادّعای خویش را در دادگاه صالحه اثبات نماید.

۱) آیا برای مرد جایز است دوباره با زن خویش ادامه ی زندگی دهد؟

۲) آیا برای زن از لحاظ شرعی واجب است با همسرش ادامه ی زندگی دهد؟

۳) آیا در این خصوص زن می تواند تقاضای طلاق نماید و به حق و حقوق خویش اعم از مهریّه و جهیزیه و دارایی های زندگی برسد؟

ج. با درخواست زوجه، مرد استحقاق حد قذف دارد؛ مگر این که لعان را واقع سازد. ولی دوباره زندگی کردن بدون لعان مانعی ندارد و زن هم باید به وظایفش عمل کند، مگر این که طلاق خلع یا مبارات بگیرد.

اعتبار قول زن

۵۰۰۴. آیا شرعاً می شود روی حرف زنان بی بند و بار، در پاک بودن از حیض و نداشتن شوهر و انقضای عدّه حساب کرد؟

ج. سؤال و فحص از حال آنان خوب است، ولی شرط نیست.

حکم فرزند متولّد شده بعد از عقد دوم با فرض شک

۵۰۰۵. خانمی ابتدا به عقد موقّت مردی درآمده و پس از انقضای عدّه، به عقد دائم مرد دیگری درآمده است و بعد از شش ماه صاحب فرزند می شود. شوهر اوّلی سیّد بوده و دوّمی عام، قراینی هست که فرزند ملحق به اوّلی باشد.

مانند:

۱) شباهت کامل کودک به شوهر اوّل و همین طور شباهت کامل فرزندان آن کودک به شوهر اوّلی؛

۲) دو دختر آن کودک تا سن شصت سالگی حیض دیده اند؛

مرحوم آیه اللَّه بروجردی - رحمه اللَّه - در چهل سال پیش فتوا به سیادت آن کودک و فرزندانش داده است.

آیا این قراین، انتساب به شوهر اوّلی را اثبات می کند؟

ج. الولد للفراش الفعلی مادامی که امر موجب علم، بر خلاف نیست.

عقد غیابی دختری برای فرزند

۵۰۰۶. پدری در غیاب فرزندش که در سفر خارج بوده، دختری را به عقد او در می آورد و پس از یک سال برای روشن شدن وضعیّت دختر، فرد مذکور به خارج سفر می کند و موضوع را با پسرش در میان می گذارد. پسر نه جواب مثبت داده و نه جواب منفی و فعلاً هم معلوم نیست پسر مذکور در کدام کشور است.

آیا عقد صحیح بوده است؟

در صورت صحّت، آیا فضولی است؟

و بر فرض فضولی، آیا پدر حق فسخ دارد؟

ج. فضولیست و فضولی نیاز به فسخ ندارد.

حکم خنثای مشکل

۵۰۰۷. آیا به خنثای مشکل، عنوان زن (مؤنث) اطلاق می شود یا مرد؟

ج. اگر خنثای مشکل است، حکم زن یا مرد ندارد.

ازدواج با خنثای مشکل

۵۰۰۸. مردی با خنثای مشکل ازدواج کرده و از دُبُر با او وطی کرده است، پس از آن متوجه شده است.

آیا این ازدواج صحیح است؟

ج. این ازدواج باطل است و اگر با جهل وطی کرده، به وجهی وطی به شبهه است و اگر با علم وطی کرده، نه محکوم به زناست و نه لواط؛ اگر چه کار حرام است و استحقاق مهر هم ندارد.

اگر میّت زنده شود

۵۰۰۹. اگر میتی – فرضاً با دعا یا اعجاز و خرق عادت – زنده شود، آیا زوجه اش بر وی حلال است؟

ج. زن او در عده ی وفات است، با رجوع به او حلال نمی شود، نیاز به عقد مجدّد دارد.

ادعای تعویض دختر هنگام عقد

۵۰۱۰. صیغه عقد دائم جاری شده و عاقد می گوید:

با وکالت از زوج بوده است و دو شاهد هم حاضر بودند. ولی زوج می گوید که عقد باطل است، زیرا من از مجلس بیرون رفتم و دختر را عوض کرده بودند و صیغه بدون وکالت و رضایت من جاری شده است.

زوج شهادت شهود را هم قبول ندارد. آیا قول وی پذیرفته می شود؟

ج. زوج مدّعی فساد است که خلاف ظاهر امر است، زیرا ظاهر حمل بر صحّت است و باید فساد را اثبات کند.

لزوم اطلاع به زوج با فرض حرام بودن زن بر او

۵۰۱۱. اگر بدانیم زوجه ی فردی بر او حرام است، ولی خودش به جهت جهل به حکم نمی داند، آیا واجب است وی را آگاه کرد؟

ج. واجب است به او گفته شود، زیرا جهلش عذر نیست.

اختصاص ازاله ی بکارت به جماع

۵۰۱۲. دخترانی که با جماع پرده ی بکارت آنها زایل نمی شود و اصل جماع هم قابل اثبات نیست، آیا حکم باکره را دارند؟

ج. اگر دخول درباره ی آنها ثابت شود، دیگر حکم باکره ندارند.

عدم صدق نشوز با عدم امنیّت جانی و ناموسی برای زن

۵۰۱۳. مردی زوجه اش را کتک و افتراهای فراوان ناموسی و حیثیتی می زند. زوجه در اثر ضربات، بی هوش می شود. چند ساعت پس از درمان پزشک، به هوش می آید. زوج، با میل و اراده خود، وی را به منزل پدرش می برد و تا شش ماه وی را رها می کند و هیچ تماسی جهت درخواست مراجعت نمی گیرد.

تنها می گوید زوجه باید بدون قید و شرط به منزلم بازگردد. آیا خود داری زوجه از مراجعت به منزل شوهر، در فرض عدم امنیت جانی و مالی و ناموسی، نشوز محسوب می شود؟

ج. نشوز صدق نمی کند و اللّه العالم.

عقد پسر و دختر نابالغ در فرض کراهت پس از بلوغ

۵۰۱۴. به اصرار پدرم در هفت سالگی به عقد ازدواج دائم پیرمردی درآمدم. آن موقع در این باره هیچ خبر نداشتم، حالا که بالغ شدم، پدر و مادر با زور و اکراه به خانه شوهرم می فرستند. من همیشه به پدر و مادرم می گفتم:

من اصلاً نمی دانم عروسی من کی انجام شده و شوهرم را تا به حال ندیدم. ولی از آغاز عقد و پس از بلوغ اصلاً بر این نکاح رضایت نداشته ام و مصلحت عقلایی هم در این نکاح نیست. حکم شرع مقدس اسلام دربارهی صحّت عقد مذکور چیست؟

ج. اگر هنگام عقد - یعنی سن هفت سالگی - مفسده بوده، عقد صحیح نیست و اگر اکنون مفسده است نه هنگام عقد، تأثیری ندارد.

دریافت پول از زن برای امتناع از ازدواج مجدد

۵۰۱۵. اگر زن در قبال بذل مالی - که متعلق به اوست - به مرد، از او بخواهد که ازدواج مجدد نکند، این شرط صحیح است؟

اگر مرد بعد از قبول شرط به آن عمل نکند، نسبت به مالی که دریافت کرده چه تکلیفی دارد؟

ج. هبه ی مشروطه است و با تخلف، زن می تواند مالش را پس بگیرد.

اختلاف مرجع زن و مرد

۵۰۱۶. در صورتی که فتوای مرجع تقلید زن و مرد مختلف باشد، وظیفه چیست؟

ج. هر کس باید به وظیفه ی مرجع تقلیدی که باید، یا می تواند از او تقلید کند عمل نماید و اللّه العالم.

ازدواج فرزند نفی شده

۵۰۱۷. فرزندی که به وسیله ی لعان از الحاق به پدر نفی شده است، آیا می تواند با کسانی که قبل از نفی (لعان) محرم بوده، ازدواج کند؟

ج. ظاهراً می تواند.

پیوند تخمدان

۵۰۱۸. در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند دهند و این پیوند موفقیت آمیز باشد، فرزندانی که از این زن متولد می شود متعلق به صاحب تخمدان است یا به زن دوم؟ مسأله محارم شوهر و زن اوّل و دوم و محارم فرزند چگونه است؟

ج. با فرض بقا و عدم تغییر تخمک ها، فرزند متعلق به صاحب تخمدان است و نسبت به زن دوم و اقوام او هم احتیاطاً باید احکام محرمیّت را جاری کنند.

ازدواج دوم قبل از فسخ عقد اوّل

۵۰۱۹. پدر، دختر نابالغی را به عقد کسی درآورده است.

دختر بعد از بلوغ می خواهد با شخص دیگری ازدواج کند و پدر هم راضی است.

قبل از فسخ عقد اوّل با شخص دوّم ازدواج کرده است و دخول هم صورت گرفته است، وظیفه چیست؟

ج. عقد اوّلی باطل نشده و حکم آن مثل ازدواج و دخول با زن شوهردار است.

مراد از بکارت

۵۰۲۰. اگر مراد و منظور از باکره بودن عدم ازاله ی بکارت و وجود آن می باشد، پس زنی که چه به صورت اختیار همسر و چه به صورت خلاف شرع ازاله ی بکارت شده است و یا سابقه ی نزدیکی با مرد را دارد، در صورتی که به طریق پزشکی بتواند پرده ی بکارت را ترمیم کند، آیا از نظر ازدواج و مهریه، ... مشمول زن باکره خواهد شد؟

ج. باکره نیست، ولی احتیاط کنند.

ازاله بکارت بر اثر جراحی

۵۰۲۱. اگر بکارت زنی با عمل جراحی از بین رود، آیا این موجب جواز فسخ نکاح می شود؟

ج. خیر.

ادعای شوهر مبنی بر باکره نبودن همسر

۵۰۲۲. در مواردی اتفاق افتاده است که دختر و پسری در زمان عقد با یکدیگر روابط زناشویی داشته اند، ولی شب عروسی، پسر ادعا می کند که عروس باکره نیست و او را رها می کند و به سراغ زن دیگری می رود، حکم شرعی در این موارد چه می باشد؟

ج. در فرض سؤال، مرد باید زوال بکارت را قبل از عقد ثابت کند.

(جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۱۹۴۵ رساله رجوع شود.)

اختلاف زن و شوهر در بکارت

۵۰۲۳. اگر مردی در شب زفاف ادعا کند که خون خارج شده خون حیض است نه بکارت و زن آن را از بکارت خود بداند، تکلیف چیست؟

ج. توسط زن های خبره استعلام می شود و اگر خون کم است، طریقی برای تشخیص آن در مسأله ی ۴۱۰ رساله آمده است.

قبول قول زن در عدم بکارت

۵۰۲۴. آیا از نظر شرعی، اظهار شفاهی یا کتبی زن در باکره نبودن خود برای عقد دائم یا متعه وی کفایت می نماید؟

ج. اگر ظن به صداقت و راستگویی او باشد، کفایت می کند.

رابطه والدین با فرزندان و فرزندان با یکدیگر

دستمزد همسر و فرزندان

۵۰۲۵. آیا فرزندان در صورت کار در خانه می توانند ادعای دستمزد یا سود کنند؟

ج. در این جهت مثل سایرین هستند.

نذر گذاشتن دو اسم برای فرزند

۵۰۲۶. پدری برای نام گذاری فرزندش، اسمی را نذر کرده و مادر، نام دیگری را نذر نموده است، در این رابطه چه دستور می دهید؟

ج. تا ممکن است هر دو نام را بر فرزند بگذارند، هر چند یکی اسم و دیگری لقب او باشد، یا یکی اسم معروف و دیگری غیر معروف باشد.

تکلیف پدر از جهت تعلیم

۵۰۲۷. آیا بر پدر واجب است خواندن و نوشتن را به فرزندان خود یاد دهد؟

ج. واجب نیست.

تعارض کار پدر با وقت نماز فرزند

۵۰۲۸. اگر موقع نماز، پدری با پسرش کار داشته باشد، وظیفه ی پسر چیست؟

ج. اگر وقت نماز اندك باشد، نماز مقدم است.

رفتار فرزندان با والدین خلاف کار خود

۵۰۲۹. آیا برای جلوگیری والدین از خلافی که مکرر انجام می دهند و با هیچ راهی هم قانع نمی شوند، می توان با خشونت با آنها رفتار کرد؟

ج. اگر کار حرام انجام می دهنـد و اگر احتمال تأثیر عقلایی در خشونت می دهد، آن را به دیگری واگذار کند، به طوری که متوجّه نشوند.

مسؤولیت فرزند در قبال غذای حرام پدر

۵۰۳۰. آیا فرزند در برابر غذای حرامی که پدر به خانه می آورد، مسؤولیت دارد؟

ج. علاوه بر نهی از منکر اگر عین حرام است، حق استفاده از آن غذا را ندارد، به خلاف این که به نحو متعارف به ذمه خریده باشد.

روزه مستحبی فرزند بدون اطلاع و رضایت والدین

۵۰۳۱. آیا بدون اطلاع پدر و مادر روزه مستحبی گرفتن، درست است، در حالی که اگر خبر داشته باشند، ممکن است راضی نباشند؟

ج. به مسأله ی ۱۳۶۹ رساله رجوع شود.

رفتن به سینما بدون اذن پدر

۵۰۳۲. آیا رفتن به سینما بدون اجازه ی پدر، اشکال ندارد؟

ج. به نحو مطلق جایز نیست.

اجازه والدین در اهدای خون

۵۰۳۳. آیا در اهدای خون، اجازه ی پدر و مادر شرط است؟

ج. خیر.

ترک رابطه با مادر

۵۰۳۴. آیا قطع رابطه با مادر جهت افعال و رفتار آزار دهنده مادر، جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

بخشش تمام اموال پدر به یک فرزند

۵۰۳۵. آیا پدر حق دارد تمام اموالش را به یکی از فرزندانش ببخشد و یا ملک مشاع خود با فرزندانش را بفروشد؟

ج. بله، در صورت اوّل حق دارد، البته رعایت مساوات بین اولاد مستحب است و اما در صورت دوم، اگر فرزند بالغ رشید است، تنها سهم مشاع خود را می تواند بفروشد.

وظیفه فرزند در قبال والدین غیبت کننده

۵۰۳۶. هنگامی که پدر و مادر غیبت شخصی را می نمایند، وظیفه فرزند در برخورد با والدین چیست؟

ج. آنها را منع کند و اگر ادامه دادند، فرزند باید به وظیفه ی خود مثل سایر موارد تحقق غیبت رفتار کند، هم چون دفاع از فرد غیبت شونده و ترک مجلس غیبت و مانند آن.

واجب النفقه بودن پدر

۵۰۳۷. پدری مادر پسرش را با ظلم و ستم مطلّقه و با زنی دیگر ازدواج می کند و پسر زن مطلّقه را تا سن چهارده سالگی نگه می دارد و پس از آن برای کارگری در مغازه ها می گذارد. اما خدای متعال به فرزند مذکور علم و تقوی عطا نمود، علاوه بر آبرو و وجهه اجتماعی، مایحتاج زندگی هم مرحمت فرمود. پدر مذکور ثروتش را به پسر زن دوّمی می بخشد.

اکنون که درمانده و پیر شده و آنها پس از قبضه کردن ثروتش به او اعتنایی نمی کنند، می خواهد به پسر زن مطلّقه اش تحمیل شود و مخارجش را از او بگیرد.

آیا چنین شخصی دربارهی چنین پدر ستمکاری بازهم مسؤولیتی دارد؟

ج. پدر واجب النفقه ی فرزندان است و در صورت فقر پدر و تمکّن فرزند بین فرزندان همسر اوّل یا دوّم، فرقی نمی کند.

اجازه پدر جهت شرکت در مراسم معنوی – فرهنگی

۵۰۳۸. آیا اذن پدر برای دانشجویان در مورد رفتن به نماز جمعه و جماعات و کلاس های تفریحی لازم است؟

ج. اجازه لازم نیست، ولی باید سبب ایذا پدر نشود.

موارد جواز مخالفت با والدین

۵۰۳۹. در چه صورتی مخالفت با پدر و مادر جایز است؟

ج. در صورتی که موافقت با آنان با فعل واجب یا ترک حرامی منافات داشته باشد.

تهیه جهیزیه دختر توسط پدر

۵۰۴۰. آیا تهیه جهیزیه بر پدر واجب است؟

ج. خیر، واجب نیست.

مرز اطاعت از والدین

۵۰۴۱. اطاعت از پدر و مادر، تا چه اندازه لازم است؟

ج. تا حدی که بر خلاف حرام و واجب نباشد، مطلقاً اطاعت از آنها مطلوب است، ولی حد لزوم اطاعت از آنها، در جاییست که مخالفت با آنها سبب ایذای آنها شود.

اجازه پدر برای خروج دختر از خانه

۵۰۴۲. آیا برای بیرون رفتن از خانه، اجازه پدر برای دختر لازم است؟

ج. احتیاطاً اجازه بگیرد.

پرستاری از پدر

۵۰۴۳. آیا پرستاری پدر در صورت نیاز، بر اولاد الزامی است؟

ج. الزام دارد که اسباب اذیّت فراهم نشود.

تنبیه برادر یا خواهر توسط برادر دیگری

۵۰۴۴. آیا برادر حق دارد که برادر یا خواهر خود را تنبیه کند؟

ج. اگر مورد از موارد جواز تنبیه است، باید با اذن از پدر باشد و به حد لزوم دیه هم نرسد.

احراز حلال زادگی بچه شیرخوارگاه

۵۰۴۵. بچه ای که از جاهایی مانند شیرخوارگاه، به فرزندی قبول می شود، چگونه می توان به حلال زاده بودن او پی برد؟

ج. تا علم بر خلاف نباشد، حمل بر حلال زادگی می شود.

وابستگی فرزندی که از تلقیح مصنوعی به وجود آمد هست

۵۰۴۶. فرزندی که با استفاده از تلقیح مصنوعی در دستگاه، پرورش یافته متعلق به کیست؟

ج. متعلق به صاحب نطفه و صاحب تخمک است.

حضانت فرزندان پس از طلاق

۵۰۴۷. در صورت طلاق والدین، بر اساس چه شرایط و مصالحی حضانت فرزندان به یکی از آن دو سپرده می شود؟ اگر حضانت به مادر سپرده شود، آیا بر شوهر لازم است که نفقه فرزندان را بدهد؟ حضانت فرزندان تا چه سنی بر عهده والدین است؟

ج. در این رابطه به مسائل ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ رساله رجوع شود، ولی نفقه ی آنها بر پدر واجب است و تا حدی که به حد بلوغ و رشد نرسیده اند، حضانت آنها بر پدر و مادر است.

اجازه زنی که در عقد است

۵۰۴۸. خانمی که عقد کرده، ولی به خانه ی شوهر نرفته، به اجازه ی پدر و مادر نیاز دارد یا اجازه ی شوهر کافی است؟

ج. اجازه ی شوهر کافی است.

حضانت فرزندان نامشروع

۵۰۴۹. حضانت فرزندانی که از طریق نامشروع به دنیا می آیند، بر عهده چه کسی می باشد؟

ج. بنا بر جریان احکام ولد - مگر آن چه به دلیل خارج شده - مثل دیگران است.

واگذاری حضانت فرزندان

۵۰۵۰. اگر زن و شوهر بعد از جدایی، حق حضانت فرزندانشان را به دیگری یا شخص ثالثی واگذار کنند، آیا بلافاصله بعد از واگذاری یا بعد از گذشت مدتی، می توانند از حرف خود بازگردند؟

ج. اگر این واگذاری در قبال وجهی نبوده، می توانند از آن برگردند ولی اگر در قبال گرفتن وجهی به صلح و مثل آن باشد، ممکن است گفته شود حکم آن عقد را دارد و هم چنین اگر شرط ضمن عقدی لازم - به عنوان صرف نظر نمودن از حق حضانت - شده باشد، رعایت آن شرط لازم است.

انتقال حضانت به زوج

۵۰۵۱. زوجه ای علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریه، حضانت بدون نفقه یا با نفقه ی فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را به عهده می گیرد؛ ولی بعد از طلاق از حضانت و نگهداری اطفال امتناع می ورزد. در این مورد آیا دادگاه می تواند زوجه را به حضانت از فرزندان دختر الزام کند و یا این که حضانت به زوج منتقل می شود؟

ج. به زوج منتقل می شود.

ممانعت ولی قهری از حضانت مادر

۵۰۵۲. آیا ولی قهری اطفال بعد از فوت پدر آنها می تواند از حضانت آنها توسّط مادرشان به علّت ازدواج بعدی مادر و یا هر علّت دیگر ممانعت به عمل آورد؟

ج. در صورت وفات پدر، حضانت مخصوص مادر است؛ اما در صورت ازدواج او تأمل است، احتیاط در رعایت رضایت صاحب حقیست که حق او از حق پدر و مادر متأخر است.

مشقت زیاد در حق حضانت

۵۰۵۳. آیا اگر عمل به حق الحضانه، مستلزم عسر و حرج فوق العاده نسبت به دیگری باشد - مثل این که گرفتن فرزند از مادر بعد از دو سال و رد به پدر باعث مشقّت خوف عقلایی خطرناك و غیر قابل تحمّل برای مادر باشد، که این مشقّت اضافه بر اصل مشقّت فراق است که معمولاً ـ متوجّه مادر می شود - و یا عمل به حق الحضانه باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی کودك باشد، در این صورت باز حق حضانت ثابت است یا به حکم حرج و فساد ساقط می شود؟

ج. در فرض سؤال، حق حضانت ساقط است.

مطالبه ی اجرت در قبال حضانت

۵۰۵۴. پس از فوت پدر، آیا مادر در قبال حضانت فرزندان صغیر می تواند از جد پدری مطالبه ی اجرت کند؟

ج. اگر حضانت بر او باشد، مشکل است.

حاملگی از طریق نامشروع

۵۰۵۵. دختر و پسری رابطه ای نامشروع داشته اند و دخول نشده ولی پس از خروج منی از مرد، رحم زن جذب کرده و دختر حامله شده است پس از آن، این دو با هم ازدواج کرده اند.

آیا فرزند ولد الزّناست یا ملحق به ابوین است؟

ج. ولد از فعل حرام است؛ ولی ملحق به آنها است.

بچه دار شدن مرد عقیم

۵۰۵۶. زنی که شوهرش - به اتّفاق نظر دکترها - عقیم است، در اثر زنا حامله شده و زانی منکر ولد است.

آیا به قاعده الولد للفراش، ولد ملحق به زوج است؟

ج. تا وقتی امکان لحوق به زوج هست، ملحق به زوج است.

نحوه ی اثبات ولد بودن

۵۰۵۷. شخصی بچّه ای سر راهی را بزرگ می کند، بعد از مدّتی زن و مردی آمده و اظهار می دارند که کودک بچه ی آنها بوده است و آن فرد انکار می کند.

آیا می توان بدون بیّنه کودک را گرفته و به زن و مرد مدّعی داد؟

ج. ولد بودن با بیّنه ثابت می شود و هم چنین با استفاضه و با علم و اطمینان کسی که مکلّف به ترتیب اثر شخصی بر آن است و هم چنین به اقرار بدون منازع با تفصیلی که در محل خود، ذکر گردیده است.

ولد شبهه

۵۰۵۸. آیا ولد شبهه یا ولد زنا با سایر اولاد، از نظر محرم و نامحرمی و توارث فرق دارند؟

ج. احکام محرمیّت به نسب در ولد شبهه و ولد زنا جاریست و محرمیّت به مصاهرت و توارث در ولد شبهه جاریست و محرمیّت به مصاهرت در ولد زنا مورد تأمّل و احتیاط است و توارث در ولد زنا منتفی است.

(به مسأله ی ۲۲۶۳ رساله رجوع شود.)

فرزند زنی که مجبور به زنا شده

@@@

@@@

۵۰۵۹. مردی با یکی از محارم نسبی خویش عنفاً زنا کرده است، آیا فرزند متولد شده از آنان نسبت به مادر، ولد شبهه حساب می شود یا خیر؟

ج. لحوق ولد به زنی که با اکراه مجبور به زنا شده، خالی از وجه نیست.

بچه زنا زاده

۵۰۶۰. بچّه ای که از زنا متولّد شده، آیا به زانی داده می شود یا به زانیه؟

ج. ظاهراً مثل بچّه های دیگر است، فقط در صورت اکراهِ یکی به زنا، ولد ملحق به @مکرَه است شرعاً، چنان چه گذشت.

جدا نمودن فرزند از مادر

۵۰۶۱. گرفتن اولاد از مادر در اثر طلاق یا به نحو دیگری - که حضانت با پدر است - در صورتی که مشقّت غیر قابل تحمّل

برای مادر داشته باشد یا باعث عدم رشد روانی فرزند شود، یا هر دو در عُسر و حرج بیفتند، آیا پدر می تواند فرزند را از مادر جدا کند؟

ج. ادعاهای ذکر شده می تواند از طرفین باشد، ولی پدر با این که حق حضانت دارد، لکن به گونه ای نباید عمل کند که مادر به مشقّت زیاد و عُسر و حرج واقع شود و نباید مانع شود او را از زیارت و دیدار و اجتماع برای صله رحم و دفع یا رفع عسر و ضرر، به فرستادن طفل یا آوردن او ممکن است و همین حکم در ایام حضانت مادر هم هست و اختلاف باید نزد حاکم شرع حل و فصل گردد.

فرزندخواندگی کودک سر راهی

۵۰۶۲. این جانب نوزادی را به عنوان فرزندی گرفته و او را حسین نام گذاری و به همین اسم شناسنامه گرفته ام، در صورتی که پدر و مادر کودک معلوم نیست، از نظر شرع مقدّس اسلام چه صورتی دارد؟

ج. مانعی ندارد.

منظور از رعایت غبطه

۵۰۶۳. آیا منظور از رعایت غبطه، غبطه واقعیست و یا آن چه که ولی، غبطه تصوّر می کند، هر چند در حقیقت بر خلاف غبطه باشد، همان غبطه محسوب می شود؟

ج. میزان در تکلیف، احراز ولی است.

سرپرستی طفل غیر رشید پس از بلوغ

۵۰۶۴. طفلی پس از بلوغ، رشید نشده است و نیاز به سرپرستی دارد، چه کسی سرپرست او است؟

ج. سرپرستی او مربوط به ولی شرعی اوست و این غیر از حق حضانت است که تا پیش از بلوغ برای یکی از پدر یا مادر ثابت است.

تنبیه کودک

۵۰۶۵. آیا می توان بچه را برای یادگیری تنبیه کرد؟

ج. ولی او یا کسی که از ولی اجازه دارد می تواند تا به حد واجب شدن دیه نرسد، تنبیه کند در محدوده ی ذکر شده در مسأله ۱۶۰۹ رساله.

اسم گذاری فرزند به اسم و کنیه ی پیامبر – صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

۵۰۶۶. نهی وارد شده دربارهی این که اسم فردی به نام مقدس حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و کنیه اش کنیه آن حضرت صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم باشد، چه نوع نهی ای است؟

ج. شاید نهی تنزیهی باشد.

خسارت کودک به دیگران

۵۰۶۷. اگر کودکی که از دنیا رفته، در زمان حیات آسیبی به کسی وارد کرده است، آیا خانواده او باید از آن شخص حلالیت بطلبند؟

ج. اگر آسیب مالی زده، از اموالِ آن کودک باید خسارت را بپردازد.

عقد حامل و حکم ولد

۵۰۶۸. زنی را عقد کرده اند، پس از ازدواج معلوم شد که حامله است، حکم مسأله را بیان کرده و بفرمایید که ولد ملحق به کیست؟

ج. اگر بین نزدیکی و زایمان حد اقل شش ماه هلالی - که کمترین مدت حمل است - فاصله شده باشد، نیز بیشتر از نه ماه فاصله نشود، فرزندی که از زن متولد می شود، ملحق به شوهر است.

رابطه با خویشاوندان

اولویت در نگهداری از خواهر

۵۰۶۹. خاله ای دارم که با مادرم از یک پدر نیست و خواهر اصلی او حاضر به نگهداری از او نیست. کدام یک از اینها در نگهداری او در اولویت هستند؟

ج. اگر آن خاله صغیر است، ولایت او با پدر یا جد پدر یا قیّم شرعی اوست و نگهداری به معنای خدمتکاری، در مراتب صله رحم داخل است.

صله رحم با تلفن

۵۰۷۰. در صله رحم نسبت قُرب و بُعد ارحام بر چه ملاکی استوار است و آیا تلفن کردن برای صله رحم کافی است؟

ج. اولویت در رحم در اقرب فالاقرب نسبت به ارث است و تلفن کردن هم کفایت می کند، چنان چه در روایت است که صله ارحام کنید؛ هر چند به سلام کردن باشد.

موارد جواز قطع رحم

۵۰۷۱. در چه صورتی قطع رحم جایز است؟

ج. تا وقتی که مسلمان هستند، قطع به طور کلی جایز نیست.

پرهیز از غذای شبهه ناک خویشاوندان

۵۰۷۲. برای دوری از غذاهای شبهه ناک، آیا لازم است قطع رحم کنیم یا نه؟

ج. ترک قطع رحم، مستلزم ترک اجتناب از غذای شبهه ناک نیست.

قطع رحم برای حفظ ایمان

۵۰۷۳. آیا انسان می تواند برای حفظ ایمان خود با ارحام قطع رحم نماید؟

ج. می تواند رفت و آمد را کم کند، ولی به طور کلی قطع نکند.

قطع رحم برای فرار از ابتلا به گناه

۵۰۷۴. آیا قطع رحم برای فرار از غیبت و گناه جایز است؟

ج. ترک قطع رحم مستلزم آلوده شدن به گناه نیست.

دیدار با خویشاوندانی که درآمد نامشروع دارند

۵۰۷۵. صله رحم با ارحامی که درآمد نامشروع دارند، چه حکمی دارد؟

ج. همین که قطع کلی نکند، کافی است.

رابطه با اقوامی که اهل صفات زشت می باشند

۵۰۷۶. پسر عمویی دارم که اهل دروغ و سایر اوصاف رذیله ایست که بی ایمانی او را اثبات می کند، آیا رابطه با او صحیح است یا نه؟

ج. قطع کلی نکند.

معاشرت با اقوامی که نماز نمی خوانند

۵۰۷۷. معاشرت و رفت و آمد با افرادی که نماز نمی خوانند، چه حکمی دارد؟

ج. ترک قطع رحم مستلزم رفت و آمد آنچنانی نیست، ولی اگر قابل هدایت و تأثیرپذیرند آنها را ارشاد کنید.

معاشرت با اقوامی که حجاب اسلامی را حفظ نمی کنند

۵۰۷۸. حکم رفت و آمد و صحبت کردن با فامیل هایی که حجاب را رعایت نمی کنند، چیست؟

ج. مثل جواب سؤال قبلی است.

صله رحم و خوردن غذای حرام خویشاوندان

۵۰۷۹. حکم صله رحم و تصرف در مال و غذای حرام اقوام چیست؟

ج. صله رحم مستلزم تصرف در مال حرام نیست.

ازدواج موقّت

حکم ازدواج موقّت

۵۰۸۰. ازدواج موقّت از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

ج. جایز، بلکه مستحب است.

جواز مطلق ازدواج موقّت

۵۰۸۱. آیا برای مردی که همسر دائم دارد، ازدواج موقّت جایز است؟

ج. جایز است.

اگر پدر اجازه ی ازدواج با کفو را ندهد

۵۰۸۲. اگر پدر تا بیست یا سی سال دختر خود را تزویج نکند و دختر هم بخواهد با کفو شرعی خود صیغه کند، آیا اذن پدر لازم است یا خیر؟

ج. با فرض آن که دختر رشیده و عاقله است و زوجی را که برای خود در نظر گرفته کفو او می باشد و با اجتماع تمام شرایط، پدر از اذن امتناع نماید، اعتبار اذن پدر ساقط می شود و در هر حال رعایت احترام پدر و استیذان از او بشود خصوصاً در عقد انقطاعی و اللّه العالم.

صیغه دختر بدون اذن پدر

۵۰۸۳. آیا دختر باکره ای را که بالغ و عاقل و رشیده است، بی اذن پدر او می توان متعه کرد؟

ج. بنا بر احتیاط، تکلیفاً باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد، چون تکوینا مفسده دارد.

اجازه پدر در دختر غیر باکره

۵۰۸۴. زنی که در اثر زنـا یـا پریـدن، بکـارتش از بین رفته باشـد، آیـا برای ازدواج موقّت اجازه گرفتن از پـدرش لازم است یا خیر؟

ج. اگر بکارتش به جماع از بین رفته، نیاز به اجازه ندارد.

عقد موقت دوشیزه بدون اطلاع دادن به خانواده اش

۵۰۸۵. آیا صیغه خواندن برای دختر باکره بدون اطلاع خانواده اش صحیح است؟

صحبت کردن آنها با همدیگر چه حکمی دارد؟

ج. باید احتیاطاً با اجازه ی پدر دختر باشد و صحبت کردن بدون اجرا عقدی مثل صحبت کردن با نامحرم های دیگر است.

زایل شدن بکارت با غیر جماع

۵۰۸۶. آیا ازدواج موقت با دختری که بکارتش از راه غیر شوهر کردن از بین رفته است، نیاز به اذن پدر دارد؟

ج. اگر به غیر جماع زایل شده، بازهم نیاز به اذن پدر دارد، بنا بر احتیاط ذکر شده.

اعتماد به گفته دختر در عقد موقت

۵۰۸۷. در عقد موقت آیا به صرف گفته ی دختر که «پدر او راضی است»، نیازی به گرفتن پاسخ پدر هست یا خیر؟

ج. ظن به صدق او باشد، کفایت می کند.

صیغه جهت رابطه شغلی

۵۰۸۸. اگر در ازدواج موقت بـا دختر باکره بالغه و رشـیده، - که فقط به منظور رابطه ای متعارف شـغلی و ... باشـد، نه مسائل زناشویی، آیا اجازه ولی او شرط است؟

ج. در لزوم اجازه به نحوی که ذکر شد، فرقی نمی کند.

صیغه برای فرار از گناه

۵۰۸۹. دختری بـالغ - که قبلاًـ توسّـط زنـا ازاله ی بکـارت شـده است و خـانواده ی او مطّلع نمی باشـند - تمایل به متعه با مرد مسـلمانی را دارد. لکن حاضـر به مطّلع کردن خانواده نیست و مرد مُصر به اذن از ولیست و از طرفی احتمال دارد که در پنهانی به زنا بیفتد. آیا بدون اذن، عقد موقّت وی جایز است؟

ج. در این فرض جایز است.

تخلف از اذن پدر در ازدواج دائم

۵۰۹۰. پدر به دختر اذن ازدواج دائم داده، آیا می تواند عقد انقطاعی کند؟

ج. تکلیفاً بنا بر احوط، جایز نیست و وضعاً صحیح است.

ازدواج با کسی که پدرش فوت کرده است

۵۰۹۱. اگر پدر دختر باکره ای فوت کرده باشد، می توان او را صیغه نمود؟

ج. اگر جد پدری ندارد، جایز است.

ازدواج موقت و رابطه ای آن با نظام اجتماعی

۵۰۹۲. آیا ازدواج موقت مرد به نفع جامعه است یا باعث متلاشی شدن جامعه می گردد؟

ج. به نفع جامعه است.

عدم ذکر مدّت و مهر در عقد موقّت با فرض دخول

۵۰۹۳. عقد موقّتی واقع شده است که به جهت جهل به مسأله یا فراموشی، مدّت و مهر را مشخّص نکرده اند و جماع واقع شده است، حکم قضیه چیست؟

ج. حکم زنا را ندارد و اگر قصد مطلق نکاح را داشته اند، منقلب به عقد دائم و مهر المثل می شود.

عدم زوال محرمیّت با مادر زن بعد از پایان مدّت عقد

۵۰۹۴. خانمی دختر نابالغ خویش را برای مدّت دو روز برای مردی صیغه می خواند. آیا بعد از اتمام زمان صیغه به طور دائمی برای این خانم محرم است یا خیر؟

ج. بله محرم است، اگر با اذن ولی شرعی او بوده است و احوط اینست که مدّتی پس از بلوغ را هم جزو زمان عقد قرار دهند هر چند بعداً زوج ابرا کند و آن زمان را ببخشد.

ازدواج موقت پسر و دختر با انگیزه های مختلف

۵۰۹۵. اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقّت با همدیگر رابطه ای شرعی داشته باشند، در صورت های زیر چه شرایطی معتبر است؟

۱) اگر رابطه صرفاً رابطه ای متعارف شغلی یا تحصیلی باشد؟

۲) اگر رابطه صرفاً به خاطر استمتاع، جنسی بدون دخول باشد؟

۳) اگر رابطه به خاطر آمیزش جنسی (دخول) باشد؟

ج. در تمام صور جایز است و لکن در باکره با اجازه ی پدر احتیاطاً.

عقد موقّت برای محرمیّت

۵۰۹۶. اگر شخصی دختربچّه ی خود را که قابل تمتّع نیست، به مدّت کوتاهی به منظور محرم شدن مادر آن بچّه به داماد، به عقد انقطاعی وی درآورد، آیا مادر آن بچّه به آن شخص محرم می شود؟

ج. بله، محرم می شود؛ هر چند احتیاط اینست که مقداری بعد از بلوغ را هم داخل کند، هر چند بعداً شوهر بقیه مدت را ابرا کند.

شرایط ازدواج موقت

۵۰۹۷. ازدواج موقت چه شرایطی دارد؟

آیا برقراری رابطه با نامحرم به این نیّت که در آینده با هم ازدواج کنیم جایز است؟

ج. باید در ازدواج موقت مهر و مدت معین شود و بنا بر احتیاط با اجازه ی پدر دختر صیغه صحیح خوانده شود و رابطه با نامحرم حرام است.

ازدواج موقت و ضرر به دختر

۵۰۹۸. آیا ازدواج موقت که موجب از بین رفتن بکارت می شود، به ضرر دختر نیست؟

ج. امکان دارد.

نفقه زن در ازدواج موقت

۵۰۹۹. آیا در ازدواج موقت نفقه زن بر مرد واجب است؟

ج. خیر، واجب نیست.

تفاوت عقد موقت و زنا

۵۱۰۰. فرق صیغه عقد موقت و زنا چیست و آیا مرد خودش می تواند عقد را جاری کند؟

ج. عقد موقت مثل دائم مشروع و مشروط به شرایط است و مرد هم می تواند صیغه صحیح را جاری کند و هم چنین زن نیز می تواند صیغه را خود جاری نماید.

حرمت مادر زن بر داماد در عقد موقت

۵۱۰۱. آیا در ازدواج موقت نیز مادر زن بر داماد حرمت دائمی پیدا می کند؟

ج. بله.

وکیل گرفتن جهت اجرای صیغه عقد

۵۱۰۲. حکم وکیل گرفتن و خواندن صیغه در عقد موقت چیست؟

ج. به ذیل مسأله ی ۱۸۸۳ رساله رجوع شود.

حقوق همسران در ازدواج موقت

۵۱۰۳. زن و مردی که صیغه شده اند، چه حقوقی نسبت به هم دارند؟

ج. مرد حق استمتاع و زن حق مهر دارد.

سهو در مهریّه ی عقد موقّت

۵۱۰۴. فردی قبل از ازدواج دائم، ازدواج موقّت کرده است و توافقی که روی مهریّه عقد دائم شده بود را سهواً مهریّه عقد موقّت قرار داده اند، تکلیف چیست؟

ج. احتیاط در اینست که شوهر مدت عقد موقت را ببخشد و زن هم او را از مهر ابرا کند و باز عقد موقّت را تجدید کنند.

بذل مدت ولی یا قیّم صغیر

۵۱۰۵. در عقد موقّتِ صغیر، آیا ولی یا قیّم وی می تواند بذل مدّت به زوجه نماید؟

ج. ولی یا قیّم با اذن حاکم می تواند با گرفتن مالی از زوجه که به نفع صغیر است، بذل مدت نماید و احتیاط در موارد امکان صبر – مثل نزدیک بودن زمان بلوغ – ترک نشود.

شرط نفقه در ازدواج موقت

۵۱۰۶. در عقد ازدواج موقّت، آیا شرط نفقه نافذ است؟

ج. اگر شرط اعطای مقدار نفقه باشد، ظاهراً آن شرط الزام آور است، اگر چه تخلّف آن موجب خیار در عقد نکاح نیست.

اختلاف زوجه با زوج و عاقد در دائم یا موقّت بودن عقد

۵۱۰۷. بین زوجین اختلاف شده و زوجه می گوید عقد، دائم بوده و زوج و عاقد می گوید موقّت بوده است.

قول کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. ظاهراً قول زوج و عاقد مقدم است؛ زیرا آنها منکر علقه ی زوجیّت پس از مدت هستند و زوجه مدّعی آن است که اگر زوجه بیّنه اقامه نکند، منکر حلف می کند.

گرچه احتیاط در اینست که زوج پس از انقضای مدّتی که قایل است، طلاق را اجرا کند.

اجرای عقد موقت بدون حضور شاهد

۵۱۰۸. آیا انسان بدون وجود شاهدی می تواند صیغه عقد موقت را بخواند؟ در صورت مواجه شدن با نیروهای انتظامی چگونه باید جواب دهد؟

ج. بدون شاهد هم می توانند عقد بخوانند و قول آنها هم به خواندن عقد، قابل قبول است.

کمترین و بیشترین زمان ازدواج موقت

۵۱۰۹. کمترین و بیشترین زمان ازدواج موقت چه قدر است؟

ج. مقدار، منوط به رضایت طرفین است و فرقی بین این که زمان آن بلند یا کوتاه باشد نیست؛ پس در طرف طول زمانی که مظنون است عدم بقا تا آن زمان تا به سفاهت نرسد و در طرف کوتاهی، به لحظه معیّن با قابلیت استمتاع؛ اگر چه به غیر جماع باشد در آن زمان کافی است.

تمدید عقد موقت

۵۱۱۰. در عقد موقت اگر هنوز مدت تمام نشده باشد می توان مدت را تمدید کرد، یا این که آن را به عقد دائم تبدیل کرد؟

ج. قبل از پایان مدت یا بخشیدن بقیه مدت، عقد دائم یا موقت باطل است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۹۰۴ رساله رجوع شود.)

بطلان عقد موقّت با عدم تعیین مهر و تحقّق وطی به شبهه

۵۱۱۱. مردی زنی را به این صورت فریب داده که به او گفته من تو را به نکاح دائم خود در می آورم، ولی شرط نکاح دائم

اینست که اوّل تو را به عقد موقّت درآورم. او را بدون تعیین مهر به عقد موقّت درآورده، با رضایت زن و پس از آن، از او ازاله ی بکارت کرده و مبلغی را به او داده و او را رها کرده است.

آیا این عقد صحیح است؟

حکم قضیه را بیان فرمایید.

ج. چون مهر را در عقد موقت تعیین نکرده، آن عقد باطل بوده است.

اگر مرد دانسته این کار را کرده، این وطی از طرف او زنا است، ولی چون زن این را نمی دانسته از طرف او وطی به شبهه بوده و در وطی به شبهه چه از طرف زن به تنهایی یا از طرف هر دو باشد، زن استحقاق مهر المثل را دارد و چون ازاله ی بکارت شده، استحقاق مهر المثل باکره را دارد و @أرش البکاره هم در همان مهر تداخل می کند.

حکم عدم ذکر مدّت در عقد موقّت

۵۱۱۲. اگر در ازدواج موقت از روی فراموشی و یا به علت جهل نسبت به مسأله، ذکر مدّت انجام نشود، حکم آن چیست؟

ج. آن نکاح باطل است، ولی اگر قصد عاقد به قصد اصل نکاح منحل شود و قصد متعه از باب تعدّد مقصود باشد، عقد منقلب به دائم می شود، به خلاف وحدت مقصود و در موردی که تحلیل قصد واضح نیست، احتیاط در اینست که اگر راضی به دوام باشند، عقد را تجدید کنند و اگر راضی به آن نباشند، طلاق دهند.

عدّه ی متعه

۵۱۱۳. عدّه ی زنی که حیض می شود - در ازدواج موقت - دو حیض است.

حال اگر زن بعد از انقضای مدت بلافاصله حیض شود و پس از انقضای حیض و پاک شدن و فاصله شدن کمترین زمان پاکی که ۱۰ روز است با خوردن قرص حیض شود - که مجموع مدّت عدّه مثلاً ۲۰ روز می شود - آیا می تواند شوهر کند؟

ج. ظاهراً می تواند.

متعه در عدّه ی رجعیّه

۵۱۱۴. در عدّه ی رجعیّه فردی عیال قبلی خود را متعه می کند.

آیا متعه صحیح است؟

و آیا عمل او رجوع محسوب می شود؟

ج. متعه لغو است، ولی رجوع محسوب می شود، ظاهراً.

مجهول بودن زمان متعه

۵۱۱۵. اگر در عقـد متعه مـدّت ذکر شود ولی مجهول باشـد، مثـل بازگشت فلان مسافر از سـفر، آیا متعه باطل است یا به دائم منقلب می شود؟

ج. ظاهراً متعه باطل است.

اعتبار قول زن در یائسگی و بیوه بودن خود

۵۱۱۶. این جانب تصمیم به ازدواج موقّت با زن یائسه ای دارم. اگر از وی سؤال کنم که یائسه هستی و در جواب بگوید آری، هم چنین اگر سؤال شود که شوهر دارد یـا نه، بگویـد شوهر نـدارم، آیـا قول او شـرعاً حجّت است و من می توانم با او ازدواج کنم؟

ج. اگر بر کذب او یقین ندارید، ادّعای او در این که @خلیّه است و می تواند شوهر کند قابل اعتماد است و اگر متّهمه است، بهتر است مراعات احتیاط شود.

۵۱۱۷. دختری ۲۴ ساله هستم. حدود ۶ سـال پیش در حالی که باکره بودم، به صـیغه موقّت مردی درآمـدم و اکنون بعـد از ۶ سال احتمال ۹۹ درصد می دهم که نه مهریّه تعیین شده بود و نه مدّت عقد مشـخص گردیده بود و اکنون هم هیچ دسترسی به آن مرد ندارم. تکلیف بنده چیست؟

آیا بنده به عقد دائم ایشان درآمده ام یا این که عقد باطل بوده و اکنون می توانم ازدواج کنم؟

ج. اگر عقـد دائم بوده و مهر قرار داده نشده، به مهر المثل بر می گردد و اگر عقد موقّت بوده و مهر قرار داده نشده، عقد باطل است و اگر عقـد موقّت بوده و زمان ذکر نشـده، در صورتی که قصـد خصوص عقـد موقت - به طوری که بر عقـد دائم اصـلاً راضی نباشد - نشده، به دائم منقلب می شود.

ازدواج موقّت ۹۹ ساله

۵۱۱۸. آیا ازدواج موقّت ۹۹ ساله صحیح است و آیا حکم عقد دائم را پیدا می کند؟

ج. تا هر مقداری که به سفاهت نرسد، ازدواج موقّت صحیح است.

جهل به تعیین زمان و مهر در عقد

۵۱۱۹. اگر بـدون علم به لزوم تعیین مهر و زمـان در ازدواج موقت، زن و مردی ازدواج کننـد و فرزنـدی حاصـل شود، بعـد به لزوم تعیین پی ببرند، آیا ازدواج آنها حرام بوده و بچه آنها حلال زاده نمی باشد؟

ج. اگر منقلب به ازدواج دائم نشده باشد، وطی به شبهه و آن فرزند، فرزند شبهه و حلال زاده است.

اجبار مرد بر بخشش مدت عقد

۵۱۲۰. در ازدواج موقت، در شرایطی که زن در عسر و حرج واقع شود، آیا اجبار مرد بر بذل مدت باقی مانده صحیح می باشد؟

ج. خیر، مگر از جانب حاکم شرع جامع شرایط باشد.

چگونگی ازدواج موقت با زنان غیر مسلمان

۵۱۲۱. آیا نحوه ازدواج موقت با زن مسلمان و غیر مسلمان متفاوت است؟

اگر زن و مرد از دو جای متفاوت و با زبان مختلف باشند، نحوه جاری ساختن صیغه موقت چگونه است؟

ج. نحوه ی ازدواج تفاوت ندارد و در اجرای صیغه، باید هر کدام بفهمد که عقد ازدواج را اجرا می کند.

عقد موقت با اهل کتاب بدون مهریه

۵۱۲۲. ازدواج موقت با زنان اهل کتاب که بدون مهریه، راضی به این ازدواج باشند صحیح است؟

ج. باید مهر معیّن داشته باشد.

ازدواج موقّت با زوج مدّعیِ اسلام و انکشاف زرتشتی بودن وی

۵۱۲۳. مردیست زرتشتی به زن مسلمانی مراجعه و خود را مسلمان و پیرو شریعت مقدّس اسلام معرّفی می کند.

مطابق موازین شرع اسلام، نزد عاقد مسلمان و واجد شرایط با انعقاد عقد ازدواج به طریقه ی اسلامی و به صورت موقت آن زن را تزویج و در سند نکاحیّه رسمی، مذهب خود را مسلمان اعلام می دارد. بعداً معلوم می گردد که او مجوسی است، حاصل این ازدواج دو فرزند است.

حکم ازدواج فوق چیست؟

آیا این مرد و دو نفر فرزندان مذکور مسلمان شناخته می شوند؟ زوجه مذکوره چه وظیفه ای دارد؟

ج. طریقی برای صحّت نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان حتی در عقد موقت نیست، اگر چه کتابی یا مجوس باشد.

پس با تفحّص از حال فعلی و سابق، اگر اسلام مرد احراز شد که ملتزم به لوازم اسلام و ایمان است و در حال عقد این چنین بوده است، یا آن که اماره ی معتبر بر اسلام و ایمان آن وقت به دست آمد که احکام اسلام بار می شود و در غیر این صورت

نسبت اولاد به مادر صحیح است و آنها تابع مادر – که اشرف است در اسلام – می باشند و جدایی مادر از زوج لازم و متعیّن می گردد و عدّه ی وطی به شبهه بر مادری که ندانسته بوده، ثابت است.

ازدواج موقّت با زن مجوسی

۵۱۲۴. آیا ازدواج موقّت با زن مجوسی جایز است یا نه؟

ج. محل تأمّل است پس باید احتیاطاً ترک شود.

عقد موقّت اهل کتاب توسط مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد

۵۱۲۵. آیا مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد، می تواند زن اهل کتاب را به عقد موقّت خود درآورد؟

ج. می تواند با آنان به صورت عقد موقت ازدواج کند.

عقد موقت زنان فاحشه

۵۱۲۶. آیا فواحش را می توان عقد موقّت کرد؟

ج. بله، می شود، هر چند خلاف استحباب است.

به عقد درآوردن زنان خیابانی

۵۱۲۷. متعه نمودن زنان بدکاره چه حکمی دارد؟

و باید شرایط ازدواج موقت از نظر عده و ... رعایت شود یا نه؟

ج. متعه کردن آنها قبل از توبه ی شان، کراهت دارد و باید تمام شرایط ازدواج موقت رعایت شود.

عدم لزوم فحص از عده ی زن

۵۱۲۸. مردی زنی را به عقد موقّت خود در می آورد. در بین مباشرت با آن زن شک می کند که آیا او از زنانی است که زیاد صیغه می شود و عدّه نگه نمی دارد یا نه؟، آیا تحقیق واجب است؟

ج. واجب نیست.

ثبت ازدواج موقت

۵۱۲۹. آیا در ازدواج موقت نیازی به ثبت آن در محضر رسمی می باشد؟

ج. شرعاً لازم نیست.

صیغه زن بدون اجازه از همسر

۵۱۳۰. اگر مردی به همسرش دسترسی نداشته باشد، آیا بدون اجازه او می تواند زنی را صیغه کند؟

ج. بله، می تواند.

ازدواج موقت مرد با داشتن همسر دائم

۵۱۳۱. آیا مرد با داشتن همسر دائم، می تواند ازدواج موقت کند؟ رضایت و اجازه همسر دائمی او چه نقشی دارد؟

ج. می تواند و نیازی به اجازه ی همسر دائمی ندارد.

ازدواج موقت برای کسی که طواف نساء را انجام نداده است

۵۱۳۲. کسی که طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورده، آیا می تواند ازدواج موقت کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

فرزند حاصل از ازدواج موقت

۵۱۳۳. فرزندی که از ازدواج موقت متولد می شود مربوط به پدر است یا مادر؟

ج. مربوط به هر دو است.

۵۱۳۴. آیا این مطلب صحیح است که مسؤولیت طفل حاصل از نزدیکی در زمان ازدواج موقت با مرد نمی باشد؟

ج. خیر، صحیح نیست.

زنا در ایام عقد موقت

۵۱۳۵. در ازدواج های وقت، که گاهی شوهر برای مدتی طولانی مفقود می شود، اگر زن در این مدت مرتکب زنا شود، آیا بر شوهرش حرام ابدی می شود؟

ج. خیر، حرام نمی شود.

فریب مرد در ازدواج

۵۱۳۶. زنانی که شناخته شده هستند که فقط برای گرفتن مهریه ازدواج می کنند و بعد از گرفتن آن از شوهر جدا می شوند،

اگر کسی عالم یا جاهل به این موضوع با آنها ازدواج کند و این بلا بر سر او آید، آیا می تواند از دادن مهریه خود داری کند یا خیر؟

ج. خیر، باید مهریه را بدهد؛ ولی در موقت تا مدت تمام نشده، حق استمتاع دارد و در دائم، طلاق به دست شوهر است و اگر ادعای تدلیس در بین است، به حاکم شرع مراجعه می شود.

انکار طفل در عقد موقت

۵۱۳۷. شخصی زن جوانی را متعه کرده و با اقرار خود مواقعه نیز انجام شده و زن مزبور پس از آن حامله شده است و طفل را به مرد متمتّع نسبت می دهد ولی مرد منکر الحاق ولد به خود می باشد.

آیا قسم به نفی ولد از طرف مرد در این صورت مشروعیّت دارد؟

ج. اگر معلوم نباشد که به مجرد احتمال یا گمان نفی کرده، به نفی ولدِ شوهر، ولد منتفی می شود ظاهراً، اگر چه نفی برای او بدون علم تکلیفاً جایز نیست؛ اگر چه عزل نماید یا ظن به انتفا داشته باشد یا زن را متهمه بداند و علی ای حال در عقد انقطاعی لعان نیست.

نفی فرزند در ازدواج موقت

۵۱۳۸. فرزندی که در ازدواج موقت حاصل می شود، اگر زن آن را به مرد نسبت دهد، مرد می تواند آن را از خود نفی کند؟ اگر اقرار به مباشرت داشته باشد، نفی ولد چه حکمی دارد؟

ج. خیر، اگر علم به نفی ندارد نمی تواند نفی ولد کند و با علامات مفیده ظن به انتفا، محکوم به لحوق است به واسطه ی فراش و در صورت نفی زوج، ولد بدون لعان از او منتفی است.

عدم اطلاع از وضعیت شوهر در عقد موقت

۵۱۳۹. تکلیف زنانی که برای چند سال به ازدواج موقت مردی در می آیند؛ ولی بعد از مدتی دیگر، از آن مرد خبری نمی شود، چه می باشد؟

ج. باید صبر کنند تا مدت عقدشان تمام شود.

اطاعت زن از مرد در عقد موقت

۵۱۴۰. در ازدواج موقت، حدود اطاعت زن از شوهر، شامل چه مواردی می باشد؟

ج. در استمتاعات باید تمکین کند.

تبدیل عقد موقّت به دائم

۵۱۴۱. هرگاه زنی را یک ساله متعه کرده پس از شش ماه می خواهد او را به عقد دائم درآورد، وظیفه چیست؟

ج. آن شش ماه دیگر را ببخشد، بعد او را عقد کند.

بخشش نصف مدّت

۵۱۴۲. در عقد موقّت، شوهر نصف مدّت را می بخشد.

آیا مهر هم تقسیط می شود یا همه ی مهریه را باید بپردازد؟

ج. اگر قبل از دخول باشد، نصف مهر و اگر بعد از دخول باشد، تمام مهر را باید بپردازد.

اختلاف مرجع دختر و پسر در عقد موقت

۵۱۴۳. اگر مردی دختری را بدون اذن پدر به عقد موقت خود درآورد، در صورتی که مرجع تقلید آن دختر چنین عقدی را باطل می داند، آیا محرمیت مادر دختر و دیگر احکام ازدواج بر آن مترتب می شود؟

ج. هر کدام از مرد و زن و مادر او یا غیر او، به فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند.

احکام روابط زن و مرد

نگاه

معنای قصد ریبه و لذت

۵۱۴۴. منظور از قصد ریبه و لذّت چیست؟

ج. نظر با ریبه، نگاهیست که همانند کسی که نظر سویی دارد، باشد، اگر چه خوف فتنه نباشد و لذت اعم از ریبه است و اللَّه العالم.

معنای ریبه در نگاه

۵۱۴۵. اگر انسان همان گونه که از دیدن یک باغ و گلستان لذّت می برد، از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذّت ببرد، آیا حرام است؟

و مصداق قصد ریبه و لذّت به حساب می آید؟

ج. ظاهراً نظر ریبه عبارت است از نگاهی که شبیه به نگاه قصد کننده حرام است، اگر چه به عدم وقوع در حرام، علم داشته

باشد.

نگاه بدون شهوت به نامحرم

۵۱۴۶. اگر در نگاه به نامحرم تحریکی نباشد، بازهم حرام است؟

ج. اگر به مواضع محرّمه باشد، بازهم حرام است.

نگاه به دختر و پسر غیر بالغ مميّز

۵۱۴۷. نظر مرد به غیر وجه و کفّین دختر مميّز غیر بالغ و همچنین نظر زن به پسر نابالغ مميّز، بدون ریبه چگونه است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب نگاه کردن مرد به بدن و موی دختری که نه سال قمری اش تمام نشده، ولی خوب و بد را می فهمد جایز نیست؛ اگر چه بدون قصد لذت هم باشد.

همچنین نگاه کردن زن به بدن پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد، جایز نیست.

نگاه به چشم سرمه کشیده

۵۱۴۸. اگر مرد به اعضای زن نامحرمی که همراه با زینت و آرایش است، هر چند از مواضع استثنا باشد، مانند:

چشم سرمه دار یا دست همراه با انگشتری، نگاه کند و لو با قصد لذت هم نباشد، چه حکمی دارد؟

ج. حرام است، زیرا خود این تزیّن و تبرّج معرضيّت برای فتنه و ریبه و شأنيّت برای فساد دارد و همین برای حرمت کافی است.

نگاه به صورت و دو دست نامحرم

۵۱۴۹. آیا نگاه کردن به صورت و دسته ای نامحرم جایز است؟

ج. اگر بدون ریبه و قصد لذت باشد، در مورد غیر زینت یا اصلاح جایز است؛ اگر چه احوط ترک آن است.

نگاه به فروشنده در هنگام خرید کالا

۵۱۵۰. نگاه کردن به زن فروشنده موقع خرید اجناس، چگونه است؟

ج. نگاه کردن به غیر از صورت و دسته ا، حرام است و نگاه به صورت و دست فروشنده ها، بدون ریبه و قصد لذت جایز است.

نگاه به دختران کوچک

۵۱۵۱. از دخترانی که کوچک و با چادر می باشند خوشم می آید چون معنویت خاصی دارند، آیا نگاه کردن به آنها اشکال دارد؟

ج. اگر به سنی رسیده اند که خوب و بد را می فهمند، نگاه کردن به بدن و موی آنها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، امّا به صورت و دسته ای آنها اگر ریبه و قصد لذت نباشد، اشکال ندارد.

عدم جواز نگاه به نامحرم

۵۱۵۲. نگاه کردن به زن نامحرم در خیابان و بازار که صورت آنها آرایش کرده و قسمت جلوی موی آنها آشکار باشد، بدون قصد تلذّذ و ریبه چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

نظر به وجه و کفّین نامحرم

۵۱۵۳. آیا نگاه کردن به وجه و کفّین زن نامحرم بدون قصد لذت اشکال دارد؟

ج. بدون ضرورت خلاف احتیاط است.

نگاه به موی زن های بد حجاب

۵۱۵۴. با عنایت به مسأله ی ۱۹۳۵ و این مطلب که امروزه در شهرهای بزرگ بیرون بودن مقداری از موی سر، امری عادی شده است، آیا می توان از این رو که این مقدار موی سر عرفاً بیرون است به آن نگاه کرد، مانند برخی قبایل که معمولاً مقداری از موهایشان بیرون است؟

ج. در فرض مرقوم جایز نیست.

نگاه به چهره زن مؤمن

۵۱۵۵. نگاه کردن به چهره مؤمن ثواب است، حال اگر نامحرم باشد همین حکم را دارد؟

ج. خیر.

نگاه به زنان در اجتماع

۵۱۵۶. در دانشگاه ها رفت و آمد زنان با پوشش و حجاب نامناسب فراوان شده است و چشم پوشاندن کامل از آنان بسیار دشوار است، نگاه کردن غیر عمدی به آنان علی رغم علم به ابتلا به چنین نگاه هایی هنگام ورود به دانشگاه چه حکمی دارد؟

آیا نگاه های عادی غیر شهوانی به زنان آرایش کرده جایز است یا نه؟

ج. بنا بر احتیاط مستحب باید از نگاه کردن به صورت و دو دست چنین زنانی پرهیز کرد و در غیر از این دو موضع، نگاه عمدی بدون ضرورت به آنان ممنوع است و نیز ادامه نگاه غیر ضروری نیز ممنوع می باشد، بنا بر این کسی که نگاهش به صورت غیر عمدی به چنین افرادی می افتد، نباید نگاهش را تکرار کرده و یا آن را ادامه دهد؛ مگر در صورت ضرورت.

نگاه خواهر و برادر به بدن یکدیگر

۵۱۵۷. آیا نگاه کردن خواهر و برادر به بدن یکدیگر جایز است؟

ج. اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت، به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

(به مسأله ی ۱۹۳۹ رساله رجوع شود.)

نگاه اتفاقی به دختران بی حجاب

۵۱۵۸. آیا نگاه اتفاقی به دخترانی که موهای خود را نمی پوشانند، جایز است؟

ج. اگر آن نگاه تکرار نشده و یا ادامه نیابد، اشکال ندارد.

نگاه زن به بدن مرد نامحرم بدون قصد لذت

۵۱۵۹. آیا نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم بدون قصد لذت حرام است؟

ج. نگاه کردن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است - مثل سر - اشکالی ندارد، مگر این که نگاه کردن کمک به معصیت باشد و در غیر این مواضع بنا بر احتیاط واجب حرام است.

۵۱۶۰. نگاه کردن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است چه حکمی دارد؟

ج. اگر این نگاه کردن کمك به معصیت نباشد، جایز است.

نگاه به لباس زن نامحرم

۵۱۶۱. اگر مردی به لباس زن نامحرمی که بر روی بند لباس پهن شده نگاه کند، اشکال دارد؟

ج. اگر مفسده ای نداشته باشد، اشکال ندارد.

نگاه شهوانی به خود

۵۱۶۲. نگاه شهوانی به بدن خود چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

وضو در برابر نامحرم

۵۱۶۳. وضو گرفتن زن آنجا که مرد نامحرم او را ببیند، چگونه است؟

ج. با توجه و التفات جایز نیست.

نگاه به موهای جدا شده از زن نامحرم

۵۱۶۴. نگاه کردن مرد به موهای جدا شده از زن نامحرم بدون لذت چه حکمی دارد؟

ج. بنا بر احوط جایز نیست، چون اضافه اش به زن باقیست و در زمان اتّصال به بدن، شِدَّت تحریم مو از پوست بیشتر است.

نگاه به مجامعت حیوانات

۵۱۶۵. در روستاها عمل مجامعت و جفت گیری حیوانات عملی، معمول و شایع است، آیا نگاه کردن به این عمل از روی شهوت یا بدون آن اشکال دارد؟

ج. نگاه با شهوت حرام است.

نظر برای ازدواج

۵۱۶۶. جوانی که می خواهد با دختری ازدواج کند بعد از دیدن همدیگر و قبل از جاری ساختن صیغه عقد، آیا پسر می تواند به این دختر [دوباره] نگاه کند؟

ج. اگر برای اطّلاع عقلایی دوباره نظر کند، جایز است.

نگاه شهوت انگیز به نامزد قبل از عقد

۵۱۶۷. آیا نگاه شهوت انگیز به کسی که می خواهم با او ازدواج کنم جایز است؟

ج. از این جهت مثل دیگران است و از غیر این جهت در مسأله ی ۱۹۴۴ رساله توضیح داده شده است.

نگاه به دختران جهت انتخاب همسر

۵۱۶۸. برای انتخاب همسر می توانم به دخترها نگاه کنم؟

ج. اگر از موارد مسأله ی ۱۹۴۴ رساله نیست، خیر.

نگاه دانشجو به استاد خانم

۵۱۶۹. نگاه به استاد خانم که از روی شهوت نباشد، لکن در انسان تأثیر بگذارد چه طور است؟

ج. اگر معرضیت برای ریبه و فتنه و تعقّب به حرام دارد و یا نگاه به غیر وجه و کفین است، جایز نیست.

۵۱۷۰. برخی از معلمین ما زن هستند و من مجبورم برای تمرکز، به چهره معلم نگاه کنم، ولی با توجه به این که آنها حجاب درستی ندارند وظیفه چیست؟

ج. به نحوی که در سؤال قبلی ذکر شد، جایز نیست.

نگاه به مرد نامحرم

۵۱۷۱. آیا نگاه به مرد نامحرم، برای فهمیدن سخن های او، گناه است؟

ج. اگر خوف مفسده نباشد، اشکال ندارد.

نگاه به هم کلاسی های نامحرم

۵۱۷۲. با توجه به این که کلاس های دانشجویان دختر و پسر با هم برگزار می شود، طبعاً ناخودآگاه چشم پسران به دختران نامحرم می افتد، حکم آن در صورتی که بدون قصد لذت باشد چیست؟

ج. نگاه کردن غیر عمدی اشکالی ندارد، اما باید از تکرار یا ادامه نگاه پرهیز نمود ولی تحصیل کردن در این کلاس ها اگر از وقوع در حرام ایمن نیست، حرام است.

مرز نگاه استاد مرد به دانشجوی دختر

۵۱۷۳. حدود نگاه بین استاد مرد و دانشجوی دختر چیست؟

ج. دختر نباید نزد استاد مرد به نحوی که موجب اختلاط زن و مرد است درس بخواند، مگر این که از پشت پرده باشد و خوف مفسده ای هم در کار نباشد.

تدریس در کلاس خانم ها

۵۱۷۴. به هنگام تدریس در کلاس خانم ها به جهت ارزیابی کلاس و جلب توجّه شاگردان نسبت به درس، به ناچار نگاهی کلّی به خانم ها انجام می گیرد و هیچ گونه قصد ریبه و لذّتی در کار نیست. این عمل چه حکمی دارد؟

ج. نگاه کردن به زن مسلمان بدون ریبه هم جایز نیست، مگر وجه و کفین.

نگاه به زنان غیر مسلمان

۵۱۷۵. نگاه کردن به زنان نامحرم غیر مسلمان (چه اهل کتاب و چه کفّار) اگر موجب مفسده باشد، چه حکمی دارد و اگر با ریبه نباشد چه حکمی دارد؟

ج. در صورت مفسده حکم آن حرمت است و نگاه با عدم ریبه در آنچه جایز است از مسلمان، اشکال ندارد و در غیر آنها محل احتیاط است.

(جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۱۹۳۵ رساله رجوع شود.)

نظر به بدن اهل کتاب

۵۱۷۶. نظر به اهل کتاب در خارج از کشور با وضع لباس فعلی آنها جایز است یا نه؟

ج. نگاه به جاهایی از بدن آنها که عادتاً پوشانده نمی شود، بدون قصد لذت و در صورتی که خوف واقع شدن در حرام نباشد، جایز است.

نگاه به موی زنان اهل کتاب

۵۱۷۷. نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب، اگر بدون قصد ریبه باشد، چه حکمی دارد؟

ج. حفظ نظر به آنچه خودشان آشکار می نمایند، غیر عورتین، لازم نیست.

دست دادن به زنان کتابی

۵۱۷۸. آیا نگاه کردن به زنان اهل ذمه و دست دادن با آنها اشکال دارد؟

ج. مجرد نگاه کردن بدون قصد لذت و در صورتی که خوف وقوع در حرام نباشد جایز است، ولی دست دادن با آنها جایز نیست.

حرمت لمس و نظر اعضای داخلی نامحرم

۵۱۷۹. آیا لمس و نظر اعضای داخلی بدن نامحرم، مانند اعضای ظاهریه حرام است؟

ج. حرام است، مگر در مورد ضرورت که اقتصار بر حد ضرورت می شود.

معالجه

۵۱۸۰. چنان چه جهت گذاردن وسیله جلوگیری از حاملگی مانند Iud در داخل رحم، ظاهر آلت تناسلی زن به وسیله ی

پارچه توسّط شوهر پوشانده شود، به طوری که تنها مجرای درونی آن مشخّص باشد، آیا گذاردن وسیله با توجّه به لزوم نگاه به مجرای درونی آلت تناسلی زن توسّط پزشک [زن یا مرد] جایز است یا خیر؟

ج. درون و برون آلت تناسلی در حکم، از حیث نظر و لمس فرقی ندارد.

سونوگرافی زنان توسط مرد

۵۱۸۱. در برخی از شهرها و مناطق، متخصص زن جهت سونوگرافی وجود ندارد و به لحاظ تشخیص حاملگی و وضعیت جنین و یا ناراحتی های داخلی و کلیوی، زنان مجبور به مراجعه به چنین متخصصینی هستند، آیا چنین بیمارانی، باید به شهرهای مجاور که متخصص زن دارد بروند یا می توانند جهت سونوگرافی به مرد مراجعه نمایند؟

ج. تا ممکن است باید به شهرهای مجاور بروند.

کشف عورت برای معالجه

۵۱۸۲. اگر شخصی جنب نمی شود و همین موجب اذیّت وی می شود، آیا این مطلب مجوّز برای کشف عورت برای معالجه می شود؟

ج. این حالت ظاهراً مرض به شمار می آید و او به این معالجه محتاج و مضطر است و برای معالجه تا ممکن باشد، از محرّمات اختیاریّه اجتناب کنند.

نگاه به عورت زن زائو

۵۱۸۳. نگاه کردن به عورت زن زائو، هنگام عمل زایمان چه حکمی دارد؟

ج. اگر از موارد مسأله ی ۱۹۴۱ رساله نیست، جایز نیست.

مراجعه زن به پزشک مرد با وجود پزشک زن

۵۱۸۴. آیا مراجعه زن به پزشک مرد، در صورت وجود پزشک زن در همان رشته پزشکی جایز است؟

با توجه به اینکه غالباً به او نگاه شده و گاهی هم از او معاینه به عمل می آید.

ج. باید از نظر نامحرم با تمکّن خود داری شود و در فرض سؤال جایز نیست.

معاینه عورتین توسط جنس مخالف

۵۱۸۵. معاینه عورتین برای جنس مخالف جایز است یا باید احتیاط کرد؟

ج. اگر معالجه منحصر در نگاه کردن به عورت او باشد و معالجه توسط جنس موافق غیر ممکن یا دشوار باشد، جایز است.

نگاه ضروری به عورت نامحرم

۵۱۸۶. در صورتی که لمس و یا نگاه به عورت نامحرم ضرورت داشته باشد، آیا جایز است؟

ج. به مسأله ی ۱۹۴۱ رساله رجوع شود.

نظر به نامحرم هنگام تحصیل پزشکی

۵۱۸۷. این جانب دانشجوی سال چهارم پزشکی هستم. در این مقطع تحصیلی گاهی اوقات جهت آموزش بر بالین بیماران زن و یا در اتاق عمل جرّاحی جهت یادگیری عملی، لازم است که به محل های حرام بدن زن نگاه کنم و احیاناً با دستکش یا بدون آن بر بدن زنان دست بزنیم. وظیفه چیست؟

ج. لمس و نظر به بدن اجنبیّه و محل های حرام دیگر تجویز نمی شود. بلی در موارد ضرورت هایی که مراعات آن لازم است، مثل توقّف نیازهای پزشکی مسلمین بر آن و منحصر بودن، در حد ضرورت مانع ندارد و تشخیص موضوع بر عهده خود مکلّف است.

نگاه کردن به صورت زنان چادرنشین

۵۱۸۸. نگاه کردن به صورت زنان چادرنشین که معمولاً قسمتی از موی سر آنها دیده می شود، برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

توضیح آن که ایشان به این نوع پوشش عادت کرده اند و اگر تذکر داده شود نمی پذیرند.

ج. نظر عمدی خلاف احتیاط است و حفظ نظر (بدون ادامه و بدون تهییج) نیز واجب نیست، مگر برداشت بدی شود و دیگران این طور به نظرشان بیاید که آنچه جایز نیست، او جایز می داند.

نگاه به زنان با لباس های محلی

۵۱۸۹. نگاه کردن به زنانی که لباس محلی می پوشند و معمولاً به جای روسری، از تکه پارچه ی تور، استفاده می کنند و موها و گردن و گوش های آنها کاملاً مشخص است، چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

بازیگری زنان و تماشای آن

۵۱۹۰. بازی خواهران در تئاتر و تماشای آنها توسط برادران در حال بازی چه صورت دارد؟

ج. اگر موجب تهییج شهوات اهل آن است، جایز نیست.

نگاه به بازیگر زن

۵۱۹۱. نگاه کردن به هنرپیشه زن از نزدیک چه حکمی دارد؟

ج. مثل سایرین جایز نیست.

نگاه به نامحرم بدون پوشش مناسب

۵۱۹۲. شوهر خاله هایم در منزل پوشش خوبی ندارند، حکم نگاه کردن به آنها چگونه است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب حرام است اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست، مگر این که این نگاه کردن کمک به معصیت باشد.

(به مسأله ی ۱۹۳۳ رجوع شود.)

تعارض احکام شرع با قوانین رایج

۵۱۹۳. در برخی موارد، بین احکام شرع و قوانین رایج پزشکی یا آموزشی به ویژه در موضوع پوشش و تماس و نگاه و یا اختلاط زن و مرد تعارض وجود دارد، در چنین موارد تکلیف بیماران و دانشجویان چیست؟

ج. در هر حال رعایت احکام شرع واجب است.

حجاب و پوشش زن و مرد

ضروری بودن حجاب

۵۱۹۴. آیا حجاب از ضروریات اسلام است و منکر آن و کسانی که به این دستور الهی، به ویژه در جامعه ی اسلامی بی اعتنایی می کنند چه حکمی دارند؟

ج. اصل حجاب از ضروریات و نص قرآن است و کسانی که به این دستور بی اعتنایی می کنند، کار حرام انجام می دهند و باید توبه نمایند.

انکار حجاب

۵۱۹۵. اگر کسی در نوشته یا گفتار خود حجاب را منکر شود، آیا مرتد محسوب می شود؟

ج. بله.

راه شناخت ممیّز بودن بچه

.۵۱۹۶

گفته می شود که زن بایـد خود را از پسـر بچّه ممیّز، بپوشاند. بفرمایید ممیّز بودن پسـر بچه از چه راه و یا راه هایی شـناخته می شود؟

ج. شرط تمییز، شناختن ممیّزات مرد و زن در این مقام است و با شک، استصحاب عدم رسیدن به سن تمییز جاریست در نتیجه هنگام شک در به سن تمییز رسیدن پسربچه، حکم به نرسیدن آن می شود.

عدم الزام به حجاب توسّط شوهر

.۵۱۹۷ اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می شود؟

ج. اگر امر به معروف و نهی از منکر با شرایطش را انجام ندهد، فاسق محسوب می شود.

سن تمییز

.۵۱۹۸ مراد از سن تمییز چه سنّی است؟

ج. به حسب سن مقدار معینی ندارد، تمییز مثل رشد است که اهلش در طفل تشخیص می دهند.

پوشش واجب برای زن

.۵۱۹۹ حد واجب پوشش برای زنان تا چه اندازه ای می باشد؟

ج. زن بایـد بـدن و مـوی خود را از مرد نـامحرم بپوشانـد، اگر چه کمـک به حرام نبوده و قصـد لـذتی نیز در بین نباشـد؛ بلکه احتیاط واجب آن است که از پسر غیر بالغ که خوب و بد را می فهمد نیز خود را بپوشاند.

حکم پوشاندن دست و صورت زن

.۵۲۰۰ پوشاندن دست و صورت زن حتی بنا بر عدم وجوب آن آیا از نظر شرع مقدس اسلام امری مطلوب و پسندیده به شمار می رود؟

ج. بله امری راجح و مطلوب است؛ بلکه احتیاط مستحب در پوشاندن صورت و دستها از نامحرم است.

داشتن زینت و پوشاندن وجه و کفّین

.۵۲۰۱ چنان چه زن با خود زینت داشـته باشـد، ماننـد حلقه ی ازدواج، یا انگشتری در دست، یا چهره آراسـته کرده باشـد، آیا

واجب است وجه و کفّین را بپوشاند؟

ج. واجب است.

چادر

۵۲۰۲. آیا در پوشش اسلامی چادر الزامی دارد یا خیر؟

ج. حجاب کامل همان چادر است.

نمایان بودن حجم پاهای زن

۵۲۰۳. آیا نمایان بودن حجم پاهای زن از جوراب ضخیم و یا شلوار تنگ اشکال دارد؟

ج. اگر مهیّج باشد، جایز نیست.

لباس های مهیج

۵۲۰۴. پوشیدن لباس های تنگ و مهیّج برای زن و مرد، اگر حجاب اسلامی در آن رعایت شود شرعاً اشکال دارد؟

ج. جایز نیست.

کفش های صدادار

۵۲۰۵. پوشیدن کفش های صدادار برای خانم ها اگر به قصد جلب توجه نامحرم نباشد، آیا اشکال دارد؟

ج. اگر جلب توجه کند، اشکال دارد و قصد ملاک نیست.

پوشش سر با کلاه یا کلاه گیس

۵۲۰۶. آیا پوشاندن سر با کلاه گیس برای خانم ها پوشش شرعی محسوب می شود و به چنین زنانی آیا می توان نگاه کرد؟

ج. خیر و نگاه به آنها هم جایز نیست.

پوشش بیماران بدحال

۵۲۰۷. رعایت پوشش بیمارانی که در شرایط مطلوبی از توجه به پوشش خود نیستند، بر عهده خود آنهاست یا بر عهده اطرافیان و پرستاران می باشد؟

ج. تا بتوانند بر عهده خود آنهاست و اگر نتوانند، دیگران باید مراعات کنند.

بالا زدن آستین زن با حضور مرد نامحرم

۵۲۰۸. آیا با وجود برادران در اتاق عمل می شود، دست تا آرنج بدون پوشش باشد؟

ج. جایز نیست.

پوشیدن لباس نازک

۵۲۰۹. پوشیدن لباس های نازك و تن نما برای خانم ها چه حکمی دارد؟

ج. در جایی از بدن که برهنه بودن جایز نیست یا خلاف احتیاط است، پوشیدن لباس های نازك و بدن نما همان حکم را دارد.

پوشیدن لباس های تنگ

۵۲۱۰. پوشیدن برخی لباس های تنگ که بدن را نشان نمی دهند، امّا حجم بدن و پستی و بلندی آن کاملاً مشهود است چه حکمی دارد؟

ج. اگر طوری باشد که منشأ فساد برای دیگران شود، جایز نیست.

پوشیدن لباس مبتذل و تنگ و مهیج

۵۲۱۱. پوشیدن لباس مبتذل یا تنگ و مهیج غربی برای زن و مرد چه حکمی دارد؟

ج. چون معرضیّت برای مفسده دارد، جایز نیست.

پوشیدن مانتو

۵۲۱۲. پوشیدن مانتو بدون چادر و سخنرانی زن ها در مقابل مردان جایز است یا حرام؟

ج. پوشیدن لباس و غیر آن ضوابطی دارد که باید بر اساس آن باشد و نیز از آن چه که در معرضیّت مفسده است، باید احتراز شود.

۵۲۱۳. آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که برجستگی های اندام مشخص باشد، جایز است؟

ج. جایز نیست.

لباس شهرت

۵۲۱۴. مقصود از لباس شهرت چیست و پوشیدن آن چه حکمی دارد؟

آیا چادر سفیدی که موجب انگشت نما شدن شود از مصادیق لباس شهرت است؟

ج. لباس شهرت عبارت است از لباسی که از جهت جنس یا رنگ یا نحوه برش و دوخت و مانند آن خلاف شأن و زی پوشنده لباس باشد و پوشیدن چنین لباس هایی حرام است.

بنا بر این پوشیدن چادر سفید به اقتضای محل پوشش و شخص پوشنده باید ملاحظه شود.

مقدار پوشش زن

۵۲۱۵. پوشش زن در مقابل زن چه مقدار باید باشد؟

ج. در صورت عدم وجود مفسده و بدون وجود انگیزه های شهوانی، پوشاندن غیر از عورتین در مقابل زن دیگر لازم نیست.

حجاب در بیمارستان

۵۲۱۶. دانشجوی پزشکی هستم و در بعضی بخش های بیمارستان با وجود نامحرم، باید چادر خود را بردارم که ناچار حجاب کمتر می شود، لطفاً بفرمایید تکلیف من چیست؟

ج. مراعات حد اقل حجاب شرعی در هر حال باید بشود و از مواضع غیر ضروری پرهیز کنید.

امر به پوشاندن صورت و دستها از طرف شوهر

۵۲۱۷. آیا مرد می تواند همسر خود را به زدن پوشیه یا پوشیدن لباس خاصّی مجبور کند؟

ج. نمی تواند، ولی می تواند بدون پوشیدن آن لباس، اذن خروج از منزل را ندهد.

۵۲۱۸. اگر شوهر بداند و یا احتمال دهد که اگر همسر او بدون پوشانیدن صورت و دست به بیرون از خانه برود به او نگاه حرام می شود، آیا واجب است به پوشاندن زن امر کند و یا اجازه ی بیرون رفتن به او ندهد؟

ج. بله، اگر علم دارد، بر شوهر واجب است؛ بلکه بدون آنها هم احوط پوشانیدن وجه و کفین است.

۵۲۱۹. اگر نپوشاندن وجه و کفّین (صورت و دستها تا مچ) فسادی را برای زن در جامعه به بار آورد، آیا پوشاندن وجه و کفّین واجب می شود؟

ج. اگر منشأ حرام باشد، حرام است.

امر شوهر به پوشیدن چادر

۵۲۲۰. زنی هستم، دوست دارم مانتو و روسری بپوشم. امّا شوهرم می گوید باید چادر بپوشی، وظیفه ی من چیست؟

ج. به حرف شوهرتان عمل کنید.

مانتو و شلوار

۵۲۲۱. آیا پوشیدن مانتو که تمام مواضع لازم را می پوشاند، همراه با شلوار و روسری که به عنوان حجاب اسلامی محسوب می شود، در صورتی که حجم بدن از آن نمایان باشد چه حکمی دارد؟

ج. حجاب کامل همان چادر است.

مشخص بودن حجم موهای زنان از زیر چادر

۵۲۲۲. خانم هایی که موهای بلندی دارند و آنها را می بافند، اگر حجم و اندازه موهایشان از زیر چادر مشخص باشد اشکال دارد؟

ج. اگر تحریک کننده باشد، جایز نیست.

پوشش لازم زن در حمام

۵۲۲۳. در حمام زنانه لازم است که زن باسن های خود را از زنان دیگر بپوشاند؟

ج. اگر مظنّه حرام است، احتیاطاً باید بپوشانند.

حجاب در خوابگاه های دخترانه

۵۲۲۴. وضع حجاب در خوابگاه های دخترانه باید چگونه باشد؟

ج. با جاهای دیگر فرق ندارد.

کنار رفتن چادر

۵۲۲۵. اگر سهواً چادر خانمی کنار رود و در معرض دید نامحرم باشد، اشکال دارد؟

ج. اگر فوری خود را حفظ کند، گناه نکرده است.

بیرون بودن مقنعه از زیر چادر

۵۲۲۶. بیرون بودن مقنعه و روسری از زیر چادر چه حکمی دارد؟

ج. اگر جلب نظر نامحرم کند، جایز نیست.

پوشش در برابر اقوام شوهر

۵۲۲۷. وظیفه زن با فامیل های نامحرم شوهر از نظر پوشش اسلامی چیست؟

ج. با نامحرم های دیگر فرقی ندارند.

پوشش در مراکز آموزشی پزشکی

۵۲۲۸. به جهت عدم جواز لمس و اختلاط با نامحرم در مراکز آموزش پزشکی، آیا متدینین از آموزش این گونه حرفه ها باید دست بردارند؟

ج. چون آموزش این حرفه ها ملازمه ی با انجام حرام ندارد، باید برنامه ریزی کنند تا طبق ضوابط شرعی، آموزش صورت گیرد.

حجاب دختر عقب افتاده

۵۲۲۹. نگاه کردن به مو و بدن، لمس کردن و بوسیدن دختر عقب افتاده ای که اندکی بد و خوب را تمییز می دهد، چه از رو و چه از زیر لباس اشکال دارد یا خیر؟

ج. احکام دختر غیر عقب افتاده را دارد. یعنی اگر غیر بالغ باشد با قصد لذت جایز نیست و بدون آن، خلاف احتیاط است و در صورت بلوغ مطلقاً جایز نیست.

پوشیدن و آرایش مطابق مد روز

۵۲۳۰. آیا پوشیدن و آرایش کردن طبق مد روز اشکال دارد؟

ج. اگر ترویج کفر کافر نباشد، اشکال ندارد، لکن در مقابل نامحرم باید مراعات کنند.

مشخص بودن اندام از زیر چادر

۵۲۳۱. چادر به عنوان حجاب برتر شناخته می شود ولی بعضی از خانم ها علی رغم استفاده از چادر مناسب، (ضخیم)، به لحاظ ویژگی های جسمی که دارند، اندام آنها از زیر چادر مشخص است آیا مسؤولیت پوشش آنها باز متوجه خود آنها می باشد یا طرف مقابل باید از نگاه به او احتراز کند؟

ج. در این رابطه، هر دو طرف وظیفه دارند و اگر طوریست که جلب نظر نمی کند، پوشاندن حجم واجب نیست به خلاف رنگ و شبح که واجب است پوشانده شود.

جلب توجه نامحرم با چادر

۵۲۳۲. آیا هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم شود اشکال دارد؟

حتی اگر پوشیدن چادر باشد؟

ج. بله، اگر پوشیدن چادر هم به گونه ای باشد که جلب توجه کند، باید آن را نپوشد و منظور از جلب توجه، معرضیّت برای توجه همراه با ریبه است.

برآمدگی سینه زنان در مقابل نامحرمان

۵۲۳۳. اگر برآمدگی سینه زنان در مقابل نامحرم پیدا باشد، اشکال دارد؟

ج. بله، اشکال دارد.

حجم شانه زنان در مقابل مردان

۵۲۳۴. آیا اگر حجم شانه های زنان در مقابل نامحرم پیدا باشد اشکال دارد؟

ج. اگر فتنه و فسادی ندارد، اشکال ندارد.

پوشیدن لباس های زننده توسط زن

۵۲۳۵. آیا پوشیدن لباس های زننده بین خانم ها ایراد دارد؟

ج. اگر فتنه و فسادی به دنبال نداشته باشد، اشکال ندارد.

عدم پوشش نامحرمان اقوام

۵۲۳۶. آیا عدم پوشش دختر دایی و دختر عمه و دختر خاله و دختر عمو - که تأثیری در من ندارد - گناه است؟

ج. بله، گناه است و بین آنها با نامحرم های دیگر فرقی نیست.

جوراب و کفش

۵۲۳۷. آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار - با این که حجم بدن از بیرون مشخّص است و در بعضی موارد مهیّج است - و یا پوشیدن کفش هایی که هنگام راه رفتن صدای مهیّج دارد، جایز است؟

ج. اگر مهیّج و محرّک نامحرم باشد، جایز نیست.

۵۲۳۸. آیا پوشیدن جوراب در برابر نامحرم واجب است؟

ج. بله.

حجاب در کشورهای غیر اسلامی

۵۲۳۹. حضور خانم های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی با پوشش چادر، بسیار سخت و همراه با مشقت است، آیا اگر امر دایر مدار ماندن در خانه یا حضور در اجتماع با مانتو (و پوشش کامل اسلامی بدون چادر) باشد، کدام یک اولویّت خواهد داشت؟

ج. در هر جایی که انسان نتواند مسائل شرعیّه اش را رعایت کند، نمی تواند در حال اختیار در آنجا بماند.

پوشیدن لباس های غربی

۵۲۴۰. در این زمان بسیاری از مد لباس ها از غرب وارد شده و جوانان از لباس هایی با فرهنگ غربی استفاده می کنند، آیا پوشیدن این گونه لباس ها شرعاً اشکال ندارد؟

و آیا عنوان تشبّه به کفار بر آنها صدق می نماید؟

ج. اگر ترویج کفر و فرهنگ غرب شود، اشکال دارد.

الزام توریست های خارجی به حجاب

۵۲۴۱. آیا لازم است حجاب را به توریست ها الزام کنیم؟

ج. در حد پیشگیری از زمینه سازی فساد، لازم است.

لزوم پوشیدن چادر در مکان های مقدس

۵۲۴۲. آیا پوشیدن چادر در مکان های مقدس، مانند حرم حضرت معصومه علیها السّلام واجب شرعی است؟

ج. پوشیدن چادر در همه جا حجاب کامل است.

مقدار پوشش بدن مرد از نامحرم

۵۲۴۳. پوشاندن چه قسمت هایی از بدن برای مردان واجب است؟

ج. به مسأله ی ۱۹۳۷ رساله رجوع شود.

حجاب مرد

۵۲۴۴. اگر مردی بداند که زنی به بدن او نگاه می کند، در این حال بر مرد پوشاندن بدن واجب است یا بنا بر احتیاط واجب

است؟

ج. در فرض کمک به حرام، پوشاندن بدن واجب است.

انواع لباس های ورزشی

۵۲۴۵. استفاده از لباس های آستین کوتاه و شلوارک در مسابقاتی مانند فوتبال، والیبال، کشتی، وزنه برداری و ... که یا حجم بدن و عورتین کاملاً مشخص است و یا قسمت های زیادی از بدن آشکار است چه حکمی دارد؟

ج. چون در مقابل نامحرم هم هستند، جایز نیست. (به توضیح مذکور در مسأله ی ۱۹۳۷ رساله رجوع شود.)

پوشیدن لباس ورزشی در مکان های مخصوص بانوان

۵۲۴۶. آیا دختران در محیط ورزشی مخصوص خودشان می توانند لباس ورزشی بپوشند؟

ج. اگر معرضیت برای مفسده دارد، جایز نیست.

لباس تنگ

۵۲۴۷. اگر مردی برای پوشانیدن عورتین خود از محارم و مردان دیگر از لباس تنگ و چسبیده به بدن استفاده کند، کفایت می کند؟

ج. اگر موجب فساد نباشد و رنگ و شبح پیدا نباشد، مانعی ندارد.

۵۲۴۸. پوشیدن شلوار تنگ برای آقایان به گونه ای که حجم عورت و باسن را نشان دهد، چه حکمی دارد؟

ج. چون معرضیت برای فتنه و فساد دارد، اشکال دارد.

پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای آقایان

۵۲۴۹. پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای مردان در جامعه، بدون قصد شهوانی و برای زیبایی بیشتر یا به علت گرمای هوا چه حکمی دارد؟

ج. در مواردی که معرضیت برای مفسده دارد، اشکال دارد.

سؤال های متفرقه در رابطه با حجاب و پوشش

پوشیدن لباس زیر و دمپایی اختصاصی زنان و مردان

۵۲۵۰. آیا پوشیدن لباس زیر و دمپایی مردانه در منزل، برای زن و بالعکس جایز است؟

ج. در فرض سؤال، حرمت محل تأمُّل است.

پوشیدن لباس سادات

۵۲۵۱. پوشیدن لباس اختصاصی سادات برای غیر سیّد جایز است؟

ج. جایز نیست.

معاشرت با جنس مخالف

شرکت در مجالس شادی

۵۲۵۲. شـرکت در مراسم ازدواج برادران و خویشاوندان و دوسـتان در بعضـی از موارد، مواجهه با عدم پوشش اسلامی زنان و دیدن نامحرم و لهو را دربردارد و در صورت عدم شـرکت، موجب تکدّر عمیق والدین و فامیل ها می شود. آیا شـرکت کردن جایز است؟

ج. شرکت در چنین مجالسی، اگر علم دارد که به حرام مبتلا می شود، جایز نیست.

اختلاط بین زن و مرد

۵۲۵۳. آیا اختلاط بین زن و مرد حکمی جدای از نگاه به نامحرم یا لمس و تماس و صحبت با آنها دارد؟

و اگر در مجموعه ای زن ها و مردها مخلوط باشند، با رعایت حجاب و حفظ نگاه و عدم تماس و صحبت مشکوک، آیا نفس اختلاط آنها با همدیگر حرام است؟

ج. به جهت معرضیّت نوعیه برای معیّت یا تعقّب به حرام، اختلاط حرام است.

لبخند زدن به مرد نامحرم

۵۲۵۴. لبخند زدن هنگام صحبت با مرد نامحرم، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

شنیدن خنده ی نامحرم

۵۲۵۵. شنیدن صدای خنده ی زن نامحرم – بدون ریبه، در صورتی که معرضیّت برای فتنه نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج. جایز است، اگر چه احتیاط خوب است.

شوخی با نامحرم های فامیل

۵۲۵۶. در یک خانه چند برادر با خانواده ی خود زندگی می کنند.

گاهی به حسب اتّفاق برادر به زن برادر نگاه و گاهی هم شوخی می کند.

با عادّی بودن این جریان، حکم مسأله را بیان بفرمایید؟

ج. با نامحرم های دیگر فرق ندارد.

خنداندن نامحرم

۵۲۵۷. اگر انسان با زن نامحرم شوخی کند یعنی حرفی بزند و او را بخنداند، چه حکمی خواهد داشت؟

ج. چون غالباً موجب وقوع در فتنه است، ترک شود.

شنیدن خنده ی نامحرم

۵۲۵۸. گوش دادن به خنده زن نامحرم، اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد؟

در صورتی که مفسده داشته باشد چه حکمی دارد؟

ج. مثل گوش دادن به صوت حَسنِ او است.

خنده زن نامحرم

۵۲۵۹. خندیدن زن به گونه ای که نامحرم صدای آن را بشنود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

تواشیح خواهران

۵۲۶۰. تواشیح خوانی خواهران در برنامه های عمومی دانشگاه در حضور برادران چه حکمی دارد؟

تدریس صوت و لحن قرآن و تواشیح توسّط مدرّس مرد، در صورتی که مربّی زن در سطح تخصّصی جهت آموزش موجود نباشد [با توجّه به این که لازمه ی این آموزش قرائت خواهران و شنیدن صدای آنان توسّط مدرّس مرد است] چه حکمی دارد؟

ج. خواندن زن در حضور مرد و استماع آن موجب فساد است و مجاز نیست.

حضور زن و مرد نامحرم در مکان خلوت

۵۲۶۱. حکم خلوت کردن با زن نامحرم در صورت امن از واقع شدن در حرام چیست؟

و محدوده ی خلوت کردن با زن نامحرم چه می باشد؟

ج. در صورت علم به واقع شدن در حرام، خلوت با زن نامحرم حرام است و در غیر این صورت باید احتیاط کرد، مگر با ظن اطمینان آور به عدم واقع شدن به گناه، هر چند در این مورد نیز احتیاط نیکو است.

۵۲۶۲. بودن زن و مرد نامحرم در محلّی خلوت که کسی در آنجا نیست، در سه صورت زیر چه حکمی دارد؟

۱) بچّه ای ممیّز آنجا باشد ولی کسی نتواند وارد شود.

ج. اشکال ندارد، اگر خلوت اطلاق نشود.

۲) کسی بتواند به آنجا وارد شود.

ج. اشکال ندارد.

۳) کسی نتواند به آنجا وارد شود، ولی اطمینان به عدم وقوع در گناه باشد.

ج. احتیاط خوب است.

تنها بودن پزشک با بیمار زن

۵۲۶۳. آیا تنها بودن پزشک مرد با بیمار زن یا بالعکس در مطب (با توجه به این که کسی حق ورود بدون هماهنگی و اجازه به داخل مطب را ندارد)، شرعاً اشکال دارد؟

ج. اگر خوف وقوع در حرام نباشد، اشکال ندارد.

گوش دادن به صدای زن در کُر

۵۲۶۴. حکم گوش دادن به صدای زن ها در گروه کُر، زمانی که گروهی می خوانند، بدون قصد لذّت چیست؟

ج. اگر زمینهساز فساد است، اشکال دارد.

۵۲۶۵. آیا شنیدن شعرخوانی زن نامحرم حرام است؟

در زمان پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چگونه بوده است؟

ج. اشکال دارد.

مصیبت خواندن و دعا خواندن زن

۵۲۶۶. مصـیبت خواندن و یا دعا خواندن و یا قرآن خواندن توسّط زن، با توجّه به این که مرد یا مردانی صدایش را می شنوند، چه حکمی دارد؟

ج. احتیاط در ترک است.

بهره بردن زن از غلام مرد خود

۵۲۶۷. آیا زن می تواند از غلامش بهره جنسی ببرد؟

ج. خیر.

رفتار با شوهر خواهر توسط زن

۵۲۶۸. آیا با شوهر خواهر، باید همانند نامحرم رفتار کرد؟

ج. بله.

رابطه نامشروع با خواهر زن

۵۲۶۹. آیا رابطه نامشروع با خواهر زن، باعث حرمت همسر، بر مرد می شود؟

ج. خیر.

ارتباط با زن برادر

۵۲۷۰. ارتباط با زن برادر، که موهای سرش دیده می شود و یا با شخص دست می دهد، چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

نشستن دو نامحرم در کنار هم

۵۲۷۱. آیا نشستن نامحرم در کنار هم در مجالس مهمانی، سر سفره غذا، وسایل نقلیه عمومی و ... اشکال ندارد؟

ج. اگر خوف وقوع در حرام باشد باید اجتناب کنند.

سریع راه رفتن در مقابل نامحرم

۵۲۷۲. دویدن و سریع راه رفتن مقابل نامحرم، چه حکمی دارد؟

ج. به خودی خود اشکال ندارد.

اشتغال زنان در ادارات

۵۲۷۳. اشتغال زنان در ادارات اگر ارباب رجوع آنان مردان نیز باشند، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

کار زنان در محیطی که نامحرم وجود دارد

۵۲۷۴. کار کردن زن در جایی که نامحرم هست، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

پرستاری زن از مرد بیمار

۵۲۷۵. پرستاری زن، از مرد بیمار چه حکمی دارد؟

ج. باید از محارم باشد و یا حلال و حرام را مراعات کند.

نشستن با نامحرم بر سر یک سفره

۵۲۷۶. آیا نشستن بر سر سفره ای که نامحرم وجود دارد، حرام است؟

ج. خلاف احتیاط است.

ارتباط علمی پسر با دختر نامحرم

۵۲۷۷. معاشرت با دختر عمو در حد استادی و تقویت درسی چه صورت دارد؟

ج. مثل سایر نامحرم ها است.

فکر کردن زن در مورد مرد نامحرم

۵۲۷۸. آیا فکر کردن در مورد مرد نامحرم اشکال دارد؟

ج. خلاف احتیاط است و بلکه با معرضیّت فتنه، جایز نیست.

فکر کردن درباره ی نامحرم

۵۲۷۹. فکر کردن دربارهی پسر مورد علاقه ای که با شخص دیگری ازدواج کرده چه حکمی دارد؟

ج. با معرضیّت فتنه، اشکال دارد.

گردش با نامزد خود

۵۲۸۰. گردش رفتن با نامزد خود که هنوز عقد نکرده، چه حکمی دارد؟

ج. با سایر نامحرم ها فرقی ندارد.

روابط پسر و دختر

۵۲۸۱. برخوردها، مباحثه ها و روابط درسی بین دانشجویان پسر و دختر چه حکمی دارد؟

ج. بستگی به فساد و عدم آن و معرضیّت برای گناه و عدم آن دارد و خلاف احتیاط است و باید از آن دوری بشود.

دوست داشتن فامیل نامحرم

۵۲۸۲. اگر افرادی را که فامیل نامحرم هستند، دوست داشته باشیم، حرام است؟

ج. خلاف احتیاط است، مگر این که دوستی برای جهات معنوی و تقوایی او باشد.

مکاتبه کردن با دختر جهت ازدواج

۵۲۸۳. مکاتبه و نامه دادن برای ازدواج به دختر مورد نظر چه حکمی دارد؟

ج. اگر طولانی و در مدت های طولانی باشد و هم چنین اگر مضمون آن متعارف نباشد و زمینهساز فتنه باشد، اشکال دارد.

معاشرت با دختران دانشجو

۵۲۸۴. کمک کردن و معاشرت با دختران دانشجوی همشهری، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

صیغه محرمیّت با هم کلاسی

۵۲۸۵. در کلاس عاشق دختری شده ام، آیا می توانم با او صیغه محرمیت بخوانم تا راحت با او رفت و آمد نمایم؟

ج. عقد موقت با تمام شرایط آن که از جمله اجازه ی پدر دختر باشد، مانعی ندارد.

دوستی پسر با دختر

۵۲۸۶. با دختری دوست شده ام، آیا دوستی من با آن دختر از نظر شرع جایز است؟

در صورتی که قصد ازدواج با او داشته باشم چه طور؟

ج. جایز نیست.

صحبت و گفتگو

سلام به نامحرم

۵۲۸۷. سلام کردن به زن نامحرم چه حکمی دارد؟

ج. با صرف نظر از جهات دیگر، مکروه است.

جواب سلام پسر بر دختر نامحرم

۵۲۸۸. آیا جواب سلام پسر بر دختر واجب است؟

ج. به اقل واجب با لحن متعارف جواب بدهد.

میزان شنیدن صدای زن

۵۲۸۹. در روایات آمده که در صدر اسلام به زنان توصیه می شد برای صحبت کردن با نامحرمان زیر زبان خود ریگی قرار دهند تا صدای آنان در دل مردان ایجاد وسوسه نکند.

آیا اعراض از این امر معصیت است یا ترک اولی و میزان جواز شنیدن صدای زن برای مرد را بفرمایید؟

ج. شنیدن صدای زن بدون ریبه و فساد مانع ندارد و یقیناً ریگ گذاشتن واجب نیست و در هر صورت باید از اختلاط مرد و زن اجتناب شود.

استفاده از بعضی کلمات

۵۲۹۰. با توجّه به عرف و فرهنگ متداول در برخی جوامع خارجی، در صورت اقتضا، برای حفظ ارتباطات بین دو طرف، نوشتن و تلفّظ کلماتی هم چون دوستدار تو، با بهترین عشق، وفادار تو، برای دوستان زن و مرد چه حکمی دارد؟

ج. اگر این کلمات از روی شهوت یا شهوت انگیز باشد، باید اجتناب شود.

شنیدن صدای نامحرم

۵۲۹۱. شنیدن صدای مردان نامحرم برای زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که مستلزم ریبه و فساد نباشد، اشکال ندارد.

چگونگی ارتباط شرعی پسران با دختران

۵۲۹۲. به دختر دایی ام علاقه دارم، آیا می توانم با او در محدوده اسلام رابطه داشته باشم؟

ج. تا با هم ازدواج نکرده اید، به همدیگر نامحرم هستید.

مکالمه تلفنی یا حضوری دختر با پسر

۵۲۹۳. حکم صحبت کردن تلفنی یا حضوری دختران و پسران جوان با یکدیگر، که باعث ایجاد نوعی احساس در دو طرف می گردد، چیست؟

ج. جایز نیست.

گفتگو با نامحرم در مورد مسائل علمی

۵۲۹۴.

گفتگو با نامحرم در مورد مسائل علمی چه حکمی دارد؟

ج. اگر معرضیت برای مفسده داشته باشد، اشکال دارد.

درد دل کردن پسر با دختر نامحرم

۵۲۹۵. آیا اگر پسر با دختر نامحرم درد دل کند، گناه است؟

ج. بلی، گناه است.

صحبت با ناز و عشوه

۵۲۹۶. خانمی که با ناز و عشوه صحبت می کند، به نحوی که جلب توجه می کند و شهوت برانگیز است، چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

صحبت در دوران نامزدی قبل از عقد

۵۲۹۷. نظر اسلام در مورد دوران نامزدی قبل از عقد شرعی چیست؟

آیا می توان با رعایت مسائل شرعی، مکالمات حضوری داشت؟

ج. تا قبل از عقد، با نامحرم های دیگر فرقی ندارد.

صحبت برای ازدواج

۵۲۹۸. صحبت کردن با یک دختر یا زن نامحرم از این جهت که پیش زمینه ای برای انعقاد عقد موقّت یا دائم باشد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر معرضیّت برای مفسده نباشد، اشکال ندارد.

ارتباط تلفنی با دختر

۵۲۹۹. برای ازدواج با دختری که معرفی شده، ارتباط تلفنی دارم، حکم آن چیست؟

ج. ارتباط مستمر جایز نیست.

مزاحمین تلفنی

۵۳۰۰. آیا صحبت کردن با افرادی که مزاحم تلفنی هستند، صحیح است؟

ج. تا حدّی که مفسده دار نباشد، جایز است.

تماس تلفنی با نامحرم

۵۳۰۱. تماس تلفنی و گفتگو با دختری که به او علاقه دارم و قصد دارم در آینده با او ازدواج کنم چه حکمی دارد؟

ج. با نامحرم های دیگر فرق ندارد.

صحبت با دختران از طریق اینترنت

۵۳۰۲. صحبت کردن با دختران خارجی از طریق شبکه اینترنت چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

لمس و تماس بدنی

انگشتر خواستگاری

۵۳۰۳. در دوران خواستگاری اگر داماد انگشتری را در دست عروس بنماید، اشکال دارد؟

ج. اگر صیغه عقد خوانده نشده، به هم دیگر نامحرم هستند و لمس دست او بدون پوشش حرام است.

لذت بردن از بدن دختران کوچک نابالغ

۵۳۰۴. لذت بردن از اعضا و جوارح دختران نابالغ چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

لمس بدنی قبل از اجرای صیغه ازدواج

۵۳۰۵. اگر مردی بخواهد با دختری ازدواج نماید، قبل از اجرای صیغه می تواند با او رفت و آمد کند و بدن او را لمس نماید؟

ج. حرام است.

معاشرت های غیر شرعی با همجنس

۵۳۰۶. نگاه کردن، بوسیدن و بغل کردن هم جنس به قصد لذت و دوست داشتن او و یا در صورت خوف و ریبه چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

تماس بدنی به اقتضای شغل

۵۳۰۷. برخی از شغل ها به اقتضای نوع کار، در آن تماس بدنی با نامحرم صورت می گیرد، مثل گرفتن کرایه و بلیط از نامحرم یا تماس دست طلافروش ها هنگام دست کردن النگو به دست مشتری و ... چنین تماس هایی چه حکمی دارد؟

و در صورت اشکال، آیا کسب و درآمد آنان را دچار اشکال می کند؟

ج. آن تماس ها جایز نیست و در آن شغل ها باید از موارد حرام دوری کنند، اگر چه درآمد از حرام نیست.

تماس بدنی در محیطهای شلوغ

۵۳۰۸. در محیطهای بسیار شلوغ هم چون اتوبوس، بازار و ... ممکن است بدن زن و مرد نامحرم از روی لباس با همدیگر تماس پیدا کند، آیا این عمل حرام است و در صورت علم به چنین برخوردهایی لازم است از ورود به چنین محل هایی پرهیز شود؟

ج. احتیاط در این موارد مطلوب است.

بوسیدن لب محارم

۵۳۰۹. بوسیدن لب محارم هم چون خاله یا خواهرزاده و یا فرزند چه حکمی دارد؟

ج. اگر به قصد ریبه نباشد، اشکال ندارد.

بوسیدن لب

۵۳۱۰. در برخی مناطق هنگام دید و بازدید، رسم است که مردان لب مردان دیگر یا زنان لب زن های دیگر را می بوسند، اگر این عمل بدون قصد شهوت انجام شود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

معالجه و تماس با نامحرم

۵۳۱۱. لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است، در هر دو صورت ضرورت و غیر ضرورت چه حکمی دارد؟

ج. در غیر مواقع ضرورت، جایز نیست.

آمپول زدن توسّط نامحرم

۵۳۱۲. آمپول زدن زن توسّط مرد نامحرم چگونه است؟

ج. در غیر موارد ضرورت، جایز نیست.

۵۳۱۳. آیا خانم ها برای آموزش تزریقات می توانند با دستکش به فرد نامحرم آمپول تزریق کنند؟

ج. با وجود مرد، آمپول زدن زن خلاف احتیاط است.

لمس بدن نامحرم در اتاق عمل

۵۳۱۴. مسؤول اتاق عمل هستم و طبق قانون بایستی تمام بدن بیمار را قبل از عمل ببینم و گاهی لمس کنم، با توجه به این که بیمار نامحرم است، آیا اشکال ندارد؟

ج. در غیر موارد ضرورت منحصره، جایز نیست.

آب کشیدن عورت بیماران

۵۳۱۵. افرادی که به علت بیماری توان تطهیر عورتین خویش را ندارند، چه وظیفه ای دارند؟ اگر بیماری آنها دائمی باشد، مانند افراد قطع نخاع شده، تکلیف چه می باشد؟

ج. همسرانشان آنها را یاری دهند.

حرمت تماس با بدن نامحرم در بازرسی

۵۳۱۶. در برخی بازرسی هایی که نیروی انتظامی یا دیگر مأموران انجام می دهند، گاهی موجب گرفتن زن ها و تماس و برخورد با آنها می شود. آیا جایز است؟

ج. جایز نیست و در فرض جواز تفتیش کردن، فرد تفتیش کننده باید هم جنس باشد و در صورت عدم تمکّن، از مورد اضطرار اجازه داده شده، تعدّی نشود.

محدوده لمس افراد

۵۳۱۷. آیا افرادی که به همدیگر محرم هستند، می توانند به تمام بدن همدیگر از روی لباس یا بدون پوشش دست بزنند؟

ج. در غیر عورتین بدون قصد ریبه و لذت مانعی ندارد.

دست دادن با زن نامحرم

۵۳۱۸. آیا می توان با دختر دایی خود دست داد؟

ج. جایز نیست.

۵۳۱۹. دست دادن با دختر عمو و زن عمو چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

دست دادن زن با پیرمرد

۵۳۲۰. آیا دست دادن زن به پیرمرد و فامیل که برای دست دادن دست دراز می کند، گناه است؟

ج. بله.

دست دادن در عشایر

۵۳۲۱. در مناطق غرب کشور خواهران و برادران مسلمان، هنگام احوالپرسی طبق آداب و رسوم عشایری با یکدیگر دست می دهند. با توجّه به تذکّراتی که از سوی ائمّه ای جمعه و جماعات داده شده ولی متأسفانه تأثیری نداشته است.

مراتب جهت اطّلاع و فتوی ارسال می گردد.

ج. حکم معلوم است که لمس بدن نامحرم جایز نیست؛ مگر از پشت لباس و در مورد سؤال، باید حکم شرعی تبلیغ شود.

۵۳۲۲. در بعضی مناطق به ویژه در بعضی از روستاها، زن ها خود را از برادر شوهر حفظ نمی کنند و او را به منزله ی برادر واقعی می دانند چنان چه متقابلاً ـ او هم وی را خواهر خویش می داند و چه بسا مصافحه می کنند یا دست همدیگر را می بوسند. این عمل چون از روی سادگی و بدون قصد ریبه می باشد، آیا اشکال دارد؟

و بر فرض محذور داشتن، از روی پارچه حکمش چیست؟

ج. مثل نامحرم های دیگر است.

مصافحه در دانشگاه های خارج

۵۳۲۳. در محیط دانشگاه های کشورهای غربی، هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر، ناگزیر از مصافحه هستیم، وگرنه حمل بر سوء ادب دانشجویان مسلمان می شود. تکلیف چیست؟

ج. مصافحه از زیر پارچه (دستکش) جایز است.

دست دادن نامحرم با دستکش

۵۳۲۴. دست دادن زن به مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

ج. مس بشره ممنوع است نه غیر آن، مگر چنین برداشت شود که آنچه حرام است، آن را مرتکب شده است.

تماس با دست و بدن نامحرم

۵۳۲۵. هنگام تبادل پول یا عبور از مکان های شلوغ، برخورد دست یا قسمت دیگری از بدن با نامحرم چه حکمی دارد؟

نشستن زن و مرد نامحرم در صورت نبودن جا کنار یکدیگر در مسافرت های طولانی چه حکمی دارد؟

ج. در موارد معرضیّت برای مفسده، اشکال دارد.

۵۳۲۶. لمس نامحرم و بوسیدن او، اگر زن مقصر نباشد گناه است؟

ج. اگر اجتناب از مظنّه ی آن نکرده است، گناه محسوب می شود.

تماس با بدن نامحرم برای نجات جان

۵۳۲۷. تماس با بدن نامحرم برای نجات او چه حکمی دارد؟

ج. در موقع ضرورت جایز است.

بوسیدن دست نامحرم از روی پارچه

۵۳۲۸. بوسیدن دست نامحرم از روی پارچه چه حکمی دارد؟

ج. اگر مفسده نداشته باشد، اشکال ندارد.

بوسه به دست نامحرم جهت احترام

۵۳۲۹. بوسیدن دست پسرخاله یا پسر دایی توسط زن میان سال به قصد احترام چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

تماس در حین آموزش

۵۳۳۰. در هنگام آموزش دست مربی به دست و بدن من می خورد، این چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

ازاله موی زاید توسط فرد دیگر

۵۳۳۱. قبل از زایمان به لحاظ بهداشتی لازم است موهای زاید زن زائو زایل گردد و چون خود توانایی چنین کاری را ندارد، این عمل توسط زن دیگری انجام می شود، آیا این عمل شرعاً اشکال دارد؟

ج. اگر مستلزم نظر یا لمس عورت او باشد، جایز نیست.

نشستن زن و مرد در تاکسی کنار هم

۵۳۳۲. در برخی شهرها، زنان مسافر به دلیل نبودن جا، در صندلی جلوی تاکسی و در کنار مردان به صورت فشرده می نشینند، از لحاظ شرعی این مسأله چه حکمی دارد؟

ج. تا ضرورت نباشد، جایز نیست.

آرایش و زینت

آرایش زن یا دختر

۵۳۳۳. آیا آرایش زن یا دختر اشکال دارد؟

ج. در مقابل نامحرم باید بپوشاند.

ملاک آرایش نامحرم

۵۳۳۴. آیا ملاک در حرمت آرایش، لذت بردن نامحرم است؟

ج. خیر، آرایش در برابر نامحرم جایز نیست، چه او لذت ببرد یا نبرد.

بیرون آمدن با آرایش

۵۳۳۵. حکم بیرون آمدن بانوان از خانه با آرایش چیست؟

ج. اگر در معرض دید نامحرم باشد، جایز نیست.

آرایش در حد کم

۵۳۳۶. آیا آرایش به مقدار خیلی کم، در حدّی که صورت انسان از بی حالی دربیاید، اشکال دارد؟

ج. در مقابل نامحرم اشکال دارد.

لنز رنگی چشم

۵۳۳۷. آیا استفاده از لنز رنگی، برای تغییر رنگ چشم جهت بانوان حکم زینت دارد که باید از نامحرم پوشانده شود؟

ج. اگر جلب نظر کند، باید پوشانده شود و صدق زینت، عرفی است.

جراحی پلاستیک صورت

۵۳۳۸. زنی که صورت خود را با جراحی پلاستیک زیبا ساخته است، آیا حکم زینت پیدا کرده و باید آن را از نامحرم بپوشاند؟

ج. اگر موجب توجه و تحریک نامحرم باشد، باید بپوشاند و ذکر شد که زینت بودن به صدق عرفی است.

خال کوبی

۵۳۳۹. آیا خال کوبی دست و صورت که در بعضی از زنان دیده می شود، زینت است و پوشاندن آن از نامحرم لازم است؟

ج. زینت بودن مربوط به صدق عرفی است، پس اگر عرف آن را زینت محسوب کند، پوشاندن آن از نامحرم لازم است.

مد موی مردانه

۵۳۴۰. برخی از مدهای مو جهت خواهران به مد موی مردانه مشهور است و به قدری کوتاه است که آنان را شبیه مردان می نماید، آیا این نحوه کوتاه کردن مو شرعاً اشکال دارد؟

و در صورت اشکال اگر شوهر این نحوه از مد را بپسندد، آیا زن می تواند از آن امتناع کند؟

ج. بله، تشبّه زن به مرد و بالعکس جایز نیست و در امر حرام نباید به حرف شوهر گوش کند.

ابروان اصلاح شده

۵۳۴۱. آیا ابروان اصلاح شده جزو آرایش محسوب می شود و باید از نامحرم پوشیده شود؟

ج. بله، باید بپوشاند.

حلقه ازدواج

۵۳۴۲. آیا حلقه ازدواج، در حکم زینت است و باید از دید نامحرم پنهان باشد؟

ج. بله، باید بپوشاند.

استفاده از ناخن مصنوعی

۵۳۴۳. استفاده از ناخن های مصنوعی چه حکمی دارد؟

و آیا جزو زینت حساب می شود؟

ج. اگر ناخن بلند باشد، زینت محسوب می شود.

گذاشتن ناخن بانوان

۵۳۴۴. آیا بلند گذاشتن ناخن برای زنان جایز است؟

و آیا این عمل زینت به شمار می آید و باید از نامحرم پوشیده شود؟

ج. بله، باید بپوشاند.

سرمه کشیدن

۵۳۴۵. آیا سرمه کشیدن زینت محسوب می شود و باید از نامحرم بپوشاند؟

ج. بله، باید بپوشاند.

حکم آرایشگاه ها

۵۳۴۶. در آرایشگاه های زنانه خط ابرو را ترمیم می کنند و بعضی از علما گفته اند این عمل حرام است.

نظر حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج. اگر برای نشان دادن به نامحرم نباشد، مانع ندارد و اللَّه العالم.

حنای دست

۵۳۴۷. حنای دست زن را اگر نامحرم ببیند و موجب ریبه نباشد، چه صورت دارد؟

ج. اگر زینت محسوب شود، جایز نیست و در غیر این صورت بنا بر احتیاط نگاه نکند.

انگشتر عقیق، عینک طبی زیبا و ...

۵۳۴۸. آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبّی زیبا برای زنان زینت به حساب می آید که پوشش آن لازم باشد؟

ج. اگر عرف آنها را زینت محسوب کند، پوشش آن لازم است.

بلند گذاشتن ناخن برای مرد

۵۳۴۹. آیا بلند گذاشتن ناخن برای مرد از زینت های اختصاصی بانوان محسوب شده و حرام است؟

ج. اگر عرفاً صدق تشبّه به زن کند، اشکال دارد.

وجه و کفّین

۵۳۵۰. چنان که زن با خود زینت داشته باشد، مانند اینکه حلقه ی ازدواج، انگشتری در دست یا چهره آراسته کرده باشد، آیا واجب است وجه و کفّین را بپوشاند؟

ج. هر موضع که عرفاً صدق زینت می کند، حکم خاص زینت را دارد و اگر صدق زینت ننماید، حکم مطلق وجه و کفین جاری است.

استفاده از عطر و ادکلن در مکان های عمومی

۵۳۵۱. استفاده از عطر و ادکلن - که به عنوان زینت سیّال است - در مکان های عمومی و در مواجهه با نامحرم، برای زنان و مردان چه حکمی دارد؟

ج. در مواقع غیر مناسب بهتر است ترک شود، ممکن هم هست گاهی موجب تمایلاتِ بد باشد و معرضیّت فتنه و فساد داشته

باشد که در این صورت جایز نیست.

عطر، ادکلن، کرم و ...

۵۳۵۲. آیا استعمال عطر و ادکلن ملایم برای خانم ها، در مجامع عمومی و در حضور نامحرم حرام است؟

آیا استفاده از کرم ها و یا ضد بوی بغل که دارای بوی ملایمی است، شامل حکم فوق می شود؟

ج. از هر چه سبب جلب توجه نامحرم شود، باید اجتناب شود.

۵۳۵۳. آیا نفس خوشبو و معطّر بودن که خود نوعی از زینت و آرایش محسوب می شود برای خانم ها، که معمولاً بوی آن را نامحرم احساس می کند، چه حکمی دارد؟

ج. در صورت تهییج و تحریک اشکال دارد.

استشمام عطر

۵۳۵۴. استشمام بوی عطر نامحرم [اعم از این که زن استشمام کننده باشد یا مرد]، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در معرض فتنه و فساد باشد، اشکال دارد

کلاه گیس

۵۳۵۵. آیا نگاه کردن مرد به کلاه گیس همسرش که از موی زن های نامحرم درست شده است، جایز است؟

ج. جایز نیست، بنا بر احوط.

بلند گذاشتن مو

۵۳۵۶. حد بلند گذاشتن مو برای مردان چه قدر است؟

آیا بلند گذاشتن مو تا روی شانه یا پشت کمر اشکال دارد؟

ج. اگر تشبّه به زن باشد، جایز نیست.

رنگ مو و اصلاح ابرو برای مردان

۵۳۵۷. استفاده از رنگ مو، اصلاح زنانه ی مو و برداشتن زیر ابروها برای مردها اشکال دارد؟

ج. اگر تشبّه به زن باشد، جایز نیست.

تزاحم ریش تراشی با کارهای انسان

۵۳۵۸. آیا جایز است تراشیدن ریش در صورتی که این عمل در کار انسان تأثیر داشته و استمرار و ادامه فعالیت و کار یا اصل قبول کار و یا امتیازات علمی و درسی مبتنی بر تراشیدن ریش باشد و یا مثلاً رتبه بالاتر را به کسی که ریش داشته باشد ندهند، در چنین وضعیتی و با لحاظ چنین شرایطی، آیا تراشیدن ریش جایز است یا نه؟

ج. تراشیدن ریش در صورت باقی ماندن مقداری از ریش بدون اشکال است، اما بدون باقی گذاشتن مقداری از ریش؛ تزاحم بین حرمت ریش تراشی و وجوب عملیست که متوقف بر ریش تراشی می باشد (همانند واجب کفایی که بر انسان متعیّن گردیده است) و در اینجا باید آنچه از نظر شرع مقدس مهم تر است را مقدم نمود.

استفاده از زیورآلات طلا برای پسربچه

۵۳۵۹. آیا استفاده از زیورآلات طلا برای پسر بچه حرام است یا خیر؟

ج. اگر بالغ نباشد جایز است.

ساعت، انگشتر و زنجیر طلا برای مرد

۵۳۶۰. آیا آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا یا ساعت مچی طلا برای مرد اشکال دارد؟

یا فقط در حال نماز اشکال دارد؟

ج. حرام است، چه در حال نماز و چه در غیر نماز.

وصل کردن موی زن به مرد

۵۳۶۱. در آرایشگاه از موی زنان به موی مردان وصل می کنند.

آیا نظر کردن به آن جایز است؟

هم چنین حکم نماز و عبادت چیست؟

ج. اصل این عمل و نگاه به آن مشکل است، هر چند که نماز با آن باطل نیست.

استفاده مرد از زینت های بانوان

۵۳۶۲. آیا زینت کردن مرد به چیزهایی که به بانوان اختصاص دارد، حرام است؟

ج. اگر گردن بند و انگشتر و ساعت و امثال آنها از طلا باشد، حرام است و اگر از طلا نباشد امّا از زینت هایی محسوب شود

که اختصاص به زنان داشته باشد نیز استفاده آن برای مرد حرام است.

استشمام بوی عطر نامحرم

۵۳۶۳. استشمام بوی عطری که زن های نامحرم استفاده می کنند، بدون قصد لذت و ریبه چه صورتی دارد؟

ج. جایز است، اگر چه احتیاط خوب است.

استشمام بوی طبیعی بدن زن

۵۳۶۴. استشمام بوی طبیعی بدن زن نامحرم یا بوی لباس های او برای مرد نامحرم اشکال دارد؟

ج. اگر بدون قصد لذت و ریبه باشد، جایز است.

فیلم و عکس

فیلم با بازیگری زن

۵۳۶۵. آیا نگاه کردن بدون قصد شهوت به فیلم هایی که زنان در آن بازی می کنند، جایز است؟

ج. دیدن نامحرم از طریق تلویزیون، ماهواره، ویدیو، اینترنت و ... و شنیدن صدای آنها که مقرون به فساد و ریبه است، اشکال دارد و بعض اقسام آن حرام یقینی است؛ مگر در تصاویر زنان کافر که امر در آن خفیف تر است.

نگاه به فیلم سکس

۵۳۶۶. آیا دیدن فیلم سکس که بدن زنان هرزه عریان است، جایز است یا خیر؟

ج. چون موجب تهییج شهوت می شود، جایز نیست.

نگاه به فیلم های ورزشی

۵۳۶۷. حکم نگاه کردن به فیلم مسابقات ورزشی چون فوتبال، کشتی، والیبال و ... که اندام مردان آشکار و مشخّص است چیست؟

ج. چون غالباً خالی از مفسده نیست، اشکال دارد.

نگاه به زن نامحرم از تلویزیون با پخش زنده

۵۳۶۸. نگاه مرد نامحرم به زن نامحرم از طریق تلویزیون به صورت پخش مستقیم و غیر مستقیم، چه حکمی دارد؟

ج. چون معرضیت برای فساد دارد، اشکال دارد.

۵۳۶۹. دیدن تصویر بدن مردان نامحرم از تلویزیون چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

دیدن فیلم های خارجی

۵۳۷۰. آیا دیدن فیلم های خارجی که حجاب ندارند، برای جوانان مؤمن اشکال دارد و مانع تهذیب نفس است؟

ج. بله.

تماشای فیلم مبتذل در ماه رمضان

۵۳۷۱. دیدن فیلم های سکسی در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج. مطلقاً حرام است و در ماه رمضان اگر سبب انزال منی شود، افطار به حرام به شمار می آید.

میکس فیلم های نامحرم

۵۳۷۲. آیا میکس فیلم های نامحرم، جایز است؟

ج. خیر.

نگاه کردن به تصاویر نامحرم

۵۳۷۳. نگاه کردن به تصاویر بانوان – اعم از تلویزیون، روزنامه و غیره – چه صورت دارد؟

ج. اگر خالی از تهییج شهوت به محرّمات باشد و خالی از تشبیب باشد (که اوصاف زنان نامحرمی را که می شناسد، یاد بگیرد)، مانعی ندارد.

نشان دادن زنان بدحجاب در فیلم

۵۳۷۴. آیا نشان دادن زنان بدحجاب یا بی حجاب به عنوان مظهر فساد رژیم سابق، حتّی با استفاده از موی مصنوعی و کلاه گیس و استفاده از چهره پردازان در فیلم های سینمایی، تلویزیونی و نمایش های روی صحنه مجاز است؟

ج. چون مقرون به فساد و ریبه است، اشکال دارد.

نگاه به فیلم های مستهجن به اقتضای شغل و حرفه

۵۳۷۵. برخی از حرفه ها هم چون کارگردانی، نقد فیلم، کنترل سایت ها و کنترل فیلم های وارداتی و ... مستلزم دیدن فیلم های مستهجن است - که مشتمل اعمال خلاف اخلاق است، در صورتی که خوف ریبه و وقوع در فساد برای چنین کسانی نباشد، دیدن این گونه فیلم ها و درآمد حاصل از چنین شغل هایی چه حکمی دارد؟

ج. از حیث حکم و شرط آن تفاوتی با دیگران ندارند و حرمت درآمد در صورتیست که مزد در قبال کار حرام باشد، نه این که هم زمان با کار عقلایی حلال، نظر به ریبه هم مثلاً بنماید که موجب حرام بودن مزد نمی شود.

۵۳۷۶. نظر به بخش های مستهجن و وقیح فیلم ها برای کسی که آنها را سانسور و اصلاح می کند، چه حکمی دارد؟

ج. سانسور کردن ضرورت نیست، چون می توانند اصلاً آن را پخش نکنند.

کارهای ضد ارزشی در فیلم جهت انتقال مفاهیم ارزشی

۵۳۷۷. در بسیاری از از فیلم ها برای ارایه ابعاد منفی و ضد ارزشی کارهای زشت لازم است که برخی از آنها در فیلم اجرا شده و مثلاً زنی با موهای نیمه برهنه در فیلم بازی کند تا در طول فیلم زشتی و قباحت آن به بینندگان منتقل گردد، آیا اجرای چنین برنامه هایی شرعاً اشکال دارد؟

ج. حرام است و چنین فیلم هایی می تواند همراه با ارایه ی مؤثّر، جهت نفی - همان گونه که قصد سازندگان آن است - نباشد و یا بیننده به جهات مختلف، تنها همان بُعد منفی را تلقّی کند.

نگاه به فیلم زنان بدحجاب

۵۳۷۸. با توجه به این مطلب که در حال حاضر بسیاری از فیلم هایی که در کشورمان تولید می شود، زنان با بلوز و شلوار ظاهر می شوند، در حالی که در بسیاری از موارد گردن و گوش های آنها نیز پوشش ندارد، حکم نگاه کردن به این فیلم ها چه می باشد؟

ج. به نحوی که در نظایر آن ذکر شد، جایز نیست.

دیدن فیلم حیوانات

۵۳۷۹. دیدن فیلم های مستند که در آن جماع و یا بازی های جنسی حیوانات به نمایش گذاشته می شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر خوف وقوع در حرام باشد، اشکال دارد.

بازی در فیلم در کنار نامحرم

۵۳۸۰. نقش بازی کردن دختران و زنان در فیلم های تلویزیونی و سینمایی در کنار مردان نامحرم به عنوان همسر صوری آنان چگونه است؟

آیـا در هنگـام اجرای نقش مجـاز به خنـده و گفتگوی صـمیمانه با مردی که به طور صوری نقش همسـر آنها را بازی می کند هستند؟

ج. جایز نیست.

بازیگری، با نیّت انتقال ارزش ها

۵۳۸۱. یکی از بالاترین فوایـد بازیگری اینست که بهتر می توان مطالب و نکات حتی در زمینه دینی و زنـدگی ائمه را به مردم فهماند، آیا با این نیّت جایز است؟

ج. اگر به هیچ نوع حرامی در مقدمات و در نتایج منتهی نشود، جایز است.

شغل فیلمبرداری از مجالس

۵۳۸۲. فیلمبرداری و عکس گرفتن توسط زن یا مردی که شغل او می باشد از مجالس جشن و عروسی که حجاب رعایت نمی شود، چه صورتی دارد؟

ج. جایز نیست.

ظهور عکس توسط نامحرم

۵۳۸۳. آیا ظاهر کردن عکس های خانوادگی توسط مرد نامحرم جایز است؟

ج. اگر در حکم تشبیب «۱» نباشد، جایز است.

۵۳۸۴. عکس گرفتن بدون حجاب که ظاهرکننده آن آقا است، چگونه است؟

ج. احتیاط در این موارد آن است که عکس زن را زن بگیرد و ظاهر کند.

---

(۱). آگاهی یافتن از ویژگی زنان نامحرمی که مرد آنان را می شناسد، تشبیب نامیده می شود.

تماشای عکس کودکی بانوان نامحرمی که آشنایند

۵۳۸۵. دیدن عکس کودکی بانوانی که نامحرم هستند و آنها را می شناسیم، مجاز است؟

ج. اگر خوف مفسده نباشد، ظاهراً جایز است.

نشان دادن عکس دختر نامحرم برای ازدواج

۵۳۸۶. آیا نشان دادن عکس دختر نامحرم به افراد درجه اوّل خانواده که قصد امر خیر دارند، جایز است؟

ج. اگر عرفاً صدق تشبیب همراه با شناختن او باشد، جایز نیست.

خرید و نگاه کردن به تصاویر مینیاتوری

۵۳۸۷. نگاه کردن به تصاویر مینیاتوری و خرید آنها از بازار، چه حکمی دارد؟

ج. اگر معرضیّت برای مفسده باشد، اشکال دارد.

نگاه زن به عکس مرد نامحرم

۵۳۸۸. نگاه زن به عکس معمولی نامحرم چه حکمی دارد؟

ج. بدون قصد لذت و ریبه جایز است.

گرفتن عکس دسته جمعی

۵۳۸۹. آیا گرفتن عکس دسته جمعی به همراه خواهران دانشجو جایز است؟

ج. اشکال دارد.

عکّاسی

۵۳۹۰. شغل حقیر عکّاسی می باشد و خانم هایی برای گرفتن عکس مراجعه می کنند.

آیا هنگام گرفتن عکس می توانم از روی چادر، مقنعه یا روسری آنها با دستم سر خانم ها را به این طرف و آن طرف برگردانم تا عکس آنها را با حالت بگیرم؟ آیا شرعاً مجاز است؟

ج. لمس از روی لباس و ... اگر در معرضیّت فتنه و فساد باشد، جایز نیست.

عکّاسی و عکس گرفتن

۵۳۹۱. عکس گرفتن زن نزد عکّاس نامحرم و یا ظاهر کردن عکس توسّط نامحرم چه حکمی دارد؟

ج. اگر در عکس گرفتن فقط به صورت نگاه کند، خلاف احتیاط است و ظاهر کردن عکس اگر ناشناس باشد و از روی تلذّذ و ریبه نباشد جایز است؛ اگر چه آن هم خلاف احتیاط است.

نگاه به عکس

۵۳۹۲. نگاه کردن به عکس زن نامحرم اگر آشنا باشد و یا غریبه نباشد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر ناشناس نباشد، اشکال دارد.

نگاه به عکس های زن طلاق داده شده

۵۳۹۳. آیا مرد می تواند به عکس هایی که در دوران زندگی مشترک بدون پوشش از همسر طلاق داده شده اش گرفته نگاه کند؟

ج. بعد از طلاق حکم سایر نامحرم ها را دارد که با معرضیّت معیّت یا تعقّب به حرام، نگاه به عکس آنها جایز نیست و حیثیت تشبیب برای حرمت در اینجا ضعیف است.

احکام انواع معاشرت ها

استفاده از وسایل همدیگر

۵۳۹۴. استفاده دو دانشجوی هم خوابگاهی، از وسایل همدیگر چه حکمی دارد؟

ج. با رضایت همدیگر مانعی ندارد.

خوابیدن دو هم جنس کنار هم

۵۳۹۵. آیا دو خواهر یا دو برادر (هم اتاقی) اگر سرهایشان را موقع خواب روی یک بالش بگذارند، اشکال شرعی دارد؟

ج. احتیاط در ترک آن خوب است هر چند مفسده ای نداشته باشد و با مفسده، جایز نیست.

ارتباط با صوفیه

۵۳۹۶. ارتباط با فرقه های صوفیه چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

معاشرت با شش امامی ها

۵۳۹۷. معاشرت با فرقه شش امامی چه حکمی دارد؟

ج. با احتمال و خوف (ترس) گمراهی، جایز نیست.

وظیفه در قبال عدم رعایت حجاب در دانشگاه

۵۳۹۸. بـا توجه به عـدم رعـایت حجـاب توسـط برخی از خواهران، وظیفه مـا در کلاـس هـا و رفت و آمـد در محیط دانشـگاه چیست؟

ج. اگر تحفّظ (خود نگهداری) ممکن نیست و معرضیت حتمی برای وقوع در حرام دارد، درس خواندن با اختلاط دختر و پسر جایز نیست.

معاشرت با فرد لاابالی

۵۳۹۹. سلام کردن و دست دادن به شخصی که از نجاست پرهیز نمی کند، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

۵۴۰۰. حکم معاشرت با افرادی که به احکام اسلامی اهمیت نمی دهند و روش برخورد با آنها چیست؟

ج. با احتمال تأثیر، باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و اگر تأثیر نکرد، با آنها معاشرت نکند.

ارتکاب محرمات توسط هم اتاقی ها

۵۴۰۱. وظیفه دانشجو در برابر هم اتاق هایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست؟

ج. باید آنها را منع کند و اگر از اعمال خود دست برنداشتند، نباید در یک اتاق با آنها زندگی کند.

معاشرت با ارمنی ها

۵۴۰۲. رفت و آمد و معاشرت با دانشجویان ارمنی در خوابگاه و پاکی و نجاست آنها از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. حکم معاشرت با سایر کفّار را دارند و محکوم به نجاستند.

خویشاوندانی که اهل گناهند

۵۴۰۳. آیـا قطع رابطه بـا خویشاونـدان و اقوامی که اهـل غیبت و افترا زدن به مردم هسـتند و نهی از منکر در آنهـا تأثیر نـدارد، جایز است؟

ج. اگر رَحِم هستند، به طور کلّی با آنها قطع نکنند هر چند با سلام رساندن به آنها.

معاشرت با بی نمازها

۵۴۰۴. رفت و آمد و معاشرت با افرادی که نماز نمی خوانند ولی به خدا معتقد هستند، چه حکمی دارد؟

ج. حتی الامکان آنها را نمازخوان کنید.

کمک مالی به بی نماز

۵۴۰۵. کمک مالی به کسی که نمی دانیم نماز می خواند یا خیر، چه حکمی دارد؟

اگر بدانیم نماز نمی خواند چطور؟

ج. اگر مسلمان باشند، برای ضروریات زندگی جایز است و امر به معروف آنها هم لازم است.

معاشرت با کسی که اهل خمس نیست

۵۴۰۶. معاشرت با غیر اهل خمس و قبول هدیه و خوردن غذای آنان چه حکمی دارد؟

ج. معاشرتی که همراه با امر به معروف باشد، مانعی ندارد و در استفاده از اموالشان به مسأله ی ۱۴۰۸ رساله رجوع شود.

معاشرت با اهل معصیت

۵۴۰۷. معاشرت با دوستانی که مذهبی نیستند و به نماز اهمیت نمی دهند و اهل نوار، موسیقی، پاسور و قمار هستند، اما در معاشرت آدم های خوبی هستند، چه صورتی دارد؟

ج. اگر ارشاد و نصیحت آنها اثر ندارد، با آنها معاشرت نکنید تا آنها در شما تأثیر نگذارند.

ارتباط با دختران در فعالیت های فرهنگی

۵۴۰۸. در کارهای فرهنگی تا چه اندازه می توان با دختران، ارتباط شرعی داشت؟

ج. در کار فرهنگی که همراه با آنها باشید، اصلاً جایز نیست.

محافل صوفیه

۵۴۰۹. شرکت مؤمنین در محافل و مجالس صوفیه و انجام و اذکار آنها و نیز حضور در خانقاه های آنان چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

احکام طلاق

وکالت زوجه در طلاق خودش

۵۴۱۰. هرگاه زوجه از طرف زوج وکالت در مطلّقه کردن خود داشته باشد، در مورد صیغه طلاق باید چه بگوید؟

ج. بگوید – زوجهُ مُوَکِّلی طالق – و مقصود، خودش باشد.

میزان عدالت در شاهد طلاق

۵۴۱۱. در عدالت عادل هایی که شاهِد طلاق می شوند، آیا حسن ظاهر کافیست یا احراز عدالت واقعی لازم است؟

ج. حکم عدالت در آن همانند عدالت در باب نماز جماعت است.

آشکار شدن عدم عدالت شهود

۵۴۱۲. پس از طلاق معلوم می شود که دو شاهد، هنگام طلاق فاسق بوده اند، طلاق چه صورتی دارد؟

ج. آن طلاق باطل است؛ زیرا عدالت واقعی آنها شرط است و احراز عدالت به تنهایی کافی نیست.

طلاق در حال حیض و ازدواج بعد از آن

۵۴۱۳. چند سال قبل با کسی ازدواج کردم و بعد از مدّتی در حال حیض، طلاق گرفتم. بعد از گذشت عدّه، چون نمی دانستم طلاق در حال حیض صحیح نیست، دو مرتبه ازدواج کردم و فعلاًـ یک بچّه دارم. لطفاً مرا راهنمایی کنید و حکم شرعی را بیان بفرمایید؟

ج. طلاق در حال حیض صحیح نیست، مگر در سه صورت که در مسأله ی ۱۹۹۳ رساله بیان شده و در فرض بطلان، در زوجیت شوهر اوّل هستید و باید از دوّمی جدا شوید و بچّه، احکام حلال زاده را دارد.

شرط اختیار طلاق ضمن عقد

۵۴۱۴. در صورتی که زوج ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگر، زوجه ی خود را در طلاق وکیل کند، آیا این وکالت قابل عزل می باشد یا خیر؟

ج. اگر به نحو شرط نتیجه بوده، قابل عزل نیست و اگر شرط فعل بوده، احکام وکالت در آن جاری است.

زمان طهر خانمی که رحم ندارد

۵۴۱۵. خانمی که جراحی کرده و رحمش را خارج کرده اند، عادت ماهانه ندارد و خونی هم نمی بیند، بفرمایید، زمان طهر غیر مواقعه ی او جهت اجرای صیغه طلاق چگونه است؟

ج. باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی با او خود داری نماید و بعد او را طلاق دهد. (مسأله ۲۰۰۰ رساله)

طلاق حامل

۵۴۱۶. آیا در طلاق حامل، لازم است آثار حمل ظاهر شده باشد، یا علم به حمل کفایت می کند، اگر چه آثار حمل ظاهر نشده باشد؟

ج. علم به حمل کفایت می کند.

مردی که به تعهّدات خود عمل نمی کند

۵۴۱۷. حکم مردی که به تعهّدات خویش در رابطه با همسرش عمل نمی کند و حاضر به طلاق او نیز نمی باشد، چیست؟

ج. امر طلاق به دست زوج است؛ مگر اختیار طلاق وکالتاً ضمن عقد به زوجه منتقل شده باشد، در غیر این صورت برای الزام مرد به انجام تعهّدات، می تواند به حاکم شرع صالح مراجعه کند.

شرط اختیار طلاق در صورت ازدواج مجدّد

۵۴۱۸. اگر زنی شرط کرده باشد در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در طلاق داشته باشد، آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دوّمی اختیار کند، بازهم همسر اوّل وکیل در طلاق است؟

ج. اگر آن شرط در صورت عدم ناسازگاری زن بوده، در اینجا در طلاق وکالت ندارد.

نحوه ی اثبات ادّعای طلاق توسّط زوج

۵۴۱۹. آیا طلاق به مجرّد ادّعای شوهر و این که بگوید:

من او را مطلّقه نموده ام، ثابت می شود، به گونه ای که زن حق ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا این که باید با شهادت دو عادل باشد؟

ج. آن چه به اقرار بر علیه زوج است، ثابت است و در امور دیگر، عدم زوجیّت ثابت نیست و اما خود زن با اطمینان به راستگویی و صدق شوهر، احکام طلاق را اجرا می کند و شهادت دو عادل شرط نیست.

اختلاف زن و مرد در طلاق

۵۴۲۰. مرد و زن در وقوع طلاق اختلاف دارند؛ مرد مدّعی وقوع طلاق و زن منکر آن است.

قول کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. اگر انکار زوجه به عدم آگاهی وی از طلاق - به تنهایی - بازنگردد، قول او با قَسَم مُقَدَّم است.

مردی که زن خود را اذیت می کند و نفقه نمی دهد

۵۴۲۱. مردی عیال خود را اذیّت می کند و نفقه نمی دهد و از طلاق او نیز خود داری می کند.

آیا آن زن می تواند شوهر دیگر اختیار کند؟

ج. نمی تواند.

اختیار طلاق در دست زوج است

۵۴۲۲. این جانب سردفتر می باشم، خانمی مراجعه کرده که با بخشیدن مهریه ی خود و نفقه در ایّام عده، طلاق می خواهد. توضیح آن که خانم از دیوان عالی کشور حکم طلاق دارد، امّا شوهر وی به هیچ وجه رضایت نمی دهد. آیا طلاق دادن زن شرعاً جایز است؟

ج. خیر، بلکه باید شوهر به طلاق راضی شود.

میزان مدخوله بودن زن در طلاق

۵۴۲۳. با دختر باکره ای ازدواج کرده و دخول - به اندازه ای که موجب غسل است - شده، ولی بکارت برداشته نشده و باقیست و سپس زن را طلاق داده ام. آیا در طلاق دادن حکم مدخوله را دارد یا نه؟

ج. حکم مدخوله را دارد.

۵۴۲۴. آیا دخول در دُبُر موجب می شود که طلاق بعد از دخول باشد، یا دخول در قُبُل لازم است؟

ج. بله، طلاق مدخول بها محسوب می شود.

طلاق قبل از غسل

۵۴۲۵. هرگاه طلاق پس از انقطاع خون و قبل از غسل واقع شود، آیا صحیح است؟

ج. صحیح است.

عده ی زنانی که بچه دار نمی شوند

۵۴۲۶. عده نگه داشتن برای زنی که عقیم است، یا به واسطه ی دارو بچه دار نمی شود و یا رحم خود را درآورده است، لازم است؟

ج. بله، لازم است.

نفقه ی زن مطلقه

۵۴۲۷. پس از طلاق، نفقه ی زن مطلقه بر عهده کیست؟

آیا پدر و مادر در مورد او وظیفه ای دارند؟

ج. اگر زن فقیر باشد و پدر و مادرش تمکن مالی داشته باشند، واجب النفقه ی آنها است.

عنوان طلاق حاکم شرع

۵۴۲۸. طلاق حاکم شرع، آیا رجعیست یا بائن؟

ج. به هر نوعی که طلاق داده، به همان نوع می باشد.

طلاق زن بدون عادت

۵۴۲۹. طلاق زنی که به وسیله ی قرص جلوگیری از حاملگی عادت نمی شود، چه وقت است؟

ج. به مسأله ی ۲۰۰۰ رساله رجوع شود.

طلاق به علت بی نمازی زن

۵۴۳۰. زنم نماز نمی خواند و دارای هفت فرزند هستیم، آیا می توانم به این جهت او را طلاق بدهم؟

ج. می توانید او را طلاق دهید، ولی بهتر است به هر راه ممکن او را نمازخوان کنید.

سه طلاقه کردن زن در یک مجلس

۵۴۳۱. در صورتی که همسر زنی سنّی باشد، آیا مرد می تواند در یک مجلس زنش را سه طلاقه کند؟

ج. خیر، نمی تواند و با قاعده ی الزام منافات ندارد.

طلاق خلعی

۵۴۳۲. اگر زن مبلغی را برای رضایت شوهر به طلاق بدهد، آیا مرد در انجام یا عدم انجام طلاق اختیار دارد یا لازم است او را طلاق دهد؟

ج. خیر، مرد اختیار دارد.

استمتاع از زن در ایام طلاق رجعی

۵۴۳۳. کسی که همسرش در عده ی طلاق رجعی است، می تواند به او نگاه شهوت آلود داشته باشد؟ و استمتاعاتی که در

این ایام برای او جایز است چه مقدار است؟

ج. هیچ نگاه و استمتاعی برای او جایز نیست؛ مگر این که با آن استمتاع رجوع عملی از طلاق بکند.

طلاق در ایام عادت

۵۴۳۴. اگر زن پس از طلاق متوجه شود که او در حال عادت بوده، آیا طلاق صحیح است؟

ج. خیر، باطل است، مگر از سه مورد مذکور در مسأله ی ۱۹۹۳ رساله باشد.

طلاق زن حامله

۵۴۳۵. آیا طلاق زن حامله در حال عادت زنانگی صحیح است؟

ج. بله، صحیح است.

طلاق سوّم بعد از عقد انقطاعی دیگری

۵۴۳۶. زنی دو طلاق داده شـده و سـپس به عقد موقت دیگری در می آید و سـپس با شوهر اوّلی ازدواج می کند و مطلّقه می شود. آیا این طلاق سوّم است؟

یا ازدواج موقّت اثر دو طلاق اوّلی را مانند عقد دائم از بین می برد؟

ج. اثر دو طلاق اوّل را از بین نمی برد.

جستجو از شوهر مفقود الاثر

۵۴۳۷. برای جستجو از شوهر مفقود الاثر، آیا اعلان در جراید و وسایل ارتباط جمعی - مثل رادیو - کفایت می کند؟

ج. جستجو، شأن حاکم شرع است.

عسر و حرج زن در زمان غیبت همسر

۵۴۳۸. آیا عسـر و حرج زن بر اثر غیبت همسـر، باعث جواز طلاق برای حاکم می شود؟ به ویژه اگر غیبت به وسـیله ی رفتن و فرار کردن خود زوج باشد، یا موردی که نفقه دهنده ای نیست که نفقه ی زوجه را بدهد؟

ج. در مدّت فحص و جستجو، حاکم بر زوجه انفاق می کند توسّط ولی از مال زوج یا متبرّع دیگری یا از بیت المال.

تقاضای طلاق به علت وطی در دبر

۵۴۳۹. در محاکم قضایی، زوجه به جهت وطی در دُبُر و نارضایتی وی، دادخواست طلاق غیابی و یا حضوری شوهر داده است، در حالی که شوهر به طلاق راضی نیست. آیا عنوان مذکور مجوّز طلاق می باشد؟ و در صورت صدور طلاق توسّط قاضی، آیا زوجه می تواند ازدواج مجدّد کند؟

ج. طلاق به دست زوج است و نفس عنوان مذکور مجوّز مبادرت قاضی به حکم طلاق نخواهد شد و با فرض فوق، ازدواج مجدّد جایز نیست.

شرط ندیدن بچّه توسّط زوجه ضمن طلاق

۵۴۴۰. اگر در ضمن اجرای طلاق خلع، علاوه بر بذل مهر با زن شرط شده است که وی حق ملاقات با فرزندش را نداشته باشد، چون موجب ناراحتی و اضطراب طفل می شود و نگهداری آن برای زوج مشکل می شود و زوجه هم قبول نموده است.

حال اگر زوجه از این شرط تخلّف کند و بخواهد با فرزندش ملاقات کند، آیا این هم مثل رجوع مهر محسوب می شود که موجب تبدّل طلاق خلع به رجعیست یا خیر؟

ج. در صورتی که زوجه حق حضانت داشته باشد، شرط صحیح نیست و در هر صورت، موجب بطلان و تبدل خلع نیست.

امر پدر و مادر به طلاق همسر

۵۴۴۱. اگر پدر یا مادر به فرزند بگویند زنت را طلاق بده، آیا باید اطاعت امر ایشان کرد یا خیر؟

ج. خیر.

عدّه طلاق زنی که خون نمی بیند

۵۴۴۲. هرگاه زنی به خاطر شیر دادن بچّه عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

ج. باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی با او خود داری نماید و بعد او را طلاق دهد.

استحقاق نصف مهر برای زوجه غیر مدخوله

۵۴۴۳. بخشی از مهریه زوجه ای، دو دانگ از خانه مسکونی که زوج بعداً خواهد خرید قرار داده شده است، (به شرط خرید خانه). اکنون زوج پیش از خرید خانه و پیش از دخول، قصد طلاق دارد و آن دو دانگ را به شش میلیون تومان تعیین کرده اند.

آیا زوجه مستحق چه مقدار ش می باشد؟

ج. زوجه نصف آن را حق دارد.

کشف عدم یائسگی پس از چند مرتبه ازدواج موقت

۵۴۴۴. زنی به یـائسه بودن خود علم داشـته و چنـد مرتبه بـدون گرفتن عـدّه، ازدواج موقّت نموده است و بعـد حـامله شـده که کاشف از عدم یأس است و در لحوق این ولد به این ازدواج مردّد گشته که شاید هم برای شوهر اوّل باشد.

حکم وطی هایی که انجام شده چیست و ولد ملحق به کدام است؟

ج. این وطی ها، به شبهه بوده و ظاهراً ولد ملحق به آن است که صاحب عدّه ی فعلیه بوده، بنا بر این که عدّه وطی به شبهه هم فراش است.

(مستفاد از جامع المسائل، ج ۳، صفحه ۵۳۵.)

اگر عدم طلاق زوج موجب عسر و حرج باشد

۵۴۴۵. زنی با شوهرش اختلاف دارد و با هم متارکه کرده اند.

شوهر اصـلاً طلاـق نمی دهـد و زن در عسـر و حرج به سـر می برد، آیا زن می توانـد خودش به طلاق اقـدام نمایـد؟ تکلیفش چیست؟

ج. زن نمی توانـد خودش طلاق بگیرد و تا امکان دارد به حد میسور و مقدور با هم سازش کنند، هر چند به نحو ارتباط جزیی باشـد، به اینکه حتّی الإمکـان واسـطه ای نزد زوج ببرنـد تـا او را حاضـر به طلاق یا زنـدگی کننـد و لو به اینکه زن در خانه ی دیگری باشد و گاهی به او سر بزنند. خلاصه زن به این صورت صبر کند تا شاید فرجی برایش حاصل شود.

وکالت بلاعزل زوجه در طلاق در صورت تخلف مرد از شرایط عقدنامه

۵۴۴۶. در ضـمن عقـد ازدواج، زوج به زوجه وکالت بلاعزل برای طلاق در صورت تخلّف از شـرایط منـدرج در عقـدنامه می دهد. آیا زوج در فرض مذکور حق فسخ و رجوع از این وکالت را دارد؟

ج. حق فسـخ و رجوع نداشـتن زوج از این وکالت، خالی از اشـکال نیست؛ زیرا بلاعزل بودن وکالت، خلاف مقتضای وکالت است و وکیل قابل عزل است.

زیرا معنای بلاعزل، اصالت است و قوام وکالت به عدم اصالت است؛ مگر اینکه شرط نتیجه کند.

یعنی شرط کند که زن وکیل باشد که قابل عزل نمی باشد.

طلاقِ باطلِ زن مسیحی و ازدواج موقت با مرد مسلمان

۵۴۴۷. مسـیحیان طبق ضوابط و دسـتورات شـرع خودشان، بایـد در کلیسا ازدواج یا طلاق را انجام دهنـد. زنی به حکم دادگاه

آنها، در دادگاه طلاق داده شده است که در شرع مسیحیّت این طلاق باطل است.

آیا در این صورت، مرد مسلمان می تواند با چنین زنی ازدواج موقت کند؟

ج. در فرض مرقوم، مسلمان نمی تواند با آن زن عقد موقّت انجام دهد.

اختلاف زن و مرد در صحّت طلاق

۵۴۴۸. زنی سال ها پس از طلاق، ادّعا می کند طلاق در حال حیض واقع شده، لذا باطل بوده است، امّا مرد مدّعی صحّت طلاق است، قول کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. مدّعی صحّت مقدم است، مگر بیّنه بر خلاف بیاورد؛ هر چند وظیفه ی زن اینست که طبق علم خود عمل کند.

بطلان طلاق در زمان عادت

۵۴۴۹. در سال ۱۳۶۰ از زوجه ام جدا شدم، در حالی که از وی دو فرزند پسر داشتم. در سال ۱۳۶۲ مجدداً ازدواج کردم و اکنون دارای دو فرزند می باشم. در سال ۱۳۶۳ همسر سابقم ازدواج کرد، مدتی بعد صاحب فرزند شد، در زمانی که بچه دوّم را آبستن بود، فهمید در زمان طلاق در عادت به سر می برده است.

وی و همسرش به این نتیجه رسیدند که بچه باید سقط شود و آنها از هم جدا شوند که این عمل صورت گرفت. بفرمایید:

۱) نسبت من با همسر سابقم چیست؟

آیا محرم می باشیم؟

۲) آیا ما می توانیم بدون خواندن صیغه مجدّد با هم زندگی کنیم و زناشویی داشته باشیم؟

۳) حکم اولاد متولد شده از همسر دوّم چیست؟

ج. زوجه به همسری زوج اوّل باقیست و نیاز به عقد جدید ندارد.

اولاد از همسر دوّم، اولاد شبهه و ملحق به والدین است و سقط هم حرام است و این در صورتیست که طلاق شخص غایب نبوده باشد و الا در مسأله ی ۱۹۹۳ رساله و بعد آن بیان شده است.

وقوع طلاق در طهر مواقعه

۵۴۵۰. کسی صیغه طلاق را به وکالت از زوج اجرا کرده و پس از آن زن اعلام نموده که طلاق در طهر مواقعه واقع شده و مجری صیغه دوباره آن را در طهر دیگری بخواند، آیا طلاق دوّم صحیح است؟

ج. طلاق دوّمی صحیح است و نیازی به وکالت مجدّد از زوج ندارد و عدّه را باید از طلاق دوم شروع کند.

زنده شدن زوج و مسأله ی رجوع وی

۵۴۵۱. در صورتی که میّت به طور غیر طبیعی زنده شود - مثلاً با دعا یا تصرّف ولایی یا رجعت - یا مواردی که زن باید در عدّه ی وفات باشد - مانند مرتد شدن زوج یا طلاق حاکم در زوج مفقود الاثر - بعد از رفع مانع (توبه و رجوع از ارتداد، عودت زوج مفقود الاثر)، حکم رجوع زوج را شرعاً بیان نمایید. آیا فرقی بین موارد فوق هست؟

ج. بعد از تحقّق موت، همسرش نیست تا به رجوع حلال شود و در صورت دوّم (ارتداد) هم حق رجوع ندارد و در صورت سوم (مفقود شدن شوهر) اگر شوهر در عدّه آمد، حق رجوع دارد و اگر بعد از انقضای عدّه آمد، حقّی ندارد؛ اگر چه هنوز شوهر اختیار نکرده باشد و اللّٰه العالم.

اختلاف زن و مرد در اصل طلاق

۵۴۵۲. اگر زوج مدّعی طلاق و زوجه منکر باشد و بیّنه و شهود هم نباشند، قول کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. قول زوجه با یمین او مقدم است.

شیربها و باز پس گیری آن

۵۴۵۳. حکم شیربهایی که هنگام عقد ازدواج به پدر زوجه، طبق رسومات محلّی جهت تهیّه جهیزیه داده می شود، در صورت طلاق چیست؟

آیا زوج می تواند آن را باز پس گیرد؟

ج. احکام هبه را دارد؛ لذا اگر پول را در جهیزیه صرف کرده و شرطی هم نشده و یا متعارف نبوده، مرد حق ندارد آن را مطالبه کند.

بطلان طلاق خلعِ مشروط به شرط باطل

۵۴۵۴. اگر در طلاق خلع، زوج با مجری صیغه شرط کند که در صورتی طلاق خلع می دهم که زن به هیچ وجه فرزندش را نبیند و طلاق هم واقع شده و زن از این شرط خبر نداشته باشد، آیا شرط مذکور و طلاقی که مشروط به این شرط شده است، صحیح است؟

ج. این شرط و طلاق خلعِ مشروط به این شرط، باطل است.

مانند اینست که عوض در خلع چیز حرامی مانند خمر باشد؛ ولی در بطلان اصل طلاق، تأمّل است.

تقاضای نصف مهر پس از بخشش به شوهر

۵۴۵۵. اگر زوجه در عوض طلاق، تمام مهریه خود را ببخشد یا ابرا کند و زوج وی را پیش از دخول طلاق بدهد، آیا زن می تواند نصف مهر را به زوج رجوع کند؟

ج. محل تأمل است و احتیاط در اینست که زن نصف مهر را به زوج برگرداند، ولی احتمال اقرب، تأثیر جامع یا مجموع خلع و طلاق قبل از دخول در أحد النّصفین است، مثل تأثیر خلع در نصف دیگر به تنهایی. (مستفاد از جامع المسائل، ج ۳، ص ۵۰۷.)

تقاضای بازگرداندن خدمات انجام داده توسط مرد

۵۴۵۶. آیا مرد می تواند هنگام طلاق، یا غیر طلاق تقاضای بازگرداندن مال یا خدماتی را که خارج از وظیفه لازم خویش انجام داده بنماید؟

ج. خیر، نمی تواند مگر مالی به او بخشیده باشد و باقی باشد که رجوع در هبه ی به زوجه جایز است، گرچه خلاف احتیاط است.

رضایت به طلاق در برابر پول

۵۴۵۷. آیا مرد می تواند در مقابل درخواست طلاق زن، مبلغی را از او بگیرد و به طلاق رضایت دهد؟

ج. طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به شوهر می بخشد تا طلاقش دهد، خلع می گویند و اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن طلاق را مبارات گویند.

عدّه ی طلاق

عقد موقت زن در عدّه خلع توسط زوج

۵۴۵۸. کسی که زنش را طلاق خلع داده است، آیا می تواند در عدّه اش او را برای خود صیغه موقّت کند؟

ج. آری، می تواند.

عدّه ی زانیه

۵۴۵۹. زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج می کند.

آیا احتیاج به عدّه دارد؟

و اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد، آیا عدّه دارد؟

و در صورتی که عدّه دارد، آیا عدّه ی او ابعد الأجلین است یا عدّه ی اقراء؟

ج. زانیه عـدّه ای از زنا نـدارد و اگر شوهرش او را بعد از دخول طلاق دهد، عدّه ی او مثل عدّه ی غیر حامل است که سه طهر یا سه ماه باشد.

(جامع المسائل، ج ۳، ص ۵۸۹.)

حصول عدّه ی حامل در سقط جنین عمدی

۵۴۶۰. در طلاق حامل - که عدّه ی آن به وضع حمل است، آیا اسقاط جنین عمدی را هم شامل می شود؟

ج. شامل می شود.

طلاق زن پس از تزریق نطفه

۵۴۶۱. نطفه ی مردی را پس از ازدواج در رحم عیالش تزریق می کننـد و حامله می شود و قبل از دخول او را طلاق می دهـد. آیا حکم طلاق قبل از دخول را دارد و عدّه ندارد و یا حکم طلاق حامل را دارد؟

ج. احتیاط دومی است، بلکه لزوم احتیاط مذکور خالی از وجه نیست. (جامع المسائل، ج ۳، ص ۵۸۴)

یائسه شدن زن در عده طلاق

۵۴۶۲. زن مطلّقه ای پس از طلاق، یک یا دو بار عادت ماهانه دیده و سپس یائسه شده است.

آیا باقی مانده ی عدّه ساقط است؟

ج. مدت باقی مانده ساقط نمی شود؛ بلکه باید تا آن مدّتی را که اگر یائسه نمی شد عدّه اش طول می کشید، عدّه اش را ادامه دهد.

عده ی وطی به شبهه

۵۴۶۳. ابتدای عدّه وطی به شبهه چه زمانی است؟

ج. بعد از وطی است.

حکم عدّه در صورت رجوع و طلاق مجدّد

۵۴۶۴. شخصـی عیال خود را که مدخوله بوده، طلاق رجعی داده است و در عدّه به زن رجوع می کند و قبل از دخول، مجدّداً بعد از چند روز طلاق می دهد. آیا او مطلّقه غیر مدخوله است و عدّه ندارد یا برای طلاق دوّم باید عدّه نگه دارد؟

ج. باید از طلاق دوّم عدّه نگه دارد.

لزوم عدّه در صورت یقین به عدم حاملگی

۵۴۶۵. امروزه از نظر پزشکی، امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی، نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاه ترین زمان می توان به طور قطع یقین حاصل نمود که زنی در اثر هم بستری و نزدیکی باردار شده است یا خیر. با چنین فرضی آیا مدّت عدّه همان است که قبلاً آورده شده یا قابل تغییر است؟

ج. قابل تغییر نیست.

عدّه طلاق کسی که داروی ضد حاملگی مصرف می کند

۵۴۶۶. امروزه با استفاده از دارو [خوراکی، تزریقی] یا به کار بردن وسایل پیشگیری، به طور قطع می توان از بارداری زن متعاقب مقاربت، ممانعت کرد، با چنین فرضی آیا برای زنانی که از امکانات فوق الذّکر استفاده می نمایند و در عقد دائم یا متعه می باشند، هنگام متارکه لازم است عدّه نگه دارند یا خیر؟

ج. عدّه لازم است.

ازدواج با زن در عدّه

۵۴۶۷. ازدواج دائم یا موقت با زنی که در عدّه است، چه صورتی دارد؟

اگر جاهل به این حکم باشند و امکان دسترسی به حکم نداشته باشند و ازدواج صورت پذیرد، ازدواج آنها چه حکمی دارد؟

ج. ازدواج در عده باطل است و اگر هیچ کدام نمی دانسته اند که زن در عده است و یا این که نمی دانسته اند که عقد کردن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او در زمان عده نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می شود و اگر نزدیکی بعد از زمان عده بوده است، عقد باطل است، ولی زن بر او حرام نمی شود، بلکه می تواند بعداً زن را عقد نماید.

لزوم عدّه بر کسی که رحم ندارد

۵۴۶۸. در اثر عمل جراحی، رحم خانمی را برداشته اند یا لوله های رحم او را بسته اند که آبستن نمی شود. چنین خانمی را اگر طلاق بدهند و یائسه نباشد، آیا عدّه دارد؟

ج. اگر به او دخول شده باشد، عدّه دارد.

ملاحظه ی سال قمری در احتساب سن یائسگی

۵۴۶۹. آیا مراد از پنجاه یا شصت سال برای یائسه شدن زنان سیّده و غیر سیّده، سال قمریست یا شمسی؟ اگر قمری است، به

سال شمسی چه مقدار می شود؟

ج. ظاهراً سال قمریست و نسبت بین سال قمری و شمسی، به زیادتی مخصوص شمسی در هر سال معلوم می شود که در پنجاه و شصت چه قدر می شود، (۶۰ سال قمری برابر است با ۵۸ سال و ۲ ماه و ۱۸ روز شمسی و ۵۰ سال قمری برابر است با ۴۸ سال و ۶ ماه و ۱۷ روز شمسی.)

عدّه زن مطلّقه ای که به غیر از دخول حامله شده

۵۴۷۰. در صورتی که طلاق پیش از دخول باشد، در حالی که زن حامله است و از راه جذب منی یا تلقیح مصنوعی، منی شوهر در رحمش قرار گرفته باشد، آیا زن باید عدّه نگه دارد؟

ج. لزوم عده نگه داشتن موافق احتیاط است؛ بلکه لزوم احتیاط مذکور خالی از وجه نیست. (جامع المسائل، ج ۳، ص ۵۸۴.)

ازدواج بدون رعایت عدّه

۵۴۷۱. دختری را برای پسری عقد کرده اند.

پسر از دبر دخول نموده و بعد طلاق گرفته است.

سپس آن دختر را بدون عدّه برای پسر دیگری عقد کرده اند.

آیا اشکال دارد.

ج. عدّه دارد و عقد در عدّه باطل است و در مورد سؤال برای ازدواج دوّم به مسأله ی ۱۹۲۰ و ۱۹۱۹ رساله مراجعه شود.

عده پس از ازدواج موقت

۵۴۷۲. آیا زن پس از ازدواج موقت باید عده نگه دارد و آیا این عده نگه داشتن اجحاف به زن نیست؟

ج. اگر در آن عقد نزدیکی بوده، باید عده نگه دارد.

عده ازدواج موقت

۵۴۷۳. عده زن صیغه ای چه قدر است؟

ج. بعد از اتمام مدت یا بذل مدت باید تا دو حیض کامل عده نگه دارد.

عقد موقت و بذل مدت

۵۴۷۴. اگر کسی عقد موقت کرد و بعد از مباشرت، اقدام به بذل مدت نمود و دوباره با همان مورد عقد موقت نمود و قبل از مباشرت بذل مدت کرد، آیا این زن برای دیگری نیاز به عدّه دارد، یا خیر؟

ج. عقد اوّل نیاز به عدّه دارد، یعنی برای ازدواج زن با فرد دیگر باید عدّه ی عقد نخست منقضی گردد.

رجوع

اختلاف در رجوع

۵۴۷۵. در صورت اختلاف زوجین بعد از طلاق در این که رجوع صورت گرفته است یا خیر، قول کدام یک معتبر و مُقَدَّم است؟

ج. اگر بعد از انقضای عدّه باشد و زوج ادّعای رجوع کند و زن منکر باشد، قول زن مُقَدَّم است، با قسم در عدم رجوع فعلی و حلف بر نفی علم در رجوع قولی.

اختلاف زن و مرد در دخول

۵۴۷۶. مردی پس از طلاق، ادّعای مواقعه از دبر می کند، ولی زن منکر است.

آیا اقرار مرد نافذ است؟

ج. اقرار مرد در جهت مهر نافذ است که باید تمام مهر را بدهد (البته زن نمی تواند زاید بر نصف را بگیرد) و در انتفای عدّه، قول زن مُقَدَّم است.

اختلاف در زمان رجوع

۵۴۷۷. در صورت اختلاف زوجین در این که رجوع در زمان عدّه صورت گرفته و یا بعد از آن، قول کدام یک معتبر است؟

ج. قول زوج که مدّعی صحّت رجوع است، مُقَدَّم است اگر اختلاف در زمان رجوع باشد نه زمان انقضای عدّه.

میزان تحقّق رجوع

۵۴۷۸. این جانب با همسرم متارکه کردم. بعد از خارج شدن از محضر طلاق، حدود نیم ساعت درباره ی مسائل گوناگون صحبت کردیم، آیا این حالت و گفتگو مصداق رجوع است؟

ج. اگر در این صحبت ها سخنی گفته شده که معنایش این بوده که او را دوباره زن خود قرار داده یا کاری کرده که چنین معنایی داشته، مصداق رجوع محسوب می شود.

حق مهر در طلاق رجعی

۵۴۷۹. زنی با بذل مهر، طلاق می گیرد و قبل از تمام شدن عدّه، از بذل رجوع می کند.

مرد با علم به اینکه حق رجوع دارد، رجوع نکرده تا عدّه منقضی می شود. آیا زن حق مهر دارد؟

ج. زن مستحق مهر است.

تحقّق رجوع با کتابت

۵۴۸۰. آیا رجوع به صرف کتابت تحقّق پیدا می کند؟

ج. با قرینه تحقّق پیدا می کند.

تحقّق رجوع با نگاه

۵۴۸۱. آیا نگاه شهوی به زوجه در طلاق رجعی، رجوع محسوب می شود؟

ج. اگر دلالت بر التزام به آثار نکاح سابق داشته باشد، با توجّه به وقوع طلاق، رجوع محسوب می شود.

قصد رجوع

۵۴۸۲. آیا در رجوع، قصد رجوع معتبر است یا قصد حل فعل و تقبیل و لمس و وطی کافی است؟

ج. قصد این افعال، ملازم با قصد رجوع است.

رجوع بدون قصد با تحقّق اسباب

۵۴۸۳. زن و شوهری که از همدیگر طلاق گرفته بوده اند با همدیگر از منزل خارج می شوند و از دست یکدیگر غذا می خورند و در کنار هم نشسته و همدیگر را بر اساس این که با هم همسر هستند لمس می کنند؛ اما هنگام این اعمال قصد رجوع نداشته اند و این عمل در مدت عده رجعیّه صورت گرفته و با همدیگر به رجوع رضایت می دهند؛ لکن در برخی از امور زندگی مشترک اختلاف نظر داشته اند، این روند تا پایان زمان عده ادامه داشته است، آیا همین مقدار رجوع محسوب می شود یا خیر؟

ج. اگر آن دو به رجوع راضی بوده اند اما در برخی امور با همدیگر اختلاف داشته اند، چنان چه برخی از آن امور در عده رجعیّه تحقق یابد، رجوع محسوب می شود و در غیر این صورت رجوع محسوب نمی گردد.

تحقق رجوع در صورت وطی مرد بدون قصد رجوع

۵۴۸۴. مردی با زنش که در عده طلاق رجعی است، بدون قصد رجوع وطی کرده است.

آیا رجوع محقق است؟

ج. این رجوع عملی است، زیرا قصد زنا نداشته است.

وجوب حداد در عدّه وفات برای زوجه مجنونه یا صغیره

۵۴۸۵. آیا حداد در عدّه وفات برای زوجه مجنونه یا صغیره واجب است؟

ج. بنا بر احتیاط، واجب است.

ادّعای عدم دخول بعد از طلاق خلع

۵۴۸۶. زنی پس از طلاق خلع، ادّعای عدم دخول می کند.

حکم عدّه وی چیست؟

تا چه زمان نمی توان وی را عقد نمود؟

ج. احتیاط مستحب است دیگران صبر کنند تا عدّه اش تمام شود و اگر ادّعای بکارت کند و شخص عاقد احتمال التقای ختانین را می دهد، بازهم احتیاطاً انتظار انقضای عده بکشد و اگر عاقد قطع به آن دارد، نمی تواند در عقد وکیل شود.

احکام وقف

فرق وقف و حبس

۵۴۸۷. فرق وقف و حبس چیست؟

ج. در وقف، دوام شرط است به خلاف حبس که می شود آن را تا مدت معین قرار دهد و در حبس، ملك از مالكیت حابس (حبس کننده) خارج نمی شود و به ارث هم می رسد و تصرّفات غیر منافی با حبس هم در آن جایز است، به خلاف وقف در تمام این امور.

وقف معلّق و مشروط

۵۴۸۸. آیا تنجیز در وقف شرط است و وقف معلّق و مشروط آیا صحیح است؟

ج. بله، تنجیز در صحت وقف شرط است و تعلیق مبطل آن است.

قصد قربت در وقف

۵۴۸۹. آیا در وقف قصد قربت شرط است؟

و اگر کسی اموال خود را برای محروم کردن فرزندان خود از ارث، وقف روضه خوانی امام حسین علیه السّلام نماید، آیا وقف صحیح است و آیا به چنین وقف هایی پاداش آخرتی تعلق می گیرد؟

ج. بنا بر احوط قصد قربت، هر چند به نحو داعی به داعی، شرط است اگر چه بدون قربت هم باید در عدم صحت آن احتیاط شود، البته در ترتّب ثواب، قصد قربت شرط است.

نقش اداره ی اوقاف نسبت به موقوفات

۵۴۹۰. اداره ی اوقاف نسبت به املاک و اموال موقوفه، آیا حکم متولّی یا ناظر یا واقف را دارند؟

ج. وقفنامه باید ملاحظه شود.

اثبات و احراز وقفیت یک مکان

۵۴۹۱. از چه راه هایی می توان وقفیّت یک محل را اثبات و احراز نمود؟

ج. به شیاع مفید علم یا اطمینان و به اقرار ذو الید یا ورثه ی او و به بیّنه شرعیه و به این که در تصرف وقف باشد که متصرّف ها معامله ی وقف با آن می کنند، بدون این که معارضی وجود داشته باشد.

تصرف بر خلاف نظر واقف

۵۴۹۲. آیا متولّیان وقف می توانند بر خلاف نظر واقف در موقوفه تصرف کنند؟

ج. خیر، نمی توانند.

محدوده اختیارات تولیت یا واقف

۵۴۹۳. لطفاً محدوده اختیارات تولیت یا واقف را پس از وقف بیان فرمایید؟ و آیا تصرفات مالکانه توسط آن دو در وقف صحیح است؟

ج. واقف پس از وقف با دیگران فرقی ندارد و متولّی یا واقف، در صورتی که تولّیت برای خود قرار داده باشد، در جهت وقف می توانند در موقوفه تصرّف کنند و حق تصرّفات مالکانه ندارند.

عمل نکردن متولّی وقف به وقف

۵۴۹۴. اگر متولّی موقوفه به وقف عمل نکند یا بر خلاف نظر واقف عمل کند، چه حکمی دارد؟

ج. حاکم شرع باید به جای او متولّی امینی معین نماید.

مسجد نمودن یک مکان

۵۴۹۵. جهت مسجد قرار دادن یک محل چه شرایطی لازم است؟

و اگر کسی جایی را برای نماز مردم وقف کند، برای مسجد بودن کافی است؟

یا صیغه و یا عمل خاصی نیز باید انجام دهد؟

ج. به مسأله ی ۲۱۵۴ رساله رجوع شود و در ترتّب احکام مسجد لازم است وقف به عنوان مسجد بودن باشد نه صرف محل نماز که مصلّی به حساب آید.

وقف منزل به شرط استفاده در حال حیات

۵۴۹۶. آیا راهی وجود دارد که منزلی را وقف نمود ولی زمان حیات خود را استثنا کرد؟

ج. کسی که مالی را وقف می کند، بنا بر اظهر می تواند شرط کند که تا مدتی و یا تا وقتی زنده است، خودش و یا متَعَلِّقین او از مال موقوفه استفاده نمایند و منافع آن مال به آنها برسد. (مسأله ی ۲۱۵۲ رساله)

حکم وقف اموال نذر شده برای امامزاده

۵۴۹۷. چیزی را – مثل فرش، نذر امامزاده کرده اند، آیا حکم وقف را در عدم جواز بیع دارد، یا ملک جهت است؟

ج. اگر نذرکننده خصوصیت عین منذوره را لحاظ کرده، نه صرف مالیت آن را، در حکم با وقف تفاوتی ندارد. (به مسأله ی ۲۱۳۵ رساله رجوع شود.)

وقف نهرها و رودخانه ها

۵۴۹۸. آیا نهرها و رودخانه ها و چشمه های طبیعی را می شود وقف کرد؟

ج. چیزی که وقف می شود، باید عین مملوك شخص باشد.

۵۴۹۹. اگر ورودی نهرها و رودخانه ها را که طبیعیست و کسی آنها را احداث نکرده، در ملك موقوفه قرار دهد، آیا می شود از آن استفاده کرد و وضو و غسل انجام داد؟

ج. چیزی که وقف می شود، لازم است مملوك شخص باشد.

مصداق بودن واقف برای موقوف له

۵۵۰۰. شخصی چیزی را وقف کرده بر اعلم علمای شهر یا امام جماعت مسجد، در حالی که خود اعلم یا امام جماعت است،

آیا می تواند از آن بهره ببرد؟

ج. مانعی ندارد و این غیر از وقف بر نفس است که صحیح نیست.

وقف بر کافر ذمّی

۵۵۰۱. آیا وقف بر کافر ذمّی صحیح است؟

ج. بنا بر اظهر صحیح است، در صورتی که همراه با عنوان حرامی مثل دوستی با کافر یا کمک بر کفر نباشد.

آب قناتی که مضر به چاه وقفیست

۵۵۰۲. چاه وقفیست مربوط به مزرعه ی وقفی، در نزدیکی آن قناتی حفر کرده اند که به واسطه ی آن، آب چاه وقفی خشک شده است.

آیا تصرّف در محصولات آن مزرعه جایز است؟

ج. اگر حفر غیر مجاز و در حریم وقف بوده، باید مسدود شود و خسارت وقف هم پرداخت شود، ولی محصولات، مال خود آنها است.

مراد از سالی چند روز روضه خواندن

۵۵۰۳. در وقف نامه ای آمده:

سالی چند روز روضه خوانی شود. آیا شب را هم شامل می شود و می توانند در شب روضه ای بخوانند؟

ج. اگر انصراف به خصوص روز ندارد، بلامانع است.

عدم جواز تصرّف اداره ی اوقاف

۵۵۰۴. در صورت معیّن بودن متولّی وقف، آیا اداره اوقاف یا دیگران می توانند در آن تصرف کنند؟

ج. نمی توانند.

اجاره دادن زمین موقوف به مدّت طولانی

۵۵۰۵. آیا اجاره دادن زمین موقوف به مدت طولانی، مثل صد سال صحیح است؟

ج. اگر بطن اوّل آن را اجاره دهد و قبل از تمام شدن مدت اجاره منقرض شوند، اجاره نسبت به بقیه ای مدت باطل است،

مگر این که بطن بعدی آن را اجازه دهند.

ادّعای وقف بودن زمین

۵۵۰۶. زمین هاییست که سازمان زمین شهری به متقاضیان واگذار کرده است.

فعلاً بعضی افراد ادعا می کنند آنها وقف بوده است، وظیفه ی ما که در آنجا ساکن هستیم چیست؟

ج. بایـد وقف بودن آنهـا شـرعاً ثـابت شود و اگر از قراین، اطمینان به وقفیت پیـدا کردیـد، اجاره ی آن بایـد به مصـرف وقف برسد.

تبدیل آب انبار موقوفه به مرکز فرهنگی

۵۵۰۷. آب انبار قدیمی وقف است، ولی فعلاً با وجود لوله کشی، از آن هیچ استفاده ای نمی شود. آیا اجازه می فرمایید آن را تخریب کرده و به جای آن مراکز ورزشی یا فرهنگی بسازیم؟

ج. در هر مورد، نیاز به اجازه ی حاکم شرع دارد.

تصرّف بی اجازه در وقف و ساختن خانه

۵۵۰۸. اگر زمین وقفی را عده ای تصرف کنند و بدون اجازه خانه بسازند، وظیفه ی متولّی از نظر شرع مقدّس چیست؟

ج. باید اجاره ی آن زمین را از آنها بگیرد و آن را در مصرف وقف صرف کند.

چیزهای خریداری شده با پول موقوفه

۵۵۰۹. اگر با پول فروش موقوفه چیزی برای وقف خریده شد، آیا خواندن صیغه وقف لازم است یا خیر؟

ج. ظاهراً لازم نیست.

اموال حسینیّه ای که در حال خراب شدن است

۵۵۱۰. اگر در محلّی حسـینیّه جدیدی بنا کردند و مردم از آن اسـتفاده نمودند و حسینیه قبلی در حال خراب شدن بود، آیا می توان آن را فروخت و وسایل آن را به حسینیه ی جدید آورد؟

ج. در فرض مسـأله، فروش حسـینیه – که وقف برای عزاداری بوده است – جـایز نیست، مگر این که فعلاًـ و مَآلاًـ و مسـتقلاً در جهت وقف قابل اسـتفاده نباشد و از حیّز انتفاع به عنوان حسینیه خارج شده باشد که در این صورت جایز است بفروشند و وجه آن را به مصـرف حسـینیه جدید برسانند و نقل اسـباب و ظروف و فرش های آن به حسـینیه جدید در این صورت مانع ندارد و اللّه العالم.

فروش سرقفلی ساختمان بنا شده در وقف

۵۵۱۱. عدّه ای بر روی زمین وقفی با خرج خود برای تأمین غرض وقف، ساختمانی چند طبقه ساخته اند.

آیا می توانند سرقفلی یکی از طبقات را برای زیادی استفاده در جهت وقف در مقابل اجاره بفروشند؟

ج. مانعی ندارد.

حفر چاه در ملک موقوفه و در جنب آن

۵۵۱۲. هفتاد سال پیش شخصی دوازده ساعت آب قنات با اراضی، وقف حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام کرده که اجاره ی این دوازده ساعت آب، هر ساله در ماه محرّم در همان روستا صرف تعزیه و روضه خوانی شود. شصت سال است از فوت واقف می گذرد. هر ساله پسر بزرگ واقف که از جانب آن مرحوم متولّی وقف می باشد، انجام وظیفه می نمود. ولی به مرور زمان قنات خشک شده، مالکین جمع شدند و اقدام به کندن چاه عمیق در همان ملک نمودند که هر کس به هر مقدار در قنات شریک بود، در چاه عمیق به همان مقدار شریک باشد.

متولّی از خودش خرج کرده است و می گوید آب چاه عمیق از خودم می باشد و نه وارثین را شریک می داند و نه موقوفٌ علیه را، حکم شرع مقدّس را مرقوم فرمایید؟

ج. اگر چاه در ملک موقوفه حفر شده، تابع وقف است و اگر با قراردادی شرعی در ملک دیگری حفر شده، تابع قرارداد است و چنان چه در ملک مشترک باشد مشترک است و اگر اختلاف دارند نیاز به مرافعه ی شرعیّه دارد.

تغییر جهت وقف

۵۵۱۳. آیا بعد از تمامیّت وقف به قبض و اقباض، واقف حق دارد که وقف را از عام به خاص یا بالعکس تغییر دهد؟

ج. حق ندارد.

دو وقفنامه برای یک وقف

۵۵۱۴. با دو وقفنامه در مورد یک وقف چگونه عمل می شود؟

ج. وقفنامه ای که از نظر تاریخ وقف مُقَدَّم است و کاشف تمامیّت آن است مورد عمل است؛ مگر این که وقفنامه ی جدایی با رقبات جدید تنظیم شده باشد که در آن صورت شرایط وقفنامه ی اوّل معتبر و در بقیّه ای رقبات مفاد وقفنامه ی دوّم با شرایط جدید مورد عمل قرار خواهد گرفت.

۵۵۱۵. در مورد وقفی، دو وقف نامه پیدا شده یکی قدیم و یکی جدید که این دو با هم اختلاف دارند. تکلیف، عمل به کدام یک می باشد؟

ج. ناظر در وقف باید هر دو را ببیند و یکی را ترجیح دهد نسبت به ملاحظه ی وقت تمامیّت وقف.

مراد از فرزند ارشد

۵۵۱۶. اگر کسی در وقفنامه، فرزند ارشد را در هر نسلی متولّی قرار دهد؛ مراد از ارشد آیا رشد سنّیست یا فکری و کفایتی؟

ج. هم چنان که رشد مربوط به سن نیست، منظور از ارشد هم منظور ارشد سنّی نیست.

قرار دادن زمین مشکوک الوقف برای حسینیّه

۵۵۱۷. در کنار مسجدی زمینی بایر وجود دارد که مدّت ها پیش جنازه ی چند کودک در آن دفن شده است، ولی مدرکی بر وقف بودن آن نیست. آیا می توان مسجد را توسعه داده و اطراف آن را حسینیّه کرد؟

ج. اگر وقف بودن زمین محرز نیست و بین مردم محل شایع نیست و ملک یا حریم ملک کسی هم نیست، می توانند از حریم مسجد برای توسعه مسجد استفاده کنند و اگر قسمتی از آن حریم مسجد نباشد، حسینیّه نمایند.

آب های زیر زمین موقوفه

۵۵۱۸. آیا آب های تحت الارضی املاک موقوفه در وقف تابع آنها هستند یا بدون اجازه متولی، دیگران هم می توانند استفاده کنند؟

ج. منافع آب های تحت الارضی به حساب املاکیست که این آب ها در زیر آن قرار گرفته اند که بدون اجازه ی مالک یا متولّی، دیگران به استفاده آن مجاز نیستند، در صورتی که مربوط به همین زمین موقوفه باشد و استخراج هم از همین زمین باشد.

دایره ی اختیارات متولّی

۵۵۱۹. آیا اگر منظور واقف از تعیین ناظر، اعمال نظر و تصویب او باشد، متولّی حق اقدام و انجام کاری بدون اذن و تصویب ناظر دارد؟

ج. حق ندارد.

حکم قرآنهای فرسوده شده وقفی

۵۵۲۰. در مسجد روستایی دو سری قرآن خطی موجود است که بیش از یکصد سال از عمر آن می گذرد. قرآنها در حال فرسوده شدن می باشند. آیا اجازه می فرمایید آنها را تعمیر نمایند و در منزل یکی از افراد مورد اعتماد نگهداری شود و یا این که چون وقف است، بعد از تعمیر دوباره به مسجد آبادی برگردانده شود و یا این که چون نگهداری آنها برای افراد عامّی مشکل است، به نیابت از جانب ورثه ی واقف، به کتابخانه ی آیت اللّه مرعشی هدیه شود؟ با توجّه به این که افراد سالمند

آبادی اطّلاعی از ورثه و خود واقف ندارند.

ج. وقف قابل اهدا نیست، قرآنها را تعمیر کنید و از آن در همان جهت وقف استفاده نمایید.

لزوم اجازه ی متولّی در تصرّف دیگران

۵۵۲۱. در صورتی که واقف برای موقوفه، متولّی منصوص تعیین کرده است و متولّی مزبور در قید حیات است و عمل به شرایط وقف نامه می نماید، آیا دیگران (غیر از متولّی وقف) از حکّام شرع و یا از حکّام عرف، حق دخالت و یا تصرّف در موقوفه را دارند؟

ج. حق ندارند، مگر با اذن او.

وقف مدت دار اشیا

۵۵۲۲. اگر مالی تا بیست سال یا مانند آن وقف شود، آیا وقف تبدیل به حبس می شود یا وقف باطل می گردد؟

ج. اظهر آن است که حبس می شود و بنا بر این شروط حبس در آن باید رعایت گردد، البته اگر قصد حبس نموده بوده یا آن که قصد او را نمی دانیم اما اگر قصد وقف کرده بوده است، پس وقف باطل می گردد.

تغییر در وقف

۵۵۲۳. آیا می توان با توجّه به شرایط روز جهت مصالح دولت و امّت اسلامی و ملاحظه ی نیّت اصلی واقف و در جهت هماهنگی با سایر برنامه های مدوّن و جاری دولت در کاربرد نظرات واقف تغییراتی به عمل آورد؟ نکته دیگر این که در جهت توسعه ی سنّت حسنه ی وقف، لازم است مبالغی صرف هزینه های پرسنلی و اداری کارکنان شود که در هیچ یک از وقفنامه ها به این موارد اشاره ای نشده است.

آیا می شود با تغییراتی در نحوه ی کاربرد درآمدهای حاصل از موقوفات، به ویژه موقوفات متصرّفی که اوقاف متولّی آن است، مبالغی صرف هزینه های مزبور نمود؟ و در آخر این که موقوفات بسیاری در سطح کشور وجود دارد که یا شناسایی نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است، آیا می توان با تغییرات جزیی در نحوه ی استفاده از درآمد موقوفات موجود برای شناسایی موقوفات شناخته نشده اقدام کرد؟

ج. موقوفات به حسب آن چیزیست که اهل آن وقف کرده اند، بنا بر این تغییر وقف جایز نیست و باید از وقف در همان جهت وقف و زیر نظر متولّی شرعی وقف استفاده شود و عواید آن غیر جهت وقف صرف نشود.

حکم حمّام وقفی مخروبه

۵۵۲۴. شخصی مکانی را جهت حمام عمومی وقف نموده و پس از سال ها بهره برداری هم اکنون مخروبه گشته و بیشتر اهالی

محل به لحاظ دارا بودن حمام شخصی، چندان تمایلی در جهت مرمّت و بازسازی آن ندارند و از جهتی اگر هم تعمیر گردد، با توجه به مطلب فوق استفاده ی قابل توجهی صورت نمی گیرد.

بنا بر این آیا وقف کننده می تواند محل مورد نظر را فروخته و پولش را در مصرف دیگری چون غسّالخانه که ضرورت

بیشتری نیز دارد در مکان مناسب دیگری صرف نماید یا خیر؟ در صورت عدم فروش، حکم آن را بیان فرمایید.

ج. اگر وضع حمام به گونه ای باشد که در حال و آینده قابل استفاده نباشد و استفاده از آن در جهت وقف کالعدم باشد، واقف می تواند آن را به یکی از دو طریق فروش یا اجاره بلند مدت واگذار نماید، هر کدام به مصلحت وقف باشد و درآمد حاصله را به مصرفی که نزدیک تر به وقف باشد علی الاحوط برسانند.

مراد از اقرب بودن یعنی نزدیک تر بودن به جهت وقف است.

۵۵۲۵. حدود بیست و سه سال پیش حمّام عمومی جهت استفاده ی اهالی احداث گردید که زمین آن مُتَعَلِّق به عدّه ای از اهل محل بوده است.

مشخّص نیست این زمین برای حمّام وقف گردیده است یا نه. حمّام مذکور به مدّت یک سال مورد استفاده عموم بوده و پس از آن متروکه مانده است.

چنان چه زمین حمّام موقوفه باشد.

آیا جایز است به مجتمع فرهنگی واگذار گردد و اگر موقوفه نباشد، بلکه هبه ی مردم اهالی باشد وظیفه چیست؟

ج. اگر امکان استفاده از حمّام برای استحمام هست، تعمیر و تصرّف منافی دیگر در آن جایز نیست و در غیر این صورت، در مطلق خیرات می توانند از آن استفاده نمایند.

حکم بیمه ی اموال به نام حضرت مهدی علیه السّلام

۵۵۲۶. عده ای از مؤمنین خود و خانواده ی خود، یا ماشین و موتورسیکلت و مغازه و خانه ی مسکونی خود را بیمه ی «حضرت مهدی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» نموده اند و ماهانه پولی می دهند، مصارف این پول چه صورتی دارد؟

ج. مبالغ متعلق به حضرت حجّت علیه السّلام است و مصرف آن، مانند سهم مبارک امام علیه السّلام است.

ساخت و ساز جاهلانه در وقف

۵۵۲۷. در زمینی که وقف مساجد بوده است، از روی ناآگاهی و جهالت در آن حسینیّه و تعدادی مغازه و چند دستگاه ساختمان - از قبیل شرکت تعاونی و دفتر پست و تلگراف و نانوایی و ... - ساخته اند.

آیا اینها باید ماهانه به مسجد، اجاره پرداخت کنند و یا این که بناها را تخریب کنند و موقوفه را به حال اوّل برگردانند؟

ج. مطالبه ی اجرت المثل شود که بپردازند.

وقف در حال عصبانیّت

۵۵۲۸. این جانب در حالت عصبانیت ناشی از درگیری فرزندانم، خانه ی مسکونی ام را با اجرای صیغه وقف و صدور سند به نام اوقاف وقف نمودم و بعد از مدّتی پشیمان شدم. آیا این وقف صحیح است؟

ج. اگر قبض معتبر در وقف حاصل شده است، وقف تمام است و به ملك شما باقی نیست.

موقوفه ای که صرف زوّار امام حسین علیه السّلام شده است

۵۵۲۹. موقوفه ایست که مصرف آن کمك به زوّار کربلای معلّیست و به لحاظ این که سال هاست این نوع مصرف مُعَطَّل مانده آیا می توان در راه کمك به زوّار مشهد مقدّس صرف نمود؟

ج. در جهتی که برای امام حسین علیه السّلام باشد، مانند:

روضه خوانی برای سید الشّهداء و یا زوّاری که از راهنمای غیر متعارف هر چند از کشورهای دیگر به کربلا می روند مصرف شود.

زیاد آمدن موقوفه از عزاداری امام حسین علیه السّلام

۵۵۳۰. درختان خرمایی را برای عزاداری سیدالشهداء علیه السّلام وقف کرده اند و بخشی از حاصل آنها زیاد می آید. آیا می توان در بنای حسینیه خرج کرد؟

ج. همان طوری که وقف کرده اند باید عمل شود. چنان چه جهت وقف، عزاداری است، نمی توانند صرف در ساختن حسینیه نمایند، ولی در صورتی که مورد نیاز عزاداری باشد مانند این که توسعه ی حسینیه ضروری باشد یا آن که تعمیر ضروری داشته باشد، اشکالی ندارد.

زمین مشکوک در کشورهای خارجی

۵۵۳۱. زمینی در زمان حکومت هند قبل از قیام پاکستان طبق نوشته ی دولتی - که در دست هست، بعضی از جاهایش نشان قبرستان مسلمان ها و بعض دیگرش در دست مردم می باشد.

آیا شرعاً چنین زمین هایی برای عموم مسلمین است که در آنجا سکنی دارند یا وقف آن ثابت می شود؟

ج. وقفیّت ملکی ثابت نمی شود مگر به علم یا به شهادت بیّنه و بعید نیست شیاع در محل هم کافی در وقفیّت باشد.

در هر حال نبش قبور مسلمین جایز نیست و آن چه وقفیّت آن به نحو مذکور در بالا ثابت نشود، تصرّف در آن مانعی ندارد.

گفتار بعضی بر وقفیّت یک محل

۵۵۳۲. زمینی که به هیچ وجه آثار وقفیّت و مدرک و سندی که حاکی از موقوفه بودن آن باشد نیست و شاهدی که گواهی بر وقف بودن آن بدهد نیست، آیا به صرف گفتار یک عدّه می شود آن را موقوفه دانست؟

ج. اگر شواهدی بر ملکیّت هست، می توان به این حرف ها توجّه نکرد و با اشتهار به وقفیّت باید احتیاط کرد.

در اختیار قرار دادن امکانات بنیاد اسلامی برای غیر مسلمین

۵۵۳۳. بنیادی که مؤسسه خیریه غیر انتفاعی می باشد، با اهداف ذیل در دفتر شرکت ها به ثبت رسید:

رفع نیازهای عمومی، نشر و تبلیغ اهداف و مفاهیم عالیه اسلام از لحاظ علمی، مذهبی، امدادی، تعاونی، اجتماعی، قرض الحسنه و ...

با توجه به اهداف صریح و روشن بنیاد مزبور که به عبارت «رفع نیازهای عمومی» ذکر شده است، آیا در رفع نیازهای غیر مسلمانان نیز جایز است از امکانات بنیاد استفاده کرد یا نه؟ آیا غیر مسلمان می تواند از صندوق قرض الحسنه بنیاد استقراض کند؟

ج. به قرینه ذیل آن، منظور عموم مسلمین بلکه مؤمنین است، مانند وقف عام در قبال وقف خاص، به لحاظ نامگذاری، مگر موردی که جهت تألیف قلوب و تبلیغ اسلام و ایمان داشته باشد.

انحلال مؤسّسه و بنیاد خیریه

۵۵۳۴. فردی به دسیسه و نیرنگ، بنیاد خیریه ای را منحل و کلیه امکانات، اموال و سرمایه های آن را به مسجدی که خود متولّی آن بوده منتقل نموده است، لطفاً حکم انحلال این مؤسسه عام المنفعه را بیان فرمایید.

ج. شخص مزبور باید با مراجعه آن اموال را به محل خودش برگرداند وگرنه ضامن است.

وقف مغازه و اختصاص عایدات برای خمس و زکات

۵۵۳۵. این جانب اقدام به خرید دو باب مغازه نمودم که حدود هفت سال قبل عیناً وقف حوزه علمیه یکی از شهرستان ها کردم تا به اجاره اشخاص واگذار و عایدات این دو باب مغازه نیز به عنوان خمس و زکات (بدهی این جانب) محسوب گردد. بهای مغازه ها لااقل در حال حاضر بیست میلیون تومان خواهد بود.

مال الاجاره ماهانه حد اقل یکصد هزار تومان می باشد، ولی از آن جایی که واقف حقیر پس از خرید واحدهای تجاری (دو باب مغازه)، به نام مدرسه علمیه انتقال داده ام، آیا عایدات حاصل به عنوان بدهکاری این جانب (سهم امام علیه السّلام و خمس و زکات) محسوب می گردد؟

ج. اصل وقف صحیح است و از عایدات آن مقدار دین پرداخت و سپس برای مدرسه مصرف می شود و اللّه العالم.

تخلّف از وقف

۵۵۳۶. فرد مرحومی در سال ۱۲۹۶ قمری رقباتی را در شهر ری و قزوین به صورت حبس مؤبّد، وقف بر خیرات و مبرات نمود که بالغ بر یکصد سال است به وسیله متولیان منصوص، عمل به وقف می شود:

در سطور آخر صفحه دوم وصیت نامه، چنین تصریح گردیده:

«... در این املاکِ ثلث، حق فروختن، مبادله کردن، رهن، بیع، شرط گذاشتن و اجاره زاید از سه سال دادن ندارند. تخلّف از این قرار حرام و باطل است، اگر العیاذ باللّه خرابی فاحش در اینها روی دهد که اوصیا را به هیچ وجه امکان نگاهداری نباشد، باید نزد حاکم شرع نافذ الحکم ثابت نمایند، پس از آن به طور احسن مبادله نمایند ...»

قسمتی از اراضی مسکونی در ابتدای انقلاب اسلامی به وسیله سازمان زمین و مسکن قزوین جهت احداث ساختمان مسکونی در اختیار شرکت های تعاونی

مسکن و یا به متقاضیان فروخته شده بود، این گروه به ادّعای اینکه این اراضی را از دولت خریده اند، عرصه و اعیان را متعلق به خود دانسته و در نتیجه با تجمّع در مساجد و ارسال طومار و نامه برای مسؤولین و درج در جراید و متعاقباً تشکیل جلساتی در دفتر امام جمعه محترم و بخشداری و فرمانداری، خواهان ادامه تَعَلُّق عرصه به صاحبان اعیان گردیدند و نهایتاً پس از انقلاب از مراجعه به دفتر موقوفه و تنظیم سند اجاره و پرداخت اجاره عرصه خود داری نمودند و عملاً این قسمت از اراضی موقوفه مسلوب المنفعه گردید و از طرفی اداره زمین و مسکن قزوین آمادگی خود را برای تأمین زمین معوّض اعلام داشتند.

آیا وضع موجود از نظر مسلوب المنفعه ماندن قسمتی از اراضی موقوفه، مشمول قید مندرج در وصیت نامه می باشد؟

آیا مبادله به نحوی که مطرح است و به شرط احسن بودن معوّض به صلاح موقوفه است یا متولّی را به طریق دیگری ارشاد می فرمایید؟

ج. اگر راهی دیگر نیست و از احسن وجوه ممکنه باشد، اشکال ندارد.

تکلیف سهم موقوف علیه در صورت فوت

۵۵۳۷. واقف محترمی پنج دانگ از شش دانگ املاکی را بر اولاد ذکور (فرزندان پسر) خود علی نحو التشریک و التسویه، بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل وقف نموده و در صورت انقراض فرزندان پسر، بر فرزندان دختر و در صورت انقراض و نبودن اولاد، منافع این پنج دانگ صرف تعزیه داری شود و تولیت آنها را برای خود قرار داد و بعد خود مفوّض داشت به اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن با تقدیم اصلح و ارشد و ابقای آنها.

واقف محترم دارای شش فرزند ذکور بوده و هر یک از شش فرزند ذکور دارای فرزندانی بوده اند که تعداد آنها یازده نفر می باشد و این یازده نفر هم دارای فرزندانی می باشند که تعداد آنها حدود شانزده نفر می باشد.

واقف فوت کرده است.

۶ نفر اولاد ذکور واقف که نسل اوّل می باشند، همگی فوت نموده اند.

از یازده نفر اولاد ذکور که در نسل دوم می باشند، ده نفر فوت و تنها یک نفر در قید حیات می باشند. از نسل سوّم که تعداد آنها در حال حاضر شانزده نفر می باشند، اکثر آنها در قید حیات می باشند بفرمایید:

۱) با توجه به اینکه منافع پنج دانگ موقوفه در نسل اوّل بین ۶ نفر برادر به طور مساوی تقسیم می شود، در صورت فوت هر یک از برادران سهم متوفی به چه کسی باید پرداخت شود؟

ج. با این فرض، مالک پس از وفاتِ هر فردی از طبقه عالیه، فردی از طبقه نازله است، اگر چه فردی از طبقه متقدّمه موجود باشد و احتیاط در استحلال از فرد مُقَدَّم در طبقه، خوب است.

۲) آیا کلمه «بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل» با کلمه «نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن» با هم فرق دارند یا هر دو کلمه به یک مفهوم می باشد؟ در صورتی که فرق داشته باشد، مراتب را مرقوم فرمایید.

ج. تفاوتی ندارد.

۳) تولیت موقوفه با بودن اولادی با داشتن شرایط اصلح و ارشد و ابقا از نسل اوّل به اولادی از نسل بعد که دارای شرایط اصلح و ارشد و ابقا باشد می رسد یا خیر؟

ج. نمی رسد.

تکلیف اموال مؤسّسه ای با تغییر آن

۵۵۳۸. هیأتی به نام «متوسلین به اهل بیت علیه السّلام» برای برگزاری مراسم اعیاد و وفیات ائمه

طاهرین علیه السّلام به وجود آمد. پس از گذشت چند سال مسؤول هیأت، متوسلین بدون اطلاع تمام اعضا استعفا داده و این هیأت تبدیل به جمعیّت طلاب گردید. تمام اعضای هیأت متوسلین، غیر از چهار نفر موافق جمعیَّت طلاب و اعضای جمعیَّت طلاب شدند و این چهار نفر نسبت به استعمال اثاث هیأت متوسّلین در جمعیَّت طلّاب مخالفت می کنند.

لازم به ذکر است مقداری اثاث با پول هیأت خریداری و مقداری اهل خیر برای طلاب اهدا نموده اند.

آیا استعمال اثاث هیأت سابق در این جمعیَّت طلاب که جدیداً به وجود آمده است، جایز می شود؟

ج. اگر فقط تغییر در اسم باشد، اشکال ندارد و اگر در مصارف تفاوت کند، اشکال دارد.

وقف کلّی و تغییر مکان آن

۵۵۳۹. شخصی پنج هزار متر از زمین کشاورزی خود را وقف کرده، ولی مکان آن را مشخص نکرده است.

بعد از فوت این شخص ورثه او پنج هزار متر را در دو نقطه معین و پس از مدت کمی آن دو نقطه را در یک نقطه دیگری تعیین نمودند، لازم به ذکر است که: آن دو نقطه قبلی در یک محیط بسته و فاقد کوچه و خیابان می باشد.

یکی از دو نقطه قبلی توسط یکی از ورثه حدود ۱۵ سال است که به باغ مرکّبات تبدیل شده است.

مکان فعلی دارای منافع و موقعیّت بهتری از دو مکان قبلی می باشد.

حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج. اگر افراز قبلی به نحو لزوم نبوده، مثلاً با تراضی بوده نه قرعه با شرایطی که قسمت لازمه را باعث شود، مانعی ندارد و طرف تقسیم در افراز وقف مشاعی حاکم شرع یا متولّی وقف است.

فروش موقوفه با عدم قابلیّت برای استفاده

۵۵۴۰. چندین سال پیش (حدوداً ۳۵ سال) فرد خیّری یک دستگاه سماور را جهت استفاده در سقاخانه حضرت أبوالفضل علیه السّلام وقف نموده است.

اکنون واقف به رحمت خدا رفته و سماور به علت فرسودگی غیر قابل استفاده گردیده است.

۱) آیا مجاز به فروش آن هستیم؟

ج. اگر صرف ضروریات وقف می شود، مانعی ندارد.

۲) آیا می توانیم با سایر اقلام موقوفه که وضعی مشابه دارند بفروشیم و از عواید حاصله، تنها یک وسیله که مورد نیاز باشد

بخریم تا به نام واقفین در محل وقف استفاده گردد؟

ج. مانعی ندارد.

فروش موقوفه و جبران آن

۵۵۴۱. قطعه زمینی شالی کاری از سوی اجداد این جانب وقف اولاد ذکور گردید. متأسفانه پدر این جانب با علم و اطلاع از این مسأله، به دلیل فقر و تنگدستی، اقدام به فروش این قطعه زمین نمود می نماید و با آن پولی را تهیه و آن را به صورت ودیعه نزد بانک قرار داد. پس از یک سال دو برابر آن را وام گرفت و بدین ترتیب منزل مسکونی خریداری و به نام این جانب که فرزند ارشد وی می باشم به ثبت رساند. پس از گذشت ۱۶ سال و مخالفت بی وقفه ام، پدر این جانب با فروش منزل مسکونی و خرید زمین موقوفه و برگشت دادن به شرایط اولیه، شدیداً مخالفت می نمایند. با توجه به مشکلاتی که در طی این مدت برای خانواده و به ویژه برای این جانب به وجود آمده، بفرمایید:

۱) چنان چه منزل مسکونی به فروش برسد، ارزش افزوده منزل مسکونی نسبت به قطعه زمین موقوفه چندین برابر است، تکلیف این پول چه می شود؟

۲) مالک فعلی زمین موقوفه از فروش و عودت آن ممانعت می نماید وظیفه چیست؟

۳)

چنان چه در یکی از محضرها سند منزل را به نام پدرم تغییر دهم، از عواقب ناگوار موقوفه مصون خواهم ماند؟

۴) تکلیف بنده با پدرم که با فروش منزل مسکونی مخالفت می نماید، چیست؟

ج. اگر شالیزار موجود است، باید همان برگردانده شود و الّا مثل آن کمّاً و کیفاً در جای دیگری خریداری شود و با انجام وظیفه مزبور نیاز به فروش منزل نمی باشد.

تغییر مکان امامزاده به علت ساخت سد

۵۵۴۲. در روستایی امامزاده ای به نام سید محمد عابد فرزند امام موسی کاظم علیه السّلام مدفون بوده و زیارتگاه مردم استان می باشد.

همچنین مدفن شهدای جنگ تحمیلی و قبرستان قدیمی ۲۷ نفر از افراد طایفه، در جوار امامزاده قرار دارد. امامزاده موصوف دارای شجره نامه ایست که طبق آن کلیه زمین های اطرافش وقف سادات ذکور است.

وزارت محترم نیرو قصد دارد با موجود بودن دو محل مناسب دیگر در این قریه اقدام به احداث سد نماید و امامزاده را حد اقل تا فاصله چهل کیلومتر جا به جا کند.

آیا انتقال امامزاده، با وجود دو گزینه مناسب دیگر برای سدسازی چه حکمی دارد؟

ج. شبهه ای نیست که مودّت ذوی القربی واجب و منصوص قرآن است و اهانت به آنها حرام و ترک واجب قطعیست و اهانت و عدم اهانت از عرف معلوم می شود و از ملاحظه اشباه و نظایر و اعلی و اشرف مشخص می شود که اهانت صادق است یا نه.

بر کسانی که متصدّی اصلاح راه ها و خیابان ها و احداث سدّها می باشند، لازم است تحرّی @مندوحه در اطراف بقاع متبرّکه و مشاهد مشرّفه از یمین و یسار و بالا و پایین نمایند و نتیجه را به گونه ای که به مقدّسات و محترمات، ربطی نداشته باشد و موجب

تغییرات نامشروع نباشد بگیرند و اللّٰه الموفق المعین.

موارد جواز فروش موقوفه

۵۵۴۳. لطفاً موارد جواز فروش موقوفه را بیان فرمایید.

ج. ۱) اگر معلوم شود وقف باطل بوده، مثل آن که واقف بالغ نبوده؛

۲) در نفروختن آن مفسده بزرگ تری مثل قتل نفس و هتک عرض باشد؛

۳) معلوم باشد که واقف محل خاصی در نظر نداشته، مثل زمینی که برای حمام ده وقف کرده باشد.

در این صورت ها فروختن جایز است.

اما در صورت اوّل، خود واقف یا وارث او می تواند آن را برای خود بفروشد و در صورت دوم، موقوفه فروخته می شود و تبدیل به چیزی که به نظر واقف نزدیک تر است می شود و در صورت سوم به مثل آن تبدیل می گردد، مثلاً در جای دیگر همان ده حمام ساخته می شود.

هم چنین وقفی را که در آن اختلاف شده، به طوری که علم یا اطمینان به خرابی وقف پیدا شود، بنا بر اظهر می توان فروخت.

ایجاد ساختمان در زمین وقف با اذن متولّی

۵۵۴۴. این جانب زمین موقوفه ای را در اردکان اجاره و با توجه به مفاد قرارداد، در آن ساختمانی را ایجاد کرده ام. آنچه بین این جانب و متولی موقوفه گذشته، این بوده که با این قرارداد، این جانب نتوانم پس از ده سال قیمت ساختمان را از متولی وقف مطالبه کنم و همچنان به کار خودم ادامه دهم. هرگز قصد و نیّت باطنی این جانب این نبوده که هستی و سرمایه زندگی خودم را در این زمین خرج کنم و در پایان ده سال آن را به متولّی وقف تحویل دهم، بلکه منظور این بوده که اگر این جانب نتوانستم در این محل به کارم ادامه دهم، آن را به دیگری واگذار نمایم و مبالغ خرج شده را از فرد ثالث بگیرم و با

متولّی وقف کاری نداشته باشم. این نکته به نحوی در بند آخر قرارداد فی مابین در جمله «و این قرارداد در حقیقت هیچ گونه رسمیّتی ندارد و در حکم اعلام و تفهیم وقف بودن زمین به آقای ... می باشد» منعکس است و این جانب تاکنون فقط اجاره زمین موقوفه را پرداخت کرده ام. چون ساختمان را متعلق به خود می دانم و در این رابطه هیچ گونه اختلافی بین این جانب و متولی وقف وجود نداشته است؛ زیرا در قرارداد تأکید بر پرداخت اجاره زمین شده نه ساختمان. اما اداره اوقاف مدعیست که این ساختمان متعلق به وقف است؛ حکم شرعی را بیان نمایید.

ج. اگر در ساختن ساختمان اجازه داشته است، قیمت ساختمان را حق دارد و باید پول آن ساختمان را به او بدهند با فرض این که در قرارداد صحبتی از ملکیّت آن نبوده است.

ادّعای زمین ها و باغ های وقفی

۵۵۴۵. در روستایی حدود دویست خانواده هستند که مالك نسل اندر نسل باغات، بیشه ها و املاك مزروعی می باشند که دارای اسناد محضری و قباله های قدیمی دویست و سیصد ساله هستند و بین آنان خرید و فروش می شود و مهریه زنان می باشد.

۱) آیا کسی با ارایه کپی وقف نامه می تواند مدّعی وقفیّت این باغات و املاك شود؟

۲) وقفیت در چه حالتی به اثبات می رسد؟

۳) آیا وقتی هیچ کدام از پیرمردها، ریش سفیدان و اهالی محل هیچ گونه اطلاعی از ایام قدیم نداشته اند و به یاد نمی آورند که این املاك وقف باشد، چگونه می توان وقفیت را ثابت کرد؟

۴) آیا مالك و کشاورز که روی این باغات تصرف دارند و از ایام قدیم درختان فراوانی را غرس نموده اند، می توان محصول آنان را توقیف

کرد؟

۵) آیا می توان این املاک و باغات را از تصرف و مهریه زنان خارج نمود؟

۶) مالکیت در اسلام که از راه شرعی و عرف محل به دست آمده باشد، آیا می توان از تصرف تعداد زیادی از مردم خارج کرد؟

ج. وقفیت ملکی باید به حجّت شرعیه، مثل قیام بیّنه ثابت شود و الّا در مالکیّت ذو الید باقیست و تعرّض به آنها جایز نیست و همچنین است اگر از مصادیقی بوده که بیع وقف جایز بوده و فروخته شده و دوباره به وقفیّت بر نمی گردد.

وقف برای اطعام خاص و تبدیل آن به طعام بهتر

۵۵۴۶. درآمد موقوفه برای اطعام در روز عید غدیر به غذای مرسوم در آن زمان وقف شده بوده، پس از چند سال درآمد خیلی بیشتر شده و آن غذا هم دیگر مرسوم نیست.

آیا تبدیل آن غذا به طعام بهتر و موافق طبع جایز است؟

ج. جایز است.

اگر وقف مشاع با تقطیع از انتفاع خارج شود

۵۵۴۷. زمینی بوده که به ده قطعه ی متفرق تقطیع شده که یک ربع مشاع آن وقف برای امام حسین علیه السّلام است، ولی با این تقطیع دیگر قابل انتفاع نیست. مستدعیست دربارهی این موقوفه حکم شرعی را ارشاد فرمایید.

ج. اگر ممکن است قسمت وقف افراز شود و عمل به وقف شود و در صورت عدم امکان افراز و انحصار انتفاع به تبدیل آن، باید تبدیل شود به طریقی که عمل به وقف شود.

وقف منزل ده روز در سال برای روضه خوانی

۵۵۴۸. واقفی خانه ای را در سالی ده روز برای امام حسین علیه السّلام وقف نموده و تولیت آن را برای اولادش قرار داده است.

آیا پس از ده روز به ملک ورثه بر می گردد؟

ج. ظاهراً این وصیت است نه وقف. زیرا در وقف تأبید لازم است و در غیر ده روز، این خانه مثل سایر املاک است.

اگر متولّی وقف از بعضی فرقه ها باشد

۵۵۴۹. واقفی زمین هایی را وقف روضه خوانی و غیره کرده و متولّی آن را فردی از فرقه شیخیّه قرار داده است.

چه حکمی دارد؟

ج. صرف موقوفه در مصارف مشترکه مانعی ندارد، نه غیر آن.

وقف برای اولاد ذکور و فرض عدم وجود وی

۵۵۵۰. واقفی زمین های کشاورزی را به وقف خاص، وقف اولاد کرده است به عبارت:

«بطناً بعد بطن و طبقاً بعد طبق» و تولیت آن را پس از واقف به ارشد اولاد ذکور واگذار کرده و واقف مرده است و هیچ اولادی ندارد و برادرزاده و خواهرزاده دارد. آیا موقوفه به آنها ارث می رسد؟ اگر پاسخ منفی است، مصرف موقوفه باید چگونه باشد؟

ج. این وقف خاص به ارث به آنها نمی رسد. زیرا مراد از طبقاً عن طبق، طبقات ارث نیست؛ بلکه عطف بیان همان بطناً عن بطن است و چون نسل او منقرض شده، تولیت آن با حاکم شرع است و چون موقوف علیهم هم ندارد، در وجوه بر صرف می شود.

مراد از عبارت «اولاد ذکور و احفاد و نوافل آن ها»

۵۵۵۱. در وقف نامه ای چنین آمده است:

«وقف برای اولاد ذکور و احفاد و نوافل آنها ما تعاقبوا و تناسلوا». آیا عبارت شامل اولاد اناث از احفاد و اعقاب طبقه اوّل می شود؟

ج. اطلاق عبارت برای پس از طبقه ی اوّل که باید ذکور باشند، در احفاد و اعقاب آنها، اولاد اناث را هم می گیرد.

وقف به شرط تولیت واقف در طول زندگی

۵۵۵۲. شخصی چند سال پیش منزلی را برای مسجد جامع وقف کرده و صیغه وقف هم خوانده، به شرط اینکه تا خود واقف زنده است، اختیار وقف به دست او باشد و در این چند سال اجاره ی آن را هم داده است، ولی بعداً برای ضرورتی که برای اولادش پیدا شده، می خواهد آن را بفروشد و مصرف کند.

آیا جایز است؟

ج. اگر تولیت آن را مادام الحیات برای خودش قرار داده و اجاره را به عنوان اجاره ی وقف می داده، امر وقف تمام شده و مصرف آن در حاجتش جایز نیست، به خلاف این که اگر اختیار امر وقف را با خودش قرار داده، معلوم شود که امر وقف تمام نشده و این مانند وصیت به وقف است و هم چنین است شرط بازگرداندن هنگام حاجت که اگر محتاج شد، به ملک او

بر می گردد و لو وقف تمام شده باشد.

درخت هایی که مستأجر در ملک وقف کاشته

۵۵۵۳. زمین هـایی که وقف امامزاده بوده را به کسانی اجاره داده انـد و آنها در آن زمین ها درخت هایی کاشـته انـد، آیا این درخت ها مُتَعَلِّق به مستأجرین مذکور می باشد؟

ج. هر وقت بخواهند آنها را بیرون کنند، آن درخت ها مال آنهاست که باید قیمتش را به آنها بدهند.

وقف برای روشنایی حرم امیر المؤمنین علیه السّلام

۵۵۵۴. پولی وقف روشنایی حرم امیر المؤمنین حضرت علی علیه السّلام است.

تکلیف چیست؟

ج. بایـد آن را به علمـای آنجا بدهنـد که در خرج برق آنجا صـرف شود و اگر به هیـچ طریقی نمی تواننـد آن را در آن مورد مصرف کنند، آن را در زوّار مجاورین محتاج آنجا صرف کنند.

تبدیل بنای موقوفه

۵۵۵۵. موقوفه ای مشرف به خرابیست و چند سال معطل مانده و از آن استفاده نشده است و درآمدی هم ندارد که خرج تعمیر آن شود، ولی قابل تبدیل به احسن است.

تکلیف چیست؟

ج. باید آن را تبدیل به معمور و بنای منفعت دار کنند.

وصیت به ساخت حسینیه و وقف کتاب بر آن

۵۵۵۶. شخصی وصیت کرده، در جای معیّنی حسینیه ای بسازند و کتاب هایی را وقف آن حسینیه کنند.

آیا وقف محقّق شده است؟

ج. این وقف نیست، زیرا متعلق آن موجود نیست، بلکه وصـیت به وقف است و اگر ورثه آن حسـینیه را نساختند، چون احتمال دارد مقصود موصـی (وصیت کننده) از قبیل تعدّد مطلوب باشد، لذا کتاب ها را وقف حسینیه ای که نزدیک به آن محل است کنند.

استفاده از آب قنات برای حمام

۵۵۵۷. قنات آبی بوده و مالکین آن اجازه می دادند که در مصرف شرب (نوشیدن)، مسجد و حمام استفاده شود، ولی بعداً برای حمام های جدید اجازه نمی دهند. آیا جایز است برای آن حمّام ها مصرف شود؟

ج. جایز نیست.

فوت واقف پیش از تکمیل موقوفه

۵۵۵۸. فردی حفر قناتی را شروع کرده و قسمتی از آن را برای جهتی وقف کرده است؛ ولی واقف، پیش از تکمیل قنات و بهره برداری از آن وفات می کند، آیا وقف محقّق شده است؟

ج. اگر تمام شرایط وقف محقق بوده و قبل از وفات اقباض کرده، هر چند به بهره برداری نرسیده بوده، امر وقف تمام است.

وقف کتب علوم غریبه

۵۵۵۹. فردی قصد دارد کتاب هایی در علوم غریبه را وقف یکی از کتابخانه ها نماید. از طرفی احتمال می رود برخی از استفاده کنندگان آن کتابخانه از آن کتاب ها استفاده خلاف موازین شرعی کنند.

آیا می تواند با فرض مذکور، این کتاب ها را وقف کند؟

ج. اگر اطمینان دارد مسؤولان کتابخانه رعایت این امور را می کنند و به اهل آن می دهند، جایز است؛ ولی چون نمی داند در آینده چه کسی متصدّی کتابخانه می شود و چه کار می کند، حصول این اطمینان نمی شود.

دوَران متولّی بین دو نفر

۵۵۶۰. اگر در سند وقف متولّی از موقوف علیهم را شخص مسنّ تر و ارشد از اولاد معین کرده و مسنّ تر و ارشد، دوران بین دو شخص پیدا کرد، کدام یک مُقَدَّم هستند؟

ج. ارشد در جهت وقف مقدم است و اگر تعیین ارشد و باتقواتر بود و دوران شد بین ارشد غیر متقی تر و متقی تر، دوّمی مقدم است و اگر هر دو باتقوا بودند و یکی اتقی (باتقواتر) بود، تعیین با نظر حاکم یا به قرعه است، گرچه احتیاط در جمع بین نظر هر دو است.

عدم امکان تغییر متولّی توسط واقف پس از تحقق وقف

۵۵۶۱. واقفی قطعه زمینی را برای احداث مدرسه وقف کرده و کیفیت آن را به اختیار امام جمعه ی وقت گذاشته و آن امام جمعه هم متصدّی آن شده، ولی پس از آن، امام جمعه تغییر کرده است.

آیا واقف می تواند آن را تغییر دهد؟

ج. دیگر واقف نمی تواند آن را تغییر دهد.

تقسیم موقوفه مشاع توسط ورثه

۵۵۶۲. اگر واقفی مقدار زمینی را به طور مشاع وقف کند و پس از فوت واقف، ورثه بخواهند آن را تقسیم کنند، آیا اجازه این کار را دارند؟

ج. باید حاکم و ورثه هر دو باشند و اگر ورثه یا بعض از آنها از تقسیم امتناع کنند، حاکم بر آن ولایت دارد.

موقوفه ای که متروک شده است

۵۵۶۳. زمینی که وقف قرآن خواندن بوده است، فعلاً چون آب ندارد بدون استفاده مانده و متروک شده است.

حکم شرعی را دربارهی این موقوفه بیان نمایید.

ج. باید خود آن زمین یا درآمد آن در امر متمحّض در جهت وقف، صرف شود.

وظیفه دیگران در قبال فروش موقوفه توسط مدّعی تولیت

۵۵۶۴. ورثه در مورد موقوفه ای ادّعای تولیت دارند و در آن تصرف می کنند و اصل آن را می فروشند و درآمد آن را صرف می کنند و کمی از آن را صرف عزاداری می کنند.

آیا دیگران وظیفه دارند آنها را مانع شوند؟

ج. باید از اصل وقف و کیفیت آن و جهت وقف تحقیق شود که آیا از مسوّغات (موارد جواز) فروش وقف در آن مورد بوده است یا نه.

مصرف کاشی های امامزاده ای در جای دیگر

۵۵۶۵. کاشی های گنبد امامزاده ای را دارند عوض می کنند و این کاشی ها وقف خاص است.

آیا می توان آن کاشی ها را در امامزاده ای دیگر که در همان حوالیست مصرف کرد؟ با توجه به اینکه اداره میراث فرهنگی از جابجایی منع می کند.

ج. تا در همان جا محل استفاده ای دارد - بعینه یا ببدله، نمی توانند به جای دیگر ببرند.

عدم جواز فروش موقوفه

۵۵۶۶. ملکی وقف روضه خوانی بوده است.

واقف از ترس رضا خان ملعون که مبادا غصب کند، آن را فروخته است.

عالمی به او گفته: نباید می فروختی، حالا به مقدار آن باید جای دیگری را خریداری و وقف کنی. این شخص دو دانگ منزل خود را وقف کرده و اکنون مرده است، ورثه می خواهند خانه را بفروشند. تکلیف مال وقفی چیست؟

ج. دو دانگ خانه را که وقف کرده است، نمی توانند بفروشند؛ مگر در مورد مستثنیات فروش موقوفه.

زمین موقوفه ای که درآمد ندارد

۵۵۶۷. اگر زمینی موقوفه برای روضه خوانی هیچ درآمدی نداشته باشد، چه کنند؟

ج. اگر اجاره هم نمی توانند بدهند باید آن را بفروشند و جای دیگری بخرند که درآمد داشته باشد تا آن را در روضه خوانی صرف نمایند.

موقوفات تاریخی

۵۵۶۸. آیا می توان کتاب ها و وسایل و اموال موقوفه تاریخی را برای حفاظت در موزه نگهداری کرد و در معرض دید بازدید کنندگان قرار داد؟

ج. خیر، باید در مصرف وقف صرف شود و در موارد خاصّه، به حاکم شرع مراجعه شود.

روستاهای موقوفه

۵۵۶۹. نسبت به برخی از روستاها، شبهه ی وقفیت وجود دارد، تکلیف اهالی آن روستا چیست و در صورت احراز وقفیت، اهالی چه باید بکنند؟

ج. تا وقفیت ثابت نشود، تکلیفی ندارند و در صورت احراز وقفیت، باید اجاره ی آنها صرف در مصرف وقف شود، با تعیین متولّی شرعی آن.

نوشتن در کتاب وقفی

۵۵۷۰. کتاب هایی بر اولاد کسی وقف شده است، آیا نوشتن همین مطلب که «کتاب ها موقوفه فلانی بر اولاد خویش است» تصرف غیر جایز در وقف محسوب می شود؟

ج. آن چه به عنوان محافظت از وقف محسوب شود و لازم باشد، اشکالی ندارد.

بهره مندی از آب مکان وقفی

۵۵۷۱. استفاده از آب مکان وقفی که نمی دانیم عمومیست یا خصوصی، چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که همه مردم معمولاً از آن استفاده کنند و مثلاً وضو بگیرند و معلوم نباشد که از روی غفلت و یا عدم مبالات وضو می گیرند اشکالی ندارد، اگر با ساکنین مزاحمت نداشته باشد.

چاه در زمین مشاع

۵۵۷۲. چاهی را در حریم زمین های متعددی که مالکان مختلفی دارد و بعضی از آنها موقوفه است، حفر کرده اند.

برای گرفتن پروانه حفر چاه و مخارج آن، تنها برخی از مالکان اقدام کرده اند.

پس از گذشت سالیان، همگی مالکان ادعای حق در آن چاه را دارند. آیا آنها که در حفر چاه کمکی نکرده و پولی نداده اند، حقّی از آن دارند؟

ج. محتاج به مرافعه ی شرعیه نزد حاکم شرع است.

احکام نذر و عهد

تعریف نذر

۵۵۷۳. نذر چیست؟

ج. نذر آن است که انسان ملتزم شود کار خیری را برای خدا به جا آورد یا کاری را که نکردن آن بهتر است، برای خدا ترک کند.

مطلوبیّت نذر

۵۵۷۴. آیا نذر کردن شرعاً مکروه است یا مستحب؟

ج. از آن جهت که سبب واجب نمودن امور غیر واجب برای انسان می گردد، کراهت دارد و منافاتی با رجحان و استحباب آن از جهات دیگر ندارد، به نحوی که در جای خود توضیح داده شده است.

اذن همسر و پدر

۵۵۷۵. آیا در عهد زن و فرزند، اذن همسر و پدر معتبر است؟

ج. بنا بر احتیاط واجب باید اذن بگیرد؛ ولی بدون اذن هم وضعاً عهد را باید منعقد به حساب آورد.

تفاوت عهد و نذر

۵۵۷۶. لطفاً تفاوت های فقهی بین عهد و نذر را بیان فرمایید؟

ج. به مسأله ی ۲۱۴۶ رساله رجوع شود و در مقدار کفاره هم فرق دارند.

نذر بچه ممیّز بالغ یا نابالغ

۵۵۷۷. آیا نذر بچه ممیّز بالغ یا نابالغ صحیح است؟

و در صورت صحت، اگر نذر او مالی باشد با فرض عدم استقلال و تمکن مالی او وظیفه چیست؟

ج. نذر غیر بالغ صحیح نیست. (و توضیح بیشتر در مسأله ی ۲۱۲۹ و ۲۱۳۱ رساله ذکر شده است.)

زنی که نذر کرده چهل هفته به جمکران برود

۵۵۷۸. خانم هایی که نـذر کرده انـد چهل هفته ی متوالی در مسـجد مقـدس جمکران حضور پیـدا کننـد و اعمال آن را به جا آورنـد، در صورتی که چنـد هفته در ایـام حیض هسـتند، چه وظیفه ای دارنـد؟ از آنجـا که حیـاط مسـجد و سالن مراسم جزو مسجد نیست، آیا باید حضور پیدا کنند؟

ج. اگر نیّت نـذر، داخل شـدن در خصوص مسـجد بوده است و پی در پی بودن متناسب با حال خود را قصـد نموده، نه پی در پی بودن حتّی با حال حیض را، نذر منعقد است و حضور در ایّام حیض لازم نیست و غیر آن حساب می شود.

نذر زن برای آمدن چهل شب به جمکران

۵۵۷۹. خانمی پیش از ازدواج نـذر نموده است که چهل هفته به مسـجد مقدّس جمکران بیاید. حکم سـفر وی جهت ادای نذر بدون اجازه همسر چیست؟

ج. تا وقتی که شروط آن باقی است، واجب است به نذر عمل کند.

نذر زن از پول خودش برای مسجد جمکران

۵۵۸۰. خانمی که بدون اجازه ی شوهر از پول خودش نذر مسجد مقدّس جمکران می نماید، آیا صحیح می باشد؟

ج. بنا بر احتیاط از حیث حکم وضعی نذر منعقد است، گرچه اجازه گرفتن از همسر احوط تکلیفی است.

عهد جهت سیگار نکشیدن

۵۵۸۱. شخصـی گفته؛ خدایا من دیگر سـیگار نمی کشم و اگر سـیگار کشـیدم، فلان مبلغ باید به فقیر باید بدهم. آیا این عهد است و عمل به آن واجب است؟

ج. به مسأله ی ۲۱۴۶ رساله رجوع شود.

عهد جهت شرکت در جماعت

۵۵۸۲. شخصی با اجرای صیغه عهد، شرکت در نماز جماعت را بر خود واجب کرده است؛ لکن در یکی از اوقات به علّت بروز حادثه ای همراه بیماری به بیمارستان مراجعه کرده است (و بنا به گفته ی بیمار مزبور، وی کس دیگری را برای همراهی نداشته است) در نتیجه از شرکت در نماز جماعت محروم شده است.

وظیفه ی او نسبت به نقض عهد شرعی چیست؟

ج. اگر اضطرار داشته، نقض عهد نشده است.

نذر نماز در مسجد به جماعت

۵۵۸۳. نذر کننده ای نذر نموده است که نمازش را در مسجد و به جماعت بخواند.

در مسجد جا نبوده و در حیاط مسجد به جماعت خوانده است.

آیا همین مقدار کفایت می کند؟

ج. از آنجا که عمل به نذر متعذّر است، همان بیرون بخواند کافی است، البته در فرضی که به جماعت در مسجد دیگری هم نمی رسد.

مراد از قید هر چه زودتر در نذر

۵۵۸۴. شخصی عهد شرعی کرده است که کار خیری را هر چه زودتر انجام بدهد، اگر از قیدِ هر چه زودتر انجام دادن تخلّف کند، آیا لازم است پس از زمان تخلّف، آن کار خیر را انجام نماید و آیا این تخلّف موجب کفّاره می شود؟ کفّاره اش چیست؟

و اگر بخواهد در آینده وفای به عهد کند، آیا مقیّد است به هر چه سریع تر انجام دادن یا فقط نفس کارِ خیر باید محقّق شود و در صورتی که قید هر چه زودتر، همواره با عهد انجام کار خیر باشد، به تعداد تأخیرهایی که می اندازد موجب کفّاره است؟

ج. اگر مقصود او فوراً ففوراً نبوده و یک بار انجام دادن کار خیر، مقصود بوده با فرض تخلّف، وفای بعد از آن لازم نیست؛ ولی بنا بر احتیاط آن کار را قضا کند و یک عهد - که منحل به عهدها به تعداد دفعات نشود - بیش از یک تخلّف و بیش از یک کفّاره ندارد و کفّاره ی عهد در مسأله ی ۲۱۴۸ رساله ذکر شده است.

نذر دادن صدقه و انداختن در صندوق

۵۵۸۵. اگر کسی نذر کند صدقه بدهد، چنان چه آن را در صندوق های نصب شده برای صدقه بیندازد، کفایت می کند؟

ج. انداختن در صندوق کفایت نمی کند و باید صدقه بدهد.

تلف شدن گوسفند نذری قبل از زمان نذر

۵۵۸۶. شخصی نذر کرده گوسفند معیّنی را روز هفتم محرم ذبح کند.

اگر روز ششم گوسفند بدون افراط و تفریط تلف شود، آیا نذرکننده باید چیزی جریمه بدهد؟

ج. جریمه ندارد.

زودتر ذبح کردن گوسفند نذریِ در حال مرگ

۵۵۸۷. فردی گوسفندی را نذر کرده که روز هفتم محرّم ذبح نماید، اگر روز پنجم گوسفند مُشرِف به مرگ شود، آیا می شود آن را در روز پنجم ذبح نموده و گوشت آن را در روز هفتم به مصرف رسانید؟

ج. اگر می داند که تا روز هفتم گوسفند تلف می شود، مانع ندارد.

نذر غیر مقدور

۵۵۸۸. بعضی از افراد از زمان کودکی دچار یک سری بیماری های شدید روانی شناخته شده از نظر علم روان شناسی می باشند که ترک آن تنها به مرور زمان و تحت مراقبت های پزشک میسّر است و بازهم شاید موفّق به ترک آن عادات روانی نشوند، حال اگر چنین شخصی در ترک آن عادت نذر کند، آیا چنین نذری منعقد می شود؟

ج. اگر متعلَّق نذر غیر مقدور باشد، نذر منعقد نمی شود.

خواندن قرآن نذری در نماز

۵۵۸۹. شخصی نذر کرده، هر روز یک جزء قرآن را بخواند، آیا می تواند این جزء را ضمن نماز واجب یا مستحبّی انجام دهد؟

ج. مانعی ندارد.

نذر روزه برای گناه

۵۵۹۰. چنان چه فردی نذر کند که اگر فلان گناه را مرتکب شد، روزه بگیرد.

آیا پس از ارتکاب، روزه بر او واجب است یا کفّاره ی نذر؟

ج. در فرض مزبور، نذر به روزه تَعَلُّق گرفته است و باید روزه بگیرد و اگر روزه نگرفت، از نذر تخلّف نموده و کفاره دارد.

نذر آیه الکرسی و اندازه ی آن

۵۵۹۱. اگر نذر کرده آیه الکرسی را بخواند، تا «العلی العظیم» کفایت می کند یا تا «هم فیها خالِدُون» بخواند؟

ج. اگر در نـذرش متعیّن بوده است که آیه الکرسـی همـان آیه ی اوّل از «اللّٰه لاـ اله الّا هو الحی القیّوم» تا «و هو العلی العظیم» است، تا همین جا کفایت می کند و در غیر این صورت، احتیاطاً تا آخر بخواند.

نذورات ائمّه علیهم السّلام و حضرت أبوالفضل – علیه السّلام

۵۵۹۲. نذورات ائمّه طاهرین – سـلام اللّٰه علیهم اجمعین – و نیز حضرت أبوالفضل علیه السّلام که مؤمنین متوسّل می شوند. در صورت احراز رضایت صاحبان پول، آیا می شود صرفِ اموراتی مانند بقعه و عزای حضـرت أبا عبد اللّٰه الحسین علیه السّلام و مثل آن نمود؟

ج. نذورات هر یک از ائمّه ای طاهرین علیهم السّـلام یا حضـرت أبوالفضل علیه السّـلام را می توانید، صـرف مجالس روضه و اطعام برای خود آن حضرت بنمایید، نه دیگری.

فراموشی نذر زیارت عاشورا

۵۵۹۳. فردی نـذر اطعـام در روز معیّن یـا خوانـدن زیـارت عـاشورا در روز معیّن را نمـوده، ولی فراموش می کنـد آن را به جا آورد. آیا قضای آن بر وی لازم است؟

ج. احتیاطاً باید آن را قضا نماید.

مصرف گوشت زیادی نذری در جای دیگر

۵۵۹۴. شخصی نذر کرده پنج گوسفند را در روز هفتم محرم در حسینیه ای معین ذبح نماید و در صیغه نذر قید کرده است که در روز هفتم بایـد مصـرف شود، چنان چه بعد از ذبح گوسـفند و مصـرف آن مقداری گوشت اضافه بیاید، آیا می شود آن را در حسـیتّیه دیگر و در جای دیگر مصـرف کرد؟ یا می شود کنار گـذاشت برای روزهای دیگر یا این که گوشت اضافی را در همان روز بین فقرا و مردم تقسیم نماییم؟

ج. اگر همان روز در همان حسیتّیه مصرف آن ممکن نیست، می تواند در غیر آن روز در همان حسینیه یا در غیر آن مکان در همان روز صرف کند و فرقی بین انتخاب زمان و مکان نیست.

نذر برای اماکن مذهبی غیر معتبر

۵۵۹۵. بعضـی از افراد برای اماکن مشـکوکی نذر می کنند (مانند قدمگاه های منسوب به امیر المؤمنین علیه السّـلام و حضـرت أبوالفضل علیه السّلام)، سپس آن را در خیرات آن محل مصرف می کنند، آیا این کار جایز است؟

ج. باید در محل نذر مصرف شود.

فراموشی نوع نذر

۵۵۹۶. نذر کننده ای نوع نذر را فراموش کرده است.

چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید آن را در امور خیر و نیک صرف کند یا اگر مشتبه در چند عمل عبادی باشد، باید امر عبادی را به جا آورد.

فراموشی متَعَلُّق نذر و آنچه برای آن نذر کرده

۵۵۹۷. شخصی نذر کرده و متَعَلُّق نذر و آنچه برای آن نذر کرده و مقدار آن را فراموش نموده است، وظیفه چیست؟

ج. احتیاطاً مقدار متیقّن را صدقه بدهد.

نذر روزه در سفر

۵۵۹۸. آیا مسافر می تواند نذر روزه کند و در سفر روزه بگیرد؟

ج. اگر نذرش را معلّق بر سفر کرده یا اعم از سفر و حضر نذر کرده است، می تواند در سفر روزه بگیرد.

عدم انحلال نذر فرزند توسط پدر

۵۵۹۹. آیا نذر پسر مشروط به اذن پدر است و آیا پدر می تواند پس از انعقاد نذر آن را منحل کند؟

ج. بنا بر احتیاط واجب مشروط نیست و منحل نمی شود.

نذر زن قبل از ازدواج

۵۶۰۰. آیا نذری که زن قبل از ازدواج کرده، مشروط به اذن شوهر است یا شوهر می تواند رد کند؟

ج. مشروط به اذن شوهر نیست و حق رد آن را ندارد.

نذر بردن هر روزه ی فرزند به حرم

۵۶۰۱. اگر کسی نذر کند در صورت برآورده شدن حاجتش، فرزند خردسال (دوساله) خود را هر روز به حرم ببرد، آیا این نذر منعقد است؟

با توجه به زحمت و مشقّتی که برای فرزند هست آیا ولایت پدر آن قدر توسعه دارد که چنین نذری را درباره ی فرزندش

بنماید؟ اگر این نذر منعقد شود، حنث آن چگونه است؟

آیا برای هر روز که تخلف کند، یک حنث می آید یعنی در هفته، هفت حنث و هفت کفاره می آید یا اینکه با یک تخلف، نذر رأساً حنث شده است؟

ج. در اوقاتی که ضرر دارد یا بچه مریض است، بردن او جایز نیست و در اوقات دیگر باید او را ببرد و اگر با علم و عمد از نذر تخلّف کند، کفّاره دارد و نذر مذکور منحل می شود که در صورت تخلّف، کفّاره متعدّد دارد.

نذورات مکان های متبرکه ی غیر معتبر

۵۶۰۲. بنا به گفته های مردم یکصد سال پیش تاکنون در محلی حوالی یک روستا، در جوار درختی مدفنی می باشد و بعداً یکی از اهالی محل فوق خواب دید و به نام سیّد محمد تغییر یافت. کسی نام والدینش را نمی داند و هیچ گونه سندی در دسترس نیست. مردم غروب جمعه زیر درخت شمع روشن و نذر می نمودند. باز بنا به گفته ها در بعضی مواقع نذرشان اجابت می شد.

زمان تعریض جاده، ۲۵ سال پیش درخت را قطع نمودند. اکنون با درست نمودن سرپناه چوبی و با بستن پارچه سبز به دور آن، مردم جهت ادای احترام به محل فوق مراجعه و فاتحه خوانی می نمایند. در ضمن کنار سرپناه فوق، صندوق نذورات نصب می باشد و تاکنون مبالغی جمع آوری شده است.

۱) آیا می توانیم در محل فوق با توجه

به احتمال مجدّد تعریض جاده، بنای متبرکه به نام «سید محمد» احداث نماییم؟

۲) آیا می توانیم در محل فوق به نیّت حضرت ابو الفضل العباس علیه السّلام، بنای متبرکه احداث نماییم؟

۳) آیا می توانیم مبلغ فوق یا مقداری را به صورت بلاعوض جهت ساخت مسجد و حسینیه محل استفاده نماییم؟

۴) آیا می توانیم مبلغ فوق یا مقداری را به صورت قرض الحسنه جهت ساخت مسجد و حسینیه محل استفاده نماییم؟

۵) آیا می توانیم مبلغ فوق یا مقداری را به صورت بلاعوض جهت کارهای عمرانی و آبادی محل استفاده نماییم؟

تکلیف شرعی ما نسبت به محل فوق و نذورات جمع شده و نذورات آینده را مشخص نمایید.

ج. مانعی ندارد، با عدم معلوم بودن مصرف، نذورات مزبور و هدایا صرف ساخت حسینیه و روضه خوانی و اطعام دادن بشود و اللّه العالم.

تردید در مکان نذر

۵۶۰۳. شخصی نذر کرده است و مقدار نذر را می داند ولی در مورد محل و مکان مصرف نذر بین یکی از سه مکان مردّد است، مثلاًـ حرم حضرت رضا علیه السّلام یا حضرت معصومه علیها السّلام یا حضرت عبد العظیم علیه السّلام. تکلیف این شخص چیست؟

ج. احتیاطاً بین سه محل توزیع کند.

صرف وجوه خیر در ساخت مناره و تزیینات مسجد

۵۶۰۴. اگر کسی پولی را به عنوان صرف در امور خیریه و قربةً الی اللّه پرداخت نماید، آیا می شود در ساخت مناره و تزیینات مسجد خرج نمود؟

ج. احتیاط است که در ضروریّات مسجد باشد، مگر با اجازه ی دهنده.

صرف وجوه پرداخت شده برای حضرت مهدی علیه السّلام در مسابقات مهدویّت

۵۶۰۵. آیا پول هایی که مردم برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا به عنوان بیمه ی امام زمان علیه السّلام پرداخت می نمایند، می توان در برگزاری مسابقات فرهنگی اعتقادی، جهت ترویج فرهنگ مهدویت مصرف نمود؟

ج. در موارد اطمینان به رضایت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف مانعی ندارد.

کفّاره ی نذر و کفّاره ی یمین

۵۶۰۶. آیا کفّاره ی نذر با کفّاره ی یمین (قسم) یکیست یا فرق می کند؟

ج. به مسأله ی ۲۱۳۷ و ۲۱۲۱ رساله رجوع شود.

نذر اهل کتاب برای حضرت أبوالفضل – علیه السّلام

۵۶۰۷. مرسوم است بین بعض اهل کتاب در موارد گرفتاری برای حضـرت أبوالفضل العبّاس علیه السّلام نذر می کنند، آیا نذر آنها منعقد می شود؟

ج. نذر کافر منعقد نمی شود.

عدم توانایی انجام نذر به علّت پیری

۵۶۰۸. شخصی نذر کرده سالی ده بیست روز، روزه بگیرد؛ ولی اکنون به علّت کهولت توان آن را ندارد، وظیفه اش چیست؟

ج. ظاهراً نذرش ساقط می شود.

نذر با کتابت

۵۶۰۹. آیا نذر کردن با کتابت منعقد می شود؟

ج. ظاهراً منعقد نمی شود؛ مگر مثل کفایت اشاره از کسی که توانایی سخن گفتن ندارد، باشد.

صیغه فارسی نذر

۵۶۱۰. صیغه نذر فارسی را مرقوم فرمایید؟

ج. به قصد قربت و نزدیک شدن به خداوند متعال بگوید:

برای خداوند، به عهده من باشد که فلان کار را انجام دهم.

صرف صندوق به نام حضرت أبوالفضل علیه السّلام در خیرات

۵۶۱۱. صـندوقی به نام حضرت أبوالفضل علیه السّلام در مغازه ی شخصیست و مردم به نام حضرت پول می ریزند و اسمی هم از نذر نمی برند، آیا جایز است در امور خیریّه مصرف شود؟

ج. احتیاط در اینست که به مصارفی که نسـبت به حضـرت أبوالفضل العبّاس علیه السّلام دارد، مانند مجالس عزاداری ایشان و کمک به زایرین آن حضرت مصرف شود.

مراد از قربانی در نذر

۵۶۱۲. شخصی نذر می کند که قربانی بدهد و خانواده ی فقیری برای عروسی نیاز به گوشت دارد. می تواند گوسفند بخرد و به آنها بدهد؟ فقط گوشت یا مرغ بدهد چه طور است؟

ج. اگر گوسفند بدهد و ذبح کنند اشکال ندارد، ولی گوشت و مرغ کفایت نمی کند.

فراموشی روزه ی نذری بعد از سهل انگاری

۵۶۱۳. شخصی نذر می کند که در ایّام هفته یک روز را روزه بگیرد.

چون وسعت وقت بوده، سهل انگاری می کند و روز آخر هم فراموش می نماید، وظیفه اش چیست و فرقی هم بین روزه و غیر روزه هست یا نه؟

ج. در فرض مرقوم، تخلّف نذر نشده است و قضای روزه را به جای آورد.

نذر صدقه برای ترک نماز شب

۵۶۱۴. شخصی نذر کرده اگر نماز شب را نخواند، مبلغی به فقیر صدقه بدهد. اگر نماز شب ترک شد، فقط آن مبلغی که نیّت کرده به ذمّه اش می آید یا کفّاره ی نذر را هم باید بدهد؟

ج. فقط مبلغ را باید بدهد.

قطع عمل نذری با وسعت وقت

۵۶۱۵. اگر وقت نذر وسیع باشد و انسان شروع به انجام آن نماید، آیا می تواند قطع کند و پیش از انقضای وقت آن را انجام دهد؟

ج. مانع ندارد.

ادای نذر قبل از وقت آن با علم به عدم تمکّن در وقت

۵۶۱۶. اگر انسان بداند هنگام ادای نذر به علّتی قادر به انجام آن نیست، آیا اگر قبل از وقت یا بعد از وقت آن را ادا کند، اشکال دارد؟

ج. اگر می تواند باید در وقتی که تعیین کرده آن را انجام دهد و چنان چه در تمام وقت قدرت ندارد، نذر منحل می شود.

نذر صدقه برای ترک سیگار شوهر

۵۶۱۷. اگر زنی نذر نماید که اگر شوهرش ترک سیگار کند، خرج هر هفته ی سیگار او را صدقه دهد و شوهر مدّتیست ترک کرده است.

آیا بر زن از اوّلین هفته واجب است یا تأخیر جایز است و در صورت تأخیر آیا قضا و کفّاره دارد؟

ج. نـذر زن بـدون اجازه ی شوهر بنا بر احتیاط واجب منعقد می شود. بنا بر این اگر ادای نذر مقیّد به هفته یا وقت معیّن باشد، باید به همان عمل کند و این هم در صورتیست که صیغه نذر جاری شده باشد.

موارد وجوب نذر

۵۶۱۸. نذر در چه صورتی واجب می شود؟

ج. عمل بر طبق نذر واجب است، ولی خود نذر کردن واجب نیست. به مسائل نذر (۲۱۲۸ به بعد) در رساله مراجعه شود.

انحلال نذر

۵۶۱۹. مراد از انحلال نذر چیست؟

و موارد انحلال کدام است؟

و آیا در صورت انحلال و تخلّف نذر، کفاره بر هر فرد واجب است؟

ج. مراد از انحلال، سقوط نـذر از وجوب عمل به آن است، مثلاً اگر نـذر برای ترک مطلق فعلی باشـد، با تخلّف از آن کفاره واجب است ولی نذر پس از آن منحل می شود و هم چنین اگر در وقت عمل، کار نذر شده شرعاً مرجوح شود، نذر منحل می شود و معنای دیگر انحلال نـذر، تعـدّد واقعی نـذر به تعـداد دفعات و افراد است، مثل این که نـذر کند هر هفته کاری را انجام دهد و یا به طور مستمر سیگار کشیدن را ترک کند و برای هر دفعه سیگار کشیدن، صدقه بدهد که در این صورت برای هر تخلّف، کفاره جداگانه لازم است.

انجام عمل برای رضای خدا

۵۶۲۰. فردی چنین نیّت کرده است:

«در صورتی که مشـکل من حل شـد، برای رضای خدا فلان عمل را انجام می دهم» و عبارت بر عهده من باشد را نگفته است، آیا نذر او منعقد گردیده است؟

ج. اگر منظور انجـام کار مورد رضایت خـدا بوده است، نه واجب قرار دادن کاری که مورد رضای خـداست بر خود، این نـذر شرعی نیست.

افراط و وسواس در نذر

۵۶۲۱. بعضی از افراد به خصوص قشر زنان، گاهی در نذر کردن در یک مورد به حد افراط و وسواس شدید می رسند، به طوری که بعد از گذشت زمان و تأخیر در برآورده شدن، با شنیدن موارد جدید نذر، آنها را نیز به نذر خود اضافه می نمایند. آیا وفای به همه ی آنها لازم است و همه ی آنها منعقد شده است یا فقط همان نذر اوّلی منعقد گردیده است؟

ج. اگر صیغه شرعیّه ی نذر را نخوانده اند وظیفه ای ندارند و اگر با صیغه، نذرهایی را منعقد نموده اند، وفای به همه ی آنها لازم است.

استفاده از نذورات با درآمد نامشروع

۵۶۲۲. استفاده از نذوراتی که از پول های نامشروع تهیه شده است، چه صورت دارد؟

ج. اگر از عین مال نامشروع باشد، استفاده از آن جایز نیست.

خرج کردن نذر در موارد خیریه

۵۶۲۳. آیا می توان به جای ادای نذری که نوع و زمان آن را مشخص کرده ایم، پول آن را در دیگر موارد مذهبی و خیریّه خرج کنیم؟

ج. خیر، باید طبق نذر عمل شود.

تبدیل نذر

۵۶۲۴. شخصی نذر کرده هر سال در عاشورا به عزاداران شربت بدهد، اگر عاشورا مصادف با زمستان سرد شود و دوران فصل مصرف شربت در نزد مردم مطلوب نباشد، آیا می تواند نذر خود را عوض کند.

ج. نوشیدنی مناسب هر فصل، مثل شیر و غیر آن را بدهد.

عبارت قسم به جای نذر

۵۶۲۵. آیا با این جمله (به خدا قسم اگر ...) نذر محقق می شود؟

ج. خیر، اما با وجود شرایط، می تواند احکام قسم را که در رساله مذکور است، داشته باشد (به مسأله ی ۲۱۲۲ رجوع شود.)

فراموش کردن نذر خود

۵۶۲۶. حکم فردی که نمی داند نذرش چه بوده است چیست؟

ج. مطلق خیرات کفایت می کند.

ادا نکردن نذر در وقت معین

۵۶۲۷. شخصی که نذری با وقت معینی نموده، اگر در آن وقت معین، آن را ادا نکند، تکلیف چیست؟

ج. اگر تخلف بدون عذر باشد، کفاره واجب است و باید فی الجمله قضا هم نماید.

انجام ندادن نذر به علت بیماری

۵۶۲۸. اگر کسی به جهت بیماری نتوانست به نذر عمل کند، آیا کفاره بر او واجب است؟

ج. چون عذر داشته، کفاره ندارد.

نذر خون ریختن

۵۶۲۹. آیا ریختن خون (صرفاً سر بریدن قربانی) امری راجح است و نذر به آن تعلق می گیرد؟ مثلاً برخی نذر می کنند در مقابل دسته ی عزای امام حسین خون بریزند و پس از برآورده شدن حاجت خود، هر سال مقابل دسته عزا سر گوسفند را می برند و گوشت آن را خود و خانواده خود مصرف می کنند، آیا عمل آنان مشروع است؟

ج. بله، مشروع است.

کفاره نذر

۵۶۳۰. کفار تخلف نذر چیست؟

ج. به مسأله ی ۲۱۳۷ رساله رجوع شود.

انجام چند نذر با یک عمل

۵۶۳۱. اگر چند نفر به یک شخص پول بدهند تا در شب عاشورا روضه امام حسین علیه السّلام بخواند، آیا با یک روضه می تواند نیّت تمام آن نذرها را بنماید، یا باید برای هر یک روضه جداگانه ای بخواند؟

ج. باید برای هر کدام روضه ی جداگانه بخواند.

نذر قمه زدن به فرزند

۵۶۳۲. فردی نذر کرده که اگر خداوند فرزندی به وی عطا نمود، هر سال در روز عاشورا به سر وی قمه بزنند، آیا نذر او صحیح است و در صورت صحّت از همان بدو تولد باید به این نذر عمل کند؟

ج. تا عسر و حرجی نباشد، به نذرش عمل کند.

وحدت یا تعدّد کفاره

۵۶۳۳. به نظر حضرت عالی، برای هر بار تخلف از نذر یک کفاره واجب می شود یا پس از اوّلین تخلف، کفاره واجب می شود و پس از تخلف های بعدی چیزی بر عهده نذرکننده نیست؟

ج. هر تخلّفی، کفاره ی جدایی دارد؛ مگر این که نذر به نذرهای متعدّد منحل نشود، مثل نذر بر ترک مطلق یا فعل مطلق نه هر دفعه فعل یا ترک.

اضافه نذورات یک محل

۵۶۳۴. برخی از مساجد، امامزاده ها و اماکن متبرّکه، نذورات فراوان و بیش از نیاز سالانه و متداول خود دارند، پس از هزینه بخشی از نذورات در مصارف ضروری همان محل، اضافه آن باید صرف چه اموری شود؟

ج. برای نیازهای مترقّبه در آینده، برای همان محل نگهداری کنند، مثل تعمیرات یا توسعه آن محل و در صورتی که هیچ نیازی به عین یا مالیت آن نباشد، صرف آن در مسجد دیگر یا امامزاده دیگر مانع ندارد.

تبدیل چیزی که نذر کرده اند

۵۶۳۵. آیا کسی که نذر کرده فلان شب به عزاداران غذا بدهد، حتماً باید آن را بپزد یا می تواند گوشت و برنج و روغن را بین عزاداران تقسیم نماید؟

ج. اگر غذای پخته را نذر کرده، باید آن را بپزد و بدهد.

۵۶۳۶. برخی از مردم در گذشته نذرهایی متناسب با آن زمان نموده و به آن عمل می کردند، مثل آب دادن به عزاداران با مشک، روشن کردن شمع در امامزاده و ... که برخی از آن موارد در این زمان از امور مرجوح و مصداق اسراف به شمار می رود، آیا ادامه چنین نذرهایی لازم است؟

ج. اگر نذری از تمام جهات مرجوح شد، لازم نیست به آن عمل شود، اما در فرض سؤال، به صورت های غیر مرجوح در رابطه با آن نذر عمل کند.

نذر زیارت عاشورا

۵۶۳۷. اگر کسی نذر کند که زیارت عاشورا بخواند، آیا باید با صد لعن و صد سلام بخواند یا بدون آن نیز کافی است؟

ج. باید زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخواند.

مباشرت در نذر

۵۶۳۸. آیا در انجام نذر مباشرت نذرکننده لازم است؟

و مثلاً اگر غذایی که نذر کرده یا صلوات ها و قرآن نذر شده او را فرد دیگری انجام دهد، عمل به نذر او تحقق یافته است؟

ج. مباشرت لازم است، مگر این که نذر به گونه ای باشد که شامل استیجار و استنابه و قبول از متبرّع باشد.

احکام احیای موات

احیای مراتع استفاده شده

۵۶۳۹. آیا جایز است مراتع و چراگاه ها را که چندین سال مورد استفاده قرار گرفته است، احیا کرد؟

ج. اگر حریم روستایی باشد یا مالکی دارد که از آن اعراض نکرده است، احیای آن جایز نیست.

آب چاه

۵۶۴۰. بعد از چند سال زحمت، آبی از چاه برای زراعت بیرون آورده ام، آیا این آب جزو انفال است یا مُتَعَلِّق به خودم؟

ج. اگر قصد تَمَلُّک کردید، مُتَعَلِّق به خودتان است.

حریم خانه ها

۵۶۴۱. کسانی که در دامنه ی کوه یا تپّه خانه می سازند، آیا حق دارند از احیای زمین های بالاتر از خانه ی خودشان در دامنه ی کوه یا تپّه - به عنوان حریم - ممانعت کنند؟

ج. حریم خانه مقداری از زمین است که نوعاً در بهره مندی و استفاده از آن خانه مورد احتیاج است.

ادّعای وقفیّت اراضی موات

۵۶۴۲. آیا اراضی موات - که هیچ گونه فعّالیت کشاورزی و احیا و عمران بر روی آن صورت نگرفته و اکنون در اختیار هیأت واگذاری زمین است، می تواند وقف باشد و فردی ادّعای وقفیّت آن را بنماید؟

ج. اراضی موات که سابقه ی ملکیت ندارند، قابل وقف نیستند و اختلاف موضوعی باید در محاکم شرعیّه، حل و فصل شود.

ملکیّت حریم ملک

۵۶۴۳. حریم ملک از آن کیست؟

ج. قول مشهورتر بین فقها، آن است که حریم ملک به تبعیّت از خود ملک، متعلق به صاحب حریم ملک است.

میزان از بین رفتن عمران

۵۶۴۴. آیا اگر مالکِ زمین؛ آن را تا سه سال زراعت و عمران نکرد، دیگران می توانند تصرّف کنند؟

ج. حکم مالکیت باقی است، مگر یقین به رضایت مالک باشد.

فروش موات سنگ چین شده

۵۶۴۵. آیا زمین مواتی را که سنگ چین شده، می توان فروخت؟

ج. فروش زمین موات صحیح نیست، هر چند سنگ چین شده باشد و تحجیر (سنگ چین کردن) در صورتی حق می آورد که به قصد احیا باشد و انتقال این حق به دیگری با صلح و مانند آن مانعی ندارد.

آبادی حریم بدون اذن

۵۶۴۶. اگر شخصی یا گروهی در حریم ملکی بدون اجازه ی صاحب حریم، سنگ چینی و دیوارکشی یا آبادی ایجاد کنند و از طرف دیگر صاحبان حریم در ابتدا با وجود اطّلاع و عدم رضایت، مانع نشوند؛ امّا بعداً مخالفت خود را اظهار کنند، آیا در این صورت تحجیرکننده و آبادکننده مالک می شود یا نه؟

ج. حریم، قابل تحجیر یا احیا نیست و با دیوارکشی و سنگ چین کردن متعلَّق حق تحجیرکننده (سنگ چین کننده) نمی شود و احیای آن، موجب ملکیّت احیا کننده نمی گردد.

چشمه سارها

۵۶۴۷. حق تقدّم استفاده از آب چشمه هایی که به صورت سنتی و بدون قرارداد مکتوب مورد استفاده قرار می گیرند چیست؟

ج. چشمه ها هم فی الجمله می توانند مالک شرعی یا مالکینی داشته باشند و شرط آن مکتوب بودن نیست.

احکام غصب

لزوم عودت زمین های اخذشده ی به ظلم

۵۶۴۸. شخصی مالک زمین های روستایی بوده است، دولت ظالمی متعرّض آن روستا می شود، مالک از ترس، زمین ها را به دولت ظالم تسلیم می کند، دولت ظالم مالک را می کشد، زمین ها را، زمین های دولتی اعلام می کند و در اختیار کشاورزان قرار می دهد. پس از این، کشاورزها این زمین ها را به دیگران می فروشند و خریدارها به نام خودشان ثبت می کنند، حکم تصرّف های انجام شده بر زمین ها چیست؟

ج. این تصرّفات تماماً عدوانی و غصبی است، از آن دولت ظالم تا دیگران و باید به مالکین اصلی برگردانده شود.

چگونگی پرداخت قیمت غصب

۵۶۴۹. آیـا در پرداخت قیمت چیز غصبی که از بین رفته، قیمت هنگـام مطـالبه ملاـک است یا بالاترین قیمت از زمان غصب تا زمان پرداخت؟

ج. قیمت زمان مطالبه باید پرداخت شود، بلکه خالی از وجه نیست که بالاترین قیمت از زمان غصب تا زمان پرداخت را بدهد، اگر چه احتیاط در اینست که روی یکی از قیمت هایی که آن چیز در این فاصله پیدا کرده یا متوسط آنها با هم صلح نمایند.

تصرف در زمین های حریم روستا

۵۶۵۰. زمین هـای زیـادی در کنـار روسـتایی یا قلّه کوه یا کف رودخانه که از روستا دور است، قرار دارد که ده کیلومتر مربّع وسعت دارد. کشـاورزان روسـتا ادّعـای مالکیّت آنها را دارنـد. آنان مـدرک دست نویس دارنـد که جـد آنها، آن زمین ها را خریده است، تصرّف دیگران در چنین زمین هایی چه صورتی دارد؟

ج. با ثبوت سابقه ی ملکیّت، تصرف در آن بدون رضایت مالک جایز نیست.

تصرّف عدوانی در زمین یهودی ها

۵۶۵۱. زمینی برای چنـد نفر یهودی بوده است، یکی از نهادها یا ارگان ها آن را می گیرد و تقسـیم می کنـد، مالکین شـکایت کردند و مؤثر نشد، حکم زمین های مذکور چیست؟

ج. رضایت مالک برای تصرف در آن شرط است.

منزل مصادره شده از بهایی

۵۶۵۲. این جانب دانشـجوی بورسـیه دانشـگاه وزارت دفاع می باشم که در ترم تحصیلی جاری، ما را در یک خانه مصادره ای اسـکان داده انـد، بـا توجه به این که این خـانه متَعَلُّق به فردی بهـایی بوده که اوایل انقلاب به خارج فرار کرده و منزل مصادره شده است، حکم نماز، وضو، غسل و دیگر مسائل شرعی در این خانه، به چه صورت می باشد؟

ج. اگر بدانند که بهایی بوده، اشکالی ندارد، به شرط این که از آنها نباشد که حین ارتداد، اموال او به وارث وی می رسد.

سوار کردن دیگری به وسیله نقلیه دولتی، هنگام مسافرت

۵۶۵۳. کارمند دولت یا شـرکتی با وسـیله ی نقلیه ی آن شـرکت، مسافرت می کند و شـخص دیگری را هم سوار می کند، آیا اشکال دارد؟

ج. اگر سوار شـدن دیگری، سـبب زیادتی خرج وسیله نشود و هیچ تأثیری در سـفر شـغلی نداشـته باشد، اینجا کشف رضایت مالک می شود، یعنی در صورتی که بفهمند او مسافر سوار کرده راضی هستند.

عبور از معابر عمومیِ غصبی

۵۶۵۴. زمین های کشاورزی یا مسکونی و تجاری که مالکین آنها افراد زیادی بودند و آن زمین ها را به خیابان، کوچه و معابر عمومی تبـدیل کرده انـد، آیـا رفت و آمـد برای عابرین که نه غاصب هسـتند و نه جری بر غصب غاصبین می کننـد و چه بسـا مضطر به عبور از آنجا باشند، جایز است؟

ج. ملکیّت زمین هـای @مفتوح العنوه (آن چه از انفـال نیست) به تبع ملکیّت بنـاست و بـا تخریب بنا، دیگران که از آن زمین عبور می کننـد، غاصب نیسـتند و در غیر آن زمین ها، اگر مالکین بر باز پس گیری قدرت دارند یا نرفتن یا رفتن شـخص اثری در غصب غاصب دارد – ماننـد اینکه همه از آنجا نروند – که در این فرض عبور از آنجا حرام است؛ ولی اگر اجتناب شـخص هیـچ اثری در غصب نـدارد، اگر تصـرف او جزیی و مختصـر باشـد، به گونه ای که اگر اجرت آن را به مالک بدهـد، چه بسا اجرت را قبول نکنـد، از طرف او صدقه بدهد و اگر تصـرف او زیاد باشد، باید اجرت آن را به مالکین بپردازد و اگر دسترسـی به آنها ندارد، صدقه بدهد، یا اگر مالک مرده و ورثه هم معلوم نیست، برای آن مرده فاتحه یا خیرات و @مبرّات بفرستد.

واگذاری زمین توسط شهرداری برای مسجد و پیدا شدن مدّعی

۵۶۵۵. قطعه زمینی از طرف شهرداری جهت احداث مسجد به هیأتی واگذار گردیده است.

اخیراً شخصـی مـدعیست که مالک زمین است و شـهرداری به زور زمین را از او خریده است، آیا نماز خواندن در این مسـجد جایز است؟

ج. اگر مغصوب بوده و راضی نباشد، مسجد نمی شود؛ ولی بهتر است مالک اصلی، اصل زمین مسجد را رضایت دهد.

تصرف غاصبانه مستأجر بعد از انقضای اجاره

۵۶۵۶. اگر زمان اجاره مغازه، منقضـی شود و مستأجر نتواند مالک را به اجاره مجدد راضی نماید و مالک بگوید راضی نیستم لحظه ای تصرف نمایید، آیا متصرّف غاصب عن علم و عمد می باشد؟

ج. از زمان مطالبه ی مالک، غاصب محسوب می گردد و مانند تصرف بدون اجاره است.

تعزیر غاصب

۵۶۵۷. غاصب که با علم و عمد مرتکب غصب شده، آیا باید تعزیر شود؟

ج. تعزیر در گناه کبیره و با تشخیص حاکم شرع است.

وجوب فوری تخلیه محل مغصوب

۵۶۵۸. آیا غاصبی که عالم به غصب است، باید محل غصب شده را فوری تخلیه نماید؟

ج. باید فوراً تخلیه و به مالک رد نماید.

ضمان غاصب نسبت به منافع مغصوبه

۵۶۵۹. اگر مالک برای دست یافتن به منافع مغصوبه متضرر شود، آیا باید به حکم «المغرور یرجع الی من غر.»؛ (فریب خورده باید به آن که وی را فریب داده بازگردد.)

تمام مقدار ضرر خود را از غاصب عن علم و عمد بگیرد؟

ج. در صورتی که راه وصول به آنها به تضرّرها منحصر باشد، به مقداری که متحمّل شده است، غاصب ضامن می باشد و اللّٰه العالم.

خرید زمین با پول حرام

۵۶۶۰. آیا زمینی که با پول حرام خریده شود، حکم زمین غصبی را دارد؟

ج. چون معاملات به ذمّه واقع می شود، زمین حکم غصب را ندارد.

وسایل سرقتی کشف شده

۵۶۶۱. بسیاری از وسایل سرقتی که پس از مدتی کشف می شوند، قابل شناسایی توسط مال باختگان نیستند، با توجه به این که بی استفاده گذاشتن چنین وسایلی اعم از اتومبیل و ... موجب استهلاک و فرسودگی آنها می شود، تکلیف چیست؟

ج. مجهول المالك است که با محصور و محدود بودن مالکین، مصالحه می کنند و تعیین با قرعه هم محتمل است.

حکم اموال بهاییان داخل کشور

۵۶۶۲. بهاییانی که در کشور اسلامی هستند، آیا در امان بوده و تصرف در اموال آنان حرام است؟

ج. خیر.

دادن غذای غصبی به مهمان

۵۶۶۳. اگر کسی غذای غصبی را به مهمان بدهد؛ در صورت جهل مهمان به غصبی بودن غذا، آیا غاصب ضامن است یا مهمان و آیا این غذا اثر وضعی منفی بر مهمان خواهد داشت؟

ج. ضامن اصلی همان غاصب است و اگر مالك از مهمان گرفت، او هم از غاصب می گیرد و اثر وضعی هم امر طبیعیست که با انجام وظیفه قابل ارتفاع است.

تغییر در مال غصبی

۵۶۶۴. اگر در مال غصبی به طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود، مثلاً- زمینی را احیا کرده یا آن را بسازد یا طلا- را گوشواره کرده باشد و یا اتومبیلی را تعمیر نموده باشد و ... چنان چه صاحبش مال را به همین صورت طلب کند، آیا می توان هزینه های انجام گرفته برای آن را از وی طلب نمود؟ و اگر آن را به صورت اوّل خواست، تکلیف چیست؟

ج. در این رابطه به مسأله ی ۲۰۴۳ و ۲۰۴۵ رساله رجوع شود.

رد مظالم

مراد از رد مظالم

۵۶۶۵. رد مظالم چیست؟

آیا می توان آن را به حساب کمیته امداد، هلال احمر یا خزانه ی دولت واریز نمود؟

ج. آنچه در ذمّه ی انسان، از اموالی باشد که نمی تواند به صاحبانش برساند، صدقه آنها با تشخیص مکلّف و مسؤولیّت او انجام داده می شود.

نحوه محاسبه رد مظالم

۵۶۶۶. اگر انسان بخواهد از طرف خود یا دیگری رد مظالم بدهد، آیا باید قیمت روز را محاسبه کند یا قیمت وقت تلف را ملاك قرار دهد؟

ج. در ما به التفاوت قیمت احتیاطاً با حاکم شرع باید مصالحه کند.

چگونگی ادا کردن حق النّاس

۵۶۶۷. چگونه می توان حق النّاس را ادا کرد؟

ج. تا ممکن است، باید صاحبان حق را پیدا کند که حق آنها را به خودشان یا ورثه شان برساند و در غیر این صورت از طرف آنها رد مظالم دهد، با اجازه ی از حاکم شرع، علی الاحوط.

مطالعه نمودن مجلّه و کتاب بدون اذن مالک

۵۶۶۸. دختری در زمان کودکی بر اثر علاقه شدید به مطالعه و عدم امکان مالی، مجلّه ای را از یك مجلّه فروشی بدون اجازه

ی صاحب آن بر می داشت و به منزل می برد و پس از مطالعه دوباره به جایش بر می گرداند. اکنون از آن عمل پشیمان است و قصد دارد مجلّه فروش را راضـی کند ولی پیدا کردن او موجب عسـر و حرج می باشد و در آن مجلّه فروشی جوانان دیگری هم هسـتند و نمی خواهـد با آنها روبرو شود، اکنون اگر مبالغی پول به عنوان صدقه به نیّت شـخص مزبور بپردازد، کفایت می کند؟

ج. باید به عنوان رد مظالم، مقدار اجره المثل استفاده ی از آن را با اجازه ی حاکم شرع صدقه دهد بنا بر احتیاط واجب.

کفش های به جا مانده در زیارتگاه ها

۵۶۶۹. در بعضی از زیارتگاه ها، تعداد زیادی کفش گمشده موجود است، حکم این کفش ها را بیان فرمایید.

ج. بر وجه مشترک بین لقطه و مجهول المالک رفتار شود.

اجناس و وسایلی که در سرزمین های غیر اسلامی یافت شود

۵۶۷۰. وسایل قیمتی که در سرزمین های غیر اسلامی پیدا می شوند، چه حکمی دارند؟

ج. اگر احتمال عقلایی ندهد که برای مسلمان یا کسی که اسلام مال او را محترم می داند است، حلال و مباح است.

وسایلی که در مدارس به جا می ماند

۵۶۷۱. تعـدادی از وسایل طلّاب از قبیل دوچرخه، میز و کتاب، باقی مانده است که صاحبان آنها معلوم نیسـتند و مدّت طولانی است که بدون اسـتفاده می باشند، به طوری که در بعضی از آنها احتمال فساد می باشد و مدرسه هم جهت یافتن صاحبان آنها مدّتی اعلام کرده است.

پس از اتمام این مدّت اسـتفاده ی طلّاب از این وسایل چگونه است و آیا برای اسـتفاده، اجازه ی از تولیت مدرسه شرط است؛ با توجّه به این که از قوانین مـدرسه اینست که اگر تا مـدّت دو سال طلّاب وسایل خود را از مـدرسه انتقال ندهنـد، مدرسه حق تصرف در آنها را دارد؟

ج. اگر در مقرّرات مـدرسه بـا صاحبان اموال تفاهم شـده و رضایت داده انـد، مطابق مقرّرات مـدرسه عمل کننـد و در غیر این صورت، در فرض مسأله، حکم مجهول المالک مترتّب است که باید از طرف صاحبان آنها به فقیر داده شود.

تصرّف در مجهول المالک با اذن

۵۶۷۲. آیا می توان با اذن حاکم شرع در مال مجهول المالک تصرّف نمود؟

ج. آری، مصرف مجهول المالک، صدقه به فرد فقیر است.

مخلوط شدن پول های بانک ها

۵۶۷۳. پولی که در بانـک هـا به عنوان پس انـداز گذاشـته می شود، بـا پول هـای دیگر بانـک که مخلوط می شود، آیا عنوان مجهول المالک را دارد؟

ج. احتیاطاً از حاکم شرع اجازه بگیرند و این اجازه به طور عام به مقلّدین داده شده است.

لزوم اذن برای پرداخت رد مظالم

۵۶۷۴. آیا اجازه برای پرداخت رد مظالم حتماً باید از مرجع تقلید، یعنی مرجع اعلم هر زمان باشد یا می توان از مجتهد دیگری غیر از مرجع تقلید اجازه گرفت؟

ج. در اجازه دهنده، اجتهاد و عادل بودن لازم است و در صرف کننده، مطابقت مصرف با تقلید صحیح لازم است.

صرف رد مظالم در پل سازی

۵۶۷۵. آیا رد مظالم را می توان در راه های خیر و عام المنفعه – مانند پل سازی و ... –

صرف نمود؟

ج. می توان ولی احتیاطاً باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

بدهکاری قبل از بلوغ

۵۶۷۶. در سن

۱۳ – ۱۴ سالگی مقدار کمی بدهکاری بر ذمّه ی من قرار گرفت، با توجّه به این که صاحبان اموال را نمی شـناسم، چگونه می توانم جبران کنم؟

ج. اگر مأیوس از شـناسایی آنان هستید مجازید به قصد وظیفه، به فقرا صدقه دهید با اجازه ی حاکم شـرع بنا بر احتیاط واجب و بعد اگر صاحبان اصـلی پیدا شدند، اگر راضـی به صدقه شدند که ذمه ی شـما بری شده است و اگر راضی به صدقه نشدند، باید پول آنها را پرداخت نمایید.

قرض الحسنه منحل شده

۵۶۷۷. صندوق قرض الحسنه ای بین چند نفر دایر بود.

هر یک از آنها اگر پولی داشت، در آنجا می گذاشت تا در کارهای خیر از قبیل مجالس عزاداری و ... صرف شود.

بعضـی از آن پول به عنوان قرض الحسنه گرفته اند و بعضـی از مشترکین معلوم نیست کجا هستند و اکنون آن صندوق قرض الحسنه، وجود خارجی ندارد و بعضی از آن افراد از دنیا رفته اند.

شخصـی که از آن صـندوق قرض الحسـنه گرفته بود نمی داند به کجا پس بدهد، در حالی که خودش هم در آنجا پول داشته است.

مرقوم فرمایید این پول را کجا صرف کند؟

ج. اگر اشخاصـی که در آن سهم دارند را می شناسد - هر چند ورثه ی آنها را - باید راضی کند و اگر نمی شناسد، به حاکم شرع مراجعه نماید و نسبت به سهمی که خودش در مجموع مال داشته در آن شرکت دارد.

احتساب بدهی به جای وجوه شرعی و مظالم عباد

۵۶۷۸. آیا بدهی مستحق را - چه زنده و چه مرده - می توان به جای وجوه شرعی و مظالم عباد حساب کرد؟

ج. می شود، لکن در میّتی که اموال او برای دین پس از کفن کافی باشد، همان مستحق @دیّان است.

بیت المال و حق الناس

حق النّاس و حق اللّه

۵۶۷۹. کسی که نمی داند چه قدر (حق النّاس) و (حق اللّه) بر ذمّه دارد، چه باید بکند؟

ج. به مقدار یقینی آن را باید ادا کند و در مقدار زاید هم احتیاط خوب است.

ضمان حیوانی که خسارت زده

۵۶۸۰. اگر حیوان در روز از طویله خارج شود و به زراعت دیگران خرابی برساند، آیا مالک حیوان ضامن است؟

ج. اگر خروج به نحـو معتـاد و متعـارف برای چرا بـوده، در روز ضـامن نیست؛ امـا اگر مسـتند به کوتـاهی او باشـد که به نحو متعارف مواظبت نکرده، ضامن است.

خسارات مربوط به هزینه ی دادرسی و کارشناسی

۵۶۸۱. خسـارتی که شـخص برای گرفتن حـق خـود - از قبیـل هزینه ی دادرسـی و حـق کارشناسـی و حق الوکـاله و غیر آن - متحمّل شده است، در صورتی که محکوم علیه با علم و عمد آن حق را انکار کرده، می تواند از محکوم علیه بگیرد؟

ج. اگر راه به دست آوردن حق به این امور منحصر باشد، ضامن است.

خسارت تصادفات با تخلّف از مقرّرات راهنمایی

۵۶۸۲. گرفتن خسارت در تصادفات وسایل نقلیه، از فرد خاطی که مقرّرات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرده و موجب تصادف گردیده جایز است یا نه؟

ج. اگر تعدّی باشد، گرفتن اشکال ندارد.

قطع شاخه های درخت همسایه

۵۶۸۳. شاخه های درخت همسایه از دیوار تجاوز کرده و موجب خسارت و زیان به مزرعه ی این جانب شده است.

خواهشمندم نظر اسلام را در این مورد بیان فرمایید؟

ج. اگر برگرداندن آن شاخه ها به ملك او ممکن است، تنها می تواند شاخه ها را به طرف ملك او برگرداند و در غیر این صورت، به صاحب درخت اعلام شود، اگر اقدام نکرد، به اندازه ی ضرر قطع کند.

قطع شدن دست کارگر در کارخانه

۵۶۸۴. دست کارگری در کارخانه لای دستگاه رفته و قطع شده، آیا کارفرما ضامن است یا خیر؟

ج. اگر خود کارگر مقصّر باشد، کارفرما ضامن نیست.

کشته شدن گاو در جادّه و خسارت به ماشین

۵۶۸۵. شخصی با اتومبیل خود در روز، در جاده گاوی را می کشد و به اتومبیل هم خسارت وارد می شود. در صورتی که گاوهای زیادی وجود داشت، آیا راننده قیمت گاو را ضامن است یا نه؟ و همچنین خسارت وارد به ماشین به عهده صاحب گاوست یا نه؟

ج. در صورتی که صاحب گاو در نگهداری گاو کوتاهی نکرده باشد، راننده ضامن است و در غیر این صورت ضامن نیست، بلکه صاحب گاو ضامن خسارت وارده ی بر ماشین است.

ضمان پیش از بلوغ

۵۶۸۶. اطفالی که در سن پیش از بلوغ و تکلیف شرعی، حیوانات و یا اثاثیه ی مردم را تلف می کنند، ضمان آنها به عهده چه کسی می باشد؟

ج. ولی آنها ضامن ادا است، هر چند از مال خود طفل باشد و اگر تا پس از بلوغ ادا نشد، خود او ضامن است.

کم کاری در شرکت و استفاده ی غیر مجاز از امکانات

۵۶۸۷. کسی که در شرکتی کار می کرده، مقداری کم کاری کرده و چند دفعه به صورت غیر مجاز به شهرستان تلفن زده است و خساراتی نیز به وسایل شرکت وارد آورده است.

اگر بخواهد جبران خسارت کند، آیا باید قیمت روز خسارت را محاسبه کند یا قیمت روز جبران خسارت را محاسبه نماید؟

ج. جانب احتیاط را مراعات نماید.

طعمه شدن گوسفندان توسّط گرگ

۵۶۸۸. بعضی از گوسفندداران شخصی را جهت چوپانی گوسفندان اجیر می کنند.

اگر بعضی از آنها یا همه ی آنها طعمه ی گرگ قرار گیرند آیا چوپان ضامن است؟

ج. چوپان اگر در حفظ گوسفندان کوتاهی و تعدّی و تفریط نکرده، ضامن نیست.

از بین رفتن وسایل بیمارستان هنگام آموزش

۵۶۸۹. چنان چه پرسنل بیمارستان یا دانشجویان هنگام کار یا آموزش، سهواً باعث از بین رفتن یا ضرر به اموال بیمارستان شوند، آیا باید شخصاً هزینه ی آن را پرداخت نمایند؟

ج. بله، مگر آن چه متعارفِ در جریان امور بیمارستان بر عدم ضمان باشد.

خسارت به دندان هنگام آموزش

۵۶۹۰. در درمان های دندان پزشکی که توسّط دانشجویان انجام می شود، گاهی باعث خسارت و یا از بین رفتن دندان می شود. چه کسی ضامن است؟

ج. مباشر ضامن است.

مواد کاهش دهنده قوای جنسی در محیطهای جمعی

۵۶۹۱. در محیطهای جمعی - هم چون خوابگاه و ... - برای جلوگیری از شیوع روابط غیر اخلاقی و کاهش قوای جنسی، در غذاهای آنها موادی ریخته می شود که این عمل با مخالفت افراد رو به روست و آنها ناراضی اند، ادامه این کار شرعاً جایز می باشد؟

ج. در غذای کسانی که ناراضی اند، نباید بریزند و در مورد غیر آنها هم باید سبب ضرر نشود.

تصادف بر اثر توقّف اتومبیل با نقص فنّی

۵۶۹۲. اتومبیلی پس از خروج از خیابان فرعی در محل تقاطع (فرعی به اصلی) - به دلیل موجّهی مثل رسیدن مانع یا بروز نقص فنّی - متوقّف می شود. کنترل اتومبیل دیگری که در مسیر اصلی با سرعت غیر مجاز در حرکت بوده، از دست راننده خارج شده و با اتومبیل در حال توقّف، تصادف و خسارت زیادی وارد می کند.

مرقوم فرمایید حکم شرعی را که کدام یک از صاحبان اتومبیل ضامن است؟

ج. ظاهراً راننده متوقّف شده در تقاطع ضامن است، مگر آن که ثابت شود اگر دیگری تخلّف نمی کرد، تصادف نمی شد یا آن که هر دو از روی تقصیر یا قصور سبب بوده اند، که احتیاطاً مصالحه نمایند.

خسارت در اثر سهل انگاری

۵۶۹۳. تعاونی مصرف از یک فردی برای کالایش انباری را اجاره کرده است، صاحب ملک شلنگ را از نزدیک درب انبار برده و برای اتصال شلنگ از بست های محکم استفاده نکرده، بلکه سیم های عادی به کار برده و به همین جهت شلنگ درآمده و به کالای مستأجر در انبار خسارت وارد نموده است.

آیا صاحب ملک ضامن است یا نه؟

ج. در این صورت که مالک کوتاهی کرده و در اثر کوتاهی او بدون این که مستأجر انبار بداند، خسارت وارد شده، مالک ضامن است.

پروار کردن دام امانتی

۵۶۹۴. مؤسسه ای دولتی به منظور حمایت از دامپروران در فعالیت های دامپروری و تشویق پرواربندان در پرورش دام و تولید گوشت، به موجب قراردادی تحت عنوان قرارداد پرواربندی امانی تعداد ۱۵۱ رأس گوساله نر داخلی را با وزن مشخص و قیمت معیّن به صورت امانت در اختیار شخصی قرار می دهد تا پس از یک دوره ۶ ماهه پرورش دام نسبت به استرداد دام های پروار شده معادل ۱۶۰۵۱ کیلوگرم گوشت اقدام نماید و شخص طرف قرارداد (دامدار) نیز با امضای قرارداد و قبول شروط مندرج در آن، متعهد می گردد پس از پایان دوره ۶ ماهه نسبت به استرداد دام های پروار شده معادل ۱۶۰۵۱ کیلوگرم گوشت اقدام نماید، اکنون بفرمایید:

۱) چنین قراردادی، قرارداد امانی محسوب می شود یا خیر؟

۲) در فرضی که مؤسسه به جای دام مقدار معین وجه نقد را به موجب قرارداد در اختیار شخصی قرار دهد تا پس از یک دوره مشخص مقدار مشخص گوشت تحویل نماید، آیا در این فرض بحث امانی بودن قرارداد موضوعیّت دارد یا خیر؟

۳) آیا تعیین ضمانت حسن انجام کار در قرارداد، مانع امانی بودن قرارداد می شود یا

خیر؟

ج. دام دار در ابتدا گوساله ها را بخرد و در آخر گوشت ها را به قیمت چند هزار کیلوگرم مذکور بفروشد و یا دام ها را تحویل بگیرد و خرج دام ها را به اضافه اجره المثل دریافت کند و اگر شرایط سلف را داشته باشد، اشکال ندارد.

استفاده از اموال دولتی

۵۶۹۵. آیا استفاده از اتومبیل اداره بر خلاف مقرّرات اداره ضمان دارد و ضمان آن به عهده چه کسی است؟

ج. استفاده بر خلاف مقرّرات اداره ضمان دارد و ضمان آن به عهده کسیست که در آن تصرف کرده است.

اشتباه دکتر داروخانه

۵۶۹۶. اگر دکتر دارو فروش هنگام تهیه ی دارو، اشتباهی دارویی غیر از داروی تجویز شده در نسخه ی پزشک بدهد و منجر به تشدید مرض و یا مرگ بیمار شود، آیا ضامن است؟

ج. ضامن است، اگر چه معصیت نکرده است.

خسارت چاه به قنات مشترک

۵۶۹۷. قناتیست به فاصله حدود هشتصد متر دورتر از چاه عمیق که حدود چهارصد نفر در آن شریک هستند و یک ششم آن نیز موقوفه أبا عبد اللّٰه الحسین علیه السّلام می باشد، هرگاه موتور آب چاه دائماً روشن باشد، امکان دارد به قنات خسارت وارد شود. اگر خسارت ثابت شود، چه کسی ضامن است؟

ج. اگر ثابت شود که چاه به اصل قنات خسارت می زند، در آن چه صاحبان قنات استحقاق دارند، از مسببین آن به مقدار خسارت حق مطالبه دارند.

استفاده از تلفن نهادها

۵۶۹۸. اگر انسان در تشکیلاتی همانند (بسیج) به عنوان مسؤول و یا عضو کار می کند، آیا اجازه دارد از تلفن یا سایر امکانات آنجا برای کارهای شخصی خود استفاده نماید؟

ج. بستگی به مقرّرات دارد.

خسارت در اثر امر به معروف و نهی از منکر

۵۶۹۹. اگر در اثر امر به معروف و نهی از منکر، ضرر جانی و مالی به شخص وارد شد، آیا آمر و ناهی که ضرر را وارد کرده ضامن است؟

ج. چنان چه بدون اذن بوده و مراعات مراتب نهی از منکر نشده، ضامن است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ۱۶۱۰ و ۱۶۱۱ رساله مراجعه شود.)

تعهّد لفظی به پرداخت مهریّه ی کسی

۵۷۰۰. در یک نزاع خانوادگی که مدّتی پس از عقد رخ داده، شخصی غیر از داماد، بدون توجّه به عقد ضمان و ایجاب و قبول به پدرزن گفته است من مهریه او را می دهم، آیا شرعاً ضامن است؟

ج. در فرض مزبور صرف تعهّد، الزام آور نیست.

اشتباه پزشک در تشخیص نوع بیماری

۵۷۰۱. اگر پزشک متخصّص در تشخیص نوع بیماری مربوط به تخصّص خود اشتباه کند و اثر نامطلوب روی بیمار داشته باشد، آیا ضامن است؟

ج. اگر موجب ضرر باشد ضامن است.

(جهت توضیح بیشتر به مسأله ی ۱۷۴۷ و ۱۷۴۸ رساله مراجعه شود.)

فوت مریض جرّاحی شده و عدم اذن از ولی

۵۷۰۲. شخصی نیاز فوری به عمل جراحی دارد و اگر بخواهند از ولی او اذن بگیرند وقت نیست و احتمال خطر برای مریض دارد. چنان چه بدون اذن ولی عمل جرّاحی انجام گیرد و منجر به مرگ مریض شود، از نظر شرعی چه کسی ضامن است و دیه لازم است یا نه؟

ج. ضمان واقعی بستگی به تشخیص اهل خبره در نجات و یا مرگ دارد، امّا در مرافعه بستگی به تشخیص حاکم شرع از مدّعی و منکر دارد.

قطع نخاع شدن نابالغ و دریافت خسارت در بلوغ

۵۷۰۳. این جانب در تعطیلات تابستانی که سنّی بیش از ده سال نداشتم با اختیار خود و با اطّلاع والدینم به صورت روزمزد مشغول به کارهای ساختمانی شدم. در یکی از روزها در جریان نصب درب گاوصندوق - که وزنی حدود یک تن داشت - ناگهان درب سقوط کرد و باعث شکستن ستون فقرات و قطع نخاع من شد که از آن تاریخ تاکنون با ویلچر تردّد می کنم. اکنون به سن تکلیف رسیده ام. اداره ی کار و اشتغال بر طبق قانون کار نظر خود را به این شرح بیان داشته است:

۱) به کارگیری افراد کمتر از ۱۲ سال ممنوع و غیر قانونی است.

۲) چـون عوامـل دست انـدر کـار احـداث ساختمـان همگی نماینـده ی کارفرمـا محسوب می شونـد، تمـامی مسؤولیّت متوجّه کارفرما می باشد.

خواستم نظر شرع مقدّس اسلام را در این رابطه مرقوم فرمایید.

ج. به کارگیری افراد غیر بالغ با اذن ولی آنها مانعی نـدارد، ولی کسـی که فرد غیر بالغی را به کار گرفته، چنان چه در ارایه ی طریق و پیشـگیری از خطرات احتمـالی، وظیفه ی خود را انجـام نـداده، در حوادث پیش آمـده مسؤول و ضـامن است و از این حیث

بالغ و غیر بالغ تفاوتی ندارد و اگر این کار بدون اطلاع کارفرما بوده او ضامن نیست و خود کارگر ضامن است.

استفاده از اموال دولتی در قبال مزایای پرداخت نشده

۵۷۰۴. اگر از اموالی چون اتومبیل اداره که مربوط به کار پدر می شود، جهت برخی استفاده های شخصی [یعنی حمل و نقل اعضای خانواده] در حین انجام خدمت استفاده شود، آیا می توان آن را به حساب مزایایی گذاشت که علم به عدم پرداخت آنها وجود دارد؟

ج. اگر مطالبه کرده و ندادند؛ به همان مقدار، خودِ طلب کار یا کسی که از طرف او اجازه دارد، می تواند وصول کند.

ضمان در انهدام آلات موسیقی

۵۷۰۵. آیا انهدام آلات موسیقی افراد ضمان دارد؟

ج. اگر منفعت حلالی ندارد، ضمان ندارد و مادّه ی (مواد باقی مانده پس از انهدام) آن اگر مالیت دارد باید به او پس دهد.

پرداخت اشتباهی صدقه به سیّد

۵۷۰۶. مقداری پول صدقه که به صورت امانت در اختیار کسی گذاشته شده بود تا به مستحق برساند، اشتباهی با پول هدیه ای دیگر به سیّد رسانده شده است.

مقدار پول صدقه نیز مشخّص نیست. بفرمایید تکلیف این شخصی که صدقه را به سیّد داده است چیست؟

در ضمن خانواده ی سیّد مذکور همگی سیّد و سیّده فقیر هستند و غیر سیّد در خانواده ندارند و پس گرفتن پول داده شده میسّر نیست؟

ج. در فرض سؤال، اشکال ندارد و مجزی است.

ضمان اتلاف بیت المال در جبهه

۵۷۰۷. بنده مقداری از اموال دولت را بی جهت در جبهه از بین برده ام. اکنون برای بریء الذمه شدن پولی را حساب کرده ام. آن را به چه کسی بدهم؟

ج. ظاهراً می توانید به مستحقین از اهل ایمان پرداخت نمایید.

حرمت سرقت اطلاعات رایانه ای

۵۷۰۸. سرقت اطلاعات رایانه ای چه حکمی دارد؟

ج. مانند تجسّس محرّم است.

تدلیس در کسب امتیاز برای است خدام

۵۷۰۹. شخصی برای است خدام در کاری دولتی که شرط آن دارا بودن امتیاز خاصّی می باشد، به دروغ ادّعای آن امتیاز را می کند و با تدلیس است خدام می شود و حقوق می گیرد، آیا حقوق او حلال است؟

ج. اگر بر اصل استیجار وست خدام او رضایت باشد و واجدیّت آن امتیاز به نحو شرط باشد، با فقدان آن خیار تخلّف شرط ثابت است و تا زمانی که اجاره فسخ نشده است، اجرت و حقوق حلال است و بر فرض باطل بودن اصل اجاره، هم این حقوق که از دولت می گیرد - در بعض موارد - در حکم مجهول المالك است و با فرض فقرِ گیرنده، به قصد صدقه جایز است، هر چند به قصد اجرت جایز نباشد.

حکم غنیمت های جنگی

۵۷۱۰. غنایمی را که رزمندگان در جنگ پیدا کرده و آن را برداشته اند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر صاحبان آن معلوم نباشد، از باب مجهول المالك آن را صدقه دهند و اگر خودشان فقیر هستند، به نیّت صدقه می توانند آن را تَمَلُّک کنند.

جواز تصرّف در اموال کفار حربی در صورت عدم فتنه و مفسده

۵۷۱۱. آیا اموال کافران حربی محترم است و تصرّف در آن جایز است؟

ج. اموال کفّار حربی در غیر صورت هدنه، احترام ندارد و اگر فتنه و مفسده ای نداشته باشد، تصرّف در آنها جایز است.

محدوده خسارت گرفتن از مقصر در تصادف

۵۷۱۲. برادری نفقه برادر دیگرش را که از کار افتاده بوده، پرداخت می کرده است.

امّا در اثر تصادف، برادر سالم فوت می کند، آیا برادر از کارافتاده می تواند خسارت خرجی را که برادرش به او می داده، از مقصّر تصادف مطالبه کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

ضمان وطی حیوان

۵۷۱۳. اگر کسی با گاو یا گوسفندی وطی کند و سپس آن حیوان صاحب نسل شود، چه مسؤولیتی متوجه وی است؟

ج. وطی کننده ضامن است و باید به هر گونه ای که باشد آن حیوان را از صاحبش بخرد و آن را پس از ذبح، بسوزاند و

ضامن گوشت آن حیوان نیز هست؛ زیرا سبب حرمت آن شده است، که البته پس از ذبح اولاد، استفاده از پوست و پشم آنها جایز است.

رجوع از اذن در استفاده از آب نهر

۵۷۱۴. دو نهر آب بوده یکی کم آب و دیگری پر آب و صاحبان نهر پرآب، به صاحبان اولی اجازه می دادند که از نهر آنها استفاده کنند تا این که به سبب کم آبی، نهر کم آب خشک شده و نهر پر آب هم کم آب شده و دیگر صاحبان آن به دیگران اجازه نمی دهند. آیا این کارشان درست است؟

ج. این حق را دارند.

رودخانه ای مشترک بین دو روستا

۵۷۱۵. آب رودخانه ای از سالیان قبل به دو روستا می رسیده است و روستای اوّل از آب آن استفاده می کرده و اضافه آن به روستای دومی می رسیده و گاهی هم نمی رسیده است؛ ولی اکنون روستای اولی به گونه ای جلوی آب را می بندند که اصلاً به روستای دومی آب نمی رسد. آیا کارشان صحیح است؟

ج. این کار جایز نیست و روستای دوّمی هم حق دارد.

ضمان افرادی که سارق را فراری داده اند

۵۷۱۶. سارقی که پس از اقرار به سرقت و دستگیری با برخی افراد تبانی کرده و آنها او را فراری دادند و آزاد کرده اند، باز آیا بر سارق ضمان است یا افراد مذکور که وی را فراری داده اند، ضامن هستند؟

ج. اصل قرار ضمان به اموال مسروقه بر ذمّه سارق است؛ ولی آنها که مسبّب تلف اموال شده اند نیز بی وجه نیست که ضامن باشند؛ زیرا آنها رفع مانع کرده اند که دیگر صاحب مال دسترسی به سارق ندارد و نباید او را آزاد می کردند زیرا فعل فرار او متوقّف بر سبب سازی آنها بوده است.

خریداری جنس نامرغوب توسط وکیل

۵۷۱۷. کسی از طرف شخصی که در خارج از کشور است وکیل بوده که اجناسی برای او خریداری کند و برایش بفرستد. بعضی از جنس هایی که فرستاده است خوب بررسی نکرده و در بین آنها جنس نامرغوب و خراب بوده است، در این صورت چه کسی ضامن است؟

ج. باید جنس نامرغوب را به فروشنده اش برگرداند؛ زیرا او ضامن است.

ضمان منافع استفاده شده

۵۷۱۸. فردی را به وسیله حبس و مانند آن از استفاده اموال و منافعش منع کرده اند و فرد دیگری آن منافع را استیفا می کند.

آیا او ضامن منافع دریافت شده می باشد؟

ج. بلی، ضامن است.

ضمان در تجارت با غیر مسلمین

۵۷۱۹. اگر شخصی با شرکت های خارجی غیر مسلمان تجارت کالا یا کتاب یا امثال آن داشته باشد و پول آنها را نفرستد، آیا مدیون است؟

ج. بنا بر احتیاط مدیون آنها است.

اگر تلف کردن مشتبه بین چند نفر باشد

۵۷۲۰. فردی گوسفندی را - که صاحبش بین دو سه نفر مشتبه است، تلف کرده است.

تلف کننده چه وظیفه ای دارد؟

ج. تلف کننده باید بدل آن را بین آن دو یا سه نفر به تنصیف یا تثلیث مصالحه کند.

کشته شدن دانش آموزان در اردو

۵۷۲۱. مسؤول مدرسه ای، دانش آموزان را برای اردو به مناطق غیر مجاز - رودخانه یا کوه ها - بر خلاف مقتضای قیودات رضایت نامه اولیای آنان برده است و منجر به غرق شدن عده ای از آنها یا پرت شدن از کوه شده است.

چه مسؤولیتی متوجه وی است؟

ج. مسؤول آنها ضامن است و حکم شبه عمد را دارد.

تأخیر وکیل در ادای کفّاره و گران شدن قیمت کفّاره

۵۷۲۲. اگر شخصی دیگری را در ادای کفّاره وکیل کرد، پول کفّاره را به او داد، وکیل مسامحه کرد و تأخیر در ادا کرد تا اینکه قیمت کفّاره بالا رفت که دیگر آن پول کفاف کفّاره را نکرد. وکیل چه مسؤولیتی دارد؟

ج. وکیل ضامن آن زیادی قیمت است که مانند تلف مال به تفریط و تقصیر او است.

ضمان شکننده قفل نرم افزار و تکثیرکننده و خریدار

۵۷۲۳. فردی پس از خرید لوح فشرده (سی دی)، قفل نرم افزار کامپیوتری را شکسته و آن را تکثیر می کند که در نتیجه موجب اضرار به فروشنده (شرکت تولیدکننده نرم افزار) می شود. از جهت تکلیفی و وضعی چه حکمی دارد؟

فردی که نرم افزار قفل شکسته را می خرد چه حکمی دارد؟

ج. کار او حرام است و ضامن آن ضرریست که به شرکت تولیدکننده زده است و فرد دیگری که نوار تکثیر شده را از خریدار اولی می خرد، او هم ضامن ضرر مالک اصلی است، زیرا در ضررهای بعدی با خریدار اولی اشتراک دارد.

سهل انگاری آموزگار در تصحیح اوراق

۵۷۲۴. اگر آموزگار یا مسؤول دیگری در تصحیح اوراق امتحانی سهل انگاری کند که بر اثر این تساهل دانشآموزی مردود شود، چه مسؤولیتی متوجه وی است؟

ج. بعید نیست که آموزگار ضرر سال آینده ای او را اگر ترک تحصیل نکند به جهت دیگری، از جهت خسارت مالی ضامن باشد، زیرا آن ضرر استناد به این آموزگار دارد.

ضمان به تناسب سهم در گرفتن پول ناحق

۵۷۲۵. مغازه ی استیجاری، بدون پرداخت سرقفلی به ارث رسیده است.

ورثه ی مستأجر وکیلی برای گرفتن سرقفلی از مالک به ناحق گرفتند و وکیل هم این کار را کرد و به زور آن را از مالک گرفت، ولی پس از آن یکی از ورثه از این کار پشیمان شد و سهم خودش را از سرقفلی نگرفت. وی چه وظیفه ای دارد؟

ج. باید این وارث، سهم خودش از سرقفلی را، از وکیل بگیرد و به مالک پس بدهد؛ زیرا به علت این توکیلی که کرده، ضامن سهم خودش می شود.

ضمان وکیل نسبت به پرونده ای که رسیدگی می کند

۵۷۲۶. وکیلی که به پرونده های قضایی رسیدگی می کند، گاهی پرونده هایی به او ارجاع می شود که صاحب پرونده ادّعای باطلی داشته و در آن حقی از طرف مقابل ضایع می شود، آیا در صورت موفقیت چنین پرونده هایی در دادگاه (بر اساس پیگیری های وکیل)، آیا وکیل ضامن حقوق تضییع شده فرد محکوم است؟

ج. بله، او هم ضامن است.

اشتباه قاضی در رسیدگی به پرونده ها

۵۷۲۷. اگر قاضی بر اساس ادلّه و بینه موجود حکمی صادر کند و پس از اجرای حکم، شواهدی بر خلاف آن حکم به دست آورد، آیا قاضی ضامن خسارت هاییست که به محکوم علیه وارد ساخته است؟

ج. تدارک خطای قاضی شرع از بیت المال است، به خلاف خطای شبه عمد یا عمد او که بر خود اوست و هم چنین موارد رجوع شهود که بر آنهاست و تفصیل کلام در محل خود مذکور است.

کارگر در حبس و اتومبیل تصادفی

۵۷۲۸. شخص کارگری را به اتّهامی حبس کرده اند.

پس از مدّتی بی گناهی او ثابت می شود. آیا مدّتی که او را از کار کردن منع کرده اند، ضامن هستند؟ اتومبیل فردی تصادف می نماید، برای تعمیر آن مدّتی از کارش بازمانده است.

آیا مقصّر تصادف، ضامن جبران خسارت درآمد وی در این مدت هست؟

ج. بنا بر اظهر و احوط ضامن هستند؛ زیرا از بین بردن منفعت او به منزله ی دریافت منفعت است، هر چند آن منافع را دریافت نکرده باشند مانند اینکه خانه ای را غصب کنند هر چند غاصب هم از آن استفاده نکند و صدق اتلاف مال اختصاص به دریافت منفعت و مال ندارد و این هم به الغای خصوصیت عرفاً اتلاف است و همچنین است کسی که در اثر تصادف، برای تعمیر اتومبیلش مدّتی از کار بازمانده که آن طرف مقصّر غیر از خسارت ماشین، خسارت درآمد این مدّت ماشین را بنا بر اظهر و احوط ضامن است.

نرساندن مصالح ساختمانی به کارگران و ضرر صاحب کار

۵۷۲۹. در ساختمان سازی اگر کامیون دار که باید وسایل ساختمانی را بیاورد تا بنّا و کارگر کار کنند، آن وسایل را نیاورد و کارگرها مُعَطَّل ماندند، آیا ضامن است؟

ج. اگر بدون عذر وسایل را نیاورد، ضامن ضرریست که صاحب کار متحمّل شده است و اگر معذور بوده، ضامن نیست.

صدمه به کارگر بدون تقصیر کارفرما

۵۷۳۰. اگر کارگر هنگام کار از جایی بیفتد و صدمه ای ببیند، بدون اینکه افتادن مستند به تقصیر صاحب کار باشد، آیا صاحب کار ضامن است؟

ج. ضامن نیست.

غرق شدن دانش آموزان در ضمن اردو

۵۷۳۱. مربیان مدرسه ای دانش آموزان را به اردو می برند و بعضی از آنها هنگام شنا غرق می شوند. آیا مربّیان مذکور ضامن و مسؤول می باشند؟

ج. اگر با اذن اولیا، آنها را بردند و در حفظ آنها هم تعدّی و تفریط نکرده اند، ضامن نیستند وگرنه ضامن هستند.

عدم جواز استفاده از آب بدون پرداخت آب بها

۵۷۳۲. ۱) آیا استفاده از آب برای مشترکین، بدون پرداخت آب بها جایز است؟

ج. جایز نیست.

۲) آیا مسؤولان مربوطه، می توانند هزینه های گزاف به عنوان آب بها از مشترکین دریافت کنند؟

ج. برای مسؤولین هم جایز نیست در مبلغ دریافتی اجحاف کنند.

تضییع اموال دولتی

۵۷۳۳. فردی که برخی اموال دولتی را تضییع کرده است - مثلاً پول بلیط قطار را نپرداخته باشد - چه وظیفه ای دارد؟

ج. بایـد آن مال را به همان شـعبه ی مخصوص بدهـد و ضامن است، مگر این که یقین کنـد که با برگردانـدن، در همان مورد خودش مصرف نمی شود. مانند برگرداندن به بانک ها، که در این صورت باید از باب رد مظالم آن را به فقیر مؤمن بپردازد.

کتک خوردن یک نفر توسط سه نفر

۵۷۳۴. مضروبی مـدّعیست سـه نفر وی را مـورد ضـرب قرار داده و مجروح کرده انـد و بیّنه نـدارد. ولی بـا اجرای قسـامه، تنها ضارب بودن یک نفر از آنها ثابت شده است، آیا تنها همان یک نفر ضامن است یا همگی آنها ضامن هستند؟

ج. آن یک نفر تنها ثلث دیه را ضامن است نه کل آن را، که به اعتراف خود مضروب بیش از آن را ضامن نیست.

تصرّف در اموال ناصبی

۵۷۳۵. آیا تصرّف و تَمَلُّک مال ناصبی جایز است؟

ج. مال ناصبی حکم مال کافر حربیست و تملک آن جایز است؛ ولی اگر ضـرر و مفسـده بر مؤمنین داشـته باشـد، جایز نیست؛ لذا مطلقا خلاف احتیاط است.

پرداخت مزد کم به کارگر

۵۷۳۶. کارفرمایی شخصـی را به کار گماشـته است و از بی اطّلاع بودن کارگر نسبت به ارزش و مقدار حقوقش استفاده کرده و حقوق و مزد کمتر از نصف حقوق کارکنان هم ردیف او داده است.

۱) آیا کارفرما نسبت به مزد واقعی این کارگر مدیون است؟

ج. بله، در فرض مرقوم کارگر حق مطالبه اجره المثل کار و عمل خود را دارد و کارفرما بایـد اجره المثل به او بدهـد، مگر آن

که در ابتـدای کار با هم توافق کرده باشـند که با توافق و معلوم شدن مغبون بودن، کارگر خیار غبن دارد و با فسخ باز به اجره المثل بر می گردد.

۲) آیا با گذشت زمان حق مطالبه از بین می رود؟

ج. مرور زمان، حقّی را از بین نمی برد و مدیون باید دین خود را ادا نماید.

تصرف در زمین مصادره ای

۵۷۳۷. زمینی از یکی از سازمـان هـای دولـتی خریـداری شـده و پس از آن معلوم شـده که آن زمین مصـادره ای بوده است و اکنون ناچار آن را در تصرّف دارند و راهی برای دسترسی به مالك وجود ندارد. حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج. می تواننـد آن را از حـاکم شـرع اجـاره کننـد تا هنگامی که از مالك آن خبری برسـد، تا حاکم مال الاجاره را به مالك یا ورثه ی او بدهد.

از بین بردن مطالب کتاب های امانتی

۵۷۳۸. تعدادی از مطالب کتاب ها و مجلات امانتی را از بین برده ام، برای جبران آن، چه باید بکنم؟

ج. باید آنها را تدارک کنید یا صاحب آن را راضی کنید.

وسیله به سرقت رفته در تعمیرگاه

۵۷۳۹. شخصـی وسـیله ای را برای تعمیر نزد مغـازه ای گذاشـته است، امّـا آن وسـیله در مغازه به سـرقت رفته است، چه کسـی ضامن آن است؟

ج. اگر مغازه دار در نگهداری آن تقصیر و کوتاهی نکرده، ضامن نیست.

طلب غرامت از عاریه گیرنده

۵۷۴۰. اگر عاریه گیرنده، شیء عاریه گرفته شده را خراب کرده یا از بین برده باشد، طلب غرامت از او حلال است یا نه؟

ج. بله، با تعدّی یا تفریط او حلال است.

(توضیح بیشتر در مسأله ی ۱۸۶۵ رساله ذکر گردیده است.)

گرفتن دستمزد بیشتر از کارکرد

۵۷۴۱. مسؤول مـا ماهانه شـصت ساعت کار برای ما رد می کنـد، در حالی که کمتر از این مقـدار کار کرده ایم، پول این کار

چگونه است؟

ج. اگر خلاف مقررات باشد، جایز نیست.

سرقت تکنولوژی از کشورهای دیگر

۵۷۴۲. سرقت تکنولوژی از کشورهای دوست یا دشمن چه حکمی دارد؟

ج. در چنین مواردی منع شرعی مبنی بر صدق اضرار (ضرر رساندن) به کسیست که شرعاً حقوق او محترم است.

تصرف در اموال والدین بدون اجازه آنان

۵۷۴۳. آیا تصرف در مال و پول والدین بدون اجازه آنان حکم سرقت و غصب را دارد؟

ج. بله، با عدم اطمینان به رضایت آنها حکم سرقت و غصب دارد.

تصرف بدون رضایت در مال دیگری

۵۷۴۴. اگر انسان از کسی چیزی بگیرد و آن را مصرف کند که طرف هم راضی نباشد، آیا پرداخت قیمت آن کفایت می کند؟

ج. اگر مثلی است، باید مثل آن را و اگر قیمی است، باید قیمت آن را پرداخت کند.

عوض شدن دمپایی کهنه با نو

۵۷۴۵. دمپایی من که کهنه بود با دمپایی نو عوض شده، اکنون که صاحب آن را نمی شناسم چه کار کنم؟

ج. اگر شاهد حالی برای رضایت صاحب دمپایی ندارید، نمی توانید در آن تصرف کنید.

پیدا کردن پول

۵۷۴۶. اگر پولی پیدا کردیم که صاحبش را نمی شناسیم آیا می توانیم، آن را در صندوق صدقات بیندازیم؟

ج. اگر نشانه ای ندارد که بتوان صاحبش را پیدا کرد، با اذن حاکم شرع، باید به فقیر صدقه داد، علی الاحوط.

برداشتن پول از مغازه پدر

۵۷۴۷. در مغازه پدرم کار می کنم و گاهی اوقات مقداری پول بر می دارم که بعضی مواقع به او می دهم و بعضی مواقع خرج می کنم، حکمش چیست؟

ج. هر چه بدون اجازه بر می دارید، حرام است و ضامن هستید.

فروختن طلای پیدا شده

۵۷۴۸. چند سال پیش قطعه ای طلا پیدا کردم و آن را فروختم. اکنون صاحبش را نمی شناسم پول آن را در چه راهی مصرف کنم؟

ج. اگر از پیدا شدن صاحبش مأیوس هستید، باید به قیمت فعلی آن رد مظالم دهید.

شکستن وسیله در مغازه قبل از خرید

۵۷۴۹. اگر شخصی وارد مغازه ای شد و قبل از خرید و در حین انتخاب، وسیله ای از دستش افتاد و شکست، چه کسی ضامن است؟

ج. اگر اذن مالک در قبض آن جنس وجود داشته، به گونه ای که مشتری به عنوان امینی که جنس در دستش امانت است، باشد بنا بر اقرب ضامن نیست و قول به ضمان از مشهور فقها حکایت شده است.

ضرر رساندن به دیگران در کودکی

۵۷۵۰. اگر شخصی در کودکی ضرری به کسی رسانده باشد چه کند؟

ج. ضامن ضرر اوست و باید او را راضی کند.

برگرداندن مال دزدی

۵۷۵۱. در صورت برداشتن مال کسی، آیا برگرداندن آن کافی است؟

ج. اگر تصرفی در مال کرده، باید صاحبش را راضی کند.

پوشیدن دمپایی دیگران

۵۷۵۲. حکم پوشیدن دمپایی دیگران در محل های عمومی چیست؟

ج. بدون رضایت صاحبش جایز نیست.

برداشتن چیزی در کودکی از فروشگاه دولتی

۵۷۵۳. اگر در کودکی از فروشگاه دولتی چیزی برداشته باشم، الآن چگونه جبران کنم و یا اگر از کسی چیزی گرفته ام و امکان دسترسی به او ندارم، حکمش چگونه است؟

ج. باید با اجازه ی از حاکم شرع، به مقدار آن رد مظالم داده شود، علی الاحوط.

خسارت زدن گوسفند به دیگران

۵۷۵۴. تعدادی گوسفند دارم که گاهی به مزارع دیگران رفته و خساراتی وارد کرده اند بعضی از صاحبان راضی شده اند و بعضی رضایت نداده اند، مرا راهنمایی کنید؟

ج. اگر رها کردن گوسفندان در روز و به نحو معتاد و متعارف بوده، به طوری که خسارت وارد شده مستند به کوتاهی و تعدّی و تفریط شما نباشد ضامن نیستید، به خلاف این که شما محافظت نکرده باشید و در هر صورت اگر مصالحه کنید خوب است.

خراب کردن وسایل توسط تعمیرگاه

۵۷۵۵. آیا اگر تعمیرکاری جهت تعمیر وسایل، چه به صورت رایگان یا با دستمزد، موجب خراب تر شدن وسایل مردم شود، آیا ضامن است؟

ج. بله، ضامن است.

(به مسأله ی ۱۷۴۴ رساله رجوع شود.)

مصرف میوه ی درختان کنار خیابان

۵۷۵۶. آیا مردم از درختان میوه ی کنار خیابان - که متعلق به شهرداریست، می توانند استفاده نمایند؟

ج. انسان می تواند از میوه درختی که در مسیر عبور عمومی است، حتی اگر مالک مشخص داشته باشد، بخورد؛ ولی نباید موجب افساد یا از بین رفتن درخت و میوه شود و بنا بر احوط باید چیزی از میوه را با خود نبرد.

مصرف میوه های زیر درختی

۵۷۵۷. خوردن میوه های زیر درخت که متعلق به دیگریست به این نیّت که آن میوه ها خراب می شود، چه حکمی دارد؟

ج. بدون رضایت صاحبان آنها جایز نیست.

استفاده از خانه های سازمانی توسط افرادی که خانه دارند

۵۷۵۸. استفاده از خانه های مسکونی وابسته به دولت یا مؤسسات دیگر توسط افرادی که خانه دارند و واجد شرایط نیستند، جایز است؟

ج. اگر خلاف مقررات آنها باشد، جایز نیست.

ورود به باغ دیگران و خوردن میوه

۵۷۵۹. آیا جایز است به باغ مردم وارد شد و از میوه های آن خورد و بیرون برد؟

ج. حرام و موجب ضمان است.

ریختن چیز لغزنده در محل عبور دیگران

۵۷۶۰. اگر کسی پوست میوه یا امثال آن را جلوی خانه یا محل عبور عابرین بریزد و پای کسی بلغزد و به زمین بخورد و خسارتی ببیند، آیا آن فرد ضامن است یا خیر؟

ج. اگر به نحو غیر متعارف بوده، به گونه ای که لغزیدن مستند به تسبیب و اضرار و تعدّی او به عابرین باشد، نه سهل انگاری خود شخص - در چیزهایی که سیره بر ترک محافظت از آنهاست، ضامن است، لکن اگر عمداً خود شخص پا بر آن شیء لغزنده گذاشته، مباشر اقویست مطلقاً و ضامن نیست.

ایجاد سد معبر

۵۷۶۱. کسانی که برای جلب نظر مشتری وسایل خود را بیرون مغازه می چینند و سد معبر می کنند، اگر برای عابر پیاده مزاحمت یا خسارت ایجاد کنند، ضامن هستند یا خیر؟

ج. در حد متعارف مانعی ندارد و ضمان در صورت صدق اضرار و تعدّی به عابرین است.

آتش سوزی در جنگل ها و باغ ها

۵۷۶۲. افرادی که برای تفریح به جنگل ها و یا باغ ها می روند و جهت پخت غذا و روشن می کنند، در صورتی که یک دفعه با دو طوفان شروع شود و موجب آتش سوزی شود، ضامن اند؟

ج. در صورتی که روشن نمودن آتش در آن مکان شرعاً جایز نبوده است، ضامن هستند.

پرداخت خسارت در جایی که مقصر مشخص نباشد

۵۷۶۳. اگر چند نفر همزمان به طرف ماشینی یا قطاری سنگ پرتاب کنند و سنگ یکی از آنها، موجب خسارت به قطار شود و یا موجب زخمی شدن فردی شود، چه کسی ضامن آن خواهد بود؟ (در صورتی که معلوم نباشد سنگ کدام یک از آنها خسارت زده است)

ج. احتیاط در مصالحه ی به توزیع است و تعیین با قرعه هم ممکن است.

مطالبه طلب از بستگان بدهکار

۵۷۶۴. آیا طلب کاران بنده می توانند طلب خود را از پدر و بقیه بستگان بنده مطالبه کنند یا خیر؟

ج. خیر، نمی توانند.

پرداخت قیمت واقعی یا قیمت مورد نظر فروشنده

۵۷۶۵. اگر مغازه دار از خریدار قیمت بیشتر از قیمت واقعی جنس را مطالبه کند، آیا خریدار می تواند همان قیمت واقعی را بپردازد یا باید هر چه فروشنده خواست بپردازد؟

ج. باید قیمت توافقی را بدهد.

مستأجری که بعد از اجاره منزل برنگردد

۵۷۶۶. شخصی منزلی را به مبلغ معینی اجاره کرده است و موجر هم کلید منزل را در اختیار او گذاشته و مستأجر هم اثاثیه و لوازم منزل را در منزل اجاره ای گذاشته است، پس از آن به قصد آوردن خانواده اش رفته ولی برنگشته است، موجر نیز هیچ گونه اطلاعی در مورد علت برگشتن وی ندارد، آیا موجر حق تصرف منزل را دارد؟

نسبت به لوازم خانگی مستأجر چه تکلیفی دارد؟

ج. تا مدت اجاره تمام نشده است، موجر حق تصرف ندارد؛ مگر در صورت یأس و اطمینان به این که دیگر به او دسترسی نخواهد داشت که در این صورت وسایل، مجهول المالك می شود و از طرف او صدقه می دهد و هم چنین مال الاجاره را احتیاطاً صدقه بدهد.

اختلاف صاحب ملك و اداره

۵۷۶۷. یکی از ادارات دولتی ساختمانی را اجاره کرده است، اما در حال حاضر بین مالك و اداره راجع به مبلغ اجاره اختلاف وجود دارد و او تا صدور حکم دادگاه راضی به اقامه نماز و دیگر تصرفات در آن نمی باشد، در این صورت وظیفه ما چیست؟

ج. اختلاف در مبلغ اجاره ای که مدّت آن تمام نشده است، ضرری به صحت اجاره نمی زند و مستأجر حق استفاده دارد.

اختیارات امانت دار در مال به امانت داده شده

۵۷۶۸. امانت دار در چه صورتی ضامن است؟

آیا امانت دار، مال مردم را می تواند به دیگران کرایه دهد و یا از آن استفاده دیگری کند؟

ج. خیر، نمی تواند استفاده ای از آن بکند؛ مگر با اجازه و اگر استفاده ای کرد ضامن اصل مال و استفاده ی از آن است.

تصرف والدین نیازمند در مال فرزندان و بالعکس

۵۷۶۹. آیا پدر و مادر در صورت فقر و بی نیازی، می توانند در اموال فرزندان خود تصرف کنند یا خیر؟ و در صورت عکس آن آیا اولاد بدون اجازه می توانند در صورت نیاز از اموال پدر و مادر بردارند؟

ج. بدون اجازه نمی توانند، مگر واجب النفقه او باشند و او هم متمکن باشد و امتناع کند که در حد نفقه واجبه، مانعی ندارد بردارند.

شهریه گرفتن در صورت محدود بودن فعالیت های درسی

۵۷۷۰. آیا شهریه گرفتن طلبه ای که در درس غیبت می کند و در کلاس درسی، کمتر شرکت می کند و یا کمتر درس می گیرد، جایز است؟

ج. اگر بدون عذر از مقدار معمول طلاب کمتر درس بخواند، شهریه گرفتن او اشکال دارد.

مطالعه در ساعت بی کاری اداری

۵۷۷۱. آیا می توان در ساعات کاری در محل کار یا اداره، که بی کار هستیم مطالعه نماییم؟

ج. مانعی ندارد.

تقلّب کودکان در امتحانات

۵۷۷۲ بعضی از بچه ها که سنشان کم است و در امتحانات تقلب می کنند و یا کسانی که عمداً تقلب می کنند، حکمشان چیست؟

ج. زمینه سازی شود تا اطفال - هر چند تکلیف ندارند - به این کار عادت نکنند و افراد بالغ هم - در صورتی که تضییع حق دیگری در آن باشد - گناه کار هستند.

ضمانت معرفی کننده نسبت به سرقت معرفی شونده

۵۷۷۳. اگر شخصی به عنوان کارگر، افرادی را به جایی معرفی کند و بعد از مدتی یکی از آن افراد مبلغی را از کارفرما سرقت نماید، با توجه به اعتماد کارفرما به آن شخص معرف برای معرفی کارگر مورد اطمینان، آیا معرف ضامن است؟

ج. خیر.

فراموش کردن اعمال شب اوّل قبر توسط اجیر

۵۷۷۴. فردی برای انجام اعمال شب اوّل قبر میتی اجیر می شود اما آن شب فراموش می کند که آن اعمال را انجام دهد،

وظیفه او چیست؟

ج. ظاهراً اجاره منفسخ می شود و اجرت را باید برگرداند.

پرداخت بدهکاری گذشته به نرخ روز

۵۷۷۵. اگر فردی مبلغی را مدت ۳۰ سال یا کمتر به کسی بدهکار بوده و پرداخت نکرده است، آیا ضامن همان مقدار است یا باید به نرخ روز آن را بپردازد؟

ج. احتیاطاً باید در تفاوت مبلغ با ارزش فعلی آن با هم مصالحه کنند.

ضمانت پزشک در مورد شدت درد و بیماری

۵۷۷۶. اگر دندانپزشکی دندان فردی را نتواند خوب درست کند و حتی صدمه به آنها بزند، آیا ضامن است یا خیر؟ و اگر پزشك بر اثر اشتباهش باعث شود شخص چند روز درد بکشد و نتواند کار کند چه حکمی دارد؟

ج. پزشك ضامن است.

(جهت اطلاع بیشتر به مسأله ی ۱۷۴۷ و ۱۷۴۸ رساله رجوع شود.)

ضمانت اغذیه فروشان در صورت مسمومیت مصرف کننده

۵۷۷۷. فروشندگان مواد خوراکی اعم از چلوکبابی ها، رستوران ها، ساندویچ فروشی ها، بستنی فروشی ها و ... اگر باعث مسمومیت فردی شوند، آیا ضامن هستند یا خیر؟

ج. بله، ضامن هستند.

ضمانت حادثه در اماکن تفریحی

۵۷۷۸. اگر در پارك ها، حادثه ای چون فرو ریختن سقف یا افتادن وسایل بازی بر سر کسی و یا غرق شدن قایق تفریحی - که مردم سوار آنها هستند - اتفاق بیفتد، در این صورت ضامن کیست؟

ج. اگر کسی مقصر نباشد، ضمانی نیست.

حمله سگ به گله دیگران

۵۷۷۹. اگر سگ کسی به گله دیگری حمله کند و صاحب آن مانع او نشده و در نتیجه چند رأس دام از آن گله تلف شود، آیا صاحب سگ ضامن است؟

ج. بله، ضامن است.

ضمانت در صورت کوتاهی در نگهداری اموال

۵۷۸۰. اگر صاحبان حرفه ها و صنایع در حفظ و نگهداری اشیای مردم مثل پارچه پیراهنی برای خیاطی و ... کوتاهی کنند و اموال مردم به سرقت برود و یا در آتش بسوزد و یا اشتباهی بریده شود، چه کسی ضامن می باشد؟

ج. صاحب آن حرفه یا صنعت ضامن است.

(مسأله ی ۱۷۴۴ رساله)

ضمان تعمیر ضبط صوت سرقتی

۵۷۸۱. اگر فردی ضبط صوتی را تعمیر کند و سپس معلوم شود ضبط صوت سرقتی بوده است، آیا ضمان تعمیر ضبط صوت به عهده سارق است یا مالک؟

ج. به عهده سارق است.

آسیب رسانی به دیگری بر اثر پاره شده سیم جرثقیل

۵۷۸۲. اگر سیم جرثقیل هنگام جابجایی محموله های سنگین قطع شود و بر اثر آن فردی مصدوم یا کشته شود، ضامن چه کسی است؟

ج. اگر کسی مقصر باشد، او ضامن است و در صورت استناد به کار شخص معیّن بدون تقصیر، می تواند ثبوت ضمان از باب خطای محض باشد.

ضمان در زیاده روی مصرف آب و برق

۵۷۸۳. آیا زیاده روی در مصرف آب و برق و گاز، در صورتی که انسان پول آن را پرداخت کند حرام و موجب ضمان است؟

و در صورت ضمان؛ وجه را به چه کسی باید پرداخت کرد تا بریء الذمه شد؟

ج. در فرض مزبور دیگر ضامن نیست.

ضمان کشته شدن مسافر در مسافرخانه بر اثر زلزله

۵۷۸۴. اگر کسی خانه ای اجاره کند و یا در هتل یا مسافرخانه ای اقامت کند و بر اثر فرسودگی منزل و یا ساختمان هتل و یا زلزله، افراد ساکن آن هلاك شوند، ضمان از این بابت به عهده صاحب ملك خواهد بود یا خیر؟

ج. اگر در اثر فرسودگی بوده و صاحب ملک مقصّر بوده است، او ضامن است.

سوختن وسایل برقی بر اثر قطع و وصل مکرر برق

۵۷۸۵. در بعضی موارد، به جهت تعمیر یا قطع و وصل برق توسط اداره برق، به وسایل برقی مردم خسارت وارد می شود، در این موارد بفرمایید چه کسی ضامن می باشد؟

ج. اگر ورود خسارت نزد خبره مستند به کوتاهی یا اشتباه شخص یا شرکتی باشد، ضمان ثابت است.

حکم پرداخت صدقه در برابر گرفتن وسیله دزدی

۵۷۸۶. اگر به انسان وسیله ای بدهند، که از راه حرام به دست آمده، آیا می شود آن را برداشت و به اندازه قیمت آن صدقه داد؟

ج. اگر صاحبِ آن را می شناسد، باید آن را به صاحب اصلی اش برگرداند و در صورت یأس از شناسایی او، مانعی ندارد.

پرتاب اشیای زیر چرخ خودرو

۵۷۸۷. در بعضی موارد، از زیر لاستیک ماشین سنگ یا اشیای دیگر به اطراف پرتاب و موجب خسارت به دیگران یا اموال دیگران می گردد، در این موارد ضامن چه کسی خواهد بود؟

ج. راننده ضامن است و حکم جنایت خطایی را دارد.

اموال بیت المال که توسط افراد خیانت کار از بین می روند

۵۷۸۸. اگر مسؤول امور مالی یا قانون گذاران یک بخش مهم، افراد خیانت کار را در رأس امور مالی - که بیت المال در اختیار آنهاست - قرار دهند، آیا ضمان مال به عهده مسؤول است یا به عهده سوء استفاده کنندگان و غارت کنندگان بیت المال یا هر دوی آن ها؟

ج. اگر علم و عمد و یا تقصیر در گزینش بوده است، هر دوی آنها ضامن هستند؛ البته فرد مسؤول پس از پرداخت غرامت و ادای حقوق ضایع شده، می تواند به آن افراد خائن رجوع کند و حقوق از دست رفته را از آنان دریافت نماید.

دیه کشته شدگان در حین آموزش

۵۷۸۹. کسانی که برای آموزش شنا یا آموزش های نظامی دیگری مانند رانندگی و ...

می روند، اگر کشته شوند ضامن دیه آنها چه کسی خواهد بود؟

ج. اگر کسی مقصر بوده، او ضامن است.

خسارت به وسیله نقلیه در اثر حمل بیش از ظرفیت

۵۷۹۰. اگر شخصی وسیله نقلیه ای اجاره کند و در اثر حمل بیش از ظرفیت خساراتی به وسیله نقلیه وارد شود، چه کسی ضامن خواهد بود؟

ج. همان شخص اجاره کننده ضامن است.

ضمانت آتش زدن و کشته شدن افراد

۵۷۹۱. اگر کسی ساختمانی را آتش بزند - که موجب کشته شدن عده ای نیز بشود - اما این فرد فقط قصد آتش زدن را داشته نه کشتن افراد را، آیا ضامن دیه افراد نیز می باشد؟

ج. بله، ضامن است.

کمک رسانی به کشور مسلمان هنگام جنگ با کشور کافر

۵۷۹۲. اگر یک کشور اسلامی با کشور و مملکت کفر در حال جنگ باشد، آیا مسلمانان دیگر وظیفه کمک و یاری آن کشور را دارند یا خیر؟ و اگر کسی برای کمک برود و کشته شود، ضمان دیه بر عهده چه کسی خواهد بود؟

ج. در حد تمکّن با ملاحظه ی شرایط دیگری که در آنها به حاکم شرع مراجعه می شود، کمک کردن لازم است و جای ضمان دیه نیست.

رسیدن خسارت جانی به متهم، هنگام اجرای حکم

۵۷۹۳. در صورت اجرای حد، اگر خسارت جانی به متهم برسد چه کسی ضامن خواهد بود؟

ج. اگر خطایی واقع نشده بوده، کسی ضامن نیست.

کم کاری در انجام وظیفه

۵۷۹۴. آیا افرادی که به دلیل کفاف نکردن حقوق خود دو شغل دارند و هر یک از شغل ها باعث کم کاری در شغل دیگر می شود، ضامن می باشند یا ضمان آن به عهده دولت است که حقوق کمی پرداخت می نماید؟

ج. آن کسی که کم کاری کرده، ضامن است.

تصادف و از بین رفتن مال

۵۷۹۵. اگر شخصی اجناسی را بخرد و در راه انتقال با وسیله نقلیه تصادف کند، ضمان به عهده فروشنده است یا خریدار؟

ج. اگر تصادف قبل از تحویل به خریدار بوده و در نقل و انتقال مسبَّب از همین معامله برای تحویل تلف شده، احتیاطاً مصالحه کنند.

ذبح پرنده حلال گوشت بدون اجازه مالک

۵۷۹۶. اگر شخصی یکی از پرندگان حلال گوشت را بدون اجازه مالک ذبح کند، آیا باید قیمت آن را بپردازد یا مثل آن را؟

ج. باید قیمت آن را بدهد.

زخمی کردن حیوان مزاحم بعد از هشدار به صاحب حیوان

۵۷۹۷. اگر حیوان کسی وارد منزل یا باغ و زراعت شخصی شد و چندین بار هم به صاحب حیوان تذکر داده باشد، اما او توجه باشد و صاحب زراعت یا منزل و باغ در باغ یا زراعت سم بریزد و حیوان بمیرد و یا پای حیوان را بشکند یا حیوان را زخمی کند، چه حکمی دارد؟

و اگر چنین حیوانی از بین برود، حکم مسأله چه می شود؟

ج. فردی که اقدام بر کشتن یا مجروح نمودن حیوان نموده، ظاهراً ضامن است؛ مگر این که در آن مورد دفاع از مال صادق باشد و راه دفاع هم در مجروح یا کشتن حیوان منحصر باشد که ضامن نیست و حل اختلاف نزد حاکم شرع می شود.

کسی که سبب بی کار شدن افراد می شود

۵۷۹۸. اگر فردی باعث شود که کسی یا کسانی شغل خود را از دست بدهند و به اصطلاح نان آنها را آجر کنند، آیا ضامن خسارت مالی وارده به آنهاست یا خیر؟

ج. موارد مختلف می شود و ممکن است در بعض موارد ضامن باشد.

افتادن در چاله های حفر شده در معابر

۵۷۹۹. اگر در برخی خیابان ها اداره گاز یا فاضلاب حفر چاه یا کانال کنند و فردی ناآگاه هنگام شب در آن بیفتد و آسیب ببیند یا تلف شود، ضامن کیست؟

اگر مالکی در زمین بدون دیوار چنین کاری کند، چه وجهی خواهد داشت؟

ج. اگر اقدامات لازم برای پیشگیری از وقوع حوادث صورت نگرفته، آن اداره مقصّر در مأموریت ضامن است که به حسب ظاهر در اینجا اقوی از مباشر است و در رابطه با حفر چاه در زمین شخصی، اگر طوری بوده که ورود در زمین عدوانی حساب می شده و عبور از آن متعارف نبوده است، مالك زمین ضامن نیست.

فروش برگه های ارمغان بهزیستی

۵۸۰۰. شخصی برگه های مسابقه ارمغان بهزیستی را می فروخته و برای هر یکی ده تومان می گرفته و چند میلیون قیمت آنها بوده که ۷۰ هزار تومان سهم خودش شده، حکم مسأله چیست؟

ج. بر فرض حرمت فروختن برگه ها، باید پول آنها را به صاحبانش برگرداند و اگر آنها را نمی شناسد، باید با اذن حاکم شرع صدقه بدهد.

جبران خسارت خریدار

۵۸۰۱. اگر فروشنده به هر نحوی سر خریدار را کلاه بگذارد و برای جبران خسارت یا اشتباه خود خریدار را پیدا نکند، تکلیف فروشنده چیست؟

ج. موارد مختلف می شود و آن چه را اطمینان به رضایت او ندارد احتیاطاً از طرف او صدقه بدهد.

گم کردن کتاب امانتی

۵۸۰۲. در ایام کودکی کتابی از کتابخانه امانت گرفته ام و آن را گم کردم و الآن نمی دانم کجاست، چه کنم؟

ج. باید مثل آن را به کتاب خانه برگردانید.

تقاص اموال مصادر شده

۵۸۰۳. اگر در جایی قسمتی از اموال یک شخص به ناحق مصادره شد، آیا او می تواند تقاص نماید؟

ج. اگر هیچ راهی برای رسیدن به مالش ندارد، تقاص از اموال ضامن جایز است.

گرفتن دستمزد از پدر

۵۸۰۴. چند سال برای پدرم کار کرده ام، ولی پدرم حق مرا نمی دهد، آیا حق دارم با دعوا و اجبار حقّم را از پدرم بگیرم؟

ج. حق مطالبه ی حق را از پدر دارید، ولی احترام لازم پدر هم رعایت شود.

برداشتن پول از پدر و پدربزرگ

۵۸۰۵. قبل از بلوغ از پدر و پدر بزرگم پول برداشته ام، حال پشیمانم و آنها نیز مرده اند، چه کار کنم؟

ج. باید به ورثه برگردانید یا تمام ورثه را راضی کنید، هر چند وقتی مال را بر می گردانید، لازم نیست توضیح دهید و ماجرا را به آنها اطلاع دهید.

پیدا کردن و بزرگ کردن گوسفند

۵۸۰۶. گوسفندی پیدا کرده ام و حدود دو سال از این واقعه می گذرد و اصلاً اعلان نکرده ام، حکم این گوسفند و برّه هایش و مخارج آن چیست؟

ج. حکم مال غصبی را دارد و منافع و برّه هایش هم مال صاحب گوسفند است و لازم است از هم اکنون تا یک سال اعلان کنید و اگر صاحب آن پیدا نشد، احتیاطاً به حاکم شرع مراجعه کنید، این حکم در صورتیست که در صحرا در همان ابتدا که پیدا کردید، احتمال می دادید به زودی و به آسانی صاحبش معلوم شود وگرنه گرفتن به نیّت تَمَلُّك در برابر عوض جایز بوده و در این صورت ضامن عوض گوسفند برای مالك هستید و بقیه از آن شما است.

صدقه دادن طلای پیدا شده

۵۸۰۷. وظیفه ام نسبت به قطعه طلایی که در زمان کودکی از دوستم برداشتم و بعد آن را صدقه دادم چیست؟

ج. باید مثل یا قیمت آن را به دوستتان برگردانید.

چیدن میوه هایی که از دیوار باغ بیرون است

۵۸۰۸. چیدن میوه هایی که از دیوار باغ بیرون است، چه حکمی دارد؟

ج. به مسأله ی ۱۶۴۴ رساله، رجوع شود.

استفاده از پول پیدا شده

۵۸۰۹. آیا انسان با پولی که پیدا کرده، می تواند برای کتابخانه ای کتاب بخرد؟

ج. اگر از موارد تَمَلُّك نیست، نمی تواند.

حق مؤلف کتاب در چاپ و نشر

۵۸۱۰. اگر کتابی به شدت مورد نیاز باشد و نسخه آن در بازار یافت نشود، آیا چاپ و نشر آن بدون اجازه مؤلف یا ناشر ضمان آور است؟

فتوکپی از روی آن آیا حکم نشر بدون اذن را دارد؟

و اگر نویسنده یا ناشر آن کافر باشند چه طور؟

ج. چاپ و نشر آن جایز نیست و فتوکپی کل کتاب هم، اگر باعث ضرر رساندن به مؤلف یا ناشر باشد، جایز نیست. در مورد کافری که مال او شرعاً احترام ندارد، خلاف احتیاط است با احتمال ترتّب لوازم دارای مفسده.

پیدا کردن ساعت

۵۸۱۱. ساعتی را پیدا کردم و چند نوبت نیز آن را اعلان نموده و صاحبش پیدا نشد، حالا تکلیف من چیست؟

ج. اگر تـا یـک سـال اعلاـن کرد و صـاحب مال پیـدا نشـد، می توانـد از طرف صاحبش صـدقه بدهـد یا به عنوان امانت برای صاحبش نزد خود نگهداری کند، یا به حاکم شـرع بدهد یا برای خود بردارد و قصد کند که اگر صاحبش پیدا شد، عوض آن را به او بدهد.

دزدیدن میوه از باغ

۵۸۱۲. سال ها قبل مقداری میوه از چند قطعه زمین و باغ دزدیده ام، راه خروج از ذمه آنها چیست؟

ج. بایـد صاحبانش را راضـی کنیـد یا به گونه ای که نفهمنـد پولش را به آنها برسانیـد و اگر به هیچ وجه دسترسـی ندارید، از طرف آنها صدقه بدهید.

برداشتن کفش دیگری به جای کفش خود

۵۸۱۳. در حرم امام کفش مرا بردند، بنده از روی ناچاری کفشـی شبیه به کفش خودم – که کهنه تر بود – برداشتم، حکم این مسأله چه می شود.

ج. اگر شاهد حال بر رضایت صاحب کفش نباشد، ضامن هستید.

نحوه ی حلالیّت طلبیدن

۵۸۱۴. در کودکی مقداری پول از شخصی برداشتم، الآن خجالت می کشم به او بگویم، چه کنم؟

ج. به هر صورت شده، باید آن را به او برگردانید و لازم نیست توضیح دهید.

تشخیص مال مشتبه

۵۸۱۵. چگونه می توانیم مال مشتبه را تشخیص بدهیم؟

ج. موارد آن مختلف است.

تاوان

۵۸۱۶. تاوان یعنی چه؟ در اسلام چه حکمی دارد؟

ج. تـاوان یعنی جبـران خسـارتی که وارد شـده و گرفتن آن برای کسـی که خسـارت بر او وارد شـده و در مواردی که ضـمان

شرعی ثابت است، جایز است.

تخلّی در ملک شخصی دیگران

۵۸۱۷. تخلّی در املاک شخصی دیگران، بدون اطلاع از رضایت صاحب آن، چه حکمی دارد؟

و آیا این عمل موجب ضمان است؟

در صورت فشار و اضطرار چه طور؟

ج. اختیاراً جایز نیست و مطلقاً موجب ضمان هم هست.

نحوه رضایت از دیگران

۵۸۱۸. آیا در استفاده از اموال دیگران رضایت زبانی شرط است یا به صرف احتمال رضایت، می توان در آن مال تصرف کرد؟

ج. با صِرف احتمال بدون - اطمینان، نمی توان در آن تصرّف کرد.

استفاده بی رویه از آب دانشگاه

۵۸۱۹. من دانشجو هستم و از بیت المال استفاده می کنم، می خواستم بدانم، اگر من بر اثر وسواس، آب زیادی بریزم، چگونه می توانم خسارت آن را بپردازم؟

ج. باید خسارات را به همان مرکز برگردانید، یعنی پول اضافه بر متعارف را پرداخت کنید.

استفاده شخصی از تلفن دولتی

۵۸۲۰. بعضی از دانشجویانی که در بعضی از قسمت های دانشگاه مشغول به کار می باشند، از تلفن دانشگاه استفاده شخصی می کنند، آیا این کار جایز است؟

ج. اگر خلاف مقررات آنجا است، ضامن است.

استفاده از اموال بیت المال

۵۸۲۱. برداشت از اموال بیت المال - به قصد بازگرداندن آنها - چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۵۸۲۲. پولی از بیت المال نزد من است، آیا در موقع نیاز شخصی، می توانم از آن پول بردارم و بعداً برگردانم؟

ج. خیر، نمی توانید.

استفاده از وسایل اسقاطی ادارات

۵۸۲۳. استفاده از وسایل اسقاطی ادارات - که بعضاً دور ریخته می شوند - چه حکمی دارد؟

ج. اگر مورد اعراض واقع شده باشد، اشکال ندارد.

استفاده بیش از همه

۵۸۲۴. در مسافرت های جمعی (اردو) که از همه پول می گیرند و غذا می دهند، اگر کسی از سهمیه معین شده زیاد می گرفت، چه حکمی دارد؟

ج. اگر خارج از متعارف بوده، باید آن زیادی را برگرداند.

استفاده دیگران از امکانات دانشگاه

۵۸۲۵. آیا استفاده از امکانات دانشگاه ها برای غیر دانشجو یا دانشجویانی که از دانشگاه دیگر هستند، جایز است؟

ج. اگر خلاف مقررات باشد، جایز نیست.

جبران استفاده شخصی از امکانات دولتی

۵۸۲۶. جبران استفاده شخصی از امکانات دولتی چگونه است؟

ج. باید به همان مراکز برگردانده شود.

حلالیّت از فرد مضروب

۵۸۲۷. چگونه خودم را از زیر دین شخصی که او را مضروب نموده و الآن به او دسترسی ندارم بیرون بیاورم؟

ج. اگر به هیچ وجه به او دسترسی ندارید، باید به مقدار دیه ی وارده با اجازه از حاکم شرع از طرف او رد مظالم دهید، علی الاحوط.

تقلّب در هزینه های تلفن

۵۸۲۸. با توجه به بالا بودن نرخ مکالمه تلفن، آیا می شود تقلبی تلفن کرد؟

ج. خیر، نمی شود.

نشر کتاب بدون اجازه مؤلف

۵۸۲۹. روی کتاب هایی نوشته شده که تکثیر و نشر آن باید با اجازه باشد، حال اگر به دلایل مختلف امکان اجازه گرفتن نبود یا مشکل بود، آیا می شود نشر و تکثیر کرد؟

ج. خیر، نمی شود.

سوء استفاده از کارت تلفن

۵۸۳۰. دادن کارت تلفن به شخصی که می دانیم با تقلب به صورت مجانی از تلفن استفاده می کند، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

تصرف در اموال بیت المال

۵۸۳۱. تصرفات جزیی در اموال بیت المال و اداری چه حکمی دارد؟

ج. حرام و ضمان آور است.

خیانت در امانت

۵۸۳۲. اگر از کسی امانتی بگیریم و آن را خراب کنیم، حکم آن چیست؟

ج. ضامن هستید.

چگونگی پرداختن قرض بیت المال

۵۸۳۳. کسی که به بیت المال مقروض است، چگونه و به چه کسی آن را بپردازد؟

ج. باید به همان مراکز برگرداند و با عدم تمکّن، به حاکم شرع بدهد.

حکم عبور از مزارع کشاورزی

۵۸۳۴. عبور از میان باغات و زمین های زراعتی که نمی دانیم صاحبشان رضایت دارد یا خیر، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

برنده شدن در مسابقات با تقلّب

۵۸۳۵. اگر کسی با تقلب در مسابقاتی برنده شود، آیا می تواند از جایزه ی آن استفاده نماید؟

ج. خیر، نمی تواند.

اموال دزدی

۵۸۳۶. اگر فردی مالی را به کمک دیگران دزدیده و اکنون بخواهد توبه کند، چگونه باید برگرداند؟

ج. باید آن را به صاحبش برگرداند و او را راضی کند، هر چند توضیح ندهد و اگر امکان دسترسی نیست، از طرف او صدقه بدهد.

انجام کار دیگران بر اثر روابط

۵۸۳۷. اگر کارمندی کار کسی را - بدون نوبت و به جهت این که چند روز دیگر خودش با او کار دارد - انجام دهد، آیا اشکالی دارد؟

ج. اگر سبب تضییع حقوق دیگران نباشد، اشکال ندارد.

اشیای متروکه و رها شده

۵۸۳۸. استفاده از چیزی که صاحبش آن را رها کرده، چه حکمی دارد؟

ج. اگر کاملاً از آن اعراض کرده، جایز است.

بردن اموال بیت المال به منزل

۵۸۳۹. آیا بردن اموال بیت المال به خانه یا جای دیگر - مثل خوابگاه - جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست.

فروش هدیه

۵۸۴۰. آیا کتاب هایی را که یک انتشارات به ما هدیه داده است، می توانیم بفروشیم؟

ج. اگر شرطی در بین نبوده است، مانعی ندارد.

جا به جایی محل دانشگاه با فرد دیگر

۵۸۴۱. آیا جا به جایی محل دانشگاه با فرد دیگر با دریافت پول، جایز است؟

ج. اگر خلاف مقررات نباشد، اشکال ندارد.

خواندن روزنامه دیگری

۵۸۴۲. اگر کسی از روزنامه ی فرد دیگری که در رو به روی او قرار گرفته، بخواند، جایز است؟

ج. اشکال ندارد.

تقاص کردن حق ضایع شده

۵۸۴۳. اگر از کسی حقی ضایع شود، آیا شخصاً می تواند تقاص کند؟

ج. تا ممکن است با مطالبه یا شکایت حقش را بگیرد، با معرضیّت مفسده، تقاص جایز نیست.

تصرف کردن حقی از بیت المال

۵۸۴۴. اگر احتمال بدهیم که حقی از بیت المال یا حق النّاس را تصرف کرده ایم، چه باید بکنیم؟

ج. با احتمال این مطلب، تکلیفی نیست.

رعایت نکردن نوبت

۵۸۴۵. در بسیاری از مکان های شلوغ که به کارها صفی و نوبتی رسیدگی می شود، مثل نانوایی ها، بانک ها و ... اگر فردی بدون رعایت حق و نوبت دیگران کار خود را مُقَدَّم نماید، شرعاً عمل حرامی مرتکب شده است؟

اگر نانوا یا متصدّی آن امر بدون نوبت کار کسی را مقدم بنماید، آیا او عمل حرامی مرتکب گردیده است؟

ج. تضییع حقوق شرعی دیگران به هر گونه ای که باشد، جایز نیست و ملازمهای با نوبت ندارد.

دریافت دستمزد بیشتر از حق خود

۵۸۴۶. در دانشگاه مقداری پول به حساب من ریخته شده که بیشتر از دستمزد کاریست که انجام داده ام، وظیفه من در ازای این پول ها چیست؟

ج. اگر اشتباه شده، باید اضافه ی آن بازگردانده شود.

کشتن سگ نگهبان

۵۸۴۷. سگ گله یا باغی به عابری حمله می کند و عابر در مقام دفاع از خود او را می کشد، آیا در این صورت ضمانی بر عهده اوست یا نه؟

ج. با انحصار و توقف دفاع بر قتل او، ضامن نیست.

دعواهای کودکانه

۵۸۴۸. در دوران کودکی با بسیاری از کودکان و هم بازی ها دعوا و شوخی می کردیم که گاهی منجر به شکستن بینی، سر یا در رفتن انگشت و دست گردیده است، آیا اکنون نسبت به آن افراد ضامن هستم و در صورتی که آنان را نمی شناسم، چه باید بکنم؟

ج. بله، ضامن هستید و تا امکان دارد باید آنها را پیدا کنید و اگر امکان دسترسی نبود، به مقدار دیه ی آنها با اجازه ی حاکم شرع رد مظالم بدهید، علی الاحوط.

فحاشی

۵۸۴۹. آیا فحاشی به انسان های معمولی یا علما و بزرگان، حق اللّٰه است یا حق النّاس؟

ج. هر دو است.

پاره کردن پوسترهای تبلیغاتی

۵۸۵۰. کسانی که پوسترهای انتخاباتی را به هر دلیل پاره می کنند یا روی پوسترهای دیگران پوستر می چسبانند، خواه قصد اهانت داشته باشند یا نه، آیا ضامن هستند؟

ج. موارد آن مختلف است.

گرفتن کرایه اضافی توسط تاکسیرانان

۵۸۵۱. تاکسی هایی که بیش از قیمت تعیین شده از مسافرین کرایه درخواست می کنند، اگر مسافر فقط قیمت تعیین شده را بپردازد، آیا نسبت به مازاد ضامن است؟

ج. بیش از اجرت المثل را ضامن نیست؛ مگر این که از اوّل اجرتی را معین کرده باشد و مسافر هم پذیرفته باشد.

هزینه سفر نیمه تمام

۵۸۵۲. این جانب به قصد تشرّف به زیارت مرقد حضرت زینب با کاروانی به طرف مرز حرکت کردیم ولی از مرز به علت مشکلات قانونی گذرنامه مرا بازگرداندند، آیا من کل هزینه را به رئیس کاروان بدهکارم یا هزینه رفت و برگشت تا مرز را بدهکار می باشم؟

ج. بیش از مخارجی که برای شما شده، بر ذمّه شما نیست.

احکام صید و ذبح

استقرار حیات ذبیحه

۵۸۵۳. آیا به نظر حضرت عالی استقرار حیات در ذبیحه لازم است یا اصل حیات در حلال بودن ذبیحه کافی است؟

ج. اصل حیات کافی است.

ذبیحه اهل کتاب

۵۸۵۴. آیا ذبیحه اهل کتاب پاک و حلال است؟

ج. خیر، میته است.

مرگ حیوان پس از ذبح به سبب دیگر

۵۸۵۵. اگر پس از سر بریدن حیوان، حیوان به سبب دیگری هم چون آتش، افتادن در آب و ... بمیرد، آیا خوردن گوشت آن حلال است؟

ج. حلیّت آن حیوان خلاف احتیاط است.

شوک الکتریکی قبل از ذبح

۵۸۵۶. اگر قبل از سر بریدن حیوان شوک الکتریکی به او وارد کنند تا سر بریدن او آسان شود، آیا گوشت او حلال است؟

ج. بله، حلال است.

بریده نشدن چهار رگ

۵۸۵۷. اگر پس از سر بریدن حیوان معلوم شود ۴ رگ او بریده نشده، ولی زنده است؟

آیا بریدن بقیه رگ ها قبل از مردن حیوان چه حکمی دارد؟

ج. ظاهراً مانعی ندارد.

بریدن سر حیوان از بالای برآمدگی

۵۸۵۸. اگر پس از بریدن برخی از رگ ها متوجه شویم سر از بالای برآمدگی بریده شده، آیا می توان دوباره تا روح در بدن حیوان باقی است، از زیر برآمدگی سر را برید؟

ج. ظاهراً مانعی ندارد.

بریدن پای حیوان قبل از خروج روح

۵۸۵۹. در برخی از مناطق رسم است قبل از خروج روح و پس از بریـدن سـر حیوان، پاهای او را جدا می نمایند، آیا پاها حکم میته پیدا می کنند؟

ج. خیر، میته نمی شود؛ هر چند که این عمل مکروه است.

شکار با تفنگ بادی یا دولول

۵۸۶۰. تفنگ های دولول شـکاری یا تفنگ بادی، دارای ساچمه های گرد یا سـر پهن است که با سرعت و فشار به بدن شکار فرو می رود و آن را می کشد، آیا شکار با آنها موجب حلّیت شکار می شود؟

ج. پاک و حلال بودنش، اشکال دارد.

جدا کردن سر حیوان قبل از جان دادن

۵۸۶۱. آیا جدا کردن سر حیوان قبل از جان دادن، اشکال دارد؟

ج. مـانعی نـدارد و حیوان پاک و حلال است، ولی اگر بخواهنـد سـرش را از بـدن جـدا کننـد، بنا بر اظهر خوردن گوشت آن مکروه است، بلکه خلاف احتیاط است.

ذکر یک بسم اللّه برای چند مرغ

۵۸۶۲. آیا چند مرغ را می توان با یک بسم اللّه سر برید؟

ج. اگر دستگاه همه را در یک لحظه با رعایت شرایط سر ببرد، همان یک بسم اللّه کافی است.

چاقوی استیل

۵۸۶۳. آیا در صـحت سـر بریدن حیوان لازم است چاقو آهنی باشد؟ آیا سـر بریدن حیوان با چاقوی استیل و غیر آهنی صحیح است؟

ج. اگر آلت ذبـح غیر آهن باشـد، ولی در حـدّت و اسـتحکام و تیزی و اطّراد تـا آخر ذبـح مثـل آهن باشـد به نحو یقین، بعید نیست به الغای خصوصیت، به آهن ملحق باشد.

سر بریدن نابالغ و زن

۵۸۶۴. آیا اگر سر حیوان را بچه نابالغ یا زن ببرد، کافی است؟

ج. اگر زن یا بچه ممیّز مسلمان ببرد، اشکال ندارد.

بریدن تدریجی چهار رگ

۵۸۶۵. اگر بعضی از چهار رگ را ببرند و صبر کنند و پس از جان دادن حیوان بقیه رگ ها را ببرند اشکال دارد؟

اگر پیش از جان دادن حیوان بقیه رگ ها بریده شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر پس از جان دادن حیوان بقیه رگ ها را ببرند، اشکال داشته و حلال و پاک نمی باشد؛ اما اگر پیش از جان دادن بقیه رگ ها بریده شود، اشکال ندارد.

ذبح گوسفند در جهت غیر قبله به خاطر حواسپرتی

۵۸۶۶. اگر کسی گوسفندی را بر اثر غفلت و حواسپرتی به طرفی غیر از قبله ذبح کند، چه حکمی دارد؟

ج. بنا بر اظهر اشکال ندارد.

ذبح حیوان بدون بسم اللّٰه

۵۸۶۷. ذبح حیوان بدون گفتن بسم اللّٰه چه حکمی دارد؟

ج. اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد، اشکال ندارد و در غیر این صورت آن حیوان، بنا بر اظهر پاک نمی شود.

استفاده از گوشت با احتمال ذبح غیر شرعی

۵۸۶۸. استفاده از گوشتی که احتمال می دهیم ذبح کننده، احکام ذبح را رعایت نمی کند، اشکال دارد؟

ج. اگر در بازار مسلمانان فروخته می شود، پاک است و هم چنین است اگر در دست مسلمان باشد.

صید ماهی خاویار

۵۸۶۹. گرفتن ماهی خاویار چه حکمی دارد؟

آیا باید آن را رها کنیم یا استفاده از آن جایز است؟

ج. اگر فَلس ندارد، حرام است.

خوردن گوشت مرغی که طریق ذبح آن معلوم نیست

۵۸۷۰. خوردن گوشت مرغ هایی که معلوم نیست با دست ذبح شده یا با دستگاه خودکار، چه حکمی دارد؟

ج. گوشت هایی که در بازار مسلمانان فروخته می شود، پاک است و هم چنین است اگر در دست مسلمان باشد.

تناول مرغ هایی که با ماشین ذبح می شوند

۵۸۷۱. آیا خوردن گوشت مرغ هایی که با ماشین ذبح می شود، حلال است؟

ج. اگر شرایط ذبح رعایت شود، حلال است.

احکام خوردنی ها و آشامیدنی ها

ماهی های صید شده در کشورهای غیر مسلمان

۵۸۷۲. افراد در کشورهای غیر مسلمان، معمولاً ماهی را با وسایلی که دارند صید می کنند، خوردن ماهی در این کشورها که افراد مسلمان می فروشند و ما از صید آنها همان اطّلاعات عمومی و کلّی را داریم، چه صورت دارد؟

ج. کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست مسلمان باشد و در موقع صید، نام خدا را ببرد، ولی مسلمان باید بداند یا اطمینان داشته باشد که آن را زنده گرفته اند و در خارج آب مرده است و ماهی مرده ای که معلوم نیست آن را زنده از آب گرفته اند یا مرده، چنان چه در دست مسلمان باشد، حلال است و اگر در دست کافر باشد، اگر چه بگوید آن را زنده گرفته ام حرام می باشد، مگر آن که از حرف او یا از راه دیگر علم یا اطمینان حاصل شود.

صید ماهی با دینامیت و برق

۵۸۷۳. در برخی از مناطق با اتصال برق به آب یا انداختن دینامیت در آب، ماهی صید می کنند آیا این روش صید جایز است؟

ج. چنان چه ماهی در آب بمیرد، حرام است.

مردن ماهی در تور صیّادی

۵۸۷۴. اگر ماهی در تور صیّادی در زیر آب بمیرد، حلال است یا حرام؟

ج. حرام است.

ماهی اوزون برون

۵۸۷۵. ماهی موسوم به (اوزون برون) – که دارای دانه های ریز در پوست خود می باشد و بنا به گفته ی عدّه ای این دانه ها فلس های ریز می باشد.

امّا در هر حال فلس بودن آنها کاملاً مشخّص نیست - حکم خوردن چنین ماهی چیست؟

ج. اگر اهل خبره بررسی کنند که ماهی مزبور دارای فلس است، به گونه ای که موجب اطمینان شود، محکوم به حلیّت است.

رؤیت فلس با دستگاه

۵۸۷۶. با توجّه به تحقیقاتی که (با استفاده از چشم مسلّح) وجود فلس در کوسه ماهی را تأیید می کند، استفاده ی غذایی از این نوع آبزی چگونه است و آیا کشف فلس حتّی با چشم مسلّح برای حلّیت آبزیان کافی است؟

و صادرات این نوع آبزیان به کشورهای دیگر چگونه است؟

ج. در غیر آنچه که مورد نص روایات است، حلال بودن دایر مدار صدق فلس نزد عرفیست که به خصوصیات مطّلع هستند و صادرات آنها چنان چه منفعت حلال داشته باشد، مانعی ندارد.

پوست و روغن ماهیان حرام

۵۸۷۷. استفاده از پوست و روغن این آبزیان (ماهیان حرام) جهت مصارف دارویی چگونه است؟

ج. اگر در غیر خوردن باشد، مانعی ندارد و در جهت خوردن برای مداوا هم در حد ضرورت، اشکال ندارد.

قوانین دولتی صید

۵۸۷۸. دولت جمهوری اسلامی در مورد ماهیگیری مقرّرات گرفتن پروانه ی صید وضع نموده است و اجازه صید به کسانی داده می شود که در ازای پرداخت مبلغی پول، پروانه صید داشته باشند، اگر کسی این قانون را عمل نکند، گناه کار است؟

و آیا خوردن ماهی هایی که بدون مجوز صید می شوند، حلال است؟

ج. آن چه ذکر شد، منافاتی با حلال بودن گوشت ماهی صید شده ندارد.

ماهی در شکم ماهی صید شده

۵۸۷۹. اگر در شکم ماهی صید شده، ماهی دیگری پیدا شود، حلال است یا خیر؟

ج. اگر احتمال دارد حیات آن تا زمان خارج نمودن ماهی حامل از آب و بقا داشته، اظهر حلیّت آن است و احوط حرمت است.

میگو

۵۸۸۰. خوردن میگو حلال است یا نه؟

ج. حلال است.

محرّمات ذبیحه گوسفند و مرغ

۵۸۸۱. چیزهایی که در ذبیحه ی گوسفند حرام است، در مرغ هم اگر یافت شود حرام است یا نه؟

ج. بله، حرام است، به همان نحو مذکور در رساله از موارد جزم و احتیاط.

حرمت خرگوش

۵۸۸۲. در میان عوام مشهور است که دو نوع خرگوش وجود دارد. نوعی از آن حلال گوشت و نوع دیگرش حرام گوشت می باشد.

ج. خرگوش حرام گوشت است مطلقاً.

هم غذا شدن با اهل کتاب

۵۸۸۳. معاشرت و هم غذا شدن با اهل کتاب چه حکمی دارد؟

ج. اهل کتاب هم، حکم سایر کفّار را دارند.

خوردن آب اجزای حرام از حیوان ذبح شده

۵۸۸۴. هرگاه اجزای حرام از ذبیحه - مثل مغز حرام، دشول، بیضه و ... - در غذا پخته شود، با فرض این که از عین آن اجتناب کنند، آیا خوردن آب آن هم حرام است؟

ج. خوردن آب آن حرام نیست.

کشمش پخته شده

۵۸۸۵. کشمش را داخل آبگوشت یا آش ریخته اند و پخته شده است، آیا خوردن آن حلال است و آیا نجس است؟

ج. کشمش، مویز و آب آنها، اگر خود به خود یا با پختن جوش بیایند پاك بودن و خوردن آن محل اشکال است.

فرو دادن خون لثه

۵۸۸۶. فرو دادن خونی که از لثه خارج می شود جایز است؟

آیا در صورت مستهلك شدن در آب دهان، خوردن آن جایز است؟

ج. خونی که از لای دندان ها می آید را نمی توان فرو برد اما، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، مانعی ندارد.

حرمت خون دندان

۵۸۸۷. خوردن خونی که به واسطه ی دندان کشیدن وارد دهان می شود، چه حکمی دارد؟

ج. خوردن خون مطلقاً جایز نیست.

گوشت هایی که از خارج وارد می شود

۵۸۸۸. خوردن گوشت هایی که از خارج از کشور وارد می شود، جایز است؟

ج. اگر از کشورهای غیر اسلامی وارد می شوند، محکوم به عدم تذکیه است.

خوردن غذای اهل کتاب

۵۸۸۹. آیا خوردن غذای اهل کتاب جایز است؟

ج. با علم به نجس شدن به سبب تماس باید اجتناب شود.

بیرون ریختن غذا

۵۸۹۰. غذایی که نیم خورده ی بچّه باشد یا به نحو دیگر در سفره ریخته می شود، اگر برای پرندگان بیرون بریزیم، آیا اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد ولی در بعض موارد اسراف بوده و مورد مذمت است.

خوردن میوه درخت همسایه

۵۸۹۱. آیا می شود میوه ی شاخه ی درخت همسایه را که وارد خانه ی دیگری شده است، مصرف کرد؟

ج. خیر، بدون اجازه یا اطمینان به رضایت نمی شود مصرف نمود.

تربت های معمول در بازار

۵۸۹۲. خوردن تربت های موجود – که معلوم نیست از قبر مطهر امام حسین علیه السّلام باشد – آیا جایز است؟

ج. به مقدار کمی با امتزاج به آب، اگر به نیّت رجا بخورد، اشکال ندارد.

جوجه تیغی

۵۸۹۳. خوردن گوشت جوجه تیغی در دین اسلام چه حکمی دارد؟

با توجّه به این که این جاندار از لحاظ خصوصیات و ساختمان فیزیکی و جسمانی دارای پنجه و معده ی یک قسمتی بوده و از گیاهان و ریشه های درختان تغذیه می نماید؟

ج. حرام است.

خوردن تربت خریده شده در بازار

۵۸۹۴. خوردن مقداری از خاک که در بازار به نام تربت مطهّر سید الشّهداء علیه السّلام به فروش می رسد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر اطمینان دارد که از قبر مطهّر آن حضرت یا از اطراف آن برداشته شده، به نیّت شفا به اندازه ی یک نخود اشکال ندارد.

خوردن تربت رسول اکرم ائمه «علیهم السّلام»

۵۸۹۵. خوردن تربت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و ائمه علیهم السّلام، همانند تربت امام حسین علیه السّلام جایز است؟

ج. مظنون اینست که خوردن تربت حضرت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و سایر ائمه طاهرین علیهم السّلام برای شفا، در این حکم مثل تربت امام حسین علیه السّلام باشد؛ اگر چه احوط اینست که آن را در آب مخلوط کنند به طوری که مستهلک شود.

ذبح با دستگاه

۵۸۹۶. ذبح با وسیله ی برقی و مکینه، با شرایط اسلام و ذکر اللّه و قطع @اوداج و رو به قبله چه حکمی دارد؟

ج. میزان، مراعات شروط ذکر شده در رساله برای هر یک از حیوانات است.

پنیرهای وارداتی

۵۸۹۷. اخیراً پنیرهایی ساخت بعضی از کشورهای غیر اسلامی در بازار برخی از کشورهای اسلامی به فروش می رسد که بنا به اظهار بعضی افراد مطّلع، مایه ی اوّلیه ی آن از معده گوساله تازه به دنیا آمده، تهیّه می گردد و چون ذبح آن گوساله به طریق شرع مقدّس اسلام نمی باشد، استفاده از آن چگونه است؟

ج. پنیرمایه، هر چند حیوان ذبح شرعی نشده باشد، پاک و حلال است، مگر با رطوبت سرایت کننده با نجس یا متنجس – مثل

ظاهر ظرف بنا بر احوط - ملاقات کرده باشد؛ بنا بر این با شک در طهارت و نجاست محکوم به حلیّت و طهارت است و استفاده از پنیر مزبور مانع ندارد.

حکم شیره ی انگور

۵۸۹۸. حکم شیره ی انگور که از جوشاندن آب انگور به همراه خاک مخصوص به دست می آید و رنگ آن تقریباً قهوه ای و غلیظ است، چیست؟

ج. اگر به جوشیدن، ذهاب ثلثین شود، حلال است.

دنبلان

۵۸۹۹. خوراندن دنبلان (بیضه ی حیوان) به اطفال، چه حکمی دارد؟

ج. بنا بر احتیاط واجب، باید از آن خود داری کنند.

خوردن نوشابه، سوسیس و کالباس

۵۹۰۰. خوردن بعضی از خوراکی ها مثل نوشابه، سوسیس، کالباس که ضررهایی برای آنها برشمرده شده، جایز است؟

ج. اگر ضرر شخصی نداشته باشد، جایز است.

روایت های وارد شده در خواص خوراکی ها

۵۹۰۱. روایت هایی که توصیه به خوردن و یا نخوردن بعضی از چیزها کرده اند، آیا در مقام بیان حکم شرعی بوده اند یا صرفاً بیان خواص، ضرر و منافع آن خوراکی ها از آن استفاده می شود و مثلاً ثوابی بر عمل به آنها مترتب نیست؟

ج. هر عملی که به قصد قربت به جا آورده شود، ثواب دارد.

خوردن پنیر

۵۹۰۲. آیا خوردن پنیر - به تنهایی - کراهت دارد؟

ج. بهتر اینست که با گردو خورده شود.

مصرف میوه از باغ ها و مزارع دیگران

۵۹۰۳. مصرف میوه از باغ ها و مزارع، در چه صورت جایز است؟

ج. با اذن مالکین جایز است.

نوشیدن آب از قنات ها و چاه های دیگران

۵۹۰۴. نوشیدن آب از قنات ها و چاه ها که در زمین دیگران است، جایز است؟

ج. با اجازه مالکین آنها، جایز است.

خوردن سیراب و کلّه پاچه درست شسته نشده

۵۹۰۵. خوردن سیراب و کلّه پاچه ای که درست شسته نشده و طبخ شده است، در صورت وجود مو یا محتویات داخل سیرابی، آیا جایز است؟

ج. اگر طبعِ متعارف مردم از آن متنفر نبوده و یا اجزای حرام در آن نباشد، جایز است.

ژلاتین تهیه شده از مغز استخوان

۵۹۰۶. آیا مصرف ژلاتین - که از مغز استخوان خوک یا گاو تهیه می شود - در خوراکی هایی مانند آب نبات، ماست و تهیه جلد کپسول دارویی جایز است یا نه؟

ج. در مورد خوک نجس و حرام است، ولی در مورد گاو که ذبح شرعی شده باشد، جایز است.

خوردن مورچه و حشرات

۵۹۰۷. خوردن حشرات و مورچه ها - که در غذا افتاده - آیا جایز است؟

ج. اگر عرفاً از خبائث باشند، جایز نیست.

نان سوخته

۵۹۰۸. خوردن نان سوخته چه حکمی دارد؟

و اگر طبیعت فردی از آن متنفر نباشد، در حکم آن تأثیر دارد؟

ج. اگر ضرر دارد، جایز نیست.

خوراکی هایی که موجب تشدید بیماری می شوند

۵۹۰۹. آیا خوردن غذاهای حلال که موجب تشدید یا طولانی شدن بیماری می شود، حرام است؟

ج. با علم به آن حرام است.

خوردن چیز مشتبه

۵۹۱۰. خوردن چیز مشتبه، چه حکمی دارد؟

و در صورت حلال بودن، آیا اثر وضعی منفی دارد؟

ج. موارد آن مختلف است و فی الجمله اثر وضعی خود را دارد.

غذا خوردن در رستوران، ساندویچی و ...

۵۹۱۱. خوردن غذا در رستوران های عمومی و ساندویچی ها و کبابی ها، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

غذا خوردن در منزل افراد لاابالی

۵۹۱۲. خوردن غذا در منزل کسانی که اهل رعایت طهارت و نجاست نیستند، چه حکمی دارد؟

ج. تا یقین به حرام نباشد، جایز است.

چیز خوردن از منزل اقوام و دوستان بدون اجازه

۵۹۱۳. آیا چیز خوردن از منزل اقوام و دوستان، جایز است؟

ج. بدون رضایت آنها، جایز نیست.

غذا خوردن در مسجد

۵۹۱۴. غذا خوردن و سفره انداختن در مسجد، چه حکمی دارد؟

اگر برای عزاداری امام حسین علیه السّلام باشد چه طور؟

ج. اگر با نمازگزاران مزاحمت نداشته باشد و با اذن متولّی باشد، به خودی خود مانعی ندارد.

ممنوعیّت شکار حیوانات

۵۹۱۵. ممنوعیّت شکار حیوانات از طرف سازمان محیط زیست، آیا موجب حرمت شرعی و عدم جواز خوردن آن شکار می شود؟

ج. خیر.

خوردن خوراکی های دور ریخته شده

۵۹۱۶. خوردن خوراکی ها و نان هایی که در کوچه ریخته است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضرری نداشته باشد، اشکال ندارد.

غذا خوردن با دهان نجس

۵۹۱۷. اگر خون لثه با دندان پرشده یا دندان مصنوعی تماس پیدا کند، فرو دادن آب دهان و یا غذا خوردن در این حال، چه حکمی دارد؟

ج. موضع ملاقات را احتیاطاً آب بکشد.

فرو دادن خلط بینی و سینه

۵۹۱۸. آیا فرو دادن و خوردن خلط بینی و سینه - که در دهان آمده - جایز است؟

ج. خیر.

گوشت پرستو

۵۹۱۹. آیا خوردن گوشت پرستو جایز است؟

ج. مکروه است.

دست پخت همسر غیر مقیّد

۵۹۲۰. آیا خوردن دست پخت همسر که تقیّدی به نماز و احکام دینی ندارد، جایز است؟

ج. اگر مسلمان باشد، پاک است.

خوردن غذا که حرمت یا حلیّت آن معلوم نیست

۵۹۲۱. غذایی که انسان نمی داند از حلال است یا حرام، می تواند تناول کند؟ اگر غذایی واقعاً حرام یا نجس بوده و انسان ندانسته آن را بخورد، اثر وضعی در وجود او می گذارد؟

ج. تکلیفاً آن غذا حلال است.

ملاک حرمت و ضرر خوراکی ها

۵۹۲۲. ملاک حرمت در ضرر رساندن خوراکی ها چیست؟

و اگر مثلاً فرد سردمزاجی، خوراک سردی میل کند، به همین اندازه ضرر موجب حرمت می شود؟

ج. ضرر عرفیّت دارد.

خوراکی های مؤثر در قوای جنسی

۵۹۲۳. مصرف خوراکی هایی که موجب ازدیاد قوای جنسی، یا تقلیل آن و یا موجب عقیم شدن می گردد، جایز است؟

ج. فقط مورد سومی که موجب عقیم شدن می گردد، جایز نیست.

تخم مرغ خونی

۵۹۲۴. آیا مصرف تخم مرغی که در آن خون دارد، آیا جایز است؟

ج. از خونی که در تخم مرغ می باشد، بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کرد، ولی اگر خون در زرده باشد، سفیده پاک است و اگر در سفیده باشد، زرده پاک است.

خوردن استخوان و مغز استخوان پخته شده

۵۹۲۵. آیا خوردن استخوان یا مغز استخوان پخته شده، جایز است؟

ج. مانعی ندارد و ممکن است مرتبه ای از کراهت ثابت باشد.

پرخوری

۵۹۲۶. پرخوری چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضررآور باشد، جایز نیست.

ریاضت کشیدن به واسطه کم خوری

۵۹۲۷. آیا ریاضت کشیدن به واسطه کم خوردن غذا - چنان چه در طولانی مدت موجب بیماری شود - جایز است؟

ج. اگر علم به ضرر داشتن دارد، جایز نیست.

غذا خوردن با اهل سنت

۵۹۲۸. آیا غذا خوردن با اهل سنت جایز است؟

ج. مانعی ندارد.

خوردن منی

۵۹۲۹. خوردن منی انسان چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

فروخته شدن حیوان وطی شده

۵۹۳۰. اگر کسی با حیوان فرد دیگری، عمل نامشروع انجام دهد و صاحب حیوان آن را فروخته باشد، آیا قیمت آن را ضامن است؟

و اگر اظهار کردن آن به صاحب حیوان باعث مفسده و یا شرمندگی باشد، چه باید بکند؟

ج. اگر آن حیوان معمولاً ـ مأکول اللّحم است مثل شتر و گاو و گوسفند، فاعل این کار باید به هر طور که شده بر آن حیوان مستولی شود و توضیح دادن و آشکارا کردن شرط نیست، سپس آن را ذبح کند و بسوزاند و پولش را به صاحبش بدهد، به خلاف اسب و الاغ که تنها حکم فروختن در شهر دیگر دارند، نه ذبح و احراق.

بچه های حیوان وطی شده

۵۹۳۱. اگر حیوان حلال گوشت وطی شود، آیا بچه های آن حیوان که بعد از این عمل متولد می شوند یا در این بین از او تغذیه می کنند، حرام است؟

ج. آن چه بعد از وطی به وجود آمده است، حرام است نه آن چه سابق بر وطی وجود داشته است، حتی حمل بنا بر اظهر و اما تغذیه از او موجب حرمت نمی شود.

۵۹۳۲. مراد از نسل، در حکم حرمت گوشت نسل حیوان وطی شده توسط انسان چیست؟

ج. منظور، نسل متولد شده پس از وطی است، حتی حمل به وجود آمده پیش از وطی حلال است و اگر حمل مشکوك شد - که پیش از وطی محقق شده یا پس از آن - بازهم محکوم به حلّیت است.

وطی به حیوان ذبح شده

۵۹۳۳. آیا وطی حیوان ذبح شده، احکام وطی به حیوان پیش از ذبح را دارد؟

ج. احکام وطی در زمان حیات را ندارد - گرچه کار حرام کرده است - زیرا مقتضای اصل، عدم آن احکام است.

مست نشدن از مشروبات

۵۹۳۴. اگر کسی از مشروبات الکلی مست نشود، آیا بازهم نوشیدن آن برای وی حرام است؟

ج. حرام است.

نوشیدن اندک مشروب

۵۹۳۵. آیا نوشیدن مقدار کمی از مشروب - به حدّی که انسان مست نشود - حرام است؟

ج. حرام است.

نماز کسی که مشروب خورده

۵۹۳۶. اگر کسی احیاناً مشروبی نوشید، آیا تا چهل روز نماز او صحیح نیست؟

ج. صحیح است - یعنی قضا ندارد - ولی مقبول نیست، یعنی ثواب مترقب را ندارد.

نوشیدن مشروبات الکلی برای درمان

۵۹۳۷. آیا نوشیدن مشروبات الکلی برای درمان بعضی از بیماری ها حرام است؟

ج. تا انحصار و ضرورت معالجه در نوشیدن آن نباشد، حرام است.

حکم خرید و فروش مشروبات الکلی در محیط تحصیل

۵۹۳۸. حکم خرید و فروش مشروبات الکلی در دانشگاه چیست؟

وظیفه ما در قبال آن کدام است؟

ج. حرام است و باید از آن جلوگیری شود.

خوردن چیزهایی که مقداری الکل دارند

۵۹۳۹. خوردن چیزهایی که در آنها الکل وجود دارد، چه حکمی دارد؟

ج. احتیاط واجب در اجتناب است.

مخلوط کردن آب با شراب

۵۹۴۰. آیا مخلوط کردن آب با شراب، باعث از بین رفتن حرمت می شود؟

ج. خیر.

تزریق خمر

۵۹۴۱. آیا تزریق خمر یا مُسکر دیگر حرام است؟

ج. نوشیدن آن حرام است و تناول اعم از نوشیدن است و با الغای خصوصیّت، میزان حرمت، استعمال مسکر و مست کردن با اختیار است، حتّی لزوم حد شراب خواری نیز در این صورت محتمل است، که احتیاط در حد است.

ظروف غذاخوری شراب خوار

۵۹۴۲. ظروف غذاخوری شخص شراب خوار پاک است یا نجس؟

ج. اگر با شراب تماس پیدا کند یا با لب های او که متنجس به شراب است برسد، نجس است.

درآمد افراد شراب خوار

۵۹۴۳. درآمد افراد شراب خوار حلال است یا حرام؟

ج. اگر در رابطه با شراب باشد، حرام است.

حقوق گرفتن از شراب خوار

۵۹۴۴. حقوق گرفتن از فرد شراب خوار، چه حکمی دارد؟

ج. اگر در رابطه با شراب باشد، حرام است.

به هم زدن دو لیوان آب به حالت شراب

۵۹۴۵. اگر دو لیوان آب را برای شوخی به حالت شراب بخورند (یا دو لیوان را به هم بزنند)، حرام است؟

ج. این کارها خوب نیست و چه بسا التزام به ما لا یلزم است.

احکام وصیّت

لزوم نوشتن وصیّت نامه

۵۹۴۶. آیا نوشتن وصیّت نامه واجب است؟

ج. اگر علامت ها و نشانه های مرگ ظاهر شد، اگر نیاز به وصیت کردن باشد لازم است.

موارد لزوم وصیت

۵۹۴۷. اگر ذمه ی کسی به هیچ دینی مشغول نباشد، آیا وصیت کردن بر او لازم است؟

ج. خیر، اگر هیچ حقّی از حقوق الهی و مردمی بر او نیست و یا امانتی که نتوانسته رد کند نزد او نیست لازم نیست؛ بلکه مستحب است.

عدم رضایت ورثه در عمل به وصیت

۵۹۴۸. در عمل نمودن وصی به وصیت، آیا رضایت و موافقت بقیه ورثه آیا لازم است؟

و آیا آنان حق اظهار نظر و دخالت دارند؟

ج. اگر در امور مالی باشد و زاید بر ثلث باشد، رضایت تمام ورثه لازم است و غیر آن ارتباطی به ورثه ندارد مگر در وصیّت، به عنوان ناظر تعیین شده باشند.

(مسأله ی ۲۱۷۵ رساله)

فرق شهادت بر وصیت با عمل به آن

۵۹۴۹. آیا فردی که شاهد بر وصیت نمودن کسی شد و آن را امضا کرد، پس از مرگ او آیا لازم است به آن وصیت عمل کند؟

ج. اگر وصی نباشد عمل به وصیت بر او لازم نیست، بلی در مورد مناسب ادای شهادت می نماید.

وصیت نکردن به نماز و روزه

۵۹۵۰. فردی که از دنیا رفته و نسبت به نماز و روزه وصیتی ننموده است و مسلماً نماز و روزه های قضا شده زیاد داشته است، آیا لازم است از اصل مال، کسی را برای او اجیر نمایند؟ یا از ثلث او باید اجیر بگیرند؟ یا اصلاً لزومی بر اجیر گرفتن نیست؟

ج. اگر پسر بزرگ دارد، بر عهده او واجب است و در غیر این صورت، از اصل مالش اجیر بگیرند.

هزینه های عمل به وصیت

۵۹۵۱. آیا وصی می تواند هزینه های عمل به وصیت را از ترکه ی میّت محاسبه کند؟

ج. از همان ثلث می تواند محاسبه کند، نه از اصل ترکه.

خیانت یا عجز وصی

۵۹۵۲. هرگاه خیانت یا عجز وصی کشف شود، تکلیف چیست؟

ج. حاکم شرع به جای او یا برای کمک به او وصی را معین می کند.

(به مسأله ی ۲۱۸۵ و ۲۱۸۶ رساله رجوع شود.)

عمل نکردن وصی به وصیت

۵۹۵۳. آیا عمل نکردن وصی به وصیت – به هر جهت – حرام است؟

ج. بله، وصی مکلف است، به وصیت عمل کند.

وصیت به مهریه همسر

۵۹۵۴. شخصی برای ثلث اموال خود مصرفی را معین کرده و علاوه بر آن اظهار داشته که مهریه همسر او که اکثریت اموال او را شامل می شود بدهند، آیا چنین وصیتی که از مال ارثی چیزی باقی نمی گذارد جایز است؟

و آیا می شود مهریه زن او را به صورت قسطی پرداخت کرد؟

ج. ثلث مورد وصیّت همان ثلث باقیمانده ی مال پس از ادای مهریه و سایر دیون است، نه تمام مال و مهریه ی زن جزو دیون میّت است که اگر وصیت هم نکند، از اصل اموال او خارج می شود، هر چند چیزی هم برای ارث باقی نماند.

تفاوت وصیت با وکالت

۵۹۵۵. فردی در وصیت نامه خود افراد متعددی را برای هر یک از امور و کارهای خود معین کرده و شرح وظایفی برای آنان نوشته است؛ پس از مرگ او عده ای می گویند عمل او وکالت است و با مرگ وی عزل شده و عده ای می گویند او وصیت کرده و لازم است اجرا شود، کدام یک از این دو قول صحیح می باشد؟

ج. هر کاری را که گفته است بعد از مرگ من انجام دهید، همان وصیت تلقّی می شود.

وصیّت اجیر به نماز و روزه و نحوه ی محاسبه ی قیمت

۵۹۵۶. شخصی پنج سال قبل، مبلغی به عنوان اجرت نماز و روزه گرفته ولی به انجام آن موفّق نشده و فوت کرده، در وصیّت نامه ذکر کرده مبلغ مذکور را ورثه بابت نماز و روزه برای فلانی صرف کنند.

با توجه به این که مقدار نماز و روزه مشخّص نیست، وظیفه ی ورثه چیست. آیا به قیمت آن روز به مقدار پولی که گرفته باید نماز و روزه بگیرند، یا به مبلغ و نرخ امروز هر قدر که باشد؟

ج. در صورتی که اجاره باطل یا فسخ شود، مثل صورت شرط مباشرت، ذمّه ی او به همان مال الاجاره که به او داده اند، مشغول است و در صورتی که اجاره باطل و یا فسخ نشود ذمّه ی او به عمل مشغول است که همان مقدار نماز و روزه باید از ترکه او استیجار شود.

وصیّت به گذاشتن مفاتیح الجنان در قبر

۵۹۵۷. شخصی وصیّت کرده که کتاب مفاتیح الجنان را که مدّت ها می خوانده با او در قبر بگذارند، آیا این وصیّت جایز و نافذ است؟

ج. ظاهراً جایز است.

وصیّت شفاهی

۵۹۵۸. کسی به اولاد و دوستان و آشنایان خود وصیّت کرده و مطالبی را شفاهی در زمان حیات گفته - از قبیل دفن در مکان معیّن و غیره ... - و وصی معیّن نکرده است.

آیا عمل به آن واجب است؟

ج. بله، واجب است.

منجّزات مریض

۵۹۵۹. منجّزات مریض از اصل است یا از ثلث محاسبه می شود؟

ج. اگر کسی در مرضی که به آن مرض می میرد، مقداری از مالش را به شخصی ببخشد و به او تحویل دهد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به شخص دیگر بدهند، آنچه را که در حال حیات بخشیده و تحویل داده، از اصل مال است و احتیاج به اذن ورثه ندارد و چیزی را که وصیت کرده، اگر به مقدار ثلث میراث یا کمتر باشد، وصیت نافذ است و اگر زیادتر از ثلث باشد، زیادی آن به اذن ورثه احتیاج دارد.

وصیّت های بیشتر از ثلث

۵۹۶۰. اگر کسی وصایای متعدّد غیر متضاد کرده و مقدار آن از ثلث بیشتر است و و ورثه اجازه نمی دهند، تکلیف چیست؟

ج. بیشتر از ثلث، مال ورثه است.

(به مسأله ی ۲۱۹۷ رساله و بعد آن مراجعه شود.)

تضاد در دو وصیّت نامه

۵۹۶۱. چنان چه فردی در یک وصیّت نامه برای ثلث اموال خود مصرفی را معیّن کرده و در وصیّت نامه ی دیگر ضد آن را مشخص کرده است، تکلیف چیست؟

ج. به وصیّت نامه ی دومی باید عمل شود.

زیاد آمدن ثلث از مورد وصیّت

۵۹۶۲. شخصی وصیّت کرده ثلث مالش را در موارد معیّنی که ذکر کرده صرف کنند، در صورتی که از موارد مذکوره زیاد آمد چه کنند؟ به ورثه می دهند یا در مطلق خیرات صرف می شود؟

ج. اگر معلوم است که وصیت به تمام ثلث شده و ذکر موارد از باب تعدّد مقصود بوده است، زیادی آن باید در امور خیریه مصرف شود و اگر معلوم نیست و احتمال دارد منظورش اخراج از ثلث بوده نه وصیت به تمام ثلث، با اجازه ورثه در امور خیریّه مصرف شود.

تعیین ما در بچه ها و یک بچه ی صغیر به عنوان وصی

۵۹۶۳. شخصی وصیّت کرده و وصی خود را مادر بچّه ها و یکی از بچّه های صغیر خود قرار داده است، آیا این وصایت باطل است؟

ج. صحیح است و تا وقتی که صغیر بالغ نشده است، مادر در تصرّف مستقل است.

عدم وصیّت میّت و حق وی

۵۹۶۴. اگر میّت وصیت نکرده باشد، آیا از اصل مال حقّی دارد؟

ج. پس از کفن و واجبات تجهیز و پرداخت بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکات و مظالم عباد، ادا کردن آنها واجب می باشد، آنچه اضافی می ماند، اگر وصیت نکرده باشد، مال ورثه است.

عدم تعیین ثلث و تعیین وصی

۵۹۶۵. اگر میّت تعیین وصی نموده، امّا وصیّت به ثلث ننموده باشد، آیا لازم است ثلث او را در کارهای خیر مصرف کنند؟

ج. لازم نیست.

عدم لزوم حضور ورثه هنگام وصیّت

۵۹۶۶. در زمان تنظیم صلح نامه یا وصیّت نامه، آیا حضور تمامی ورثه الزامی است؟

ج. خیر.

قبول نداشتن وصی توسّط ورثه

۵۹۶۷. اگر وارثین میّتی اوصیای او را قبول نداشته باشند - با این که وصیّت شرعاً ثابت باشد، آیا هر کدام می توانند ثلث از سهم الارث خود را طبق وصیّتِ وصیت کننده خرج نمایند؟

ج. باید با نظر اوصیا باشد.

عدم عمل وصی به وصیّت و تکلیف ورثه

۵۹۶۸. اگر اوصیای میّتی حاضر به انجام وصیّت نبودند، آیا خود وارث ها می توانند عمل نمایند؟

ج. ورثه نمی توانند خود تصرّف کنند و در صورت معذور بودن اوصیا از عمل کردن به وصیّت، به حاکم شرع ارجاع می گردد تا جانشینی برای آنها معیّن کند.

وصیّت به تساوی پسر و دختر در ارث

۵۹۶۹. اگر پدر و مادر وصیّت کنند که دختران و پسران یکسان و مساوی هم ارثیّه را تقسیم کنند، آیا عمل به این وصیّت صحیح است؟

ج. وصیّت به این که اولاد پسر و دختر مساوی ارث ببرند، باطل است؛ مگر این که وصیّت نماید از ثلث بدهند.

وصیّت به بهترین مصرف خیر

۵۹۷۰. شخصی وصیّت کرده که ثلث اموال این جانب را در بهترین مواردی که از قرآن و سنّت استفاده می شود و بهتر از آن مورد وجود ندارد خرج کنید. نظر مبارک را در این خصوص بیان فرمایید.

ج. بعید نیست که افضل و بهترین موارد برای این مورد وصیّت، در تبلیغ تشیّع، یعنی ائمّه ای اثنی عشر علیهم السّلام باشد و اللّٰه العالم.

وصیّت به ثلث قبل از فوت و حکم دیه

۵۹۷۱. شخصی که مجروح شده، به ثلث وصیّت می کند و بعد وفات می نماید. آیا این وصیّت او ثلث دیه ای را که بعداً از قاتل می گیرند شامل می شود؟

ج. بله، شامل می شود مگر قرینه ای بر خلاف باشد.

از بین رفتن غیر مورد وصیّت به ثلث

۵۹۷۲. شخصی به عنوان وصیّتِ به ثلث، خانه ای را برای مصرف خاص تعیین کرده است، ولی بعد از وفات او تمام اموالش – غیر از این خانه – از بین رفته است، چه باید بکنند؟

ج. تمام منزل مذکور، چنان که تعیین نموده است، ثلث می باشد.

تعیین ثلث و تقسیم آن

۵۹۷۳. شخصی مقداری زمین از مالکیّت شخصی خود به عنوان ثلث تعیین نموده است و مورد مصرف آن را نیز مشخّص کرده است.

آیا این ثلث باید در مصرف مشخّص شده هزینه شود یا ورّاث می توانند آن زمین را بین خود تقسیم نمایند؟

ج. باید به عین وصیّت او عمل شود.

وجود دو وصیّت نامه

۵۹۷۴. اگر موصی دارای دو وصیّت نامه است؛ یکی به نحو مقیّد که وصیّت اوّلش می باشد و دیگری به طور مطلق، وظیفه عمل به وصیت اوّل است، یا به اطلاق (وصیت

دوم)

و یا به هر دو؟

ج. اگر دو وصیّت اثباتی باشند و اگر دوّمی ناظر به همان اوّلی نیست، تنافی ندارند، به هر دو عمل کنند و اگر تنافی داشته باشند به دوّمی عمل کنند و اللّٰه العالم.

اعتراض بعضی از وارثین

۵۹۷۵. متوفّی در وصیّت نامه اش – به شهادت پنج نفر عادل – سه دانگ یک ساختمان مسکونی را به همسرش و یک و نیم دانگ آن را به یکی از فرزندانش و یک و نیم دانگ باقیمانده را بین وارثان تقسیم کرده است.

اکنون یکی از وارثین به سهم سه دانگ همسر مرحوم و به آن یک و نیم دانگ دیگر اعتراض دارد. آیا اعتراض او شرعاً قابل توجه و ملاحظه است؟

ج. در فرض مسأله آن چه که در متن ذکر شده، بر حسب ظاهر، وصیّت است و وصیّتِ وصیت کننده در ثلث ترکه اش نافذ است و در اضافه ی بر ثلث محتاج به امضای ورثه است.

بلی اگر شخص متوفّی چیزی از اموال خود را به فردی یا افرادی در زمان حیات بخشیده باشد و به قبض آنها داده باشد، کسی حق اعتراض ندارد و در نزاع موضوعی، محتاج به مرافعه ی شرعیّه است.

ارث فرزند خوانده و حج میّت

۵۹۷۶. فردی فاقد اولاد، دارای همسر و دو برادر و یک خواهر می باشد.

فرزند برادرش را از زمان طفولیّت به عنوان فرزندخوانده نگهداری نموده است، او وصیّت کرده که مبلغ سیصد هزار تومان جهت کفن و دفنش و یکصد هزار تومان صرف مساجد بنمایند و خمس خانه ی غیر مسکونی اش نیز پرداخت شود و برایش حج بلدی انجام دهند و خانه ای در روستا و منزل مسکونی که در دست عیالش است بعد از فوت عیال به فرزندخوانده اش واگذار نمایند. مرقوم فرمایید آیا فرزندخوانده ارث می برد و دیگر این که بعد از اخراج سیصد هزار تومان مال الوصیّه و خمس آن خانه و صرف یکصد هزار تومان جهت مساجد، استطاعت حاصل و گرفتن حج بلدی یا میقاتی

لازم است و سهمیّه ی وارثین مذکور چگونه خواهد بود؟

ج. در فرض مسأله وصیّت میّت در ثلث ترکه اش نافذ است و در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است و فرزندخوانده، فرزند نمی شود و احکام فرزندی ندارد، ولی آن چه را وصیّت شده که به او بدهند، اگر با سایر مصارف ثلث، زاید بر ثلث نباشد باید به او بدهند و مقدار بدهی بابت خمس از اصل ترکه داده شود و اجرت استیجار حج، اگر حج واجب در ذمّه داشته از اصل ترکه برداشته شود و تفاوت اجرت حج میقاتی و بلدی از ثلث پرداخت می شود و در فرض مسأله، باقیِ ترکه، بین ورثه تقسیم می شود و یک ربع آن به زوجه و باقی به دو برادر و خواهر او می رسد، به این نحو که اگر خواهر و برادر پدر و مادری هستند یا همگی پدری هستند، مال پنج قسمت می شود:

چهار قسمت آن به دو برادر و یک قسمت به خواهر داده می شود و حکم صورت های دیگر هم در رساله ذکر شده است و اللّه العالم.

ضمان وصی

۵۹۷۷. فردی ثلث اموالش را مورد وصیّت قرار داده است و در اثر تصادف با کامیون فوت کرده است، چون راننده خطاکار از شغل رانندگی عایله اش را اداره می کرده است و او را زندانی کرده بودند، کبار ورثه رضایت دادند تا او را از زندان بیرون آورند. سپس به او تذکّر می دهند که مقتول چهار صغیره دارد، باید به آنها رسیدگی کنی تا کبیر شوند، بعد از بلوغ و رشد می توانند سهم الارث خود را مطالبه نمایند.

اکنون قاتل ناپدید و مفقود الاثر شده است، وصی هم بر اثر جهل

به مسأله نمی دانست که ثلث دیه داخل در وصیّت است و باید مطالبه می کرد که نکرده است.

حال آیا وصی، ثلث دیه را مدیون است یا کبار ورثه و در صورت ضمان، ثلث یوم التّلف را باید بدهد یا یوم الادا را؟

ج. اگر می توانست وصول کند و نکرد، ضامن است و تفاوت بین دو زمان را احتیاطاً ضامن است.

بخشش تمام اموال به فرزندان و حکم طلاهای باقیمانده

۵۹۷۸. مادری در حال حیات، تمام اموالش را به فرزندانش بخشیده و بین آنها تقسیم نموده است و وصیّت کتبی و تأکید مکرّر شفاهی نزد خویشان و غیر آنها نمود که فقط طلاهای زینتی مرا صرف نماز و روزه ی من و شوهرم کنید و آن را نزد یکی از پسرهایش سپرده است.

آیا اکنون که وفات کرده، وارثین در طلاها حقّی دارند؟

ج. ظاهراً فقط در ثلث طلاها حق وصیّت دارد و زاید از آن مال ورثه است؛ مگر نماز و روزه ای که خودش تعیین نموده که از اصل مال اخراج می شود بنا بر اظهر و هم چنین اگر ورثه وصیت او را اجازه داده اند، دیگر نمی توانند برگردند.

وصیّت به اهدای اعضا

۵۹۷۹. آیا وصیّت به این که بعض اعضای موصی را پس از وفات به مریضی مسلمان که در معرض خطر مرگ قرار گرفته بدهند، جایز است؟

و مریض غیر مسلمان چگونه است؟

و اگر چنین وصیّتی صورت گرفته، آیا اهل او می توانند ممانعت کنند؟

ج. با وجود عضو بدن غیر محترم مثل کافر و حاصل شدن مقصود به آن، نسبت به بدن مسلمان و محترم جایز نیست و امّا با حاصل نشدن نجات یک محترم از مرگ مگر به این، پس مانعی ندارد، بلکه با فرض توقّف نجات بر این، واجب است و باید از نظر و لمس حرام دوری شود مگر در موارد اضطرار و واجب است بعد از حصول مقصود بقیّه ای اعضا را دفن کنند.

ادّعای وارث نسبت به ثلث

۵۹۸۰. پدری تمام اموال خود را طبق نوشته ای به وارثین داده است، فقط گاو و گوسفند و طویله را بابت ثلث مال خود تعیین نموده است که بعد از فوت جهت مراسم سوّم و هفتم و ... و بدهکاری صرف شود و بقیّه ای اموال اگر مانده باشد به دو فرزندش مربوط است، آیا وارثین دیگر می توانند ادّعا کنند که از این گاو و گوسفند سهم می برند و یا مربوط است به همان دو فرزندی که متوفّی در وصیت از آنها نام برده است؟

ج. مجموع وصایای میّت در ثلث ترکه اش نافذ است و در زاید، به اجازه ی ورثه موقوف است که اگر اجازه داده اند، نمی

توانند برگردند و راه احتیاط اینست که اگر بین ورثه صغیر نیست، ورثه با هم مصالحه نمایند و به نحوی که پدر گفته عمل کنند.

تبدیل مورد وصیّت و حکم وصیّت

۵۹۸۱. شخصی وصیّت کرده که بعد از وفاتش از فروش اتومبیل سواری برای انجام خیریّه و مراسم و دفن و کفن و ... و برای اقامه ی عزای سیّد الشهداء علیه السّلام مصرف شود و از ثلث درآمد کامیونش جهت تهیّه ی جهیزیه ی دخترانش استفاده شود. ولی بعد از این وصیّت وصیت کننده شخصاً اقدام به فروش ماشین سواری و کامیون نموده است و به جای کامیون اوّل، بعد از فروش، کامیون دیگری خریده است.

آیا با تغییر محل برداشت هزینه ها، وصیّت سابق همچنان به قوّت خود باقیست یا از ثلث منافع حاصل، در موارد مختلف وصیّت هزینه نمایند؟

ج. احتمالاً منظور وی خصوص کامیون و سواری نبوده است، با این حال با رضایت ورثه انجام دهند.

۵۹۸۲. در صورت نافذ بودن وصیّت قبلی در مورد کامیون، اگر ورثه بخواهند کامیون را

بفروشند - با توجّه به این که خرید جهیزیّه ی دخترانش را از ثلث منافع لحاظ کرده بود، تکلیف چه خواهد بود؟ آیا می شود از اصل ثلث مبلغی را به این منظور قرار داد یا این که تمام ورثه از تمام ماترک میّت سهم می برند؟

ج. ثلث را تماماً با اجازه ی ورثه به مصارف مذکور برسانند و در صورت فروش کامیون، بعد از انجام امور وصیّت، چیزی که منفعت دار باشد برای تهیّه ی جهیزیّه بخرند.

زیادی از مبلغ مورد وصیّت برای ساخت مسجد

۵۹۸۳. اگر فردی مبلغ مشخصی را وصیت نموده تا به مصرف وقف - مثل ساختن مسجد برسد ... - در صورتی که آن مبلغ اضافه بیاید، آیا بقیه مبلغ در کارهای خیر مصرف شود، یا به عنوان ارث به وارثین تحویل شود؟

ج. جایز است مصرف مبلغ باقی مانده در تکمیل موقوفه و در آن چیزهایی که قابل استفاده در موقوفه است.

قرار دادن منفعت ملک به عنوان ثلث

۵۹۸۴. منفعت ملکی تا ۵۰ سال به عنوان ثلث قرار داده شده است.

آیا می شود ملک مزبور را به صورت مسلوب المنفعه تا ۵۰ سال به فروش رساند (یعنی تا ۵۰ سال اجاره باشد) و منافع آن را بر طبق وصیّت مصرف کنند؟

ج. در فرض مرقوم اگر عمل به وصیّت می شود، مانع ندارد.

وصیّت مقتول برای نگرفتن دیه از قاتل

۵۹۸۵. اگر مقتول وصیّت کند که از قاتل دیه نگیرید، چه حکمی دارد؟

ج. وصیّت به این که دیه نگیرید، مثل سایر وصایای در مال شخص است، که در ثلث نافذ است.

میزان در محاسبه ی قیمت ثلث

۵۹۸۶. ماترک همسرم ساختمانی بود، طبق وصیّت او، ثلث مال را با نظارت وصی و قیّم جهت نماز و روزه و کفّارات روزه و ... به مصرف رسانیدیم، به این شرط که ثلث از ساختمان برای من باشد.

اکنون قصد داریم ساختمان را بفروشیم. بعد از فروش، آیا ثلث مبلغی که به فروش می رسد سهم من می باشد و یا این که ثلث قیمت زمان فوتش به من می رسد؟

ج. وصیّتنامه ملاحظه شد، بنا بر محتویات وصیّت نامه چیزی به عنوان ثلث برای زوجه قرار داده نشده و وجهی برای اشتراط زوجه به نظر نمی رسد. ولی زوجه سهم الارث خود را از ترکه شوهر از منقولات و قیمت ساختمان و درختان حق دارد و

علاوه بر این تمام مهریّه ی خود را حق دارد که باید به او بدهند و اگر منظور از شرط این بوده که شما از مال خود پول مصارف ثلث را بدهید و در عوض ثلث خانه برای شما باشد، پس بر حسب این معاوضه ثلث مبلغ فعلی از آن شما است، مگر این که به عنوان قرض به وصی داده باشید که به همان مبلغ طلبکار هستید و اللّه العالم.

وصیّت به نماز و روزه از ثلث و صرف آن در رد مظالم

۵۹۸۷. میّتی برای نماز و روزه به ثلث وصیّت نموده است، با فرض این که می دانیم وی اهل نماز و روزه بوده است، ولی احتمال قوی در کسب و کار حق النّاس و مظالم بر عهده او است.

آیا می توان بخشی از ثلث را رد مظالم داد؟

ج. وصیّت نباید تغییر داده شود. بلی اگر شما یقین دارید که مظالم عباد به گردن ایشان هست، از اصل برداشته خواهد شد، نه از ثلث و تغییر وصیّت

جایز نیست.

وصیّت به عدم تقسیم خانه تا مدّتی معیّن

۵۹۸۸. متوفّی - که دارای دو زوجه می باشد - وصیّت نموده است، تا وقتی که دو زوجه اش زنده هستند، وارثان، ساختمان منزل مسکونی و اثاث خانه را تقسیم ننمایند، آیا این وصیّت شرعاً صحیح است؟

ج. وصیّت در زاید بر ثلث ترکه به اجازه ی ورثه موقوف است، ولی اگر ورثه وصیّت او را اجازه داده اند، نافذ شده است و ورثه دو مرتبه نمی توانند اجازه ی خود را لغو کنند و اللّٰه العالم.

انتقال بدن میّت جهت انجام وصیّت

۵۹۸۹. این جانب بر آن شدم وصیّت پدر بزرگوارم مبنی بر این که مزار او در جوار قطعه ی شهدا باشد را انجام دهم، لذا از آن مقام معظّم استدعا دارم انتقال پیکر مطهّر را به جوار قطعه ی شهدا اجازه بفرمایید؟

ج. در صورتی که عمل به وصیّت موقوف و متوقّف بر انتقال به قطعه ی شهدا باشد، انتقال به آن قطعه صورت بگیرد.

عدم عمل به وصیّت

۵۹۹۰. در وصیّت نامه ی متوفّی در مورد قطعه ای باغ در عقدنامه نکاحیه آمده است:

این قطعه زمین را به دخترها بدهند، به شرط این که هر سالی پنج شب یا روز روضه ی سیّد الشهداء علیه السّلام را اقامه نمایند و اگر چنین نکردند، وصی من فلانی چنین کاری را انجام دهد و زمین را تصرّف کند، نسل اندر نسل، تا به حال وصی چنین می کرد ولی فرزندان وصی چنین نکرده اند.

آیا جایز است زمین را بفروشند و پولش را صرف روضه خوانی و یا در امور خیریّه مصرف نمایند؟

ج. فروش جایز نیست و باید به وصیّت عمل نمایند و اگر هیچ کدام قبول نمی کنند، احتیاط آن است که با اجازه ی حاکم شرع به کسی واگذار کنند که به وصیّت عمل کند.

وصیّت مادر به نام گذاری نوه

۵۹۹۱. مادر من فوت شده، وصیّت کرده بود که اگر پسرت متولّد شد، اسم او را «علی اقبال» بگذار و من قصد کردم اگر خداوند متعال امسال به من فرزندی داد اسم آن بچّه را «مهدی» بگذارم، وظیفه ی من چیست؟

ج. بهتر است به وصیّت مادر عمل شود، ولی واجب نیست.

ناظر و شاهد شدن زن برای وصیّت

۵۹۹۲. آیا زن می تواند ناظر یا شاهد وصیّت نامه باشد؟

ج. مانعی ندارد.

خرید رایانه با ثلث وصیّت شده برای نشر کتب دینی

۵۹۹۳. فردی وصیّت کرده که ثلث او را برای نشر کتاب های دینی مصرف کنند، آیا می توان با ثلث وی دستگاه رایانه خرید؟

ج. می توان، ولی تنها باید از آن در نشر کتب دینی استفاده کرد.

وصیت در قالب شرط ضمن عقد

۵۹۹۴. فردی باغی را به مبلغ کمتری فروخته است، به این شرط که تا زمان حیاتش از مقداری از آن استفاده کند و پس از حیاتش، خریدار مقداری را برای او صرف خیرات کند.

آیا چنین معامله ای صحیح است؟

ج. معامله صحیح است.

صرف ثلثِ وصیت شده ی برای خیرات، در احتیاجات ورثه

۵۹۹۵. شخصی وصیت کرده است ثلث اموالش را در خیرات برای خودش صرف کنند، آیا فرزندان می توانند آن را در احتیاجات خودشان صرف کنند؟

ج. اگر فقیر باشند، جایز است و در غیر این صورت خلاف احتیاط است.

دفن میّت در مکان بهتر از وصیت

۵۹۹۶. آیا جایز است فردی را که وصیّت به محل دفن کرده است، در جای بهتری دفن کنند؟

ج. جایز است، زیرا وصیت او برای نفی افضل اطلاق ندارد، بلکه باید در محل پایین تر و کمتر از وصیت نباشد و احتیاطاً در همانند هم نباشد.

نحوه ی تقسیم اموال مشترک بین صغار و کبار

۵۹۹۷. اگر بین چند وارث، یک، یا دو نفر صغیر و بقیه کبیر باشند، تصرف در این اموال موروثی و تقسیم آنها چگونه صحیح می باشد؟

ج. اگر ولی شرعی یا وصیّی - که ولایت بر صغار دارد - باشد، با او این امر را از حیث تقسیم یا استیجار و نحو آن، انجام

دهند و اگر نباشد با حاکم شرع.

اگر ثلث از مورد وصیت زیاد بیاید

۵۹۹۸. شخصی فوت شده و در وصیّت به ثلث ترکه - که یک باب منزل مسکونی است، چنین آورده است:

«هستی من یک باب منزل می باشد، یک ثلث خرج مجالس سوّم، هفتم و سال و بقیه بین ورّاث تقسیم شود.»

آیـا مفهوم وصیّت فوق اینست که اگر مبالغی را وارث ها در سوّم و هفتم و سال او خرج کردنـد، بقیه ثلث بین وارثین تقسیم شود (با توجه به این قرینه که متعارف نیست تمام ثلث یک منزل را در سوّم و هفتم و سال خرج کننـد)؟ در صورت شک، آیا مراجعه به اصل برائت می شود؟

ج. در اضافه آن مخارج از ثلث، احتیاط در مصرف نمودن در راه های خیر است، با اجازه گرفتن از ورثه.

وصیّت به نماز و روزه بیش از عمر وصیت کننده

۵۹۹۹. میّتی به مقداری نماز و روزه وصیت کرده است که آن مقدار بیش از مدت عمر وی می باشد.

از طرفی به اندازه عمرش را استیجار کرده اند.

آیا باید به مقداری که وصیت کرده عمل شود یا همان مقدار کافی است؟

ج. بایـد به تمـام مقـداری که وصـیت کرده عمـل شود، زیرا شایـد آن نمـاز و روزه ها استیجاری بوده که به جا نیاورده بوده یا روزه ها از باب کفاره بر او واجب شده بوده است.

حکم خنثی در وصیّت

۶۰۰۰. فردی برای حمل وصیت کرده است سهم پسر و دختر متفاوت است.

حال اگر طفل خنثای مشکل متولد شود، تکلیف چیست؟

ج. قدر متیقّن که موافق احتیاط هم هست، سهم دختر برای او است، که کمتر است.

ارایه ی وصیت نامه بعد از مرگ

۶۰۰۱. بعـد از فوت پـدرمان برادر کوچـک وصـیت نامه ای آورده که نوشـته است؛ صـد هزار تومان از اموال را برای خودم و مابقی را به پسر کوچکم می دهم، آیا نافذ است؟

ج. اگر مربوط به پس از مرگ اوست و مورد اطمینـان ورثه است، در ثلث نافـذ است و در بیشتر نیـاز به اجـازه ی ورثه دارد و

اگر منظور او انجام دادن این کار در زمان حیاتش بوده است، پس آنچه نوشته و عده ای بیش نیست و حکم وصیت را ندارد.

احکام ارث

میزان در ارث بردن پسر و دختر از ثلث

۶۰۰۲. فردی ثلث خود را برای هزینه ازدواج دختر و پسر خود وصیت نمود، آیا دختر و پسر به صورت مساوی سهم می برد یا چون هزینه های ازدواج دختر بیشتر است، متناسب با نیازهای ازدواجشان به آنها می رسد؟

ج. تابع کیفیت وصیت است و اگر وصیت در این جهت اجمال دارد، آن دختر و پسر احتیاطاً با هم مصالحه کنند.

ثلث چیست

۶۰۰۳. منظور از ثلث در تقسیم ترکه میّت چیست؟

ج. مقصود از ثلث مال که وصیت در آن نافذ است، ثلث مال در وقت وفات وصیت کننده است، پس اگر در اثر نقصان اموال، مقدار ثلث اموالش در وقت وفات کمتر از زمان وصیت شده باشد، وصیت او در ثلث اموال موجود نافذ است.

نحوه تقسیم ارث بدون وجود وصیت

۶۰۰۴. اگر میتی وصیت خاصی نکرده باشد، تقسیم اموال او به چه صورت است؟

ج. بعد از خارج کردن تجهیزات واجبه و دیون میّت، اعم از حقوق اللّه و حقوق النّاس، بر حسب تقسیم ارث بین ورثه قسمت می شود.

دریافت سهم ثلث بعد از ازدواج

۶۰۰۵. دختری که به هنگام ازدواج، به علّت ممکن نبودن فروش اموال به ارث گذاشته شده، سهمی به عنوان هزینه ازدواج از ثلث مال پدرش نصیبش نشده، آیا اکنون می توان از ثلث مال مقدار سهمش را جدا کرد و به او داد، در صورتی که وصیت به ثلث برای این هزینه بوده است؟

ج. اگر دین آن باقی است، باید پرداخت شود وگرنه احتیاطاً مصالحه شود، بلی اگر وصیت کننده سهم هر کدام را معیّن کرده، ظاهراً در هر صورت به او پرداخت می شود.

اعتبار نظر مرجع وارث

۶۰۰۶. آیا وارث میّتی که آن میّت به احکام لقطه ای که پیدا کرده بود عمل ننموده، باید طبق فتوای مرجع میّت عمل نماید یا مرجع خودش؟

ج. میزان، نظر مجتهد خودش هست و احتیاط در اجازه ی حاکم است.

جدا نمودن سهم ازدواج صغار از ثلث

۶۰۰۷. آیا می توان سهم ازدواج هر یک از صغار را از ثلث مال تقسیم نمود و از باب مُقَدَّمه ازدواج برای آنها مسکن یا قطعه زمینی خریداری کرد، در صورتی که وصیت به ثلث برای این هزینه بوده است؟

ج. در صورتی که به مصلحت صغار با اجازه ی ولی شرعی باشد، مانعی ندارد.

دادن چک به فرزند توسّط پدر و فوت وی

۶۰۰۸. پدری در حال سلامت چکی را - که طلب کار بوده - به فرزندش می دهد و می گوید مبلغ آن را فلان وسیله برای فلان فرزندش خریداری کند، بعد بیمار شده و وفات می نماید. آیا مبلغ این چک به فرزند خاص می رسد یا به همه ی ورثه تَعَلُّق دارد؟

ج. اگر در مقام وصیّت بوده، در ثلث ترکه اش نافذ است و باید به آن عمل شود و در غیر این صورت، به همه ی ورثه تَعَلُّق دارد، اگر چه خوب است ورثه در همان مورد مصرف نمایند.

می همان شدن در منزلی که صغیر هست

۶۰۰۹. پدر خانواده ای فوت کرده و مادر سرپرستی خانواده را عهدهدار می باشد.

طفل صغیری در این خانواده است که مستمرّی برای تمام افراد خانواده از جمله برای آن طفل صغیر، ماهانه از دستگاه دولتی می دهند. آیا می شود مهمان این خانواده شد؟

ج. تصرّف در مال صغیر باید با اذن قیّم شرعی و مصلحت او باشد.

لزوم پرداخت خمس قبل از تقسیم

۶۰۱۰. اگر متوفّی خمس مالی را که بر ذمّه اش مستقر شده ادا نکرده باشد، آیا می توان آن را بین وارث ها تقسیم نمود، به این قصد و شرط که هر یک پس از فروش حصّه خود یا در صورت عدم قصد فروش پس از محاسبه و قیمت گذاری حصّه ی خود خمس مزبور را رد نماید؟

ج. اگر با اذن حاکم شرع باشد مانعی ندارد و اللّه العالم.

ادّعای طلب کاری زوجه از زوج متوفّی

۶۰۱۱. شخصی از دنیا رفته و دارای فرزندی صغیر و زوجه می باشد.

زوجه اش بدون دلیل و بیّنه ای ادّعا می کند که از متوفّی طلب کار است، آیا ماترک متوفّی متَعَلَّق به فرزندش می باشد و ادّعای مادر فرزند مسموع است و آیا خرج این فرزند صغیر به عهده مادر و یا جد مادری می باشد؟

ج. در فرض سؤال یک هشتم ترکه ی میّت متَعَلُّق به زوجه ی او است، به توضیح ذکر شده در مسأله ی ۲۲۴۸ رساله رجوع شود و باقی ترکه حق فرزند است، اگر میّت پدر و مادر ندارد و اگر میّت دیون معلومی داشته باشد، باید از اصل ترکه بپردازند و صرف ادّعا، مثبت دین نیست مادامی که به ثبوت شرعی نرسد و نفقه ی طفل اگر جد پدری نداشته باشد و اموالی هم که نفقات او را تأمین کند نداشته باشد، بر عهده مادر است و اللّٰه العالم.

زمین بایر به ارث رسیده و عمران آن

۶۰۱۲. زمین بایری که سال ها در آن کشت نشده است، به نام کسیست و آن شخص مدّت بیست و پنج سال است فوت نموده است.

ورثه ی آن مرحوم هم در این مدّت به عمران و آبادی زمین مذکور اقدام نکرده اند.

چنان چه یکی از ورّاث یا شخص دیگری آن را به حد بهره برداری آباد کند، مالک آن زمین می شود؟

ج. اگر زمین قبلاً آباد و ملک متوفّی بوده، فعلاً مال ورثه است و تصرّف در آن باید با رضایت همه ی آنها باشد و به احیا مالک نمی شود و می توانند از ورثه یا ولی غایب از ورثه اجاره نمایند.

تقسیم به وسیله ی نوشته

۶۰۱۳. پدری در زمان حیات خود زمین ها و سایر اموال خود را تقسیم نموده است و به هر یک از ورّاث نوشته ای داده است، آیا بعد از فوتش وارثین می توانند بگویند این نوشته را قبول نداریم و مجدّداً باید تقسیم شود؟

ج. مجرّد نوشته دادن کافی نیست، اگر با ورثه مصالحه ی شرعیّه نموده یا هبه کرده و تحویل آنها داده است، ملک آنها شده است.

تقسیم ماترک قبل از اخراج ثلث

۶۰۱۴. قبل از اخراج ثلث، وارثین ماترک وصیت کننده را تقسیم نموده اند.

آیا می توانند تصرّف کنند؟

ج. نمی توانند تصرّف کنند، مگر در صورت عمل به وصیّت.

اتومبیل متوفی که در اختیار فرزند بوده است

۶۰۱۵. پدری متوفّی در حال حیات نوشته است:

«وانت نیسان سال فلان از بانک کشاورزی گرفته ام» و قسط آن را راننده ی آن وانت که فرزندش است پرداخت کرده است و مدّت چند سال در اختیار ایشان می باشد، ولی سند وانت به نام پدر است.

آیا بعد از فوت پدر وارثین دیگر حقّی از این وانت دارند؟

ج. اگر برای فرزند خریده و یا بعد از خریدن به او واگذار و هبه شرعی کرده حقّی ندارند؛ اما اگر واگذاری او به نحو اباحه تصرف بوده، وارثین دیگر نیز در آن حق دارند.

زمین های اصلاحات ارضی و ارث بری آن

۶۰۱۶. در زمان تقسیم اراضی در سراسر مملکت، زمین های زراعی مورد نسق، به خود کشاورزان واگذار گردید. مالک یکی از زمین ها یک بیستم از تمام زمین را برای خود و بقیّه ای زمین ها را به دو فرزند متوفّی (که در زمان حیات در زمین مالک کار و رعیتی می کرده) با نظارت هیأت اعزامی واگذار نموده و سند رسمی نیز از اداره ی ثبت صادر گردید. اکنون پس از گذشت سی سال دختران متوفّی مطالبه ی ماترک پدر می نمایند، حتّی از زمینی که در زمان حیات پدر به عنوان مزارعه در دست فرزندان پسر بود، در صورتی که زمین ها در دست و تصرّف فرزندان پسر بوده است و مال مالک و دولت آن زمان نسق زمین های زراعی را به کشاورزان عمل کننده انتقال داده است نه این که ماترک پدری باشد، تقاضامندیم حکم مسأله را بیان فرمایید؟

ج. اگر در وقت موت متوفّی زمین ها ملک او نبوده و از مالک اوّلی شرعاً به او منتقل نشده، از ترکه ی او محسوب نمی شود و حکم میراث ندارد و خصوصیات فعلی و تشخیص موضوع

با خود مکلّف است.

تصاحب مال میّت توسط پسر بزرگ و مادر

۶۰۱۷. مردی که دارای دو پسر و سه دختر و همسر بوده، بیست سال است از دنیا رفته، در زمان فوت وی یکی از دختران مبتلا به بیماری روانی و یکی از فرزندان پسرش صغیر بوده است.

پسر بزرگ به اتّفاق مادر اموال باقی مانده متوفّی را بیش از سهم ارثیه برای خود قرار داده و به امضای همگان رسانده است؟

اکنون وارثین از جریان اطّلاع پیدا کرده اند، وظیفه ی وارثین دیگر چیست؟

ج. معلوم است که ورثه نسبت به سهم الارث خود از ترکه حق دارند. ولی چنان چه در این باره اختلافی دارند نیاز به مرافعه ی شرعیّه دارد.

اجازه ی ورثه به تصرّف یکی از ورّاث و ادّعای سهم

۶۰۱۸. یکی از وارثین، عین منقوله باقی مانده از میّت را فروخته و با قیمت آن، زمین مسکونی خریداری نموده است.

وارثین دیگر معامله ی اوّل را اجازه داده اند و مدّعی سهمی از زمین مذکور هستند.

آیا فضول، مکلّفِ به رد سهم آنها از ثمن معامله ی اوّل است و یا سایر وارثین با او در ملک شریک می باشند؟

ج. اگر وارث ملك را برای خود و بر ذمّه خریده، آن را مالك شده است و ورثه حقّی در آن ندارند و پول شیء فروخته شده را در سهم خودشان حق دارند.

نحوه ی تقسیم ترکه بین برادرزاده ها و خواهرزاده ها

۶۰۱۹. شخصی فوت کرد و دارای دو برادر و یک خواهر می باشد که همگی اینها قبل از وی فوت شده اند.

برادرها و خواهر متوفّی با آن شخص (متوفّی) از یک پدر و مادر بودند. از یک برادر مرحوم او فرزند پسری و از برادر دیگر مرحوم وی سه فرزند پسری و یک فرزند دختری و از خواهر مرحومه ی وی پنج فرزند پسری در حال حیات می باشند. نحوه ی تقسیم ترکه ی متوفّی بین برادرزاده ها و خواهرزاده را مرقوم فرمایید؟

ج. در صورت فوت برادر و خواهر پدر و مادری متوفّی، سهم آنها به فرزندانشان می رسد. بنا بر این در فرض مذکور در سؤال سهم برادر مرحوم وی به فرزند او و سهم برادر دیگر مرحوم وی نیز بین فرزندان او، پسر دو برابر دختر تقسیم می شود (دختر و پسر مساوی نمی برند) و سهم خواهر مرحومه ی وی که نصف سهم برادر است، بین فرزندان او قسمت می شود.

نحوه ی تقسیم ارث با فوت بعضی ورثه

۶۰۲۰. فردی فوت کرده و دارای چند فرزند ذکور و اناث است.

بعد از مورّث، اکثر فرزندان نیز از دنیا رفته اند به جز دو پسر و یک دختر و همسر فرد متوفّی (مورّث).

نحوه ی تقسیم ارث را بیان فرمایید؟

ج. کیفیّت تقسیم ارث در فرض سؤال در رساله مذکور است.

بایـد هر کدام ملاحظه شود که در زمان موت، وارثش کیست و ترکه ی فرزند زید که بعد از او فوت کرده به علاوه آن چه از زید ارث برده، به ورثه ی خودش می رسد.

سهم زوجه از زمین بنیاد شهید

۶۰۲۱. پدر و مادری که فرزندشان شـهید شده است، از طرف بنیاد شهید مبلغی پول بین آنها تقسیم شده است و اموالی از قبیل زمین، فقط به نام پدر شهید واگذار شده است.

اکنون پدر شهید فوت کرده است برای مادر شهید چه سهمی از این اموال می باشد؟

ج. اموالی را که بنیاد شـهید به والدین شـهید داده است، بسـتگی به مقرّرات بنیاد در تقسـیم و سهمیّه بندی دارد؛ بنا بر این اگر بنیـاد زمین را به هر دو نفر داده است، هر کـدام سـهمیّه دارنـد و اگر فقط به پـدر داده است، زمین متَعَلِّق به پـدر است و زن از زمین ارث نمی برد، ولی از سایر ترکه ی زوج هر چه باشد از منقولات یک هشـتم و از قیمت اعیان مثل ساختمان و اشـجار نیز یک هشتم حق دارد و اللّٰه العالم.

ارث شوهر و دایی و عمّه پدری

۶۰۲۲. زنی فوت کرده و شوهر دارد و یک دایی پدر و مادری و یک عمّه پدری، آیا دایی عمّه را حاجب می شود؟

ج. با وجود دایی پـدر و مادری، عمّه پدری هم ارث می برد و در فرض مسأله نصف ترکه از شوهر و ثلث برای دایی و بقیّه از آن عمّه است.

فرضی از تقسیم ارث

۶۰۲۳. شخصی فوت کرده، تمام ترکه اش سه میلیون و سیصد هزار تومان می باشد.

وارثین او بدین قرار است:

۱) زوجه؛

۲) پسرعمو پنج نفر؛

۳) دخترعمو چهار نفر؛

۴) پسردایی یک نفر؛

۵) دختردایی یک نفر؛

۶) پسرعمه سه نفر؛

۷) دخترخاله یک نفر؛

۸) پسرخاله دو نفر.

ج. در فرض مرقوم همسر مرحوم ربع ترکه را می برد و از زمین و عین بناها و درختان ارث نمی برد و از قیمت آنها غیر زمین ربع می برد و بقیّه ای ترکه بین پسرعموها و دخترعموها و پسرعمّه ها و پسردایی و دختردایی و پسرخاله ها و دخترخاله تقسیم می شود، به این نحو که ثلث مجموع ترکه با مراعات شروط ارث بردنِ پدر و مادر آنها و نیز سهم آنها به پسردایی و دختردایی و پسرخاله ها و دخترخاله به صورت مساوی می رسد و بقیّه به همین نحو مذکور به بقیّه داده می شود، للذّکر ضعف الانثی «برای مردان دو برابر زنان» و اگر غیر پدر مادری هم در فرض سؤال مطرح است، برای توضیح آن به رساله مراجعه شود.

مهریّه ی زن

۶۰۲۴. آیا مهریه ی زن جزو ترکه ی اوست و اگر جزو ترکه ی او است، آیا شوهر می تواند به نسبت سهم الارث خود از آن کم کرده و باقی مانده ی مهریه را به سایر ورثه ی زن (زوجه ی خود) پرداخت نماید؟

ج. بله، جزو ترکه ی اوست و شوهر می تواند بعد از پرداخت دیون و انجام مورد وصیّت آن کار را بکند.

پولی که زوجه عوض دیه ی شوهر می گیرد

۶۰۲۵. آیا زوجه از پولی که عوض دیه ی خون شوهر گرفته، حقّی دارد چه مقدار؟

ج. اگر زوج اولاد ندارد ۱۴، حق زن است و اگر اولاد دارد ۱۸، حق او است.

استیجار از ترکه ی میّت برای نماز و روزه

۶۰۲۶. آیا ورثه می توانند از ترکه ی میّت، شخصی را برای انجام نماز و روزه ی احتیاطی میّت استیجار کنند؟

ج. با اجازه ی تمام ورثه مانعی ندارد.

عدم مانعیّت بخشش در حال حیات از ارث

۶۰۲۷. آیا بخشش در حال حیات مانع از سهم الارث می شود؟

ج. مانع نمی شود.

لباس هایی که مرد برای زنش گرفته

۶۰۲۸. آیا لباس های مختلف و زیورها و امثال اینها را که شوهر در حال حیات برای همسرش گرفته، متَعَلُّق به زن است یا مال شوهر است که باید بین ورثه تقسیم شود؟

ج. اگر به زن تملیک نکرده است، هر چند به نحو هدیه، مال شوهر است.

ماهیّت ید ورثه

۶۰۲۹. آیا ید متصرّفین (ورثه) بعد از صدور حکم موت و تقسیم ترکه بین آنها امانی است یا ضمانی؟

ج. بعد از تقسیم ترکه - به نحو شرعی - بین ورثه هر کسی سهم خودش را واجد است و ید غیر بر آن باید با رضایت او باشد و تقسیم شرعی بعد از تجهیز و دین و وصیّت است و تفریط در انجاز آنها جایز نیست.

فروش اموال به فرزند و فوت وی

۶۰۳۰. این جانب تمام اموال منقول و غیر منقول خود را در مقابل ده هزار تومان به فرزندم فروخته و منتقل نموده بودم، به شرط این که تا من زنده ام، در اختیار خودم باشد، متأسفانه فرزندم قبل از من از دنیا رفته است.

آیا اموال به خودم بر می گردد یا به ورثه ی فرزندم منتقل می شود؟

ج. اموال به ورثه ی فرزند منتقل می شود، ولی با رعایت شرط مزبور.

حکم تفنگ

۶۰۳۱. آیا تفنگ هم مثل شمشیر به فرزند بزرگ می رسد؟

ج. شامل نمی شود.

۶۰۳۲. در صورتی که تفنگ بیش از خشاب خود گلوله داشته باشد، آیا بازهم به فرزند پسر بزرگ می رسد؟

ج. شامل نمی شود.

حکم سلاح با تعدّد زن و فرزند پسر بزرگ

۶۰۳۳. اگر مردی چند زن داشته باشد که هر کدام ولد اکبر داشته باشند، این سلاح به کدام یک از آنها می رسد؟

ج. اگر آن دو پسر از دو زن در یک وقت، متولـد شـده باشـند، باید لباس، قرآن، انگشتر و شمشـیر میّت را به طور مساوی بین خودشان تقسیم کنند.

تکلیف اموال کسی که مفقود الاثر شده

۶۰۳۴. تکلیف اموال کسی که مفقود الاثر گشته، چیست؟

ج. اگر زنـده بودنش معلوم نیست و وارث هم دارد، مالش را کنار می گذارنـد و بنا بر اظهر تا مـدت چهار سال وضـعیت او را پیگیری می کنند، سپس مالش را بین ورثه تقسیم می کنند، ولی اگر بعداً زنده بودن او معلوم شد، تقسیم مال منتفی می شود و احوط صبر کردن است تا حصول علم عادی به موت او یا حصول اطمینان در خصوص شخص مفقود.

صرف ماترک میّت برای کارهای خیر بدون وصیّت به ثلث

۶۰۳۵. در جـایی که میّت وصیّت به ثلث نکرده باشـد، آیا ورثه می تواننـد از اصل ترکه برای میّت کارهای خیر و عام المنفعه انجام دهند؟

ج. با رضایت تمام ورثه، اگر صغیر نداشته باشد، مانعی ندارد.

حکم امتیاز آب و برق و ...

۶۰۳۶. در مورد امتیاز آب و برق و تلفن و گاز و غیر آنها، حکم چگونه است، منقول است یا غیر منقول؟

ج. منقول است و در مورد شک، مصالحه بر قیمت به جای ارث بردن از عین، موافق احتیاط است.

ابطال نمودن توافق بر تقسیم ارث

۶۰۳۷. در مورد سهم الارث، اگر ورثه به نحوی در تقسیم توافق کردند، آیا می توانند خلاف توافق عمل نمایند و توافق نامه را ابطال نمایند؟

ج. غیر ورثه نمی توانـد و ورثه نیز اگر افراز به مصالحه یا قرعه شده باشد، نمی توانند و اگر مجرّد توافق باشد، مانعی ندارد در تعیین سهام یا تعدیل به اندازه ی سهمشان می توانند.

حکم فرزندان و نوه های ولد الزنا در ارث

۶۰۳۸. ولد الزّنا از ارث محروم است امّا فرزندان زنازاده و نوه های او چه طور، آیا آنها هم محروم هستند؟

ج. ظاهراً آنها هم محرومند.

اختلاف ورثه و زوجه در دائمی بودن

۶۰۳۹. زن پس از مرگ شوهر ادّعا می کند زوجه ی دائمی اوست و ورثه می گویند:

زوجه انقطاعی است، حکم مسأله را بیان فرمایید؟

ج. باید زن بیّنه اقامه کند.

وضعیت ارث در تلقیح مصنوعی

۶۰۴۰. اگر نطفه مردی را پس از فوت وی بگیرند و با تلقیح مصنوعی به رحم زن منتقل کنند، ولد متولّد شده آیا به مرد ملحق می شود؟ آیا از وی ارث می برد؟

ج. در حال موت، هنوز انعقاد نطفه و تحقق حمل صورت نگرفته است.

این حمل هر چند در فرزند بودن به آن مرد الحاق می شود، ولی از آن مرد ارث نمی برد، زیرا شرط ارثِ حمل در اینجا موجود نیست، بنا بر این که صرف احراز لحوق منظور نباشد.

حکم قبر با ارزش بعد از پوسیده شدن بدن

۶۰۴۱. شخصی برای دفن میّتی قبری را بخشیده که در آن دفن شود، پس از گذشت سال ها - که بدن میّت پوسیده - قبر دارای ارزش و قابل فروش است، آیا به ورثه میّت می رسد یا مَتَعَلِّق به خود بخشنده است؟

ج. ظاهراً به ورثه ی میّت می رسد، مگر قرینه ای بر صرف اجازه ی دفن باشد.

کار کردن پسر برای پدر در حال حیات

۶۰۴۲. پسری ده ها سال در باغ پدر یا مادرش کار کرده است.

آیا پس از وفات آنها غیر از ارث پسری چیزی به عنوان کارکرد به طور الزامی طلب کار است یا نه؟ و سایر ورثه به طور واجب چیزی اضافه بر ارث باید به او بدهند؟

ج. اگر قصد تبرّع (مجانی) نداشته است، باید او را راضی کنند.

زحمت هایی که یکی از ورثه کشیده است

۶۰۴۳. متوفّی دارای سه پسر و یک دختر و زوجه می باشد.

به جهت صغیر بودن دو نفر از فرزندان، ماترک مورّث را تقسیم نکردند.

فرزندی که ده سال داشت به مدّت شانزده سال مجبور شد زندگی را اداره نماید. اکنون بقیّه ای ورّاث ادّعای تقسیمی ماترک پدری را دارند، در صورت تقسیم، آیا فرزندی که به مدّت شانزده سال زحمت کشیده است، حق اجرت را دارد یا این که باید همانند سایر ورّاث سهم ارث خود را بردارد؟

ج. ماترک بین وارثین تقسیم می شود. پسر دو برابر دختر و زن هم حق خود را دارد و اگر فرزند به قصد مجانی بودن آن کارها را نکرده، حق اجره المثل کارهایش را دارد.

سهم همسر از خانه ی خراب شده در خیابان

۶۰۴۴. ساختمانی از ترکه میّت به ارث رسیده است که در جریان خیابان کشی شهرداری تخریب شده و شهرداری در موقع تخریب، عرصه ی ساختمان را ۵ / ۱ میلیون تومان و قیمت اعیانی را نیم میلیون تومان تعیین کرده بود؛ عوض آن ساختمان قطعه زمینی را داده است که قیمت آن سه میلیون تومان ارزش دارد. سهم همسر مورّث را چگونه باید محاسبه کرد؟

ج. به نسبت اعیان با احتساب بالا رفتن قیمت در آن چه پرداخت شده است.

ارث بری دختر از تمام ترکه ی پدر

۶۰۴۵. آیا دختر از زمین های کشاورزی پدر ارث می برد؟

ج. دختر نسبت به سهم خودش از تمام ترکه ی پدر ارث می برد.

عدم ارث بری پدربزرگ با وجود فرزند صغیر

۶۰۴۶. با فوت پدر با وجود فرزند صغیر، آیا پدر بزرگ مادری از ترکه، ارث می برد و اگر حقّی را بر متوفّی ادّعا کند، حکم آن چیست؟

ج. حقّی ندارد و ارث نمی برد و اگر ادعای خود را شرعاً اثبات نکند، حقّی ندارد.

بخشیدن مال به فرزندان و تقسیم اموال باقی مانده

۶۰۴۷. پدری در زمان حیاتش زمینی را با دستخط خود به چهار پسرش بخشیده است و به دخترها چیزی واگذار کرده است.

سازمان زمین شهری بقیّه ای زمین را تصاحب نموده که طبق قانون، حد نصابی از آن زمین به مالک داده می شود. حال مقدار زمینی که سازمان زمین شهری بر می گرداند، آیا به عنوان ماترک پدر فقط بین دختران باید تقسیم شود یا این که فرزندان

پسر هم از آن مقدار ارث می برند؟

ج. قطعاتی که پدر در زمان حیات خود به پسرها و دخترها بخشیده، اگر به تصرّف آنها داده باشد، حق آنهاست و نسبت به باقی زمین برگشت شده ای که در زمان حیات قبض نشده بود، میان پسرها و دخترها بر طبق آنچه خداوند فرموده تقسیم می گردد.

ادّعای بخشش توسّط فرزند

۶۰۴۸. پدری با سه فرزندش در مغازه ای - که مال پدر می باشد - کاسبی می کردند.

یکی از این سه پسر با مبلغ صد و بیست هزار تومان زمینی را خریده و به نام خود کرده است و این پسر پس از فوت پدرش، هنگام تقسیم ارثیّه اظهار می کند صد و بیست هزار تومان را پدرم به من بخشیده بود، بدون این که بر ادّعایش بیّنه و شاهدی داشته باشد، آیا این زمین مال این پسر است یا سهمیه ی همه ی وارثین می باشد؟

ج. مدّعی بخشش باید دعوای خود را به وجه شرعی اثبات کند و در غیر این صورت همه ی ورثه در مال مورد دعوا شریک هستند و نسبت به زمینی که با آن خریده شده، اگر به ثمن کلّی و برای خودش خریده، ملک پسر شده است پس وجه پرداختی از ترکه است و اللّه العالم.

هبه بدون قبض و اقباض در زمان حیات

۶۰۴۹. شخصی سه دختر داشت. دختر کوچکش بدون اذن پدر ازدواج می کند.

پدر تمام دارایی خود را بین دو دختر تقسیم می کند، آن گاه پدر فوت می کند.

حصّه ای که در حال حیات به یکی از دو دختر داده، بود قبض و اقباض نشده بود و عوضی هم در مقابلش داده نشده بود.

اکنون آن دختر ادّعای حصّه ی خود را دارد. آیا دعوای او صحیح است؟

ج. اگر حصّه های تقسیم شده را به دخترها نبخشیده یا در صورت بخشش تحویل نداده، هر چند از طریق وکالت و از اسباب ملک مثل مصالحه چیزی واقع نشده، حکم سایر ترکه را دارد که به همه ی ورثه می رسد. بلی اگر پدر در مقام وصیّت چنین کاری کرده، در ثلث ترکه نافذ است و اللّه العالم.

تأثیر عقوق والدین در حکم ارث

۶۰۵۰. آیا عقوق والدین موجب محرومیّت از ارث می شود؟

ج. موجب محرومیّت نمی شود، ولی عقوق والدین از گناهان کبیره است.

هدایایی که به عروس و داماد متوفّی داده شده

۶۰۵۱. اگر علاوه بر جهیزیّه که پـدر به دختر خود می دهـد، دیگران هـدایایی به عروس و داماد بدهنـد و اتّفاقاً عروس و داماد در تصادف فوت نمایند، لکن زوج چند ساعت پس از عروس فوت نماید، حکم این اموال چیست؟

ج. آن چه معلوم است که به کـدام یک هدیه داده شده، ملک اوست و از ترکه ی او محسوب است و در موارد شک، احتیاط در مصالحه است و چنان چه صغیر دارد، مراعات غبطه آنها نیز بشود.

سهم زن از سرقفلی مغازه

۶۰۵۲. میّت مغـازه ای دارد بـا بنـای نـازل، ولی چون در محـل منـاسب است سـرقفلی بالایی دارد. آیا زن او فقط از بنای مغازه ارث می برد یا در سرقفلی هم سهیم است؟

ج. زن از اعیان، هر چند به لحاظ سرقفلی ارث می برد، همان طوری که از اجاره ارث می برد.

سهم زن از فروش باغچه

۶۰۵۳. اگر باغچه یک جا به فروش برسد، از بهای آن چه مقدار به همسر مرحوم می رسد؟

ج. از قیمت اعیانی باغچه از قبیل درخت و غیره. (مسأله ۲۲۴۸ رساله.)

مطالبه ی ارث زن توسّط شوهری که غایب بوده

۶۰۵۴. مردی زنش را بدون طلاق رها کرده و زن و بچّه هایش به سختی زندگی را گذرانده اند.

اکنون که زن وفات کرده، سراغ فرزندان آمده و مطالبه ی ارث او را می کند.

آیا چنین حقّی دارد؟

ج. در فرض مسـأله، پـدر از ترکه ی زوجه خود یـک چهـارم ارث می برد، ولی اگر نفقات مادر را نـداده است، ضامن است و باید بپردازد و اگر مهریّه هم نداده است، باید مهریّه را هم بدهد.

طلایی که مرد برای زن خریده

۶۰۵۵. پـدرم هنگام حیات، برای همسـرش که زن پـدرم باشد، طلا خریده است ولی نوشـته ای در دست نیست که دلالت کند این طلا مال اوست و شفاهی هم مطلبی نگفته است.

آیا این طلا که در دست زن پدرم هست جزو ماترک می باشد و در صورت ترکه بودن، زن پدرم از آن ارث می برد؟

ج. اگر ظهور خرید طلا برای همسر در تملیک به او است، از ترکه محسوب نمی شود.

انتقال حق تعقیب کیفری

۶۰۵۶. شخصی به دلیل ترک انفاق تحت تعقیب کیفری قرار می گیرد.

شاکیه قبل از صدور حکم، فوت می نماید. آیا حق تعقیب کیفری (و به مجازات رساندن مجرم) به ورثه منتقل می شود یا خیر؟ و به طور کلّی، آیا در تعزیرات حق تعقیب کیفری با فوت به ورثه منتقل می شود یا خیر؟

ج. اگر ذمّه ی او مشغول به نفقه باشد، ورثه ی متوفّی حق مطالبه ی آن را دارند، ولی نسبت به مجازات دیگر حقّی ندارند، چنان چه خود متوفّی و یا حاکم هم چنین حقّی نداشت.

معامله فضولی یکی از ورثه در ماترک

۶۰۵۷. یکی از ورثه، سهم خود و دیگران از ورثه را بدون اذن آنان تصرّف می کند و بر آن معامله انجام می دهد. در صورت فوت تمام آن ورثه (ظالم و مظلوم)، آیا فرزندان مظلومین، حق مطالبه از فرزندان ظالم را دارند؟

ج. بلی و بدون اجازه آنها، آن معامله نیز باطل است، با فرض این که قبلاً از طرف پدران آنها اجازه یا ردّی صورت نگرفته باشد.

تقدّم ابن عم ابوینی بر عم ابی و عمّه ابی در ارث بری

۶۰۵۸. در صورتی که نوبت به ارث بریِ طبقه سوّم برسد، آیا ابن عم ابوینی (پدر و مادری) بر عم ابی و عمّه ابی (پدری) تقدم دارد؟

ج. بلی، زیرا تقدم ابن عم ابوینی بر عمّه اولویت دارد از تقدمش بر عم، امّا این تقدّم در مورد بنت عم ابوینی نیست، زیرا او در مورد استثنا، اولویتی از ابن عم ابوینی ندارد، لکن محل احتیاط به مصالحه هست.

عدم ارث بری زوجه میّت از عین و منفعت بنا

۶۰۵۹. ساختمان موروثه ای را می خواهند اجاره دهند، آیا زن میّت که از قیمت و مالیّت بنا ارث می برد، سهمی از این اجاره دارد یا می تواند مانع از اجاره شود؟

ج. ظاهراً تا قیمت به او پرداخت نشده، سهم دارد و یا می تواند مانع شود.

تقدّم دیون میّت بر وصیّت

۶۰۶۰. آیا دیون میّت، هنگام اخراج، بر وصیت او مُقَدَّم می باشد؟

ج. بلی، چه دیون حق الله باشد یا حق النّاس و وصیت هم بر ارث مقدم است.

تصرّف یکی از ورثه در ماترک بدون اذن دیگران

۶۰۶۱. یکی از ورثه بدون اذن سایر وارثین، یک طبقه روی خانه ارثی می سازد. پس از اتمام ساخت، تمامی ورثه جز یک نفر به آن راضی می شوند. تکلیف چیست؟

ج. اگر تصرّف در آن طبقه، چنان که متعارف است مستلزم تصرف در ملک ورثه است، باید آن وارث را با مصالحه یا به تقسیم ارث – که سهم او را بدهد – راضی کند، وگرنه تصرّف در آن طبقه جایز نیست.

چگونگی قرعه در صورت وجود وارثِ مؤنث میان وارثان مذکّر

۶۰۶۲. میّتی دارای یک دختر و چهار پسر می باشد.

ترکه وی یک زمین است که باید به نه قسمت تقسیم کنند.

برای این که سهم دختر، بین دو سهم یک پسر نباشد، چگونه قرعه بزنند؟

ج. اوّل سهم دختر را از دو طرف یا وسطها قرعه بزنند، یعنی قسمت های یک و سه و پنج و هفت و نه و سپس برای پسرها قرعه بزنند.

حکم جایزه ای که به کسی پس از فوتش می دهند

۶۰۶۳. حکم جایزه ای که به مؤلف کتاب به عنوان کتاب سال، پس از فوتش می دهند چیست؟

ج. این جایزه هم جزو ماترک اوست که به ارث می رسد، زیرا سبب کسب این فایده، پیش از موت بوده است.

احکام ارث

محرمیّت و زوجیّت در مورد پیوند سرِ فردی به دیگر

۶۰۶۴. اگر علم پزشکی به قدری رشد کند که بتوان سر انسانی را به بدن انسان دیگر پیوند زد، آیا از جهت احکام مانند:

ارث، محرمیّت، زوجیّت و ... میان شخص پیونددهنده و پیوندگیرنده تفاوت وجود دارد؟

ج. عرفاً این شخص آخری است، زیرا مغز که مرکز ادراکات است و قلب که مرکز حب و بغض است، باید با هم توأم باشد تا معلومات محفوظ بماند و احکام مشترکه بین آن دو نفر بر این شخص جاری است؛ ولی در احکام مختصّه، ظاهراً شخص ثالثیست که باید تمام تکالیف و وضعیّات را استیناف کند (دوباره آغاز کند)، مثلاً زنش را پس از عدّه دوباره عقد کند.

زمین اصلاحات ارضی که بعضی مالکان راضی نمی شود

۶۰۶۵. زمینی از اصلاحات اراضی به شخصی به ارث رسیده است و برخی از مالکین آن نه راضی به فروش می شوند و نه اجاره، تکلیف چیست؟

ج. باید سهم آنها را جدا کند و قسمت آنها را بدهد.

شرط محرومیت از ارث ضمن هبه پدر به فرزند

۶۰۶۶. پدری ملکی را به فرزندش بخشیده است، به این شرط که از ارث محروم شود، آیا این شرط صحیح است؟

ج. این شرط فاسد است، ولی چون به منزله ی وصیت برای ورثه ی دیگر است، سهم الارث این فرزند از ثلث برای دیگران می شود و هم چنین اگر زاید را اجازه داده باشد و اگر شرط این بوده که بعداً سهم خود از ارث را به سایر ورثه بدهد، صحیح و نافذ است و هم چنین اگر به نحو شرط نتیجه باشد، بنا بر صحّت آن.

عدم ارث بری ورثه بهایی

۶۰۶۷. بهایی که بهایی زاده است، فوت شده و وارث مسلمانی ندارد، آیا ورثه بهایی وی ارث می برند؟

ج. ورثه بهایی او ارث نمی برند، وضعاً، ولی تکلیفاً باید ملاحظه کنند که فتنه و مفسده بر آن مترتب نشود.

اعتبار قول زن در دخول پس از مرگ شوهر

۶۰۶۸. خانمی به عقد دائم مردی در می آید. مرد پس از چهارده ماه فوت می کند.

ورثه دیگر، آن خانم را به این دلیل که مرد مریض بوده و دخول صورت نگرفته است از ارث محروم کرده اند، زن ادّعای وقوع دخول را دارد. حکم چیست؟

ج. قول زن پذیرفته است، زیرا دخول از اموریست که «لا یعلم عادةً الّا من قِبلها» عادتاً دانسته نمی شود، مگر از جانب زن و اقامه ی بیّنه بر آن میسور نیست و فقط زن باید قسم بخورد.

فوت پدر و فرزند و معلوم نبودن زمان فوت

۶۰۶۹. شخصی با فرزند خود هنگام شنا غرق می شوند و مشخص نیست پدر پس از فرزند مرده یا با هم مرده اند.

اگر قراین حدسیه و امارات ظنّیه مانند قول پزشک به صورت نظریّه و نه شاهد قضیّه، بر تقدّم مرگ فرزند دلالت کند، آیا کفایت می کند یا بازهم حکم شک جاریست و از هم ارث می برند؟

ج. اگر اطمینان آور باشد، بلی کفایت می کند.

عدم امکان باز پس گیری هبه ی به فرزند، توسط دیگر ورثه

۶۰۷۰. پدری در زمان حیات، مقداری از ملک شخصی خود را در حضور شهود به یکی از فرزندان خود هبه کرده است.

آیا بعد از فوت پدر، وارثین می توانند آن مقدار بخشیده شده را بین خود تقسیم یا تبدیل به قیمت نموده، پول بگیرند یا آن مقدار مال آن فرزند است که به او بخشیده شده است؟

ج. اگر هبه صحیح بوده و اقباض شده است، وارثین نمی توانند مال موهوب را ببرند و بگیرند.

تقسیم اموال مشترک بین بچه های کوچک و بزرگ

۶۰۷۱. بین چند وارث اگر تعدادی کبیر از یک مادر - که مادرشان در زمان بودن ولی، از دنیا رفته است - و یک صغیر از یک مادر - که در زمان بودن ولی، طلاق شرعی داده شده است - و دو صغیر از یک مادر - که همسر قانونی و شرعی ولی بوده است - و ولی از دنیا رفته، بعد از وفات ولی همسری که طلاق گرفته بود، قیّم فرزندش شده و تقاضای تقسیم اموال نموده است و وارثین کبیر اجازه تصرف در اموال ندادند و قیّم دو صغیر هم اجازه ندادند و دو صغیر هم کبیر نشده اند تا خود اجازه دهند، آیا می شود در این اموال تصرف نمود؟

ج. اگر احتمال بدهند که مصلحت در تقسیم باشد، به حاکم شرع مراجعه نمایند و با امر او انجام دهند.

مسأله ارث و خون بها پس از قتل عامل مضاربه

۶۰۷۲. شخص «الف» با شخص «ب» معامله ای را به صورت مضاربه انجام داده است.

سرمایه از «ب» و کار از طرف «الف» بوده، قول و قرار بر این بوده که سود یا ضرر معامله به تناسب پنج به دو تقسیم شود. یعنی اگر پانصد هزار تومان ضرر یا سود برده شود، دویست هزار تومان از آن «ب» و الباقی که سیصد هزار تومان است متعلق به شخص «الف» می باشد و ایشان بعد از گرفتن یک میلیون و سیصد هزار تومان از «ب» جهت خرید برنج به شهرستانی می رود. متأسفانه در آن دیار به دام اشرار منطقه می افتد و نه تنها موجودیش را به سرقت می برند، بلکه خودش را هم می کشند.

بفرمایید:

۱) تلف شدن پول چه حکمی دارد؟

آیا «ب» می تواند نسبت به سهم مقتول مازاد بر دو پنجم

ادّعایی داشته باشد، یا کل سرمایه از کیسه «ب» تلف شده است؟

ج. خیر، زیرا ید امانی بوده و نمی تواند ادّعایی داشته باشد، با فرض این که قرارداد بر ضرر بوده نه سرقت و تلف.

۲) وارث مقتول دو دختر خردسال می باشند. آیا می توانند نسبت به دو پنجم خون بهای پدرشان ادّعایی داشته باشند؟ به بیانی دیگر آیا سود و ضرر پنج به دو شامل خون مقتول هم می شود؟

ج. خون بها اگر از قاتلین دریافت شد، متَعَلِّق به ورثه اوست و نمی توانند از شریک در معامله مطالبه کنند و ربطی به معامله ندارد.

مصرف ثلث توسط وصی

۶۰۷۳. مرحوم پدرم وصیّت فرمود که وصی او فرزندان پسر می باشند و همان طور که مستحضر می باشید، ثلث زیر نظر وصی باید به مصرف شرعیّه برسد. آیا خواهر بنده حق گرفتن ثلث دارد؟

با توجه به این که وصی راضی نیست که خواهر ثلث را به هر میزان بگیرد؟

ج. در صورت وصیت به ثلث، مصرف ثلث باید به دست وصی باشد، متعدّد باشند یا واحد.

تصرّف در ترکه پیش از اخراج بدهکاری و وصیت

۶۰۷۴. آیا تصرّفات و معاملات ورثه در ترکه میّت پیش از اخراج دیون یا وصیّت او نافذ است؟

ج. وضعاً نافذ است، اگر چه تکلیفاً حرام است.

زیرا ورثه مالک آن هستند و اخراج دیون به ذمه آنهاست و اگر با اذن حاکم و مصالحه به ذمّه بگیرند که در وقت معین بپردازند، تکلیفاً هم اشکال ندارد.

خنثای مشکل

۶۰۷۵. آیا حکم تقدّم و حاجبیّت ابن عم ابوینی (پدری و مادری) بر ابن عم ابی (پدری) یا امّی (مادری) شامل خنثای مشکل و دختری - که فرزند عم ابوینی است - نیز می شود؟

ج. همین حکم در حاجبیت خنثای مشکل و دختری که فرزند عم ابوینی می باشد، بنا بر احتیاط است که محل مصالحه است.

تقدّم خمس بر بدهکاری

۶۰۷۶. شخصی متوفّی، بدهی هایی مختلف از قبیل خمس و دیون به مردم دارد و اموال ماترک او کفایت بدهکاری او را نمی

کند، آیا اموال به جامانده ی او میان طلبکاران تقسیم به نسبت می شود یا دیون اشخاص مُقَدَّم بر سهمین است؟

ج. اگر خمس در مال او است، مُقَدَّم بر دیون است و اگر بر ذمّه ی او است، حکم سایر دیون را دارد و چنان چه با رضایت تقسیم کنند، احوط است.

ارث بردن از وسایل خانه

۶۰۷۷. آیا زن علاوه بر مهر وی از اثاثیه منزل نیز سهم الارث می برد یا خیر؟

ج. بله، ارث می برد.

ارث بردن برادرزاده ها

۶۰۷۸. اگر وارث پدر و مادر تنها یک دختر و برادرزاده هایش باشند، آیا به برادرزاده ها ارث می رسد؟

ج. خیر، فقط دختر ارث می برد.

تصرف در وصیت

۶۰۷۹. تصرف در وصیت (ثلث) پدر چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

تصرف در ارث توسط فرزند ارشد

۶۰۸۰. آیا فرزند ارشد خانواده حق تصرف در مال ورثه را دارد؟

ج. بدون اجازه ی ورثه، حق ندارد.

امانت پس از مرگ صاحب آن

۶۰۸۱. از دوستم کتابی به عنوان امانت گرفتم، پس از مدتی ایشان به رحمت خدا رفت، آیا رد امانت به ورثه لازم است؟

ج. بله، لازم است.

(به مسأله ی ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴ رساله رجوع شود.)

فرق گذاشتن بین افراد خانواده در ارث

۶۰۸۲. آیا والدین می توانند تنها به یکی از فرزندان خود ارث بدهند و آیا این کار گناهی ندارد؟

ج. نمی توانند و ارث بعد از فوت آنهاست و ربطی به آنها ندارد.

تصرف زن در حقوق مستمری

۶۰۸۳. زنی که قیّم بچه های یتیم است، آیا می تواند در حقوق مستمری آنها تصرف کند؟

ج. قیّم شرعی مجاز است در سهم آنها در حد مصلحت آنها تصرف کند.

مورد مصرف ثلث اموال وصیت شده

۶۰۸۴. اگر میّت ثلث اموال خود را وصیت کرده، ولی موردش را تعیین نکرده در چه راهی مصرف می شود؟

ج. در امور خیریه مصرف می شود.

تقسیم ارث بین افراد خانواده

۶۰۸۵. چگونه ماترك میّت بین همسر، دو بچه و سه دختر تقسیم می شود؟

ج. همسر سهم الارث خود را طبق مسأله ی ۲۲۴۸ می برد و هر یک از فرزندان پسر او دو برابر دختر سهم می برد.

تصرف در ماترک پدر

۶۰۸۶. آیا جایز است از ما ترك پدرمان جهت مصارف خانواده استفاده کنیم، در صورتی که عده ای از ورثه مخالف هستند؟

ج. خیر، جایز نیست و ضامن هم هستید.

فروش مال الارث بدون اجازه ی وراثین

۶۰۸۷. کسی زمینی را که از همسرش به او و فرزندانش به ارث رسیده است، بدون اجازه ی فرزندان خود فروخته است، آیا فرزندان او حق به هم زدن معامله مذکور را دارند؟

ج. بله، می توانند اجازه ندهند.

طلب کردن ارث بیش از سهم خود

۶۰۸۸. آیا دختری که از تحصیل محروم بوده است، می تواند در تقسیم ارث چیز بیشتری مطالبه کند؟

ج. خیر، نمی تواند.

مجازات در مصرف ثلث میّت

۶۰۸۹. مصرف ثلث میّت، چه مجازاتی دارد؟

ج. حرام و ضمان آور است.

حق بیمه عمر پس از مرگ

۶۰۹۰. آنچه از سوی اداره بیمه، طبق قرارداد پس از مرگ اشخاص بیمه شده پرداخت می شود، آیا جزو ما ترک میّت محسوب می شود یا متعلق به وارثین است و آیا می توان دیون و طلب کاری ها را از آن کم کرد؟

ج. اگر طبق قرارداد مال او را که در ذمّه آنهاست به او بر می گردانند، جزو ترکه است و دین و وصیّت از آن اخراج می شود؛ اما اگر طبق قرار کاری - شبیه بخشش - انجام می دهند، تابع همان قرارداد خواهد بود که آن کار نسبت به چه کسی انجام شود.

ارث بردن شوهر از دیه سقط جنین

۶۰۹۱. آیا مجرّد اطلاع و رضایت شوهر از سقط جنین که توسط همسر او انجام شده مانع ارث بردن شوهر از دیه ی سقط جنین می باشد یا نه؟ بلکه باید به نحوی هر چند به شکل دستور یا ترغیب و تشویق همسر در انجام سقط دخالت داشته باشد؟ و یا غیر مباشر محروم از ارث بردن از دیه نمی شود؟

ج. غیر مباشر از ارث محروم نیست، هر چند راضی به سقط هم باشد.

هدایای ازدواج پس از مرگ زن

۶۰۹۲. آیا جهیزیه و هدایایی که بستگان شوهر و دیگران به عنوان هدیه برای زوجین آورده اند، پس از مرگ جزو ترکه آن زن است؟

ج. اگر ملک زن بوده، جزو ترکه ی او است.

منزل شراکتی که در آستانه خرابیست

۶۰۹۳. خانه مشاعیست که قابل استفاده نیست و بعض ورثه حاضر به فروش و خرید آن نیستند و خانه در شرف خرابی است.

راهنمایی فرمایید.

ج. باید از غرض عقلایی آن بعض تحقیق شود و اگر می شود، توافق بر تعمیر و اجاره ی آن شود و اگر به هیچ چیز توافق نشود، حاکم شرع - در صورت امکان - اجبار بر اجاره می کند وگرنه اجبار بر بیع و فروش می کند.

تصرف در حق فرزند صغیر

۶۰۹۴. زنی که شوهرش کارمند بوده و فوت کرده، می تواند در حقوق فرزند صغیر تصرف بکند و خرج آنها بکند یا باید حقوق آنها را کنار بگذارد؟

ج. اگر قیّم شرعیِ صغار است، می تواند اموال آنها را در مصالح آنها صرف کند.

احکام قضاوت

لزوم اذن مجتهد جامع الشرایط برای قاضی منصوب

۶۰۹۵. آیا قضاوت غیر مجتهد را جایز می دانید؟ در صورت عدم جواز، با نبود قاضی مجتهد یا کمبود آن، آیا غیر مجتهد با اجازه مجتهد، می تواند قضاوت کند؟

ج. در فرض ضرورت، باید با اجازه مجتهد جامع الشرایط باشد و با تقلید صحیح در کلیات و دقت و احتیاط در موضوعات.

اجتهاد متجزّی جهت قضا

۶۰۹۶. اگر ارتداد نزد قاضی غیر مجتهد مأذون ثابت شود، آیا اجازه صدور حکم را دارد؟

ج. جواز صدور حکم قتل دایر مدار جواز قضای او است.

قضای غیر مجتهد، هر چند مأذون از مجتهد هم باشد، محل تأمّل است.

امر قاضی از مفتی بالاتر است و علاوه بر اجتهاد نیاز به بصیرت در موضوعات دارد، گرچه اجتهاد در خصوص قضا، به نحو مجتهد متجزّی کافی است.

تعارض حکم قاضی با مرجع تقلید

۶۰۹۷. اگر در موضوعی قاضی، حکم صادر کرد، ولی مرجع تقلید آن را خلاف شرع یا مبتنی بر اشتباه دانست، به کدام یک از دو نظر باید ملتزم شد؟

ج. چون منشأ اختلاف به یک نحو نیست، پس در هر مورد باید سؤال کرد.

قاضی به نظر خودش عمل می کند اجتهاداً یا تقلیداً

۶۰۹۸. اگر حاکم شرع و قاضی اجتهاداً یا تقلیداً نظرش با کسی که نزد او آورده اند یا با مترافعین در حقوق اللّٰه یا حقوق الناس اختلاف دارد، آیا طبق نظر خود اجتهاداً یا تقلیداً باید رأی دهد؟

مثلاً فردی را آورده اند که لواط انجام داده و محصن نیست و او مقلد کسیست که احصان را شرط می داند و این قاضی در اجرای حد، احصان را شرط نمی داند، آیا می تواند حکم به رجم دهد؟

یا قاضی اجتهاداً یا تقلیداً علم را در حقوق الناس معتبر می داند و کسی که رجوع نموده یا مترافعین اجتهاداً یا تقلیداً معتبر نمی دانند. آیا قاضی می تواند طبق نظر خود که علم را معتبر می داند حکم کند؟ و اگر با این فرض نمی تواند حکم کند، وقتی کسی به او رجوع می کند یا مترافعین برای فصل خصومت به او رجوع نمودند، باید از آنها سؤال کند که مقلد چه کسی هستند یا نظر آنها چه است یا اینکه سؤال لازم نیست و طبق نظر خود حکم کند؟

ج. قاضی به نظر خود عمل می کند اجتهاداً یا تقلیداً و در مورد حق النّاس به کتاب وسیله ی النجاه، ج ۱، ص ۱۶، مسأله ۳۵ مراجعه شود.

موارد حجیّت علم قاضی

۶۰۹۹. در چه مواردی علم قاضی حجت است؟

و آیا راه ها و مبادی علم او در نتیجه موضوعیت دارد؟

ج. از هر راهی برای قاضی شرعی علم حاصل شود، می تواند بر طبق علمش در حقوق اللّه و در حقوق النّاس با مطالبه ی صاحب حق حکم کند.

قسم دادن منکر

۶۱۰۰. آیا قاضی برای قسم دادن منکر، باید با مطالبه شاکی، وی را سوگند دهد؟

ج. لازم نیست و همان مطالبه ی اصل قضاوت، مطالبه ی موازین قضاست که از آن جمله قسم دادن منکر است، مگر اینکه برای اهمیت و عظمت قسم، شاکی از حق خودش رفع ید کند و حاضر به استحلاف نشود.

فرار مجرم

۶۱۰۱. گاهی پیش می آید که قاضی یا رئیس شعبه، شخص مدیون را در اختیار مأمور مراقب قرار می دهد و مدیون در میانه راه فرار می کند.

آیا آن قاضی و رئیس آن شعبه ضامن است؟

ج. اگر قاضی یا مأمور در حفظ و مراقبت او کوتاهی و تقصیر کرده اند، ضامن دیون طلب کاران هستند وگرنه ضامن نیستند.

ادّعای اشتباه توسط قاضی بعد از بر کناری

۶۱۰۲. اگر قاضی پس از القای حکم و زوال او از سِمت قضایی، ادّعا کند در زمان حکم کردن اشتباه کرده و حکم ناقص داده است، حکم صادر شده چه حکمی دارد؟

ج. اگر برای قاضی بعدی، بطلان این حکم ثابت شود - با یقین پیدا کردن او به صدق خبر دادن قاضی قبلی از خطا، یا از راه دیگر - می تواند حکم جدید کند هر چند مضمون حکم، زاید بر حکم قبلی باشد.

پرداخت پول به جای مجازات

۶۱۰۳. آیا مجرمی که به مجازاتی - مثل شلاق خوردن - محکوم شده، می تواند با پول از مجازات رهایی پیدا کند؟

ج. در حدود مقرّره باید حد جاری شود و جای انتقال به پول نیست.

قتل اجباری از نظر اسلام

۶۱۰۴. اگر چنان چه فرد در شرایطی قرار گیرد که مجبور به قتل کسی باشد، در اسلام چه حکمی دارد؟

ج. اگر در مقام دفاع از خود باشد، با مراعات مراتب و انحصار در قتل اشکال ندارد و امّا اگر دیگری او را مجبور کند که نفس محترمه ای را به قتل برساند، جایز نیست؛ هر چند خودش کشته می شود.

کشتن متجاوز جنسی توسّط تجاوز شده

۶۱۰۵. آیا شخص می تواند کسانی را که نسبت به او تجاوز جنسی کرده اند، در فرصت مناسب بکشد؟

ج. خیر، نمی تواند.

حکم ترور

۶۱۰۶. آیا کشتن افراد به صورت ترور جایز است؟

ج. خیر.

اقرار همراه با ابهام

۶۱۰۷. فردی اقرار به نسب ابهام و اجمالِ داشته، کرده و شخص اقرارکننده وفات کرده است و میان ورثه در تعیین و رفع ابهام اختلاف وجود دارد یا تعیین نمی کنند، بفرمایید ورثه چه وظیفه ای دارند؟

ج. احتیاط در اینست که ورثه در نصف حق مقر له با او مصالحه کنند.

۶۱۰۸. مقرّی به امر مبهمی اقرار کرده و در حالی که قدرت بر تفسیر دارد، از تفسیر امتناع می کند.

تکلیف چیست؟

ج. حاکم او را بر تفسیر الزام می کند، هر چند به حبس او باشد و در موارد حلف اگر نکول از حلف کند، رد قسم به طرف مقابل می شود، ولی اگر عذر از تفسیر دارد، مانند اینکه خوف از ضرر دارد، حاکم در مورد او تصمیم می گیرد.

زدن به یک نفر به جای زدن به اتوبوس

۶۱۰۹. اگر راننده ای خود را بین دو امر، تصادف با یک نفر که کنار جاده ایستاده و تصادف با یک مینی بوس یا اتوبوس که عده زیادی سرنشین دارد ببیند و به آن یک نفر زده و وی را بکشد، چه نوع قتلی محسوب می شود؟

ج. از مال راننده بر دیه مصالحه کنند.

تفاوت نفی بلد با تبعید

۶۱۱۰. تفاوت نفی بلد با تبعید و آواره نمودن دائمی چیست؟

ج. نفی بلد همان تبعید از بلد است که خصوصیات آن در مثل مُملک یا محارب فرق می کند، فی الجمله.

نسبت زنا به علّت عدم بکارت

۶۱۱۱. آیا به صرف بکر نبودن زوجه، می توان حکم زنا را نسبت به او ثابت کرد؟

ج. خیر، نمی توان.

قذف

۶۱۱۲. اگر مردی به همسر خود نسبت رابطه ای نامشروع با شخص خاصی بدهد، حکم شرعی چیست؟

ج. حکم قذف در موارد دیگر را دارد، مگر از موارد @لِعان باشد.

ورود زنان به دستگاه قضایی

۶۱۱۳. ورود زنان به دستگاه قضایی جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری و امور حسبیّه از بدو تشکیل پرونده، مرحله تحقیقات و ختم رسیدگی و صدور و ابلاغ و اجرای حکم را مرقوم فرمایید؟

ج. جایز نیست، با تمامیّت دلیل بر هر مورد.

راهنمایی طرفین دعوا توسط قاضی

۶۱۱۴. آیا قاضی می تواند یکی از طرف های دعوا یا دو طرف را به نحوه صحیح دادرسی و تنظیم شکایت و ... راهنمایی کند؟

ج. اگر برای غالب شدن بر طرف مقابل، علی ای تقدیر است، هر چند به غیر حق، جایز نیست.

تعدّد قضات

۶۱۱۵. آیا تعدّد قضات از نظر اسلام صحیح است؟

ج. اگر منظور قاضی شأنی است، مانعی ندارد.

گذشتن از شکایت در برابر پول

۶۱۱۶. در برخی موارد مجرم به شاکی مبلغی پول می دهد تا او از شکایت خود صرف نظر نماید، با توجه به این که برخی از جرم ها مثل تجاوز به عنف، سرقت و ...

می باشد، آیا دریافت چنین پولی جایز است؟

ج. تا قبل از اثبات نزد قاضی، مانعی ندارد.

موارد جواز زندان در اسلام

۶۱۱۷. در عصر امروز زندان به عنوان رایج ترین مجازات مجرمین مطرح است، لطفاً بفرمایید اسلام در چه مواردی زندان را جایز دانسته است؟

و آیا بازداشت متهم قبل از رسیدگی به پرونده او در دادگاه توسط نیروهای امنیتی و انتظامی جایز است؟

ج. مواردی در فقه برای حبس یا حبس دائم ذکر شده است و مواردی هم به نظر حاکم شرع است.

کنترل تلفن، ورود به منزل، تعقیب و ...

۶۱۱۸. آیا می توان برای اثبات جرم کسی، تلفن وی را کنترل کرد یا به تفتیش خانه او پرداخت و یا او را تعقیب نمود و آیا قاضی می تواند به چنین اموری حکم نماید؟

ج. خیر، در شرایط متعارف جایز نیست.

قتل مسافران اتومبیل

۶۱۱۹. اگر راننده ای تصادف کند و عدّه ای از مسافرانش کشته شوند، در صورتی که: ۱) تقصیر با او باشد؛

۲) او مقصر نباشد و راننده دیگر مقصر شناخته شود؛

۳) راننده خوابش برده باشد، چه نوع قتلی محسوب می شود؟

۴) اگر مسافر در هر یک از موارد بالا کمربند ایمنی را نبسته باشد و همین امر موجب ضربه مغزی و مرگ او شده باشد، چه حکمی دارد؟

ج. از موارد تسبیب است که ملاحظه می شود در آن استناد به انواع سهگانه ی آن از عمد و شبه عمد و خطا و استناد مشترک، موجب اشتراک در ضمان است؛ مگر در موارد اقوائیت مثل اقوی بودن مباشر از سبب.

شکنجه و فشار متهم

۶۱۲۰. آیا برای اعتراف گرفتن از متهم، می توان او را شکنجه کرد و یا تحت فشار قرار داد؟

ج. خیر، جایز نیست و حکم جنایت عمدی را دارد.

حکم قاضی فاسق

۶۱۲۱. برخی از قاضی ها که فسق های آشکاری هم چون ریش تراشی دارند، آیا حکم آنها نافذ است؟

ج. خیر و باید او را از منصب قضاوت کنار بزنند.

کیفیت ضربات شلاق در حدود و تعزیرات

۶۱۲۲. لطفاً کیفیت ضربات شلاق را در حدود و تعزیرات بیان فرمایید.

ج. به صفحات ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ از جلد ۵ جامع المسائل رجوع شود و تعزیر هم به صلاح دید و نظر قاضی است.

دزدی های الکترونیکی

۶۱۲۳. حکم سرقت های الکترونیکی اعم از اطلاعات، پول و ... توسط اینترنت، کامپیوتر یا موبایل و تلفن چیست؟

ج. مورد اجرای حد نیست، مگر صدق احراز قطعی باشد، نه مستند به احتیال سارق بدون صدق احراز شود.

اسیدپاشی

۶۱۲۴. حکم کسی که به صورت زن یا مرد دیگر اسید پاشیده است چیست؟

ج. به هر مقداری که جراحت وارد کرده و جنایت کرده ضامن است و جای قصاص هم هست، اگر تعزیر نباشد.

چهار بار اقرار به زنا

۶۱۲۵. اگر کسی اقرار به زنا کند، لازم است چهار بار اقرار نماید و آیا باید هر بار از آن در یک جلسه مستقل باشد یا می توان چهار بار اقرار در یک جلسه را مبنای حکم قرار داد؟

ج. در یک جلسه هم کافی است، هر چند خلاف احتیاط است.

مدّعی العموم

۶۱۲۶. آیا در اسلام چیزی به عنوان مدعی العموم وجود دارد؟

ج. از شوؤنات حاکم شرع است.

پیگیری قتل بدون تقاضای اولیای مقتول

۶۱۲۷. آیا دادگاه می تواند بدون درخواست اولیای دم، در مورد قتلی که واقع شده تحقیق و پیگیری کند تا قاتل را شناسایی نماید؟

ج. خیر، مگر عناوین @طاریه نزد حاکم شرع محقّق باشد.

احکام شوراهای حل اختلاف

۶۱۲۸. اخیراً در محله ها و مناطق مختلف کشور با جمع عدّه ای از معتمدین، شوراهای حل اختلاف تشکیل شده که در کارگشایی امور قضایی مردم بسیار مؤثر بوده است، لطفاً بفرمایید احکام صادر شده توسط چنین شوراهایی می تواند مشروعیت داشته و مبنای عمل طرفین دعوا قرار گیرد؟

ج. احکام قضاوت را ندارد.

شهود غیر عادل

۶۱۲۹. آیا قاضی می تواند بر اساس شهادت شهودی که عدالتشان به اثبات نرسیده، به عنوان اماره یا مستند علم خود حکم دهد؟

ج. خیر، باید عدالت شهود برای قاضی محرز شود، مگر برای قاضی علم آور باشد.

نقش فاکس، فیلم، عکس و ... در حکم قاضی

۶۱۳۰. آیا اسناد که به وسیله فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، اینترنت و ... تهیه می شود، می تواند مبنای اثبات یا رد ادعایی در محاکم شده و مبنای حکم و یا مؤیّد باشند؟

ج. هر چه سبب حصول علم برای قاضی شود با احراز عدم جعل، در موارد جواز حکم حاکم به علم خود، مؤثر است.

اثبات جرم از راه پزشکی قانونی

۶۱۳۱. آیا اثبات جرم به غیر از دستورات شرع از طرق دیگر - مثل نظریه پزشک قانونی - امکان پذیر است؟

و آیا نظر پزشکی قانونی می تواند مستند برای حکم دادگاه باشد؟

ج. در صورتی که سبب حصول علم برای قاضی شود، در موارد جواز حکم حاکم به علم خود، مؤثر است.

تشخیص پزشک در تحقق زنا و لواط

۶۱۳۲. تشخیص پزشک مبنی بر تحقق زنا و لواط و اظهار به وجود منی در مجرا و امثال آن، آیا می تواند مبنای اثبات حکم زنا و لواط قرار گیرد؟

ج. خیر، نمی تواند.

فحاشی نسبت به خداوند

۶۱۳۳. شخصی نه اهل نماز و نه روزه است، در حین صحبت با همکارانش و یا هنگام خشم، نعوذ باللّٰه نسبت به خداوند متعال فحّاشی نموده است و بار دوم تکرار نموده است و گفته است چه کسی آخرت را دیده، تکلیف شرعی ما در این باره چیست؟

مرقوم فرمایید؟

ج. اگر در حال اختیار این کارها را انجام دهد، به حکم مرتد است.

۶۱۳۴. چنان چه فرد مسلمان فطری به زبان بگوید:

«کدام دین، کدام قرآن، پیامبر و علی و امام مهدی چه کسی بودند ...» آیا چنین کلماتی از مصادیق ارتداد است؟

ج. اگر در حد انکار جزمی یا غیر جزمی باشد، در موارد اوّل مرتد می شود.

پاره کردن قرآن

۶۱۳۵. شخصی عصبانی شده و بر اثر خشم و غضب، قرآن کریم را پاره پاره نموده و بعداً پشیمان شده است، در حال حاضر چنین شخصی چه حکمی دارد؟

ج. باید توبه ی حقیقی کند.

اهانت همسر به قرآن

۶۱۳۶. وظیفه مردی که همسرش به قرآن اهانت نموده و مقدسات دین را منکر شود چیست؟

ج. به مسأله ی ۱۹۴۹ رساله مراجعه شود.

کشتن افرادی که خون آنها هدر است

۶۱۳۷. آیا می توان افرادی که مهدور الدم هستند، بدون مراجعه به دادگاه آنها را به قتل رساند؟

ج. خیر، نمی توان مگر در مواردی که استثنا شده است.

مجری حکم اعدام مرتد

۶۱۳۸. حکم اعدام افراد تحت شمول ساب النبی و مرتد را چه کسی می تواند اجرا کند؟

ج. قاضیِ شرعی می تواند اجرا نماید، البته در سب (دشنام) به نبی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و ائمه علیهم السّلام برای شنونده هم تکلیفاً جایز است، فی الجمله.

فرق شبهه اعتقادی و ارتداد

۶۱۳۹. در ذهن بسیاری از جوان ها، شبهاتی اعتقادی راجع به توحید، معاد و نبوت و امامت وجود دارد که این شبهات در رفتار و گفتار آنان تأثیر گذاشته و گاه الفاظی که بوی شرك و کفر و بی دینی می دهد، از آنان صادر می شود و یا حتی نماز و روزه را ترك می کنند، در صورتی که اگر مشکل اعتقادی یا عاطفی آنان حل شده و شبهات آنها از طریق درست پاسخ گفته شود، افراد معتقدی می شوند، آیا می توان چنین افرادی را کافر و مرتد دانست؟

و اگر این حالت در آنان ادامه پیدا کند چه طور؟

ج. تا به حد انکار جزمی یا غیر جزمی نرسد، حکم مرتد را ندارند.

قتل افسر نیروی انتظامی

۶۱۴۰. یکی از درجه داران نیروی انتظامی در پاسگاهی در اتاق افسر نگهبان، پس از مصدوم شدن با گلوله، فوت می کند.

افسر نگهبان که متّهم پرونده است، مدّعی شده که نزدیك مقتول رفتم و خواستم توپی کلت را جابه جا کنم که در این لحظه مقتول به سوی من بر گشت و دستش به اسلحه خورد و اسلحه شلّیك شد و این واقعه به وجود آمد. مسلّمات پرونده به شرح زیر است:

۱) پزشك قانونی در بازسازی صحنه که با حضور متّهم انجام شده، با توجه به نقطه ورود گلوله: زیر بغل در زیر لبه تحتانی دنده چهارم سمت چپ قفسه سینه و مسیر گلوله که ریه ها و قلب را پاره کرده و نقطه ای که گلوله در آن به دست آمده:

زیر لبه تحتانی دنده پنجم سمت راست قفسه سینه، اعلام کرده است که قول متّهم مطابق با واقع نمی باشد و قابل پذیرش نیست.

۲) مأمورین کشف جرایم نیز که در صحنه بازسازی

حضور داشته اند، قول متّهم را تأیید نکرده اند.

۳) متخصّص اسلحه شناسی اعلام کرده شلّیک، از فاصله ای کمتر از نیم متر انجام شده است.

۴) کسی غیر از قاتل و مقتول در صحنه حضور نداشته است که از مشاهدات او استفاده کنیم.

اولیای دم، مدّعی قتل عمدی هستند ولی متهم حتی حاضر به قبول شلیک به طرف مقتول نگردیده است.

آیا در این مورد خاص، باید قاعده حق استحلاف اولیای دم و سوگند متّهم را برای احراز نوع قتل جاری سازیم یا با توجه به مسلّمات پرونده، مورد را از موارد لوث تلقّی نماییم و از اولیای دم به خواهیم ۵۰ نفر را برای ادای سوگند جهت اثبات قتل عمدی به دادگاه معرفی کنند؟

ج. اگر علم برای حاکم حاصل نشود و شروط قسامه حاصل باشد که از جمله آن مظنّه ی قتل است، جای قسامه می باشد و اللّٰه العالم.

احکام حدود

نکول فرد چهارم از شهادت یا فوت وی

۶۱۴۱. اگر چهار شاهد زنا برای ادای شهادت حاضر شوند، ولی پس از شهادتِ سه نفر، فرد چهارم شهادت ندهد، آیا بر آن سه نفر حد قذف جاری می شود؟

ج. آن سه نفر محکوم به حد قذف می شوند، مگر این که چهارمی پیش از ادا، وفات کند یا آن سه نفر اطمینان داشته باشند که نفر چهارم هم شهادت می دهد و امتناع نخواهد کرد، که در صورت اطمینان شهود به عدم رجوع و به عدالت مقبوله و به عدم امتناع همه، مشکل است حد قذف برای آن که مقبول الشّهاده است؛ بلکه عدم آن اقرب است و در رجوع بعد از حکم، خصوص راجع، محدود می شود. (جامع المسائل، ج ۵، ص ۱۹۳)

سرقت خمر

۶۱۴۲. حکم ربودن خمر در صورت های زیر چیست؟

۱) مسیحی از مسیحی دیگر خمر می رباید.

ج. حاکم شرع می تواند آنها را بر طبق مذهب خودشان الزام کند، اگر از اهل ذمه باشند.

۲) مسیحی از مسلمان خمر می رباید.

ج. مسلمان نمی تواند آن را مطالبه کند، زیرا مالیّت شرعیّه ندارد.

۳) مسلمان از مسیحی خمر می رباید.

ج. مسیحی حق مطالبه دارد و احتیاط در @تغریم غرامت برای مسیحی است، ولی حد سرقت ندارد.

انکار نزد قاضی صادرکننده رأی بعد از اعتراف نزد دیگران

۶۱۴۳. در صورتی که متّهم نزد نیروهای انتظامی یا دیگر ضابطین دادگستری و قاضی اوّل (قاضی تحقیق) به سرقت اقرار کند، ولی نزد قاضی صادر کننده ی رأی انکار کند، آیا جرم سرقت ثابت می شود؟

ج. میزان اینست که نزد قاضی ای که حاکم است، اقرار او ثابت شود وگرنه سرقت ثابت نمی شود.

سرقت مال مسروقه

۶۱۴۴. در صورتی که مال مسروقه را سارق دیگری بر باید، آیا سارق دوّم مستحق حد سرقت یا تعزیر می باشد؟ حکم استرداد عین مسروقه در این فرض چیست؟

ج. سارق دوّم حد قطع ندارد و تعزیر هم که به حسب نظر حاکم است و از جهت غرامت مالی هم با بقای عین استرداد می شود و با عدم بقا، مالک به هر کدام از سارق ها می تواند رجوع کند.

عدم تداخل حدِّ کمتر از قتل در حد قتل

۶۱۴۵. دربارهی فردی که محکوم به حد قتل و حد کمتر از قتل شده است، بفرمایید:

آیا حدود کمتر از قتل در حد قتل تداخل پیدا می کند؟

ج. تداخل نمی کند و باید قبل از قتل به آنها عمل شود.

قطع دست دزد پس از بی حسّی موضعی

۶۱۴۶. آیا می توان دست دزد را قبل از بریدن، بی حسّی موضعی نمود تا درد و الم را کمتر درك کند؟ و آیا آنچه در حد سرقت وارد شده، قطع ید است یا قطع ید با درد و الم است که شاید حکمت حکم باشد؟

ج. مانعی ندارد، آن چه لازم است، فقط قطع دست است.

نحوه اجرای حکم شلاق و جواز استفاده از داروهای بی حس کننده

۶۱۴۷. ۱) اجرای حکم شلّاق دربارهی محکوم به لمس و تقبیل محرّم، چگونه باید باشد؟

ج. در شِدَّت و خفّت ضرب، باید حد وسط رعایت شود و صدق جلد کافی است، تشدید نیازمند دلیل است.

۲) گاهی اوقات محکومان به شلّاق، پس از اجرای حکم با استفاده از پماد یا سایر داروها، جلد را کالعدم می کنند.

آیا اشکال دارد؟

ج. مانعی ندارد.

سقوط حد قوادی با توبه پیش از ثبوت جرم نزد حاکم

۶۱۴۸. آیا حد قوادی، در صورت توبه پیش از ثبوت جرم نزد حاکم، موجب سقوط حد است؟

ج. حد از او ساقط می شود، زیرا از خود زنا که به توبه ساقط می شود، بالاتر نیست.

ملاک تحقّق قوادی

۶۱۴۹. قوّادی دو نفر را جمع کرده است.

یکی از آن دو از عمل خلاف پشیمان شده، ولی دیگری به عنف با وی زنا یا لواط انجام داده است، آیا عمل قوّادی محقق شده است؟

ج. ظاهراً قوّادی محقق شده و اگر آنها را برای عمل خلاف، مانند تقبیل و غیره جمع کند نه برای زنا، ولی نوعاً نتیجه ی کار منتهی به زنا می شود، تحقّق قیادت دایر مدار وقوع زنا است.

شرط تحقّق نتیجه در حد قوادی

۶۱۵۰. آیا در حد قوادی، نتیجه هم شرط است یا اگر قوّاد دو نفر را برای فعل حرام جمع کرد، ولی زنا یا لواط واقع نشد، مستحق حد نمی باشد؟

ج. این قصد قیادت است نه خود قیادت، پس استحقاق حد ندارد.

میزان در صدق احصان

۶۱۵۱. حکم احصان دربارهی کسی که مرتکب زنا شده است، در فروض زیر چیست؟

۱) زانی دارای همسر بوده، ولی در مسافرت بوده است.

ج. میزان در احصان تمکن از وطی است، هر وقت که بخواهد.

۲) همسر زانی در حال بیماری مانع از جماع یا در حال حیض یا نفاس بوده است.

ج. اگر تمكّن از وطی در دبر دارد، باز احصان محقق است و تمكّن به حكم تكليفی آنها مربوط نیست.

۳) زانی با همسرش اختلاف و نزاع داشته است.

ج. آيا اين اختلاف به راحتی قابل رفع و تماس با همسر است يا قابل رفع نيست كه ميزان همان تمكّن و عدم تمكّن است.

ملاک تحقّق لواط

۶۱۵۲. آيا برای اجرای حكم مجازات لواط بايد تمام آلت در مخرج فرو رفته باشد يا به مقدار ختنه گاه كافی است؟

ج. در صورت دخول به اندازه ختنه گاه لواط تحقق می يابد.

تبديل رجم به انواع ديگر قتل

۶۱۵۳. ۱) آيا حكم رجم را می توان به انواع ديگر قتل تغيير داد؟

ج. نمی توان.

۲) اگر به هيچ جهت رجم ممكن نشود، حكم چيست؟

ج. حاكم شرع، حكم به تعزير می دهد.

تعدّد مجازات زناكار

۶۱۵۴. در مواردی كه مجازات زانی متعدّد باشد، آيا حاكم می تواند بعضی از آن را اجرا و بعضی را عفو كند؟

ج. نمی تواند.

حد زنای به عنف با زن مشهور به زنا

۶۱۵۵. حد زنای به عُنف با زن مشهور به زنا چيست؟

ج. حد زانی مذكور قتل است و مشهوره بودن زن، حكم تكليفی يا وضعی نسبت به زناكار ندارد و مانند زن های غير مشهوره است.

شمول حكم قذف در نسبت كتبی به زنا

۶۱۵۶. آيا نسبت كتبی زنا، حكم قذف دارد؟

ج. اگر معلوم باشد كه قصد انشا هم داشته، همان حكم قذف را دارد. زيرا كتابت عرفيّت دارد و در اكثر معاملات عرفيّه با

امضا و کتابت کارها می گذرد.

خلوت زن و مرد اجنبی و عدم ارتکاب جرم

۶۱۵۷. آیا دربارهی زن و مرد اجنبی که به قصد کار حرام، خلوت کرده اند، ولی پیش از ارتکاب جرم دستگیر شده اند، تعزیر ثابت است؟

ج. اینجا حکم تعزیر ندارد؛ زیرا تجرّی بوده، مگر اینکه ثابت شود لمس محرّم یا گناه کبیره ی دیگری از آنها واقع شده است، در غیر این صورت، تنها حاکم آنها را تهدید می کند.

سقوط حد و حق النّاس به توبه

۶۱۵۸. ۱) در صورتی که حد و حق اللّه تعالی پیش از ثبوت با بیّنه منجر به توبه شود، تکلیف حد چه می شود؟

ج. ساقط می شود.

۲) پس از ثبوت بیّنه چه؟

ج. پس از ثبوت به بیّنه ساقط نمی شود و اگر پس از ثبوت به اقرار توبه کند، قاضی بین عفو و اجرای حد مخیّر است.

۳) آیا حق الناس به توبه ساقط می شود؟

ج. حق النّاس به توبه ساقط نمی شود، تنها به رضایت صاحب حق ساقط می شود.

تبدیل تعزیر به جریمه مالی

۶۱۵۹. حکم تبدیل تعزیر به جریمه مالی چیست؟

ج. تعزیر اگر حق الله باشد، نمی توان آن را به پول تبدیل کرد و اگر حق غیر باشد، با رضایت می توان به پول تبدیل کرد و ظاهراً تعزیر حق مالی نیست و باید در تعزیر حیثیت اهانت باشد برای ردع (بازداشتن) از منکر و تنها در یک مورد می توان پول گرفت و آن هم در جاییست که حاکم مخیّر باشد بین اختیار اشد تع زیراً و اخف از اوّل، به شرط اینکه اخف نیز جهت رادعیّت (مانعیّت) از گناه داشته باشد که در این صورت حاکم می تواند با رعایت مصلحت برای اختیار اخف، پولی برای بیت المال بگیرد.

بازگرداندن فرد رجم شده به حفره

۶۱۶۰. حکم رجوع یا عدم رجوع مرجوم فرارکننده از حفره، در صورتی که منشأ حکم رجم، علم قاضی باشد چیست؟

ج. اینجا مانند ثبوت به بیّنه است که می توان او را به حفره برگرداند، به خلاف مورد ثبوت به اقرار که نمی توان برگرداند.

نوع و خصوصیّات تعزیر

۶۱۶۱. نوع و خصوصیّات تعزیر که باید دون الحد باشد، چگونه است؟

ج. در نوع آن فرقی نمی کند حبس باشد یا غیر آن، که خصوصیات آن و زمان، مکان، کم و کیف آن به نظر حاکم است.

نحوه ی ثبوت حد قذف در نسبت ولد الزّنا

۶۱۶۲. اگر فردی به دیگری نسبت ولد الزّنا بدهد، در چه صورت حد قذف جاری است؟

ج. اگر پدر و مادرش هر دو مطالبه ی حد کنند، قاذف حد می خورد، به جهت انحصار حق در یکی از دو مطالبه کننده و اگر یکی مطالبه کند، حد نمی خورد؛ مگر اینکه خود قاذف اقرار کند منظورش زنای از ناحیه ی او بوده است.

عدم شاهد بر سرقت

۶۱۶۳. شاکی برای سرقت مال علیه دیگری شاهدی ندارد، منکر هم قسم نمی خورد و رد قسم می کند و شاکی قسم می خورد.

۱) آیا حق مالی شاکی ثابت می شود؟

ج. ثابت می شود.

۲) آیا حد یا تعزیر بر منکر ثابت است؟

ج. حد و تعزیر ندارد.

میزان توبه مجرمین

۶۱۶۴. با عنایت به اینکه توبه ی مجرم در باب حدود، در بعضی موارد موجب عفو مجرم می گردد، آیا صرف اظهار مجرم مبنی بر توبه کفایت می کند یا توبه مجرم در نزد کسی که حاکم است باید محرز گردد؟

ج. تا علم بر خلاف نداشته باشد، می تواند اکتفا کند.

قصاص پدر قاتل توسط فرزندان

۶۱۶۵. در صورتی که پدر، مادر را بکشد آیا فرزندان حق قصاص پدر را دارند؟

ج. ظاهراً می توانند، گرچه احتیاط در مصالحه به دیه می باشد و اللّٰه العالم.

تأثیر بازگرداندن اموال مسروقه در حکم سرقت

۶۱۶۶. چنان چه سارق پس از سرقت، مال مسروقه را برگرداند یا توسط مالك یا مأمورین از وی گرفته شود و به نحوی در اختیار مالك قرار گیرد، قبل از مراجعه مالك به حاکم، یا بعد از مراجعه به حاکم قبل از ثبوت نزد حاکم یا بعد از ثبوت و قبل از حکم حاکم به سرقت یا بعد از حکم حاکم به حد سرقت، آیا در تمام این موارد حد سرقت ساقط می شود، یا اینکه در برخی صورت های ذکر شده ساقط می شود؟

ج. امور مزبور پس از ثبوت نزد حاکم تأثیری در سقوط ندارند و قبل از ثبوت، حد ساقط است و تعزیر به نظر حاکم است.

ارتباط قطع دست دزد با تقاضای مسروق منه

۶۱۶۷. ۱) در اجرای حد سرقت آیا شرط است مسروق منه درخواست اجرای حد از قاضی کند یا اینکه صرف شکایت در رابطه با سرقت، در اجرای حد سرقت کافی است؟

ج. در اجرای حد، مطالبه مسروقٌ منه شرط است.

۲) اگر مال مسروقه پیش از انشای حکم حد سرقت یا پیش از اجرای حد سرقت، به مسروق منه برگردد یا خود سارق برگرداند، موجب سقوط حد سرقت می شود؟

ج. اگر پیش از ثبوت سرقت نزد حاکم، سارق توبه کند حد ساقط می شود یا اگر پس از سرقت سارق مال را به حرز برگرداند، به نحوی که سرقت کالعدم شود، اظهر عدم قطع دست است.

تن ندادن به حکم تبعید

۶۱۶۸. شخصی که به اتّهام محاربه محاکمه و به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه از میان یکی از مجازات های چهارگانه احصا شده بر جرم محاربه، به مجازات تبعید محکوم گشته است، لیکن به دفعات محل تبعید را ترك گفته و تن به اجرای مجازات (تبعید) نمی دهد و هم اکنون نیز متواری است.

از نظر قضایی نیز امیدی بر اجرای کامل حد، نسبت به مشارٌ الیه نیست، دادگاه از نظر شرعی باید چه چاره ای اتّخاذ نماید؟

ج. تا توبه ننموده، حکم نفی باقیست و قدر متیقّن آن ممانعت از سکونت در شهر خودش است و بعد تعقیب با تمکّن.

تعدّد حد سرقت

۶۱۶۹. سارقی چند سرقت کرده و بر دو سرقت، بیّنه اقامه شده و یك حد بر وی جاری شده است.

پس از آن سرقت سوّمی ثابت می شود که پیش از حد آن سرقت بوده است.

آیا حد دوّم بر وی جاری می شود؟ اگر سرقت چهارم ثابت شود، آیا حد سوّم جاری می شود؟

ج. حد دوم بر او جاری می شود و اگر سرقت چهارم ثابت شد، حد سوم بر او جاری می شود. زمان تحقّق سرقت ها مناط نیست، بلکه زمان اثبات آنها ملاک است که اگر اثبات پس از تخلّل حد باشد، حد دیگر جاری می شود و اگر پیش از تخلّل حد باشد، حد متعدد نمی شود.

تعیین نصاب به ارزش زمان سرقت

۶۱۷۰. آیا نصاب در حد سرقت – که ربع دینار طلای مسکوک است – به ارزش مال مسروقه در زمان سرقت محسوب می شود یا زمان صدور حکم؟

ج. به ارزش مال مسروقه در زمان سرقت تعیین می شود.

اعلان اجرای حد

۶۱۷۱. آیا اعلان اجرای حدود غیر زنا – مانند حد سرقت یا محاربه – واجب است یا مستحبّ؟

ج. در وجوب یا استحباب حضور طایفه – نه اعلان – به حد زنا، که در ملأ عام باشد، میان فقیهان اختلاف است تا چه برسد به سایر حدود که اصلاً اعلان در آنها وارد نشده است.

عدم اثبات زنا با آزمایش

۶۱۷۲. دربارهی متّهم به زنایی، هیچ امر اثبات کننده ای در بین نیست. تنها آزمایش نشان می دهد که طفل متولّد شده، به متّهم ملحق است.

متهم ابتدا گفته نتیجه آزمایش را قبول دارم. پس از رسیدن نتیجه آزمایش، وی منکر الحاق است.

آیا زنا و حد ثابت می شود؟ الحاق ولد چه طور؟

ج. زنا و حد ثابت نمی شود، هر چند بگوییم الحاق ولد به اقرار اوّلی خودش ثابت می شود، زیرا الحاق ولد اعم از الحاق به زنا است.

کشته شدن با پرتاب سنگ به شیشه ی ماشین

۶۱۷۳. فردی سنگ بزرگی را به طرف شیشه عقب اتومبیلی پرتاب می کند و سر سرنشین عقب، می شکند و وی را می کشد.

ضارب با مقتول دشمنی داشته است ولی می گوید قصد پرتاب سنگی را داشته است.

البته این ادّعا خلاف شواهد و قراین است.

بفرمایید قتل، چه نوع است؟

ج. به هر حال قصد قتل معلوم نیست.

محکوم به رجم

۶۱۷۴. آیا محکوم به حد رجم را می توان به طریق دیگری کشت؟ محکوم به قصاص نفس را چه طور باید کشت؟

ج. شخص محکوم به حد رجم را نمی توان به طریق دیگری کشت. محکوم به قصاص را باید با سیف یا آهن تیز دیگری کشت.

حق شکایت در فرض صغیر بودن مسروق منه

۶۱۷۵. در صورتی که مسروق منه، صغیر باشد، چه کسی حق شکایت و مرافعه دارد؟

ج. ولی او حق شکایت و مرافعه دارد؛ گرچه احتیاط در اذن از حاکم است.

اخراج از حرز

۶۱۷۶. سارق مال را از گاو صندوق خارج کرده و در حیاط منزل دستگیر شده است.

آیا در این صورت اخراج از حرز صادق است؟

ج. اخراج از حرز صادق است، زیرا حرز پول، همان صندوق است نه خانه و هر مالی حرز مخصوصی دارد که حافظ آن است.

نحوه تحقّق محاربه

۶۱۷۷. آیا برای صدق محاربه، تشهیر سلاح و اظهار سلاح باید عرفی باشد یا به مانند عصا یا چماق نیز تشهیر سلاح صدق می کند؟

ج. باید عرفاً سلاح بر آن صدق کند، نه اینکه مانند عصا یا چماق باشد.

تغییر حدود به علت اقتضای زمانی

۶۱۷۸. آیا می شود در زمانی (با توجه به مقتضیات زمان) حدود را تغییر داد؟ مثلاً به جای زدن صد ضربه شلاق به زناکار،

جریمه پولی از او بگیرند؟

ج. حدود قابل تغییر نیست.

حد مساحقه

۶۱۷۹. مجازات و حد مساحقه را بنویسید.

ج. حد آن جَلد تام است.

کشتن شخصی که یقین به ارتداد او هست

۶۱۸۰. آیا اگر یقین کنیم که شخصی مرتد است، مجاز به کشتن وی هستیم؟

ج. خیر، مگر در مورد ساب (دشنام دهنده) النبی و الائمه علیهم السّلام.

کشتن افرادی که احتمال فساد دارند

۶۱۸۱. آیا با الهام از عمل حضرت خضر در قرآن، کشتن افرادی که احتمال دارد موجب فساد دیگران شوند، جایز است؟

ج. خیر، جایز نیست و موجب حکم به قصاص می شود.

احکام قصاص

بطلان قسامه توسّط فرقه اهل حق

۶۱۸۲. دربارهی قسامه از طرف طایفه اهل حق توضیح دهید.

ج. طایفه اهل حق مسلمان نیستند و کافر کتابی هم نیستند. این مسائل از احکام اسلام و مسلمین است و آنها ربطی به احکام اسلام ندارند.

اختلاف اولیای دم با متّهم در عمد بودن قتل

۶۱۸۳. در صورتی که اولیای دم مدّعی قتل عمد و متّهم منکر آن باشد و حجّتی بر قتل عمد نباشد، نوع قتل را مشخص فرمایید.

ج. قتل خطا یا شبه عمد ثابت است که متهم اقرار به آن دارد و حاکم در این مورد که جای لوث است، اجرای قسامه می کند.

مطالبه ی دیه توسّط صغار

۶۱۸۴. فردی به قتل عمد کشته می شود که دارای پدر و اولاد صغار است.

پدر مقتول که ولی صغار نیز می باشد، مطالبه قصاص کرده است و حاضر است در صورت مطالبه سهم صغار از دیه، پس از بلوغشان آن را بدهد. صغار پس از بلوغ تا زمان حیات ولی، مطالبه ای نکردند، امّا پس از فوت وی، سهم خود را مطالبه می کنند.

آیا چنین حقّی برای آنان ثابت است؟

ج. آن اولاد حق مطالبه ی سهم الارث از دیه را ندارند، حتی در زمان حیات ولیّ؛ زیرا بنا بر اظهر جایز است ولی به ولایت بر صغار با عدم مفسده یا وجود مصلحت برای صغار درخواست قصاص کند که لازمه اش اینست که دیگر صغار حقی از دیه ندارند.

حق مقتول از قصاص و دیه

۶۱۸۵. آیا مقتول پیش از فوتش نسبت به قصاص دارای حق می باشد؟ آیا نسبت به ثلث دیه هم دارای حق نیست؟

ج. قصاص، حق ورثه است و مقتول پیش از موتش در آن حقّی ندارد. ولی در دیه ی خطایی نسبت به ثلث آن به وصیت حق دارد و الحاق دیه صلحی که بدل از قصاص است به آن خالی از رجحان نیست و تا پیش از موت در جامع بین قصاص طرف و قصاص نفس حق دارد و اثر فعلی جنایت را که طرف باشد، حق عفو دارد @منجّزاً و سرایت به قتل امر دیگریست که حادث پس از عفوست که مربوط به قبلی نیست و زاید بر معفو عنه است و آن حق ورثه است.

کشتن مجروحان جنگی دشمن

۶۱۸۶. اگر فرضاً کسی هنگام جنگ، مجروحان دشمن را که امیدی به حیاتشان نبوده، یا اسیران آنها را، تیر خلاص زده باشد و لو برای این که که زیاد زجر نکشند، چه حکمی دارد؟

ج. ضارب مسؤول قتل آنها است، هر چند برای اینکه آنها زیاد زجر نکشند زده باشد و این قتل عمد است، مگر اینکه ثابت شود مقتول حیات مستقرّه نداشته است.

خلاصه آن که ولی مقتول طلب کننده قصاص یا دیه است و اگر دسترسی به او نیست، باید دیه ی او را به حاکم شرع بدهد.

مرگ بر اثر ضرب و امراض دیگر

۶۱۸۷. فردی در اثر ضربه ای، باعث قتل دیگری شده است.

پزشک قانونی چنین نظریّه داده که مقتول دارای بیماری ها و امراض دیگری بوده و آن بیماری ها و امراض در مرگ وی مؤثر بوده است.

خلاصه قتل، مستند به این ضربه است و تأثیر آن ضربه ۴۰ درصد می باشد که جزو اخیر علت تامّه بوده است که اگر ضربه نمی خورد، فوت نمی کرد. آیا باعث تخفیف در محکومیّت اوست؟

ج. خیر، ضارب قاتل است.

کاهش بینایی مضروب

۶۱۸۸. ضاربی باعث کاهش بینایی چشم مضروب شده است، به حدّی که این بینایی کالعدم محسوب می شود. آیا قصاص ثابت است؟

ج. جای قصاص نیست؛ زیرا در معرض خطر و تجاوز از حد است و جای دیه یا ارش است.

قتل فرزند نامشروع توسط مادر

۶۱۸۹. زنی بدون وطی و دخول، از راه نامشروع حامله شده است، پس از تولّد حمل، برای حفظ آبرو، آن را کشته است.

آیا پدر تکوینی ولد، حق قصاص یا دیه دارد؟

اگر نوبت به دیه برسد، آیا مادر از دیه ارث می برد؟

ج. چون زنا محقق نشده، پدر فرزند ولایت دارد در قصاص زن یا گرفتن دیه و پدر دیه اش را به ارث می برد، به خلاف زن که قاتل بوده است.

عدم لزوم وحدت مجلس در قسامه

۶۱۹۰. آیا در قسامه در باب قصاص، وحدت مجلس لازم است؟

ج. می شود حد نصاب آن در جلسات متعدد باشد و وحدت مجلس لازم نیست.

ثبوت حق عفو یا قصاص برای جد پدری صغار

۶۱۹۱. مردی که دارای چند فرزند صغیر می باشد، به قتل رسیده است، آیا جد پدری صغار دربارهی قصاص یا عفو قاتل، حقّی دارد؟

ج. نسبت به حق قصاص یا عفو از قاتل در مقدار حق خودش از سهم الارث؛ زیرا پدر مقتول است، اختیار دارد. ولی نسبت به حق صغار از جهت ولایت بر آنها در عفو از قاتل یا قصاص، مراعات احتیاط در تأخیر بدون محذور می نماید؛ هر چند اظهر جواز آن است، با رعایت مصلحت یا مجرّد عدم مفسده.

تأخیر قصاص و حد زن شیرده

۶۱۹۲. قصاص و حدِّ زنِ شیرده تا چه زمانی به تأخیر می افتد؟ آیا این حکم دربارهی مادر رضاعی که فرزند دیگری را شیر می دهد، یکسان است؟

ج. قصاص و حد دربارهی زن شیرده به فرزند خودش، تا زمان انقضای رضاع و شیردهی تأخیر می افتد و این حکم در مورد مادر رضاعی که طفل دیگری را شیر می دهد، با عدم مندوحه جاریست که راه دیگری برای ارتضاع و تغذیه ی طفل نباشد.

عدم رد اضافه دیه در قتل چند زن توسط یک مرد

۶۱۹۳. مردی دو یا سه زن را به قتل می رساند. اولیای دم خواهان قصاص اند. آیا باید اضافه ی دیه را رد کنند؟

ج. اضافه دیه رد نمی شود که در حقیقت هر کدام نصف قتل را طالب است و همچنین اگر سه زن را کشته باشد.

تبدیل مورد و محل قصاص

۶۱۹۴. آیا در صورت ثبوت حق قصاص نفس، صاحب حق می توانـد قصاص طرف کنـد؟ آیا در قصاص طرف (مانند دست) می تواند برخی از جزو و طرف (مانند بعض دست) را قصاص کند؟

ج. در قصـاص نفس نمی توانـد قصـاص طرف کنـد یـا در قصاص طرف نمی توانـد بعض طرف را قصاص کنـد؛ بلکه یا باید قصاص کل بکند یا دیه کل را بگیرد.

مجنیٌّ علیه حق عفو، قصاص یا دیه را قبل از مرگ ندارد

۶۱۹۵. آیا مجنی علیه حق عفو، قصاص یا دیه پیش از مرگ خود را دارد؟

ج. قصـاصِ نفس، حق ورثه ی مجنی علیه است و مجنی علیه حق نـدارد پیش از مرگش عفو کنـد و دیه را هم نمی توانـد عفو کند.

قتل زن در ماه های حرام

۶۱۹۶. مردی زنی را در یکی از ماه های حرام کشته است.

آیا حکم تغلیظ دیه در صورت قصاص وی شامل فاضل دیه نیز می شود؟

ج. اگر بخواهند او را قصاص کنند، فاضل دیه را باید برگردانند و اینجا، جای تغلیظ دیه نیست.

اگر مستحق اعدام در مرحله اوّل کشته نشود

۶۱۹۷. اگر پس از اعـدام و حلق آویز کردن مجرم، کشف شود که وی زنـده است، آیا دوباره باید اعدام شود؟ خسارت هایی که در اثر اجرای اوّل حکم بر مجرم وارد شده است، بر عهده چه کسی است؟

ج. باید دوباره اعدام شود و ضمان خسارت هایی که در اوّل بر مجرم وارد شده، بر مباشر آن است.

هر چند تکلیفاً معذور بوده است.

وجوب بی حسّی یا بی هوشی محکوم به قصاص پیش از اجرای حکم

۶۱۹۸. آیا در قصاص عضو، محکوم می تواند پیش از قصاص، آن را بی حس کند؟ آیا محکوم به قصاص نفس می تواند پیش از اجرای حکم، خود را بی هوش کند یا وی را بی هوش کنند؟

ج. جایز است پیش از قصاص آن را بی حس کنند یا در قتل قبلاً ـ او را بی هوش کنند؛ بلکه اگر این کار برای خود جانی ممکن باشد بر او واجب است این کار را بکند، برای دفع اضرار و ایذای به نفس، مانند پیوند پس از قطع.

پیوند عضو قطع شده به قصاص عضو

۶۱۹۹. پیوند زدن دستی که از باب قصاص عضو، قطع شده چه حکمی دارد؟

ج. می تواند دوباره آن را پیوند دهد، بلکه با تمکن، شاید بر خود فرد جنایت کار واجب باشد.

قصاص مادری که فرزندش را کشته است

۶۲۰۰. آیا ورثه مقتول، حق قصاص مادری که فرزندش را کشته است دارند؟

ج. ورثه ی دیگر مقتول، حق قصاص از مادر را دارند.

عفو قاتل پدر صغار توسط جد صغار

۶۲۰۱. آیا جد صغار می تواند قاتل پدر صغار را عفو کند؟

ج. جد صغار در مورد عفو از قاتل پدر صغار با مصالحه و نظر حاکم شرع، باید ملاحظه ی عدم مفسده برای صغار را بکند، مانند سایر تصرفات ولی و اگر صغیر محتاج باشد، این عفو مضر به حال اوست و این در تمام جنایات و لو غیر قتل هم جاری است.

لزوم احراز قصدِ قتل برای ثبوت حکم قصاص

۶۲۰۲. برای شمول حکم قصاص، آیا احراز قصد هنگام ارتکاب عمل قتل شرط است؟

ج. بله، در قتل عمد، احراز قصد، شرط است لکن اعم از قصد قتل یا قصد کاری که غالباً موجب قتل می شود.

تکلیف دیه در صورت فوت یا فرار قاتل

۶۲۰۳. ۱) راجع به ماده ی ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی «۱»: اگر کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده باشد، پیش از اجرای حکم بمیرد، در این صورت آیا سقوط قصاص، سقوط دیه را نیز به دنبال خواهد داشت یا اینکه دیه همچنان باقیست و باید از مال قاتل پرداخت شود؟

ج. ممکن است بگوییم به دیه تبدیل می شود به نحوی که ذکر می شود.

۲) راجع به ماده ی ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی «۲»: اگر کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد، در این صورت تکلیف دیه چیست؟

آیا حکم فوق الذکر و حکم مربوط به بند «۱» همچنان جاری است؟

ج. احوط برای ورثه ی او ادای دیه مقتول از مال قاتل است و اگر صاحب مال نباشد، بر اقارب او ادای دیه ی احتیاط است و اگر نباشند یا فقیر باشند، از بیت المال تأدیه می شود به مقتضای احتیاط.

|

(۱). ماده ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی، «هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد، قصاص و دیه ساقط می شود».

(۲). ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد، پس از مرگ قصاص به دیه تبدیل می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنان چه مالی نداشته باشد، از اموال نزدیک ترین خویشان او به نحو «الاقرب فالاقرب» پرداخت می شود و چنان

چه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند، دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

کشتن بیماران صعب العلاج

۶۲۰۴. آیا کشتن بیماران سرطانی و صعب العلاج که به تشخیص پزشکان چند روزی از عمرشان باقی نمانده و در اثر بیماری شدیداً رنج می کشند، در صورتی که کاملاً به این امر رضایت داشته باشند، جایز است؟

در این صورت فعل پزشکان یا پرستار تحت چه عنوانی قرار می گیرد؟ (ماده ی ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی)

ج. جایز نیست و اذن آنها هم مجوّز نیست.

تفاوت اجرای حد و قصاص در قاتل زانی

۶۲۰۵. اگر شخصی مرتکب زنای به عنف گردد و زن را بکشد، در این صورت که طرف به واسطه زنای به عنف مهدور الدم است، اگر اولیای زن بخواهند قصاص کنند، بدون رد نصف دیه قصاص، آیا صحیح است؟

ج. اگر حاکم بخواهد به جهت اجرای حد زنا او را بکشد، دیگر ارتباطی به ورثه زن ندارد و اگر بخواهند اولیای مقتول او را از جهت قصاص بکشند، باید نصف دیه را رد کنند، با ملاحظه ی استحقاق مکرهه مهر المثل را و اللّٰه العالم.

کشتن محکوم به قصاص توسط ولی دم بدون اجازه ی حاکم

۶۲۰۶. هرگاه ولی دم پس از صدور حکم قصاص، بدون اذن ولی امر، قاتل را بکشد، چه حکمی دارد؟

ج. احوط ترک مبادرت به قصاص است، بدون اذن و بر تقدیر مبادرت، قصاص و دیه ندارد و ثبوت تعزیر هم معلوم نیست.

زمان پرداخت اضافه ی دیه

۶۲۰۷. در مواردی که ولی دم می بایست اضافه ی دیه را بپردازد بعد قصاص کند، اگر قبل از پرداخت فاضل دیه قاتل را بکشد، چه حکمی دارد؟

ج. مربوط به حاکم شرع می باشد که باید اوّل مازاد را دریافت نماید، اگر پرداخت نکرد، قاضی هم اگر اذن قصاص داده، خالی از احتمال ضمان نیست.

و علی ای حال دین در ذمّه ی او است، مثل سایر دیون.

دوران قاتل بودن بین دو نفر

۶۲۰۸. اگر دو نفر به قتل متهم باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل یکی از آن دو نفر باشد و حجّت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، مبلغ دیه چگونه اخذ می گردد؟ با قرعه و یا

بالتّنصیف؟

(راجع به ماده ی ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی)

ج. تنصیف صلح است و آن هم علی ای حال جایز است و قرعه رفع اشکال است و صلح بر تقدیر اشکال است و حاکم شرع ممکن است یا امر به صلح نماید و یا خود صلح نماید و قرعه در همه جا مأمور نیست و احتیاط آن است که امر به قرعه نشود.

عفو قصاص نفس یا طرف توسط مجنی علیه

۶۲۰۹. چنان چه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را عفو نماید، آیا حق قصاص برای اولیای دم همچنان باقیست یا ساقط می شود؟ (راجع به ماده ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)

ج. اگر به عفو از جنایت و سرایت آن تصریح کرد، بین آن دو قصاص عضو منتفیست و اظهر عدم تأثیر عفو در نفی قصاص برای ولی است.

حکم قصاص در صورت وجود صغیر در اولیا

۶۲۱۰. در صورتی که در پرونده قتل، تعدادی از اولیای دم صغیر باشند، آیا قصاص قاتل منوط به پرداخت دیه از طرف اولیای دم کبیر و خواهان قصاص به آنها می باشند و یا این که باید صبر کرد تا اولیای دم صغیر کبیر شوند و خود تصمیم بگیرند؟

ج. ولی شرعی بنا بر اظهر با وجود مصلحت یا نبود مفسده می تواند به استیفا قیام کند و نیز شرکای کبیر می توانند با ضمان سهم صغیرها قصاص کنند بنا بر اظهر، گرچه برای همه اینها احوط اینست که اگر محذوری نباشد، صبر کنند.

قتل شخصی به قصد شخص دیگر

۶۲۱۱. «الف» قصد قتل آقای «ب» را داشت و به سوی او شلیک کرد، پس معلوم شد که مقتول، دیگری غیر از آقای «ب» است (اشتباه در هویت) لطفاً بیان فرمایید این چه نوع قتلی است؟

ج. ظاهر اینست که عمدی می باشد، هر چند صلح بر دیه برای ولی دوم اولی و احوط است، در فرض سؤال که اگر می شناخت نمی کشت.

اشتباه در هدف

۶۲۱۲. «الف» قصد قتل آقای «ب» را داشت و به سوی او تیراندازی کرد و تیر به شخص «ج» اصابت کرد و موجب قتل او شد (اشتباه در هدف)، لطفاً بیان فرمایید این چه نوع قتلی است؟

ج. به اختلاف موارد، شبه عمد یا خطای محض محسوب می شود.

اجرای قصاص یا حد قطع توسّط دستگاه

۶۲۱۳. قطع عضو شخص محکوم به قصاص عضو یا حد قطع، با دستگاه چه حکمی دارد؟

ج. قصاص نمی شود، مگر با آهن تیز غیر مسموم با مناسبت با استیفای مثل، که گاهی کارد و گاهی شمشیر است و با مراعات آن دو شرط، با دستگاه هم اشکال ندارد.

عفو مجرم قبل از مرگ

۶۲۱۴. آیا مجنیٌّ علیه قبل از مرگ خود می تواند کسی را که به طور حتم بر او جنایتِ عمدیِ موجبِ قصاصِ نفس وارد خواهد کرد، عفو نماید؟ در صورت وقوع، حق قصاص یا دیه ساقط شده است یا فقط حق قصاص ساقط است؟

ج. خیر نمی تواند عفو کند.

جواز پیوند عضو قطع شده در قصاص

۶۲۱۵. عضو قطع شده بر اثر مجازات قصاص یا حد، متعلق به چه کسی است؟

و آیا شخصی که مجازات شده است، می تواند آن را دوباره به بدن خود پیوند کند؟ در این مورد آیا بین حد و قصاص تفاوتی هست؟

ج. مال خودش است و می تواند دوباره به خود یا دیگری پیوند کند.

خودکشی قاتل

۶۲۱۶. اگر قاتل عمدی قبل از اجرای قصاص خودکشی کند، آیا دیه ساقط می شود؟

ج. احوط برای ورثه او ادای دیه ی مقتول از مال قاتل است و اگر مال نداشته باشد، اقارب او احتیاطاً ادا نمایند و اگر آنها هم فقیر باشند، به مقتضای احتیاط از بیت المال تأدیه شود.

حکم قصاص با فرض صغیر بودن ولی دم

۶۲۱۷. در قتل عمد اگر ولی دم صغیر باشد، آیا ولی یا قیّم او می تواند درخواست قصاص نماید یا با رعایت غبطه وی، مطالبه دیه کند؟

ج. احوط تأخیر تا زمان بلوغ است و اظهر جواز قصاص برای ولی با رعایت مصلحت یا مجرّد عدم مفسده است، لکن در صورت نزدیک بودن زمان کمال و عدم مفسده در تأخیر و احتمال حصول عفو، اگر چه بر مالی باشد، احتیاط در تأخیر بدون محذور ترک نشود.

قتل عمد یا دفاع از خود؟

۶۲۱۸. اگر فردی در شب با کسی مواجه شود که چوب دستی در دست دارد و به طرفش بدود و دستش را بگیرد و فقط بگوید چه کسی هستی؟ اسمت چیست؟

ولی او در جواب و قبل از آن که آن شخص حرکت دیگری انجام دهد، عالماً و قاصداً با کارد سلّاخی به طول ۲۰ سانتی متر به طور برق آسا به ناحیه ی فک و گردن او بزند و برابر نظر پزشک قانونی، تمام شریانات و عصب ها را قطع و به عمق ۲۰ سانتی متر فرورفتگی باشد و شخص مصدوم را با تأخیر مثلاً دو ساعت به بیمارستان رسانده و با کمبود امکانات بیمارستان مواجه شوند و پزشک حاذق هم سریعاً خود را برساند و عمل جرّاحی هم مؤثّر واقع نشود و جان بدهد؛ بفرمایید:

۱) با توجّه به اینکه ضارب، عاقل، بالغ و رشید می باشد، آیا قتل عمد محسوب می شود؟

ج. قتل عمد محسوب می شود.

۲) تأخیر در رساندن به بیمارستان، با توجّه به اینکه اگر این ضربه جلوی اتاق عمل بیمارستان هم وارد می شد کسی قادر نبود جلوی خون ریزی را بگیرد و با توجّه به این که ۱۲ واحد خون هم به

ایشان تزریق شد، ولی مؤثّر واقع نشد، آیا این تأخیر دخالتی در حکم دارد؟

ج. اگر قاتل در مقام دفاع بوده و خائف شده باشد، به دیه مصالحه شود اولیست و اللّه العالم.

۳) بـا عنـایت به اینکه مقتول در شب مهتابی در فصل برداشت بادام جلوی باغ خود بوده است و قاتل به همراه یک نفر دیگر با موتور آمـده است جلوی بـاغ مقتول و مقتول بـا چوب دستی به طرف او دویـده و دست او را گرفته است و سؤال کرده تو کی هستی و اسمت چیست؟

ولی آن شخص، آن ضربه شدید را به او وارد می کند، آیا مقتول مقصّر است و جرمی را مرتکب شده است؟

ج. اگر قاتل در مقام دفاع بوده و خائف شده باشد، به دیه مصالحه شود اولیست و اللّه العالم.

قتل بر اثر رابطه نامشروع

۶۲۱۹. شخصـی به نام «الف» از مدتی قبل با خانمی شوهردار رابطه نامشـروع برقرار می نماید، حتی یک بار با هم به شمال می روند. شوهر آن خانم به علت همین رابطه ای نامشروع خانم را مطلّقه نموده است.

خـانم به لحـاظ دل زدگی از شـوهر به «الف» علاـقه منـد بوده و گفته است می خواسـتم همسـر «الف» شوم و پـدر و برادر آن خانم، «الف» را در خانه خود می بیننـد، دست و پای او را طناب پیچ می کنند، به جلوی منزل «الف» می برند و در حضور مادر «الف» با ضـربات چاقو او را به قتل می رسانند. یکی از ضربات چاقو به قفسه سینه ی مقتول اصابت کرده و باعث مرگش شده است، ضارب آن پدر آن خانم می باشد که تحت تعقیب است.

وکیل متّهم مدّعی گردیده مُوَکِّلش با اعتقاد به مهدور الدّم بودن مقتول اقدام به قتل

«الف» کرده است و اتّهام را قتل عمدی ندانسته است.

اینـک بـا توجه به مراتب بالا و با عنایت به سوابق آشـنایی مقتول با خانواده متّهم و علاقه شدیـد آن خانم به «الف» و اینکه می خواسـته همسـرش شود و مقتول هم مجرّد بوده است، آیا ادّعای اعتقاد به مهـدور الـدّم بودن «الف» شـرعاً و قانوناً پـذیرفته می شود و وجاهت قانونی دارد؟

ج. صـرف امر مزبور مجوّز قتـل نیست و مقتول مهـدور الـدّم نمی باشـد و بهتر اینست صاحبان دم به دیه مصالحه نماینـد و «ان تعفوا أقرب للتّقوی» و ثبوت توهّم هدر دم می تواند نافی عمدی بودن باشد.

انکار بعد از اعتراف

۶۲۲۰. اگر کسـی مـدّعی قتل عمد باشد یعنی نزد حاکم شـرع به قتل عمد اقرار کند یا ثابت شود که قبلاً اقرار نموده است، اما فعلاًـ منکر است آیـا متّهم به اقرار قبلی خود مـأخوذ است که محکوم به قصاص باشـد، یا در قتل شـبه عمـد محکوم به دیه می باشد؟

ج. انکار تأثیری ندارد.

قتل عمد زوجه توسط زوج

۶۲۲۱. آیا در قتل عمد زوجه توسط زوج، قصاص ثابت است؟

ج. اظهر ثبوت حق قصاص است برای اولاد زوجه از قاتل که پدر آنها است، اگر چه صلح به دیه، موافق احتیاط است.

فرار از صحنه تصادف

۶۲۲۲. اگر راننـده ای با عابری تصادف کنـد و او را رها کرده و فرار نماید و پس از فوت، پزشک چنین نظر دهد که اگر او را به بیمارستان می بردند، نجات می یافت، این قتل چه نوع قتلی می باشد؟

ج. قتل شبه عمد است.

احکام دیات

ماهیّت دیه

۶۲۲۳. ماهیّت دیه چگونه می باشد؟ آیا نوعی مجازات است یا نوعی دین مانند سایر دیون مالی به شمار می رود؟

ج. عنوان مستقلّیست که به لحاظ مورد به یکی شبیه تر می شود.

زندانی کسی که نمی تواند دیه بپردازد

۶۲۲۴. آیا زندانی کردن در صورت اعسار و عدم توانایی پرداخت دیه، جایز است؟

ج. خیر.

چگونگی زمان محاسبه دیه

۶۲۲۵. آیا زمان محاسبه دیه روز وقوع حادثه یا روز صدور حکم یا روز ادا است؟

ج. ظاهراً روز ادا است.

هزینه بیمارستان و درمان

۶۲۲۶. آیا هزینه های درمانی و بیمارستانی مصدومان باید از دیه کم شود یا افزون بر آن محاسبه گردد؟

ج. اگر ضارب آن هزینه ها را کرده، از دیه کم می شود.

رها کردن مصدوم توسط راننده مقصّر و فوت وی

۶۲۲۷. در تصادفی، راننده مقصّر، مصدوم را در بیابان رها کرده و مصدوم در همان جا فوت کرده است.

به تشخیص کارشناس، اگر مصدوم به بیمارستان می رسید، معالجه و خوب می شد.

حکم چیست؟

ج. اگر یقین نبود که راننده در هلاك او متعمد بوده است و لو برای نجات خودش، به دیه مصالحه کنند.

دیه ی سقط جنین متکوّن در دستگاه

۶۲۲۸. آیا سقط جنینی که متکوّن از نطفه مرد و زن اجنبی می باشد و در دستگاه قرار دارد، جایز است؟

ج. سقط جنین حرام است و کسی که آن را سقط کند، باید دیه بدهد، مانند موارد دیگر و اگر پدر واقعی آن معلوم نباشد، باید از باب رد مظالم دیه را بپردازد.

کشتن زنازاده

۶۲۲۹. زنی پس از آبستنی از عمل خلاف شرع و وضع حمل، برای فرار از رسوایی، فرزندش را به دست زن دیگری داده و او وی را به قتل رسانده است، با توجه به این که قاتله اکنون مرده است، دیه ای که باید پرداخته شود، از طرف چه کسی و به چه کسی باید پرداخته شود؟

ج. از موارد قصاص است و محتمل است گفته شود که دیه را از اموال قاتله می گیرند و باید آن را به وارث و اگر ندارد به امام علیه السّلام بدهند.

خون دماغ شدن دانش آموز در اثر تنبیه معلّم

۶۲۳۰. معلّمی برای تأدیب، بچّه ای را می زند و او خون دماغ می شود، مسؤولیت معلّم چیست؟

ج. چون دیه ی مقدّر ندارد، باید بر ارش مصالحه کنند، اگر ارش داشته باشد.

مقدار دیه اضلاع مختلف

۶۲۳۱. مستدعیست مقدار دیه اضلاع مختلف را بیان فرمایید.

ج. دیه ی اضلاع آنچه نزدیکی قلب است بیست و پنج دینار و آنچه نزدیکی بازوها است، ده دینار است و در مورد غیر متیقّن از صدق یکی از این دو احتیاط، مناسب است.

دیه قطع انگشتان زن

۶۲۳۲. می دانیم دیه قطع سه انگشت زن سی شتر و دیه قطع چهار انگشت زن بیست شتر است.

آیا زنی که چهار انگشت وی قطع شده است، می تواند دیه یک انگشت را ببخشد تا همان سی شتر را بگیرد؟

ج. نمی تواند این کار را بکند، زیرا فعلاً که چهار انگشت او با یک جنایت قطع شده، بیش از بیست شتر استحقاق ندارد تا بخواهد بعض آن را ببخشد.

جریان حکم دیه اعضای ظاهری در اعضای داخلی

۶۲۳۳. آیا حکم دیه در اعضای ظاهری که زوج می باشد (مانند دست و پا) در اعضای داخلی زوج (مانند کلیه) جاری است؟

ج. ظاهراً جاری است، مثلاً در از بین بردن یک کلیه نصف دیه است.

عدم تأثیر اهانت و هتک در افزایش دیه

۶۲۳۴. ضاربی که ضرب او موجب دیه بر مضروب شده است، در دو فرض زیر چه مسؤولیتی دارد؟

۱) تنها ضرب وارد کرده است.

ج. فقط دیه لازم است.

۲) ضرب همراه با اهانت و هتک آبرو و از بین بردن حیثیت یا همراه سلب اعتماد مردم و از بین رفتن وجهه مضروب در تجارت و ...

ج. این گونه امور نیازمند حلالیّت طلبیدن از طرف یا تدارک عِرض و آبرو یا استحقاق تعزیر به نظر حاکم شرع می شود، ولی بر مقدار دیه چیزی نمی افزاید.

تسامح راننده ی اتوبوس و سوء استفاده ی مجنون از آن

۶۲۳۵. در حادثه ای یک نفر مرد مسلمان در اثر تصادف با یک دستگاه اتوبوس شرکت واحد به قتل رسیده و راننده ی اتوبوس در زمان تصادف یک مجنون بوده است.

اولیای دم علیه متصدّی اتوبوس (راننده شرکت واحد) اعلام شکایت نموده اند.

راننده اعلام می دارد یک دیوانه در شهر وارد شد و ماشین ها را راه می اندازد. راننده از باجه خارج می شود و مدّعیست که ماشین را خاموش نموده و سویچ را برداشته است.

لیکن واقعیّت اینست که ماشین را خاموش نکرده و یا اگر هم خاموش کرده، سویچ را برنداشته و اتوبوس ها همین که سویچ روی آن باشد، هر کس دستش را روی شستی استارت فشار دهد، ماشین روشن می شود. بنا بر این با توجه به اینکه راننده شرکت واحد با وجود تذکّر مسؤول باجه به وجود دیوانه ای که ماشین ها را راه می اندازد، ماشین را خاموش نکرده و یا اگر خاموش کرده سویچ را برنداشته و درب ماشین را هم نبسته است.

به نحوی که مجنون در غیاب راننده وارد اتوبوس شده است و با به حرکت درآوردن ماشین موجب قتل گردیده است.

آیا می توان راننده شرکت واحد را به عنوان

قاتل شبه عمد (از باب اقوی بودن سبب از مباشر) مسؤول شناخت؟ یا مسؤولیّت پرداخت دیه به عهده عاقله ی مجنون است؟

ج. راننده با عاقله ی مجنون در دیه احتیاطاً مصالحه کنند و اللّه العالم.

استناد حکم به نظر کارشناسان راهنمایی و رانندگی

۶۲۳۶. کارشناسان راهنمایی و رانندگی گاهی برای هر یک از راننده و عابر که با هم تصادف نموده اند، در صدی از تقصیر را تعیین می کنند.

- مثلاً می گویند ۳۰ درصد عابر مقصّر است و ۷۰ درصد - راننده یا در جاهای دیگر کارشناس می گوید ۳۰ درصد کارگر و ۷۰ درصد کارفرما. آیا این درصدها اعتبار دارد تا اینکه بر اساس آن دیه را تعیین نمود و هر کدام را به همان درصد محکوم نمود؟ یا دو راننده باعث فوت و قتل کسی شده اند و هر کدام به درصدی مقصّر در حادثه شناخته شده است، آیا اینجا هم به همان درصد محکوم می شوند یا اینکه ملاک استناد در قتل است که اگر قتل مستند به یک نفر است، همه ی دیه را او باید بدهد، هر چند از نظر کارشناسی ۳۰ درصد مقصّر باشد؟

ج. با فرض استناد عرفی به متعدّد، اگر کارشناس مطمئن به نظر خود باشد و خود کارشناس متدیّن باشد، به نظر کارشناس محکوم می شوند و احتیاط در تعدّد کارشناس است.

مصدوم شدن بازیکن در اثر ضربه توپ

۶۲۳۷. در برخی ورزش ها یا بازی ها توپ یا وسیله بازی به یکی از بازیکن ها اصابت می کند و باعث دیه می شود، آیا دیه ثابت است؟

ج. بله، ثابت است.

فوت در اثر سرایت جراحت اصابت گلوله

۶۲۳۸. فردی در اثر اصابت گلوله مصدوم شده است و دیه و ارش جراحات، به میزان سه دیه کامله بوده است.

وی به علت تنگ دستی و کمبود مالی، موفق به معالجه خود نمی شود و حدود یک سال و نیم بعد فوت می کند.

حکم دیه در فرض مرقوم چه می باشد؟

ج. هر جراحتی که سرایت آن سبب مرگ شده است، دیه ی نفس را دارد و هر چه سرایت نکرده فقط دیه ی خود آن لازم است.

قسامه در صدمه منجر به سرخی یا سیاهی پوست بدن

۶۲۳۹. آیا قسامه، علاوه بر قتل و جراحت، در صدمه ای که سبب سرخی یا سیاهی پوست بدن شده است نیز جاری می شود؟

ج. جریان آن متوقف است بر اولویّت آن بر مورد قسامه.

گرفتن دیه از بیت المال در صورت تبرئه ی قاتل

۶۲۴۰. کسی به قتل متّهم بوده که در دادگاه تجدید نظر در مرتبه ی سوّم تبرئه شده و فرد دیگری به عنوان قاتل تشخیص داده نشده است، بعضی از ورثه مدّعی اند که همان متّهم، قاتل است، آیا دیه از بیت المال پرداخت می شود؟

ج. اگر جای لوث و قسامه نباشد و از بیت المال بخواهند دیه اش را بپردازند، آن بعض ورثه که مدّعیست همان فرد، قاتل است نمی تواند دیه را از بیت المال بگیرد، ولی برای بقیه ورثه مانعی ندارد.

عفو از قاتل شامل عفو متصدّی مقدمات قتل است

۶۲۴۱. آیا عفو قاتل توسط ولی دم، شامل عفو از افرادی که متصدّی مُقَدَّمات قتل بودند نیز می شود؟

ج. بلی.

عفو بعضی از اولیای دم و مطالبه ی بعضی دیگر

۶۲۴۲. اولیای دم مقتولی - که به قتل شبه عمد کشته شده است - عبارتند از:

پدر، مادر، همسر و اولاد صغار. پدر مقتول قاتل را بخشیده است، امّا آنان پس از مدّت ها مطالبه دیه کرده اند، آیا ورثه حقِّ گرفتن دیه را دارند؟

ج. غیر از پدر از ورثه، حق گرفتن سهم دیه را دارند، ولی پدر چون بخشیده سهمی از دیه ندارد.

مجروح نمودن اعضای خانواده و کشتن پدر

۶۲۴۳. فردی در نزاعی، چند نفر از اعضای خانواده اش را مجروح کرده و پدر خود را به قتل رسانده است، چه مجازاتی متوجه قاتل است؟

ج. اگر قتل عمدی باشد که قصاص می شود و اگر قتل خطای محض باشد دیه بر عاقله است، گرچه عاقله بین خود این مجروحین باشد و اگر شبه عمد باشد، بر خود قاتل است.

تأثیر تصادف و آسم در فوت شخص

۶۲۴۴. پیرمردی در اثر تصادف با اتومبیلی در بیمارستان فوت می کند.

وی بـه تنگی نفس (آسم) مبتلاـ بـوده است و به تشـخیص پزشـکان، تصـادف ۲۰ درصـد سـبب فوت شـده است، هر چند اگر تصادف نمی کرد، هنوز مدّت ها زنده می ماند. راننده اتومبیل چه مسؤولیتی دارد؟

ج. قتل استناد به راننده دارد و او ضامن تمام دیه است.

عدم تداخل در دیه ی نفس و جرح

۶۲۴۵. جرح و قتل عمد یا غیر عمد به یک ضربه یا چند ضربه واقع شده است، آیا دیه جرح در دیه نفس تداخل دارد؟

ج. اگر در طرف و نفس جـانی یکی باشـد، دیه ی طرف در دیه ی نفس داخل است در صورت ثبوت به اصالت و در صورت صلـح بر دیه تابع مختار در قصاص طرف است که از جانی واحـد داخل در قصاص نفس است یا نه؟ در صورت سـرایت و در صورت اتحاد ضـربه داخل است و در صورت تعدّد بدون سـرایت ضـربه غیر کشنده، اظهر عدم دخول است در ضربات متعاقبه ی متراخیه و در آن چه با هم عرفاً محقق شده است که یکی از آنها قاتل بوده تأمل است و احوط برای ولی، دخول است.

(جامع المسائل جلد ۵ صفحه ۲۸۹) خودکشی زن حامله و نجات وی و سقط فرزند

۶۲۴۶. خانم حامله ای به قصد خودکشی اقدام به رگ زنی کرده است.

فـوراً وی را به پزشـک رسانـده و معـالجه کرده انـد و وی از مرگ نجـات یـافته است امّـا حمـل را سـقط نموده است، تکلیف چیست؟

ج. بایـد با رجوع به پزشـکان مشـخص شود که تا چه حـد این رگ زدن در سـقط جنین مؤثر بوده یا اصـلاً مؤثر نبوده و حفظ جان زن متوقف بر اسقاط آن شده و اگر

قصد سقط داشته و پس از متولد شدن سقط با حیات مستقره مرده باشد، شبهه ی قصاص از مادر است و اگر پیش از سقوط مرده، جای دیه است و اگر قتل عمدی بوده که زن قصد قتل بچه را داشته، مادر از او ارث نمی برد و اگر غیر عمدی بوده، تنها از دیه ارث نمی برد.

اشتراط حفظ بکارت در عقد موقّت و تخلّف زوج

۶۲۴۷. خانمی ضمن عقد ازدواج موقّت، شرط حفظ بکارت نموده است، ولی زوج به شرط عمل نمی کند و ازاله بکارت می نماید، چه مسؤولیّتی متوجّه زوج می باشد؟

ج. اگر با اجازه زن بوده که غیر از مهر چیزی بر زوج نیست و اگر بدون اذن بوده، دیه یا أرش البکاره را باید بدهد.

یکسان بودن زمان پرداخت دیه ی جنایت بر میّت و حی

۶۲۴۸. پرداخت دیه ی جنایت بر میّت از جهت حال یا مؤجّل بودن چگونه است؟

ج. در تقسیم به جنایت عمد و شبه عمد و مدت آنها، مانند جنایت بر حی است.

دیه ی خسارت افزون بر دیه

۶۲۴۹. آیا در جنایت هایی که موجب دیه می شود، هزینه معالجه، درمان و بهبودی مجنی علیه به عهده جانی است؟

حکم دیه در صورت بهبودی و درمان جراحت را نیز بیان نمایید.

ج. خیر، فقط دیه بر اوست و اگر جراحتی قابل درمان باشد و درمان شد، مانند @اندمال در استخوان است که در آن ثابت شده که اگر مندمل شد، میزان در دیه فرق می کند.

از بین رفتن زیبایی توسط پاشیدن اسید

۶۲۵۰. در صورتی که زیبایی زن در اثر پاشیدن اسید از بین برود، چه حکمی دارد؟

ج. باید ارش بدهد هر قدر که باشد و اگر با عمل جرّاحی بهتر شود، یا مندمل شود در ارش مصالحه کنند.

حکم سوزاندن جسد میّت

۶۲۵۱. حکم دیه یا تعزیر سوزاندن جسد میّت چیست؟

ج. سوزاندن جسد میّت، دیه ی جنین پیش از ولوج روح را دارد و تعزیر هم دارد به نظر حاکم و کفّاره - مثل جنین قبل از ولوج روح، ثابت نیست.

اعسار در پرداخت دیه

۶۲۵۲. حکم اعسار در پرداخت دیه که مهلت مضبوط و معیّن دارد، چیست؟

ج. مانند اعسار در سایر دیون است.

تصادفی که موجب تسریع در فوت شود

۶۲۵۳. در تصادفی که موجب تسریع در فوت فرد شود، نوع قتل چیست؟

مثلاً مصدوم در تصادف که پایش شکسته، در اثر کهولت سن یا برخی بیماری ها پس از چند روز فوت می کند.

ج. چون عموماً در قتل های مسبّب از تصادفات اگر به سرایت باشد قتل خطاییست و اگر سرایت نباشد دیه ی عضو را دارد، در اینجا در هر صورت چه قتل سرایتی باشد و چه قطع عضو یا شکستن آن، احتیاطاً باید بر دیه مصالحه کنند.

حکم دیه در نزاع های دسته جمعی

۶۲۵۴. ۱) در نزاع ها و درگیری های گروهی که جماعتی ضارب یک نفرند، صدمات وارده مشخص است، ولی ضارب هر جراحت به صورت مشخص معلوم نیست.

حکم دیه به چه صورت است؟

ج. دیه ی هر جراحتی را که معیّن است به مضروب می دهند، ولی مقداری را که از دهندگان می گیرند، باید احتیاطاً حاکم صلح بالسّویه یا امر به صلح بالسّویه بین ضاربین کند.

۲) در فرض فوق، اگر گروهی به گروهی جنایت متعدّد وارد کنند و ضارب هر جنایت معیّن نباشد، حکم دیه چگونه است؟

ج. همین احتیاط به صلح جاری است، در موردی که جماعتی بر جماعتی جنایت متعدد وارد کنند که دیه ی هر جنایتی معلوم است ولی ضارب ها معین نیستند و در این موارد تعیین به قرعه هم محتمل است.

جراحت هایی که با نبود پزشک موجب فوت می شود

۶۲۵۵. در جراحت هایی که به صورت طبیعی کشنده است مگر اینکه پزشک حضور داشته باشد و اقدام به معالجه کند، اگر در نهایت مضروب فوت کند، مسؤولیّت ضارب و پزشک در دو فرض زیر چیست؟

۱) اگر پزشک، حضور نداشته باشد یا حضور داشته باشد و بدون کوتاهی، اقدام به معالجه کند امّا مضروب فوت کند.

ج. ضارب، قاتل است.

۲) اگر پزشك، حضور داشته باشد و با امکان و تمکّن از معالجه، خلاف تکلیف نماید.

ج. اگر پزشـک باشـد، حفـظ نفوس بر وی واجب است و لو بـا اجرت؛ لـذا او نیز دخیل و مؤثّر در قتل است و ضارب به همراه پزشـک، هر دو شـریک در قتـل هسـتند، چه قتـل از هر دو عمـدی باشـد یا خطایی یا مختلف، که از جهت سـببیّت برای دیه یا قصاص، هر یک حکم مختص به خود را دارد.

دیه ی قطع دست و پا و بیرون آوردن چشم و سوزاندن میّت

۶۲۵۶. فردی پس از قطع دست و پای میّت، چشم های وی را بیرون آورده و جسد را کاملاً سوزانده است.

حکم دیه در این مورد چیست؟

ج. تمام این کارها دیه های جـداگانه ای دارد که دیه ی کامل آن دیه ی جنین پیش از ولوج روح است و دیه ی این کارها را نسبت به دیه ی انسان حی از دیه ی جنین اخذ می کنند و برای خود میّت صرف می کنند.

عدم توانایی پرداخت اضافه دیه

۶۲۵۷. مردی زنی را به قتل رسانده و مستحق قصاص شده است.

اولیای دم مقتول قدرت بر ادای اضافه دیه به ورثه ی قاتل ندارند. آیا فاضل دیه را می توان از بیت المال پرداخت؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، حکم قصاص چیست؟

ج. نمی توان اضافه دیه را از بیت المال داد، بلکه قصاص به سبب انتفای شرطش منتفی می شود و به دیه منتقل می شود.

اگر قاتل دیه ی جنایت بر غیر مقتول را نداشته باشد

۶۲۵۸. چنان چه شخصی مرتکب یک فقره قتل عمدی و دو فقره ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به دو نفر گردد و اولیای دم مقتول، خواهان قصاص باشند و قاتل، مالی برای پرداخت دیه نسبت به دو نفر مجنی علیهما (مورد ضرب و جرح) نداشته باشد، آیـا اجرای قصـاص پیش از پرداخت دیه امکان پـذیر می باشـد؟ در صورت منفی بودن پاسـخ، پرداخت دیه چگونه میسّـر می باشد؟

ج. ضـرب و جرح عمـدی اگر مورد قصاص است، قصاص آن بر قصاص نفس مُقَـدَّم می شود و اگر از موارد ثبوت دیه است، هر چند از جهت توافق جانی و مضـروب، اگر محلّی برای ادای دین او از ترکه اش دارد، برای استیفای دیه استقراض کند و الّا نوبت به بیت المال می رسد، اگر بیت المال معد بر این جهت باشد و اللّه العالم.

تعدّد شکستگی و جوش خوردن آن

۶۲۵۹. اگر اسـتخوان درشت نی پای شخصـی، در اثر ضـربه صدمه ببیند و در چند قسـمت شکسـتگی پیدا کند و با همان عیب

جوش بخورد، آیا دیه یک شکستگی به عهده جانی می باشد یا به تعداد شکستگی ها باید دیه بپردازد؟ در صورت اوّل، علاوه بر دیه آیا ارش نیز تَعَلُّق می گیرد؟

ج. اگر شکستگی ها جدای از هم هستند، متعدّد حساب می شوند.

خراب شدن خانه بر سر سازنده و خانواده ی او

۶۲۶۰. بنّایی به عنوان بساز و بفروش، خانه ای می سازد و قبل از فروش، خود در آن خانه ساکن می شود. شبانه خانه ویران و زن و بچه اش کشته می شوند. کارشناس علت تخریب را عدم رعایت اصول معماری و خانه سازی اعلام کرده است.

پدر و مادر مقتوله مطالبه دیه می کنند.

با توجه به این که، چنین موردی مباشرت در قتل نیست و مقتولین از نقص اعلامی کارشناس بی اطلاع بودند، آیا به چنین موردی تسبیب صدق می کند که دیه لازم آید؟ اگر تسبیب صدق کند، آیا قتل خطای محض است یا شبه عمد؟

ج. احتیاط اینست که بنّا، دیه را از مال خودش بدهد و اللَّه العالم.

سهل انگاری شوفاژکار منتهی به فوت کارگر

۶۲۶۱. ۱) فردی که شغلش نصب شوفاژ بوده، شوفاژکاری ساختمان را تمام می کند و تحویل می دهد. بعد از حدود ۲۰ روز، کارگری به هنگام کار پایه منبع دو جداره شوفاژ را که به دیوار نصب شده، برای بلند شدن از زمین می گیرد و پایه از دیوار کنده می شود و منبع دو جداره بر روی کارگر می افتد و مصدوم می گردد. کارشناس، عدم استحکام پایه ی منبع و سهل انگاری شوفاژکار را علت سقوط منبع اعلام می کند.

با توجه به عدم اطلاع کارگر از عدم استحکام، آیا تسبیب صادق است که دیه بر شوفاژکار لازم باشد؟ (مخصوصاً با عنایت به اینکه اگر کارگر برای بلند شدن از پایه منبع استفاده نمی کرد، منبع فعلاً سقوط نمی نمود، لیکن به نظر کارشناس در آینده و در حوادث غیر طبیعی امکان سقوط آن با توجه به عدم استحکام مزبور وجود داشته است).

۲) بر فرض تَعَلُّق دیه بر شوفاژکار، آیا خود کارگر نیز تقصیر دارد که بخشی از دیه از عهده

شوفاژکار ساقط شود؟

۳) آیا قتل خطای محض است یا شبه عمد؟

ج. ظاهر کار هر کسی اینست که به نحو متعارف و صحیح انجام داده و دیه ثابت نیست، مگر آن که استناد این صدمه به خودش را بپذیرد که قهراً دیه را هم به گردن گرفته است.

دیه ی پرده ی رحم دختر سه ساله

۶۲۶۲. این جانب که راننده مینی بوس می باشم، در سال ۱۳۷۶ با دختر بچه سه ساله ای تصادف کردم که منجر به پارگی پرده ی رحم آن دختر شد.

میزان و مقدار ارش یا دیه ی دختر بچه را اعلام فرمایید.

ج. اگر مراد، پرده بکارت است، مهر المثل واجب می شود و اگر غیر آن باشد، باید با خصوصیّات آن که قابل التیام هست یا نه، ملاحظه ارش شود و اللّه العالم.

حکم همکاران قاتل هنگام قتل

۶۲۶۳. ۱) حکم ممسک (یعنی کسی که کس دیگر را می گیرد تا دیگری او را به قتل برساند) را بفرمایید.

۲) آیا ممسک باید از قصد قاتل اطلاع داشته باشد؟

۳) حکم رایی (یعنی، کسی که مراقب «قاتل» است) را بفرمایید.

۴) آیا رایی باید از قصد قاتل اطلاع داشته باشد؟

ج. جزای ممسک حبس ابد است و جزای مراقب سمل کردن چشم اوست و هر دو باید از قصد قاتل اطلاع داشته باشند و اللّه العالم.

وقوع قتل در نزاع دسته جمعی

۶۲۶۴. در نزاع دسته جمعی که حدود ۲۵ نفر از دو طرف شرکت داشته اند.

یک نفر بر اثر دو ضربه کشنده کشته می شود که تقدّم و تأخّر ضربات مشخص نیست و ضارب یا ضاربین این دو ضربه از گروه مقابل بوده، لیکن مشخص نیست کدام یک می باشند.

آیا حکم قضیه باید با قرعه و پرداخت دیه تمام شود و یا قصاص امکان پذیر است؟

و اگر حکم، قرعه باشد، چون دو ضربه بوده یک نفر با قرعه محکوم شود یا دو نفر؟

چنان چه گروه قاتل با رضایت خود حاضر باشند که جمعاً دیه مقتول را بپردازند آیا بازهم قرعه لازم است؟

ج. اگر مصالحه به دیه نمایند، موافق احتیاط است.

انتخاب نوع دیه و تغییر آن

۶۲۶۵. در تصادفات رانندگی منجر به فوت، اگر متهم به لحاظ جهل به قانون در خصوص قیمت و تعداد انواع دیه در هنگام محاکمه یک نوع خاص از انواع دیه را انتخاب نماید که بعداً متوجه شود، توانایی پرداخت آن را ندارد، آیا می تواند در مرحله ی اجرا آن را تغییر داده و نوع دیگر را که می تواند پرداخت کند انتخاب نماید.

اگر پرداخت نوع خاصی از دیه با توجه به انتخاب شخص جانی در حکم دادگاه قید شده باشد چه طور؟

ج. تا وقت ادا، اختیار او باقی است.

خسارت بی کار شدن تاکسی در اثر تصادف

۶۲۶۶. در یک حادثه رانندگی، اتومبیل تاکسی فرد غیر مقصّر، متحمل خسارات گردیده است، با توجه به نظر کارشناس مدت یک ماه برای تعمیر تاکسی مزبور وقت نیاز است و در ماه های معمولی راننده ی تاکسی از این اتومبیل ماهانه هشتاد هزار تومان درآمد داشته که در این ماه با توجه به تصادف واقع شده، راننده تاکسی از تحصیل درآمد مزبور محروم شده است، آیا راننده ی تاکسی می تواند علاوه بر خسارات وارده بر تعمیر تاکسی، از جهت عدم نفع در این ماه مبلغ هشتاد هزار تومان از راننده مطالبه کند؟

ج. اظهر و احوط ضمان است.

دیه ی فروش شراب کُشنده

۶۲۶۷. فردی مقداری شراب با درصد بیش از مقدار حد متعارف به ۳ نفر فروخته است.

یکی از خریداران بعد از مصرف خمر فوت نموده است، یکی نابینا و نفر سوم فلج شده است.

در مورد میزان جرم و مسؤولیّت فروشنده بفرمایید.

۱) در صورت اطّلاع از میزان بالای الکل موجود در شراب، آیا جنایت عمدی است؟

۲) در صورت عدم اطّلاع از مطلب فوق، جنایت چیست و تکلیف چه می باشد؟

۳) آیا علم و جهل مصرف کننده ها به بالا بودن میزان الکل تأثیری دارد؟

۴) آیا علم مصرف کننده ها به حرمت شرب خمر و بطلان این معامله نقشی دارد؟

ج. با علم فروشنده قتل عمدیست و با جهل، خطاییست و ضامن است و با علم مشتری ها و اقدام اختیاری، کسی ضامن نیست.

دیه ی شکستگی لگن پا

۶۲۶۸. شخصی به تأیید گواهی های پزشکی قانونی به وسیله گلوله مصدوم شده است.

گلوله از ناحیه عانه چپ وارد و از قسمت لگن خارج و موجب شکستگی گردن استخوان ران راست شده است.

آیا در این مورد دیه شکستگی استخوان به دو ثلث دیه مربوط به ورود و خروج گلوله افزوده می شود و یا اینکه به طور کلی فقط دو ثلث دیه در نظر گرفته می شود؟ آیا اصلاً عانه و لگن جزو بدن محسوب می شود یا جزو پا؟

ج. عانه جزو بدن و لگن جزو پاست و دیه شکستگی افزوده می شود و اللّٰه العالم.

ضرر و زیان معنوی

۶۲۶۹. آیا برای ضرر و زیان معنوی که در ضمن وقوع جرایم وارد می شود، می توان مطالبه ی خسارت نمود؟

ج. خیر.

اگر قاتل حاضر به پرداخت دیه نباشد

۶۲۷۰. اگر ولی دم در قتل عمد، دیه مطالبه نماید و قاتل حاضر به پرداخت آن نشود، آیا می توان او را به پرداخت دیه محکوم نمود؟

ج. نمی توان او را به دیه محکوم کرد.

فوت فردی که عهدهدار مخارج برادرش است

۶۲۷۱. فردی عهدهدار مخارج زندگی برادر از کارافتاده و مستمند خویش بوده است.

هر چند اساساً برادر، جزو افراد واجب النفقه نمی باشد، اما به حکم وجدان، او چنین عملی را انجام می داده حال اگر چنین فردی در یک سانحه رانندگی کشته شود، آیا این برادر از کارافتاده و مستمند می تواند به استناد این که موقعیّت عملی خویش را از دست داده، از راننده ی مقصّر خسارت بخواهد؟

ج. نمی تواند.

زندانی نمودن بی گناه

۶۲۷۲. اگر کارگر یا جراح یا صنعت گر یا ... را که کسب درآمد برای او محقّق الحصول است نه ممکن الحصول بازداشت کنند و بعد از مدتی بی گناهی او ثابت شود، آیا او می تواند جهت هدر رفتن نیروی کاری خویش ادّعای ضرر و زیان نماید؟ آیا وقت و نیروی چنین افرادی را می توان در زمره ی اموال محسوب نمود؟

ج. اظهر و احوط ضمان است.

نحوه ی استیفای قصاص یا دیه نسبت به فرزند

۶۲۷۳. شخصی جانی یا قاتل، ولیِّ ولی دم صغیر است.

نحوه ی استیفای قصاص یا دیه چگونه است؟

مثال: مردی زن خود را به قتل می رساند و فرض اینست که تنها ولی دم او، فرزند او است، لذا از طرفی فرزند، ولی دم مادر است و از طرفی قاتل (پدر) ولی فرزند است.

نحوه استیفای قصاص یا دیه (نسبت به فرزند) چگونه است؟

ج. احتیاط در صلح بر دیه است و اللّٰه العالم.

ارش و دیه ی استخوان های کف دست

۶۲۷۴. ۱) آیا استخوان های کف دست، دیه مقدّر دارند یا باید ارش تعیین کرد؟ آیا می توان به این استدلال که چون استخوان های انگشتان به کف دست مرتبط است، دیه استخوان های کف دست را مانند انگشتان حساب کرد؟

ج. ارش است.

۲) آیا دیه شکستگی یک بند از استخوان انگشت دست، خمس دیه همان بند می باشد یا خمس دیه ی انگشت دست؟

ج. خمس دیه همان بند است.

ثبوت دیه ی سقط جنین بر مباشر

۶۲۷۵. سقط جنین در چه صورتی قصاص دارد؟

اگر پزشکی به درخواست والدین به سقط جنین اقدام کرد، چه مسؤولیتی دارد؟

ج. سقط جنین دیه دارد که بر مباشر است.

حصول برائت با بخشش وارث دیه

۶۲۷۶. اگر در تمام صورت هایی که دیه واجب است، وارث دیه هر کس که باشد، دیه را ببخشد، آیا دهنده دیه بریء الذمّه می شود؟

ج. با ا برای صاحب حق، ساقط است.

دیه ی به هم زدن نطفه یا سقط جنین

۶۲۷۷. دیه ی به هم زدن نطفه ی بسته شده، یا سقط جنین، چه مقدار است؟

ج. دیه برای نطفه بیست مثقال شرعی طلاست و برای هر مرحله از مراحل پنج گانه تا جنین کامل، بیست مثقال اضافه می شود. یعنی صد مثقال برای جنین کامل قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح برای سقط آن دیه کامله انسان ثابت است.

بستن رحم

۶۲۷۸. بستن رحم به منظور جلوگیری از حمل چه حکمی دارد؟

ج. اگر مرض آور نباشد و موقّت و ضروری و قابل بازگشت باشد و مستلزم لمس و نظر محرّم نباشد، مانعی ندارد.

از بین بردن نطفه

۶۲۷۹. آیا بعد از انعقاد نطفه، از بین بردن آن جایز است؟

ج. حکم سقط قبل از ولوج روح دارد.

دیه ی سقط جنین به چه کسی پرداخت می شود

۶۲۸۰. اگر زن، عمداً خودش سقط جنین کرده، دیه را به چه کسی بدهد؟

ج. کسی که عمداً سقط جنین نماید، نصیبی از دیه در عمد ندارد؛ بلکه در خطا هم بنا بر اظهر نصیبی از دیه ندارد و دیه به وارث طفل، غیر از مادر می رسد.

رضایت پدر و مادر بر سقط جنین توسط پزشک

۶۲۸۱. زن و شوهرهایی با رضایت هر دو یا یکی از آنها به سقط جنین، نزد پزشک می روند و پزشک اسقاط جنین می کند.

چه کسی مسؤول است؟

ج. پزشک که مباشر است در صورت عدم جواز، ضامن دیه است و دیه هم به ارث به آن دو - والدین - می رسد؛ زیرا رضایت به قتل مانند استناد قتل رافع ارث بردن نیست، مگر اینکه پزشك را الجا کنند به حدّی که آنها قاتل محسوب شوند.

عدّه زن حامله در صورت سقط جنین

۶۲۸۲. آیا عدّه زن حامله در صورت سقط جنین باقی است؟

ج. منقضی می شود، زیرا وضع حمل صادق است.

سقط جنین به وسیله ی کتک زدن شوهر

۶۲۸۳. اگر شوهر زنش را زده و زن سقط کرده، شوهر دیه را به چه کسی بدهد؟

ج. وارث دیه، وارث مال است که در اینجا همان زن است.

سقوط دیه در موارد جواز سقط

۶۲۸۴. در موارد جواز سقط جنین - مانند در خطر بودن جان مادر - آیا ادای دیه واجب است؟

ج. واجب نیست، مانند موارد جواز عمل جرّاحی یا وجوب آن در مریض یا عمل حجامت که راجح است.

میزان تشخیص نطفه علقه و مضغه

۶۲۸۵. تشخیص نطفه، علقه و مضغه با چه کسیست و در صورت نزاع، به چه وسیله ای مشخص می شود؟

ج. منی و خون و گوشت - مثلاً - محل شك نیست، بلی باید ثابت شود نطفه، مبدء انسان بوده که اخراج شده و مراتب مابین حدود قابل شك است و میل به نصف اوّل یا اخیر نیز معلوم است و با اختلاف در سایر مراتب، با عدم تعیین، اگر چه با بیّنه باشد که دیه آنها بر بیست دینار توزیع می شود، احتیاط در صلح است.

سهل انگاری زن در حفظ جنین

۶۲۸۶. اگر زن عمداً سقط جنین نکند، ولی سهل انگاری کند، - مثلاً از بلندی بپرد، آیا باید دیه بدهد؟

ج. حکم دیه در خطا بر او ثابت است.

خوب شدن حواس پنج گانه پس از از بین رفتن

۶۲۸۷. در صورتی که فردی حواس پنج گانه فردی دیگر یا برخی از آنها را از بین ببرد، ولی بعداً خوب شود، چه حکمی دارد؟

ج. حکم اندمال در جاهای دیگر را دارد.

دیه ی هاشمه

۶۲۸۸. با توجه به اینکه دیه جراحات سر و صورت (از نوع @هاشمه) به میزان ۱۰ شتر می باشد، چنان چه جمجمه از دو ناحیه (آهیانه سمت راست و آهیانه سمت چپ) شکسته شود، تعیین دیه در موارد ذیل به چه صورت می باشد؟

۱) میزان دیه در مورد شکستگی جمجمه به چه میزان خواهد بود؟ (دو دیه شکستگی، یک دیه شکستگی و ارش یا یک دیه شکستگی به صورت مستقلّ)؟

ج. اگر دو شکستگیست و در باطن به هم متصل نیست، دو دیه دارد.

۲) چنان چه دو مورد شکستگی جمجمه به تفکیک و جدا از هم توسط دو نفر صورت گرفته باشد (یک نفر شکستگی سمت راست و یک نفر شکستگی سمت چپ) با در نظر گرفتن اینکه برابر فتوای آن مرجع محترم، مورد مذکور شکستگی در یک عضو می باشد و یک دیه و ارش به آن تَعَلُّق می گیرد، میزان دیه ی مقدّر یا غیر مقدّر در مورد هر کدام از جانی ها به چه صورت محاسبه می گردد؟

ج. دو دیه دارد؛ هر چند شکستگی دوّمی به اوّلی هم متصل شود، مگر اینکه شکستگی کامل به حساب نیاید.

۳) چنان چه در اثر ضربه وارده، یک مورد شکستگی در جمجمه حادث گردد و علاوه بر شکستگی مذکور در مورد فوق، خون ریزی وسیع در جمجمه ایجاد گردد، با در نظر گرفتن این فرض که برای دو مورد شکستگی در جمجمه دو دیه شکستگی به مجنی علیه تَعَلُّق می گیرد؛ حال که

جانی سبب ورود جنایت گردیده و علاوه بر شکستگی مذکور و بر اثر ضربه وارده خون ریزی وسیع در جمجمه ایجاد گردیده که به منظور رفع خون ریزی، جمجمه مورد عمل جراحی قرار گرفته و در اثر عمل جراحی مذکور شکستگی ناشی از عمل به صورت نقص عضو در جمجمه به وجود آمده است؛ با توجه به قاعده ی سببیّت و با فرض تَعَلُّق دو فقره دیه شکستگی نسبت به دو مورد شکستگی در جمجمه بدین اعتبار که جانی، سبب ورود جنایت گردید؟

ج. خون ریزی اگر دیه مقدّر ندارد، ارش پرداخت شود.

تشویق دعوا و تیز کردن شاخ گاو

۶۲۸۹. ۱) این جانب کارگرهای متعدّدی داشتم. دو نفر از آنان، هنگام کار با هم مزاح و شوخی می کردند تا کم کم منجر به نزاع شد.

یکی از آن دو با زدن مشت، چشم کارگر دیگر را از حدقه درآورد. آیا این جانب (صاحب کار) با اینکه دنبال کارگر رفتم و او را به کار دعوت کردم و در حین مزاح و نزاع تماشا می کردم و تا حدّی مشوّق مزاح و نزاع آنها بودم، مسؤول شرعی هستم و دیه و غرامتی به ذمّه ام تَعَلُّق می گیرد؟

ج. البته شما که مشوّق آنها بوده اید، کار حرامی مرتکب شده اید، ولی دیه به شما تَعَلُّق نمی گیرد.

۲) این جانب گاوی داشتم شاخ گاو را تیز کردم که با گاوهای دیگر بجنگد تا غالب آید، از قضا برادرم برای رفع تشنگی حیوان، لگن را پر از آب کرد. گاو از لگن آب می خورد، در حالی که او نشسته بود و نگاه می کرد. حیوان پس از سر بلند کردن، شاخ زد و چشم برادرم از حدقه بیرون آمد. آیا این جانب (صاحب گاو)

مسؤول شرعی هستم و دیه و غرامتی به ذمّه ام تَعَلّق می گیرد؟

ج. احتیاطاً مصالحه کنید.

تصادف و متلاشی شدن جسد با برخورد چند اتومبیل

۶۲۹۰. شب هنگام، در جادّه ای تصادفی رخ می دهد و ماشین کامیونی ظاهراً به عابری می زند. عابر بر زمین می افتد و کامیون در جا چپ می کند.

(گرچه صاحب کامیون ادّعا کرده است ماشین دیگری به او زده و کامیون به علت این که به عابر نزند چپ کرده است، کارشناس مربوطه صاحب کامیون را مقصّر شناخته و دیه از او گرفته شده است) لکن در همان لحظه ی تصادف یا شاید چند دقیقه بعد، ماشین سواری می رسد و چون شب بوده، ناگهان از روی جسد عبور می کند و پس از آن هم ماشین های بعدی، مکرّر از روی جسد وی می گذرند و جنازه به کلّی متلاشی می شود. اکنون در مورد ماشین سواری مذکور دو مسأله مورد سؤال است:

۱) با توجه به اینکه راننده ی آن شک دارد جسدی که جلوی ماشین ها نقش بر زمین شده بوده است، جان داشته است یا مرده (یا بالفرض طبق قراین ظن به موت آن داشته است)، آیا شرعاً دیه به وی تَعَلّق می گیرد؟

۲) اگر فرضاً یقین به موت او داشته است، آیا عبور با ماشین بر جنازه ی میّتی سهواً، موجب ضمان است؟

اگر هست، چه قدر است؟

ضمناً اگر دیه بر او لازم شد، آیا باید آن را الزاماً به ورثه ی میّت بدهد یا اگر به راننده ی کامیون که خون بها را پرداخته، بدون آگاه ساختن ورثه بدهند کافی است؟

ج. استناد موت به هر کدام باشد، با تحقیق و تفحّص لازم، دیه بر عهده اوست و در صورت جهل، به اخیری مستند است و دیه باید به ورثه داده شود و آنچه

ورثه اخـذ کرده به دهنـده بر می گرداند و اگر دیه مربوط به صدمه به جسد میّت باشد به وارث داده نمی شود؛ بلکه در وجوه خیر برای میّت صرف می شود و مقدار دیه به نسبت کل دیه او که صد دینار است، تعین می شود.

دیه ی مصدومیّت بیضه

۶۲۹۱. شخصی در اثر نزاع از ناحیه ی بیضه ی چپ صدمه دیده است.

پزشـکی قـانونی اعلام کرده است به علّت ضـربه وارده مصـدوم از ناحیه ی بیضه ی چپ دچار تورّم و خون ریزی داخل بیضـه شده و متقابلاً طی عمل جراحی دو سوّم از بیضه ی چپ برداشته شده است.

۱) آیا موضوع کلّا از موارد تعیین ارش است؟

۲) آیـا خصوص تورّم و نیز خصوص برداشـته شـدن دو ثلث بیضه ی چپ به نسـبت کل دیه، از موارد پرداخت دیه و خصوص خون ریزی داخل بیضه مورد از موارد پرداخت ارش می باشد؟

۳) آیا مورد فوق از موارد تداخل محسوب می شود (یعنی فقط دیه ی قطع دو سوّم بیضه ی چپ که طی عمل جرّاحی برداشـته شده است به نسبت کل دیه ی آن موضع محاسبه و تعیین می شود)؟

۴) آیا دیه تورّم بیضه ی چپ مانند قطع بیضه ی چپ دو ثلث است یا تورّم دو بیضه مساوی است؟

ج. هر کدام مقدّر شرعی دارد، همان مقدار تعیین شده ثابت است و الّا ارش می باشد.

تصادف راننده با عابر در اتوبان

۶۲۹۲. کارگری که دارای زن و چهار فرزند صغیر و مادری پیر می باشد در تصادفی، فوت شده است.

بـا تـوجه به اینکه اتوبـانی که تصـادف در آن رخ داده، پـانزده متر عرض داشـته، خشـک و مسـطح بـوده، هیـچ نرده ای برای جلوگیری از ورود عابر پیاده به اتوبان نصب نشـده بوده و هیـچ گونه مانعی برای دید راننده وجود نداشـته و راه مسـتقیم بوده، تصـادف در روز روشن و هوای صـاف اتّفـاق افتاده و لباس متوفّی نمایان و حرکتش عادی بوده است و کارشـناس راهنمایی و رانندگی به استناد ماده ۴ «۱» قانون ایمنی راه ها مصوّب سال ۱۳۴۹ عابر را مقصّر دانسته است؛ آیا

راننده اتومبیل نسبت به متوفّی ضامن می باشد؟

ج. استناد به عابر و راننده است و نصف دیه را بدهد.

|

(۱). ماده ۴ قانون ایمنی راه ها مصوب ۱۳۴۹: «ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیّه غیر مجاز و عبور دادن دام در شاهراه ها و همچنین توقّف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است.

هرگاه به جهات مذکور حادثه ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده ای که وسیله ی نقلیّه ی او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسؤولیّتی نخواهد داشت ولی در هر حال مکلّف است در صورت بروز حادثه ی وسیله ی نقلیه را در شانه ی سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله ی نقلیّه ی خود و یا وسیله ی دیگر بلافاصله به اوّلین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسؤولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقرّرات بیمه نخواهد بود.

دیه ی کاهش بینایی

۶۲۹۳. فردی با ایراد ضرب عمدی به چشم فرد دیگری، (بدون اینکه موجب در آوردن چشم وی شود) باعث کاهش شدید بینایی مضروب در حد شمارش انگشتان دست شده است.

این کاهش شدید بینایی از نظر پزشک قانونی با توجه به نظریّه سازمان بهداشت جهانی نابینایی محسوب و اعلام شده است.

آیا این کاهش شدید بینایی همان کوریست که شرعاً و قانوناً موجب قصاص خواهد شد یا منظور از کوری که موجب قصاص است از بین رفتن کامل بینایی است، به شکلی که هیچ گونه دیدی - هر چند جزیی - وجود نداشته باشد؟ لازم به ذکر است شاکی، تقاضای قصاص متّهم را نموده است و موضوع، با اجرای قسامه

قابل اثبات می باشد.

ج. مورد از موارد دیه است، در صورت تغریر.

وظیفه ی زنان وابسته به قاتل فراری

۶۲۹۴. در قتل عمـد و شـبه عمد که به هنگام فرار قاتل، بسـتگان به نحو الاقرب فالاقرب مسؤول پرداخت دیه هسـتند، آیا زنان وابسته نیز مسؤولیّت دارند یا اینکه همانند عاقله، مسؤولیّت مختص مردان است؟

ج. محتمـل است اسـتحقاق دیه از مال او و اگر مالی نباشـد، یا استیفای دیه از آن، متعـذّر باشـد، محتمل است اسـتحقاق دیه از بیت المال پس از عاقله و عدم تمکّن استیفایش از آنها یا ورثه او به ترتیب ارث یا مطلقاً. «۱»

|

(۱). (دیات معظم له، ص ۱۲۰).

صدمات مسابقات ورزشی

۶۲۹۵. مبنای فقهی و اصولی بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی «۲» چه می باشد؟ این ماده مقرّر می دارد:

«حوادث ناشـی از عملیّات ورزشی، مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقرّرات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقرّرات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» و حوادث ورزشی را به عنوان یکی از عوامل موجّهه جرم شناخته است، یعنی تحت آن شـرایط یک فعل از حالت جرم بودن خارج می شود، ماننـد اینکه در ورزش فوتبال یک بازیکن با توپ ضـربه ای می زند که به صـورت بـازیکن دیگر اصـابت می نمایـد و به جراحت یـا شکسـتگی منتهی می گردد؛ ولی قوانین و موازین آن ورزش رعایت شده است.

آیا در فرض فوق، دیه تَعَلُّق می گیرد؟

ج. در مفروض سؤال دیه دارد.

|

(۱). بنـد سوم مـاده ۵۹ قـانون مجازات اسـلامی: «حوادث ناشـی از عملیات ورزشـی مشـروط بر اینکه سـبب آن حوادث نقض مقرّرات مربوطه به آن ورزش نباشد و این مقرّرات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد.»

مصداق جائفه

۶۲۹۶. ماده ۴۸۲ مجازات اسلامی مصوب ۸ / ۴ / ۷۰ چنین مقرر داشته است:

«دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می شود به ترتیب زیر است:

۱) جائفه: جراحتی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوی انسان وارد شود، ثلث دیه کامل است.

۲) هرگاه وسیله ای از یک طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد ثلث دیه کامل دارد.

تبصره) وسیله واردکننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است.»

با توجه به عدم ذکر و تصریح اعضای بدن (شکم، سینه، پشت و پهلو) در بند «۲»، آیا نظر معظّم له آن است

که بدن شامل تمامی اعضا مانند:

دست و پا نیز می شود و مثلاً اگر تیری به ران فردی وارد و از طرف دیگر ران وی خارج شود، از مصادیق @جائفه می باشد؟

ج. شامل تمامی اعضا می شود.

مسمومیّت و تعاقب فوت

۶۲۹۷. در جشن عروسی، چند کودک پس از صرف شیرینی به مشکلات گوارشی مبتلا می گردند. آنان را به بیمارستان می برند، ولی همه ی آنها مگر یک نفر به طور سرپایی معالجه می گردند. سوابق امر هم گویاست که این کودکان مراجعه دیگری به پزشک یا بیمارستان نداشته اند.

یکی از این کودکان در بیمارستان فوت می شود. پزشک قانونی پس از انجام آزمایش سم شناسی و آسیب شناسی اعلام می کند:

«علت مرگ به شرح زیر اعلام می گردد:

عفونت ریوی و ورم ریه و خون ریزی منقوط در ریه می باشد و در امعاء و احشای ارسالی، سمّی در حد تشخیص یافت نشده است.» با توجه به وضع سایر کودکان باید گفت که اگر نامبرده بیماری زمینه ای نداشت، عوارض گوارشی و مسمومیّت غذایی ادّعایی، نمی توانست تأثیری در پیش آمد مرگ داشته باشد، ولی در مورد این کودک، به علّت وجود زمینه مساعد از نقص مصونیّت می توان گفت تأثیر ناچیزی داشته است.

این میزان تأثیر در حد ۱۰ درصد تخمین زده می شود.» در این مورد خاص و با توجه به نظریّه پزشک قانونی و هیأت پزشکی، آیا می توانیم مسؤولیتی متوجه شیرینی فروش کنیم؟ اگر پاسخ مثبت است، در چه حد؟

ج. در فرض سؤال، به جهت عدم ثبوت استناد، ضمانی بر شیرینی فروش نیست و احتیاط به مصالحه مطلوب است.

مجروح نمودن اعضای خانواده

۶۲۹۸. شخصی در نزاع، علاوه بر مجروح نمودن اعضای خانواده، پدرش را نیز به قتل رسانده است و عاقله نیز منحصر به مصدومین می باشد.

آیا عاقله ی مذکور که همان مجروحین می باشند، می توانند علاوه بر تقاضای قصاص، مطالبه دیه برای خود از جانی مذکور نمایند؟

ج. می توانند و اگر قتل خطایی باشد، دیه بر عاقله است، هر چند مجروحین باشند.

عدم تعلق خمس به دیه مقتول

۶۲۹۹. آیا دیه مقتول جزو ماترك وی محسوب می شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا خمس به آن تَعَلّق می گیرد؟

ج. دیه ی مقتول جزو ماترك او است؛ ولی تعلق خمس به آن مشکل است.

تأثیر سوختگی بر زیبایی

۶۳۰۰. آیا در صورتی که سوختگی، سبب نقص در زیبایی شود، آن هم ارش جداگانه ای، علاوه بر ارش سوختگی دارد؟

ج. بلی، ارش جداگانه دارد.

دیه ی کارگر و مقنّی در سقوط چرخ چاه

۶۳۰۱. مقنّی و چاه کنی در پایین چاه مشغول کار است و کارگر در بالا، چرخ را می چرخاند، ناگهان چرخ از جا کنده می شود و کارگر همراه چرخ در چاه سقوط می کند.

مقنّی از ناحیه دست و پا مصدوم می شود و کارگر پس از دو روز فوت می کند.

تکلیف دیه کارگر و مقنّی را معلوم نمایید.

ج. دیه ی کارگر را کسی ضامن نیست، ولی دیه ی مقنّی را باید از مال کارگر بدهند؛ زیرا صدمات مقنّی، به فعل کارگر استناد دارد.

شَل شدن عضو

۶۳۰۲. برخی جراحت ها که موجب دیه است، اگر در عضوی واقع شود که علاوه بر آنها، سبب نقص و شل شدن آن عضو شود که اگر در جای دیگری بود، تنها همان جراحت بود، آیا افزون بر دیه جراحت، دیه نقص عضو یا ارش نیز ثابت است؟

ج. ظاهراً غیر از دیه ی جراحت، دیه ی نقص عضو یا ارش آن هم ثابت است.

تزریق خون آلوده

۶۳۰۳. خونی را از نفر اوّل می گیرند و به دوّمی تزریق می کنند.

پس از آن روشن می شود، اوّلی دچار بیماری مسری یا مهلك بوده که منجر به فوت دوّمی (گیرنده خون) شده است.

چه کسی مسؤول فوت او است؟

ج. اگر فرد اوّل عالم به آن نبوده است، آن تزریق کننده ها که باید خون را آزمایش و تفحّص می کردند و نکردند، ضامن دیه اند و اگر خود آن اوّلی هم آگاه بوده، پس با استناد به هر دو، به نحو تشریک ضامنند.

تفاوت محاسبه دیه و ارش در زن

۶۳۰۴. در باب جراحات و اعضا، دیه ی زن مانند دیه ی مرد است تا به ثلث دیه ی کامله برسد و در صورت رسیدن به ثلث، دیه ی زن نصف دیه ی مرد است.

آیا در جراحات موجب ارش که بر زن وارد می شود، بایستی میزان ارش بر اساس دیه ی زن احتساب شود یا بر مبنای دیه ی مرد.

ج. حکم بالا به دیه اختصاص دارد نه ارش.

ولایت ولی در عفو دیه ی طفل

۶۳۰۵. من زنی هستم، به فروشگاهی رفته بودم، وقتی می خواستم به یک اتاق بروم، به پسر بچه نابالغی که سر پلّه نشسته بود برخورد کردم و بین چشم و ابروی او در اثر برخورد به دیوار زخم شد و خون آمد. من منتظر ماندم تا مادرش آمد و از او حلالیت گرفتم و از پدرش نیز حلالیت گرفتم، حکم مسأله چگونه است؟

ج. اگر از پدر او حلالیت گرفتید، ضامن نیستید.

تنبیه توسط اعضای خانواده

۶۳۰۶. خانواده ای که کودکشان را تنبیه بدنی کرده اند و موجب سرخی و کبودی بدنش شده اند، آیا باید دیه بدهند؟

ج. بله، باید دیه بدهند؛ مگر پدر باشد که گفتیم به مقدار دیه می تواند از هزینه ی نفقه او حساب کند.

۶۳۰۷. اگر مادری فرزند خود را بزند و بدن فرزند سرخ شود، این عمل مادر دیه دارد؟

آیا مادر باید حلالیّت بطلبد؟

ج. بله، دیه دارد.

حکم گرفتن دیه نقص عضو

۶۳۰۸. گرفتن دیه نقص عضو که از طرف دادگاه تعیین می شود، چه حکمی دارد؟

ج. حق مَجنیٌّ علیه است که می تواند از جانی بگیرد.

احکام موضوعات متفرقه

۱. موسیقی

معیار حرمت موسیقی

۶۳۰۹. آیا معیار حرمت موسیقی فقط مطرب و لهوی بودن آن است یا این که میزان تحریک و تهییج آن هم تأثیر دارد؟

و اگر باعث حزن و گریه شنونده شود، چه حکمی دارد؟

ج. مطرب بودن قیدیست که در غنا مطرح است نه در موسیقی و اصل اطراب شأنی، معیار حرمت است و نیز هر تحریک و تهییجی که سبب فرح یا حزن شود اما در موسیقی تلهّی (نواختن موسیقی لهوی) با آلات @معدّه ی (دستگاه ها و ابزار ویژه ی موسیقی) مطلقاً جایز نیست، بلکه استعمال آنها در غیر لهو هم بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۶۳۱۰. ۱) کدام موسیقی حرام است و آیا گوش دادن به آن برای رفع خستگی ناشی از کار یا افسردگی و مانند آن اشکال دارد؟

ج. آنچه مطرب است، از حیث غنای حرام است و از حیث لهو با آلات موسیقی، پس مطلقاً حرام است و اگر استعمال آنها در غیر لهو باشد، بنا بر احتیاط جایز نیست.

۲) رقص و آواز در مجالس عروسی که زن ها و مردها جدا باشند، آیا اشکال دارد؟

ج. رقص خلاف احتیاط است، آواز هم به غنا و غیر غنا منقسم می شود که در صورت غنایی بودن حرام می باشد.

ملاک حلّیت موسیقی

۶۳۱۱. مبانی فقهی حرمت موسیقی و معیار تعیین مصداق موسیقی مطرب چیست؟

ج. ملاک حرمت اطراب شأنی است که معمولاً در زدن با آلات و ابزارهای آن مطرب شأنی می شود و علامت آن غلبه مقرونیّت آنها با محرّمات دیگر است.

مجالس لهو و لعب

۶۳۱۲. منظور از مجالس لهو و لعب چه می باشد؟

ج. مجالس لهو و لعب، مجالسیست که مناسبت با مجالس اهل فسق و گناه دارد.

تفاوت موسیقی و ترانه سنتی و غیر سنتی

۶۳۱۳. آیا فرقی بین موسیقی سنّتی و غیر سنّتی، ترانه به زبان محلی و یا زبان های دیگر و استفاده از نوار ضبط شده آن وجود دارد؟

خرید و فروش این گونه نوارها چگونه است؟

ج. در حرمت موسیقی تفاوتی بین سنتی و غیر سنتی آن وجود ندارد و در صورت حرمت اصل موسیقی، خرید و فروش نوارهای آن نیز حرام است.

آثار روحی موسیقی

۶۳۱۴. گوش کردن موسیقی باعث چه تحولاتی در روح انسان می شود؟ آیا حکم موسیقی تابع این امور است؟

ج. گوش دادن موسیقی آثار منفی فراوانی در روح انسان دارد، ولی حکم شرعی آن دایر مدار آن آثار نیست.

رابطه علم موسیقی با حکم فقهی آن

۶۳۱۵. هنر موسیقی، مبتنی بر اصول و قواعد علمی و تاریخی است، چرا افراد دین دار آشنا با موسیقی، مرجع تشخیص حکم آن قرار نگیرند؟

ج. مرجع تشخیص حکم در تمام احکام شرعی، مرجع تقلید جامع شرایط است که بر فهم و استنباط نظر شارع قدرت دارد و در تشخیص موضوعات، به متخصصین و خبره ای آن مراجعه می شود.

موسیقی درمانی

۶۳۱۶. آیا موسیقی درمانی جایز است؟

ج. استفاده موسیقی برای درمان نیز همانند موارد دیگر آن جایز نیست.

استفاده از موسیقی برای اغراض علمی و ...

۶۳۱۷. آیا استفاده و آموزش موسیقی در مواردی مثل هنر و طبابت و افزایش شیر دام و رشد گیاه و ...، جایز است؟

ج. موارد استفاده از موسیقی موجب تغییر حکم شرعی آن نمی شود.

استماع، ساخت، فروش، تعلیم و تعلّم موسیقی مطرب و آلاتش

۶۳۱۸. گوش دادن به آهنگ ها، ساخت، فروش، تعلیم و تعلّم موسیقی و آلاتش چه حکمی دارد؟

ج. ظاهراً همه ی اینها جایز نیست.

شنیدن موسیقی در خانواده

۶۳۱۹. در خانواده ای که یک یا چند نفر از اعضای آن موسیقی گوش می کنند و بقیه با اجبار و قهراً صدای موسیقی به گوش آنها می خورد و امر به معروف و نهی از منکر آنها فایده ای ندارد، چه حکمی دارد و گناه گوش کردن این نوارها

بالاخص در ماه محرم و صفر و رمضان به عهده کیست؟

ج. به گوش خوردن موسیقی، همانند شنیدن آن حرام نیست و گناه عمل حرام اعم از شنیدن موسیقی و ... در ماه های حرام مضاعف است.

موسیقی و یاد خدا

۶۳۲۰. اگر شنیدن موسیقی و یا غنا انسان را به یاد خداوند متوجه کند، آیا شنیدن آن مانعی دارد؟

ج. انسان با عملی که مورد رضای خداوند نیست، نمی تواند به یاد خداوند باشد و چنین اموری نمی تواند موجب تغییر حکم شرعی موسیقی و غنا باشد.

ملاک جواز و عدم جواز نوارهای ترانه و موسیقی

۶۳۲۱. آیا داشتن مجوز از وزارت ارشاد دلیل بر مجاز بودن صدای خواننده یا ترانه ی او می باشد؟

ج. مجوّز آن وزارت خانه، نمی تواند مجوّز شرعی برای نوارهای موسیقی و ترانه باشد.

شنیدن موسیقی های صدا و سیما

۶۳۲۲. شنیدن موسیقی هایی که از صدا و سیما پخش می شود چه صورت دارد؟

ج. فرقی با موارد دیگر نمی کند و به طور کلّی شنیدن موسیقی مطرب حرام است و در فرض مذکور به هر نحو ممکن باید از شنیدن آن اجتناب نمود.

تجلیل از نوازندگان در رسانه عمومی

۶۳۲۳. تشویق و تجلیل از بعضی نوازندگان و حرفه آنها در بعضی روزنامه ها و مجالس و رسانه های خبری دیگر و شرکت در این برنامه ها و تشویق آنها چه حکمی دارد؟

ج. چون نواختن و شنیدن موسیقی مطرب حرام است، کلیّه اموری که به عنوان مقدمه یا ترویج آن محسوب می شود نیز حرام است.

دیدن فیلم با آهنگ

۶۳۲۴. آیا کارتون های خارجی که آهنگ های شاد دارند، حرام است؟

ج. اگر مطرب باشند، شنیدن موسیقی آن حرام است و در این صورت دیدن فیلم، بدون آهنگ از این جهت اشکالی ندارد.

شنیدن موسیقی بدون حالت طرب

۶۳۲۵. شنیدن نوارهای ترانه خواننده زن و مرد و نواختن ارگ یا آهنگ های رادیو و تلویزیون، اگر به خود گوش دهنده آن حالت طرب دست ندهد، چه حکمی دارد؟

ج. چون میزان در مطرب بودن اطراب شأنی است نه فعلی؛ بنا بر این در فرض سؤال نیز شنیدن آنها حرام است.

نی زدن

۶۳۲۶. نی زدن اگر موجب فساد نباشد، چه حکمی دارد؟

ج. نی از آلات مخصوص موسیقیست و اشکال دارد.

موسیقی حلال

۶۳۲۷. آیا موسیقی حلال نیز وجود دارد، موسیقی آرام چه وجهی دارد؟

ج. اگر با آلات و ابزار لهو باشد، صورت حلال ندارد.

شنیدن آهنگ های شاد برای شادابی روحی

۶۳۲۸. برای رفع خستگی روح و جانم آهنگ های شاد گوش می کنم، زیرا خدا آزار رساندن به روح توسط خود انسان را محکوم می کند، پس گمان نمی کنم رفع خستگی روح با آهنگ اشکالی داشته باشد؟

ج. موسیقی بزرگترین و بیشترین آسیب را به روح انسان وارد می سازد و او را از قرب پروردگار متعال دور می سازد، بنا بر این شما که نگران روح خود هستید، باید از شنیدن موسیقی حرام خود داری نمایید.

عدم تأثیر نوارهای مبتذل

۶۳۲۹. برخی می گویند نوارهای ترانه روی ما تأثیر منفی ندارند، آنها را چگونه ارشاد کنیم؟

ج. ملاک حرمت تأثیر فعلی نمی باشد، بنا بر این در این صورت نیز آنها نباید موسیقی گوش کنند.

شنیدن ترانه ی غمگین

۶۳۳۰. آیا شنیدن ترانه ی غمگین جایز است؟

ج. تفاوتی با انواع دیگر موسیقی ندارد و غمگین بودن سبب حلیّت نمی شود.

شنیدن ترانه ی دیگری

۶۳۳۱. گوش دادن به صدای کسی که ترانه ای را زمزمه می کند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر ترانه را به آن سبک بخواند، به صورتی که به حالت غنا برسد، حرام است.

شنیدن اجباری موسیقی مبتذل

۶۳۳۲. انسان اگر به اجبار به موسیقی مبتذل گوش کند، چه حکمی دارد؟

ج. اختیاراً خودش نباید گوش دهد و حکم به گوش خوردن موسیقی (سماع) با شنیدن آن (استماع) فرق می کند.

شنیدن موسیقی در وسایل نقلیه عمومی

۶۳۳۳. در صورتی که در شرایط زمانی یا مکانی خاص، سوار اتومبیل عمومی باشیم که چاره ای جز شنیدن ترانه و موسیقی نباشد، تکلیف چیست؟

ج. خود انسان اختیاراً نباید گوش دهد، پس می تواند به گونه ای خود را مشغول ذکر و یا امور دیگر نماید که شنونده ی موسیقی نباشد، هر چند صدای آن به گوش وی بخورد.

پخش آهنگ در مسجد و حسینیه

۶۳۳۴. حکم پخش کردن آهنگ های مذهبی در مساجد و حسینیه ها چه می باشد؟

ج. انجام اموری که موجب هتک حرمت مسجد می شود، حرام است و گناه آن مضاعف است.

حکم دایره زدن

۶۳۳۵. آیا دایره زدن حلال است؟

ج. دایره نیز از آلات و وسایل طرب می باشد و استعمال آن حرام است.

شکستن وسایل موسیقی

۶۳۳۶. حکم وسایل طرب و استفاده و خرید و فروش و ساختن و تعلیم و تعلم آنها از قبیل تار، سه تار، سنتور، تنبور، قانون، قیچک، کمانچه، نی، تنبک، دف، پیانو، ویولون، ویلا، @کلارینت، فلوت، هورن، ترومپت و سازهای کوبه ای، چه صورتی دارد و خانه ها و مؤسسات و اشتغال و درآمد از این راه چه حکمی دارد؟

شکستن آنها ضمان آور است یا خیر؟

ج. چون وسایل ذکر شده، ابزار و آلات ویژه لهو می باشند اشتغال و درآمد آنها و کل امور مذکور حرام است و از بین بردن

صورت و شکل ظاهری آنها واجب است و در این خصوص ضمانی ندارد.

کسب از طریق آموزش نوازندگی

۶۳۳۷. آیا از لحاظ شرعی نواختن موسیقی و آموزش و فراگیری آن، شغل و درآمد آن حلال محسوب می شود؟

ج. اشتغال و کسب درآمد از چنین حرفه هایی حرام است.

آموزش خوانندگی و نوازندگی

۶۳۳۸. یادگیری خوانندگی یا نوازندگی موسیقی توسط جوانان و نوجوانان چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

اجرت تکثیر نوارهای مبتذل

۶۳۳۹. آیا گرفتن اجرت برای تکثیر نوارهای صوتی که محتوی امور حرامی هستند، جایز است؟

ج. خیر، حرام است.

خرید و فروش آلات و وسایل موسیقی

۶۳۴۰. خرید و فروش اسباب مشترکه موسیقی، چه حکمی دارد؟

ج. خرید و فروش آلات لهو، مثل تار و حتی سازهای کوچک حرام است؛ مگر این که منفعت مشروع و حلالی از آن برده شود و معامله برای آن منفعت حلال واقع شود که بنا بر اظهر در این صورت معامله صحیح است.

آلات موسیقی در مجالس اهل بیت علیهم السّلام

۶۳۴۱. استفاده از طبل، سنج و شیپور در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

ج. خلاف احتیاط است.

مصونیت از مفاسد عمل حرام

۶۳۴۲. آیا می توان به استناد این که از مفسده حرام مثل رقص و قمار و شراب و غنا مصونیت دارم، مرتکب حرام؟

ج. هر عمل حرامی دارای مفسده است، چه فرد آن را درک نماید و چه متوجه آن نشود؛ بنا بر این در هر صورت از چنین اعمال حرامی باید پرهیز نمود.

۲. غنا

تعریف غنا

۶۳۴۳. غنا چیست؟

آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا این که شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می شود؟

ج. غنا، کشیدن صدا و گردش آن در حنجره است، به گونه ای ویژه که طرب آور بوده و به علت شِدّت شادمانی به واسطه خیال وصول به محبوب و یا حزن و اندوه به واسطه خیال فراق و دوری او، موجب سبکی در انسان گردد و علامت آن مناسبت داشتن با مجالس اهل فسوق می باشد و صداهای حاصل از آلات و ابزار، حکم جداگانه ای دارد که در مسأله ی ۲۰ از مسائل متفرقه رساله و نیز در باب موسیقی همین کتاب ذکر شده است.

معیار حرمت غنا

۶۳۴۴. آیا معیار در حرمت غنا، کیفیت آهنگ است یا محتوای آن؟

ج. در غنا، کیفیت آهنگ معیار حرمت است.

آوازخوانی زن برای شوهر

۶۳۴۵. آیا جایز است زن برای شوهر خود آواز بخواند؟

ج. آواز اگر غنا است، جایز نیست.

خواندن اشعار با مضامین فاسد

۶۳۴۶. خواندن اشعاری که دارای مضامین فاسد و لغو و هجوست با آواز یا ساده چه حکمی دارد؟

ج. خواندن آن اشعار ملازمت با غنا ندارد و می تواند تحت عنوان دیگری هم حرام باشد.

آوازخوانی زن برای مرد اجنبی

۶۳۴۷. گوش دادن به صدای زن نامحرم برای مرد، در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد، چه حکمی دارد؟

ج. با عدم غنا و لذّت بردن جایز است؛ اگر چه احتیاط در اجتناب است.

هم خوانی زنان با مردان

۶۳۴۸. هم خوانی زنان با مردان و شنیدن هم خوانی آنها چه حکمی دارد؟

ج. کلّا اشکال دارد.

شنیدن صدای تلاوت قرآن زن توسط مرد

۶۳۴۹. هنگامی که در مراسم صبحگاهی مدرسه یکی از خواهران قرآن را با صوت تلاوت می کند، دبیران مرد صدای وی را می شنوند، آیا به طور کلّی تلاوت قرآن توسّط خواهران در صورت شنیدن نامحرم گناه است؟

ج. اشکال دارد.

قرائت قرآن به صورت شاد

۶۳۵۰. آیا خواندن قرآن به صورت شاد حرام است؟

ج. اگر به حد غنا نباشد، جایز است.

خوانندگی زنان

۶۳۵۱. آیا خوانندگی زنان حرام است؟

ج. اگر به حد غنا باشد یا صدای آنها را نامحرم بشنود، حرام است.

گوش دادن به آواز زن نامحرم

۶۳۵۲. گوش کردن به آواز زن نامحرم، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد، هر چند با ریبه هم نباشد.

۳. رقص

رقص زن و شوهر برای همدیگر

۶۳۵۳. رقص زن برای زن و یا مرد برای مرد و زن برای شوهر خود، چه صورت دارد؟

ج. اشکال دارد.

رقص زن در حضور زنان و رقص مرد در حضور مردان

۶۳۵۴. رقصیدن زن در جایی که مرد نامحرم نیست، چه حکمی دارد؟

همچنین رقص مرد برای مرد چه حکمی دارد؟

ج. رقصیدن زن در مجالس زنان و یا مرد در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک است.

عدم تفاوت بین انواع رقص

۶۳۵۵. آیا فرقی در رقص با آهنگ و بدون آهنگ و رقص در قسمتی از بدن و یا تمامی بدن وجود دارد؟

ج. خیر.

آموزش رقص به دیگران

۶۳۵۶. رقصیدن و یاد دادن آن به دیگران؛ مرد به مرد یا زن به زن و یا زن به شوهر خود و دریافت جایزه و یا پول در قبال آن، چه صورتی دارد؟

ج. تمام موارد ذکر شده، اشکال دارد.

وظیفه مکلف دربارهی رقص زن در مقابل مرد نامحرم

۶۳۵۷. وظیفه ما در مجالسی - مثل جشن عقد و عروسی - که زن در مقابل مرد می رقصد، چیست؟

ج. وظیفه شما نهی از منکر است و شرکت در چنین مجالسی حرام می باشد.

شرکت در مجالس رقص

۶۳۵۸. آیا جایز است زن در میان زنان برقصد؟ و اگر جایز نباشد، حکم نشستن زنان در تالارها و در چنین مجالسی چگونه است؟

ج. در صورتی که اگر جمع نشوند نمی خوانند و نمی رقصند؛ پس جمع شدنشان کمک بر این عمل است و اگر این عمل حرام است، کمک به آن هم، کمک بر گناه است.

رقص محلی و حکم شرکت در مراسم آن

۶۳۵۹. آیا رقص محلی در عروسی ها جایز است؟

شرکت در این مجالس چه حکمی دارد؟

ج. چنان چه ذکر شد، رقصیدن زن در مجالس زنان و یا مرد در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک است و شرکت در این مجالس اگر سبب تشویق یا کمک به آنها نباشد، حرام نیست.

رقص بدون آهنگ در مجالس زنانه

۶۳۶۰. آیا رقص در مجالس زنانه بدون آهنگ و موسیقی حرام است؟

و در صورتی که حرام باشد، آیا ترک مجلس بر شرکت کنندگان واجب است؟

ج. رقص در مجالس زنانه حتی بدون آهنگ هم اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک آن است و بودن در آنجا، اگر سبب تشویق یا کمک به آنها نباشد، حرام نیست.

حکم رقص محرم برای محرم

۶۳۶۱. رقص محرم برای محرم چه صورتی دارد؟

ج. اشکال دارد.

راه های جلوگیری از رقص در مراسم عروسی

۶۳۶۲. برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

ج. با رعایت شرایط و مراتب نهی از منکر باید از هر راه مشروع از چنین اعمالی جلوگیری نمود.

رقص داماد در میان زنان نامحرم

۶۳۶۳. رقصیدن داماد در مجلس زنان چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.

رقص زن در بین خانواده ی خود

۶۳۶۴. رقص زن نزد برادر و خواهر و والدین خود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

ارتکاب حرام به دلیل نفهمیدن علت آن

۶۳۶۵. آیا اگر دلایل عقلانی بعضی از احکام الهی برای کسی مشخص نشود (مانند دلیل حرام بودن رقص زن برای زن، اگر هیچ حالتی بین طرفین به وجود نیاید) می تواند با استناد به آن، عمل حرام و ... را مرتکب شود؟

ج. عقل بشر از ادراک تمام مصالح و مفاسد احکام، قاصر و ناتوان است و لذا به این عنوان نمی تواند مرتکب اعمال حرام گردد.

رقص بدون تأثیر

۶۳۶۶. در رقص اگر تحت تأثیر قرار نگیریم، چه حکمی دارد؟

ج. رقص حتی در صورت عدم تأثیر بر فردی که می رقصد نیز اشکال دارد.

دیدن فیلم رقص

۶۳۶۷. آیا دیدن فیلم رقص اشکال دارد؟

ج. اگر قصد ریبه و لذت باشد، اشکال دارد.

رقص در عروسی

۶۳۶۸. در موقع رقصیدن در عروسی، پول دادن و پول گرفتن چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

رقص کودکان در عروسی

۶۳۶۹. رقص کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند، در مجالس عروسی چه حکمی دارد؟

ج. کودک قبل از سن بلوغ تکلیفی ندارد اما بزرگ ترها نباید مشوّق آنها باشند.

۴. مجالس شادی

دست زدن در مجالس شادی اهل بیت – علیهم السّلام

۶۳۷۰. دست زدن همراه با مداحی در مجالس شادی ائمه معصومین علیهم السّلام و روزهای تولد آنها، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. اگر عدم مناسبت با مقام آن حضرات انتزاع نشود و به حد لهو نرسد، مانعی ندارد.

حکم استفاده از نثار در مجالس عروسی

۶۳۷۱. حکم شرعی استفاده از نثارهایی را که در مجالس عروسی بر سر عروس می ریزند، بیان فرمایید؟

ج. به حسب ظاهر تا علم به عدم رضای صاحب نثارها نباشد، برای کسانی که حاضرند جایز است و احتیاط در رعایت ظن به رضا است.

کف زدن برای اعیاد دینی

۶۳۷۲. دست زدن همراه با شادی و خواندن ذکر صلوات بر پیامبر اکرم و آل او علیهم السّلام در جشن هایی که به مناسب ایام ولادت ائمه علیهم السّلام و اعیاد ولادت و مبعث برگزار می شود، چه حکمی دارد؟

اگر این جشن ها در مکان های عبادت مانند:

مسجد و نمازخانه های ادارات و یا حسینیه ها برگزار شوند، حکم آنها چیست؟

ج. دست زدنی که به حد لهو نرسد، اشکال ندارد؛ ولی در مساجد و امثال آن، هر عملی که موجب هتك احترام آنها است، جایز نیست.

شرکت اضطراری در مجالس لهو

۶۳۷۳. شرکت و حضور در مجالسی که آلات لهو و فحشا و منکر رواج دارد، در موارد اضطرار چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست و به هر راه ممکن انسان نباید به آنجا برود و در صورت ورود باید خارج شود و موارد اضطرار همانند سایر موارد اضطرار در احکام شرعی است.

تقیّه در مجالس عروسی

۶۳۷۴. شرکت در مجالس عقد و عروسی که در آنها معصیت می شود، برای جلوگیری از انزوا و روبرو نشدن با مشکلات اجتماعی و مسخره نکردن دیگران، چه حکمی دارد و آیا در این مورد می توان تقیّه کرد و در این مجالس شرکت نمود؟

ج. خیر، جایز نیست.

موارد استثنای استفاده از موسیقی و غنا

۶۳۷۵. در مجالس عروسی موسیقی غیر مطرب و دف زدن و غنا، جایز است؟

ج. با آلات مخصوصه ی به لهو جایز نیست و با غیر آلات مخصوص به لهو در نکاح (مراسم ازدواج) و ختان (مراسم ختنه) جایز است و همچنین ترجیع (گردش صدا در گلو) که مخصوص مغنّیه (خواننده زن) می باشد، در صورتی که مشتمل بر کلام باطل نباشد و همراه با محرّمات دیگر نباشد، مستثنی است.

نشستن در مجالس موسیقی و ترانه

۶۳۷۶. در صورتی که ترک مجلس برای نشنیدن ترانه حرام مستلزم بی حرمتی به اهل مجلس و بزرگ ترها باشد، به صورتی که تا مدت ها ایجاد ناراحتی برای دو طرف کند، تکلیف چیست؟

ج. نشستن در چنین مجالسی خالی از اشکال نیست و باید به هر طریق و بهانه ای مجلس را ترک نمود، بلکه در صورت وجود شرایط نهی از منکر با رعایت مراتب آن باید آنها را از این عمل نهی نمود.

بوق زدن در خیابان

۶۳۷۷. حکم کاروان های عروسی که عروس را با بوق زدن و دست زدن در خیابان ها می برند چیست؟

ج. اگر معرضیّت برای فتنه و فساد دارد، اجتناب شود.

۵. احکام عزاداری، تعزیه و شبیه خوانی و برگزاری مجالس سرور برای اهل بیت علیهم السّلام

تعزیه و شبیه خوانی

۶۳۷۸. تعزیه و شبیه خوانی های مذهبی به صورت فعلی، چه حکمی دارد؟

ج. اگر مشتمل بر حرام و منشأ انتزاع حرام نباشد، مانعی ندارد.

تشبّه به اهل بیت علیهم السّلام در نمایش و تعزیه

۶۳۷۹. تشبه به اهل بیت علیهم السّلام در نمایش و تعزیه و ... چه حکمی دارد؟

ج. اگر هتک احترام نشود، مانعی ندارد.

تعزیه تاریخ غیر معتبر

۶۳۸۰. تعزیه و شبیه خوانی بخش هایی از تاریخ که سند معتبری ندارند (مثل ازدواج حضرت قاسم)، چه حکمی دارد؟

ج. اگر معلوم باشد که نقل از بعض تواریخ و روایت ها است، اشکال ندارد.

سیاه پوشی در عزاداری اهل بیت علیهم السّلام

۶۳۸۱. در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السّلام سیاه پوشی چه حکمی دارد؟

ج. خوب است، ولی موجب اعتراض به دیگران نباشد.

تعزیه و شبیه خوانی

۶۳۸۲. ۱) آیا تعزیه و شبیه خوانی اشکال دارد؟

ج. اموری که در تعزیه انجام می شود را باید یکی یکی سؤال کرد، چنین نیست که مجموع امور تعزیه خوانی، یک حکم

داشته باشد.

۲) یا مرد، اگر لباس زن را در تعزیه بپوشد و جای او بخواند، اشکال دارد؟

ج. بله، اشکال دارد.

۳) آیا صدای شیپور و طبل و دُهل در تعزیه حرام است؟

ج. ترک اینها احوط است وجوباً.

قمه زنی

۶۳۸۳. نظر مبارکتان را در مورد قمه زنی بیان فرمایید.

ج. حکمش به عنوان اوّلی عدم ضرر رساندن به خود یا دیگری است، به حدّی که حرام باشد؛ پس اگر مضر نباشد و مفسده ای هم بر آن مترتب نباشد فی نفسه اشکال ندارد.

نقّالی و پرده خوانی مذهبی

۶۳۸۴. نقّالی و پرده خوانی های مذهبی - که زندگی پیامبران و ائمه معصومین علیهم السّلام را از روی شمایل نقاشی شده ایشان توضیح می دهند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر مشتمل بر حرام و منشأ انتزاع حرام نباشد، مانعی ندارد.

حدود شرعی بردن نام مقدّس اهل بیت علیهم السّلام

۶۳۸۵. نظر حضرت عالی در مورد این که در بعضی از مجالس اهل بیت علیهم السّلام و سینه زنی، نام مقدّس اهل بیت علیهم السّلام خیلی عادی و عامیانه بر زبان ها جاری می شود، چیست؟

ج. تا حدّی که موجب هتک نباشد، مانعی ندارد.

حدود شرعی سینه زنی و عزاداری

۶۳۸۶. برخی از شیعیان در مجالس عزاداری اهل بیت علیهم السّلام و خصوصاً مجلس سرور شهیدان، أبا عبد اللّه الحسین علیه السّلام اقدام به سینه زنی و کندن صورت می نمایند - که باعث کبود شدن و خون ریزی می شود، حکم شرعی آن چیست؟

ج. در صورتی که مناسب عزاداری باشد و مرض آور نباشد، اشکال ندارد.

لخت شدن و سرخ شدن بدن در عزاداری

۶۳۸۷. لخت شدن در عزاداری چگونه است و اگر بر اثر سینه زنی، بدن سرخ شود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد و لخت شدنی که در معرض نظر حرام نامحرم باشد، جایز نیست.

سینه زدن زنان

۶۳۸۸. سینه زدن زنان با حفظ حجاب چه صورتی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

حکم زنجیر زنی

۶۳۸۹. زنجیرزنی چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

احتمال ریا در عزاداری

۶۳۹۰. شرکت در جمعی که گمان می رود با ریا عزاداری می کنند، چگونه است؟

ج. شما خودتان سعی کنید که عملتان با اخلاص باشد.

عزاداری و تأخیر نماز اوّل وقت

۶۳۹۱. شرکت در عزاداری، به طوری که نتوانیم نماز را در اوّل وقت بخوانیم، چه حکمی دارد؟

ج. نماز در اوّل وقت را در اولویّت قرار دهید.

عزاداری کردن همراه با گناه

۶۳۹۲. اگر شرکت در عزاداری توأم با گناه باشد (مثل نگاه به نامحرم یا خودنمایی)، چه حکمی دارد؟

ج. چنان چه با گناه باشد، حرام است.

نوحه سرایی به سبک موسیقی

۶۳۹۳. خواندن قرآن، نوحه و عزاداری به صورت سبک های موسیقی (در دستگاه های موسیقی) جایز است؟

ج. خیر، حرام است.

حدود شرعی مدّاحی با آهنگ های مختلف

۶۳۹۴. سرودهایی که مداحان، با آهنگ های مختلف (صوت ها و سبک های مختلف) در شادی های اهل بیت علیهم السّلام می خوانند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر غنا و مطرب نباشد، مانعی ندارد.

اشعار با مضامین مشتبه

۶۳۹۵. خواندن اشعاری با مضامین مشتبه که در آن خود را زینب الهی یا حسین الهی می دانند، چه صورتی دارد؟

و شرکت در چنین مجالسی جایز است؟

ج. اگر منشأ انتزاع حرام است، جایز نیست.

۶۳۹۶. برخی مدّاحان دربارهی اهل بیت علیهم السّلام غلو می کنند، تعابیری مانند الوهیّت دربارهی آن بزرگواران به کار می برند، شعرها را به گونه ای با صدا می خوانند که شنوندگان را به حرکت می آورد، گاهی در مقام خضوع و خشوع خود را تشبیه به حیوانات - مانند سگ - می کنند یا حتّی گاهی صدای آنها را در می آورند. آیا این کارها از لحاظ شرع چه حکمی دارد؟

ج. این کارها خلاف احتیاط است، بلکه اگر به طوری باشد که اهانت به آن ذوات مقدسه علیهم السّلام باشد، به عنوان ثانوی حرام قطعی است.

شنیدن نوحه همراه با موسیقی

۶۳۹۷. نوارهای نوحه ای اخیراً رایج شده که نوحه همراه با موسیقی خوانده می شود و برخی از آنها بسیار تأثیرگذار است، تولید، پخش، خرید و فروش و شنیدن چنین نوارهایی آیا جایز است؟

ج. جایز نیست. (به توضیح مذکور در مسأله ی ۲۰ از ملحقات رساله مراجعه شود.)

لخت شدن در مجالس عزاداری

۶۳۹۸. گاهی در سینه زنی یا زنجیر زنی، افراد بخشی از بدن را برهنه می کنند، در حالی که زنان نیز حضور دارند. آیا اشکال دارد؟

ج. تا هنگامی که علم به تعمّد نظر با ریبه از دیگران ندارند، اشکال ندارد.

نذر وسیله جهت عزاداری

۶۳۹۹. اگر کسی وسیله ای مثل عَلَم و ... را جهت عزاداری امام حسین علیه السّلام نذر کرده باشد، آیا مسؤول حسینیه می

توانند از قبول آن خود داری نماید؟

ج. اگر صلاح نداند، می تواند.

باقیمانده پول عزاداری

۶۴۰۰. هر سال ممکن است مقداری از پول و نذوراتی که مردم جهت مجالس عزاداری کمک می کنند اضافه بیاید، با توجه به این که برخی از مواد خوراکی را نمی توان تا سال دیگر نگهداری کرد، تکلیف آن اموال چه می شود؟

ج. اضافه را در همان روز و همان مجلس و حوالی و همسایگان آنجا مصرف کنند.

بلندگوی مراسم عزاداری

۶۴۰۱. آیا شرعاً می توان بلندگوهای بیرون مسجد را جهت عزاداری امام حسین علیه السّلام روشن گذاشت تا مردم از آن بهره بیشتری ببرند؟ اگر علم به رضایت مردم داشته باشیم چه طور؟

ج. اگر موجب اذیت دیگران نباشد، جایز است.

کرایه اکو جهت مجالس عزاداری

۶۴۰۲. اکو و بلندگوهایی که معمولاً ـ در مجالس لهو و لعب و عروسی ها استفاده می شود، می توان جهت مجالس عزاداری کرایه کرد؟

ج. اگر آن مجالس خالی از لهو و لعب باشد، اشکال ندارد.

مصرف هدیه روحانی در مخارج عزاداری

۶۴۰۳. پول هایی که از مردم در مجالس مذهبی جهت هدیه به روحانی جمع آوری می شود، آیا می توان بخشی از آن را به روحانی داد و بقیه آن را خرج حسینیه، عزاداری و ساخت مسجد یا مصارف عام المنفعه استفاده نمود؟

ج. خیر، نمی توان.

خریدن عَلَم که دارای مجسمه طاووس است

۶۴۰۴. آیا خریدن عَلَم که دارای مجسمه حیواناتی مثل کبوتر، طاووس و ... است برای عزای امام حسین علیه السّلام اشکال دارد؟

ج. اشکال ندارد.

فروش پارچه های عَلَم

۶۴۰۵. آیا جایز است پارچه های عَلَم را - که مردم به عَلَم می بندند - فروخت و خرج حسینیه یا عزاداری یا مسجد کرد؟

ج. خیر، مگر با اطمینان به این که به همین مقصود داده اند.

پول مرثیه سرایان

۶۴۰۶. آیا پول دادن به مرثیه سرایانی که بعضی از مطالب بی مدرک یا ضعیف السّند را می خوانند و یا با غنا اشعار را می خوانند جایز است؟

ج. اگر به نحو حرام بخوانند، جایز نیست؛ مگر این که به عنوان مزد کار حرام نباشد.

احترام به وسایل عزاداری

۶۴۰۷. آیا احترام گذاشتن به لباس سیاه، ضریح، علم و پارچه هایی که اختصاص به عزای امام حسین علیه السّلام دارد، مشروع است؟

ج. بله.

چهل چراغ در دسته های عزاداری

۶۴۰۸. استفاده از چهل چراغ در دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

برپایی مجلس عزاداری بدون اذن شوهر

۶۴۰۹. برپا کردن مجالس عزاداری، جشن و مهمانی در منزل، بدون اذن شوهر جایز است؟

ج. اگر منزل مال شوهر باشد، جایز نیست؛ مگر با اطمینان به رضایت او.

مقاتل معتبر

۶۴۱۰. مقاتل معتبر اعم از فارسی و عربی از نظر حضرت عالی کدامند؟

ج. کتبی که بزرگان از علمای امامیه (رض) نوشته اند.

عرض تبریک در ایام شهادت معصومین

۶۴۱۱. آیا مصافحه کردن و تبریک سال نو در روز عاشورا، یا شهادت معصوم که مقارن اعیاد نوروز شده است، اشکال دارد؟

ج. هر چند حیثیت شهادت معصومین با عید نوروز متفاوت است، اما مقارنت زمانی می تواند مستلزم هتک احترام باشد.

نگهداری وسایل عزاداری در مسجد

۶۴۱۲. گذاشتن وسایل هیأت عزاداری امام حسین علیه السّلام در مساجد چگونه است؟

ج. اگر در کناری باشد و مزاحمت با نمازگزاران نداشته باشد، اشکال ندارد.

تشکیل هیأت مذهبی در منزل و خالی ماندن مساجد

۶۴۱۳. تشکیل هیأت های مذهبی در منازل و خالی کردن مساجد در مناسبت های مذهبی، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد و مناسب است مساجد را برای اقامه ی نماز و عبادات دیگر بگذارند.

استفاده از طبل و سنج در عزاداری

۶۴۱۴. استعمال طبل و سنج و نی در عزاداری چه حکمی دارد؟

ج. اشکال دارد.

مجالس نهم ربیع

۶۴۱۵. حکم شرعی رفتن در مجالس نهم ربیع الاول که در آن مجالس به خاطر شادی شیعیان شروع به لعن و نفرین به دشمنان اهل بیت علیهم السّلام و مزاح کردن و لطیفه گفتن می کنند، چیست؟

مجلس تا چه حدّی باید در شادی پیش برود؟

ج. در حد مشروع و عدم احتمال وجود بیگانه، اشکال ندارد.

آرایش زنان در مجالس اهل بیت

۶۴۱۶. در برخی از مجالس سرور اهل، بیت زنان در مجالس زنانه خود را آرایش می کنند، آیا این عمل جایز است؟

ج. اگر در مقابل نامحرم نباشد و مستلزم حرامی نباشد، جایز است.

۶. سحر، شعبده، احضار ارواح و ...

دعانویسی

۶۴۱۷. عدّه ای از افراد به نام دعانویس از برخی کتاب ها، برای رفع امراض و اصلاح اختلاف زن و شوهر دعاهایی می نویسند و عدّه ای برای گرفتن دعا به آنها مراجعه کرده و به عنوان هدیه مقداری پول پرداخت می کنند.

از نظر شارع مقدّس اسلام، این کار چه صورتی دارد و پولی که آنها از این راه به دست می آورند، حلال است یا حرام؟

ج. اگر از کتب معتبره باشد و دعانویس متشرّع باشد و خلاف شرعی در کار نباشد، مانعی ندارد و پولی که به رضایت داده می شود، حلال است.

درمان از راه های غیر متعارف

۶۴۱۸. ۱) درمان نزد کسی که دستور العمل پزشکی را برای مریض، از غیب می گیرد، هر چند مشکوک الحال باشد چگونه است؟

این شخص ادّعا می کند دوا و دستور العمل و نسخه را با توسّل از محضر مقدّس اهل بیت علیهم السّلام دریافت می کند.

ج. اعمال و اقوال مؤمن، محمول بر صحّت است تا آن که بدانیم صحیح نیست و عمل به قول او، اگر خلاف شرع نیست، جایز است.

۲) آیا درمان نزد کسی که با استفاده از نیروی مرموزی که در چشم او به ودیعه ی خداوندی نهاده شده است، جایز است؟

ج. جوابش گذشت.

۶۴۱۹. مراجعه به افرادی که از طریق دعا و آب متبرّک، بیماران را شفا می دهند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر مستلزم خلاف شرعی نباشد، اشکالی ندارد.

واقعیت داشتن سحر

۶۴۲۰. آیا جادو و سحر واقعیت دارد و در صورت وجود، آیا حرام است؟

ج. بله، واقعیت دارد و حرام است.

باطل کردن سحر

۶۴۲۱. باطل کردن سحر و نجات افراد گرفتار از این طریق، چه حکمی دارد؟

ج. جایز است.

سحر جهت سهولت در کار

۶۴۲۲. سحر کردن جهت تسهیل کارها از جمله ماهیگیری، چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

شعبده بازی و مسائل پیرامون آن

۶۴۲۳. شعبده بازی از نظر اسلام چیست؟

کسانی که برای آنها پول پرداخت می کنند، چه حکمی دارد؟

شرکت در مجالس، جهت دیدن شعبده بازی چه وجهی دارد؟

و اگر از تلویزیون پخش شود، چه حکمی دارد؟

ج. شعبده بازی و پول دادن برای آن مانند سحر جایز نیست، ولی مجرد دیدن آن، بدون صدق اعانت و کمک به آن، مانعی ندارد.

احضار ارواح و اجنّه

۶۴۲۴. احضار ارواح و اجنّه و کمک گرفتن از آنها، چه وجهی دارد؟

ج. اگر معرضیّت خطر یا ضرر برای مسلمانی نباشد و اذیّت روح مؤمنی هم نباشد، در امور حلال جایز است.

۶۴۲۵. آیا از نظر اسلام مسأله ارتباط با روح جایز است، در صورت مثبت بودن پاسخ، مراحل دستیابی به آن را توضیح دهید؟

ج. فی حد نفسه جایز است و به اهل خبره و مظان آن رجوع شود.

۶۴۲۶. مراجعه به فالگیر و پول دادن جهت فال چه حکمی دارد؟

ج. اگر مستلزم خلاف شرعی نباشد جایز است، ولی حرف آنها اگر یقین نباشد، اعتباری ندارد.

۷. نقاشی و مجسمه سازی

حکم مجسمه سازی

۶۴۲۷. در حال حاضر نقّاشی و مجسّمه سازی چه حکمی دارد؟

خصوصاً ساختن مجسّمه و کشیدن شمایل معصومین علیهم السّلام، نگهداری آنها در موزه ها (به عنوان آثار هنری) و منازل (به عنوان دکور)، چگونه است؟

ج. به مسأله ی ۱۶۲۶ رساله مراجعه شود.

۶۴۲۸. مجسّمه سازی از نظر شرع چه حکمی دارد؟

ج. صورت تمام از چیزهایی که روح دارند، جایز نیست.

۶۴۲۹. ساختن پیکره های نیم تنه (عکس های نیمه برجسته) از شخصیت ها چه حکمی دارد؟

ج. اگر مجسمه نباشد، یا تام نباشد، احتمال جایز بودن است.

خرید و فروش مجسمه و نقاشی

۶۴۳۰. خرید و فروش مجسمه و نقاشی که آثار هنری می باشند چه حکمی دارند؟ جهت تزیین کردن و یا مثبّت کاری چه وجهی دارد؟

ج. به مسأله ی ۱۶۲۶ رساله مراجعه شود.

۶۴۳۱. برای تجلیل از مقام علمی و ... افراد آیا می توان مجسمه آنها را ساخت و در مراکز شهرها نصب نمود. ساختن مجسمه پلاستیکی از حیوانات و خرید و فروش آنها چه صورتی دارد؟

ج. به مسأله ی ۱۶۲۶ رساله مراجعه شود.

۶۴۳۲. استفاده از داستان های قرآنی برای آفرینش تجسّمی، به صورت تابلو و نقاشی و مجسمه چه حکمی دارد؟

ج. به مسأله ی ۱۶۲۶ رساله مراجعه شود.

بافتن تصویر جانداران به صورت برجسته

۶۴۳۳. در بافندگی، حکم بافتن و نقش و نگار عکس حیوان و انسان چیست؟

در صورت برجسته شدن نقش ها آیا اشکال پیدا می کند؟

ج. اگر صدق مجسمه نکند، حکم مجسمه را ندارد.

ساخت مجسمه با اغراض و اهداف علمی

۶۴۳۴. ساخت مجسمه انسان و حیوان با امعاء و احشاء داخلی، جهت استفاده در مراکز آموزشی، چه حکمی دارد؟

و استفاده و کشیدن نقاشی انسان و حیوان جهت آموزش و یا در کتب علمی، چه صورتی دارد؟

ج. با توجه به پاسخ مسائل قبلی، جواب آن معلوم می شود.

۸. قمار، شطرنج، پاسور، بیلیارد و ...

قمار چیست؟

۶۴۳۵. تعریف قمار و آلت قمار چیست؟

ج. قمار، بازی همراه با برد و باخت به وسیله ی آلات مخصوص فراهم شده برای قمار با در میان گذاشتن و قرار پول یا چیز دیگر به عنوان عوض است و بین اقسام بازی ها و اقسام آلات فراهم شده برای قمار در هر عصری، فرقی وجود ندارد.

موارد جواز برد و باخت

۶۴۳۶. شرط برد و باخت در چه مسابقاتی جایز و در چه مسابقه ای حرام می باشد؟ و حکم مالی که برنده از بازنده می گیرد چیست؟

ج. مسابقه با آلت غیر معدّه جهت قمار یا بدون آلات قمار - مثل کشتی - بنا بر اظهر جایز است و مسابقه با آلات قمار، حتّی بدون عوض بنا بر احوط، جایز نیست و مال قمار را واجب است به مالك آن رد کند.

۶۴۳۷. بازی شطرنج که امروزه از آلت قمار بودن افتاده و جنبه ی یک بازی و ورزش فکری را پیدا کرده است، چه حکمی دارد؟

ج. بازی با آلات قمار با معاوضه حرام و بدون معاوضه خلاف احتیاط است.

بازی با شطرنج و پاسور بدون برد و باخت

۶۴۳۸. بازی شطرنج و پاسور هر چند بدون برد و باخت چه صورتی دارد؟

ج. این همان مورد احتیاطیست که بازی با آلات معدّه بدون معاوضه، محل احتیاط است و در شطرنج و مانند آن احتیاط شدید است.

۶۴۳۹. بازی کردن با شطرنج بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟

خرید و فروش آن و نگاه کردن به افرادی که بازی می کنند چه طور؟

ج. بازی با آلات معدّه ی بدون عوض، مورد احتیاط است و این احتیاط در شطرنج و نرد شدید است و اگر در معامله انتزاع جواز مطلق شود (زیرا معاوضه نیز امریست قصدی) و در آن ترویج حرام باشد، جایز نیست و تکسّب با چیزی که منفعت محلّله ندارد، جایز نیست و نگاه کردن به افراد اگر ضد نهی از منکر نباشد، حرام نیست.

۶۴۴۰. نظر حضرت عالی درباره ی شطرنج و خرید و فروش آلات و ابزار آن چیست؟

ج. شطرنج با همان خصوصیاتی که از قدیم داشته، ساختنش حرام است و نگهداری

آن هم حرام است، اگر فایده ای غیر از بازی کردن با آن نداشته باشد، خرید و فروش آن نیز در این صورت حرام است.

بازی با شرطبندی با غیر وسایل قمار

۶۴۴۱. آیا بازی با غیر آلات معدّه برای قمار با شرطبندی، به گونه ای که صدق عرفی آلات بر آن نکند - مانند بازی با رایانه در موارد غیر صدق قمار - جایز است؟

ج. اشکال ندارد، ولی اگر آن احتمال ضرر و خطر داشته باشد (مانند @مصارعت) جایز نیست.

رجوع به غیر مرجع تقلید در مسأله شطرنج و ...

۶۴۴۲. آیا در مسأله شطرنج و ورق و پاسور، رجوع به غیر (کسانی که این بازی ها را بدون برد و باخت جایز می دانند) در این مسأله، برای کسانی که از شما تقلید می کنند، جایز است؟

ج. در احتیاط واجب، مطلقاً رجوع به مجتهد اعلم بعدی جایز است؛ بنا بر این فقط در صورتی که بازی با این آلات بدون برد و باخت است، رجوع به مجتهد دیگر جایز است.

بازی با شطرنج و پاسور

۶۴۴۳. حکم بازی با شطرنج و پاسور چیست؟

ج. بازی کردن با آلات قمار، از قبیل نرد و پاسور و شطرنج، با برد و باخت حرام قطعیست و بدون برد و باخت، احتیاط در ترک آن است و در شطرنج، احتیاط شدیدتر است.

ورق و شطرنج کامپیوتری

۶۴۴۴. آیا بازی هایی که حرام است مانند:

ورق و شطرنج اگر با کامپیوتر انجام شود، چه صورتی پیدا می کند؟

ج. فرق نمی کند، فی الجمله.

خرید و فروش منچ، شطرنج و ...

۶۴۴۵. خرید و فروش وسایل سرگرمی مانند شطرنج و منچ و کارت بازی و سایر اشیای سرگرمی، چه حکمی دارد؟

ج. در مورد شطرنج جایز نیست. (به مسأله ی ۱۶۲۴ رساله رجوع شود.)

برگزاری دوره های آموزشی شطرنج

۶۴۴۶. با توجه به این که در بیشتر مدارس، بازی با شطرنج رواج دارد، آیا بازی با آن و برگزاری دوره های آموزشی آن جایز است؟

ج. جایز نیست.

نگهداری وسایل قمار

۶۴۴۷. اگر کسی یکی از آلات قمار را به انسان هدیه کرد، آیا می شود آن را به عنوان یادگاری نگه داشت و از آن استفاده نکرد؟

ج. خیر، باید آن را از بین برد.

تماشا و تشویق قماربازان

۶۴۴۸. تشویق قمارباز و یاری کردن او به شکل تشویق یا راه های دیگر، چه حکمی دارد؟

تماشای آن، چه صورتی دارد؟

ج. تشویق و اعانت و کمک به او مطلقاً حرام است.

احداث باشگاه بیلیارد

۶۴۴۹. لطفاً حکم بازی کردن و کسب و درآمد از طریق احداث باشگاه بیلیارد را بیان فرمایید.

ج. جایز نیست.

بازی بیلیارد

۶۴۵۰. آیا بازی بیلیارد جایز است؟

اگر بدون برد و باخت باشد چه طور؟

ج. جایز نیست و بدون برد و باخت هم بنا بر احتیاط جایز نیست.

خرید و فروش لوازم آرایشی

۶۴۵۱. کسانی که به خرید و فروش لوازم آرایشی اشتغال دارند و ممکن است بسیاری از مشتری های آنان لوازم خریده شده را در مصارف غیر شرعی استفاده کنند، آیا معاملات و اشتغال آنان دچار اشکال می شود؟

ج. اگر قصد حرام و قصد کمک به حرام نداشته باشند، اشکال ندارد.

بازی با شرطبندی

۶۴۵۲. در مسابقـاتی - مثـل فوتبـال - اگر جوایزی تهیه شود و یـا شـرطبندی شود و برد و بـاخت در کار باشـد، حکم مسأله را توضیح دهید؟

ج. اگر جوایز از اموال بازنده تهیه شود و به برنده داده شود، حرام است.

بازی همراه با جایزه

۶۴۵۳. اگر از طرف فرد ثالث جایزه ای برای تیم برنده قرار داده شود، بازی به قصد برنده شدن، چه حکمی دارد؟

با فرض این که تیم بازنده مخارج مصرف شده جهت کسب آمادگی و تهیه امکانات را از دست می دهد.

ج. ظاهراً اشکال ندارد.

تماشا و شرکت در بازی های شرطبندی شده

۶۴۵۴. اگر برد و بـاخت بین بعضـی از بازیکنـان و مربیـان و غیره باشـد، بـازی برای بازیکنانی که برد و باخت شامل حال آنها نمی شود، چگونه است، نیز برای تماشاگران چه حکمی دارد؟

ج. اگر تشویق و کمک بر مرتکبین حرام محسوب شود، حرام است.

کسب از طریق بازی های کامپیوتری، آتاری و ...

۶۴۵۵. کسب درآمـد از راه قرار دادن وسایـل بـازی در اختیـار دیگران - ماننـد میزهـای فوتبـال دسـتی، آتـاری یـا بـازی هـای کامپیوتری - در صورت عدم شرطبندی، برای صاحب باشگاه، چه صورتی دارد؟

ج. اگر بازی با آلات معدّه قمار نیست - که حتی بدون برد و باخت هم محل احتیاط باشد - اشکال ندارد.

۹. مواد مخدر

نهی پدر از کشیدن سیگار

۶۴۵۶. آیا اگر پدر فرزندش را از کشیدن سیگار و مواد مخدر نهی کند، بر فرزند اطاعت او واجب است؟

ج. در فرض سؤال که مخالفت نوعاً موجب ایذای پدر است، اطاعت واجب است، قطع نظر از حکم مصرف مواد مخدر.

سیگار کشیدن افراد معتبر

۶۴۵۷. کشیدن سیگار برای کسانی که شأن اجتماعی ویژه داشته و در مسند ارشاد مردم هستند، چه حکمی دارد؟

ج. موارد و شرایط و خصوصیات مختلف می شود.

استعمال دخانیات در اماکن عمومی

۶۴۵۸. آیا استعمال دخانیات در اماکن عمومی که گاه موجب آزار و یا ضرر رساندن به دیگران می شود، جایز است؟

ج. در موردی که موجب آزار یا ضرر باشد، جایز نیست.

کشت، نگهداری و ... مواد مخدر

۶۴۵۹. نظر مبارک را در خصوص کشت، تولید، نگهداری، مخفی کردن، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر بیان فرمایید؟

ج. اگر اعمال مذکور برای مصرفی که موجب اعتیاد مضر است باشد، جایز نیست.

کشیدن پیپ و قلیان

۶۴۶۰. کشیدن قلیان و پیپ چه حکمی دارد؟

خرید و فروش و تولید آنها چه صورتی خواهد داشت؟

ج. جایز است، به نحوی که ذکر شد.

تفاوت شراب و تریاک

۶۴۶۱. بین شراب و تریاک چه فرقی وجود دارد که شراب حرام است و حد دارد ولی تریاک خیر؟

ج. تریاک هم اگر سبب اعتیاد شود، حرام است.

۱۰. گناهان

آگاهی از محرمات

۶۴۶۲. آیا فراگیری محرمات همانند فراگیری واجبات لازم و واجب است؟

و از طریق چه کتاب هایی می توان به تمام محرمات در اسلام آگاهی یافت؟

ج. هر چه از مسائل تکالیف اعم از واجب و حرام مورد ابتلا باشد، باید آنها را از طریق رساله و غیر آن یاد گیرند.

تقدّم انجام واجبات یا ترک محرمات

۶۴۶۳. از نظر شرعی انجام واجبات مقدم است یا ترک محرمات؟

ج. هر کدام در مورد خود لازم است.

حکم افشای گناه کبیره

۶۴۶۴. چنان چه فرد مرتکب گناه کبیره ای شده باشد، آیا افشای آن جایز است؟

ج. جایز نیست، مگر متجاهر به فسق باشد.

ذکر کار بد دیگری برای توجیه نمودن فرد دیگری

۶۴۶۵. اگر کار بد کسی را برای توجیه کردن دیگری ذکر کنیم، آیا بازهم غیبت محسوب می شود؟

ج. بله، غیبت است؛ مگر از موارد استثناهای غیبت باشد.

غیبت کسانی که به غیبت از خود راضی هستند

۶۴۶۶. اگر کسی بگوید که «من از هر که غیبتم را بکند راضی هستم»، آیا غیبت او جایز می شود؟

ج. خیر، چون عاقل این کلام را به قصد جدّی نمی گوید.

فرق نقد و غیبت

۶۴۶۷. آیا بین نقد و ارزیابی عملکرد یک فرد – مثل نحوه تدریس یک استاد یا عملکرد یک مسؤول – با غیبت کردن از او تفاوت وجود دارد؟

ج. هر چه از عیوب مخفی مؤمن باشد که او را ناراحت کند، از موارد غیبت است.

انتقاد از نامزدهای انتخاباتی

۶۴۶۸. نقد و بررسی نامزدهای انتخاباتی – با توجه به این مطلب که آنان خود با علم به چنین مباحثی پیرامون خویش نامزد می شوند، آیا حکم غیبت یا تهمت پیدا می کند؟

و در صورت اشکال، آگاه کردن دیگران از عدم قابلیت یک نامزد انتخاباتی، چگونه باید انجام پذیرد؟

ج. تهمت جایز نیست و ذکر واقعیاتِ دخیل در مسؤولیتی که درصدد آن است، مانعی ندارد و غیر این موارد را نباید افشا کند.

رضایت غیبت شونده در صورت عدم دسترسی به آن

۶۴۶۹. از کسی که غیبت کردیم یا نسبت به او تهمتی زدیم، با توجه به این که به او دسترسی نداریم، چگونه حق او را ادا نماییم؟

ج. اگر امکان دسترسی به او نباشد، باید برای او استغفار کرد.

آگاهی دو طرف از ویژگی های یک فرد

۶۴۷۰. آیا صحبت کردن از ویژگی های فردی که هر دو طرف از این ویژگی ها آگاهی دارند، غیبت محسوب می شود؟

ج. اگر از عیوب مخفی او باشد، غیبت محسوب می شود وگرنه تحت عناوین دیگر می تواند حرام باشد.

آگاهی غیبت شونده از مضمون غیبت

۶۴۷۱. بعضی مواقع دربارهی اشخاص صحبت می کنیم، در حالی که خود شخص مذکور از این مطلب آگاهی دارد، آیا این کار غیبت محسوب می شود؟

ج. فرق نمی کند.

غیبت کردن افراد خلافکار

۶۴۷۲. حکم غیبت و بدگویی دربارهی افراد خلافکار چیست؟

ج. اگر از موارد استثناهای غیبت نباشد – مثل متجاهر به فسق (کسی که آشکارا گناه می کند) – جایز نیست.

خوبی دیگران را گفتن در صورت عدم رضایت

۶۴۷۳. اگر پشت سر کسی خوبی او را بگوییم در حالی که او راضی نباشد، آیا بازهم غیبت محسوب می شود؟

ج. خیر، غیبت نمی شود.

عدم تحصیل رضایت فرد غیبت شونده

۶۴۷۴. اگر انسان از شخصی غیبت کند و نتواند رضایت او را فراهم کند، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر امکان رضایت ندارد، برای او استغفار کند.

وجوب حلالیّت طلبیدن از غیبت شده

۶۴۷۵. آیا جلب رضایت و طلب حلالیت از شخصی که مورد غیبت قرار گرفته واجب است؟

ج. بله، واجب است، مگر این که اعاده ی عزّت و حیثیّت او را در نزد کسانی که پیش آنها غیبت کرده بنماید.

حکم غیبت کودک

۶۴۷۶. آیا غیبت فرد غیر بالغ جایز است؟

ج. اگر ممیّز نباشد، اشکال ندارد.

تجسّم بدی فرد در ذهن

۶۴۷۷. اگر بدی کسی را در ذهن و خاطر خود مجسم سازم، غیبت محسوب می شود؟

ج. خیر.

ترس از حلالیت طلبیدن غیبت شوندگان

۶۴۷۸. شخصی غیبت افرادی کرده و اکنون به آنها دسترسی ندارد، تکلیفش چیست؟

هم چنین غیبت نامحرم و نزدیکان را کرده است و از حلالیت طلبیدن می ترسد، چه کار کند؟

ج. می تواند به صورت کلی حلالیت بطلبد و طلب رضایت مطلقه بنماید و اگر امکان جلب رضایت ندارد، برای آنها استغفار کند.

غیبت کردن از ترک کننده نماز

۶۴۷۹. غیبت از تارک الصلاه (کسی که نماز نمی خواند) چه حکمی دارد؟

ج. اگر این کار او علنی و آشکار باشد، گفتن این فسقش اشکال ندارد.

غیبت و دروغ در اجرای فیلم و نمایش

۶۴۸۰. در بسیاری از فیلم نامه ها و نمایش نامه ها دروغ یا غیبت وجود دارد، آیا اجرای نقش چنین برنامه هایی به عنوان بازیگر و دروغ و غیبت گفتن بر اساس متن تهیه شده گناه است؟

ج. جایز نیست.

تعریف کافر و غیبت کردن از او

۶۴۸۱. غیبت کردن دربارهی کافر چه حکمی دارد؟

ج. فقط غیبت مؤمنین حرام است.

موارد جواز دروغ

۶۴۸۲. در چه مواردی دروغ جایز است؟

ج. در مواردی که مصلحت مهمی باشد، جایز است.

دروغ گفتن برای توریه

۶۴۸۳. آیا دروغ گفتن به صورت توریه جایز است؟

ج. در صورتی که مصلحت آمیز باشد جایز است، جهت توضیح بیشتر به جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۷۱ مراجعه شود.

دروغ گفتن به همسایه

۶۴۸۴. در صورتی که همسایگان چیزی طلب کنند و به آنها دروغ گفته شود، چه حکمی دارد؟

ج. اگر مصلحتی در آن باشد، جایز است.

عادت به فحاشی

۶۴۸۵. آیا فحاشی و توهین به دیگران، در صورت عادت، اشکال دارد؟

ج. حرام است.

تعریف و حکم اسراف

۶۴۸۶. لطفاً تعریف و حکم اسراف را بیان فرمایید.

ج. اسراف، خروج از اعتدال و میانه روی در امور است و اگر به حد اضرار (ضرر رساندن) برسد، محرّم است.

گناه با دختر باکره یا زن شوهردار

۶۴۸۷. گناه زنا با دختر باکره بیشتر است یا زن شوهردار؟

ج. هر دو حرام است.

خودکشی برای فرار از زنا

۶۴۸۸. آیا زن برای فرار از زنا می تواند دست به خودکشی بزند؟

ج. خیر، نمی تواند.

تماس جنسی غیر از دخول

۶۴۸۹. آیا تماس های جنسی با نامحرم غیر از دخول نیز حکم زنا را دارد؟

ج. حرام است و تعزیر دارد.

اجبار به زنا توسط مرد

۶۴۹۰. حکم شرعی مردی که زن را به زنا مجبور کند چیست؟

ج. قتل است.

وظایف فرد گناهکار بعد از بلوغ

۶۴۹۱. اگر کودکی لواط یا زنا کرده باشد، بعد از بلوغ وظیفه اش چیست؟

ج. حکم تکلیفی ندارد، ولی احکام وضعیّه دارد.

پسری که در کودکی به او تجاوز جنسی کرده اند

۶۴۹۲. آیا پسری که در کودکی مورد تجاوز قرار گرفته نیز گناه کار است؟

ج. خیر.

بغل کردن از روی شهوت

۶۴۹۳. آیا اگر کسی از روی لباس کسی را بغل کند و شهوت خود را ارضا کند، این عمل لواط است، تکلیف چیست؟

ج. اگر دخول نشود لواط نیست ولی حرام و موجب تعزیر است.

انتقام مفعول از فاعل

۶۴۹۴. نوجوانی اظهار می کند با فریب و تهدید به قتل، به عمل لواط تن داده است، از نظر اسلام چه کسی گناه کار است؟

آیا اجازه دارد به ناموس فاعل تجاوز کند یا او را بکشد؟

ج. فاعـل گناه کار است و مفعول مُجاز به آن کارها نسـبت به غیر او نیست و نسـبت به او هم مجاز به کار حرام شـرعی نیسـت وگرنه مثل او مستوجب حد است.

عقیم کردن خود جهت عدم انجام دادن استمنا

۶۴۹۵. متأسفانه عادت به استمنا دارم و راه ازدواج برایم بسته است، آیا می توانم خود را عقیم کنم؟

ج. حرام است و باید ازدواج – هر چند موقت – انجام دهید.

جواز استمناء

۶۴۹۶. اگر اسـتمناء نکردن کسـی که شـهوت او را گرفته است، بـاعث شود که او فعـل حرامیماننـد زنا و یا لواط که حـد هم دارند مرتکب شود، در این صورت آیا استمناء کردن جایز می شود؟

ج. تمام این کارها به مراتب حرام است و واجب است ازدواج دائم یا موقت کند.

خودکشی از نظر شرع

۶۴۹۷. حکم شرعی در مورد کسانی که خودکشی می کنند، چگونه است؟

ج. حرام است.

فکر خودکشی

۶۴۹۸. آیا فکر خودکشی گناه است؟

ج. مذموم است؛ بلکه در بعض موارد می تواند حرام هم باشد.

خودکشی بر اثر فشار روانی

۶۴۹۹. آیا اگر کسی تحت فشار روانی مجبور به خودکشی شود، گناه کار است؟

ج. بله.

گناهان کفاره دار

۶۵۰۰. چه نوع گناهانی علاوه بر توبه نیاز به قضا و کفاره دارد؟

ج. نماز و روزه هایی که ترک کرده قضا دارد و روزه ها کفاره هم دارد و موارد دیگری هم برای قضا و کفاره است.

مجازات هتک حرمت نسبت به حرم ائمه اطهار علیهم السّلام

۶۵۰۱. هتك حرمت نسبت به حرم ائمه اطهار علیهم السّلام چه حکمی دارد و مجازات آن چیست؟

ج. حرام است و مجازات آن به تشخیص حاکم شرع است.

۱۱. ورزش

فرق ورزش با لهو و لعب

۶۵۰۲. لطفاً تفاوت و مرز ورزش را با لهو و لعب بیان فرمایید.

ج. هر چه مناسبت با مجالس اهل فسوق داشته باشد، مورد لهو حرام است و هر چه غیر از آن باشد حرام نیست؛ گرچه کار لغو و بیهوده مطلقاً مذموم است.

تماشای مسابقات ورزشی

۶۵۰۳. تماشای مسابقات ورزشی از تلویزیون و یا به صورت مستقیم، آیا مصداق لهو است؟

ج. کار لغو و بیهوده است و اگر مشتمل بر مفسده باشد - مثل ریبه در دیدن نامحرم به صورت نیمه عریان، مصداق لهو حرام است.

ضربات و جراحات در حین تمرین

۶۵۰۴. برخی از ورزش ها و آمادگی های جسمی، مستلزم وارد آوردن ضربات سختیست که حتی ممکن است منجر به جراحت شود، آیا چنین ورزش هایی جایز است؟

و آیا چنین جراحاتی موجب دیه می گردد؟ اگر طرفین به چنین ضرباتی رضایت داشته باشند، چه حکمی دارد؟

ج. چنین ورزش هایی حرام است و لو رضایت طرفین باشد و موجب دیه هم می شود.

اتومبیلرانی و موتورسواری

۶۵۰۵. ورزش هایی چون موتورسواری و اتومبیلرانی چه حکمی دارد؟

ج. اگر خطر و ضرری نداشته باشد، جایز است.

ورزش یوگا از منظر شرع

۶۵۰۶. ورزش یوگا از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضرر نداشته باشد، اشکال ندارد.

ورزش بانوان

۶۵۰۷. از نظر شرعی ورزش بانوان چه حکمی دارد؟

و اعزام ورزشکاران زن به خارج از کشور برای شرکت در مسابقات ورزشی جایز است؟

ج. این گونه امور جایز نیست.

۶۵۰۸. ورزش کردن خانم ها در معابر عمومی و نیز نشان دادن ورزش آنها از تلویزیون چه حکمی دارد؟

ج. هر چه زمینهساز فساد است، حرام است.

دوچرخه سواری و اسب سواری زنان

۶۵۰۹. آیا زنان می توانند در ملاء عام دوچرخه سواری و اسب سواری کنند؟

ج. هر چه زمینهساز فساد است، حرام است.

قتل در اثر ورزش

۶۵۱۰. اگر در اثر ورزشی - مثل بُکس یا کاراته - یکی از ورزشکاران تلف شود، چه نوع قتلی محسوب می شود؟

ج. اگر قصد قتل داشته باشد، قتل عمد محسوب می شود وگرنه شبه عمد است.

۱۲. گوناگون

تقیّه

۶۵۱۱. تقیّه چیست؟

و آیا امروزه مسأله تقیّه مطرح است یا اختصاص به زمان گذشته داشته است؟

ج. تقیّه در هر زمانی تا حدی که احتمال خطر بر نفس یا مال باشد، لازم است رعایت شود.

کشتن گربه

۶۵۱۲. آیا کشتن گربه که موجب اذیت و آزار اهل خانه می شود، جایز است؟

ج. بله، جایز است.

رعایت قوانین راهنمایی

۶۵۱۳. آیا رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی شرعاً واجب است و تخلف از آنها حرام می باشد؟

ج. تا به مقداری که اگر تخلف کند، سبب بروز تصادف و اختلال نظم می شود و یا در آن احتمال خطر یا ضرر برای خود یا دیگری می باشد، رعایت آن واجب است.

صبر پس از عطسه

۶۵۱۴. آیا اگر هنگام انجام عملی انسان عطسه کند، لازم است صبر کرده و از انجام آن عمل منصرف گردد؟

ج. خیر، لازم نیست.

مزاح های طایفه ای و قومی

۶۵۱۵. در برخی مزاح ها، برخی از اقوام و طوایف مثل ترک ها، عرب ها و ... مورد استهزا قرار می گیرند، چنین مزاح هایی عناوینی هم چون: غیبت، دروغ، استهزاء حرام یا ...

پیدا می کند؟

ج. اگر مقصود بعض غیر معین از آنها باشد، حرام نیست.

ایستادن پس از شنیدن نام حضرت قائم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف

۶۵۱۶. آیا ایستادن پس از شنیدن نام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف واجب است؟

ج. خیر، مستحب است.

خوردن پدر و مادر از گوشت عقیقه فرزند

۶۵۱۷. آیا پدر و مادر می توانند از گوشت عقیقه فرزند مصرف کنند؟

ج. می توانند مصرف کنند، هر چند کراهت دارد.

فروختن پوست عقیقه

۶۵۱۸. آیا می توان پوست عقیقه را فروخت؟ و در صورت فروش، مصرف پول آن چه حکمی دارد؟

ج. بهتر است پول آن هم مثل گوشتش صرف صدقه یا احسان به مؤمنین شود.

صدقات حرام

۶۵۱۹. در چه مواردی صدقه حرام است؟

ج. در مواردی که برای امر حرام یا کمک به حرام بدهند.

شرایط انعقاد قسم

۶۵۲۰. در چه شرایطی عمل به قسم واجب می شود و تخلّف از آن کفاره خواهد داشت؟

ج. در این رابطه به مسأله ۲۱۲۲ و ۲۱۲۳ رساله رجوع شود.

حق بازنشستگی

۶۵۲۱. ماهیت بازنشستگی و حقوق مترتب بر آن چیست؟

ج. بازنشستگی تابع نحوه ی قرارداد فرد با مزد دهنده است که رد ما سبق (بازگرداندن حقوق گذشته) باشد یا اعطای مقرّر باشد یا نوع دیگر باشد که هر کدام احکام خاصّه خود را دارد.

کمک به گداها

۶۵۲۲. کمک به گداهایی که در سطح شهر پراکنده اند و انسان صحّت ادعای آنان را نمی داند، چه حکمی دارد؟

ج. اگر ظن بر صدق گفتار او باشد، به قصد رجا و امید ثواب، اشکال ندارد.

نماز زیارت حضرت معصومه علیها السّلام

۶۵۲۳. آیا برای زیارت حضرت معصومه علیها السّلام نماز خاصی وارد شده است؟

ج. نماز خاصی وارد نشده، بلکه همان نمازیست که به طور عموم برای امامزاده هاست و ثواب نمازهای دیگر را می توان به آنها هدیه کرد.

از بین بردن دائمی موهای زاید

۶۵۲۴. استفاده از مواد شیمیایی و دستگاه هایی که موهای زاید را برای همیشه از بین می برد، چه حکمی دارد؟

ج. اگر احتمال ضرر نداشته باشند، جایز است.

حفظ فرهنگ و هویّت ملی

۶۵۲۵. حفظ فرهنگ ملی چه حکمی دارد؟

ج. محافظت بر صیانت معتقدات اسلامیه و ایمانیه، از اوجب واجبات است، در قبال الکفر ملّه واحده.

حکم سوزاندن خال

۶۵۲۶. سوزاندن خال، چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضرری نداشته باشد، ظاهراً اشکال ندارد.

اختلاف تقویم و تشخیص فرد در تعیین ماه قمری

۶۵۲۷. اگر تشخیص ما دربارهی شب های ماه قمری با تقویم اختلاف داشت، کدام یک مُقَدَّم است؟

ج. به راه های ثابت شدن اوّل ماه در رساله رجوع شود.

کشتن حیوانات موذی

۶۵۲۸. آیا حیوانات و حشراتی را که موجب اذیت می شوند، می شود کشت؟

ج. بله، می شود.

ادّعای مشاهده حضرت حجّت علیه السّلام

۶۵۲۹. در توقیع شریف خطاب به جناب علی بن محمد سمری رحمه الله آمده است:

«و سیأتی مَن یدّعی المشاهده ... فکذّبوه» این جمله با ملاحظه ی قضایایی که در کتاب های بحار الأنوار و غیره تحت عنوان: «فیمن فاز بلقاء الحجّه علیه السّلام» نقل گردیده است، چگونه قابل توجیه است؟

ج. به قرینه ی مقام، منظور در توقیع نحو مشاهده ی در نیابت خاصّه است.

تعهد و قسم خوردن برای رأی دادن به یک شخص

۶۵۳۰. چنان چه کسانی به شخصی که قصد دارد نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شود قول بدهند که از او حمایت کنند و به او رأی بدهند و حتی برای تأکید قول و تعهد خود قسم بخورند؛ امّا سپس متوجه شوند که شخصی عالم تر و صالح تر و آگاه تر به جریان های فکری جهان امروز نیز آماده است که مسؤولیت نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی را بپذیرد. حال، بنا به فرض مذکور تکلیف دینی و اخلاقی کسانی که قبلاً به شخص دیگری قول داده اند یا سوگند یاد کرده

اند، چیست؟

ج. قول و تعهد مزبور اثر ندارد و می توانند اصلح را انتخاب کنند و اللّه العالم.

احضار ارواح

۶۵۳۱. آیا احضار ارواح جایز است؟

ج. اگر ایذای روح مؤمن نباشد، مانند این که به اختیار حاضر شود نه به اجبار و الزام و باعث ضرر مرض آور بر شخص خواب شده، نباشد مانعی ندارد.

نگهداری سگ در منزل

۶۵۳۲. نگهداری سگ در منزل چه حکمی دارد؟

ج. کراهت دارد.

شرکت نکردن در فعالیت های سیاسی

۶۵۳۳. آیا عدم شرکت در فعالیت های سیاسی تخلّف محسوب می شود؟

ج. خیر.

کفاره ترک قسم

۶۵۳۴. کفاره ترک قسم چیست؟

ج. یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را سیر کند یا آنان را بپوشاند و اگر نتواند آنها را انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

کفاره سوگند دروغ

۶۵۳۵. کفاره سوگند دروغ چیست؟

ج. باید توبه کند ولی کفاره ندارد.

دوستی با فردی که از گردن بند طلا استفاده می کند

۶۵۳۶. اگر مردی به قصد زینت از گردن بند طلا استفاده کند، آیا دوستی با او اشکال دارد؟

ج. دوستی ای که سبب ارشاد و هدایت او شود، خوب است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹